



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن  
علیه صاب

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

۹

علم مفادیم شناسی  
در قرآن



نویسنده: رسول ملکیان اصغرنانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# علم مفاهیم شناسی در قرآن

نویسنده:

رسول ملکین اصفهانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۸	علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد نهم - حرف خ
۸	مشخصات کتاب
۸	مقدمه
۲۵	خائنان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۴۸	خادم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۵۴	خاشاک از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۵۶	خاشعان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۷۸	خاضعان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۲۴	خاک از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۴۲	خالق از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۴۸	خالقیت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۹۶	خاله از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۹۹	خانوادگی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۴۲۲	خانواده از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۵۶۶	خانه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۶۳۷	خانه سازی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۶۴۴	خبثت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۶۶۰	خبر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۶۷۶	خجالت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۶۸۰	خداپرستان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۶۸۶	خداترسان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۷۱۸	خدانشناسی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۷۷۷	خدمات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

۷۸۲	خرافات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۷۹۹	خرما از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۸۱۷	خروس از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۸۱۸	خسارت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۸۲۵	خشکسالی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۸۳۴	خشتودی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۸۴۴	خشونت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۸۵۲	خشیت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۸۸۸	خضر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۹۸۴	خط از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۹۸۸	خطا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۰۴۴	خطر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۱۲۹	خلافت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۱۴۸	خلقت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۵۸۲	خمر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۶۰۲	خمس از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۶۰۹	خنده از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۶۱۷	خواب از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۶۵۳	خواسته از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۸۷۲	خواهر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۸۹۱	خوبان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۸۹۶	خود از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۹۹۹	خودکشی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۰۰۵	خوردن از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۰۷۱	خورشید از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۱۵۲	خورشید پرستی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

- ۲۱۵۴ ----- خوشرفتاری از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۲۱۶۵ ----- خوشگذرانی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۲۱۶۸ ----- خوشنامی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۲۱۹۲ ----- خوک از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۲۲۰۲ ----- خون از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۲۲۱۳ ----- خویشاوندان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۲۳۵۳ ----- خیال پردازی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۲۳۶۰ ----- خیانت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۲۴۲۶ ----- خیر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۲۵۸۰ ----- درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: رسول ملکیان اصفهانی، ۱۳۴۴

عنوان و نام پدیدآور: علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد نهم - حرف خ / رسول ملکیان اصفهانی

مشخصات نشر دیجیتال: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه

تلفن همراه مولف : ۰۹۱۳۱۱۴۰۱۴۰

موضوع: علم - مفاهیم قرآنی

رده بندی کنگره : ۵۲/BP۶۵/۴

رده بندی دیویی : ۳۷۲/۲۱ د ۵۷۷۴ ۱۳۹۰

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

علم مفاهیم شناسی قرآن

۱- قرآن کتاب خداست که برای هدایت ناس و بشروانسان و مسلمان و مومنین و متقین نازل شده است ؛ و از معجزات جاویدان محسوب می شود ؛ چه انسانهای مومن و خدا جوئی که با معرفت و عمل به این کتاب آسمانی به سعادت رسیدند و چه دانشمندان بزرگی که در طول بیش از چهارده قرآن برای فهم و نشر معارف این کتاب کریم عمر خود را گذاشته اند. هر زمانی که از این کتاب می گذرد تازه هائی از معارف این کتاب الهی کشف می گردد و این جریان همچنان ادامه دارد. در پرتو این تلاشهای شایسته علمی زیادی از معارف و علوم قرآنی برای ما به یادگار باقی مانده است . که از مهمترین آن می توان از تفسیر قرآن نام برد. این علم بر اساس مقدماتی از علوم است مثل مفردات قرآن.

شاید بتوان گفت علم مفاهیم شناسی قرآن حد واسط بین معنی کلمه (علم مفردات) و (علم تفسیر قرآن) است. علم مفاهیم شناسی قرآن یک علم جدیدی است که نه می توان علم مفردات قرآن آن را دانست زیرا فراتر از آن است و نه می توان آن را علم تفسیر نامید زیرا اساسا با آن متفاوت است.

تفسیر به معنای «دانش تفسیر»، یعنی علمی که دارای ارکان مشهور علم (موضوع، مسائل، مبادی تصویری و تصدیقی) است و



تفسیر دارای موضوع، تعریف، هدف، فایده،

پیش‌انگاره‌ها (مبانی و مبادی) و ... است. از این رو، تفسیر از علوم مرتبط با قرآن به شمار می‌آید که بیش از هزار سال عمر دارد.

علم تفسیر به دانشی گفته می‌شود که انسان را با معانی و مقاصد آیات قرآن و منابع، مبانی، روش‌ها، معیارها و قواعد آن آشنا می‌سازد.

به عبارت دیگر، دانش تفسیر از چند بخش اساسی تشکیل می‌شود: (۱) مبانی تفسیر؛ (۲) قواعد تفسیر؛ (۳) منابع تفسیر؛ (۴) شرایط مفسر؛ (۵) سنجه‌های فهم تفسیر و معیارهای تفسیر معتبر؛ (۶) روش‌های تفسیری؛ (۷) گرایش‌ها (مکاتب) تفسیری.

موضوع علم تفسیر: آیات قرآن (سخنان الهی که در قالب وحی قرآنی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است).

هدف دانش تفسیر: کسب توان استنباط صحیح از آیات قرآن.

فایده علم تفسیر: فهم مراد استعمالی (معانی آیات) و مراد جدی خدا (مقاصد آیات).

۲- اگر مفاهیم قرآن خوب تبیین و توصیف شود مقدمه تفسیر خواهد شد و تفسیر قرآن از غنای بیشتری برخوردار خواهد شد. این دانش که مربوط به مجموعه دانشهای نوین زبانشناسی است می‌باشد. زبانشناسی بیشتر ناظر به کلام انسانی است که در دوره‌های مختلف شامل کلام‌های مقدس (کتابهای آسمانی) نیز شده است. زبان‌شناسی شامل: زبان‌شناسی نظری؛ آواشناسی؛ واج‌شناسی؛ واژه‌شناسی؛ ساخت‌واژه؛ نحو؛ معناشناسی؛ معناشناسی واژگانی؛ معناشناسی آماری؛ معناشناسی ساختاری؛ سبک‌شناسی؛ تجویز و توصیف؛ کاربردشناسی؛ زبان‌شناسی کاربردی؛ اکتساب زبان؛ زبان‌شناسی روان‌شناختی؛ زبان‌شناسی جامعه‌شناختی؛ زبان‌شناسی شناختی؛ جامعه‌شناسی زبان؛ زبان‌شناسی محاسباتی؛ زبان‌شناسی توصیفی؛ زبان‌شناسی تاریخی؛ زبان‌شناسی تطبیقی؛ رده‌شناسی زبان؛ دستورگشتاری؛ ریشه‌شناسی. و همچنین توجه به نظریات هرمنوتیک و متودولوژی

می تواند تاثیرات خوبی در مباحث شناخت قرآن داشته باشد و فضاهای جدید تحقیقات قرآنی ایجاد نماید.

۳- اگر تفسیر ما از پیشرفت مناسبی برخوردار نیست دلیل عمده آن این است که روی مقدمات تفسیر کارهای اصلی صورت نگرفته است. این مسئله برای هر کس که با تفسیر قرآن آشنا باشد بدیهی است. برای روشن شدن زوایای پنهان و آشکار قرآن بیش از ده هزار کتاب نوشته شده است ولی می توان به جرات گفت مسلمانان و بشرهنوز به صورت کامل از این ذخیره الهی بهره لازم را نبرده است و استخراجات لازم را از این گنج الهی نکرده است.

۴- بعضی آیات قرآن قرن‌ها از نظر تفسیری هیچ پیشرفتی نداشته است. و مثل آن است که تفاسیر از روی هم بازنویسی کرده اند و اگر حرف تازه ای هم زده شده است بیشتر جنبه فرقه ای و گرایشی داشته که اکثرا به تاویل آیات و یا بهتر بگوئیم تفسیر به رای شده است. چگونه می توان یک آیه و یا یک سوره را خوب تفسیر کرد در صورتی که زوایای آشکار و پنهان کلمات خوب کالبد شکافی نشده باشد. برای آشکار شدن این مدعی تفاسیر قرآن را بر اساس قرون طبقه بندی کرده و سیر پیشرفت معانی و مفاهیم و تفاسیر آیات را در آن بر اساس استانداردهای علمی و روش های نوین بررسی کنید.

۵- متأسفانه در زمان معاصر که به این مسئله مهم یعنی مفاهیم آیات کمی توجه شده است بعضی آن را با شرح لغت اشتباه گرفته اند و کتابهایی به همین نام تالیف شده است و اسم کتاب خود را مفاهیم قرآن گذاشته اند و حال آنکه اصلا به مفاهیم نپرداخته اند و یک مقدار بیشتر از حد معمول از ترجمه لغت فرارفته اند و در این زمینه مراکز

قرآنی و علمی را نیز به اشتباه انداخته اند.

۶- علم مفردات یا واژه شناسی در قرآن دانشی است که در باره تک واژه های قرآنی از نظر ریشه اشتقاق لغوی و دلالت آن بر معنای مطلوب مناسب و نوع کاربرد آن در قرآن بحث می کند بدین منظور که هرگاه شخصی معنای واژه های قرآنی را نمی داند با مراجعه به کتابهای لغوی مانند مفردات راغب می تواند معنا و ریشه موارد اشتقاقی و نوع کاربرد آن را بشناسد. و حال آنکه علم مفاهیم شناسی قرآن درباره یک واژه و معنای آن در تمام حالات علمی و ادبی در قرآن بحث می کند با این توضیح تفاوت عمده و عمیق علم مفردات با علم مفاهیم تا حدودی روشن شد.

علم مفردات شاخه های فراوانی دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

الف- دانش غریب القرآن

ب- معرب القرآن که در آن در مورد واژه هایی که از زبانهای دیگر به زبان قرآن وارد شده و به صورت عربی در آمده بحث می کند.

ج- اعراب القرآن در خصوص چگونگی اعراب الفاظ قرآن بحث می کند

د- مجازات قرآن انواع مجازهای به کار رفته در قرآن در این شاخه بحث می شود.

ه- وجوه و نظائر در قرآن

و بعضی دیگر از موضوعات علوم قرآن که بنوعی با مفردات قرآن سرو کار دارد.

دانشمندان بزرگی به تبیین واژه های قرآنی پرداخته اند و برخی از آنها کتابهایی را نیز تدوین نموده اند که تفصیل آنها در کتابهای رجال مانند: معجم الادباء، تاریخ بغداد، فهرست ابن ندیم، اعلام زرکلی و..... آمده است.

برای آگاهی از این کتابها می توانید به مجله بینات

شماره هفت و نه مراجعه کنید که بیش از سیصد جلد کتاب معرفی شده است.

۷- مفاهیم قرآن به معنای تحقیق کامل و جامع در باره بنیان آشکار و نهان یک لغت است؛ و بررسی سابقه و شرح آن در کل مجموعه آیات قرآن است. و همچنین تمام کاربردهای علمی و ادبی آن را بررسی کردن است. و این تقریباً یک علم کاملاً جدید درباره قرآن است. زیرا باید نقش یک مفهوم را در تمام قرآن در قالب یک کلمه و ارتباطات آن مشخص کرد. تحقیق درباره مفاهیم شناسی قرآن کار ساده ای نیست و افراد باید صاحب تخصص های گوناگونی باشند. و بصورت گروهی کار کنند. مفهوم شناسی قرآن بعد از آشنائی علوم ادبی و منطقی و فلسفی و عرفانی و تاریخی و فقهی و غیره برای محققین حاصل می شود. تازه این بررسی نقش یک کلمه و مفهوم در قرآن است؛ حال آنکه اگر ما خواستیم نقش مفهوم یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره را نسبت به یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره دیگر بررسی کنیم؛ ببینید چه نیروی انسانی دانشمند و چه سرمایه مالی هنگفت و چه تکنولوژی (ابرایانه) و امکانات نرم افزاری و علمی و سخت افزاری نیاز است. ولی به هر حال کاری است که باید در آینده نزدیک انشاء الله بشود.

۸- قرآن را می توان مثل قطعات متنوع هندسی (Magnets game) فرض کرد که به بی نهایت اشکال قابل تصور است اگر شما به یک آجر در یک ساختمان بسیار بزرگ و چند هکتاری توجه کنید و نقش این آجر در کل مجموعه را بررسی کنید یک تصور مفهومی بدست آورده اید که جایگاه و معنای آن را در منظومه

این ساختمان به شما نشان می دهد و تصور بود و نبود آن در این منظومه به کل آن می تواند کمک کند و یا آسیب برساند. پس باید در نظر داشت هر یک از کلمات قرآن مفهومی در بردارد که با تمام کلمات و جملات قرآن ارتباط دارد ارتباطی که در طول تاریخ تفسیر قرآن کشف نشده است. و از این مینا استنتاجات بسیاری می توان استخراج کرد که در لابلای بعضی از تفاسیر آمده است.

۹- البته شاید بتوان گفت مفاهیم قرآن یک رشته جدید در علوم و معارف قرآن است و مربوط به دوران معاصر است زیرا که بسیاری از علوم در حدود نیم قرن جدید تحولات جدی بخود گرفته اند. با استفاده از ابزار و امکانات جدید بویژه رایانه و برنامه ریزی برای آن می توان به این علم دسترسی پیدا کرد. این علم بصورت رسمی هنوز وارد حوزه و دانشگاه نشده است و مطالب آن بصورت گسیخته در ضمن مطالب دیگر بیان می شود. هراستادی با توجه به شناخت نسبی خود از آن بحث می کند و بسیاری آن را بعنوان یک علم قرآنی نه می شناسند و نه قبول دارند. اینجانب بعد از حدود سی سال آشنائی با علوم دینی و اسلامی و قرآنی و بعد تمرکز بر روی این موضوع (علم مفاهیم شناسی قرآن) و کشف آن در تفسیر شریف راهنما به این امر خطیر نائل شدم و خداوند رحیم افق نور دیدن آن را بمن نشان داد. و این چیزی بود که بصورت متفاوت در بعضی مکتوبات قرآنی با آن برخورد می کردم که خود داستانهای زیبا و دلنشینی دارد. خیلی دوست داشتم با قرآن مانوس باشم و روزانه چندین نوبت تلاوت داشته باشم ولی بعضی از مواقع یک کلمه و یا یک جمله قرآن و نقش آن

در کل قرآن فکرو دل من را بخودش مشغول می کرد و ساعتها و روزها وقت مرا می گرفت و رهایم نمی کرد؛ نمی توانستم از آن مفهوم کلمه و جمله و آیه دلم را جدا بکنم؛ هر لحظه و زمانی که می گذشت رخ جدیدی از آن برایم کشف می شد ولی همیشه دوست داشتم یک راهی پیدا کنم که آن را به صورت علمی در معرض دیگران قرار دهم؛ ولی عظمت کارونداشتن ابزار و امکانات لازم من را از آن باز می داشت تا اینکه این توفیق نسبی برایم حاصل شد. و برای همین همیشه درحیرتم که قلب مقدس اشرف و اکرم واعظم انبیاء یعنی حضرت محمد مصطفی (ص) چگونه این حجم با عظمت معنوی را در سینه مبارکشان داشتند و آن را حمل می کردند. آری این کلمات و آیات الهی است که بی نهایت بار قابل استناد و استدلال و فیض جاری است و هنرنمایی می کند. کاری که از عهده هیچ مجموعه و دستگاه علمی بر نمی آید. کاریکه من انجام داده ام کاری است که اصل زحمت آن را دانشمندان اسلامی در تفسیر قیم راهنما انجام داده اند و من فقط آن را دیده و استخراج و تالیف کرده ام؛ هر چند که قبل از من به این صورت کسی انجام نداده است.

۱۰- از خوبیهای علم در دوران جدید این است که آنچه را در تصور ذهن و یا کشف دل و یا توهم و یا خیال بود امروز می توان بصورت علم در آورد و به معرض نمایش و عموم گذاشت. شما نگاه کنید در زمان ما مسائلی حتی مثل طی الارض و روی آب راه رفتن و نامرئی شدن و صدها

نمونه از این دست به صورت علمی دسته بندی و طبقه بندی شده است. چه برسد به علمی که از قواعد و ضوابط مثل تفسیر قرآن برخوردار است.

۱۱- بسیاری از تفاسیر که در دوران قدیم نوشته شده است در محدوده علم آموزی و دانش یک فرد و بسته به نوع کتابهای تفسیری و امکاناتی که در اختیار داشته و گرایش و هدفی که داشته است. در صورتیکه در زمان معاصر باید از نوشتن تکراری و بیهوده این تفاسیر خوداری کرد و زیر نظر مجموعه ای از اساتید ، تفسیر همه جانبه نوشت. و حوزه های پژوهشی عظیمی به این امر مهم اختصاص یابد. امید است در آینده حوزه های علمی بزرگ و دانشگاههای بزرگ قرآنی در راستای آموزش و پژوهش های قرآنی بیش از آن چیزی که امروز وجود دارد تاسیس شود.

۱۲- داشتن روش هدفمند و اصولی و رعایت آن در طول نگارش تفاسیر از نکات مهمی است که مفسرین باید رعایت کنند. زیرا مفسرین بزرگ قرآن بعضی از موارد یک مفهوم را در یک جای قرآن به یک معنا گرفته اند و در جاهای دیگر قرآن از آن عدول کرده اند مثل آن است که یک جا در قرآن ما کلمه (صلوة) را به این شکل و در جاهای دیگر قرآن بصورت (صلاة) بنویسیم. اگر ما توانستیم به معنای واقعی و مفهوم (روح) یا (امر) یا (امام) و .... در قرآن برسیم باید با این ملاک واحد در کل قرآن به تحقیق پردازیم.

۱۳- اگرخواستیم عظمت قرآن را در نظر بگیریم باید اینطور تصور کرد که تمام عالم هستی دو بار تکرار شده است یکبار بصورت عینی در عالم خارج و یکبار بصورت مکتوب به صورت قرآن و اگر گفته عرفاء را به آن اضافه کنیم به این صورت است که وجود انسان قرآنی (کامل) دو چهره دارد یکی به صورت عینی یعنی جهان خارج و دیگری بصورت مکتوب یعنی قرآن.

۱۴- قرآن کریم در آیه ی بیست و یکم



سوره ی حجر به سرچشمه و منبع موجودات و نزول معین آنها اشاره کرده، می فرماید:

(وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ)

و هیچ چیزی نیست جز آن که منابعش نزد ماست؛ و [لی] جز به اندازه معین آن را فرو نمی فرستیم.

«خزائن» در اصل به معنای حفظ و نگه داری چیزی است و در اصطلاح به معنای محلی است که افراد، اموالشان را در آن گردآوری و حفظ می کنند.

این مفهوم در مورد انسان ها صادق است که قدرت محدود دارند و نمی توانند در هر عصری همه چیز را فراهم کنند، اما در مورد خدا تصور نمی شود.

پس خزاین الهی، یا به معنای «مقدورات الهی» است؛ یعنی همه چیز در منبع قدرت الهی جمع است و هر وقت بخواهد هر مقدار که لازم باشد ایجاد می کند و یا به معنای مجموعه ی اموری است که در عالم هستی و جهان ماده وجود دارند؛ مثل عناصر و اسباب، که در این مجموعه همه چیز فراوان است، اما هر موجود خاص آن به صورت محدود ایجاد می شود.

قرآن خداوند نیز از همین سنخ است که متصل به دریای بی کرانه وجود خداوند است و هر وقت خداوند بخواهد مقداری از معنای آن را برای ما ایجاد می کند. و چهره کامل آن در زمان حکومت ولی عصر (عج) ظهور می کند. انشاء الله.

۱۵- قرآن کریم در آیه ی چهل و یکم سوره ی بقره با اشاره به رابطه ی قرآن با کتب آسمانی پیشین، چهار فرمان در مورد پاس داشت قرآن می دهد و می فرماید:

(وَآمِنُوا بِمَا أَنْزَلْنَا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أُولَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ)

و به آنچه فرو

فرستادم (/قرآن) ایمان آورید، در حالی که مؤید چیزی است که با شماست. و نخستین انکار کننده آن نباشید؛ و بهای اندک را با آیات من مبادله نکنید؛ و تنها (از عذاب) من (خودتان) را حفظ کنید.

خداوند می فرماید قرآن را ارزان نفروشید قدر و قیمت و عظمت آن را دریابید و برای رسیدن به آن بهای لازم را بپردازید. هرآیه قرآن مثل عروسی بلند مرتبه ای است که تا بهای آن پرداخته نشود رخ نمی نماید بعضی از موارد این بهاء به قیمت جان و حقیقت انسان است. کسانی که خادم قرآن هستند باید همیشه این را مد نظر داشته باشند.

عروس حضرت قرآن نقاب آن گه براندازد که دارالملک ایمان را مجرد یابد از غوغا

(سنائی)

۱۶- در این قسمت برای اینکه وظیفه ما نسبت به قرآن مشخص شود سخن رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی در دنیای معاصر حضرت امام خمینی (ره) را می آورم: (جلد بیستم صحیفه امام خمینی (ره) - صفحه ۹۱ تا ۹۳ - پیام به مردم زائران بیت الله الحرام به مناسبت ایام حج "مهجوریت حج ابراهیمی"):

(از انس با قرآن کریم، این صحیفه الهی و کتاب هدایت، غفلت نوزند که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده از برکات سرشار این کتاب مقدس است. و از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که تبیان کل شیء است و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تاییده است، غفلت نفرمایند. این کتاب آسمانی - الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسما و صفات و آیات و بینات است

و از مقامات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جامع من خوطب به از اسرار آن کسی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقدس و به تعلیم او خلص اولیای عظام دریافت آن نموده اند و به برکت مجاهدات و ریاضت‌های قلبیه ، خلص اهل معرفت به پرتوی از آن به قدر استعداد و مراتب سیر بهره مند شده اند و اکنون صورت کتبی آن ، که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب ، بی کم و کاست و بدون یک حرف کم و زیاد به دست ما افتاده است ، خدای نخواستہ مباد که مهجور شود و گر چه ابعاد مختلفه آن و در هر بعد مراحل و مراتب آن از دسترس بشر عادی دور است لکن به اندازه علم و معرفت و استعداد های اهل معرفت و تحقیق در رشته های مختلف ، به بیانها و زبانهای متفاوت نزدیک به فهم از این خزینه لایتناهای عرفان الهی و بحر موج کشف محمدی -صلی الله علیه و آله و سلم - بهره هایی بردارند و به دیگران بدهند و اهل فلسفه و برهان بابررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسائل عمیق گذشته ، براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده ، در دسترس اهلش قرار دهند. و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشحه و جرعه ای از آنچه قلب عوالم از "ادب‌بنی ربی" دریافت فرموده ، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مودب به آداب الله تا حد میسور نمایند. و متقیان تشنه هدایت بارقه

ای از آنچه به نور تقوا از این سرچشمه جوشان هدی للمتقین هدایت یافته اند، برای عاشقان سوخته هدایت الله به ارمغان آورند. و بالاخره هر طایفه ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن را برآورند و در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است؛ از عرفان و فلسفه تا ادب و سیاست، تا بیخبران نگویند عرفان و فلسفه بافته ها و تخیلاتی بیش نیست و ریاضت و سیر و سلوک کار درویشان قلندر است، یا اسلام به سیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که این کار سلاطین و روسای جمهور و اهل دنیا است. یا اسلام دین صلح و سازش است و حتی از جنگ و جدال با ستمکاران بری است. و به سر قرآن آن آورند که کلیسای جاهل و سیاستمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم الشان آوردند.

هان ای حوزه های علمیه و دانشگاههای اهل تحقیق! بپاخیزید و قرآن کریم را از شر جاهلان متنسک و عالمان متهتک که از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته ومی تازند، نجات دهید. و اینجانب از روی جد، نه تعارف معمولی، می گویم از عمر به بادرفته خود در راه اشتباه و جهالت تاسف دارم. و شما ای فرزندان برومند اسلام! حوزه ها و دانشگاهها را از توجه به شئون قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن

بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته ای از آن را محط نظر و مقصد اعلامی خود قرار دهید. مبدا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده ها پشیمان و تاسف برایام جوانی بخورید همچون نویسنده .

باید بدانیم حکمت آنکه این کتاب جاوید ابدی که برای راهنمایی بشر به هر رنگ و ملیت و در هر قطب و قطر، تا قیام ساعت نازل گردیده است ، آن است که مسائل مهم حیاتی را چه در معنویات و چه در نظام ملکی زنده نگه دارد و بفهماند که مسائل این کتاب برای یک عصر و یک ناحیه نیست . )

۱۷- منطق شیوه ی تفکر صحیح را می آموزد حال اگر کسی بخواهد اندیشه ها و تفکرات خود را به دیگری منتقل کند. یعنی بخواهد از آنچه در ذهن خودش می گذرد دیگری را آگاه سازد ناچار از سخن استفاده می کند، یعنی الفاظ را برای افاده ی مقصود خود به کار می برد.

مردم عادی چنین می پندارند که انسان نخست می اندیشند سپس اندیشه های خود را در قالب الفاظ بر زبان می آورد. اما با کمی دقت نظر معلوم می شود که اساساً تفکر بدون استعمال الفاظ امکان پذیر نیست. حتی وقتی که آدمی لب را از سخن فرو بسته و به اندیشه فرورفته باشد، باز در واقع با یک سلسله الفاظ مختل به تفکر می پردازد و به قول حکما، گویی با خود «حدیث نفس» یا نجوا می کند، به همین جهت است که تفکر و تعقل را نطق باطن می نامند (در مقابل نطق ظاهر

که با الفاظ مسموع انجام می یابد) پرورش ذهنی و فکری آدمی و از قوه به فعل درآوردن استعدادهاى معرفتى او جز به کار بردن لفظ امکان پذیر نیست. پس زبان اولاً توأم و همراه با اندیشه هاى درونى آدمى است. ثانياً موجب انتقال دانش و فرهنگ و تمدن به دیگران است و آموزش و پرورش بدون استعانت از آن امکانپذیر نیست. همین نیاز مبرم آدمى به زبان موجب شده است که به وضع الفاظ بپردازد و در برابر هر معنایی لفظی را که نمایانگر آن معنی باشد قرار دهد.

چنانکه معلوم است هر لفظ مسموع صوتی است که در هوا پخش می شود و به سرعت محو می گردد. یعنی علامتی است فرار و ناپایدار که عمر آن لحظه ای بیش نیست و فقط هنگام رویارویی با دیگران بکار می رود. اما آدمی مایل است افکار و اندیشه ها و خواسته هاى خود را به مکانهای دور دست و به آیندگان و کسانی که با او رویاروی نیستند نیز برساند. به همین جهت به وضع الفاظ بسنده نکرده و یک سلسله علائم دیگر نیز وضع کرده که همان خط یا علائم مکتوب یا الفباست. علائمی به مراتب پایدارتر و ثابت تر از الفاظ، این علائم مکتوب را نشان و دال بر الفاظ قرار داده است.

بنابراین علائم مکتوب یا خط یا وجود کتبی دلالت بر حفظ، یعنی اصوات معین، دارد. به عبارت مختصرتر وجود کتبی دال بر وجود لفظی است، همانطور که وجود لفظی دال بر معنای ذهنی است و معنای ذهنی دال بر شیء خارجی.

وجود کتبی (علائم کتبی یا خطی) - وجود لفظی

(علایم ملفوظ یعنی اصواتی که با اتکاء به مخارج حروف از دهان خارج می شود) - وجود ذهنی (معنی ذهنی یا صورت ذهنی) - وجود عینی (وجود خارجی یا شی خارجی)

به عبارت موجزتر شیء دارای چهار نحوه وجود است. وجود عینی و وجود ذهنی و وجود لفظی و وجود کتبی. از آنجا که نقش الفاظ در تفکرات آدمی تا این درجه است. منطق دانان در آغاز منطق مباحثی را نیز به الفاظ اختصاص می دهند و البته بحث آنها از الفاظ بحثی است بسیار کلی به نحوی که کم و بیش شامل همه زبانها می شود. بر خلاف بحث علمای دستور زبان که اختصاص بزبانی معین دارد. (علم منطق - رشته های نظری و علوم انسانی و معارف اسلامی)

براین اساس وجود لفظی و کتبی را اعتباری و وجود ذهنی و عینی را حقیقی می دانند.

اگر بر این مبنا به قرآن رانگاه کنیم؛ فعالیت های علمی و قرآنی ما از چهار حالت خارج نیست:

الف- وجود لفظی قرآن که شامل روخوانی؛ روان خوانی؛ تندخوانی؛ صوت و لحن؛ علم تجوید؛ انواع قرائات قرآنی؛ حفظ ظاهری قرآن؛ و تمام فعالیت هایی که در این حوزه لفظی قرآن می شود.

ب- وجود کتبی قرآن که شامل انواع رسم الخط و نوشتن قرآن؛ چاپ قرآن؛ تمام کارهای هنری مربوط به قرآن.

ج- وجود ذهنی قرآن یعنی آنچه در ذهن مردم مسلمان یا جامعه بشری یا مفسر و محقق قرآن وجود دارد و بر روی آن تدبر و تفکر می کند و آن را نشر و ارائه می دهد. و شامل تمام تفاسیر و معارف و علوم قرآنی می شود.

د- وجود عینی قرآن که به دو صورت جلوه می کند یا بصورت فردی که در یک انسان قرآنی در خارج مصداق پیدا می کند و

حقیقی ترین آن امام معصوم است که واقعیت قرآن و مظهر عینی کامل قرآن در عالم خارج است و قرآن ناطق است و در زمان ما حضرت امام ولی عصر (عج) می باشد و یا بصورت جمعی تجلی و ظهور پیدا می کند که جامعه اسلامی و قرآنی و حکومت اسلامی مهدویت است که انشاء الله در آینده ما شاهد و عامل آن خواهیم بود.

به هر حال هر کس که عالم و خادم قرآن باشد بصورت حصر عقلی از یکی از این چهار قسم خارج نیست؛ و کسیکه در حوزه علم مفاهیم شناسی قرآن فعالیت و تحقیق و مطالعه می کند در بخش سوم (وجود ذهنی) جایگاه می یابد و وقتی در عرصه نشر مکتوب می پردازد در جایگاه دوم (وجود کتبی) فعال است.

اگر خواهیم توضیح مفصل دهیم که علم مفاهیم قرآن شناسی چیست؟ باید کتابهای مستقلی تألیف گردد؛ که امیدواریم این مهم در آینده نزدیک انجام گیرد.

۱۷- ما در اینجا بر اساس امکانات و ابزار و نرم افزارهای علمی بیش از هزار تا از کلمات قرآن را مفهوم شناسی و بر اساس حروف الفبا استخراج کرده ایم؛ باشد که انشاء الله در آینده این علم (مفهوم شناسی قرآنی) توسعه لازم را بنماید. از بین تفاسیر تفسیر راهنما را ملاک قراردادیم که نسبت به تمام تفاسیرهای قرآن بعضی از استانداردهای لازم را دارد که می توانید ویژگیهای آن را در مقدمه آن تفسیر شایسته و مهم بخوانید. باید توجه داشت که بعضی از کلمات مشترک لفظی و بعضی از آنها مشترک معنوی می باشند؛ و تعدادی از کلمات نیز عربی و فارسی می باشد؛ برای همین کسی که می خواهد مفهومی را بررسی کند لازم است یکدور فهرست کلمات را بررسی کند. این مجموعه کتاب مفاهیم شناسی قرآن بیشتر برای محققین و پژوهشگران قرآنی و کسانی که



می خواهند پایان نامه حوزوی و دانشگاهی تالیف کنند و یا علاقه به مباحث عمیق قرآنی هستند می باشد.

حوزه علمیه اصفهان

رسول ملکیان اصفهانی

## خائنان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خائنان

{خائنان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۸

۸ منافقان ، خائن به جبهه اسلام و مؤمنان و خوش خدمت به کافرانند .

قالوا ألم نستحوذ عليكم و نمنعكم من المؤمنين

<استحوذ> به معنای غلبه و استیلا است و مراد از جمله <و ان كان للكافرين .. الم نستحوذ> با توجه به سیاق آیه این است که منافقان پس از پیروزی کافران به آنان می گویند: در هنگامه جنگ ما بر شما استیلا داشتیم ولی شما را نکشتیم، بر این اساس جمله <نمنعکم من المؤمنین> به این معنا خواهد بود که بین شما و اهل ایمان حائل شدیم و نگذاشتیم آنان نیز به شما دسترسی پیدا کنند، تا پیروزی برای شما حاصل شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۸ - ۷

۷ پیمان شکنان و کسانی که در اندیشه شکستن پیمان های خویشند ، خائن و محروم از محبت خداوند هستند .

إن الله لايحب الخائنين

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <إن الله .. > تعلیل برای <فانبذ إليهم> باشد ؛ یعنی کسانی که در صدد پیمان شکنی هستند، خائنند و چون خداوند خائنان را دوست ندارد، تو ای پیامبر(ص) موظف هستی معاهده آنان را لغو کنی تا راه برای نبرد با آنان باز شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۲ اسیران جنگ بدر از خیانتکاران به دین خدا تا پیش از آن نبرد

و إن یریدوا خیانتک فقد خانوا اللّٰه من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ زنان اشراف مصر و متهم کنندگان یوسف (ع) به خیانت، از زمره خائنان بودند.

أن الله لایهدی کید الخائنین

مصدق مورد نظر برای <الخائنین> زلیخا و زنان اشراف و نیز درباریانی می باشند که تصمیم به زندانی کردن یوسف(ع) گرفتند (ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيات ليسجننه) آیه ۳۵.

آمرزش خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۰ - ۴

۴ خداوند آمرزنده گناه خیانتکاران و حامیان آنان، در صورت استغفار و توبه

هأنتم هؤلاء .. او یظلم نفسه ثم یتغفر اللّٰه یجدالله غفوراً رحیماً

با توجه به آیات قبل می توان گفت از مصادیق مورد نظر برای <من یعمل سوءاً> خیانتکاران هستند و حامیان آنان از مصادیق <یظلم نفسه> می باشند.

اغواگری خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۳ - ۷

۷ رهبران الهی در معرض توطئه و دسیسه های اغواکننده از سوی خائنان

ولا تجدل عن الذین یختانون أنفسهم .. و لولا فضل اللّٰه علیک و رحمته

توطئه خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۳ - ۴،۶،۷

۴ دسیسه ها و صحنه سازی های خائنان ، خطری در جهت به انحراف کشیدن دستگاه قضایی

لتحكم بين الناس بما اريكم الله

.. لهتم طائفه منهم ان يضلوك

آیه شریفه در حقیقت توصیه ای است به قاضیان که همواره مراقب توطئه گران و دسیسه بازان باشند تا مبادا آنان را به انحراف و خلاف حق بکشانند؛ چنانچه نسبت به پیامبر(ص) در قصه طعمه بن ابی ایبرق چنین پنداری را داشتند.

۶ فضل و رحمت الهی، مانع تأثیر دسیسه و زمینه سازی های خائنان در قضاوت پیامبر (ص)

لتحكم بين الناس . . . و لولا فضل الله عليك و رحمة لهتم طائفه منهم

۷ رهبران الهی در معرض توطئه و دسیسه های اغوا کننده از سوی خائنان

و لا تجدل عن الذين يفتنون أنفسهم . . . و لولا فضل الله عليك و رحمة

حفظ منافع خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۱۹

۱۹ قضاوت و داوری های به دور از معیار های تبیین شده در قرآن و سنت، تحکیم بخش اغراض و منافع خیانتکاران

إنا انزلنا إليك الكتب بالحق . . . بما اريك الله و لا تكن للخائنين خصيماً

حمایت از خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۱۸، ۱۷، ۱۶

۱۶ قاضی و دستگاه قضایی نباید در مسیر حمایت از خائنان قرار گیرد .

و لا تكن للخائنين خصيماً

<خصيم> به کسی گفته می شود که از ادعایی طرفداری می کند، و مراد از <خائنین>، به قرینه <لتحكم بين الناس>، کسانی هستند که در محضر قاضی مدعی امر باطل هستند و حق با طرف مقابل آنهاست.

۱۷ پشتیبانی و حمایت از خائنان، حرام است .

و لا تكن للخائنين خصيماً



از <خائنین> مطلق کسانی باشند که مرتکب خیانت شده اند، نه خصوص کسانی که در محاکم قضایی حاضر می شوند و مدعی امری باطل هستند.

۱۸ حمایت از خائنان ، انحراف از حق است .

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بِهِ .. وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا

جمله <و لا تکن ..> بیان مصداقی از <بالحق> است. یعنی از مسائل حقی که خواست قرآن است، پرهیز کردن از حمایت خائنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۷ - ۱۳، ۱۲

۱ هشدار خداوند به پیامبر (ص) در مورد دفاع از خائنان

لَا تَجِدُ لِلْإِنْسَانِ إِثْمًا

<جدال> هنگامی که به حرف <عن> متعدی شود، به معنای دفاع و طرفداری است.

۲ حرمت دفاع از خائنان

و لَا تَجِدُ لِلْإِنْسَانِ إِثْمًا

۱۳ دفاع از خائنین ، خیانت و گناهی بزرگ است .

و لَا تَجِدُ لِلْإِنْسَانِ إِثْمًا

مراد از <خواناً ائیماً> می تواند قاضیانی باشد که از خیانتکاران دفاع می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۹ - ۳، ۲، ۱

۱ دفاع از خائنان ، عملی نکوهیده و مورد توبیخ خداوند

هَأَنْتُمْ هَؤُلَاءِ جَدَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

کلمه <هولاء>، اشاره به خیانتکاران است.

۲ در روز قیامت ، هیچکس توان دفاع از خائن را در برابر خداوند ندارد .

هأنتم هؤلاء جدلتم .. فمن يجدل الله عنهم يوم القيمة

۳ تلاش برخی مسلمانان در صدر اسلام ، برای دفاع از خیانتکاران در پیشگاه پیامبر ( ص )

هأنتم هؤلاء جدلتم عنهم

با توجه به شأن نزول که



در مورد ابن ابیرق و دیگران وارد شده است.

۴ تبرئه خیانتکاران در دنیا، مانع گرفتاری آنان به عذاب اخروی نخواهد شد.

هَأَنْتُمْ هَؤُلَاءِ جَدَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَمَنْ يُجِدَلِ اللَّهُ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

خائنان اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۵ - ۶

۶ برخی از اهل کتاب، تنها با اعمال زور و قدرت تن به بازگردانی امانت خواهند داد.

إِلَّا مَا دُمْتُ عَلَيْهِ قَائِمًا

جمله <مادمت .. >، کنایه از مطلب فوق است.

خائنان به اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۹

۹ توبیخ منافقان، به خاطر حرکت های خیانت آمیز علیه اسلام و پیامبر (ص) با وجود برخورداری از تفضلات خدا و رسولش

وَمَا نَقْمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَيْهِمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۵

۵- مخالفت اهل کتاب با اسلام و پیامبر (ص)، مخالفتی خائنانه و نه از روی جهل و بی خبری \*

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ... مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى

می توان گفت: مراد از <الذین کفروا..> به قرینه <تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى> اهل کتاب است.

خائنان به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۹

۹ توبیخ منافقان ، به خاطر حرکت های خیانت آمیز علیه اسلام و پیامبر ( ص ) با وجود برخورداری از تفضلات خدا و رسولش

و ما نقموا

إلا أن أغنيهم الله ورسوله من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۵

۵- مخالفت اهل کتاب با اسلام و پیامبر ( ص ) ، مخالفتی خائنانه و نه از روی جهل و بی خبری \*

إن الذين كفروا و... من بعد ما تبين لهم الهدى

می توان گفت: مراد از <الذين كفروا..> به قرینه <تبين لهم الهدى> اهل کتاب است.

خائنان به یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ زنان اشراف مصر و متهم کنندگان یوسف (ع) به خیانت ، از زمره خائنان بودند .

أن الله لا يهدي كيد الخائنين

مصدق مورد نظر برای <الخائنين> زلیخا و زنان اشراف و نیز درباریانی می باشند که تصمیم به زندانی کردن یوسف (ع) گرفتند (ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيات ليسجننه) آیه ۳۵.

خائنان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۲ - ۱۲

۱۲ دوزخ ، جایگاه شوم ترک کنندگان جهاد ، خیانتکاران و آنانکه پیامبر ( ص ) را متهم به خیانتکاری می کنند .

إن الذين تولوا منكم ... و ما كان لنبی ان یغلّ ... کمن بآء بسخط من الله و م

خائنان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۱۶ - ۱۱، ۷۸، ۶

۶ روز رستاخیز ، عرصه حشر خیانتکاران به همراه آنچه ( اموال و ... ) در آن خیانت کرده اند .

و من یغلل

يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

در برداشت فوق، <باء> در <بما غلّ>، باء مصاحبت گرفته شده است.

۷ تجسم رفتار ناپسند خیانتکاران در روز رستاخیز

و من يغلل يأت بما غلّ يوم القيمه

برخی برآنند که مراد از <ما غلّ>، آن مالی که در دنیا مورد خیانت واقع شده، نیست؛ بلکه گناه خیانتکاری در قیامت تجسم می یابد و خیانتکار همراه آن گناه مجسم در صحنه قیامت حاضر می شود.

۸ رسوایی و مجازات خیانتکاران در قیامت

و من يغلل يأت بما غلّ يوم القيمه ثم توفى كل نفس ما كسبت

۱۱ خیانتکاران، دریافت کنندگان کامل (بدون کم و زیاد) جزای رفتار ناپسند خویش، در روز رستاخیز

و من يغلل .. ثم توفى كل نفس ما كسبت و هم لا يظلمون

۱۶ به مجازات رسیدن خیانتکاران در اموال امام در قیامت

و من يغلل يأت بما غلّ

امام صادق (ع): الغلول كل شيء غلّ عن الامام.

---

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۱۴۸؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۴، ح ۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۹ - ۲،۵،۶

۲ در روز قیامت، هیچکس توان دفاع از خائن را در برابر خداوند ندارد.

هأنتم هؤلاء جدلتم .. فمن يجدل الله عنهم يوم القيمه

۵ دادخواهی خداوند از خیانت پیشگان در قیامت

فمن يجدل الله عنهم يوم القيامة

۶ در قیامت ، مانعی در برابر اجرای حکم الهی در مورد خائنان نخواهد بود .

فمن يجدل الله عنهم يوم القيامة ام من يكون عليهم وكيلا

خائنان گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء

۱ خیانت پیشگان گنهکار ، علی رغم شرم از مردم ، از خدا شرم و پروایی ندارند .

يستخفون من الناس و لا يستخفون من الله

چون <استخفاء> (پنهان سازی) از خداوند مقدور نیست تا نهی و یا مذمتی به فعل و یا ترک آن تعلق گیرد؛ بنابراین <استخفاء> می تواند کنایه از <استحیاء> (شرم کردن) باشد.

خائنان مکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۷ - ۵

۵ خطر بهره برداری خیانتکاران نیرنگ باز از دستگاه قضایی در جهت خواسته های خویش

لتحكم بين الناس . . . و لا تجدل عن الذين يختانون انفسهم

خائنان و قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۷ - ۵

۵ خطر بهره برداری خیانتکاران نیرنگ باز از دستگاه قضایی در جهت خواسته های خویش

لتحكم بين الناس . . . و لا تجدل عن الذين يختانون انفسهم

خائنان و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۳ - ۳،۶،۸

۳ تلاش گروهی از خائنان برای به اشتباه انداختن پیامبر (ص) ، در قضاوت

هانتم هؤلاء جدلتم عنهم في الحيوة الدنيا . . . لهمت طائفه منهم ان يضلوك

اگر چه ظاهر جمله شرطیه <لولا... لهتم>، نفی تلاش است، ولی مراد از آن نفی تأثیر تلاش می باشد. یعنی تلاش آنان برای لغزاندن پیامبر(ص)، هیچگونه اثری نداشت و گویا اصلاً تلاشی در این جهت نکردند، این معنا با آیات قبل تأیید می شود.

۶ فضل و رحمت الهی ، مانع تأثیر دسیسه و زمینه سازی



های خائن در قضاوت پیامبر ( ص )

لتحكم بين الناس . . . و لولا فضل الله عليك و رحمته لهتم طائفه منهم

۸ کسانی که در صدد گمراه ساختن و به اشتباه انداختن پیامبر ( ص ) بودند ، تنها خود را به گمراهی و اشتباه افکندند .

لهتم طائفه منهم ان يضلوك و ما يضلون الا أنفسهم و ما يضررونك من شيء

خدا و مکر خائن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۹

۹ خداوند نخواهد گذاشت مکر و حيله خيانتکاران به فرجام رسد و به ثمر نشیند .

و أن الله لا يهدى كيد الخائنين

ذلت خائن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۸،۱۰

۸ ذلت و ناکامی ، فرجام خائن به خدا

فقد خانوا الله من قبل فأمكن منهم

۱۰ علم و حکمت گسترده الهی ، پشتوانه وعده الهی به ناکامی خائن به پیامبر ( ص ) و دین الهی

فقد خانوا الله من قبل فأمكن منهم و الله عليهم حكيم

شکست خائن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۱۰

۱۰ علم و حکمت گسترده الهی ، پشتوانه وعده الهی به ناکامی خائن به پیامبر ( ص ) و دین الهی

فقد خانوا الله من قبل فأمكن منهم و الله عليم حكيم

شكست مكر خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۹،۱۲

۹ خداوند نخواهد گذاشت مکر و حيله خيانتکاران به فرجام رسد و به ثمر نشیند .

و أن الله

## لایه‌دی کید الخائنین

۱۲ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی درصدد بود به پادشاه مصر ثابت کند که خیانتکاران هرگز به پیروزی نمی‌رسند و مکرشان فرجامی ندارد.

ذَٰلِكَ لِيَعْلَمَ .. أَنِ اللَّهُ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ

چنان چه گذشت عبارت <أَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي .. > عطف بر <أَنِي ... > است؛ یعنی: <ذَٰلِكَ لِيَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ ... >. این بدان خاطر بود که عزیز و یا پادشاه بداند که خداوند مکر خیانتکاران را به ثمر نمی‌نشانند.

صحنه سازی خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۳ - ۴

۴ دسیسه‌ها و صحنه سازی‌های خائنان، خطری در جهت به انحراف کشیدن دستگاه قضایی

لتحكم بين الناس بما اريكم الله .. لهتم طائفه منهم ان يضلوك

آیه شریفه در حقیقت توصیه‌ای است به قاضیان که همواره مراقب توطئه‌گران و دسیسه‌بازان باشند تا مبادا آنان را به انحراف و خلاف حق بکشانند؛ چنانچه نسبت به پیامبر(ص) در قصه طعمه بن ابی‌ایبرق چنین پنداری را داشتند.

عذاب اخروی خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۹ - ۴

۴ تبرئه خیانتکاران در دنیا، مانع گرفتاری آنان به عذاب اخروی نخواهد شد.

هَأَنْتُمْ هَٰؤُلَاءِ جَدَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَمَنْ يُجِدَلِ اللَّهُ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

عذاب خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۷ - ۱۱

۱۱- لحظه مرگ ، لحظه آغاز عذاب منافقان و خیانتکاران به اسلام

فکیف إذا توفّتهم الملائکه یضربون وجوههم و أدبرهم

عقیده خائنان

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۸ - ۲

۲ خیانت پیشگان گنهکار ، ناباور به نظارت و آگاهی خداوند بر اعمال انسانها

يستخفون من الناس و لا يستخفون من الله

پنهان سازی از خداوند نامعقول است. بنابراین جمله < و لا يستخفون من الله > می تواند اشاره به این معنا باشد که گناهکاران، در حقیقت خداوند را ناظر و آگاه به اعمال نمی دانند تا در صدد پنهان سازی اعمال ناروای خویش از او باشند.

فرجام خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۸

۸ ذلت و ناکامی ، فرجام خائنان به خدا

فقد خانوا الله من قبل فأمكن منهم

کفران خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۸ - ۶

۶ - خیانت کاران ناسپاس ، محروم از حمایت و محبت خداونداند .

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ

کیفر خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۸

۸ رسوایی و مجازات خیانتکاران در قیامت

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه ثمّ توفّی کلّ نفس ما کسبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۹ - ۶

۶ در قیامت ، مانعی در برابر اجرای حکم الهی در مورد خائنان نخواهد بود .

فمن یجدل الله عنهم یوم القیمه ام من یكون علیهم وکیلا

مبغوضیت خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۷ - ۷

۷ خداوند ، خیانتکاران گناهکار را

دوست ندارد .

إِنَّ اللَّهَ لَا يَحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَانًا أَثِيمًا

محرومیت خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۸ - ۶

۶ - خیانت کاران ناسپاس ، محروم از حمایت و محبت خداونداند .

إِنَّ اللَّهَ لَا يَحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ

محمد(ص) و خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۷ - ۱

۱ هشدار خداوند به پیامبر (ص) در مورد دفاع از خائنان

لَا تَجِدُ لِلَّذِينَ يُخَانُونَ أَنْفُسَهُمْ

<جدال> هنگامی که به حرف <عن> متعدی شود، به معنای دفاع و طرفداری است.

مرگ خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۷ - ۱۱

۱۱- لحظه مرگ ، لحظه آغاز عذاب منافقان و خیانتکاران به اسلام

فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأُذُنَهُمْ

مؤاخذه خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ دادخواهی خداوند از خیانت پیشگان در قیامت

فمن يجادل الله عنهم يوم القيمة

هشدار به خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ هشدار خداوند به خیانتکاران در امانت و ستمگران در قضاوت

انّ الله .. انّ الله كان سمیعاً بصیراً

### خادم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خادم

استیزان خادم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - آگاه نشدن خدمت کاران از وضعیت متناسب با خواب و استراحت ( برهنگی و خلوت ) صاحبان خود در اتاق هایشان ،  
فلسفه و حکمت تشریح حکم اذن گرفتن آنان برای



دیدار با صاحبان خویش

ليستئذنكم الذين ملكت أيمانكم .. من قبل صلوه الفجر ... و من بعد صلوه العشاء ثلث

اهتمام به تلاش خادم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۲ - ۸

۸- همراه شدن با خدمت کاران در تناول غذا و مدّ نظر داشتن تلاش و خستگی آنان، لازم است.

قال لفتيه ءاتنا غداءنا لقد لقينا من سفرنا هذا نصبا

تأمین نیازهای خادم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۲ - ۶

۶- مؤمنان، وظیفه دار بر آوردن نیاز های اولیه و طبیعی بردگان و خدمت گذاران خویش

و أنكحوا .. و الصالحين من عبادكم و إمائكم

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که از مورد آیه، الغای خصوصیت شود؛ چرا که ازدواج از مصادیق نیازهای اساسی و طبیعی انسان است و به نظر می رسد که نیاز به ازدواج، خصوصیتی ندارد و شامل هر نوع نیازی می شود.

خادم موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۰ - ۲

۲- موسی (ع) در جستار تحقیقی خویش برای یافتن خضر، با خدمت کار خود (یوشع (ع)) همراه بود.

و إذ قال موسی لفتیه لأبرح

<فتی> به معنای جوان است. در تعبیرات قرآن، از غلام و خدمت کار نیز با این تعبیر یاد شده است. لازم به ذکر است که بنابر برخی از روایات مأثور، همراه و همسفر موسی(ع)، <یوشع بن نون> وصی آن حضرت بوده است.



آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۲ - ۷

۷- موسی (ع) و جوان خدمت کار همراه او، در کنار هم و از یک نوع غذا می خوردند.

ءاتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هذا نصبًا

ضمایر جمع در تمام آیه، گویای همراهی و همدلی دو همسفر، حتی در تناول غذا است؛ زیرا، در غیر این صورت، باید برخی ضمایر را به صورت مفرد ذکر می کرد و مثلاً می گفت <آتنی غدائی>.

روش برخورد با خادم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۷

۷- زنان و مردان مؤمن، حق ندارند با وضعیت و پوشش متناسب با خواب و خلوت، در انظار خدمت کاران خویش ظاهر شوند.

لیستئذنکم الذین ملکت أیمنکم ... من قبل صلوه الفجر ... و من بعد صلوه العشاء ثلث

روش برخورد خادم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۲ - ۸

۸- همراه شدن با خدمت کاران در تناول غذا و مدّ نظر داشتن تلاش و خستگی آنان، لازم است.

قال لفتیه ءاتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هذا نصبًا

سختی استیذان خادم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۱۵

۱۵ - ضرورت معاشرت تنگاتنگ خدمت کاران با صاحبان خود و مشقت اجازه خواستن، فلسفه و دلیل لازم نبودن اذن

خواستن برای رفت و آمد نزدیک آنان در غیر از سه وقت مقرر

لیستندنکم . . . ثلث عورت لکم لیس علیکم و لا علیهم جناح بعدهنّ طوفون علیکم بعضکم

محرمیت خادم ساده لوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۲۴

۲۴ - پوشاندن زینت و مواضع آنها ( بدن ) از خدمت کارانی که ساده لوح اند و از بصیرت و عقل کامل برخوردار نیستند ، بر زنان مؤمن واجب نیست .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ.. أو التبیین غیر اُولی الإربه

یکی از معانی و موارد کاربرد واژه <إربه> بصیرت در امور و عقل است (لسان العرب و قاموس المحيط). بنابراین <غیر اُولی الإربه> یعنی، کسانی که ساده لوح اند و از عقل و بصیرت کافی، از جمله در امور جنسی، برخوردار نیستند و از چنین اموری کاملاً بی خبراند.

مسئولیت خادم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۱۰

۱۰ - رفت و آمد خدمت کاران به اتاق صاحبان خود ، در غیر از سه وقت پیش از طلوع فجر ، استراحت نیمروزی و هنگام خواب شب ، بدون اذن جایز است .

لیستئذنکم الذین ملکتم أیمنکم .. من قبل صلوه الفجر ... لیس علیکم و لا علیهم جنا

نعمت خادم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۰ - ۱۵

۱۵ داشتن همسر ، خادم و مسکن ، از نعمت های خداوند بر بنی اسرائیل

و جعلکم ملوکاً

از رسوا خدا(ص) در توضیح < جعلکم ملوکاً > در آیه فوق روایت شده: زوجه و مسکن و خادم. حدیث فوق در صدد بیان معنای تنزیلی برای <ملک> می باشد، چنانکه در عرف عامه نیز مرسوم است که می گویند هر کس همسر، خادم

و مسکن داشته باشد، پادشاه است.

الدر المثنور، ج ۳، ص ۴۷، سطر ۵.

## خاشاک از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خاشاک

تبدیل به خاشاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۵ - ۳

۳ - سیر صعودی و نزولی گیاهان و رویدن و تبدیل شدن آنها به خاشاک، نمونه ای از نظم تقدیر شده آفریده های خداوند است.

الذی قدر .. أخرج المرعى . فجعله غناء أحوی

تبدیل به خاشاک تیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۵ - ۱

۱ - تبدیل گیاهان سبز و خرّم، در زمانی کوتاه به خس و خاشاک تیره و سیاه فام، کار خداوند است.

فجعله غناء أحوی

<غناء> به گیاهان خشکی گفته می شود که روی سیلاب ها، قرار گرفته و جابه جا می شوند و <أحوی> به معنای سیاه پر رنگ است. (مفردات راغب)

تبدیل کافران به خاشاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۵

۵ - تبدیل شدن کافران حق ستیز به موجوداتی بی جان همچون خس و خاشاک در پی نزول عذاب

فجعلنهم غناء

<جعل> (مصدر <جعلنا>) در جمله بالا، به معنای گردانیدن و تغییر دادن از صورتی یا حالتی، به صورت یا حالت دیگر است. <غناء> نیز به خس و خاشاک روی آب گفته می شود.

تشبیه به خاشاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۵ - ۳

۳ - بارش سنگ \$ های پرندگان بر اصحاب فیل ، آنان را مانند گاه و خاشاک مرغزاری ساخت که حیوانات

در آن چرانده شده و ساقه های نرم شده گیاهان آن ، بر زمین مانده باشد .

فجعلهم كعصف مأكول

<عصف> یعنی، خاشاک گیاهی که خرد شده است (مفردات). توصیف آن به مأكول، به اعتبار خورده شدن مقداری از آن، در چرای حیوانات است.

### خاشعان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خاشعان

{خاشعان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۶ - ۳

۳ - کسانی که < بازگشت به خدا > را قبول دارند ، مردمی فروتن و منزّه از خود بزرگ بینی هستند .

إلا على الخشعين. الذين يظنون ... أنّهم إليه رجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۷

۱۷- زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی) ، از خاشعان در گاه الهی بودند .

و كانوا لنا خشعين

ایمان خاشعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۵ - ۹

۹ - باور به آسان شدن مشکلات در پرتو نماز ، حقیقتی که تنها خاشعان بدان ایمان دارند .

و استعينوا بالصبر و الصلوة و إنها لكبيره إلا على الخشعين



دشواری استعانت از نماز - که مقتضای برگشت ضمیر <إنها> به <استعانت> است - به معنای ناباوری به کارساز بودن نماز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۶ - ۶

۶ - خاشعان ، خویشان را در محضر خداوند و در حال بازگشت به او می بینند .

الذین یظنون أنهم ملقوا ربهم و أنهم إلیه رجعون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که: زمان <ملقوا ربهم> و نیز زمان <إلیه

راجعون > را زمان حال بدانیم نه زمان مستقبل

ویژگیهای خاشعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۵ - ۶، ۸، ۹

۶ - برپایی نماز کاری سنگین و دشوار مگر برای خاشعان و فروتتان

و إنها لكبيره إلا على الخشعين

ضمیر در <إنها> می تواند به <الصلاه> برگردد و نیز می تواند به <استعانت> - که از <استعینوا> فهمیده می شود - ارجاع شود. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است. گفتنی است که دشوار بودن نماز به معنای دشوار بودن برپایی آن است.

۸ - استعانت از صبر و نماز برای موفقیت و پیروزی ، امری دشوار جز برای خاشعان

و استعینوا بالصبر و الصلوه و إنها لكبيره إلا على الخشعين

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر در <إنها> به <استعانت> برگردد.

۹ - باور به آسان شدن مشکلات در پرتو نماز ، حقیقتی که تنها خاشعان بدان ایمان دارند .

و استعینوا بالصبر و الصلوه و إنها لكبيره إلا على الخشعين

دشواری استعانت از نماز - که مقتضای برگشت ضمیر <إنها> به <استعانت> است - به معنای ناباوری به کارساز بودن نماز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۶ - ۶

۶ - خاشعان ، خویشان را در محضر خداوند و در حال بازگشت به او می بینند .

الذين يظنون أنهم ملقوا ربهم و أنهم إليه رجعون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که: زمان <ملقوا ربهم> و نیز زمان <إليه رجعون> را زمان حال بدانیم نه زمان مستقبل

خشوع

آثار خشوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳

۷ رابطه اطاعت خاضعانه با پیراسته گشتن نفس از ناخالصی ها \*

اصطفیک . . . یا مریم اقتی

خداوند سه نعمت را به مریم ارزانی داشت: گزینش (اصطفیک)، تطهیر (طهرک) و سرآمد بودن (اصطفیک علی نساء العالمین). و در برابر این سه نعمت، سه مسؤولیت از وی خواست: قنوت، سجود، رکوع. به نظر می رسد هر یک از آن سه نعمت به ترتیب، مقتضی هر یک از این سه مسؤولیت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۹

۱۹- نقش مؤثر پیشی گرفتن در کار های نیک و دعای همراه با رغبت و امید و خشوع به درگاه الهی، در استجابت دعا

فاستجبنا له .. إنهم كانوا يسرعون فی الخیرت ... و كانوا لنا خشعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۱۸

۱۸ - شکیبایی و فروتنی، زمینه آمرزش را فراهم می آورد.

و الصبرین .. و الخشعین ... أعد الله لهم مغفره

آثار خشوع ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۴ - ۱۶

۱۶ تبری ابراهیم (ع) از < آزر >، علی رغم داشتن خویشاوندی با وی، تبلور خشوع عمیق او در برابر خدا

أنه عدو لله تبرأ منه إن إبرهیم لأواه حلیم

یکی از معانی که اهل لغت برای <أواه> برشمرده اند، خضوع و خشوع شدید است. یعنی ابراهیم(ع)، در برابر خدا بسیار خاضع و خاشع بود. برداشت فوق بدان احتمال است که جمله <إن إبرهیم لأواه>

برای بیان علت تبّری حضرت ابراهیم (ع) از آزر باشد.

آثار خشوع انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۸

۱۸- پیشی گرفتن در کارهای نیک، دعای همراه با رغبت و بیم و نیز خشوع پیامبران (ع)، عامل بهره مندی آنان از موهبت های الهی بود.

و لقد آیتنا موسی و هرون... إنهم کانوا یسرعون فی الخیرت... و کانوا لنا خش

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: ۱ ضمیرهای جمع در جمله <إنهم کانوا یسارعون...> به پیامبران بازگردد، چه این که آیات پیشین در مورد آنان بود. ۲ جمله <إنهم کانوا یسارعون...> و جملات بعد، در مقام تعلیل باشد.

آثار خشوع در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰ - ۳

۳ خشوع در نماز، اجتناب از لغو (گفتار بیهوده و کردار عبث)، پرداخت زکات، عفت و پاک دامنی، امانت داری، پابندی به عهد و پیمان و اهمیت دادن به نماز و انجام به موقع آن، تضمین کننده رستگاری اخروی و دستیابی مؤمنان به بهشت

قد أفلح المؤمنون . الذین هم... أولئک هم الورثون

آثار خشوع قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۲، ۱

۱ - یاد خداوند و ذکر عظمت و کبریایی او، تأثیرگذار در دل های نرم و خاشع

ألم یأن للذین ءامنوا أن تخشع قلوبهم لذكر الله

<خشوع> در مقابل <قساوت> (سختی و صلابت)، به معنای نرمی [قلب]

است.

۲ - تلاوت قرآن و شنیدن آیات آن ، اثربخش دل های نرم و خاشع

ألم يأن للذين ءامنوا أن تخشع قلوبهم .. و ما نزل من الحقّ

مقصود از <ما نزل من الحقّ> قرآن کریم است.

اهمیت خشوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۸ - ۷

۷ - اظهار خشوع و خضوع در برابر خدا - به هنگام تصرف بیت المقدس - از دستور های خداوند به بنی اسرائیل

و ادخلوا الباب سجداً

کلمه <سجداً> جمع ساجد و حال برای فاعل <ادخلوا> می باشد. از آن رو که سجده در حال ورود با معنای اصطلاحی آن (پیشانی بر خاک نهادن) سازگار نیست، می توان گفت: در اینجا معنای لغوی آن (خضوع و خشوع) اراده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۲۲

۲۲ ترس و خشیت ، تنها سزاوار مقام بلند و رفیع خداوند است .

إذا فريق منهم يخشون الناس كخشية الله أو أشد خشية

ترس آمیخته با تعظیم را <خشیه> می گویند. یعنی اگر عظمت کسی یا چیزی باعث ترس از او شود، می گویند از او خشیت دارد. و نکوهش خداوند از ترسیدن از غیر او دلالت می کند که تنها باید از او خشیت داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۴ - ۸

۸ تضرع به درگاه خداوند و خشوع در برابر او امری لازم بر عهده بندگان

لعلهم يضرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۷

- ۷

بی ارزش بودن نماز بی خشوع ، در پیشگاه خداوند .

ألم یأن . . . أن تخشع قلوبهم لذكر الله

در صورتی که مراد از <ذکر الله> نماز باشد، نکوهش کسانی که نماز را بدون خشوع می خوانند، مفید برداشت یاد شده است.

اهمیت خشوع در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲ - ۳

۳ - رعایت خضوع و تذلل در نماز ، توصیه خدا به اهل ایمان

قد أفلح المؤمنون . الذین هم فی صلاتهم خشعون

خشوع اخروی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۲،۳

۲ - گردن فرازان ستمگر ، خاشع و سرافکنده در صحنه قیامت

و تریهم . . . خشعین من الذلّ

۳ - خشوع و فروتنی ظالمان در قیامت ، خشوعی ذلیلانه و از سر ترس و هراس

و تریهم . . . خشعین من الذلّ ینظرون من طرف خفیّ

خشوع اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۲۰

۲۰- شتاب و پیشگامی در کار های خیر ، دعای همراه با رغبت و امید و خشوع به درگاه الهی ، از ارزش های والا و صفات

برجسته مردان الهی



إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرِ وَيَدْعُونَنَا رِعْبًا وَرَهْبًا وَكَانُوا لَنَا خَشَعِينَ

برداشت یاد شده به خاطر این است که آیه شریفه، در توصیف پیامبران الهی است و از میان ده ها صفات و ویژگی های ایشان، تنها به این سه صفت و ویژگی اشاره شده است.

خشوع برای حاکمان بر حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۸- یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۱

۱۱ لزوم احترام به حاکمان برحق و تواضع و خشوع در برابر آنان

و خَزَّوْا لَهُ سَجْدًا

خشوع در برابر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۹ - ۱،۲،۳

۱- خضوع و خشوع همیشگی عالمان حق پذیر در برابر قرآن

إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ... يَخْرَوْنَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ

۲- قرآن، حاوی آن چنان معارف عظیم که خضوع و خشوع تمامی عالمان اندیشمند را برمی انگیزاند.

إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ... يَخْرَوْنَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ

۳- خضوع عالمان و آگاهان به معارف آسمانی در برابر قرآن، همراه با سرشک دیدگان

إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ... وَيَخْرَوْنَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُ

خشوع در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۸

۱۸- پیشی گرفتن در کارهای نیک، دعای همراه با رغبت و بیم و نیز خشوع پیامبران (ع)، عامل بهره مندی آنان از موهبت

های الهی بود.

و لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَ هَارُونَ... إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرِ... وَ كَانُوا لَنَا خَشِ

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: ۱ ضمیرهای جمع در جمله <إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ...> به پیامبران بازگردد، چه

این که آیات پیشین در مورد آنان بود. ۲ جمله <إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ...> و جملات بعد، در مقام تعلیل باشد.

خشوع در ذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷

۲ خشوع در برابر خدا و هراس از مقام ربوبی او، از آداب توجه به خدا و یاد کردن اوست.

و اذکر ربک فی نفسک تضرعا و خیفه

<تضرع> به معنای خشوع و اظهار کوچکی است و <خیفه> به معنای ترسیدن و هراس داشتن است. <تضرعا> و <خیفه> مصدر و در آیه شریفه به معنای اسم فاعل (متضرعا) و (خائفا) می باشند. یعنی: یاد کن پروردگارت را با حالت خشوع و هراس.

خشوع در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲ - ۲،۵

۲ - نماز مطلوب و مقبول خداوند، نماز همراه با خشوع و فروتنی است.

الذین هم فی صلاتهم خشعون

۵ - داشتن خشوع و تذلل در نماز، از ستوده ترین و ارجمندترین خصلت ها در پیشگاه خداوند

قد أفلح المؤمنون . الذین هم فی صلاتهم خشعون

در این آیات خداوند هفت صفت را برای مؤمنان برشمرده است که خشوع و فروتنی آنان در نماز یکی از آنها است و در این جا پیش از همه ذکر شده است. بنابراین، تقدیم آن بر سایر صفات، می تواند بیانگر پسندیده تر و ارجمندتر بودن آن در نزد خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۶،۷

۶ - نماز، باید همراه با خشوع و تذلل باشد.

ألم یأن . . أن تخشع قلوبهم لذكر الله

برخی از مفسران، <ذكر الله> را در آیه شریفه، کنایه از نماز دانسته اند. برداشت یاد شده براساس این احتمال است.

۷- بی ارزش بودن نماز بی خشوع ، در

پیشگاه خداوند .

ألم يأن .. أن تخشع قلوبهم لذكر الله

در صورتی که مراد از <ذکر الله> نماز باشد، نکوهش کسانی که نماز را بدون خشوع می خوانند، مفید برداشت یاد شده است.

خشوع زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۷

۱۷- زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی)، از خاشعان در گاه الهی بودند .

و كانوا لنا خشعين

خشوع علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۹ - ۱،۲،۳

۱- خضوع و خشوع همیشگی عالمان حق پذیر در برابر قرآن

إن الذين أوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم .. يخرون للأذقان يبكون

۲- قرآن، حاوی آن چنان معارف عظیم که خضوع و خشوع تمامی عالمان اندیشمند را برمی انگیزاند .

إن الذين أوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم .. يخرون للأذقان يبكون

۳- خضوع عالمان و آگاهان به معارف آسمانی در برابر قرآن، همراه با سرشک دیدگان

إن الذين أوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم .. و يخرون للأذقان يبكون و یزیده

خشوع مشمولان نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸- خضوع و خشوع و سجده و گریه به هنگام استماع آیات الهی ، نشانه برخورداری از نعمت ویژه خداوند است .

أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ .. إِذَا تَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَب

<إِذَا تَتْلَى> خبر اول و یا خبر بعد از خبر برای <أُولَئِكَ> است ، یعنی آنان این چنین هستند که هنگام استماع آیات

به سجده افتاده و گریه می کنند.

خشوع مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۳

۳ - دل مؤمن ، باید چنان نرم باشد که با یاد خدا و تلاوت قرآن کریم ، تأثیرپذیر و خاشع گردد .

ألم یأمن للذین ءامنوا أن تخشع قلوبهم لذكر الله و ما نزل من الحقّ

خداوند، در آیه شریفه، مؤمنان بی تفاوت را نکوهش کرده و به آنان هشدار می دهد تا فرصت باقی است و گرفتار قساوت قلب نشده اند؛ دل های خود را با یاد او و تلاوت آیاتش خاشع و نرم گردانند.

خشوع همسر زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۷

۱۷- زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی) ، از خاشعان درگاه الهی بودند .

و كانوا لنا خشعین

خشوع هنگام استماع آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۸

۱۸- خضوع و خشوع و سجده و گریه به هنگام استماع آیات الهی ، نشانه برخورداری از نعمت ویژه خداوند است .

أولئك الذین أنعم الله علیهم . . . إذا تتلى علیهم آیت الرحمن خرّوا سجّداً و ب

<إذا تتلى> خبر اول و یا خبر بعد از خبر برای <أولئك> است؛ یعنی آنان این چنین هستند که هنگام استماع آیات به سجده افتاده و گریه می کنند.

خشوع یحیی(ع)



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۷

۱۷ - زکریا (ع) و همسر و فرزند

او ( یحیی ) ، از خاشعان در گاه الهی بودند .

و کانوا لنا خشعین

زمینه خشوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۶ - ۵، ۲

۲ - کسانی که به لقای خدا باور دارند ، از خود بزرگ بینی رهیده و به خصلت نیکوی خشوع آراسته می شوند .

إلا علی الخشعین. الذین یظنون أنهم ملقوا ربهم

۵ - گمان به لقای خدا و بازگشت به او ، در ایجاد روحیه خشوع و فروتنی کافی است .

الذین یظنون أنهم ملقوا ربهم و أنهم إلیه رجعون

به کارگیری <یظنون> (گمان دارند) در مسأله رجوع به خداوند - که هر مسلمانی باید اعتقاد جزمی به آن داشته باشد - اشاره به این دارد که: حتی گمان به قیامت و رجوع به خداوند نیز در زایل ساختن خود بزرگ بینی تأثیر بسزایی داشته و مایه فروتنی خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۱ - ۱۸

۱۸ تأمین محل سکونت و اسباب معیشت پیش از امر به نیایش و استغفار ، روشی نیکو برای واداشتن مردم به خضوع و خشوع در برابر خداوند و طلب آمرزش از او

و إذ قیل لهم اسکنوا .. ادخلوا الباب سجداً نغفر لكم خطیئکم

بیان طبیعی داستان ورود بنی اسرائیل به بیت المقدس اقتضا می کرد که جمله <ادخلوا الباب سجداً> و جمله <قولوا حطه> پیش از جمله <اسکنوا .. > و <کلوا ... > آورده شود. زیرا اول باید تصرف شود و سپس سکونت انجام گیرد. این تقدیم و تأخیر می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۳ - ۳

۳ توجه به ربوبیت خدا ، گرایش دهنده آدمی به خضوع و خشوع در برابر او

و أٰخٰبٰتُوا اِلٰى رَبِّهِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۱ - ۹

۹ - تفکر در آیات وحی ، زمینه ساز خشیت و خشوع انسان در برابر خداوند

لو أنزلنا هذا القرآن على جبل لرأيته خشعًا متصدعًا من خشية الله .. لعلمهم

عوامل خشوع برای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۴

۱۴ خداوند ، اعطا کننده مقام و منزلت به یوسف (ع) و وادار کننده بستگانش به خضوع و خشوع در برابر او

قد جعلها ربى حقًا

عوامل خشوع علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۹ - ۶

۶- تلاوت آیات قرآن ، فزاینده خشوع عالمان

إن الذين أوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم .. و يزيدهم خشوعًا

عوامل خشوع کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - صخره های ستبر کوه ، خاشع و فروتن از بیم خدا ، در صورت نزول وحی و آیات قرآن بر آن

لو أنزلنا هذا القرآن على جبل لرأيته خشعاً متصدعاً من خشية الله

۲ - از هم پاشیده شدن صخره های کوه از بیم خداوند ، در صورت نازل شدن وحی و آیات قرآن بر آن

لو أنزلنا هذا القرآن . . . و تلك الأمثل نضربها

<تصدع> (مصدر <متصدعاً>)

به معنای شکافته و از هم پاشیده شدن است.

۷- فروتنی و < فروپاشی کوه ها در صورت نزول قرآن بر آنها > ، تمثیلی به منظور گرایش یافتن انسان ها به اندیشه درباره آیات وحی

لو أنزلنا هذا القرآن على جبل . . . و تلك الأمثل نضربها للناس لعلهم يتفكرون

مراد از خشوع در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲ - ۶

۶- < عن جعفر بن محمد (ص) إنه قال في قول الله عز وجل : < الذين هم في صلاتهم خاشعون > قال : الخشوع غضّ البصر في الصلاة . . . ;

از امام صادق(ع) رایت شده است که در باره سخن خدای عزوجل <الذین هم فی صلاتهم خاشعون> فرمود: مراد از خشوع، فرو نهادن چشم در نماز است <

موارد خشوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۶ - ۹

۹ ایمان به خدا و رسالت انبیا و رعایت تقوا، اظهار تذلل به پیشگاه خداوند و خشوع در برابر اوست .

لعلهم يضرعون . . . و لو أن أهل القرى ءامنوا و اتقوا

در آیه ۹۴ بیان شد که خداوند به منظور خضوع و خشوع مردم در برابر او، آنان را به سختیها گرفتار می سازد و در این آیه بیان می دارد که اگر همان جوامع ایمان می آوردند و تقواییشه بودند، نه تنها به سختیها گرفتار نمی شدند، بلکه برکتهای آسمان و زمین آنان را فرامی گرفت. با توجه به این دو معنا معلوم می شود ایمان و تقوا مصداق بارز

تضرع و خشوع در برابر خداوند است.

## خاضعان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خاضعان

{خاضعان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۴

۴- برخورداران از علم و آگاهی به معارف آسمانی ، دارای روحیه حق پذیری و خضوع در برابر آیات قرآن

إن الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم ینخرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۹ - ۶

۶- مقربان الهی (فرشتگان) ، از عبادت خداوند تکبر نمیورزند .

و من عنده لایستکبرون

مقصود از <من عنده> طبق نظر مفسران فرشتگان است.

خضوع

{خضوع}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۲۲

۲۲ خضوع و کرنش خردمندان برای خداوند ، در پی تفکر در آفرینش و پی بردن به هدفداری آن

ربّنا ما خلقت هذا باطلاً سبحانک

اعتراف خردمندان به مالکیت خداوند نسبت به آنان با کلمه <ربّنا> که به معنای مالک و مدبّر آمده، دلالت بر خشوع و

خضوع ایشان در برابر خداوند دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۲،۲۸

۲ خضوع و فروتنی گروهی از عالمان اهل کتاب در برابر خداوند

انّ من اهل الكتب لمن يؤمن .. خاشعين لله

۲۸ نجاشی ( پادشاه حبشه ) ، مؤمن به خدا ، قرآن و کتب آسمانی و خاضع در برابر خداوند

انّ من اهل الكتب لمن يؤمن بالله

رسول خدا (ص) پس از مرگ نجاشی، به یاران خود فرمود: انّ احاکم النجاشی قد مات، قوموا فصلّوا علیه؛ فقال رجل یا رسول

اللّٰه كيف نصلی علیه و قد مات فی كفره؟ قال (ص) الا تسمعون قول اللّٰه <وانّ من اهل الكتاب .. >

---

الدّر المنثور، ج ۲، ص ۴۱۶.

آثار خضوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۱ - ۲۰

۲۰ تبعیت از پیامبر (ص)، در نیکوکاری، تقوا، تواضع و خضوع، موجب جلب محبت خداوند

قل ان كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله

رسول خدا (ص) درباره آیه فوق فرمود: علی البرّ و التقوی و التواضع و ذلّه النفس.

---

الدّر المنثور، ج ۲، ص ۱۷۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۳ - ۵

۵ خضوع در برابر خدا، زمینه کسب فیض ربوبی او

اقتنی لربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۳۸، ۲۱

۳ خشوع و فروتنی گروهی از عالمان اهل کتاب، زمینه ساز ایمان واقعی آنان به خدا و کتب آسمانی

انّ من اهل الكتب لمن يؤمن .. خاشعین لله

توصیف اهل کتاب به خشوع و فروتنی، می تواند اشاره به علت ایمان و اقرار آنان به حقایق قرآن و ایمان واقعی به تورات و



انجیل باشد.

۸ خشوع در برابر خداوند ، کمالی در ایمان

انّ من اهل الکتب لمن یؤمن . . . خاشعین لله

۲۱ ایمان به خدا ، قرآن ، تورات ، انجیل ، فروتنی در برابر خدا و ارج نهادن به آیات الهی ، ملاک ارزش انسان نزد خداوند

لهم اجرهم عند ربهم

اضافه تشریفیه در <ربهم> بیانگر آن است که دارندگان صفات

یاد شده، در پیشگاه خداوند دارای ارزشی والا هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۳ - ۱

۱ بهشت از آن مؤمنانی است که اعمال صالح انجام دهند و در برابر خدا خاضع و فروتن باشند.

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. أَوْلَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ

إِخْبَات (مصدر أختبوا) به معنای خضوع و خشوع و نیز به معنای اطمینان است. برداشت فوق، براساس معنای اول می باشد. گفتنی است که در این صورت <إلی> به معنای لام است، یعنی: <أختبوا لربهم> در برابر خدا خاضع هستند.

آثار خضوع سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۸ - ۱۲

۱۲- انقیاد و خضوع کامل سایه ها در برابر خداوند، ارزشی والا به آنها بخشیده است.

مَنْ شِئَ يَتَفَتَّؤًا ظِلَّةً .. سَجَّدًا لِلَّهِ وَ هُمْ دَخْرُونَ

ضمیر <هم> برای ذوی العقول به کار می رود و استعمال آن درباره <ظلال> می تواند مشعر به نکته فوق باشد.

آثار خضوع قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳ - ۶

۶ اقامه نماز و انفاق در راه خدا، تجلی خشیت قلب و فزونی ایمان و توکل بر خدا

وَجَلَّتْ قُلُوبُهُمْ .. زَادَتْهُمْ إِيْمَانًا .. الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَهُمْ يُنْفِقُونَ

تکرار <الذین>، بدون حرف عطف، برای رساندن این معناست که اقامه نماز انفاق نمود خارجی و تجلی صفات برشمرده شده در آیه قبل است.

آثار ذکر خضوع موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۸ -

۱۰- توجه به انقیاد و تذلل پدیده های مادی در برابر خداوند ، زمینه ساز تسلیم شدن انسان در برابر اوست .

أولم يروا إلی ما خلق الله من شیء .. سجداً لله و هم دخرون

دعوت به ژرف اندیشی درباره سجده و تذلل موجودات مادی در برابر خداوند، در واقع دعوت به عبرت آموزی از آنهاست.

ارزش خضوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۷ - ۶

۶ صبر ، صداقت ، خضوع ، انفاق و استغفار در سحر گاهان ، از ارزش های اخلاقی و معنوی مورد توجه اسلام

الصابرين .. و المستغفرين بالاسحار

برداشت فوق، از ذکر این صفات به عنوان ارزش برای بندگان برگزیده، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵ - ۱۶

۱۶ ارزشمندی تواضع و فروتنی به هنگام انفاق و دستگیری از مستمندان

و یؤتون الزکوه و هم رکعون

بنابر اینکه رکوع به معنای لغوی خود (خضوع) باشد.

ارزش خضوع بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۵

۵- اهمیت و ارزش ویژه سجده و اظهار خضوع و تذلل در برابر خداوند ، در مقایسه با دیگر اجزا و ارکان عبادت

أمن هو قنت ءاناء الیل ساجداً و قائماً

>سجده< در اصل به معنای خضوع و تذلل است. تقدم آن در آیه شریفه، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

اهمیت خضوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۷ - ۳

۳ اظهار خضوع و فروتنی در

پیشگاه خدا، حکمت و فلسفه ساختن مساجد

ما كان للمشركين أن يعمرُوا مسجد الله

نامگذاری اماکن عبادت به <مساجد> بیانگر برداشت فوق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۸ - ۳

۳ اظهار خضوع و فروتنی در پیشگاه خدا، فلسفه و حکمت ساختن مساجد

إنما يعمر مسجد الله

نامگذاری اماکن عبادت به <مساجد> بیانگر برداشت فوق است.

اهمیت خضوع بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۵

۵ - اهمیت و ارزش ویژه سجده و اظهار خضوع و تذلل در برابر خداوند، در مقایسه با دیگر اجزا و ارکان عبادت

أمن هو قنت ءاناء أليل ساجدًا و قائمًا

<سجده> در اصل به معنای خضوع و تذلل است. تقدم آن در آیه شریفه، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

اهمیت خضوع برای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۴

۴ - لزوم کرنش و سر فرود آوردن، در برابر عظمت قرآن

و إذا قرىء عليهم القرآن لا يسجدون

اهمیت خضوع در عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۹ - ۴

۴ - سجده و خضوع در برابر خداوند ، مهم ترین رکن نماز و روح عبادت

و تَقَلَّبَكَ فِي السَّجْدِ

از اختصاص به ذکر یافتن موضوع سجده، در میان مجموعه ارکان نماز و مصادیق عبادت، برداشت یاد شده به دست می آید.

اهمیت خضوع در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۸ - ۸

سجده و خضوع ، رکن اصلی و روح نماز و دارای جایگاه ویژه در میان سایر عبادات

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ كُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ

مقصود از <سجده> می تواند نماز باشد و علت اینکه به جای نماز به سجده امر شده، می تواند گویای این حقیقت باشد که سجده رکن مهم و روح نماز است. گفتنی است دستور خداوند به سجده، پس از توصیه به تسبیح و حمد که هر دو نوعی عبادت به شمار می آیند نشان دهنده اهمیت و جایگاه ویژه آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۹ - ۴

۴ - سجده و خضوع در برابر خداوند ، مهم ترین رکن نماز و روح عبادت

و تَقَلَّبَكَ فِي السَّاجِدِينَ

از اختصاص به ذکر یافتن موضوع سجده، در میان مجموعه ارکان نماز و مصادیق عبادت، برداشت یاد شده به دست می آید.

خضوع آثار موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۵ - ۸

۸ موجودات هستی و آثار آنها همواره تسلیم خدا بوده و در برابر او خاضعند .

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مِنَ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ ظَلَمَهُم

<ظلال> در آیه شریفه می تواند به عنوان نمونه ای از آثار و تبعات موجودات، مطرح باشد.

خضوع آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۵ - ۱

۱ همه کسانی که در آسمان ها و زمینند در برابر خداوند خاضعند و بر او سجده می کنند .

و لِلَّهِ يَسْجُدُ مِنَ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ





۶ - خضوع و کرنش نظام تکوین و قوانین هستی ، در برابر اراده و فرمان خداوند

فقال لها .. ائتیا ... قالتا أتینا طائعين

بنابر این که گفتوگوی یاد شده در این آیه بیان حال و کنایه از تسلیم محض شدن آسمان ها و زمین و قوانین حاکم بر عالم در برابر اراده خدا باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

خضوع اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۱ - ۱،۶

۱ - نشانه های خضوع و تسلیم در برابر خداوند ، بر چهره تمامی انسان ها ( در قیامت ) نقش خواهد بست .

... و عنق الوجه للحي القیوم

<عناء> به معنای خاضع شدن و مطیع گشتن است (لسان العرب). <وجه> به معنای صورت است و از آن جهت که آثار خضوع و ذلت، بیش از همه جا در چهره آشکار می گردد، این واژه استفاده شده است. <ال> در <الوجه> نیز محتمل است معنای استغراق داشته باشد و یا آن که عوض مضاف الیه بوده و مراد از آن <وجه المجرمین> باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر اولین احتمال است.

۶ - ظهور حیات حقیقی و فنا ناپذیر خداوند و قیومیت او بر هستی در قیامت ، مایه خضوع و ذلت عمیق آدمیان در برابر او خواهد شد .

و عنق الوجه للحي القیوم

خضوع اخروی طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۱ - ۲

۲ - مجرمان و گردن فرازان ، با چهره هایی ذلت بار و

خاضع در برابر خداوند ، در صحنه قیامت حضور خواهند یافت .

و عنت الوجوه للحی القیوم

از معانی <عناء> ذلیل گشتن است (مصباح). حرف <ال> در <الوجه> جایگزین مضاف الیه است؛ یعنی، <وجوههم> و مراد چهره مجرمانی است که در آیات پیشین از آنان سخن گفته شده است. فعل <عنت> می رساند که فروتنی آنان نوظهور است و پیش از این در دنیا، در برابر خداوند خضوع نداشته اند.

خضوع اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۱ - ۲

۲ - مجرمان و گردن فرازان ، با چهره هایی ذلت بار و خاضع در برابر خداوند ، در صحنه قیامت حضور خواهند یافت .

و عنت الوجوه للحی القیوم

از معانی <عناء> ذلیل گشتن است (مصباح). حرف <ال> در <الوجه> جایگزین مضاف الیه است؛ یعنی، <وجوههم> و مراد چهره مجرمانی است که در آیات پیشین از آنان سخن گفته شده است. فعل <عنت> می رساند که فروتنی آنان نوظهور است و پیش از این در دنیا، در برابر خداوند خضوع نداشته اند.

خضوع اخروی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۷ - ۹

۹ - ذلت و خضوع همه موجودات در برابر خداوند در روز رستاخیز

و کلّ أتوه دخرین

<دُخُور> به معنای ذلت و کوچکی است.

خضوع اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - مغرور نشدن مردان الهی به علم و کمالات خود و احتمال وجود کسانی برتر از ایشان در میان بندگان مؤمن خدا

و قالوا الحمد لله الذي فضّلنا

علی کثیر من عبادہ المؤمنین

خضوع بر آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۹

۱۹- گریه در حال سجده و خضوع در مقابل آیات الهی، از آثار نعمت هدایت و برگزیدگی در پیشگاه خداوند است.

و مَن هَدینا واجتیبنا إذا تتلی علیهم آیت الرحمن خرّوا سَجْدًا و بکيًا

خضوع بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۷ - ۳

۳- اظهار تذلل و خضوع در پیشگاه خداوند، روح و حقیقت نماز

یأینها الذین ءامنوا ارکعوا و اسجدوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۶ - ۸

۸- > عن محمد بن مسلم قال : سألت أبا جعفر (ع) عن قوله الله عزّوجلّ > فما استکانوا لرّبهم و ما یتضرّعون > فقال :

الإستکانه هو الخضوع والتضرع هو رفع الیدین و التضرع بهما ;

محمد بن مسلم گوید: از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ >فما استکانوا لرّبهم و ما یتضرّعون< سؤال کردم؟ پس

حضرت فرمود: مراد از >استکانه< خضوع و خشوع است و مراد از >تضرع<، بالا بردن دست ها و تضرع با آنها است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴ - ۴

۴- قدرت خداوند بر به خضوع کشاندن سردمداران کفر در برابر خویش

إن نشأ .. فطلّت أعنقهم لها خضعین

برخی بر آنند همان گونه که به بزرگ قوم <رأس القوم> و <صدرالقوم> گفته می شود، <عنق القوم> نیز گفته می شود  
بنابراین <أعناقهم>؛ یعنی،

<سادتهم>. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۷ - ۹

۹ - ذلت و خضوع همه موجودات در برابر خداوند در روز رستاخیز

و کلُّ أتوه دخرین

<دُخُور> به معنای ذلت و کوچکی است.

خضوع برای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۱۲

۱۲ - با تمام وجود سر بر آستان خداوند ساییدن و حریصانه به سجده افتادن جمعی از علمای اهل کتاب به هنگام آشنایی با قرآن

إن الذین أُوتوا العلم من قبله .. یخزّون للأذقان سجّداً

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <أوتوا العلم من قبله> اهل کتاب باشد و تعبیر از سجده به <خزّ> که به معنای سقوط و به رو افتادن است می تواند اشاره به حقیقت یاد شده داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۸ - ۳

۳ - مطلوبیت تسبیح پروردگار همراه با خضوع و سجده برای او ، با مشاهده آیات بحقّ او

إذا یتلی علیهم یخزّون للأذقان سجّداً . و یقولون سبحن ربّنا

خضوع برای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۵ - ۴

۴ - مؤمنانِ نیکوکار، با شنیدن آیات قرآن، در برابر آن سر تسلیم فرود آورده، خضوع می کنند.

فما لهم... و إذا قرء عليهم القرآن لا يسجدون... إلا الذين آمنوا و عملوا الص

خضوع برگزیدگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۱۹- گریه در حال سجده و خضوع در مقابل آیات الهی، از آثار نعمت هدایت و برگزیدگی در پیشگاه خداوند است.

و مَمَّنْ هَدِينَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تَتَلَىٰ عَلَيْهِمُ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا

خضوع در اطاعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۱۳

۱۳ - اطاعت خاضعانه از خدا و صداقت، سبب می شود که فرد، مشمول آمرزش خداوند شوند.

و القنتین . . . و الصدقین ... أعدّ الله لهم مغفرة

خضوع در برابر آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۴ - ۲

۲ - بشر هر اندازه که به جهان آفرینش بیشتر بنگرد، بر شگفتی و فروتنی او در برابر عظمت آن افزوده خواهد شد.

ثم ارجع البصر كرتين ينقلب إليك البصر خاسئاً وهو حسير

<خاسی> به معنای دور شده از مراد و ناکام و <حسیر> به معنای خسته و درمانده است. مقصود آیه شریفه، بیان این حقیقت است که آدمی هرچند بسیار تلاش و فکر کند، به مراد خویش که پیدا کردن عیب و نقصی در نظام خلقت است نخواهد رسید؛ بلکه در برابر عظمت آن شگفت زده شده و سر تعظیم فرود خواهد آورد.

خضوع در برابر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۵ - ۱

۱ همه کسانی که در آسمان ها و زمینند در برابر خداوند خاضعند و بر او سجده می کنند.

و لله يسجد من في السموت و الأرض



سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۱ - ۶

۶- ظهور حیات حقیقی و فنا ناپذیر خداوند و قیومیت او بر هستی در قیامت ، مایه خضوع و ذلت عمیق آدمیان در برابر او خواهد شد .

و عنت الوجوه للحی القیوم

خضوع در برابر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۴،۱۳

۴- برخورداران از علم و آگاهی به معارف آسمانی ، دارای روحیه حق پذیری و خضوع در برابر آیات قرآن

إن الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم یخرون

۱۳- خضوع و سجود آگاهان در برابر قرآن ، گواه بی نیازی آن از ایمان دیگران و بی تأثیری بی ایمانی آنان \*

ءامنوا به أو لا تؤمنوا إن الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم یخرون

برداشت فوق بر این اساس است که <إن> تعلیل باشد برای جمله <آمنوا به أو..> یعنی، چون اهل دانش به قرآن ایمان می آورند، ایمان و عدم ایمان دیگران مساوی بوده و نیازی به ایمان آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۹ - ۱،۲

۱- خضوع و خشوع همیشگی عالمان حق پذیر در برابر قرآن

إن الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم .. یخرون للأذقان یبکون

۲- قرآن ، حاوی آن چنان معارف عظیم که خضوع و خشوع تمامی عالمان اندیشمند را برمی انگیزاند .

إن الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم .. یخرون للأذقان یبکون

خضوع در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰

۱ اظهار خضوع و تذلل همراه توسل به ربوبیت خداوند و اعتراف مکرر به آن، از آداب دعاست.

و قال موسى ربنا .. ربنا ليضلوا ... ربنا اطمس

خضوع در عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱۹ - ۶،۹

۶- مقربان الهی (فرشتگان)، از عبادت خداوند تکبر نمیورزند.

و من عنده لا يستكبرون

مقصود از <من عنده> طبق نظر مفسران فرشتگان است.

۹- تأثیر دستیابی به مقام قرب الهی، در خستگی نیافتن از عبادت و پرستش خداوند و تکبر نورزیدن

و من عنده لا يستكبرون عن عبادته ولا يستحسرون

از این که خداوند فرمود <آنها که پیش ما هستند و مقرب اند، از عبادت خسته نمی شوند و تکبر نمیورزند>، به دست می آید که دستیابی به قرب الهی، در خستگی ناپذیری و تکبر نورزیدن تأثیر دارد.

خضوع در عبودیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۸ - ۸،۱۰

۸ لزوم حرکت برای خداوند، توأم با خضوع و اطاعت در برابر وی

و قوموا لله قانتين

چنانچه گذشت، <قنوت>، اطاعتی است همراه خضوع و خشوع.

۱۰ طاعت و خضوع در برابر خداوند، ملاکی برای ارزشگذاری رفتار آدمی

و قوموا لله قانتين

از اینکه خداوند امر می کند که قیام، همراه <قنوت> باشد، معلوم می شود که حرکت و عمل برای خدا آنگاه که خالی از خضوع در برابر او باشد، فاقد ارزش است.

خضوع در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۱ - ۶

۶ - ظهور حیات

حقیقی و فنا ناپذیر خداوند و قیومیت او بر هستی در قیامت ، مایه خضوع و ذلت عمیق آدمیان در برابر او خواهد شد .

و عنت الوجوه للحی القیوم

خضوع در مناجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۴ - ۲

۲ رعایت ادب با ابراز خضوع و کاربرد تعابیر شایسته از آداب نیایش به درگاه خداوند

قال عیسی ابن مریم اللهم ربنا .. و ارزقنا و انت خیر الرزقین

خضوع در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۸ - ۶

۶ لزوم بجا آوردن نماز برای خدا ، همراه خضوع و توجه کامل به پروردگار

حافظوا علی الصلوات .. و قوموا لله قانتین

<قنوت> به معنای خضوع در اطاعت و خضوع مستلزم توجه کامل می باشد و مراد از قیام در <قوموا لله>، یا خصوص نماز است و یا نماز مصداقی بارز برای آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۳ - ۵

۵ - سجده و خضوع ، رکن اصلی و روح نماز است .

یدعون إلی السجود

از این که به جای نماز، سجود و خضوع مطرح شده است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

خضوع رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴ - ۴

۴ - قدرت خداوند بر به خضوع کشاندن سردمداران کفر در برابر خویش

إن نشأ .. فظلت أعنقهم لها خضعين

برخی بر آنند همان گونه که به بزرگ قوم <رأس القوم> و <صدر القوم> گفته می شود،



<عنت القوم> نیز گفته می شود بنابراین <أعناقهم>؛ یعنی، <سادتهم>. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

خضوع سایه در صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۵ - ۷

۷ خضوع سایه ها در برابر خدا و فرمانبری آنها به هنگام صبح و عصر، نمود بیشتر و روشن تری دارد.

و ظللهم بالغدو و الأصال

<غدو> (جمع غده) به معنای صبحگاهها و <أصال> (جمع اصیل) به معنای عصرهاست. سجده سایه ها که به معنای پیروی آنها از قوانین الهی در تکوین است، در همه زمانهاست نه خصوص صبح و یا عصر. از این رو به نظر می رسد آوردن آن دو قید به خاطر وضوح و روشنی این دو هنگام برای فرمانبری سایه ها از قوانین الهی است.

خضوع سایه در عصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۵ - ۷

۷ خضوع سایه ها در برابر خدا و فرمانبری آنها به هنگام صبح و عصر، نمود بیشتر و روشن تری دارد.

و ظللهم بالغدو و الأصال

<غدو> (جمع غده) به معنای صبحگاهها و <أصال> (جمع اصیل) به معنای عصرهاست. سجده سایه ها که به معنای پیروی آنها از قوانین الهی در تکوین است، در همه زمانهاست نه خصوص صبح و یا عصر. از این رو به نظر می رسد آوردن آن دو قید به خاطر وضوح و روشنی این دو هنگام برای فرمانبری سایه ها از قوانین الهی است.

خضوع سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۸ - ۸

۸- گردش

سایه های اجسام ، نشانگر سجده ، انقیاد و تذلل آنها در برابر خداوند است .

أولم يروا إلى ما خلق الله من شيء يتفيؤوا ظله عن اليمين و الشمال سجداً لله و

خضوع صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۵ - ۴

۴ - مؤمنان نیکوکار ، با شنیدن آیات قرآن ، در برابر آن سر تسلیم فرود آورده ، خضوع می کنند .

فما لهم ... و إذا قرء عليهم القرآن لا يسجدون ... إلا الذين ءامنوا و عملوا الص

خضوع عاقلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۲۲

۲۲ خضوع و کرنش خردمندان برای خداوند ، در پی تفکر در آفرینش و پی بردن به هدفداری آن

ربنا ما خلقت هذا باطلاً سبحانك

اعتراف خردمندان به مالکیت خداوند نسبت به آنان با کلمه <ربنا> که به معنای مالک و مدبر آمده، دلالت بر خشوع و خضوع ایشان در برابر خداوند دارد.

خضوع علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۹ - ۱،۲

۱- خضوع و خشوع همیشگی عالمان حق پذیر در برابر قرآن

إن الذين أوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم ... يخزون للأذقان يبكون

۲- قرآن ، حاوی آن چنان معارف عظیم که خضوع و خشوع تمامی عالمان اندیشمند را برمی انگیزاند .

إن الذين أوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم .. يخزون للأذقان ييكون

خضوع علمای اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۱۲

۱۲ - با

تمام وجود سر بر آستان خداوند ساییدن و حریصانه به سجده افتادن جمعی از علمای اهل کتاب به هنگام آشنایی با قرآن

إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ... يَخْرَوْنَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <أوتوا العلم من قبله> اهل کتاب باشد و تعبیر از سجده به <خر> که به معنای سقوط و به رو افتادن است می تواند اشاره به حقیقت یاد شده داشته باشد.

خضوع علمای دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۴

۴- برخورداران از علم و آگاهی به معارف آسمانی، دارای روحیه حق پذیری و خضوع در برابر آیات قرآن

إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يَتْلَى عَلَيْهِمْ يَخْرَوْنَ

خضوع قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴ - ۱

۱ خشیت قلب از یاد خدا، افزایش ایمان با تلاوت قرآن و تنها بر خدا توکل داشتن، نشان ایمان حقیقی

أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا

خضوع متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۷ - ۱

۱ صبر و راستی در گفتار، خضوع در برابر خداوند، انفاق و استغفار در سحر گاهان، از صفات متقین

لَّذِينَ اتَّقَوْا... الصَّابِرِينَ... بِالْإِسْحَارِ

آیه فوق (الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ...)، بیان و توضیح دیگری برای <لَّذِينَ اتَّقَوْا> است.

خضوع مریم (س)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۳ - ۱،۲

۱ مریم ، مأمور به اطاعت خاضعانه

، سجده و رکوع ( نماز ) ، در برابر پروردگارش

یا مریم اقتنی لرَبِّک و اسجدی و ارکعی

۲ سخن فرشتگان با مریم و فرمان دادن به او ، درباره اطاعت خاضعانه

و اذ قالت الملائکه . . . یا مریم اقتنی لرَبِّک و اسجدی

ظاهراً جمله <یا مریم اقتنی> ، گفتار ملائکه با حضرت مریم است.

خضوع مشمولان نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۸،۱۹

۱۸- خضوع و خشوع و سجده و گریه به هنگام استماع آیات الهی ، نشانه برخورداری از نعمت ویژه خداوند است .

أولئک الذین أنعم الله علیهم . . . إذا تتلى عليهم آیت الرحمن خرّوا سجّداً و ب

<إذا تتلى> خبر اول و یا خبر بعد از خبر برای <أولئک> است ؛ یعنی آنان این چنین هستند که هنگام استماع آیات به سجده افتاده و گریه می کنند.

۱۹- گریه در حال سجده و خضوع در مقابل آیات الهی ، از آثار نعمت هدایت و برگزیدگی در پیشگاه خداوند است .

و ممّن هدینا واجتیبنا إذا تتلى عليهم آیت الرحمن خرّوا سجّداً و بکیّاً

خضوع مقربان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۹ - ۶

۶- مقربان الهی ( فرشتگان ) ، از عبادت خداوند تکبر نمیورزند .

و من عنده لایستکبرون

مقصود از <من عنده> طبق نظر مفسران فرشتگان است.

خضوع ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۱ - ۱۴

۱۴- همه فرشتگان به جز ابلیس ، به فرمان الهی در برابر آدم (ع) خضوع کرده و او را مورد

تکریم خویش قرار دادند .

و إذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا إلا إبليس

برداشت فوق، با توجه به ریشه لغوی <سجده> است که به معنای <خضوع> و <تذلل> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۹ - ۶

۶- مقربان الهی (فرشتگان) ، از عبادت خداوند تکبر نمیورزند .

و من عنده لا يستكبرون

مقصود از <من عنده> طبق نظر مفسران فرشتگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۴ - ۱۰

۱۰- فرشتگان ، موجوداتی مطیع و خاضع در برابر فرمان های خداوند

فسجد الملائكة كلهم أجمعون . إلا إبليس استكبر

خضوع موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۵ - ۳

۳ موجودات آسمان ها و زمین برای غیر خدا خاضع نبوده و به غیر او سجده نمی کنند .

و لله يسجد من في السموت و الأرض

تقدیم <الله> بر <یسجد> حاکی از حصر است. بنابراین <الله یسجد...> ; یعنی ، برای خداوند سجده می کنند و به غیر او سجده نمی برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۱۱- همه پدیده های مادی با خضوع تمام ، خداوند را سجده می کنند .

أولم یروا .. من شیء ... سجداً لله و هم دخرون

<داخر> در لغت به معنای ذلیل است و جمله <و هم داخرون> حال برای <ظلال> می باشد.

خضوع مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲ - ۱

دل مؤمنان راستین ، لرزان و بیمناک به هنگام یاد خدا

إنما المؤمنون الذين إذا ذكر الله وجلت قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۵ - ۴

۴ - مؤمنان نیکوکار ، با شنیدن آیات قرآن ، در برابر آن سر تسلیم فرود آورده ، خضوع می کنند .

فما لهم ... و إذا قرىء عليهم القرآن لا يسجدون ... إلا الذين آمنوا و عملوا الص

خضوع مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۹

۱۹ - گریه در حال سجده و خضوع در مقابل آیات الهی ، از آثار نعمت هدایت و برگزیدگی در پیشگاه خداوند است .

و ممن هدینا واجتیبنا إذا تتلى عليهم آیت الرحمن خرّوا سجّداً و بکياً

خضوع نجاشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۲۸

۲۸ نجاشی ( پادشاه حبشه ) ، مؤمن به خدا ، قرآن و کتب آسمانی و خاضع در برابر خداوند

انّ من اهل الکتب لمن یؤمن بالله

رسول خدا (ص) پس از مرگ نجاشی ، به یاران خود فرمود: انّ احاکم النّجاشی قد مات ، قوموا فصلّوا علیه ۷ فقال رجل یا

رسول الله کیف نصلی علیه و قد مات فی کفره؟ قال (ص) الا تسمعون قول الله < و انّ من اهل الکتب ... >

خضوع هنگام استماع آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۸

۱۸- خضوع و خشوع و سجده و گریه به هنگام استماع آیات الهی

، نشانه برخورداری از نعمت ویژه خداوند است .

أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ... إِذَا تَلَى عَلَيْهِمُ آيَةَ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَب

<إِذَا تَلَى> خبر اول و یا خبر بعد از خبر برای <أُولَئِكَ> است؛ یعنی آنان این چنین هستند که هنگام استماع آیات به سجده افتاده و گریه می کنند.

خضوع یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۱۷

۱۷- خضوع یونس (ع) به درگاه الهی و اعتراف وی به ظلم و نادرستی رفتار عجولانه خود

فنادی .. إني كنت من الظالمين

دعوت به خضوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۶ - ۷

۷- خداوند ، خواهان خضوع و تضرع انسان ها به درگاه او

فما استكانوا لربهم و ما يتضرعون

دعوت به خضوع بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۳ - ۳

۳- فراخوانده شدن کافران و مشرکان به سجده و خضوع در برابر خداوند در دنیا و امتناع آنان از این کار

و قد كانوا يدعون إلى السجود و هم سلمون

روش خضوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۱ - ۱۸

۱۸ تأمین محل سکونت و اسباب معیشت پیش از امر به نیایش و استغفار ، روشی نیکو برای واداشتن مردم به خضوع و خشوع در برابر خداوند و طلب آمرزش از او

و إذ قيل لهم اسكنوا .. ادخلوا الباب سجداً نغفر لكم خطيئكم

بیان طبیعی داستان ورود بنی اسرائیل به بیت المقدس اقتضا

می کرد که جمله <ادخلوا الباب سجداً> و جمله <قولوا حطه> پیش از جمله <اسکنوا.. > و <كلوا... > آورده شود. زیرا اول باید تصرف شود و سپس سکونت انجام گیرد. این تقدیم و تأخیر می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

زمینه خضوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۳ - ۳

۳ توجه به ربوبیت خدا، گرایش دهنده آدمی به خضوع و خشوع در برابر او

و أٰخَبْتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۲ - ۶

۶ - علم و معرفت، زمینه ساز خضوع و تسلیم انسان در برابر حق

و أَوْتَيْنَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَ كُنَّا مُسْلِمِينَ

تقدیم <علم> بر <اسلام> می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۱۱

۱۱- توجه به حکمت و کاردانی خداوند، مستلزم خضوع انسان در برابر قوانین حکیمانه و خدشه ناپذیر وی \*

تنزیل الکتب من الله... الحکیم

تذکر خداوند به وصف <الحکیم>، می تواند یاد آور انسان ها باشد که قرآن به عنوان مجموعه قوانین از جانب کسی نازل شده که حکیم و کاردان است و نقصی در برنامه او نیست، تا کسی مجاز به تخلف گردد.

زمینه خضوع بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۶ - ۲

۲ - بلاهای دنیوی ، زداینده خوی استکبار و دمنده روح خضوع و فروتنی در انسان ها نسبت به پروردگار

و لقد

أخذنهم بالعذاب فما استكانوا لربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۲ - ۴

۴ - توجه به تدبیر و قدرت الهی در نظام هستی ، مقتضی خضوع و سجود انسان در برابر آفریدگار آن

و أنْ إلى ربك المنتهى .. فاسجدوا لله و اعبدوا

عوامل خضوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۳ - ۴،۶

۴ ربوبیت الهی ، مقتضی خضوع در برابر او

اقتنی لربك

۶ برخورداری از نعمت های الهی ، مستلزم اطاعت خاضعانه در برابر او

ان الله اصطفیک .. یا مریم اقتنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۱

۱ - شنیدن آیات قرآن ، باید مایه خضوع و فروتنی انسان گردد .

و إذا قرء علیهم القرآن لا یسجدون

<سجود> به معنای خضوع است. (قاموس)

عوامل خضوع بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۱۴



۱۴ - توجه به عظمت خداوند ، مایه خضوع به درگاه او و وادار سازنده انسان به پذیرش ربوبیت او

فَأَلْقَى السِّحْرَ سَجْدًا قَالُوا ءَامَنَّا بِرَبِّ هِرُونَ وَ مُوسَى

عوامل خضوع برای یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۴

۱۴ خداوند ، اعطا کننده مقام و منزلت به یوسف (ع) و وادار کننده بستگانش به خضوع و خشوع در برابر او

قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا

موانع خضوع برای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱

۵ - روحیه ناباوری ، مانع پذیرش قرآن و خضوع در برابر آن

لَا يُؤْمِنُونَ . وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ

نشانه خضوع بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۶ - ۴

۴ - سجده ، مظهر حق پرستی و خضوع در برابر خداوند

فَأَلْقَى السَّحْرَ سَاجِدِينَ

برداشت یاد شده از آن جا است که نخستین واکنش مثبت ساحران پس از پی بردن به آیت الهی و معجزه موسی، سجده بود.

نشانه های خضوع بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۲۷

۲۷ - سجده ، مظهر بندگی و خضوع به درگاه خداوند

سَيَمَاهُمُ فِي وَجْهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ

از میان همه عبادات و مظاهر عبادی، <سجده> اختصاص به ذکر یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۱۵

۱۵ - پیشانی بر خاک نهادن ، از دیرباز نشانه خضوع و فروتنی در برابر خداوند و جلوه بارز بندگی او بوده است .

فَأَلْقَى السَّحْرَ سَاجِدًا

نشانه های خضوع بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۱۵

۱۵ - پیشانی بر خاک نهادن ، از دیرباز نشانه خضوع و فروتنی در برابر خداوند و جلوه بارز بندگی او بوده است .

فَأَلْقَى السَّحْرَ سَجْدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۲۷

۲۷- سجده ، مظهر بندگی و خضوع به درگاه خداوند

سیماهم فی وجوههم من أثر السجود

از میان همه عبادات و مظاهر عبادی، <سجده> اختصاص به ذکر یافته است.

## خاک از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خاک

آثار رطوبت خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶ - ۶

۶ - رطوبت خاک ، نشانه وجود منابع و چیزهای ارزشمند در زیر آن است . \*

له .. و ما تحت الثرى

وصف نمناکی برای خاک با آن که آنچه زیر خاک خشک قرار دارد نیز ملک خداوند است اشاره به مهم تر بودن موجودات زیر خاک نمناک در مقایسه با موجودات زیر خاک خشک است.

آدم(ع) از خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۲ - ۳

۳ ابلیس، آفریده شده از آتشی خاص و آدم، آفریده شده از گلی مخصوص

خلقتنی من نار و خلقته من طین

نکره آمدن <نار> و <طین> حکایت از این دارد که آدم و ابلیس از گل و آتشی مخصوص آفریده شدند و چنانچه این معنا در نظر نبود، آن دو کلمه با <ال> جنس آورده می شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۱ - ۱۰

۱۰- حضرت آدم (ع) ، از دو عنصر خاک و آب ( گِل ) آفریده شد .

خلقت طیناً

<طین> در لغت به معنای <خاک آمیخته با آب (گِل)> آمده است (مفردات راغب).

آرزوی تبدیل به خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴۰ - ۱۷، ۱۵

۱۵ - آفریده شدن به صورت خاک و محرومیت از شعور و تکلیف از آغاز پیدایش، آرزوی کافران در قیامت

و يقول الكافر يلبتني كنت ترابًا

۱۷ - کافران در قیامت، حیات اخروی

را سرآغاز سختی‌ها دیده و باقی ماندن به صورت خاک را آرزو خواهند کرد .

یلیتی کنت ترَبًا

آرزوی خاک بودن، ممکن است به این معنا باشد که کاش دوباره زنده نشده بودم و به همان حالت پس از مرگ که خاک شده بودم باقی می‌ماندم.

ارزش خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۲ - ۴

۴ آتش، عنصری برتر و شریفتر از خاک در دیدگاه ابلیس

أنا خير منه خلقتني من نار و خلقته من طين

انسان از خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۷ - ۶،۹

۶- آفرینش آدمی از خاک و سپس نطفه و تکامل آن به صورت انسانی کامل ، سیر پیدایش انسان است .

بالذی خلقک من تراب ثم من نطفه ثم سوّیک رجلاً

جمله <خلقتک من تراب> یا نظر به این دارد که خداوند، حضرت آدم(ع) را از خاک آفرید بنابراین، اصل همه انسان‌ها خاک است و یا این که نطفه از غذاهایی تولید می‌شود که از خاک گرفته شده است.

۹- آفرینش انسان از خاک و نطفه و معتدل ساختن او ، دلایلی روشن بر امکان برپایی معاد و کافی در رفع استبعاد قیامت است

و ما أظنّ الساعة قائمه .. أکفرت بالذی خلقک من تراب

پاسخ مرد مؤمن به ثروت مند مغرور، با جمله <أکفرت بالذی..> حکایت از آن دارد که انکار معاد از جانب او که با جمله

<و ما أظنّ...> بیان شده بود، به جهت استبعاد تجدید حیات آدمی پس از مرگ بوده است، لذا

مرد مؤمن، با یادآوری قدرت خداوند و بیان سابقه خاک و نطفه بودن آدمی، به رفع این استبعاد و بیان قدرت خداوند پرداخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۵

۵- خاک ، مبدأ نخستین آفرینش انسان

فإننا خلقنكم من تراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۱ - ۲

۲ - خاک ، ماده و عنصر نخستین آفرینش انسان ها است .

و الله خلقكم من تراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۷ - ۲

۲ - خاک ، مبدأ نخستین آفرینش انسان

خلقكم من تراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۱۵

۱۵ - خاک و عناصر آن ، ماده اصلی پیدایش انسان به اراده الهی

إذ أنشأكم من الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۵ - ۳

۳- آفرینش انسان و جن ، دو موجود شعورمند ، از دو عنصر کاملاً متفاوت ( خاک و آتش ) ، نمود قدرت خداوند

خلق الإنسن من .. و خلق الجنّ من مارح من نار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۶ - ۱،۲،۳

۱ - جلوه های ربوبیت الهی در آفرینش انسان از < خاک > و جن از < آتش > ، غیر قابل انکار و تکذیب ناپذیر است .

خلق الإنسن .. و خلق الجنّ ... فبأیء الآء ربکما تکذبان

۲ - تبدیل گلی خشکیده به موجودی



چون < انسان > و شعله آتش به موجود زنده ای چون < جن > ، نمود ربوبیت یگانه خداوند

خلق الإنسن من صلصل كالفخار. .. فبأىء الآء ربكما تكذبان

۳ - پیدایش خصلت های ویژه انسانی از مستی خاک و پیدایش موجود زنده دارای درک و شعورمندی چون جن از شعله آتش ، نعمت هایی شایان تأمل و قدرشناسی \*

خلق الإنسن من صلصل. .. فبأىء الآء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۷ - ۳

۳ - خاک ، عنصر اصلی آفرینش آدم

و الله أنبتكم من الأرض

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از <أنبتکم> پیدایش اصل انسان ها (حضرت آدم(ع)) باشد. بر این اساس <الأرض> اشاره به عنصر خاکی آفرینش آدم خواهد بود.

تبدیل انسان به خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۸ - ۱،۳

۱ - بازگشت انسان پس از مرگ ، به عناصر نخستین آفرینش خود ( خاک و ... )

و الله أنبتكم من الأرض نباتًا . ثم يعيدكم فيها

۳ - بازگشت انسان ها پس از مرگ ، به عناصر نخستین آفرینش خود و زنده شدن مجدد آنان از همان عناصر ، جلوه قدرت و عظمت خداوند

ما لكم لا ترجون لله وقارًا . .. ثم يعيدكم فيها و يخرجكم إخراجًا

تبدیل به خاک بی حاصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- خداوند ، تمام موهبت ها و موجودات زمين را ، به خاکی بی حاصل تبدیل خواهد کرد .

إِنَّا جَعَلْنَا

ما على الأرض . . . و إنا لجعلون ما عليها صعيداً جرزاً

<صعيد> یعنی <خاک>، و <جرز> به زمینی که فاقد هر گونه گیاه و رویدنی باشد، گفته می شود.

تبدیل خاک به نطفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۷

۷- تحول خاک به نطفه ، تبدیل نطفه به علقه و تکامل علقه به مضغه ، روند آفرینش انسان

فإنا خلقنکم من تراب ثم من نطفه ثم من علقه ثم من مضغه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۷ - ۴،۵

۴ - تحوّل خاک به نطفه تبدیل نطفه به علقه و تکامل آن ، روند آفرینش انسان

خلقکم من تراب ثم من نطفه ثم من علقه ثم یخرجکم طفلاً

۵ - وجود فاصله زمانی میان تحوّل خاک به نطفه ، نطفه به علقه و علقه به صورت طفل

خلقکم من تراب ثم من نطفه ثم من علقه ثم یخرجکم طفلاً

با توجه به کاربرد <ثم> که برای بیان فاصله زمانی است برداشت بالا به دست می آید.

تبدیل گیاهان به خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۵ - ۲

۲ - خداوند ، در صورتی که بخواهد ، می تواند زراعت ها را به خس و خاشاک تبدیل کند .

لو نشاء لجعلنه حطماً

<حطام> به چیز خشک و شکسته شده گفته می شود (قاموس المحيط).

تبدیل موجودات به خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کھف - ۱۸ - ۸ - ۱

۱- خداوند ، تمام موهبت ها و موجودات زمین را

، به خاکی بی حاصل تبدیل خواهد کرد .

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ .. و إِنَّا لَجْعَلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرْزًا

<صعید> یعنی <خاک>، و <جرز> به زمینی که فاقد هرگونه گیاه و رویدنی باشد، گفته می شود.

تیمم بر خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۱۹

۱۹ تیمم ، بر خاک ، جایز و مجزی است .

فَتِيمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا

برخی از اهل لغت برآنند که <صعید> تنها بر خاک اطلاق می شود. با توجه به کلمه <منه> بعید نیست این معنی در آیه مراد باشد.

خاک های مرطوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶ - ۵

۵ - آنچه در زیرخاک های نمناک جهان قرار دارد از آن خداوند است .

له .. و ما تحت الثرى

<ثری> به معنای خاک نمناک است (مصباح). ال در <الثری> ظاهراً معنای جنس دارد، لذا شامل هر خاک نمناکی می شود، چه در زمین باشد و چه در کرات دیگر، بلکه چون در آیه <ما فی الأرض> ذکر شده است، احتمال می رود که <ما تحت الثرى> مربوط به غیر زمین باشد.

خلقت از خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۶،۷ - ۵

۵- خاک ، مبدأ نخستین آفرینش انسان

فَاِنَّا خَلَقْنٰكُمْ مِنْ تَرَابٍ

۶- قابلیت خاک برای پیدایش موجودات زنده از آن

فَاِنَّا خَلَقْنٰكُمْ مِنْ تَرَابٍ

۷- تحول خاک به نطفه ، تبدیل نطفه به علقه و تکامل علقه به مضغه ، روند آفرینش انسان

فَاِنَّا خَلَقْنٰكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نَظْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶ - ۲،۴،۶

۲ آفرینش انسان از خاک ، رشد مرحله به مرحله او در رحم ، صعود تدریجی از طفولیت ( مرحله ضعف جسمی و عقلی ) به اوج جوانی و نزول تدریجی از اوج بتوانایی ( جوانی ) به حسیض ناتوانی ( کهولت و پیری ) ، جلوه های ربوبیت خدا و یگانگی او

فإنّا خلقناکم من تراب .. لکیلا یعلم من بعد علم شیئا ... ذلک بأنّ الله هو الحق

۴ - آفرینش انسان و انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان ، نمایشی است از قدرتمندی و توانایی خداوند بر احیای همه مردگان در روز رستاخیز .

فإنّا خلقناکم من تراب.. و تری الأرض هامده... و أنّه یحیی الموتی

جمله <و أنّه یحیی.. > عطف بر <أنّ الله هو الحقّ > و به تقدیر <و ذلک بأنّ الله یحیی الموتی > می باشد؛ یعنی، آن قدرت نمایی ها بدان سبب است که خداوند می تواند مردگان را زنده کند.

۶ - آفرینش انسان و رویاندن انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان ، نمودی از قدرت بی کران و نامحدود خداوند

و أنّه علی کلّ شیء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷ - ۶۸

۶ - آفرینش انسان و انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان ، یادآور رستاخیز و دلیلی گویا بر قطعی بودن برپایی آن .

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <الساعة > به برپایی قیامت و <ذلک > در آیه قبل به خلقت

انسان و ایجاد انواع گیاهان: إن كنتم فى ريب من البعث فإننا خلقناكم من تراب. .. فإذا أنزلنا عليها الماء اهتزت وربت < اشاره داشته باشد.

۸ - خلقت انسان و رویش انواع گیاهان از خاک بی جان ، نشانگر توانمندی خدا بر احیای مردگان در روز رستاخیز

فإننا خلقناكم .. و ترى الأرض هامده ... و أن الله يبعث من فى القبور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۰ - ۱۰، ۹، ۸، ۶، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ - از جمله آیات خداوند ، آفریدن انسان ها از خاک است .

و من آیته أن خلقکم من تراب

۲ - خداوند ، پدید آورنده انسان ها از خاک است .

خلقکم من تراب

۳ - خاک ، مبدأ پیدایش انسان ها است .

و من آیته أن خلقکم من تراب

۴ - پدید آمدن انسان های زنده از دل خاک مرده ، نمودی از پدید آوردن موجود جان دار از موجود بی جان به دست خداوند است .

یخرج الحی من المیت .. و من آیته أن خلقکم من تراب

۶ - پدید آوردن موجودی زنده مانند انسان از دل خاک مرده ، از نشانه های توان مندی خداوند بر احیای مجدد انسان ها است .

و کذلک تخرجون . و من آیته أن خلقکم من تراب

از این آیه به بعد، چندین آیه، در صدد شمارش آیات الهی است. از میان آن آیات، ذکر مناسب ترین آیه با < و کذلک تخرجون > پس از آن، می تواند در ضمن بیان آیات الهی، اشاره به نکته فوق باشد.

۸ - آفرینش انسان از خاک تا صورت آدمی ، مراحل مختلفی داشته است .



أن خلقكم من تراب

ثم إذا أنتم بشر تنتشرون

<ثم> حرف تراخی است و دلالت بر مهلت و مدت می کند و از طرفی <إذا> فجایه است و دلالت بر ناگهانی بودن می کند. جمع بین این دو، به این است که میان خلق انسان از مبدأ خاک تا صورت انسانی، مراحل طی شده که چندان روشن و آشکار نبوده است.

۹ - پدید آمدن موجودی زنده به نام انسان از خاک مرده، امری غیر منتظره و سزاوار تأمل است.

أن خلقکم من تراب ثم إذا أنتم بشر تنتشرون

<إذا> فجایه در آیه، می تواند حکایت از این حقیقت باشد.

۱۰ - تبدیل شدن خاک پس از گذر از مراحل لازم به انسان، جهش گون و سریع است.

أن خلقکم من تراب ثم إذا أنتم بشر تنتشرون

<إذا> فجایه است و دلالت بر ناگهانی بودن می کند، لذا از آن، سرعت و حالت جهشی بودن به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ - آیه بودن آفرینش انسان از خاک، برای متفکران، قابل درک است.

و من ءایته أن خلقکم من تراب .. إن فی ذلک لآیت لقوم یتفکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۷ - ۴، ۳، ۲

۲ - خاک، مبدأ نخستین آفرینش انسان

خلقکم من تراب

۳ - قابلیت خاک برای پیدایش موجودات زنده از آن

خلقکم من تراب

۴ - تحوّل خاک به نطفه تبدیل نطفه به علقه و تکامل آن، روند آفرینش انسان

خلقكم من تراب ثم من نطفه ثم من علقه ثم يخرجكم طفلاً

خلقت

## خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۷ - ۱۰

۱۰ - قبل از انسان ها ، پدیده های دیگری چون گل ( آب و خاک ) آفریده شده بودند .

و بدأ خلق الإنسن من طین

فواید خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۶

۶- قابلیت خاک برای پیدایش موجودات زنده از آن

فإننا خلقنکم من تراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۷ - ۳

۳- قابلیت خاک برای پیدایش موجودات زنده از آن

خلقکم من تراب

نقش خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۷ - ۲

۲- رویش گیاهان مختلف ، با کاربرد های گوناگون ، از آمیختن دو عنصر آب و خاک ، به منظور استفاده انسان ها و دام ها ، از آیات الهی است .

أولم یروا أننا نسوق الماء إلى الأرض الجرذ فنخرج به زرعًا تأکل منه أنعمهم و أنف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۱ - ۲۸

۲ - خاک ، ماده و عنصر نخستین آفرینش انسان ها است .

و الله خلقکم من تراب

۸ - آفرینش آدم (ع) از خاک و انسان از نطفه و در قالب زن و مرد ، از نشانه های قدرت خدا و یکتایی او است .

و الله خلقکم من تراب ثم من نطفه ثم جعلکم أزواجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ -

۱۵ - خاک و عناصر آن ، ماده اصلی پیدایش انسان به اراده الهی

إذ أنشأكم من الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۴ - ۴

۴ - آب و خاک ، دارای نقش عمده در شکل گیری وجود انسان

خلق الإنسن من صلصل كالفخار

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که واژه <صلصال> گرچه به معنای گل خشکیده است؛ ولی به هرحال در آن آمیختگی خاک با آب مطرح است.

### خالق از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خالق

استمداد از خالق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۰ - ۱۰

۱۰- تنها خداوند خالق ، شأن مورد پرستش قرار گرفتن و کمک طلبیدن را دارد .

و الذین یدعون من دون الله لایخلقون شیئاً

آیه درصدد سرزنش عمل مشرکان در اتخاذ معبودهای متعدد است و استفاده می شود که چنان کاری مذموم و قبیح می باشد.

بدهت بی نظیری خالق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۷ - ۴

۴- قابل قیاس نبودن موجود آفرینشگر با موجود فاقد قدرت خلق ، از بدیهیات عقلی است .

أفمن یخلق کمن لا یخلق

طرح سؤال یاد شده در آیه بی آنکه جوابی برای او بدهد ارشاد به حکم عقل است.

بهترین خالق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۴ - ۱۲

۱۲ - خدا ، أحسن الخالقین ( بهترین آفریننده ها ) است .

فتبارک الله أحسن الخالقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۵ - ۵،۹

۵ - خداوند ، نیکوترین

آفریننده

أحسن الخلقين

۹- پرستش ، تنها شایسته نیکوترین آفریننده ها ( خدا ) است .

أدعون بعلاً و تذرون أحسن الخلقين

بی نظیری خالق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۷ - ۳

۳- هیچ گاه آفرینشگر با غیر آفرینشگر ، قابل مقایسه نیست .

أفمن یخلق کمن لا یخلق

بی نظیری خالق موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۷ - ۲

۲- کسی که تمام موجودات را آفریده با کسی که هیچ موجودی را نیافریده ، هیچ گونه شباهتی ندارد .

أفمن یخلق کمن لا یخلق

تعقل در خالق آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۵ - ۷

۷- نوح ( ع ) ، قوم خود را به اندیشه و مطالعه درباره چگونگی و مبدأ آفرینش جهان ، به منظور پی بردن به عظمت خداوند تشویق و تحرض می کرد .

ألم تروا کیف خلق الله سبع سموت طباقاً



تعبیر <ألم تروا كيف..>، می تواند برای تشویق و تحریض ادا شده باشد.

خالق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۲۴

۲۴ خداوند خالق و آفریننده همه پدیده هاست .

قل الله خلق كل شيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۴ - ۱

۱ - یگانه معبود هستی ، پدیدآورنده و آفریننده خلق بدون هیچ الگوی پیشین

هو الله الخلق البارئ

در معنای خلق، <ابداء و ابداع> نهفته است و آفرینش بدون الگو و بی سابقه را می نمایاند؛ چنان که <بارئ>

بنابر نظریه ای می تواند پیامدار همین معنا و تأکیدی بر آن باشد.

خالق آب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۱

۱ - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

متَّعًا لَكُمْ و لِأَنْعَمَكُم

<متاعاً> اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی <تمتعاً> (بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

خالق آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۴ - ۸

۸ قدرت پدید آوردن جهان و توانایی برپا کردن جهان آخرت ، در انحصار خداوند است .

قل هل من شركائکم .. قل اللّٰه یبدؤا الخلق ثم یعیده

خالق آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۷ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده و مبتکر آسمان ها و زمین بدون وجود نمونه ای از پیش

بديع السموت و الأرض

<بديع> بر گرفته شده از ابداع است و <ابداع> به معنای اختراع چیزی است بدون الگو و نمونه قبلی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ ستایش مخصوص خداوند آفریدگار آسمانها و زمین و پدیدآورنده تاریکیها و نور است.

الحمد لله الذي خلق السموت و الأرض و جعل الظلمت و النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ تنها خداوند پدیدآورنده آسمانها و زمین و برقرار کننده نور و ظلمت، آفریدگار آدمی است.

الحمد لله الذى خلق .. هو الذى خلقكم من طين

معرفه بودن مسندالیه <هو> و مسند <الذى> مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۱

۱ یگانه آفریدگار آسمانها و زمین خداوند است.

و هو الذى خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۹ - ۳،۴

۳ پدیدآورنده آسمانها و زمین شایسته ربوبیت و عبادت خالصانه است، نه پدیده های جهان.

لا أحب الأفلين .. إني وجهت وجهي للذي فطر السموت و الأرض

۴ خداوند یگانه، پدیدآورنده آسمانها و زمین است.

فطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۱ - ۱،۲

۱ خداوند پدیدآورنده آسمان و زمین بدون داشتن نمونه و الگویی از قبل

بديع السموت و الأرض

<بديع> یعنی خالق و مبدع. معنی بديع بودن خداوند آن است که او خالق و مخترع عالم است، بدون الگو گرفتن از نمونه ای. (لسان العرب).

۲ خداوند ایجادکننده آسمانها و زمین از کتم عدم است.

بدیع السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۲ - ۱

۱ تنها خدای مبدع آسمانها و زمین و آفریننده هستی و بی نیاز از شریک و فرزند، شایسته پروردگاری آدمیان است.

بدیع السموت .. . ذلکم الله ربکم لا إله إلا هو

در آیه گذشته، صفات متعددی برای خداوند ذکر گردید

و <ذلكم> در این آیه اشاره به خداوند، با تمامی صفات مذکور در آیه پیشین، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۷ - ۱

۱ - خدا، آفریدگار آسمان ها

و لقد خلقنا فوقكم سبع طرائق

<طریقه> (مفرد <طرائق>) به هر چیزی که روی آن، چیزی شبیه خودش قرار گرفته باشد، گفته می شود و مراد از <سبع طرائق> به قرینه <فوقکم> (بالای سر شما)، هفت آسمان است. بنابراین به آسمان های هفتگانه، بدان جهت که روی هم قرار دارند، <طرائق> گفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۴ - ۱

۱ - خداوند، آفریننده آسمان ها و زمین و موجودات میان آن دو است .

الله الذی خلق السموت و الأرض و ما بینهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۱

۱ - خداوند، خالق آسمان، زمین و پدیده های میان آن دو است .

و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بینهما بطلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۷ - ۵

۵ - منکران معاد در عصر بعثت، آسمان را آفریده خداوند می دانستند .

أم السماء بنیها

استدلال آیه شریفه بر امکان معاد، بدون پذیرش آفریدگاری خداوند برای آسمان، ناتمام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند ، پس از آفرینش آسمان و ایجاد شب و روز ، زمین را گسترده ساخت .

و الأرض بعد

## ذلك دحيها

<دحو> به معنای بسط دادن و گستراندن است. <بعد ذلك> دلالت دارد که این مرحله از تغییرات زمین، پس از تعدیل آسمان و آفرینش تاریکی و روشنی بوده است. مراد از بسط زمین به قرینه آیات بعد آماده سازی و سامان دادن آن برای زندگانی جانداران است.

## خالق آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۱

۱ - آسمان ها و زمین ( هستی ) آفریده های خداوند یکتاست .

إن فی خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۱،۵

۱ جز خداوند خالق آسمانها و زمین و روزی دهنده بی نیاز، کسی شایسته ولایت و سرپرستی نیست.

قل أغير الله أتخذ وليا فاطر السموت و الأرض و هو يطعم و لا يطعم

۵ خداوند ابداع کننده آسمانها و زمین، بدون الگو و نمونه قبلی

قل أغير الله أتخذ وليا فاطر السموت و الأرض

<فطر> به معنای ایجاد و اختراع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۴

۴ خدا، آفریدگار آسمان ها و زمین است .

الذی خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۸- هود - ۱۱ - ۷ - ۱

۱ خداوند ، آفریننده آسمان ها و زمین است .

هو الذى خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۲

۱۲ خداوند پدید آورنده آسمان ها و زمین

فاطر السموت و الأرض

<فاطر> به معنای آفریننده

و پدید آورنده است. این کلمه در آیه شریفه مناداست ؛ یعنی: <يافاطر السموت>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۷

۷- خداوند ، پدید آورنده آسمان ها و زمین (عالم آفرینش) است .

أفی الله شكَّ فاطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۱

۱- تنها خداوند ، خالق و آفریننده آسمان ها و زمین و نازل کننده باران از آسمان است .

الله الذی خلق السموت و الأرض و أنزل من السماء ماء

معرفه بودن مسندالیه و مسند، یعنی <الله> و <الذی خلق ..>، دلالت بر حصر می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳ - ۱۸

۱- آفریننده آسمان ها و زمین (جهان هستی) ، خداوند است .

خلق السموت و الأرض

۸- مشرکان صدراسلام ، خداوند را خالق آسمان ها و زمین می دانستند .

أتی أمر الله .. سبحنه و تعلى عمّا يشركون ... خلق السموت و الأرض بالحق تعلى

<تعلى عمّا يشركون> مربوط به <بالحق> است و نه <خلق السماوات و ..> بنابراین، از آیه استفاده می شود که مشرکان درباره اصل خلقت عالم حرفی نداشته اند، بلکه درباره حقانیت و پوچی آن توهماتى داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴ - ۲،۴،۱

۱- قرآن ، پیامی فرود آمده از سوی آفریدگار زمین و آسمان ها است .

تنزیلاً ممّن خلق الأرض والسموت

<تنزیلاً> مصدر به معنای اسم مفعول و حال برای <القرآن>

در آیات قبل است.

۲- خداوند ، آفریدگار آسمان های مرتفع و زمین است .

خلق الأرض والسموت العلی

<علی> (جمع <علیاً>) اسم تفضیل است. توصیف آسمان ها به مرتفع تر از زمین، برای بیان عظمت رتبه ها و مقام هایی است که قرآن از آن مقام، به زمین نازل شده است.

۴- توان مندی خداوند بر آفرینش زمین و آسمان های مرتفع ، نشان اقتدار او بفرستادن کتابی شایسته ، برای تذکر و اندرز انسان ها است .

تذکره.. مَمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَوَاتِ الْعُلَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۶ - ۳

۳- خداوند ، خالق جهان طبیعت ( آسمان ها ، زمین و انسان ) است .

رَبِّكُمْ رَبَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۹ - ۱

۱ خداوند ، آفریدگار آسمان ها و زمین و پدیده های میان آنها است .

الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۰ - ۱

۱ - خدا ، آفریدگار یگانه آسمان ها و زمین

أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - مشرکان ، به خالقیت خدا برای آسمان ها و زمین و مسخر کنندۀ خورشید و ماه ، باور داشتند .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض و سخر الشمس و القمر ليقولنَّ الله

۲ - خداوند ، خالق آسمان ها و زمین است .

من خلق السموت و الأرض

... ليقولنَّ الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۸ - ۲

۲ - آفریننده آسمان ها و زمین و تمامی موجودات ، خداوند است .

ما خلق الله السموت و الأرض و ما بينهما إلا بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۰ - ۱

۱ - خداوند ، آسمان ها را بدون پایه و ستون آفریده است .

خلق السموت بغير عمد ترونها

<ترونها> احتمال دارد قید توصیحی برای <بغير عمد> باشد. در این صورت، معنای <خلق السماوات بغير عمد> این است که خداوند، آسمان ها را بدون ستون آفریده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۵ - ۱

۱ - خالق آسمان ها و زمین ، در بینش کافران نیز خداوند است .

ولئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنَّ الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱ - ۴

۴ - خداوند ، خالق آسمان ها و زمین است .

فاطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - آسمان ها و زمین ، مخلوق خدا و جلوه ای از قدرت او است .

أولیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر

۵ - شگفت آور بودن انکار معاد و احیای مجدد انسان ها ، به قدرت خدای خالق آسمان ها و زمین

أولیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم

برداشت یاد شده از آن جا است که استفهام در >أولیس .

..< استفهام انکاری و تعجیبی است.

۷- مشرکان و کافران در عصر بعثت علی رغم انکار قیامت و تجدید حیات انسان ها به آفرینش آسمان ها و زمین به وسیله خدا و نیز به عظمت این آفرینش اعتقاد داشتند .

أولیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم

برداشت یاد شده با توجه به این حقیقت است که استدلال خداوند بر اثبات معاد، از راه آفرینش نخستین جهان طبیعت، مبتنی بر این حقیقت است که کافران، جهان طبیعت را جلوه ای از خالقیت و قدرت خدا بدانند.

۸- خداوند خالق آسمان ها و زمین ، بر آفرینش مجدد انسان ها و نوسازی آدمی از ذرات پوسیده و پراکنده دنیایی او در قیامت ، توانا است .

قال من یحیی العظم و هی رمیم . . . أولیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن ی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۱

۱ - خدا ، آفریننده آسمان ها و زمین

خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۵

۵ - خداوند ، خالق آسمان ها و زمین است .

اللهم فاطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۱ - ۱

۱ - خداند ، آفریننده آسمان ها و زمین

فاطر السموت و الأرض



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۴ - ۱

۱ - خداوند ، خالق و آفریدگار آسمان ها و زمین است .

هو الذی خلق

## السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۳ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده آسمان ها و زمین است .

خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲ - ۱

۱ - خداوند ، خالق و آفریننده آسمان ها و زمین است .

اللّٰه الذی خلق سبع سموت و من الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۳ - ۱

۱ - خداوند ، خالق آسمان ها است .

الذی خلق سبع سموت

خالق آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۱۸، ۱

۱ - آسمان ها و زمین ( هستی ) آفریده های خداوند یکتاست .

إن فی خلق السموت و الأرض

۱۸ - چگونگی جهان آفرینش ( پیوند و ارتباط اجزای آن با یکدیگر و هماهنگی و هدفداری آنها ) حکایت از آفریننده ای واحد دارد .

إن فی خلق السموت و الأرض . . . لأیت لقوم یعقلون

از آنجا که آیه شریفه در مقام استدلال بر مسأله توحید است، به نظر می رسد: متعلق < یعقلون >، یعنی، آنچه محط اندیشه است، پیوند اجزای یک مجموعه از جهان با یکدیگر و ارتباط مجموعه ها با همدیگر و هدفداری آنهاست؛ زیرا پیوند، ارتباط و هدفداری جهان می تواند از خالق یگانه و مدبری واحد حکایت کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۱ - ۶

۶ ابداع کننده هستی (خداوند) سزاوار تسبیح و منزه از داشتن شریک و فرزند

است.

سبحنه و تعلی عما یصفون. بدیع السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۲ - ۱۳، ۱۰، ۷، ۲، ۱

۱ تنها خدای مبدع آسمانها و زمین و آفریننده هستی و بی نیاز از شریک و فرزند، شایسته پروردگاری آدمیان است.

بدیع السموت .. ذلکم الله ربکم لا إله إلا هو

در آیه گذشته، صفات متعددی برای خداوند ذکر گردید و <ذلکم> در این آیه اشاره به خداوند، با تمامی صفات مذکور در آیه پیشین، است.

۲ الوهیت، مخصوص پروردگاری است که آفریننده هستی و بی نیاز از شریک و فرزند است.

بدیع السموت و الأرض انی یکون له ولد و لم تکن له صحبه .. ذلکم الله

۷ آفریدگار همه هستی، تنها خدای شایسته پرستش است.

لا إله إلا هو خلق کل شیء فاعبدوه

۱۰ توحید در عبادت مهمترین وظیفه انسان در برابر پروردگار و خالق هستی است.

ذلکم الله ربکم .. خلق کل شیء فاعبدوه

چون پس از بیان انحصار الوهیت در خداوند و بیان یکتایی او در خالقیت، امر به عبادت شده، چنین برمی آید که مهمترین وظیفه بنده در برابر خداوند عبادت و پرستش اوست.

۱۳ خداوند، ایجادکننده عالم و عهده دار امور همه موجودات هستی است.

خلق کل شیء فاعبدوه و هو علی کل شیء وکیل

مفاد جمله <و هو علی کل شیء وکیل>، پس از سخن از آفرینش، رد پندار کسانی است که در تدبیر عالم برای غیر خالق نقشی قائل باشند. به عبارت دیگر جمله اول توحید در خلق و جمله دوم توحید در امر را بیان می نماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۶ - اعراف - ۷ - ۵۴ - ۲

۲ تنها آفریدگار نظام هستی ، شایسته ربوبیت و تدبیر امور انسانهاست .

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۵ - ۱۴

۱۴ آنان که از طریق اندیشه در ملکوت آسمان ها و زمین ( نیاز جهان هستی به مالک و هستی بخش ) هدایت نشوند ، هیچ دلیلی دیگر نمی تواند آنان را هدایت کند .

فَبَأَىٰ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ

توضیح برداشت پیش راهنمای این برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶ - ۵

۵ خدا ، آفریننده تمامی پدیده های جهان هستی است .

وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۴ - ۸

۸ قدرت پدید آوردن جهان و توانایی برپا کردن جهان آخرت ، در انحصار خداوند است .

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ .. قُلْ اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۷

۷- خداوند ، پدید آورنده آسمان ها و زمین (عالم آفرینش ) است .

أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳ - ۱

۱- آفریننده آسمان ها و زمین (جهان هستی) ، خداوند است .

خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۳

۵- آفرینش و تدبیر جهان از جانب خداوند ، دو اصل تفکیک ناپذیر در جهان بینی توحیدی است .

و ما خلقنا السماء . . . و جعلنا ... و هو الذی خلق ... کلّ فی فلک یسبحون

سیاق آیات در مقام ردّ اندیشه مشرکان است که برای خداوند مقام خالقیت، و برای خدایان خویش مقام تدبیر قائل بودند و خداوند در آیات پیشین مقام تدبیر و در این آیه مقام آفرینش را به خود نسبت داده و جدایی آن دو مقام را مردود دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۶ - ۳،۹

۳- خداوند ، خالق جهان طبیعت ( آسمان ها ، زمین و انسان ) است .

رَبِّكُمْ رَبَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ

۹- خالقیت خداوند نسبت به جهان ، دلیل ربوبیت انحصاری او نسبت به انسان و جهان است .

قال بل رَبِّكُمْ رَبَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۳

۳ - خداوند ، هستی بخش جهان آفرینش است .

اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که مقصود از نور، معنای کتایی و مجازی آن باشد یعنی، نور وجودی چرا که جهان بدون هستی بخشی خداوند، در ظلمت و تاریکی عدم محض خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۹ - ۲

۲ - خداوند ، پدیدآورنده عالم است .

بيدئ الله الخلق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٤ - لقمان - ٣١ - ١١ - ٣

٣ - همه



عالم آفریده خداوند است و هیچ کس ، جز او در آن نقش نداشته است .

هذا خلق الله فأروني ماذا خلق الذين من دونه

جمله <هذا خلق الله> اشاره به خلق آسمان ها و زمین و کوه ها و جنبندگان و آب و گیاهان که در آیه قبل، از آنها سخن رفته است و مجموعه آنها، عالم را تشکیل می دهند دارد. بنابراین، مراد از آن، آفرینش همه عالم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۶ - ۲

۲ - خداوند خالق عالم و مدبر امور آن ، آگاه به غیب و شهود است .

الله الذي خلق السموت و الأرض . . . يدبر الأمر ... ذلك علم الغيب و الشاهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳ - ۴

۴ - تنها خداوند ، خالق جهان و روزی دهنده انسان ها است .

هل من خلق غير الله يرزقكم من السماء و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۷۱ - ۵

۵ - آفرینش ، مخصوص خدا است و او در آفرینش جهان هیچ شریکی ندارد .

أولم يروا أننا خلقنا لهم ممّا عملت أيدينا أنعمًا

تأکید خداوند بر آفریدگاری خویش (أنا خلقنا) و نیز جلوه قدرت خود دانستن پدیده های جهان (ممّا عملت أيدينا أنعمًا) گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۸ - ۲۱

۲۱ - تنها خالق جهان ، شایسته توکل و اتکا کردن بر او در عرصه های زندگی

است .

لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنَّ الله .. قل حسبى الله عليه يتوكل ا

از ارتباط میان صدر آیه که در آن از خالقیت خدا سخن رفته است با ذیل آن، برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۹ - ۱۲

۱۲ - ربوبیت و تدبیر جهان از شؤون خالقیت خدا است .

بالذی خلق .. ذلک ربّ العلمین

از این که خداوند برای ربوبیت خویش به خالقیتش استناد کرده، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۱۱

۱۱ - عبادت و پرستش، تنها شایسته آفریدگار جهان است؛ و نه در شأن مخلوقات او .

و اسجدوا لله الذی خلقهنَّ إن کنتم إیاه تعبدون

تقدیم <ایاه> بر <تعبدون> علاوه بر رعایت فاصله آیات، می تواند برای حصر نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ - خداوند، همواره در حال آفرینش و فیض مداوم در پهنه هستی است .

یخلق ما یشاء یهب لمن یشاء إنثا و یهب لمن یشاء الذکور

با توجه به افعال مضارع (<یخلق>، <یهب> و <یشاء>) که بیانگر تجدد و تکرار فعل است، می توان برداشت بالا را استفاده نمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ زیبایی، شگفتی و ثمربخشی، آمیخته به هم در مظاهر طبیعت و آفریده های خدا \*

زوج بهیج . تبصره و ذکری ... ماء میرگا

...و النخل باسقت لها طلع نضيد . رزقًا ل

خداوند در این آیات، با یادآوری هر یک از نعمت ها و مظاهر طبیعت وصفی حاکی از زیبایی و شگفتی علمی نیز برای آن آورده است و در پایان به ثمر بخشی عینی آنها که تغذیه خلق باشد اشاره کرده است؛ یعنی، رزق های آفریده خداوند یک بُعدی نیست و خداوند به وسیله آنها تنها تغذیه نمی کند؛ بلکه این روزی را با هنر و اسرار در می آمیزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۴ - ۲،۳

۲ - خداوند ، خالق و آفریدگار انسان و جهان است .

ألا يعلم من خلق

۳ - خالقیت خداوند نسبت به انسان و جهان ، نشانه و دلیل احاطه علمی او به تمامی حقایق جهان و نیز راز دل ها و ضمیر انسان ها است .

إنه علیم بذات الصدور . ألا يعلم من خلق

عبارت <ألا- يعلم من خلق> در مقام تبیین چگونگی آگاهی خداوند، از راز دل ها و ضمیر انسان ها است؛ یعنی، خداوند چون خالق و آگاه به خلق خویش است، پس به راز دل ها و نهان آدمیان آگاهی دارد.

خالق ابر های باران زا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۲ - ۴

۴ خداوند پدید آورنده ابر های سنگین پر باران

و ینشیء السحاب الثقال

<انشاء> (مصدر ینشیء) به معنای خلق کردن و پدید آوردن است. <سحاب> (جمع سحابه) به معنای ابرهای باران زاست و <ثقال> نیز جمع ثقیل است.

خالق اسب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۱- خداوند خالق و آفریننده اسب ، استر و الاغ است .

و الأنعم خلقها لكم .. و الخيل و البغال و الحمير

خالق استر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۱

۱- خداوند خالق و آفریننده اسب ، استر و الاغ است .

و الأنعم خلقها لكم .. و الخيل و البغال و الحمير

خالق الاغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۱

۱- خداوند خالق و آفریننده اسب ، استر و الاغ است .

و الأنعم خلقها لكم .. و الخيل و البغال و الحمير

خالق انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۱ - ۴، ۳

۳ - خداوند ، آفریننده همه انسان های موجود و پیشینیان آنان است .

اعبدوا ربکم الذی خلقکم و الذین من قبلکم

۴ - آفریننده انسان ها ، تنها حقیقتی که شایسته و بایسته پرستش است .

اعبدوا ربکم الذی خلقکم و الذین من قبلکم

توصیف خداوند به <خالقیت> - پس از بیان لزوم پرستش او - بیانگر علت لزوم پرستش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱۶

۱۶ - خداوند ، آفریننده انسانهاست .

فتوبوا إلی بارئکم . . . ذلکم خیر لکم عند بارئکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲ - ۱

۱ تنها خداوند پدیدآورنده آسمانها و زمین و برقرار کننده نور و ظلمت، آفریدگار آدمی است.

الحمد لله الذی خلق . . .

هو الذى خلقكم من طين

معرفه بودن مسنداليه <هو> و مسند <الذى> مفيد حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۹۸ - ۱

۱ پديد آورنده آدميان، تنها خداوند است.

و هو الذى أنشأكم من نفس وحده

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۱ - ۱

۱ خداوند، خالق همه انسانهاست.

و لقد خلقنكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۴ - ۱

۱ خداوند، آفریدگار آسمان ها و زمین و پروردگار راستین انسانهاست .

إن ربكم الله الذى خلق السموت و الأرض فى ستة أيام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴ - ۱

۱- خداوند، خالق و آفریننده انسان است .

خلق الإنسن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۶۷ - ۱



۱- خداوند ، آفریننده انسان و پدیدآورنده او در صحنه هستی

خَلَقَنه مِنْ قَبْلِ و لَمْ يَكْ شَيْئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۶ - ۳

۳- خداوند ، خالق جهان طبیعت ( آسمان ها ، زمین و انسان ) است .

رَبِّكُمْ رَبَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۶ - ۱

۱ - انسان ، آفریده خدا وزنده به اراده او است .

و هُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۲ - ۱

۱ - خدا ، خالق

و آفریدگار انسان

و لقد خلقنا الإنسن

<من> در <من سلاله> ابتدائیه و <سلاله> به معنای <عصاره> است. <طین> به اجزائی از خاک که با آب درآمیخته باشد (گِل) گفته می شود. <من طین> متعلق به عامل مقدر و صفت برای <سلاله> است؛ یعنی: به یقین ما انسان را از عصاره ای از <گِل> آفریدیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۸ - ۶

۶ - تدبیر حیات بشر، به دست آفریدگار او است و نه بت های ناتوان .

هل یسمعونکم .. فإِنَّهُمْ عدُوٌّ لی ... الذی خلقنی فهو یهدین

<فاء> تفریعیه در <فهو یهدین> می رساند که تدبیر و هدایت، مترتب بر خلقت است و کار تدبیر از آفرینش جدا نیست تا این که خدا خالق باشد؛ ولی تدبیر امور انسان ها به دست موجودات دیگر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۹ - ۱

۱ - پروردگار جهانیان، خدایی است که پس از آفرینش بشر، او را از غذاها و نوشیدنی ها بهره مند ساخته است .

الذی خلقنی .. و الذی هو یطعمنی و یسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۴ - ۲

۲ - خدای یگانه، آغازگر آفرینش انسان و بازگرداننده وی در روز رستاخیز

أَمَّنْ یبدؤا الخلق ثم یمیده

مفسران برآنند که مراد از <إعاده> بازگرداندن در روز قیامت است. بنابراین مراد از <الخلق> آفرینش انسان خواهد بود؛ یعنی، کیست آن که آفرینش انسان را آغاز می کند، آن گاه در آخرت او را برمی گرداند.



سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۰ - ۲

۲ - خداوند ، پدید آورنده انسان ها از خاک است .

خلقکم من تراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۴ - ۳

۳ - خداوند ، تنها آفریننده انسان ها است .

اللّٰه الذی خلقکم

معرفه بودن مبتدا و خبر اختصاص و حصر را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۶ - ۱

۱ - خداوند ، خالق انسان و مصنوعات و دست ساخته های او ( بت و ... )

و اللّٰه خلقکم و ما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۷ - ۱۲، ۳

۳ - خداوند ، خالق و آفریدگار ذات و سرشت انسان

إِلَّا الذی فطرنی

۱۲ - شأن هدایت گری ، شایسته آفریدگاری که سرشت انسان را پدید آورده و از خواست ها و نیاز های او آگاه است .

إِلَّا الذی فطرنی فَإِنَّه سیهدین

تفریع هدایت بر جنبه آفریدگاری و سرشت آفرینی خداوند، حکایت از مطلب یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۶ - ۱

۱ خداوند ، خالق انسان و آگاه به وسوسه های نفسانی وی

و لقد خلقنا الإنسن و نعلم ما توسوس به نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۲ - ۱

۱ - خداوند ، خالق و آفریننده انسان ها

هو الذی خلقکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۳

۴ - خداوند ، انسان را تصویر کرد و به وی صورت انسانی بخشید .

و صورکم

۵ - انسان ها ، از نظر ظاهر و باطن و صورت و سیرت ، زیبا و نیکو آفریده شده اند .

فأحسن صورکم

<صورت> عبارت است از هیئت هر شیئی که با آن، از دیگر اشیا جدا و ممتاز می گردد و شامل شکل ظاهری و هویت باطنی آن می شود (اقتباس از مفردات راغب).

۷ - آفرینش انسان زیبا صورت و نیکو سیرت ، مظهر و مصداق روشن آفرینش بحق خدا است .

خلق السموت و الأرض بالحقّ و صورکم فأحسن صورکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۴ - ۲،۳

۲ - خداوند ، خالق و آفریدگار انسان و جهان است .

ألا يعلم من خلق

۳ - خالقیت خداوند نسبت به انسان و جهان ، نشانه و دلیل احاطه علمی او به تمامی حقایق جهان و نیز راز دل ها و ضمیر انسان ها است .

إنّه علیم بذات الصدور . ألا يعلم من خلق

عبارت <ألا- يعلم من خلق> در مقام تبیین چگونگی آگاهی خداوند، از راز دل ها و ضمیر انسان ها است؛ یعنی، خداوند چون خالق و آگاه به خلق خویش است، پس به راز دل ها و نهان آدمیان آگاهی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۴ - ۱

۱ - خداوند ، خالق انسان و تکثیر کننده نسل او است .

قل هو الذي ذرأكم

<ذرأ> به معنای خلق است؛ ولی به گفته برخی از مفسران و اهل لغت، این واژه در آیه شریفه و آیات

مشابه آن، به معنای تکثیر نسل بشر است (برگرفته از لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۷ - ۲ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده انسان ها است .

الذی خلقک

۲ - خداوند ، انسان را آفریده ای کامل و به دور از هرگونه کاستی و اضافات قرار داده است .

فسوئیک

عبارت <سَوَاكُ>؛ یعنی، تو را <سَيَوِيَّ> قرار داد. <سَيَوِيَّ> به چیزی گفته می شود که اندازه و کیفیت آن، از افراط و تفریط به دور باشد. (مفردات راغب)

خالق انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۱

۱ خداوند ، آفریننده همه انسانهاست .

هو الذی خلقکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۱ - ۸

۸ خداوند ، آفریننده و خالق انسانهاست .

إن أجرى إلا علی الذی فطرني

<فطر> (مصدر فطرنی)؛ یعنی ، آفریدن چیزی که سابقه وجودی نداشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۱۲ تنها خداوند ، ایجاد کننده و آفریننده انسان است .

هو أنشأكم من الأرض

ترکیب‌هایی همانند <هو أنشأكم> و <أنا قمت> که مبتدا در معنا ، فاعل است و خبر آن فعل می باشد گاهی حاکی از تأکید است و گاهی دلالت بر حصر دارد. قرینه های موجود در کلام ، تعیین کننده آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ خداوند ، آفریدگار و خالق انسانهاست .

و لذلك خلقهم

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۳ - ۱

۱ موجودیت انسان ها و دستاوردهایشان و نیز تدبیر امور آنان به دست خداوند است .

أفمن هو قائم علی کل نفس بما کسبت

از معانی <قائم بودن بر کسی> در اختیار داشتن شؤون آن کس، تدبیر امور او و قوام بخشیدن به وی است. حرف <باء> در <بما کسبت> به معنای <مع> می باشد و مراد از <من هو...> خداوند متعال است. بنابراین مفاد <من هو قائم...> این است که: خداوند قوام بخش انسانها و هر آنچه به دست آورده اند می باشد و او شؤون ایشان را اداره و تدبیر می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۸

۸ - خداوند ، آفریننده و خالق انسان ها است .

الذی فطرنا

<فَطَّرَ> از ماده <فطره> به معنای ابتدا و اختراع است و <فطر الله الخلق>؛ یعنی آنها را آفرید و آغاز کرد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۳

۳- خدا ، خالق و آفریدگار انسان ها است .

فإنا خلقنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۱ - ۱

۱ - خداوند ، آغازکننده آفرینش انسان و بازآفریننده او پس از مرگ است .

الله یبدؤا الخلق ثم یعیده

<ال> در <الخلق> عهد است و مراد از آن به قرینه <ترجعون> انسان هائند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۱ - ۱

۱ - خدا، خالق و آفریننده انسان ها

و الله خلقکم

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۷ - ۱

۱ - خداوند ، خالق و آفریدگار انسان ها است .

هو الذی خلقکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۱ - ۹

۹ - خداوند ، خالق و آفریننده انسان ، برای نخستین بار و بدون سابقه و پیشینه

و هو خلقکم أول مرّه

مراد از <أول مرّه> زمانی است که آدمی وجود نداشت و خداوند او را آفرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳ - ۱

۱ - خداوند ، خالق انسان ها

خلق الإنسن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۷ - ۱

۱ - خداوند ، خالق و آفریدگار انسان ها

نحن خلقنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۹ - ۲

۲ - خداوند ، خالق انسان ها است .

إِنَّا خَلَقْنَهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۴ - ۱

۱ - خداوند ، خالق انسان ها است .

و قد خلقکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۱ - ۴

۴ - تنها خداوند ، خالق بشر است .

و من خلقت وحیداً

در این برداشت، کلمه <وحیداً> حال برای <تا> در <خلقت> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲ - ۹

۹ - خداوند ، انسان را شنوا و بینا آفرید .

فجعلنه سمیعاً بصیراً

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۸ - ۱

۱ - خداوند ، خالق و آفریدگار انسان ها است .

نحن خلقنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۰ - ۱

۱ - خداوند ، خالق انسان ها است .

ألم نخلقكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۸ - ۱

۱ - خداوند ، آفریدگار تمامی انسان ها است .

و خلقنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۸ - ۴

۴ - خداوند ، خالق همه انسان ها است .

قتل الإنسن . . . من أىّ شىء خلقه

فاعل <خلقه> خداوند است که سیاق آیه شریفه، از تصریح به آن بی نیاز ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۹ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده انسان ها است .

خلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۴ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده انسان ها است .

لقد خلقنا الإنسن فی کبد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۴ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده انسان ها است .

لقد خلقنا الإنسن

حرف <ال> در <الإنسان>، یا برای استغراق جنس است و یا به حقیقت و ماهیت او نظر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۲ - ۱

۱ - خداوند ، خالق انسان ها است .

خلق الإنسن

خالق انگور

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۱

۱ - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

متَّعًا لکم ولأنعمکم

<متاعاً> اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی <تمتیعاً> (بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

خالق باغ ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۶ - ۲

۲ - خداوند ، بهوجودآورنده بوستان ها و آفریننده درختان و منظره های سرسبز و حرم

لنخرج .. جنت ألفافاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۱

۱ - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

متَّعًا لکم ولأنعمکم

<متاعاً> اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی <تمتیعاً> (بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

خالق بذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۱ - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام

های آنان است .

متَّعًا لَكُمْ وَّلَا نَعْمَكُمْ

<متاعاً> اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی <تمتعاً> (بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

خالق تاریکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۱

۱ ستایش مخصوص خداوند آفریدگار آسمانها و زمین و پدیدآورنده تاریکیها و نور است.

الحمد لله الذى خلق السموت و الارض و جعل الظلمت و النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲ - ۱

۱ تنها خداوند پدیدآورنده آسمانها و زمین و برقرار کننده نور و ظلمت، آفریدگار آدمی است.

الحمد لله الذى خلق .. هو الذى خلقكم من طين

معرفه بودن مسندالیه <هو> و مسند <الذى> مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۰ - ۲

۲ - خداوند، شب و تاریکی آن را پدید آورده است .

و جعلنا الیل لباسًا

خالق جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - ساحران مؤمن ، معتقد به رسالت موسی (ع) از جانب خالق آنان

علی ما جاءنا من البینت والذی فطرنا

خالق چشم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۹ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، ایجاد کننده گوش و چشم و قلب در انسان است .

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده

خالق چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۱

۱ خداوند، آفریننده برخی از چهارپایان برای بارکشی و برخی برای خوراک و پوشاک است.

و هو الذی أنشأ .. و من الأنعم حموله و فرشا

<فرشا> در قبال <حموله> قرار گرفته که بیانگر گروه دیگری از چهارپایان است. یعنی حیواناتی که از پوست آنها می توان به عنوان فرش استفاده کرد یا به جهت کوچکی جثه و نزدیک بودن به زمین بدانها فرش اطلاق شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵ - ۱

۱- خداوند، خالق و آفریننده انعام ( گاو، شتر و گوسفند ) است .

و الأنعم خلقها لكم

<نعم> در لغت تنها به شتر گفته می شود؛ زیرا که بزرگ ترین نعمتها در نزد عرب است، ولی جمع آن <انعام> به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۲ - ۱

۱ - خداوند، مرکب هایی مانند کشتی ( چهارپایان و ... ) در سیر و سفر و حمل و نقل برای بشر آفریده است .

و خلقنا لهم من مثله ما یرکبون

خالق خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۳ - ۱

۱- تنها خداوند، آفریننده شب و روز و خورشید و ماه است .

و هو الذی خلق الیل والنهار والشمس والقمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - خداوند ، آفریدگار شب و روز و خورشید و ماه

و

من آیه .. الذی خلقهنّ

خالق درخت آتش زا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۳ - ۵

۵ - بهره گیری مسافران و بیابان گردان ، از درخت آتش زنه برای روشن کردن آتش ، حکمت دیگر ایجاد آن از سوی خداوند

و متعاً للمقوین

<مقوین> مشتق از <قوايه> (زمین بی آب و گیاه، بیابان) است یعنی، مسافران و بیابان گردان.

خالق درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۹ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده زیتون و درخت خرما و رویاننده آن از زمین است .

فأنبثنا فیها .. زیتوناً و نخلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۱

۱ - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

متعاً لکم و لأنعمکم

<متعاً> اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی <تمتعاً> (بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

خالق درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۶ - ۲

۲ - خداوند ، بهوجودآورنده بستان ها و آفریننده درختان و منظره های سرسبز و خرم

لنخرج .. جنت ألفافاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۰ - ۱

۱ - درختان تنومند و ستبر بوستان ها

، آفریده های خداوند و از منابع تغذیه انسان ها

و حدائق غلبًا

<عُلب> جمع <عَلْبَاء> است. به کسی که دارای گردنی کلفت باشد <اغلب> و <غلباء> گفته می شود (لسان العرب). در آیه شریفه، گرچه بوستان ها به ضخامت و ستبری توصیف شده اند ولی این وصف به قرینه <أنتنا> در آیات پیشین ناظر به قطور بودن درختان آن بوستان ها است.

خالق روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۳ - ۱

۱- تنها خداوند ، آفریننده شب و روز و خورشید و ماه است .

و هو الذی خلق الیل والنهار والشمس والقمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۶ - ۴

۴- نادیده گرفتن خدا در پدید آوردن نظام شب و روز ، امری شگفت و دور از انتظار

ألم یروا أنا جعلنا الیل لیسکنوا فیه و النهار مبصرًا

تعبیر <ألم یروا..> لحنی است آمیخته با شگفتی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۱ - ۸

۸- عبادت و حاجت خواهی ، تنها در پیشگاه کسی روا است که آفریننده شب و روز و تأمین کننده روزی و نیاز های انسان ها است .

و قال ربکم ادعونی أستجب لکم .. الله الذی جعل لکم... النهار مبصرًا

از ارتباط میان این آیه با آیه قبل که درباره ربوبیت خداوند و عبادت او و حاجت خواهی از او بود برداشت یاد شده به دست



می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ -

۹ - خداوند ، آفریدگار شب و روز و خورشید و ماه

و من آیته .. الذی خلقهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند ، پس از آفرینش آسمان و ایجاد شب و روز ، زمین را گسترده ساخت .

و الأرض بعد ذلك دحیها

<دحو> به معنای بسط دادن و گستراندن است. <بعد ذلك> دلالت دارد که این مرحله از تغییرات زمین، پس از تعدیل آسمان و آفرینش تاریکی و روشنی بوده است. مراد از بسط زمین به قرینه آیات بعد آماده سازی و سامان دادن آن برای زندگانی جانداران است.

خالق زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۱

۱ - آسمان ها و زمین ( هستی ) آفریده های خداوند یکتاست .

إن فی خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۱

۱ ستایش مخصوص خداوند آفریدگار آسمانها و زمین و پدید آورنده تاریکیها و نور است.

الحمد لله الذی خلق السموت و الأرض و جعل الظلمت و النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲ - ۱

۱ تنها خداوند پدیدآورنده آسمانها و زمین و برقرار کننده نور و ظلمت، آفریدگار آدمی است.

الحمد لله الذی خلق .. هو الذی خلقکم من طین

معرفه بودن مسندالیه <هو> و مسند <الذی> مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۱،۵

جز خداوند خالق آسمانها و زمین و روزی دهنده بی نیاز، کسی شایسته ولایت و سرپرستی نیست.

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم و لا یطعم

۵ خداوند ابداع کننده آسمانها و زمین، بدون الگو و نمونه قبلی

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت و الأرض

<فطر> به معنای ایجاد و اختراع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۱

۱ یگانه آفریدگار آسمانها و زمین خداوند است.

و هو الذی خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۹ - ۳،۴

۳ پدیدآورنده آسمانها و زمین شایسته ربوبیت و عبادت خالصانه است، نه پدیده های جهان.

لا أحب الأفلین .. إنی وجهت وجهی للذی فطر السموت و الأرض

۴ خداوند یگانه، پدیدآورنده آسمانها و زمین است.

فطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۱ - ۱،۲

۱ خداوند پدیدآورنده آسمان و زمین بدون داشتن نمونه و الگویی از قبل

بذیع السموت و الأرض

<بذیع> یعنی خالق و مبدع. معنی بذیع بودن خداوند آن است که او خالق و مخترع عالم است، بدون الگو گرفتن از نمونه

ای. (لسان العرب).

۲ خداوند ایجادکننده آسمانها و زمین از کتم عدم است.

بدیع السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۲ - ۱

۱ تنها خدای مبدع آسمانها و زمین و آفریننده هستی و بی نیاز از شریک و فرزند، شایسته پروردگاری آدمیان است.

بدیع السموت .

.. ذلكم الله ربكم لا إله إلا هو

در آیه گذشته، صفات متعددی برای خداوند ذکر گردید و <ذلكم> در این آیه اشاره به خداوند، با تمامی صفات مذکور در آیه پیشین، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۴

۴ خدا، آفریدگار آسمان ها و زمین است .

الذی خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۱

۱ خداوند، آفریننده آسمان ها و زمین است .

هو الذی خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۲

۱۲ خداوند پدید آورنده آسمان ها و زمین

فاطر السموت و الأرض

<فاطر> به معنای آفریننده و پدید آورنده است. این کلمه در آیه شریفه مناداست / یعنی: <یا فاطر السموت>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۷

۷- خداوند، پدید آورنده آسمان ها و زمین (عالم آفرینش) است .

أفی الله شکک فاطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۱

۱- تنها خداوند ، خالق و آفریننده آسمان ها و زمین و نازل کننده باران از آسمان است .

الله الذی خلق السموت و الأرض و أنزل من السماء ماء

معرفه بودن مسندالیه و مسند، یعنی <الله> و <الذی خلق ..>، دلالت بر حصر می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳ - ۱۸

۱- آفریننده آسمان

ها و زمین (جهان هستی) ، خداوند است .

## خلق السموت و الأرض

۸- مشرکان صدراسلام ، خداوند را خالق آسمان ها و زمین می دانستند .

أتى أمر الله .. سبحانه و تعالى عمّا يشركون ... خلق السموت و الأرض بالحق تعالى

<تعالى عمّا يشركون> مربوط به <بالحق> است و نه <خلق السماوات و ..> بنابراین، از آیه استفاده می شود که مشرکان درباره اصل خلقت عالم حرفی نداشته اند، بلکه درباره حقانیت و پوچی آن توهماتى داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴ - ۴، ۲، ۱

۱- قرآن ، پیامی فرود آمده از سوی آفریدگار زمین و آسمان ها است .

تنزیلاً ممّن خلق الأرض و السموت

<تنزیلاً> مصدر به معنای اسم مفعول و حال برای <القرآن> در آیات قبل است.

۲- خداوند ، آفریدگار آسمان های مرتفع و زمین است .

خلق الأرض و السموت العلى

<على> (جمع <علياً>) اسم تفضیل است. توصیف آسمان ها به مرتفع تر از زمین، برای بیان عظمت رتبه ها و مقام هایی است که قرآن از آن مقام، به زمین نازل شده است.

۴- توان مندی خداوند بر آفرینش زمین و آسمان های مرتفع ، نشان اقتدار او بفرستادن کتابی شایسته ، برای تذکر و اندرز انسان ها است .

تذکره .. ممّن خلق الأرض و السموت العلى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۶ - ۳

۳- خداوند ، خالق جهان طبیعت ( آسمان ها ، زمین و انسان ) است .



رَبِّكُمْ رَبَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۲ - فرقان

۱ خداوند ، آفریدگار آسمان ها و زمین و پدیده های میان آنها است .

الذی خلق السموت و الأرض و ما بینهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۰ - ۱

۱ - خدا ، آفریدگار یگانه آسمان ها و زمین

أمن خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۱ - ۲،۱

۱ - مشرکان ، به خالقیت خدا برای آسمان ها و زمین و مسخر کننده خورشید و ماه ، باور داشتند .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض و سخر الشمس و القمر ليقولنَّ الله

۲ - خداوند ، خالق آسمان ها و زمین است .

من خلق السموت و الأرض .. ليقولنَّ الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۸ - ۲

۲ - آفریننده آسمان ها و زمین و تمامی موجودات ، خداوند است .

ما خلق الله السموت و الأرض و ما بینهما إلا بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۵ - ۱

۱ - خالق آسمان ها و زمین ، در بینش کافران نیز خداوند است .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنَّ الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٤ - سجده - ٣٢ - ٤ - ١

١ - خداوند ، آفريننده آسمان ها و زمين و موجودات ميان آن دو است .

الله الذي خلق السموت و الأرض و ما بينهما

جلد - نام سوره - سوره - آيه

۴ - خداوند ، خالق آسمان ها و زمین است .

فاطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - آسمان ها و زمین ، مخلوق خدا و جلوه ای از قدرت او است .

أولیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر

۵ - شگفت آور بودن انکار معاد و احیای مجدد انسان ها ، به قدرت خدای خالق آسمان ها و زمین

أولیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم

برداشت یاد شده از آن جا است که استفهام در <أولیس ..> استفهام انکاری و تعجیبی است.

۷ - مشرکان و کافران در عصر بعثت علی رغم انکار قیامت و تجدید حیات انسان ها به آفرینش آسمان ها و زمین به وسیله خدا و نیز به عظمت این آفرینش اعتقاد داشتند .

أولیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم

برداشت یاد شده با توجه به این حقیقت است که استدلال خداوند بر اثبات معاد، از راه آفرینش نخستین جهان طبیعت، مبتنی بر این حقیقت است که کافران، جهان طبیعت را جلوه ای از خالقیت و قدرت خدا بدانند.

۸ - خداوند خالق آسمان ها و زمین ، بر آفرینش مجدد انسان ها و نوسازی آدمی از ذرات پوسیده و پراکنده دنیایی او در قیامت ، توانا است .

قال من یحیی العظم و هی رمیم .. أولیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن ی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - خداوند ، خالق آسمان ، زمین و پدیده های میان آن دو است .

و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بينهما بطلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۱

۱ - خدا ، آفریننده آسمان ها و زمین

خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۵

۵ - خداوند ، خالق آسمان ها و زمین است .

اللهم فاطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۹ - ۱۰

۱۰ - تنها آفریننده زمین ، پروردگار و مدبر عالم هستی است .

لتكفرون بالذى خلق الأرض . . . ذلك ربّ العالمين \$ <ذلك> به قرینه مقام خبر مقدم و <ر

<ذلك> به قرینه مقام خبر مقدم و <ربّ العالمين> مبتدای مؤخر است و تقدیم خبر بر مبتدای مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۱ - ۱

۱ - خداند ، آفریننده آسمان ها و زمین

فاطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۴ - ۱

۱ - خداوند ، خالق و آفریدگار آسمان ها و زمین است .

هو الذى خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۳ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده آسمان ها و زمین است .

خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ -

۱ - خداوند ، خالق و آفریننده آسمان ها و زمین است .

اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۵ - ۲

۲ - خداوند ، زمین را به گونه ای آفرید که در جهت مصالح و منافع انسان ها باشد .

جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند ، پس از آفرینش آسمان و ایجاد شب و روز ، زمین را گسترده ساخت .

وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحِيهَا

<دحو> به معنای بسط دادن و گستراندن است. <بعد ذلک> دلالت دارد که این مرحله از تغییرات زمین، پس از تعدیل آسمان و آفرینش تاریکی و روشنی بوده است. مراد از بسط زمین به قرینه آیات بعد آماده سازی و سامان دادن آن برای زندگانی جانداران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۱

۱ - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

مَتَّعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَمَكُم

<متاعاً> اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی <تمتعاً> (بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

خالق زندگى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۳ - ۶

۶ - معاد ، حضور



موجودات در پیشگاه آفریننده مرگ و زندگی است .

إِنَّا نَحْنُ نَحْيِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ

خالق زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۹ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده زیتون و درخت خرما و رویاننده آن از زمین است .

فَأَنْبَتْنَا فِيهَا .. زَيْتُونًا وَنَخْلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۱

۱ - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

مَتَّعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَمِكُمْ

<متاعاً> اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی <تمتعاً> (بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

خالق سبزیجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۱

۱ - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

مَتَّعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَمِكُمْ

<متاعاً> اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی <تمتعاً> (بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر

علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

خالق شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۳ - ۱

۱- تنها خداوند ، آفریننده شب و روز و خورشید و

ماه است .

و هو الذى خلق الليل والنهار والشمس والقمر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۷ - ۱

۱ آفرینش شب ، همچون لباس و پوشش ، تنها به قدرت خدا است .

و هو الذى جعل لكم الليل لباسًا

جمله <و هو الذى جعل لكم الليل لباسًا> برای حصر است و از نوع حصر افرادی است یعنی، تنها خدا شب را همچون پوشش برای انسان قرار داد نه قدرتی دیگر. گفتنی است در این جمله، شب به لباس و پوشش تشبیه شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۶ - ۴

۴ - نادیده گرفتن خدا در پدید آوردن نظام شب و روز ، امری شگفت و دور از انتظار

ألم يروا أننا جعلنا الليل ليسكنوا فيه والنهار مبصرًا

تعبیر <ألم يروا..> لحنی است آمیخته با شگفتی.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۱ - ۸

۸ - عبادت و حاجت خواهی ، تنها در پیشگاه کسی روا است که آفریننده شب و روز و تأمین کننده روزی و نیاز های انسان ها است .

و قال ربكم ادعوني أستجب لكم .. الله الذى جعل لكم... النهار مبصرًا

از ارتباط میان این آیه با آیه قبل که درباره ربوبیت خداوند و عبادت او و حاجت خواهی از او بود برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش



خورشید و ماه

و من آیته ... الذی خلقهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۰ - ۲

۲ - خداوند ، شب و تاریکی آن را پدید آورده است .

و جعلنا الیل لباساً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند ، پس از آفرینش آسمان و ایجاد شب و روز ، زمین را گسترده ساخت .

و الأرض بعد ذلک دحیها

<دحو> به معنای بسط دادن و گستراندن است. <بعد ذلک> دلالت دارد که این مرحله از تغییرات زمین، پس از تعدیل آسمان و آفرینش تاریکی و روشنی بوده است. مراد از بسط زمین به قرینه آیات بعد آماده سازی و سامان دادن آن برای زندگانی جانداران است.

خالق شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵ - ۱

۱ - خداوند ، خالق و آفریننده انعام ( گاو ، شتر و گوسفند ) است .

و الأنعم خلقها لکم

<نعم> در لغت تنها به شتر گفته می شود؛ زیرا که بزرگ ترین نعمتها در نزد عرب است، ولی جمع آن <أنعام> به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - شتر ، مخلوق خداوند و آفریده ای هدف دار است .

أفلا ينظرون إلى الإبل كيف خلقت

در آیه شریفه، گرچه سخن از آفریننده شتر به میان نیامده است؛ ولی سیاق آیات که در مقام برشمردن نعمت های خداوند، توجه دادن انسان به قدرت مندی

او و ضرورت معاد می باشد بیانگر این است که خداوند، آن را خلق کرده و آفریدن آن لغو نبوده است.

### خالق طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷ - ۱

۱- پدیده های روی زمین و مظاهر طبیعت ، آفریده های خداوند و زینت بخش زمین است .

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا

### خالق قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۹ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، ایجاد کننده گوش و چشم و قلب در انسان است .

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئدة

### خالق کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۰ - ۱

۱ - خداوند ، پدید آورنده کوه های استوار در زمین

و جعل فیها روسی

<رواسی> (جمع <راسیه>) به معنای کوه های استوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۷ - ۱

۱ - آفرینش کوه های استوار و بلند در زمین ، از سوی خداوند

و جعلنا فيها روسی شمخت

<رواسی> به معنای کوه های استوار و پابرجا و <شامخات> به معنای <مرتفعات> (کوه های بلند) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۷ - ۲

۲ - خداوند ، آفریننده کوه های استوار و مستحکم است .

ألم نجعل .. و الجبال أوتادًا

خالق گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵ - ۱

۱ - خداوند ، خالق و آفریننده انعام )



گاو، شتر و گوسفند) است.

و الأنعم خلقها لكم

<نعم> در لغت تنها به شتر گفته می شود؛ زیرا که بزرگ ترین نعمتها در نزد عرب است، ولی جمع آن <أنعام> به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود.

خالق گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵ - ۱

۱- خداوند، خالق و آفریننده انعام (گاو، شتر و گوسفند) است.

و الأنعم خلقها لكم

<نعم> در لغت تنها به شتر گفته می شود؛ زیرا که بزرگ ترین نعمتها در نزد عرب است، ولی جمع آن <أنعام> به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود.

خالق گوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۹ - ۱۰

۱۰- خداوند، ایجاد کننده گوش و چشم و قلب در انسان است.

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده

خالق گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳ - ۳

۳ خداوند، آفریننده گیاهان و میوه جات در زمین

و من كل الثمرت جعل فيها زوجین اثنين

<ثمرات> (جمع ثمره) به معنای میوه ها و نیز درختان است (برگرفته شده از قاموس المحيط).

خالق ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۳ - ۱

۱- تنها خداوند ، آفریننده شب و روز و خورشید و ماه است .

و هو الذی خلق الیل والنهار والشمس والقمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۹

۹ - خداوند

، آفریدگار شب و روز و خورشید و ماه

و من آیته .. الذی خلقهنّ

خالق مراتع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۱

۱ - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

متعاً لکم ولأنعمکم

<متاعاً> اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی <تمتعاً> (بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

خالق مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۳ - ۶

۶ - معاد ، حضور موجودات در پیشگاه آفریننده مرگ و زندگی است .

إنا نحن نحیی و نمیت و إلینا المصیر

خالق مصنوعات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۶ - ۱

۱ - خداوند ، خالق انسان و مصنوعات و دست ساخته های او ( بت و ... )

و الله خلقکم و ما تعملون

خالق معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۲۵

۲۵ خداوند آفریننده چیزهایی که اهل شرک آنها را معبود ها و خدایان خویش پنداشته اند .

أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ .. قُلِ اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ

از مصداقهای مورد نظر برای <شیء> معبودهای اهل شرک است.

خالق موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ -

۱۰ > عن ابی عبداللہ (ع) فی قوله : < الحمد لله > قال : الشکر لله و فی قوله < رب العالمین > قال : خالق المخلوقین ... ;

از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: < الحمد لله > یعنی شکر مخصوص خداست و < رب العالمین > یعنی، آفریننده مخلوقات ... <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۱ - ۷

۷ خداوند آفریننده همه موجودات است.

و خلق کل شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۲ - ۴

۴ خداوند آفریدگار هر موجودی است.

ذلکم الله .. خلق کل شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۵ - ۷

۷ خداوند آفریدگار همه موجودات و دارای سلطه ای کامل بر آنهاست .

أو لم ينظروا فی ملکوت .. ما خلق الله من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۲۴

۲۴ خداوند خالق و آفریننده همه پدیده هاست .

قل الله خلق کل شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۹ - ۱۰

۱۰- خداوند دارای قدرت لازم برای ایجاد پدیده ها و از بین بردن برخی و آوردن برخی دیگر به جای آنان

ألم تر أن الله خلق السموت والأرض بالحقّ إن يشأ يذهبكم و يأت بخلق جديد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۵

۵- خداوند ، پیوسته

موجوداتی را پدید می آورد که انسان ها به آنها آگاهی ندارند .

خلق السموت و الأرض .. خلق الإنسن ... و الأنعم خلقها لكم ... و یخلق ما لاتعلم

از اینکه <خلق> را در فرازهای قبلی به صورت ماضی و در عبارات اخیر به صورت مضارع به کار برده است، مطلب فوق برداشت می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۷ - ۱

۱- خداوند ، خالق و آفریننده تمام موجودات است .

خلق السموت و الأرض .. خلق الإنسن ... و الأنعم خلقها لكم ... و یخلق ما لاتعلمو

از اینکه پس از بیان آفریده های مختلف فرمود: آیا کسی که خلق می کند نظیر کسی است که خلق نمی کند، استفاده می شود که او خالق همه چیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷ - ۱

۱- پدیده های روی زمین و مظاهر طبیعت ، آفریده های خداوند و زینت بخش زمین است .

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۵ - ۱۲

۱۲- رابطه خداوند با تمامی موجودات ، رابطه خالق و مخلوق است ، نه رابطه پدر و فرزند .

ما كان لله أن يتخذ من ولد سبحانه .. يقول له كن فيكون

چنانچه پیدایش عیسی(ع) دلیل فرزندگی او برای خداوند باشد آن گونه که باطل اندیشان می گویند تمامی موجودات را باید فرزند خدا دانست، زیرا خداوند همه موجودات از جمله عیسی(ع) را با فرمان <کن> ایجاد کرده است.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۰ - ۳،۴

۳ - آفریننده همه موجودات و هدایتگر آنها در مسیر خویش ، خداوند است .

أعطى كلّ شيء خلقه ثمّ هدى

۴ - خداوند به هر موجودی ، خلقتی کامل و اعضا و ویژگی هایی متناسب با شأن او ، عطا کرده است .

الذی أعطى كلّ شيء خلقه

<خلق>، به معنای ایجاد، یا تقدیر درست و یا هیئت و شکل است (مفردات راغب). معنای دوم و سوم رساننده نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲ - ۱۱

۱۱ خداوند ، آفریننده همه پدیده های جهان هستی است .

و خلق كلّ شيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۰ - ۲

۲ - پدیدآورنده موجودات ، خداوند است .

بدأ الخلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۸ - ۲

۲ - آفریننده آسمان ها و زمین و تمامی موجودات ، خداوند است .

ما خلق الله السموت و الأرض و ما بينهما إلاّ بالحقّ



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۲ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده هر چیزی است .

اللّٰهُ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۲ - ۳

۳ - خداوند ، خالق همه چیز است .

خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۹ - ۴

۴ - خداوند

، قادر و توانمند بر آفرینش هر آنچه بخواهد .

یخلق ما یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۲ - ۱

۱ - خداوند آفریننده تمامی موجودات

الذی خلق

بیان نکردن مفعولی خاص برای <خلق>، بیانگر تعمیم است و به آفرینش تمام مخلوقات نظر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱ - ۱۲

۱۲ - خداوند ، خالق تمامی مخلوقات است .

الذی خلق

ذکر نشدن مفعولی خاص برای فعل <خلق>، افاده عموم می کند و در این صورت آیه بعد، ذکر خاص بعد از عام خواهد بود. در این موارد می توان گفت: <خلق> گرچه متعدی است ولی به جهت نظر نداشتن به مفعولی خاص، به منزله فعل لازم دانسته شده است. و ممکن است گفته شود: مفعول مقدر آن، لفظی است که همه موجودات را شامل می شود. برخی گفته اند: به قرینه آیه بعد، مفعول محذوف این فعل نیز <الإنسان> است که در این صورت، آیه شریفه تنها به آفرینش انسان نظر خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۲ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده موجودات

ما خلق

خالق موجودات آسمان

۲ - خدای پدیدآورنده موجودات آسمان و زمین از کتم عدم ، شایسته پرستش است ، نه مخلوقات و مظاهر طبیعت .

یسجدون للشمس .. ألایسجدوا لله الذی یخرج الخبء فی السموت و الأرض

<ال> در <الخبء> برای جنس و مفید استغراق است <خَبء> به معنای مستور

(مصدر به معنای مفعول) می باشد. بنابراین <یخرج الخبء> یعنی، <یخرج جميع الأشياء المستوره تحت استار العدم منها إلى الوجود>.

خالق موجودات فضا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۱

۱ - خداوند ، خالق آسمان ، زمین و پدیده های میان آن دو است .

و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بينهما بطلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۹ - ۱

۱ خداوند ، آفریدگار آسمان ها و زمین و پدیده های میان آنها است .

الذی خلق السموت و الأرض و ما بينهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۴ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده آسمان ها و زمین و موجودات میان آن دو است .

الله الذی خلق السموت و الأرض و ما بينهما

خالق میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳ - ۳

۳ خداوند ، آفریننده گیاهان و میوه جات در زمین

و من کل الثمرت جعل فیها زوجین اثنين

<ثمرات> (جمع ثمره) به معنای میوه ها و نیز درختان است (برگرفته شده از قاموس المحيط).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۱

۱ - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

مَتَّعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَمَكُم

<متاعاً> اسم مصدر و جایگزین مصدر

حقیقی <تمتیعاً> (بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

خالق نعمت های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۹ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده همه موهبت های موجود در زمین است .

هو الذی خلق لکم ما فی الأرض جمیعاً

کلمه <جمیعاً> به معنای کل است و بدل برای <ما> ی موصوله می باشد.

خالق نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۱

۱ ستایش مخصوص خداوند آفریدگار آسمانها و زمین و پدید آورنده تاریکیها و نور است.

الحمد لله الذی خلق السموت و الأرض و جعل الظلمت و النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲ - ۱

۱ تنها خداوند پدید آورنده آسمانها و زمین و برقرار کننده نور و ظلمت، آفریدگار آدمی است.

الحمد لله الذی خلق .. هو الذی خلقکم من طین

معرفه بودن مسندالیه <هو> و مسند <الذی> مفید حصر است.

ربوبیت خالق آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۸ ربوبیت و ولایت تنها برازنده خالق هستی است .

أفأخذتم من دونه أولياء .. قل الله خلق كل شيء

سوگند به خالق آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۵ - ۵

۵ - سوگند خداوند به سازنده آسمان

و ما بنیها

چنانچه <ما> در <ما بناها> موصول باشد، مراد از آن خداوند خواهد بود. آوردن <ما> در این

موارد با توجه به این که این کلمه بیش از <من> موصول، ابهام دارد بیانگر این است که حقیقت موضوع و عظمت آن، قابل تعریف نیست.

سوگند به خالق مذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۳ - ۲

۲ - سوگند خداوند ، به آفریننده جنس نر و ماده

و ما خلق الذکر و الأُنْثی

کلمه <ما> در <ما خلق>، می تواند موصول و به معنای <من> باشد. در این صورت مراد از آن، ذات باری تعالی خواهد بود. این کلمه به دلیل ابهام بیشتری که در مفاد آن هست، عظمت مصداق خود را بیشتر مجسم می کند؛ زیرا دلالت دارد که آن مصداق، غیر قابل تعریف است.

سوگند به خالق مؤنث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۳ - ۲

۲ - سوگند خداوند ، به آفریننده جنس نر و ماده

و ما خلق الذکر و الأُنْثی

کلمه <ما> در <ما خلق>، می تواند موصول و به معنای <من> باشد. در این صورت مراد از آن، ذات باری تعالی خواهد بود. این کلمه به دلیل ابهام بیشتری که در مفاد آن هست، عظمت مصداق خود را بیشتر مجسم می کند؛ زیرا دلالت دارد که آن مصداق، غیر قابل تعریف است.

شرایط خالق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۶ - ۲

۲ لازمه خالقیت ، آگاهی به اسرار و نهفته های وجود مخلوق



و لقد خلقنا .. و نعلم ما توسوس به نفسه

از این که خداوند، نخست مسأله خلقت را مطرح کرده و سپس

علم خویش به اسرار آدمیان را بیان داشته، تلازم یاد شده استفاده می شود.

علم غیب خالق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۶ - ۲

۲ لازمه خالقیت، آگاهی به اسرار و نهفته های وجود مخلوق

و لقد خلقنا .. و نعلم ما توسوس به نفسه

از این که خداوند، نخست مسأله خلقت را مطرح کرده و سپس علم خویش به اسرار آدمیان را بیان داشته، تلازم یاد شده استفاده می شود.

غفلت از بی نظیری خالق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۷ - ۸

۸- بی توجهی به غیر قابل قیاس بودن خالق با غیر خالق، مذموم و ناپسند است .

أفمن یخلق کمن لا یخلق أفلاتذکرون

فرعون و خالق آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۰ - ۷

۷- فرعون و فرعونیان، به تغایر بین خالق جهان و رب موجودات، معتقد بودند .

من ربکما .. ربنا الذی أعطی کل شیء خلقه

در پاسخ به یک سؤال، سعی می شود از یک مقدمه معلوم، برای معرفی مجهول استفاده شود. در جواب پرسش فرعون (من ربکما)، موسی (ع) نیز از یک مقدمه معلوم استفاده کرده که توصیف خداوند به خالقیت است، زیرا فرعون و پیروانش، به خالقیت خداوند معتقد بودند، و تنها ربوبیت، محور تفاوت و اختلاف آنان بوده است.

فرعونیان و خالق آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۰ - ۷

۷- فرعون و فرعونیان ، به تغایر بین خالق

جهان و ربّ موجودات ، معتقد بودند .

من ربّكما .. ربّنا الذی أعطی کلّ شیء خلقه

در پاسخ به یک سؤال، سعی می شود از یک مقدمه معلوم، برای معرفی مجهول استفاده شود. در جواب پرسش فرعون (من ربّكما)، موسی (ع) نیز از یک مقدمه معلوم استفاده کرده که توصیف خداوند به خالقیت است، زیرا فرعون و پیروانش، به خالقیت خداوند معتقد بودند، و تنها ربوبیت، محور تفاوت و اختلاف آنان بوده است.

مدح خالق موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۴ - ۸

۸- وجود تمامی موجودات هستی ، خود تمجید و ستایش آفریدگارشان است .

و إن من شیء إلاّ یسبح بحمده

حمد و تسبیح موجودات برای خداوند تسبیح به زبان حال است. یعنی با هستی خود ثناگوی اند. به عبارت دیگر، اضافه <تسبیح> به موجودات، اضافه مجازی است نه حقیقی.

معبودیت خالق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۱۱

۱۱ - عبادت و پرستش ، تنها شایسته آفریدگار جهان است ؛ و نه در شأن مخلوقات او .

و اسجدوا لله الذی خلقهنّ إن کنتم إیاه تعبدون

تقدیم <إیاه> بر <تعبدون> علاوه بر رعایت فاصله آیات، می تواند برای حصر نیز باشد.

نقش خالق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۱ - ۴

۴- آفریننده هر چیز ، تواناترین و شایسته ترین فرد برای اداره و تدبیر آن است .

أفتتخدونه و ذرّيته أولياء من دوني .. ما أشهدتهم خلق السموت والأرض و لاخلق أ

خداوند، برای رد صلاحیت شیاطین در ولیّ بودن، به

نقش نداشتن آنان در آفرینش استناد و در نقطه مقابل، بر ولیّ مطلق بودن خود با توجه به این که خود، آفریننده تمامی هستی است، تصریح کرده است. توجه به این نکات، رساننده برداشت یاد شده است.

نقش خالق انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۸

۸- حقیقت قادری که بار نخست انسان را آفرید، قادر و توانا بر آفرینش مجدد اوست .

من یعیدنا قل الذی فطرکم أوّل مرّه

نیاز به خالق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۹ - ۲

۲ - خلق در بقای خویش همانند اصل پیدایش، همواره نیازمند و متکی به خالق خویش

یسله من فی السموت و الأرض

فعل مضارع <یسئله>، می نمایاند که خلق پس از تکوّن، بی نیاز از خالق نمی باشند؛ بلکه همچنان در تمنای کسب فیض از مبدأ فیاض اند.

ولایت خالق آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۶

۱۶ آفریننده هستی تنها حقیقت شایسته و توانمند برای سرپرستی و ولایت بر آدمیان

فاطر السموت و الأرض أنت ولیّ فی الدنیا و الآخره

یوسف(ع) پس از توصیف خداوند به پدید آورنده آسمانها و زمین (هستی) او را ولیّ خویش می خواند تا به این حقیقت اشاره کند که: چون خدا خالق هستی است، ولیّ و سرپرست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۲۸

۲۸ ربوبیت و ولایت تنها برازنده خالق هستی است .

أفأخذتم من دونه أولياء . .. قل الله

## خالقیت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

### خالقیت

آثار ایمان به خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۶ - ۳

۳ - توجه و ایمان به آفرینش هستی به وسیله خداوند ، متقاضی کردن نهادن به دستورات او

أم خلقوا السموت و الأرض

خداوند، برای به اطاعت واداشتن کافران، آنان را به خالقیت خویش تذکر داده است؛ زیرا پذیرش خالقیت خداوند، مسلتزم اطاعت او است.

آثار توحید در خالقیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۶ - ۸

۸- توحید در ربوبیت ، لازمه توحید در خالقیت است .

بل ربکم .. الذی فطرهنّ

آیه شریفه، برای اثبات توحید خداوند در ربوبیت، او را به صفت خالق جهان بودن توصیف کرده است. این توصیف بیانگر این است که میان توحید در ربوبیت و توحید در خالقیت، پیوند ناگسستنی وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۰ - ۵

۵ - انحصار خالقیت ، اختیار و آگاهی مطلق و یکتایی به خداوند ، دلیل انحصار شایستگی ستایش ها به او

ربّک یخلق ما یشاء و یختار .. یعلم ... و هو اللّٰه لا إله إلاّ هو له الحمد فی ا



از ارتباط میان آیات گذشته که بیانگر اوصاف خداوند بود و این آیه برداشت یاد شده به دست می آید؛ زیرا ذکر انحصار ستایش ها به خداوند، نتیجه اوصاف یاد شده برای او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳ - ۱۰

۱۰ - توانایی خداوند بر آفرینش هر چیزی و

انجام هر کاری و انحصار خالقیت و رازقیت به او ، نشانه یکتایی خدا و انحصار الوهیت به او است .

يزيد في الخلق ما يشاء إنّ الله على كلّ شيء قدير.. لا إله إلا هو

جمله <لا إله إلا هو> به منزله نتیجه برای مطالبی است که در این آیه و آیه قبل آمده است. گفتنی است که محور آن، مسأله خالقیت و قدرت مطلق خداوند می باشد.

آثار خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۸ - ۴

۴ - خالقیت و هدایت گری خدا ، جلوه دوستی و مهر و محبت او به خلق

فإنهم عدوٌ لى إلا ربّ العلمين . الذى خلقنى فهو يهدين

جمله <الذى خلقنى..> تعلیل بر آیه پیش و دلیل برای دوست بودن خدا برای انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۶ - ۳

۳ - آفریدگاری خداوند ، مستلزم مالکیت او بر آفریده های خویش است .

من خلق السموت و الأرض ليقولنّ الله .. لله ما فى السموت و الأرض

<لله ما فى..> به منزله نتیجه آیه قبل است و به خاطر روشن بودن اش، از حرف عطف استفاده نشده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۲۲ - ۷،۳

۳ - خالقیت خدا ، مقتضی عبادت کردن مخلوقات است .

و ما لى لا أعبد الذى فطرنى

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <فطرنى> در مقام بیان تعلیل برای جمله پیشین است.

۷- معاد و بازگشت به سوی خدا، لازمه خالقیت

خدا نسبت به انسان ها است .

و ما لی لا أعبد الذی فطرنی و إلیه ترجعون

ذکر خالقیت خدا نسبت به انسان ها در آغاز آیه و بیان معاد آنان پس از آن، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۱ - ۱۰

۱۰ - آفرینش انبوه پدیده های جهان و آگاهی همه جانبه از احوال آنها ، دلیل و شاهد توانایی خداوند بر احیای مجدد انسان ها در روز قیامت

أولیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم بلی و هو الخلق العلیم

یادآوری آفرینش و علم گسترده خداوند، در پایان آیه و در شرایطی که آیه شریفه در مقام بیان توانایی خداوند بر احیای مجدد انسان ها است؛ می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۸ - ۲۱

۲۱ - تنها خالق جهان ، شایسته توکل و اتکا کردن بر او در عرصه های زندگی است .

لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنَّ الله .. قل حسبی الله علیه یتوکل ا

از ارتباط میان صدر آیه که در آن از خالقیت خدا سخن رفته است با ذیل آن، برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۷ - ۵،۶

۵ - خداوند ، به دلیل خالقیت و آفرینندگی اش ، شایسته عبادت و پرستش است .

إِنِّی براء ممَّا تعبدون . إلا الذی فطرنی

۶ - هدایت انسان ها ، از شؤون خالقیت خداوند است

الذی فطرنی فإِنَّه سیهدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۳ - ۴

۴- آفرینش توانمندانه آسمان ها و زمین از سوی خداوند ، دلیل قدرت او بر تجدید حیات مردگان

اللّٰه الذی خلق .. و لم یعی بخلقهنّ بقدر علی أن یحیی الموتی

آثار ذکر خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۳ - ۲۲

۲۲ توجه به خالقیت ، حاکمیت ، ربوبیت و مدبر بودن خدا ، زمینه پیدایش روح بندگی و پرستش

اللّٰه الذی خلق .. ثم استوی ... یدبر الأمر ... اللّٰه ربکم فاعبدوه أفلا تذکرون

از حرف <فاء> در <فاعبدوه> که فاء تفریعیه است و دلالت می کند بر اینکه ما بعد فاء، برگرفته از ما قبل می باشد، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۸ - ۷

۷- توجه انسان به عامل پدیدآورنده (خالق) و تنظیم کننده نظام حیات او (هادی) ، نخستین گام عقلانی و فطری در جهت خداشناسی

الذی خلقنی فهو یهدین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که حضرت ابراهیم(ع) در معرفی پروردگار جهانیان برای بت پرستان، نخست به خالقیت خدا و سپس به هدایت گری او در تنظیم نظام حیات بشری، اشاره کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - توجه به مقام والای آفریدگار ، زمینه ساز تقوایبشگی و پرهیز از مخالفت با او

و اتقوا الذی خلقکم

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۶ - ۳

۳ - توجه و ایمان به آفرینش هستی به وسیله خداوند ، متقاضی کردن نهادن به دستورات او

أم خلقوا السموت و الأرض

خداوند، برای به اطاعت واداشتن کافران، آنان را به خالقیت خویش تذکر داده است؛ زیرا پذیرش خالقیت خداوند، مسلترم اطاعت او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۸ - ۵

۵ - توجه انسان به مراحل آفرینش خویش به دست خداوند ، بازدارنده او از کفران نعمت های الهی

ما أكفروه . من أی شیء خلقه

در برداشت یاد شده، مراد از کفر در آیه قبل کفران نعمت دانسته شده است.

آثار عقیده به توحید در خالقیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۷ - ۴

۴ - اعتقاد به یگانگی خالق ، مستلزم اعتقاد به یگانگی معبود و < رب >

یدعون من دونه . . . و لئن سألتهم ليقولنّ الله فأنی یؤفکون

مشرکان در ربوبیت الهی، قائل به شرک بودند و خداوند برای تبیین بطلان اعتقاد آنان، به ایشان یادآور شده که شما معتقد به یگانگی خالق هستید و پذیرش شرک در ربوبیت، با آن تناقض دارد.

آثار عقیده به خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۱ - ۱۷

۱۷ اعتقاد به رازقیت ، حاکمیت ، حیات بخشی و تدبیر مطلق خدا نسبت به امور جهان ، مقتضی تقوایبشگی است .

قل من یرزقکم .. فسیقولون اللّٰه فقل أفلاتتقون

جلد - نام سوره



- سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۷ - ۲،۴

۲ - اعتقاد به خالقیت خداوند ، ناسازگار با تکذیب معاد

نحن خلقنکم فلولا تصدقون

آیه شریفه درصدد اثبات معاد است. به این صورت که اگر قبول دارید که ما شما را آفریده ایم، پس باید بپذیرید که می توانیم بار دیگر پس از مرگ شما را زنده کنیم. بنابراین راهی برای تکذیب رستاخیز که پیامبران ما از آن خبر داده اند ندارید.

۴ - انکار معاد ، به رغم اعتقاد به خالقیت خداوند ، موضع گیری نابخردانه و شایسته سرزنش

نحن خلقنکم فلولا تصدقون

سرزنش در آیه شریفه، متوجه کسانی است که با وجود اعتقاد به خالقیت خداوند، در برابر موضوع معاد موضع گیری ناباورانه داشتند.

آثار قدرت در خالقیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۹ - ۳

۳ - توانایی بر آفرینش هر چیزی ، دلیل و شاهد امکان آفرینش مجدد آن است .

قل يحييها الذی أنشأها أول مره

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند در پاسخ به کسانی که احیای مجدد انسان ها را غیر ممکن می دانستند، مسأله آفرینش آغازین را مطرح کرده است. بنابراین از این پاسخ می توان قانون کلی یاد شده را به دست آورد.

اقرار به خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۰ - ۸

۸ - فرعون و پیروان او ، به خدای آفریننده هستی معترف بودند و ربوبیت او را انکار می کردند .

من ربِّكما .. ربِّنا الذى أعطى كلَّ شىء خلقه

الوہیت و خالقیت

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۱ - ۳

۳ - الوهیت و خالقیت ( خداوند گاری و آفرید گاری ) ، دو امر متلازم و انفکاک ناپذیر

إِذَا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ

قید <بما خلق> بیانگر این حقیقت است که خداوند گاری، فرع بر آفرید گاری است؛ یعنی، تا یک موجودی خالق نباشد، نمی توان او را اله خواند. بنابراین اگر علاوه بر خدای متعال، خدایان دیگری نیز وجود داشت، باید هر خدایی آفرینشی جدا از آفرینش خدایان دیگری می داشت.

اهمیت خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۹ - ۱

۱ - نیاز خواهی پیوسته خلائق ، از پروردگار مقتدر و کرامت مند جهان هستی

ذو الجلال و الإکرام ... یسله من فی السموت و الأرض

ایمان به خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۱ - ۶

۶ - باور به خالقیت و ربوبیت خدا ، عامل گرایش انسان به بندگی اوست .

اعبدوا ربکم الذی خلقکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۲ - ۱۱

۱۱ باور به خالقیت خداوند، مانع عصیان و تمرد نخواهد شد.

ما منعک ألا تسجد إذ أمرتک .. خلقتنی من نار و خلقته من طین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۲۱

۲۱ باور به انحصار خالقیت به خداوند ، وادار کننده انسان به پرستش او و پرهیز از شرک و دوری از گناه و استغفار از گناهان گذشته است .

هو

أنشأكم من الأرض .. فاستغفروه

برداشت فوق، از حرف <فاء> که جمله <استغفروه ..> را بر <هو أنشأكم...> تفریع کرده است به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۲ - ۵

۵ - باور به خالقیت خداوند و کمال بخشی او ، زمینه ساز تسبیح نام او و پرهیز از همراه ساختن آن با هرگونه وصف نامناسب است .

سبح اسم .. الذی خلق فسوی

بدهت خالقیت در معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۰ - ۴

۴- خالق بودن و مخلوق نبودن برای الوهیت ، از بدیهیات عقلی است .

و الذین یدعون من دون الله لایخلقون شیئاً و هم یخلقون

از اینکه در رد الوهیت معبودهای مشرکان، تنها به یادآوری این نکته که آنان توان آفرینشگری ندارند و خود مخلوقند، پرداخته و استدلال نکرده است، حکایت از نکته یاد شده می کند.

تداوم خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۵

۵- خداوند ، پیوسته موجوداتی را پدید می آورد که انسان ها به آنها آگاهی ندارند .

خلق السموت و الأرض .. خلق الإنسن ... و الأنعم خلقها لكم ... و یخلق ما لاتعلم

از اینکه <خلق> را در فرازهای قبلی به صورت ماضی و در عبارت اخیر به صورت مضارع به کار برده است، مطلب فوق برداشت می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۰ - ۸

۸- خلق و آفرینش گری خداوند ، مستمر

بوده و همه موجودات را به یک باره خلق نکرده است .

إنما قولنا لشيء إذا أردناه أن نقول له كن فيكون

<إذا> برای ظرف زمان مستقبل است و بر وقوع متعلق امر <كن> در آینده دلالت دارد، و نیز فعل <نقول> و <فيكون> به جای <قلنا> و <كان> حاکی است که آفرینش گری خداوند در گذشته و به یک باره انجام نگرفته است؛ بلکه امری ادامه دار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ - خداوند، همواره در حال آفرینش و فیض مداوم در پهنه هستی است .

يخلق ما يشاء يهب لمن يشاء إنثاً و يهب لمن يشاء الذكور

با توجه به افعال مضارع (<يخلق>، <يهب> و <يشاء>) که بیانگر تجدد و تکرار فعل است، می توان برداشت بالا را استفاده نمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۹ - ۷

۷ - آفرینش مستمر الهی در هستی، آفرینشی همواره بدیع و جدید

كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ

تفکر در خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۲ - ۸

۸ - خداوند، به وجود آورنده روزی و فراهم آورنده اسباب معیشت برای انسانهاست .

فأخرج به من الثمر رزقاً لكم

توحید در خالقیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۲ - ۲

۲- یگانگی خداوند در آفرینش و در پاداش و کیفر دادن به انسان ها و نیز اعطای نعمت ها ، مقتضی پرهیز از هرگونه شرک  
در عقیده و عمل

و جعلنا



الَّيْلِ وَالنَّهَارِ .. وَكُلِّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَهُ طَرَفَهُ ... لِاتَّجَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا

برداشت یاد شده با عنایت به دو نکته است: ۱- جمله <لاتجعل مع الله إلهًا ..> به منزله نتیجه برای آیات پیشین است و با پیام های اصلی آن آیات که در سه محور یاد شده در برداشت فوق خلاصه می شود مرتبط است. ۲- اطلاق واژه <لاتجعل> که شامل نهی از هرگونه شرک می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۱ - ۶

۶- خداوند ، در خلق و نیز تدبیر و مدیریت جهان ، یگانه است و شریکی ندارد .

أَفْتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي .. مَا أَشْهَدُتَّهُمْ خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

با استفاده از ارتباط دو آیه، تعبیر <أولياء من دونی> اشاره به توحید در تدبیر و ولایت دارد و ضمیر مفرد متکلم در <ما أشهدتهم> توحید در آفرینش را تبیین می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۱۲

۱۲ تنها خداوند ، ایجاد کننده و آفریننده انسان است .

هو أنشأكم من الأرض

ترکیبهایی همانند <هو أنشأكم> و <أنا قمت> که مبتدا در معنا ، فاعل است و خبر آن فعل می باشد گاهی حاکی از تأکید است و گاهی دلالت بر حصر دارد. قرینه های موجود در کلام ، تعیین کننده آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۲۰، ۲۱، ۲۴

۲۰ خداوند در آفریدن موجودات هیچ شریکی ندارد .

أم جعلوا لله شركاء خلقوا كخلقه

۲۱ غیر خدا هیچ

آفرینش و آفریده ای ندارد .

أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ

۲۴ خداوند خالق و آفریننده همه پدیده هاست .

قُلِ اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۶ - ۱

۱- خداوند ، تنها آفریننده داناست .

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ

معرفه آورده شدن مبتدا و خبر و نیز آمدن ضمیر فصل <هو> دلالت بر حصر می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳ - ۵

۵- خداوند ، برتر و فراتر از آن است که بتوان برای او شریکی در آفرینش تصور کرد .

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷ - ۱۱

۱۱- آفرینش موجودات و تأمین نیازمندی های جسمی و روحی آنان ، دلیل بر توحید ربوبی و خالقیت خداوند است .

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ... خَلَقَ الْإِنْسَانَ ... وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ ... إِنَّ

آوردن کلمه <رَبِّ> بعد از بیان آفرینش آسمانها و زمین و آفرینش انسان و حیوانات از سوی خداوند، بیانگر توحید ربوبی است؛ کما اینکه اسناد آفرینش همه موجودات به خود بیان توحید در خالقیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آفریننده همه موجودات و هدایتگر آنها در مسیر خویش ، خداوند است .

أعطى كلّ شيء خلقه ثمّ هدى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۳ - ۱،۵

۱- تنها خداوند ، آفریننده شب و روز و

خورشید و ماه است .

و هو الذی خلق الیل والنهار والشمس والقمر

۵- آفرینش و تدبیر جهان از جانب خداوند ، دو اصل تفکیک ناپذیر در جهان بینی توحیدی است .

و ما خلقنا السماء ... و جعلنا ... و هو الذی خلق ... کلّ فی فلک یسبحون

سیاق آیات در مقام ردّ اندیشه مشرکان است که برای خداوند مقام خالقیت، و برای خدایان خویش مقام تدبیر قائل بودند و خداوند در آیات پیشین مقام تدبیر و در این آیه مقام آفرینش را به خود نسبت داده و جدایی آن دو مقام را مردود دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۳ - ۸

۸ - خدا ، آفریدگار بی همتا و پروردگار یگانه سراسر هستی است .

إِنَّ الذّین تدعون من دون الله لن یخلقوا ذبابًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۰ - ۱

۱ - خدا ، آفریدگار یگانه آسمان ها و زمین

أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۴ - ۲

۲ - خدای یگانه ، آغازگر آفرینش انسان و بازگرداننده وی در روز رستاخیز

أَمَّنْ یَبْدؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ یُعِیدُه

مفسران برآنند که مراد از <إِعَادَه> بازگرداندن در روز قیامت است. بنابراین مراد از <الخلق> آفرینش انسان خواهد بود؛ یعنی، کیست آن که آفرینش انسان را آغاز می کند، آن گاه در آخرت او را برمی گرداند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۴ - ۳

۳ - خداوند ، تنها آفریننده انسان

ها است .

اللّٰه الذی خلقکم

معرفه بودن مبتدا و خبر اختصاص و حصر را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۱ - ۳

۳ - همه عالم آفریده خداوند است و هیچ کس ، جز او در آن نقش نداشته است .

هذا خلق اللّٰه فأرونی ماذا خلق الذین من دونه

جمله <هذا خلق اللّٰه> اشاره به خلق آسمان ها و زمین و کوه ها و جنبه گان و آب و گیاهان که در آیه قبل، از آنها سخن رفته است و مجموعه آنها، عالم را تشکیل می دهند دارد. بنابراین، مراد از آن، آفرینش همه عالم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - ستایش غیرخدا در عین عقیده به توحید ، ناشی از جهل و بی دانشی است .

قل الحمد لله بل اکثرهم لایعلمون

متعلق <لایعلمون> حذف شده و به قرینه مقام می توان گفت، مراد این است که اکثر مشرکان، این حقیقت را نمی فهمند که <ستایش مخصوص خالق و آفریدگار جهان است.> و در اثر این نادانی، غیر خداوند خالق را ستایش می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۶ - ۹

۹ - هیچ کس در خالقیت و مالکیت ، و در نتیجه ، مدیریت خداوند بر عالم ، شریک او نیست . \*

من خلق السموت و الأرض .. لله ما فی السموت و الأرض إنّ اللّٰه هو الغنی

بیان اعتراف مشرکان به توحید در خالقیت خداوند و سپس تبیین مالکیت انحصاری او برپدیده

های عالم و اعلام بی نیازی مطلق او، می تواند بیان کننده این باشد که در تدبیر عالم نیز شریکی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۴ - ۸

۸ - خلق و تدبیر جهان ، نشأت یافته از مبدأ واحد است .

اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ .. ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳ - ۴،۶

۴ - تنها خداوند ، خالق جهان و روزی دهنده انسان ها است .

هل من خلق غير الله يرزقكم من السماء والأرض

۶ - به یاد آوردن نعمت های خداوند ، موجب درک یگانگی خالقیت و رازقیت و اعتراف به آن است .

اذكروا نعمت الله عليكم هل من خلق غير الله يرزقكم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه، پیش از طرح مسأله خالقیت و رازقیت انحصاری خداوند، به یاد آوردن نعمت های الهی را توصیه کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۵

۵ - آفرینش ، مخصوص خدا است و او در آفرینش جهان هیچ شریکی ندارد .

أولم يروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أيدينا أنعمًا

تأکید خداوند بر آفریدگاری خویش (أنا خلقنا) و نیز جلوه قدرت خود دانستن پدیده های جهان (ممّا عملت أيدينا أنعمًا) گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۲ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده هر چیزی است .

اللّٰهُ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه -



۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۲ - ۳

۳ - خداوند ، خالق همه چیز است .

خلق کلّ شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۹ - ۱۰

۱۰ - تنها آفریننده زمین ، پروردگار و مدبر عالم هستی است .

لتكفرون بالذی خلق الأرض .. ذلك ربّ العلمین \$ <ذلك> به قرینه مقام خبر مقدم و <ر

>ذلك> به قرینه مقام خبر مقدم و <ربّ العالمین> مبتدای مؤخر است و تقدیم خبر بر مبتدا مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۱۲

۱۲ - توحید در خالقیت ، زمینه ساز توحید در عبودیت

و اسجدوا لله الذی خلقهنّ إن كنتم إیاه تعبدون

آیه شریفه به این نکته اشاره دارد که در پرتو تصحیح مبانی اندیشه ای، می توان بر گرایش های وجودی تأثیر گذاشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۹ - ۴۵

۴ - مشرکان مکه ، گرفتار شرک در زمینه هایی غیر از زمینه خالقیت خداوند

و لئن سألتهم من خلق

۵ - اصل توحید و یگانگی آفریدگار هستی ، امری بدیهی و مورد پذیرش فطرت تمامی آدمیان

لیقولنّ خلقهنّ العزیز العلیم

از اعتراف مشرکان به یگانگی آفریدگار جهان هستی، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۵ - ۳

۳ - زوجیت ( مردی و زنی ) در میان بشر ، دارای اهمیت و زمینه ساز پی بردن به خالقیت یگانه خداوند

و أنه خلق الزوجین الذکر و الأنثی

از این که خداوند، مسأله

زوجیت را به انسان تذکر داده و وحدت خالق را در این زمینه یادآوری نموده است؛ مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۹ - ۲

۲ - نقش منحصر به فرد خداوند ، در ایجاد و آفرینش انسان از منی در رحم

أفرءیتم ما تمنون .. أم نحن الخلقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۲ - ۲

۲ - تنها خداوند ، قادر بر آفرینش درخت آتش زنه

أم نحن المنشون

مسند محلی به <ال> <المنشون> مفید حصر است.

خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۲ - ۱۰

۱۰ > عن ابی عبدالله (ع) فی قوله : < الحمد لله > قال : الشکر لله و فی قوله < رب العالمین > قال : خالق المخلوقین ...

;

از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: <الحمد لله> یعنی شکر مخصوص خداست و <رب العالمین> یعنی، آفریننده مخلوقات ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۱ - ۳

۳ - خداوند ، آفریننده همه انسان های موجود و پیشینیان آنان است .

اعبدوا ربکم الذی خلقکم و الذین من قبلکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۹ - ۱،۲،۶

۱ - خداوند ، آفریننده همه موهبت های موجود در زمین است .

هو الذی خلق لکم ما فی الأرض جمیعاً

کلمه <جمیعاً> به معنای کل است و بدل برای <ما> ی موصوله می

باشد.

۲ - خداوند ، مواهب زمین را برای انسان ها و در راستای منافع آنان آفرید .

هو الذی خلق لکم ما فی الأرض جميعاً

برداشت فوق با استفاده از لام انتفاع در <لکم> به دست آمده است.

۶ - خداوند در پی آفرینش مواهب زمین ، به معتدل ساختن آسمان پرداخت .

ثم استوی إلى السماء فسويهن

<استواء> (مصدر استوی) آن گاه که به <الی> متعدی شود، به معنای: روی آوردن و قصد کردن، است. جمله <فسواهن> (آسمانها را معتدل ساخت) هدف روی آوردن را بیان می کند؛ یعنی: <استوی الی السماء لتسويتهن> خداوند به آسمانها روی کرد (اراده کرد) تا آنها را به اعتدال رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند بعد از آفرینش آسمان ها و مواهب زمین ، به خلقت انسان پرداخت ، تا او را به منصب خلافت برساند .

خلق لکم ما فی الأرض .. و إذ قال ربك للملئکه إني جاعل فی الأرض خلیفه

با توجه به آیه ۳۴ از همین سوره و آیات دیگری که درباره خلقت آدم (ع) است، می توان گفت: سخن خداوند با فرشتگان درباره آدم، قبل از خلقت وی بوده است. بنابراین <إني جاعل فی الأرض خلیفه> علاوه بر بیان خلافت آدم(ع) دلالت بر آفرینش او نیز دارد؛ یعنی: می خواهم [موجودی] بیافرینم و او را خلیفه قرار دهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱۶

۱۶ - خداوند ، آفریننده انسانهاست .

فتوبوا إلى بارئکم .. ذلکم خیر لکم عند بارئکم

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۷ - ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۹، ۸، ۷، ۶

۶ - خداوند، بر پدید آوردن هر آنچه که بخواهد و هر آنچه تقدیر کرده، تواناست.

إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ

۷ - آفرینش هر موجود در گرو تقدیر خدا و فرمان او به تحقق آن است.

إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ

۸ - فرمان خدا بر پدید آمدن هر چیز، کافی در تحقق یافتن آن است.

فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ

حصر در جمله <إِنَّمَا يَقُولُ...> گویای برداشت فوق است.

۹ - خداوند، در ایجاد اشیا بی نیاز از استخدام وسایط است.

إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ

۱۰ - اقتدار خداوند بر ایجاد < هر آنچه که اراده کند >، دلیل بر منزه بودنش از اختیار کردن فرزند و نیاز داشتن به آن است.

قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحٰنَهُ بَلْ ... وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن

برداشت فوق بر این اساس است که: جمله <وَ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا...> نیز، همانند فرازهای قبل، دلیل و برهان برای تنزیه خدا از داشتن فرزند باشد.

۱۱ - سدیر صیرفی می گوید: شنیدم حمران بن اعین از امام باقر (ع) از سخن خداوند <بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ> سؤال نمود، امام فرمودند: <إِنَّ اللَّهَ ابْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ بِعِلْمِهِ كُلِّهَا عَلَىٰ غَيْرِ مِثَالِ كَمَا قَبْلَهُ فَاَبْتَدَعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَلَمْ يَكُن قَبْلَهُنَّ سَمَاوَاتٌ وَلَا أَرْضُونَ...>

خداوند، تمام اشیا را با علم خود آفرید، بدون اینکه سابقاً مشابهی داشته باشند و آسمانها و زمینها

را آفرید در حالی که قبل از آن آسمانها و زمینهایی نبود . . . < .

۱۲ - صفوان بن یحیی می گوید از امام رضا (ع) از اراده خدا سؤال کردم ، امام فرمود : < . . . فاراده الله الفعل لا غیر ذلک ، یقول له : < کن فیکون > بلا لفظ و لانتق بلسان و لاهمه و لاتفکر و لاکیف لذلک کما انه لاکیف له ;

.. اراده خدا عین فعل اوست نه چیز دیگر و هنگامی که خدا فرمان وجود چیزی را صادر کند، به او می گوید < موجود باش > و به دنبال این فرمان آن چیز موجود می شود بدون آنکه لفظی و گفتاری یا قصد و فکری از او صادر شود و اراده خدا از مقوله کیف نیست، همان طور که خداوند دارای کیفیت نیست .<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۱۳، ۱

۱ - آسمان ها و زمین ( هستی ) آفریده های خداوند یکتاست .

إن فی خلق السموت و الأرض

۱۳ - خداوند احیاء کننده زمین ، ایجاد کننده موجودات زنده در آن و منتشر سازنده آنها در سراسر گیتی است .

فأحیا به الأرض . . و بث فیها من کل دابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۸ - ۸

۸ خداوند ، آفریننده هر چیزی است که در رحم به وجود می آید . ( خون ، جنین و . . . )

ما خلق الله فی ارحامهنّ

با توجه به لفظ < ما > که خود، جنین و . . . را شامل

می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۹ - ۷

۷ قول و فرمان خداوند ، عین ایجاد اوست .

ثم قال له کن فیکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱ - ۶، ۷

۴ خداوند ، آفریننده انسان ها از شخص واحد ( آدم )

ربکم الذی خلقکم من نفس واحده

۶ خداوند ، آفریننده همسر اولین انسان ( حضرت آدم ) ، از او

خلقکم من نفس واحده و خلق منها زوجها

برداشت فوق بر این مبناست که <من > نشوئیه باشد ؛ یعنی: آفرینش حوّا از آدم نشأت گرفته است. صدر آیه که فرمود:  
<من نفس > و نفرمود: <من نفسین > این معنا را تأیید می کند. مؤید برداشت فوق، فرمایش امام صادق (ع) است که فرمود:  
إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ مِنَ الْمَاءِ وَالطِّينِ ... وَ خَلَقَ حَوًّا مِنْ آدَمَ ...

---

کافی، ج ۵، ص ۳۳۷، ح ۴ ؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۳۴، ح ۱۶.

۷ خداوند ، آفریننده همسر اولین انسان ( حضرت آدم ) از جنس او

و خلق منها زوجها

مؤید برداشت فوق، فرمایش امام باقر (ع) به نقل از رسول الله (ص) است که درباره خلقت حوّا فرمود: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى  
قَبَضَ قَبْضَةً مِنْ طِينٍ فَخَلَطَهَا بِمِيْمِيْنِهِ ... فَخَلَقَ مِنْهَا آدَمَ وَ فَضَلَتْ فَضْلَهُ مِنَ الطِّينِ فَخَلَقَ مِنْهَا حَوًّا.



تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۱۶، ح ۷؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۲۹، ح ۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۷ - ۲۶، ۲۴

۲۴ خداوند

، آنچه را بخواهد می آفریند .

یخلق ما یشاء

۲۶ خالقیت مطلق الهی ، اساس مالکیت مطلق اوست .

لله ملك السموت و .. یخلق ما یشاء

بنابر اینکه <یخلق ما یشاء> تعلیل برای <لله ملك السموت> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲ - ۱

۱ تنها خداوند پدیدآورنده آسمانها و زمین و برقرار کننده نور و ظلمت، آفریدگار آدمی است.

الحمد لله الذی خلق .. هو الذی خلقکم من طین

معرفه بودن مسندالیه <هو> و مسند <الذی> مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳ - ۱۰

۱۰ چون خداوند خالق است، بر مخلوق خویش آگاهی کامل دارد.

هو الذی خلقکم من طین .. یعلم سرکم و جهرکم و یعلم ما تکسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۸

۸ آفرینش هستی و دیگر افعال خداوند بر پایه رحمت جهانشمول اوست.

لمن ما فی السموت .. کتب علی نفسه الرحمه

چون خداوند رحمت را بر خود واجب کرده، هر کاری از او صادر گردد جز رحمت نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ خداوند ابداع کننده آسمانها و زمین، بدون الگو و نمونه قبلی

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت و الأرض

<فطر> به معنای ایجاد و اختراع است.

۱۲ پذیرش ولایت خالق روزی دهنده بی نیاز، حکم فطرت و عقل است.

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم و لا

يطعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۳

۳ خداوند آسمانهای متعددی در این جهان آفریده است.

خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۹ - ۴

۴ خداوند یگانه، پدیدآورنده آسمانها و زمین است.

فطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۵ - ۵

۵ خداوند از نهاد موجودات جاندار، موجوداتی بی جان و فاقد حیات پدید می آورد.

إن الله... و مخرج الميت من الحي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۸ - ۱،۲

۱ پدیدآورنده آدمیان، تنها خداوند است.

و هو الذى أنشأكم من نفس وحده

۲ خداوند تمامی آدمیان و نژادها و تیره های مختلف آن را از یک شخص (آدم) آفریده است.

و هو الذى أنشأكم من نفس وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۰ - ۳

۳ جنیان (نیروها و موجودات پنهان) مخلوق خداوند هستند.

و جعلوا لله شركاء الجن و خلقهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۱ - ۱۱، ۷، ۶، ۲

۲ خداوند ایجادکننده آسمانها و زمین از کتم عدم است.

بديع السموت و الأرض

۶ ابداع کننده هستی (خداوند) سزاوار تسبیح و منزّه از داشتن شریک و فرزند است.

سبحنه و تعلقى عما یصفون. بديع السموت و الأرض

۷ خداوند آفریننده همه موجودات است.

و خلق كل شیء

۱۱ انحصار آفرینش هستی به خدا، دلیل بی نیازی او

از فرزند و شریک است.

أنى يكون له ولد .. و خلق كل شىء و هو بكل شىء عليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۲ - ۱،۴،۸

۱ تنها خدای مبدع آسمانها و زمین و آفریننده هستی و بی نیاز از شریک و فرزند، شایسته پروردگاری آدمیان است.

بديع السموت .. ذلکم الله ربکم لا إله إلا هو

در آیه گذشته، صفات متعددی برای خداوند ذکر گردید و <ذلکم> در این آیه اشاره به خداوند، با تمامی صفات مذکور در آیه پیشین، است.

۴ خداوند آفریدگار هر موجودی است.

ذلکم الله .. خلق كل شىء

۸ توجه به انحصار ربوبیت و خالقیت خداوند برانگیزنده آدمی به پرستش اوست.

ذلکم الله ربکم لا إله إلا هو خلق كل شىء فاعبدوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۱،۲،۶

۱ پدید آورنده باغهایی که برخی (چون تاک) برافراشته بر پایه ها (داربست) و برخی ایستاده بر ساق و یا نشسته بر زمینند، خداوند است.

و هو الذى أنشأ جنت معروشت و غیر معروشت

<عرش> به معنای سقف است و <جنات معروشات> باغهایی است که با داربست و مانند آن سقفی برای درختان انگور فراهم می آورند. در لسان العرب آمده است: <المعروشات، الکروم و العرش ما عرشته به>.

۲ خداوند پدید آورنده باغستانها، درختان خرما و کشتزارهاست.

و هو الذى أنشأ جنت .. و النخل و الزرع

۶ خداوند، پدید آورنده درختان همگون و ناهمگون زیتون و انار است.

و هو الذى أنشأ .. و الزیتون و الرمان متشبهها و غیر متشبهه

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۱

۱ خداوند، آفریننده برخی از چهارپایان برای بارکشی و برخی برای خوراک و پوشاک است.

و هو الذی أنشأ .. و من الأنعم حموله و فرشا

<فرشا> در قبال <حموله> قرار گرفته که بیانگر گروه دیگری از چهارپایان است. یعنی حیواناتی که از پوست آنها می توان به عنوان فرش استفاده کرد یا به جهت کوچکی جثه و نزدیک بودن به زمین بدانها فرش اطلاق شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۱

۱ خداوند، آفریننده هشت نر و ماده از گوسفند و بز و شتر و گاو برای بهره برداری آدمیان

ثمانیه ازوج من الضأن اثنین

<ثمانیه ازواج> می تواند بدل برای <حموله و فرشا> باشد که خود مفعول <أنشأ> می باشند. در این صورت معنای آیه چنین می شود: <أنشأ من الأنعام ثمانیه ازواج>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۱

۱ خداوند شتر و گاو نر و ماده را برای بهره برداری انسان آفریده است.

و هو الذی أنشأ .. و من الإبل اثنین و من البقر اثنین قلء الذکرین حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۱ - ۱،۳

۱ خداوند، خالق همه انسانهاست.

و لقد خلقنکم

۳ خداوند، مبدأ و منشأ انسانها (آدم) را آفرید و سپس به او صورت انسانی عطا کرد.



و لقد خلقناكم ثم صورناكم ثم قلنا للملائكة اسجدوا لآدم

<خلقناکم> (شما را در گذشته آفریدیم)، خطاب به

همه انسانهاست و چون همه انسانها پیش از فرمان سجده بر آدم آفریده نشده بودند، معلوم می شود آن جمله ناظر به آفرینش چیزی است که می توانسته مبدأ همگان باشد و به همین لحاظ آفرینش او آفرینش همه انسانها شمرده شده است فراز بعد (ثم قلنا ..) می رساند که آن چیز همان شد که به <آدم ابوالبشر> معروف است. قابل ذکر است که دلالت آیه بر این که خود آن مبدأ یاد شده آدم(ع) شده باشد به صورت احتمال مطرح است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ ابلیس معتقد به خداوند و خالقیت او

خلقتنی من نار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۱

۱ خداوند، پدیدآورنده زینتها و روزیهای پاکیزه

زینه الله التي أخرج لعباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۴ - ۱

۱ خداوند ، آفریدگار آسمان ها و زمین و پروردگار راستین انسانهاست .

إن ربكم الله الذي خلق السموت والأرض في ستة أيام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۲

۲ خداوند بسیاری از انسان ها و جنیان را برای ورود به دوزخ آفرید .

و لقد ذرأنا لجهنم كثيراً من الجن والإنس

<ذرأ> (مصدر ذرأنا) به معنای آفریدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۵ - ۷

۷ خداوند آفریدگار همه موجودات و دارای سلطه ای کامل بر آنهاست .

أو

لم ينظروا في ملكوت ... ما خلق الله من شيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۱

۱ خداوند ، آفریننده همه انسانهاست .

هو الذى خلقكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۴،۱۹

۴ خدا ، آفریدگار آسمان ها و زمین است .

الذى خلق السموت و الأرض

۱۹ تنها خداوندِ خالقِ مدبر ، پروردگار انسان ها و شایسته پرستش است .

الله الذى خلق ... ثم استوى ... يدبر الأمر ... ذلكم الله ربكم فاعبدوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۴،۵،۹

۴ خدا ، مبدأ پیدایش جهان آفرینش است .

إنه يبدؤا الخلق

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <الخلق> تمام پدیده های هستی باشد.

۵ خدا ، مبدأ پیدایش انسان است .

إنه يبدؤا الخلق

مصدق مورد نظر از <الخلق> به قرینه جمله <ليجزى الذين آمنوا .. > انسان است.

۹ توانایی خدا بر پدید آوردن جهان و انسان ، نشانه توانمندی او بر ایجاد رستاخیز است .

إنه يبدؤا الخلق ثم يعيده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶ - ۵

۵ خدا، آفریننده تمامی پدیده های جهان هستی است .

و ما خلق الله فی السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۱ - ۱۱

۱۱ خداست که پیوسته موجود زنده را از جسم مرده و مرده را از جسم زنده پدید می

آورد .

و من يخرج الحي من الميت و يخرج الميت من الحي .. فسيقولون الله

به کارگیری فعل مضارع در <يخرج الحي> و <يخرج الميت> بیانگر استمرار پیدایش مرگ و حیات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۲ - ۱

۱ رازقیت ، حاکمیت ، حیات بخشی و تدبیر خداوند نسبت به کار جهان ، جلوه های روشنی از ربوبیت خدا بوده و اعتقاد به آن ، مستلزم ایمان به پروردگاری بی شریک است .

قل من يرزقكم من السماء .. فذلکم الله ربکم

تفریع جمله <ذلکم الله ربکم> با <فا>ی نتیجه، در آیه پیش (قل من يرزقكم ..) بیانگر این حقیقت است که: با وجود اعتقاد به رازقیت خدا، حاکمیت او بر قوا و حواس آدمی، خالقیت نسبت به جاندار و بی جان و تدبیر او نسبت به امور جهان؛ ایمان به ربوبیت مطلق خدا ضروری بوده و مجالی برای پندارپروردگاری غیر او باقی نمی ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۱

۱ خداوند ، آفریننده آسمان ها و زمین است .

هو الذي خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۱ - ۸

۸ خداوند ، آفریننده و خالق انسانهاست .

إن أجرى إلا على الذي فطرني

<فطر> (مصدر فطرني) یعنی ، آفریدن چیزی که سابقه وجودی نداشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ تنها خداوند ، ایجاد کننده و آفریننده انسان است .

هو أنشأكم

ترکیب‌هایی همانند <هو أنشأكم> و <أنا قمت> که مبتدا در معنا، فاعل است و خبر آن فعل می باشد گاهی حاکی از تأکید است و گاهی دلالت بر حصر دارد. قرینه های موجود در کلام، تعیین کننده آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۳

۳ خداوند، آفریدگار و خالق انسانهاست.

و لذلك خلقهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۲

۱۲ خداوند پدید آورنده آسمان ها و زمین

فاطر السموت و الأرض

<فاطر> به معنای آفریننده و پدید آورنده است. این کلمه در آیه شریفه مناداست / یعنی: <يا فاطر السموت>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳ - ۳

۳ خداوند، آفریننده گیاهان و میوه جات در زمین

و من كل الثمرات جعل فيها زوجين اثنين

<ثمرات> (جمع ثمره) به معنای میوه ها و نیز درختان است (برگرفته شده از قاموس المحيط).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۲ - ۴

۴ خداوند پدید آورنده ابر های سنگین پرباران



و ینشیء السحاب الثقال

<انشاء> (مصدر ینشیء) به معنای خلق کردن و پدید آوردن است. <سحاب> (جمع سحابه) به معنای ابرهای باران زاست و <ثقال> نیز جمع ثقیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۲۴، ۲۵

۲۴ خداوند خالق و آفریننده همه پدیده هاست .

قل الله خلق کل شیء

۲۵ خداوند آفریننده چیزهایی که اهل شرک آنها را معبود ها و خدایان خویش

پنداشته اند .

أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ .. قُلْ اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ

از مصداقهای مورد نظر برای <شیء> معبودهای اهل شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۳ - ۱

۱ موجودیت انسان ها و دستاوردهایشان و نیز تدبیر امور آنان به دست خداوند است .

أَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ

از معانی <قائم بودن بر کسی> در اختیار داشتن شؤون آن کس، تدبیر امور او و قوام بخشیدن به وی است. حرف <باء> در <بما کسبت> به معنای <مع> می باشد و مراد از <من هو...> خداوند متعال است. بنابراین مفاد <من هو قائم...> این است که: خداوند قوام بخش انسانها و هر آنچه به دست آورده اند می باشد و او شؤون ایشان را اداره و تدبیر می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۷

۷- خداوند ، پدید آورنده آسمان ها و زمین (عالم آفرینش) است .

أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۹ - ۱۰، ۱

۱- خداوند ، آسمان ها و زمین را هدفمند و بر اساس حکمت آفرید .

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ

<حق> در برابر باطل (بیهوده) است و مراد از آن، این است که فاعل حق برای کارش هدفی پسندیده در نظر دارد.

۱۰- خداوند دارای قدرت لازم برای ایجاد پدیده ها و از بین بردن برخی و آوردن برخی دیگر به جای آنان

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ

یشأ يذهبكم و يأت بخلق جديد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۳۲ - ۱

۱- تنها خداوند ، خالق و آفريننده آسمان ها و زمين و نازل کننده باران از آسمان است .

الله الذى خلق السموت و الأرض و أنزل من السماء ماء

معرفه بودن مسنداليه و مسند، يعنى <الله> و <الذى خلق ..>، دلالت بر حصر مى کند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۶ - ۱

۱- خداوند ، پديد آورنده انسان ها از گل خشكیده

و لقد خلقنا الإنسن من صلصل من حمأ مسنون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۷ - ۱

۱- خداوند ، جنیان را از آتش دارای باد های سوزان آفرید .

و الجان خلقنه من قبل من نار السموم

<سموم> در لغت به معنای باد سوزان است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۸ - ۶

۶- خداوند ، انسان را از گلی خشكیده ، سیاه ، بد بو و متغیر آفریده است .

و إذ قال ربك للملكه إني خلق بشراً من صلصل من حمأ مسنون

<صلصال> در لغت، به معنای صدای برخاسته از شیء خشك و <حمأ> به معنای گل سیاه و بد بو و <مسنون> به معنای

متغیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۹ - ۱۷، ۲، ۱

۱- خداوند ، اجزای انسان را متناسب و آن گونه که شایسته و سزاوار اوست ، آفریده است .

إِنِّي خَلَقْتُ بَشَرًا .. فَاِذَا سَوَّيْتَهُ

<تسویه>

به معنای قرار دادن شیء به گونه ای است که هر جزئی از آن، در جایگاه شایسته خود قرار گرفته باشد.

۲- خداوند ، پس از پدید آوردن بدن انسان با اجزای متناسب از گِل خشکیده ، در او روح دمید و او را حیات بخشید .

فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي

۱۷- > عن أبي عبد الله (ع) في قوله عزّوجلّ : < فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي > قال : إن الله عزّوجلّ خلق خلقاً و خلق روحاً ثم أمر ملكاً فنفخ فيه ... ;

از امام صادق(ع) در باره سخن خداوند عزّوجلّ <فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي> روایت شده است که فرمود: همانا خدای عزّوجلّ بدنی و روحی را آفرید و به فرشته ای امر کرد تا روح را در آن بدن دمید. ..<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۳ - ۷

۷- خداوند ، انسان را از گِلی خشکیده ، سیاه ، بد بو و متغیر آفریده است .

لبشر خلقته من صلصل من حمإ مسنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۵ - ۱

۱- خداوند آسمان ها ، زمین و موجودات در فضا را بر اساس حق ( حکیمانه و با مقصودی صحیح ) آفرید .

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بينهما إلا بالحقّ

یکی از موارد کاربرد واژه <حق> جایی است که کاری به مقتضای حکمت و بر اساس مصلحت انجام پذیرفته باشد (مفردات راغب). برداشت فوق بر اساس این کاربرد است.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۶ - ۱

۱- خداوند ، تنها آفریننده داناست .

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ

معرفه آورده شدن مبتدا و خبر و نیز آمدن ضمیر فصل <هو> دلالت بر حصر می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳ - ۱

۱- آفریننده آسمان ها و زمین ( جهان هستی ) ، خداوند است .

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴ - ۱

۱- خداوند ، خالق و آفریننده انسان است .

خَلَقَ الْإِنْسَانَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵ - ۱

۱- خداوند ، خالق و آفریننده انعام ( گاو ، شتر و گوسفند ) است .

وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ

<نعم> در لغت تنها به شتر گفته می شود؛ زیرا که بزرگ ترین نعمتها در نزد عرب است، ولی جمع آن <أنعام> به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۱

۱- خداوند خالق و آفریننده اسب ، استر و الاغ است .

و الأنعم خلقها لكم .. و الخيل و البغال و الحمير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۷ - ۱

۱- خداوند ، خالق و آفریننده تمام موجودات است .

خلق السموت و الأرض .. خلق الإنسن ... و الأنعم خلقها لكم ... و یخلق ما لاتعلمو

از اینکه پس از بیان آفریده های مختلف فرمود: آیا کسی که خلق می کند

نظیر کسی است که خلق نمی کند، استفاده می شود که او خالق همه چیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۸ - ۷

۷- پدید آمدن اجسام سایه دار و گردش آن سایه ها ، به دست خداوند است .

أولم يروا إلى ما خلق الله من شيء يتفيئوا ظلاله عن اليمين و الشمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۱۰

۱۰- از نیستی به هستی آوردن ، خود بهترین دلیل قدرت خدا بر هستی دوباره است .

من يعيدنا قل الذي فطرکم أول مره

با توجه به معنای <فطر> که پدید آوردن از نیستی به هستی است برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷ - ۱

۱- پدیده های روی زمین و مظاهر طبیعت ، آفریده های خداوند و زینت بخش زمین است .

إنّا جعلنا ما على الأرض زينه لها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۵ - ۱۲، ۷

۷- خداوند دارای قدرت مطلق است و بر پدید آوردن هر آنچه تقدیر کرده توانا است .

إذا قضی أمرًا فإینما یقول له کن فیکون

۱۲- رابطه خداوند با تمامی موجودات ، رابطه خالق و مخلوق است ؛ نه رابطه پدر و فرزند .

ما کان لله أن یتخذ من ولد سبحانه . . . یقول له کن فیکون



چنانچه پیدایش عیسی (ع) دلیل فرزندى او برای خداوند باشد آن گونه که باطل اندیشان می گویند تمامی موجودات را باید  
فرزند خدا دانست،

زیرا خداوند همه موجودات از جمله عیسی(ع) را با فرمان <کن> ایجاد کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۷ - ۱

۱- خداوند ، آفریننده انسان و پدیدآورنده او در صحنه هستی

خلقنه من قبل و لم یک شیئا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴ - ۲،۴

۲- خداوند ، آفریدگار آسمان های مرتفع و زمین است .

خلق الأرض والسموت العلی

<علی> (جمع <علیاً>) اسم تفضیل است. توصیف آسمان ها به مرتفع تر از زمین، برای بیان عظمت رتبه ها و مقام هایی است که قرآن از آن مقام، به زمین نازل شده است.

۴- توان مندی خداوند بر آفرینش زمین و آسمان های مرتفع ، نشان اقتدار او بفرستادن کتابی شایسته ، برای تذکر و اندرز انسان ها است .

تذکره. .. مَمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَوَاتِ الْعُلَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۰ - ۹ - ۲،۴،۱

۱ - موسی (ع) در پاسخ فرعون ، پروردگارش را آفریننده و هدایتگر همه موجودات معرفی کرد .

من رَبِّكُمْ .. قَالَ رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى ... ثُمَّ هَدَى

۲ - آفرینش ، فعل اختیاری خداوند و عطای او است .

الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ

از تأمل در موارد کاربرد <عطا> و <إعطا> برمی آید که کاربرد این ریشه، درجایی است که اولاً دادن چیزی از روی جبر

نباشد و ثانیاً در برابر چیز دیگر نباشد.

۴ - خداوند به هر موجودی، خلقتی کامل و اعضا و ویژگی‌هایی متناسب با شأن او، عطا کرده است

الذی أعطی کلّ شیء خلقه

<خلق>، به معنای ایجاد، یا تقدیر درست و یا هیئت و شکل است (مفردات راغب). معنای دوم و سوم رساننده نکته یاد شده است.

۹- تأکید موسی (ع) در برابر فرعون، بر یگانگی خالق و ربّ جهان

من ربّکما .. ربّنا الذی أعطی کلّ شیء خلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۸

۸- خداوند، آفریننده و خالق انسان ها است .

الذی فطرنا

<فَطَّرَ> از ماده <فطره> به معنای ابتدا و اختراع است و <فطر الله الخلق>؛ یعنی آنها را آفرید و آغاز کرد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۷ - ۳

۳- توانایی بر آفریدن جهان کنونی برای بازیچه و سرگرمی خویش، تنها در قلمرو قدرت خدا است و هیچ موجودی قادر بر انجام این کار نیست .

لو أردنا أن نتخذ لهموًا لآتخذنه من لدنا

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <من لدنا>، معنای <من جهة قدرتنا> را افاده کند (چنان که برخی از مفسران بزرگ بر این نظرند). و یا این که <من لدنا> ظرف مختص در قبال <من لدن غیرنا> باشد. براین اساس پیام آیه چنین می شود: <اگر بنا بود جهان را سرگرمی خود قرار دهیم، باز این کار تنها در توان ما است نه خدایان ادعایی مشرکان و یا دیگر قدرت ها؛ پس قدرت و ربوبیت مطلقه در انحصار خدا است>. گفتنی است آمدن <للدنا> که برای ابتدای غایت است به جای <عندنا> که برای صرف

حضور است مؤید برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۳ - ۱

۱- تنها خداوند ، آفریننده شب و روز و خورشید و ماه است .

و هو الذی خلق الیل والنهار والشمس والقمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۶ - ۳،۹

۳- خداوند ، خالق جهان طبیعت ( آسمان ها ، زمین و انسان ) است .

رَبِّكُمْ رَبَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ

۹- خالقیت خداوند نسبت به جهان ، دلیل ربوبیت انحصاری او نسبت به انسان و جهان است .

قال بل رَبِّكُمْ رَبَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۳

۳- خدا ، خالق و آفریدگار انسان ها است .

فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۲ - ۱

۱ - خدا ، خالق و آفریدگار انسان

و لقد خلقنا الإنسن

<من> در <من سلاله> ابتدائیه و <سلاله> به معنای <عصاره> است. <طین> به اجزائی از خاک که با آب درآمیخته

باشد (گِل) گفته می شود. <من طین> متعلق به عامل مقدر و صفت برای <سلاله> است؛ یعنی: به یقین ما انسان را از عصاره ای از <گِل> آفریدیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۷ - ۱

۱ - خدا، آفریدگار آسمان ها

و لقد خلقنا فوقکم سبع طرائق

<طریقه> (مفرد <طرائق>) به هر چیزی که روی آن، چیزی شبیه خودش قرار گرفته باشد، گفته می شود و مراد از <سبع>

طرائق < به قرینه > فوقکم < بالای سر شما >، هفت آسمان است. بنابراین به آسمان های هفتگانه، بدان جهت که روی هم قرار دارند، < طرائق > گفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۳

۳ - خداوند، هستی بخش جهان آفرینش است .

اللّٰهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که مقصود از نور، معنای کتایی و مجازی آن باشد، یعنی، نور وجود، چرا که جهان بدون هستی بخشی خداوند، در ظلمت و تاریکی عدم محض خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۵ - ۱۱، ۳، ۱

۱ - خداوند، [ در آغاز ] هر جاننداری را از آب آفرید .

و اللّٰهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ

به حیوانات و جانداران روی زمین چه بزرگ و قابل رؤیت باشند و چه کوچک و غیر قابل دیدن < دابّه > گویند (لسان العرب).

۳ - خداوند، موجودات جاندار را از انواع مایع های متناسب خود آفرید .

و اللّٰهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که تکثیر < ماء > برای تنويع باشد. بر این اساس معنای < ماء > انواع جسم مایع است و مقصود این است که عنصر اولی و منشأ پیدایش حیات جانداران، از جسم مایع است و حیات هر جاننداری از مایعی متناسب خود می باشد.

۱۱ - بی تردید خداوند، قادر مطلق و بر آفرینش هر چیزی توانا است .

و اللّٰهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ .. . إِنَّ اللَّهَ عَلِيٌّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

از پیام های این سخن که < خداوند بر هر

شیئی قادر است < به قرینه جملات پیشین که از آفرینش جاندارن و هر آنچه خدا بخواهد سخن گفته است توانایی خداوند بر آفرینش هر چیزی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲ - ۱۱

۱۱ خداوند ، آفریننده همه پدید های جهان هستی است .

و خلق کلّ شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۷ - ۱

۱ آفرینش شب ، همچون لباس و پوشش ، تنها به قدرت خدا است .

و هو الذی جعل لکم الّیل لباساً

جمله < هو الذی جعل لکم الّیل لباساً > برای حصر است و از نوع حصر افرادی است ، یعنی، تنها خدا شب را همچون پوشش برای انسان قرار داد ، نه قدرتی دیگر. گفتنی است در این جمله، شب به لباس و پوشش تشبیه شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۹ - ۱

۱ خداوند ، آفریدگار آسمان ها و زمین و پدیده های میان آنها است .

الذی خلق السموت و الأرض و ما بینهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۱ - ۴،۵،۷

۴ خداوند در آسمان ها ، ستارگانی را آفرید .

الذی جعل فی السماء بروجا

۵ خداوند در آسمان ها خورشید آفرید .



و جعل فیها سراجًا

<سراج> به معنای چراغ است؛ ولی مقصود از آن در آیه شریفه به قرینه آمدن <القمر> (ماه) خورشید است؛ چنان که در آیه ۱۶ سوره نوح به خورشید سراج گفته شده است (و)

جعل الشمس سراجًا).

۷ خداوند در آسمان ها ، ماه تابان را آفرید .

جعل في السماء .. قمرًا منيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۲ - ۲

۲ آفرینش شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی ، بر اثر جانشین شدن آن دو به جای یکدیگر ، تنها به قدرت خدا است .

و هو الذي جعل الليل والنهار خلفه

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: ۱ معرفه بودن مبتدا و خبر (هو الذي جعل) بیانگر قصر می باشد. ۲- آیه شریفه در مقام بیان قدرت خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۹ - ۱

۱ - پروردگار جهانیان ، خدایی است که پس از آفرینش بشر ، او را از غذاها و نوشیدنی ها بهره مند ساخته است .

الذي خلقني .. و الذي هو يطعمني و يسقيني

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۲ - ۵

۵ - تنها آفریدگار هدایت گر ، و روزی دهنده ، شفابخش و حیات آفرین ، شایسته برای دل بستن انسان به غفران و بخشایش او

الذي خلقني .. و الذي أطمع أن يغفر ... يوم الدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۵ - ۱

۱ - خداوند ، به وجود آورنده نسل ها

و لَكِنَّا أَنشَأْنَا قُرُونًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۸ - ۱

۱ - خداوند ، توانا بر آفرینش

هر چه بخواهد .

و رَبِّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۹ - ۱،۲

۱ - کافران مکه ، از سوی خداوند ، به خاطر ژرف نگری نکردن درباره توانایی خدا بر خلق موجودات ، سرزنش شده اند .

أَوَّلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يَبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ

همزه <أَوَّلَمْ يَرَوْا> استفهام توبيخی است.

۲ - خداوند ، پدیدآورنده عالم است .

يَبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۰ - ۲

۲ - پدیدآورنده موجودات ، خداوند است .

بَدَأَ الْخَلْقَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۱ - ۲

۲ - خداوند ، خالق آسمان ها و زمین است .

مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ .. لَيَقُولَنَّ اللَّهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۸ - ۲

۲ - آفریننده آسمان ها و زمین و تمامی موجودات ، خداوند است .

ما خلق الله السموت و الأرض و ما بينهما إلا بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۱ - ۱

۱ - خداوند ، آغازکننده آفرینش انسان و بازآفریننده او پس از مرگ است .

الله يبدؤا الخلق ثم يعيده

<ال> در <الخلق> عهد است و مراد از آن به قرینه <ترجعون> انسان هایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۰ - ۲

۲ - خداوند ، پدید آورنده انسان ها از خاک است .

خلقکم من تراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- روم - ۳۰ - ۲۷ - ۲

۲ - خداوند ، آغازکننده آفرینش انسان و بازآفریننده او پس از مرگ است .

و هو الذی یبدؤا الخلق ثم یعیده

<ال> در <الخلق> به قرینه <تخرجون>، در آیات قبل، می تواند عهد باشد و منظور از آن انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۰ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده و روزی رسان انسان ها است .

اللّٰه الذی خلقکم ثم رزقکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۴ - ۱۶، ۶، ۳

۳ - خداوند ، تنها آفریننده انسان ها است .

اللّٰه الذی خلقکم

معرفه بودن مبتدا و خبر اختصاص و حصر را می رساند.

۶ - خداوند ، بر آفرینش هر آنچه که بخواهد ، توان دارد .

یخلق ما یشاء و هو .. القدیر

۱۶ - علم و قدرت مطلق خداوند ، منشأ نفوذ مشیت او بر آفرینش هر چیزی است .

یخلق ما یشاء و هو العلیم القدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۱ - ۳

۳ - همه عالم آفریده خداوند است و هیچ کس ، جز او در آن نقش نداشته است .

هذا خلق الله فأروني ماذا خلق الذين من دونه

جمله <هذا خلق الله> اشاره به خلق آسمان ها و زمین و کوه ها و جنبه گان و آب و گیاهان که در آیه قبل، از آنها سخن رفته است و مجموعه آنها، عالم را تشکیل می دهند دارد. بنابراین، مراد از آن، آفرینش همه عالم است.

جلد - نام سوره - سوره -

۱ - خالق آسمان ها و زمین ، در بینش کافران نیز خداوند است .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنَّ الله

۵ - عقیده به یک تایی خدا در خالقیت ، مستلزم منحصر دانستن تمامی ستایش ها به او است .

و لئن سألتهم من خلق .. ليقولنَّ الله قل الحمد لله

۶ - تنها ، آفریدگارِ یک تا ، شایسته همه حمد ها و ستایش ها است .

و لئن سألتهم .. ليقولنَّ الله قل الحمد لله

<ال> در <الحمد> برای استغراق و مفید نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - هیچ کس در خالقیت و مالکیت ، و در نتیجه ، مدیریت خداوند بر عالم ، شریک او نیست . \*

من خلق السموت و الأرض .. لله ما فی السموت و الأرض إنّ الله هو الغنی

بیان اعتراف مشرکان به توحید در خالقیت خداوند و سپس تبیین مالکیت انحصاری او بر پدیده های عالم و اعلام بی نیازی مطلق او، می تواند بیان کننده این باشد که در تدبیر عالم نیز شریکی ندارد.

۱۲ - خالقیت خداوند و مالکیت انحصاری او بر عالم ، نشانه بی نیازی او است .

من خلق السموت .. ليقولنَّ الله ... لله ما فی السموت و الأرض إنّ الله هو الغن

خلق شدن آسمان ها و زمین از سوی خداوند و نیز مملوک خدا بودن شان، عین احتیاج آنها به خدا است. بنابراین، ذکر دو نکته یاد شده، قبل از <الله هو الغنی> به



منزله تمهیدی برای بیانِ غنای مطلق الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۷ - ۴

۴ - مقدرات الهی ، در خلق و ایجاد پدیده ها ، پایان ناپذیرند .

و لو أنّما فی الأرض من شجره أقلّم .. ما نفدت کلمت الله

احتمال دارد مراد از <کلمات الله> آن دسته از مقدراتی باشد که هنوز به شرف تکوین نرسیده و در مرحله تقدیر است. پایان ناپذیری، و غیرمتناهی بودن، می تواند قرینه باشد که مراد از <کلمات> مقدرات و اوامر تقدیری اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۸ - ۲،۳

۲ - برای خدا ، آفریدن افراد زیاد ، با آفریدن یک تن ، تفاوتی ندارد .

ما خلقکم و لا بعثکم إلاّ کنفس وحده

<إلاّ- کنفس واحده> می تواند قرینه باشد بر این که مراد از خلق و بعث در <ما خلقکم و لا بعثکم> خلق و بعث جمعی است و در این صورت آیه، نکته یاد شده را می رساند.

۳ - فاصله افتادن میان خلقت نخستین انسان و زنده کردن مجدد او پس از مرگ ، تأثیری در آن خلقت ندارد .

ما خلقکم و لا بعثکم إلاّ کنفس وحده

چنان چه مفسران گفته اند، مشرکان با تعجب سؤال می کردند که <چگونه امکان دارد که انسانی پس از سال ها مردن، مجدداً زنده شود؟>. آیه در صدد پاسخ به آن پرسش است و تشریح می کند که خلقت نخستین و دوباره، همانند آفریدن یک تن است و فاصله ایجاد شده، تأثیری ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - خالقیت ، مالکیت ، قدرت و علم مطلق خدا ، برخاسته از حقانیت محض و ثبوت ازلی خداوند است .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنَّ الله .. لله ما فی ... إِنَّ الله عز

مشارالیه <ذلك> می تواند صفات کمالی ذکر شده در آیات پیشین برای خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۴ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده آسمان ها و زمین و موجودات میان آن دو است .

الله الذی خلق السموت و الأرض و ما بینهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۶ - ۲

۲ - خداوند خالق عالم و مدبر امور آن ، آگاه به غیب و شهود است .

الله الذی خلق السموت و الأرض .. یدبّر الأمر ... ذلك علم الغیب و الشهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۷ - ۴،۷،۱

۱ - خداوند ، همه آفریده های خود را ، به صورتی نیکو و شایسته پدید آورده است .

الله .. الذی أحسن کلّ شیء خلقه

۴ - کاستی ها و زشتی های پدیده های زشت و ناقص ، ربطی به آفرینش خداوند ندارد .

أحسن کلّ شیء خلقه

۷ - خلقت موجودی شگفت مانند انسان از گلی بی شکل و فاقد حیات ، نمود آفرینش نیکوی خدا است .

أحسن کلّ شیء خلقه و بدأ خلق الإنسن من طین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۹ - ۱

- آفرینش انسان از سوی خداوند ، تدریجی است .

بدأ خلق الإنسن من طین . . . ثم جعل نسله ... ثم سوّیه و نفخ فیہ من روحة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱ - ۴،۱۱

۴ - خداوند ، خالق آسمان ها و زمین است .

فاطر السموت و الأرض

۱۱ - خداوند ، توانا بر آفرینش پدیده های دیگری طبق مشیت خویش

یزید فی الخلق ما یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳ - ۴،۵،۹

۴ - تنها خداوند ، خالق جهان و روزی دهنده انسان ها است .

هل من خلق غیر الله یرزقکم من السماء و الأرض

۵ - خالقیت و رازقیت ، دو صفت جداناپذیر خداوند

هل من خلق غیر الله یرزقکم من السماء و الأرض

از این که در آیه شریفه، خالق که روزی دهنده نباشد، نفی شده است؛ به دست می آید که میان دو صفت <خالقیت> و <رازقیت> ارتباط ناگسستنی وجود دارد و ممکن نیست خدایی خالق باشد؛ ولی رازق نباشد.

۹ - خالقیت ، رازقیت و الوهیت ، از اوصاف و ویژگی های خداوند

هل من خلق غیر الله یرزقکم من السماء و الأرض لا إله إلا هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۱ - ۱،۶،۱۴

۱ - خدا، خالق و آفریننده انسان ها

و الله خلقکم

۶ - خداوند، انسان ها را زوج زوج (زن و مرد) آفرید.

ثم جعلکم أزواجًا

۱۴ - آفرینش انسان در قالب مرد و زن و آگاهی از بارداری و زایمان زنان و مقدار عمر

آدمی ، کاری آسان برای خداوند

و الله خلقكم من تراب ثم من نطفه .. و ما يعمر من معمر و لا ينقص من عمره إلاّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۶ - ۱

۱ - توانایی خداوند بر نابودی انسان ها و آفرینش موجودات جدید به جای آنان

إن یشاء یدهبکم و یأت بخلق جدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۴ - ۱

۱ - خداوند ، باغ هایی از خرما و انگور در زمین آفریده است .

و جعلنا فیها جنت من نخیل و أعنب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۶ - ۲،۳

۲ - خداوند تمامی رویدنی های زمین ، انسان و پدیده های ناشناخته در نزد بشر را به صورت زوج ( نر و ماده ) آفریده است

سبحن الذی خلق الأزوج کلّها ممّا تنبت الأرض و من أنفسهم و ممّا لا یعلمون

<زوج> (مفرد <آزواج>) برای دو معنا به کار می رود: ۱ مقابل طاق و مرادف جفت؛ ۲ به معنای نوع و صنف گفتنی است برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

۳ - خداوند ، پدیدآورنده انواع و اصناف گوناگون پدیده های شناخته شده و ناشناخته بشر است .

سبحن الذی خلق الأزوج کلّها ممّا تنبت .. و ممّا لا یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۲ - ۱

۱ - خداوند ، مرکب هایی مانند کشتی ( چهارپایان و ... ) در سیر و سفر و حمل و نقل

برای بشر آفریده است .

و خلقنا لهم من مثله ما یرکبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۵

۵ - آفرینش ، مخصوص خدا است و او در آفرینش جهان هیچ شریکی ندارد .

أولم یروا أننا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

تأکید خداوند بر آفریدگاری خویش (أنا خلقنا) و نیز جلوه قدرت خود دانستن پدیده های جهان (ممّا عملت أیدینا أنعمًا) گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۲ - ۵

۵ - خداوند ، شتر ، گاو و گوسفند را برای تغذیه انسان آفرید .

و منها یاکلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۹ - ۶

۶ - خداوند ، بر آفرینش و پدید آوردن هر چیزی آگاه و توانا است .

و هو بکلّ خلقٍ علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۱ - ۱۸

۱ - آسمان ها و زمین ، مخلوق خدا و جلوه ای از قدرت او است .

أولیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر



۸ - خداوند خالق آسمان ها و زمین ، بر آفرینش مجدد انسان ها و نوسازی آدمی از ذرات پوسیده و پراکنده دنیایی او در قیامت ، توانا است .

قال من يحي العظم و هي رميم .. أوليس الذي خلق السموت و الأرض بقدر على أن ي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۲ - ۱،۳،۴

۱ - خداوند هر چیزی را اراده کند ،

با گفتن < باش > و < به هستی درآ > ، آن را پدید می آورد .

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

۳- هر چیزی به صرف تعلق اراده خداوند به پدید آوردنش ، بی هیچ فاصله زمانی و صرف وقتی ، پدید می آید .

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

۴- آفرینش همه چیز برای خداوند ، امری سهل و آسان است .

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

برداشت یاد شده از آن جا است که آفرینش هر چیزی به صرف اراده کردن و خواستن خدا و بی هیچ ابزار و وسایلی ، گویای این حقیقت است که آفریدن هر چیزی برای او، سهل و آسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۳ - ۳

۳- اراده قاهر و قدرت مطلق خداوند بر پدید آوردن هر چیزی ، مقتضی تسبیح و تنزیه او از جانب انسان است .

و هو الخلق العليم . إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ . فسبحن الذی

<فاء> در <فسبحان> فصیحه است و جمله <فسبحان الذی> جواب شرط مقدر می باشد که تقدیر آن چنین است . <إن  
کان أمره كذلك فسبحه> یعنی ، حال که خداوند چنان توان مند است که با صرف اراده خویش بدون ابزار و وسایل و بی  
درنگ هر چیزی را می تواند بیافریند، پس چنین خدایی سزاوار تسبیح و تنزیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۶ - ۱

۱ - خداوند ، خالق

انسان و مصنوعات و دست ساخته های او ( بت و ... )

و الله خلقكم و ما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۵ - ۵

۵ - خداوند ، نیکوترین آفریننده

أحسن الخلقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۱

۱ - خداوند ، خالق آسمان ، زمین و پدیده های میان آن دو است .

و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بينهما بطلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۱

۱ - خدا ، آفریننده آسمان ها و زمین

خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۸ - ۱۴

۱۴ - اعتقاد به جدایی خالقیت خدا از ربوبیت او و نسبت دادن ربوبیت و تدبیر امور جهان به غیر خدا ، شرک است .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنَّ الله قل أفرءیتم ما تدعون من دون الل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۵

۵ - خداوند ، خالق آسمان ها و زمین است .

اللهم فاطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۲ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده هر چیزی است .

اللّٰه خلق كلّ شيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۲ - ۳،۵،۶

۳ - خداوند ، خالق همه چیز است .

خلق كلّ شيء

ربوبیت ، خالقیت ، الوهیت و یکتایی ، از اوصاف و ویژگی های خداوند

ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

۶ - توانایی بر آفرینش همه چیز ، نشانه یکتایی و بی همتایی خداوند است .

ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

جمله <لا-إله-إلا-هو> به منزله نتیجه برای مطالبی است که در این آیه و آیه قبل آمده است؛ که محور آن مسأله خالقیت مطلق خداوند و ارائه جلوه های آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۱،۲،۴

۱ - خداوند ، کره زمین را با ثبات و آرام قرار داد .

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَارًا

<قرار> می تواند مصدر <قَرَّرَ> (مرادف سَيَكُنَّ وَ تَبَّتْ) باشد. در این صورت قرار، مقابل اضطراب و لرزیدن و از اوصاف زمین به شمار می رود. هم چنین می تواند به معنای مستقر و جایی باشد که در آن ثبات و آرامش است؛ یعنی، <جعلها مستقرًا لكم>. در این صورت مقصود آن است که زمین را به گونه ای قرار دادیم که جایی برای سکونت شما انسان ها باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

۲ - خداوند ، زمین را به گونه ای آفریده که قابل سکونت و زندگی برای بشر باشد .

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَارًا

۴ - خداوند ، آسمان را در جهت منافع انسان ها برافراشته ساخت .

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ .. . وَالسَّمَاءَ بِنَاءً

<بناء>، در لغت معنایی دارد که شامل: ساختمان، خیمه، چادر و مانند این ها می شود: اطلاق <بناء> بر آسمان از

باب تشبیه است، یعنی، <جعل لكم السماء كالبناء>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۷ - ۱

۱ - خداوند، خالق و آفریدگار انسان ها است .

هو الذی خلقکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۸ - ۶، ۷، ۴، ۳

۳ - خداوند، بر پدید آوردن هر آنچه تقدیر کرده، توانا است .

فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ

۴ - خداوند، هر چیزی را تقدیر کند با گفتن < باش و به هستی درآ > آن را پدید می آورد .

فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ

۶ - آفرینش همه چیز برای خداوند، امری سهل و آسان است .

فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ

برداشت یاد شده، از آن جا است که آفرینش هر چیزی به صرف تقدیر و اراده آن و بی هیچ ابزار و کمکی، بیانگر این حقیقت است که برای خداوند متعال، آفریدن هر چیزی سهل و آسان می باشد.

۷ - آفرینش مجدد انسان ها برای خداوند، بسیار سهل و آسان است .

إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَهُ لَارِيبَ فِيهَا .. هو الذی یحیی و یمیت فإذا قضیٰ أمرًا فإنما یقول

برداشت یاد شده، از آن جا است که آیه شریفه در ردیف آیاتی قرار گرفته که درصدد اثبات معاد و حیات مجدد انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۹ - ۵، ۴، ۳

۳- زمین و چگونگی شکل گیری و آفرینش آن ، از نزدیک ترین و آشکارترین زمینه های توجه انسان به خالقیت

خداوند

قل أتتکم لتکفرون بالذی خلق الأرض

از این که خداوند از میان همه نشانه ها و دلایل، آفرینش زمین را به عنوان دلیل خالقیت و آفریدگاری خود یاد کرده است، می توان مطلب بالا را به دست آورد.

۴ - خداوند ، آفریننده زمین در دو روز

خلق الأرض فی یومین

۵ - خدا ، زمین را در دو مرحله و دوره آفرید . \*

بالذی خلق الأرض فی یومین

لفظ <یوم> می تواند کنایه از دوره و مرحله باشد.

۱۲ - ربوبیت و تدبیر جهان از شؤون خالقیت خدا است .

بالذی خلق ... ذلک ربّ العلمین

از این که خداوند برای ربوبیت خویش به خالقیتش استناد کرده، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۰ - ۱

۱ - خداوند ، پدید آورنده کوه های استوار در زمین

و جعل فیها روسی

<رواسی> (جمع <راسیه>) به معنای کوه های استوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۱ - ۱

۱ - خداوند ، پس از آفرینش زمین به سامان دادن آسمان پرداخت .



<إِسْتَوَىٰ> (مصدر <إِسْتَوَىٰ>) آن گاه که با <إِلَىٰ> متعدی شود، به معنای آهنگ کردن است. <ثُمَّ> (در <ثُمَّ اسْتَوَىٰ>) می تواند برای ترتیب خارجی و یا ترتیب ذکرى باشد. برداشت بالا بر اساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۱

۱ - خداوند ، جهان آفرینش را به صورت هفت آسمان بیاراست و نظام بخشید .

فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - خداوند ، خالق و آفریننده انسان ، برای نخستین بار و بدون سابقه و پیشینه

و هو خلقکم أول مرّه

مراد از <أول مرّه> زمانی است که آدمی وجود نداشت و خداوند او را آفرید.

۱۴ - آگاهی و شهادت اعضا و جوارح آدمی در قیامت به آفریدگاری خداوند و بازگشت همگان به سوی او

قالوا .. و هو خلقکم أول مرّه و إليه ترجعون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که جمله <و هو خلقکم ..> ادامه گفتار اعضا و جوارح انسان باشد.

۱۵ - خالقیت خداوند ، نمایانگر قدرت او بر معاد و آفرینش دوباره آدمیان در قیامت

و هو خلقکم أول مرّه و إليه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۹

۹ - خداوند ، آفریدگار شب و روز و خورشید و ماه

و من آیته .. الذی خلقهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۱ - ۱

۱ - خداند ، آفریننده آسمان ها و زمین

فاطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۹ - ۴، ۵

۴ - خداوند ، قادر و توانمند بر آفرینش هر آنچه بخواهد .

يخلق ما يشاء

۵ - حاکمیت مطلق خداوند در جهان هستی ، پشتوانه اجرای مشیت وی در آفرینش موجودات

لله ملك السموت و الأرض يخلق ما يشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۲ - ۱

۱ - خداوند ، تمامی جهان هستی را زوج و

دارای جفت آفریده است .

و الذی خلق الأزواج کلها

برداشت یاد شده بدین احتمال است که مراد از <أزواج>، تمامی مخلوقات الهی باشد. ذکر <أزواج> اشاره به این است که پدیده های جهان، دارای جفت می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۹ - ۹

۹ - فرشتگان ، آفریده و مخلوق خدا

أشهدوا خلقهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۷ - ۱۲، ۳

۳ - خداوند ، خالق و آفریدگار ذات و سرشت انسان

إلا الذی فطرنی

۱۲ - شأن هدایت گری ، شایسته آفریدگاری که سرشت انسان را پدید آورده و از خواست ها و نیاز های او آگاه است .

إلا الذی فطرنی فإنه سیهدین

تفریع هدایت بر جنبه آفریدگاری و سرشت آفرینی خداوند، حکایت از مطلب یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۲ - ۱

۱ - آفرینش آسمان ها و زمین از سوی خداوند ، آفرینشی به حق و هدفدار

و خلق الله السموت و الأرض

<حق> به چیزی گفته می شود که براساس حکمت و فلسفه ای بایسته پدید آمده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۳ - ۵

۵- عارض نگشتن کم ترین ضعف و خستگی بر خداوند ، در نتیجه آفرینش آسمان ها و زمین

و لم یعی بخلقهنّ

مفاد جمله <لم یعی بخلقهنّ> راه نیافتن تعب و خستگی در ذات حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۱ - ۳

۳ زیبایی ، شگفتی و

ثمربخشی، آمیخته به هم در مظاهر طبیعت و آفریده های خدا \*

زوج بهیج . تبصره و ذکری ... ماء مبرگاً ... والنخل باسقت لها طلع نضید . رزقاً ل

خداوند در این آیات، با یادآوری هر یک از نعمت ها و مظاهر طبیعت وصفی حاکی از زیبایی و شگفتی علمی نیز برای آن آورده است و در پایان به ثمر بخشی عینی آنها که تغذیه خلق باشد اشاره کرده است؛ یعنی، رزق های آفریده خداوند یک بُعدی نیست و خداوند به وسیله آنها تنها تغذیه نمی کند؛ بلکه این روزی را با هنر و اسرار در می آمیزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۵ - ۵

۵ شک در امکان معاد، در عین مشاهده آفرینش خداوند، نمودی از گیجی و سردرگمی کافران

فهم فی أمر مریج .. أفعینا بالخلق الأول بل هم فی لبس من خلق جدید

بیان تناقض گویی کافران در این آیه، می تواند در مقام ارائه نمونه ای از سرگردانی کافران باشد که در آیات پیشین خداوند به آن اشاره فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۶ - ۱

۱ خداوند، خالق انسان و آگاه به وسوسه های نفسانی وی

و لقد خلقنا الإنسن و نعلم ما توسوس به نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۷ - ۳

۳ - خداوند، آفریدگاری بی نیاز و توانا

و السماء بنینها .. و إنا لموسعون

<موسع> (مفرد <موسعون>) به معنای غنی قدرتمند است؛ یعنی، <إنا لذو واسعہ فی

القدره و الغنى >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۹ - ۱

۱ - خداوند ، اشیا را جفت ( نر و ماده ) آفریده است .

و من کلّ شیء خلقنا زوجین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۶ - ۱

۱ - آفرینش آسمان ها و زمین ، مخصوص خداوند و غیر او فاقد کمترین تأثیر در آن

أم خلقوا السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۶ - ۱

۱ - پیدایش زن و مرد ، از نطفه به اراده خدای یگانه

و أنّه خلق .. الذکر و الأنثی . من نطفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۰ - ۳،۴

۳ - خلقت اشياء و تحقق بخشیدن به آن ، امری سهل برای خداوند

إنّا کلّ شیء خلقنه بقدر . و ما أمرنا إلاّ وحده کلمح بالبصر

برداشت یاد شده بر این احتمال است که عبارت < کلمح بالبصر > اشاره به سهولت داشته باشد.

۴ - تحقق آفرینش اشیا و تقدیر و تنظیم آنها ، با صدور یک فرمان از جانب خداوند و بی نیاز از بازنگری \*

إنّا کلّ شیء خلقنه بقدر . و ما أمرنا إلاّ وحده کلمح بالبصر

عبارت <و ما أمرنا> می تواند نظر به آیه قبل داشته باشد، یعنی، خلقت و اندازه گیری در دو مرحله صورت نمی گیرد؛ بلکه با یک فرمان هم آفرینش است و هم تقدیر و در این آفرینش و تقدیر تجدید نظر صورت نمی گیرد.

جلد - نام سوره - سوره



- آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳ - ۱

۱ - خداوند ، خالق انسان ها

خلق الإنسن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۰ - ۴

۴ - آفرینش زمین و نظام هستی از سوی خدا ، هدفمند است .

و السماء رفعها و .. و الأرض وضعها للأنام

خداوند متعال در این آیه، نمایانده است که اصولاً سامان یافتن زمین و شکل گیری آن از آغاز، بدان هدف صورت گرفته که زیستگاه آدمیان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۴ - ۱

۱ - انسان ، آفریده شده به اراده خداوند از گلی خشک همچون سفال

خلق الإنسن من صلصل كالفخّار

<صلصال> به گل خشک و <فخّار> به سفال گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۷ - ۱

۱ - خداوند ، خالق و آفریدگار انسان ها

نحن خلقنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۹ - ۲

۲ - نقش منحصر به فرد خداوند ، در ایجاد و آفرینش انسان از منی در رحم

أفرءیتم ما تمنون .. أم نحن الخلقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۲ - ۲

۲ - تنها خداوند ، قادر بر آفرینش درخت آتش زنه

أم نحن المنشون

مسند محلی به <ال> <المنشون> مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۴ - ۱،۳

۱ - خداوند ، خالق و آفریدگار آسمان ها و

زمین است .

هو الذی خلق السموت و الأرض

۳ - خداوند ، آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید

خلق السموت و الأرض فی سته أيام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۲ - ۱

۱ - خداوند ، خالق و آفریننده انسان ها

هو الذی خلقکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۳ - ۵،۷،۱

۱ - خداوند ، آفریننده آسمان ها و زمین است .

خلق السموت و الأرض

۵ - انسان ها ، از نظر ظاهر و باطن و صورت و سیرت ، زیبا و نیکو آفریده شده اند .

فأحسن صورکم

<صورت> عبارت است از هیئت هر شیئی که با آن، از دیگر اشیا جدا و ممتاز می گردد و شامل شکل ظاهری و هویت باطنی آن می شود (اقتباس از مفردات راغب).

۷ - آفرینش انسان زیبا صورت و نیکو سیرت ، مظهر و مصداق روشن آفرینش بحق خدا است .

خلق السموت و الأرض بالحق و صورکم فأحسن صورکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۷ - ۸

۸ - آفریدن جهان و آگاهی از پدیده های آن و اسرار نهفته در دل آدمیان ، نشانه آسان بودن آفرینش مجدد انسان ها از جانب خداوند

خلق السموت . . و الله علیم بذات الصدور ... و ربی لتبعثنّ ... و ذلک علی الله

مطلب یاد شده، از ذکر آفرینش جهان به قدرت خداوند و آگاهی همه جانبه او در آغاز و سپس یاد کردن آسانی برپایی قیامت برای او، به دست می آید.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲ - ۱

۱ - خداوند ، خالق و آفریننده آسمان ها و زمین است .

اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۳ - ۱

۱ - خداوند ، خالق آسمان ها است .

الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۴ - ۲،۳

۲ - خداوند ، خالق و آفریدگار انسان و جهان است .

أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ

۳ - خالقیت خداوند نسبت به انسان و جهان ، نشانه و دلیل احاطه علمی او به تمامی حقایق جهان و نیز راز دل ها و ضمیر انسان ها است .

إِنَّهٗ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ . أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ

عبارت <ألا- يعلم من خلق> در مقام تبیین چگونگی آگاهی خداوند، از راز دل ها و ضمیر انسان ها است؛ یعنی، خداوند چون خالق و آگاه به خلق خویش است، پس به راز دل ها و نهان آدمیان آگاهی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۵ - ۱،۲

۱ - خداوند ، زمین را برای انسان رام و قابل بهره برداری قرار داد .

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا

۲ - خداوند ، زمین را به گونه ای آفرید که در جهت مصالح و منافع انسان ها باشد .

جعل لكم الأرض ذلولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۳ - ۱

۱ - انسان ، پدیده ای است ساخته خداوند رحمان .

قل هو

الذی أنشاکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۴ - ۱

۱ - خداوند ، خالق انسان و تکثیر کننده نسل او است .

قل هو الذی ذرأکم

<ذرأ> به معنای خلق است، ولی به گفته برخی از مفسران و اهل لغت، این واژه در آیه شریفه و آیات مشابه آن، به معنای تکثیر نسل بشر است (برگرفته از لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۹ - ۲

۲ - خداوند ، خالق انسان ها است .

إنّا خلقنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۴ - ۳، ۱

۱ - خداوند ، خالق انسان ها است .

وقد خلقکم

۳ - آفرینش بشر از سوی خداوند ، در قالب اشکال مختلف و با حالات گوناگون

وقد خلقکم أطوارًا

کاربرد واژه <أطوار> در این آیه، ممکن است مانند کاربرد آن در جمله <الناس أطوار> باشد، یعنی، اصناف و حالات گوناگون.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۶ - ۱

۱ - خداوند ، ماه را نورانی و خورشید را همچون چراغ فروزنده آفرید .

و جعل القمر فيهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۷ - ۱

۱ - خداوند ، انسان را همچون نباتات از زمین آفریده است .

و الله أنبتكم من الأرض نباتًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۱ - ۴

۴ - تنها خداوند ، خالق بشر است .

و من



## خلقت و حیداً

در این برداشت، کلمه <وحیداً> حال برای <تا> در <خلقت> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲ - ۹

۹ - خداوند ، انسان را شنوا و بینا آفرید .

فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۸ - ۱،۴

۱ - خداوند ، خالق و آفریدگار انسان ها است .

نحن خلقنهم

۴ - توانایی خداوند بر آفرینش انسان ، نشانه توانایی او بر نابود کردن امت های گنه پیشه و کافر و جایگزین کردن دیگران

نحن خلقنهم .. . وإذا شئنا بدلنا أمثلهم تبديلاً

برداشت یاد شده، از یاد آوری آفرینش انسان از سوی خداوند پیش از تذکر به هلاکت امت های کافر و جایگزین کردن دیگران استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۰ - ۱

۱ - خداوند ، خالق انسان ها است .

ألم نخلقكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۷ - ۱

۱ - آفرینش کوه های استوار و بلند در زمین ، از سوی خداوند

و جعلنا فیها روسی شمخت

<رواسی> به معنای کوه های استوار و پابرجا و <شامخات> به معنای <مرتفعات> (کوه های بلند) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۷ - ۲

۲ - خداوند ، آفریننده کوه های استوار و مستحکم است .

ألم نجعل .. و الجبال أوتادًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۸ -

۱ - خداوند ، آفریدگار تمامی انسان ها است .

و خلقنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۰ - ۲

۲ - خداوند ، شب و تاریکی آن را پدید آورده است .

و جعلنا الیل لباساً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۵ - ۲

۲ - خداوند ، پدید آورنده بذر ها و دانه های خوراکی و رویدنی های زمین و تأمین کننده غذا های گیاهی انسان است .

لنخرج به حبّاً و نباتاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۶ - ۲

۲ - خداوند ، بهوجودآورنده بستان ها و آفریننده درختان و منظره های سرسبز و خرم

لنخرج .. جنتاً ألفافاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند ، پس از آفرینش آسمان و ایجاد شب و روز ، زمین را گسترده ساخت .

و الأرض بعد ذلك دحیها

<دحو> به معنای بسط دادن و گستراندن است. <بعد ذلك> دلالت دارد که این مرحله از تغییرات زمین، پس از تعدیل

آسمان و آفرینش تاریکی و روشنی بوده است. مراد از بسط زمین به قرینه آیات بعد آماده سازی و سامان دادن آن برای زندگانی جانداران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۸ - ۴

۴ - خداوند ، خالق همه انسان ها است .

قتل الإنسن . . . من أىّ شىء خلقه

فاعل <خلقه> خداوند است که سیاق آیه شریفه، از تصریح به آن

بی نیاز ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۹ - ۱،۷

۱ - خداوند ، آفریننده انسان ها است .

خلقه

۷ - خداوند ، در پی آفرینش انسان از نطفه ، او را توانمند و مهیا برای رسیدن به مصلحت های خویش قرار داد .

من نطفه خلقه فقدّره

برخی از اهل لغت، ضمن بر شمردن معانی متعددی برای <تقدیر>، دقت و تفکر در متعادل ساختن امور و مهیا ساختن آنها را، از جمله معانی آن قرار داده اند (لسان العرب). <فاء> در <فقدّره> گویای این است که مهیا شدن انسان برای مصالح خویش، از آثار و پیامدهای سیستم خلقت او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۹ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده زیتون و درخت خرما و رویاننده آن از زمین است .

فَأَنْبَتْنَا فِيهَا .. زَيْتُونًا وَنَخْلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۰ - ۱

۱ - درختان تنومند و ستبر بوستان ها ، آفریده های خداوند و از منابع تغذیه انسان ها

و حدائق غلبًا

<غُلب> جمع <غَلْبَاء> است. به کسی که دارای گردنی کلفت باشد <اغلب> و <غلباء> گفته می شود (لسان العرب). در آیه شریفه، گرچه بوستان ها به ضخامت و ستبری توصیف شده اند ولی این وصف به قرینه <أَنْبَتْنَا> در آیات پیشین ناظر به قطور بودن درختان آن بوستان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۱

۱ - آب ، زمین ،

دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

متَّعَا لَكُمْ و لَأَنعَمَكُم

<متاعاً> اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی <تمتعياً> (بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۷ - ۳، ۲، ۱

۱ - خداوند ، آفریننده انسان ها است .

الذی خلقک

۲ - خداوند ، انسان را آفریده ای کامل و به دور از هرگونه کاستی و اضافات قرار داده است .

فسوئیک

عبارت <سَوَاك> یعنی، تو را <سَوِیِّ> قرار داد. <سَوِیِّ> به چیزی گفته می شود که اندازه و کیفیت آن، از افراط و تفریط به دور باشد. (مفردات راغب)

۳ - خداوند ، قامت انسان را استوار ساخت و اعضای او را هماهنگ و متوازن قرار داد .

فعدلک

فعل <عَدَلَ>، در موردی به کار می رود که چیزی را به پا دارند تا به اعتدال درآید و استقامت یابد (مقایس اللغه). این فعل در مورد برقرار کردن توازن و تعادل نیز به کار می رود. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲ - ۵

۵ - قدرت خداوند بر آفرینش آسمان و برج های آن ، نشانه صداقت او در وعده آمدن قیامت است . \*

و السماء ذات البروج . و الیوم الموعود

یاد کردن قیامت پس از ذکر آسمان و برج های آن ممکن است به این لحاظ باشد که توجه به آسمان، باور



به قیامت را تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۲ - ۱،۲

۱ - خداوند آفریننده تمامی موجودات

الذی خلق

بیان نکردن مفعولی خاص برای <خلق>، بیانگر تعمیم است و به آفرینش تمام مخلوقات نظر دارد.

۲ - خداوند، آفریده های خویش را کامل و به دور از هرگونه کاستی و اضافات، قرار داده است.

فسوی

تسویه و تعدیل، به یک معنا است (مصباح) و اعتدال هر چیز، به دور ماندن آن از افراط و تفریط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۷ - ۳

۳ - شتر، مخلوق خداوند و آفریده ای هدف دار است.

أفلاینظرون إلی الإبل کیف خلقت

در آیه شریفه، گرچه سخن از آفریننده شتر به میان نیامده است؛ ولی سیاق آیات که در مقام برشمردن نعمت های خداوند، توجّه دادن انسان به قدرت مندی او و ضرورت معاد می باشد بیانگر این است که خداوند، آن را خلق کرده و آفریدن آن لغو نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۴ - ۱

۱ - خداوند، آفریننده انسان ها است.

لقد خلقنا الإنسان فی کبد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - خداوند ، جان انسان ها را متعادل و به دور از افراط و تفریط آفریده است .

سویها

<سَوَاه> یعنی، آن را <سوی> قرار داد (قاموس). <سوی> درباره چیزی گفته می شود که از افراط و تفریط، در مقدار و

کیفیت مصون

باشد. (مفردات)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۴ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده انسان ها است .

لقد خلقنا الإنسان

حرف <ال> در <الإنسان>، یا برای استغراق جنس است و یا به حقیقت و ماهیت او نظر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱ - ۱۲، ۱۳

۱۲ - خداوند ، خالق تمامی مخلوقات است .

الذی خلق

ذکر نشدن مفعولی خاص برای فعل <خلق>، افاده عموم می کند و در این صورت آیه بعد، ذکر خاص بعد از عام خواهد بود. در این موارد می توان گفت: <خلق> گرچه متعدی است ولی به جهت نظر نداشتن به مفعولی خاص، به منزله فعل لازم دانسته شده است. و ممکن است گفته شود: مفعول مقدر آن، لفظی است که همه موجودات را شامل می شود. برخی گفته اند: به قرینه آیه بعد، مفعول محذوف این فعل نیز <الإنسان> است که در این صورت، آیه شریفه تنها به آفرینش انسان نظر خواهد داشت.

۱۳ - ربوبیت ( مالکیت و تدبیر امور ) ، ویژه خالق موجودات است .

ربِّک الذی خلق

توصیف خداوند به <الذی خلق> پس از بیان ربوبیت او بیانگر این نکته است که خالقیت او، دلیل بر ربوبیت او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۲ - ۱

۱ - خداوند ، خالق انسان ها است .

## خلق الإنسن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۲ - ۱،۷

۱ - خداوند ، آفریننده موجودات

ما خلق

۷ - آفریننده بودن

خداوند ، دلیل توانمندی او بر دفع خطر مخلوقات خویش

من شرّ ما خلق

توصیف موجودات خطر آفرین، به این که خداوند خالق آنها است؛ استدلال بر امکان پذیر بودن رفع خطر آنها از سوی خداوند است.

خالقیت در ربوبیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۳ - ۶

۶ - خالقیت و آفریدگاری ، شرط ربوبیت و خداوندگاری است .

يَأْتِيهَا النَّاسُ .. إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذَبَابًا

خالقیت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۴ - ۱۴

۱۴ - > عن الفتح بن يزيد الجرجاني قال : لقيته عليه السلام ( أبي الحسن الرضا (ع) ) . . . قلت : جعلت فداك ، و غير الخالق الجليل خالق ؟ قال : إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَقُولُ : > تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ < فقد أخبر أنّ في عباده خالقين منهم عيسى بن مريم (ع) خلق من الطين كهيئته الطير بإذن الله . . . ;

فتح بن يزيد جرجانی گوید: با امام رضا(ع) ملاقات کردم .. گفتم: فدای شما گردم. آیا غیر از خداوند بزرگ نیز خالق هست؟ امام(ع) فرمود: خداوند می فرماید: >تبارک الله أحسن الخالقين< و خداوند خبر داده است که در بین بندگانش، خالق هایی هستند و از جمله این افراد، حضرت عیسی(ع) است که به اذن خداوند، صورتی مانند پرنده آفرید...<.

خالقیت معبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۱۳

۱۳ خالق و آفریننده ، تنها حقیقت شایسته پرستش



الله . . . هو أنشأكم من الأرض

جمله <هو أنشأكم . . .> استدلالی است برای توحید و لزوم یکتاپرستی که از جمله <اعبدواالله . . .> به دست می آید، یعنی، چون خداوند خالق است، شایسته پرستش است و چون در آفریدن شریکی ندارد، پس نباید در پرستش نیز برای او شریکی بیندارید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۰ - ۱۰

۱۰- تنها خداوند خالق، شأن مورد پرستش قرار گرفتن و کمک طلبیدن را دارد.

و الذین یدعون من دون الله لایخلقون شیئاً

آیه در صدد سرزنش عمل مشرکان در اتخاذ معبودهای متعدد است و استفاده می شود که چنان کاری مذموم و قبیح می باشد.

خالقیت معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۰ - ۳

۳- توانمندی بر آفریدن و نیز مخلوق نبودن، از نشانه های خدا و معبود حقیقی است.

و الذین یدعون من دون الله لایخلقون شیئاً و هم یخلقون

از اینکه خداوند در مقام بیان رد الوهیت معبودهای مشرکان، دو صفت مهم را برشمرده است، استفاده می شود که <الله> باید خالق بوده و مخلوق نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۲ - ۲

۲- علم، قدرت، خالقیت و حیات، از ویژگی های معبود و خدای حقیقی

أفمن یخلق کمن لایخلق . . . و الله یعلم . . . و الذین یدعون من دون الله لایخلقون شیئاً

آوردن عبارت <إلهکم إله واحد> پس از بیان صفات برجسته خداوند و پس از یادآوری ضعف و فتور معبودهای باطل، به





آن سخنان و مشعر به نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۱ - ۴

۴ - آفریننده انسان ها ، تنها حقیقتی که شایسته و بایسته پرستش است .

اعبدوا ربکم الذی خلقکم و الذین من قبلکم

توصیف خداوند به <خالقیت> - پس از بیان لزوم پرستش او - بیانگر علت لزوم پرستش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱۲

۱۲ - شایستگی إله بودن و معبود شدن ، تنها در خور خالق و آفریدگار انسان است .

إنکم ظلمتم أنفسکم باتخاذکم العجل فتوبوا إلی بارئکم

<بارء> از اسما و صفتهای الهی و به معنای آفریننده است. موسی(ع) با انتخاب این اسم و صفت در جمله <توبوا إلی بارئکم> - با توجه به اینکه مخاطبانش کسانی هستند که به پرستش غیر خدا روی آورده بودند - اشاره به این دارد که: خالق آدمی سزاوار معبود شدن است؛ چرا به غیر او گرایش پیدا کردید؟ باید توبه کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸ - ۲

۲ - کسی که آفریننده هستی و مدبر و مالک و دانای به همه چیز نباشد ، شایسته پرستش نیست .

اللّٰه لا إله إلا هو

برداشت فوق، حاصل ارتباط این آیه با آیات قبل بوده که خالقیت، فرمان روایی و مالکیت بر جهان و علم مطلق را به خداوند منحصر ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳ - ۶

۶ مخلوق نبودن ، قدرت بر آفرینندگی ،

جلب منفعت ، دفع ضرر ، میراندن ، حیات بخشیدن و احیای مردگان ، از نشانه های معبود واقعی و شایسته پرستش ( الله )

و اتخذوا من دونه ءالهه لایخلقون شیئا و هم یخلقون ... و لانشورا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۸ - ۳

۳ - خالق و راهنمای انسان ، شایسته پرستش است ؛ نه بت های بی شعور و ساخته دست بشر .

فإنهم عدوٌ لی إلا رب العلمین . الذی خلقنی فهو یهدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۵ - ۲

۲ - خدای پدیدآورنده موجودات آسمان و زمین از کتم عدم ، شایسته پرستش است ، نه مخلوقات و مظاهر طبیعت .

یسجدون للشمس .. ألا یسجدوا لله الذی یرج الخبء فی السموت و الأرض

<ال> در <الخبء> برای جنس و مفید استغراق است <خَبء> به معنای مستور (مصدر به معنای مفعول) می باشد.

بنابراین <یرج الخبء> ؛ یعنی ، <یرج جمیع الأشياء المستوره تحت استار العدم منها إلى الوجود> .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۴ - ۸

۸ - پرستش ، مخصوص پدیدآورنده ، اعاده کننده و روزی دهنده انسان ها است و نه غیر او

أمن یدؤوا الخلق ثم یعیده .. أءله مع الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۰ - ۴،۷،۱۱

۴ - هیچ یک از معبودان جعلی مشرکان ، هیچ گونه توانایی خلق و روزی رسانی و مرگ و بازآفرینی انسان ها را ندارند .

الله الذی خلقکم ثم رزقکم

ثُمَّ يَمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَفْعَلُ مِنْ ذَلِكُمْ م

استفهام در آیه، انکاری است و آورده شدن <من> در <من شیء> برای استغراق نفی هر یک از موارد یاد شده است. اسم اشاره <ذلکم> به خلق، رزق، اماته و احیاء مصدرهای فعل های یاد شده در آیه اشاره دارد.

۷ - خدایانِ ناتوان از آفرینش و روزی دهی به انسان ، شایسته خدایی نیستند .

هل من شركائکم من یفعل من ذلکم من شیء

استفهام در آیه، انکاری است و آیه، در صدد بیان این نکته است که خدای یگانه، اوصاف یادشده را دارد، در حالی که خدایان شما، چنین نیستند، پس شایسته خدایی نیستند.

۱۱ - خالقیت و رازقیت و سررشته داری مرگ و حیات ، از ویژگی های الوهیت اند .

اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يَمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۱ - ۲

۲ - خالقیت ، از شرایط الوهیت است .

هذا خلق الله

از تحدی خداوند با مشرکان، استفاده می شود که <الله> باید توان خالقیت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۲ - ۴

۴ - عبادت ، تنها شایسته خدای خالق است .

و ما لی لا أعبد الذی فطرنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۶ - ۲

۲ - تنها ، خالق جهان هستی مستحق پرستش است .

قال أتعبدون ما تنحتون . و الله خلقكم و ما تعملون

تذکر به خالقیت خدا نسبت به انسان و مصنوعات وی، پس از محکوم کردن پرستش

مصنوعات بشری، می تواند گویای برداشت بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۲۵ - ۱۰

۱۰ - خالقیت ، شرط شایستگی برای معبودیت

أتدعون بعلاً و تذرون أحسن الخلقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۱۶

۱۶ - آفریدن جهان هستی ( آسمان ، زمین ، انسان و ... ) ، از اوصاف و نشانه های خدای حقیقی ( الله )

خلق السموت و الأرض .. خلقکم من نفس وحده ... ذلکم الله

<ذلکم> اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب اوصاف خلق و جعل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۱ - ۸

۸ - عبادت و حاجت خواهی ، تنها در پیشگاه کسی روا است که آفریننده شب و روز و تأمین کننده روزی و نیاز های انسان ها است .

و قال ربکم ادعونی أستجب لکم .. الله الذی جعل لکم... النهار مبصرًا

از ارتباط میان این آیه با آیه قبل که درباره ربوبیت خداوند و عبادت او و حاجت خواهی از او بود برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۱۳

۱۳ - آفرینش زمین ، آسمان ، انسان و روزی های او ، از اوصاف معبود و ربّ حقیقی

الله الذی جعل لکم الأرض .. و صورکم فأحسن صورکم و رزقکم من الطیبیت ذلکم اللّ



۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۷ - ۲

۲ - تنها معبودی شایسته پرستش است که سامان بخش وجود انسان و آفریدگار سرشت آدمی است .

إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۴ - ۵

۵- توانایی بر خلقت جهان و تدبیر امور آن ، شرط شایستگی معبود برای پرستیده شدن

ماذا خلقوا من الأرض أم لهم شرك في السموات

در این آیه، به ناتوانی بت ها در امر خلقت و تدبیر جهان اشاره شده است و این خود می نمایاند که توانایی بر خلقت و تدبیر، ملاکی است که براساس آن، می توان معبود واقعی را از معبود دروغین، متمایز ساخت.

خالقیت و الوهیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۰ - ۶

۶- موجودات دست ساز و فاقد هر گونه قدرت آفرینشگری ، لیاقت الوهیت ندارند و هر گونه عقیده ای به خدایی آنان ، باطل است .

و الذين يدعون من دون الله لا يخلقون شيئاً وهم يخلقون

خالقیت و معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۹ - ۳

۳ - توانایی بر آفرینش هر چیزی ، دلیل و شاهد امکان آفرینش مجدد آن است .

قل يحييها الذي أنشأها أول مرة



برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند در پاسخ به کسانی که احیای مجدد انسان ها را غیر ممکن می دانستند، مسأله آفرینش آغازین را مطرح کرده است. بنابراین از این پاسخ می توان قانون کلی یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - خداوند خالق آسمان ها و زمین ، بر آفرینش مجدد انسان ها و نوسازی آدمی از ذرات پوسیده و پراکنده دنیایی او در قیامت ، توانا است .

قال من يحي العظم و هي رميم .. أوليس الذي خلق السموت و الأرض بقدر على أن ي

ذكر خالقيت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱۵

۱۵ - موسی (ع) با توجه دادن مرتدان به خالقیت خدا ، کیفر قتل را برای آنان امری سازنده دانست .

ذلکم خیر لکم عند بارئکم

انتخاب <بارء> در بیان ضرورت اجرای حکم قتل، به این معنا اشاره دارد که: هر چند کشته شدن به ظاهر از میان رفتن و نابود شدن است، ولی در حقیقت زندگی یافتن و دوباره آفریده شدن است. گفتنی است که تکرار <بارئکم> در دو جمله <توبوا إلی بارئکم> و <ذلکم خیر لکم عند بارئکم> رسای به این است که هر کدام به هدفی خاص آورده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۱ - ۹

۹ توجه به خالقیت خدا ، زمینه ساز اخلاص در تبلیغ دین و چشم ندوختن به اجر و پاداش های مردمی است .

إن أجری إلا علی الذی فطرنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۳ - ۱۳

۱۳ - توجه به خالقیت ، رازقیت و مدیریت خدا ، زمینه ساز حمد او است .

و لئن سألتهم من خلق .. و سخر .. الله بیسط

الرزق... و لئن سألتهم من نزل ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۷ - ۴

۴ - توجه به خالقیت مدبرانه خداوند ، زمینه ساز پذیرش ربوبیت او و مانع فریب خوردن انسان از جاذبه های گناه است .

ما غرک بر بک .. الذی خلقک فسویک فعدلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱ - ۱۴

۱۴ - توجه به خالقیت خداوند و ربوبیت او ، برانگیزاننده انسان به همراه ساختن کارها با ذکر نام او است .

اقرأ باسم ربك الذي خلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۲ - ۴

۴ - آگاهی از قدرت خداوند بر آفرینش انسان از خون لخته ، زمینه ساز توجه به او در آغاز هر کار است .

اقرأ باسم ربك .. خلق الإنسان من علق

رد خالقیت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۶ - ۱۰

۱۰ - خالق نبودن بت ها و معبود های مشرکان ، دلیل ناشایستگی آنها برای عبادت و تقدیس انسان ها

ما هذه التماثيل .. قال ربکم رب السموت والأرض الذی فطرهنّ

حضرت ابراهیم(ع)، برای ابطال عقیده مشرکان و بت پرستان و اثبات توحید ربوبی برای خداوند، به خالقیت او تمسک کرد.

نکته یاد شده بیانگر این حقیقت است که تنها خالق جهان، شایسته تقدیس و عبادت است، نه چیز دیگر.

زمینه ذکر خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۹ - ۳

- زمین و چگونگی شکل گیری و آفرینش آن ، از نزدیک ترین و آشکارترین زمینه های توجه انسان به خالقیت خداوند

قل أنتم لتكفرون بالذی خلق الأرض

از این که خداوند از میان همه نشانه ها و دلایل، آفرینش زمین را به عنوان دلیل خالقیت و آفریدگاری خود یاد کرده است، می توان مطلب بالا را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۳ - ۲

۲ - توجه به آفریننده نعمت ها ، به دنبال بهره‌وری از آن ، امری طبیعی و فطری است .

لتستوا علی ظهوره ثم تذکروا نعمه ربکم إذا استویتم علیه

شرایط خالقیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۱ - ۳

۳ - الوهیت و خالقیت ( خداوندگاری و آفریدگاری ) ، دو امر متلازم و انفکاک ناپذیر

إذا لذهب کلّ إله بما خلق

قید <بما خلق> بیانگر این حقیقت است که خداوندگاری، فرع بر آفریدگاری است؛ یعنی، تا یک موجودی خالق نباشد، نمی توان او را اله خواند. بنابراین اگر علاوه بر خدای متعال، خدایان دیگری نیز وجود داشت، باید هر خدایی آفرینشی جدا از آفرینش خدایان دیگری می داشت.

شک در خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲ - ۹

۹ تردید در خالقیت و ربوبیت یگانه خداوند، شگفت انگیز و سزاوار سرزنش است.

بربهم يعدلون. هو الذی خلقکم من طین ثم قضی أجالا ... ثم أنتم تمتمون

حرف <ثم> در <ثم أنتم تمثرون>، مفید استبعاد و توییخ است، چون تراخی زمانی در اینجا معنی ندارد. گفتنی

است متعلق <تمترون>، مضامین اساسی مورد بحث در آیه قبل (توحید در خالقیت و ربوبیت) است.

شؤون خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۸ - ۱

۱ - هدایت و راهنمایی خلق ، از شؤون ربوبیت و خالقیت خداوند

إِلَّا رَبُّ الْعَالَمِينَ . الَّذِي خَلَقَنِي فَهُو يَهْدِينِ

تفریح جمله <فهو يهدين> بر <رب العالمين> و <الذی خلقنی>، بیانگر برداشت یاد شده است؛ یعنی، چون او پروردگار جهانیان و نیز آفریننده من است؛ پس خود او هم مرا راهنمایی خواهد کرد.

عقیده به توحید در خالقیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۷ - ۱

۱ - اعتقاد مشرکان مکه ، به خالقیت خداوند و توحید در آفرینش

و لئن سألتهم ليقولنَّ الله فأنى يؤفكون

از آیه شریفه استفاده می شود که شرک مشرکان، در ناحیه خالقیت خداوند نبوده است؛ بلکه آنان در ربوبیت، تدبیر، کارگشایی امور و وساطت برای تقرب به خدا، گرفتار شرک بوده اند.

عقیده به خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۱ - ۹

۹ شرک پیشگان عرب جاهلی با وجود اینکه خدا را پدید آورنده جانداران از موجودات بی جان و موجودات بی جان را از جانداران می دانستند ، منکر ربوبیت و پروردگاری او بودند .

و من یرجى الحى من المیت و یرجى المیت من الحى . . . فسیقولون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳ - ۸

۸- مشرکان صدراسلام ، خداوند را خالق آسمان ها و



زمین می دانستند .

أتی أمر الله .. سبحانه و تعالی عمّا یشرکون ... خلق السموت و الأرض بالحق تعالی

<تعالی عمّا یشرکون> مربوط به <بالحق> است و نه <خلق السماوات و ..> بنابراین، از آیه استفاده می شود که مشرکان درباره اصل خلقت عالم حرفی نداشته اند، بلکه درباره حقانیت و پوچی آن توهمات داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۱ - ۵،۶،

۱ - مشرکان ، به خالقیت خدا برای آسمان ها و زمین و مسخر کننده خورشید و ماه ، باور داشتند .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض و سخر الشمس و القمر ليقولنّ الله

۵ - انکار آیات خدا و ایمان به باطل ، از سوی مشرکان ، به رغم باور آنان بر خالقیت خدا و تسخیر خورشید و ماه از سوی او ، امری شگفت آور است .

و ما یجحد بأیتنا إلاّ الکفرون .. و قالوا لولا أنزل علیه آیت ... و الذین ءا

۶ - با وجود اعتقاد مشرکان به این که خالق عالم و رام کننده خورشید و ماه ، خدا است ، باز داشته شدنشان از حق ، قابل توجیه و منطقی نیست .

و لئن سألتهم من خلق .. و سخر ... ليقولنّ الله فأنّی یؤفکون

جمله <فأنّی یؤفکون> جواب شرط مقدر است و <أنّی> معادل <کیف> استفهامیه و برای تعجب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۱ - ۷

۷ - مشرکان و کافران در عصر بعثت علی رغم انکار قیامت و تجدید حیات انسان ها به آفرینش

آسمان ها و زمین به وسیله خدا و نیز به عظمت این آفرینش اعتقاد داشتند .

أوليس الذى خلق السموت و الأرض بقدر على أن يخلق مثلهم

برداشت یاد شده با توجه به این حقیقت است که استدلال خداوند بر اثبات معاد، از راه آفرینش نخستین جهان طبیعت، مبتنی بر این حقیقت است که کافران، جهان طبیعت را جلوه ای از خالقیت و قدرت خدا بدانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۸ - ۱

۱ - اعتقاد و اعتراف مشرکان ، به خالقیت یگانه خداوند و پدید آمدن جهان آفرینش ( آسمان ها ، زمین و ... ) تنها به قدرت او

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنَّ الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۹ - ۱۳

۱۳ - مشرکان عصر بعثت ، معتقد به خالقیت خدا و منکر ربوبیت مطلقه وی بودند .

قل أئنکم لتکفرون بالذى خلق .. ذلك رب العلمين

تعبیر <تجعلون له أنداداً> نشان می دهد که مشرکان اصل وجود خدا و خالقیت او را قبول داشته اند ولی برای او شریک در آفرینش و ربوبیت قائل بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۷ - ۲،۱

۱ - اعتقاد مشرکان مکه ، به خالقیت خداوند و توحید در آفرینش

و لئن سألتهم من خلقهم ليقولنَّ الله فأنى يؤفكون

از آیه شریفه استفاده می شود که شرک مشرکان، در ناحیه خالقیت خداوند نبوده است بلکه آنان در ربوبیت، تدبیر، کارگشایی امور و وساطت برای تقرب به خدا، گرفتار

شرک بوده اند.

۲- روی آوردن به غیر خدا، با وجود اعتقاد به خالقیت یگانه او، انحرافی آشکار و امری ملامت بار

و لئن سألتهم من خلقهم ليقولنَّ الله فأنى يؤفكون

<إفك> (مصدر <يؤفكون>) به معنای روی گرداندن و انحراف از مسیر طبیعی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۷ - ۵

۵- منکران معاد در عصر بعثت، آسمان را آفریده خداوند می دانستند.

أم السماء بنیها

استدلال آیه شریفه بر امکان معاد، بدون پذیرش آفریدگاری خداوند برای آسمان، ناتمام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۵ - ۴

۴- اعتقاد به آفریننده بودن خداوند، ناسازگار با پندار عجز برای او در برابر انسان

خلقنا الإنسن .. أیحسب أن لن یقدر علیه أحد

عقیده به خالقیت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۰ - ۴

۴- عقیده به شریک بودن غیر خدا با او در خلق و تدبیر عالم، شرک است.

قل أریتم شرکاءکم الذین تدعون من دون الله أرونی ماذا خلقوا من الأرض أم لهم شرک

غیر خدا و خالقیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۲۱

۲۱ غیر خدا هیچ آفرینش و آفریده ای ندارد .

أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ

معبودان باطل و خالقیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- نحل - ۱۶ - ۲۰ - ۱

۱- خدایان ادعایی مشرکان ، قدرت آفرینش هیچ چیزی را ندارند .

وَالَّذِينَ يَدْعُونَ

من دون الله لا يخلقون شيئاً

<يدعون> صله <الذين> است و ضمير صله، ضمير مفعولی است که حذف گردیده و مرجع آن الذين است. مراد از <الذين> به قرینه آیات قبل که درباره خدایان ادعایی ناتوان بود خدایان مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۳ - ۷

۷ - عجز و ناتوانی خدایان اهل شرک هر چند همگی گرد هم آیند از آفریدن حتی یک مگس ، دلیلی است روشن و غیر قابل انکار بر پوچی اندیشه شرک .

إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذَبَابًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۱ - ۴،۵،۷

۴ - خداوند ، مشرکان را به ارائه مخلوقات معبودان شان ، فرا می خواند .

فأروني ماذا خلق الذين من دونه

۵ - معبودان مشرکان ، هیچ آفریده ای ندارند .

هذا خلق الله فأروني ماذا خلق الذين من دونه

۷ - مشرکان ، از ارائه مخلوقی برای معبودان خویش ، ناتوان اند .

فأروني ماذا خلق الذين من دونه بل الظلمون في ضلل مبين

امر <أروني> برای تعجیز است و <بل> اضراب، برای انتقال از غرضی به غرض دیگری است. جمله بعد از <بل> اشعار دارد به این که آنان، نه تنها از درخواست ارائه مخلوق برای معبودی، ناتوانند بلکه آن چنان در بیراهه اند که هیچ گاه چنین کاری از آنان ساخته نیست.

منشأ خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - خداوند ، هر چیزی را بر اساس مشیت خود آفریده

است .

يخلق الله ما يشاء

نشانه های خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۷ - ۵

۵- قرآن ، جلوه ای از خلاقیت و علم خداوند

إن ربك هو الخلق العليم . و لقد آتيناك سبعا من المثاني و القرآن العظيم

ذکر <اعطای قرآن به پیامبر(ص)> پس از بیان دو صفت خالقیت و دانایی خداوند، می تواند بیانگر مصداقی از خلاقیت و علم خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۴ - ۱۰

۱۰- قدرت خداوند بر خلقت آغازین نظام آفرینش ، نشانگر قدرت او بر آفرینش دوباره آن است .

یوم نطوی . . . إنا کنا فاعلین

تشبیه <کما> می تواند برای اصل خلقت جهان و آفرینش مجدد آن باشد؛ یعنی، همان گونه که ما توانستیم جهان را در آغاز پدید آوریم، دوباره نیز می توانیم به وجود آوریم. گفتنی است جمله تأکیدی <إنا کنا فاعلین>، بیانگر این است که اصل آفریدن دوباره جهان، مورد انکار بوده و آیه شریفه در صدد بیان امکان آفرینش مجدد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۴ - ۷

۷- انسان ، مظهر صنع بدیع الهی است .

ثم أنشأه خلقاً اخر فتبارك الله أحسن الخلقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - آسمان ها و کوه ها و جنبندگان و . . . ، تبلور آفرینندگی خداوند است .

هذا خلق الله فأروني ماذا خلق الذين من دونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه -



۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۲ - ۲

۲ - همه پدیده های جهان هستی ، جلوه های خالقیت و توحید ربوبی خداوند است .

اللّٰه خلق کلّ شیء

آیه شریفه به قرینه آیه ۶۴ که به منزله نتیجه این آیه بوده و در آن شرک محکوم گردیده است درصدد بیان نشانه های خالقیت خدا و اثبات توحید ربوبی او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۵ - ۳

۳ - زوجیت ( مردی و زنی ) در میان بشر ، دارای اهمیت و زمینه ساز پی بردن به خالقیت یگانه خداوند

و أنّه خلق الزوجین الذکر و الأنثی

از این که خداوند، مسأله زوجیت را به انسان تذکر داده و وحدت خالق را در این زمینه یادآوری نموده است، مطلب بالا استفاده می شود.

نقش توحید در خالقیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۱۰

۱۰ - توحید در خالقیت ، دلیل و برهان توحید در ربوبیت است .

لن نُؤثِرک .. والذی فطرنا

ویژگی خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۱ - ۱

۱ خداوند پدیدآورنده آسمان و زمین بدون داشتن نمونه و الگویی از قبل

## بدیع السموت و الأرض

<بدیع> یعنی خالق و مبدع. معنی بدیع بودن خداوند آن است که او خالق و مخترع عالم است، بدون الگو گرفتن از نمونه ای. (لسان العرب).

## ویژگیهای خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۵ - ۹

۹- خداوند برای ایجاد چیزی ،

نیازمند به کارگیری اسباب و وسایط نیست .

إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُون

معنای نیازمند نبودن خداوند به اسباب و وسایط این نیست که خداوند اسباب را به کار نمی گیرد، بلکه بدان معنا است که اسباب در رتبه متأخر از اراده و فرمان او قرار دارند، بنابراین اراده او محدود به هیچ وسیله ای نیست و وسایل نیز با فرمان او و به شکلی که او بخواهد عمل می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۲ - ۲

۲ - خداوند در آفرینش پدیده ها ، از هرگونه ابزار و وسایل و کمک و هم فکری ، بی نیاز است .

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَن يَقُولَ لَهُ كُن فَيَكُون

قصر در <إِنَّمَا أَمْرُهُ ..> قصر اضافی است. این عبارت در مقابل عقیده منکران معاد ادا شده است زیرا آنان تجدید حیات انسان ها از استخوان های پوسیده و پراکنده را، امری غیر ممکن می دانستند چرا که بر این تصور بودند که جمع کردن استخوان های پوسیده و پراکنده و دمیدن حیات در آن، نیاز به ابزار، وسایل، کمک و هم فکری دیگران دارد و باید وقت و زمان بسیاری صرف شود و خداوند از انجام چنین کاری ناتوان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۸ - ۵

۵ - خداوند ، در آفرینش پدیده ها از هرگونه ابزار و وسایل و کمک و هم فکری ، بی نیاز است .

فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُون

قصر در <فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ ..> قصر اضافی است و در

مقابل عقیده منکران معاد ادا شده است؛ زیرا آنان تجدید حیات انسان ها را، امری غیر ممکن می دانستند. آنها بر این تصور بودند که جمع کردن اجزای پوسیده و پراکنده بدن بشر و دمیدن حیات به آن، امری است که نیاز به ابزار و کمک و هم فکری دیگران و صرف وقت دارد و خداوند از چنین کاری ناتوان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۰ - ۲

۲ - خلقت الهی ، خلقتی نیکو و بایسته و فاقد شرور و بدی ها است .

و من ءایته خلق السموت و الأرض . . . و ما أصبکم من مصیبه فبما کسبت أیدیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۰ - ۲

۲ - بی نیازی خداوند به زمان ، برای خلق اشیاء

و ما أمرنا إلاّ وحده کلمح بالبصر

عبارت <کلمح بالبصر> (مانند چشم به هم زدن) ظاهراً اشاره به سرعت تحقق <امر> دارد؛ یعنی، به گونه ای است که میان فرمان و تحقق شیء هیچ فاصله ای نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۴ - ۳

۳ - آفرینش الهی ، متکی به تقدیر و سنجشی حکیمانه و مبرّاً از هرگونه ضعف و کاستی

هو الله الخلق البارئ

برخی از مفسران، برآنند که در معنای <خالق> آفرینش همراه با تقدیر و حکمت نهفته است و <بارئ> می تواند دربردارنده معنای <پیراستن> باشد.

### خاله از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خاله

خوردن از خانه خاله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳،۱۰

- ۳

نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

۱۰ - استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم .

سهم ارث خاله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۲ - ۲۲

۲۲ تنها برادر و خواهر مادری میت ، وارث یک ششم یا شریک در یک سوم میراث می باشند .

و ان كان رجل يورث كلاله او امراه و له اخ او اخت فلکل واحد منهما السدس . .. فهم

امام صادق (ع) در مورد کلاله در آیه فوق فرمود: .. انما عنی بذلک الاخوه و الاخوات من الامّ خاصه.

---

کافی، ج ۷، ص ۱۰۱، ح ۳ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۵۵، ح ۱۲۰.

محدوده حجاب خاله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۹

۱۹ - زنان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش و مواضع آنها ( بدن ) بر پسران شوهر ، برادران ، پسران برادر و پسران خواهر خود هستند .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ.. وؤ أبناء بعولتهنّ أو أخونهنّ أو بنی إخوانهنّ أو

## خانوادگی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

### خانوادگی

#### آثار عواطف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۳ - ۳

۳ - عواطف خانوادگی و خویشاوندی ، از زمینه های انحراف و تمایل به دشمنان خداوند

تَسْرُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ .. لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامَكُمْ وَلَا أَوْلَادَكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۱

۱ یعقوب (ع) ، همواره به یاد فرزندش یوسف (ع) و دردمند فراق او بود .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

<تفتؤا> از افعال ناقصه و به تقدیر <لا> ی نافیه است. بنابراین <تفتؤا تذکر یوسف> یعنی ، پیوسته یوسف(ع) را یاد می کنی.

### اختلاف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۷ - ۴

۴ طلاق ، آخرین راه حل مشکل ناسازگاری میان زن و شوهر است .

لَّذِينَ يُؤْلُونَ .. و ان عزموا الطلاق فان الله سمیع علیم

تأخیر ذکری امر طلاق، می تواند اشاره باشد به این که باید از طلاق، برای حل مشکل در آخرین مرحله استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۸ - ۲۳

۲۳ عدم مراعات حقوق متقابل زن و شوهر ، از عوامل طلاق

و المطلقات یتربصن بانفسهن ثلثه قروء .. و لهنّ مثل الذی علیهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۳۱

۳۱ - جدایی انداختن بین زن و شوهر ، امری نکوهیده و حرام است .

ما یفرقون به بین المرء و زوجته و



ما هم بضارين .. إلا يا ذن الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۱،۹

۱ لزوم پیشگیری از به هم خوردن سلامت خانواده ، در صورت ناسازگاری شوهر وظیفه ای بر عهده زنان

و إن امراه خافت من بعلها .. فلا جناح علیهما ان یصلحا بینهما صلحاً

کلمه <خافت>، بیانگر ترس از وقوع است، نه خود وقوع.

۹ لزوم پرهیز از اشاعه اختلافات همسران به بیرون از محیط خانه \*

فلا جناح علیهما ان یصلحا بینهما صلحاً

از این که فعل <یصلحا> به خود زن و شوهر نسبت داده شده است و همچنین از تعبیر <بینهما> استفاده می شود که حل و فصل مسایل خانوادگی میان خود همسران، بهتر است از مطرح ساختن نزد دیگران.

ارزش عواطف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۳۲

۳۲- روابط و عواطف خانوادگی ، امری اصیل و ارزشمند و مورد توجه دین

و أصلح لی فی ذرّیتی

تعبیر <أصلح لی..> گرچه در متن آیه به صورت گزارش از دعاهاى انسان کامل نقل شده است، اما در حقیقت دستوری است که خداوند، با بیانی ویژه انسان را به سوی آنها رهنمون ساخته است و این نشان می دهد که دعا برای والدین و فرزندان و نسل و دلسوزی برای آنها، امری اصیل و پذیرفته شده در بینش الهی است.

اهمیت تفاهم خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۲۱

۲۱ - محیط خانواده ، نیازمند تفاهم عقیدتی و سلامت دینی \*

و لاجنّاح علیکم أن تنکوهنّ .

.. و لا تمسکوا بعصم الکوافر

حکم <لا تمسکوا..> می تواند از آن جهت باشد که وجود همسر کافر در زندگی مؤمن، محیط خانواده را ناسالم و ناامن می سازد.

اهمیت حل اختلاف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۶ - ۱۶

۱۶ - سیاست اسلام در اختلاف و نزاع میان همسران، کوتاه کردن مدت آن و یا رفع کامل آن است .

فإن أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَاتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَ أْتَمَرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَ إِن تَعَاوَرْتُمْ فَسْتَرْضِعْ لَهُ أُخٌ

برداشت یاد شده، از آن جا است که خداوند پس از توصیه به خوش رفتاری با زنان مطلقه و پرداختن اجرت شیردادن نوزادان به آنان فرمان داد که در صورت بالا گرفتن اختلاف میان همسران، آنان به مشورت و هم فکری پردازند و در صورت عدم توافق، بدون فوت وقت از دایگان مدد گیرند.

اهمیت رفع مشکلات خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۰ - ۵

۵- سیاست اسلام بر تحکیم پیوند خویشاوندی و رفع مشکلات موجود میان خویشاوندان است .

إن الله يأمر... و إیتای ذی القربی

اهمیت روابط خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۹ - ۱۷، ۱۴

۱۴ اساس زندگی خانوادگی و مصالح آن، نباید دستخوش تمایلات مرد قرار گیرد .

فان کرهتموهنّ فعسی ان تکرهوا شیئاً و يجعل الله فیہ خیراً کثیراً

۱۷ احتمال وجود خیر فراوان ، در تداوم زندگی با زنانی که ناخوشایند انسان هستند .

فان کرهٔ موهنّ فعسی ان تکرهوا شیئاً و يجعل الله فيه خيراً كثيراً

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۱ - ۳

۳ توجه به پیوند زناشویی و اتحاد و یگانگی حاصل از آن ، مانعی برای اجحاف به همسر و بازپس گیری مهریه

و کیف تأخذونه و قد افضی بعضکم الی بعض

<افضی> از مصدر <افضاء> به معنای اتصال است و در آیه می تواند کنایه از اتحاد و یگانگی زوجین باشد، نه کنایه از خصوص آمیزش؛ و گر نه می فرمود: <و قد افضیتم الیهن>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۲۰، ۱۹، ۱۰، ۵

۵ جواز صرفنظر کردن زن از بعض حقوق خود ، برای جلب نظر شوهر و جلوگیری از نشوز وی

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً .. ان یصلحا بینهما صلحاً و الصلح خیر

جمله <و احضرت الانفس الشح> حکایت از آن دارد که مصالحه عنوان شده در آیه، منوط به گذشت از حقوق شخصی است.

۱۰ گذشت از حقوق شخصی برای استمرار و استحکام روابط همسری ، بهتر از پافشاری بر استیفای آن حقوق

و الصلح خیر و احضرت الانفس الشح

۱۹ مصالحه زن و شوهر در حقوق همسری در صورتی ارزشمند است که بر پایه احسان و تقوا باشد .

و الصلح خیر .. و إن تحسنوا و تتقوا فإن الله کان بما تعملون خبیراً

۲۰ جواز گذشت زن از برخی حقوق خویش ، به انگیزه جلوگیری از ناسازگاری شوهر و رخ ندادن طلاق

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً او اعراضاً

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق فرمود: هذا تكون عنده المراه لانعجه فیرید طلاقها

فتقول له: امسكنى و لاتطلقنى و ادع لك ما على ظهرك و اعطيك من مالى و احللك من يومى و لىلتى فقد طاب ذلك له كله

---

کافی، ج ۶، ص ۱۴۵، ح ۳ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۸، ح ۶۰۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۵ - ۸

۸ - حفظ روابط خانوادگی و خویشاوندی، امری بس مهم و شایان توجه است.

و وصینا الإنسن بولدیه .. أن اشکرلی و لولدیک... إن جهداک علی أن تشرک بی ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۱۱

۱۱ - نقش سازنده ایمان به خدا و روز قیامت، در ایجاد رابطه صحیح و شایسته میان همسران و رعایت شدن حقوق متقابل بین آنان

إذا طَلَّقتِ النساءَ .. ذلكم یوعظ به من كان یؤمن بالله و الیوم الآخر

یادآوری ایمان به خدا و روز قیامت به دنبال موعظه های الهی در مسائل مربوط به همسران می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۵ - ۱۱، ۱۲

۱۱ - نقش سازنده تقوای پیشگی، در حفظ کانون گرم خانواده ها و رعایت شدن حقوق همسران

إذا طَلَّقتِ النساءَ .. و اتَّقوا الله ... من یتق ... یعظم له أجرًا

برداشت یاد شده، از آن جا است که خداوند در ضمن پنج آیه مربوط به مسائل طلاق و اختلافات خانوادگی، چهاربار، به رعایت تقوا توصیه فرموده است.

۱۲- اهمیت مسائل خانوادگی ( ازدواج ، طلاق ، حقوق همسران و ..

۱۰. در میان موضوعات اسلامی و آموزه های قرآنی

إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ .. اتَّقُوا اللَّهَ ... مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ ... يَعِظْكُمْ لَهُ أَجْرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۶ - ۱۶

۱۶ - سیاست اسلام در اختلاف و نزاع میان همسران ، کوتاه کردن مدت آن و یا رفع کامل آن است .

فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَارْحَمْنَ وَأُجْرُهُنَّ بِأُجْرِهِمْ وَأَنْ يَرْضَعْنَ لَكُمْ فَارْحَمْنَ وَأُجْرُهُنَّ بِأُجْرِهِمْ وَأَنْ يَرْضَعْنَ لَكُمْ فَارْحَمْنَ وَأُجْرُهُنَّ بِأُجْرِهِمْ

برداشت یاد شده، از آن جا است که خداوند پس از توصیه به خوش رفتاری با زنان مطلقه و پرداختن اجرت شیردادن نوزادان به آنان فرمان داد که در صورت بالا گرفتن اختلاف میان همسران، آنان به مشورت و هم فکری پردازند و در صورت عدم توافق، بدون فوت وقت از دایگان مدد گیرند.

اهمیت عواطف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۱۷، ۱۴

۱۴ - ضرورت معاشرت نزدیک و تنگاتنگ فرزندان نابالغ با پدر و مادر خود و مشقت اجازه خواستن ، فلسفه و دلیل عدم لزوم اذن خواستن از والدین ، برای رفت و آمد نزدیک با آنان در غیر از سه وقت مقرر است .

لِيَسْتَأْذِنَكُمْ .. ثَلَاثَ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوْفُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ

جمله <طَوْفُونَ عَلَيْكُمْ..> جمله ای است تعلیلیه که بیانگر علت و فلسفه جواز رفت و آمد نزدیک فرزندان با پدر و مادرشان در اتاق ها و محل استراحت آنان است ، یعنی، چون فرزندان باید با پدر و مادرشان رفت و آمد نزدیک داشته باشند و اجازه



خواستن برای این کار، برای فرزندان مشقت بار است، پس اذن طلبیدن لازم نیست.

۱۷ - اهتمام اسلام به رفت و آمد و معاشرت نزدیک و تنگاتنگ پدران و مادران با فرزندان نابالغ و ممیز خویش در محیط خانه

طوفون علیکم بعضکم علی بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۵

۵- اسلام ، احیاکننده ارزش ها و عواطف انسانی و استحکام بخش بنیاد های خانواده و جامعه بشری

و وصینا الإنسن بولدیه إحسنًا

سفارش خداوند نسبت به ارج و مقام والدین، بیانگر این حقیقت است که اسلام دینی محدود به ابعاد عبادی و فردی نیست؛ بلکه به تمامی ابعاد حیات انسان توجه دارد؛ از جمله تقویت عواطف انسانی که نهایتاً به تحکیم بنیاد خانواده و جامعه منتهی می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۳ - ۵

۵ - ارزش های دینی ، مقدّم بر روابط خویشاوندی و عواطف خانوادگی

لا تتخذوا عدوی .. لن تنفعکم أرحامکم و لا أولدکم یوم القیمه

بی تأثیری روابط خانوادگی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۵ - ۲

۲ - قیامت ، روز بی اثر بودن عواطف و روابط و جاذبه نداشتن پدر و مادر در چشم فرزندان

و أمّه و أبیه

تداوم روابط خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۴ - ۱

۱ - اهل دوزخ در دنیا، می پنداشتند زندگی شاداب آنان دگرگون نشده و الفت های خانوادگی شان هرگز از هم نخواهد گسست .

إِنَّهٗ ظَنّٰ

آن لن یحور

<حور>، رجوع از چیزی و به چیزی می باشد. اصل معنای آن بازگشت به کم بود است و با ضمه <حاء> به معنای هلاکت خواهد بود (لسان العرب). فعل <یحور> از هر کدام مشتق باشد، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

حل اختلاف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۴۸، ۱۵

۴ تردید مسلمانان صدر اسلام در جواز مصالحه زن و شوهر نسبت به حقوق یکدیگر

و إن امراه خافت .. فلا جناح علیهما ان یصلحا

کلمه <لا جناح> حاکی است که مسلمانان صدر اسلام بر آن گمان بودند که حقوق تعیین شده برای زن و شوهر، قابل مصالحه و گذشت نیست.

۸ حسن حل و فصل مسایل خانوادگی ، توسط خود زن و شوهر

فلا جناح علیهما ان یصلحا بینهما صلحاً و الصلح خیر

در آیه فوق، صلح به خود خانواده واگذار شده و نه به افراد خارج آن. کلمه <بینهما>، بیانگر این مسأله است.

۱۵ انتخاب صلح در مسائل و اختلافات خانوادگی ، از مصادیق احسان و تقواست . \*

و الصلح خیر .. و إن تحسنوا و تقوا

سفارش به تقوا و احسان، پس از ارزشمند شمردن صلح و مسالمت، می رساند که صلح در مسایل همسری، نمودی از احسان و تقواست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۰ - ۱

۱ طلاق ، آخرین راه برای شکستن بن بست اختلافات مسالمت ناپذیر خانوادگی

و إن یتفرقا یغن الله

پس از به نتیجه نرسیدن راه حل‌های قبلی که در آیات قبل اشاره شد، طلاق به عنوان راه پایان اختلافات پیشنهاد شده

است.

رعایت حقوق خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۱۱

۱۱ - نقش سازنده ایمان به خدا و روز قیامت ، در ایجاد رابطه صحیح و شایسته میان همسران و رعایت شدن حقوق متقابل بین آنان

إذا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ .. ذَلِكُمْ يُوعِظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

یادآوری ایمان به خدا و روز قیامت به دنبال موعظه های الهی در مسائل مربوط به همسران می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

روابط خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۱۹

۱۹ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، می توانند با دیگر اعضای خانواده خود و نیز با خویشاوندان و دوستان خویش باهم ( بر سر یک سفره ) و یا جداگانه ، غذا میل کنند .

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ .. وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ ... أ

روابط خانوادگی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۳ - ۵

۵ - خوش بختی های دنیایی و دل خوشی به پیوند های خانوادگی ، در قیامت کارساز نبوده و انسان را از آتش دوزخ رهایی نمی بخشد .

و يَصْلَى سَعِيرًا . إِنَّه كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۴ - ۱

۱ - اهل دوزخ در دنیا، می پنداشتند زندگی شاداب آنان دگرگون نشده و الفت های خانوادگی شان هرگز از هم نخواهد گسست .

إِنَّه ظَنَّ أَنْ

<حور>، رجوع از چیزی و به چیزی می باشد. اصل معنای آن بازگشت به کم بود است و با ضمه <حاء> به معنای هلاکت خواهد بود (لسان العرب). فعل <یحور> از هر کدام مشتق باشد، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

زمینه حل اختلاف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۲۰، ۷

۷ - نقش سازنده خداترسی و تقوایبشگی ، در تضمین حقوق همسران و رفع اختلاف های آنان

إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ . . . وَ اتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ

مطلب یاد شده، از توصیه خداوند به تقوایبشگی در بیان اولین حکم مربوط به طلاق استفاده می شود.

۲۰ - بشارت و امید دادن خداوند به همسران مؤمن ، مبنی بر پایان یافتن مناقشات آنان و پدید آمدن زمینه های رجوع و بازگشت آنها به زندگی مشترک خویش در ایام عدّه

فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ . . . لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا

برداشت یاد شده، از آن جا است که ذیل آیه شریفه، درصدد دلداری به همسران و ایجاد امید در جان و روح آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۱۳

۱۳ - خداترسی و تقوایبشگی مردان و زنان مطلقه ، موجب رهایی آنان از مشکلات در روابط زناشویی و خروج از تنگنا های زندگی

إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ . . . وَ مِنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۴ - ۱۰

۱۰ - خداترسی و تقوایبشگی از مردان و زنان مطلقه ، موجب رهایی آنان از مشکلات زناشویی و آسان شدن

زندگی برای آنها

و الّٰی یُسنن من المَحِیض . . . و من یَتَّقِ اللّٰهَ یَجْعَلْ لَهٗ مِنْ أَمْرِهِ یَسْرًا

زندگی خانوادگی زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵ - ۷

۷- زکریا (ع) ، به رغم ناامیدی از داشتن فرزند از همسر نازایش ، سالیانی دراز به زندگی مشترک خود با وی ادامه داد .

و کانت امرأتی عاقراً

ساختار خانوادگی شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۲

۲- وجود رابطه صمیمی و فضای آزاد برای گفت وگو میان شعیب (ع) و دختران وی

قالت إحدیهما یأبت استئجره . . . القویّ الأمين

از این که دختر شعیب پیشنهاد خودش را بدون هیچ تکلفی با پدر در میان گذاشت و آزادانه به ستایش موسی(ع) پرداخت  
مطلب بالا استفاده می شود.

علائق خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۱۸

۱۸ مال پرستی و وابستگی های خانوادگی از جمله عوامل لغزش و خیانت در شهادت

لانشری به ثمناً و لو کان ذا قربی

علائق خانوادگی خوله بنت ثعلبه



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱ - ۲

۲ - زن ظهار شده ، مایل نبود از شوهرش جدا شده و کانون خانواده اش متلاشی گردد .

قد سمع الله قول التي تجدلک فی زوجها

علايق خانوادگی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۶

۶ - ادعای سرگرمی به مال

و خانواده ، بهانه تخلف اعراب از همراهی با پیامبر ( ص )

سيقول لك المخلفون من الأعراب شغلتنا أمولنا و أهلونا

عواطف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۱ - ۹

۹ - وجود عواطف دوستانه میان اعضای خانواده و نیز مهرورزی آنها به هم از آیات الهی است .

و جعل بینکم مودّه و رحمه

احتمال دارد عبارت <و جعل بینکم..> ادامه عبارت پیشین و ناظر به شفقت و مهر و ترحمی باشد که از ناحیه والدین به فرزندان، و بر عکس اعمال می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۱۵

۱۵ علاقه به فرزندان ، خصلتی نیکو و اظهار آن امری پسندیده است .

یأبت .. قال بینئ لا تقصص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۲

۲ یعقوب ( ع ) همه فرزندان خویش را گرامی می داشت و به همه آنان محبت می کرد .

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أینا منّا

افعل تفضیل (أحبّ) گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۸

۸- توجه انسان به ضعف ها و نیاز های دوران کودکی و خدمات و زحمات پدر و مادر ، برانگیزنده عواطف وی نسبت به آنان است .

و قل ربّ ارحمهما کما ربّیانی صغیرًا

عوامل اختلاف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۲۴

۲۴ - مردم بابل از هاروت و ماروت سحری را

آموختند که بتوانند با آن بین زن و شوهرش جدایی افکنند .

فیتعلمون منهما ما يفرقون به بين المرء و زوجته

عوامل مؤثر در زندگی خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۵ - ۱۰

۱۰ - نقش مثبت و سازنده اسلام ، ایمان ، فرمانبری ، توبه و روزه داری در زندگی مشترک میان زنان و مردان

أن يبدله أزوجًا خیرًا منکنّ مسلمت .. سئحت

یادآوری اوصاف یاد شده برای زنان شایسته، در خلال نقل ماجرای نزاع میان پیامبر(ص) و همسرانش، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

کتمان رازهای خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۳ - ۱۵

۱۵ - لزوم حفظ و نگهداری اسرار خانوادگی و زناشویی از دیگران ، حتی از برخی از اعضای خانواده

و إذ أسرّ النبیّ إلی بعض أزوجه حدیثًا .. تبأنی العلیم الخیر

ملاک روابط خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۸

۸- توحید و پرهیز از شرک ، باید حاکم بر مجموعه روابط فردی ، خانوادگی و اجتماعی باشد .

و لاتجعل مع الله إلهًا اخر

ذکر مجموعه تعالیم فردی، خانوادگی و اجتماعی در بین دو نهی از شرک، (آیه ۲۲ و این آیه) می تواند مشعر به حقیقت یاد شده باشد.

موقعیت خانوادگی همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۰ - ۸

۸- همسر ، جزو آل و خاندان مرد است .

ءال لوط . . . إلا امرأته

ناپایداری روابط خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۵ - ۵

۵ - خداوند، آگاه به وجود نشیب و فراز در مراحل حیات دنیوی و اخروی انسان و ناپایدار ماندن محفل های خانوادگی و خوش گذرانی های دنیامداران

بلی إن ربّه کان به بصیرًا

هر چند ضمیر در <ربّه> و <به>، به منکر معاد برمی گردد؛ ولی محتوای آیه شریفه، به جنبه انسان بودن آنان مربوط است.

نقش اصالت خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۷

۷- اصالت خانوادگی و نسبی، در سعادت و کمال فرزندان نقش مؤثری دارد.

من ذرّیه اءادم .. من ذرّیه ابرهیم و اءسرءیل

مطرح شدن پیامبران الهی در طول یک سلسله و ذرّیه های مشخص نشان از نقش نسب و خانواده در کمال فرزندان دارد.

همکاری خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۸

۸- نقش مهم تعاون خویشاوندی در زندگی انسان

و جعل لكم .. حفده

برداشت فوق از آن جاست که خداوند ضمن برشمردن چند نعمت مهم، پس از موضوع همسررداری و فرزند، به مسأله تعاون خویشاوندی اشاره فرموده است که از معنای لغوی <حفده> استفاده می شود.

**خانواده از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما**

خانواده

{خانواده}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۹ - ۱۵

۱۵ ترس از عدم رعایت حدود الهی در خانواده ، مجوّز توافق زن و شوهر بر طلاق ، با بخشیدن مالی از سوی زن

فان خفتم الا یقیما حدود اللّٰه فلا جناح علیهما فیما افتدت به

آثار اذیت خانواده شوهر

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۲۷

۲۷ - > عن الرضا (ع) في قول الله عزوجل : > لا تخرجوهن من بيوتهن ولا يخرجن إلا أن يأتين بفاحشه مبينه > قال : أذاها لأهل الرجل و سوء خلقها ;

از امام رضا(ع) درباره سخن خداوند عزوجل > لا تخرجوهن من بيوتهن ولا يخرجن إلا أن يأتين بفاحشه مبينه > روایت شده که فرمود: [مراد از فاحشه مبينه] آزار دادن زن به خانواده شوهر و بد خلقی او است <.

آثار انحطاط خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۵ - ۵

۵ - کسانی که سرمایه عمر خویش و بهره های بایسته از خانواده خود را از دست بدهند ، در قیامت از زیانکاران واقعی محسوب خواهند شد .

إن الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه

آثار پاکی خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۶

۶ - گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا آل لوط من قریتکم إنهم أناس یتطهرون

عبارت > إنهم أناس < تعلیل برای حکم اخراج است.

آثار تباهی خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۶ - ۴



۴ - خسارت و از دست دادن سرمایه عمر و خانواده ، موجب آتش شدید و فراگیر دوزخ

الذین خسروا .. لهم من فوقهم ظلل من النار و من تحتهم ظلل

آثار تبعیض در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ همه فرزندان یعقوب محبت افزون تر او به یوسف (ع) و بنیامین را احساس می کردند و بر آن رشک می بردند .

إذ قالوا لِيُوسُفَ وَأَخُوهُ أَحِبُّ إِلَيْنَا مَنَا

ضمیر در <قالوا> به <إخوته> در آیه قبل برمی گردد ؛ یعنی ، همه آنان چنین گفتند و بر این نظر اتفاق داشتند.

۷ محبت و علاقه افزون تر یعقوب (ع) به دو فرزندش یوسف (ع) و بنیامین ، برانگیزنده حسادت دیگر فرزندان وی نه اطلاعشان از رؤیای یوسف (ع)

إذ قالوا لِيُوسُفَ وَأَخُوهُ أَحِبُّ إِلَيْنَا مَنَا

چنان چه یوسف (ع) رؤیای خویش را برای برادرانش نقل کرده بود و آن باعث حسادت و توطئه علیه او شده بود ، سخن از بنیامین به میان نمی آوردند و تنها به ذکر یوسف (ع) اکتفا می کردند.

آثار عفت خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۶

۶ - گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا آل لوط من قريتكم إنهم أناس يتطهرون

عبارت <إنهم أناس> تعلیل برای حکم اخراج است.

آثار علاقه به خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱۶

۱۶ - دلبستگی به مال و خانواده ، بازدارنده انسان از راه خدا و تکالیف دین

سيقول لك المخلفون من الأعراب شغلتنا أموالنا و أهلونا .. يقولون بألسنتهم

برداشت بالا بر این اساس است که اعراب در بیان <شغلتنا أموالنا

و اهلونا > صادق به شمار آیند؛ ولی در گفتن <فاستغفرلنا> که حاکی از ندامت درونی آنان است کاذب باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۴ - ۴

۴ - جاودانه پنداشتن دنیا و بعید شمردن معاد ، ریشه دل خوشی های نابجا و دلبستگی به خانواده و خاندان است .

إِنَّهٗ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا . إِنَّهٗ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ

حرف <إِنَّ> در <إِنَّهٗ ظَنَّ> ، برای بیان علت سُروری است که در <كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا> بیان شده است.

آثار عواطف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۳ - ۳

۳ - عواطف خانوادگی و خویشاوندی ، از زمینه های انحراف و تمایل به دشمنان خداوند

تَسْرُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ .. لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامِكُمْ وَلَا أَوْلَادِكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۱

۱ یعقوب (ع) ، همواره به یاد فرزندش یوسف (ع) و دردمند فراق او بود .

قَالُوا تَاللَّهِ تَفْتَأُ تَذْكُرَ يَوْسُفَ

<تَفْتَأُ> از افعال ناقصه و به تقدیر <لَا> ی نافی است. بنابراین <تَفْتَأُ تَذْكُرَ يَوْسُفَ> یعنی ، پیوسته یوسف(ع) را یاد می کنی.

آرامش در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۶

۶ اهمیت حفظ آرامش و امنیت در خانواده و تقدم آن بر حقوق شخصی زن و شوهر

و إن امراه خافت .. ان يصلحا بينهما صلحاً و الصلح خير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - آرامش خانواده و پایداری آن در پرتو مودت و مهربانی است .

لتسكنوا إلیها و جعل بینكم مودّه و رحمه

آزادی در خانواده شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۲

۲ - وجود رابطه صمیمی و فضای آزاد برای گفت و گو میان شعیب (ع) و دختران وی

قالت إحدىهما یأبت استئجره .. القویّ الأمين

از این که دختر شعیب پیشنهاد خودش را بدون هیچ تکلفی با پدر در میان گذاشت و آزادانه به ستایش موسی (ع) پرداخت  
مطلب بالا استفاده می شود.

آشتی در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۹ - ۱۲

۱۲ برقرار کردن توافق در خانواده ، مصداق تقواست . \*

و إن تصلحوا و تتقوا فإنّ الله کان غفوراً رحیماً

بنابر اینکه <و تتقوا>، عطف تفسیری باشد بر <تصلحوا>.

احسان در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۱۸

۱۸ رعایت کنندگان تقوا و احسان در محیط خانواده ، از پاداش الهی برخوردار خواهند شد .

و إن تحسنوا و تتقوا فإن الله كان بما تعملون خبيراً

جمله <فان الله ..> در مقام تشویق به احسان و تقواست. و چون علم خدا به احسان و تقوا، معمولاً تأثیری برای انجام آن ندارد؛ بنابراین باید کنایه از پاداش دهی الهی باشد.

احکام خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۲۱، ۲۰، ۱۲

۱۲ ضرورت توجه به قوانین تکوین و تشریح

در جعل مقررات حاکم بر خانواده

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ... و بما انفقوا

چون خداوند در توجیه جعل مدیریت برای مردان به دو جهت تصریح فرمود: یکی برتری مردان بر زنان، که یک مسأله تکوینی است و دیگری عهده دار بودن نفقه، که یک حکم تشریحی است.

۲۰ خداوند ، حافظ حقوق زنان ، با جعل قوانین خانواده

بما حفظ الله

مراد از <ما>، حقوق زنان است که خداوند با جعل قوانین، مانند الزام به تأمین زندگی و .. آن را حفظ کرده است.

۲۱ مسؤلیت زن در حفظ حقوق شوهر و اطاعت از او ، در چهارچوب قوانین الهی است . \*

قانتات حافظات للغیب بما حفظ الله

بر این مبنا که مراد از <ما حفظ الله> قوانین الهی و <باء> در <بما حفظ الله> برای مصاحبت باشد، معنای آیه چنین می شود: زنان باید با رعایت قوانین الهی، از شوهران خویش اطاعت و حقوق آنان را حفظ کنند.

۲۴ پرهیز شوهر از همخوابگی با همسر ، اقدامی برای جلوگیری از نشوز وی

و التي تخافون نشوزهنّ... و اهجرهنّ فی المضاجع

در برداشت فوق <فی المضاجع> متعلق به <اهجرهنّ> گرفته شده است.

۲۵ همخوابگی ، از حقوق زنان بر همسران خویش

و اهجرهنّ فی المضاجع

گویا لزوم همخوابگی با همسران را بر عهده شوهران فرض کرده است و در حال نشوز، ترک آن را مجاز شمرده است. جمله <فلا تبغوا...>، پس از فرض اطاعت زنان، لزوم همخوابگی را تأیید می کند.

۲۶ زدن ، آخرین اقدام برای جلوگیری از نشوز زن

و التي تخافون نشوزهنّ... و اضربوهنّ

۲۷ بروز علائم نشوز زن ،

مجوز تدابیر لازم ( ترک همخوابگی ، زدن و ... ) برای جلوگیری از آن

و الّتی تخافون نشوزهنّ . . . و اضربوهنّ

چون موضوع حکم را خوفِ نشوز (تخافون) قرار داده است و نه تحقق نشوز. و خوف نشوز، همان بروز علائم آن است.

۲۸ ضرورت به کارگیری روش ها و تدبیر های لازم برای پیشگیری از مفاسد و گناه ، قبل از تحقق آن

و الّتی تخافون نشوزهنّ

اگر چه آیه در مورد نشوز زنان است، ولی می توان از آن استنباط کرد که اهل ایمان باید قبل از وقوع مفاسد، چاره اندیشی کنند.

۲۹ لزوم به کارگیری تدابیر لازم برای جلوگیری از رسیدن زن به مرحله نشوز

و الّتی تخافون نشوزهنّ . . . و اضربوهنّ

به نظر می رسد راههای پیشنهاد شده خصوصیتی نداشته باشد ؛ بلکه مراد، بازداشتن زن از ناشزه شدن است ؛ هر چند منجر به ترک برخی از حقوق وی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۵ - ۱۷، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۲

۲ لزوم تلاش برای حفظ خانواده و سالم سازی محیط آن و پیشگیری از بروز ناسازگاری زن و شوهر

و ان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

۴ لزوم گزینش و فرستادن دو داور از خانواده زن و شوهر برای حلّ اختلاف بین آن دو

و ان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

۵ مسؤولیت بیشتر خویشاوندان زن و شوهر ، در نظارت بر سلامت خانواده و حلّ اختلاف های آنان

فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

۶ ضرورت اطاعت زن و شوهر از نظر



و پیشنهاد داوران تحکیم در اختلافات میان آنان

و ان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

اگر تبعیت از داوران لازم نبود، موقوف کردن حل اختلاف به آنان لغو بود. علاوه بر اینکه انتخاب کلمه <حکَم> به معنای حاکم، بیانگر لزوم تبعیت است.

۷ داوران تحکیم، دارای اختیار در حکم به سازش یا جدایی بین زن و مرد و یا تعیین شروط بر هر یک از آن دو

و ان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

کلمه <حکَم> بیانگر این است که داور می تواند بر اساس آنچه به مصلحت زن و شوهر است، حکم کند.

۸ قصد قاضیان تحکیم بر اصلاح بین زن و شوهر، موجب سازگار شدن آنان

ان یریدا اصلاحاً یوفّق الله بینهما

بنابر اینکه مراد از فاعل در <یریدا> حکمین باشد و ضمیر در <بینهما> به زن و شوهر برگردد.

۹ نقش اصلاح طلبی قاضیان تحکیم در اراده الهی به ایجاد سازش بین زن و شوهر

ان یریدا اصلاحاً یوفّق الله بینهما

۱۷ قوانین الهی در مورد خانواده و روابط زن و شوهر، برخاسته از علم کامل و آگاهی دقیق خداوند

الرجال قوامون... و ان خفتم... ان الله کان علیماً خبیراً

احیای خانواده ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۴ - ۲۰

۲۰- > عن أبی عبد الله (ع) : ردّ الله سبحانه علیه [ ایوب (ع) ] أهله الذین هلکوا بأعیانهم و أعطاه مثلهم معهم و کذلک ردّ الله علیه أمواله و مواشیه بأعیانها و أعطاه مثلها معها ;

از امام صادق(ع)

روایت شده که: خداوند سبحان خانواده ایوب(ع) را که هلاک شده بودند، به او برگرداند و مانند آنان را نیز به وی عطا کرد. و هم چنین خداوند، عین اموال و چهارپایان او را به او برگرداند و مانند آنها را نیز به همان مقدار به او عطا کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۳ - ۱

۱ - خداوند ، خانواده از دست رفته ایوب را زنده کرد و به او بازگرداند .

و وهبنا له أهله

در این که مقصود از <و وهبنا له أهله> چیست؛ میان مفسران دو دیدگاه وجود دارد: ۱ برخی بر آنند که خانواده ایوب، مرده بودند و خداوند آنان را زنده کرد و به او بازگردانید. ۲ برخی دیگر بر آنند که خانواده ایوب(ع) زنده بودند؛ ولی از اطراف او که به امراض و بلیه های گوناگون مبتلا بود پراکنده شده بودند. اما خداوند با شفا دادن ایوب(ع) و رفع گرفتاری از آن حضرت، آنان را به او بازگردانید. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه اول است.

اختلاف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۳۱

۳۱ - جدایی انداختن بین زن و شوهر ، امری نکوهیده و حرام است .

ما یفرقون به بین المرء و زوجته و ما هم بضارین . . . إلا بإذن الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۱،۹

۱ لزوم پیشگیری از به هم خوردن سلامت خانواده ، در صورت ناسازگاری شوهر وظیفه ای بر عهده زنان

و إن

امراه خافت من بعلمها .. فلا جناح عليهما ان يصلحا بينهما صلحاً

کلمه <خافت>، بیانگر ترس از وقوع است، نه خود وقوع.

۹ لزوم پرهیز از اشاعه اختلافات همسران به بیرون از محیط خانه \*

فلا جناح عليهما ان يصلحا بينهما صلحاً

از این که فعل <یصلحا> به خود زن و شوهر نسبت داده شده است و همچنین از تعبیر <بینهما> استفاده می شود که حل و فصل مسایل خانوادگی میان خود همسران، بهتر است از مطرح ساختن نزد دیگران.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۷ - ۴

۴ طلاق، آخرین راه حل مشکل ناسازگاری میان زن و شوهر است .

لذین یؤلون .. و ان عزموا الطلاق فان الله سمیع علیم

تأخیر ذکری امر طلاق، می تواند اشاره باشد به این که باید از طلاق، برای حل مشکل در آخرین مرحله استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۸ - ۲۳

۲۳ عدم مراعات حقوق متقابل زن و شوهر، از عوامل طلاق

و المطلقات یتربصن بانفسهن ثلثه قروء .. و لهنّ مثل الذی علیهنّ

اختلاف در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۵ - ۸،۹

۸ قصد قاضیان تحکیم بر اصلاح بین زن و شوهر، موجب سازگار شدن آنان

ان یریدا اصلاحاً یوفّق الله بینهما

بنابر اینکه مراد از فاعل در <یریدا> حکمین باشد و ضمیر در <بینهما> به زن و شوهر برگردد.

۹ نقش اصلاح طلبی قاضیان تحکیم در اراده الهی به ایجاد سازش بین زن و شوهر

ان یریدا اصلاحاً

يُوفِّقُ اللَّهُ بَيْنَهُمَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۶ - ۳

۳ تحقق احکام و مقررات الهی در خانواده و پرهیز زن و شوهر از ناسازگاری، زمینه ساز عبادت خداوند \*

الرجال قوامون... و ان خفتنم... و اعبدوا الله

امر به عبادت و پرستش خداوند پس از بیان احکام خانواده، اشاره به این دارد که عبادت خالصانه خداوند در پرتو تنظیم صحیح روابط خانوادگی امکان پذیر است.

اخلاص خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۶

۶ - نوح (ع) و خاندانش، از بندگان مخلص و برگزیده خدا بودند.

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمَخْلُصِينَ . و لقد نادينا نوح... و نجينه و أهله من الكرب العظيم

ذکر داستان نوح(ع) و خاندانش پس از یاد کردن از بندگان خالص خدا در طول تاریخ، می تواند به منظور بیان الگو و نمونه ای از آن بندگان مخلص باشد.

ارزش خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۹ - ۱۷،۲۵

۱۷ ارزش حفظ خانواده، تا آنجاست که حدود الهی به واسطه آن به مخاطره نیفتد.

إِلَّا أَنْ يَخَافَ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ

۲۵ اهمیت کانون خانواده و حفظ آن

المطلقات يتربصن بانفسهن... الطلاق مرتان... فاولئك هم الظالمون

ارزش عواطف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۳۲

۳۲- روابط و عواطف خانوادگی ، امری اصیل و ارزشمند و مورد توجه دین

و أصلح لی فی ذرّیتی

تعبیر >أصلح

لی... گرچه در متن آیه به صورت گزارش از دعاهای انسان کامل نقل شده است، اما در حقیقت دستوری است که خداوند، با بیانی ویژه انسان را به سوی آنها رهنمون ساخته است و این نشان می دهد که دعا برای والدین و فرزندان و نسل و دلسوزی برای آنها، امری اصیل و پذیرفته شده در بینش الهی است.

ازدیاد خانواده ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۳ - ۳،۶

۳ - خداوند ، بر تعداد خانواده ایوب (ع) پس از شفا و بهبود یافتنش دو چندان افزود .

و وهبنا له أهله و مثلهم معهم

۶ - بازگشت و ازدیاد خانواده ایوب (ع) ، تبلور رحمت خدا به ایشان

و وهبنا له أهله .. رحمه منّا

استغفار برای خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۱۲

۱۲ - دعا و آمرزش خواهی برای پدر و مادر ، اعضای خانواده و عموم مردان و زنان مؤمن ، عملی پسندیده و شایسته

ربّ اغفر لی و لولدئی . و للمؤمنین و المؤمنات

استغفار برای خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۴

۴ - آمرزش خواهی نوح (ع) ، از درگاه الهی برای اعضای مؤمن خاندان خویش

ربّ اغفر لی .. و لمن دخل بیتی مؤمناً

اصلاح خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۲ - ۲۰

۲۰ قوانین الهی ، برای اصلاح و پاکسازی خانواده و



فلا تعضلوهنَّ ان ينكحن . . . ذلکم ازکی لکم و اطهر و اللّٰه يعلم و انتم لا تعلمون

اصلاح در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۸ - ۲۱، ۱۱، ۱۰

۱۰ حق رجوع شوهر به همسر مطلقه خویش ، مشروط به قصد اصلاح در زندگی خانوادگی است .

و بعولتهن احق بردهن فی ذلک ان ارادوا اصلاحاً

یعنی اگر شوهر مثلاً- در رجوع خویش قصد دارد که زن هنگامی که از عده خارج نشده است به وی رجوع کند و پس از رجوع، دوباره او را طلاق دهد تا بدین وسیله به او آزار رساند، رجوع با چنین قصدی به حکم ظاهر آیه مشروع نیست.

۱۱ عده ، فرصتی برای بازسازی مجدد خانواده \*

و المطلقات یتربصن . . . و بعولتهن احق بردهن فی ذلک ان ارادوا اصلاحاً

با توجه به اینکه متعاقب حکم تربص ایام عده، سخن از رجوع برای اصلاح در آن ایام به میان آمده است.

۲۱ تصمیم به رعایت حقوق متعارف زن مُطلّقه ، شرط حق رجوع شوهر به او

ان ارادوا اصلاحاً و لهنّ مثل الذی علیهنّ بالمعروف

بیان حقوق زنان بر مردان پس از مقید کردن حق رجوع به اصلاح، این نتیجه را در بردارد که از مصادیق اراده اصلاح (ارادوا اصلاحاً)، تصمیم مرد بر رعایت حقوق زن مُطلّقه خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۵ - ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۹، ۸، ۵

۵ مسؤولیت بیشتر خویشاوندان زن و شوهر ، در نظارت بر سلامت خانواده و حلّ اختلاف های آنان

فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

قاضیان تحکیم بر اصلاح بین زن و شوهر ، موجب سازگار شدن آنان

ان یریدا اصلاحاً یوفّق الله بینهما

بنابر اینکه مراد از فاعل در <یریدا> حکمین باشد و ضمیر در <بینهما> به زن و شوهر برگردد.

۹ نقش اصلاح طلبی قاضیان تحکیم در اراده الهی به ایجاد سازش بین زن و شوهر

ان یریدا اصلاحاً یوفّق الله بینهما

۱۲ صلح و سازش بین زن و شوهر ، به توفیق الهی است .

ان یریدا اصلاحاً یوفّق الله بینهما

۱۳ قصد اصلاح رفتار از سوی زن و شوهر ، شرط بهره مندی آنان از توفیق الهی در سازگاری با یکدیگر \*

ان یریدا اصلاحاً یوفّق الله بینهما

۱۴ ترغیب قاضیان تحکیم به اراده اصلاح بین زن و شوهر

ان یریدا اصلاحاً یوفّق الله بینهما

اضطراب خانواده ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۲ - ۳

۳- ابراهیم (ع) و خانواده وی با مشاهده ورود مهمانان (فرشتگان) به محضر ایشان ، هراسناک و مضطرب شدند .

إذ دخلوا علیه .. قال إنا منکم وجلون

با اینکه ملائکه بر شخص حضرت ابراهیم(ع) وارد شدند (دخلوا علیه) اما آن حضرت هراس و اضطراب را به صورت جمع (إنا منکم وجلون) بیان کرده است و این نشان دهنده هراس خود او و خانواده اش می باشد. لازم به ذکر است که <وجل> به آن ترسی گفته می شود که سراپای وجود انسان را فراگیرد (مفردات راغب).

اطمینان به خانواده موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷ - ۷

۷ - آرامش موسی (ع) در

شرایط سخت و بحرانی و تلاش وی جهت ایجاد امید و اطمینان در خانواده خود .

إِنِّي ءَانَسْتُ نَارًا سَنَاتِيكُمْ .. لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ

اعطای خانواده به ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۴ - ۲۰

۲۰- > عن أبي عبد الله (ع) : ردّ الله سبحانه عليه [ أيوب (ع) ] أهله الذين هلكوا بأعينهم و أعطاه مثلهم معهم و كذلك ردّ الله عليه أمواله و مواشيه بأعينها و أعطاه مثلها معها ;

از امام صادق(ع) روایت شده که: خداوند سبحان خانواده ایوب(ع) را که هلاک شده بودند، به او برگرداند و مانند آنان را نیز به وی عطا کرد. و هم چنین خداوند، عین اموال و چهارپایان او را به او برگرداند و مانند آنها را نیز به همان مقدار به او عطا کرد.

امکان حق ناپذیری خانواده پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۰ - ۷

۷- امکان نفوذ کفر و فساد و حق ناپذیری در افراد خانواده پاکان

إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَا إِنَّهَا لَمِنَ الْغَابِرِينَ

امکان فساد خانواده پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۰ - ۷

۷- امکان نفوذ کفر و فساد و حق ناپذیری در افراد خانواده پاکان

إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَا إِنَّهَا لَمِنَ الْغَابِرِينَ

امکان کفر خانواده پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۰ - ۷

۷- امکان نفوذ کفر و فساد و حق ناپذیری در افراد خانواده پاکان

إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَرْنَا لَهَا مِنَ الْغَيْرِينَ

امتیّت در خانواده

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۶

۶ اهمیت حفظ آرامش و امنیت در خانواده و تقدم آن بر حقوق شخصی زن و شوهر

و إن امرأه خافت .. ان يصلحا بينهما صلحاً و الصلح خير

امیدواری به خانواده موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷ - ۷

۷ - آرامش موسی (ع) در شرایط سخت و بحرانی و تلاش وی جهت ایجاد امید و اطمینان در خانواده خود .

إني ءانست نازاً سنأتيكم .. لعلكم تصطلون

انبیا و خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۸ - ۶

۶ پیامبر بودن با داشتن زن و فرزند (زندگانی بشری و عادی) منافات ندارد .

و جعلنا لهم أزواجاً و ذریه

اندوه خانواده نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۶

۶- حضرت نوح (ع) و خاندانش ، گرفتار غمی شدید و اندوهی بزرگ در مسیر انجام رسالت خویش .

و نوحاً إذ نادى .. فتجینه و أهله من الكرب العظيم

<کرب> به معنای غم و اندوه شدید است (مفردات راغب).

اهمیت اصلاح خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۵ - ۵

۵- اصلاح خانواده و بستگان ، دارای اهمیت ویژه و مورد اهتمام پیامبران الهی

و كان يأمر أهله بالصلوة و الزكوة

اهمیت تربیت خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۳،۷

۳ - خیرخواهی

برای اعضای خانواده و تربیت دینی آنان، تکلیفی بایسته برعهده سرپرست و مدیر خانواده

قوا .. أهلیکم نارًا

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که مصداق اصلی تلاش برای حفاظت اعضای خانواده از دوزخی شدن آنان، تربیت دینی آنان و گزینش راه و روش خیرخواهانه در این راستا است.

۷- اصلاح و تربیت دینی اعضای خانواده، زیر بنا و خشت اول اصلاحات در جامعه

قوا أنفسکم و أهلیکم نارًا

از فرمان خداوند به مؤمنان، مبنی بر تربیت و اصلاح اعضای خانواده خود با آن که آنان وظیفه جهاد با کافران و منافقان را نیز برعهده دارند (آیه ۹ همین سوره) می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

اهمیت تربیت دینی خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۲

۲ - ضرورت پرداختن به تربیت دینی و معنوی خانواده و مراقبت بر آن

وأمر أهلیک بالصلوه

اهمیت تفاهم خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۲۱

۲۱ - محیط خانواده، نیازمند تفاهم عقیدتی و سلامت دینی \*

و لاجنّاح علیکم أن تنکحوهنّ .. و لاتمسکوا بعصم الکوافر

حکم <لاتمسکوا..> می تواند از آن جهت باشد که وجود همسر کافر در زندگی مؤمن، محیط خانواده را ناسالم و ناامن می سازد.

اهمیت حفظ خانواده



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۱۶، ۹، ۶، ۳، ۱

۱ لزوم پیشگیری از به هم خوردن سلامت خانواده ، در صورت ناسازگاری شوهر و زوجه ای بر عهده زنان

و این امر را خافت من

بعلها .. فلا جناح عليهما ان يصلحا بينهما صلحاً

کلمه <خافت>، بیانگر ترس از وقوع است، نه خود وقوع.

۳ لزوم کوشش زن و شوهر در حفظ کانون خانواده

و إن امراه خافت .. فلا جناح عليهما ان يصلحا بينهما صلحاً و الصلح خير

۶ اهمیت حفظ آرامش و امنیت در خانواده و تقدم آن بر حقوق شخصی زن و شوهر

و إن امراه خافت .. ان يصلحا بينهما صلحاً و الصلح خير

۹ لزوم پرهیز از اشاعه اختلافات همسران به بیرون از محیط خانه \*

فلا جناح عليهما ان يصلحا بينهما صلحاً

از این که فعل <یصلحا> به خود زن و شوهر نسبت داده شده است و همچنین از تعبیر <بینهما> استفاده می شود که حل و فصل مسایل خانوادگی میان خود همسران، بهتر است از مطرح ساختن نزد دیگران.

۱۶ نقش سازنده گذشت، در بقای کانون خانواده و تحکیم بنای همسری

ان يصلحا بينهما صلحاً و الصلح خير و احضرت الانفس الشح و إن تحسنوا و تتقوا

اهمیت حل اختلاف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۶ - ۱۶

۱۶ - سیاست اسلام در اختلاف و نزاع میان همسران، کوتاه کردن مدت آن و یا رفع کامل آن است.

فإن أرضعن لكم فاتوهن أجورهن و أتمروا بینکم بمعروف و إن تعاسرتم فسترضع له أخ

برداشت یاد شده، از آن جا است که خداوند پس از توصیه به خوش رفتاری با زنان مطلقه و پرداختن اجرت شیردادن نوزادان به آنان فرمان داد که در صورت بالا گرفتن اختلاف میان همسران، آنان به مشورت و هم فکری پردازند و در

صورت عدم توافق، بدون فوت وقت از دایگان مدد گیرند.

اهمیت خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۵ - ۲،۳

۲ لزوم تلاش برای حفظ خانواده و سالم سازی محیط آن و پیشگیری از بروز ناسازگاری زن و شوهر

و ان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

۳ مسؤولیت تمامی افراد جامعه در برابر اختلافات خانوادگی زن و شوهر

و ان خفتم شقاق .. فابعثوا

ظاهراً مراد از مخاطبان جمله <فابعثوا>، عموم مسلمانان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۱۸

۱۸ اهتمام اسلام به خانواده و سلامت اعتقادی و روانی آن

و المحصنت من المؤمنت و المحصنت من الذین اوتوا الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۴ - ۱۰

۱۰- از دست دادن خانواده (زن و فرزندان) ، مهم ترین رنج و ناراحتی انسان است .

فکشفنا ما به من ضرر وءاتینه أهله و مثلهم معهم

اهمیت روابط خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۹ - ۱۴،۱۷

۱۴ اساس زندگی خانوادگی و مصالح آن ، نباید دستخوش تمایلات مرد قرار گیرد .

فان کرهتْموهنّ فعسی ان تکرهوا شیئاً و یجعل الله فیہ خیراً کثیراً

۱۷ احتمال وجود خیر فراوان ، در تداوم زندگی با زنانی که ناخوشایند انسان هستند .

فان کرهتْموهنّ فعسی ان تکرهوا شیئاً و یجعل الله فیہ خیراً کثیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ -

۳ توجه به پیوند زناشویی و اتحاد و یگانگی حاصل از آن ، مانعی برای اجحاف به همسر و بازپس گیری مهریه

و کیف تأخذونه و قد افضی بعضکم الی بعض

<افضی> از مصدر <افضاء> به معنای اتصال است و در آیه می تواند کنایه از اتحاد و یگانگی زوجین باشد، نه کنایه از خصوص آمیزش؛ و گر نه می فرمود: <وقد افضیتم الیهن>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۲۰، ۱۹، ۱۰، ۵

۵ جواز صرفنظر کردن زن از بعض حقوق خود ، برای جلب نظر شوهر و جلوگیری از نشوز وی

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً .. ان یصلحا بینهما صلحاً و الصلح خیر

جمله <و احضرت الانفس الشح> حکایت از آن دارد که مصالحه عنوان شده در آیه، منوط به گذشت از حقوق شخصی است.

۱۰ گذشت از حقوق شخصی برای استمرار و استحکام روابط همسری ، بهتر از پافشاری بر استیفای آن حقوق

و الصلح خیر و احضرت الانفس الشح

۱۹ مصالحه زن و شوهر در حقوق همسری در صورتی ارزشمند است که بر پایه احسان و تقوا باشد .

و الصلح خیر .. و إن تحسنوا و تتقوا فإن الله کان بما تعملون خبیراً

۲۰ جواز گذشت زن از برخی حقوق خویش ، به انگیزه جلوگیری از ناسازگاری شوهر و رخ ندادن طلاق

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً او اعراضاً

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق فرمود: هذا تكون عنده المراه لا تعجبه فیرید طلاقها فتقول له: امسكنی و لا تطلقنی و ادع لك ما علی ظهرك و اعطیک من

مالی و احللک من یومی و لیلی فقد طاب ذلک له کله .

---

کافی، ج ۶، ص ۱۴۵، ح ۳ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۸، ح ۶۰۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۵ - ۸

۸ - حفظ روابط خانوادگی و خویشاوندی ، امری بس مهم و شایان توجه است .

و وصینا الإنسن بولدیه .. أن اشکرلی و لولدیک... إن جهداک علی أن تشرک بی ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۱۱

۱۱ - نقش سازنده ایمان به خدا و روز قیامت ، در ایجاد رابطه صحیح و شایسته میان همسران و رعایت شدن حقوق متقابل بین آنان

إذا طَلَّقتِ النساء .. ذلکم یوعظ به من کان یؤمن بالله و الیوم الآخر

یادآوری ایمان به خدا و روز قیامت به دنبال موعظه های الهی در مسائل مربوط به همسران می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۵ - ۱۱، ۱۲

۱۱ - نقش سازنده تقوای پیشگی ، در حفظ کانون گرم خانواده ها و رعایت شدن حقوق همسران

إذا طَلَّقتِ النساء .. و اتَّقوا الله ... من یتق ... یعظم له أجرًا

برداشت یاد شده، از آن جا است که خداوند در ضمن پنج آیه مربوط به مسائل طلاق و اختلافات خانوادگی، چهاربار، به رعایت تقوا توصیه فرموده است.

۱۲ - اهمیت مسائل خانوادگی ( ازدواج ، طلاق ، حقوق همسران و ... ) ، در میان موضوعات اسلامی و آموزه های قرآنی

إذا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ .

.. اتقوا الله ... من يتق الله ... يعظم له أجرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۶ - ۱۶

۱۶ - سیاست اسلام در اختلاف و نزاع میان همسران ، کوتاه کردن مدت آن و یا رفع کامل آن است .

فإن أرضعن لكم فاتوهن أجورهنّ و أتمروا بینکم بمعروف و إن تعاسرتم فسترضع له أخ

برداشت یاد شده، از آن جا است که خداوند پس از توصیه به خوش رفتاری با زنان مطلقه و پرداختن اجرت شیردادن نوزادان به آنان فرمان داد که در صورت بالا گرفتن اختلاف میان همسران، آنان به مشورت و هم فکری پردازند و در صورت عدم توافق، بدون فوت وقت از دایگان مدد گیرند.

اهمیت سعادت خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۶ - ۴

۴ - اهتمام تقوای پیشگان به سعادت اخروی خانواده خویش و خیر خواهی شدید نسبت به آنان

قالوا إنا كنا قبل فی أهلنا مشفقین

اهمیت عواطف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۱۴،۱۷

۱۴ - ضرورت معاشرت نزدیک و تنگاتنگ فرزندان نابالغ با پدر و مادر خود و مشقت اجازه خواستن ، فلسفه و دلیل عدم لزوم اذن خواستن از والدین ، برای رفت و آمد نزدیک با آنان در غیر از سه وقت مقرر است .

لیستئذنکم .. ثلث عورت لکم لیس علیکم و لا علیهم جناح بعدهنّ طوفون علیکم بعضکم

جمله <طوفون علیکم..> جمله ای است تعلیلیه که بیانگر علت و فلسفه جواز رفت و آمد نزدیک فرزندان با



پدر و مادرشان در اتاق ها و محل استراحت آنان است؛ یعنی، چون فرزندان باید با پدر و مادرشان رفت و آمد نزدیک داشته باشند و اجازه خواستن برای این کار، برای فرزندان مشقت بار است، پس اذن طلبیدن لازم نیست.

۱۷ - اهتمام اسلام به رفت و آمد و معاشرت نزدیک و تنگاتنگ پدران و مادران با فرزندان نابالغ و ممیز خویش در محیط خانه

طُوفُونَ عَلَيْكُمْ بِعِضِمْ عَلٰى بَعْضٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۵

۵- اسلام، احیاکننده ارزش ها و عواطف انسانی و استحکام بخش بنیاد های خانواده و جامعه بشری

و وَصَّيْنَا الْاِنْسَانَ بِاِحْسَانًا

سفارش خداوند نسبت به ارج و مقام والدین، بیانگر این حقیقت است که اسلام دینی محدود به ابعاد عبادی و فردی نیست؛ بلکه به تمامی ابعاد حیات انسان توجه دارد؛ از جمله تقویت عواطف انسانی که نهایتاً به تحکیم بنیاد خانواده و جامعه منتهی می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۳ - ۵

۵ - ارزش های دینی، مقدم بر روابط خویشاوندی و عواطف خانوادگی

لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّيْ . . . لَنْ تَنْفَعَكُمْ اَرْحَامُكُمْ وَاَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

اهمیت محافظت از خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۲

۲ - توصیه خداوند به مؤمنان، مبنی بر مراقبت از اعضای خانواده خود در برابر عوامل و موجبات بدبختی و دوزخی شدن آنان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا . . . أَهْلِيكُمْ نَارًا

اهمیت مشاوره در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۶ - ۸

۸ - مردان و زنان مطلقه ، باید درباره شیر دادن و کیفیت نگه داری نوزادانشان ، به مشاوره و هم فکری بپردازند .

و أتمروا بینکم

ایمان خانواده صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۵

۵ - خانواده صالح ، جملگی مؤمنان به وی و مورد خشم عمیق کافران

لنبيته و أهله

ایمان خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۲

۱۲ از میان قوم لوط ، تنها خانواده اش به او ایمان آورده و از تبه کاری ها و گناهان آن قوم منزه بودند .

كانوا يعملون السيئات .. فأسر بأهلك بقطع من الليل ... إلا امرأتك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۹ - ۵

۵ - خانواده و کسان لوط ( ع ) ، تنها مؤمنان به وی و پیراسته از کردار زشت قوم لوط

ربّ نجني و أهلي ممّا يعملون

از این که لوط(ع) تنها برای خود و کسانش در خواست نجات کرد، روشن می شود که تنها آنان به وی ایمان آورده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - خاندان لوط ، هم عقیده با وی ، پاکدامن و مخالف انحراف های جامعه خویش

قالوا أخرجوا آل لوط من قريبتکم

۴ - ایمان نیاوردن هیچ فردی از جامعه به لوط (ع) ، جز افراد خانواده وی

قالو أخرجوا آل لوط من قريبتکم

مخالفان لوط به جای این که

بگویند: پیروان لوط را اخراج کنید، گفتند: خانواده وی را بیرون کنید و این نشان می دهد که جز خانواده اش کسی به وی ایمان نیاورده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۵ - ۳

۳ - تمامی اعضای خاندان لوط ، به جز همسر او ، مؤمن بودند .

إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ . إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که عذاب به جهت کفر است، پس نجات خاندان لوط دلیل ایمان شان و عذاب همسر لوط به نشانه کفر او است.

ایمان خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۹

۹- خاندان نوح از مؤمنان به رسالت نوح (ع) و بهره مند از لطف ویژه خداوند

فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

نجات خاندان نوح(ع)، بیانگر عنایت ویژه خداوند به ایشان و نیز حاکی از ایمان آنان به رسالت نوح(ع) است زیرا اگر آنان مانند قوم نوح کافر بودند، نجات نمی یافتند. گفتنی است آیه بعد (و نصرناه من القوم الذين كذبوا...) مؤید همین نکته است.

بازگشت خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۳ - ۷

۷- بازگشت خانواده ( زن و فرزند ) ، تبلور رحمت الهی برای مردان

و وهبنا له أهله .. رحمه منا

بازگشت خانواده ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۳ - ۲،۴،۶،۸

۲ - با عنایت خداوند ، خانواده پراکنده و متفرق ایوب (ع) به

سوی آن حضرت باز گشتند .

و وهبنا له أهله

۴ - بازگشت خانواده ایوب (ع) و دو چندان شدن آنها ، موهبت الهی برای آن حضرت

و وهبنا له أهله و مثلهم معهم

۶ - بازگشت و ازدیاد خانواده ایوب (ع) ، تبلور رحمت خدا به ایشان

و وهبنا له أهله .. رحمه منّا

۸ - استجابت دعای ایوب (ع) از سوی خداوند ، با بهبود دادن او و بازگرداندن خانواده اش

إذ نادى ربّه .. هذا مغتسل بارد و شراب . و وهبنا له أهله و مثلهم معهم

برگزیدگی خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۶

۶ - نوح (ع) و خاندانش ، از بندگان مخلص و برگزیده خدا بودند .

إلاّ عباد الله المخلصين . و لقد نادينا نوح... و نجّينه و أهله من الكرب العظيم

ذکر داستان نوح(ع) و خاندانش پس از یاد کردن از بندگان خالص خدا در طول تاریخ، می تواند به منظور بیان الگو و نمونه ای از آن بندگان مخلص باشد.

بشارت نجات خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ - ۳

۳ خداوند ، نوح (ع) را به نجات افراد خانواده اش نوید داده بود .

إن ابني من أهلي و إن وعدك الحق

مصدق مورد نظر برای <وعدك> نجات خانواده نوح از حادثه طوفان است که جمله <قلنا حمل . . و أهلک> بیانگر نوید به آن بود.

پاکی خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ -



۳- پاکی خاندان لوط (ع) و دوری از هرگونه جرم و تبه کاری ، عامل نجات همه آنان از عذاب الهی

إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين . إلاء لوط إنا لمنجّوهم أجمعين

پاکیزگی در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۵ - ۱۵

۱۵ ارزش و اهمیت پاکیزگی و پاکدامنی ، در زندگی و روابط خانوادگی

و ازواج مطهره

تأمین معاش خانواده شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۳ - ۱۶

۱۶ - ارتزاق خانواده شعيب از راه دامداری

و وجد من دونهم امرأتين تزدودان .. قالتا لانسقى حتى يصدر الرعاء

تأمین نیازهای خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰ - ۷

۷ - خدمت به همسر و خانواده و تلاش برای رفع نیازمندی های آنان ، رفتاری پسندیده است .

فقال لأهله امكثوا .. لعلی ءاتیکم منها بقبس

تداوم روابط خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - اهل دوزخ در دنیا، می پنداشتند زندگی شاداب آنان دگرگون نشده و الفت های خانوادگی شان هرگز از هم نخواهد گسست .

إِنَّه ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ

<حور>، رجوع از چیزی و به چیزی می باشد. اصل معنای آن بازگشت به کم بود است و با ضمه <حاء> به معنای هلاکت خواهد بود (لسان العرب). فعل <یحور> از هر کدام مشتق باشد، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

ترس خانواده ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۲ - ۳

۳- ابراهیم (ع) و خانواده وی با مشاهده ورود مهمانان (فرشتگان) به محضر ایشان، هراسناک و مضطرب شدند.

إذ دخلوا عليه .. قال إنا منكم وجلون

با اینکه ملائکه بر شخص حضرت ابراهیم(ع) وارد شدند (دخلوا علیه) اما آن حضرت هراس و اضطراب را به صورت جمع (إنا منكم وجلون) بیان کرده است و این نشان دهنده هراس خود او و خانواده اش می باشد. لازم به ذکر است که <وجل> به آن ترسی گفته می شود که سراپای وجود انسان را فراگیرد (مفردات راغب).

تشکیل خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۱۷

۱۷ ایمان به خدا، اعتقاد به وحی و رسالت و عفت و پاکدامنی، از ارزش های والا در انتخاب همسر و تشکیل خانواده

و المحصنت .. و المحصنت

تعیین جمعیت خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۰ - ۶

۶ - حاکمیت مطلق و بلامنازع خدا در صحنه هستی، پشتوانه اجرای مشیت او در میزان جمعیت و نوع جنسیت فرزندان خانواده

لله ملك السموت .. و يجعل من یشاء عقیماً

تفاهم در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۹ - ۱۶، ۱۰، ۹

۹ صلح و سازش و رعایت تقوا در محیط خانواده بویژه با داشتن چند همسر ، موجب غفران و رحمت الهی

فلاتمیلوا کل المیل . . . و إن تصلحوا و تتقوا فإنّ الله کان غفوراً رحیماً

تأکید و ترغیب خداوند به برقراری توافق و آشتی بین زن و شوهر

و لن تستطيعوا ان تعدلوا بين النساء .. و إن تصلحوا و تتقوا

۱۶ عدم رعایت عدالت نسبی بین همسران ، گناه و آمرزش آن در گرو بازگشت به عدالت و رعایت تقواست .

و لن تستطيعوا ان تعدلوا بين النساء .. و إن تصلحوا و تتقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۰ - ۲

۲ عدم لزوم حفظ کانون خانواده در صورت ناتوانی زن و یا شوهر بر سازش و رعایت تقوا در محیط خانواده

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً او اعراضاً .. و إن يتفرقا يغن الله

پیشنهاد طلاق، بلکه ترغیب به آن در مواردی خاص، دلالت بر عدم لزوم حفظ کانون خانواده در آن شرایط دارد.

تقوا در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۱۸

۱۸ رعایت کنندگان تقوا و احسان در محیط خانواده ، از پاداش الهی برخوردار خواهند شد .

و إن تحسنوا و تتقوا فإن الله کان بما تعملون خبيراً

جمله <فان الله ..> در مقام تشویق به احسان و تقواست. و چون علم خدا به احسان و تقوا، معمولاً تأثیری برای انجام آن

ندارد / بنابراین باید کنایه از پاداش دهی الهی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۹ - ۹،۱۱

۹ صلح و سازش و رعایت تقوا در محیط خانواده بویژه با داشتن چند همسر ، موجب غفران و رحمت الهی

فلاتمیلوا کل المیل .

.. و إن تصلحوا و تتقوا فإن الله كان غفوراً رحيماً

۱۱ ترغیب شوهران از سوی خداوند به رعایت تقوا در محیط خانواده

و إن تصلحوا و تتقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۰ - ۲

۲ عدم لزوم حفظ کانون خانواده در صورت ناتوانی زن و یا شوهر بر سازش و رعایت تقوا در محیط خانواده

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً او اعراضاً .. و إن يتفرقا يغن الله

پیشنهاد طلاق، بلکه ترغیب به آن در مواردی خاص، دلالت بر عدم لزوم حفظ کانون خانواده در آن شرایط دارد.

تکذیب شایعه علیه خانواده محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۲ - ۲

۲ - مؤمنان صدر اسلام، وظیفه دار تکذیب شایعه های بی اساس بدخواهان علیه پیامبر (ص) و خانواده آن حضرت

لولا إذ سمعتموه ظن المؤمنون و المؤمنت بأنفسهم خيراً و قالوا هذا إفك مبين

تنزیه خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۲

۱۲ از میان قوم لوط، تنها خانواده اش به او ایمان آورده و از تبه کاری ها و گناهان آن قوم منزه بودند.

كانوا يعملون السيئات .. فأسر بأهلك بقطع من اليل ... إلا امرأتك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۹ - ۱،۳

۱- خاندان لوط (ع)، از هرگونه جرم و تبه کاری منزّه و پاک بودند .

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَى قَوْمِ مَجْرِمِينَ . إِلَّا آلَ لُوطٍ

۳- پاکى خاندان

لوط (ع) و دوری از هرگونه جرم و تبه کاری ، عامل نجات همه آنان از عذاب الهی

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَى قَوْمِ مَجْرَمِينَ . إِلَّا أَل لُّوطِ إِنَّهُمْ أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۹ - ۵

۵ - خانواده و کسان لوط (ع) ، تنها مؤمنان به وی و پیراسته از کردار زشت قوم لوط

رَبِّ نَجْنِي و أهلي مِمَّا يَعْمَلُونَ

از این که لوط(ع) تنها برای خود و کسانش در خواست نجات کرد، روشن می شود که تنها آنان به وی ایمان آورده بودند.

توطئه تبعید خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۲

۲ - تصمیم قوم لوط مبنی بر اخراج و تبعید لوط (ع) و خانواده اش ، تنها پاسخ آنان به هشدار های خیرخواهانه او

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُو آلَ لوطِ مِنْ قَرْيَتِكُمْ

توطئه علیه خانواده محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۲

۲ - هم دستی و تشکل تنی چند از منافقان عصر بعثت ، برای تهمت زنی و شایعه سازی علیه خانواده پیامبر (ص)

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ

بیشتر مفسران بر این باورند که گروه بهتان زننده (عصبه منکم) از منافقان بودند.

جرم خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۶ - گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن

قالوا أخرجوا آل لوط من قريبتكم إنهم أناس يتطهرون  
عبارت <إنهم أناس> تعلیل برای حکم اخراج است.

چوپان خانواده شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۵

۵ - نیاز خانواده شعیب به اجیر کردن مردی جهت نگه داری گوسفندانشان

قالت إحدیهما یأبت استئجره

با توجه به آیات پیشین، مراد از <استئجره> استیجار برای نگه داری گوسفندان شعیب می باشد.

حفظ خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۰ - ۲

۲ عدم لزوم حفظ کانون خانواده در صورت ناتوانی زن و یا شوهر بر سازش و رعایت تقوا در محیط خانواده

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً او اعراضاً .. و إن یتفرقا یغن الله

پیشنهاد طلاق، بلکه ترغیب به آن در مواردی خاص، دلالت بر عدم لزوم حفظ کانون خانواده در آن شرایط دارد.

حقوق خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۳ - ۱۶، ۱۳

۱۳ هشدار الهی به مردان، نسبت به رعایت احکام الهی در محیط خانواده

نساؤکم حرث لکم .. و اتقوا الله و اعلموا انکم ملاقوه

امر به تقوا و توجه دادن انسانها به ملاقات خدا (روز پاداش و کیفر) پس از بیان احکامی درباره زندگی خانوادگی، می تواند هشداری باشد به آنان که احکام الهی را مراعات نمی کنند.

۱۶ پیامبر (ص)، مأمور بشارت به مؤمنانی که تقوا و حدود الهی را در زندگی زناشویی و محیط خانواده مراعات می کنند و با یکدیگر رفتاری پسندیده دارند .

نساؤکم حرث لکم . . . و

اعلموا انکم ملاقوه و بشر المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۹ - ۱۶

۱۶ احتمال و ترس معقول و متعارف از مراعات نکردن حدود الهی در خانواده ، مُجَوِّز طلاق خُلَع \*

فان خفتم ألا یقیما حدود الله

با توجّه به اینکه <ان خفتم>، خطاب به عموم مردم است، معلوم می شود نگرانی زن و شوهر باید به نحوی باشد که عموم مردم نیز در صورت آگاهی، این نگرانی را داشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۳ - ۷

۷ تأمین نیازها و پوشاک مادران به مقدار متعارف ، وظیفه شرعی پدر

و علی المولود له زرقهنّ و کسوتهنّ بالمعروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۱۷

۱۷ لزوم اطاعت زن از شوهر و حفظ حقوق وی ، مشروط به تأمین زندگی او از سوی مرد

و بما انفقوا من اموالهم فالصّالحات قانتات حافظات

ظاهراً <فالصّالحات .. > نتیجه ای است مترتب بر جمله <الرجال ... بما انفقوا>. بنابراین اطاعت زن از شوهر در موردی است که شوهر، زندگی او را تأمین کند.

حکمیت در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۵ - ۱

۱ لزوم تعیین داورانی برای حکمیت ، در صورت بروز علائم ناسازگاری و دشمنی بین زن و شوهر

و ان خفتم شقاق بينهما فابعثوا حكماً

<شقاق>، به معنی دشمنی و اختلاف است. برداشت فوق را فرمایش امام باقر (ع) تأیید می کند که فرمود: ... و اذا

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۰، ح ۱۲۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۸، ح ۷.

حل اختلاف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۴۸، ۱۵

۴ تردید مسلمانان صدر اسلام در جواز مصالحه زن و شوهر نسبت به حقوق یکدیگر

و إن امرأه خافت .. فلا جناح علیهما ان یصلحا

کلمه <لا جناح> حاکی است که مسلمانان صدر اسلام بر آن گمان بودند که حقوق تعیین شده برای زن و شوهر، قابل مصالحه و گذشت نیست.

۸ حسن حل و فصل مسایل خانوادگی، توسط خود زن و شوهر

فلا جناح علیهما ان یصلحا بینهما صلحاً و الصلح خیر

در آیه فوق، صلح به خود خانواده و گذار شده و نه به افراد خارج آن. کلمه <بینهما>، بیانگر این مسأله است.

۱۵ انتخاب صلح در مسائل و اختلافات خانوادگی، از مصادیق احسان و تقواست. \*

و الصلح خیر .. و إن تحسنوا و تقوا

سفارش به تقوا و احسان، پس از ارزشمند شمردن صلح و مسالمت، می رساند که صلح در مسایل همسری، نمودی از احسان و تقواست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۰ - ۱

۱ طلاق، آخرین راه برای شکستن بن بست اختلافات مسالمت ناپذیر خانوادگی

و إن یتفرقا یغن الله

پس از به نتیجه نرسیدن راه حل‌های قبلی که در آیات قبل اشاره شد، طلاق به عنوان راه پایان اختلافات پیشنهاد شده است.

حل اختلاف خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۵ -

۱ لزوم تعیین داورانی برای حکمیت ، در صورت بروز علائم ناسازگاری و دشمنی بین زن و شوهر

و ان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً

<شقاق>، به معنی دشمنی و اختلاف است. برداشت فوق را فرمایش امام باقر (ع) تأیید می کند که فرمود: ... و اذا نشز الرجل مع نشوز المرأه فهو الشقاق.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۰، ح ۱۲۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۸، ح ۷.

۳ مسؤولیت تمامی افراد جامعه در برابر اختلافات خانوادگی زن و شوهر

و ان خفتم شقاق .. فابعثوا

ظاهراً مراد از مخاطبان جمله <فابعثوا>، عموم مسلمانان هستند.

۴ لزوم گزینش و فرستادن دو داور از خانواده زن و شوهر برای حلّ اختلاف بین آن دو

و ان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلهما

۵ مسؤولیت بیشتر خویشاوندان زن و شوهر ، در نظارت بر سلامت خانواده و حلّ اختلاف های آنان

فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلهما

۶ ضرورت اطاعت زن و شوهر از نظر و پیشنهاد داوران تحکیم در اختلافات میان آنان

و ان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلهما

اگر تبعیت از داوران لازم نبود، موقوف کردن حل اختلاف به آنان لغو بود. علاوه بر اینکه انتخاب کلمه <حکّم> به معنای حاکم، بیانگر لزوم تبعیت است.

۷ داوران تحکیم ، دارای اختیار در حکم به سازش یا جدایی بین زن و مرد و یا تعیین شروط بر هر یک از آن دو

و ان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلهما

کلمه <حکّم> بیانگر این است که داور می تواند بر اساس آنچه به مصلحت



زن و شوهر است، حکم کند.

۱۰ قصد اصلاح از سوی زن و شوهر، موجب موفقیت قاضیان تحکیم در حل اختلافات آنان است.

و ان خفتم شقاق بینهما .. ان یریدا اصلاحاً یوقّ الله بینهما

بنابر اینکه ضمیر در <یریدا> به زن و شوهر برگردد و ضمیر در <بینهما> به حکمین.

۱۳ قصد اصلاح رفتار از سوی زن و شوهر، شرط بهره مندی آنان از توفیق الهی در سازگاری با یکدیگر \*

ان یریدا اصلاحاً یوقّ الله بینهما

۱۹ نفوذ حکم داوران برگزیده به سازش یا جدایی زن و شوهر، در گرو تفویض اختیار داوری از سوی زن و شوهر به آنان

فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: لیس للحکمین ان یفرّقا حتی .. و یشرط علیهما: ان شئنا جمعنا و ان شئنا فرّقنا.

---

کافی، ج ۶، ص ۱۴۶، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۸، ح ۲۳۳؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۷، ح ۱؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۱، ح ۱۲۶.

۲۰ نفوذ حکم دو داور برگزیده بر جدایی زن و شوهر، در گرو توافق هر دو داور بر آن حکم است.

فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از نفوذ حکم یکی از حکمین به جدایی زن و شوهر فرمود: لا یكون تفریق حتی یجتمعاً جمعاً علی التفریق فاذا اجتمعاً علی التفریق جاز تفریقهما.

---

کافی، ج ۶، ص ۱۴۷، ح ۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۸، ح ۲۳۵.

۲۱ حاکم، وظیفه دار برگزیدن دو داور برای حل اختلاف

از ائمه معصومین (ع) در مورد تعیین مخاطب آیه فوق آمده است: هو السُّلطان الذی یترافعان الیه.

---

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۱۹۲؛ مجمع البیان، ج ۳، ص ۷۰.

حمایت از خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۳ - ۴

۴ - توجه به گسسته شدن روابط خانوادگی در قیامت، مانع از دست زدن انسان به کارهای خلاف، به انگیزه حمایت از خانواده و خویشان

لن تنفعکم أرحامکم و لا أولدکم یوم القیمه

خانواده برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۶

۶ پسران یعقوب، دارای اهل و عیال (زن، فرزند و ...)

مسننا و أهلنا الضر

<أهل الرجل> به زن فرزند و دیگر وابستگان او گفته می شود.

خانواده کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۳۱ - ۱،۲

۱ - کافران ، از خاطره های دیدار خود با مؤمنان ، طنز ساخته و در جمع خانواده خویش به لطیفه گویی و خنداندن یکدیگر می پردازند .

و إذا انقلبوا إلى أهلهم انقلبوا فكهين

<فَكِه> (صفت مشبه) به معنای خوش دل و خندان یا به معنای کسی است که با همراهان خود سخنی گوید که آنان را بخنداند (قاموس). در برداشت یاد شده، معنای دوم مورد نظر است.

۲ - کافرانی که مؤمنان را مسخره کرده اند ، هنگام مراجعت نزد خانواده خویش ، از پوزخند ها و اشاره های طعنه آمیز خود ، غرق شادمانی می شوند .

يضحكون . . . يتغامزون

. و إذا انقلبوا إلى أهلهم انقلبوا فكهين

در این برداشت، <فَكِهَ> به معنای <مرد خوش دل و خندان> دانسته شده است. تکرار <انقلبوا> در آیه شریفه، برای مجسم ساختن حالت بازگشت کافران به خانه خویش است.

خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۱

۱۱ فرشتگان، از لوط (ع) خواستند تا خانواده خویش را شبانه از منطقه قومش خارج سازد.

فأسر بأهلك بقطع من اليل

<اسراء> (مصدر أسر) به معنای کوچ کردن شبانه است و <بأهلك> در <بأهلك> برای تعدیه می باشد و <ال> در <الليل> عهد حضوری است. بنابراین معنای جمله <فأسر...> چنین می شود: [ای لوط!] خانواده خویش را در پاره ای از این شب کوچ ده.

خانواده لوط(ع) و گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۹ - ۱

۱- خاندان لوط (ع)، از هرگونه جرم و تبه کاری منزّه و پاک بودند.

إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين . إلاّ آل لوط

خانواده متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۶ - ۴

۴ - اهتمام تقوایندگان به سعادت اخروی خانواده خویش و خیر خواهی شدید نسبت به آنان

قالوا إنا كنا قبل في أهلنا مشفقين

خانواده محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۱

۱ - فرمان دادن و فراخوانی خانواده و خویشاوندان به نماز ، از جمله وظایف الهی پیامبر ( ص )

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ

اهل هر شخصی، عشیره و خویشاوندان او هستند

و نیز به کسانی که وابستگی بیشتری به شخص داشته باشند <أهل> گفته می شود (لسان العرب) و چون سوره <طه> در مکه نازل شده است، بستگان آن حضرت در مکه (علی(ع)، خدیجه(س) و ..) مورد نظر هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۲

۲ - سفر پیامبر (ص) و مؤمنان به سوی مکه قبل از حدیبه ، بدون همراهی خانواده هایشان \*

بل ظننتم أن لن ينقلب الرسول و المؤمنون إلى أهلكم

تعبیر <إلى أهلكم>، این احتمال را تقویت می کند که خانواده سپاه اسلام در مدینه باقی مانده و در سفر همراهشان نبوده اند.

خانواده موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰ - ۴،۶

۴ - خانواده و همراهان موسی (ع) در بیابان ، آتشی را که موسی (ع) مشاهده کرد ، ندیدند . \*

فقال لأهله امكثوا أنىء انست نارًا

از گفته موسی(ع) که فرمود: <من آتشی را دیدم> می توان احتمال داد که دیگر همراهان موسی(ع) آن آتش را ندیده بودند. و گرنه دیدن را به خود اختصاص نمی داد.

۶ - موسی (ع) از خانواده اش خواست که در جای خود منتظر وی بمانند و با او به مکان آتش نیایند .

فقال لأهله امكثوا إنىء انست نارًا

<مكث> به معنای درنگ کردن و انتظار کشیدن است (قاموس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷ - ۱۲

۱۲ - موسی (ع) ، درصدد آوردن پاره ای آتش برای گرم کردن خانواده اش



ءاتیکم بشهاب قبس لعلکم تصطلون

<شهاب> به شعله آتش و <قبس> به شعله برگرفته از آتش گفته می شود. <اصطلاء> (مصدر <تصطلون>) نیز به معنای گرم شدن است، یعنی، یا شعله ای از آتش بگیرم و بیاورم تا با آن، آتش برافروزم، باشد که گرم شوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۹ - ۵،۷

۵ - موسی (ع) خانواده اش را از وجود آتش در وادی طور آگاه کرد .

قال لأهله امكثوا إني ءانست نارًا

۷ - تصمیم موسی (ع) به آوردن آتش از وادی طور، برای گرم کردن خانواده اش

قال لأهله امكثوا .. أو جذوه من النار لعلکم تصطلون

<اصطلاء> (مصدر <تصطلون>) به معنای خود را گرم کردن است.

خانواده موسی(ع) در صحرای سینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۹ - ۹

۹ - تحیر و سرگردانی موسی (ع) و خانواده اش، در صحرای سینا به خاطر گم کردن راه

لعلی ءاتیکم منها بخبر

تعبیر آیه ده سوره <طه> در این مورد (لعلی آتیکم منها بقبس أو أجد علی النار هدی) به روشنی، دلالت بر مطلب یاد شده دارد.

خانواده موسی(ع) در کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷ - ۱

۱ - سرگذشت موسی و خانواده اش در وادی طور، شایان ذکر و یادآوری



إذ قال موسى لأهله

<إذ> اسم زمان در محل نصب و مفعولٌ به برای فعل محذوف است؛ یعنی، <اذکر إذ قال موسى لأهله..> زمانی را که موسی به کسانش گفت...

به یاد آور<.

خانواده مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۲

۲ - سفر پیامبر (ص) و مؤمنان به سوی مکه قبل از حدیبیه ، بدون همراهی خانواده هایشان \*

بل ظننتم أن لن ينقلب الرسول و المؤمنون إلى أهلهم

تعبیر <إلى أهلهم>، این احتمال را تقویت می کند که خانواده سپاه اسلام در مدینه باقی مانده و در سفر همراهشان نبوده اند.

خانواده مؤمنان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۱ - ۷

۷ - الحاق اعضای مؤمن خانواده بهشتیان به ایشان ، تبلور لطف و فضل الهی در حق آنان

و الذين ءامنوا و اتبعتهم ذرّيتهم بإيمن ألحقنا بهم ذرّيتهم

خانواده مهاجران به مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۷ - ۳

۳ - رفع نگرانی از مؤمنان مدینه از سوی خداوند ، نسبت به آینده بازماندگان ایشان در مکه

عسى الله ... مودّه

با توجه به این که شأن نزول آیات پیشین، حرکتی بود که از حاطب بن أبی بلتعه به انگیزه مصونیت دادن خانواده اش در مکه صورت گرفته بود؛ خداوند پس از نفی شیوه وی، با این نوید به او و امثالش، نوعی اطمینان بخشیده است.

خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۲،۳،۶

۲ فرزند ناصالح نوح ، در پیشگاه خداوند از خانواده و اهل بیت او محسوب نمی شد .

إنه ليس من أهلک

۳ فسادپیشگی فرزند نوح ، موجب محسوب نشدن وی از

خانواده نوح (ع) در پیشگاه خداوند

إنه لیس من أهلك إنه عمل غیر صلح

جمله <إنه عمل .. > علت برای <إنه لیس من أهلك > می باشد؛ یعنی ، چون فرزندان دارای عمل ناشایست است ، ما او را از خانواده تو به حساب نمی آوریم.

۶ نوح (ع) ناآگاه به گسستن پیوند فرزندی کنعان با او بر اثر اعمال ناشایستش

إن ابنی من أهلی .. إنه لیس من أهلك

خانواده نوح(ع) در کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۱

۱۱ نوح (ع) از ناحیه خداوند به نجات خانواده خویش و سوار کردن آنان به کشتی موظف شد .

قلنا احمل فیها .. أهلك

کلمه <أهل > در <أهلك > عطف بر <زوجین > و در حقیقت مفعول برای <احمل > است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۸

۸ - نوح (ع) ، مأمور جای دادن حیوانات و مؤمنان خاندانش در کشتی ، با ظهور اولین نشانه های طوفان

فإذا جاء أمرنا .. فاسلك فیها من کل زوجین اثنین و أهلك إلا من سبق علیه القول

خیرخواهی برای خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۳

۳ - خیرخواهی برای اعضای خانواده و تربیت دینی آنان ، تکلیفی بایسته برعهده سرپرست و مدیر خانواده

قوا .. أهلیکم نارًا

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که مصداق اصلی تلاش برای حفاظت اعضای خانواده از دوزخی شدن آنان، تربیت دینی آنان و گزینش راه و روش خیرخواهانه

در این راستا است.

دامداری خانواده شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۳ - ۱۶

۱۶ - ارتزاق خانواده شعیب از راه دامداری

و وجد من دونهم امرأتین تذودان .. قالتا لانسقی حتی یصدر الرعاء

درخواست صبر از خانواده موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۹ - ۸

۸ - موسی (ع) از خانواده اش خواست که تا بازگشت وی از وادی طور درنگ کنند .

قال لأهله امكثوا .. لعلی ءاتیکم منها بخیر أو جذوه من النار

درخواست نجات خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۹ - ۲،۷

۲ - التجای لوط (ع) به درگاه پروردگار ، برای نجات خود و نزدیکانش از شر کردار منحرفان

ربِّ نَجْنی و أهلی ممَّا یعملون

۷ - دعا والتجای حضرت لوط (ع) به درگاه پروردگار ، برای نجات خود و کسانش از پی آمده های سوء کردار قوم خود (

عذاب )

ربِّ نَجْنی و أهلی ممَّا یعملون

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که مضافی در تقدیر باشد (من وبال ما یعملون) یعنی، پروردگار! من و کسانم را از وزر و وبال عمل آنان نجات بخش. گفتنی است آیه بعد که نجات لوط و اهلس را از عذاب مطرح می کند تأیید کننده

همین برداشت است.

دشمنی با خانواده صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۵

۵ - خانواده صالح ، جملگی مؤمنان به وی و

مورد خشم عمیق کافران

لنبيته و أهله

دعا برای خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۱۲

۱۲ - دعا و آمرزش خواهی برای پدر و مادر ، اعضای خانواده و عموم مردان و زنان مؤمن ، عملی پسندیده و شایسته

ربّ اغفر لی و لولدی . و للمؤمنین و المؤمنات

دعوت از خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۱

۱ نوح (ع) ، پس از شروع طوفان و انجام مقدمات حرکت ، از پیروان و خانواده اش خواست تا بر کشتی سوار شوند .

و قال اركبوا فيها

به نظر می رسد جمله <قال اركبوا ..> عطف بر جملاتی مقدر باشد که به خاطر دخالت نداشتن آنها در هدفهای نقل ماجرا بیان نشده است؛ یعنی: قلنا احمل فيها ... ففعل كذا و كذا و قال اركبوا فيها .... و لذا در برداشت <انجام مقدمات حرکت> آورده شد.

دلداری به خانواده موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷ - ۶

۶ - قرار گرفتن خانواده موسی در شرایط نیاز به دلگرمی و امید

إذ قال موسى لأهله ... سأتيكم منها بخبر... تصطلون

از تعبیر <إني آنست ناراً> و <سأتيكم> که جمله اول به صورت مؤکد به <إِنَّ> و جمله دوم به صورت مؤکد با حرف



تنفیس آمده است استفاده می شود که خانواده موسی در شرایط اضطراب آور و دلهره آمیزی قرار داشتند که موسی می بایست به آنان دلگرمی می داد و امید می بخشید.

دوستی اعضای

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۱ - ۹

۹ - وجود عواطف دوستانه میان اعضای خانواده و نیز مهرورزی آنها به هم از آیات الهی است .

و جعل بینکم مودّه و رحمه

احتمال دارد عبارت <و جعل بینکم..> ادامه عبارت پیشین و ناظر به شفقت و مهر و ترحمی باشد که از ناحیه والدین به فرزندان، و بر عکس اعمال می گردد.

رحمت بر خانواده ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۳ - ۴،۵

۴ ابراهیم (ع) و خانواده او ، همواره مشمول رحمت و برکات خاص خداوند بودند .

رحمت الله و برکته علیکم أهل البیت

۵ اسحاق و یعقوب ، رحمت و برکتی از ناحیه خداوند برای ابراهیم (ع) و خانواده او

فبشّرناها بإسحق .. رحمت الله و برکته علیکم أهل البیت

رعایت حقوق خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۱۱

۱۱ - نقش سازنده ایمان به خدا و روز قیامت ، در ایجاد رابطه صحیح و شایسته میان همسران و رعایت شدن حقوق متقابل

بین آنان

إذا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ .. ذَلِكُمْ يُوْعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

یادآوری ایمان به خدا و روز قیامت به دنبال موعظه های الهی در مسائل مربوط به همسران می تواند گویای مطلب یاد شده

باشد.

رفع اندوه خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۷

۷- خداوند ، نوح (ع) و خاندانش

را از غم شدید و اندوه بزرگ ناشی از انجام رسالت خویش نجات داد .

فَنَجِّينَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۱،۹

۱ - نوح (ع) و خاندانش ، به عنایت خداوند از اندوه بزرگ نجات یافتند .

و نَجِّينَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

۹ - نجات نوح (ع) و خاندانش از غمی بزرگ ، از نعمت ها و الطاف الهی به آن حضرت

و لقد نادینا نوح . . . و نَجِّينَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های اعطا شده به حضرت نوح(ع) و امتنان بر ایشان است.

روابط خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۱۹

۱۹ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، می توانند با دیگر اعضای خانواده خود و نیز باخویشاوندان و دوستان خویش باهم ( بر سر یک سفره ) و یا جداگانه ، غذا میل کنند .

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ . . . وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ ... أ

روابط خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۲۴،۱۲

۱۲ ضرورت توجه به قوانین تکوین و تشریح در جعل مقررات حاکم بر خانواده

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ . . . وَبِمَا انْفَقُوا

چون خداوند در توجیه جعل مدیریت برای مردان به دو جهت تصریح فرمود: یکی برتری مردان بر زنان، که یک مسأله تکوینی است

و دیگری عهده دار بودن نفقه، که یک حکم تشریحی است.

۲۴ پرهیز شوهر از همخوابگی با همسر، اقدامی برای جلوگیری از نشوز وی

و التي تخافون نشوزهنّ .. و اهجرهنّ فی المضاجع

در برداشت فوق <فی المضاجع> متعلق به <اهجرهنّ> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۵ - ۱۷

۱۷ قوانین الهی در مورد خانواده و روابط زن و شوهر، برخاسته از علم کامل و آگاهی دقیق خداوند

الرجال قوامون .. و ان خفتنم ... انّ الله کان علیماً خبيراً

روابط در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۹ - ۱۸

۱۸ لزوم و اهمیت حفظ حدود الهی در روابط زناشویی

فان خفتنم الا یقیما حدود الله فلا جناح .. تلک حدود الله فلا تعتدوها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۰ - ۱۰، ۱۱

۱۰ لزوم و اهمیت حفظ حدود الهی در روابط زناشویی

فلا جناح علیهما ان یتراجعا ان ظنّا ان یقیما حدود الله

۱۱ حفظ حدود الهی، شرط اساسی تشکیل کانون خانواده

فلا جناح علیهما ان یتراجعا ان ظنّا ان یقیما حدود الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۷ - ۱۸

۱۸ لزوم توجه به نظارت خداوند در طلاق و مهریه (روابط خانوادگی)

و ان طَلَّقْتُمُوهُنَّ .. ان الله بما تعملون بصير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۶ - ۴،۵

۴ عمل به قوانین

الهی در مورد خانواده و روابط زن و شوهر ، عبادت خداوند است . \*

الرجال قوامون .. فان اطعنكم فلا تبغوا ... و ان خفتم ... و اعبدوا الله

به مقتضای ارتباط بین آیه مورد بحث و آیات گذشته، می توان گفت از مصادیق عبادت، عمل کردن به قوانینی است که در آیات گذشته مطرح شده است.

۵ عبادت خالصانه خداوند و پرهیز از هر گونه شرک ، زمینه دور ماندن زندگی زناشویی از هر گونه ناسازگاری \*

و ان خفتم شقاق بینهما .. و اعبدوا الله

به مقتضای ارتباط بین آیات می توان احتمال داد که آیه مورد بحث در حقیقت بیانگر راه حلی است برای جلوگیری از ناسازگاری بین زن و شوهر.

روابط عاطفی در خانواده شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۲

۲ - وجود رابطه صمیمی و فضای آزاد برای گفت و گو میان شعیب (ع) و دختران وی

قالت إحدیهما یأبت استئجره .. القوی الامین

از این که دختر شعیب پیشنهاد خودش را بدون هیچ تکلفی با پدر در میان گذاشت و آزادانه به ستایش موسی(ع) پرداخت مطلب بالا استفاده می شود.

روانشناسی خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۱۵

۱۵ علاقه به فرزندان ، خصلتی نیکو و اظهار آن امری پسندیده است .

یأبت .. قال بینئ لا تقصص

زمینه انحراف خانواده انبیا



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ - امکان نفوذ جریان انحراف ، کفر و نفاق ، در

میان اعضای بهترین خانواده ( همچون پیامبران )

امرات نوح و امرأت لوط ... فخانناهما ... وقيل ادخلا النار مع الدخلين

زمینه حل اختلاف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۲۰، ۷

۷ - نقش سازنده خداترسی و تقوایبشگی ، در تضمین حقوق همسران و رفع اختلاف های آنان

إذا طلقتم النساء .. واتقوا الله ربكم

مطلب یاد شده، از توصیه خداوند به تقوایبشگی در بیان اولین حکم مربوط به طلاق استفاده می شود.

۲۰ - بشارت و امید دادن خداوند به همسران مؤمن ، مبنی بر پایان یافتن مناقشات آنان و پدید آمدن زمینه های رجوع و بازگشت آنها به زندگی مشترک خویش در ایام عدّه

فطلقوهنّ لعدّتهنّ .. لاتدری لعلّ الله يحدث بعد ذلك أمراً

برداشت یاد شده، از آن جا است که ذیل آیه شریفه، درصدد دلداری به همسران و ایجاد امید در جان و روح آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۱۳

۱۳ - خداترسی و تقوایبشگی مردان و زنان مطلقه ، موجب رهایی آنان از مشکلات در روابط زناشویی و خروج از تنگنا های زندگی

إذا طلقتم النساء .. و من یتق الله يجعل له مخرجاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۴ - ۱۰

۱۰ - خداترسی و تقوایبشگی از مردان و زنان مطلقه ، موجب رهایی آنان از مشکلات زناشویی و آسان شدن زندگی برای آنها

وَأَلَّيْ يَأْسَنُ مِنَ الْمَحِيضِ . . . وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا

زَمِينَهُ كَفَرَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ - امکان نفوذ جریان انحراف ، کفر و نفاق ، در میان اعضای بهترین خانواده ( همچون پیامبران )

امرات نوح و امرات لوط .. فخانتاهما ... وقيل ادخلا النار مع الدخلين

زمینه نفاق خانواده انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ - امکان نفوذ جریان انحراف ، کفر و نفاق ، در میان اعضای بهترین خانواده ( همچون پیامبران )

امرات نوح و امرات لوط .. فخانتاهما ... وقيل ادخلا النار مع الدخلين

زیان به خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۶

۱۶ - ستمکاران ، عامل خسران و بدبختی خود و محرومیت از خانواده خویش

إِنَّ الْخُسْرَيْنِ الَّذِينَ خَسَرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <خسروا.. أهلیهم> به معنای از دست دادن خانواده باشد.

سازگاری در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۶ - ۵

۵ عبادت خالصانه خداوند و پرهیز از هر گونه شرک ، زمینه دور ماندن زندگی زناشویی از هر گونه ناسازگاری \*

و ان خفتم شقاق بینهما .. و اعبدوا الله

به مقتضای ارتباط بین آیات می توان احتمال داد که آیه مورد بحث در حقیقت بیانگر راه حلی است برای جلوگیری از ناسازگاری بین زن و شوهر.

سرگردانی خانواده موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰

۱ - موسی (ع) و خانواده اش در سیری شبانه و در بیابان، دچار سرگردانی شده و راه را گم کردند.

إِذْ رَأَىٰ نَارًا .. بِقَبْسٍ أَوْ أَجْدَ عَلَىٰ النَّارِ هَدًى

جمله <أجد على النار هدى> دلالت می کند که موسی(ع) و همراهانش راه را گم کرده بودند و از نبود آتش فهمیده می شود که آنها در بیابانی سرگردان بودند. دیدن آتش از فاصله ای نسبتاً دور که حتی با احتمال وجود آتش، تصمیم به حرکت جمعی به سوی آن نگرفتند، حاکی از شب بودن و تاریکی منطقه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۹ - ۹

۹ - تحیر و سرگردانی موسی (ع) و خانواده اش ، در صحرای سینا به خاطر گم کردن راه

لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ

تعبیر آیه ده سوره <طه> در این مورد (لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبْسٍ أَوْ أَجْدَ عَلَىٰ النَّارِ هَدًى) به روشنی، دلالت بر مطلب یاد شده دارد.

سرنوشت خانواده ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۴

۱۴ - تأثیر منفی و زیانبار گمراهان و ستمکاران ، بر سرنوشت خود و خانواده خویش

خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَهْلِيهِمْ

سرنوشت خانواده گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۴

۱۴ - تأثیر منفی و زیانبار گمراهان و ستمکاران ، بر سرنوشت خود و خانواده خویش

خسروا أنفسهم و أهليهم

سلامتی روانی خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ -

۱۸ اهتمام اسلام به خانواده و سلامت اعتقادی و روانی آن  
و المحصنت من المؤمنت و المحصنت من الذین اوتوا الکتب

شکرگزاری خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۲

۲ - شکرگزاری لوط (ع) و خاندان مؤمن ایشان، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت و لطف ویژه خداوند و نجات یافتن از مهلکه عذاب

نَجِّينَهُمْ .. نعمه من عندنا

عبودیت خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۶

۶ - نوح (ع) و خاندانش، از بندگان مخلص و برگزیده خدا بودند.

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمَخْلُصِينَ . و لقد نادينا نوح... و نَجِّينَهُ و أهله من الكرب العظيم

ذکر داستان نوح(ع) و خاندانش پس از یاد کردن از بندگان خالص خدا در طول تاریخ، می تواند به منظور بیان الگو و نمونه ای از آن بندگان مخلص باشد.

عجز از بازگشت به خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۰ - ۲

۲ - با فرارسیدن زمان برپایی قیامت بر اثر صیحه و فریاد مرگ بار، انسان ها از مراجعه به کسان خود ناتوان خواهند بود.

صیحه وحده تأخذهم .. فلا يستطيعون توصيه و لا إلى أهلهم يرجعون



عجز از تأمین خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۳

۳ عدم قدرت بر تأمین نیازهای ضروری خانواده، در صورت رفتن به جهاد، سبب معافیت از جنگ است.

ولا

علی الذین لا یجدون ما ینفقون حرج

منظور از انفاق در <ینفقون> می تواند انفاق بر افراد تحت تکفل و واجب النفقه باشد.

عدالت در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳ - ۷

۱۷ اهمیت رعایت عدالت در روابط خانوادگی

و ان خفتم الا تقسطوا فان خفتم الا تعدلوا فواحد

عفت خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۳

۳ - خاندان لوط ، هم عقیده با وی ، پاکدامن و مخالف انحراف های جامعه خویش

قالوا أخرجوا آل لوط من قریتکم

عفت در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۵ - ۱۵

۱۵ ارزش و اهمیت پاکیزگی و پاکدامنی ، در زندگی و روابط خانوادگی

و ازواج مطهره

عفو در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۷ - ۱۲

۱۲ گذشت مالی ، راهی مناسب برای رسیدن به تقوا ، در مسائل خانوادگی

و ان تعفوا اقرب للتقوی

با توجه به مورد آیه که گذشت مالی است و بنابر اینکه مراد از <تقوا> با توجه به مورد، تقوا در مسائل خانوادگی باشد.

علاقه به خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۰ - ۶

۶ - علاقه و اشتیاق شدید انسان ها به دیدار خانواده و کسان خود ، به وقت رو به رو شدن با مرگ

فلا یستطیعون توصیه و لا الی اهلهم یرجعون

علایق خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ مال پرستی و وابستگی های خانوادگی از جمله عوامل لغزش و خیانت در شهادت

لانشتري به ثمناً و لو كان ذا قربي

عمل صالح خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۱۳

۱۳ اعمال صالح خانواده نوح (پرستش خدا و ...) مایه نجات آنان از حادثه طوفان بود نه انتسابشان به حضرت نوح (ع) .

إنه ليس من أهلک إنه عمل غير صلح

تصریح خداوند به این که <هلاکت فرزند نوح به خاطر اعمال ناصالحش بوده است > ، اشاره به این معنا دارد که: نجات دیگر اعضای خانواده نوح ، به خاطر انتسابشان به آن حضرت نبوده ؛ بلکه منزه بودنشان از اعمال ناشایست ، مایه نجاتشان بوده است .

عواطف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۱ - ۹

۹ - وجود عواطف دوستانه میان اعضای خانواده و نیز مهرورزی آنها به هم از آیات الهی است .

و جعل بینکم موّده و رحمه

احتمال دارد عبارت <و جعل بینکم .. > ادامه عبارت پیشین و ناظر به شفقت و مهر و ترحمی باشد که از ناحیه والدین به فرزندان، و بر عکس اعمال می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۱۵

۱۵ علاقه به فرزندان ، خصلتی نیکو و اظهار آن امری پسندیده است .

يأبت . . . قال بيني لاتقصص

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٨ - يوسف - ١٢ - ٨ - ٢

٢ يعقوب

(ع) همه فرزندان خویش را گرامی می داشت و به همه آنان محبت می کرد .

إذ قالوا ليوסף و أخوه أحب إلى أبينا منا

افعل تفضیل (أحب) گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۸

۸- توجه انسان به ضعف ها و نیاز های دوران کودکی و خدمات و زحمات پدر و مادر ، برانگیزنده عواطف وی نسبت به آنان است .

و قل ربّ ارحمهما كما ربّیانی صغیراً

عوامل اختلاف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۲۴

۲۴ - مردم بابل از هاروت و ماروت سحری را آموختند که بتوانند با آن بین زن و شوهرش جدایی افکنند .

فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجته

عوامل انحطاط خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۵ - ۸

۸ - تباه کردن سرمایه عمر و از کف دادن بهره از خانواده ، خسروانی روشن و تردیدناپذیر

الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه ألا ذلک هو الخسران المبین

عوامل اندوه خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- قوم بی ایمان نوح ، مایه غم شدید و اندوه بزرگ برای حضرت نوح و خاندانش بودند .

فَنَجِّينَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۳

۳- نوح (ع) و خاندانش به وسیله قوم خود ، گرفتار غم بزرگ و

مشکلات اندوه بار شدند .

و نَجِينَهُ و أَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

عوامل تباهی خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۸ - ۲۱

۲۱ - گوش نسپردن به سخنان و پیروی نکردن از بهترین آنها، موجب خسران و تباهی عمر و خانواده است .

إِنَّ الْخَسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَ أَهْلِيهِمْ .. الَّذِينَ يَسْتَمْعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ

آیات گذشته در توصیف خاسران بود و آیه مورد بحث، درباره کسانی است که در قطب مخالف زیان کنندگان قرار داشته و در سایه گوش فرا دادن به سخنان و گزینش بهترین آنها، به سعادت نایل شده اند. بنابراین از ارتباط میان آیات یاد شده، به دست می آید که استماع سخنان و گزینش بهترین آنها موجب سعادت و ترک آن سبب خسران و بدبختی است.

عوامل تحکیم خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۷

۷ - تقوا، موجب تحکیم پیوند خانوادگی است .

أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَ اتَّقِ اللَّهَ

امر <إِتَّقِ> می تواند ذکر عام بعد از امر خاص <أَمْسِكْ> باشد. در این صورت، سفارش به تقوا پس از توصیه به نگهداری همسر و طلاق ندادن وی، در واقع، سفارش به امری است که مراعات آن، می تواند عین نگهداری همسر بوده و می تواند موجب آن باشد.

عوامل زیانکاری خانواده ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۶



۱۶ - ستمکاران ، عامل خسران و بدبختی خود و محرومیت از خانواده خویش

إِنَّ الْخَسِرِينَ الَّذِينَ خَسَرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

برداشت یاد

شده بدان احتمال است که <خسروا.. أهلیهم> به معنای از دست دادن خانواده باشد.

عوامل سعادت خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۱۱

۱۱ تأثیر مثبت و سازنده دعای همسران در حق یکدیگر و در سرنوشت و سعادتشان

و الذین یقولون ربنا هب لنا من أزواجنا و ذریتنا قره أعین

دعای عباد الرحمان در حق همسران و فرزندانشان، حاکی از تأثیر مثبت دعا در سرنوشت همسر و فرزند است زیرا اگر دعا مؤثر نبود، خداوند به آن توصیه نمی فرمود.

عوامل سلامتی خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۵

۵ - نقش عمیق سرپرست خانواده در مصون داشتن آنان از فساد فراگیر جامعه

قالوا أخرجوا آل لوط من قریتمکم

عبارت <أخرجوا آل لوط> (خانواده لوط را از شهرتان بیرون کنید) نشان می دهد که در جامعه فاسدی چون جامعه قوم لوط، تنها خانواده ای که از فساد ایمن مانده بود، خانواده تحت سرپرستی لوط (ع) بوده است.

عوامل شقاوت خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۲

۲ - توصیه خداوند به مؤمنان، مبنی بر مراقبت از اعضای خانواده خود در برابر عوامل و موجبات بدبختی و دوزخی شدن آنان

یأئها الذین ءامنوا قوا.. أهلیکم نارًا

عوامل مؤثر در تربیت خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۵

۵ - سرپرست خانواده ، دارای نقشی سازنده و سرنوشت ساز ، در حیات معنوی و تربیت دینی اعضای خانواده

یأیها

الذین ءامنوا قوا أنفسکم و أهلیکم نارًا

عوامل مؤثر در زندگی خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۵ - ۱۰

۱۰ - نقش مثبت و سازنده اسلام، ایمان، فرمانبری، توبه و روزه داری در زندگی مشترک میان زنان و مردان

أن یبدله أزوجًا خیرًا منکنّ مسلمت .. سئحت

یادآوری اوصاف یاد شده برای زنان شایسته، در خلال نقل ماجرای نزاع میان پیامبر(ص) و همسرانش، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

عوامل مؤثر در سلامتی خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۷ - ۶

۶ - تأثیر جدی جامعه فاسد و منحرف بر سلامت خانواده

فأنجینه و أهله إلامرأته

خانواده لوط با این که تحت اشراف نیرومند وی، از هجوم فساد فراگیر جامعه درامان ماندند؛ اما جامعه فاسد سرانجام تأثیر مخرب خود را گذاشت و همسر وی را از او جدا ساخت.

عوامل نجات خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۹ - ۳

۳- پاکی خاندان لوط (ع) و دوری از هرگونه جرم و تبه کاری، عامل نجات همه آنان از عذاب الهی

إنا أرسلنا إلی قوم مجرمین . إلا ءال لوط إنا لمنجّوهم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - شکرگزاری لوط (ع) و خاندان مؤمن ایشان ، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت و لطف ویژه خداوند و نجات یافتن از مهلکه عذاب

نَجِّينَهُمْ .. نَعْمَةٌ مِنْ عِنْدِنَا

فراق ایوب (ع) از خانواده

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۴ - ۸

۸- ایوب (ع) ، به گرفتاری فراق و از دست دادن خانواده اش مبتلا شده بود .

و ءاتینه أهله

فضایل خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۱ - ۲

۲- خاندان حضرت لوط (ع) ، برخوردار از عنایت ویژه خداوند

فلما جاء ءال لوط المرسلون

از ورود فرشتگان به عنوان مهمان بر خاندان لوط(ع) و نه بر خود لوط(ع) بیانگر عنایت خاص خداوند به آنان و جایگاه بلند ایشان است.

فضایل خانواده موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۹ - ۵

۵- در بین اعضای خانواده موسی (ع) برای همگامی با او در ابلاغ رسالت های الهی ، افرادی شایسته ای وجود داشتند .

واجعل لی وزیرًا من أهلی

موسی(ع) در خواسته خود ابتدا نام هارون را ذکر نکرد، بلکه به صورت کلی وزیری خواست که از خاندان او باشد، این بیان نشان می دهد که او افراد دیگری را نیز در بین خاندان خویش، شایسته آن کار می دید و گرنه از همان ابتدا نام هارون را در خواسته خود ذکر می کرد.

فضایل خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- خاندان نوح از مؤمنان به رسالت نوح (ع) و بهره مند از لطف ویژه خداوند

فنجینه و أهله من الكرب العظيم

نجات خاندان نوح(ع)، بیانگر عنایت ویژه خداوند به ایشان و نیز حاکی از ایمان آنان

به رسالت نوح(ع) است زیرا اگر آنان مانند قوم نوح کافر بودند، نجات نمی یافتند. گفتنی است آیه بعد (و نصرناه من القوم الذین کذبوا...) مؤید همین نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۷۶ - ۶

۶- نوح (ع) و خاندانش ، از بندگان مخلص و برگزیده خدا بودند .

إلّا عباد الله المخلصین . و لقد نادینا نوح... و نجینه و أهله من الكرب العظيم

ذکر داستان نوح(ع) و خاندانش پس از یاد کردن از بندگان خالص خدا در طول تاریخ، می تواند به منظور بیان الگو و نمونه ای از آن بندگان مخلص باشد.

کافران خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱۲

۱۲ - وجود فرد یا افراد کافر ، در میان خاندان نوح (ع)

فاسلك فیها .. إلّا من سبق علیه القول منهم

کتمان رازهای خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۳ - ۱۵

۱۵ - لزوم حفظ و نگهداری اسرار خانوادگی و زناشویی از دیگران ، حتی از برخی از اعضای خانواده

و إذ أسرّ النبیّ إلى بعض أزوجه حدیثاً .. نبأنی العلیم الخیر

کفر خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۵



۵- ایمان نیاوردن برخی از اعضای خاندان نوح (ع)

و لمن دخل بیتی مؤمناً

مطلب یاد شده، از قید <مؤمناً> استفاده می شود.

کیفیت هجرت خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- حرکت حضرت لوط (ع) و خاندانش از شهر، حرکتی دسته جمعی، سریع، به دور از انظار مردم و محرمانه بود.

فأسر بأهلك بقطع من اليل .. و امضوا حيث تؤمرون

نظارت حضرت لوط (ع) بر حرکت خاندانش (و اتبع أديبارهم) بیانگر حرکت دسته جمعی، و حرکت در ظرف زمانی محدود (بقطع من الیل) نشانگر حرکت سریع، و سیر شبانه در پاسی از شب دلیل محرمانه رفتن از شهر است.

گناه اختلاف فکنی در خانواده ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۲۸

۲۸ - جدایی انداختن بین زن و شوهر به وسیله سحر، گناهی در حد کفر است .

إنما نحن فتنه فلا تكفر فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجته

محدوده خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۰ - ۸

۸- همسر، جزو آل و خاندان مرد است .

ءال لوط .. إلا امرأته

محدوده مسؤولیت سرپرست خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۱۵

۱۵ - > أبی بصیر قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله : < قوا أنفسكم و أهلیکم ناراً و قودها الناس و الحجارة > قلت : هذه نفسی أقیها فكیف أقی أهلی ؟ قال : تأمرهم بما أمرهم الله و تنهاهم عما نهاهم الله عنه فإن أطاعوك كنت قد وقیتهم و إن عصوك فکنت قد قضیت ما علیک ;

ابی بص ۴۷ یر گوید: از امام صادق (ع) درباره سخن

خداوند: <قوا أنفسکم و أهلیکم ناراً..> سؤال کردم و گفتم: نفس خود را از آتش حفظ می کنم؛ چگونه خانواده خود را حفظ کنم؟ فرمود: آنان را به آنچه خداوند امر فرموده، امر کن و از آنچه خدا نهی فرموده، نهی کن. پس اگر از تو پیروی کردند، تو آنان را حفظ نموده ای و اگر نافرمانی کردند، تو تکلیف خود را انجام داده ای.>

مدیریت خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۹ - ۲۶

۲۶ سرپرستی و مدیریت مرد در خانواده \*

الطلاق مَرَّتَانِ فَمَا سَاكُ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ . . . فَاوْلَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

چون حفظ و از هم پاشیدن بنای خانواده به دست مردان است، بنابراین سرپرستی و مدیریت خانواده به عهده اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۱۸، ۱۱، ۶، ۲، ۱

۱ مدیریت و سرپرستی زنان هر جامعه بر عهده مردان است .

الرجال قوامون على النساء

در برداشت فوق، کلمه <الرجال> و <النساء>، مطلق مردان و زنان گرفته شده، نه خصوص شوهران و همسران آنان. قوام به کسی گفته می شود که تدبیر و اصلاح دیگری را بر عهده دارد.

۲ شوهران، وظیفه دار سرپرستی و مدیریت همسران خویش

الرجال قوامون على النساء

به قرینه <بما انفقوا>، مراد از <الرجال> شوهران و <النساء> همسران آنان خواهد بود؛ زیرا هزینه زندگی زنان بر عهده شوهران خویش است و نفقه مطلق زنان بر عهده مردان نیست.

۶ برتری مردان بر زنان، فلسفه تشریح حق سرپرستی و مدیریت آنان بر همسران خویش

الرجال قوامون على النساء

بما فضل الله بعضهم على بعض

۱۱ تأمین هزینه های زندگی از سوی مردان ، فلسفه تشریح حق مدیریت و سرپرستی آنان بر همسران خویش

الرجال قوامون على النساء . . . و بما انفقوا من اموالهم

۱۸ سلامت خانواده در گرو مدیریت مرد ، تأمین زندگی از سوی او ، و اطاعت و حفظ حقوق شوهر از سوی زن است .

الرجال قوامون على النساء . . . و بما انفقوا ... فالصالحات قانتات حافظات للغيب

چون در ذیل آیه و آیات بعد به مسأله اختلافات خانوادگی پرداخته است، معلوم می شود که توصیه ها و قوانین مطرح شده برای جلوگیری از اختلافات و به خطر افتادن سلامت خانواده است.

مدیریت در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۱

۱ لزوم پیشگیری از به هم خوردن سلامت خانواده ، در صورت ناسازگاری شوهر وظیفه ای بر عهده زنان

و إن امراه خافت من بعلها .. فلا جناح عليهما ان يصلحا بينهما صلحاً

کلمه <خافت>، بیانگر ترس از وقوع است، نه خود وقوع.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۱۰

۱۰ تسلط و مدیریت یعقوب (ع) بر خانواده و فرزندان خویش

يأبانا منع منا الكيل فأرسل معنا أخانا نكتل

مسافرت خانواده موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷ - ۴،۵

۴ - همراهی خانواده موسی ( همسر و فرزندانش ) با وی در سفر از < مدین >

إذ قال موسى لأهله .. لعَلَّكم تصطلون

تعبیر < سئآتیکم > و < لعَلَّكم تصطلون > ( با ضمائر جمع ) نشان

می دهد که همراهیان موسی بیش از یک نفر بوده اند و تعبیر <أهل> بیانگر آن است که همه آنان از نزدیکان (همسر و فرزندان) او بوده اند.

۵ - گرفتاری موسی (ع) و خانواده اش در سردی هوا، تاریکی شب و گم کردن راه در مسیر سفر

إذ قال موسى لأهله .. سئاتيكم منها بخبر... لعلكم تصطلون

مسافرت شبانه خانواده موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰ - ۱

۱ - موسی (ع) و خانواده اش در سیری شبانه و در بیابان، دچار سرگردانی شده و راه را گم کردند.

إذ رء نارًا .. بقبس أو أجد على النار هدى

جمله <أجد على النار هدى> دلالت می کند که موسی(ع) و همراهیانش راه را گم کرده بودند و از نبود آتش فهمیده می شود که آنها در بیابانی سرگردان بودند. دیدن آتش از فاصله ای نسبتاً دور که حتی با احتمال وجود آتش، تصمیم به حرکت جمعی به سوی آن نگرفتند، حاکی از شب بودن و تاریکی منطقه است.

مسوول رفع مشکلات خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۷ - ۱۵

۱۵ - شوهران باید برای رفع رنج ها و سختی های همسران خویش تلاش کنند .

فلايخر جنكما من الجنة فتشقى

با توجه به این که دشمنی شیطان با آدم(ع) و حوا یکسان بوده است و وی در صدد آن بوده که هر دو را از بهشت بیرون کند و به مشقت اندازد ولی با این حال فعل <تشقى> به صورت مفرد آمده است. بنابراین

رفع رنج و سختی های حوا نیز، بر دوش آدم(ع) بوده است.

مسئولیت خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۶

۶- حضرت لوط (ع) و خاندانش ، مأمور شدند تنها به سوی مکانی که تعیین خواهد شد ، حرکت کنند و حق انتخاب مکان دیگری را نداشتند .

فأسر بأهلك .. و امضوا حیث تؤمرون

مسئولیت سرپرست خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۳

۳ - خیرخواهی برای اعضای خانواده و تربیت دینی آنان ، تکلیفی بایسته برعهده سرپرست و مدیر خانواده

قوا .. أهلیکم نارًا

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که مصداق اصلی تلاش برای حفاظت اعضای خانواده از دوزخی شدن آنان، تربیت دینی آنان و گزینش راه و روش خیرخواهانه در این راستا است.

مسیر هجرت خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۱۰، ۶

۶- حضرت لوط (ع) و خاندانش ، مأمور شدند تنها به سوی مکانی که تعیین خواهد شد ، حرکت کنند و حق انتخاب مکان دیگری را نداشتند .

فأسر بأهلك .. و امضوا حیث تؤمرون

۱۰- > قال أبو جعفر (ع) : ... > فلما جاء آل لوط المرسلون < ... قالوا ... > فأسر بأهلك < یا لوط إذا مضی لك من



يومك هذا سبعة أيام و لياليها > بقطع من الليل < إذا مضى نصف الليل > ... و امضوا < من تلك الليلة

> حیث تومرون < ... ;

امام باقر(ع) فرمود: هنگامی که فرشتگان خدا به سوی خاندان لوط آمدند... گفتند:... ای لوط! پس از گذشت هفت شبانه روز از این تاریخ، در نیمه های شب خانواده خود را از این سرزمین بیرون ببر... و در آن شب به هر جا که فرمانتان داده اند بروید...<

مشاوره در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۶ - ۱۴

۱۴ - شیردادن دایگان ، به نوزادان زنان مطلقه ، تنها در صورت ضرورت و با مشورت و هم فکری پدر و مادر آنان ، شایسته و بجا است .

و أتمروا بینکم بمعروف و إن تعاسرتم فسترضع له أٌخری

مشورت در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۳ - ۲۶،۲۷

۲۶ جواز گرفتن فرزند از شیر قبل از دو سال ، به شرط رضایت ، مشورت و توافق پدر و مادر

فان ارادا فصالا عن تراض منهما و تشاور فلا جناح علیهما

چون حدّ کمال شیر دادن دو سال است، بنابراین <فصال> پس از دو سال طبیعی است و نیاز به مشورت و توافق ندارد؛ لذا مراد از <فصال> در آیه شریفه، <فصال> قبل از دو سال است.

۲۷ جدا کردن طفل از شیر مادر ، باید پس از مشورت با صاحب نظران و توافق والدین صورت گیرد .

فان ارادا فصالا عن تراض منهما و تشاور فلا جناح علیهما

در برداشت فوق، <فصال> حمل شده بر <فصال> از شیر مادر، نه از هر شیریه؛ یعنی توافق می کنند که مادر دیگر شیر ندهد

و برای تکمیل مدّت شیر، کودک را به دایه ای بسپارند.

مقامات خانواده ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۳ - ۷

۷ ابراهیم (ع) و خانواده او، دارای منزلت و مقامی والا در پیشگاه خداوند

رحمت الله و برکته علیکم أهل البيت

مقامات خانواده محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۱۱

۱۱ - خاندان پیامبر (ص) در پیشگاه خداوند، از مقامی والا برخوردار بودند.

وأمر أهلك بالصلوة

مکر علیه خانواده صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۰ - ۱

۱ - مکر و حيله مخالفان صالح پیامبر علیه وی و خانواده اش

قالوا تقاسموا بالله لنبیتنه و أهله .. و مکروا مکراً

متعلق <مکروا> حذف شده و تقدیر آن با توجه به آیه قبل چنین است: <و مکروا به و بأهله مکراً> آنان علیه او و خانواده اش خدعه کردند.

ملاک روابط خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- توحید و پرهیز از شرک ، باید حاکم بر مجموعه روابط فردی ، خانوادگی و اجتماعی باشد .

و لاتجعل مع الله إلهًا آخر

ذکر مجموعه تعالیم فردی، خانوادگی و اجتماعی در بین دو نهی از شرک، (آیه ۲۲ و این آیه) می تواند مشعر به حقیقت یاد شده باشد.

ملاک مشاوره در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۶ - ۹

۹ - توجه به مصالح و

منافع نوزادان و نیز رعایت موازین شرعی و عقلی ، باید اساس و مبنای مشاوره و هم فکری مردان و زنان مطلقه باشد .

و أتمروا بینکم بمعروف

<معروف> اسم برای هر کاری است که از نظر عقل و شرع، حسن و خوبی آن شناخته شده باشد (مفردات راغب).

ملائکه و خانواده لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۵

۱۵ فرشتگان ، از لوط ( ع ) و خاندانش خواستند که به هنگام خروج از دیارشان ، از حرکت باز نایستند و به سوی خانه و کاشانه باز نگردند .

و لایلتفت منکم أحد

منشأ نجات خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۰ - ۲

۲ - نجات لوط ( ع ) و همه کسانش ، به اراده خداوند و در پی استمداد وی برای رهایی از مکافات عمل قومش

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون . فنّجینہ و أهله أجمعین

منشأ نجات خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۴

۴ - نجات نوح ( ع ) و خاندان و همراهان او از شر ستمگران ، به اراده خداوند

فقل الحمد لله الذی نجّنا من القوم الظلمین

منیت خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۲

۲- حضرت لوط (ع) به نظارت و مراقبت بر خروج خاندانش از شهر برای در امان ماندن از عذاب الهی ، مأمور گردید .

فأسر بأهلك .. و اتبع أدبرهم

مقصود از به

دنبال خاندان رفتن (و اَتبع اَدبارهم) می تواند کنایه از مراقبت و نظارت از خروج آنان باشد که مبادا کسی به شهر برگردد و از رفتن منصرف شود. جمله بعدی (و لایلتفت منکم ...) مؤید همین مطلب است.

ناپایداری روابط خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۵ - ۵

۵ - خداوند، آگاه به وجود نشیب و فراز در مراحل حیات دنیوی و اخروی انسان و ناپایدار ماندن محفل های خانوادگی و خوش گذرانی های دنیامداران

بلی إن ربّه کان به بصیرًا

هر چند ضمیر در <ربّه> و <به>، به منکر معاد برمی گردد؛ ولی محتوای آیه شریفه، به جنبه انسان بودن آنان مربوط است.

ناسازگاری در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۵ - ۲

۲ لزوم تلاش برای حفظ خانواده و سالم سازی محیط آن و پیشگیری از بروز ناسازگاری زن و شوهر

و ان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

نجات خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۲۶، ۲۷ - ۱۳

۱۳ نجات لوط (ع) و خانواده اش در گرو خروج آنان از دیار قوم لوط بود.

فأسر بأهلک بقطع من الیل

۲۶ > عن ابی جعفر (ع) : ... > فلما جاء آل لوط المرسلون ... قالوا : ... > فأسر بأهلک < یا لوط إذا مضی لک من

یومک هذا سبعة أيام و لیالیها > بقطع من اللیل < إذا مضی نصف اللیل

؛ ...

از امام باقر(ع) روایت شده است: ... هنگامی که فرشتگان خدا به سوی خاندان لوط آمدند ... گفتند: ... ای لوط! از این تاریخ پس از گذشت هفت شبانه روز نیمه شب خانواده خود را از این سرزمین بیرون ببر ...>

۲۷ > عن أبي جعفر (ع) : ... إن الله تعالى لما أراد عذابهم ( قوم لوط ) ... بعث إليهم ملائكة ... وقالوا للوط : أسر بأهلك من هذه القرية الليلة ... فلما إنتصف الليل سار لوط ببناته ... ;

از امام باقر روایت شده است: ... هنگامی که خداوند اراده کرد قوم لوط را عذاب کند، فرشتگانی را به سوی آنان فرستاد ... آنان به لوط گفتند: امشب خانواده خود را از این آبادی برون ببر ... چون شب به نیمه رسید، لوط دختران خود را از آبادی بیرون برد ...>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۹ - ۲

۲- مأموران الهی ، خاندان لوط ( ع ) را از عذاب نازل شده بر قوم وی نجات دادند .

إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين . إلا آل لوط إنا لمنجّوهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۱

۱- فرشتگان ، از حضرت لوط ( ع ) خواستار خارج ساختن خاندانش از شهر در پاسی از شب ، جهت نجات از عذاب الهی شدند .

فأسر بأهلك بقطع من اليل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء



۱ - استعجابت دعای لوط (ع) مبنی بر نجات خود و کسان خود ، از شر قوم زشتکارش از سوی پروردگار

رَبِّ نَجْنِي وَ أَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ . فَتَجِينَهُ وَ أَهْلَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۱ - ۱،۴

۱ - نجات همه خانواده لوط از عذاب الهی ، به جز همسر پیر او

فَتَجِينَهُ وَ أَهْلَهُ أَجْمَعِينَ إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ

<عجوز> به معنای پیر زن و <عجوزاً> مستثنی از <أهله> است. <غبور> (مصدر <غابرين>) نیز به معنای باقی ماندن است. بنابراین، <غابرين> به کسی گفته می شود که همراهانش بروند و او باقی بماند.

۴ - نجات لوط (ع) و اهلش از عذاب الهی ، در گرو خروج آنان از شهر

فَتَجِينَهُ وَ أَهْلَهُ أَجْمَعِينَ . إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ

از واژه <الغابرين> استفاده می شود که بر جای ماندگان در شهر، گرفتار عذاب شدند و بیرون روندگان از شهر نجات یافتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۱،۲

۱ - نجات لوط (ع) و خاندانش به جز همسر وی و هلاکت قوم زشت کردارش ، آیتی بزرگ و عبرت آموز برای دیگران

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

<ذلك> به جریان نجات لوط(ع) و کسان وی و نیز هلاکت قوم فساد پیشه اش اشاره دارد. <آیه> در این جا معادل <عبره> است و نکره آمدن آن برای بیان عظمت واقعه و درسی می باشد که در آن نهفته است.

۲ - هلاکت قوم فساد پیشه لوط و نجات وی و خاندانش به

جز همسر وی نمودی از سنت مستمر الهی در یاری رسانی به حق و سرکوب باطل

إِنَّ فِي ذَلِكْ لَآيَةٍ

نشانه و مایه عبرت بودن سرگذشت قوم لوط، در صورتی است که درباره دیگر امت ها قابل تکرار باشد و به تعبیر دیگر، سنتی مستمر به شمار آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۷ - ۱

۱ - نجات لوط (ع) و خانواده اش به جز همسر وی از عذاب نازل شده بر قوم لوط

فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۴ - ۱

۱ - لوط (ع) و خاندان او، از عذاب نازل شده بر قوم شان نجات یافتند.

إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۴ - ۳

۳ - هلاکت تمامی قوم لوط با عذاب الهی، به جز شخص لوط (ع) و خاندان او

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۱

۱ - نجات لوط (ع) و خاندان آن حضرت از مهلکه عذاب، نعمت و امتنان الهی بر ایشان

نَجَّيْنَاهُمْ... نَعْمَةٌ مِنْ عِنْدِنَا

نجات خانواده لوط (ع) از عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۲ - ۵

۵ - ملائکه مأمور عذاب قوم لوط ، به ابراهیم (ع) اطمینان دادند که لوط (ع) و

اهل اش را ، حتماً از عذاب نجات خواهند داد .

قالوا نحن أعلم بمن فيها لننجيها و أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۱۴

۱۴ - فرشتگان مأمور عذاب قوم لوط ، به لوط (ع) اعلام کردند که او و خانواده اش ، به جز همسرش را ، از عذاب نجات خواهند داد .

إنا منجوك و أهلک إلا امرأتک

نجات خانواده نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۱،۱۳

۱۱ نوح (ع) از ناحیه خداوند به نجات خانواده خویش و سوار کردن آنان به کشتی موظف شد .

قلنا احمل فيها .. أهلک

کلمه <اهل> در <اهلک> عطف بر <زوجین> و در حقیقت مفعول برای <احمل> است.

۱۳ خداوند ، نوح (ع) را از سوار کردن کفرپیشگان خانواده اش بر کشتی نجات ، منع کرد .

احمل فيها .. أهلک إلا من سبق علیه القول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۱۳

۱۳ اعمال صالح خانواده نوح (پرستش خدا و ...) مایه نجات آنان از حادثه طوفان بود نه انتسابشان به حضرت نوح (ع) .

إنه ليس من أهلک إنه عمل غير صلح

تصریح خداوند به این که <هلاکت فرزند نوح به خاطر اعمال ناصالحش بوده است> ، اشاره به این معنا دارد که: نجات دیگر اعضای خانواده نوح ، به خاطر انتسابشان به آن حضرت نبوده؛ بلکه منزه بودنشان از اعمال ناشایست ، مایه نجاتشان بوده

است.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۷

۷- خداوند ، نوح (ع) و خاندانش را از غم شدید و اندوه بزرگ ناشی از انجام رسالت خویش نجات داد .

فَنجِّينَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۱،۲

۱ - نوح (ع) و خاندانش ، به عنایت خداوند از اندوه بزرگ نجات یافتند .

و نَجِّينَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

۲ - نوح (ع) و خاندانش ، به لطف الهی از عذاب طوفان نجات یافتند .

و نَجِّينَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

مقصود از <اندوه بزرگ> یا طوفان است و یا اذیت و آزار مردم کافر. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

نظام خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴ - ۳

۳ استقلال مالی زن در نظام خانواده

و اتوا النِّسَاءَ صِدْقَاتِهِنَّ

نظام خانواده در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۳

۳- مردسالاری ، در دوران جاهلی بر خانواده ها سایه افکنده بود .

و إذا بشر أحدهم بالأنثى ظلّ وجهه .. يتوری من القوم من سوء ما بشر به أيمسكه

نعمت خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۶ - ۲

۲ - بودن در کنار همسران خود و برخورداری از آرامش و موهبت های طبیعت ، از نعمت های الهی و دلپذیر برای همگان

فی شغل فکھون . هم و أزوجهم

فی ظلل علی الأرائک متکئون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه درصدد بیان نعمت های الهی برای اهل بهشت و تشویق مردم به ایمان برای برخوردار شدن از این نعمت ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۳ - ۵

۵ - خانواده ( زن و فرزند ) ، نعمت و موهبت الهی

و وهبنا له أهله و مثلهم معهم

نعمت نجات خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۹

۹ - نجات نوح ( ع ) و خاندانش از غمی بزرگ ، از نعمت ها و الطاف الهی به آن حضرت

و لقد نادینا نوح . . . و نجینه و أهله من الكرب العظيم

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های اعطا شده به حضرت نوح(ع) و امتنان بر ایشان است.

نعمتهای خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۱

۱ - نجات لوط ( ع ) و خاندان آن حضرت از مهلکه عذاب ، نعمت و امتنان الهی بر ایشان

نجینهم . . . نعمه من عندنا

نقش اصالت خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۷- اصالت خانوادگی و نسبی ، در سعادت و کمال فرزندان نقش مؤثری دارد .

من ذرّیه اءادم . . من ذرّیه ابرهیم و اءسراءیل

مطرح شدن پیامبران الهی در طول یک سلسله و ذرّیه های مشخص نشان از نقش نسب و خانواده

در کمال فرزندان دارد.

نقش خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵ - ۴

۴- پدران و نیاکان و محیط خانوادگی و اجتماعی ، دارای نقشی مؤثر در باور های هر نسل

قالوا اتخذ الله ولداً . ما لهم به من علم و لا لأبائهم

ذکر <لأبائهم> اشاره به یکی از زمینه های اصلی گرایش ها و عقاید مردم عصر بعثت که همان روحیه تقلید و دنباله روی از نیاکان است دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۸ - ۷

۷- خانواده به ویژه پدر ، در رشد یا انحطاط اخلاقی فرزندان نقشی مؤثر دارد .

ما كان أبوك امرأ سوء و ما كانت أمك بغياً

تعبیری که قوم مریم در باره پدر او به کار بردند، نفی همه پلیدی ها بود، حاکی از این که بدی های پدر هرچه باشد زمینه مناسبی برای فساد فرزندان خواهد شد و تأثیر رفتار مادر به آن گسترده نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۳ - ۷

۷- تأثیرپذیری انسان ، از خانواده و جامعه خویش

قالوا وجدنا ءاباءنا لها عبدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴ - ۱۷

۱۷ - نقش بنیادین خانواده در صلاح و فساد فرزندان

إنَّه كان من المفسدين

جمله <إنَّه كان..> به منزله تعلیل برای <علا فی الأرض...> است، یعنی، فرعون بدان جهت که از خاندانی مفسد به وجود آمده و در میان آنها رشد کرده بود، خوی برتری طلبی را از آنان

به ارث برده بود.

نقش سرپرست خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۵

۵ - نقش عمیق سرپرست خانواده در مصون داشتن آنان از فساد فراگیر جامعه

قالوا أخرجوا آل لوط من قريبتكم

عبارت <أخرجوا آل لوط> (خانواده لوط را از شهرتان بیرون کنید) نشان می دهد که در جامعه فاسدی چون جامعه قوم لوط، تنها خانواده ای که از فساد ایمن مانده بود، خانواده تحت سرپرستی لوط(ع) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۵

۵ - سرپرست خانواده، دارای نقشی سازنده و سرنوشت ساز، در حیات معنوی و تربیت دینی اعضای خانواده

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا

نوح(ع) و نجات خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۱

۱ نوح (ع)، پس از شروع طوفان و انجام مقدمات حرکت، از پیروان و خانواده اش خواست تا بر کشتی سوار شوند.

و قال اركبوا فيها

به نظر می رسد جمله <قال اركبوا...> عطف بر جملاتی مقدر باشد که به خاطر دخالت نداشتن آنها در هدفهای نقل ماجرا بیان نشده است؛ یعنی: قلنا احمل فيها... ففعل كذا و كذا و قال اركبوا فيها.... و لذا در برداشت <انجام مقدمات حرکت> آورده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ نوح (ع) ، براساس وعده خداوند به نجات افراد خانواده اش و التزام خداوند به وعده های

خویش ، خواستار نجات فرزندش شد .

إِن ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنْ وَعْدُكَ الْحَقُّ

نهی به خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۴

۴- خداوند حضرت لوط (ع) و خاندانش را از بازگشت به شهر خود که در معرض عذاب بود برحذر داشت .

فَأَسْرَ بِأَهْلِكَ... وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ

مقصود از التفات و توجه در آیه شریفه به قرینه فرمان خروج از شهر (فأسر بأهلك) بازگشتن و روی آوردن به شهری است که آنان در آن جا ساکن بودند.

نیازهای خانواده موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷ - ۶

۶- قرار گرفتن خانواده موسی در شرایط نیاز به دلگرمی و امید

إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِأَهْلِهِ... سَأْتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ... تَصْطَلُونَ

از تعبیر <إِنِّي آنست ناراً> و <سأتيكم> که جمله اول به صورت مؤکد به <إِنَّ> و جمله دوم به صورت مؤکد با حرف تنفیس آمده است استفاده می شود که خانواده موسی در شرایط اضطراب آور و دلهره آمیزی قرار داشتند که موسی می بایست به آنان دلگرمی می داد و امید می بخشید.

نیازهای مادی خانواده شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۵

۵- نیاز خانواده شعیب به اجیر کردن مردی جهت نگه داری گوسفندانشان

قالت إحدیهما یأبت استئجره

با توجه به آیات پیشین، مراد از <استئجره> استیجار برای نگه داری گوسفندان شعیب می باشد.

ورود ملائکه بر خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۱ - ۱

۱- فرشتگان مأمور عذاب قوم لوط ، به عنوان مهمان بر خاندان حضرت لوط ( ع ) وارد شدند .

و تَبْنَهُمْ عَنْ ضَيْفٍ إِبْرَاهِيمَ .. فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ... فَلَمَّا جَاءَ آلَ لُوطَ الْمُرْسَلُونَ

الف و لام در <المرسلون> برای عهد ذکری است و اشاره به رسولانی دارد که نزد حضرت ابراهیم(ع) آمدند و عذاب قوم لوط را مطرح ساختند (قال فما خطبکم ایها المرسلون، آیه ۵۷) و این نشان دهنده آن است که مهمانان ابراهیم(ع) بر لوط(ع) وارد شدند. گفتنی است که آیه ۶۸ نیز مؤید این نکته است.

وعدۀ نجات خانوادۀ نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ - ۵

۵ نوح (ع) ، براساس وعده خداوند به نجات افراد خانواده اش و التزام خداوند به وعده های خویش ، خواستار نجات فرزندش شد .

إِن ابْنِي مِنَ أَهْلِي وَإِن وَعْدُكَ الْحَقُّ

وقت نجات خانوادۀ لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۴ - ۴

۴ - نجات یافتن خاندان لوط ، از سرنوشت هلاکت بار قومشان به هنگام سحر

نَجَّيْنَهُمْ بِسِحْرِ

هجرت خانوادۀ لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۳



۱۳ نجات لوط (ع) و خانواده اش در گرو خروج آنان از دیار قوم لوط بود.

فأسر بأهلك بقطع من الیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۱ - ۴

۴ - نجات لوط (ع)

( و اهلش از عذاب الهی ، در گرو خروج آنان از شهر

فَنَجِّينَهُ و أهله أجمعين . إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَبْرِينَ

از واژه <الغابرين> استفاده می شود که بر جای ماندگان در شهر، گرفتار عذاب شدند و بیرون روندگان از شهر نجات یافتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۲ - ۱

۱ - هلاکت قوم لوط ، پس از خروج وی و خاندان مؤمنش از شهر

فَنَجِّينَهُ و أهله . . . ثُمَّ دَمَّرْنَا الْأَخْرِينَ

<تدمیر> (مصدر <دمرنا>) مرادف <إهلاك> و به معنای نابود کردن و از میان برداشتن است؛ یعنی، <سپس دیگران را هلاک گردانیدیم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۴ - ۶

۶ - خروج مخفیانه خاندان لوط ، تدبیری الهی ، برای دفع مزاحمت کافران نسبت به ایشان \*

نَجِّينَهُمْ بِسِحْرِ

انتخاب لحظات تاریک سحر برای خروج خاندان لوط، احتمال دارد از آن جهت باشد که خروج علنی، آنان را در معرض مزاحمت کافران قرار می داد.

هجرت خانواده موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۹ - ۲

۲ - هجرت موسی (ع) به همراه همسر و فرزندانش از مدین ، پس از پایان یافتن مدت قراردادش با شعیب (ع)

فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ

گرچه واژه <أهل> انصراف به زوجه دارد؛ لکن با توجه به تعبیر <امکثوا> (با خطاب جمع) معلوم می شود علاوه بر همسر حداقل دو نفر دیگر نیز که به احتمال قوی فرزندان او بوده اند او را همراهی می کردند.

هجرت شبانه خانواده لوط (ع)

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۱۱، ۱۰، ۳، ۲، ۱

۱- فرشتگان، از حضرت لوط (ع) خواستار خارج ساختن خاندانش از شهر در پاسی از شب، جهت نجات از عذاب الهی شدند.

فأسر بأهلك بقطع من اليل

۲- حضرت لوط (ع) به نظارت و مراقبت بر خروج خاندانش از شهر برای در امان ماندن از عذاب الهی، مأمور گردید.

فأسر بأهلك .. و اتبع أدبرهم

مقصود از به دنبال خاندان رفتن (و اتبع أدبرهم) می تواند کنایه از مراقبت و نظارت از خروج آنان باشد که مبادا کسی به شهر برگردد و از رفتن منصرف شود. جمله بعدی (و لایلتفت منکم ...) مؤید همین مطلب است.

۳- لوط (ع)، مأموریت یافت که هم زمان با خارج ساختن خاندانش از شهر، خود نیز در پی آنان حرکت کند.

فأسر بأهلك .. و اتبع أدبرهم

۱۰- < قال أبو جعفر (ع) : ... > فلما جاء آل لوط المرسلون < ... قالوا ... > فأسر بأهلك < یا لوط إذا مضى لك من یومك هذا سبعة أيام و لیالیها > بقطع من اللیل < إذا مضى نصف اللیل > ... و امضوا < من تلک اللیله > حیث تؤمرون < ... >

امام باقر(ع) فرمود: هنگامی که فرشتگان خدا به سوی خاندان لوط آمدند .. گفتند: ... ای لوط! پس از گذشت هفت شبانه روز از این تاریخ، در نیمه های شب خانواده خود را از این سرزمین بیرون ببر ... و

در آن شب به هر جا که فرمانتان داده اند بروید...>

۱۱- > عن أبي جعفر (ع) : ... إن الله تعالى لَمَّا أَرَادَ عَذَابَهُمْ (قوم لوط) ... بَعَثَ إِلَيْهِمْ مَلَائِكَةً ... وَقَالُوا لِلْوَط : أَسْرَ بِأَهْلِكَ مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ اللَّيْلَةَ ... فَلَمَّا انْتَصَفَ اللَّيْلَ سَارَ لُوطٌ بِبَنَاتِهِ ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود:.. هنگامی که خداوند تعالی اراده کرد قوم لوط را عذاب کند، فرشتگانی را به سوی آنان فرستاد ... آنان به لوط(ع) گفتند: امشب خانواده خود را از این قریه کوچ بده ... چون شب به نیمه رسید آن حضرت به همراهی دخترانش کوچ کرد...>

همنشینی اخروی با خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۳ - ۴

۴ - شادمانی از حضور بین خانواده و دودمان خویش در آخرت ، غیر قابل قیاس با دل خوشی به حضور بین آنان در دنیا است

و ينقلب إلى أهله مسرورًا .. إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا

آیه شریفه حضور فرح بخش بین خویشاوندان در آخرت را به عنوان پاداش یاد کرده و شادکامی بین خاندان در دنیا را ناپایدار و بی اثر در رفع مشکلات قیامت معرفی کرده است؛ تا تفاوت دو حالت نمودار گردد.

همنشینی دنیوی با خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۳ - ۴

۴ - شادمانی از حضور بین خانواده و دودمان خویش در آخرت ، غیر قابل قیاس با دل خوشی به حضور بین آنان

در دنیا است .

و ينقلب إلى أهله مسرورًا .. إنّه كان في أهله مسرورًا

آیه شریفه حضور فرح بخش بین خویشاوندان در آخرت را به عنوان پاداش یاد کرده و شادکامی بین خاندان در دنیا را ناپایدار و بی اثر در رفع مشکلات قیامت معرفی کرده است؛ تا تفاوت دو حالت نمودار گردد.

### خانه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خانه

آثار علاقه به خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۱۳

۱۳ - خانه و زندگی ، از جمله نگرانی انسان است و وابستگی به آنها ، باعث تزلزل در جهاد می شود .

يقولون إنّ بيوتنا عورة و ما هي بعورة

آداب حضور در خانه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۱۵

۱۵ - میهمانان پیامبر ( ص ) پس از صرف غذا ، نباید به انتظار گفت و گو با اهل خانه آن حضرت ، مجلس را طولانی می کردند .

فانتشروا و لامستتسین لحدیث

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که سرگرم شدن به گفت و گو، مربوط به اهل خانه باشد و نه گفت و گو با هم. لازم به ذکر است که فراز <و إذا سألتهمون...> مؤید این برداشت است.

آداب ورود به خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- ورود از پشت خانه ها و نه از درب های ورودی ، از آداب حج در سنت های مردم عصر جاهلی

و لیس البر بأن تأتوا البيوت من ظهورها

بیان رسم جاهلیت، مبنی بر وارد شدن به خانه از پشت آنها و نه از

درب ورودی - پس از ذکر حج - دلالت بر این دارد که سنت یاد شده از آداب حج در زمان جاهلیت بوده است.

۸- ورود حاجیان به خانه ، از پشت آن و پرهیز از راه های متعارف ، عملی نیکو در دیدگاه مردم عصر جاهلیت

و ليس البر بأن تأتوا البيوت من ظهورها

نهی نیکو از رسم یاد شده (لیس البر)، دلالت می کند که آن رسم در نزد مردم جاهلی، رسمی نیکو و ارجمند بوده است.

۱۲ - ترك سنت جاهلی و ورود به خانه های از راه های متعارف آن ، فرمان و توصیه خدا به مسلمانان

ليس البر .. و أتوا البيوت من أبوابها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - ورود افراد به خانه و محل سکونت خودشان به طور ناگهانی جایز است .

لا تدخلوا بيوتاً غير بيوتكم .. لعلكم تذكروا

از قید <غیر بیوتکم> استفاده می شود که شرایط ورود به خانه افراد (مثل اذن ورود گرفتن و سلام کردن) مربوط به خانه های دیگران است و خانه های شخصی افراد چنین شرایطی را ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۲۴،۳۷،۴۰

۲۴ - سلام کردن به یکدیگر به هنگام ورود به خانه ها ، توصیه خداوند به همه مسلمانان

فإذا دخلتم بيوتاً فسلموا على أنفسكم

۳۷ - > عن أبي جعفر (ع) إذا دخل الرجل منكم بيته ... إن لم يكن فيه أحد فليقل: السلام علينا من عند ربنا يقول الله >  
تحية من عند الله مبارکه طيبه < ;

از



امام باقر(ع) روایت شده است: هر گاه شخصی از شما وارد خانه خود شود.. اگر کسی در آن خانه نبود، بگوید: <السلام علینا من عند ربنا>. خدا می فرماید: تحیه من عندالله مبارک طیبه<.

۴۰ - <أبی الصباح قال : سألت أبا جعفر (ع) ، عن قول الله عزوجلّ : فإذا دخلتم بیوتاً فسلموا علی أنفسکم . . . > فقال : هو تسلیم الرجل علی أهل البیت حین یدخل ثم یردون علیه ، فهو سلامکم علی أنفسکم ؛

ابوالصباح از امام باقر(ع) پرسید: این که خداوند فرموده است: <فإذا دخلتم بیوتاً فسلموا علی أنفسکم> مراد چیست؟ فرمود: مراد این است که شخص، هرگاه وارد خانه شود، بر اهل خانه سلام کند. پس آنان جواب سلام او را می دهند. پس آن سلام شما بر خودتان است.<

آداب ورود به خانه دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۷ - ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۹، ۸، ۶، ۵، ۴، ۲، ۱

۱ - ورود ناگهانی و بدون آشنایی دادن و انس قبلی ، به محل سکونت و خانه دیگران ، ممنوع است .

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا

برداشت یاد شده، براساس این مبنا است که <استئناس> (مصدر <تستأنسوا>) از ماده <انس> (در مقابل وحشت) باشد. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: شخص وارد شونده در ابتدا باید از راه اجازه خواستن و غیره با صاحب خانه مأنوس شود، آن گاه وارد خانه گردد تا موجب وحشت و اضطراب خود و دیگران نشود.

۲ - ورود به خانه و محل سکونت دیگران ، بدون اطمینان از وجود صاحب آن و اجازه از او

، ممنوع است .

لاتدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنسوا

برداشت فوق، بر این مبنا است که <استئناس> (مصدر <تستأنسوا>) استفعال از <آنس إذا أبصر> و به معنای استعمال و استکشاف باشد. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: <وارد خانه کسی نشوید تا آن که از وضعیت و احوال صاحب خانه باخبر شوید که معمولاً این استعمال همراه با استئذان (اجازه خواستن) است.>

۴- ورود به محل سکونت و خانه دیگران پیش از سلام کردن به اهل آن ، ممنوع است .

لاتدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنسوا و تسلّموا علی أهلها

۵- اذن خواستن و سلام کردن ، از شرایط و آداب ورود به محل سکونت و خانه دیگران

لاتدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنسوا و تسلّموا

۶- ورود به محل سکونت و خانه دیگران هر چند با اجازه باشد نباید همراه با تکلف ، تحمیل و احساس سنگینی برای صاحب آن باشد .

لاتدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنسوا و تسلّموا علی أهلها

برداشت یاد شده از تعبیر <تستأنسوا> به جای <تستأذنوا> و دستور به سلام کردن که پیام آور دوستی و صفا است استفاده می شود.

۸- خودداری از ورود به محل سکونت و خانه دیگران ، بدون اجازه و سلام کردن ، به خیر و صلاح جامعه است .

لاتدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنسوا .. ذلکم خیر لکم

۹- به یاد سپردن ، پند پذیرفتن و عمل کردن به آن ، فلسفه بیان آداب ورود به محل سکونت و خانه دیگران از سوی خداوند است .

لاتدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنسوا .. لعلکم تذکرون

جمله <لعلکم تذکرون> تعلیل برای جمله

ای محذوف مانند <أنزل عليكم هذا> و با <أرشدتم إلى ذلك> است؛ یعنی، آنچه از این آیات نازل کردیم به منظور به یاد سپردن، پند پذیرفتن و به کار بستن آن بود.

۱۱ - > عن أبي أيوب إنَّ النبي (ص) . قال الإستيناس أن تدعوا الخادم حتى يستأنس أهل البيت ...؛

از ابویوب روایت شده است که رسول خدا(ص) فرمود: استیناس آن است که خادم را بخوانی تا اهل خانه را برای ورود تو با خبر سازد..<

۱۲ - > عن أبي أيوب الأنصاري قال : قلنا يا رسول الله ما الإستيناس ؟ قال : يتكلم الرجل بالتسبيح والتحميده والتكبيره و يتنحح على أهل البيت ...؛

از ابویوب انصاری روایت شده است که گفت: به رسول خدا(ص) گفتیم: <استیناس> چیست؟ فرمود: این است که شخص با تکلم به تسبیح، تمجید، تکبیر و صدا از سینه در آوردن بر اهل خانه [آنان را با خبر سازد]<.

۱۳ - > عن أبي عبد الله (ع) قال : الإستيناس ، وقع النعل و التسليم ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: استیناس کوبیدن کفش بر زمین و سلام کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۸ - ۱،۲،۳

۱ - ورود به خانه و محل سکونت دیگران با علم به این که کسی در آن نیست ، ممنوع است .

فإن لم تجدوا فيها أحداً فلا تدخلوها

۲ - ورود به خانه و محل سکونت دیگران به هنگام نیافتن کسی در آن ، با کسب مجوز شرعی یا قانونی ، جایز است .

فإن لم تجدوا

فيها أحدًا فلاتدخلوها حتى يؤذن لكم

مجهول آمدن فعل <يؤذن> بدون ذکر فاعل (اجازه دهنده) - می تواند حاکی از این نکته باشد که برای ورود به خانه دیگران، یک نوع مجوزی لازم است؛ چه آن مجوز ناشی از قوانین متعارف باشد و چه از ناحیه شرع.

۳- مؤمنان در صورت مواجه شدن با بی میلی صاحب خانه و درخواست مراجعت، باید عذر او را موجه دانسته و بازگردند.

فإن لم تجدوا فيها أحدًا فلاتدخلوها حتى يؤذن لكم

آداب ورود به خانه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۳

۳- خانه های پیامبر (ص) از جهت وارد شدن در آنها همانند خانه های سایر مردم نیست و آداب خاصی دارد.

لاتدخلوا بيوت النبي إلا أن يؤذن لكم

آرامش در خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۱،۲

۱- خداوند، خانه و منزل را، مایه آرامش انسان قرار داد.

و الله جعل لكم من بيوتكم سكنًا

۲- برخورداری انسان از آرامش در خانه خود، از نعمت های خداوندی

و الله جعل لكم من بيوتكم سكنًا

ابزار ساخت خانه های سبک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۵،۶

۵- آفرینش دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) ، به گونه ای که از پوست آنها خانه و سرپناه سبک و قابل انتقال ( برای عشایر و صحرائشین ) ساخته شود ، به قدرت خداست .

و الله . . . جعل لکم

من جلود الأنعم بيوتًا تستخفونها يوم ظعنكم و يوم إقامتكم

۶- بهر هوری انسان ، از پوست دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) برای ساختن سرپناه سبک و قابل انتقال ، از نعمت های الهی است .

و جعل لكم من جلود الأنعم بيوتًا

اتاقهای خانه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۴ - ۳

۳ خانه پیامبر ( ص ) ، دارای حجره های متعدد \*

إِنَّ الَّذِينَ ينادونك من وراء الحجرت

برداشت بالا بدان احتمال است که مراد از <الحجرات> اتاق هایی بوده که در اطراف مسجد، به پیامبر(ص) اختصاص داشته است و برخی از درون مسجد با صدای بلند آن حضرت را می خواندند.

اجازه ورود به خانه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۷،۱۶

۷- اذن ورود به خانه پیامبر اکرم ( ص ) به هر صورتی به دست آید کافی است .

لا تدخلوا بيوت النبي إلا أن يؤذن لكم

مجهول آورده شدن فعل <يؤذن> می تواند اشاره به این نکته باشد که لازم نیست اذن، از سوی خود آن حضرت و با لفظ خاصی باشد، لذا چنان چه تحصیل رضایت به هر نحو شد، اذن تلقی می شود و ورود به خانه، جایز می گردد.

۱۶- وارد شدن بدون اجازه به خانه پیامبر ( ص ) و به انتظار غذا نشستن بدون دعوت قبلی ، موجب اذیت آن حضرت بود و باید از آن پرهیز می شد .

لا تدخلوا بيوت النبي إلا أن يؤذن لكم إلى طعام غير نظير إنيه و لكن إذا دعيتم ف



بنابراین احتمال است که مشارالیه <ذکم> نهی <لاتدخلوا> و <غیر ناظرین> باشد.

اخراج مطلقه از خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۲۷، ۲۶، ۲۴، ۱۳

۱۳ - مردان، می توانند زنان مطلقه خود را در صورت ارتکاب عملی بسیار زشت و روشن (مانند زنا و ...) از خانه های خویش بیرون کنند.

و لایخرجن إلا أن یأتین بفحشه میینه

به هر عمل و گناهی که زشتی آن شدید و بزرگ باشد، <فاحشه> اطلاق می شود؛ مانند زنا در مورد زنان (برگفته از قاموس المحيط و مفردات راغب).

۲۴ - > عن سعد بن أبي خلف قال: سألت أبا الحسن موسى بن جعفر (ع): ... أليس الله عز وجل يقول: <لاتخرجوهن من بيوتهن و لایخرجن> قال: فقال إنما عني بذلك التي تطلق تطيقه بعد تطيقه فتلك التي لاتخرج و لاتخرج حتى تطلق الثالثه فإذا طلقت الثالثه فقد بانت منه و لانفقه ل ها ، و المرأه التي يطلقها الرجل تطيقه ثم يدعها حتى يخلوا أجلها فهذا أيضاً يقعد في منزل زوجها و لها النفقه و السكنى حتى تنقضي عدت ها ;

سعد بن ابی خلف گوید: از امام کاظم (ع) پرسیدم.. [و] گفتم: آیا خداوند عزوجل فرموده: <لاتخرجوهن و لایخرجن> حضرت فرمود: خداوند [در این دستور] زنی را قصد کرده که دو بار [به طلاق رجعی] طلاق داده می شود. این زن [نباید در زمان عدّه] از خانه خارج شود و نباید شوهر او را خارج کند تا این که طلاق سوم واقع شود. پس آن گاه که برای بار



سوم، طلاق داده شد از شوهر جدا می شود و برای او نفقه نیست. و زنی که شوهر او یک بار طلاق داده و او را رها نموده تا این که عدّه اش تمام شود، او نیز در منزل شوهرش می نشیند [و نباید خارج شود] و حق نفقه و سکنی دارد تا عدّه اش تمام شود.

۲۶ - > و سئل الصادق (ع) عن قول الله عزوجل : > و اتقوا الله ربكم لا تخرجوهن من بيوتهن ولا يخرجن إلا أن يأتين بفاحشه مبينه < قال : إلا أن تزني فتخرج و يقام عليها الحد ;

از امام صادق (ع) درباره سخن خدای عزوجل: >.. لا تخرجوهن من بيوتهن إلا أن يأتين بفاحشه مبينه < سؤال شد فرمود: [زن در عدّه طلاق رجعی نباید از خانه خارج شود] مگر این که مرتکب زنا شود. در این صورت او را از خانه بیرون می برند و بر او حد جاری می گردد.

۲۷ - > عن الرضا (ع) في قول الله عزوجل : > لا تخرجوهن من بيوتهن ولا يخرجن إلا أن يأتين بفاحشه مبينه < قال : أذاها لأهل الرجل و سوء خلقها ;

از امام رضا (ع) درباره سخن خداوند عزوجل > لا تخرجوهن من بيوتهن ولا يخرجن إلا أن يأتين بفاحشه مبينه < روایت شده که فرمود: [مراد از فاحشه مبينه] آزار دادن زن به خانواده شوهر و بد خلقی او است.

استحکام خانه های قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۵ - ۶

۶- خانه های مستحکم قوم عاد ، ناتوان از محافظت ایشان در برابر عذاب الهی \*

فأصبحوا لا يرى إلا مساكنهم

برداشت

یاد شده در صورتی است که از برجای ماندن خانه های قوم عاد، استحکام آن خانه ها استفاده شود.

استیذان هنگام ورود به خانه دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۷ - ۲،۵

۲ - ورود به خانه و محل سکونت دیگران ، بدون اطمینان از وجود صاحب آن و اجازه از او ، ممنوع است .

لا تدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنسوا

برداشت فوق، بر این مبنا است که <استئناس> (مصدر <تستأنسوا>) استفعال از <أنس إذا أبصر> و به معنای استعمال و استکشاف باشد. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: <وارد خانه کسی نشوید تا آن که از وضعیت و احوال صاحب خانه باخبر شوید که معمولاً این استعمال همراه با استیذان (اجازه خواستن) است.>

۵ - اذن خواستن و سلام کردن ، از شرایط و آداب ورود به محل سکونت و خانه دیگران

لا تدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنسوا و تسلّموا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۸ - ۲

۲ - ورود به خانه و محل سکونت دیگران به هنگام نیافتن کسی در آن ، با کسب مجوز شرعی یا قانونی ، جایز است .

فإن لم تجدوا فيها أحداً فلا تدخلوها حتى يؤذن لكم

مجهول آمدن فعل <يؤذن> بدون ذکر فاعل (اجازه دهنده) - می تواند حاکی از این نکته باشد که برای ورود به خانه دیگران، یک نوع مجوزی لازم است، چه آن مجوز ناشی از قوانین متعارف باشد و چه از ناحیه شرع.

اقامت طولانی در خانه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - کسانی که وارد منزل پیامبر (ص) شوند و اقامت خود را در حدّ آزاردهندگی آن حضرت ادامه دهند ، مورد لعن خداوند

و لامستثنسین لحدیث إنّ ذلکم کان یؤذی النبی . . إنّ الذین یؤذون ... و رسوله لعن

امنیت خانه مجاهدان غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۱۲

۱۲ - خانه و کاشانه مجاهدان شرکت کننده در غزوه احزاب ، خلل ناپذیر و دارای استحکام بود .

یقولون إنّ بیوتنا عوره و ما هی بعوره

اهمیت آسایش در خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۷ - ۳

۳ - اهتمام اسلام به حفظ امنیت و آسایش محیط خانه و پرهیز کردن از ایجاد مزاحمت و نا امنی در آن

لاتدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتّی تستأنسوا

اهمیت امنیت در خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۷ - ۳

۳ - اهتمام اسلام به حفظ امنیت و آسایش محیط خانه و پرهیز کردن از ایجاد مزاحمت و نا امنی در آن

لاتدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتّی تستأنسوا

اهمیت عاریه اثاث خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۷ - ۷

۷ - > قال أبو عبد الله (ع) . . . قوله عزّوجلّ > و يمنعون الماعون < قال : هو القرض يُقرضه و المعروف يصطنعه و متاع البيت يعيره و منه الزكاه ;

امام صادق(ع) [درباره] سخن خدای عزّوجلّ > و يمنعون الماعون < فرمود: ماعون، قرضی

است که [انسان] به دیگری می دهد و کار نیکی است که [درباره دیگران] انجام می دهد و وسایل خانه است که عاریه می دهد و از [مصادیق] ماعون، زکات است <.

بنی اسرائیل و خانه سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۷ - ۵

۵ خداوند ، فرمان داد تا بنی اسرائیل در بر پا کردن خانه های خود ، آنها را رو به روی هم بسازند .

و اجعلوا بیوتکم قبله

برداشت فوق مبتنی بر این است که لفظ <قبله> مصدر نوعی به معنای اسم فاعل باشد / یعنی: اجعلوا بیوتکم متقابله.

پلکان خانه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۳ - ۳

۳ - خداوند ، توانا بر مرفه ساختن زندگی کافران ، تا جایی که سقف خانه های خود را از نقره بسازند و دارای پلکان هایی باشند که بر آن بالا بروند .

لجعلنا .. لیوتهم سقفاً من فضّه و معارج علیها یظهرون

تاریخ خانه سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۲ - ۳

۳- وجود صنعت خانه سازی و سنگ تراشی در میان مردم حجر ( قوم ثمود )

و کانوا ینحتون من الجبال بیوتاً ءامنین

تخریب خانه های بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - اقدام یهود بنی نضیر ، به تخریب خانه های خویش

یخربون بیوتهم بأیدیهم

۱۹ - وحشت و هراس بنی نضیر ، مایه اقدام آنان به تخریب خانه هایشان

وقذف فی قلوبهم الرعب

یخربون بیوتهم بأیدیهم

تخریب خانه های قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۷ - ۳

۳ - استحکام سرزمین عاد و عظمت ساختمان های آن ، مانع تأثیر عذاب الهی در تخریب و نابودی آن نبود .

کیف فعل ربک .. إرم ذات العماد

تلاوت آیات خدا در خانه همسران محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۴ - ۸

۸ - در خانه های همسران پیامبر ، آیات خدا و حکمت ، تلاوت می شده است .

و اذکرن ما یتلی فی بیوتکن من ءایت الله و الحکمه

تلاوت حکمت در خانه همسران محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۴ - ۸

۸ - در خانه های همسران پیامبر ، آیات خدا و حکمت ، تلاوت می شده است .

و اذکرن ما یتلی فی بیوتکن من ءایت الله و الحکمه

تمثیل به خانه عنکبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۳ - ۸

۸ - تمثیل بی بنیادی شرک به خانه عنکبوت ناشی از علم و برهان است .

مثل الذين اتَّخذوا من دون الله أولياء كما مثل العنكبوت اتَّخذت بيتًا .. و تلك الأم

تملك خانه های یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۷ - ۱،۲،۹

۱ - سرزمین ها و خانه ها و مال های یهود بنی قریظه ، در غزوه بنی قریظه ، به تملک مسلمانان درآمد .

و أورثکم أرضهم و دیرهم



و أمولهم

۲- خداوند فراهم آورنده زمینه تملک اموال و خانه و سرزمین یهود بنی قریظه برای مسلمانان مدینه

و أورثکم أرضهم و دیرهم و أمولهم

۹- قدرت مطلق خداوند، عامل فروپاشی یهود بنی قریظه و به ارث رسیدن اموال و خانه ها و سرزمین شان به مسلمانان مدینه بود.

و أنزل الذین ظهروهم من أهل الکتب... و أورثکم أرضهم... و کان الله علی کلّ ش

توقف در کنار خانه دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۸ - ۴

۴- توقف در کنار درب خانه و محل سکونت دیگران، به هنگام مواجه شدن با بی میلی صاحب آن و درخواست مراجعت، ممنوع است.

و إن قیل لکم ارجعوا فارجعوا

تهیه اثاث خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۸،۹

۸- به کار آمدن پشم، کرک و موی حیوانات در ساختن اثاثیه و لوازم زندگی، از نعمت های الهی است.

و من أصوافها و أوبارها و أشعارها أثنا و متعا

۹- پشم، کرک و موی دام ها ( شتر، گاو و گوسفند ) برای ساختن اثاثیه و لوازم زندگی، متناسب با زیست طبیعی انسان است.

جعل لکم من الأنعم... تستخفونها... أثنا و متعا

از اینکه خداوند پشم، کرک و موی دامها را در جهت تهیه اثاثیه و لوازم زندگی آفریده است، گویای متناسب بودن آنها با

زیست طبیعی انسان می باشد. چون خداوند حکیم و داناست.

حفاظ خانه های محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۳۸

۳۸ - خانه های پیامبر دارای پوشش و پرده بود .

و إذا سألتموهنّ متعاً فستلوهنّ من وراء حجاب

خانه اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۲۳

۲۳ مقام ابراهیم (ع) که نقش دو پای وی بر آن است و حجرالاسود و خانه اسماعیل نشانه هایی روشن در مسجدالحرام

فیه آیات بینات مقام ابراهیم

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از <آیات بینات> در آیه فوق فرمود: مقام ابراهیم حیث قام علی الحجر فأثرت فیه قدماه و الحجرالاسود و منزل اسماعیل .

---

کافی، ج ۴، ص ۲۲۳، ح ۱ / تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۷، ح ۹۹.

خانه داری مادر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۱ - ۲

۲ - تدبیر امور خانه و سرپرستی اعضای آن برعهده مادر موسی

و قالت لأخته قصیه

در این فراز از زندگی موسی، تنها مادر وی مطرح است و سخنی از پدر او به میان نیامده است. این یا بدان جهت است که پدر موسی در قید حیات نبوده و یا نقش چندانی در سرپرستی امور خانه نداشته است. این نقش را مادر موسی ایفا می کرده است.

خانه سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۵

۵- آفرینش دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) ، به گونه ای که از پوست آنها خانه و سرپناه سبک و قابل انتقال ( برای عشایر و صحرائشین ) ساخته شود ، به

قدرت خداست .

و الله .. جعل لكم من جلود الأنعم بيوتاً تستخفونها يوم ظعنكم و يوم إقامتكم

خانه سازی در قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۹،۱۰

۹ قوم ثمود در دشت های متعدد ، قصر های بسیار بنا کردند و از کوه ها خانه های زیادی تراشیدند .

تتخذون من سهولها قصوراً و تحتون الجبال بيوتاً

<سهول> جمع سهل است و سهول الأرض به معنای زمینهای هموار می باشد که از آن به دشتهای و صحراها تعبیر می شود. <الجبال> من الجبال بوده و در اصطلاح منصوب به نزع خافض است. بنابراین جمله <إذ ... تحتون الجبال بيوتاً>، یعنی آنگاه که از کوهها خانه ها می تراشیدید.

۱۰ قوم ثمود مردمی متمدن و آگاه به شیوه های گوناگون در خانه سازی

تتخذون من سهولها قصوراً و تحتون الجبال بيوتاً

خانه سازی در کوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۹

۹ قوم ثمود در دشت های متعدد ، قصر های بسیار بنا کردند و از کوه ها خانه های زیادی تراشیدند .

تتخذون من سهولها قصوراً و تحتون الجبال بيوتاً

<سهول> جمع سهل است و سهول الأرض به معنای زمینهای هموار می باشد که از آن به دشتهای و صحراها تعبیر می شود. <الجبال> من الجبال بوده و در اصطلاح منصوب به نزع خافض است. بنابراین جمله <إذ ... تحتون الجبال بيوتاً>، یعنی آنگاه که از کوهها خانه ها می تراشیدید.

خانه سازی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر

۳- وجود صنعت خانه سازی و سنگ تراشی در میان مردم حجر (قوم ثمود)

و كانوا ينحتون من الجبال بيوتاً آمينين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۹ - ۱

۱ - ثمودیان ، استاد در ساختن خانه در دل کوه با تراشیدن ماهرانه سنگ ها

و تنحتون من الجبال بيوتاً فرهين

<نَحَتْ> (مصدر <تنحتون>) به معنای تراشیدن و <فراهه> (مصدر <فارهين>) به معنای مهارت و استادی است؛ یعنی، و با مهارت برای خود خانه هایی از کوه ها می تراشید؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۹ - ۴۸

۴ - قوم ثمود با بریدن صخره ها ، میان درّه و دشت ، خانه های سنگی بنا کرده بودند .

و ثمود الذين جابوا الصخر بالواد

<صخر> (جمع <صخره>) به معنای سنگ های بزرگ و سخت و <جَوْب> (مصدر <جابوا>) به معنای پاره کردن و نیز پیمودن است. گفتنی است که اسناد آن به سنگ، با معنای پاره کردن سازگار است. <وادی> که حرف آخر آن به دلیل آخر آیه بودن حذف شده است به معنای فاصله بین کوه ها و تپه ها است. (قاموس)

۸ - آگاهی قوم ثمود ، به نحوه بریدن سنگ های کوه و ایجاد خانه های سنگی

جابوا الصخر

خانه سازی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۷ - ۴

۴- قوم عاد ، مردمی متمدن و آشنا با فن ساختمان سازی

إرم ذات العماد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۲ - قوم عاد ، پیشرفته در فنّ خانه سازی و معماری

الَّتِي لَمْ يَخْلُقْ مِثْلَهَا فِي الْبَلَدِ

خانه نشینی همسران محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۳ - ۱

۱ - همسران پیامبر ، به ملازم بودن در خانه های خود ، موظف بودند .

يُنْسَاءُ النَّبِيِّ . . . وَ قَرْنٍ فِي بَيْوتِكُنَّ

<قرن> از مصدر <قرار> است که به معنای <قرار گرفتن و ثبات یافتن> است.

خانه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۱۸

۱۸ - > عن أبي شعيب الخراساني قال : قلت لأبي الحسن الرضا (ع) . . . قال : إنّ مسجد الكوفة بيت نوح . . . فيه دعوه نوح

حيث قال : > رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدِي وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا < قال : قلت : من عني بوالديه ؟ قال : آدم و حوّا ;

ابوشعيب خراساني از امام رضا(ع) روایت کرده . . . که فرمود: مسجد کوفه خانه نوح(ع) است ... دعای نوح در آن جا این

بوده است که گفت: > رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدِي وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا<. ابوشعيب گفت: به امام(ع) عرض کردم: نوح(ع) از

والدینش چه کسی را قصد کرده؟ فرمود: آدم و حوّا را.<

خانه های اخروی مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۲ - ۸

۸ - وجود خانه های عالی و دلپذیر برای مؤمنان مجاهد در < جنّات عدن >

و مسکن طیبہ فی جنّت عدن

<جنّات عدن>،

می توان اسم خاص باشد و غیر از <جنات تجری> به شمار آید، بر اوست یاد شده برگرفته از این احتمال است.

خانه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - ۷۲ - ۹ - توبه

۶ وجود خانه های عالی و پاکیزه برای مؤمنان نیک کردار در <جنات عدن>

و مسکن طیبه فی جنت عدن

<جنات عدن> می تواند نامی خاص باشد و غیر از <جنات تجری ..> به شمار آید. برداشت فوق برگرفته از این احتمال است.

خانه های رفیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۶ - ۱۴، ۱۰، ۹، ۲، ۱

۱ - مثل نور خدا، همانند چراغ دانی است دربرگیرنده چراغی پر فروغ و نورافشان که در خانه هایی است که به اذن خداوند، رتبه رفیع یافته اند و همواره مرکز یاد خدا هستند.

مثل نوره کمشکوه فیها مصباح المصباح فی زجاجه .. فی بیوت اذن الله ان ترفع و ینذک

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <فی بیوت> متعلق به <مشکوه> و صفت برای آن باشد.

۲ - خانه هایی که به اذن خداوند عظمت و رفعت یافته اند و همواره یاد خدا در آنها زنده است، مرکز نور و هدایت خدا هستند.

مثل نوره کمشکوه .. ینهدی الله لنوره من یشاء... فی بیوت اذن الله ان ترفع و ینذک

برداشت یاد شده، بر این اساس استوار است که <فی بیوت> متعلق به <ینهدی الله لنوره..> باشد.

۹ - تعلق اذن خداوند، بر رفعت و منزلت برخی از خانه ها و مکان ها

فی

## بیوت اذن الله أن ترفع

۱۰ - منزل های عظمت یافته به اذن خداوند ، محل تسبیح شبانه روزی مردمان شایسته است .

فی بیوت اذن الله أن ترفع . . . یسبح له فیها بالغدو و الأصال

۱۴ - > عن أبي جعفر (ع) ( فی قوله تعالی > فی بیوت اذن الله أن ترفع و یذکر فیها اسمه < ( قال ) هی بیوتات الأنبیاء والرسل و الحکما و أئمه الهدی . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که [درباره قول خدای تعالی] >فی بیوت اذن الله أن ترفع و یذکر فیهما اسمه< فرمود: آن بیوت، خانه های پیامبران، رسولان، حکما و ائمه هدی است.<

خانه های سنگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۰ - ۵

۵- اصحاب حجر ( قوم ثمود ) دارای خانه های سنگی و مستحکم بودند .

و لقد کذب أصحاب الحجر المرسلین

نام گذاری قوم ثمود به <اصحاب حجر> می تواند گویای برداشت فوق باشد. جمله <و كانوا ینحتون من الجبال بیوتاً...> در دو آیه بعد مؤید آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۲ - ۱،۲

۱- اصحاب حجر با شکافتن کوه ها ، خانه های امنی برای خود در دل آن می ساختند .

و كانوا ینحتون من الجبال بیوتاً امنین

تراشیدن کوهها به منظور ساختن خانه به دو گونه قابل تصور است: ۱) ساختن خانه های سنگی از بریده های کوهها در دامنه کوهها و یا در جای دیگر. ۲) ساختن خانه از خود کوهها و در دل آنها. چنان که در سوره <نحل>

(آیه ۶۸) همین تعبیر به کار رفته است: (...أن اتخذی من الجبال بیوتاً).

۲- اصحاب حجر با تراشیدن کوه ها ، از سنگ های آن برای خود خانه های امنی می ساختند .

و كانوا ینحتون من الجبال بیوتاً ءامنین

مقصود از تراشیدن کوهها به منظور ساختن خانه امن ممکن است ساختن خانه های سنگی به خاطر استحکام آن باشد.

خانه های سنگی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۲ - ۷

۷- امنیت ، هدف و مقصود تعیین کننده در کیفیت و نوع خانه سازی مردم حجر ( قوم ثمود ) بود .

و كانوا ینحتون من الجبال بیوتاً ءامنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۹ - ۴،۵

۴ - قوم ثمود با بریدن صخره ها ، میان درّه و دشت ، خانه های سنگی بنا کرده بودند .

و ثمود الذین جابوا الصخر بالواد

<صخر> (جمع <صخره>) به معنای سنگ های بزرگ و سخت و <جَوْب> (مصدر <جابوا>) به معنای پاره کردن و نیز پیمودن است. گفتنی است که اسناد آن به سنگ، با معنای پاره کردن سازگار است. <وادی> که حرف آخر آن به دلیل آخر آیه بودن حذف شده است به معنای فاصله بین کوه ها و تپه ها است. (قاموس)

۵ - خانه های سنگی و مستحکم قوم ثمود ، بی ثمر در نجات آنان از عذاب الهی

ألم تر کیف فعل ربّک .. و ثمود الذین جابوا الصخر بالواد

خانه های فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۶

۱- برجای ماندن مزارع بزرگ و خانه های بس مجلل ، از فرعونیان غرق شده در دریا

و زروع و مقام کریم

خانه های قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۴ - ۳

۳- عذاب الهی ( صیحه ) اصحاب حجر را در داخل خانه های سنگی و دژ های مستحکمشان درهم کوبید .

ینحتون من الجبال بیوتاً امنین . فأخذتهم الصیحه ... فما أغنی عنهم ما كانوا یکسبوا

اصحاب حجر برای در امان ماندن از عذاب الهی، خانه های سنگی بنا کرده بودند ولی این خانه ها آنان را از عذاب مصون نداشت و در دفع آن کارساز نبود (فما أغنی عنهم ..). حقیقت فوق بیانگر این نکته است که در وقت عذاب، آنان در همین خانه ها سُکنی داشته اند.

خانه های قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۵ - ۵

۵- خانه های خالی از سکنه ، تنها آثار برجای مانده از سرزمین قوم عاد پس از فرو نشستن عذاب

فأصبحوا لایری إلاّ مسکنهم

خانه های مرتفع سرزمین ارم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۷ - ۲

۲ - < ارم > ، سرزمینی دارای ساختمان های مرتفع

إرم ذات العماد

<عماد>، به معنای ساختمان های بلند است و به یک ساختمان <عماده> گفته می شود. (مصباح)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۸ - ۱

۱ - ساختمان های مرتفع سرزمین ارم ، بی نظیر در تمام سرزمین ها تا عصر بعثت

الَّتِي

لم يخلق مثلها في البلد

خانه های مرتفع قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۸ - ۳

۳ - ساختمان های مرتفع و مستحکم قوم عاد ، سست و بی مقاومت در برابر عذاب الهی

كيف فعل ربك .. التي لم يخلق مثلها في البلد

خانه های منافقان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۲۰

۲۰ - > عن عبدالله الحلبي عنه (ع) : إنهم قالوا > إن بيوتنا عوره ... < فأكذبهم الله قال : > و ما هي بعوره ... < و هي رفيعه السمك حصينه ;

از عبدالله حلبي، از امام(ع) نقل شده که منافقان گفتند: خانه های ما بی حفاظ است. خداوند آنان را تکذیب کرد و فرمود: > و ما هي بعوره... < و آن خانه ها، دارای دیوارهای بلند و محکم بود.<

خانه های همسران محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۳ - ۲

۲ - همسران پیامبر ، برای خود حجره و خانه مخصوص داشتند .

و قرن في بيوتكن

اضافه > بيوت < به ضمير > كن < احتمال دارد به خاطر ملك بودن آن خانه ها برای همسران پیامبر باشد و احتمال دارد از باب سکونت آنها در آن خانه ها باشد.

خروج مطلقه از خانه



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۱۲،۲۴،۲۵

۱۲ - زنان مطلقه ، حق ندارند در ایام عدّه از خانه هایشان بیرون بروند .

ولایخرجن

۲۴ - > عن

سعد بن ابی خلف قال : سألت أبا الحسن موسى بن جعفر (ع) : . . . أليس الله عز وجل يقول : < لا تخرجوهن من بيوتهن و لا يخرجن > قال : فقال إنما عني بذلك التي تطلق تطيقه بعد تطيقه فتلك التي لا تخرج و لا تخرج حتى تطلق الثالثة فإذا طلقت الثالثة فقد بانت منه و لانفقه ل ها ، و المرأه التي يطلقها الرجل تطيقه ثم يدعها حتى يخلوا أجلها فهذا أيضاً يقعد في منزل زوجها و لها النفقه و السكنى حتى تنقضي عدتها ؛

سعد بن ابی خلف گوید: از امام کاظم (ع) پرسیدم. . . [و] [گفتم: آیا خداوند عزوجل فرموده: <لا تخرجوهن و لا يخرجن > حضرت فرمود: خداوند [در این دستور] زنی را قصد کرده که دو بار [به طلاق رجعی] طلاق داده می شود. این زن [نباید در زمان عدّه] از خانه خارج شود و نباید شوهر او را خارج کند تا این که طلاق سوم واقع شود. پس آن گاه که برای بار سوم، طلاق داده شد از شوهر جدا می شود و برای او نفقه نیست. و زنی که شوهر او یک بار طلاق داده و او را رها نموده تا این که عدّه اش تمام شود، او نیز در منزل شوهرش می نشیند [و نباید خارج شود] و حق نفقه و سکنی دارد تا عدّه اش تمام شود.

۲۵ - > عن سماعة بن مهران ، قال : سألته عن المطلقة أين تعتد ؟ قال في بيتها لا تخرج و ان ارادت زيارة خرجت بعد نصف الليل و لا تخرج نهراً و ليس لها أن تحج حتى تنقض عدتها ؛

سماعه بن مهران گوید: از امام

[صادق(ع)] پرسیدم: زنی که طلاق داده شده در کجا عدّه نگه دارد (عدّه خود را در کجا بگذارد)؟ فرمود: در خانه اش و از آن خارج نشود، و اگر قصد زیارتی (دیداری) را داشت، بعد از نیمه شب خارج گردد و روز بیرون نرود. و برای او جایز نیست حج به جا آورد، تا این که عدّه او تمام شود.

خوردن از خانه برادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳،۱۰

۳ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

۱۰ - استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم .

خوردن از خانه پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳،۱۰

۳ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

۱۰ - استفاده

از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم .

خوردن از خانه خاله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳،۱۰

۳ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

۱۰ - استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم .

خوردن از خانه خواهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳،۱۰

۳ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

۱۰ - استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه

، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم .

خوردن از خانه خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۱۴،۲۲

۱۴ - استفاده از خوراکی های موجود در منازل خویشاوندان ، بدون اذن خواستن از ایشان ، از حقوق خویشاوندی است .

لیس علی الأعمی حرج .. و لا علی أنفسکم أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ...

مجاز بودن استفاده از خوراکی های منازل پدر، مادر، برادر، خواهر، عمو و .. که از خویشاوندان محسوب می شوند و بدون هیچ اذنی از آنان، حاکی از حقی است میان آنان که باید رعایت شود.

۲۲ - مسلمانان ، در عین مجاز بودن از تناول کردن خوراکی های منازل خویشاوندان و دوستان خویش ، می توانند با هم و یا جدا از آنان و بدون اذن ، غذا میل کنند .

لیس علی الأعمی حرج .. و لا علی أنفسکم أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أ

خوردن از خانه دایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳،۱۰

۳ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

۱۰ - استفاده از خوراکی

های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم .

خوردن از خانه دوست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳۹، ۲۲، ۱۵، ۱۳، ۴

۴ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منزلی که کلید های آنها را در دست دارند و نیز از منازل دوستان خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم

۱۳ - استفاده از خوراکی های منازل دوستان ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من بیوتکم ... أو صدیقکم

۱۵ - استفاده از خوراکی های موجود در منازل دوستان ، بدون اذن خواستن از ایشان از حقوق دوستی است .

لیس علی الأعمی حرج .. ولا علی أنفسکم أن تأكلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفات

۲۲ - مسلمانان ، در عین مجاز بودن از تناول کردن خوراکی های منازل خویشاوندان و دوستان خویش ، می توانند با هم و یا جدا از آنان و بدون اذن ، غذا میل کنند .

لیس علی الأعمی حرج .. ولا علی أنفسکم أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أ

۳۹ - > عن أبي عبد الله (ع) في قول الله عز وجل : > أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم < قال :

هؤلاء الذين سمى الله عزوجل في هذه الآية تأكل بغير إذنهم من التمر و المأدوم . . . فأما ما خلا ذلك من الطعام فلا ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدای عزوجل <أو ما ملكتم مفاتحه أو صدیقكم> فرمود: افرادی که خداوند عزوجل در این آیه ذکر کرده است، بدون اجازه شان از خرما و نان خورششتشان بخورید. .. و غیر از آن، از بقیه طعام ها نمی توانید بدون اجازه بخورید.<

خوردن از خانه عمو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۱۰، ۳

۳ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

۱۰ - استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم .

خوردن از خانه عمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۱۰، ۳

۳ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی

الأعمى حرج .. أن تأكلوا من ... بيوت ءابائكم ... أو بيوت أخوتكم

۱۰ - استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم .

خوردن از خانه فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۲،۹

۲ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های اهل خانه خود ( فرزندان و همسر ) بدون هیچ اجازه ای ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج ولا علی الأعرج حرج ولا علی المریض حرج .. أن تأكلوا من بیو

برداشت فوق ، مبتنی بر این است که جمله <ولا- علی أنفسکم آن تأكلوا من بیوتکم > عطف بر جمله پیشین باشد . گفتنی است مقصود از <بیوتکم > (خانه های خود) خانه همسر و فرزندان است که از افراد خودی هر شخصی محسوب می شوند .

۹ - استفاده از خوراکی های اهل خانه خود ( فرزندان و همسر ) بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج .. ولا علی أنفسکم آن تأكلوا من بیوتکم

خوردن از خانه مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳،۱۰

۳ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود



، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

۱۰ - استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم .

خوردن از خانه موکل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳۹ ، ۳۶ ، ۱۲ ، ۱۱ ، ۴

۴ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منزلی که کلید های آنها را در دست دارند و نیز از منازل دوستان خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم

۱۱ - استفاده از خوراکی های منزلی که کلید های آنها در دست انسان است ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفاتحه

۱۲ - انبارداران و کسانی که وکیل افراد در نگه داری خوردنی ها و مواد غذایی اند ، می توانند بدون اذن خواستن از صاحبان آنها ، از آن خوردنی ها تناول کنند .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفاتحه

برخی از مفسران بر آنند که مقصود از < ما ملکتم مفاتحه > کسانی اند که وکیل و قیم دیگران در آب ملک و حیواناتی مانند گاو ، گوسفند و شتر می باشند. این افراد حق

دارند بدون اذن خواستن، از خوراکی های موجود در انبارها و نیز از شیر و دیگر فراورده های حیوانات تحت حفاظت خود، به مقدار مصرف شخصی خود بهره گیرند.

۳۶ - > عن أبي عبدالله (ع) في قول الله عزوجل : > أو مملكتكم مفاتحه > قال : الرجل يكون له وكيل يقوم في ماله فيأكل بغير إذنه ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که در باره سخن خدای عزوجل >أو ما ملكتم مفاتحه< فرمود: این مانند آن است که شخص، وکیلی دارد که اداره مال او در دست وی است. او می تواند بدون اجازه صاحب مال از آن بخورد.

۳۹ - > عن أبي عبدالله (ع) في قول الله عزوجل : > أو ما ملكتم مفاتحه أو صديقكم > قال : هؤلاء الذين سمى الله عزوجل في هذه الآية تأكل بغير إذنه من التمر و المأدوم . . . فأما ما خلا ذالك من الطعام فلا ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدای عزوجل >أو ما ملكتم مفاتحه أو صديقكم< فرمود: افرادی که خداوند عزوجل در این آیه ذکر کرده است، بدون اجازه شان از خرما و نان خورشتشان بخورید. .. و غیر از آن، از بقیه طعام ها نمی توانید بدون اجازه بخورید.

خوردن از خانه همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۲،۹

۲ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های اهل خانه خود ( فرزندانش و همسر ) بدون هیچ اجازه ای ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج

و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج .. أن تأكلوا من بیو

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله <و لا- علی أنفسکم أن تأكلوا من بیوتکم> عطف بر جمله پیشین باشد. گفتنی است مقصود از <بیوتکم> (خانه های خود) خانه همسر و فرزندان است که از افراد خودی هر شخصی محسوب می شوند.

۹- استفاده از خوراکی های اهل خانه خود (فرزندان و همسر) بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج .. و لا علی أنفسکم أن تأكلوا من بیوتکم

درب خانه های کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۴ - ۱

۱ - خداوند ، توانا بر مرفه ساختن کافران تا جایی که خانه های خود را مجلل و دارای درب ها و ورودی های متعدد بسازند .

لجعلنا لمن یکفر بالرحمن .. و لیبوتهم أبویاً

درب خانه های مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱۶

۱۶ - > عن علی (ع) ان رسول الله صلی الله علیه و آله نهی اهل مکه أن یؤاجروا دورهم ، و أن یعلقوا علیها أبویاً ، و قال : > سواء العاکف فیه و الباد < ;

از حضرت علی(ع) روایت شده است که رسول خدا(ص) اهل مکه را از اجاره دادن خانه ها و گذاشتن درب برای آنها نهی کرد و فرمود: <سواء العاکف فیه و الباد> .

درخواست خانه بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۱ -

۳- درخواست همسر فرعون از خداوند ، مبنی بر زیستن در جوار رحمت او و بنا کردن خانه ای در بهشت برای وی

إذ قالت ربّ ابن لي عندك بيتًا في الجنّة

درخواست خانه طلایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۳ - ۱،۲

۱- ایجاد خانه ای از طلا برای خود ، معجزه مورد درخواست ( معجزه اقتراحی ) مشرکان مکه ، از پیامبر ( ص )

أو يكون لك بيت من زخرف

به قرینه سیاق آیات که در آنها معجزه های درخواستی مشرکان مطرح شده است مراد از <أو يكون لك بيت من زخرف> ایجاد خانه ای طلایی از طریق معجزه است.

۲- مشرکان مکه ، ایمان خود را به پیامبر ( ص ) منوط به ایجاد خانه ای از طلا به صورت معجزه آسا کردند .

قالوا لن نؤمن لك حتى .. أو يكون لك بيت من زخرف

رفعت خانه تسبیح گویان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۷ - ۳،۴

۳- منازل رفعت یافته به اذن خداوند ، تنها شایسته مردان تسبیح گویی است که اشتغال به امور دنیا ، هیچ گاه آنان را از رابطه با خدا ، باز نمی دارد .

فی بیوت أذن الله أن ترفع .. رجال لاتلهيهم تجره ولا يبيع عن ذكر الله وإقام

برداشت یاد شده، بر این اساس است که <فی بیوت> متعلق به <یسبح> و ظرف برای <رجال> باشد یعنی، خانه هایی که در آن مردمانی وجود دارند که. ...

۴- به اذن خدا خانه مردمان تسبیح گو ،

ذاکر، بر پا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات، دارای مجد و عظمت است.

فی بیوت اذن الله أن ترفع و يذكر فيها اسمه يسبح له فيها .. رجال لاتلهيهم تجر

رفعت خانه ذاکران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۷ - ۴۰

۳ - منازل رفعت یافته به اذن خداوند، تنها شایسته مردان تسبیح گویی است که اشتغال به امور دنیا، هیچ گاه آنان را از رابطه با خدا، باز نمی دارد.

فی بیوت اذن الله أن ترفع .. رجال لاتلهيهم تجره و لایبع عن ذکر الله و إقامه

برداشت یاد شده، بر این اساس است که <فی بیوت> متعلق به <یسبح> و ظرف برای <رجال> باشد؛ یعنی، خانه هایی که در آن مردمانی وجود دارند که ...

۴ - به اذن خدا خانه مردمان تسبیح گو، ذاکر، بر پا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات، دارای مجد و عظمت است.

فی بیوت اذن الله أن ترفع و يذكر فيها اسمه يسبح له فيها .. رجال لاتلهيهم تجر

رفعت خانه مؤدیان زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۷ - ۴۰

۴ - به اذن خدا خانه مردمان تسبیح گو، ذاکر، بر پا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات، دارای مجد و عظمت است.

فی بیوت اذن الله أن ترفع و يذكر فيها اسمه يسبح له فيها .. رجال لاتلهيهم تجر

رفعت خانه نماز گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور

۴ - به اذن خدا خانه مردمان تسبیح گو ، ذاکر ، بر پا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات ، دارای مجد و عظمت است .

فی بیوت اذن الله أن ترفع و يذكر فيها اسمه يسبح له فيها .. رجال لاتلهيهم تجر

زمینه تخریب خانه های بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۲۰

۲۰ - یهودیان بنی نضیر ، خود زمینه ساز تخریب خانه هایشان به دست مسلمانان

یخربون بیوتهم بأیدیهم و أیدی المؤمنین

در آیه شریفه، فعل <یخربون> به خود یهود بنی نضیر نسبت داده شده است و مؤمنان مجری تخریب معرفی شده اند. از این مطلب، استفاده می شود که اقدام مؤمنان به تخریب خانه های بنی نضیر، معلول حرکت های توطئه آمیز خود یهود بنی نضیر بوده است.

سستی خانه عنکبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۱ - ۱،۲،۶

۱ - دوست گیرندگان غیرخدا ، همانند عنکبوت اند که خانه ای بس سست و بی بنیاد ، برای خود ساخته است .

مثل الذین اتّخذوا من دون الله أولیاء کمثل العنکبوت اتّخذت بیئاً

۲ - انتخاب کنندگان ولی و کارسازی غیر از خدا ، همانند عنکبوت اند که برای خود خانه ای بی بنیاد ، بنا کرده است .

مثل الذین اتّخذوا من دون الله أولیاء کمثل العنکبوت اتّخذت بیئاً

۶ - خانه عنکبوت ، بی بنیاد و سست ترین خانه ها است .

و إنّ أوهن البیوت لبیت العنکبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۳ - تشریح بی بنیادی شرک همانند بی بنیادی خانه عنکبوت برخاسته از علم خداوند است .

مثل الذین اتّخذوا من دون الله أولیاء کمثل العنکبوت اتّخذت بیئاً .. إنّ الله

سستی خانه های قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸ - ۳

۳ - ساختمان های مرتفع و مستحکم قوم عاد ، سست و بی مقاومت در برابر عذاب الهی

کیف فعل ربّک .. الّتی لم یخلق مثلها فی البلد

سقف نقره ای خانه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۳ - ۳

۳ - خداوند ، توانا بر مرفه ساختن زندگی کافران ، تا جایی که سقف خانه های خود را از نقره بسازند و دارای پلکان هایی باشند که بر آن بالا بروند .

لجعلنا .. لیوتهم سقفاً من فضّه و معارج علیها یظهرون

سلام هنگام ورود به خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۴۰، ۳۷، ۲۴

۲۴ - سلام کردن به یکدیگر به هنگام ورود به خانه ها ، توصیه خداوند به همه مسلمانان

فإذا دخلتم بیوتاً فسلّموا علی أنفسکم

۳۷ - > عن أبي جعفر (ع) إذا دخل الرجل منکم بیته ... إنّ لم یکن فیہ أحد فلیقل : السلام علینا من عند ربّنا یقول الله >

تحيّه من عند الله مبارک که طيبه < ;



از امام باقر(ع) روایت شده است: هر گاه شخصی از شما وارد خانه خود شود.. اگر کسی در آن خانه نبود، بگوید: >السلام  
علینا من

عند ربنا. خدا می فرماید: تحیه من عندالله مبارکه طیبه.

۴۰ - > أبی الصباح قال : سألت أبا جعفر (ع) ، عن قول الله عزوجلّ : فإذا دخلتم بيوتاً فسلموا على أنفسكم . . . < فقال : هو تسليم الرجل على أهل البيت حين يدخل ثم يردون عليه ، فهو سلامكم على أنفسكم ؛

ابوالصباح از امام باقر(ع) پرسید: این که خداوند فرموده است: <فإذا دخلتم بيوتاً فسلموا على أنفسكم> مراد چیست؟ فرمود: مراد این است که شخص، هرگاه وارد خانه شود، بر اهل خانه سلام کند. پس آنان جواب سلام او را می دهند. پس آن سلام شما بر خودتان است.

سلام هنگام ورود به خانه دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۷ - ۴،۵

۴ - ورود به محل سکونت و خانه دیگران پیش از سلام کردن به اهل آن ، ممنوع است .

لاتدخلوا بيوتاً غير بيوتكم حتى تستأنسوا و تسلموا على أهلها

۵ - اذن خواستن و سلام کردن ، از شرایط و آداب ورود به محل سکونت و خانه دیگران

لاتدخلوا بيوتاً غير بيوتكم حتى تستأنسوا و تسلموا

صرف غذا در خانه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۲۴،۱۶،۱۵،۱۰،۶

۶ - مؤمنان ، در صورتی که وارد خانه پیامبر (ص) شدند ، نباید منتظر صرف غذا در آنجا باشند .

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَاتَدْخُلُوا بِيُوتِ النَّبِيِّ إِلَّا أَن يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرِ نَظِيرِ

<إِنَّاء> در لغت به معنای <وقت و ساعت> است (مفردات راغب). مراد از <غير نظيرين إناه> منتظر بودن

برای فرارسیدن وقت غذا است.

۱۰ - مؤمنان ، موظف بودند پس از صرف غذا در میهمانی پیامبر ( ص ) ، از خانه آن حضرت پراکنده شوند .

فإذا طعمتم فانتشروا

۱۵ - میهمانان پیامبر ( ص ) پس از صرف غذا ، نباید به انتظار گفت و گو با اهل خانه آن حضرت ، مجلس را طولانی می کردند .

فانتشروا و لامستثنین لحديث

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که سرگرم شدن به گفت و گو، مربوط به اهل خانه باشد و نه گفت و گو با هم. لازم به ذکر است که فراز <و إذا سألتموهن...> مؤید این برداشت است.

۱۶ - وارد شدن بدون اجازه به خانه پیامبر ( ص ) و به انتظار غذا نشستن بدون دعوت قبلی ، موجب اذیت آن حضرت بود و باید از آن پرهیز می شد .

لاتدخلوا بيوت النبي إلا أن يؤذن لكم إلى طعام غير نظير إنيه و لكن إذا دعيتم ف

برداشت بالا بنابراین احتمال است که مشارالیه <ذلكم> نهی <لاتدخلوا> و <غير ناظرین> باشد.

۲۴ - فرمان به خروج از خانه پیامبر ( ص ) پس از صرف غذا ، سخن و فرمان حق است .

فإذا طعمتم فانتشروا و لامستثنين لحديث إن ذلكم كان يؤذي النبي فيستحيي منكم و ا

عاریه اثاث خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۷ - ۱

۱ - کسانی که از عاریه دادن لوازم منزل ، دریغ ورزیده ، احتیاجات مردم را نادیده می گیرند ، گرفتار نفرین خدایند و عذاب جهنم ، فرجام آنان است .

فویل .. و یمنعون الماعون

<ماعون>، عنوان عامی برای اثاثیه منزل، از قبیل دیگک،

تبر، و کاسه است (مصباح). این کلمه به معنای کار خیر و باران و آب و هر چیز نافع نیز می آید (قاموس). ریشه آن <مَعْنُ > چیزی که کم و آسان باشد) است و برخی اصل آن را <معونه> (ابزار کمک دهنده) دانسته اند. (صحاح اللغه)

عبادت در شرق خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۶ - ۶

۶- در آیین مریم (س)، شرقِ خانه و یا معبد، مکانی مناسب تر برای عبادت بود. \*

إذ انتبذت من أهلها مكاناً شرقياً

است.

عظمت خانه های قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۷ - ۳

۳- استحکام سرزمین عاد و عظمت ساختمان های آن، مانع تأثیر عذاب الهی در تخریب و نابودی آن نبود.

كيف فعل ربك .. إرم ذات العماد

فلسفه خانه سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۴

۴- تأمین آرامش و آسایش، فلسفه و حکمت ساختن خانه و منزل است.

و الله جعل لكم من بيوتكم سكناً

قبول عذرخواهی صاحب خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - مؤمنان در صورت مواجه شدن با بی میلی صاحب خانه و درخواست مراجعت ، باید عذر او را موجه دانسته و باز گردند .

فإن لم تجدوا فيها أحداً فلا تدخلوها حتى يؤذن لكم

۶ - پذیرفتن عذر صاحب خانه و تحمیل نکردن خود بر او و انصراف از ورود به خانه وی ،

نشانه رشد و بالندگی است .

و إن قیل لکم ارجعوا فارجعوا هو از کی لکم

<زکاه> (مصدر <ازکی>) هم به معنای <نمو و رشد> و هم به معنای <طهارت و پاکی> است. برداشت فوق، مبتنی بر معنای نخست است.

کیفیت حضور در خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۵،۷

۵ - پدران و مادران ، حق ندارند با وضعیت و پوشش متناسب با خواب و خلوت ( چون برهنگی و ... ) در انظار فرزندانشان ظاهر شوند .

لیستندنکم .. و الذین لم یبلغوا الحلم منکم و من بعد صلوه العشاء ثلث عورت لکم

از این که فرزندان ممنوع شدند که بدون اذن، وارد اتاق و محل استراحت پدران و مادرانشان (در سه وقتی که نوعاً والدین در حال برهنگی و خلوت و متناسب با وضعیت خواب قرار دارند) شوند، می توان استفاده کرد که والدین هم نباید با چنین وضعیتی بر فرزندانشان وارد شوند. گفتنی است: مفهوم جمله <لیس علیکم و لا علیهم جناح / نه بر شما و نه بر آنان گناهی نیست> مؤید برداشت یاد شده است، زیرا معلوم می شود که در اوقات سه گانه، جناح (گناه) خواهد بود.

۷ - زنان و مردان مؤمن ، حق ندارند با وضعیت و پوشش متناسب با خواب و خلوت ، در انظار خدمت کاران خویش ظاهر شوند .

لیستندنکم الذین ملکت أیمنکم .. من قبل صلوه الفجر ... و من بعد صلوه العشاء ثلث

گفتگو در خانه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۱۱،۱۵

مؤمنان، نباید میهمانی در خانه پیامبر (ص) را طولانی می کردند و به گفتوگو و مذاکره می پرداختند.

فإذا طعمتم فانتشروا... ولامستنسین لحديث

۱۵ - میهمانان پیامبر (ص) پس از صرف غذا، نباید به انتظار گفت و گو با اهل خانه آن حضرت، مجلس را طولانی می کردند.

فانتشروا ولامستنسین لحديث

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که سرگرم شدن به گفت و گو، مربوط به اهل خانه باشد و نه گفت و گو با هم. لازم به ذکر است که فراز <و إذا سألتموهن...> مؤید این برداشت است.

لانه سازی بر روی خانه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۸ - ۴

۴- دامنه کوه ها، بالای درختان و بناها و سایبان ها، مکانی طبیعی و مناسب برای زندگی زنبور های عسل

و أوحى ربك إلى النحل أن اتخذى من الجبال بيوتاً و من الشجر و مما يعرشون

مسلمانان و خانه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۱۸

۱۸ - مسلمانان صدر اسلام، در ورود وقت و بیوقت به خانه پیامبر (ص) و طولانی کردن میهمانی، مراعات حال آن حضرت را نمی کردند.

يأيتها الذين ءامنوا لاتدخلوا بيوت النبى... غير نظرين إنيه... فإذا طعمتم فا

نابودی خانه قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۱ - ۱

۱ - اقدام خداوند به از میان برداشتن قارون و فرو بردن وی و خانه اش در درون زمین

فخسفنا



به و بداره الأرض

نعمت خانه سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۱۱

۱۱ آمادگی زمین برای سکونت انسان ها و آگاهی آنان به خانه سازی ، از مواهب و نعمت های بزرگ الهی

و بوأکم فی الأرض تتخذون من سهولها قصوراً و تنحتون الجبال بیوتاً

نقش خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۱

۱- خداوند ، خانه و منزل را ، مایه آرامش انسان قرار داد .

و الله جعل لکم من بیوتکم سکناً

نقش خانه لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۰ - ۶

۶- منزل حضرت لوط (ع) ، محل مراجعه مردم از شهر ها و مناطق مختلف و اقوام گوناگون

قالوا أو لم ننهک عن العلمین

<عالم> به معنای همه خلق و یا دسته ای از موجودات است. جمع آمدن آن (عالمین) برای بیان استغراق و شمول تمامی اصناف موجودات جهان است و مقصود از آن در این آیه، همه مردم از تمامی اقوام و قبایل دور و نزدیک است.

نهی از اجاره خانه های مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - > عن علی (ع) ان رسول الله صلی الله علیه و آله نهی أهل مکّه أن یؤاجروا دورهم ، و أن یعلّقوا علیها أبواباً ، و قال :  
> سواء العاکف فیہ و الباد < ;

از حضرت علی (ع) روایت شده است که رسول خدا (ص) اهل مکّه را از

اجاره دادن خانه ها و گذاشتن درب برای آنها نهی کرد و فرمود: <سواء العاكف فيه و الباد>».

ورود به خانه از پشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۹،۱۱،۲۴

۹ - ورود به خانه از پشت آن و پرهیز از راه های متعارف ، نه از آداب حج است و نه رفتار نیکو برای حاجیان

و لیس البر بأن تأتوا البيوت من ظهورها

۱۱ - مسلمانان صدر اسلام بر اساس سنت عصر جاهلی ، به هنگام حج از راه های متعارف به خانه ها وارد نمی شدند .

و لیس البر بأن تأتوا البيوت من ظهورها

از اینکه مسلمانان مورد خطاب قرار گرفته اند، معلوم می شود: گروهی از آنان تا پیش از نازل شدن آیه شریفه، به این سنت پایبند بوده اند.

۲۴ - از امام باقر (ع) درباره آیه < لیس البر بأن تأتوا البيوت من ظهورها > روایت شده است : انه كان المحرمون لا يدخلون بيوتهم من أبوابها و لكنهم كانوا ينقبون في ظهر بيوتهم أي في مؤخرها نقباً يدخلون و يخرجون منه فنهوا عن التدنيس بذلك ;

[ در جاهلیت ] کسانی که برای مناسک حج مُحرم می شدند، از درب خانه هایشان وارد آن نمی شدند؛ بلکه از حفره ای که در پشت خانه و در انتهای آن باز می کردند، رفت و آمد می نمودند و خداوند آنان را از پایبندی به این عمل نهی فرمود.

ورود به خانه دیگران در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۷ - ۷

۷ - ورود

ناگهانی و بدون سلام کردن و اذن خواستن ، به محل سکونت و خانه یکدیگر ، از رسوم و اخلاق جاهلیت پیش از اسلام بود .

لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا

ورود به خانه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۱۸، ۲، ۱

۱ - مؤمنان ، مجاز نیستند بدون اجازه ، وارد خانه های پیامبر ( ص ) شوند .

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ

۲ - مؤمنان ، تنها با اجازه ، مجاز به وارد شدن در خانه پیامبر ( ص ) هستند .

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ

۱۸ - مسلمانان صدر اسلام ، در ورود وقت و بوقت به خانه پیامبر ( ص ) و طولانی کردن میهمانی ، مراعات حال آن حضرت را نمی کردند .

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ .. . غَيْرَ نَظَرٍ فِيهِ ... فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْصَبُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۷ - ۴

۴ - کسانی که وارد منزل پیامبر ( ص ) شوند و اقامت خود را در حدّ آزاردهندگی آن حضرت ادامه دهند ، مورد لعن خداوند .

وَلَا مَسْتَنِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذَى النَّبِيَّ .. . إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ ... وَرَسُولَهُ لَعَنَ

ورود حاجیان به خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۸

۸- ورود حاجیان به خانه ، از پشت آن و پرهیز از راه های متعارف ، عملی نیکو در دیدگاه مردم عصر جاهلیت

و

ليس البر بأن تأتوا البيوت من ظهورها

نفی نیکی از رسم یاد شده (لیس البر)، دلالت می کند که آن رسم در نزد مردم جاهلی، رسمی نیکو و ارجمند بوده است.

ویرانی خانه دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۶ - ۱۳، ۱۲، ۳

۳- توطئه کنندگان علیه دین الهی، در داخل خانه های خود با فرو ریختن سقف خانه ها بر روی آنان، به هلاکت رسیدند.

قد مکر الذین من قبلهم فأتی الله بنینهم من القواعد فخر علیهم السقف من فوقهم

ذکر قید <من فوقهم> پس از بیان <فخر علیهم السقف> (سقف بر آنها فرو ریخت) با اینکه ریزش سقف همواره از بالاست، می تواند برای بیان این منظور باشد که آنان در داخل خانه های خود، زیر آوار مدفون شدند.

۱۲- <عن ابی جعفر (ع) فی قول الله : > فأتی الله بنینهم من القواعد < قال : کان بیت غدر یجتمعون فیه ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که درباره قول خدا <فأتی الله بنینهم من القواعد> فرمود: [آن بنیان] خانه خیانتی بود که در آن اجتماع می کردند.

۱۳- <عن ابی جعفر (ع) فی قوله : > قد مکر الذین من قبلهم فأتی الله بنینهم من القواعد < فخر علیهم السقف من فوقهم و أتاهم العذاب من حیث لا یسعون قال : بیت مکرهم ای ماتوا فألقاهم الله فی النار . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که درباره قول خدا <.. فأتی الله بنینهم من القواعد...> فرمود: مقصود این است که خدا خانه مکرشان را ویران کرد;

یعنی، مردند و خدا آنان را در آتش افکند >.

ویرانی خانه های قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۲ - ۱،۴

۱ - خانه های ویران و خالی از سکنه ثمودیان ، نشانه ای گویا از فرود آمدن کیفر الهی بر آنان

أنا دمرنهم و قومهم أجمعین . فتلك بيوتهم خاويه

>خواء< (مصدر <خاويه>) به معنای ویرانی و نیز خالی از سکنه شدن است. در برداشت فوق هر دو معنا لحاظ شده است.

۴ - خانه های ویران و خالی از سکنه ثمودیان ، دربردارنده درس عبرتی بزرگ برای اهل فهم و دانش

فتلك بيوتهم خاويه .. إن في ذلك لآيه لقوم يعلمون

واژه <آیه> در آیه یاد شده معادل <عبره> و تنکیر آن بیانگر بزرگی است؛ یعنی، >إن في ذلك لعبره عظیمه لقوم يعلمون<.

ویژگی خانه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۳

۳ - خانه های پیامبر (ص) از جهت وارد شدن در آنها همانند خانه های سایر مردم نیست و آداب خاصی دارد .

لا تدخلوا بيوت النبي إلا أن يؤذن لكم

ویژگی خانه های قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۲ - ۵،۶

۵- اصحاب حجر (قوم ثمود) در خانه های سنگی و مستحکم خود از هرگونه خطر احساس امنیت کامل می کردند .

و كانوا ينحتون من الجبال بيوتاً آمنين

۶- اصحاب حجر با پناه گرفتن در خانه های سنگی مستحکم ، به گمان باطل خود را از عذاب الهی در امان می پنداشتند



و كانوا ينحتون من الجبال بيوتاً آمينين

ساختن خانه های سنگی مستحکم، ممکن است در مقابل تهدید شدن به عذاب الهی باشد. دو آیه بعد (فما أغنى عنهم ما كانوا يكسبون) مؤید این برداشت است.

ویژگیهای خانه سازی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۲ - ۱،۲،۷

۱- اصحاب حجر با شکافتن کوه ها ، خانه های امنی برای خود در دل آن می ساختند .

و كانوا ينحتون من الجبال بيوتاً آمينين

تراشیدن کوهها به منظور ساختن خانه به دو گونه قابل تصور است: B۱ ساختن خانه های سنگی از بریده های کوهها در دامنه کوهها و یا در جای دیگر. ۲ ساختن خانه از خود کوهها و در دل آنها. چنان که در سوره <نحل> (آیه ۶۸) همین تعبیر به کار رفته است: (...أن اتخذی من الجبال بیوتاً).

۲- اصحاب حجر با تراشیدن کوه ها ، از سنگ های آن برای خود خانه های امنی می ساختند .

و كانوا ينحتون من الجبال بيوتاً آمينين

مقصود از تراشیدن کوهها به منظور ساختن خانه امن ممکن است ساختن خانه های سنگی به خاطر استحکام آن باشد.

۷- امنیت ، هدف و مقصود تعیین کننده در کیفیت و نوع خانه سازی مردم حجر ( قوم ثمود ) بود .

و كانوا ينحتون من الجبال بيوتاً آمينين

ویژگیهای خانه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۴ - ۳

۳ خانه پیامبر ( ص ) ، دارای حجره های متعدد \*

إِنَّ الَّذِينَ ينادونك من وراء الحجرت

برداشت بالا بدان احتمال است که مراد از <الحجرات> اتاق هایی بوده که

در اطراف مسجد، به پیامبر(ص) اختصاص داشته است و برخی از درون مسجد با صدای بلند آن حضرت را می خواندند.

ویژگیهای خانه های قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۰ - ۵

۵- اصحاب حجر (قوم ثمود) دارای خانه های سنگی و مستحکم بودند .

و لقد كذب أصحاب الحجر المرسلين

نام گذاری قوم ثمود به <اصحاب حجر> می تواند گویای برداشت فوق باشد. جمله <و كانوا ينحتون من الجبال بيوتاً...> در دو آیه بعد مؤید آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۴ - ۲

۲- خانه های مستحکم و سنگی قوم ثمود که به امید برقراری امنیت در برابر عذاب الهی ساخته شد نتوانست آنان را حتی در برابر صدایی سهمگین امنیت بخشد .

فأخذتهم الصيحة .. فما أغنى عنهم ما كانوا يكسبون

یوسف(ع) در خانه عزیز مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱۶، ۱۴، ۱۲

۱۲ آسودگی و رفاه یوسف (ع) در خانه عزیز مصر

كذلك مكنا ليوسف في الأرض

۱۴ ورود یوسف به خانه عزیز مصر ، زمینه ساز تحقق یافتن وعده های الهی درباره او بود .

و كذلك مكنا ليوسف في الأرض و لنعلمه من تأويل الأحاديث

عبارت <لنعلمه> عطف بر عبارتی مقدر است ؛ یعنی: مكنا ليوسف لنفعل كذا و لنعلمه .. ؛ مراد از لنفعل كذا ، اموری است

که خداوند در ابتدای داستان یوسف بیان کرد مانند <رأیتهم لی ساجدین> و <كذلك یجتیک ربک...>.

۱۶ آموزش تحلیل رخدادها

و تاویل رؤیاها ، هدف تقدیر الهی از کشاندن یوسف به خانه عزیز مصر

كذلك مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَ لِنُعَلِّمَهُ مَن تَأْوِيلَ الْأَحَادِيثِ

<لام> در <لنعلّمه> لام غایت است و بیانگر غرض و هدف متعلق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۱

۱ یوسف (ع) روزگار کودکی و نوجوانی را در خانه عزیز مصر به سر برد ، تا به جوانی و رشد جسمی و عقلی رسید .

أَكْرَمِي مَثْوِيَهُ .. وَ لَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ

کلمه <أشدّ> چنان چه لسان العرب از سیبویه نقل کرده جمع شدّه (توان و قدرت) است. بنابراین <أشدّ> ؛ یعنی ، توانها و قدرتهای متعدد که به مناسبت مورد ، شامل توان جسمی و عقلی است.

### خانه سازی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خانه سازی

بنی اسرائیل و خانه سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۷ - ۵

۵ خداوند ، فرمان داد تا بنی اسرائیل در بر پا کردن خانه های خود ، آنها را رو به روی هم بسازند .

وَ اجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً

برداشت فوق مبتنی بر این است که لفظ <قبله> مصدر نوعی به معنای اسم فاعل باشد ؛ یعنی: اجعلوا بیوتکم متقابله.

تاریخ خانه سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۲ - ۳

۳- وجود صنعت خانه سازی و سنگ تراشی در میان مردم حجر ( قوم ثمود )

و كانوا ينحتون من الجبال بيوتاً آمنين

خانه سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۵

۵- آفرینش

دام‌ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) ، به گونه ای که از پوست آنها خانه و سرپناه سبک و قابل انتقال ( برای عشایر و صحرانشین ) ساخته شود ، به قدرت خداست .

و الله .. جعل لكم من جلود الأنعم بيوتاً تستخفونها يوم ظعنكم و يوم إقامتكم

خانه سازی در قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۹،۱۰

۹ قوم ثمود در دشت های متعدد ، قصر های بسیار بنا کردند و از کوه ها خانه های زیادی تراشیدند .

تتخذون من سهولها قصوراً و تحتون الجبال بیوتاً

<سهول> جمع سهل است و سهول الأرض به معنای زمینهای هموار می باشد که از آن به دشتهای و صحراها تعبیر می شود. <الجبال> من الجبال بوده و در اصطلاح منصوب به نزع خافض است. بنابراین جمله <إذ ... تحتون الجبال بیوتاً>، یعنی آنگاه که از کوهها خانه ها می تراشیدید.

۱۰ قوم ثمود مردمی متمدن و آگاه به شیوه های گوناگون در خانه سازی

تتخذون من سهولها قصوراً و تحتون الجبال بیوتاً

خانه سازی در کوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۹

۹ قوم ثمود در دشت های متعدد ، قصر های بسیار بنا کردند و از کوه ها خانه های زیادی تراشیدند .

تتخذون من سهولها قصوراً و تحتون الجبال بیوتاً

<سهول> جمع سهل است و سهول الأرض به معنای زمینهای هموار می باشد که از آن به دشتهای و صحراها تعبیر می شود. <الجبال> من الجبال بوده و در اصطلاح منصوب به

نزع خافض است. بنابراین جمله <إذ... تنحتون الجبال بیوتاً>، یعنی آنگاه که از کوهها خانه ها می تراشیدید.

خانه سازی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۲ - ۳

۳- وجود صنعت خانه سازی و سنگ تراشی در میان مردم حجر (قوم ثمود)

و كانوا ينحتون من الجبال بیوتاً امنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۹ - ۱

۱ - ثمودیان ، استاد در ساختن خانه در دل کوه با تراشیدن ماهرانه سنگ ها

و تنحتون من الجبال بیوتاً فرهین

<نَحَتْ> (مصدر <تنحتون>) به معنای تراشیدن و <فراهه> (مصدر <فارهین>) به معنای مهارت و استادی است؛ یعنی، و با مهارت برای خود خانه هایی از کوه ها می تراشید؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۹ - ۴۸

۴ - قوم ثمود با بریدن صخره ها ، میان درّه و دشت ، خانه های سنگی بنا کرده بودند .

و ثمود الذین جابوا الصخر بالواد

<صخر> (جمع <صخره>) به معنای سنگ های بزرگ و سخت و <جَوْب> (مصدر <جابوا>) به معنای پاره کردن و نیز پیمودن است. گفتنی است که اسناد آن به سنگ، با معنای پاره کردن سازگار است. <وادی> که حرف آخر آن به دلیل آخر آیه بودن حذف شده است به معنای فاصله بین کوه ها و تپه ها است. (قاموس)

۸ - آگاهی قوم ثمود ، به نحوه بریدن سنگ های کوه و ایجاد خانه های سنگی

جابوا الصخر



خانه سازی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۷ - ۴

۴ - قوم عاد ، مردمی متمدن و آشنا با فن ساختمان سازی

إرم ذات العماد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۸ - ۲

۲ - قوم عاد ، پیشرفته در فنّ خانه سازی و معماری

الَّتِي لَمْ يَخْلُقْ مِثْلَهَا فِي الْبَلَدِ

فلسفه خانه سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۴

۴- تأمین آرامش و آسایش ، فلسفه و حکمت ساختن خانه و منزل است .

و الله جعل لكم من بيوتكم سكناً

نعمت خانه سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۱۱

۱۱ آمادگی زمین برای سکونت انسان ها و آگاهی آنان به خانه سازی ، از مواهب و نعمت های بزرگ الهی

و بؤاكنم فى الأرض تتخذون من سهولها قصوراً و تنحتون الجبال بيوتاً

ویژگیهای خانه سازی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- اصحاب حجر با شکافتن کوه ها ، خانه های امنی برای خود در دل آن می ساختند .

و كانوا ينحتون من الجبال بيوتاً آمنين

تراشیدن کوهها به منظور ساختن خانه به دو گونه قابل تصور است: B۱ ساختن خانه های سنگی از بریده های کوهها در دامنه کوهها و یا در جای دیگر. ۲ ساختن خانه از خود کوهها و در دل آنها. چنان که در سوره <نحل> (آیه ۶۸) همین تعبیر به کار رفته است: (...أن اتخذی من الجبال بیوتاً).

۲- اصحاب حجر با تراشیدن کوه

ها ، از سنگ های آن برای خود خانه های امنی می ساختند .

و كانوا ينحتون من الجبال بيوتاً ءامين

مقصود از تراشیدن کوهها به منظور ساختن خانه امن ممکن است ساختن خانه های سنگی به خاطر استحکام آن باشد.

۷- امنیت ، هدف و مقصود تعیین کننده در کیفیت و نوع خانه سازی مردم حجر ( قوم ثمود ) بود .

و كانوا ينحتون من الجبال بيوتاً ءامين

خانه همگانی

{خانه همگانی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۷ - ۶

۶ کعبه از آن تمامی مردم نه قشر و طایفه ای خاص

جعل الله الكعبة البيت الحرام قيماً للناس

**خبثت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما**

خبثت

آثار خبثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۱۴

۱۴ ضیق صدر و تهی بودن قلب از ایمان، نشانه غلبه پلیدی بر آن است.

كذلك يجعل الله الرجس على الذين لا يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۸ - ۵

۵ پاکیزگی و خلوص از پلیدی ها ، زمینه بهره گیری وافر از فیض الهی و خبائث و ناخالصی ها ، مانع آن

و البلد الطیب . . . و الذی خبث لایخرج إلا نکداً

با توجه به ذیل آیه (لقوم یشکرون) و آیات پس از آن که برخورد انسانها را با رسالت انبیا تشریح می کند، معلوم می شود بیان زمین مستعد و برکتهای آن و زمین نامستعد و بی ثمری آن، در حقیقت ترسیم حالت انسانها و استعداد دریافت معارف الهی است. یعنی تشبیه انواع انسانهاست از نظر دریافت معارف به انواع

زمینها و دریافت باران رحمت.

خباثت خوگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۳

۳ - مردار ، خون ، گوشت خوگ و حیوانی که برای بت ها ذبح شود ، یا به نام غیر خدا سر بریده شود ، از خوراکی های خبیث و پلید هستند .

كلوا من طيبت . . . إنما حرم عليكم الميتة ... و ما أهل به لغير الله

خباثت خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۳

۳ - مردار ، خون ، گوشت خوگ و حیوانی که برای بت ها ذبح شود ، یا به نام غیر خدا سر بریده شود ، از خوراکی های خبیث و پلید هستند .

كلوا من طيبت . . . إنما حرم عليكم الميتة ... و ما أهل به لغير الله

خباثت ذبیحه بی بسمله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۳

۳ - مردار ، خون ، گوشت خوگ و حیوانی که برای بت ها ذبح شود ، یا به نام غیر خدا سر بریده شود ، از خوراکی های خبیث و پلید هستند .

كلوا من طيبت . . . إنما حرم عليكم الميتة ... و ما أهل به لغير الله

خباثت قربانی بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - مردار ، خون ، گوشت خوک و حیوانی که برای بت ها ذبح شود ، یا به نام غیر خدا سر بریده شود ، از

خوراکی های خبیث و پلید هستند .

كلوا من طيب . . . إنما حرم عليكم الميتة ... و ما أهل به لغير الله

خبثت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۱۵

۱۵ پلیدی بر کافران استیلا دارد.

يجعل الله الرجس على الذين لا يؤمنون

خبثت متجاوزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۸ - ۹

۹ متجاوزان و فسادگران ، مانند سرزمین خبیث کم بهره از فیض الهی و انسانهایی بی ثمرند .

إنه لا يحب المعتدين . و لا تفسدوا ... و الذی خبث

خبثت محرمات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۵ - ۱۶

۱۶- اضطرار ، از میان برنده ممنوعیت شرعی محرمات و نه قبح و خبثت واقعی آنها \*

إنما حرم عليكم الميتة . . . فمن اضطرّ ... فإن الله غفور رحيم

تذکر به غفران و رحمت الهی، می تواند نشان دهنده بقای نوعی از قبح و خبثت در فعل حرام اضطراری باشد.

خبثت مردار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۳

۳ - مردار ، خون ، گوشت خوک و حیوانی که برای بت ها ذبح شود ، یا به نام غیر خدا سر بریده شود ، از خوراکی های خبیث و پلید هستند .

كلوا من طيب . . . إنما حرم عليكم الميتة ... و ما أهل به لغير الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۱ - ۵

۵ حیوانی که با نام خدا

ذبح نشود، مظهر فسق است.

و لا تأكلوا مما لم يذكر اسم الله عليه و إنه لفسق

مرجع ضمیر <إنه> می تواند <ما> در <مما لم يذكر> باشد در نتیجه حیوان ذبح شده بدون نام خدا، خود فسق است.

خبثات مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۸ - ۹

۹ متجاوزان و فسادگران ، مانند سرزمین خبیث کم بهره از فیض الهی و انسانهایی بی ثمرند .

إنه لا یحب المعتدین . و لا تفسدوا ... و الذی خبث

خبثات موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۸ - ۱۰

۱۰ پاکی طینت موجودات ، امری اصیل و خبثات آنها ، امری عرضی است . \*

و البلد الطیب . . و الذی خبث

توصیف زمین مستعد با وصف <الطیب> در مقابل توصیف زمین نامستعد با فعل <خبث>، می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد. زیرا وصف دلالت بر ثبوت دارد و فعل حاکی از حدوث است.

نشانه های خبثات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۱۲

۱۲ ضیق صدر (تنگ دلی و حق ناپذیری) نشانه تسلط پلیدی بر آدمی است.

و من یرد أن یضله . . كذلك یجعل الله الرجس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۸ - ۷

۷ ثمربخشی فراوان ، نشانه طیب بودن و کم ثمری ، نشانه خباثت

و البلد الطیب یخرج نباته بإذن ربه و الذی خبث لا یخرج إلا نکدأً

خبایث

اجتناب از خباث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ ضرورت پرهیز از فریفتگی و دل بستگی به اشیاء پلید و ناپاک علی رغم زیادی شگفت برانگیز آنها

لا یتوی .. و لو اعجبک کثره الخیث

۷ لزوم رعایت تقوا با پرهیز از ناپاکی ها و گرایش به پاکیها

لا یتوی الخیث و الطیب .. فاتقوا الله

۱۰ تنها خردمندان زمینه دار دوری جستن از ناپاکی ها و گرایش به پاکیها

لا یتوی الخیث و الطیب .. فاتقوا الله یا ولی الالب

۱۷ پرهیز از پلید و ناپاک و گرایش به پاکی ها ، زمینه نیل به فلاح و رستگاری

لا یتوی الخیث و الطیب .. لعلکم تفلحون

ارزش خبایث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۰ - ۱، ۳، ۵، ۸

۱ هرگز بد ها و ناپاک ها به ارزش مساوی با خوب ها و پاک ها نخواهند رسید .

قل لا یتوی الخیث و الطیب

۳ پاکی و ناپاکی از جمله ملاک های حرمت و حلیت اشیاء

لا یتوی الخیث و الطیب

۵ پاکی و ناپاکی از جمله ملاک های ارزشگذاری اشیاء

قل لا یتوی الخیث و الطیب و لو اعجبک کثره الخیث

۸ تنها خردمندان ، دانا به نابرابری پاک و ناپاک و واقف به ارزش برتر پاکیها یند گرچه اندک باشد .

لا یتوی الخیث و الطیب .. فاتقوا الله یا ولی الالب

توجه خطاب به صاحبان خرد با اینکه همگان وظیفه دار رعایت تقوا با گرایش به پاکیزگی و پرهیز از ناپاکیزگیها هستند، می تواند اشاره به این باشد که شناخت پاکی از ناپاکی و درک ارزش برتر پاکیزگیها هر چند از نظر مقدار اندک باشد، تنها از عهده صاحبان عقل و

خرد ناب ساخته است.

استفاده از خبایث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۸ - ۱۶، ۱۴

۱۴ - بهره گیری از محرّمات و چیزی های پلید و ناپاک ، پیروی کردن از شیطان است .

كلوا مما فی الأرض حلالاً طیباً و لا تتبعوا خطوت الشیطن

۱۶ - واداشتن مردم به استفاده از حرام ها و پلیدی ها و نیز بازداشتن آنان از نعمت های حلال ، نمودی از دشمنی شیطان با انسان است .

كلوا مما فی الأرض حلالاً طیباً و لا تتبعوا خطوت الشیطن إنه لكم عدو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۹ - ۱۱

۱۱ - پرهیز از نعمت های حلال و طیب ، استفاده از پلیدی ها و حرام خواری ، از کار های بد و ناپسند است .

كلو مما فی الأرض حلالاً طیباً .. إنما یأمرکم بالسوء و الفحشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۲ - ۵

۵ - استفاده از خوراکی های خبیث ( ناپاک و ناملایم با طبع ) حرام است .

كلوا من طیبیت ما رزقنکم

استفاده مسیحیان از خبایث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۱۹

۱۹ یهود و نصارا در پیش از اسلام، مبتلا به بهره‌گیری از ناپاکی‌ها و پرهیز از برخی پاکی‌ها و پاکیزه‌ها

یحل لهم الطیبت و یحرم علیهم الخبث

مراد از ضمیر <هم> در <لهم> و <علیهم> به قرینه <التوریه و الانجیل>، یهود و نصارا است.

استفاده یهود از خبایث

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۱۹

۱۹ یهود و نصارا در پیش از اسلام، مبتلا به بهره‌گیری از ناپاکی‌ها و پرهیز از برخی پاکی‌ها و پاکیزه‌ها

یحل لهم الطیبت و یحرم علیهم الخبیث

مراد از ضمیر <هم> در <لهم> و <علیهم> به قرینه <التوریه و الانجیل>، یهود و نصارا است.

انفاق از خبیث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۷ - ۱۵

۱۵ انفاق از مال ربوی، مصداقی برای انفاق از اموال خبیث و مورد نهی خداوند

و لا تیمموا الخبیث

كان النَّاس حین اسلموا عندهم مکاسب من الربا .. فکان الرجل یتعمدها من بین ماله فتصدَّق بها فنهاهم الله عن ذلك ...

---

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۴۹، ح ۴۹۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۵۵، ح ۶ و ۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۸ - ۱۴

۱۴ انفاق نکردن و نیز انفاق از اموال خبیث (غیر مرغوب)، از مصادیق فحشا و زشتی

انفقوا من طیبات ما کسبتم .. الشیطان یعدکم الفقر و یأمرکم بالفحشاء

جمله <یأمرکم بالفحشاء>، تفسیری از وسوسه شیطان، مبنی بر ترک انفاق و نیز انفاق از مال خبیث است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۰ - ۶



۶ ترک انفاق و یا انفاق را به ریا و منت و آزار آلودن و نیز انفاق کردن از خبایث و عمل نکردن به نذر، ستمگری است.

لا تبطلوا صدقاتکم

بالمَنِّ والاذى ... انفقوا من طيبات ... و ما للظالمين من انصا

تحریم خبایث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۱۶،۱۸

۱۶ حکم به حلیت همه پاکیزه ها و تحریم همه ناپاکی ها ، از وظایف پیامبر ( ص ) و از اهداف رسالت اوست .

و يحل لهم الطيب و يحرم عليهم الخبث

۱۸ امر به معروف و نهی از منکر ، حلال دانستن پاکیزه ها و حرام شمردن ناپاکی ها ، از علامت های موجود در تورات و انجیل برای شناسایی پیامبر اسلام

الذی یجدونه .. یأمرهم بالمعروف ... و يحل لهم الطيب و يحرم عليهم الخبث

جمله های < یأمرهم و .. > حال برای ضمیر مفعولی در < یجدونه > است و لذا می رساند که مفاد این جمله ها به عنوان صفات پیامبر موعود در تورات و انجیل بیان شده است. بر این اساس می توان گفت که از اهداف بیان این ویژگیها در تورات و انجیل، راهنمایی اهل کتاب است به اموری که باید در شناسایی پیامبر موعود در نظر داشته باشند.

حرمت خبایث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۵

۵ خوردن خبائث ، حرام است .

احل لکم الطیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۱۷

۱۷ هر چیز طیب و پاکیزه ، حلال و هر چیز خبیث و ناپاک ، حرام است .

و يحل لهم الطيب و يحرم عليهم الخبث

عوامل تشخیص خبایث

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۰ - ۹

۹ عقل و خرد ابزار شناخت پاکی ها و ناپاکی ها و دست یابی به ارزش برتر پاکیها

لاستوی الخیث و الطیب .. فاتقوا الله یاولی الالب

گرایش به خبایث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۰ - ۱۲

۱۲ گرایش به ناپاکی ها و زشتی ها ، نشانه بی خردی و نادانی

لاستوی الخیث و الطیب .. فاتقوا الله یاولی الالب

### خبر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خبر

آثار اعتماد به خبر فاسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۶ - ۶،۷

۶ - اعتماد به خبر فاسق ، بدون تحقیق و بررسی ، دربردارنده خطر برای جامعه

أن تصیبوا قومًا بجهله

۷ - ترتیب اثر دادن به خبر فاسق ، بدون تحقیق و بررسی ، عملی جاهلانه و ندامت بار است .

أن تصیبوا قومًا بجهله فتصبحوا علی ما فعلتم ندمین

آثار اهمیت خبر فاسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - وجوب بررسی صدق خبر فاسق ، منوط به مهم بودن آن است . \*

إن جاءكم فاسق بنبأ فتبينوا

با توجه به این که <نبأ> به خبر مهم گفته می شود می توان نتیجه گرفت که وجوب تبیین در خصوص اخبار مهم است نه در مورد مطلق خبر، هر چند ناچیز باشد.

آگاهی در نقل خبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۱۸

۱۸ - شرح و بیان وقایع ، باید از روی علم و آگاهی

باشد .

أم کنتم شهداء إذ حضر یعقوب الموت

خداوند، ادعای یهود (وصیت یعقوب به ملازمت بر یهودیت) را با این جمله <أم کنتم ..> (شما که حضور نداشتید ...) بی اساس دانسته است و این بدان معناست که: خبر و بیان وقایع باید از روی علم و آگاهی بوده تا شایسته پذیرش باشد.

بررسی خبر فاسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۶ - ۱

۱ - مؤمنان ، موظف به بررسی درستی گزارش های شخص فاسق و اکتفا نکردن به صرف خبر دادن او

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن جَاءكم فاسق بنيا فتبينوا

بهترین خبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۷ - ۲، ۱

۱ - رسالت پیامبر اسلام و توحید الهی ، خبری پرفایده و بزرگ برای بشر

قل هو نبؤا عظیم

<نبأ> به خبری گفته می شود که دارای فایده بسیار باشد (مفردات راغب). در این که مقصود از این خبر چیست و ضمیر <هو> به چه چیز برمی گردد، میان مفسران چند دیدگاه وجود دارد: ۱ برخی آن را رسالت انذارگری پیامبر(ص) و توحید الهی می دانند که در ضمن آیه قبل از آن یاد شده است. ۲ برخی دیگر آن را مربوط به بحث معاد می شمرند که در ضمن آیات ۴۹ تا ۶۴ از آن یاد گردیده است. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

۲ - قیامت و احوال خوبان و بدان و بهشتیان و دوزخیان ، خبری پرفایده و بزرگ

قل هو نبؤا عظیم

تبیین خبر های مفید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص

۵ - بیان اخبار و اطلاعات بزرگ و پرفایده ، بخشی از قلمرو موضوعات قرآن

قل هو نبؤا عظیم

حجیت خبر عادل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۶ - ۳

۳ - اخبار شخص عادل ، معتبر و بی نیاز از تبیین و تفحص

إن جاءكم فاسق بنیا فتبینوا

وصف <فاسق>، می رساند که <فسق مخبر> علت اصلی وجوب تبیین و تفحص است. بنابراین هر جا که مخبر عادل باشد، خبرش معتبر و بی نیاز از تبیین است.

حجیت خبر واحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۱۶

۱۶ خبر واحد ، معتبر و حجت است .

لیتفقها فی الدین و لینذروا قومهم إذا رجعوا إلیهم لعلهم یحذرون

ترتیب اثر دادن جامعه به سخنان ارشاد گران، مبتنی بر حجت بودن گفتار آنان است.

خبر از توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۷ - ۴

۴ - نقش حیاتی و سازنده اخبار و اطلاعات مربوط به توحید ، قیامت و رسالت پیامبر اسلام برای بشر



قل هو نبؤا عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۸ - ۱،۳

۱ - اخبار مهم و سودمند مربوط به توحید، قیامت و رسالت پیامبر اسلام، از سوی مشرکان و کافران مورد بی‌اعتنایی و اعراض قرار می‌گرفت.

قل هو نبؤا عظیم . أنتم عنه معرضون

۳ - اخبار مربوط به توحید، قیامت و رسالت پیامبر اسلام، درخور تأمل و تفکر

هو نبؤا عظیم . أنتم عنه معرضون

محکوم کردن

روی گردانی از اخبار بزرگ و سودمند مربوط به قیامت و .. و بی اعتنایی به آنها، می رساند که انسان باید به تأمل و اندیشه در آنها پردازد و از آنها روی گردانی نکند.

خبر از رسالت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۷ - ۴

۴ - نقش حیاتی و سازنده اخبار و اطلاعات مربوط به توحید، قیامت و رسالت پیامبر اسلام برای بشر

قل هو نبؤا عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۸ - ۱،۳

۱ - اخبار مهم و سودمند مربوط به توحید، قیامت و رسالت پیامبر اسلام، از سوی مشرکان و کافران مورد بی اعتنایی و اعراض قرار می گرفت .

قل هو نبؤا عظیم . أنتم عنه معرضون

۳ - اخبار مربوط به توحید، قیامت و رسالت پیامبر اسلام، درخور تأمل و تفکر

هو نبؤا عظیم . أنتم عنه معرضون

محکوم کردن روی گردانی از اخبار بزرگ و سودمند مربوط به قیامت و .. و بی اعتنایی به آنها، می رساند که انسان باید به تأمل و اندیشه در آنها پردازد و از آنها روی گردانی نکند.

خبر از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۷ - ۴

۴ - نقش حیاتی و سازنده اخبار و اطلاعات مربوط به توحید، قیامت و رسالت پیامبر اسلام برای بشر

قل هو نبؤا عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۸ - ۱،۳

۱ - اخبار مهم و سودمند مربوط به توحید، قیامت و

رسالت پیامبراسلام، از سوی مشرکان و کافران مورد بی‌اعتنایی و اعراض قرار می‌گرفت.

قل هو نبؤا عظیم . أنتم عنه معرضون

۳- اخبار مربوط به توحید، قیامت و رسالت پیامبراسلام، درخور تأمل و تفکر

هو نبؤا عظیم . أنتم عنه معرضون

محکوم کردن روی گردانی از اخبار بزرگ و سودمند مربوط به قیامت و... و بی‌اعتنایی به آنها، می‌رساند که انسان باید به تأمل و اندیشه در آنها پردازد و از آنها روی گردانی نکند.

خبر فاسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۶ - ۵

۵- روحیه فسق، دارای تأثیر منفی در تشخیص‌ها و گزارش‌های فرد فاسق \*

إن جاءكم فاسق بنبأ فتبئوا

وصف <فاسق>، می‌رساند که عنوان فسق و روحیه بی‌پروایی فاسق، در ابعاد گفتاری و ادراکی وی تأثیر گذاشته و مانع از تشخیص درست و گزارش صحیح می‌باشد.

خبر ولید بن عقبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۷ - ۵

۵- تلاش برخی از مسلمانان، برای واداشتن پیامبر (ص) به پذیرش خبر <ولید> \*

واعلموا أن فیکم رسول الله لو یطیعکم .. لعنتم

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل و بنابر این که مراد از فاسق در آیه قبل ولید بن عقبه باشد، برداشت بالا به دست می‌آید.

خبرهای آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - شیاطین ، ناتوان از شنود اخبار آسمان

لَا يَسْمَعُونَ

۳ - شیطین ، در صدد دست یابی به اطلاعات موجود در آسمان و اخبار مربوط به امور غیبی اهل زمین

لا یسّمعون إلى الملائع الأعلى

بیش تر مفسران بر آنند که گوش فرا دادن شیاطین به سخنان موجودات والامقامی چون فرشتگان، با هدف دست یابی به امور غیبی مربوط به اهل زمین و اطلاعات موجود در آسمان صورت می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۰ - ۱

۱ - برخی از شیاطین ، به صعود به آسمان نزدیک موفق شده و با سرعت و دزدانه به اطلاعات و اخبار ناچیزی دست خواهند یافت .

لا یسّمعون إلى الملائع الأعلى .. إلا من خطف الخطفه

<خَطِفَ> به معنای اختلاس و ربودن با سرعت است و <خطفه> بر وزن <فعله> که دال بر <مَرّه> است مفعول مطلق و به معنای یک بار ربودن است. گفتمی است که در این آیه، کنایه از ربودن کم و ناچیز از اطلاعات و اخبار موجود در آسمان است.

خبر های غیبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۸ - ۶

۶ - اطلاعات و اخبار غیبی مربوط به اهل زمین ، در اختیار فرشتگان آسمان قرار دارد .

لا یسّمعون إلى الملائع الأعلى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۶ - ۱۱

۱۱ - وجود خبر های غیبی و پیشگویی از آینده ، در قرآن

فلاتنسی

خبر های مفید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۷ - ۴

۴ - نقش حیاتی و سازنده اخبار و اطلاعات مربوط به توحید

، قیامت و رسالت پیامبر اسلام برای بشر

قل هو نبؤا عظیم

خبر هدهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۲ - ۲،۳،۵

۲ - مبادرت هدهد به طرح دلیل غیبت خود و ارائه اطلاعات جدید به سلیمان (ع)

فقال أحطت بما لم تحط به

۳ - هدهد، مدعی دستیابی به موضوعی خارج از قلمرو اطلاعات سلیمان

أحطت بما لم تحط به

<احاطه> در این جا کنایه از علم آمده است؛ یعنی، <علمت بما لم تعلم به> به چیزی دست یافتم که تو به آن دست نیافته ای.<

۵ - هدهد، پیامدار خبری بزرگ و قطعی از سرزمین <سبا> برای سلیمان (ع)

و جئتک من سبا بنیا یقین

<نبأ> به خبر مهم و شنیدنی گفته می شود؛ یعنی، <برای تو از سبا خبری قطعی آورده ام که بسیار مهم و شنیدنی است.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۳ - ۱

۱ - اخبار هدهد از فرمانروایی یک زن بر مردم سرزمین سبا

إنی وجدت امرأه تملکهم

<مُلک> (مصدر <تملکهم>) به معنای حکومت و فرمانروایی است؛ یعنی، زنی را یافتم که بر آنان حکمرانی می کند.

زیان خبر فاسق



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۶ - ۸،۱۰

۸ - نقش ویرانگر منابع خبری فاسد، در مناسبات و امنیت جوامع

إن جاءكم فاسق بنبأ .. أن تصیبوا قومًا بجهله

از تعلیل <أن تصیبوا قومًا بجهاله> و متفرع شدن آن بر فسق مخبر، مطلب بالا نتیجه گیری می شود.

۱۰ - جامعه صدر اسلام در معرض خطر، از

ناحیه گزارش های برخی از افراد فاسق

إن جاءكم فاسق .. أن تصیبوا قومًا بجهله

با توجه به شأن نزول هایی که مفسران ذکر کرده اند، هشدار خداوند در آیه شریفه، هنگامی صورت گرفت که نشانه های خطر یاد شده در جامعه به نوعی رخ نموده بود.

شرایط بررسی خبر فاسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۶ - ۲

۲ - وجوب بررسی صدق خبر فاسق ، منوط به مهم بودن آن است . \*

إن جاءكم فاسق بنیا فتبینوا

با توجه به این که <نبأ> به خبر مهم گفته می شود می توان نتیجه گرفت که وجوب تبیین در خصوص اخبار مهم است نه در مورد مطلق خبر، هر چند ناچیز باشد.

شرایط نقل خبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۱۸

۱۸ - شرح و بیان وقایع ، باید از روی علم و آگاهی باشد .

أم كنتم شهداء إذ حضر یعقوب الموت

خداوند، ادعای یهود (وصیت یعقوب به ملازمت بر یهودیت) را با این جمله <أم كنتم ...> (شما که حضور نداشتید...) بی اساس دانسته است و این بدان معناست که: خبر و بیان وقایع باید از روی علم و آگاهی بوده تا شایسته پذیرش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۷ - ۵

۵ انطباق دقیق با واقعیت و پرهیز از مبالغه، معیارهایی که باید در نقل خبر مراعات کرد.

زین لکثیر من المشرکین

شیوع خبر معجزه موسی (ع)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۳ - شعراء

۵- راه یافتن خبر معجزات موسی (ع) در میان توده مردم

و قيل للناس هل أنتم مجتمعون

خبر واحد

حجیت خبر واحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۱۶

۱۶ خبر واحد ، معتبر و حجت است .

ليتفقها في الدين و لينذروا قومهم إذا رجعوا إليهم لعلهم يحذرون

ترتیب اثر دادن جامعه به سخنان ارشاد گران، مبتنی بر حجت بودن گفتار آنان است.

### خجالت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خجالت

خجالت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- نساء - ۴ - ۴۲ - ۵

۵ انکار رسالت پیامبر اسلام (ص) ، موجب سرافکنندگی و شرمساری در قیامت

يومئذ يودّ الذين كفروا و عصوا الرسول لو تسوّى بهم الارض

<الرسول> می تواند از باب تنازع، مفعول <كفروا> نیز باشد.

خجالت اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - ندامت و سرافکنندگی مجرمان ، در صحنه قیامت ، منظره ای بس دیدنی و عبرت انگیز است .

و لو تری إذ المجرمون ناكسوا رءوسهم عند ربهم

<نكس الرأس> به معنای <پایین انداختن سر از شرمندگی و خجالت> است. لازم به گفتن است که جواب <لو> محذوف بوده و آن، چیزی شبیه <لرأیت شيئاً عجیباً و هو...> است.

خجلت اخروی مكذبان لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - منکران لقاء الله در قیامت ، مردمانی سرافکننده و شرمسارند .

بل هم بقاء ربهم كفرون .. و لو تری إذ المجرمون ناكسوا رءوسهم

خجلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - سرافکنندگی و شرمندگی ، از جمله عذاب های روز قیامت است .

و لو تری إذ المجرمون ناکسوا رءوسهم .. فذوقوا بما نسیتم لقاء یومکم هذا

<هذا> می تواند مفعول فعل <ذوقوا> باشد و مشارالیه آن مضمون <ناکسوا رءوسهم..> باشد.

خجالت قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۵ - ۱

۱- بت پرستان ، در برابر استدلال محکم ابراهیم (ع) بر بطلان شرک ، سرافکننده و شرمسار شدند .

ثم نکسوا علی رءوسهم

<نکس> به معنای قلب و برگرداندن قسمت بالای شیء به پایین و برعکس است. جمله <نکسوا علی رءوسهم> تمثیل (از نوع تشبیه معقول به محسوس) و کنایه از افرادی است که از شدت شرمساری و سرافکنندگی، سر آنان به طرف پایین بدنشان قرار می گیرد.

خجالت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۱۱، ۳، ۲

۲ شرمساری و رسوایی بی اندازه کافران به خدا و منکران معاد در قیامت

ماذا علیهم لو امنوا .. یومئذ یؤدّ الذین کفروا ... لو تسوی بهم الارض

به دلیل آیات گذشته، مراد از کفر، کفر به خدا و معاد است.

۳ صحنه شهادت پیامبر (ص) در قیامت ، موجب شرم و تأسف بی اندازه کافران

و جئنا بك على هؤلاء شهيداً. يومئذ يودّ الذين كفروا... لو تسوّى بهم الارض

<يومئذ> متعلق به <شهيداً> است. يعنى آن روز كه پيامبر (ص) بر اعمال گواهی دهد.

۱۱ شرمساری

و پشیمانی کافران در قیامت ، از کتمان حقانیت رسالت پیامبر ( ص )

و عصوا الرسول . . . و لا یکتُمون اللّٰه حدیثاً

مصدق مورد نظر از کتمان حدیث در آیه شریفه، به دلیل <کفروا و عصوا الرسول>، کتمان حقانیت پیامبر (ص) است.

عوامل خجالت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۴،۵

۴ - عصیان از فرمان های پیامبر ( ص ) ، موجب سرافکنندگی و شرمساری مرگبار در قیامت

و عصوا الرسول لو تسوّی بهم الارض

۵ انکار رسالت پیامبر اسلام ( ص ) ، موجب سرافکنندگی و شرمساری در قیامت

یومئذ یوّد الذین کفروا و عصوا الرسول لو تسوّی بهم الارض

<الرسول> می تواند از باب تنازع، مفعول <کفروا> نیز باشد.

### خداپرستان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خداپرستان

{خداپرستان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۱۶

۱۶ - از تبار نیکان و خداپرستان بودن ، از فضایل و کمالات آدمی

و کانت من القتین

استقامت خداپرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۶- روی گردانی مردم از عبادت خداوند ، نباید تزلزلی در خداپرستان ایجاد کند .

و لا أنتم عبدون ما أعبد

جمله همخوان با <و لا أنتم عبدون> این بود که گفته شود: <ما أنا عابد> تغییر آن تعبیر به فعل مضارع <أعبد>، برای تصریح به وضعیت آینده و نفی تزلزل در عبادت است.

خداپرستی

ادعای خداپرستی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- کافران ، خود را در اقدام به خداپرستی

در صورت سازش پیامبر (ص) با آنان پیش قدم معرفی کرده و زمان پیوستن پیامبر (ص) به آنان را، پس از مرحله پیوستن خود به پیامبر (ص) قرار داده بودند.

لا أعبد ما تعبدون . و لا أنتم عبدون ما أعبد

در آیه قبل، پیامبر(ص) عبادت آینده خود از معبودهای مشرکان را منتفی دانست؛ ولی در این آیه، عبادت کنونی مشرکان از خداوند را نفی کرد. می توان گفت: اختلاف دو تعبیر که از فعلی بودن آیه قبل و اسمی بودن این آیه استفاده می شود ناظر به ترتیبی است که مشرکان برای توافق با پیامبر(ص)، پیشنهاد کرده بودند. آنان گفته بودند: یک سال ما بنده خدای تو می شویم؛ مشروط به این که سال بعد تو خدایان ما را پذیرا باشی.

اقوام پیشین و خداپرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۲۲

۲۲- اقوام کافر گذشته، دعوت انبیا را به خداپرستی تلاشی برای خارج کردن معبودهایشان از صحنه می دانستند و با آن به مخالفت برمی خاستند.

تریدون أن تصدّونا عمّا كان يعبد ءاباؤنا

خداپرستی آزر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۷ - ۴

۴ - اعتقاد پدر و قوم ابراهیم (ع) به پرستش خداوند در کنار پرستش بت ها و عناصر بی جان

براء ممّا تعبدون . إلاّ الذی فطرنی

برداشت یاد شده، براین پایه استوار است که <إلاّ> در استثنای متصل به کار رفته باشد.

خداپرستی قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۷ - ۴

۴ - اعتقاد پدر و قوم ابراهیم (ع) به پرستش خداوند در کنار پرستش بت ها و عناصر بی جان

براء مِمَّا تَعْبُدُونَ . إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي

برداشت یاد شده، براین پایه استوار است که <إِلَّا> در استثنای متصل به کار رفته باشد.

خداپرستی قوم زکریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۱ - ۱۳

۱۳ - قوم زکریا ، مردمی خداپرست و اهل تسبیح و عبادت بودند .

فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ ... أَنْ سَبَّحُوا

خداپرستی مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۱۵

۱۵ - مریم (س) ، از تبار طاعت پیشگان و از نسل نیکان و خداپرستان

و كَانَتْ مِنَ الْقَتِينِ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <من> در <من القانتین> نشویه باشد، یعنی، مریم (س) برآمده از قانتان بود.

دعوت به خداپرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۲۲

۲۲ - اقوام کافر گذشته ، دعوت انبیا را به خداپرستی تلاشی برای خارج کردن معبودهایشان از صحنه می دانستند و با آن به

مخالفت برمی خاستند .

تریدون أن تصدّونا عمّا كان يعبد ءاباؤنا

شرایط خداپرستی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۱

۱ - برخی از کافرانِ عصر بعثت ، مدعی آمادگی برای عبادت خداوند ، در صورت اظهار آمادگی پیامبر ( ص ) برای عبادت معبود های آنان

و لا أنتم عبدون ما أعبد

خبر دادن پیامبر(ص) از سر سختی

کافران پس از نفی کوتاه آمدن خود بیانگر آن است که کافران در صورت سازش پیامبر(ص) خود را برای عبادت خداوند آماده می خواندند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۲

۲ - سازش خواهان کافر ، به رغم اظهار آمادگی برای پذیرش مشروط توحید ، هرگز اهل عبادت خداوند نبودند و حال و آینده آنان ، فرقی نمی کرد .

و لا أتم عبدون ما أعبد

این آیه گرچه با آیه سوم، عبارتی یکسان دارد ولی در زمان با آن متفاوت است. در آیه سوم به قرینه آیه قبل از آن مراد زمان آینده است ولی در این آیه به قرینه آیه قبل از این مراد زمان حال است.

شرایط خداپرستی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۱

۱ - برخی از کافران عصر بعثت ، آمادگی خود را برای عبادت خداوند به صورتی مشروط ، به پیامبر ( ص ) عرضه کردند .

و لا أتم عبدون ما أعبد

فطرت خداپرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۴ - ۷

۷ - گرایش به پرستش آفریدگار هستی ، گرایشی فطری و طبیعی

فصدّهم عن السبيل

<السبيل> (آن راه) اشاره به همان راه طبیعی و فطری دارد که راهی یگانه است و در صورت نبود مانعی در آن، انسان ها به خدای یگانه ره می برند و هدایت می یابند. همه انحراف ها نیز ناشی از موانعی است که شیطان در این طریق پدید می آورد.

## خداترسان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خداترسان

آرامش اخروی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۴ - ۵

۵ - بی قراران از خوف مقام پروردگار ، دارای آرامش و آسایش در نعمت های بهشت

و لمن خاف مقام ربّه جنتان .. متکین علی فرش ... و جنی الجنّین دان

آسایش اخروی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۴ - ۴،۵

۴ - شکوه ، جلال ، آسایش و تنعم ، جملگی جمع در بهشت خائفان از مقام پروردگار

و لمن خاف مقام .. متکین علی فرش ... و جنی الجنّین دان

۵ - بی قراران از خوف مقام پروردگار ، دارای آرامش و آسایش در نعمت های بهشت

و لمن خاف مقام ربّه جنتان .. متکین علی فرش ... و جنی الجنّین دان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۵ - ۲

۲ - آسایش ، تنعم و بهره‌وری های خائفان مقام پروردگار در بهشت ، جلوه ای از ربوبیت عالی خداوند و نعمتی غیر قابل

انکار و تکذیب

متکین .. فبأیء الآء ربکما تکذبان

آمزش خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۲ - ۱

۱ - خداترسان ، مشمول غفران عظیم خداوند و بهره مند از پاداش بزرگ او

إِنَّ الدِّينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ

تنکیر <مغفره> دلالت بر تعظیم دارد.

انذار از خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۵ - ۳

۳ - تنها کسانی هشدارها و

انذار های پیامبر (ص) را می پذیرند که دارای زمینه خشیت و هراس از گرفتاری های قیامت باشند .

إِنَّمَا أَنتَ مُنذِرٌ مِّنْ يَخْشِيهَا

انذار پیامبر(ص)، همگانی است و به طایفه خاصی نظر ندارد؛ اختصاص آن به <من یخشاها>، ناظر به تأثیرپذیری آنان و سود نبردن دیگران است.

اهمیت شخصیت خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۹ - ۳

۳ - افراد خداترس و نگران از ناکامی در ترکیه و درست کاری ، سزاوار ارج نهادن و دریغ نداشتن راهنمایی و ارشاد از آنان

جاءك .. و هو یخشی

اهمیت همنشینی با خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۰ - ۴

۴ - لزوم استقبال از همنشینی با خداترسان و دین پژوهان و پرهیز از بی اعتنایی به آنان

فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى

ایمان خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۵ - ۳

۳ - تنها کسانی هشدارها و انذار های پیامبر (ص) را می پذیرند که دارای زمینه خشیت و هراس از گرفتاری های قیامت باشند .

إِنَّمَا أَنتَ مُنذِرٌ مِّنْ يَخْشِيهَا

انذار پیامبر(ص)، همگانی است و به طایفه خاصی نظر ندارد؛ اختصاص آن به <من یخشاها>، ناظر به تأثیرپذیری آنان و



سود نبردن دیگران است.

باغهای اخروی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۲ - ۱،۵

۱ - خائفان مقام پروردگار ، علاوه بر دو بوستان بهشت ، از دو بوستان دیگر نیز برخوردارند .

و لمن خاف مقام ربّه جتّان . . . و من

واژه <دون> در <من دونهما> در صورتی که به معنای <غیر> باشد بیانگر برداشت بالا خواهد بود.

۵ - <عن أبي جعفر (ع) قال: ... و أمّا قوله <و من دونهما جنتان> يقول من دونهما في الفضل و ليس من دونهما في القرب و هما لأصحاب اليمين و هي جنة النعيم و جنة المأوى ... >

از امام باقر(ع) روایت شده: .. اما این قول خداوند <و من دونهما جنتان> می فرماید: پایین تر از آن دو در فضیلت نه پایین تر در نزدیکی (مکانی) و آن دو بهشت برای اصحاب اليمين است و آن [معروف] به <جنة النعيم> و <جنة المأوى> می باشد.

بهشت خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۲ - ۱

۱ - خائفان مقام پروردگار ، علاوه بر دو بوستان بهشت ، از دو بوستان دیگر نیز برخوردارند .

و لمن خاف مقام ربّه جنتان ... و من دونهما جنتان

واژه <دون> در <من دونهما> در صورتی که به معنای <غیر> باشد بیانگر برداشت بالا خواهد بود.

پاداش اخروی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۰ - ۲

۲ - خداترسان دور از هواپرستی با حضور در صحنه قیامت ، کردار خویش را به یاد آورده و جزای آن را خواهند دید .

يوم يتذكّر ... و أمّا من خاف مقام ربّه و نهى النفس عن الهوى

پاداش خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۶

۵ - بیمناکان از مقام پروردگار ، برخوردار از بهشتی در قبال عمل و بهشتی دیگر از فضل الهی \*

و لمن خاف مقام ربّه جنتان

طبق نظر برخی از مفسران، تشبیه آمدن <جنتان> نظر به مطلب بالا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۷ - ۱

۱ - پاداش بهشت به بیمناکان مقام پروردگار ، نعمتی انکارناپذیر و غیر قابل تکذیب

و لمن .. جنتان . فبأیء الآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۲ - ۱

۱ - خداترسان ، مشمول غفران عظیم خداوند و بهره مند از پاداش بزرگ او

إنّ الذین یخشون ربّهم بالغیب لهم مغفرة و أجر کبیر

تنکیر <مغفرة> ; دلالت بر تعظیم دارد.

پاکی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۴ - ۲

۲ - مردمان تذکرپذیر و اهل خشیت ، انسان هایی پاک ، و رستگارانند .

سیّدکّر من یخشی .. قد أفلح من تزکی

مصدق مورد نظر از <من تزکی> به قرینه آیات پیشین همان مصادیق <من یخشی> است.

پیروزی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۲ - ۱

۱ - خداترسان تقوا پیشه و اطاعت کنندگان از خدا و رسول ، حتماً ظفرمند و کامیاب اند .

و من یطع الله و رسوله و یخش الله و یتقه فأولئک هم الفائزون

تذکر اخروی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۰ - ۲

۲ - خداترسان دور از هواپرستی

با حضور در صحنه قیامت ، کردار خویش را به یاد آورده و جزای آن را خواهند دید .

یوم یتذکر .. و أمّا من خاف مقام ربّه و نهی النفس عن الهوی

ترک اعراض از خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۰ - ۴

۴ - لزوم استقبال از همنشینی با خداترسان و دین پژوهان و پرهیز از بی اعتنایی به آنان

فأنت عنه تلّهی

تعدد باغهای اخروی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۶ - ۱

۱ - بیمناکان دادگاه عدل الهی و حضور در محضر او ، برخوردار از دو بوستان

و لمن خاف مقام ربّه جتّان

در صورتی که مراد از <مقام ربّه> محضر پروردگار در قیامت باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

تنزیه خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۰ - ۱۲

۱۲ - خداترسان ، از دل بستگی شدید به دنیا مبرا هستند .

و ءاثر الحیوه الدنیا .. و أمّا من خاف مقام ربّه

حسن فرجام خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ آنان که از خدا ترسانند و از حساب سخت و ناگوار قیامت هراس دارند ، به فرجامی نیک خواهند رسید .

و یخشون ربهم و یخافون سوء الحساب .. أولئک لهم عقبی الدار

حق پذیری خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۹

۹ - خداترسان و نماز گزاران ، بیشتر از دیگران

، حق پذیراند .

إِنَّمَا تَنْذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ

خدا ترسان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۳ - ۱،۴

۱ - بهشت ، از آن بیم دارندگان از خداوند در نهمان

وَأُزْلِفَتُ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ .. من خشى الرحمن بالغيب

بنابراین که <بالغیب> متعلق به <خشى> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

۴ - بهشت پاداش آنان که با وجود محسوس نبودن خداوند ، همه جا وی را در نظر داشته و از او بیم دارند .

من خشى الرحمن بالغيب

بنابر این که <بالغیب> وصف برای <رحمان> باشد، برداشت بالا قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۶ - ۲،۴،۵

۲ - بیم دارندگان از گناه و مخالفت پروردگار ، بهره مند از دو بهشت

و لمن خاف مقام ربّه جنتان

خوف از مقام پروردگار، می تواند کنایه از ترك گناه و پرهیز از مخالفت با فرمان پروردگار باشد. برداشت بالا بر پایه این احتمال است.

۴ - بیمناکان از مقام پروردگار ، برخوردار از بهشتی مادی و بهشتی معنوی \*

و لمن خاف مقام ربّه جنتان

تشبه آمدن <جنتان> ممکن است اشاره به مطلب بالا داشته باشد، چه این که برخی از مفسران نیز بدان اشاره کرده اند.

۵ - بیمناکان از مقام پروردگار ، برخوردار از بهشتی در قبال عمل و بهشتی دیگر از فضل الهی \*

و لمن خاف مقام ربّه جَنّان

طبق نظر برخی از مفسران، تشبیه آمدن <جَنّان> نظر به مطلب بالا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۰ -



۲- دو بهشت خائفان از خدا، دارای تفاوت های بسیار و تنوع فراوان \*

و لمن خاف .. جنتان ... ذواتا أفنان ... فیهما عینان تجربیان

از این که پس از عبارت <و لمن خاف .. جنتان> اوصاف به گونه تشبیه آمده است، چنین استفاده می شود که تفاوت آن دو <جنت> اعتباری نیست؛ بلکه آن چشمه ای دارد و این چشمه ای دیگر؛ به خصوص اگر <أفنان> به معنای <انواع> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۱ - ۱

۱ - چشمه های جاری در بهشت خائفان، نعمتی غیر قابل انکار و تکذیب ناپذیر

فیهما عینان تجربیان . فبأیء الآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۴ - ۴،۵

۴ - شکوه، جلال، آسایش و تنعم، جملگی جمع در بهشت خائفان از مقام پروردگار

و لمن خاف مقام ... متکین علی فرش ... و جنی الجنتین دان

۵ - بی قراران از خوف مقام پروردگار، دارای آرامش و آسایش در نعمت های بهشت

و لمن خاف مقام ربّه جنتان ... متکین علی فرش ... و جنی الجنتین دان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۵ - ۲

۲ - آسایش، تنعم و بهرهوری های خائفان مقام پروردگار در بهشت، جلوه ای از ربوبیت عالی خداوند و نعمتی غیر قابل انکار و تکذیب

متکین ... فبأیء الآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۱

۱ - بهشت ، تنها جایگاه نهایی برای خداترسان رهیده از هوای نفس

فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى

جمله <فَإِنَّ الْجَنَّةَ...> به دلیل وجود <ال> جنس در خبر، دلالت بر حصر دارد.

خداترسان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۰ - ۲، ۱

۱ - حاضران در قیامت ، به دو دسته متمایز طغیان گران و خداترسان دور از هوا و هوس ، تقسیم خواهند شد .

فَأَمَّا مَنْ طَغَى . . . وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ

در ترکیب آیات حاضر، گفته شده است که جمله <فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَى> حاوی ادات شرط و فعل شرط است و تقسیم حاضران به دو دسته که از جملات <فَأَمَّا مَنْ طَغَى...> و <وَأَمَّا مَنْ خَافَ...> استفاده می شود جزای آن است.

۲ - خداترسان دور از هواپرستی با حضور در صحنه قیامت ، کردار خویش را به یاد آورده و جزای آن را خواهند دید .

يَوْمَ يَتَذَكَّرُ . . . وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۸ - ۲

۲ - انسان های پاک ، تذکر پذیر ، هدایت جو و خداترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لَعَلَّهُ يَرْكَبُ . أَوْ يَذَّكَّرُ ... جَاءَكَ يَسْعَى . وَهُوَ يَخْشَى ... وَجْوه يومئذ مسفرة

خداترسان و انذارهای محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۷

۷- انذارها و اخطارهای پیامبر (ص)، تنها در خداترسان و بر

پادارندگان نماز مؤثر بوده است .

إِنَّمَا تَنْذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ

خداترسان و دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۰ - ۱۲

۱۲ - خداترسان ، از دل بستگی شدید به دنیا مبرا هستند .

و ءاثر الحیوه الدنیا .. و أما من خاف مقام ربّه

رستگاری خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۴ - ۲

۲ - مردمان تذکرپذیر و اهل خشیت ، انسان هایی پاک ، و رستگارند .

سیدّ کر من یخشی .. قد أفلح من تزکی

مصدق مورد نظر از <من تزکی> به قرینه آیات پیشین همان مصادیق <من یخشی> است.

زمینه ترس خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۰ - ۶

۶ - عاقبت اندیشان و اهل خشیت ، تأثیرپذیر از تذکرات و پند های قرآن

فذکر .. سیدّ کر من یخشی

سعادت خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - خدا ترسان و پند پذیران ، سعادت منداند .

سید کر من یخشی . و یتجنّبها الأشقی

این آیه با آیه قبل، دارای <احتباك> (از وجوه بلاغت) است؛ یکی از <خشیت> سخن گفته و دیگری از <شقاوت> و بیان نقطه مقابل هر یک را به قرینه بودن دیگری موکول کرده است؛ بدین معنا که اهل خشیت، نقطه مقابل <شقاوت>؛ یعنی، سعادت را دارند و اهل <شقاوت> گرفتار نقطه مقابل <خشیت>؛ یعنی، گستاخی هستند.

سهولت تعلیم خدا ترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - آگاه ساختن اهل خشیت به معارف قرآن ، آسان و بی نیاز از تحمل رنج و ناراحتی است .

سنقرئک .. و نیسرک لیسری . فذکر ... سیدکر من یخشی

شکوه اخروی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۴ - ۴

۴ - شکوه ، جلال ، آسایش و تنعم ، جملگی جمع در بهشت خائفان از مقام پروردگار

و لمن خاف مقام .. متکین علی فرش ... و جنی الجنّین دان

صورت اخروی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۸ - ۲

۲ - انسان های پاک ، تذکرپذیر ، هدایت جو و خداترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لعلّه یزکی . أو یذکر ... جاءک یسعی . و هو یخشی ... وجوه یومئذ مسفره

عبرت پذیری خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۶ - ۲

۲ - تنها خداترسان از هلاکت و مجازات فرعون پند می گیرند و خود را از گرفتاری به فرجامی نظیر آن برحذر می دارند .

إنّ فی ذلک لعبره لمن یخشی

مراد از خشیت در <یخشی> ، می تواند خشیت از خداوند باشد، جمله <و أهدیک إلی ربک فتخشی> (در آیات پیشین) مؤید این احتمال است. اختصاص یافتن <عبرت> به <من یخشی> با آن که هلاکت فرعون برای همگان درس عبرت است بیانگر این نکته است که تنها، خداترسان از این عبرت بهره می گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ -



۶ - عاقبت اندیشان و اهل خشیت ، تأثیرپذیر از تذکرات و پند های قرآن

فَذَكِّرْ .. سَيَذَكِّرْ مِنْ يَخْشَى

علائق خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۶ - ۴

۴ - بهشتیان و خداترسان ، مجذوب همسران بهشتی خود

فِيهِنَّ قَصْرَتِ الطَّرْفِ

مقصود از <طرف> می تواند نگاه همسران زنان بهشتی باشد یعنی، زنان بهشتی چنان جذاب اند که نظر و چشم دیگران (همسران) را به خود مشغول می دارند.

فرجام اخروی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۱ - ۱

۱ - بهشت ، تنها جایگاه نهایی برای خداترسان رهیده از هوای نفس

فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى

جمله <فَإِنَّ الْجَنَّةَ..> به دلیل وجود <ال> جنس در خبر، دلالت بر حصر دارد.

فضایل خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۳ - ۱

۱ - بهشت ، از آن بیم دارندگان از خداوند در نهان

وَأَزَلَّتْ الْجَنَّةَ لِلْمُتَّقِينَ . . . من خشى الرحمن بالغيب

بنابراین که <بالغیب> متعلق به <خشى> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۶ - ۴۵، ۴، ۲، ۱

۱ - بیمناکان دادگاه عدل الهی و حضور در محضر او ، برخوردار از دو بوستان

و لمن خاف مقام ربّه جنتان

در صورتی که مراد از <مقام ربّه> محضر پروردگار در قیامت باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

۲ - بیم دارندگان از گناه و مخالفت پروردگار ، بهره مند از دو بهشت

و لمن خاف مقام ربّه جنتان

خوف

از مقام پروردگار، می تواند کنایه از ترک گناه و پرهیز از مخالفت با فرمان پروردگار باشد. برداشت بالا بر پایه این احتمال است.

۴ - بیمناکان از مقام پروردگار، برخوردار از بهشتی مادی و بهشتی معنوی \*

و لمن خاف مقام ربّه جنتان

تشبیه آمدن <جنتان> ممکن است اشاره به مطلب بالا داشته باشد؛ چه این که برخی از مفسران نیز بدان اشاره کرده اند.

۵ - بیمناکان از مقام پروردگار، برخوردار از بهشتی در قبال عمل و بهشتی دیگر از فضل الهی \*

و لمن خاف مقام ربّه جنتان

طبق نظر برخی از مفسران، تشبیه آمدن <جنتان> نظر به مطلب بالا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۲ - ۱

۱ - خائفان مقام پروردگار، علاوه بر دو بوستان بهشت، از دو بوستان دیگر نیز برخوردارند.

و لمن خاف مقام ربّه جنتان .. و من دونهما جنتان

واژه <دون> در <من دونهما> در صورتی که به معنای <غیر> باشد بیانگر برداشت بالا خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۶ - ۲

۲ - تنها خدا ترسانان از هلاکت و مجازات فرعون پند می گیرند و خود را از گرفتاری به فرجامی نظیر آن برحذر می دارند.

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِمَن يَخْشَى

مراد از خشیت در <یخشی>، می تواند خشیت از خداوند باشد، جمله <و أهديك إلى ربك فتحشى> (در آیات پیشین) مؤید این احتمال است. اختصاص یافتن <عبرت> به <من یخشی> با آن که هلاکت فرعون برای همگان درس عبرت است بیانگر این نکته است که

تنها، خداترسان از این عبرت بهره می گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۱ - ۱

۱ - بهشت ، تنها جایگاه نهایی برای خداترسان رهیده از هوای نفس

فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى

جمله <فَإِنَّ الْجَنَّةَ..> به دلیل وجود <ال> جنس در خبر، دلالت بر حصر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۵ - ۳

۳ - تنها کسانی هشدارها و انذارهای پیامبر (ص) را می پذیرند که دارای زمینه خشیت و هراس از گرفتاری های قیامت باشند .

إِنَّمَا أَنتَ مُنذِرٌ مِّنْ يَخْشِيهَا

انذار پیامبر(ص)، همگانی است و به طایفه خاصی نظر ندارد؛ اختصاص آن به <من یخشاها>، ناظر به تأثیرپذیری آنان و سود نبردن دیگران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۹ - ۳

۳ - افراد خداترس و نگران از ناکامی در تزکیه و درست کاری ، سزاوار ارج نهادن و دریغ نداشتن راهنمایی و ارشاد از آنان

جاءك .. و هو یخشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۰ - ۱

۱ - کسانی که عظمت خداوند را احساس کرده و از او هراس دارند ، در پذیرش موعظه های پیامبر (ص) درنگ نمی کنند .

سیدّك من یخشی

<خشیت> ترسی است که آمیخته با احساس عظمت باشد(مفردات راغب). <سیدّگر> در اصل <سیتدگر> بوده است و حرف <سین> در آن بر نبود تأنی و تأخیر در پذیرش تذکر دلالت دارد.

مدح خدا ترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۵ - ۳

۳ - تمجید خداوند از دل هایی که با شنیدن نام او ، خشیت و ترس بر آنها عارض می شود .

الذین إذا ذکر الله وجلت قلوبهم

مصونیت اخروی خدا ترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۴ - ۳

۳ - بیم داران از خدا در دنیا ، ایمن از هر غم و اندوه ، در آخرت

من خشی الرحمن .. ادخلوها بسلم

مقامات خدا ترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۴ - ۱۳

۱۳- > عن ابن مسعود قال : لَمَّا نزلت . . . > يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِكُمْ نَاراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ < تلا رسول الله ( ص ) على أصحابه فخرّ فتي مغشياً عليه . . . فبشّره النبي ( ص ) بالجنه فقال > ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدَ ;

ابن مسعود گفت: هنگامی که آیه > يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ . . . < نازل شد، رسول خدا(ص) آن را برای اصحابش تلاوت کرد. پس جوانی بر زمین افتاد و از هوش رفت پس پیامبر(ص) او را به بهشت بشارت داد و فرمود:... ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدَ.

نعمتهای اخروی خدا ترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۴ - ۵

۵ - بی قراران از خوف مقام پروردگار ، دارای آرامش و آسایش در نعمت های بهشت

و لمن خاف مقام ربّه جَنَّتَانِ .. مَتَّكِينِ عَلٰی فَرْشٍ ... وَ جَنِي الْجَنَّتَيْنِ دَان

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۵ - ۲

۲ - آسایش ، تنعم و بهره‌وری های خائفان مقام پروردگار در بهشت ، جلوه ای از ربوبیت عالی خداوند و نعمتی غیر قابل انکار و تکذیب

مَتَكِينٌ... فَبَأَىءَ الْآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانَ

نورانیت اخروی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۸ - ۲

۲ - انسان های پاک ، تذکر پذیر ، هدایت جو و خداترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لَعَلَّ يَرْكَبِي . أَوْ يَذَّكَّرُ... جَاءَكَ يَسْعَى . وَهُوَ يَخْشَى... وَجْهَ يَوْمئِذٍ مَسْفُورَةٍ

ویژگیهای باغهای اخروی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۰ - ۱

۱ - دو بوستان عطا شده به خداترسان ، دارای دو چشمه همیشه جاری

و لَمَنْ خَافَ... جَنَّاتٍ... فِيهِنَّ عَيْنَانُ تَجْرِيان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۲ - ۱،۲

۱ - دو بوستان عطا شده به خداترسان ، دارای دو گونه متمایز از هر نوع میوه

فِيهِنَّ مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَان

۲ - دو بوستان خائفان از خدا ، هر یک دارای میوه هایی مخصوص به خود و متمایز از دیگری \*



فیهما من کلّ فکّھه زوجان

برداشت یاد شده بدین احتمال است که <زوجان> به معنای وجود دو نوع در دو بهشت باشد که در هر بهشت یک نوع از هر میوه وجود داشته باشد.

هدایت پذیری خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۰ - ۱

۱ - کسانی که

عظمت خداوند را احساس کرده و از او هراس دارند ، در پذیرش موعظه های پیامبر ( ص ) درنگ نمی کنند .

سیدگر من یخشی

<خشیت> ترسی است که آمیخته با احساس عظمت باشد(مفردات راغب). <سیدگر> در اصل <سیتدگر> بوده است و حرف <سین> در آن بر نبود تائی و تأخیر در پذیرش تذکر دلالت دارد.

هدایت خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۹ - ۳

۳ - افراد خداترس و نگران از ناکامی در ترکیه و درست کاری ، سزاوار ارج نهادن و دریغ نداشتن راهنمایی و ارشاد از آنان

جاءك . . و هو یخشی

همسران بهشتی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۶ - ۴

۴ - بهشتیان و خداترسان ، مجذوب همسران بهشتی خود

فیهنّ قصر الطرف

مقصود از <طرف> می تواند نگاه همسران زنان بهشتی باشد یعنی، زنان بهشتی چنان جذاب اند که نظر و چشم دیگران (همسران) را به خود مشغول می دارند.

خداترسی

آثار خداترسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۰ - ۱۴

۱۴ - خداترسی ، مانع هواپرستی است .

و أمّا من خاف مقام ربّه و نهى النفس عن الهوى

ترتیبی که در ذکر خداترسی و نهی از هوای نفس مراعات شده، حاکی از ترتّب حقیقی آن دو است.

ادعای خداترسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۶ - ۷

۷ - شیطان ، مدعی خداترسی

قال .. إني أخاف الله

خداترسی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ابراهیم - ۱۴ - ۱۴ - ۱۱

۱۱- انبیا به دلیل ترس از مقام خداوند از حمایت های خداوند برخوردار شدند .

فأوحى إليهم ربهم لنهلكن الظلمين . و لنسكننكم الأرض ... ذلك لمن خاف مقامى و خ

خداترسی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۶ - ۷

۷- شیطان ، مدعی خداترسی

قال .. إني أخاف الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۲

۲- اظهار خداترسی و نیز تبری شیطان در قیامت از پیروان خویش ، بی ثمر در نجات او از کیفر اخروی

قال إني بريء منك إني أخاف الله .. فكان عقبتهما أنهما في النار

خداترسی عبدالله بن ام مکتوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۹ - ۱،۲

۱- ابن ام مکتوم مسلمانی خداترس بود و خطر محرومیت از تزکیه او را نگران ساخته بود .

و هو يخشى

حذف بعضی از قیدهای کلام، گاهی به منظور تعمیم است تا مخاطب احتمالات گوناگونی را مد نظر داشته باشد. متعلق <خشیت> در این آیه گویا به همین منظور ذکر نشده است تا احتمالاتی از قبیل ترس از خدا، نگرانی از سلب توفیق تزکیه، ترس از فرجام خویش و نظایر آن را در ذهن شنونده ترسیم کند.

۲- خداترسی و حالت خشیت ، برانگیزاننده ابن ام مکتوم برای حضور در مجلس پیامبر ( ص ) بود .

و أمّا من جاءك يسعى . و هو يخشى

خداترسى موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون

۴ - موحدانِ بیمناک از پروردگار و روز قیامت ، پیشتاز در انجام کار های نیک

و هم لها سبفون

<لها> متعلق به <سابقون> است که مفعول آن محذوف می باشد. پس تقدیر آن چنین می شود: <و هم سابقون غیرهم لها>. <سبق> به معنای پیشی گرفتن است.

### خداشناسی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خداشناسی

آثار خداشناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۵ - ۲،۹

۲ شناخت ربوبیت الهی ، مستلزم روی آوری انسان به دعا به درگاه اوست .

إن ربکم الله الذی .. ادعوا ربکم تضرعاً

بیان ضرورت دعا پس از بیان ربوبیت خداوند و تدبیر جهان هستی از سوی او می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

۹ توجه به ربوبیت خداوند ، برانگیزنده آدمی به دعا به درگاه او

ادعوا ربکم

هدف از بیان ربوبیت خدا به انسانها، در ضمن دعوت آنان به دعا به درگاه او، ایجاد انگیزه دعا در ایشان است. یعنی باور به ربوبیت خدا همان و روی آوری به درگاه او همان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۶ - ۷

۷- هدایت و شناخت پروردگار ، موجب امیدواری به رحمت او و زداینده هرگونه یأس و ناامیدی

و من یقنط من رحمہ ربّہ إلا الضالّون

حضرت ابراهیم(ع) یأس از رحمت پروردگار را معلول گمراهی و نشناختن پروردگار دانست. بنابراین هدایت و شناخت پروردگار، می تواند موجب امیدواری به رحمت خدا و عامل از بین رفتن یأس شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۴ - ۳

۳ - معرفت درست

در باره خدا، زمینه ساز اعتقاد به قدرت و عزت مطلق و نامحدود او

ما قدروا الله حق قدره إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ

آثار خداشناسی ناقص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۴ - ۱

۱ - شرک، اندیشه ای است برخاسته از عدم شناخت درست خدا.

ما قدروا الله حق قدره

<قدر> (مصدر <قدروا>) به معنای اندازه گرفتن است. ضمیر فاعل در <قدروا>، به مشرکان بازمی گردد و <حق قدره> مفعول مطلق برای <قدروا> می باشد؛ یعنی، آنان که تدبیر امور جهان و از جمله انسان را در اختیار خدایان دیگری می پندارند، خدا را آن گونه که هست نشناخته و گمان می کردند که خدا به تنهایی نمی تواند همه هستی را اداره کند. ندانستید که خدا، نیرومند و شکست ناپذیر است.

آثار خداشناسی یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۴

۱۴ معرفت ویژه یعقوب (ع) نسبت به خداوند و صفات او، دلیل تضرعش به درگاه او و شکایت نبردنش به غیر او.

إِنَّمَا أَشْكُوا بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

جمله <أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ> به منزله تعلیل برای <إِنَّمَا أَشْكُوا...> است؛ یعنی، دلیل اینکه من فقط به خدا شکایت می برم [و شما این گونه نیستید] آن است که من از صفات و ویژگیهای خدا، چیزهایی را می دانم که شما نمی دانید.

اهتمام یوسف (ع) به خداشناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ -



۳ یوسف (ع) با اشاره به خدادادی بودن دانش های ویژه اش ، هم بندگان خویش را به شناخت ربوبیت خدا برانگیخت .

ذَلِكَمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي

از اهداف یوسف(ع) در بیان این حقیقت که <این دانش را پروردگارم به من آموخته است> آن است که: هم بندگان زندانی خویش را با خدا و ربوبیت او آشنا کند. مخاطب قرار دادن آن دو نفر با حرف <کما> در <ذَلِكَمَا> مؤید این هدف است.

اهمیت خداشناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۷ - ۵

۵- شناخت خداوند (توحید) و پندآموزی و درس گیری ، هدف و فلسفه نقل داستان ها و حوادث تاریخی در قرآن است .

و تَبَيَّنْهُمْ عَنْ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ .. .. إِنْ فِي ذَلِكَ لَأَيُّتٌ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ ... إِنْ فِي ذَلِكَ لَأَيُّهُ لِّلْمُؤْمِنِينَ

تعقل در خداشناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۷ - ۱۹

۱۹ - شناخت خردورزانه مبدأ و منت های آفرینش (خدا و معاد) ، فلسفه خلقت انسان

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ .. لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

برداشت بالا به خاطر این نکته است که آیه شریفه، در صدد شناساندن خدا به عنوان مبدأ آفرینش انسان و مسأله معاد است که در آیه بعد از آن سخن به میان خواهد آمد (هو الذی یحیی و یمیت ..).

توفیق خداشناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۵ - ۱۷

۱۷ شناخت ربوبیت خدا بر تمام هستی و باور به رحمانیت و رحیمیت او و مالکیتش بر روز

جزا ، تنها با امداد الهی امکان پذیر است .

الحمد لله رب العلمین .. ایاک نستعین

شناخت ربوبیت خدا و .. از تکالیفی است که می توان آن را از سوره حمد برداشت کرد. لذا آنها نیز متعلق <نستعین> می باشند؛ یعنی: نستعینک علی ان نعرف ربوبیتک و ... .

خداشناسی ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۶ - ۱۰

۱۰ - ابلیس ، آشنا به خدا و خالقیت او

خلقتی من نار و خلقتی من طین

خداشناسی اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۳ - ۸

۸- شناخت ربوبیت خداوند ، از عوامل ایمان اصحاب کهف بود .

ءامنوا برّهم

خداشناسی اعراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱ - ۱۲

۱۲ محبوبیت و عظمت خداوند نزد همگان ، حتی اعراب در زمان جاهلیت

و اتّقوا الله الذی تساءلون به

درخواست مردم از یکدیگر با نام خدا (تو را به خدا چنین کن)، که مفهوم جمله <تساءلون به> می باشد، نشانه محبوبیت و عظمت نام خدا نزد مخاطبان است؛ که از جمله مخاطبان، اعراب دوران جاهلیت هستند.

خداشناسی اعضای بدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۱ - ۸،۱۴

۸ - اعضا و جوارح آدمی ، آگاه به وجود خداوند و قدرت و اقتدار او

قالوا أنطقنا الله الذي أنطق كل شيء

۱۴ - آگاهی و شهادت اعضا و جوارح آدمی در قیامت به آفریدگاری خداوند و بازگشت همگان به سوی او

قالوا .. و هو

خلقکم أول مرّه و إليه ترجعون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که جمله <و هو خلقکم ..> ادامه گفتار اعضا و جوارح انسان باشد.

خداشناسی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۶

۶- پی بردن از طریق پدیده ها به پدید آورنده (برهان اِنُّ) ، از برهان های رسولان الهی برای اثبات وجود خداوند

أفی الله شكّ فاطر السموت و الأرض

نفی تردید از خالقیت خداوند نسبت به آسمانها و زمین، در حقیقت بدین جهت است که با توجه دادن مردم به پدیده بودن آسمانها و زمین، آنان واقف به نیازشان به پدید آورنده خواهند شد و این، عین استفاده از برهان اِنُّ است.

خداشناسی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۲ - ۱۰، ۶، ۵، ۴

۴ هر انسانی در نشئه شهود به گونه ای محسوس ربوبیت و وحدانیت خداوند را دریافته است .

و أشهدهم علی أنفسهم ألت بریکم قالوا بلی

۵ خداوند پس از شناساندن خود به انسان ها از آنان خواست تا بر ربوبیت خدا و عبودیت خویش گواه باشند .

و أشهدهم علی أنفسهم ألت بریکم

۶ اعتراف انسان به ربوبیت خدا در نشئه شهود

ألت بریکم قالوا بلی

۱۰ هیچ انسانی در روز قیامت نمی تواند مدعی غفلت از ربوبیت خدا در حیات دنیوی خویش باشد .

أشهدهم علی أنفسهم .. أن تقولوا یوم القیمه إنا كنا هذا غفلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۳ - ۱

۱ وجود نشئه شهود و آگاه شدن

آدمی به ربوبیت و وحدانیت خدا در آن نشئه ، از میان برنده هر گونه عذر و بهانه ای برای روی آوردی به شرک

و أشهدهم علی أنفسهم .. أو تقولوا إنما أشرك ءاباؤنا

خداشناسی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۶ - ۱۳

۱۳ - اتصاف خداوند به قدرتی فراگیر و مطلق ، امری روشن برای انسانها

ألم تعلم أن الله كل شیء قدير

استفهام در جمله فوق استفهام تقریری است و این نوع استفهام در موردی به کار می رود که مخاطب مضمون جمله را پذیرفته و آن را باور دارد. از آنجا که مخاطب جمله فوق همه انسانها هستند؛ یعنی، <ألم تعلم أيها الإنسان>، معلوم می شود: همگان به قدرت مطلق خدا آگاه هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۷ - ۲

۲ - انحصار حاکمیت خداوند بر تمام هستی ، حقیقتی روشن برای همگان

ألم تعلم أن الله له ملك السموت و الأرض

استفهام تقریری در <ألم تعلم...> گویای برداشت فوق است. برای توضیح بیشتر به برداشت شماره ۱۳ آیه قبل مراجعه شود.

خداشناسی اهل انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۵ - ۷

۷ - مردم انطاکیه ، به وجود خدا و رحمانیت او معتقد بودند . \*

و ما أنزل الرحمن من شیء

تصریح مردم انطاکیه به صفت رحمانیت خدا حاکی از اعتقاد آنان به این حقیقت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۳ - ۹

۹ - مردم انطاکیه

، به وجود خدا و رحمانیت او معتقد بودند . \*

إن یردن الرحمن بضراً

تصریح به صفت رحمانیت خدا از سوی مؤمن انطاکیه، می تواند حاکی از عقیده مردم آن دیار به این حقیقت باشد؛ زیرا اگر آنان بر این باور نبودند، استدلال به توانایی خداوند رحمان بر ضرر و گزند رساندن به انسان ها به گونه ای که حتی معبودها از دفع آن ناتوان باشند بی معنا و غیر کافی بود.

خداشناسی اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۷

۷ مردم مدین ، به وجود خداوند معتقد بودند .

قال یقوم اعبدوا الله ما لکم من إله غیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۶ - ۸

۸ - مردم مدین ، به وجود خداوند معتقد بودند .

یقوم اعبدوا الله

از دعوت حضرت شعیب (ع)، به عبادت خدا، استفاده می شود که اصل وجود خدا، برای مردم مدین، مسلم و مُحَرَز بوده است.

خداشناسی اهل یقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۷ - ۵

۵- اهل یقین ، قادر به درک و شناخت ربوبیت یگانه خداوند بر نظام هستی

ربّ السموت و الأرض و ما بینهما إن کنتم موقنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۱ - آفرینش انسان و سایر جانداران ، دربردارنده نشانه هایی از خداوند برای جویندگان یقین

و فی خلقکم و ما یبئ من دابّه ءایت

خداشناسی برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۳

۱۳ جهل و ناآگاهی فرزندان یعقوب به حقایق دربار خداوند

و أعلم من الله ما لا تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۱ - ۷

۷ یوسف (ع) و برادرانش به نقش بسزای خداوند در امور بشر و روند تاریخ، معتقد بودند و بدان باور داشتند.

قد منّ الله علينا .. لقد اثرک الله علينا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۱۵

۱۵ جهل و ناآگاهی فرزندان یعقوب به حقایق دربار خداوند

ألم أقل لكم إني أعلم من الله ما لا تعلمون

خداشناسی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۰ - ۱

۱ - تنها بندگان مخلص خدا، عارف به حق خدا و توصیف کننده شایسته او هستند.

سبحن الله عما یصفون . إلاّ عباد الله المخلصین

<إلاّ> استثنای منقطع و به معنای <لکن> است. مستثنی منه نیز در برداشت بالا، ضمیر فاعلی <یصفون> دانسته شده است. گفتنی است مقصود و معنای <مخلصین> این است: <الذین أخلصهم الله لنفسه و ولایته؛ کسانی که خداوند آنان را برگزیده و در اختیار خود گرفته و مطیع فرمان خویش ساخته است.>

خداشناسی پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- پرندگان ، دارای نوعی شعور و شناخت نسبت به انسان و خدا

و الطیر محشوره کلّ له اواب

خداشناسی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - ساحران در پاسخ فرعون ، خداوند را برتر از او و وصول به خدا را ، ارجمندتر از آسایش دنیوی و پاینده تر از زندگانی در دنیا معرفی کردند .

إِنَّمَا تَقْضَىٰ هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا .. وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ

خداشناسی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۳

۳- اعتقاد جنیان قبل از رسالت پیامبر ( ص ) به وجود خداوند

أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ

در عبارت <أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ> اصل وجود خداوند در نظر جنیان، یقینی تلقی شده و از آنان خواسته شده است تا به پیامبری که به سوی خداوند دعوت می کند، ایمان آورند.

خداشناسی حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۶ - ۸

۸- وجود نشانه های روشن و غیرقابل انکار الهی ، در نظام شب و روز برای جویندگان حقیقت

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

عبارت <قَوْمٍ يُؤْمِنُونَ> یعنی، کسانی که دارای زمینه گرایش به حق اند و اگر حق را بیابند به آن ایمان می آورند.

خداشناسی در آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۴ - ۲

۲ - نظام طبیعت ، بستری مناسب برای خداشناسی و ره یافتن به توحید

قل لمن الأرض و من فيها

خداشناسی در انسان های نخستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۹ - ۵

۵ تاریخ شاهد دین داری و گرایش به خدا از روز آغازین پیدایش انسان

و ما كان الناس إلا أمه وحده فاختلفوا

خداشناسی در

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۶

۶ باور به وجود خداوند ، باوری ریشه دار در عمق تاریخ بشر

يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

از اینکه نوح(ع)، قوم خویش را به عبادت خداوند دعوت کرد، معلوم می شود وجود خداوند برای آنان امری مسلم بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۵ - ۷

۷ باور به وجود خداوند ، باوری ریشه دار در تاریخ بشر

يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۷

۷ باور به وجود خداوند ، باوری ریشه دار در تاریخ بشر

قال يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۷

۷ باور به وجود خداوند ، باوری ریشه دار در تاریخ بشر

قال يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

خداشناسی در طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۰ - ۱۲، ۱۰، ۵

۵ آفرینش و پدیده های آن ، از منابع و زمینه های شناخت خداوند و صفات او

انّ فی خلق السّموات و الارض و اختلاف الّیل و النّهار لآیات

۱۰ صاحبان خرد ناب ، تنها دریابندگان نشانه های الهی در آفرینش

انّ فی خلق السّموات .. لآیات لاولی الالباب

آیات الهی در آفرینش وجود دارد، چه صاحب خردی باشد و یا نباشد. بنابراین <لاولی الالباب>، ناظر به

بهره مندی از آن آیات است. یعنی تنها خردمندان به نشانه بودن آنها پی می برند و دیگران از آن محرومند.

۱۲ اندیشه پیراسته از آلودگی ها و ناخالصی ها ، زمینه ساز درک آیات الهی در آفرینش

انّ فی خلق السّموات .. لآیات لاولی الالباب

خداشناسی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۶ - ۸

۸ - اعتراف شیطان به ربوبیت خداوند بر هستی

کمثل الشیطن إذ قال .. إئی أخاف الله ربّ العلمین

خداشناسی طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۹

۹ - طبیعت و جهان مادی ، آشنا با خدا و آگاه به مقام الوهیت است .

و إن منها لما یهبط من خشیه الله

خداشناسی عاقلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴ - ۹

۹ تنها صاحبان عقل و فهم بر دریافت ربوبیت خدا و یکتایی او در تدبیر هستی توانایند .

إن فی ذلک لآیت لقوم یعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۵ - ۱،۲،۷



۱ - رفت و آمد پی در پی شب و روز و تفاوت تدریجی ساعات آن دو ، نشانه وجود خداوند نزد اهل اندیشه و تفکر

و اختلف الیل و النهار و ... آیت لقوم یعقلون

<اختلاف..> ممکن است ناظر به آمد و شد روز و شب باشد. علاوه بر آن تغییر ساعات روز و شب در طی فصول سال را نیز افاده می کند. در برداشت بالا هر دو نکته مورد نظر است.

- ریزش باران از سمت آسمان و تأمین روزی خلق و حیات زمین در پرتو آن ، آیتی خداوندی برای خردورزان

و ما أنزل الله من السماء .. آیت

۷- نقش سازنده حرکت باد ها در شرایط زیستی زمین ، نشانه ای از خداوند برای اهل اندیشه

و تصریف الريح آیت لقوم یعقلون

خداشناسی عقلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۰ - ۶۸

۶ استدلال بر شناخت صفات خداوند از طریق برهان < ائی >

انّ فی خلق السموات و الارض و اختلاف الیل و النهار لآیات

برهان < انّ > یا < ائی >، پی بردن از معلول به علت است و در آیه شریفه، پدیده ها و چگونگی آنها، که معلول خدا و صفات او هستند، نشانه و دلیل خداوند و صفات او معرفی شده است.

۸ ارزش عقل و نقش آن در شناخت خداوند

لآیات لاولی الالباب

< لبّ > به معنای عقل خالص و بدور از وهم و خیال است که از آن می توان به خرد ناب تعبیر کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۸ - ۷

۷- عقل و دل ، دو ابزار کارآمد در وجود انسان برای دستیابی به معارف درست در باره خدا و صفات و افعال او

یجدل فی الله بغير علم و لا هدی

خداشناسی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- اعتقاد درونی فرعون به وجود پروردگاری برای آسمان ها و زمین \*

قال لقد علمت ما أنزل هؤلاء إلا رب السموت و الأرض

خداشناسی فرعونیان

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۱ - ۷

۷ بیشتر فرعونیان ناآگاه به نقش اراده خداوند در ابتلای آنان به سختی ها و ناخوشایندیها

ألا إنما طئهم عند الله و لكن أكثرهم لا يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۴ - ۷

۷ باور فرعونیان به وجود خدایی برای موسی ، مؤثر در جهان آفرینش و زندگی انسانها

ادع لنا ربك بما عهد عندك

خداشناسی فطری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۸ - ۷

۷ - عقل و دل ، دو ابزار کارآمد در وجود انسان برای دستیابی به معارف درست در باره خدا و صفات و افعال او

يجدل في الله بغير علم و لا هدى

خداشناسی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۶

۶ قوم ثمود ، به وجود خداوند معتقد بودند .

يقوم اعبدوا الله

خداشناسی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۵۰ - ۶

۶ قوم عاد ، به وجود خداوند معتقد بودند .

قال يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

خداشناسی قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۲۶ - ۵

۵ قوم نوح ، پیش از پیامبری آن حضرت ، به وجود خداوند معتقد بودند .

أن لاتعبدوا إلا الله

چنان چه قوم نوح به وجود خداوند معتقد نبودند ، ضروری آن بود که آن حضرت نخستین سخنانش را به اثبات آفریدگار جهان

اختصاص می داد و آن گاه مردمان را به پرستش او فرا می خواند.

خداشناسی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۶ - ۶

۶ - خودشناسی و خداشناسی کافران در تنگنای عذاب جهنم

فی جهنم خلدون .. قالوا ربنا غلبت علينا شقوتنا... ضالین

خداشناسی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۳ - ۷

۷ کفرپیشگان عصر بعثت به خداوند اعتقاد داشته و شهادت او را پذیرا بودند .

قل کفی بالله شهیداً بینی و بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۷

۷ - کافران ، از معبود پیامبر ( ص ) ، شناخت نادرست و تصویری در حد معبود های خویش داشتند .

ما تعبدون .. ما أعبد

کلمه <ما> در معنایی اعم از عاقل و غیر عاقل به کار می رود، به کار نبردن کلمه <من> که تصریح به عاقل بودن است به جهت بیان این نکته است که مشرکان، معبود پیامبر(ص) را در سطح معبودان خویش می پنداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۷

۷ - کافران عصر بعثت ، از خداوند شناختی ناقص و در حد شناخت خدایان خویش داشتند .

و لا أنتم عبدون ما أعبد

کلمه <ما>، بیانگر برداشت یاد شده است.

خدایشناسی کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۸ - ۷

۷ - کوه ها ، دارای نوعی شعور و شناخت نسبت به خداوند

یسبحن

بالعشَى و الإِشراق

خداشناسی گروههای نُه گانه قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۲،۳

۲ - فسادانگیزی گروه های نُه گانه مخالف صالح ، علی رغم اظهار اعتقادشان به خدا

يفسدون في الأرض . . . قالوا تقاسموا بالله

سوگند خوردن به خدا، حکایت از نوعی باور به خدا دارد.

۳ - اعتقاد سطحی و تقلیدی به خدا ، بی تأثیر در صلاح و سازندگی انسان

يفسدون في الأرض . . . قالوا تقاسموا بالله

گروه های مزبور از یک سو به خدا سوگند می خورند و از سوی دیگر برای کشتن پیامبر خدا همدست می شوند و این نشانگر سطحی بودن ایمان آنان و بی ثمر بودن آن است.

خداشناسی متفکران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳ - ۷

۷ تنها صاحبان فکر و اندیشه دلالت هستی (زمین ، کوهها ، نهر ها و ...) را بر وجود خداوند و مدبّر بودن او درمی یابند .

إن في ذلك لآيت لقوم يتفكرون

خداشناسی مخلصین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۰ - ۱

۱ - تنها بندگان مخلص خدا ، عارف به حق خدا و توصیف کننده شایسته او هستند .



سبحن الله عما يصفون . إلا عباد الله المخلصين

<إلا> استثنای منقطع و به معنای <لکن> است. مستثنی منه نیز در برداشت بالا، ضمیر فاعلی <یصفون> دانسته شده است. گفتنی است مقصود و معنای <مخلصین> این است: <الذین أخلصهم الله لنفسه و ولايته؛ کسانی که خداوند آنان را برگزیده و در اختیار خود

گرفته و مطیع فرمان خویش ساخته است >.

خداشناسی مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۸ - ۲

۲- شناخت مردم عصر بعثت از خداوند ، شناختی ضعیف و ناقص بود .

و قالوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۱ - ۳

۳- < رحمان > از اسامی و اوصاف خداوند ، و شناخته شده برای مردم عصر بعثت

أَنْ دَعُوا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا

خداشناسی مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۶ - ۳

۳ - شناخت یهود و نصارا از خدا و صفات او ، شناختی ضعیف و ناقص

و قالوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سَبْحَنَهُ

خداشناسی مسیحیان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۱۰

۱۰ - ضعف بینش و شناخت یهود ، نصارا و مشرکان عصر بعثت ، درباره خداوند

و قال الذين لا يعلمون لولا يكلمنا الله .. كذلك قال الذين من قبلهم مثل قولهم

خداشناسی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۷ - ۲

۲- مشرکان ، معتقد به وجود خداوند

و يجعلون لله البنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۴ - ۹

۹- اصل وجود خدا و نیاز به رسالت ، امری پذیرفته شده حتی در بینش مشرکان

أبعث الله بشراً رسولاً

از اینکه مشرکان به جای انکار اصل رسالت به استبعاد نبوت بشر پرداختند، می توان استفاده کرد که اصل رسالت و نبوت

برای آنان، امری محرز بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۴

۴ - اعتقاد مشرکان به وجود خداوند

أَمْ يَقُولُونَ افترى على الله

از این که مشرکان می گفتند: پیامبر(ص) بر خدا دروغ بسته است، استفاده می شود که آنان اصل وجود خدا را پذیرفته بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۹ - ۳

۳ - نشانه های عزت (قاہر بودن) و دانایی آفریدگار جهان، غیر قابل انکار، حتی برای مشرکان

و لئن سألتهم... ليقولنَّ خلقهنَّ العزيز العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۸ - ۵

۵- اعتقاد مشرکان به حقیقتی برتر از معبود های خود، به عنوان خدای هستی

اتخذوا من دون الله قربانآءالهه

در معنای <قرباناً> و تقرب، این معنا نهفته است که باید طرفی وجود داشته باشد که به او تقرب جستہ شود، یعنی، آلهه متعدد، تنها از آن جهت مورد پرستش قرار گرفته بودند که وسیله تقرب به خدای اصلی تلقی می شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۳ - ۳

۳- تردید مشرکان، در امکان معاد، در عین اعتقاد به وجود آفریدگار \*

أولم يروا أن الله الذي خلق... بقدر على أن يحيى الموتى

با توجه به این که مخاطب آیه شریفه، مشرکان است و اصل وجود خداوند مسلم شمرده شده و صرفاً برای امکان معاد، برهان آمده است؛ مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۳ - ۲۰

۲۰ - مشرکان ، دارای پندار های نادرست و غلط از خداوند و صفات او

سبحن الله عما يشركون

خداشناسی مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۴

۴- مشرکان دوران جاهلیت ، باورمند به خداوند علی رغم اسناد امور ناروا به او

و يجعلون لله ما يكرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۰ - ۳

۳ - مشرکان عرب جاهلی ، معتقد به خداوند رحمان و مرتبت والای او در مقایسه با دیگر خدایان

و قالوا لو شاء الرحمن ما عبدناهم

از این که مشرکان، عبادت دیگر خدایان را در گرو مشیت خدای رحمان دانسته اند، مطلب بالا استفاده می شود.

خداشناسی مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۱۰

۱۰ - ضعف بینش و شناخت یهود ، نصارا و مشرکان عصر بعثت ، درباره خداوند

و قال الذين لا يعلمون لولا يكلمنا الله . . . كذلك قال الذين من قبلهم مثل قولهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۲ - ۲

۲ - باورداشت مشرکان صدراسلام ، به اصل وجود خدا و مقدس و محترم بودن او

و أقسموا بالله جهد أيمانهم

برداشت یاد شده از سوگند مشرکان به <الله> استفاده می شود.

خداشناسی مشرکان مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۱ - ۳،۷

۳ - باور مشرکان عصر بعثت به رحمانیت خدای هستی

قل إن كان للرحمن

۷- شناخت مشرکان عصر پیامبر نسبت به خداوند با نام < رحمان >

قل إن كان للرحمن

خداشناسی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۵ - ۷

۷- مشرکان مکه ، علی رغم عقیده به خدایان متعدد ، اظهار عقیده به خداوند کرده و قضای او را در عالم نافذ می دانستند .

و قال الذین أشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۸ - ۲

۲- مشرکان مکه ، معتقد به وجود خداوند بودند .

و أقسموا بالله جهد أيمانهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ - اعتقاد مشرکان مکه به وجود خداوند

إن كان من عند الله

از ظاهر جمله شرطیه بر می آید که اصل وجود خداوند برای مشرکان، مسلم بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۹ - ۲

۲ - مشرکان مکه ، با نبوت پیامبر ( ص ) و پیام توحیدی آن حضرت در ستیز بودند ، نه منکر وجود آفریدگار عزیز و دانای



جهان .

و لئن سألتهم .. ليقولنّ خلقهنّ العزيز العليم

با توجه به آیات پیشین که نوعی خطاب و عتاب نسبت به منکران پیامبر(ص) دارد برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۷ - ۷

۷ - مشرکان مکه ، خداوند را با نام < رحمان > می شناختند و یاد

می کردند .

بما ضرب للرحمن مثلاً

بنابراین که واژه <رحمان> در آیه شریفه، به خاطر بار معنایی آن نیامده باشد؛ بلکه صرفاً نقل قول ساده ای از کلام عرب جاهلی باشد که به جای <الله> یا هر صفت دیگر برای خداوند کلمه <رحمان> را به کار می بردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۷ - ۱

۱- اعتقاد مشرکان مکه ، به خالقیت خداوند و توحید در آفرینش

و لئن سألتهم من خلقهم ليقولنَّ الله فأتى يؤفكون

از آیه شریفه استفاده می شود که شرک مشرکان، در ناحیه خالقیت خداوند نبوده است؛ بلکه آنان در ربوبیت، تدبیر، کارگشایی امور و وساطت برای تقرب به خدا، گرفتار شرک بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۸ - ۲

۲- مشرکان مکه ، معتقد به وجود خداوند و در تلاش برای انکار رسالت پیامبر اکرم ( ص )

أم يقولون افتريه

اتهام افترا و کذب به پیامبر(ص) در زمینه آیات از سوی کافران، نمایانگر این حقیقت است که آنان، در بخشی از ادعاها و جوسازی های خویش، بر وجود خداوند صحه گذاشته بودند؛ لیکن رسالت پیامبر(ص) و آیات وحی را انکار می نمودند.

خداشناسی مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۲۶

۲۶ مصریان زمان یوسف ( ع ) ، به خداوند و منزله بودن او ، معتقد بودند .

حش لله

خداشناسی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۳ - ۵

۵ - منافقان ، فاقد

درک نسبت به مقام خداوند

لأنتم أشد رهبة في صدورهم من الله ذلك بأنهم قوم لا يفقهون

خداشناسی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۶ - ۱۱

۱۱ - همه موجودات ، برخوردار از آگاهی و شعور به مقام خداوند هستند .

کل له قنتون

جمع بستن کلمه قانت به وسیله <ون> حکایت از آن دارد که: موجودات آسمانها و زمین - در ارتباط با خداوند - از شعور و آگاهی برخوردار هستند؛ زیرا صفت مذکر آن گاه این گونه جمع بسته می شود که موصوف از صاحبان عقل و شعور باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۱ - ۱۰، ۳

۳ - تمامی موجودات با شعور آسمان ها و زمین ، معترف به وجود خداوند و تنزیه گوی او از هر گونه نقص و ناروایی

ألم تر أن الله يسخر له من في السموت والأرض

۱۰ - همه موجودات عالم ، آگاه به شایستگی خداوند برای نیایش و تسبیح

كلّ قد علم صلاته و تسبیحه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۱۱

۱۱ - علم حضوری و شهودی تمامی موجودات ، نسبت به پروردگار

أولم یکف برّبک أنّه علی کلّ شیء شهید

بنابراین که <شهید> به معنای مشهود باشد، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۴ - ۱۱

۱۱ - همه موجودات جهان ، دارای نوعی ادراک نسبت به مقام آفریدگار خویش

يَسْبَحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

چنانچه مراد از تسبیح، بیانی و گفتاری باشد

و نه صرفاً به زبان حال برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱ - ۳

۳ - معرفت و شناخت خدا ، سرشته در ذات همه موجودات هستی

يَسْبَحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که مراد از تسبیح در آیه شریفه، تسبیح نطقی باشد؛ نه تسبیح تکوینی

خداشناسی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۴ - ۵

۵ - موسی (ع) پیش از نبوت و دریافت وحی نیز ، عارف به خداوند و پذیرای ربوبیت او بود .

إِنِّي أَنَا رَبُّكَ .. إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا

دو جمله <إِنِّي أَنَا رَبُّكَ> و <إِنِّي أَنَا اللَّهُ> حکایت از آن دارد که موسی(ع) قبلاً این نام ها را می شناخته و بدان اعتقاد داشته است و در کوه طور به تطبیق <رَبِّ> و <اللَّهُ> بر صاحب صدا پی برد.

خداشناسی مؤمن آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱۸

۱۸ - مؤمن آل فرعون ، برخوردار از معرفت عمیق نسبت به معارف الهی (مانند خداشناسی ، معاد ، تاریخ و مسؤولیت پیامبران )

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ .. يَوْمَ التَّنَادِ ... كَذَلِكَ يَضِلُّ اللَّهُ مِنْهُ مَسْرَفٌ م

خداشناسی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ مؤمنان دارای زمینه لازم برای درک آیات خداوند در طبیعت هستند.

و

هو الذى أنزل .. إن فى ذلكم لآيت لقوم يؤمنون

<ذلكم> اشاره به موارد مذکور در آیه، از قبیل نزول باران، رشد گیاهان، درختان میوه و تشابه و اختلاف آنها و .. است.

خداشناسی مؤمنان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰ - ۵

۵ بهره مندی مؤمنان از کمال معرفت و شناخت خداوند در بهشت

جنت النعیم. دعویهم فیها سبحنک اللهم

خداشناسی ناقص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۷ - ۲۱

۲۱ ادعای الوهیت برای غیر خدا، نشانه ضعف شناخت نسبت به خداوند است.

الذین قالوا .. و لله ملک السموت و الارض

خداشناسی ناقص کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۲ - ۴

۴ - شناخت و درک ناقص کافران و مشرکان، از گستره علم الهی

ظننتم أنّ الله لا یعلم کثیراً ممّا تعملون

خداشناسی ناقص مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۷ - ۱



۱ - مشرکان ، خدا را آن گونه که شایسته او است ، نشناخته و ارج ننهادند .

و ما قدروا الله حقّ قدره

بیشتر مفسران و اهل ادب جمله <و ما قدروا الله..> را به معنای <ما عرفوا الله> و <ما عظموا الله> معنا کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۲ - ۴

۴ - شناخت و درک ناقص کافران و مشرکان ، از گستره علم الهی

ظننتم أنّ الله لا يعلم كثيرًا ممّا تعملون

خداشناسی ناقص یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۷ - ۵

۵ - یهودیان ، فاقد معرفت و شناخت لازم به خدا و صفات او

أو لا يعلمون أن الله يعلم ما يسرون و ما يعلنون

خداشناسی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۲ - ۱۲

۱۲ نوح (ع) ، آگاه به حقایقی پوشیده از مردم درباره خداوند

و أعلم من الله ما لاتعلمون

برداشت فوق بر این اساس است که <من الله> به معنای <درباره خدا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۳ - ۹

۹ پاسخ نوح (ع) به عذاب طلبی کفرپیشگان ، پاسخی آمیخته با درس توحید و خداشناسی بود .

فأتنا بما تعدنا .. قال إنما يأتیکم به الله إن شاء و ما أنتم بمعجزین

خداشناسی هابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۲۲

۲۲ هابیل ، انسانی خداشناس ، پرهیزگار ، آگاه به معارف الهی و برخوردار از ادب و منطق در روابط اجتماعی

قال انما يتقبل الله من المتقين

تصریح نکردن هاییل به بی تقوایی قایل، حاکی از ادب اوست و تبیین علت پذیرش و رد اعمال، حاکی از اندیشه منطقی و آشنایی او با معارف الهی است.

خداشناسی یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۲

۱۲ یعقوب (ع) حقایق را درباره خدا و صفات او می دانست که بر دیگران پوشیده و مستور

بود .

و أعلم من الله ما لا تعلمون

برداشت فوق ، بر این اساس است که <من الله> به معنای درباره خدا باشد. بر این اساس مراد از <ما لا تعلمون> صفات و ویژگیهای خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۱۳

۱۳ یعقوب (ع) حقایق را درباره خدا و صفات او می دانست که بر دیگران پوشیده و مستور بود .

ألم أقل لكم إني أعلم من الله ما لا تعلمون

برداشت فوق بر این اساس است که <من الله> به معنای <درباره خدا> باشد. بر این اساس مقصود از <ما لا تعلمون> صفات و ویژگیهای خداوند است.

خداشناسی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۱ - ۷

۷ یوسف (ع) و برادرانش به نقش بسزای خداوند در امور بشر و روند تاریخ ، معتقد بودند و بدان باور داشتند .

قد منّ الله علينا .. لقد اترك الله علينا

خداشناسی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۶ - ۳

۳ - شناخت یهود و نصارا از خدا و صفات او ، شناختی ضعیف و ناقص

و قالوا اتخذ الله ولداً سبحانه

خداشناسی یهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۱۰

۱۰ - ضعف بینش و شناخت یهود ، نصارا و مشرکان عصر بعثت ، درباره خداوند

و قال الذین لایعلمون لولا یکلمنا الله . . . كذلك قال الذین من قبلهم مثل قولهم

دلایل خداشناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۶

۶- پی بردن از طریق پدیده ها به پدید آورنده (برهان اِنْ) ، از برهان های رسولان الهی برای اثبات وجود خداوند

أفی الله شك فاطر السموت و الأرض

نفی تردید از خالقیت خداوند نسبت به آسمانها و زمین، در حقیقت بدین جهت است که با توجه دادن مردم به پدیده بودن آسمانها و زمین، آنان واقف به نیازشان به پدید آورنده خواهند شد و این، عین استفاده از برهان اِنْ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۹ - ۵

۵- نگرش دقیق به آفرینش ، راهی برای شناخت آفریدگار عالم است .

ألم تر أن الله خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۳ - ۱۰

۱۰- دریا ها ، رودخانه ها ، خورشید ، ماه و شب و روز ، هر کدام آیتی مستقل برای خداشناسی و برطرف کننده نیازی از نیاز های انسان

و سَخَّر لکم الفلک . . . و سَخَّر لکم الأنهر . و سَخَّر لکم الشمس و القمر دائبین و

راههای خداشناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۲ - ۵

۵ احکام الهی ، نشانه های خداوند برای شناخت او

یَبین الله لکم آیاته

مراد از <آیات> (نشانه ها) احکام الهی است ؛ چون <کذلک> اشاره به احکام گذشته دارد؛ بنابراین هر حکم الهی،

نشانی از او دارد.

روش خدانشناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۴

۴ - توجه

به مخلوق بودن پدیده های عالم ، تردیدی در وجود خداوند باقی نمی گذارد .

أفی الله شك فاطر السموت و الأرض

استفهام در آیه، انکاری است؛ بنابراین معنا چنین می شود: شکی در اینکه خداوند خالق آسمانها و زمین است، نیست و چون اینها پدیده هستند به پدید آورنده نیاز دارند. بنابراین با عنایت و توجه عقلی، شکی در وجود خداوند باقی نمی ماند.

روش خداشناسی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۸ - ۵

۵ - مأموریت یافتن هامان از سوی فرعون ، به تهیه آجر و ساختن برجی بلند جهت تحقیق وی درباره خدای موسی

فأوقد لی یهمن علی الطین فاجعل لی صرحًا لعلی أطلع إلی إله موسی

<صرح> به هر بنای بلند و برافراشته گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۷ - ۳،۴۸،۱۵

۳ - فرعون ، مدعی شد که به منظور اطلاع یافتن از خدای موسی (ع) در آسمان ها ، فرمان ساختن بنای بلند و رصدخانه را صادر کرده است .

أسبب السموت فأطلع إلی إله موسی

۴ - تصور نادرست فرعون ، از حقیقت خداوند و اعتقاد باطل وی به وجود او در آسمان ها و انحصار راه خدا شناسی در محسوسات

أسبب السموت فأطلع إلی إله موسی

از این که فرعون برای کسب اطلاع از خداوند، به کاوش در آسمان ها پرداخت، این مطلب به دست می آید که او خدا را موجودی می دانست که اولاً در آسمان ها جای دارد نه در زمین، ثانیاً از راه های محسوس آسمانی (أسباب السماوات) قابل شناخت



است.

۸ - ساختن بنای بلند و رصدخانه ، به منظور اطلاع یافتن از خدای موسی (ع) ، رفتار زشتی بود که فرعون آن را زیبا و آراسته می یافت .

ابن لی صرْحًا .. فَأَطَّلِعُ إِلَى إِلَهِ مُوسَى ... وَ كَذَلِكَ زَيْنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءَ عَمَلِهِ

۱۵ - کار ساز نبودن مکر و حيله فرعون در ساختن بنای بلند ، به بهانه اطلاع یافتن از خدای موسی (ع) و اثبات دروغ گو بودن او

يَهْمُنُ ابْنَ لِي صِرْحًا .. فَأَطَّلِعُ إِلَى إِلَهِ مُوسَى ... وَ مَا كِيدَ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ

برداشت یاد شده به این خاطر است که از مصادیق اصلی <کید فرعون> ساختن بنای بلند می باشد.

زمینه خداشناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۷ - ۱۸

۱۸ جامعه قوام یافته در پرتو تعالیم دین ، جامعه ای آماده برای شناخت خداوند و صفات او

قِيمًا لِلنَّاسِ .. يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

برداشت فوق بر این اساس است که <ذَلِكَ> اشاره به <قِيمًا لِلنَّاسِ> باشد. یعنی هدف از اینکه خداوند می خواهد جامعه انسانی دارای ثبات باشد این است که زمینه خداشناسی و علم انسانها به اسماء و صفات الهی فراهم آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۶ - ۳

۳- مطالعه در آثار گذشتگان و تمدن های پیشین و شناخت آنها (باستان شناسی) ، به منظور درس آموزی و خداشناسی ، امری شایسته و بایسته

فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةَ .. فَجَعَلْنَا عَلَيْهَا سَافِلَهَا ... إِنَّ فِي

ذلك لأيت ... و إنها لبسيل م

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٩ - حجر - ١٥ - ٧٧ - ٤

٤- فراز های یاد شده از ماجرای قوم لوط در قرآن ، همگی پند دهنده و آموزنده درس های خداشناسی است .

و تُبْهَمُ عَنْ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ . . . إِنْ فِي ذَلِكَ لِأَيْتٍ لِلْمُتَوَسِّمِينَ ... إِنْ فِي ذَلِكَ لِأَيْهٍ لِلْمُؤْمِنِ

زمينه خداشناسی جن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٩ - جن - ٧٢ - ١٢ - ٣

٣- نزول قرآن ، موجب معرفت جن نسبت به جایگاه خداوند در جهان هستی و شناخت موقعیت ضعیف و پوچ خود

و أَنَا ظَنَّنَا أَنْ لَنْ نَعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَ لَنْ نَعْجِزَهُ هَرَبًا

فطرت خداشناسی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١١ - حج - ٢٢ - ٣١ - ١٠

١٠- > من زراره قال سألت أبا جعفر (ع) من قول الله > حنفاء لله غير مشركين به < ما الحنفيه قال : هي الفطره التي فطر الناس عليها ، فطر الله الخلق على معرفته ;

زراره گوید: از امام باقر(ع) پرسیدم که [منظور از] <حنفیت> در قول خداوند <حنفاء لله غیر مشرکین به> چیست؟ فرمود: همان فطرتی است که خدا مردم را بر آن خلق کرده است. خدا خلق را بر معرفت خود، آفریده است.<

منشأ خداشناسی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٦ - اعراف - ٧ - ١٧٢ - ٧

٧ آگاهی انسان در نشئه حجاب به ربوبیت خداوند ، برخاسته از آگاهی او در نشئه شهود است .

أشهدهم على أنفسهم .. أن تقولوا يوم القيامة

إنا كنا هذا غفلين

<أن تقولوا .. > به تقدیر <لام> و <لا>ی نافیه است. یعنی <لأن لا- تقولوا> (ما مسأله اشهاد را عملی کردیم تا روز قیامت نگویید از ربوبیت خدا غافل بودیم). این تعلیل می رساند که اگر مسأله اشهاد نبود، حجت بر انسانها تمام نبود و خداوند آنها را به خاطر غفلت از ربوبیتش مؤاخذه نمی کرد. از لوازم این معنا آن است که آگاهی بالفعل انسانها نسبت به خدا به خاطر مسأله اشهاد می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۳ - ۳

۳ در صورتی که واقعه اشهاد و اقرار به ربوبیت خدا تحقق نمی یافت ، آدمیان در حیات دنیا به ربوبیت و وحدانیت خدا آگاه نمی شدند .

و أشهدهم علی أنفسهم .. أو تقولوا إنما أشركنا

خداجویی

آثار تداوم خداجویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۳ - ۷

۷ - حفظ روحیه توبه و خداجویی تا پایان عمر ، شرط ره جویی به بهشت \*

و أزلفت الجنة .. و جاء بقلب منيب

تعبیر <جاء> می تواند اشاره به این نکته باشد که اگر کسی، برهه ای از عمر را با قلب منیب بگذراند، ولی آن را در نهایت از دست داده و نتواند آن را در صحنه قیامت به همراه آورد، برخوردار از بهشت نخواهد بود.

خداجویی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۳ - ۶

۶ - تقوایبشگان و ره جویان به بهشت ، دارای قلبی خداجو و تائب



للمتقين . . . و جاء بقلب منيب

خداجویی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۳ - ۶

۶ - تقوایندگان و ره جویان به بهشت ، دارای قلبی خداجو و تائب

و أزلفت الجنة للمتقين . . . و جاء بقلب منيب

فطرت خداجویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۷ - ۴

۴ - خداجویی ، گرایش فطری در نهاد هر انسان است .

و إنهم ليصدونهم عن السبيل

از این مطلب که شیاطین مانع بازگشت اعراض کنندگان از یاد خدا هستند، استفاده می شود که انسان ها حتی غافلان و حق گریزان زمینه و تمایل به روی آوردن به سوی خدا را دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۴

۴ انسان ، بر فطرت خداجویی و مسیر حق پویی است .

لاتخذن من عبادك نصيباً مفروضاً. و لاضلنهم

گمراه کردن، که از جمله <لاضلنهم> استفاده می شود، باید مسبوق به هدایت باشد تا گمراه کردن صدق کند و هدایت مسبوق به گمراهی نسبت به تمامی انسانها هدایت فطری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۷ - ۲

۲- تنگنا های زندگی و لحظه های خطر آفرین که هیچ امیدی به رهایی از آنها نیست ، بیدارگر فطرت خداجویی در نهاد انسان

و إِذَا مَسَّكُمُ الضَّرُّ . . . ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهَ

ذکر گرفتاری در دریا در میان ابتلاهای فراوانی که ممکن است انسانها را گرفتار کند، به این جهت است که در تلاطم دریا امیدی

برای نجات و رهایی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۵ - ۴

۴ - احساس خطر، زمینه بیدار شدن فطرت خداجوی آدمی است.

فَإِذَا رَكبُوا فِي الْفَلَكَ دَعَا اللَّهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۳ - ۷

۷ - فطرت خداجویی، قوی ترین گرایش در وجود انسان ها است.

وَ إِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ

از این که انسان ها، در تماس با دشواری ها و مشکل ها، به خدا روی می آورند، نشان دهنده این گرایش قوی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳ - ۱۳

۱۳ - خداجویی، امری نهفته در دل های مشرکان

أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى

از این که مشرکان هدف از پرستش معبودهایشان را، تقرب به خدا دانسته اند، می توان مطلب بالا را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۱۰

۱۰ - خداجویی، گرایش فطری انسان ها است.

سَنُرِيهِمْ... وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمُ أَنَّهُ الْحَقُّ

برداشت یاد شده بر این اساس است که ضمیر <آنه> به خدا باز گردد.



## خدمات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خدمات

اجاره خدمات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۲ - ۱۱

۱۱ - اجیر شدن و اجیر گرفتن و بهره‌وری انسان‌ها از توان یکدیگر، امری مجاز و مشروع

لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُم بَعْضًا سَخِرِيًّا

با توجه به واژه <سَخِرِيًّا> (استخدام شده) و این که خداوند

آن را فلسفه عمل خویش قرار داده، مطلب بالا برداشت می شود.

خدمات اجتماعی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳ - ۷

۷ - رابطه با خدا، اساس خدمات اجتماعی مؤمنان

الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه

تقدم نماز (رابطه فرد با خدا) بر زکات می تواند ناظر به مطلب یاد شده باشد.

خدمات انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۱۹

۱۹ تأمین سعادت جامعه در پرتو ایمان، خدمات انبیا و تلاش عدالتخواهان است.

ان الذین یکفرون .. فبشرهم بعذاب الیم

نبود ایمان، انبیا و مصلحان در جوامع موجب رنج و بدبختی است، معلوم می شود وجود آنها زمینه ساز سعادت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۸ - ۸

۸ ایمان و عمل شایسته و رسیدن به امنیت خاطر، دستاوردهای رسالت انبیا

و ما نرسل المرسلین إلا .. فمن ءامن و أصلح فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون

خدمات جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۳ - ۶

۶ خدمت فن سحر و ساحران به حکومت های باطل

و جاء السحرة فرعون

خدمات عدالتخواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۱۹

۱۹ تأمین سعادت جامعه در پرتو ایمان ، خدمات انبیا و تلاش عدالتخواهان است .

انّ الذّین یکفرون .. فبشرهم بعذاب الیم

نبود ایمان، انبیا و مصلحان در جوامع موجب رنج و بدبختی

است، معلوم می شود وجود آنها زمینه ساز سعادت خواهد بود.

زمینه خدمات متقابل در جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۲ - ۸

۸ - طبقات مختلف اجتماعی و تفاوت سطح زندگی آنان ، در جهت گردش نظام اجتماعی و بهره‌وری انسان ها از نیروی خدماتی یکدیگر است .

و رفعنا بعضهم ... بعضاً سخراً

عوامل تاثیر خدمات دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۱ - ۳

۳ - دعا در اثر بخشی خدمات دیگران به پیشبرد اهداف نظراتشان ، مؤثر است .

أشدد به أزری

خواسته موسی از خداوند این بود که هارون(ع) را وسیله قوت یافتن او قرار دهد، چنین خواسته ای حاکی از این است که موسی(ع) می دانست دعای او در ثمر بخشی تلاش هارون بی اثر نیست.

یوسف(ع) و خدمات زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۲

۱۲ یوسف (ع) به پاس خدمات زلیخا به او ، شکایتی علیه وی به پادشاه نکرد .

فستله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

با وجود اینکه زلیخا نیز همانند دیگر زنان اشراف در گرفتاریهای یوسف(ع) و متهم ساختن او نقشی بسزا داشت، ولی یوسف(ع) از او نام نمی برد و علیه او سخنی به پادشاه نمی گوید. به نظر می رسد دلیل این امر خدماتی است که زلیخا در

عهد کودکی و نوجوانی یوسف(ع) برای وی انجام داده بود.

خدمتگزاران دینی

تشکر از خدمتگزاران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ -

۱۴ لزوم دعا و قدردانی رهبر جامعه اسلامی نسبت به انفاقگران و انجام دهندگان خدمات دینی

و يتخذ ما ينفق .. صلوات الرسول

از اینکه پیامبر (ص) برای انفاقگران دعا می کرد و این را خداوند به عنوان یک ارزش ذکر کرده است، برداشت فوق استفاده می شود.

دعا برای خدمتگزاران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۹ - ۱۴

۱۴ لزوم دعا و قدردانی رهبر جامعه اسلامی نسبت به انفاقگران و انجام دهندگان خدمات دینی

و يتخذ ما ينفق .. صلوات الرسول

از اینکه پیامبر (ص) برای انفاقگران دعا می کرد و این را خداوند به عنوان یک ارزش ذکر کرده است، برداشت فوق استفاده می شود.

### خرافات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خرافات

آثار ترویج خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۴

۴ - داستان های خرافی و سرگرمی های واهی ، ابزار کافران برای مبارزه با دین بود .

و من الناس من يشترى لهُو الحديث ليضلَّ عن سبيل الله

آثار خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - اندیشه های خرافی ، مانع از درک واقعیت امور و تحلیل صحیح آنها

قالوا اَطَّيرنا بكَ و بمن معك . . . بل اَنتم قوم تفتنون

ثمودیان به جای درک ریشه واقعی مشکلات خود، آن را به وجود صالح(ع) و بدیمنی او نسبت می دادند؛ در حالی که تأثیر وجود فیزیکی یک فرد در سرنوشت یک ملت آن هم به گونه ای که ثمودیان می پنداشتند چیزی جز خرافه نبود.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۳ - ۳

۳ - تأثیر عقاید و باور های خرافی نیاکان ، در گرایش های انحرافی آیندگان \*

سمّیتموها أنتم وءاباؤکم

برداشت یاد شده بدان احتمال که ذکر <آباؤکم> اشاره به این داشته باشد که مشرکان، تحت تأثیر عقاید خرافی نیاکان خویش، به بت پرستی گرویدند.

آثار عقیده به خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۰ - ۱۱

۱۱ موهومات و عقاید خرافی از مشکلات تبلیغ توحید

و لا أحاف ما تشرکون به

اجتناب از خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۲

۲ ضرورت پرهیز از آلوده سازی دین خدا به امور باطل ، خرافی و بازدارنده از سعادت واقعی انسان

الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً

استهزای خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۲ - ۴

۴ - تمسخر مظاهر شرک و عقاید باطل و خرافی ، امری جایز است .



فراغ إلى ءالهم فقال ألا تأكلون . ما لكم لاتنطقون

اسلام و خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۲۳

۲۳ دین اسلام احیاگر ارزش ها و پاکی ها و به دور از تکالیف شاق و خرافه های اسارتبار است .

یحل لهم الطیبت و یحرم . . . و یضع عنهم إصرهم و الأغلل الی کانت علیهم

اهمیت مبارزه با خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳

۳ لزوم زدودن شبهات و مبارزه با خرافات، از طریق تبیین و توضیح کامل

ثمنیه ازوج من الضأان اثنین

ذکر تفصیلی مصادیق هشتگانه چهارپایان با ترسیم صورتهای گوناگون آن شاید به منظور قلع شبهه و تخریب کامل بنیان آن باشد.

بی حرمتی خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۶ - ۷

۷ - مظاهر شرک و عقاید خرافی ، فاقد تقدس و حرمت

فقال ألا تأکلون . . . فراغ علیهم ضرباً بالیمین ... و الله خلقکم و ما تعملون

تبری از خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۴ - ۷

۷ اعلام انزجار از عقاید باطل و خرافی ، گامی ضروری برای مبلغان دین

قال إنی أشهد الله . . . أنى برىء مما تشرکون

خرافات در اهل انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۸ - ۵

۵ - جهان بینی و عقاید مردم انطاکیه ، متکی بر خرافات بود .

قالوا إنا تطیرنا بکم

تردیدی نیست که عقیده به فال، عقیده ای خرافی است و اعتقاد مردم انطاکیه به آن تا مرز سنگسار و شکنجه کردن پیامبران الهی، گویای حقیقت یاد شده است.

خرافات در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۶ - ۱

۱ اعراب جاهلی، مردمانی بودند کوتاه نظر، خرافاتی و پیرو موهومات.

فما لكم كيف تحكمون. و ما يتبع أكثرهم إلا ظناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۹ - ۴

۴ - مشرکان

، گرفتار عقایدی خرافی و فاقد هرگونه برهان و دلیل

فلیأت مستمعهم بسلطن مبین . أم له البنت و لکم البنون

از ارتباط این آیه با آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود. بدین معنا که این آیه، ارائه دهنده نمودی از بی برهانی کافران در اعتقادات خویش است.

خرافات در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۳ - ۴

۴- اطلاعات مردم عصر بعثت از اصحاب کهف و سرگذشت آنان ، اطلاعات غیر واقعی و آمیخته با خرافات بود .

نحن نقصّ علیک نبأهم بالحقّ

قید <بالحقّ> تعریضی است که به ناقلان سرگذشت اصحاب کهف و بیان کننده این که نقل آنان، آمیخته به اموری غیر واقعی و خرافی است.

خرافات در قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۰ - ۱۰

۱۰ ترس موهوم و خرافی قوم ابراهیم از معبودهای پنداری خویش، از عوامل پافشاری آنان بر شرک خویش بود.

و لا أخاف ما تشرکون به

خرافات در مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۲۱، ۲۲

۲۱ رها ساختن مردم ( یهود ، نصارا و ... ) از تکالیف شاق و زنجیر های خرافات ، از نشانه های موجود در تورات و انجیل برای شناسایی پیامبر ( ص )

الذی یجدونه . . . یضع عنهم إصرهم و الأغلل التي كانت عليهم

۲۲ یهود و نصارا در قبل از اسلام ، مبتلا به تکالیفی مشقتبار و گرفتار در دام خرافات و بدعت های فراوان دینی بودند .

و یضع عنهم

إصرهم و الأغلل التي كانت عليهم

جمع آوردن <اغلال> حکایت از گستردگی بدعتها و خرافات دارد.

خرافات در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱۷

۱۷ خرافه گویی و جمود و تحجر یهود \*

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهْدَ لَنَا أَلَّا نؤمن لرسول حتى ياتينا بقربان تأكله النار

۱ ظاهر جمله <الّا نؤمن لرسول>، این است که خداوند به ما دستور داده به کسی که فلان معجزه خاص را ندارد، ایمان نیاوریم، هر چند حقیقتاً پیامبر باشد. چون نگفتند <الّا نؤمن لمدعی الرّساله>، و این معنا که به فرض نبوت، ایمان نیاورید اگر فلان معجزه خاص را نداشت، خرافه ای بیش نیست. ۲ بر فرض که چنین عهدی باشد، آنان باید بیندیشند که قربانی کذایی، معجزه ای است برای کشف صادق از کاذب، نه اینکه موضوعیت داشته باشد و اصرار به این معنا حاکی از جمود و تحجر یهود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۲۱،۲۲

۲۱ رها ساختن مردم (یهود، نصارا و...) از تکالیف شاق و زنجیرهای خرافات، از نشانه های موجود در تورات و انجیل برای شناسایی پیامبر (ص)

الذی یجدونه... یضع عنهم إصرهم و الأغلل التي كانت عليهم

۲۲ یهود و نصارا در قبل از اسلام، مبتلا به تکالیفی مشقتبار و گرفتار در دام خرافات و بدعت های فراوان دینی بودند.

و یضع عنهم إصرهم و الأغلل التي كانت عليهم

جمع آوردن <اغلال> حکایت از گستردگی بدعتها و

خرافات دارد.

زمینه خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۷ - ۴

۴ - ناباوری به معاد، زمینه ساز پیدایش و رشد عقاید خرافی و انحرافی در دین

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيَسْمَوْنَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَهُ الْأُنثَى

از این که عدم ایمان به آخرت، موضوع برای عقاید انحرافی و خرافی مشرکان قرار داده شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

زمینه گرایش به خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۴ - ۱۰

۱۰ احترام و اهمیت دادن به سنت های پیشینیان از عوامل گرایش جوامع به خرافات

ما جعل الله من بحيره .. قالوا حسبنا ما وجدنا عليه اباؤنا

سرزنش عقیده به خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۰ - ۲۱

۲۱ نیندیشیدن درباره محدوده قدرت و وظایف پیامبران و خرافه گویی درباره آنان، مورد نکوهش خداوند

قل لا أقول لكم عندی خزائن الله .. أفلاتتفكرون

عقیده به خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - جهان بینی و عقاید مردم انطاکیه ، متکی بر خرافات بود .

قالوا إنا تطيرنا بكم

تردید نیست که عقیده به فال، عقیده ای خرافی است و اعتقاد مردم انطاکیه به آن تا مرز سنگسار و شکنجه کردن پیامبران الهی، گویای حقیقت یاد شده است.

قرآن و خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۲ - ۵

۵ قرآن ، ارائه کننده دینی به دور از هر گونه



باطل و میرا از امور واهی و بازدارنده از سعادت انسان

الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً... و لقد جنّهم بکتب فصلنه

کتب آسمانی و خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۱ - ۵

۵ - کتاب های آسمانی ، منادی توحید و پیراسته از عقاید و باور های خرافی و شرک آلود

و قالوا لو شاء الرحمن... أم آتینهم کتباً من قبله

آیه شریفه پس از طرح عقاید شرک آلود و خرافی مشرکان می گوید: این اندیشه ها در هیچ یک از کتاب های پیشین نیامده است. از این نکته مطلب بالا استفاده می شود.

مبارزه با خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۱۰

۱۰ - مبارزه اسلام با آداب و رسوم نادرست و خرافی عصر جاهلیت

و لیس البر بأن تأتوا البیوت من ظهورها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۳ - ۸

۸ لزوم مبارزه با اندیشه های خرافی و احکامی که به دروغ به خداوند نسبت داده می شود

ما جعل الله... و لكن الذین کفروا یفترون علی الله الکذب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۷

۷ روح دین الهی در صدد برداشتن موانع خرافی در راه استفاده از مواهب و نعمتهای الهی است.

و قالوا هذه أنعم و حرث .. قل ءالذکرین حرم ... و علی الذین هادوا حرمانا

محور بحث از آیه ۱۳۸ تا ۱۴۵ درباره تحریمهای خرافی و بی جای مشرکان

است. آیه ۱۴۶ بیان حکمی استثنایی است که همان تحریم برخی مواهب بر یهود است. از این حکم استثنایی، که به سبب تجاوزکاری یهود بر آنان وضع گردیده، این مطلب که روح ادیان الهی در نقطه مقابل تحریمهای بی جا قرار دارد، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۲۱، ۲۰

۲۰ برداشتن تکالیف شاق، گسستن زنجیرهای جهل و خرافه و زدودن بدعت های دینی از وظایف پیامبر (ص) در انجام رسالت خویش

و يضع عنهم إصرهم والأغلال التي كانت عليهم

<إصر> به معنای عهد و پیمان سنگین و نیز به هر چیز دشوار و طاقت شکن گفته می شود. در آیه شریفه بدین مناسبت که در مقام بین تشریح احکام از سوی پیامبر(ص) است، مراد از آن تکالیف مشقتباری است که امتهای گذشته بدانها پایبند بوده اند. غُلّ (مفرد اغلال) به معنای طوق و زنجیری است که به گردن و یا دستها بسته می شود و مراد از آن جهل و خرافه و بدعت و مانند اینهاست.

۲۱ رها ساختن مردم (یهود، نصارا و ...) از تکالیف شاق و زنجیرهای خرافات، از نشانه های موجود در تورات و انجیل برای شناسایی پیامبر (ص)

الذی یجدونه ... يضع عنهم إصرهم والأغلال التي كانت عليهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۱۰ - ۲

۲- پیامبر (ص) مأمور پیش گیری از خرافه پردازی کوتاه فکran درباره شخصیت اش است .

قل إنما أنا

فرمان <قل إنّما..> به قرینه ذیل آیه از آن جهت صورت گرفته است که جلوی توهمات شرک آلود جاهلان گرفته شود و برای پیامبر(ص) رتبه ای خارج از پیامبری در نظر گرفته نشود، مانند آنچه مسیحیان درباره <مسیح> پنداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۲ - ۵

۵- مبارزه با اندیشه های خرافی و شرک آلود، تبلور رشد و کمال ابراهیم (ع) بود .

و لقد آتینا إبرهیم رشدہ .. إذ قال لأیبه و قومہ ما ہذہ التماثل

؛ یعنی، اعطای رشد به ابراهیم(ع) هنگامی بود که او به پدر و قومش گفت. ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۱ - ۱

۱- لزوم آگاهی بخشیدن به مردم درباره عقاید خرافی

ألا إنّهم من إفکهم ليقولون

از به کار رفتن <ألا> که برای تنبیه است برداشت بالا استفاده می شود.

محمد(ص) و خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کھف - ۱۸ - ۱۱۰ - ۲

۲- پیامبر (ص) مأمور پیش گیری از خرافه پردازی کوتاه فکran درباره شخصیت اش است .

قل إنّما أنا بشر مثلکم

فرمان <قل إنّما..> به قرینه ذیل آیه از آن جهت صورت گرفته است که جلوی توهمات شرک آلود جاهلان گرفته شود و برای پیامبر(ص) رتبه ای خارج از پیامبری در نظر گرفته نشود، مانند آنچه مسیحیان درباره <مسیح> پنداشتند.

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۹،۱۷

شیطان ، رواج دهنده اندیشه ها و گرایش های خرافی در جامعه

و لامرئهم فلیتکن ءاذن الأنعم

۱۷ دوری شیطان از رحمت الهی ، زمینه اغواگری و ترویج خرافه پرستی و فساد از ناحیه او

لعنه الله و قال .. لا ضلنهم و لامننهم و لامرئهم فلیتکن ءاذن الأنعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۰ - ۷

۷ - حدس و گمان ، سرچشمه اصلی باور های خرافی و جاهلانه

إن هم إلا یخرصون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۳ - ۸

۸ - شرک و باور های خرافی مشرکان ، برخاسته از هوا و هوس و اغراض آلوده آنان

إن یتبعون إلا الظنّ و ما تهوی الأنفس

موانع خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۳ - ۱۶

۱۶ تعقل اکثریت مردم هر جامعه مانع رواج بدعت ها و خرافات در آن جامعه خواهد شد .

و لكن الذین كفروا یفترون علی الله الكذب و اكثرهم لا یعقلون

موجبات نجات از خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۴ - ۴

۴ پیروی از قرآن و رسول خدا عامل رهایی از افکار و اندیشه های خرافی

ما جعل الله من بحيره .. تعالوا إلى ما أنزل الله و إلى الرسول

### **خرما از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما**

خرما

آثار ذکر رویش درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۹ - ۳

۳ - توجه به رویدن درختان زیتون و خرما و تأثیر آنها در تغذیه انسان ،

زمینه ساز شناخت خدا و مانع کفر به او است .

ما أكفروه .. و زيتوناً و نخلاً

ارزش خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۶ - ۸

۸ خرما و انگور ، دارای ارزش ممتاز در میان دیگر میوه ها و از نمونه های بارز فراوانی ثمر \*

له جنة من نخيل و اعناب

از اختصاص به ذکر این دو میوه از میان سایر میوه ها، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱ - ۵

۵- زیتون ، خرما و انگور دارای ارزشی ویژه

ينبت .. و الزيتون و النخيل و الأعناب و من كل الثمرت

نامبردن از این سه میوه در بین انبوه میوه ها، می تواند به جهت ارزش ویژه این میوه ها از نظر خواص نسبت به میوه های دیگر باشد.

اهمیت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۰ - ۴

۴ - خرما ، انگور و زیتون ، اهمیت ویژه ای در تغذیه انسان دارند .

فأشأنا لكم .. من نخيل و أعناب ... و شجرة ... صبيغ للأكلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۳ اهمیت نخل و خرما، در میان درخت ها و میوه ها

فأنبثنا به جنت .. و النخل باسقت لها طلع نضيد

برداشت بالا- با توجه به این نکته است که از میان همه درختان، <نخل> یاد شده است. البته بعید نیست که این انتخاب با توجه به جغرافیای سرزمین وحی

صورت گرفته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۱ - ۲

۲ اهمیت خرما و درخت های نخل ، در تغذیه آدمیان \*

و النخل باسقت .. رزقاً للعباد

از این که <النخل> به گونه مجزاً یاد شده است، اهمیت خرما در تغذیه خلق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۱ - ۴

۴ - خرما ، دارای اهمیتی ویژه برای تغذیه انسان در مقایسه با سایر میوه ها

فيها فكهه و النخل ذات الأكمام

در صورتی که واژه <فاكهه> شامل خرما نیز بشود، مورد توجه قرار گرفتن دو مرتبه نخل ها، می توان مطلب بالا را به دست آورد.

اهمیت درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۱ - ۲

۲ اهمیت خرما و درخت های نخل ، در تغذیه آدمیان \*

و النخل باسقت .. رزقاً للعباد

از این که <النخل> به گونه مجزاً یاد شده است، اهمیت خرما در تغذیه خلق استفاده می شود.

باغهای خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ زمین جایگاه درختان خرما؛ درختانی که به یک ریشه روییده اند و درختانی که ریشه های جدا دارند .

و فی الأرض .. نخیل صنوان و غیر صنوان

<نخیل> (جمع نخل) و به معنای درختان خرماست. <صنوان> (جمع صنو) به چند درخت خرما گفته می شود که دارای یک ریشه باشند و به هر یک از آن درختان <صنو> می گویند.

پوشش خوشه های خرما

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۱ - ۵

۵ - پوشش زیبای خوشه های خرما توسط غلاف ، جلوه ای از رحمت گسترده خداوند

الرحمن ... فيها فكهه و النخل ذات الأكمام

تشبیه به تنه درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۷ - ۲

۲ - قوم عاد بر اثر باد ، مانند تنه های پوک و افتاده درختان خرما از پای درآمدند .

فتری القوم فيها صرعی كأنهم أعجاز نخل خاویه

<صریح> (مفرد <صرعی>) به معنای چیز افکنده شده بر زمین و <أعجاز> به معنای ساقه های ریشه دار در زمین (تنه ها) است. <خاویه> یعنی، شیء خالی و نیز به معنای شیء افتاده بر زمین آمده است.

تشبیه به خوشه خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۹ - ۳

۳ - ماه ، پس از طی منزل های خود در ۲۸ روز ، مانند شاخه خشکیده خرما می شود .

و القمر قدّرنه منازل حتّى عاد کالعرجون القديم

<عرجون> (از ماده <عرجن>) به معنای شاخه خوشه خرما است که از درخت جدا شده باشد و پس از چندی زرد گشته و به شکل هلال درآمده باشد. گفتنی است صفت <قدیم> اشاره به پژمردگی و کهنگی آن شاخه دارد.

تشبیه به درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۰ - ۲

۲- اجساد قوم عاد، پس از عذاب، همانند نخل های ریشه کن شده از اعماق خاک

تنزع الناس كأنهم أعجاز نخل منقعر

<عجز> (مفرد <أعجاز>) به

معنای تنه و <منقعر> به معنای کنده شده از ریشه است (مختار الصحاح).

تنوع فرآورده های خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۷ - ۳

۳- درختان خرما و انگور ، دارای محصولات و فرآورده های گوناگون

و من ثمرت النخيل و الأعنب تتخذون منه سكرًا و رزقًا حسنًا

تهیه خمر از خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۷ - ۴

۴- تهیه شراب از خرما و انگور ، در صدر اسلام رواج داشت .

و من ثمرت النخيل و الأعنب تتخذون منه سكرًا

خالق درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۹ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده زیتون و درخت خرما و رویاننده آن از زمین است .

فأنبثنا فيها .. زيتونًا و نخلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۱

۱ - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

متعاً لكم ولأنعمكم

<متاعاً> اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی <تمتعاً> (بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

خرما از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۷ - ۸

۸- در فرآورده های خرما و انگور برای خردورزان ، آیت و نشانه

ای از قدرت و ربوبیت خداوند است .

و من ثمرت النخيل و الأعناب تتخذون منه سكرًا و رزقًا حسنًا إن في ذلك لآية لقوم ي

خرما خوردن مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۶ - ۱

۱- حضرت عیسی (ع) در آغاز تولد خویش ، مادرش مریم (س) را به خوردن خرما ی تازه و نوشیدن از آب نهر فرا خواند .

فنادیها من تحتها .. تحتك سریًا ... رطبًا جئیًا . فكلی واشربی

خوشه های درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۱ - ۳

۳ - نخل ها با خوشه های پوشیده در غلاف ، دارای سهمی مهم در تأمین نیاز های خلق

و النخل ذات الأکمام

<کم> (مفرد <أکمام>) به معنای کاسه یا غلاف میوه گفته می شود.

درختان خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴ - ۴

۴ درختان انگور ، نخل های خرما و نیز سایر گیاهان علی رغم مشروب شدن از آبی با طبیعت واحد ، ثمرات و میوه های مختلف و گوناگون به بار می آورند .

جئت من أعناب و زرع و نخیل .. یسقی بماء وحد و نفضل بعضها علی بعض فی الأكل

زمینه رشد درخت خرما



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۹ - ۴

۴ - باران و زمین مناسب ، دو عنصر اصلی در رشد و باروری درختان زیتون و خرما است .

صبينا الماء .. ثم شققنا ... و زيتوناً

و نخلاً

عبرت از خوشه های خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۰ - ۶

۶ چیش دانه های خرما در خوشه های انبوه نخل ، شایان تأمل و پندآموزی

لها طلع نضید

فرآورده های خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۷ - ۲،۵،۸

۲- درختان خرما و انگور و استحصال نوشیدنی از آنها ، مایه پند و عبرت است .

و من ثمرت النخيل و الأعنب تتخذون منه سكرًا

برداشت فوق، با توجه به معطوف بودن جمله <و من ثمرات..> بر جمله <و إن لكم فی الأنعام لعبره> است.

۵- تمامی فرآورده های درخت خرما و انگور به جز مسکرات ، خوب و پسندیده است .

و من ثمرت النخيل و الأعنب تتخذون منه سكرًا و رزقًا حسنًا

برداشت فوق، از مقابله <سكر> با <رزقًا حسنًا> قابل استفاده است. بدین معنا که تمامی فرآورده های خرما و انگور به جز

مسکرات، روزی پسندیده تلقی شده است.

۸- در فرآورده های خرما و انگور برای خردورزان ، آیت و نشانه ای از قدرت و ربوبیت خداوند است .

و من ثمرت النخيل و الأعنب تتخذون منه سكرًا و رزقًا حسنًا إن فی ذلك لآیه لقوم ی

فواید خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- خداوند ، از میوه های درختان خرما و انگور ، نوشیدنیهایی برای انسان ، قرار داد .

نَسْقِیْكُمْ مِمَّا .. و من ثمرت النخیل و الأعنب

<من ثمرات > جار و مجرور و به قرینه <نَسْقِیْكُمْ > مذکور در آیه قبل متعلق

به <نسقیکم> در تقدیر است. هم چنین بر جمله <و إن لکم فی الأنعام لعبره> عطف شده است.

۷- فرآورده های درختان خرما و انگور، از بهترین و سالم ترین فرآورده های خوراکی و نوشیدنی برای انسان

نسقیکم ممّا .. و من ثمرت النخیل و الأعب تَتَخَدُون منه سکرًا و رزقًا حسنًا

اختصاص به ذکر یافتن فرآورده های درختان خرما و انگور، از میان مجموعه خوراکیها و نوشیدنیها، می تواند حاکی از نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۵ - ۵،۸،۹

۵- خرمای تازه (رطب) غذای مناسب برای زن، پس از وضع حمل است.

و هزّی .. تسقط علیک رطبًا جتّیًا

توصیه شدن مریم به تکان دادن درخت و استفاده از <رطب>، بر مناسب بودن آن برای زنان، پس از زایمان دلالت دارد.

۸- > عن أمیر المؤمنین (ع) قال : ... ما تأکل الحامل من شیء و لاتتداوی به أفضل من الرطب قال الله عزوجل لمریم (ع) > و هزّی إلیک بجذع النخلة تساقط علیک رطبًا جتّیًا . فکلی و اشربی و قرّی عیناً > ... ;

از امیرالمؤمنان(ع) روایت شده است که فرمود: .. زن باردار، بهتر از خرمای تازه، چیزی نمی خورد و خود را با چیزی بهتر از آن، مداوا نمی کند. خداوند عزوجل به مریم فرمود: <و هزّی إلیک بجذع النخلة تساقط علیک رطبًا جتّیًا . فکلی ...> .

۹- > عن أمیر المؤمنین (ع) قال : قال رسول الله (ص) : لیکن أول ما تأکل النفساء الرطب

، لَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ لِمَرْيَمَ : < وَهَزَى إِلَيْكَ بِجَذَعِ النَّخْلَةِ تَسَاقُطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنَّتًا . فَكَلِي > . . . ;

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: شایسته است اولین چیزی که زن بعد از زایمان می خورد خرما باشد، زیرا خدای تعالی به مریم فرمود: < وَهَزَى إِلَيْكَ بِجَذَعِ النَّخْلَةِ تَسَاقُطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنَّتًا . فَكَلِي > . . . < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۶ - ۲

۲- خرمای تازه (رطب) ، غذای مناسب برای زن ، پس از وضع حمل است .

فکلی

توصیه شدن مریم به خوردن خرمای تازه، بر مناسب بودن آن برای زنان، پس از زایمان دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۸ - ۳

۳ - خرما ، بزرگ ترین منبع تغذیه و درآمد ثمودیان

و نخل طلعهها هضمیم

ذکر جداگانه نخل، با این که واژه <جَنَّتَات> (در آیه قبل) شامل آن نیز می شود، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۵ - ۴،۵،۷

۴ - نقش اساسی خرما و انگور و فراورده های آن ، در تغذیه انسان

و جعلنا فیها جَنَّتٍ من نخیل و أعنب . . . لِیَأْكُلُوا من ثمره

از اختصاص به ذکر یافتن خرما و انگور برای تغذیه انسان ها (از میان مجموعه میوه ها و محصولات باغ ها) برداشت یاد شده به دست می آید.

۵ - هدف و فلسفه آفرینش خرما و انگور از سوی خداوند ، تغذیه انسان از فراورده های دست ساخته خود از آن درختان )

مانند شیره ، عصاره ، کشمش و ... ) است .

ليأكلوا من ثمره و ما عملته أيديهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <ما> در <ما عملته> موصوله (به معنای الذی) باشد؛ یعنی، <و الذی عملته أيديهم> (و آنچه دست های شان به عمل می آورد).

۷- خرما و انگور ، از غذا های آماده برای انسان ، بدون دخالت وی در آماده سازی آنها

ليأكلوا من ثمره و ما عملته أيديهم

این برداشت مبتنی بر این احتمال است که ضمیر در <عملته> به <ثمر> بازگردد.

منشأ رویش درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۹ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده زیتون و درخت خرما و رویاننده آن از زمین است .

فأنبثنا فيها .. زیتوناً و نخلاً

نعمت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۴ - ۳

۳ - خرما و انگور ، از نعمت های الهی برای بشر

و جعلنا فيها جنت من نخيل و أعناب

نعمت درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۹ - ۲

۲ - بهره مندی انسان از زیتون و از منافع گوناگون درخت خرما ، نعمتی الهی و سزاوار سپاس گذاری است .

ما أكفـره .. و زیتوناً و نخلاً

<زیتون>، میوه ای معروف (مصباح) و درختی معروف است و می تواند جمع <زیتونه> باشد که گاه بر درخت و گاه بر میوه آن اطلاق می گردد (لسان العرب). تعبیر <نخل> به جای نام میوه آن ممکن است ناظر

به این باشد که انسان علاوه بر خرما، از اجزای دیگر نخل (از قبیل شاخ، برگ، تنه و لیف آن) نیز بهره می برد.

نقش خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۱ - ۲

۲ اهمیت خرما و درخت های نخل ، در تغذیه آدمیان \*

و النخل باسقت . . . رزقاً للعباد

از این که <النخل> به گونه مجزاً یاد شده است، اهمیت خرما در تغذیه خلق استفاده می شود.

نقش درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۱ - ۳

۳ - نخل ها با خوشه های پوشیده در غلاف ، دارای سهمی مهم در تأمین نیاز های خلق

و النخل ذات الأکمام

<کم> (مفرد <أکمام>) به معنای کاسه یا غلاف میوه گفته می شود.

ویژگیهای درختان خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴ - ۳

۳ زمین جایگاه درختان خرما ؛ درختانی که به یک ریشه روئیده اند و درختانی که ریشه های جدا دارند .

و فی الأرض . . . نخیل صنوان و غیر صنوان

<نخیل> (جمع نخل) و به معنای درختان خرماست. <صنوان> (جمع صنو) به چند درخت خرما گفته می شود که دارای یک ریشه باشند و به هر یک از آن درختان <صنو> می گویند.



## خروس از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خروس

{خروس}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۰ - ۲۷

۲۷ طاووس ، خروس ، کبوتر و کلاغ ، چهار پرنده ای که ابراهیم (ع) برگزید .

فخذ اربعة من الطير

امام صادق (ع): .

.. فاخذ ابراهيم الطاووس و الديك و الحمام و الغراب ...

تفسیر قمی، ص ۹۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۸۰، ح ۱۰۹۸.

خروس بازی در قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۹ - ۱۷

۱۷ - > عن الصادق (ع) (فی قوله تعالى) < و تأتون فی نادیکم المنکر > یعنی الخذف بالحصی و التصفیق بالحمام ... و مناقره الديوک ... و الجنق فی المجالس و لبس المعصفرات ... ;

از امام صادق(ع) درباره این سخن خدای تعالی <و تأتون فی نادیکم المنکر> روایت شده که فرمود: مقصود از <منکر> پرتاب سنگ ریزه در مجالس و کف زدن برای پرواز دادن کبوتر... و به جنگ وادار کردن خروس ها ... و شرطه در مجالس و پوشیدن لباس های معصفر (لباس هایی که با عصفور، به رنگ زرد درآمده) است.<

### خسارت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خسارت

خسارت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۵ - ۱۰، ۶

۶ مسلمانان ( کسانی که در برابر خدا تسلیم هستند ) ، بهره مند از سعادت و مصون از زیان در آخرت

و من یتبغ ... و هو فی الاخره من الخاسرین

۱۰ تسلیم نبودن در برابر خداوند ، موجب زیان و خسران در آخرت

و من یتبغ غیر الاسلام دیناً ... و هو فی الاخره من الخاسرین

خسارت انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ پاداش عظیم خداوند ، جبران کننده

## خسارت های انفاق کنندگان

و ماذا عليهم لو... انفقوا... و ان تك حسنه يضاعفها و يؤت من لدنه اجراً عظيماً

جمله <يضاعفها و يؤت من لدنه اجراً عظيماً> می تواند پاسخی باشد به این توهم که انفاق، موجب خسارت مالی است.

خسارت به فرزندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۳ - ۴۲، ۳۲، ۲۵، ۲۲، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷

۱۷ پدر و مادر، حق ضرر زدن به فرزند خویش را ندارند. حتی بر فرض وقوع طلاق.

لا تضارّ والده بولدها و لا مولود له بولده

بنابراینکه <لا تضارّ> به صیغه معلوم باشد یعنی پدر و مادر ضرر نزنند.

۱۸ نباید مادر حتی پس از طلاق با امتناع از شیر دادن به فرزند، موجب ضرر او شود.

لا تضارّ والده بولدها

۱۹ خودداری مادر از شیر دادن به کودک خویش، از مصادیق بارز اضرار به فرزند

و الوالدات يرضعن... لا تضارّ والده بولدها

نهی از زیان رسانی به کودک پس از الزام مادر به شیر دادن، اشاره به این معناست که از مصادیق بارز ضرر به کودک، خودداری از شیر دادن به اوست.

۲۰ خودداری پدر از تأمین مخارج مادر، موجب زیان کودک خویش

و علی المولود له زرقهنّ... لا تضارّ... و لا مولود له بولده

نهی از زیان رسانی پدر به کودک خویش، پس از الزام او به تأمین مخارج مادر، اشاره به این معناست که امتناع از تأمین مخارج مادر نهایتاً منجر به زیان کودک خواهد شد.

۲۲ پدر نباید با محروم کردن همسر خود از تأمین مخارج حتی پس از طلاق او،

موجب ضرر فرزند شود .

لا تضارّ .. و لا مولود له بولده

۲۵ وارثان پدر نباید به فرزند شیرخوار مورث با عدم رعایت حقوق وی ضرر بزنند .

لا تضارّ والده بولدها و لا مولود له بولده و علی الوارث مثل ذلک

جمله <و علی الوارث مثل ذلک>، تمامی تکالیفی را که پدر کودک باید نسبت به او رعایت کند، بر عهده وارث پدر گذاشته که از جمله، عدم اضرار به کودک (لا تضارّ والده بولدها و لا مولود له بولده) است.

۳۲ جلوگیری از ضرر و بی مهری به فرزند، با پیش پرداخت اُجرت دایه \*

و ان اردتم .. اذا سلّمتم

با در نظر گرفتن اینکه آیه در مقام دفع ضرر از کودک است؛ می توان گفت که پیش پرداخت اُجرت دایه به جهت دفع ضرری است که در اثر تأخیر اُجرت دایه، ممکن است متوجّه طفل گردد.

۴۲ وارث پدر حق ندارد با جدا کردن طفل از مادر، به مادر زیان رساند .

و علی الوارث مثل ذلک

امام صادق (ع): .. لا ینبغی للوارث ان یضارّ المرأه فیقول لادع ولدها یا تیها ...

---

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۲۱، ح ۳۸۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۲۸، ح ۸۸۶.

خسارت به گواه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۴۸

۴۸ زیان رساندن به گواه و نویسنده مبادلات، فسق و انحراف از حقّ است .

و لا یضارّ کاتب و لا شهید و ان تفعلوا فأنّه فسوق بکم

بر مبنای مجهول بودن <لا یضار>

خسارت كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

- ٣

۱۱ بازگشت ضرر کفرورزی کافران ، به خود ایشان

أَنَّهُمْ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حِطًّا فِي الْآخِرَةِ

جمله <یرید الله .. >، دلالت بر جمله ای محذوف دارد: یعنی آنان به خدا ضرر نمی رسانند، بلکه به خود ضرر می رسانند؛ و آن، ضرر محرومیت از بهره اخروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۷ - ۶

۶ بازگشت ضرر انتخاب کفر ، به خود کافران

إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْكُفْرَ .. لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

جمله <و لهم عذاب الیم>، دلالت دارد بر این که کافران با کفر خویش به خودشان ضرر می زنند؛ چرا که به <عذاب الیم> گرفتار می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۳

۳ ناتوانی کافران از درک سود و زیان و سرنوشت شوم خویش

و لَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نَمْلِي لَهُمْ خَيْرًا لَّأَنفُسِهِمْ أَنَّمَا نَمْلِي لَهُمْ لِيُزِدُوا آثِمًا

عوامل خسارت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۱۱

۱۱ بازگشت ضرر کفرورزی کافران ، به خود ایشان

أَنَّهُمْ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حِطًّا فِي الْآخِرَةِ

جمله <یرید الله .. >، دلالت بر جمله ای محذوف دارد: یعنی آنان به خدا ضرر نمی رسانند، بلکه به خود ضرر می رسانند؛

و آن، ضررِ محرومیت از بهره اخروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۶ بازگشت ضرر انتخاب کفر ، به خود کافران

انّ الذّین اشتروا الکفر . . . لن یضروا الله شیئاً و لهم عذاب الیم

جمله <و لهم عذاب الیم>، دلالت دارد بر این که کافران با کفر خویش به خودشان ضرر می زنند / چرا که به <عذاب الیم> گرفتار می شوند.

۷ بازگشت ضرر ارتداد به خود مرتدان

انّ الذّین اشتروا الکفر بالایمان لن یضروا الله شیئاً

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از <الذّین . . . > کسانی باشد که پس از اختیار اسلام به کفر می گرایند.

### خشکسالی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خشکسالی

آثار خشکسالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۰ - ۲

۲ کم محصولی فاحش ، بارزترین اثر خشکسالی ها و قحطی های تحمیل شده به فرعونیان

و لقد أخذنا آل فرعون بالسنین و نقص من الثمرت

خشکسالی و قحطی در پی دارنده مشکلات فراوانی است که از جمله آنها کم محصولی است. بنابراین ذکر بخصوص آن می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

بارش باران در خشکسالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۸ - ۶

۶ - بارش باران ، پس از خشکسالی و نومیدی انسان ، نمودی از تقدیر الهی در معیشت انسان

و لكن ينزل بقدر ما يشاء .. ينزل الغيث من بعد ما قنطوا

ترس از خشکسالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۲ - ۲

۲ هراس مردم از خشکسالی و امید آنان به نزول باران ، زمینه ساز پدید آمدن برق

های آسمانی و نمایاندن آنها به ایشان است .

هو الذی یریکم البرق خوفاً و طمعاً

هر یک از دو کلمه <خوفاً> و <طمعاً> می تواند مفعول له حصولی باشد و می تواند مفعول له تحصیلی باشد. بر فرض نخست مفاد عبارت <هو الذی ...> چنین می شود: <چون هراس داشتید و نیز امیدوار بودید برقه‌های آسمانی را برای شما پدیدار می کنیم>. و بر مبنای دوم مفاد <هو الذی ...> چنین می شود: <برای آنکه بهراسید و نیز امیدوار شوید، برقه‌های آسمانی را به شما می نمایانیم>. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

خشکسالی در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۸ - ۳

۳ استفاده از ارزاق ذخیره شده در سال های آبادانی طی هفت سال خشکسالی ، از پیام های نهفته در رؤیای پادشاه مصر

ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد یا کلن ما قدمتم لهنّ

ضمیر در <یا کلن> و <لهنّ> به <سبع شداد> باز می گردد و مراد از <ما قدمتم لهنّ> (آنچه برای آن سالها پیش فرستاده اید) ارزاق ذخیره شده در سالهای آبادانی است. بنابراین <یا کلن ...> ؛ یعنی، سالهای قحطی ذخایری را که در سالهای آبادانی تهیه دیده اید، می خورند.

زمینه خشکسالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۰ - ۳

۳ - تأثیر گناه ، در گرفتار آمدن انسان ها به قحطی و خشکسالی

و هو الذی ینزل الغیث من بعد ما قنطوا . . . و ما أصبکم من مصیبه فیما کسبت أیدیکم

سیاق آیات ، می تواند بیانگر این نکته باشد که رحمت و قدرت الهی گسترده و

فراگیر است و قحطی ها و خشکسالی ها بازتاب عملکرد خود انسان ها است.

عجز از دفع خشکسالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۳۰ - ۳

۳ - هیچ کس و هیچ نیرویی ، توانایی مبارزه با خشکسالی و بازگرداندن آب های فرو رفته در زمین به امر خداوند را ندارد .

قل أرءیتم إن أصبح ماؤکم غورًا فمن یأتیکم بماء معین

عذاب با خشکسالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۳۰ - ۴

۴ - کافران لجوج و تکذیب گر ، در معرض عذاب الهی ( همچون خشکسالی )

قل أرءیتم إن أصبح ماؤکم غورًا فمن یأتیکم بماء معین

عوامل خشکسالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۱ - ۳

۳ - کفر و گناه ، از عوامل خشک سالی و سلب نعمت ها است .

استغفروا ربکم . . . یرسل السماء علیکم مدرارًا

خشکی

خشکی نخل قصه مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۵ - ۲

۲- نخلی که مریم (س) در کنار آن وضع حمل نمود، میوه نداشت.

و هزّی إلیک بجذع النخله تسقط علیک رطباً جنیّاً

جمله <تساقط علیک..> گویای امتنان بر مریم(س) است، نه خبر از اثر طبیعی تکان دادن درخت، چرا که این موضوع نیازی به راهنمایی نداشت؛ بنابراین، پس از تکان دادن درخت بود که خرماي آن پدیدار گشته و فرو می ریخت. اضافه شدن کلمه <جذع> به کلام و نیز اسناد <تساقط> به <نخله>، خشک بودن درخت و خارق

العاده بودن ریزش خرما را تأیید می کند.

## صید خشکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۶ - ۱۵، ۱۰، ۸، ۷

۷ حرمت صید شکارهای خشکی برای محرم

و حرم علیکم صید البر ما دتم حراماً

برداشت فوق بر این مبناست که <صید> به معنای مصدری باشد در این فرض مراد از <صید البر>، <صید حیوان البر> خواهد بود.

۸ حرمت خوردن شکار صحرائی در حال احرام هر چند شخص محرم آن را شکار نکند.

احل لکم صید البحر و طعامه .. و حرم علیکم صید البر

در برداشت فوق کلمه <صید> به معنای اسم مفعول حیوان شکار شده گرفته شده است. و این معنا اعم از این است که خود محرم و یا شخص دیگری آن حیوان را شکار کند.

۱۰ صید حیوانات صحرائی و خوردن گوشت آنها در حال احرام بی تقوایی است.

و حرم علیکم صید البر ما دتم حراماً و اتقوا الله

از مصادیق مورد نظر برای <تقوا> به قرینه <حرم علیکم ..> پرهیز از صید در حال احرام است.

۱۵ پرندگان صحرائی که در دریا تخم می گذارند ولی در خشکی تکثیر نسل می کنند، صید خشکی محسوب می شوند و شکارشان بر محرم، حرام است.

و حرم علیکم صید البر ما دتم حراماً

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: .. و ما كان من طير يکون في البر و يبيض في البحر و يفرخ في البر فهو من صید البر ...

بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۵۹، ح ۵۷.

فلسفه خلقت خشکی ها

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۲ - ۲

۲ - بستر خشکی ها و پهنه دریا ها ، در خدمت بهره‌وری بشر ، به عنایت و لطف خداوند

و علیها و علی الفلک تحملون

منشأ راهیابی در خشکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۳ - ۱

۱ - راهیابی انسان ، در ظلمات بیابان و دریا ، به هدایت و تدبیر خداوند

أمن یهدیکم فی ظلمت البرّ و البحر

نقش خشکی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۱ - ۳

۳ - تعدد دریا ها با حد فاصلی از خشکی ، نشانی دیگر از تدبیر خداوند

و جعل بین البحرین حاجراً

مراد از <حاجراً> (مانع) می تواند خشکی های موجود در میان دو دریا باشد؛ یعنی، این که زمین کاملاً پوشیده از آب نیست؛ بلکه خشکی هایی برای زیست و زندگی انسان و .. در آن تدارک دیده شده است. این امر نشانی دیگر از تدبیر و حضور خدا در اداره شؤون زندگی انسان ها است.

خشکی ها

فلسفه خلقت خشکی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۲ - ۲



۲ - بستر خشکی ها و پهنه دریا ها ، در خدمت بهره‌وری بشر ، به عنایت و لطف خداوند

و علیها و علی الفلک تحملون

نقش خشکی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۱ - ۳

۳ - تعدد دریا ها با حد فاصلی از خشکی ، نشانی دیگر از تدبیر خداوند

و جعل بین البحرین

حاجراً

مراد از <حاجراً> (مانع) می تواند خشکی های موجود در میان دو دریا باشد، یعنی، این که زمین کاملاً پوشیده از آب نیست؛ بلکه خشکی هایی برای زیست و زندگی انسان و .. در آن تدارک دیده شده است. این امر نشانی دیگر از تدبیر و حضور خدا در اداره شؤون زندگی انسان ها است.

### خشنودی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خشنودی

{خشنودی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۰ - ۱۲، ۱۶

۱ سرور و شادمانی کشته شدگان راه خدا، به آنچه خداوند از فضل خویش به آنان ارزانی داشته است.

فرحین بما اتیمهم الله من فضله

۶ شادمانی و علاقه شهیدان نسبت به سعادت مندی دیگر مجاهدان و رسیدنشان به مقام کشته شدگان راه خدا

و یستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم

۱۲ شادمانی شهیدان از نبودن هیچ ترس و اندوهی برای مجاهدان راه خدا پس از شهادت

و یستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم الا خوف علیهم و لا هم یحزنون

استبشار به معنی شادمانی بر اثر دریافت بشارت است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۱ - ۱۷

۱ شادمانی شهیدان از نعمت و فضل خاص الهی

یستبشرون بنعمه من الله و فضل

نکره بودن کلمه <بنعمه> و <فضل>، دلالت بر نعمت و فضلی ناشناخته برای انسانها دارد. بنابراین نعمت و فضلی خاص

است.

۷ شادمانی شهیدان از اینکه خداوند اجر مؤمنان را تباه نمی سازد .

يستبشرون بنعمه . .. انّ الله لا يضيع اجر المؤمنين

جمله <ان الله>، عطف بر کلمه <نعمه> است ؛ یعنی <يستبشرون بان الله لا يضيع>.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۸ - ۲،۴

۲ شادمانی عالمان اهل کتاب از کتمان حقایق کتب آسمانی برای مردم

و اذ اخذ الله ميثاق... و لا تكتُمونه... لا تحسبن الذين يفرحون بما اتوا

برخی برآنند که مراد از <الَّذِينَ>، اهل کتاب هستند؛ چنانچه در آیه قبل از آنان سخن رفت. و مراد از <ما اتوا> (آنچه را انجام دادند)، همان کتمان حقایق و پشت سر انداختن کتابهای آسمانی و ميثاق الهی است.

۴ شادمانی عالمان اهل کتاب از بیان برخی حقایق کتاب های آسمانی ( آنچه با دنیاخواهی آنان منافات نداشته )

لا تحسبن الذين يفرحون بما اتوا

مراد از <ما اتوا>، می تواند بیان حقایقی از کتاب باشد که به قرینه <واشترُوا به ثمناً>، با دنیاطلبی آنان برخوردی نداشته است.

آثار خشنودی منافقان متخلف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۱۰

۱۰ احساس رضایت و خوشحالی منافقان از شرکت نکردن در جنگ برای بار نخست، مایه طرد همیشگی آنان از سوی خدا و پیامبر (ص) و محروم شدن دایمی از شرکت در جهاد

لن تخرجوا... و لن تقتلوا معي عدواً إنكم رضيتم بالقعود أول مرة

برداشت فوق بر این اساس است که <لن تخرجوا> و <لن تقتلوا> در مقام انشا و برای طرد منافقان باشد و جمله <إنكم رضيتم...> نیز برای تعلیل آن باشد.

بی ارزشی خشنودی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۱۶



الهی به خاطر خوشایند کافران ، مایه خسارت و تباهی است .

فما تزیدوننی غیر تخسیر

خشنودی اخروی اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۱ - ۱

۱ - کسانی که نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود ، از زندگی پسندیده و رضایت مندی در آخرت برخوردار خواهند بود .

فأما من أوتی کتبه بيمينه . . . فهو فی عیشه راضیه

خشنودی از ترک جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۷ - ۱

۱ رضا و شادمانی منافقان از نرفتن به جهاد و ماندن در کنار ناتوانان و خانه نشینان

رضوا بأن یكونوا مع الخوالف

خشنودی از عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۸ - ۱

۱ ناپسندی عجب و شادمانی انسان از اعمال خویش

لا تحسبنّ الذین یفرحون بما آتوا . . . فلا تحسبنّهم بمفازة من العذاب

خشنودی اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ شادمانی عالمان اهل کتاب از کتمان حقایق کتب آسمانی برای مردم

و اذ اخذ الله میثاق... و لا تکتمونه... لا تحسبنّ الذین یفرحون بما اتوا

برخی برآیند که مراد از <الذین>، اهل کتاب هستند؛ چنانچه در آیه قبل از آنان سخن رفت. و مراد از <ما اتوا> (آنچه را انجام دادند)، همان کتمان حقایق و پشت سر انداختن کتابهای آسمانی و میثاق الهی است.

۴ شادمانی عالمان اهل کتاب از بیان برخی حقایق کتاب های آسمانی

( آنچه با دنیاخواهی آنان منافات نداشته )

لا تحسبنّ الذین یفرحون بما آتوا

مراد از <ما آتوا>، می تواند بیان حقایقی از کتاب باشد که به قرینه <و اشتروا به ثمنًا>، با دنیاطلبی آنان برخوردی نداشته است.

خشنودی در برزخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۰ - ۱۸

۱۸ وجود شادمانی ، ترس و اندوه ( حالات روحی ) برای انسان در عالم برزخ

فرحین بما آتیهم اللّٰه من فضله .. الا خوف علیهم و لا هم یحزنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۱ - ۲

۲ وجود شادمانی ( حالات روحی ) برای انسان در عالم برزخ

یستبشرون بنعمه من اللّٰه و فضل

خشنودی شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۰ - ۱۲، ۶، ۴، ۱

۱ سرور و شادمانی کشته شدگان راه خدا ، به آنچه خداوند از فضل خویش به آنان ارزانی داشته است .

فرحین بما آتیهم اللّٰه من فضله

۴ فضل الهی و عطایای بیش از استحقاق به شهیدان ، موجب شادمانی آنان

فرحین بما آتیهم اللّٰه من فضله



با توجه به معنای <فضل> (بخشش بیش از حد استحقاق و از روی عنایت)، برداشت فوق استفاده شده است.

۶ شادمانی و علاقه شهیدان نسبت به سعادت‌مندی دیگر مجاهدان و رسیدنشان به مقام کشته شدگان راه خدا

و یستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم

۱۲ شادمانی شهیدان از نبودن هیچ ترس و اندوهی برای مجاهدان راه خدا پس از شهادت

و یستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم الا خوف

عليهم و لا هم يحزنون

استبشار به معنی شادمانی بر اثر دریافت بشارت است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۱ - ۱،۷

۱ شادمانی شهیدان از نعمت و فضل خاص الهی

یستبشرون بنعمه من الله و فضل

نکره بودن کلمه <بنعمه> و <فضل>، دلالت بر نعمت و فضلی ناشناخته برای انسانها دارد. بنابراین نعمت و فضلی خاصّ است.

۷ شادمانی شهیدان از اینکه خداوند اجر مؤمنان را تباه نمی سازد .

یستبشرون بنعمه . .. انّ الله لا یضیع اجر المؤمنین

جمله <ان الله>، عطف بر کلمه <نعمه> است ؛ یعنی <یستبشرون بان الله لا یضیع>.

خشنودی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۸ - ۳

۳ مسرت و خشنودی منافقان از سلامت خویش به دلیل عدم حضورشان در پیکار احد

الذین قالوا لاخوانهم وقعدوا لو اطاعونا ما قتلوا

اظهار تأسّف منافقان برای کشته های احد، دلالت بر مسرت و خشنودی از زنده ماندن خودشان دارد.

خشنودی ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۲ - ۷

۷ خوشحالی به خاطر شرکت نجستن در جنگ به همراهی رسول خدا و مصون ماندن از پیامد های مصیبت بار آن ، شرک است .

فان اصابتکم مصیبه قال قد انعم الله علیّ اذ لم اکن معهم شهیداً

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: ... ولو ان اهل السماء و الارض قالوا قد انعم الله علیّ اذ لم اکن مع رسول الله (ص) لکانوت بذلک مشرکین ... .

مراد از شرک خروج از اسلام نیست بلکه پیروی

از شیطان است کما اینکه روایاتی در اصول کافی بیانگر این مطالب است.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۵۷، ح ۱۹۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۱۶، ح ۳۹۸؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۹۳، ح ۲، ۳ و ۴.

عوامل خشنودی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۰ - ۴

۴ فضل الهی و عطایای بیش از استحقاق به شهیدان، موجب شادمانی آنان

فرحین بما اتیهم الله من فضله

با توجه به معنای <فضل> (بخشش بیش از حد استحقاق و از روی عنایت)، برداشت فوق استفاده شده است.

عوامل خشنودی دریانوردان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۲ - ۶

۶ وزش باد های فرح بخش و موافق، مایه شادمانی دریانوردان سوار بر کشتی های بادبانی

حتى إذا کتتم فی الفلک و جرین بهم بريح طيبة و فرحوا بها

### خشونت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خشونت

اجتناب از خشونت در سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۹ - ۵

۵ - توصیه لقمان به فرزندش، برای رعایت اعتدال در رفتار و پرهیز از گفتار خشن، نمودی از حکمت وی است.

و لقد ءايتنا لقمن الحكمه .. و إذ قال ... و اقصد في مشيك و اغضض من صوتك

خسونت آزر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۴۶ - ۵

۵- آزر با حضرت ابراهيم (ع) و عقايد توحيدى او ، على رغم دعوت منطقى ، مستدل و عاطفى آن حضرت ، برخوردى

خشن و

غیر منطقی داشت .

لئن لم تنته لأرجمّك

در کلام آزر هیچ استدلال و پاسخی وجود ندارد. تنها وجه شاخص سخن او ارعاب و تهدید است و حتی در خطاب به او هم کمترین عطفی نظیر <یابنی> در پاسخ <یاأبت> به کار نبرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۱،۲

۱- ابراهیم (ع) پس از برخورد خشن و غیر منطقی آزر، به بحث و گفت و گو با او در باره توحید و شرک پایان داد .

قال سلم عليك

از موارد کاربرد <سلام عليك> جایی است که طرف بحث می خواهد به بحث پایان دهد و دیگر آن را ادامه ندهد، مانند آنچه در آیه <إذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاماً> آمده است. در گفت و گوی حضرت ابراهیم(ع) با آزر نیز ظاهراً <سلام> از همین نوع باشد.

۲- حضرت ابراهیم (ع) با وجود برخورد خشن و تهدید های آزر، با او گفتاری ملایم و برخوردی مهربانانه داشت .

قال سلم عليك سأستغفر لك ربّي

خشونت اخروی با مکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۳ - ۱

۱ - قیامت روز رانده شدن تکذیب گران، با شدت و خشونت به سوی آتش دوزخ

یوم یدعون إلى نار جهنم دعاً

<دع> (مصدر مجهول <یدعون>) به معنای رانده شدن همراه با تندی و خشونت است و ضمیر <یدعون> به <مکذبین> بازمی گردد.

خشونت با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کھف - ۱۸ - ۸۶ - ۱۶

۱۶- انتخاب خوش رفتاری در مواجهه با کافران ، بهتر از به

کارگیری شدت و خشونت است .

و إِمَّا أَنْ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حَسَنًا

جمله <تَتَّخِذَ فِيهِمْ حَسَنًا> در بیان طریقه مقابل عذاب، تلقین کننده اختیار این شیوه از بین دو نوع برخوردی است که ذوالقرنین بین آن ها مخیر بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۸ - ۳

۳ - سرنوشت هلاکت بار فرعونیان و قوم ثمود ، نمونه ای بارز از برخورد تند و قهرآمیز خداوند با کافران است .

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ .. فرعون و ثمود

خشونت جایز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۱ - ۸

۸ - اقدام های قاطع برای دفع فساد از جامعه ، با رعایت مراحل و شرایط ، روا و جایز است .

لئن لم ينته المنافقون .. أينما ثقفوا أخذوا وقتلوا تقتيلاً

خشونت در امر به معروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۹ - ۱۳

۱۳ - امر به معروف و نهی از منکر ، با روش ناهنجار و داد و فریاد ، نفرت انگیز و دارای تأثیر منفی است . \*

و امر بالمعروف و انه عن المنکر .. و اغضض من صوتک إِنْ أَنْکَر

احتمال دارد سفارش به روی نگرداندن از مردم و نیز رعایت اعتدال در رفتار و کاستن از صدا، پس از توصیه به امر به معروف و نهی از منکر، به این منظور باشد که در انجام امر به معروف و نهی از منکر، باید موازین یاد شده رعایت گردد و گرنه، همان گونه که صدای الاغ برای گوش ها ناهنجار



است امر به معروف و نهی از منکر بدون رعایت موازین اخلاقی هم اثر منفی دارد.

خشونت در سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۹ - ۸

۸ - تلاش در غلبه بر دیگران با فریاد ناهنجار و خشن، تلاشی ابلهانه و به دور از منش انسانی است. \*

و اغضض من صوتک إنّ أنکر الأصوت لصوت الحمیر

آیه، می تواند به واقعیت خارجی اشاره داشته باشد که معمولاً افراد بی منطق با جنجال آفرینی و سر و صدا، در پی غلبه دادن نظر خود هستند.

خشونت در نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۹ - ۱۳

۱۳ - امر به معروف و نهی از منکر، با روش ناهنجار و داد و فریاد، نفرت انگیز و دارای تأثیر منفی است. \*

و امر بالمعروف و انه عن المنکر .. و اغضض من صوتک إنّ أنکر

احتمال دارد سفارش به روی نگرداندن از مردم و نیز رعایت اعتدال در رفتار و کاستن از صدا، پس از توصیه به امر به معروف و نهی از منکر، به این منظور باشد که در انجام امر به معروف و نهی از منکر، باید موازین یاد شده رعایت گردد و گرنه، همان گونه که صدای الاغ برای گوش ها ناهنجار است امر به معروف و نهی از منکر بدون رعایت موازین اخلاقی هم اثر منفی دارد.

خشونت رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۷،۹

۷ سنگدلی و خشونت

رهبران ، موجب پراکندگی مردم از پیرامون آنان

و لو كنت فظًا غليظ القلب لانفضوا من حولك

<انفضوا> از <فض> به معنای تفرق و پراکندگی است.

۹ گرایش مردم به رهبران دینی ، در گرو مهربانی آنان و پرهیز از خشونت و سنگدلی

فبما رحمه من الله لنت لهم و لو كنت فظًا غليظ القلب لانفضوا من حولك

خشونت طلبی قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۴ - ۳،۵

۳ - قوم ابراهیم ، برای رویارویی با خیرخواهی او برای آنان ، به خشونت متوسل شدند .

و ابرهیم إذ قال لقومه ... ذلكم خير لكم ... فما كان جواب قومه إلا أن قالوا اقتل

۵ - واکنش خشونت آمیز قوم ابراهیم به دعوت توحیدی او ، فراگیر و عمومی بود .

فما كان جواب قومه إلا أن قالوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۶ - ۵

۵ - حضرت ابراهیم (ع) ، در پی برخورد قهرآمیز قوم اش با او ، تصمیم گرفت به سرزمینی هجرت کند که در آن ، برای انجام رسالت اش ، آزادی عمل داشته باشد .

و قال إني مهاجر إلى ربي

مراد از <هجرت به سوی پروردگار> دستیابی به مکانی است که حضرت ابراهیم(ع) بتواند آنچه را برعهده او گذاشته است، بدون مزاحمت دشمنان اش، به انجام برساند.

زن و خشونت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- زن ، اساساً برای کارهای دشوار و خشن و جدال و درگیری آفریده نشده است .

و

هو فی الخصام غیر مبین

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که آیه شریفه به جهت مماشات و بازگویی باور مشرکان، این مطالب را مطرح نکرده باشد؛ بلکه به عنوان یک واقعیت بدان پرداخته باشد.

سرزنش خشونت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۶ - ۱۶

۱۶- انتخاب خوش رفتاری در مواجهه با کافران، بهتر از به کارگیری شدت و خشونت است.

و إِمَّا أَنْ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حَسَنًا

جمله <تَتَّخِذَ فِيهِمْ حَسَنًا> در بیان طریقه مقابل عذاب، تلقین کننده اختیار این شیوه از بین دو نوع برخوردی است که ذوالقرنین بین آن ها مخیر بود.

ناپسندی خشونت در سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۹ - ۷

۷- خشونت و درستی در سخن گفتن با مردم، عملی بسیار زشت است.

و اغضض من صوتک إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ

در آیه، به جای کاربرد تشبیه، از استعاره استفاده شده است. آوردن استعاره به جای تشبیه، برای مبالغه در مذمت و بیان ناهنجاری و مستهجن بودن آن است.

### خشیت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خشیت

آثار اخروی خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - پاکی ، تذکرپذیری ، هدایت جویی و خداترسی ، چهره انسان را در قیامت خندان و شادمان خواهد ساخت .

لَعَلَّ يَزْكِي . أَوْ يَذَّكَّر . ... جَاءَكَ يَسْعَى . وَ هُوَ يَخْشَى ... ضاحكه مستبشره

آثار ترك خشيت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۳ - ۳

۳ - تمسك به رحمانيت خدا و كنار

نهادن خشیت ، زمینه ساز انحراف و فروهستن وظایف \*

من خشی الرحمن بالغیب

از ارتباط <أَوَاب حفیظ> و <خشی> و وصف <الرحمان> مطلب بالا احتمال می رود.

آثار خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۱۷

۱۷ خشوع و خضوع در برابر خدا ، نشانه سلامت قلب از قساوت ها و کدورتهاست .

ثم قست قلوبکم .. فهی کالحجاره أو أشد ... و إن من منها لما یهبط من خشیه الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۴ - ۴،۵

۴ بهره مند شدن از پیام های الهی در تورات ، مخصوص کسانی است که از خدا بترسند و از غیر او نهراسند .

و فی نسختها هدی و رحمه للذین هم لربهم یرهبون

روشن است که پیامهای خدا، از جمله پیامهای او در تورات، برای همه مردم است. بنابراین لام در <للذین> لام منفعت است ؛ یعنی خدا ترسان از هدایتگری و رحمت آفرینی تورات بهره مند می شوند. <ربهم> متعلق به <یرهبون> است و تقدیم آن دلالت بر حصر دارد.

۵ خدا ترسان با به کار بستن پیام های آسمانی ، مشمول رحمت خدا خواهند شد .

و فی نسختها هدی و رحمه للذین هم لربهم یرهبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳ - ۳

۳- تعالیم قرآن ، تنها در کسانی مؤثر است که توجه به عظمت خداوند در دل آنان هراس افکننده است .

إلا تذکره لمن یخشی

<خشیت> ترسی است آمیخته با احساس عظمت (مفردات راغب). متعلق <یخشی> به قرینه آیه

بعد که عظمت نازل کننده قرآن را بیان کرده است خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۲ - ۲،۴

۲ - فرمان بری از خدا و رسول او و خدا ترسی و تقوای پیشگی ، از عوامل ظفرمندی و کامیابی است .

و من یطع الله و رسوله و یخش الله و یتقه فأولئک هم الفائزون

۴ - اطاعت از خدا و رسول او ، خدا ترسی و تقوای پیشگی ، از نشانه های ایمان واقعی و اوصاف مؤمنان راستین

إنما کان قول المؤمنین إذا دعوا .. أن یقولوا سمعنا و أطعنا ... و من یطع الله

برداشت فوق، از ارتباط میان این آیه و آیه پیشین که درصدد بیان اوصاف مؤمنان راستین است به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۸

۸ - خدا ترسی و نماز ، از زمینه های لازم برای تأثیر پذیری از انذار ها و اخطار های پیامبران

إنما تنذر الذین یخشون ربهم بالغیب و أقاموا الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۹ - ۱۴

۱۴ - خدا ترسی ، تلاوت قرآن کریم ، برپاداشتن نماز و انفاق در نهان و آشکار ، از عوامل امیدواری به لطف و پاداش الهی

إنما یخشى الله من عباده العلموا .. إن الذین یتلون کتب الله و أقاموا الصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ - خدا ترسی ، تلاوت قرآن ، برپاداشتن نماز و انفاق در نهان و آشکار



، از اسباب آمرزش گناهان و دریافت افتخار سپاس گزاری خداوند

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ .. إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ ... وَيُزِيدُهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۱ - ۲

۲ - آمادگی برای ایمان به قرآن و برخورداری از روح خشیت ، از زمینه های لازم برای تأثیرپذیری از انذارها و اخطارهای الهی

إِنَّمَا تَنْذَرُ مَنْ آتَى الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۳ - ۹

۹ - دستیابی به < قلب منیب > در پرتو خشیت از خداوند ، در آشکار و نهان

من خشی الرحمن بالغیب و جاء بقلب منیب

بنابر این که تقدم لفظی < خشی الرحمان .. > بر < جاء بقلب منیب > حکایت از تقدم رتبی داشته باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۴ - ۳

۳ - بیم داران از خدا در دنیا ، ایمن از هر غم و اندوه ، در آخرت

من خشی الرحمن .. ادخلوها بسلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۹ - ۲،۶

۲ - خدا ترسی و حالت خشیت ، برانگیزاننده ابن ام مکتوم برای حضور در مجلس پیامبر ( ص ) بود .

و أمّا من جاءك یسعی . و هو یخشی

۶ - حالت خشیت ، حالتی حرکت آفرین و وادارکننده انسان به تلاش در راه آموختن و کسب کمالات

و أمّا من جاءك یسعی . و هو یخشی

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۰ - ۳

۳ - خشیت ، عاملی مؤثر در پیدایش پندپذیری برای انسان است .

سیدّ کر من یخشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۲ - ۴

۴ - پذیرش تذکرات قرآن و خشیت و هراس در برابر خداوند ، مایه رهایی از آتش دوزخ

سیدّ کر من یخشی . و یتجنّبها الأشقی . الذی یصلی النار الکبری

آثار خشیت از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۹ - ۷

۷ - خدا ترسی و نگرانی از قیامت ، زمینه ساز بهره مندی انسان از وحی و هدایت الهی

و ذکرًا للمتّقین . الذین یخشون ربّهم بالغیب و هم من الساعه مشفقون

خداوند، در آیه قبل، تقوای پیشگان را شایسته بهره مند شدن از نور و هدایت خود دانسته و در این آیه اوصاف آنان را بیان کرده است. از ارتباط میان دو آیه می توان برداشت یاد شده را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۶ - ۶

۶ - ترس از خداوند و نگرانی از فرجام خویش ، پرهیز دهنده انسان از انکار معاد و باز دارنده او از طغیان گری و رویارویی با پیامبران

إنّ فی ذلک لعبره لمن یخشی

عبرت گرفتن از داستان فرعون، به معنای دوری از رفتار و عقاید او است که در آیات قبل نمونه های آن بیان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱۷، ۱۴

۱۴ - بهشت جاودان و نعمت های آن ، کسب رضایت

خداوند و راضی شدن از او، ویژه کسانی است که به عظمت خداوند، پی برده و از او هراس دارند.

جئت عدن تجرى من تحتها الأنهر خلدین فیها أبداً رضی الله عنهم و رضوا عنه ذلک

<خشیت>، به معنای ترس آمیخته با احساس عظمت است. (مفردات)

۱۷ - خشیت از خداوند، شرط رضایت مندی او از مؤمنان دارای عمل صالح

رضی الله عنهم .. ذلک لمن خشى ربّه

آثار خشیت پنهانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۳ - ۵

۵ - مراقبت شدید بر ارزش ها و حدود الهی، در گرو خشیت از خداوند، حتی در نهران

أواب حفیظ . من خشى الرحمن بالغیب

برداشت یاد شده بنا بر این نکته است که تعبیر <من خشى..> در مقام توصیف <أواب> و <حفیظ> باشد و علیت را برساند؛ یعنی، این خشیت عامل <أواب> و <حفیظ> بودن آنان است.

آمزش اهل خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۱ - ۱۲

۱۲ - آمزش و اجر ارزشمند و پرب ها، پاداش پیروان قرآن و خدا ترسان

من اتبع الذکر و خشى الرحمن بالغیب فبشره بمغفره و أجر کریم

ارزش خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۹ - ۷

۷- ترس از خدا، همراه با تعظیم و بزرگداشت، امری ارزش مند و بایسته است.

الذین یبلغون رسالت الله و یخشونه

<خشیه> در لغت، به معنای <ترس آمیخته با تعظیم> است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر

۱۱ - ارزشمندی خداترسی و دوری از گناه در نهان و به دور از انظار و اطلاع یافتن دیگران

الذین یخشون ربهم بالغیب

برداشت یاد شده از آمدن قید <بالغیب> به دست می آید زیرا ترس از خدا در هر حال مطلوب است. بنابراین آمدن این قید، بیانگر اهمیت و ارزش والای خدا ترسی در خلوت می باشد.

ارزش خشیت پنهانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۹ - ۳

۳- خشیت و ترس آگاهانه و آمیخته با تعظیم در خلوت و نهان از پروردگار، از ارزش ها و اوصاف پسندیده است .

و ذکراً للمتّقین . الذین یخشون ربهم بالغیب

برخی از اهل لغت گفته اند: <خشیت> به معنای ترس آمیخته با تعظیم است و این ترس نوعاً با آگاهی به چیزی است که از آن می ترسند (مفردات راغب). گفتنی است این معنا مناسب با آیه شریفه است زیرا خداوند شایسته تعظیم است و تقوای پیشگان نیز با آگاهی از مقام خداوند از او می ترسند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۳ - ۱

۱ - بهشت ، از آن بیم دارندگان از خداوند در نهان

و أزلقت الجنّة للمتّقین . . من خشی الرحمن بالغیب

بنابراین که <بالغیب> متعلق به <خشی> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

ارزش خشیت در خلوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۱ - ۷

۷- ارزشمندی و برتری ترس از خدا و دوری از گناه در خلوت ، بر ترس و تحفظ از



نافرمانی خدا در انظار دیگران

و خشی الرحمن بالغیب

برداشت یاد شده، از مقید شدن ترس از خدا به <غیب> (نهان) به دست می آید.

ارزش خلاص در خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۱ - ۷

۷- ارزشمندی و برتری ترس از خدا و دوری از گناه در خلوت ، بر ترس و تحفظ از نافرمانی خدا در انظار دیگران

و خشی الرحمن بالغیب

برداشت یاد شده، از مقید شدن ترس از خدا به <غیب> (نهان) به دست می آید.

اهمیت خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳ - ۶

۶- لزوم خداترسی و هراس از فرجام مخالفت با تعالیم قرآن

إلا تذکره لمن یخشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۰ - ۲

۲- لزوم خداترسی و تأثیرپذیری از پند های قرآن و هراس از فرجام ناهماهنگی با تعالیم آن

سنقرئک ... فذکر ... سیذکر من یخشی

بشارت به اهل خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - پیامبر ( ص ) مأمور بشارت دادن پیروان قرآن و خداترسان به مغفرت و اجر ارزشمند و پر ب های الهی

من أتبع الذكر و خشى الرحمن بالغيب فبشّره بمغفره و أجر كريم

پاداش اهل خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - آمرزش و اجر ارزشمند و پر ب ها ، پاداش پیروان قرآن و خداترسان

من أتبع الذكر و خشى الرحمن بالغيب فبشّره بمغفره و

أجر کریم

پاداش خشیت پنهانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۳ - ۴

۴ - بهشت پاداش آنان که با وجود محسوس نبودن خداوند ، همه جا وی را در نظر داشته و از او بیم دارند .

من خشى الرحمن بالغیب

بنابر این که <بالغیب> وصف برای <رحمان> باشد، برداشت بالا قابل استفاده است.

تأثیر قرآن در اهل خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۳ - ۸،۱۱

۸ - تأثیر عمیق و لرزه انداز قرآن ، بر اهل خشیت و خداترسان

کتباً .. تقشعراً منه جلود الذین یخشون ربهم

۱۱ - تأثیر آرامش بخش و سرور آفرین قرآن ، در اهل خشیت و خداترسان

ثم تلین جلودهم و قلوبهم إلی ذکر الله

نرم شدن پوست ها و قلب ها (تلین جلودهم و قلوبهم)، کنایه از آرامش یافتن و سرور است. این مطلب در مقابل ترس و ناراحتی است که موجب لرزش پوست ها (اندام) و اضطراب دل ها می باشد.

خشیت از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۱۴، ۱۰

۱۰ - هراس جهان طبیعت از خداوند ، منشأی برای فعل و انفعالات آن

و إن منها لما يهبط من خشية الله

۱۴ - دل و قلب آدمی ، باید از هراس و خشیت خدا لرزان بوده و در مسیر او به حرکت در آید .

و إن منها لما يهبط من خشية الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۳۸

۳ لزوم توجه به عظمت خدا و هراسیدن

و یخشون ربهم

۸ خشیت از خدا و هراس از حساب سخت و ناگوار قیامت ، از نشانه های خردمندان است .

إنما يتذكر أولوا الألباب .. الذين ... یخشون ربهم و یخافون سوء الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۹ - ۲، ۱

۱- خشیت و خداترسی ، در خلوت و دور از منظر مردمان ، از ویژگی های تقوایبندگان است .

و ذکرًا للمتقين . الذين یخشون ربهم بالغیب

برداشت یاد شده مبتنی براین است که <بالغیب> حال برای فاعل <یخشون> باشد.

۲- تقوایبندگان ، از پروردگار خویش با آن که غایب و نهان از انظار آنان است ، همواره در خشیت و خوف به سر می برند .

و ذکرًا للمتقين . الذين یخشون ربهم بالغیب

برداشت یاد شده بر اساس این احتمال است که <بالغیب> حال برای مفعول <یخشون> باشد (ربهم) یعنی ، در حالی که خداوند دور از انظار تقوایبندگان است ، آنان از او می ترسند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۸ - ۵، ۶

۵ - تنها عالمان راستین و اهل معرفت ، خداترس و اهل خشیت اند .

ألم تر أنّ الله أنزل من السماء ماء .. و من الناس ... مختلف ألونه كذلك إنّما ی

۶ - خشیت و ترس از خدا ، نشانه عالمان راستین و اهل معرفت است .

إنّما یخشی الله من عباده العلموا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - انذارها و اخطارهای پیامبر (ص)، تنها در افرادی که آماده پذیرش بودند

و می خواستند از پیروان قرآن و اهل خشیت باشند ، مؤثر بود .

إِنَّمَا تَنْذِرُ مَنْ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ

در آیات گذشته، سخن از گروهی بود که هرگز آمادگی پذیرش ایمان و سخن حق را نداشتند؛ ولی در این آیه شریفه از گروه دیگری یاد می کند که در نقطه مقابل گروه اول قرار دارند که آماده پذیرش کلام حق (قرآن) بوده و از خدای رحمان می ترسند. گفتنی است مقصود از <ذکر> طبق نظر بیش تر مفسران قرآن است.

خشیت اولوا الالباب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۸

۸ خشیت از خدا و هراس از حساب سخت و ناگوار قیامت ، از نشانه های خردمندان است .

إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ .. الَّذِينَ ... يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ

خشیت بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۸ - ۱۳

۱۳- لزوم بیم و هراس بندگان از خداوند ، هر چند دارای مرتبه ای والا باشند .

بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ .. وَ هُمْ مِنْ خَشِيئَةِ مُشْفِقُونَ

خشیت پنهانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۹ - ۱

۱- خشیت و خداترسی ، در خلوت و دور از منظر مردمان ، از ویژگی های تقوای پیشگان است .

و ذَكَرًا لِلْمُتَّقِينَ . الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ

برداشت یاد شده مبتنی براین است که <بالغیب> حال برای فاعل <بخشون> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۳ - ۹

۹ - دستیابی به



> قلب منیب < در پرتو خشیت از خداوند ، در آشکار و نهان

من خشی الرحمن بالغیب و جاء بقلب منیب

بنابر این که تقدم لفظی <خشى الرحمان..> بر <جاء بقلب منیب> حکایت از تقدم رتبی داشته باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

خشیت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینہ - ۹۸ - ۸ - ۱۶

۱۶ - مؤمنان دارای عمل صالح ، هراسان از فرجام خویش و نگران از کوتاهی در برابر عظمت خداوند

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت .. ذلک لمن خشى ربّه

ترس از خداوند، به معنای نگرانی و هراس از فرجام خویش هنگام روبه رو شدن با او است.

خشیت طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۱۰

۱۰ - هراس جهان طبیعت از خداوند ، منشأی برای فعل و انفعالات آن

و إن منها لما یهبط من خشیه الله

خشیت علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۸ - ۵،۶

۵ - تنها عالمان راستین و اهل معرفت ، خداترس و اهل خشیت اند .

ألم تر أنّ الله أنزل من السماء ماء .. و من الناس ... مختلف ألونه كذلك إنّما ی

۶ - خشیت و ترس از خدا ، نشانه عالمان راستین و اهل معرفت است .

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ

خشیت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۱۴

۱۴ - دل و قلب آدمی ، باید از هراس و خشیت خدا لرزان بوده و در مسیر او به

حرکت در آید .

و إن منها لما يهبط من خشية الله

خشیت متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۹ - ۲، ۱

۱- خشیت و خدا ترسی ، در خلوت و دور از منظر مردمان ، از ویژگی های تقوای پیشگان است .

و ذکراً للمتقین . الذین یخشون ربهم بالغیب

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <بالغیب> حال برای فاعل <یخشون> باشد.

۲- تقوای پیشگان ، از پروردگار خویش با آن که غایب و نهان از انظار آنان است ، همواره در خشیت و خوف به سر می برند .

و ذکراً للمتقین . الذین یخشون ربهم بالغیب

برداشت یاد شده بر اساس این احتمال است که <بالغیب> حال برای مفعول <یخشون> باشد (ربهم) یعنی ، در حالی که خداوند دور از انظار تقوای پیشگان است ، آنان از او می ترسند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۳ - ۲

۲ - متقین ، در عین اعتقاد به رحمانیت خداوند ، بیمناک از مخالفت با او \*

من خشی الرحمن بالغیب

از این که وصف <الرحمان> مفعول <خشی> قرار گرفته است ، می توان به مطلب فوق ره برد زیرا در نظر ابتدایی ، وصف <منتقم، قهار و ..> متناسب با خشیت است و این که وصف <رحمت> به کار گرفته شده است ، می رساند که رجای متقین آنان را به گناه نمی کشاند.

خشیت معصومان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴- مقام عصمت ، مانع از خوف و هراس از خداوند نیست .

و هم بأمّره يعملون . . . و هم من خشيته مشفقون

## خشیت مقربان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۸ - ۱۵

۱۵- خشیت و ترس از خداوند ، از ویژگی های بندگان مقرب و از اوصاف پسندیده است .

بل عباد مکرمون ... و هم من خشیته مشفقون

## خشیت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۸ - ۱۱

۱۱- فرشتگان ، بر اثر ترس از خداوند ، هراسان و نگران اند .

و هم من خشیته مشفقون

برداشت یاد شده بر این اساس است که <من> برای تعلیل و سببیت باشد.

## خشیت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۲ - ۴

۴ - اطاعت از خدا و رسول او ، خدا ترسی و تقوای پیشگی ، از نشانه های ایمان واقعی و اوصاف مؤمنان راستین

إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا .. أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ... وَ مَنْ يَطِعِ اللَّهَ

برداشت فوق، از ارتباط میان این آیه و آیه پیشین که در صدد بیان اوصاف مؤمنان راستین است به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۴ - ۳

۳ - وجود اختلاف اساسی میان دو انسان مؤمن خدا ترس و کافر خدا گریز ، از نظر شخصیت و سرنوشت

فويل للقسيه قلوبهم من ذكر الله .. أفمن يتقى بوجهه سوء العذاب يوم القيامة

<من> در آیه شریفه، اسم موصول بوده و مبتدا و خبر آن، جمله ای محذوف است و تقدیر کلام چنین می باشد: <أفمن يتقى بوجهه سوء العذاب.. كمن آمن منه>. بنابراین می

توان گفت آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱۶

۱۶ - مؤمنان دارای عمل صالح ، هراسان از فرجام خویش و نگران از کوتاهی در برابر عظمت خداوند

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت .. ذلک لمن خشی ربّه

ترس از خداوند، به معنای نگرانی و هراس از فرجام خویش هنگام روبه رو شدن با او است.

دعوت به خشیت از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۹ - ۲۸

۲\$ - دعوت فرعون به خشیت از خداوند ، از اهداف رسالت موسی (ع)

فتخشی

- دعوت فرعون به خشیت از خداوند، از اهداف رسالت موسی(ع)

۸\$ - هدایت مردم به خداوند و بیان ربوبیت او و ایجاد حالت خداترسی در آنان ، از نخستین اهداف پیامبران است .

فقل .. و اهدیک إلی ربّک فتخشی

- هدایت مردم به خداوند و بیان ربوبیت او و ایجاد حالت خداترسی در آنان، از نخستین اهداف پیامبران است.

زمینه خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ - اعتقاد به ربوبیت الهی ، مقتضی خشیت و خداترسی است .

الذین یخشون ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۱ - ۴،۹

۴ - آیات قرآن ، پیامدار خشیت از خدا برای خلق

لو أنزلنا هذا القرآن . . . متصدِّعًا من خشية الله

۹ - تفکر در آیات وحی ، زمینه ساز خشیت و خشوع



انسان در برابر خداوند

لو أنزلنا هذا القرآن على جبل لرأيت حشعًا متصدعًا من خشية الله .. لعَلَّهم

زمینه خشیت از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۴

۴ باور به ربوبیت خداوند و توجه به آن ، زمینه ساز خشیت آدمی از اوست .

یخشون ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۹ - ۳،۴،۵

۳\$ - پیدایش حالت ترس از خدا و احساس عظمت او ، از آثار قرار گرفتن در طریق هدایت

و أهدیک إلی ربک فتخشی

<خشیت> به ترسی گویند که با درک عظمت همراه باشد. (مفردات راغب)

۴\$ - شناخت ربوبیت خداوند ، زمینه ساز پیدایش حالت ترس و خشیت در برابر او

و أهدیک إلی ربک فتخشی

- شناخت ربوبیت خداوند، زمینه ساز پیدایش حالت ترس و خشیت در برابر او

۵\$ - تزکیه و دوری از پلیدی و طغیان ، هموارسازنده راه هدایت و خشیت الهی

إنه طعی .. أن تزکی . و أهدیک إلی ربک فتخشی

- تزکیه و دوری از پلیدی و طغیان، هموارسازنده راه هدایت و خشیت الهی

عوامل خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - آگاهی و اعتقاد به عزت مندی و آمرزندگی خداوند ، موجب خشیت و خداترسی است .

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ

۱۵ - > عن علي بن الحسين (ع) : ... من عرف الله خافه ... وقد قال الله > إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ < ..

از امام سجاده (ع) روایت شده است: .. کسی که خدا را بشناسد از او می ترسد... خداوند فرمود: <إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ>...< .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱۵

۱۵ - توجه به ربوبیت خداوند ، مایه خداترسی و پیدایش هول و هراس در دل عاقبت اندیشان

ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ

عوامل خشیت علمای راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۸ - ۴

۴ - مظاهر گوناگون و متنوع طبیعت ، جلوه عظمت خداوند و سبب خشیت عالمان راستین و اهل معرفت

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً... و من الناس ... مختلف ألونه كذلك إِنَّمَا ي

یادآوری خداترسی اهل معرفت پس از برشمردن پدیده های گوناگون طبیعت می تواند ناظر به این حقیقت باشد که در آن پدیده ها، عظمت خدا چنان جلوه گر است که موجب خشیت عالمان و اهل معرفت می شود. واژه <خشیت> که در مورد ترسی به کار می رود که همراه با تعظیم و ناشی از آگاهی باشد (مفردات راغب) مؤید همین برداشت است. گفتنی است مقصود از علم در این آیه، آشنایی با علوم مادی همچون فیزیک، شیمی و ریاضی نیست؛ بلکه آشنایی با معارف و حقایق الهی است که از صاحبان آن به اهل معرفت و عالمان راستین تعبیر می شود.

فضایل اهل خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۳ - ۱۷

۱۷ - اهل خشیت و خداترسان ، بهره مند از هدایت الهی

.. تقشعّر منه جلود الذين يخشون ربّهم ... ذلك هدى الله يهدى به من يشاء

از این که خداوند اهل خشیت را، کسانى معرفی کرد که تحت تأثیر قرآن قرار می گیرند، به دست می آید که یکی از مصادیق مورد نظر از <یهدى به من يشاء> همین گروه می باشد.

فضیلت خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۹ - ۴

۴ - ترس از خدا و نگرانی از دست نیافتن به تزکیه نفس ، ترسی به سزا و حالتی مطلوب در پیشگاه خداوند

و هو یخشی

محرومان از خشیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۶ - ۹

۹ - منکران معاد و فرعون صفتان عصر بعثت ، محروم از خشیت الهی و بی تفاوت در برابر عبرت های تاریخ

يقولون أءنا .. هل أتیک .. إن فی ذلک لعبره لمن یخشی

تصریح به <من یخشی> برای اشاره به نبود خشیت در وجود منکران معاد است.

مراتب خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۲ - ۴

۴ - ایمان و خوف از مقام ربوبی ، دارای مراتب و درجات

و لمن خاف مقام ربّه جنتان .. و من دونهما جنتان

برداشت یاد شده، از تفاوت پاداش ها و مراتب آن در بهشت، به دست می آید.

موانع خشیت از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۸ - ۷

۷- بی پروایی و نترسیدن از خدا، برخاسته از جهل و ناآگاهی نسبت به عظمت

پروردگار است .

ألم تر أنّ الله أنزل من السماء ماء .. إنّما يخشى الله من عباده العلماء

نشانه های خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۲ - ۳

۳ - تسلیم حکم پیامبر بودن و پذیرش داوری بر مبنای تعالیم دین ، نشانه خدا ترسی ، تقوای پیشگی و مطیع خدا و رسول بودن است .

إذا دعوا إلى الله ورسوله ليحكم بينهم أن يقولوا سمعنا وأطعنا .. و من يطع الله

برداشت یاد شده، از ارتباط میان دو آیه فوق استفاده گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۱۲

۱۲ - نماز ، مظهر ایمان راستین و خداترسی است .

الذين يخشون ربهم بالغيب و أقاموا الصلوة

یاد کردن از برپایی نماز پس از خداترسی، می تواند به عنوان یکی از مصادیق و مظاهر این خداترسی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۹ - ۲

۲ - انس با قرآن و تلاوت پیوسته آن ، برپایی نماز و انفاق در نهان و آشکار ، از نشانه های خداترسی است .

إنّما يخشى الله من عباده العلماء .. إنّ الذين يتلون كتب الله و أقاموا الصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۳ - ۹

۹- اثرپذیری عمیق و لرزه انداز قرآن ، نشانه وجود روح خشیت و خداترسی در انسان

کتاباً .. تقشعرّ منه جلود الذین یخشون ربّهم

وقتی تأثیرگذاری عمیق قرآن اختصاص به اهل خشیت داشته باشد (الذین یخشون ربّهم)، استفاده

می شود که هر کس از قرآن تأثیرپذیرفت و به لرزه درآمده، اهل خشیت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۵ - ۸

۸ - ذکر نام خدا و روی آوردن به نماز ، نشانه‌ی پذیرش از قرآن ، ترس از خداوند و مایه دوری از آتش دوزخ است .

سیدّکر من یخشی . و یتجنّبها الأشقی . الذی یصلی النار ... قد أفلح من ... فصلی

ویژگیهای خشیت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۸ - ۱۲

۱۲ - ترس فرشتگان از خداوند ، آمیخته با تعظیم ، احترام و توجه ویژه به خداوند است .

و هم من خشیته مشفقون

<خشیت> ترس توأم با تعظیم و احترام و <اشفاق> ترس آمیخته با عنایت است (مفردات راغب).

هدایت پذیری اهل خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۱ - ۱

۱ - انذارها و اخطارهای پیامبر (ص) ، تنها در افرادی که آماده پذیرش بودند و می خواستند از پیروان قرآن و اهل خشیت باشند ، مؤثر بود .

إنما تنذر من أتبع الذکر و خشی الرحمن

در آیات گذشته، سخن از گروهی بود که هرگز آمادگی پذیرش ایمان و سخن حق را نداشتند ولی در این آیه شریفه از گروه دیگری یاد می کند که در نقطه مقابل گروه اول قرار دارند که آماده پذیرش کلام حق (قرآن) بوده و از خدای رحمان می ترسند. گفتنی است مقصود از <ذکر> طبق نظر بیش تر مفسران قرآن است.

**خضر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما**



خضر (ع)

آثار

پیروی از خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۶ - ۸

۸- دریافت آموخته های خضر ، در دیدگاه موسی ، وابسته به پیروی از آن حضرت بود .

هل أتبعك على أن تعلمن

آثار سوراخ کشتی قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۱۰

۱۰- معیوب بودن کشتی حامل خضر و موسی (ع) ، عامل صرف نظر پادشاه غاصب از تصرف و مصادره آن شد .

فأردت أن أعیبها و كان وراءهم ملك يأخذ كل سفینه غصبًا

احترام خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۹ - ۴

۴- موسی (ع) کمال ادب و متانت را در برابر معلّم خویش (خضر) اظهار کرد .

هل أتبعك .. ستجدنی ... و لا أعصی

موارد فراوانی از ادب و متانت در کلام موسی(ع) دیده می شود: الف) درخواست خود را با استفهام آغاز کرد (هل أتبعك)؛ ب) مبدأ علم خضر را به جهت تکریم، با صیغه مجهول آورد (عُلِّمْتُ)؛ ج) علم او را رشد آفرین دانست (رشداً)؛ د) تنها، بخشی از علم او را طلب کرد (مَتِّيًا عُلِّمْتُ)؛ ه) وعده صریح به صبر نداد، بلکه به صورت <ستجدنی إن شاء الله.. > ذکر کرد؛ و) توصیه های او را به عنوان امر تلقی کرد و متعهد شد که با او در هیچ فرمانی مخالفت نکند. (المیزان، ج ۱۳).

استمهال از خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- كهف - ۱۸ - ۷۶ - ۱

۱- موسى

(ع) ، از خضر (ع) برای تجربه صبر در برابر کار های غیرعادی آن حضرت خواستار آخرین فرصت شد .

قال إن سألتك عن شيء بعدها فلا تصحبنى

اطاعت از خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۹ - ۲

۲- موسی (ع) بر اطاعت کامل خود از خضر (ع) و سرپیچی نکردن از فرمان های او تأکید کرد .

ستجدنی إن شاء الله صابراً ولا أعصى لك أمراً

اعتراض به خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۱ - ۵

۵- موسی (ع) از عملکرد خضر (ع) در شکافتن بدنه کشتی ، شگفت زده شد و به او اعتراض کرد .

قال أخرجتها لتغرق أهلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۴ - ۵،۱۱

۵- موسی (ع) نوجوان مقتول را ، فردی بی گناه دانست و خضر (ع) را به جهت کشتن وی ، به شدت مورد اعتراض قرار داد .

قال أقتلت نفساً زكية بغير نفس لقد جئت شيئاً نكراً

<زکاه> به معنای <طهارت> و <صلاح> و <نمو> و <برکت> و <مدح> آمده است. (لسان العرب) در آیه، مراد از <زکيه>، توصیف نوجوان به طهارت و پاکی از گناه است.

۱۱- > عن أبي عبد الله . . . . . بينما العالم يمشى مع موسى إذا هم بـغلام يلعب قال : > فوكزه العالم ، فقتله . فقال له موسى : > أقتلت نفساً زكية بغير نفس لقد جئت شيئاً نكراً ؟ <

قال : > فأدخل العالم يده فاقبلع كتفه فإذا عليه مكتوب : كافر مطبوع ;

از امام صادق(ع) روایت شده: .. آن گاه که عالم (خضر) با موسی(ع) می رفت، ناگاه، به پسری برخوردند که بازی می کرد. امام فرمود: >پس آن عالم، مشتت بر وی زد و او را کشت. موسی(ع) به او گفت: >أفتلت نفساً زكية بغير نفس...؟<. امام فرمود: >پس آن عالم، دست برد و کتف پسر را بیرون آورد که بر آن نوشته شده بود >کافر مطبوع<. (کافری که مهر کفر بر او زده شده است)<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۸ - ۲

۲- ناتوانی موسی (ع) از تحمل کارهای خضر (ع) ، در پی سومین سؤال و اعتراض او ، به اثبات رسید .

قال هذا فراق بيني وبينك سأبئتك بتأويل ما لم تستطع عليه صبراً

انقياد خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۲ - ۱۷

۱۷- همه کارهای شگفت خضر (ع) ، به فرمان خداوند صورت گرفت و دیدگاه شخصی او در آن دخالتی نداشت .

رحمه من ربك و ما فعلته عن أمري

ضمیر مفعولی در >ما فعلته< به قرینه ذیل آیه، به جامع تمام ماجراها برمی گردد، نظیر >آنچه دیدی< یا >آنچه انجام دادم<.

انقياد والدین نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۰ - ۲

۲- پدر و مادر جوان مقتول ، به دست خضر ، افرادی مؤمن و به دور از سرکشی و عصیان

بودند .

فخشینا أن یرهقهما طغینا و کفراً

<طغیان> یعنی <بی اندازه در معصیت پیش رفتن> . (مفردات راغب).

اهالی شهر قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۴

۴- هیچ یک از مردم شهر ، حاضر به میزبانی و اطعام موسی و خضر (ع) نشد .

استطعما أهلها فأبوا أن یضیفوهما

<إباء> به معنای <امتناع و سرباز زدن> است.

اهمیت ملاقات موسی(ع) با خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۰ - ۸

۸- حضرت موسی (ع) ملاقات با حضرت خضر (ع) را آن اندازه مهم و با ارزش می دانست که حتی جستوجو در زمانی طولانی را برای آن روا می دید .

لأبرح حتی .. أو أمضی حقبًا

<حقب> به معنای <دهر و زمانی طولانی> است اهل لغت آن را هشتاد سال نیز دانسته اند و مراد از پیمودن آن نیز، همان رسیدن به مجمع البحرین بوده است؛ یعنی، حتی أبلغ مجمع البحرین بسیر قریب أو أسیر أزماناً طویله.

ایمان والدین نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۲

۲- پدر و مادر جوان مقتول ، به دست خضر ، افرادی مؤمن و به دور از سرکشی و عصیان بودند .

فخشینا أن یرهقهما طغیناً و کفرًا

<طغیان> یعنی <بی اندازه در معصیت پیش رفتن>. (مفردات راغب).

بازسازی دیوار قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۲۰، ۱۱، ۱۰، ۹

۹- خضر (ع) دیوار در حال سقوط

را ترمیم و بازسازی کرد .

یرید أن ینقض فأقامه

۱۰- ترمیم دیوار مشرف بر ویرانی ، به دست خضر ، در برابر دیدگان مردم شهر انجام گرفت . \*

حتی إذا أتیا أهل قریه . . . فأقامه

ورود بر اهل قریه و نیز وجود دیوار در متن شهر که از تعبیر <فوجدا فیها جداراً> استفاده می شود، ممکن است اشاره به این داشته باشد که مردم، ناظر رفتا خضر(ع) بوده اند.

۱۱- خضر (ع) برای تعمیر دیوار و برپا داشتن آن ، از موسی (ع) کمک نطلبید .

فأقامه

مفرد آمدن <فأقامه> ممکن است از آن جهت باشد که کار بازسازی دیوار، فقط به دست خضر(ع) صورت گرفته باشد؛ چه این که در موارد پیشین، <استطعما> به صورت تشبیه آمده و نقش هر دو را در طلب غذا نمایانده است.

۲۰- > عن جعفر بن محمد (ع) : . . . فوجدا فیها جداراً یرید أن ینقض ، فوضع الخضر یده علیه فأقامه ؛

از امام صادق(ع) روایت شده: (خضر و موسی(ع)) دیواری را یافتند که می خواست بیفتند. خضر، دست خود را بر آن نهاد و آن را راست کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۳

۳- خضر (ع) با وجود حضور نداشتن مالکان دیوار در آبادی ، به ترمیم آن پرداخته بود . \*

فکان لغلمین یتیمین فی المدینه

احتمال می رود که به کار رفتن واژه <المدینه> در این آیه، به جای واژه <القریه> که در آیات قبل آمده بود، اشاره به این جهت باشد که آن دو یتیم در آن آبادی حضور نداشته، بلکه



در شهری دیگر اقامت داشته اند و آن شهر چنان چه از حرف <ال> در <المدينه> استفاده می شود برای خضر و موسی(ع) شناخته شده بود.

بی گناهی نوجوانان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۴ - ۵

۵- موسی (ع) نوجوان مقتول را، فردی بی گناه دانست و خضر (ع) را به جهت کشتن وی، به شدت مورد اعتراض قرار داد.

قال أقتلت نفسًا زكية بغير نفس لقد جئت شيئًا نكرًا

<زکاه> به معنای <طهارت> و <صلاح> و <نمو> و <برکت> و <مدح> آمده است. (لسان العرب) در آیه، مراد از <زکيه>، توصیف نوجوان به طهارت و پاکی از گناه است.

بیان راز عمل خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۰ - ۴،۵

۴- خضر موسی (ع) را از این که آنچه انجام خواهد داد، بی دلیل و حکمت نیست، آگاه ساخت.

حَتَّىٰ أَحْدَثَ لَكَ مِنهُ ذِكْرًا

۵- خضر (ع) به موسی (ع) وعده داد که در نهایت، بخشی از اسرار کار خود را برای او تبیین خواهد کرد.

أَحْدَثَ لَكَ مِنهُ ذِكْرًا

<من> در <منه> برای تبعیض است و گویای این که خضر، تنها، به بیان گوشه ای از ویژگی های کردار خویش وعده داد.

بینش خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۷ - ۱

۱- خضر، موسی (ع) را از تحمّل همراهی با وی، برای فراگیری علوم ویژه،

ناتوان دید .

هل أتبعك .. قال إنك لن تستطيع معي صبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۸ - ۲

۲- خضر (ع) بی اطلاعی موسی از زوایای کردار وی را ، دلیل ناتوانی موسی از تحمّل عملکرد وی دانست .

إنك لن تستطيع .. و كيف تصبر على ما لم تحط به خبرًا

پدر مالک دیوار قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۲ - ۵،۶

۵- خضر (ع) پدر مالکان دیوار را می شناخت و از نیکی و صلاح او در دوران زندگی اش با خبر بود .

و كان أبوهما صلحًا

۶- صالح بودن پدر ، عامل حمایت خضر (ع) از منافع فرزندان یتیم او بود .

و أمّا الجدار فكان لغلّمين یتیمین .. و كان أبوهما صلحًا

جمله <و كان أبوهما صلحًا> نشانِ علّت تعمیر دیوار است.

پیروی از خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۰ - ۳

۳- خضر ، خواهان تعجیل نکردن موسی در فهم اسرار بود و او را بر متابعت بی چون و چرا از خود ، الزام نکرد .

حتّى أحدث لك منه ذکراً

پیشگویی خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۲ - ۱

۱- خضر (ع) اعتراض موسی را دلیل صحت پیش بینی خویش از ناشکیبایی موسی (ع) دانست و پیش گویی خود را به وی یادآور شد .

قال ألم أقل إنك لن تستطيع معی صبرًا

تحقق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۵ - ۳

۳- پیش بینی خضر (ع) در مورد ناشکیبایی موسی (ع) در برابر کار های او ، مطابق واقع بود .

لقد جئت شيئًا نكراً . قال ألم أقل لك إنك لن تستطيع معي صبرًا

تعالیم خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۰ - ۴

۴- خضر موسی (ع) را از این که آنچه انجام خواهد داد ، بی دلیل و حکمت نیست ، آگاه ساخت .

حتَّى أُحدث لك منه ذكراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۲۱، ۲۳ - ۱۶

۱۶- خضر (ع) با توجه دادن موسی (ع) به تدبیر فراگیر الهی ، حفاظت اموال یتیمان را ، برخاسته از گستردگی ربوبیت خداوند دانست .

فأراد ربك

خضر(ع) با اضافه <رب> به ضمیر خطاب (ربك) به موسی(ع) این نکته را بیان داشته است که گرچه ترمیم دیوار، به تغذیه و تربیت جسم تو کمکی نکرد، ولی مالک و مدبر تو، مالک و مدبر یتیمان نیز هست.

۲۱- موسی (ع) ، سرانجام ، به اسرار کار های شگفت خضر آگاه شد و توجیه و تأویل برخی حوادث را از او آموخت .

ذلك تأويل ما لم تسطع عليه صبرًا

<لم تسطع> در اصل <لم تستطع> بوده و حرف <تاء> برای تخفیف حذف شده است.

۲۳- خضر (ع) پس از آموختن اسرار کار های خود به موسی (ع) ، وی را بر بی صبری در برابر

آن ، نکوهش کرد .

ذلك تأويل ما لم تسطع عليه صبرًا

تعالیم قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۰ - ۳

۳- حقایقی آموزنده ، در سرگذشت ملاقات موسی (ع) و خضر (ع) وجود دارد .

و إذ قال موسی لفتیه لأبرح

عالمی که موسی(ع) با او ملاقات کرده، بنابر آنچه که در روایات آمده است، حضرت خضر(ع) است و موسی(ع) نیز همان پیامبر معروف. گرچه در این موضوع آرای دیگری نیز ابراز شده، ولی به گفته علامه طباطبایی (ره) به دلیل یاد فراوان از موسی(ع) در قرآن، اگر غیر او مراد بود، قرینه ای در قرآن ذکر می گردید تا رفع التباس شود.

تعلم از خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۶ - ۲

۲- هدف موسی از همراه شدن با خضر ، بهره‌وری از علم رشدآفرین وی بود .

هل أتبعك على أن تعلمن مما علمت رشداً

<رشداً> اگر مفعولٌ له باشد، مفاد آیه این است که: <پیروی من، به منظور رشد یافتن است> که اگر مفعولٌ به باشد، مراد این است که: <تو را پیروی می کنم بر این اساس که آنچه را رشد است، به من بیاموزی.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۸ - ۷

۷- علمی که موسی (ع) در پی آموختن آن از خضر (ع) بود ، علم تأویل و تحلیل حوادث و شناخت حقایق پشت پرده رخداد ها بود .

هل أتبعك على أن تعلمن مما علمت ..

سَأْتِيَنَّكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا

توصیه های خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۷ - ۲

۲- خضر (ع) به موسی (ع) توصیه کرد به دلیل نداشتن قدرت تحمّل، از همراه شدن با او صرف نظر کند.

إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا

جدایی موسی(ع) و خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۳ - ۸

۸- مفارقت از خضر (ع) و بازماندن از یادگیری علوم او، برای حضرت موسی (ع) امری دشوار بود.

لَا تَوَاخَذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تَرْهَقْنِي مِنْ أَمْرِي عَسْرًا

مقصود از <امر> در <من امری> همان متابعت خضر(ع) و فراگیری دانش از او است. بنابراین، مفاد این قسمت آیه، آن است که بالغو رخصت همراهی، مرا در مورد کار و هدف ام به زحمت و سختی مینداز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۸ - ۱،۳

۱- سومین تخلف موسی (ع) از عهد خویش با خضر (ع) ( مطرح ساختن گرفتن مزد )، آغاز جدایی آن دو از هم بود.

قال لو شئت لَتَّخَذْتُ .. قال هذا فراق بيني و بينك

در باره این که <هذا> اشاره به چیست، احتمالاتی وجود دارد، از جمله این که اشاره به قول موسی(ع) باشد یعنی، هذا القول سبب فراق بیننا

۳- خضر (ع)، پس از آخرین تخلف موسی، برای جدا شدن از او، دلیل موجه و عذر پذیرفته شده داشت.

بلغت من لدنّي



عذراً .. قال لو شئت لَتَّخَذْتُ عَلَيْهِ أَجْرًا . قال هذا فراق بيني و بين

جستجوی خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۰ - ۴، ۲، ۱

۱- موسی (ع) برای یافتن خضر، با عزمی راسخ و جدی، سفر خود را به مجمع البحرین آغاز کرد.

لأبرح حتى أبلغ مجمع البحرین

<لأبرح> صیغه متکلم از <برح> و به معنای <دست برنمی دارم> و تأکید بر پشتکار در انجام دادن کار است.

۲- موسی (ع) در جستار تحقیقی خویش برای یافتن خضر، با خدمت کار خود (یوشع (ع)) همراه بود.

و إذ قال موسی لفتیه لأبرح

<فتی> به معنای جوان است. در تعبیرات قرآن، از غلام و خدمت کار نیز با این تعبیر یاد شده است. لازم به ذکر است که بنابر برخی از روایات مأثور، همراه و همسفر موسی(ع)، <یوشع بن نون> وصی آن حضرت بوده است.

۴- تلاش موسی (ع) برای یافتن خضر (ع)، واقعه ای درخور یادآوری و توجه است.

و إذ قال موسی لفتیه لأبرح

<إذ> مفعول برای <أذکر> در تقدیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۲ - ۳، ۱

۱- موسی (ع) و همسفرش، پس از توقف در مجمع البحرین، در جستجوی خضر (ع)، مجدداً به حرکت خویش ادامه داده و آن جا را پشت سر گذاشتند.

فلما بلغا مجمع بینهما .. فلما جاوزا

موسی(ع) در سخن خود با یوشع، مجمع البحرین را هدف و مقصد نهایی خود

اعلام کرد، ولی هنگام رسیدن به آن جا، از آن نیز گذشت. این حرکت و نیز گفتاری که در آیات بعد از موسی(ع) نقل شده است، نشانه آن است که آن دو نمی دانستند به محلّ مورد نظر موسی(ع) رسیده اند.

۳- موسی و یوشع ، در شبانگاه و صبح دم پس از عبور از مجمع البحرین برای یافتن خضر (ع) راه درازی پیمودند . \*

ءاتنا غداءنا

بدان احتمال که احساس خستگی و گرسنگی موسی(ع) در طرف صبح، ناشی از راه پیمایی طولانی در شب باشد.

حکومت دوران خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۷

۷- در زمان وقوع داستان موسی و خضر (ع) ، حکومتی ستم گر و غاصب وجود داشته است .

و کان وراءهم ملک يأخذ کلّ سفینه غصبًا

<وراء> به هر مکان مستور و پوشیده ای گر چه روبه رو باشد، اطلاق می گردد. (قاموس) بنابراین، سلطان غاصب، یا پشت سر مساکین و در تعقیب کشتی داران بوده است و یا در پیش روی آنان بوده آن ها در مسیر خود با او برخورد می کردند.

خرابی دیوار قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۸

۸- موسی و خضر (ع) در آبادی ، با دیواری مواجه شدند که در حال سقوط و خرابی بود .

فوجدا فیها جدارًا یرید أن ینقضّ

<إنقضاض> از ماده <قضض> به معنای <از هم پاشیدن> است (قاموس). به کار بردن فعل <یرید> که نوعاً در باره موجودات دارای اختیار به کار می رود،

نوعی استعاره است، یعنی، به قدری دیوار در معرض افتادن بود که گویا خود بر خرابی و از هم پاشیدگی تصمیم گرفته است

خضر(ع) در کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۱ - ۶، ۴، ۲

۲- موسی و خضر (ع) در نخستین مراحل همراهی، سوار کشتی شدند.

فانطلقا حتّی إذا رکبا فی السفینه

۴- خضر (ع) پس از سوار شدن بر کشتی، در بدنه آن شکافی ایجاد کرد که سرنشینان آن در خطر غرق شدن قرار گرفتند.

حتّی إذا رکبا فی السفینه خرقها

<خرق> به معنای <شکافتن و دریدن> است.

۶- اقدام خضر به سوراخ کردن کشتی، دور از چشم سرنشینان کشتی بوده است.

خرقها قال أخرقتها لتغرق أهلها

روشن است که اگر سوراخ کردن کشتی، در دید مردم قرار داشت، خضر(ع)، مورد اعتراض آن ها قرار می گرفت و مانع او می شدند. از این که تنها، موسی(ع) اعتراض کرده، چنین بر می آید که این کار، از چشم دیگران به دور بوده است.

خضر(ع) در مجمع البحرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۵ - ۱

۱- موسی (ع) و همسفرش، پس از بازگشت به مجمع البحرین، با خضر (ع) ملاقات کردند.

فارتدا علی ءاثارهما قصصًا . فوجدا

خضر(ع) در ناصره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٩- > عن جعفر بن محمد (ع) :...: > فانطلقا حتّى إذا أتيا أهل قرية > و هي

از امام صادق(ع) روایت شده:.. مقصود از قریه، در آیه شریف قریه ناصره است.<

خواسته های خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۰ - ۳

۳- خضر ، خواهان تعجیل نکردن موسی در فهم اسرار بود و او را بر متابعت بی چون و چرا از خود ، الزام نکرد .

حَتَّىٰ أُحَدِّثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا

درخواست غذای خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۷ - ۳

۳- موسی و خضر ( ع ) با احساس گرسنگی ، از مردم شهر ، تقاضای طعام و خوراکی کردند .

استطعما أهلها

به قرینه <يضیفوهما> مراد از استطعام، تهیه طعام برای ادامه سفر نبوده است، بلکه موسی و خضر(ع)، در همان هنگام، گرسنه بوده اند.

ذکر قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۰ - ۴

۴- تلاش موسی ( ع ) برای یافتن خضر ( ع ) ، واقعه ای درخور یادآوری و توجه است .

و إذ قال موسی لفتیه لأبرح

<إذ> مفعول برای <أذکر> در تقدیر است.

راز عمل خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۸ - ۱،۲

۱- موسی (ع) از اسرار نهفته در زندگی و عملکرد خضر (ع) و زوایای آن، اطلاع دقیقی نداشت.

و کیف تصبر علی ما لم تحط به خیراً

<إحاطه> (مصدر <لم تحط>) یعنی: <به چیزی احاطه و وقوف کامل یافتن> و در آیه مورد بحث، با توجه به کلمه <خیراً> که به معنای

<علماً> و تمیز برای نسبت احاطه است مراد، احاطه کامل علمی است.

۲- خضر (ع) بی اطلاعی موسی از زوایای کردار وی را، دلیل ناتوانی موسی از تحمّل عملکرد وی دانست.

إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ .. و كيف تصبر علی ما لم تحط به خبراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۸ - ۴،۶

۴- خضر، موسی (ع) را مطمئن ساخت که اسرار کارهای شگفت خویش را پیش از جدایی، برای او بازگو خواهد کرد.

سَأْتِبُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا

۶- کارهای به ظاهر غیر قابل توجیه خضر (ع)، دارای باطن و حقیقتی درست بود.

سَأْتِبُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا

<تأویل> از ریشه <أول> و به معنای <بازگرداندن> است و در آیه، به معنای <مآل> است و مراد، حقایق و مصالحی است که کار خضر بر اساس آن انجام پذیرفته و باید ظاهر ناخوشایند کار خضر(ع) را به آن مصالح بازگرداند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۲ - ۲۱،۲۲

۲۱- موسی (ع)، سرانجام، به اسرار کارهای شگفت خضر آگاه شد و توجیه و تأویل برخی حوادث را از او آموخت.

ذَلِكَ تَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا

<لم تستطع> در اصل <لم تستطع> بوده و حرف <تاء> برای تخفیف حذف شده است.

۲۲- رخداد های داستان خضر و موسی (ع)، برخاسته از اراده خداوند و دارای تفسیری پیچیده و نیازمند آگاهی هایی ویژه است که از جانب او افافضه شود.

ما فعلته عن أمری ذلک تأویل ما لم تسطع علیه صبرًا

رد درخواست غذای خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۴

۴- هیچ یک از مردم شهر ، حاضر به میزبانی و اطعام موسی و خضر (ع) نشد .

استطعما أهلها فأبوا أن یضیفوهما

<إباء> به معنای <امتناع و سرباز زدن> است.

زمینه تعلم از خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۶ - ۸

۸- دریافت آموخته های خضر ، در دیدگاه موسی ، وابسته به پیروی از آن حضرت بود .

هل أتبعك علی أن تعلمن

سرزنشهای خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۲۳

۲۳- خضر (ع) پس از آموختن اسرار کار های خود به موسی (ع) ، وی را بر بی صبوری در برابر آن ، نکوهش کرد .

ذلک تأویل ما لم تسطع علیه صبرًا

سوراخ کشتی قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۱ - ۶۸، ۵، ۴



۴- خضر (ع) پس از سوار شدن بر کشتی ، در بدنه آن شکافی ایجاد کرد که سرنشینان آن در خطر غرق شدن قرار گرفتند .

حَتَّى إِذَا رَكَبَا فِي الْفَئِيقِ خَرَقَهَا

<خرق> به معنای <شکافتن و دریدن> است.

۵- موسی (ع) از عملکرد خضر (ع) در شکافتن بدنه کشتی ، شگفت زده شد و به او اعتراض کرد .

قَالَ أَخْرَقْتَهَا لَتَغْرُقَ أَهْلُهَا

۶- اقدام خضر به سوراخ کردن کشتی ، دور از چشم سرنشینان

کشتی بوده است .

خرقتها قال أخرجتها لتغرق أهلها

روشن است که اگر سوراخ کردن کشتی، در دید مردم قرار داشت، خضر(ع)، مورد اعتراض آن ها قرار می گرفت و مانع او می شدند. از این که تنها، موسی(ع)اعتراض کرده، چنین بر می آید که این کار، از چشم دیگران به دور بوده است .

۸- آسیب رساندن خضر (ع) به کشتی ، امری بس ناروا و غیرقابل توجیه در نظر موسی (ع) بود .

لقد جئت شيئًا إمرًا

<إمر> به معنای <منکر عظیم> و نیز <منکر عجیب> آمده است. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۲ - ۳

۳- خضر (ع) با بیان آگاه نبودن موسی (ع) به راز معیوب ساختن کشتی ، پندار وی را در مورد انگیزه آن کار ، تخطئه کرد .

أخرجتها لتغرق أهلها .. ألم أقل إنك لن تستطيع معي صبرًا

شرایط تعلم از خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۷ - ۵

۵- دستیابی به گوشه ای از دانش خضر و بندگان خاص خداوند ، نیازمند صبر و تحمل فراوان است .

قال إنك لن تستطيع معي صبرًا

هشدار خضر به موسی(ع) در حقیقت، بیان این نکته نیز هست که برای همراه شدن با خضر و کسب معارف از او، صبر پولادین مورد نیاز است.

شرایط همنشینی با خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- برخورداری از علم تأویل و تحلیل حوادث و مصاحبت با عالمانی مانند خضر )

(ع) ، نیازمند صبری برتر از صبر موسی (ع) و طاقتی افزون تر از طاقت او است .

سَأْتِبُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا

شگفتی عمل خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۷ - ۳

۳- کار های خضر ، برای دیگران ، حتی فردی چون موسی (ع) غیر قابل تحمّل و درک بود .

قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا

تأکید بر <معی> نشان می دهد که صرف تعلیم علوم مشکل آفرین نبوده است، بلکه همراه شدن با خضر - که مستلزم مشاهده رفتاری است که از علوم وی نشئت گرفته غیر قابل تحمّل بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۸ - ۳

۳- اَعْمَالِ خَضْرٍ (ع) ، دارای ظاهری غیرمتعارف و زوایایی ناشناخته ، حتی برای فردی مانند موسی (ع) بود .

و كَيْفَ تَصْبِرُ عَلٰى مَا لَمْ تُحِطْ بِهٖ خَيْرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۱ - ۵

۵- موسی (ع) از عملکرد خضر (ع) در شکافتن بدنه کشتی ، شگفت زده شد و به او اعتراض کرد .

قَالَ اٰخِرُ قَتْلٰهَا لَنُغْرِقَنَّ اٰهْلِهَا

شهر قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۲،۵

۲- موسی و خضر (ع) در مسیر حرکت و سفر خویش ، به یک آبادی رسیدند و با اهل آن ملاقات کردند .

فانطلقا حتّی إذا أتیا أهل قریه

در این که چه شهری در مسیر

موسی و خضر(ع) قرار داشته، احتمالات گوناگونی ارائه شده است. از جمله آن ها شهر <ناصره> است که در ساحل دریا قرار داشته است این وجه را مجمع البیان از امام صادق (ع) روایت کرده است.

۵- مردم شهری که موسی و خضر (ع) به آن وارد شدند ، مردمی دور از خوی مهمان دوستی و غریب نوازی ، دور بودند .

فَأَبُوا أَنْ يَضَيَّفُوهُمَا

صبر در همنشینی با خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۸ - ۱۰

۱۰- برخورداری از علم تأویل و تحلیل حوادث و مصاحبت با عالمانی مانند خضر (ع) ، نیازمند صبوری برتر از صبر موسی (ع) و طاقتی افزون تر از طاقت او است .

سَأْتِيكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا

ظلم پادشاه قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۷۸

۷- در زمان وقوع داستان موسی و خضر (ع) ، حکومتی ستم گر و غاصب وجود داشته است .

و كان وراءهم ملك يأخذ كل سفينة غصبا

<وراء> به هر مکان مستور و پوشیده ای گر چه روبه رو باشد، اطلاق می گردد. (قاموس) بنابراین، سلطان غاصب، یا پشت سر مساکین و در تعقیب کشتی داران بوده است و یا در پیش روی آنان بوده آن ها در مسیر خود با او برخورد می کردند.

۸- مقارن با وقوع داستان موسی و خضر (ع) ، پادشاهی ، کلّیه کشتی های سالم را در آن منطقه ، مصادره می کرد .

و كان وراءهم ملك يأخذ كل سفينة

مراد از <کَلَّ سفینه> به قرینه <أَنْ أُعِيْبَهَا> <کَلَّ سفینه صالحه> بوده است.

عبودیت خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۵ - ۲،۳

۲- هدف موسی (ع) و همراه وی از سفر جستوجوگرانه خود، یافتن بنده ای از بندگان خاص الهی و دارای علم لدنی بود.

فارتدا... فوجدا عبدا من عبادنا... و علمنه من لدنا

واژه <فوجدا> بیان کننده یافتن چیزی است که موسی و همراه اش در جستوجوی آن بودند و نه دیداری اتفاقی و غیر مترقبه. <لدنا> دلالت می کند که علم حضرت <خضر(ع)> دانش عادی و معمولی نبوده، بلکه از افاضات خاص ربّانی بوده است.

۳- حضرت <خضر> (ع) بنده خاص خداوند و برخوردار از رحمت و عنایت ویژه الهی بود.

ءاتینه رحمه من عندنا

عذرخواهی از خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۳ - ۲،۷

۲- موسی (ع) به دلیل تخلف از شرط همراهی با خضر (ع) و اعتراض ناروا به او، خود را سزاوار مؤاخذه دید و از خضر (ع) تقاضای چشم پوشی کرد.

قال لا تؤاخذنی بما نسیت

۷- موسی (ع) عفو و عدم سخت گیری خضر بر او را به خاطر نسیان و تخلف از عهد خویش، تقاضا کرد.

قال لا تؤاخذنی بما نسیت و لا ترهقنی من امری عسرا

<إرهاق> به معنای <تحمیل کاری طاق سوز بر دیگری> است. (قاموس) و مفاد <لا ترهقنی...> این است که کاری دشوار (مانند جدا شدن و لغو رخصت همراهی) را بر من

تحمیل مکن و مرا به زحمت مینداز. لازم به ذکر است که <عسراً> مفعول دوم برای <لاترهقنی> است.

عصمت خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۱ - ۱۱

۱۱- موسی (ع) ، لغزش هایی نظیر غرق انسان ها بی گناه را ، از جانب خضر (ع) منتفی نمی دانست .

أخرقتها لتغرق أهلها لقد جئت شيئاً إمراً

علم خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۷ - ۴

۴- حضرت خضر (ع) ، نسبت به خصوصیات روحی موسی (ع) از پیش ، مطلع بود . \*

قال إنك لن تستطيع معي صبراً

پیش بینی قطعی عدم تحمل موسی از جانب خضر(ع) می تواند مستند به یکی از دو امر باشد: ۱ اطلاع خضر از خصوصیات روحی و فکری موسی(ع) ۲ این که اصولاً تحمل چنین علومی، برای غیر خضر ممکن نبوده است. برداشت فوق مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۹ - ۵

۵- موسی (ع) دارای اشتیاق فراوان به فراگیری علوم خضر بود .

قال ستجدني إن شاء الله صابراً ولا أعصي لك أمراً

علم غیب خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۱۴



۱۴- خضر (ع) از برخی حوادث آینده، آگاه بود و در برابر آن احساس مسئولیت می کرد.

و كان وراءهم ملك يأخذ كل سفينة غصبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰- آگاهی خضر (ع) بر اسرار و حقایق امور عالم و نیز اطلاع او بر اراده خداوند در باره آنها ، نمودی از علم لدنی وی بود .

و عَلَّمَنِهِ مِنْ لَدُنَّا عَلَمًا . رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ وَ مَا فَعَلْتَهُ عَنْ أَمْرِي

علم لدنی خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۵ - ۲۸،۹

۲- هدف موسی (ع) و همراه وی از سفر جستوجوگرانه خود ، یافتن بنده ای از بندگان خاص الهی و دارای علم لدنی بود .

فَارْتَدَا .. فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا ... وَ عَلَّمَنِهِ مِنْ لَدُنَّا

واژه <وجدنا> بیان کننده یافتن چیزی است که موسی و همراه اش در جستوجوی آن بودند و نه دیداری اتفاقی و غیر مترقبه .  
<لدنا> دلالت می کند که علم حضرت <خضر(ع)> دانش عادی و معمولی نبوده، بلکه از افاضات خاص ربّانی بوده است.

۸- حضرت خضر (ع) از علم مخصوص و موهبتی خداوند ، (علم لدنی) ، برخوردار بود .

و عَلَّمَنِهِ مِنْ لَدُنَّا عَلَمًا

<من لدنا> و <من عندنا> در معنا تفاوتی ندارند و هر دو، بر داشتن منشأ الهی، دلالت می کنند.

۹- علم لدنی حضرت خضر (ع) ، نمودی از رحمت خاص الهی به او است .

ءَاتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَ عَلَّمَنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عَلَمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۶ - ۳،۴،۶،۷،۹

۳- موسی (ع) به <علم لدنی> حضرت خضر احساس نیاز می کرد .

هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَيَّ أَنْ تَعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ

رشدًا

۴- موسی (ع) ، به محرومیت خود از علومی که نزد خضر بود ، اعتراف داشت و در برابر مقام علمی و عملی او ، متواضع و فروتن بود .

هل أتبعك على أن تعلمن مما علمت

اظهار آمادگی برای تبعیت، نشانِ خضوعِ موسی(ع) در برابر کردار خضر(ع)، و اظهار اشتیاق به آموختن، حاکی از تواضع موسی در برابر علم او است.

۶- در دیدگاه موسی (ع) ، خضر (ع) ، فردی تعلیم دیده ، و علوم ویژه او ، دانشی اکتسابی بود .

مما علمت

۷- دانش ویژه خضر (ع) ، برگرفته از تعلیم خداوندی بود .

علمنه من لدنا علماً .. مما علمت رشدًا

۹- علوم لدنی خضر ، دامنه گسترده ای داشت .

تعلمن مما علمت

<من> در <مما> معنای تبعیض دارد. موسی(ع) با این تعبیر، می گوید: <من> خواهان آموختن بخشی از آن علوم گسترده توأم.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۲ - ۲۲، ۲۰

۲۰- آگاهی خضر (ع) بر اسرار و حقایق امور عالم و نیز اطلاع او بر اراده خداوند در باره آنها ، نمودی از علم لدنی وی بود .

و علمنه من لدنا علماً . رحمه من ربك و ما فعلته عن أمري

۲۲- رخداد های داستان خضر و موسی (ع) ، برخاسته از اراده خداوند و دارای تفسیری پیچیده و نیازمند آگاهی هایی ویژه است که از جانب او افاضه شود .

و ما فعلته عن أمري ذلك تأويل ما لم تسطع عليه صبرًا

عمل به تکلیف خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷- همه کار های شگفت خضر (ع) ، به فرمان خداوند صورت گرفت و دیدگاه شخصی او در آن دخالتی نداشت .

رحمه من ربك و ما فعلته عن أمري

ضمیر مفعولی در <ما فعلته> به قرینه ذیل آیه، به جامع تمام ماجراها برمی گردد، نظیر <آنچه دیدی> یا <آنچه انجام دادم>.

عوامل محرومیت از همراهی با خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۶ - ۲

۲- موسی (ع) خود را در صورت سؤال مجدد (سومین تخلف) سزاوار محروم شدن از مصاحبت با خضر (ع) دانست .

قال إن سألتك من شيء بعدها فلا تصحبني

عهد موسی(ع) و خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۳ - ۳

۳- تخلف موسی از عهد خویش با خضر (ع) ، ناشی از فراموشی بود .

قال لا تؤاخذني بما نسيت

عهدشکنی با خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۷ - ۱۸

۱۸- سخن شکوه آمیز موسی (ع) به خضر (ع) در مورد نگرفتن مزد ، سومین تخلف وی از پیمان خویش بود .

قال لو شئت لآتخذت عليه أجرًا

عهدشکنی باخضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کَهِف - ۱۸ - ۷۸ - ۱

۱- سومین تخلف موسی (ع) از عهد خویش با خضر (ع) ( مطرح ساختن گرفتن مزد ) ، آغاز جدایی آن دو از هم بود .

قال لو شئت لَتَّخَذْتُ .

.. قال هذا فراق بيني و بينك

در باره این که <هذا> اشاره به چیست، احتمالاتی وجود دارد، از جمله این که اشاره به قول موسی (ع) باشد یعنی، هذا القول سبب فراق بیننا

غارتگری پادشاه قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۹ - ۱

۱- هدف خضر (ع) از اقدام به معیوب ساختن کشتی ، نجات دادن آن از غارت و مصادره سلطان غاصب بود .

أما السفینه . . . فأردت أن أعيبها ... يأخذ كل سفینه غصبًا

غصب کشتیها در دوران خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۹ - ۸

۸- مقارن با وقوع داستان موسی و خضر (ع) ، پادشاهی ، کلیه کشتی های سالم را در آن منطقه ، مصادره می کرد .

و كان وراءهم ملك يأخذ كل سفینه غصبًا

مراد از <كل سفینه> به قرینه <أن أعيبها> <كل سفینه صالحه> بوده است.

فضایل خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۵ - ۳۸،۹

۳- حضرت < خضر > (ع) بنده خاص خداوند و برخوردار از رحمت و عنایت ویژه الهی بود .

ءاتینه رحمه من عندنا

۸- حضرت خضر (ع) از علم مخصوص و موهبتی خداوند ، (علم لدنی) ، برخوردار بود .

و علّمه من لدنا علّمًا

<من لدنا> و <من عندنا> در معنا تفاوتی ندارند و هر دو، بر داشتن منشأ الهی، دلالت می کنند.

۹- علم لدنی حضرت خضر (ع) ، نمودی از رحمت خاص الهی به او است



عائینه رحمة من عندنا و علمنه من لدنا علماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۶ - ۳،۴،۷،۹

۳- موسی (ع) به < علم لدنی > حضرت خضر احساس نیاز می کرد .

هل أتبعك علي أن تعلمن مما علمت رشداً

۴- موسی (ع) ، به محرومیت خود از علومی که نزد خضر بود ، اعتراف داشت و در برابر مقام علمی و عملی او ، متواضع و فروتن بود .

هل أتبعك علي أن تعلمن مما علمت

اظهار آمادگی برای تبعیت، نشانِ خضوعِ موسی(ع) در برابر کردار خضر(ع)، و اظهار اشتیاق به آموختن، حاکی از تواضع موسی در برابر علم او است.

۷- دانش ویژه خضر (ع) ، برگرفته از تعلیم خداوندی بود .

علمنه من لدنا علماً .. مما علمت رشداً

۹- علوم لدنی خضر ، دامنه گسترده ای داشت .

تعلمن مما علمت

<من> در <مما> معنای تبعیض دارد. موسی(ع) با این تعبیر، می گوید: <من، خواهان آموختن بخشی از آن علوم گسترده توأم> .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۲ - ۲۰

۲۰- آگاهی خضر (ع) بر اسرار و حقایق امور عالم و نیز اطلاع او بر اراده خداوند در باره آنها ، نمودی از علم لدنی وی بود

و علّمه من لدنا علماً . رحمه من ربك و ما فعلته عن أمري

فقر مالکان کشتی قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۲

۲- کشتی سوراخ شده به دست خضر (ع) ، در مالکیت

گروهی از محرومان بود و تنها وسیله ارتزاق آنان به شمار می آمد .

فكانت لمسكين يعملون في البحر

فلسفه اعتراض به خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۱ - ۷

۷- قرار گرفتن سرنشینان کشتی در معرض غرق ، علّت اعتراض موسی (ع) به عمل خضر (ع) بود .

قال أخرجتها لتغرق أهلها

فلسفه بازسازی دیوار قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۲ - ۶، ۴، ۱

۱- خضر (ع) علّت اقدام به بازسازی دیوار فرسوده را برای موسی (ع) تشریح کرد .

و أمّا الجدار .. ما فعلته عن أمری

۴- هدف خضر (ع) از ترمیم دیوار فرسوده ، محفوظ داشتن گنج نهاده شده در زیر آن برای دو یتیم ساکن در شهر بود .

و أمّا الجدار فكان لغلمین یتیمین فی المدینة و كان تحته كنز لهما

۶- صالح بودن پدر ، عامل حمایت خضر (ع) از منافع فرزندان یتیم او بود .

و أمّا الجدار فكان لغلمین یتیمین .. و كان أبوهما صالحاً

جمله <و كان أبوهما صالحاً> نشان علّت تعمیر دیوار است.

فلسفه سوراخ کشتی قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۹ - ۱۳، ۱

۱- هدف خضر (ع) از اقدام به معیوب ساختن کشتی ، نجات دادن آن از غارت و مصادره سلطان غاصب بود .

أما السفينه .. فأردت أن أعييها ... يأخذ كل سفينه غصبًا

۱۳- عملکرد خضر (ع) در مورد کشتی ، مصداقی از

تقدیم اہم ، بہ ہنگام مزاحمت آن با امری مهم است .

و أما السفینه فکانت لمسکین . . . يأخذ کل سفینه غصبًا

فلسفہ قتل نوجوان قصہ خضر(ع)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۰ - کہف - ۱۸ - ۷۴ - ۱۱

۱۱- > عن أبي عبد الله: . . . بينما العالم يمشى مع موسى إذا هم بـغلام يلعب قال : > فوكزه العالم ، فقتله . فقال له موسى : > أقتلت نفساً زكية بغير نفس لقد جئت شيئاً نكراً؟ < . قال : > فأدخل العالم يده فاقتلع كتفه فإذا عليه مكتوب : كافر مطبوع ;

از امام صادق(ع) روایت شدہ: . . . آن گاہ کہ عالم (خضر) با موسی(ع) می رفت، ناگاہ، بہ پسری برخوردند کہ بازی می کرد. امام فرمود: > پس آن عالم، مشتت بر وی زد و او را کشت. موسی(ع) بہ او گفت: > أقتلت نفساً زكية بغير نفس...؟ <. امام فرمود: > پس آن عالم، دست برد و کتف پسر را بیرون آورد کہ بر آن نوشته شدہ بود > کافر مطبوع <. (کافری کہ مہر کفر بر او زدہ شدہ است) <.

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۰ - کہف - ۱۸ - ۸۰ - ۱

۱- هدف خضر (ع) از قتل نوجوان ، مصون داشتن پدر و مادر وی از کفر و طغیان بود .

و أما الغلم . . . فخشيها أن يرهقهما طغيئاً و كفرًا

> إرهاب < یعنی: > وادار ساختن کسی بر کاری کہ انجام آن برای او دشوار و طاقت فرسا است <. (قاموس).

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۰ - کہف - ۱۸ - ۸۱

۱- هدف خضر (ع) از قتل نوجوان، فراهم ساختن زمینه ای مناسب برای دستیابی پدر و مادر وی به فرزند پاک تر و مهربان تر بود.

فأردنا أن يبدلهما ربّهما خيراً منه زكوه و أقرب رحماً

مراد از <زکاه> در آیه، طهارت و پاکی از گناه است و <رُحْم> و <رحمت> به یک معنا است. گرچه خضر(ع) در این سخن، پاکی و مهربانی را برای نوجوان مقتول انکار نکرده است، ولی ممکن است به تناسب گفته موسی(ع) که نوجوان مقتول را <نفس زکیه> خواند، سخن خود را در قالب اسم تفضیل آورده است، لکن در حقیقت، نوجوان مقتول، یا فاقد رحمت و پاکی بوده و یا آینده او به گناه و بی رحمی می انجامید.

فلسفه ملاقات موسی(ع) با خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۶ - ۱۹

۱۹- > عن جعفر بن محمد (ع) : . . . ان موسى لما كلمه الله تكليماً . . . قال في نفسه : > ما أرى أن الله ، عزوجل خلق خلقاً أعلم مني ! < . فأوحى الله ، عزوجل ، إلی جبرئیل > یا جبرئیل ! أدرك عبدي موسى قبل أن يهلك و قل له : إن عند ملتقى البحرين رجلاً عابداً فاتبعه و تعلّم منه . < ;

از امام صادق(ع) روایت شده: .. آن گاه که خداوند با موسی تکلم کرد... موسی در دل خود گفت: >نمی بینم که خدای عزوجل، خلقی را آفریده باشد که از من اعلم باشد!<. پس خدا به جبرئیل وحی کرد: >بنده ام، موسی را پیش

از آن که هلاک شود، دریاب و به او بگو: در محل تلاقی دو دریا، مرد عابدی هست همراه اش برو و از او علم بیاموز.

قبول خواسته های خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۱ - ۱

۱- موسی (ع) با پذیرش شروط خضر، همراه او حرکت کرد.

فانطلقا حتی إذا ركبا في السفينة

<انطلاق> به معنای <روانه شدن و حرکت کردن> است. <فاء> در <فانطلقا> دلالت دارد که موسی(ع) شرایط خضر را پذیرفت و خضر(ع) به همراهی وی رخصت داد.

قتل نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۴ - ۱۱، ۴

۴- خضر (ع) بی درنگ، پس از مشاهده نوجوان، او را به قتل رسانید.

حتى إذا لقيا غلامًا فقتله

ظاهر عطف به <فاء> در <فقتله> آن است که خضر(ع) بدون هیچ مقدمه ای، در پی برخورد با نوجوان، به کشتن او اقدام کرده است.

۱۱- > عن أبي عبد الله: ... بينما العالم يمشي مع موسى إذا هم بغلام يلعب قال: > فوكزه العالم، فقتله. فقال له موسى: > أقتلت نفساً زكية بغير نفس لقد جئت شيئاً نكراً؟ >. قال: > فأدخل العالم يده فاقتلع كتفه فإذا عليه مكتوب: كافر مطبوع ;

از امام صادق(ع) روایت شده: ... آن گاه که عالم (خضر) با موسی(ع) می رفت، ناگاه، به پسری برخوردند که بازی می کرد. امام فرمود: >پس آن عالم، مشتت بر وی زد و او را کشت. موسی(ع) به او

گفت: <أقتلت نفساً زكية بغير نفس...؟>. امام فرمود: <پس آن عالم، دست برد و کتف پسر را بیرون آورد که بر آن نوشته شده بود <کافر مطبوع>. (کافری که مهر کفر بر او زده شده است)>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۵ - ۴

۴- خضر (ع) با اشاره به ناآگاهی موسی (ع) از انگیزه قتل نوجوان، اعتراض وی را ناموجه دانست و آن را نشانه درستی شناخت خویش از کم طاقتی و بی صبری موسی (ع) خواند.

لقد جئت شيئاً نكراً. قال ألم أقل لك إنك لن تستطيع معي صبراً

قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۰ - ۱۱، ۱۶

۱- موسی (ع) برای یافتن خضر، با عزمی راسخ و جدی، سفر خود را به مجمع البحرین آغاز کرد.

لأبرح حتى أبلغ مجمع البحرين

<لأبرح> صیغه متکلم از <برح> و به معنای <دست برنمی دارم> و تأکید بر پشتکار در انجام دادن کار است.

۶- موسی (ع) از امکان دسترسی به خضر، در محل تلاقی دو دریا، مطلع بود.

لأبرح حتى أبلغ مجمع البحرين

۱۱- داستان موسی و خضر (ع)، نمونه ای از مثال های متنوع قرآنی، در جهت هدایت مردم است.

و لقد صرّفنا في هذا القرآن للناس من كلّ مثلٍ .. و إذ قال موسى لفتيه لأبرح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۲ - ۴

۴- موسی (ع) بسیار



مشتاق دیدار با خضر (ع) و ملاقات با او بود .

لأبرح حتى .. ءاتنا غداءنا لقد لقينا من سفرنا هذا نصبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۳ - ۷

۷- شیطان ، برای عدم ملاقات موسی و خضر (ع) تلاش می کرد .

فإني نسيته .. و ما أنسنيه إلا الشيطان أن أذكره

همسفر موسی با اادات حصر، فراموشی خود را، تنها، به شیطان منتسب کرد؛ یعنی، هیچ عامل دیگری در کار نبوده است. لذا این نتیجه به دست می آید که شیطان، به هر طریق، می خواسته که مانع ملاقات موسی و خضر(ع) شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۴ - ۱،۲

۱- مسأله ماهی و حرکت غیرعادی آن در آب ، نشانه ای برای جایگاه ملاقات موسی و خضر (ع) بود .

قال ذلك ما كنا نبغ

<بغی> به معنای <طلب> است و <ذلك ما كنا نبغ> یعنی: <آنچه پیوسته در طلب او بودیم، همان علامت و نشانه است.>  
<. یا <نبغی> در پایان سخن موسی(ع) به منظور تخفیف کلام، حذف شده است.

۲- حضرت موسی (ع) ، از رخداد علائمی برای یافتن جایگاه حضرت خضر (ع) قبلاً مطلع بود .

قال ذلك ما كنا نبغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۵ - ۱

۱- موسی (ع) و همسفرش ، پس از بازگشت به مجمع البحرين ، با خضر (ع) ملاقات کردند .

فارتدا علی ءاثارهما قصصًا .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۶ - ۱۱، ۴، ۳، ۲، ۱

۱- موسی (ع) از خضر (ع) برای همراه شدن با او، اجازه خواست.

قال له موسی هل أتبعك

۲- هدف موسی از همراه شدن با خضر، بهره‌وری از علم رشد‌آفرین وی بود.

هل أتبعك علی أن تعلمن ممّا علّمت رشدًا

<رشدًا> اگر مفعولٌ له باشد، مفاد آیه این است که: <پیروی من، به منظور رشد یافتن است> که اگر مفعولٌ به باشد، مراد این است که: <تو را پیروی می‌کنم بر این اساس که آنچه را رشد است، به من بیاموزی.>

۳- موسی (ع) به <علم لدنی> حضرت خضر احساس نیاز می‌کرد.

هل أتبعك علی أن تعلمن ممّا علّمت رشدًا

۴- موسی (ع)، به محرومیت خود از علومی که نزد خضر بود، اعتراف داشت و در برابر مقام علمی و عملی او، متواضع و فروتن بود.

هل أتبعك علی أن تعلمن ممّا علّمت

اظهار آمادگی برای تبعیت، نشانِ خضوعِ موسی(ع) در برابر کردار خضر(ع)، و اظهار اشتیاق به آموختن، حاکی از تواضع موسی در برابر علم او است.

۱۱- موسی (ع) همسفر خود را به همراهی با خضر (ع) و دریافت علوم او، وادار نکرد. \*

هل أتبعك علی أن تعلمن

در سفر با خضر، سخنی از همسفر موسی به میان نیامده است؛ ممکن است او در این سفر، از موسی جدا شده و یا به دلیل شخصیت برجسته موسی و خضر(ع) تنها، از آن دو، در آیات بعد یاد شده باشد.

جمله <ذلک ما کنا نبع> در آیات قبل، احتمال دوم را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کَهِف - ۱۸ - ۶۷ - ۴، ۳، ۲، ۱

۱- خضر، موسی (ع) را از تحمّل همراهی با وی، برای فراگیری علوم ویژه، ناتوان دید.

هل أتبعک .. قال إنک لن تستطیع معی صبرًا

۲- خضر (ع) به موسی (ع) توصیه کرد به دلیل نداشتن قدرت تحمّل، از همراه شدن با او صرف نظر کند.

إنک لن تستطیع معی صبرًا

۳- کارهای خضر، برای دیگران، حتی فردی چون موسی (ع) غیر قابل تحمّل و درک بود.

قال إنک لن تستطیع معی صبرًا

تأکید بر <معی> نشان می دهد که صرف تعلیم علوم مشکل آفرین نبوده است، بلکه همراه شدن با خضر - که مستلزم مشاهده رفتاری است که از علوم وی نشئت گرفته غیر قابل تحمّل بوده است.

۴- حضرت خضر (ع)، نسبت به خصوصیات روحی موسی (ع) از پیش، مطلع بود. \*

قال إنک لن تستطیع معی صبرًا

پیش بینی قطعی عدم تحمّل موسی از جانب خضر (ع) می تواند مستند به یکی از دو امر باشد: ۱ اطلاع خضر از خصوصیات روحی و فکری موسی (ع) ۲ این که اصولاً تحمّل چنین علوم، برای غیر خضر ممکن نبوده است. برداشت فوق مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کَهِف - ۱۸ - ۶۸ - ۳، ۲

۲- خضر (ع) بی اطلاعی موسی از زوایای کردار وی را، دلیل

ناتوانی موسی از تحمّل عملکرد وی دانست .

إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ ... و كيف تصبر على ما لم تحط به خبرًا

۳- أعمال خضر (ع) ، دارای ظاهری غیرمتعارف و زوایایی ناشناخته ، حتی برای فردی مانند موسی (ع) بود .

و كيف تصبر على ما لم تحط به خبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۹ - ۴،۵،۲،۱

۱- موسی (ع) به شکیبایدن در برابر کارهای خضر و چیزهایی که از او فرامی‌گیرد ، متعهد گردید .

قال ستجدني إن شاء الله صابراً ولا أعصي لك أمراً

جمله <ستجدنی...> (تو مرا صابر خواهی یافت) حاکی از این است که موسی(ع) صبری را نوید می‌داد که آثارش مشهود باشد. این تعبیر، در مقایسه با <سأصبر> و نظایر آن، تأکید بیشتری دارد.

۲- موسی (ع) بر اطاعت کامل خود از خضر (ع) و سرپیچی نکردن از فرمان‌های او تأکید کرد .

ستجدني إن شاء الله صابراً ولا أعصي لك أمراً

۴- موسی (ع) کمال ادب و متانت را در برابر معلم خویش (خضر) اظهار کرد .

هل أتبعك ... ستجدني ... ولا أعصي

موارد فراوانی از ادب و متانت در کلام موسی(ع) دیده می‌شود: الف) درخواست خود را با استفهام آغاز کرد (هل أتبعك)؛ ب) مبدأ علم خضر را به جهت تکریم، با صیغه مجهول آورد (عُلِّمْتُ)؛ ج) علم او را رشد‌آفرین دانست (رشداً)؛ د) تنها، بخشی از علم او را طلب کرد (مِمَّا عُلِّمْتُ)؛ ه) وعده صریح به صبر نداد، بلکه

به صورت <ستجدنی إن شاء الله..> ذکر کرد؛ و) توصیه های او را به عنوان امر تلقی کرد و متعهد شد که با او در هیچ فرمانی مخالفت نکند. (المیزان، ج ۱۳).

۵- موسی (ع) دارای اشتیاق فراوان به فراگیری علوم خضر بود .

قال ستجدنی إن شاء الله صابراً ولا أعصى لك أمراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۰ - ۱،۲،۳،۵

۱- خضر ، با درخواست موسی (ع) در مورد همراهی با او ، به صورت مشروط ، موافقت کرد .

قال فإن اتبعنني فلا تسئلني عن شيء

۲- شرط خضر برای همراهی موسی (ع) با او ، سؤال نکردن از چیزی قبل از توضیح خود او بود .

فلا تسئلني عن شيء حتى أُحدث لك منه ذكراً

۳- خضر ، خواهان تعجیل نکردن موسی در فهم اسرار بود و او را بر متابعت بی چون و چرا از خود ، الزام نکرد .

حتى أُحدث لك منه ذكراً

۵- خضر (ع) به موسی (ع) وعده داد که در نهایت ، بخشی از اسرار کار خود را برای او تبیین خواهد کرد .

أحدث لك منه ذكراً

<من> در <منه> برای تبعیض است و گویای این که خضر، تنها، به بیان گوشه ای از ویژگی های کردار خویش وعده داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۱ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۱۰،۱۱

۱- موسی (ع) با پذیرش شروط خضر ، همراه او حرکت کرد .

فانطلقا حتى إذا ركبا في السفينة

<انطلاق> به معنای <روانه شدن و حرکت کردن> است. <فاء> در

<فانطلقا> دلالت دارد که موسی(ع) شرایط خضر را پذیرفت و خضر(ع) به همراهی وی رخصت داد.

۲- موسی و خضر (ع) در نخستین مراحل همراهی، سوار کشتی شدند.

فانطلقا حتّی إذا رکبا فی السفینه

۳- همسفر موسی (ع) (یوشع) با آغاز سفر موسی و خضر (ع)، از آنان جدا شد. \*

فانطلقا حتّی إذا رکبا فی السفینه

در این آیه، نامی از همسفر قبلی موسی (یوشع) مطرح نیست. ممکن است گفته شود، او در ادامه سفر، حضور نداشته و رخصتی برای او صادر نگردیده بود. توجه به ضمائر تثنیه (<فانطلقا>، <رکبا>) گواهی روشن بر این نکته است.

۴- خضر (ع) پس از سوار شدن بر کشتی، در بدنه آن شکافی ایجاد کرد که سرنشینان آن در خطر غرق شدن قرار گرفتند.

حتّی إذا رکبا فی السفینه خرقتها

<خرق> به معنای <شکافتن و دریدن> است.

۵- موسی (ع) از عملکرد خضر (ع) در شکافتن بدنه کشتی، شگفت زده شد و به او اعتراض کرد.

قال أخرقتها لتغرق أهلها

۶- اقدام خضر به سوراخ کردن کشتی، دور از چشم سرنشینان کشتی بوده است.

خرقتها قال أخرقتها لتغرق أهلها

روشن است که اگر سوراخ کردن کشتی، در دید مردم قرار داشت، خضر(ع)، مورد اعتراض آن ها قرار می گرفت و مانع او می شدند. از این که تنها، موسی(ع) اعتراض کرده، چنین بر می آید که این کار، از چشم دیگران به دور بوده است.

۷- قرار گرفتن سرنشینان کشتی در معرض غرق، علت اعتراض موسی (ع) به عمل خضر (ع) بود.

قال

أخرقتها لتغرق أهلها

۸- آسیب رساندن خضر (ع) به کشتی ، امری بس ناروا و غیرقابل توجیه در نظر موسی (ع) بود .

لقد جئت شيئاً إمرًا

<إمر> به معنای <منکر عظیم> و نیز <منکر عجیب> آمده است. (لسان العرب).

۱۰- کشتی سوراخ شده به دست خضر (ع) حامل مسافر بوده است .

أخرقتها لتغرق أهلها

۱۱- موسی (ع) ، لغزش هایی نظیر غرق انسان ها بی گناه را ، از جانب خضر (ع) منتفی نمی دانست .

أخرقتها لتغرق أهلها لقد جئت شيئاً إمرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۲ - ۱،۳

۱- خضر (ع) اعتراض موسی را دلیل صحت پیش بینی خویش از ناشکیبایی موسی (ع) دانست و پیش گویی خود را به وی یاد آور شد .

قال ألم أقل إنك لن تستطيع معي صبرًا

۳- خضر (ع) با بیان آگاه نبودن موسی (ع) به راز معیوب ساختن کشتی ، پندار وی را در مورد انگیزه آن کار ، تخطئه کرد .

أخرقتها لتغرق أهلها .. ألم أقل إنك لن تستطيع معي صبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۳ - ۱،۲،۳،۷

۱- موسی (ع) با به یاد آوردن گفتار خضر درباره ناشکیبایی وی ، به ناروا بودن اعتراض خود پی برد .

قال لا تؤاخذني بما نسيت

۲- موسی (ع) به دلیل تخلف از شرط همراهی با خضر (ع) و اعتراض ناروا به او ، خود را سزاوار مؤاخذه دید و از خضر (ع)





( تقاضای چشم پوشی کرد .

قال لا تؤاخذني بما نسيت

۳- تخلف موسی از عهد خویش با خضر (ع) ، ناشی از فراموشی بود .

قال لا تؤاخذني بما نسيت

۷- موسی (ع) عفو و عدم سخت گیری خضر بر او را به خاطر نسیان و تخلف از عهد خویش ، تقاضا کرد .

قال لا تؤاخذني بما نسيت و لا ترهقني من أمري عسراً

<إرهاق> به معنای <تحمیل کاری طاقت سوز بر دیگری> است. (قاموس) و مفاد <لا ترهقني...> این است که کاری دشوار (مانند جدا شدن و لغو رخصت همراهی) را بر من تحمیل مکن و مرا به زحمت مینداز. لازم به ذکر است که <عسراً> مفعول دوم برای <لا ترهقني> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۴ - ۱۱، ۱۲، ۵، ۴، ۲، ۱

۱- خضر (ع) عذرخواهی موسی (ع) را پذیرفت و اجازه ادامه همراهی را به او داد .

فانطلقا

۲- موسی و خضر (ع) پس از ماجرای کشتی ، از آن پیاده شده و در خشکی ، با نوجوانی برخورد کردند .

فانطلقا حتّی إذا لقیّا غلامًا

<غلام> یعنی <کسی که سبیل او تازه روئیده باشد>. (معجم مقاییس اللغه).

۴- خضر (ع) بی درنگ ، پس از مشاهده نوجوان ، او را به قتل رسانید .

حتّی إذا لقیّا غلامًا فقتله

ظاهر عطف به <فاء> در <فقتله> آن است که خضر(ع) بدون هیچ مقدمه ای، در پی برخورد با نوجوان، به کشتن او اقدام کرده است.

۵- موسی (ع) نوجوان مقتول را ، فردی بی گناه دانست و خضر (ع) را به جهت کشتن وی ، به شدت مورد اعتراض

قال أقتلت نفساً زكية بغير نفس لقد جئت شيئاً نكراً

<زکاه> به معنای <طهارت> و <صلاح> و <نمو> و <برکت> و <مدح> آمده است. (لسان العرب) در آیه، مراد از <زکيه>، توصیف نوجوان به طهارت و پاکی از گناه است.

۱۱- > عن أبي عبدالله: ... بينما العالم يمشى مع موسى إذا هم بغلام يلعب قال: > فوكزه العالم، فقتله. فقال له موسى: > أقتلت نفساً زكية بغير نفس لقد جئت شيئاً نكراً؟ >. قال: > فأدخل العالم يده فاقتلع كتفه فإذا عليه مكتوب: > كافر مطبوع؛

از امام صادق(ع) روایت شده: ... آن گاه که عالم (خضر) با موسی(ع) می رفت، ناگاه، به پسری برخوردند که بازی می کرد. امام فرمود: <پس آن عالم، مشتت بر وی زد و او را کشت. موسی(ع) به او گفت: >أقتلت نفساً زكية بغير نفس...؟>. امام فرمود: <پس آن عالم، دست برد و کتف پسر را بیرون آورد که بر آن نوشته شده بود >کافر مطبوع<. (کافری که مهر کفر بر او زده شده است)>.

۱۲- > عن أبي عبدالله (ع): ... و خرجا (موسى و خضر (ع)) على ساحل البحر فإذا غلام يلعب مع غلمان ... فتورّكه العالم فذبحه؛

از امام صادق(ع) روایت شده: ... آن دو (موسى و خضر(ع)) در کنار ساحل دریا (از کشتی) بیرون آمدند، ناگهان به پسری برخوردند که با چند پسر دیگر بازی می کرد... پس آن عالم (یعنی خضر) آن پسر را بر زانوی خود گذاشت و ذبح اش کرد.>.

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۵ - ۴، ۳، ۲، ۱

۱- خضر (ع) برای دومین بار و با صراحتی افزون تر در مورد بی صبری و پرسش های بی جای موسی (ع) ، به او تذکر و هشدار داد .

لقد جئت شيئًا نكراً . قال ألم أقل لك

در دومین تذکر، خضر(ع) عبارت <لكك> آمده است. اضافه شدن این عبارت و تصریح به این که آن سخن در مورد شخص موسی(ع) صادر شده بود، گویای تأکید خضر(ع) بر موجه نبودن اعتراض موسی(ع) است.

۲- خضر (ع) بر ناتوانی موسی (ع) از تحمل کار های خضر برای سومین بار تأکید کرد .

قال ألم أقل لك إنك لن تستطيع معي صبرًا

خضر(ع) یک بار، در آغاز برخورد با موسی(ع) و بار دیگر، پس از ماجرای کشتی و مرتبه سوم در پی قتل نوجوان، جمله ای را به موسی(ع) یاد آور شد که حاوی چندین تأکید است. (إنك لن تستطيع...).

۳- پیش بینی خضر (ع) در مورد ناشکیبایی موسی (ع) در برابر کار های او ، مطابق واقع بود .

لقد جئت شيئًا نكراً . قال ألم أقل لك إنك لن تستطيع معي صبرًا

۴- خضر (ع) با اشاره به ناآگاهی موسی (ع) از انگیزه قتل نوجوان ، اعتراض وی را ناموجه دانست و آن را نشانه درستی شناخت خویش از کم طاقتی و بی صبری موسی (ع) خواند .

لقد جئت شيئًا نكراً . قال ألم أقل لك إنك لن تستطيع معي صبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۶ - ۱،۲،۴،۵

۱- موسی (ع) ، از خضر (ع) برای تجربه صبر در برابر کار های غیرعادی آن حضرت خواستار آخرین فرصت شد .

قال إن سألتك عن شيء بعدها فلا تصحبنى

۲- موسی (ع) خود را در صورت سؤال مجدد ( سومین تخلف ) سزاوار محروم شدن از مصاحبت با خضر (ع) دانست .

قال إن سألتك من شيء بعدها فلا تصحبنى

۴- موسی (ع) به ناتوانی خود از تحمل کردار خضر (ع) و همراهی با وی پی برد .

قال .. قد بلغت من لدنى عذراً

۵- موسی (ع) به معذور بودن خضر (ع) در جدا شدن از وی با مشاهده تخلف او از پیمان سکوت در برابر کار های آن حضرت ، اعتراف کرد .

قال إن سألتك .. قد بلغت من لدنى عذراً

جمله <قد بلغت من لدنى عذراً> یعنی: <از دیدگاه من، به عذری قابل قبول جهت ترك مصاحبت دست یافتی.> این جمله، به قرینه <قد>، مربوط به <إن سألتك...> نیست، بلکه اعتراف موسی(ع) به این است ترك مصاحبت تو با من، هم اکنون نیز دلیل موجهی دارد، ولی طالب مهلتی دیگر هستم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۴، ۳، ۲، ۱

۱- خضر (ع) درخواست مهلت موسی (ع) را پذیرفت و برای بار سوم ، به او فرصت همراهی داد .

إن سألتك عن شيء بعدها فلا تصحبنى ... فانطلقا

۲- موسی و خضر (ع) در مسیر حرکت و سفر خویش ، به

یک آبادی رسیدند و با اهل آن ملاقات کردند .

فانطلقا حتّى إذا أتيا أهل قرية

در این که چه شهری در مسیر موسی و خضر(ع) قرار داشته، احتمالات گوناگونی ارائه شده است. از جمله آن ها شهر <ناصره> است که در ساحل دریا قرار داشته است این وجه را مجمع البیان از امام صادق (ع) روایت کرده است.

۳- موسی و خضر (ع) با احساس گرسنگی ، از مردم شهر ، تقاضای طعام و خوراکی کردند .

استطعما أهلها

به قرینه <یضیفوهما> مراد از استطعام، تهیه طعام برای ادامه سفر نبوده است، بلکه موسی و خضر(ع)، در همان هنگام، گرسنه بوده اند.

۴- هیچ یک از مردم شهر ، حاضر به میزبانی و اطعام موسی و خضر (ع) نشد .

استطعما أهلها فأبوا أن یضیفوهما

<إباء> به معنای <امتناع و سرباز زدن> است.

۵- مردم شهری که موسی و خضر (ع) به آن وارد شدند ، مردمی دور از خوی مهمان دوستی و غریب نوازی ، دور بودند .

فأبوا أن یضیفوهما

۸- موسی و خضر (ع) در آبادی ، با دیواری مواجه شدند که در حال سقوط و خرابی بود .

فوجدوا فیها جدارًا یرید أن ینقضّ

<إنقضاض> از ماده <قضض> به معنای <از هم پاشیدن> است (قاموس). به کار بردن فعل <یرید> که نوعاً در باره موجودات دارای اختیار به کار می رود، نوعی استعاره است یعنی، به قدری دیوار در معرض افتادن بود که گویا خود بر خرابی و از هم پاشیدگی تصمیم گرفته است .

۹- خضر (ع) دیوار در حال سقوط را ترمیم و بازسازی کرد .

یرید أن ینقضّ فأقامه

۱۰- ترمیم دیوار مشرف

بر ویرانی ، به دست خضر ، در برابر دیدگان مردم شهر انجام گرفت . \*

حَتَّى إِذَا أَتَى أَهْلَ قَرْيَةٍ .. فَأَقَامَهُ

ورود بر اهل قریه و نیز وجود دیوار در متن شهر که از تعبیر <فوجدوا فيها جداراً> استفاده می شود، ممکن است اشاره به این داشته باشد که مردم، ناظر رفتار خضر(ع) بوده اند.

۱۱- خضر (ع) برای تعمیر دیوار و برپا داشتن آن ، از موسی (ع) کمک نطلبید .

فَأَقَامَهُ

مفرد آمدن <أقامه> ممکن است از آن جهت باشد که کار بازسازی دیوار، فقط به دست خضر(ع) صورت گرفته باشد؛ چه این که در موارد پیشین، <استطعما> به صورت تشبیه آمده و نقش هر دو را در طلب غذا نمایانده است.

۱۲- خضر (ع) با وجود امکان دریافت اجرت جهت تعمیر دیوار ، چیزی دریافت نکرد .

قال لو شئت لَتَّخَذْتُ عَلَيْهِ أَجْرًا

مطرح ساختن گرفتن مزد از جانب موسی(ع) در شرایطی موجه است که امکان دریافت آن موجود باشد.

۱۳- موسی (ع) از دست مزد نخواستن خضر (ع) در برابر کار خویش ، با وجود نیاز آنان به اجرتی برای تهیه غذا ناخرسند و گلایه مند بود .

استطعما أهلها .. قال لو شئت لَتَّخَذْتُ عَلَيْهِ أَجْرًا

آنچه خضر و موسی(ع) از مردم طلب کردند، غذا بود، آن هم به صورت مجانی، نه خرید چون پولی برای خرید در اختیارشان نبود لذا موسی(ع)، پایان گرفتن کار دیوار، موضوع گرفتن مزد را مطرح ساخت، تا به وسیله آن طعامی را خریداری کنند.

۱۸- سخنِ شِکوه آمیز موسی (ع) به خضر (ع) در مورد نگرستن

مزد ، سومین تخلف وی از پیمان خویش بود .

قال لو شئت لتخذت عليه أجراً

۱۹- > عن جعفر بن محمد (ع) : ... > فانطلقا حتى إذا أتيا أهل قرية < و هي الناصره ;

از امام صادق(ع) روایت شده:.. مقصود از قریه، در آیه شریف قریه ناصره است.<

۲۰- > عن جعفر بن محمد (ع) : ... فوجدا فيها جداراً يريد أن ينقض ، فوضع الخضر يده عليه فأقامه ;

از امام صادق(ع) روایت شده: (خضر و موسی(ع)) دیواری را یافتند که می خواست بیفتد. خضر، دست خود را بر آن نهاد و آن را راست کرد.<

۲۱- > عن أبي عبد الله (ع) : ... فوجدا فيها جداراً يريد أن ينقض فأقامه قال : > لو شئت لتخذت عليه أجراً خبزاً نأكله فقد جُعنا < ;

از امام صادق(ع) روایت شده:.. خضر و موسی(ع) در آن آبادی دیواری را یافتند که می خواست بیفتد. خضر، آن را راست کرد. موسی(ع) گفت: <می خواستی برای این کار، مزدی بگیری (یعنی) نانی بگیری تا بخوریم زیرا گرسنه ایم.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۸ - ۴،۳،۲،۱

۱- سومین تخلف موسی (ع) از عهد خویش با خضر (ع) ( مطرح ساختن گرفتن مزد ) ، آغاز جدایی آن دو از هم بود .

قال لو شئت لتخذت . . قال هذا فراق بيني و بينك

در باره این که <هذا> اشاره به چیست، احتمالاتی وجود دارد، از جمله این که اشاره به قول موسی(ع) باشد؛ یعنی، هذا القول سبب فراق

۲- ناتوانی موسی (ع) از تحمّل کارهای خضر (ع)، در پی سومین سؤال و اعتراض او، به اثبات رسید.

قال هذا فراق بینی و بینک سأبئک بتأویل ما لم تستطع علیه صبرًا

۳- خضر (ع)، پس از آخرین تخلف موسی، برای جدا شدن از او، دلیل موجه و عذر پذیرفته شده داشت.

بلغت من لدنی عذرًا... قال لو شئت لتخذت علیه أجرًا. قال هذا فراق بینی و بین

۴- خضر، موسی (ع) را مطمئن ساخت که اسرار کارهای شگفت خویش را پیش از جدایی، برای او بازگو خواهد کرد.

سأبئک بتأویل ما لم تستطع علیه صبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۱۳، ۱۸

۱- هدف خضر (ع) از اقدام به معیوب ساختن کشتی، نجات دادن آن از غارت و مصادره سلطان غاصب بود.

أما السفینه... فأردت أن أعبیها... يأخذ کلّ سفینه غصبًا

۸- مقارن با وقوع داستان موسی و خضر (ع)، پادشاهی، کلیه کشتی های سالم را در آن منطقه، مصادره می کرد.

و کان وراءهم ملک يأخذ کلّ سفینه غصبًا

مراد از <کلّ سفینه> به قرینه <أن أعبیها> <کلّ سفینه صالحه> بوده است.

۱۳- عملکرد خضر (ع) در مورد کشتی، مصداقی از تقدیم اهم، به هنگام مزاحمت آن با امری مهم است.

و أما السفینه فکانت لمسکین... يأخذ کلّ سفینه غصبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف



۱- هدف خضر (ع) از قتل نوجوان، مصون داشتن پدر و مادر وی از کفر و طغیان بود.

و أمّا الغلم .. فخشينا أن يرهقهما طغياناً و كفرًا

<إرهاق> یعنی: <وادار ساختن کسی بر کاری که انجام آن برای او دشوار و طاقت فرسا است>. (قاموس).

۴- پدر و مادر نوجوان مقتول، در صورت زنده ماندن فرزندشان، ناخواسته و تحت تأثیر فرزند خویش قرار گرفته و ناخواسته به طغیان و کفر کشانده می شدند.

فكان أبواه مؤمنين فخشينا أن يرهقهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۱ - ۱،۸،۹

۱- هدف خضر (ع) از قتل نوجوان، فراهم ساختن زمینه ای مناسب برای دستیابی پدر و مادر وی به فرزند پاک تر و مهربان تر بود.

فأردنا أن يبدلها ربّهما خيراً منه زكوه و أقرب رحماً

مراد از <زکاه> در آیه، طهارت و پاکی از گناه است و <رُحْم> و <رحمت> به یک معنا است. گرچه خضر(ع) در این سخن، پاکی و مهربانی را برای نوجوان مقتول انکار نکرده است، ولی ممکن است به تناسب گفته موسی(ع) که نوجوان مقتول را <نفس زکیه> خواند، سخن خود را در قالب اسم تفضیل آورده است، لکن در حقیقت، نوجوان مقتول، یا فاقد رحمت و پاکی بوده و یا آینده او به گناه و بی رحمی می انجامید.

۸- > عن أبي عبدالله (ع) في قول الله: > فأردنا أن يبدلها ربّهما خيراً منه ... < قال: > إنه ولدت لهما جارية فولدت غلاماً فكان نبياً

از امام صادق(ع) درباره این سخن خدا <فأردنا أن يبدلها ربهما خيراً منه..> روایت شده که فرمود: <همانا، برای آن دو (پدر و مادر مقتول) دختری متولد شد و آن دختر، پسری به دنیا آورد که پیامبر شد.>

۹- < عن أبي عبدالله (ع) :... [ في قول الله عزوجل ] < فأردنا أن يبدلها ربهما خيراً منه زكاه و أقرب رحماً > : < >   
 أبدلها الله به جارية ولدت سبعين نبياً . < ;

از امام صادق(ع) [درباره این سخن خدای عزوجل] <فأردنا أن يبدلها ربهما خيراً منه زكاه..> روایت شده: خداوند، به آن دو (پدر و مادر مقتول) به جای او (مقتول) دختری داد که هفتاد پیغمبر از نسل او متولد شدند.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۲ - ۲۳، ۲۱، ۱۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱- خضر (ع) علت اقدام به بازسازی دیوار فرسوده را برای موسی (ع) تشریح کرد .

و أمّا الجدار .. ما فعلته عن امری

۲- دیوار ترمیم شده به دست خضر (ع) در مالکیت دو پسر بیچه یتیم بود .

و أمّا الجدار فكان لغلمین یتیمین

۳- خضر (ع) با وجود حضور نداشتن مالکان دیوار در آبادی ، به ترمیم آن پرداخته بود . \*

فكان لغلمین یتیمین فی المدینه

احتمال می رود که به کار رفتن واژه <المدینه> در این آیه، به جای واژه <القریه> که در آیات قبل آمده بود، اشاره به این جهت باشد که آن دو یتیم در آن آبادی حضور نداشته، بلکه در شهری دیگر اقامت داشته اند و آن

شهر چنان چه از حرف <ال> در <المدينه> استفاده می شود برای خضر و موسی(ع) شناخته شده بود.

۴- هدف خضر (ع) از ترمیم دیوار فرسوده ، محفوظ داشتن گنج نهاده شده در زیر آن برای دو یتیم ساکن در شهر بود .

و أمّا الجدار فكان لغلمین یتیمین فی المدینة و كان تحته كنز لهما

۵- خضر (ع) پدر مالکان دیوار را می شناخت و از نیکی و صلاح او در دوران زندگی اش با خبر بود .

و كان أبوهما صلحًا

۱۶- خضر (ع) با توجه دادن موسی (ع) به تدبیر فراگیر الهی ، حفاظت اموال یتیمان را ، برخاسته از گستردگی ربوبیت خداوند دانست .

فأراد ربّك

خضر(ع) با اضافه <رب> به ضمیر خطاب (ربك) به موسی(ع) این نکته را بیان داشته است که گرچه ترمیم دیوار، به تغذیه و تربیت جسم تو کمکی نکرد، ولی مالک و مدبر تو، مالک و مدبر یتیمان نیز هست.

۲۱- موسی (ع) ، سرانجام ، به اسرار کار های شگفت خضر آگاه شد و توجیه و تأویل برخی حوادث را از او آموخت .

ذلک تأویل ما لم تسطع علیه صبرًا

<لم تسطع> در اصل <لم تستطع> بوده و حرف <تاء> برای تخفیف حذف شده است.

۲۳- خضر (ع) پس از آموختن اسرار کار های خود به موسی (ع) ، وی را بر بی صبری در برابر آن ، نکوهش کرد .

ذلک تأویل ما لم تسطع علیه صبرًا

کفر نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۳

۳- نوجوانی

که خضر (ع) او را کشت ، کافر بود .

و أمّا الغلم فكان أبواه مؤمنين

اختصاص وصف <مؤمن> به پدر و مادر نوجوان، گویای کافر بودن وی است و مؤثر بودن او در گرایش والدین خویش به کفر نیز، کافر بودن او را تأیید می کند.

کفرستیزی خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۱

۱- هدف خضر (ع) از قتل نوجوان ، مصون داشتن پدر و مادر وی از کفر و طغیان بود .

و أمّا الغلم . . . فخشيْنَا أَن يرهقهما طغيْنَا و كفرًا

<إرهاق> یعنی: <وادار ساختن کسی بر کاری که انجام آن برای او دشوار و طاقت فرسا است>. (قاموس).

گرسنگی خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۳

۳- موسی و خضر (ع) با احساس گرسنگی ، از مردم شهر ، تقاضای طعام و خوراکی کردند .

استطعما أهلها

به قرینه <يضيّفوهما> مراد از استطعام، تهیه طعام برای ادامه سفر نبوده است، بلکه موسی و خضر(ع)، در همان هنگام، گرسنه بوده اند.

گلایه از خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۱۳

۱۳- موسی (ع) از دست مزد نخواستن خضر (ع) در برابر کار خویش ، با وجود نیاز آنان به اجرتی برای تهیه غذا ناخرسند

و گلابیه مند بود .

استطعما أهلها .. قال لو شئت لَتَّخَذت عليه أجرًا

آنچه خضر و موسی(ع) از مردم طلب کردند، غذا بود، آن هم به صورت مجانی، نه خرید چون

پولی برای خرید در اختیارشان نبود لذا موسی(ع)، پایان گرفتن کار دیوار، موضوع گرفتن مزد را مطرح ساخت، تا به وسیله آن طعامی را خریداری کنند.

### گنج قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۲۶، ۲۷

۲۶- > فی المجمع فی قوله : < و كان تحته كنز لهما > ... و قيل : كان كنزاً من الذهب والفضه ... رواه أبوالدرداء عن النبي (ص) ؛

در مجمع البیان درباره این سخن خدا: < و كان تحته كنز لهما > آمده است: که آن گنج، از طلا و نقره بوده است. این قول را، ابوالدرداء، از پیامبر(ص) روایت کرده است.

۲۷- > عن الرضا (ع) قال : كان في الكنز الذي قال الله < و كان تحته كنز لهما > لوح من ذهب فيه : بسم الله الرحمن الرحيم . محمد رسول الله (ص) . عجت لمن أيقن بالموت كيف يفرح و عجت لمن أيقن بالقدر ، كيف يحزن و عجت لمن رأى الدنيا و تقلب ها بأهلها كيف يركن إليها و ينبغى لمن عقل عن الله أن لا-يتهم الله ، تبارك و تعالی ، في قضائه و لا يستبطئه في رزقه ؛

از امام رضا(ع) روایت شده که فرمود: در میان آن گنجی که خداوند فرموده < و كان تحته كنز لهما > لوحی از طلا بود که بر آن نوشته شده بود: بسم الله الرحمن الرحيم. محمد(ص)، رسول الله است. عجب دارم از کسی که یقین به مرگ دارد، چگونه شادی می کند و عجب دارم از کسی که به تقدیر الهی

یقین دارد، چه گونه اندوهگین می شود. و عجب دارم از کسی که دنیا و دگرگونی های آن در مورد اهل اش را می بیند، چگونه به دنیا اعتماد می کند. سزاوار است برای کسی که از خدا، دانش و آگاهی گرفته، به او سوء ظن نداشته باشد و خداوند تبارک و تعالی، را در روزی رساندن اش، به کنندی نسبت ندهد. <

مالک دیوار قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۳

۳- خضر (ع) با وجود حضور نداشتن مالکان دیوار در آبادی، به ترمیم آن پرداخته بود. \*

فکان لغلمین یتیمین فی المدینه

احتمال می رود که به کار رفتن واژه <المدینه> در این آیه، به جای واژه <القریه> که در آیات قبل آمده بود، اشاره به این جهت باشد که آن دو یتیم در آن آبادی حضور نداشته، بلکه در شهری دیگر اقامت داشته اند و آن شهر چنان چه از حرف <ال> در <المدینه> استفاده می شود برای خضر و موسی(ع) شناخته شده بود.

محافظة از گنج قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۴،۷

۴- هدف خضر (ع) از ترمیم دیوار فرسوده، محفوظ داشتن گنج نهاده شده در زیر آن برای دو یتیم ساکن در شهر بود.

و أما الجدار فکان لغلمین یتیمین فی المدینه و کان تحته کنز لهما

۷- صلاح و نیکی پدر یتیمان، مایه اراده خداوند بر دستیابی آنان به گنج نهفته خویش، هنگام توان مندی بر بهره گیری از

آن شد .

و كان أبوهم صلحاً فأراد ربك أن يبلغا أشدهما ويستخرجا كنزهما

اهل لغت، در این که کلمه <أشدّ> مفردی است که وزنی مانند وزن جمع دارد، یا جمعی است که از لفظ خود مفردی ندارد، اختلاف نظر دارند. برخی، آن را جمع <شده> دانسته اند (لسان العرب). در هر صورت، مراد، حدّ توان مندی جسمی و عقلی است.

محرّمیت مالکان کشتی قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۲

۲- کشتی سوراخ شده به دست خضر (ع) ، در مالکیت گروهی از محرومان بود و تنها وسیله ارتزاق آنان به شمار می آمد .

فكانت لمسكين يعملون في البحر

مزد بازسازی دیوار قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۲۱، ۱۳، ۱۲

۱۲- خضر (ع) با وجود امکان دریافت اجرت جهت تعمیر دیوار ، چیزی دریافت نکرد .

قال لو شئت لّتخذت عليه أجرًا

مطرح ساختن گرفتن مزد از جانب موسی(ع) در شرایطی موجه است که امکان دریافت آن موجود باشد.

۱۳- موسی (ع) از دست مزد نخواستن خضر (ع) در برابر کار خویش ، با وجود نیاز آنان به اجرتی برای تهیه غذا ناخرسند و گلایه مند بود .

استطعما أهلها .. قال لو شئت لّتخذت عليه أجرًا

آنچه خضر و موسی(ع) از مردم طلب کردند، غذا بود، آن هم به صورت مجانی، نه خرید چون پولی برای خرید در اختیارشان نبود لذا موسی(ع)، پایان گرفتن کار دیوار، موضوع گرفتن مزد را مطرح ساخت، تا به وسیله آن طعامی



را خریداری کنند.

۲۱- > عن أبي عبد الله (ع) : . . . فوجدنا فيها جداراً يريد أن ينقض فأقامه قال : > لو شئت لتخذت عليه أجراً خبزاً نأكله فقد جُعنا < ;

از امام صادق(ع) روایت شده:.. خضر و موسی(ع) در آن آبادی دیواری را یافتند که می خواست بیفتد. خضر، آن را راست کرد. موسی(ع) گفت: <می خواستی برای این کار، مزدی بگیری (یعنی) نانی بگیری تا بخوریم زیرا گرسنه ایم.>

مسافران کشتی قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۱ - ۷،۱۰

۷- قرار گرفتن سرنشینان کشتی در معرض غرق ، علت اعتراض موسی (ع) به عمل خضر (ع) بود .

قال أخرجتها لتغرق أهلها

۱۰- کشتی سوراخ شده به دست خضر (ع) حامل مسافر بوده است .

أخرجتها لتغرق أهلها

مسافرت خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۱ - ۱،۲،۳

۱- موسی (ع) با پذیرش شروط خضر ، همراه او حرکت کرد .

فانطلقا حتّى إذا ركبا فى السفينه

<انطلاق> به معنای <روانه شدن و حرکت کردن> است. <فاء> در <فانطلقا> دلالت دارد که موسی(ع) شرایط خضر را پذیرفت و خضر(ع) به همراهی وی رخصت داد.

۲- موسی و خضر (ع) در نخستین مراحل همراهی ، سوار کشتی شدند .

فانطلقا حتّى إذا ركبا فى السفينه

۳- همسفر موسی (ع) (یوشع) با آغاز سفر موسی و خضر (ع)، از آنان جدا شد . \*

فانطلقا حتّی إذا رکبا فی السفینه

در این آیه، نامی از همسفر

قبلی موسی (یوشع) مطرح نیست. ممکن است گفته شود، او در ادامه سفر، حضور نداشته و رخصتی برای او صادر نگردیده بود. توجه به ضمائر تنبیه (<فانطلقا>، <رکبا>) گواهی روشن بر این نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۴ - ۱

۱- خضر (ع) عذرخواهی موسی (ع) را پذیرفت و اجازه ادامه همراهی را به او داد .

فانطلقا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۲

۲- موسی و خضر (ع) در مسیر حرکت و سفر خویش ، به یک آبادی رسیدند و با اهل آن ملاقات کردند .

فانطلقا حتّی إذا أتیا أهل قریه

در این که چه شهری در مسیر موسی و خضر(ع) قرار داشته، احتمالات گوناگونی ارائه شده است. از جمله آن ها شهر <ناصره> است که در ساحل دریا قرار داشته است این وجه را مجمع البیان از امام صادق (ع) روایت کرده است.

مسافرت موسی(ع) با خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۲

۲- موسی و خضر (ع) در مسیر حرکت و سفر خویش ، به یک آبادی رسیدند و با اهل آن ملاقات کردند .

فانطلقا حتّی إذا أتیا أهل قریه

در این که چه شهری در مسیر موسی و خضر(ع) قرار داشته، احتمالات گوناگونی ارائه شده است. از جمله آن ها شهر <ناصره> است که در ساحل دریا قرار داشته است این وجه را مجمع البیان از امام صادق (ع) روایت کرده است.

مسئولیت پذیری خضر(ع)

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۱۴

۱۴- خضر (ع) از برخی حوادث آینده، آگاه بود و در برابر آن احساس مسؤولیت می کرد.

و کان وراءهم ملک يأخذ کلّ سفینه غصبًا

مسؤولیت خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۵

۵- حمایت نهایی از محرومان و تلاش سرّی در جهت منافع آنان، از جمله وظایف خضر (ع) بود.

فأردت أن أعيبها و کان وراءهم ملک يأخذ کلّ سفینه غصبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۵

۵- حمایت از ایمان مؤمنان و تلاش برای مصون داشتن آن از ضعف و زوال، از جمله مسؤولیت های خضر (ع) بود.

فخشینا أن یرهقهما طغینًا و کفرًا

معذوریت خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۶ - ۵

۵- موسی (ع) به معذور بودن خضر (ع) در جدا شدن از وی با مشاهده تخلف او از پیمان سکوت در برابر کار های آن حضرت، اعتراف کرد.

قال إن سألتک... قد بلغت من لدنی عذرًا

جمله <قد بلغت من لدنی عذرًا> یعنی: <از دیدگاه من، به عذری قابل قبول جهت ترک مصاحبت دست یافتی.> این جمله، به قرینه <قد>، مربوط به <إن سألتک...> نیست، بلکه اعتراف موسی(ع) به این است ترک مصاحبت تو با من، هم

اکنون نیز دلیل موجهی دارد، ولی طالب مهلتی دیگر هستم.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۸ - ۳

۳- خضر (ع) ، پس از آخرین تخلف موسی ، برای جدا شدن از او ، دلیل موجه و عذر پذیرفته شده داشت .

بلغت من لدنی عذراً .. قال لو شئت لَتَّخَذْتُ عَلَيْهِ أَجْرًا . قال هذا فراق بینی و بین

معلم خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۶ - ۷

۷- دانش ویژه خضر (ع) ، برگرفته از تعلیم خداوندی بود .

عَلَّمَنِي مِنَ لَدُنِّي عِلْمًا .. مِمَّا عَلَّمْتُ رَشَدًا

مقامات خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۵ - ۶

۶- حضرت خضر ، دارای مقام نبوت بود . \*

ءَاتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا

بدان احتمال که مراد از <رحمه من عندنا> نبوت باشد. آوردن ضمیر جمع در <عندنا> که حاکی از نقش وسایط در رحمت مورد نظر است و نیز اطلاق <رحمت> بر <نبوت> در برخی آیات دیگر، این احتمال را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۷ - ۶

۶- خضر ، دارای مرتبه ای برتر از موسی (ع) بود . \*

إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا

مکان ملاقات موسی (ع) با خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کھف - ۱۸ - ۶۴ - ۲، ۱

۱- مسأله ماهی و حرکت غیرعادی آن در آب ، نشانه ای برای جایگاه ملاقات موسی و خضر (ع) بود .

قال ذلک ما کنا نبغ

<بغی> به معنای <طلب> است

و <ذلك ما كنا نبغ> یعنی: <آنچه پیوسته در طلب او بودیم، همان علامت و نشانه است.>. یاء <نبغی> در پایان سخن موسی(ع) به منظور تخفیف کلام، حذف شده است.

۲- حضرت موسی(ع)، از رخداد علانمی برای یافتن جایگاه حضرت خضر(ع) قبلاً مطلع بود.

قال ذلك ما كنا نبغ

مکان ملاقات موسی(ع) و خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۰ - ۶

۶- موسی(ع) از امکان دسترسی به خضر، در محل تلاقی دو دریا، مطلع بود.

لأبرح حتى أبلغ مجمع البحرين

ملاقات با خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۰ - ۳

۳- حقایق آموزنده، در سرگذشت ملاقات موسی(ع) و خضر(ع) وجود دارد.

و إذ قال موسی لفتیه لأبرح

عالمی که موسی(ع) با او ملاقات کرده، بنابر آنچه که در روایات آمده است، حضرت خضر(ع) است و موسی(ع) نیز همان پیامبر معروف. گرچه در این موضوع آرای دیگری نیز ابراز شده، ولی به گفته علامه طباطبایی (ره) به دلیل یاد فراوان از موسی(ع) در قرآن، اگر غیر او مراد بود، قرینه ای در قرآن ذکر می گردید تا رفع التباس شود.

ملاقات خضر(ع) با اهل ناصره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۷ - ۲

۲- موسی و خضر(ع) در مسیر حرکت و سفر خویش، به یک آبادی رسیدند و با اهل آن ملاقات کردند.



فانطلقا حتّى إذا

در این که چه شهری در مسیر موسی و خضر(ع) قرار داشته، احتمالات گوناگونی ارائه شده است. از جمله آن ها شهر <ناصره> است که در ساحل دریا قرار داشته است این وجه را مجمع البیان از امام صادق (ع) روایت کرده است.

ملاقات خضر(ع) با نوجوان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۴ - ۲

۲- موسی و خضر (ع) پس از ماجرای کشتی ، از آن پیاده شده و در خشکی ، با نوجوانی برخورد کردند .

فانطلقا حتى إذا لقا غلامًا

<غلام> یعنی <کسی که سبیل او تازه رویده باشد>. (معجم مقاییس اللغه).

ملاقات موسی(ع) با خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۰ - ۳

۳- حقایقی آموزنده ، در سرگذشت ملاقات موسی (ع) و خضر (ع) وجود دارد .

و إذ قال موسی لفتیه لأبرح

عالمی که موسی(ع) با او ملاقات کرده، بنابر آنچه که در روایات آمده است، حضرت خضر(ع) است و موسی(ع) نیز همان پیامبر معروف. گرچه در این موضوع آرای دیگری نیز ابراز شده، ولی به گفته علامه طباطبایی (ره) به دلیل یاد فراوان از موسی(ع) در قرآن، اگر غیر او مراد بود، قرینه ای در قرآن ذکر می گردید تا رفع التباس شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۲ - ۴

۴- موسی (ع) بسیار مشتاق دیدار با خضر (ع) و ملاقات با او بود .

لأبرح حتى ... ءاتنا غداءنا لقد لقينا من سفرنا هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۳ - ۷

۷- شیطان، برای عدم ملاقات موسی و خضر (ع) تلاش می کرد.

فَأَنى نَسِيتَ . . . و ما أَنسِنِيه إِلاَّ الشَّيْطٰنُ أَن أَذْكَرَه

همسفر موسی با ادات حصر، فراموشی خود را، تنها، به شیطان منتسب کرد؛ یعنی، هیچ عامل دیگری در کار نبوده است. لذا این نتیجه به دست می آید که شیطان، به هر طریق، می خواسته که مانع ملاقات موسی و خضر (ع) شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۵ - ۱

۱- موسی (ع) و همسفرش، پس از بازگشت به مجمع البحرین، با خضر (ع) ملاقات کردند.

فَارْتَدَا عَلٰى ءَاثَارِهِمَا قَصَصًا . فوجدا

ملاقات یوشع (ع) با خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۵ - ۱

۱- موسی (ع) و همسفرش، پس از بازگشت به مجمع البحرین، با خضر (ع) ملاقات کردند.

فَارْتَدَا عَلٰى ءَاثَارِهِمَا قَصَصًا . فوجدا

منشأ عمل خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۲ - ۱۷

۱۷- همه کارهای شگفت خضر (ع)، به فرمان خداوند صورت گرفت و دیدگاه شخصی او در آن دخالتی نداشت.

رحمه من ربك و ما فعلته عن أمري

ضمير مفعولی در <ما فعلته> به قرینه ذیل آیه، به جامعِ تمام ماجراها برمی گردد، نظیر <آنچه دیدی> یا <آنچه انجام دادم>.

منشأ قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۲۲

۲۲- رخداد های داستان خضر و موسی (ع) ، برخاسته از اراده خداوند و دارای تفسیری پیچیده و نیازمند آگاهی هایی ویژه است که از جانب او افاضه شود .

و ما فعلته عن امری ذلک تأویل ما لم تسطع علیه صبرًا

موانع غصب کشتی قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۱۰

۱۰- معیوب بودن کشتی حامل خضر و موسی (ع) ، عامل صرف نظر پادشاه غاصب از تصرف و مصادره آن شد .

فأردت أن أعيبها و كان وراءهم ملك يأخذ كل سفينة غصبا

ناپسندی عمل خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۱ - ۸

۸- آسیب رساندن خضر (ع) به کشتی ، امری بس ناروا و غیرقابل توجیه در نظر موسی (ع) بود .

لقد جئت شيئًا إمراً

<إمراً> به معنای <منکر عظیم> و نیز <منکر عجیب> آمده است. (لسان العرب).

نبوت خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۵ - ۶

۶- حصرت خضر ، دارای مقام نبوت بود . \*

بدان احتمال که مراد از <رحمة من عندنا> نبوت باشد. آوردن ضمیر جمع در <عندنا> که حاکی از نقش وسایط در رحمت مورد نظر است و نیز اطلاق <رحمت> بر <نبوت> در برخی آیات دیگر، این احتمال را تأیید می کند.

نسل والدین نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸

۸- > عن أبي عبد الله (ع) في قول الله: > فأردنا أن يبدلهم ربهما خيراً منه... < قال: > إته ولدت لهما جارية فولدت غلاماً فكان نبياً. < ;

از امام صادق(ع) درباره این سخن خدا >فأردنا أن يبدلهم ربهما خيراً منه..< روایت شده که فرمود: >همانا، برای آن دو (پدر و مادر مقتول) دختری متولد شد و آن دختر، پسری به دنیا آورد که پیامبر شد.<

۹- > عن أبي عبد الله (ع) :... [في قول الله عز وجل] > فأردنا أن يبدلهم ربهما خيراً منه زكاه و أقرب رحماً < : > أبدلهم الله به جارية ولدت سبعين نبياً. < ;

از امام صادق(ع) [درباره این سخن خدای عزوجل] >فأردنا أن يبدلهم ربهما خيراً منه زكاه..< روایت شده: خداوند، به آن دو (پدر و مادر مقتول) به جای او (مقتول) دختری داد که هفتاد پیغمبر از نسل او متولد شدند.<

نشانه های مکان ملاقات با خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۴ - ۱،۲

۱- مسأله ماهی و حرکت غیرعادی آن در آب ، نشانه ای برای جایگاه ملاقات موسی و خضر (ع) بود .

قال ذلك ما كُنَّا نَبِغُ

>بغی< به معنای >طلب< است و >ذلك ما كُنَّا نَبِغُ< یعنی: >آنچه پیوسته در طلب او بودیم، همان علامت و نشانه است.<  
<. یاء >نبغی< در پایان سخن موسی(ع) به منظور تخفیف کلام، حذف شده است.

۲- حضرت موسی (ع) ، از رخداد علائمی برای یافتن

جایگاه حضرت خضر (ع) قبلاً مطلع بود .

قال ذلک ما کنا نبغ

نعمتهای خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۵ - ۸

۸- حضرت خضر (ع) از علم مخصوص و موهبتی خداوند ، ( علم لدنی ) ، برخوردار بود .

و علمنه من لدنا علماً

<من لدنا> و <من عندنا> در معنا تفاوتی ندارند و هر دو، بر داشتن منشأ الهی، دلالت می کنند.

نقش خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۸

۸- خضر (ع) کارگزار اوامر الهی بود و نه مجری خواسته های شخصی خود .

فخشینا أن یرهقهما

ضمیر <نا> در <خشینا> می تواند اشاره به مطلب بالا داشته باشد. جمله <و ما فعلته عن امری> در آیات بعد نیز بر این نکته تصریح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۱ - ۲

۲- خضر (ع) و همطرازان او ، مجریان اراده خداوند هستند .

فأردنا أن یدلھما ربھما

با این که گوینده سخن در <أردنا> فقط خضر(ع) بوده، ولی ضمیر جمع آورده شده است. به نظر می رسد که خضر(ع) می خواهد این نکته را تفهیم کند که او، در این تصمیم، مستقل نیست، بلکه اراده خداوند، پشتیبان کار است. از سوی دیگر



<رَبِّ> را فاعل <بیدل> ذکر کرد تا نقش پردازِ اصلیِ صحنه را مشخص سازد و طولی بودن اراده خود با اراده خدا را بیان کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کَهِف - ۱۸ -

۱۷- همه کارهای شگفت خضر (ع)، به فرمان خداوند صورت گرفت و دیدگاه شخصی او در آن دخالتی نداشت.

رحمه من ربك و ما فعلته عن أمري

ضمیر مفعولی در <ما فعلته> به قرینه ذیل آیه، به جامع تمام ماجراها برمی گردد، نظیر <آنچه دیدی> یا <آنچه انجام دادم>.

نقش نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۴

۴- پدر و مادر نوجوان مقتول، در صورت زنده ماندن فرزندشان، ناخواسته و تحت تأثیر فرزند خویش قرار گرفته و ناخواسته به طغیان و کفر کشانده می شدند.

فكان أبواه مؤمنين فخشينا أن يرهقهما

والدين نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۱،۴

۱- هدف خضر (ع) از قتل نوجوان، مصون داشتن پدر و مادر وی از کفر و طغیان بود.

و أما الغلم .. فخشينا أن يرهقهما طغياناً و كفرًا

<إرهاق> یعنی: <وادار ساختن کسی بر کاری که انجام آن برای او دشوار و طاقت فرسا است>. (قاموس).

۴- پدر و مادر نوجوان مقتول، در صورت زنده ماندن فرزندشان، ناخواسته و تحت تأثیر فرزند خویش قرار گرفته و ناخواسته به طغیان و کفر کشانده می شدند.

فكان أبواه مؤمنين فخشينا أن يرهقهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- هدف خضر (ع) از قتل نوجوان ، فراهم ساختن زمينه ای مناسب برای دستیابی پدر و مادر وی به فرزندى پاک تر و

مهربان تر بود .

فأردنا أن يبدلهما ربّهما خيراً منه زكوه و أقرب رحماً

مراد از <زکاه> در آیه، طهارت و پاکی از گناه است و <رُحْم> و <رحمت> به یک معنا است. گرچه خضر(ع) در این سخن، پاکی و مهربانی را برای نوجوان مقتول انکار نکرده است، ولی ممکن است به تناسب گفته موسی(ع) که نوجوان مقتول را <نفس زکیه> خواند، سخن خود را در قالب اسم تفضیل آورده است، لکن در حقیقت، نوجوان مقتول، یا فاقد رحمت و پاکی بوده و یا آینده او به گناه و بی رحمی می انجامید.

وسعت علم خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۶ - ۹

۹- علوم لدنی خضر ، دامنه گسترده ای داشت .

تعلمن ممّا علّمت

<من> در <ممّا> معنای تبعیض دارد. موسی(ع) با این تعبیر، می گوید: <من، خواهان آموختن بخشی از آن علوم گسترده توأم>.

وعده های خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۰ - ۵

۵- خضر (ع) به موسی (ع) وعده داد که در نهایت ، بخشی از اسرار کار خود را برای او تبیین خواهد کرد .

أحدث لك منه ذكراً

<من> در <منه> برای تبعیض است و گویای این که خضر، تنها، به بیان گوشه ای از ویژگی های کردار خویش وعده داد.

هشدارهای خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- خضر (ع) برای دومین بار و با صراحتی افزون تر در مورد بی صبری و پرسش های بی جای موسی

(ع) ، به او تذکر و هشدار داد .

لقد جئت شيئًا نكراً . قال ألم أقل لك

در دومین تذکر، خضر(ع) عبارت <لكك> آمده است. اضافه شدن این عبارت و تصریح به این که آن سخن در مورد شخص موسی(ع) صادر شده بود، گویای تأکید خضر(ع) بر موجه نبودن اعتراض موسی(ع) است.

همراهی موسی(ع) با خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۷ - ۱،۲

۱- خضر ، موسی (ع) را از تحمّل همراهی با وی ، برای فراگیری علوم ویژه ، ناتوان دید .

هل أتبعك .. قال إنك لن تستطيع معي صبرًا

۲- خضر (ع) به موسی (ع) توصیه کرد به دلیل نداشتن قدرت تحمّل ، از همراه شدن با او صرف نظر کند .

إنك لن تستطيع معي صبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۰ - ۱،۲

۱- خضر ، با درخواست موسی (ع) در مورد همراهی با او ، به صورت مشروط ، موافقت کرد .

قال فإن اتبعني فلا تسألني عن شيء

۲- شرط خضر برای همراهی موسی (ع) با او ، سؤال نکردن از چیزی قبل از توضیح خود او بود .

فلا تسألني عن شيء حتى أحدث لك منه ذكراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۱ - ۱،۲

۱- موسی (ع) با پذیرش شروط خضر ، همراه او حرکت کرد .

فانطلقا حتّى إذا ركبا في السفينه

<انطلاق> به معنای <روانه شدن و حرکت کردن> است. <فاء> در <فانطلقا> دلالت دارد

که موسی(ع) شرایط خضر را پذیرفت و خضر(ع) به همراهی وی رخصت داد.

۲- موسی و خضر (ع) در نخستین مراحل همراهی ، سوار کشتی شدند .

فانطلقا حتّی إذا رکبا فی السفینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۳ - ۹

۹- موسی بر همراهی با خضر (ع) مصرّ بود .

لا تَوَاخِذُنِي .. و لا ترهقني من أمری عسرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۴ - ۱

۱- خضر (ع) عذرخواهی موسی (ع) را پذیرفت و اجازه ادامه همراهی را به او داد .

فانطلقا

یتیمی مالک دیوار قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۲

۲- دیوار ترمیم شده به دست خضر (ع) در مالکیت دو پسر بچه یتیم بود .

و أمّا الجدار فكان لغلمین یتیمین

**خط از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما**

خط

آثار قبول خط مشی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۸ - ۵

۵ - مسلمان های ضعیف الایمان که خط مشی سیاسی منافقان را دارند ، در صفوف آنان جا دارند .

و القائلین لاخونهم

تاریخ خط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۸ - ۷

۷ - وجود خط و فن کتابت در عصر سلیمان (ع)

اذهب بکتبی هذا

تبیین خط مشی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۵ - ۴،۵

۴ ترسیم راه و روش صالحان، از اهداف

تبیین آیات قرآن

و كذلك نفصل الأيت و لتستبين سبيل المجرمين

بیان راه و روش مجرمان، با بیان راه و روش مجرمان، با بیان راه و روش صالحان، که نقطه مقابل مجرمان است، ملازمه دارد و بیان یکی از دو ضد، مآلاً- بیان دیگری نیز خواهد بود. لذا برخی گفته اند جمله <و لتستبين> عطف بر جمله محذوف <لتستبين سبيل المؤمنين> است.

۵ ترسیم راه و روش صالحان و مجرمان باید از محورهای اساسی تبلیغ باشد.

و كذلك نفصل الأيت و لتستبين سبيل المجرمين

چون در آیه ترسیم راه و روش مجرمان و صالحان به عنوان هدفی بارز برای تفصیل آیات بیان شده، می توان این پیام را در موضوع تبلیغ از آن دریافت کرد.

تبیین خط مشی مجرمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۵ - ۳،۵

۳ روشن ساختن راه و روش مجرمان، از اهداف تفصیل و تبیین آیات قرآن

و كذلك نفصل الأيت و لتستبين سبيل المجرمين

۵ ترسیم راه و روش صالحان و مجرمان باید از محورهای اساسی تبلیغ باشد.

و كذلك نفصل الأيت و لتستبين سبيل المجرمين

چون در آیه ترسیم راه و روش مجرمان و صالحان به عنوان هدفی بارز برای تفصیل آیات بیان شده، می توان این پیام را در موضوع تبلیغ از آن دریافت کرد.

خط در دوران سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۸ - ۷

۷- وجود خط و فن کتابت در عصر سلیمان (ع)

اذهب بکتبی هذا

خط مشی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴

۱ منافقان به هنگام پیروزی مسلمانان ، خود را یاور آنان و به گاه غلبه کافران ، خود را طرفدار و عامل پیروزی ایشان جلوه می دهند .

الذین یتربصون بکم .. قالوا ألم نستحوذ علیکم

<الذین یتربصون>، بدل برای <الذین یتخذون> است و توضیح دهنده ویژگیهای منافقان.

۳ رسیدن به دنیا و تأمین منافع شخصی ، تعیین کننده خط مشی منافقان در برقراری روابط دوستی و اجتماعی است .

الذین یتربصون بکم .. ألم نستحوذ علیکم

۴ شرکت منافقان در جنگ ، تنها برای تأمین منافع شخصی و سهم شدن در غنایم جنگی است .

الذین یتربصون بکم فإن کان لکم فتح من الله .. و نمنعکم من المؤمنین

ظاهراً مراد از جمله <الم نکن معکم> شرکت در جهاد و همراهی مسلمانان در جنگ است.

خط مشی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۷ - ۱۰

۱۰ حب و بغض خداوند ، باید تعیین کننده خط مشی مؤمنان باشد .

و لاتجدل .. إن الله لایحب من کان خواناً ائیماً

چون جمله <ان الله ..>، بیان علتی برای <لاتجدل> است و دلالت بر این دارد که دوستی و دشمنی خدا باید میزان حرکتها و توقفها قرار گیرد.

### خطا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خطا

آثار خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۶ - ۱۱

۱۱ خطا و نسیان ، از موانع رشد انسان \*

رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۶ - ۳

۳ - ارتکاب هر

عمل خطا و ناپسند ، ظلم به خویشان است .

قال ربّ إني ظلمت نفسي فاغفرلي

آثار قتل خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۲۴

۲۴ قتل خطائی ، موجب دوری قاتل از رحمت خدا خواهد شد .

و ما كان لمؤمن ان يقتل مؤمناً الا خطا .. توبه من الله

توبه به معنای بازگشت است و توبه خدا بر بنده به معنای بازگشت رحمت و لطف خداوند به بنده خویش است. بنابراین معلوم می شود در قتل خطائی نیز خداوند آدمی را از رحمت و لطف خویش دور می سازد تا اینکه کفّاره آن را پردازد.

اقرار به خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۶

۶ اعتراف به خطا و اظهار تذلل و عبودیت به درگاه خداوند، از آداب استغفار است.

ربنا ظلنا أنفسنا و إن لم تغفر لنا و ترحمنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۱ - ۸،۹

۸ تأکید و اقرار برادران یوسف به ارتکاب خطا در حق برادرشان یوسف (ع)

و إن كنا لخطئین

<إن> در جمله فوق به اصطلاح مخففه از مثله (إن) است. دلیل آن حرف <لام> در <لخطئین> می باشد.

۹ برادران یوسف در حضور او به گناه و خطای خویش اعتراف نموده و از رفتار گذشته خود اظهار ندامت کردند .

و إن كنا لخطئين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۴

۴ یوسف (ع) پس از اعتراف برادرانش به خطا

، هر گونه سرزنش آنان را از ناحیه خویش و دیگران ، ناروا شمرد .

لا تثریب علیکم الیوم

کلمه <تثریب> نکره است و پس از حرف نفی (لا) قرار گرفته است. از این رو شامل هر گونه ملامت می شود. یاد نکردن از فاعل (سرزنش کننده) دلالت بر عموم دارد ؛ یعنی، هیچ کس نه من و نه دیگری. جمله <لا تثریب علیکم الیوم> جمله ای خبری و در مقام انشا و دستور است ؛ یعنی، نباید شما ملامت شوید و یا نباید هیچ کس شما را ملامت کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۶ - ۲

۲ - اعتراف صریح موسی (ع) در پیشگاه پروردگار ، به اشتباه خویش در قتل مرد قبطی و درخواست آمرزش از ساحت او و نجات از شرّ فرعونیان

قال ربّ إني ظلمت نفسي فاغفرلي

مقصود موسی(ع) از آمرزش در <اغفرلی> زدوده شدن پی آمد کار وی و رهایی از انتقام فرعونیان است.

اقسام خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۴ - ۴

۴- هفت جرم و راه خطا در دنیا وجود دارد که به جهنم منتهی می شود .

إن جهنم .. لها سبعة أبواب لكل باب منهم جزء مقسوم

انبیا و خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۳ - ۲۲،۲۴

۲۲ موسی (ع) با مشاهده اثر تجلی خدا ( انهدام کوه ) تقاضای رؤیت خداوند را ناروا دانست و به درگاه الهی توبه کرد .

فلما أفاق قال سبحنك تبت إليك





ع) بدون هیچ درنگ پس از دریافت حقیقت (ناشدنی بودن رؤیت خدا) آن را پذیرفت و بدان اعتراف کرد.

قال .. و أنا أول المؤمنين

متعلق <المؤمنین> به قرینه فرازهای قبل (بانک لا تری) است. کلمه <اول> در جمله <أنا أول المؤمنين> علاوه بر معنای مقدم بودن، معنای تأخیر نکردن را نیز می‌رساند. زیرا صحت این ادعا که شخص بخواهد اول مؤمن باشد، به این است که بی درنگ حقیقت رخ نموده را باور کند و به آن ایمان آورد، و گرنه این احتمال منتفی نیست که دیگری در این فاصله ایمان آورد و او نتواند اول مؤمن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۱۴

۱۴ خداوند، مراقب پیامبران و توجه دهنده آنان به خطاها و لغزشهایشان

إن ابني من أهلي .. إنه ليس من أهلك ... فلا تسئلن ما ليس لك به علم

انتساب خطا به دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۷

۷ - مشرکان، در قیامت خطاهای خود را به یکدیگر نسبت خواهند داد.

و لو ترى إذ الظلمون موقوفون عند ربهم يرجع بعضهم إلى بعض القول

اندوه از خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۰ - ۹

۹ - موحدان راستین، در خوف و هراس نسبت به سرنوشت اخروی خویش و اندوهناک از خطاها و لغزشهای خود

إن الذين قالوا ربنا الله ثم استقموا.. ألا تخافوا ولا تحزنوا

بنابراین نکته که نزول ملائکه در دنیا و

یا به هنگام مرگ باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

ایمان و خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۳ - ۸

۸ عدم تنافی ایمان و تقوا، با وجود بعضی از خطاها و کاستی های قابل غفران در زندگی فرد

الذین امتحن الله قلوبهم للتقوی لهم مغفره

نوید به مغفرت، در جایی مفید خواهد بود که لغزش و یا احتمال لغزش، وجود داشته باشد.

پشیمانی از خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۱ - ۹

۹ برادران یوسف در حضور او به گناه و خطای خویش اعتراف نموده و از رفتار گذشته خود اظهار ندامت کردند .

و إن کنا لخطئین

پیشگامان در ایمان و خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۰ - ۷

۷ - مؤمنان ، حتی پیشتازان ایمان ( مهاجران و انصار ) ، فاقد مصونیت از خطا و نیازمند غفران الهی

و الذین جاءو من بعدهم یقولون ربنا اغفر لنا ولإخوتنا الذین سبقونا بالایمن

از تأیید خداوند نسبت به استغفار برای پیشتازان راه ایمان، به جا بودن این دعا و نیاز آنان استفاده می شود.

تقوا و خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ عدم تنافی ایمان و تقوا، با وجود بعضی از خطاها و کاستی های قابل غفران در زندگی فرد

الذین امتحن الله قلوبهم للتقوی لهم مغفره

نوید به مغفرت، در جایی مفید خواهد بود که لغزش و یا احتمال لغزش، وجود داشته باشد.

توبه از قضاوت خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۲۴

۲۴ - لزوم توبه و بازگشت سریع از خطا هنگام رخ دادن کمترین اشتباه در داوری

فاستغفر ربّه و خزّ را کفّاً و أناب

تهمت خطا به یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۱،۲

۱ بستگان یعقوب باور به زنده بودن یوسف (ع) را خطای دیرینه یعقوب (ع) و اصرار بر آن را برخاسته از کژاندیشی می شمردند .

إنك لفي ضللك القديم

مقصود فرزندان و بستگان یعقوب از خطای دیرینه وی (ضللك القديم) می تواند اعتقاد او به زنده بودن یوسف (ع) و یا برتر دانستن وی بر دیگر فرزندان باشد. هر چند بعید نیست که هر دو معنا نیز مراد باشد.

۲ بستگان یعقوب با سوگند ، وی را به کژروی و ارتکاب خطا در برتر دانستن یوسف (ع) و محبت بیش از حد به وی متهم کردند .

إنك لفي ضللك القديم

حقیقت قتل خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۳۱

۳۱ قتل خطائی آن است که چیزی غیر از مقتول ، هدف باشد ، لیکن به اشتباه ، مقتول هدف قرار گیرد .

و ما كان لمؤمن ان يقتل مؤمناً الا خطأ .. و من قتل مؤمناً خطأً

امام صادق (ع) فرمود: .. و الخطأ من اعتمد شيئا فاصاب غيره.

---

کافی، ج ۷، ص ۲۷۸، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۰، ح ۴۷۵.

خطا در ارزشگذاری

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۵ - ۱۵

۱۵- انسان ، در ارزش گذاری ها و تعیین ارزش های برتر ، دچار خطا می شود .

و لا تتشروا .. ثَمَّنًا قَلِيلًا إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لِّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۷ - ۹

۹ - امکان خطا کردن انسان ، در ارزیابی ملموس ترین رفتار زشت و زیبای خویش

و قال فرعون يهمن ابن لي صرْحًا .. كَذَلِكَ زَيْنَ لِفِرْعَوْنَ سَوْءَ عَمَلِهِ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که فرعون با وجود مشاهده معجزات و شنیدن دلایل روشن و انکارناپذیر موسی(ع) اقدام به کاری نابخردانه (ساختن بنایی بلند برای آگاهی از خدا. ..) کرده بود. خداوند نیز این اقدام را نمونه ای از کارهای زشت فرعون، دانسته است که در نظر او زیبا و پسندیده می نمود.

خطا در ارزیابی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۷

۷ - امکان خطا کردن انسان ، در ارزیابی رفتار خود و خوب و بد آن

أَفَمَن زَيْنَ لَهُ سَوْءَ عَمَلِهِ فَرَّاهُ حَسَنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۷ - ۹

۹ - امکان خطا کردن انسان ، در ارزیابی ملموس ترین رفتار زشت و زیبای خویش

و قال فرعون يهمن ابن لي صرْحًا .. كَذَلِكَ زَيْنَ لِفِرْعَوْنَ سَوْءَ عَمَلِهِ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که فرعون با وجود مشاهده معجزات و شنیدن دلایل روشن و انکارناپذیر موسی(ع)





بنایی بلند برای آگاهی از خدا. ..) کرده بود. خداوند نیز این اقدام را نمونه ای از کارهای زشت فرعون، دانسته است که در نظر او زیبا و پسندیده می نمود.

خطا های قابل بخشش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۳ - ۱۰

۱۰ خطا و لغزش رهبر جامعه و فرماندهان نظامی ، قابل اغماض و بخشش

عفا الله عنك لم اذنت لهم حتى يتبين لك الذين صدقوا

خطا های قبل از اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۲ - ۵

۵ - در صورتی که کافران محارب ایمان آورند ، نباید بر خطا های پیشینشان ( کشتن مسلمانان ، فتنه انگیزی و ... ) مورد مؤاخذه قرار گیرند .

فإن انتهوا فإن الله غفور رحيم

خطای آشکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۶ - ۱

۱ - اعراض از قرآن و روی آوردن به غیر آن ، شگفت آور و خطایی آشکار است .

فأین تدهیون

استفهام توییخی در آیه شریفه، علاوه بر سرزنش خطاکاران، بر تعجب از آن خطا نیز دلالت دارد.

خطای بزرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - ایمان نیاوردن به خدای بزرگ و بی تفاوتی در برابر گرسنگی بینوایان ، خطایی بزرگ و نابخشودنی

إِنَّهٗ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ . وَلَا يَحْضُرُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ ... لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَطَّ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که خداوند، از کسانی که ایمان نمی آوردند و.

...، تعبیر به <خاطئون> کرده است.

خطای نابخشودنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۷ - ۲

۲ - ایمان نیاوردن به خدای بزرگ و بی تفاوتی در برابر گرسنگی بینوایان، خطایی بزرگ و نابخشودنی

إِنَّهٗ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ . وَلَا يَحِضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ ... لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخِطَّ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که خداوند، از کسانی که ایمان نمی آوردند و ...، تعبیر به <خاطئون> کرده است.

داود(ع) و خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۲۵، ۲۲، ۲۱، ۱۹، ۱۸

۱۸ - استغفار داوود (ع) از پروردگار، در پی گمان به رخ دادن اشتباهی در داوری میان متخاصمان

و ظنّ داود أنّما فتّنه فاستغفر ربّه

۱۹ - داوود (ع)، شیوه داوری خود درباره برادران متخاصم را خطا دانست .

قال لقد ظلمك بسؤال نعجتك .. و ظنّ داود أنّما فتّنه فاستغفر ربّه

در این که استغفار داوود(ع) درباره چه اشتباهی بود، میان مفسران چند دیدگاه وجود دارد؛ از جمله بهترین و موافق ترین آنها با آیه شریفه، مسأله نشنیدن دفاع برادر متهم و شتاب در داوری است. گفتنی است برخی از روایات مربوط به آیه، مؤید همین برداشت است (تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۵).

۲۱ - به سجده افتادن داوود (ع) به درگاه خداوند پس از گمان خطا کردنش در داوری میان برادران متخاصم

و خرّ راکعاً

مقصود از <خرّ راکعاً> مطابق نظر بیشتر مفسران سجده است.

۲۲ - انابه و توبه داوود (ع) به درگاه خداوند ، پس از

۲۵ - > عن الرضا (ع) : . . . بعث الله عزوجل إلى داود الملكين فتسورا المحراب فقالا خصمان بغى بعضنا على بعض فاحكم بيننا بالحق إن هذا أخي له تسع و تسعون نعجه . . . فعجل داود (ع) على المدعى عليه فقال لقد ظلمك . . . و لم يسئل المدعى البينه على ذلك و لم يقبل على المدعى عليه فيقول له ما تقول فكان هذا خطيئه رسم الحكم ;

از امام رضا(ع) روایت شده که خداوند عزوجل دو فرشته را فرستاد تا از دیوار محراب داوود بالا رفتند و بر او وارد شدند و گفتند: دو نفر هستیم که یکی بر دیگری ستم کرده است؛ پس بین ما به حق داوری کن. یکی از آنان گفت: این برادر من است که ۹۹ میش دارد و... داوود در حکم عجله کرد و گفت: برادرت به تو ظلم کرده... و از مدعی بیینه نخواست و به مدعا علیه هم نگفت تو چه می گویی؟ و این یک خطا در شیوه دادرسی بود.

دیه قتل خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۳۵، ۳۳، ۳۲، ۲۵، ۲۳، ۷

۷ خونب های قتل از روی خطا ، باید به طور کامل تسلیم خانواده مقتول گردد .

و من قتل مؤمنا خطأ . . و دیه مسلّمه الی اهله

در معنای کلمه <مسلّمه> گفته شده است: <المدفوعه الیهم موفّره غیر منقّصه>. یعنی باید به طور کامل و بدون هیچ کاستی تسلیم شود. <مجمع البیان>.

۲۳ قاتل در قتل خطائی ، در صورت ناتوانی

از آزادسازی برده با ایمان ، باید دو ماه پیاپی روزه بگیرد .

فمن لم يجد فصيام شهرين متتابعين

۲۵ پرداخت خونبها ، آزاد کردن برده مؤمن و یا گرفتن روزه ، در قتل خطائی ، زمینه پذیرش توبه قاتل از جانب خداوند

و من قتل مؤمناً خطأ .. توبه من الله

<توبه>، مفعول له است و بیانگر فلسفه احکام بیان شده در قتل خطائی. یعنی بنده ای را آزاد کنید یا روزه بگیرید و خونبها هم بدهید، تا خداوند رحمتش را شامل حال شما کند و توبه شما را بپذیرد.

۳۲ آزاد کردن بنده مؤمن در قتل خطائی ، ادای حق خداوند و پرداخت دیه آن ، ادای حق اولیای مقتول است .

و من قتل مؤمناً خطأ فتحرير رقبة مؤمنة و ديه مسلمة الى اهله

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: اما تحرير رقبة مؤمنة ففیما بینہ و بین الله و امّا الدّیة المسلمة الى اولیاء المقتول ..

---

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۶۲، ح ۲۱۷؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۰، ح ۴۷۳.

۳۳ کافی نبودن آزادسازی کودک برده به عنوان کفاره کشتن مؤمن از روی خطا

و من قتل مؤمناً خطأ فتحرير رقبة مؤمنة

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از جواز آزاد نمودن کودک برده در کفاره فرمود: کلّ العتق يجوز فيه المولود الّما فی کفّاره القتل فانّ الله عزّ و جلّ يقول: <فتحرير رقبة مؤمنة> یعنی بذالك مقرة قد بلغت الحنث.

---

کافی، ج ۷، ص ۶۴۳، ح ۱۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۱، ح ۴۸۳.

۳۵ قاتل ، معاف از پرداخت دیه مؤمن مقتول به قتل خطائی ، در صورت مشرک

فان كان من قوم عدولکم و هو مؤمن فتحریر رقبه مؤمنه

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: اذا كان من اهل الشرك فتحریر رقبه مؤمنه فیما بینہ و بین اللہ و لیس علیه دیه . . .

---

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۶۳، ح ۲۱۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۰، ح ۴۷۴.

زمینه خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۴ - ۱۱

۱۱- نسیان، از آفات مدیریت و زمیه ساز بروز کاستی ها، خطاها و تخلفات است.

و ما نَنْتَظِرُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ... و ما كان ربك نسيًا

به کسی که سیاست گذار و مدبر امور کسی باشد <رب> گفته می شود (برگرفته از مصباح).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۹ - ۱۳

۱۳- همه انسان ها، حتی پیامبر (ص) و مؤمنان واقعی، در معرض خطا و لغزش و نیازمند غفران الهی

و استغفر لذنبك و للمؤمنين و المؤمنات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۸ - ۲

۲ - هیچ انسانی از خطا مصون نبوده و بر کیفر نشدن خویش اطمینان ندارد.

إنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - غفلت از آزمایش بودن نعمت ها ، مایه خطا در تحلیل عوامل پیشرفت های اقتصادی

ابتلیه ربّه .. فبقول ربی أکرمن

عصمت از خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴



۱ پیامبر ( ص ) ، معصوم از گناه و مصون از خطا و لغزش

و لولا فضل الله عليك و رحمته لهتم طائفه منهم ان يضلوك

۲ فضل و رحمت خاص الهی بر پیامبر ( ص ) ، موجب مصونیت وی از خطا و لغزش

و لولا فضل الله عليك و رحمته لهتم طائفه منهم ان يضلوك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۱۴

۱۴ - فرشتگان ، مصون از خطا و معصوم از گناه و نافرمانی اند .

لايعصون الله ما أمرهم و يفعلون ما يؤمرون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <لايعصون الله..> عصمت فرشتگان و <يفعلون ما يؤمرون> اشاره به مصونیت آنان از خطا در انجام وظایف داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۸ - ۲

۲ - پیامبران ، معصوم و مصون از خطا در ابلاغ کامل پیام های الهی به مردم

ليعلم أن قد أبلغوا رسلت ربهم

عفو از خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۳ - ۱۲

۱۲ گذشت از گناه گوساله پرستان تائب و نادیده انگاشتن خطای آنان پس از بازگشت به توحید و پرستش خدای یکتا ،  
توصیه خداوند به موسی ( ع ) \*

إن ربك من بعدها لغفور رحيم

برداشت فوق با توجه به دومین احتمالی است که در توجیه خطاب به موسی (ع) ذکر شد. یعنی <ربك> اشاره به این معنا باشد که ای موسی تو نیز متخلق به اخلاق الهی باش و از

خطاها و لغزشها در گذر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۲ - ۱۶

۱۶ - گذشت از خطاها در عین توانمندی بر انتقام و کیفر، کاری است شایسته و خداپسندانه.

أنا أدعوكم إلى العزيز الغفر

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند در عین این که عزیز و شکست ناپذیر است، با گذشت و آمرزنده نیز می باشد و همه بندگان گناه کارش را به توبه فرامی خواند؛ در حالی که توانایی هرگونه انتقام گرفتن از آنان را دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ - عفو، چشم پوشی و بخشودن دشمنی ها و خطاهای مردمان، توصیه خداوند به مؤمنان

و إن تعفوا و تصفحوا و تغفروا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که آیه شریفه در صدد بیان یک اصل در برخورد با دیگران باشد؛ نه در خصوص برخورد با همسران و فرزندان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۶ - ۱۰

۱۰ - بخشودن خطاها و بخشیدن عطاها، شیوه خداوند برای رشد و تربیت انسانها است.

برَبِّكَ الْكَرِيمِ

<الکریم> وصفی است که <رَبِّكَ> را توضیح داده و گوشه ای از ربوبیت خداوند را برجسته کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۱۶، ۱۳، ۱۲

۱۲ گذشت از خطاکاران، و طلب آمرزش برای ایشان و مشورت در امور اجتماعی، وظیفه پیامبر (ص) نسبت به مسلمانان



و استغفر لهم و شاورهم فی الامر

۱۳ گذشت از خطای مردم و طلب آموزش برای آنان و نیز مشورت با مسلمانان در مسائل اجتماعی ، نمودی از مهربانی و خُلق خوش پیامبر ( ص )

و لو كنت فظًا غليظ القلب .. فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم فی الامر

تفریع جمله <فاعف عنهم و .. > بر جمله های پیشین، که بیانگر خُلق خوش پیامبر (ص) است، در حقیقت اشاره به مصادیق و نمونه هایی از خوی نیکوی پیامبر (ص) دارد. گفتنی است که امر به عفو و ... به معنای ادامه دادن آن است.

۱۶ عفو از خطاکاران پیکار احد ، تکلیف الهی پیامبر ( ص )

فاعف عنهم و استغفر لهم

به مقتضای ارتباط این آیه با آیات نبرد احد، از جمله افراد مورد نظر که پیامبر (ص) موظف به نادیده گرفتن خطای آنان است، خطاکاران نبرد احد می باشند.

عفو خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۳ - ۸

۸ پیامبر ( ص ) ، موظف به چشمپوشی از خطای کسانی که از مراجعه به طاغوت ، اظهار ندامت کردند .

ثم جاؤك يحلفون بالله ان اردنا الا احساناً .. فاعرض عنهم

کلمه <اعراض>، به قرینه <عظهم> (آنان را نصیحت کن) ، به معنای اعراض از عقوبت و خطای آنان است، نه به معنای دوری از آنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۸ - ۲

۲ به کافران ستیزه گر عصر بعثت ابلاغ شد در صورت ترک مخاصمه علیه اسلام ، از خطا های گذشته

آنها چشمپوشی خواهد شد .

قل للذین کفروا إن ینتھوا یغفر لهم ما قد سلف

درباره متعلق <إن ینتھوا> دو نظر ابراز شده است: یکی کفر و دیگری اعمالی که در آیه ۳۶ مطرح شد ؛ یعنی سرمایه گذاریها و شرارتهای علیه اسلام. جمله <إن یعودوا> نظر دوم را تقویت می کند. گفتنی است بر این مبنا مراد از <یغفر لهم ... > انتقام نگرفتن از شرارتهای گذشته کافران است.

عوامل خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱ - ۶

۶- شتابزدگی انسان ، عامل اشتباه وی در شناخت سود و زیان واقعی خود

و یدع الإنسان بالشرّ دعاءه بالخیر و کان الإنسان عجولاً

جمله <و کان الإنسان عجولاً> در مقام تعلیل برای <و یدع الإنسان... > است ؛ یعنی، چون انسان عجول است، شر و خیر و سود و زیان خویش را یکسان می بیند و به دنبال هر دو می شتابد.

فرجام خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۴ - ۴

۴- هفت جرم و راه خطا در دنیا وجود دارد که به جهنم منتهی می شود .

إن جهنم .. لها سبعة أبواب لكلّ باب منهم جزء مقسوم

فرصت اقرار به خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۲

۲ - توبه و اقرار به خطا ها ، تنها در فرصت زندگی دنیا دارای تأثیر است ؛ و نه در آخرت .

و لن ينفعكم اليوم إذ ظلمتم

قتل خطأ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٣ - نساء - ٤

۲۷ لزوم احتیاط برای حفظ نفوس و سعی در پیشگیری از وقوع قتل خطائی

و من قتل مؤمناً خطاً .. توبه من الله

اگر چنین احتیاطی لازم و ضروری نبود، نباید خداوند به خاطر کاری که از اختیار انسان خارج است، وی را از رحمت خویش دور سازد.

قرآن و خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۱۱

۱۱ - قرآن از خطا و انحراف ، منزه و پیراسته است .

صحفاً مطهره

کفارہ قتل خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۳۴، ۱۲، ۶، ۵

۵ ضرورت پرداخت خونبها علاوه بر کفارہ در صورت کشتن مؤمن از روی خطا

و من قتل مؤمناً خطاً .. و ديه مسلّمه الی اهله

۶ کفارہ کشتن مؤمن از روی خطا ، آزاد کردن یک برده با ایمان است .

و من قتل مؤمناً خطاً فتحریر رقبه مؤمنه

۱۲ در قتل خطائی ، اگر مقتول ، مؤمن باشد ، ولی خانواده اش از دشمنان مسلمانان ، کفارہ اش تنها آزادسازی برده ای با ایمان است .

فان کان من قوم عدولکم و هو مؤمن فتحریر رقبه مؤمنه

۳۴ امام ، عهده دار آزادسازی برده ای مؤمن به عنوان کفارہ قتل خطائی مسلمانی که در سرزمین شرک به دست مسلمین



کشته شود .

فان كان من قوم عدوكم و هو مؤمن فتحرير رقبه مؤمنه

امام صادق (ع) در مورد وظیفه امام نسبت به مسلمانی که در سرزمین شرک به دست مسلمین کشته شده، فرمود: یعتق مکانه رقبه مؤمنه و ذلک قول الله

عز و جل: <فان كان من قوم عدولكم ... >.

من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۱۱۰، ح ۱، ب ۳۶ مسلسل ۳۷۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۲، ح ۴۸۵.

محمد(ص) و خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۳ - ۳۸

۳ تلاش گروهی از خائنان برای به اشتباه انداختن پیامبر (ص)، در قضاوت

هاتم هؤلاء جدلتم عنهم فی الحیوه الدنیا .. لهتم طائفه منهم ان یضلوک

اگر چه ظاهر جمله شرطیه <لولا... لهتم> نفی تلاش است، ولی مراد از آن نفی تأثیر تلاش می باشد. یعنی تلاش آنان برای لغزاندن پیامبر(ص)، هیچگونه اثری نداشت و گویا اصلاً تلاشی در این جهت نکردند، این معنا با آیات قبل تأیید می شود.

۸ کسانی که در صدد گمراه ساختن و به اشتباه انداختن پیامبر (ص) بودند، تنها خود را به گمراهی و اشتباه افکندند .

لهتم طائفه منهم ان یضلوک و ما یضلون الا أنفسهم و ما یضرونک من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۴ - ۱

۱- پیامبر (ص) از ترفند های لغزش آفرین مشرکان و کمترین تمایل به آنان، در پرتو ثبات قدم اعطا شده به او از جانب خداوند، در امان بود .

و لولا أن ثبتنک لقد کدت ترکن إلیهم شیئاً قليلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۵ - ۱

۱- هشدار خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر اینکه در صورت لغزش از

مواضع اصولی خویش ، دچار کیفر دو چندان دنیوی و اخروی خواهد شد .

إِذَا لَأَذِقَنَّكَ ضَعْفَ الْحَيَوَةِ وَضَعْفَ الْمَمَاتِ

مصونیت از خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۶ - ۸

۸ - آیات قرآن ، در طول زندگانی پیامبر ( ص ) از خطا و کاستی مصون ماند .

سَنَقَرُكَ فَلَائِسِي

درباره مفاد <إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ> در آیه بعد، دو دیدگاه وجود دارد: ۱. بیان حاکمیت مشیت خداوند که در نتیجه مراد، استثنای حقیقی نخواهد بود؛ بلکه تنها نشانگر آن است که <لا تنسی> هر چند مطلق است و هیچ استثنایی ندارد؛ ولی مشیت خداوند بر همه چیز حاکم است و نسیان و عدم نسیان پیامبر(ص)، بیرون از مشیت او نیست. ۲. حرف <إِلَّا> در استثنای حقیقی به کار رفته است و بیانگر آن است که خداوند، بخشی از آیات را براساس مشیت خویش از یاد پیامبر(ص) خواهد برد. برداشت یاد شده براساس نظر اول است.

ملائکة و خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۷ - ۷

۷- عصمت ملائکه از خطا و نافرمانی

لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ

تسلیم و منقاد بودن فرشتگان در برابر خداوند و نیز تنها به فرمان خدا عمل کردن، حاکی از عصمت آنان است.

موارد خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۷ - ۴

۴ درخواست امری نابه جا و غیر حکیمانه از خداوند ، لغزش و خطاست .

قال رب إني أعوذ بك أن أسئلك ما ليس لي به علم

استعاذه و پناه بردن به خداوند ، در موردی

است که متعلق آن ، امری ناپسند و شرآفرین باشد.

موانع خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۷ - ۶

۶ - باور به علم مطلق الهی و آگاهی او به نهان و آشکار انسان ، بازدارنده وی از خطاها و لغزشها

أو لا يعلمون أن الله يعلم ما يسرون و ما يعلنون

جمله <أتحدثونهم .. ليحاجوكم> در آیه قبل، رسای به این است که: پندار باطل یهود (محدود بودن علم خدا)، آنان را به لغزشها و گناهان پنهانی، بی پروا می کند. بنابراین، هدف از بیان علم مطلق الهی در رد آن پندار، این است که: انسانها بر اثر باور و توجه به آگاهی همه جانبه خدا از خطاها - چه در خفا و چه آشکار - از لغزشها باز ایستند.

مؤمنان و خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۰ - ۷

۷ - مؤمنان ، حتی پیشتازان ایمان ( مهاجران و انصار ) ، فاقد مصونیت از خطا و نیازمند غفران الهی

و الذين جاءو من بعدهم يقولون ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذين سبقونا بالايمان

از تأیید خداوند نسبت به استغفار برای پیشتازان راه ایمان، به جا بودن این دعا و نیاز آنان استفاده می شود.

نوح(ع) و خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۸

۸ محدودیت علم و آگاهی نوح (ع) و معصوم نبودن او از خطا و اشتباه

إن ابني من أهلي .. إنه ليس من أهلك ... فلاتستلن ما ليس لك به علم

يعقوب(ع)

و خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۱۳

۱۳ محبت فراوان یعقوب (ع) به یوسف (ع) و بنیامین ، خطا و لغزشی روشن از دیدگاه دیگر فرزندان او

إذ قالوا ليويسف و أخوه أحب .. إن أبانا لفي ضلل مبين

خطاکار

برخورد کریمانه با همسران خطاکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۳ - ۶

۶ - برخورد کریمانه با همسران خطاکار خویش و به رخ نکشیدن همه اشتباهات آنان ، امری شایسته و بجا است .

عَرَفَ بَعْضَهُ وَ أَعْرَضَ عَنِ بَعْضٍ

عفو خطاکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۹ - ۱

۱ خداوند پیامبرش را به پیشه ساختن عفو از خطاکاران فرمان داد .

خذ العفو

<أخذ> (مصدر خذ) به معنای گرفتن و از چنگ ندادن است که به مناسبت مورد، کنایه از ملترم شدن می باشد. بنابراین

<خذ العفو> یعنی عفو و گذشت را از چنگ مده و بدان ملترم باش.

خطاکاران

{خطاکاران}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸ - ۴

۴ - فرعون ، هامان و سپاهیانشان مردمی خطا پیشه

إِنَّ فرعون و همَن و جنودهما كانوا خطئین

آثار عفو از خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۲ - ۱۵

۱۵ - عفو و گذشت کریمانه از خطاهای دیگران ، زمینه ساز جلب غفران و آمرزش الهی است .

و لیعفوا و لیصفحوا ألا تحبّون أن یغفر الله لکم

آخرت فروشی

## خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۳

۳ - خطاکاران ، زندگانی اخروی خویش را فاقد توشه های لازم دیده و در حسرت فرصت های برباد رفته بسر می برند .

یلبیتی قدمت لحياتی

آمزش خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۱۲

۱۲ مغفرت و آمزش بندگان خطاکار ، پرتوی از رحمت و مهربانی خداوند است .

یغفر الله لکم و هو أرحم الرحمین

ابراهیم(ع) و خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۵ - ۱

۱ ابراهیم (ع) ، پیامبری بردبار که هرگز در مؤاخذة خطاکاران تعجیل نمی کرد .

إن إبرهیم لحلیم

---

علل الشرایع، ص ۵۵۰، ح ۴، ب ۳۴۰، نورالثقلین، ج ۲، ص ۳۸۴، ح ۱۶۵.

ارزیابی عمل خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۹ - ۲



۲ - اعماق جهنم ، تنها پناهگاهی است که خطاپیشگان را پس از سنجش اعمال آنان در آغوش خواهد گرفت .

فَأُمَّه هَاوِيَةٌ

تعبیر <أُمَّ>، کنایه از احاطه جهنم بر خطاپیشگان است؛ بسان مادری که طفل خود را در آغوش گرفته است.

استغفار برای خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۹

۹ گذشت از خطاکاران و دعا برای آمرزش آنان ، خصلتی نیکو و از صفات محسنان است .

فإن الله لا يضيع أجر المحسنين .. لا تثریب علیکم الیوم یغفر الله لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸

۹ گذشت از خطاکاران و دعا برای آنان ، خصلتی نیکو و از صفات پیامبران الهی است .

يَا بَانَا اسْتَغْفِر لَنَا .. قَالَ سَوْفَ اسْتَغْفِر لَكُمْ رَبِّي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۲ - ۱۷

۱۷ - پرداختن به امور مهم زندگی شخصی ، به جای حل و فصل مسائل اجتماعی ، با اذن رهبری ، خطایی است نیازمند به استغفار به درگاه الهی .

فَإِذَا اسْتَدْنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأَذِّنْ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللَّهُ

توصیه خداوند به طلب مغفرت کردن پیامبر(ص) برای کسانی که به اذن او عرصه حل و فصل امور اجتماعی را ترک می کنند حاکی از این است که این عمل چون به اذن آن حضرت انجام گرفته جایز است؛ ولی در عین حال خطایی است که باید برای آن استغفار کرد.

بی ارزشی عمل خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۸ - ۵

۵ - کردار خطاپیشگان ، در قیامت سبک و بی ارزش خواهد بود .

فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ

بینش غلط خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۳

۳ - خطاکاران ، زندگانی اخروی خویش را فاقد توشه های لازم دیده و در حسرت فرصت های برباد رفته بسر می برند .

یلیتنی قدمت لحياتي

پشیمانی اخروی خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۱

۱ - خطاکاران در قیامت ، فرورفته در حسرت و پشیمان از ترک ذخیره سازی توشه آخرت

و جایء یومئذ

بجهنم .. . يقول یلینتی قدّمت لحياتی

پناهگاه خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۹ - ۲

۲ - اعماق جهنم ، تنها پناهگاهی است که خطاپیشگان را پس از سنجش اعمال آنان در آغوش خواهد گرفت .

فأُمَّه هاویه

تعبیر <أم> ، کنایه از احاطه جهنم بر خطاپیشگان است ، بسان مادری که طفل خود را در آغوش گرفته است .

ترک رابطه با خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۸ - ۱۰

۱۰ مبارزه منفی و تحریم روابط با خطاکاران ، از روش های مؤثر و سازنده در برخورد با آنان

ضاقَت علیهم الأرض .. . و ظنوا أن لا ملجأ من الله إلا إلیه

برداشت فوق با توجه به شأن نزول آیه شریفه است که مسلمانان، با متخلفان از جنگ تبوک، قطع رابطه کردند.

تشبیه خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۹ - ۴

۴ - تشبیه خطاپیشگان در قیامت ، به جان باختگانی که تحمل مرگ آنان برای مادرشان هلاکت آفرین است . \*

فأُمَّه هاویه

فعل <هوی> در معانی مختلفی از جمله <سَقَطَ> و <مات> به کار رفته است (قاموس). بنابر معنای دوم، کلمه <هاویه> ، به معنای <هالکه> خواهد بود نسبت دادن هلاکت به مادر کسی که میزان اعمال او سبک است، کنایه از عظمت سختی های وارد بر وی است ، به گونه ای که در آن موارد، مادران تاب تحمل چنین وضعی را برای فرزند خود نداشته و هلاک خواهند

شد. در این صورت مرجع ضمیر <هی> در آیه بعد، عنوان

<داهیه> (مصیبت بزرگ) خواهد بود که مفاد جمله <فَأَمَّهُ هَاوِيَةٌ> است.

تفاوت صالحان و خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ - برابر پنداشتن افراد صلاح پیشه و خطاکار ، حکمی ناروا است .

أم حسب .. ساء ما يحكمون

تنبه اخروی خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۶

۶ - خطاکاران در قیامت با مشاهده جهنم ، فرصت های از دست رفته را به یاد آورده و متوجه آثار و پیامد های کردار خویش می گردند .

یومئذ یتذکر الإنسن

<ال> در الإنسان>، ممکن است عهد ذکری و اشاره به انسانی باشد که در آیات پیشین، فریفته نعمت ها و شکرگزار تنگدستی ها معرفی شده است. هم چنین می تواند برای استغراق باشد و تذکر یافتن را به همه انسان ها تعمیم دهد. آیات بعد، احتمال نخست را تقویت می کند.

حسابرسی خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۱ - ۶

۶ - ربوبیت خداوند ، مقتضی حسابرسی و مؤاخذه خطاکاران است .

إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمئذٍ لَّخَبِيرٌ

حسرت اخروی خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۱۹ - ۲۴ - ۱

۱ - خطاکاران در قیامت ، فرورفته در حسرت و پشیمان از ترک ذخیره سازی توشه آخرت

و جایء یومئذ بجهنّم . . . يقول یلینتی قدّمت لحياتی

حسرت خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۱۹ - ۲۴ - ۳

۳ - خطاکاران ، زندگانی اخروی

خویش را فاقد توشه های لازم دیده و در حسرت فرصت های برباد رفته بسر می برند .

یلتینی قَدَمَت لِحیاتی

خطاکاران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۹ - ۲

۲ - اعماق جهنم ، تنها پناهگاهی است که خطاپیشگان را پس از سنجش اعمال آنان در آغوش خواهد گرفت .

فَأُمَّه هَاوِیَه

تعبیر < اُمُّ > ، کنایه از احاطه جهنم بر خطاپیشگان است ؛ بسان مادری که طفل خود را در آغوش گرفته است .

خطاکاران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۷ - ۱

۱ - < غسلین > ( خونابه و چرک ) ، غذای مخصوص خطاپیشگان در قیامت

غسلین . لَا یَأْكُلُهُ إِلَّا الْخٰطُوْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۶

۶ - خطاکاران در قیامت با مشاهده جهنم ، فرصت های از دست رفته را به یاد آورده و متوجه آثار و پیامد های کردار خویش می گردند .

یَوْمَئِذٍ یَتَذَكَّرُ الْاِنْسٰنُ

< اَل > در الإنسان > ، ممکن است عهد ذکری و اشاره به انسانی باشد که در آیات پیشین ، فریفته نعمت ها و شکرگاه گزار تنگدستی ها معرفی شده است . هم چنین می تواند برای استغراق باشد و تذکر یافتن را به همه انسان ها تعمیم دهد . آیات بعد ، احتمال نخست را تقویت می کند .



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۱

۱ - خطاکاران در قیامت ، فرورفته در حسرت و پشیمان از ترک ذخیره سازی توشه آخرت

و جایء یومئذ بجهنم ... یقول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۶ - ۱

۱ - خداوند در قیامت ، خطاکاران را چنان به بند می کشد که از هیچ کس ساخته نیست .

و لایوثق وثاقه أحد

ضمیر <وثاقه> به <رَبُّكَ> در آیات پیشین برمی گردد. <وثاق> اسم مصدر برای <ایثاق> (به بند کشیدن) است؛ نظیر عطا و اعطاء. این کلمه به معنای آنچه چیزی را با آن ببندند، نیز آمده است (مفردات راغب)، ولی این معنا با ترکیب آیه شریفه سازگار نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۹ - ۴

۴ - تشبیه خطاپیشگان در قیامت ، به جان باختگانی که تحمل مرگ آنان برای مادرشان هلاکت آفرین است . \*

فَأُمَّه هَاوِیَه

فعل <هوی> در معانی مختلفی از جمله <سَقَطَ> و <مات> به کار رفته است (قاموس). بنا بر معنای دوم، کلمه <هاویه>، به معنای <هالکه> خواهد بود نسبت دادن هلاکت به مادر کسی که میزان اعمال او سبک است، کنایه از عظمت سختی های وارد بر وی است؛ به گونه ای که در آن موارد، مادران تاب تحمل چنین وضعی را برای فرزند خود نداشته و هلاک خواهند شد. در این صورت مرجع ضمیر <هی> در آیه بعد، عنوان <داهیه> (مصیبت بزرگ) خواهد بود که مفاد جمله <فَأُمَّه هَاوِیَه> است.

دعا برای خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۹

۹ گذشت از خطاکاران و دعا برای آمرزش آنان ، خصلتی نیکو و از صفات محسنان است .

فإن الله لا یضیع أجر المحسنین

.. لا تشریب علیکم الیوم یغفر الله لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۹

۹ گذشت از خطاکاران و دعا برای آنان ، خصلتی نیکو و از صفات پیامبران الهی است .

یأبانا استغفر لنا .. قال سوف أستغفر لکم ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۱۴

۱۴- گذشت از خطاکاران و دعا برای آنان ، خصلتی نیکو و از صفات پیامبران است .

لأرجمنک واهجرنی .. سأستغفر لک ربی

دنیاطلبی خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۳

۳ - خطاکاران ، زندگانی اخروی خویش را فاقد توشه های لازم دیده و در حسرت فرصت های برباد رفته بسر می برند .

یلیتنی قدمت لحياتي

روش برخورد با خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۸ - ۱۸، ۱۰

۱۰ مبارزه منفی و تحریم روابط با خطاکاران ، از روش های مؤثر و سازنده در برخورد با آنان

ضائق علیهم الأرض .. و ظنوا أن لا ملجأ من الله إلا إليه

برداشت فوق با توجه به شأن نزول آیه شریفه است که مسلمانان، با متخلفان از جنگ تبوک، قطع رابطه کردند.

۱۸ فراهم آوردن زمینه و شرایط مناسب توبه برای خطاکاران پس از یک دوره مبارزه منفی از روش های مؤثر و سازنده در اصلاح آنان

و علی الثلثه الذین خلفوا حتی إذا ضاقت علیهم الأرض . . . ثم تاب علیهم لیتوبوا إن

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۰ - ۱۳

۱۳ - داشتن ملاطفت و برخورد محبت آمیز ، روشی پسندیده و بایسته در تبلیغ دین و برخورد با افراد خاطی و گناه کار

قال يقوم أتبعوا المرسلین

سبکی عمل خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۸ - ۵

۵ - کردار خطاپیشگان ، در قیامت سبک و بی ارزش خواهد بود .

فأما من ثقلت موزینه

طعام خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۷ - ۱

۱ - < غسلین > ( خونابه و چرک ) ، غذای مخصوص خطاپیشگان در قیامت

غسلین . لا یأکله إلا الخطون

عذاب خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۶ - ۱

۱ - خداوند در قیامت ، خطاکاران را چنان به بند می کشد که از هیچ کس ساخته نیست .

و لایوثق وثاقه أحد

ضمیر < وثاقه > به < ربک > در آیات پیشین برمی گردد. < وثاق > اسم مصدر برای < ایثاق > (به بند کشیدن) است. نظیر

عطا و اعطاء. این کلمه به معنای آنچه چیزی را با آن ببندند، نیز آمده است (مفردات راغب)، ولی این معنا با ترکیب آیه شریفه سازگار نیست.

عفو از خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۲۷

۲۷ گذشت از خطاکاران پشیمان و تائب و یاد نکردن از خطاهای ایشان، خصلتی نیکو و خلقی پسندیده است.

من بعد أن نزع الشیطن بینی و بین إخوتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲

۷ - > عن أبي عبد الله (ع) قال: بعث أمير المؤمنين (ع) إلى بشر بن عطارد التميمي في كلام بلغه فمرّ به رسول أمير المؤمنين (ع) في بني أسد و أخذته فقام إليه نعيم بن دجاجة الأسدي فأفلاته فبعث إليه أمير المؤمنين (ع) فأتوه به و أمر به أن يضرب فقال له نعيم: أما والله إنَّ المقام معك لندلّ و إنَّ فراقك لكفر قال: فلمّا سمع ذلك منه قال له: يا نعيم قد عفونا عنك إنَّ الله عزّوجلّ يقول: < ادفع بالتي هي أحسن السيئه > ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که امیرالمؤمنین(ع) به علت سخنی که بشر بن عطارد تمیمی گفته بود [شخصی را] سراغ او فرستاده. فرستاده امام او را در بنی اسد یافت و بازداشت کرد. نعیّم بن دجاجة اسدی برخاست و او را آزاد نمود. امیرالمؤمنین(ع) سراغ نعیّم فرستاد و او را آوردند و دستور داد او را بزنند. نعیّم گفت: به خدا ماندن با تو ذلت است و جدا شدن از تو کفر است راوی گوید: امام(ع) که این را از او شنید، فرمود: ای نعیّم! تو را بخشیدم؛ زیرا خدای عزّوجلّ می فرماید: < ادفع بالتي هي أحسن السيئه >...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۳ - ۴

۴ - تنها انسان های صابر و شکیبا، قادر به عفو و بخشش خطاکاران اند .

و لمن صبر و غفر إنَّ ذلك لمن عزم الأمور

ذکر صبر قبل از غفران، می

تواند اشاره به این نکته داشته باشد که اگر روحیه شکیبایی نباشد، آتش انتقام در انسان شعله‌ور شده و مانع عفو و گذشت می شود.

عفو خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۹

۹ گذشت از خطاکاران و دعا برای آمرزش آنان، خصلتی نیکو و از صفات محسنان است.

فإن الله لا يضيع أجر المحسنين .. لا تثریب علیکم الیوم یغفر الله لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۹

۹ گذشت از خطاکاران و دعا برای آنان، خصلتی نیکو و از صفات پیامبران الهی است.

یأبانا استغفر لنا .. قال سوف أستغفر لکم ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۴ - ۳

۳- پذیرفتن عذرخواهی خطاکاران و قبول درخواست عفو و گذشت آنان، از صفات اولیای الهی است.

لا تؤاخذنی بما نسیت .. فانطلقا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۴

۴- ابراهیم (ع) به هدایت شدن آزر، در عین اصرار و تعصب او بر بت پرستی امیدوار بود.

سأستغفر لک ربی

ممکن است مراد ابراهیم (ع) از طلب مغفرت، طلب مقدمات مغفرت (ترک بت پرستی) باشد، زیرا آن حضرت از هدایت یافتن آزر ناامید نشده بود و لذا سعی در رام کردن او از طریق برانگیختن احساسات وی داشت.



قبول عذر خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کھف - ۱۸ - ۷۴ - ۳

۳- پذیرفتن عذرخواهی خطاکاران و

قبول درخواست عفو و گذشت آنان ، از صفات اولیای الهی است .

لا تَوَاخِذُنِي بِمَا نَسِيتُ .. فَاَنْطَلِقَا

مؤاخذه خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۱ - ۶

۶ - ربوبیت خداوند ، مقتضی حسابرسی و مؤاخذه خطاکاران است .

إِنَّ رَبِّهِمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ

مهلت به خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۶ - ۳

۳- مهلت دادن به خطاکاران و فراموش کاران تا سه مرتبه ، امری روا است .

قَالَ إِنْ سَأَلْتَهُمْ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَحِّبْنِي

موسی (ع) در صورت تکرار ناشکیبایی برای بار سوم و عمل بر خلاف توصیه خضر، خود را مستحق جدایی و محرومیت از مصاحبت خضر (ع) دانست. بنابراین، می توان گفت که تا سه مرتبه مهلت دادن به افراد، کاری قابل قبول است.

هدایت خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۰ - ۷

۷- در مقابله با بدی ، تنها عفو و گذشت کارساز نیست ؛ بلکه باید درصدد هدایت خطاکار برآمد . \*

فمن عفا و أصلح

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <أصلح> توضیح و نتیجه <عفی> نباشد بلکه حامل پیام مستقل باشد.

خطای باصره

{خطای باصره}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۳ - ۱۰، ۱۳

۱۰ امکان خطای چشم ( حواس ظاهری )

یرونهم مثلهم رأی العین

۱۳ جلوه غیر واقعی تعداد نیروها در جنگ بدر ، امدادی از سوی خداوند برای مؤمنان

یرونهم مثلهم رأی العین و الله یؤید بنصره من یشاء

خطای باصره

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۴ - ۱،۴،۸

۱ خداوند به هنگام رویارویی و شروع جنگ بدر ، هر یک از دو سپاه ایمان و کفر را در نظر دیگری اندک نمایان ساخت .

و إذ یریکموهم إذالتقیم فی أعینکم قلیلا

۴ وقوع جنگ بدر با فرجام پیروزی مسلمانان در آن نبرد ، هدف از تصرف خداوند در دید هر یک از دو سپاه و کم نمایاندن هر یک در نظر دیگری

إذ یریکموهم إذالتقیم فی أعینکم قلیلا .. لیقضی اللّٰه أمرا کان مفعولا

۸ کم نمایاندن هر یک از دو سپاه در جنگ بدر در نظر یکدیگر ، امری شایسته و بایسته به یاد داشتن

إذ یریکموهم إذالتقیم فی أعینکم قلیلا و یقللکم فی أعینهم

برداشت فوق مبتنی بر این است که <إذا> مفعول برای فعل مقدر <اذکروا> باشد.

### خطر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خطر

آثار احساس خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۰ - ۵

۵ - وجود پیوند عمیق روحی عاطفی در مادر ، نسبت به فرزند خود و بروز آن به هنگام احساس خطر برای وی

و أصبح فؤاد أمّ موسی فرغا إن کادت لتبدی به لولا أن ربطنا علی قلبها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۵ - ۴

۴ - احساس خطر ، زمینه بیدار شدن فطرت خداجوی آدمی است .

فإذا ركبوا في الفلك دعوا الله مخلصين له الدين

آثار خطر مسافرت دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۷ - ۱

۱- لحظه های خطر آفرین سفر های

دریایی ، زمینه بروز گرایش انسان به خدای یگانه و رویکرد به او و از یاد بردن غیر او

و إِذَا مَسَّكُمُ الضَّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مِنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۵ - ۱

۱ - مشرکان به هنگام حادثه ای مخاطره آمیز در دریا ، خداوند را مخلصانه می خوانند .

فَإِذَا رَكبُوا فِي الْفَلَائِكِ دَعَا اللَّهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ

آثار نجات از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۷ - ۱۰، ۶

۶- انسان ها پس از رهایی از خطر های مرگ آفرین ، خدا را فراموش می کنند و از حق روی گردان می شوند .

فَلَمَّا نَجَّكُم إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ

۱۰- غفلت از یاد خدا در پی نجات از خطرات ، برخاسته از خصلت حق ناشناسی شدید انسان است .

فَلَمَّا نَجَّكُم إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا

جمله <وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا> که بیانگر یک خصلت عام همه انسانهاست به منزله تعلیل برای مطالب قبل است.

احساس خطر اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۴ - ۴

۴ - احساس خطر اشراف ، از پیام توحیدی نوح (ع)

يَقُومُوا عِبَادُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرِهِ فَقَالَ أَلَمْ لِمَأْتُوا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِيَّاكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - احساس خطر اشراف و زمامداران قوم نوح از گسترش دعوت وی

قالوا لئن لم تنته ينوح لتكونن من المرجومين

تهدید سران قوم

نوح به سخت ترین مجازات همچون رجم، نشانگر نگرانی شدید آنان است.

احساس خطر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۴ - ۳

۳ - قیامت ، روز احساس خطر ؛ حتی از نزدیک ترین خویشاوندان خود \*

يفرّ المرء من أخيه

فرار از برادر، حاکی از خطری است که باقی ماندن در کنار او، آن را محتمل می سازد؛ چه خطری باشد که فرار از آن سودی نمی بخشد (نظیر گذشت نکردن برادر از حقوقی که برادرش آن را پایمال کرده است) و چه خطری که توهمی بیش نیست (نظیر این گمان که اگر بماند به آتش او بسوزد).

احساس خطر رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶ - ۳

۳ - احساس خطر سران کفر و شرک ، از دعوت پیامبر اسلام به توحید و نفی شرک و نفوذ آن حضرت در میان توده ها

و اصبروا علی ءالھتکم

فراخواندن مردم به پراکنده شدن از اطراف رسول خدا(ص) و پایداری بر آیین شرک، گویای برداشت یاد شده است.

احساس خطر رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶ - ۳

۳ - احساس خطر سران کفر و شرک ، از دعوت پیامبر اسلام به توحید و نفی شرک و نفوذ آن حضرت در میان توده ها

و اصبروا علی ءالھتکم

فراخواندن مردم به پراکنده شدن از اطراف رسول خدا(ص) و پایداری بر آیین شرک، گویای برداشت یاد شده است.



احساس خطر فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷

۶ فرعون ، ایمان ساحران را به موسی (ع) ، خطری برای موقعیت و حکومت خویش احساس کرد .

إن هذا لمكر مكرتموه في المدینه لتخرجوا منها أهلها

۷ فرعون با توطئه گر خواندن موسی (ع) و ساحران ، براندازی حکومت فرعونیان و بیرون راندن ایشان را ، از پایتخت مصر از اهداف توطئه آنان شمرد .

إن هذا لمكر .. لتخرجوا منها أهلها

مراد از <أهلها> هم می تواند فرعون، درباریان و وابستگان به او باشد و هم می تواند مراد از آن تمامی ساکنان مصر باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۶

۶ - وحشت و احساس خطر فرعون ، هامان و قارون از گسترش آیین موسی و قوت گرفتن پیروان آن حضرت

قالوا اقتلوا أبناء الذين ءامنوا معه

از فرمان فرعون و .. به قتل ایمان آورندگان به موسی (ع)، برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۲ - ۳

۳ - رسالت موسی (ع) ، خطری جدی برای فرعون و تحریک کننده او به مقابله ای پی گیر در برابر آن

ثم أدبر يسعی

احساس خطر قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۶

۶ - وحشت و احساس خطر فرعون ، هامان و قارون از گسترش آیین موسی و قوت گرفتن پیروان آن حضرت

قالوا اقتلوا أبناء الذين آمنوا معه

از فرمان فرعون و .. به قتل ایمان آورندگان به

موسی(ع)، برداشت یاد شده استفاده می شود.

احساس خطر متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۲۰

۲۰ - انگیزه اصلی متخلفان از سفر حدیبیه ، گریز از خطرات احتمالی و حفظ منافع دنیوی خود

قل فمّن یملک لکم من اللّٰه شیئاً إنّ أراد بکم ضرّاً أو أراد بکم نفعاً

احساس خطر مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۲ - ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷

۱۳ درماندگی ، اضطراب و احساس خطر مرگ ، عرصه ظهور فطرت توحیدی انسان و روی برتافتن از شرک

و جاءهم الموج من کل مکان . . . دعوا اللّٰه مخلصین له الدین

۱۴ مردم هنگام درماندگی و خطر مرگ ، به درگاه خدا دعا کرده و همراه با سوگند ، قول می دهند که جزو سپاسگزاران او خواهند بود .

و ظنوا أنّهم أحیط بهمّ دعوا اللّٰه مخلصین له الدین لئن أنجیتنا من هذه لנקوننّ من ال

۱۵ انسان های ناسپاس ، به هنگام احساس خطر مرگ ( غرق شدن و . . . ) با خدا پیمان مؤکد می بندند که : اگر از آن ورطه نجات یابند ، هرگز گرد گناه نگردند و به جرگه بندگان شاکر و سپاسگزارش پیوندند .

و ظنوا أنّهم أحیط بهمّ دعوا اللّٰه . . . لئن أنجیتنا من هذه لנקوننّ من الشکرین

۱۶ درماندگی ، اضطراب و احساس خطر مرگ ، عرصه بریده شدن امید انسان از غیر خدا

و ظنوا أنّهم أحیط بهمّ دعوا اللّٰه مخلصین له الدین لئن أنجیتنا من هذه لנקوننّ من ال

۱۷ درماندگی ، اضطراب

و احساس خطر مرگ ، عرصه به خاطر آمدن کرده های زشت ، اظهار ندامت و شرمساری در پیشگاه خدا و پوزش طلبی انسان از آن خطا ها و ناسپاسیها

و ظنوا أنهم أحيط بهم دعوا الله . . . لنكونن من الشكرين

احساس خطر ملکه سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۲ - ۵

۵ - احساس خطر جدی ملکه سبا از نامه سلیمان و تلاش وی برای تحکیم روابط در درون دربار

أفتونی فی امری ما کنت قاطعه أمرًا حتّی تشهدون

در صورتی که کار مشاوره برای بلقیس امری معمولی بود، وی نیازی نداشته تا در خصوص این موضوع، بر شیوه مشاوره خود تأکید کند. احتمال می رود این تأکید از آن جهت باشد که موضوع را بسیار جدی و خطرناک تلقی کرده و با این سخنان سعی داشته تا دل درباریان را به دست آورد و آنان را با خود همراه سازد.

احساس خطر مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۸

۸ - اقدام مؤمنان ، به بیعت رضوان ، علی رغم همه نگرانی ها و احساس خطر ها \*

یبایعونک تحت الشجره فعلم ما فی قلوبهم

می توان گفت: مراد از <ما فی قلوبهم> به قرینه <فأنزل السکینه> نوعی اضطراب و نگرانی و احساس خطر نسبت به رخدادهای آینده آن سفر باشد.

احساس خطر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۸

۸- نگرانی و احساس خطر نوح (ع) ، درباره به خطر افتادن ایمان

مؤمنان و نسل های آینده جامعه ، از سوی کافران حق ناپذیر و گمراه گر قوم خود

إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يَضَلُّوا عِبَادَكَ وَ لَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا

احساس خطر همامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۶

۶- وحشت و احساس خطر فرعون ، همامان و قارون از گسترش آیین موسی و قوت گرفتن پیروان آن حضرت

قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ

از فرمان فرعون و .. به قتل ایمان آورندگان به موسی (ع)، برداشت یاد شده استفاده می شود.

احساس خطر یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۱۴ - ۳

۳ فرزندان یعقوب با یادآور شدن کثرت نیرو و توان خویش ، نگرانی او ( احساس خطر حمله گرگ ها به یوسف ) را نابه جا شمردند .

أَخَافُ .. قَالُوا لئن أَكَلَهُ الذُّئْبُ وَ نَحْنُ عَصَبُهُ

احساسات خطر برای بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۸

۸ احساس خطر برای بنیامین ، دلیل یعقوب ( ع ) بر عدم موافقتش با مسافرت وی

جلوگیری می کرد. جمله <إنا له لحافظون> می رساند که از دلایل این امر ، احساس خطر ب

امکان عذاب نجات یافتگان از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۳

۳- امکان بازگشت دوباره نجات یافتگان از خطر دریا به آن و گرفتار شدن به طوفان دریایی و غرق شدن

أم أمتنم أن یعیدکم فیه تاره آخری

انذار نجات یافتگان از خطر

جلد - نام سوره - سوره



- آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۸ - ۱

۱- هشدار خداوند به حق ناسپاسان رهیده از خطرات و مشکلات ، به دچار شدن به خطرات و مهلکه های دیگر

فلما نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ .. أَفَأَمْتُمْ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۱

۱- هشدار خداوند به حق ناسپاسان رهیده از خطر ، به دچار آمدن در همان مهلکه

أَمْ أَمْتُمْ أَنْ يَعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَى

انسان پس از رفع خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۳ - ۲

۲ مردم پس از رهایی از اضطرار و خطر مرگ ، پیمان خود را با خدا می شکنند و به ناسپاسی و تجاوز از حق می پردازند .

لئن أنجيتنا من هذه لنكوننَّ من الشكرين. فلما أنجيتهم إذا هم يبغون في الأرض بغير آل

انسان های ناسپاس هنگام خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۲ - ۱۵

۱۵ انسان های ناسپاس ، به هنگام احساس خطر مرگ ( غرق شدن و ... ) با خدا پیمان مؤکد می بندند که : اگر از آن ورطه

نجات یابند ، هرگز گرد گناه نگردند و به جرگه بندگان شاکر و سپاسگزارش پیوندند .

و ظنوا أنهم أحيط بهم دعوا الله .. لئن أنجيتنا من هذه لنكوننَّ من الشكرين

اهمیت پیش بینی خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۹ - ۳۴

۳۴- لزوم شناسایی خطرات احتمالی و آمادگی

برای مقابله با آن و تلاش برای آسیب ندیدن از سوی دشمنان

و لايشعرنّ بكم أحدًا

اهمیت مصونیت از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۷ - ۸

۸ - ایمن بودن از هر گزند و خطری ، مطلوب و پسندیده است .

و هم فی الغرفت ءامنون

حاکمان هنگام خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۵ - ۷

۷ - به تواضع نشستن حاکمان مستبد و زورمدار ، هنگام احساس خطر و اضطرار

فماذا تأمرون

مشورت خواهی از شخصی چون فرعون که می گوید <لئن اتّخذت إلهًا غیری.. >، نشانگر حالت اضطرار و ناگزیری او است.

خطر اختلاف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۱۱

۱۱ جامعه ایمانی در معرض خطر سستی ، تفرقه و سربیزی از رهبری صالح خویش ، پس از نیل به پیروزی

حتّی اذا فشلتم .. من بعد ما اریکم ما تحبّون

خطر اختلاف بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۴ - ۱۱

۱۱ - بنی اسرائیل در خطر تشنگی و تفرقه ، در صورت اقدام عملی و جدی هارون ( ع ) برای مقابله با گوساله پرستان

إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ

خطر ارتجاع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۴ - ۸

۸ خطر واپسگرایی مردم صدر اسلام از مسیر رهبری ، پس از رحلت یا شهادت پیامبر ( ص )

و ما مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ

.. افین مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم

خطر ارتداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۵

۵ - امت ها ، در خطر ارتداد پس از مرگ پیامبرانشان

إذ حضر یعقوب الموت إذ قال لبنيه ما تعبدون من بعدی

خطر ارتکاب گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ - ضرورت فاصله گرفتن از محدوده گناه ، در صورتی که آدمی در خطر ارتکاب آن گناه باشد .

و لا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظلمین

خطر ازدیاد جمعیت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴ - ۱۰

۱۰ - خطر آفرینی افزایش جمعیت قوم بنی اسرائیل و جوانان آن ، برای حکومت فرعون

یذبح أبناءهم

خطر استکبار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۸ - ۶

۶ اشراف و بزرگان هر قوم در معرض استکبار و حق ناپذیری هستند .

قال المأذون استكبروا من قومه

خطر اغواگری ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۲ - ۷

۷ - همه انسان ها ، در معرض اغواگری ابلیس قرار دارند .

لأغوينهم أجمعين

خطر اغواگری شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۱ - ۱۲

۱۲ - مؤمنان نیز همچون دیگر مردمان ، در معرض پیروی از شیطان و گرفتار شدن به زشتی ها و ناپسندی ها ( فحشا و منکرات ) قرار دارند .

يَأْيُهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَاتَتَّبِعُوا خُطُوٰتِ

الشیطن . .. فإِنَّه یأمر بالفحشاء و المنکر

هشدار خداوند به مؤمنان از ارتکاب به فحشا و منکر و پیروی از شیطان، گویای حقیقت یاد شده است.

خطر التقاط در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۱۵

۱۵ معارف و حقایق الهی همواره در خطر مشوب شدن و آمیخته گشتن به اموری باطل است .

أنزل من السماء .. فاحتمل السیل زبدًا رابيًا و مما یوقدون ... زبد مثله

خطر انحراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۱ - ۱۲

۱۲ - معتقدان به مکاتب الهی ، حتی عالمان دینی و دانایان به کتاب های آسمانی ، در خطر انحراف و حق پوشی هستند .

نبذ فریق من الذین أوتوا الکتب کتب اللّٰه وراء ظهورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۷ - ۴

۴ پیروان ادیان الهی در خطر غلو و انحراف از دین خویش

یاهل الکتب لاتغلوا فی دینکم

خطر انحراف در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۲۲

۲۲ - ادیان الهی ، در خطر آمیخته شدن به افکار و اندیشه های برخاسته از هوا های نفسانی

لئن اتبعتم أهواءهم

خطر انحراف در شهر نشینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۱ - ۱۴

۱۴ شهرنشینی با وجود در پی داشتن فرهنگ بالاتر، خطر نفاق و پیچیده تر شدن در طریق انحراف را نیز در پی دارد.

الأعراب أشد كفراً و نفاقاً



... و من أهل المدينة مردوا على النفاق

در آیه <۹۷> با مذمت بادیه نشینان به خاطر فرهنگ پابینشان تلویحاً پیوستن به مجامع بزرگ را تمجید می کند و در این آیه، منافقان اهل مدینه را به مهارت داشتن در نفاق و زبردست بودن بر بادیه نشینان متهم می کند؛ یعنی، در کنار آن ارزش، چنین ضد ارزشی بروز می کند.

خطر انحراف زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۴

۴ - زنان و مردان مؤمن ، همواره در معرض خطر انحراف و افتادن در ورطه گناه آتش افروز

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا

مطلب یاد شده، از خطاب به مؤمنان (یا ایها الذین آمنوا) استفاده می شود.

خطر انحراف مردان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۴

۴ - زنان و مردان مؤمن ، همواره در معرض خطر انحراف و افتادن در ورطه گناه آتش افروز

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا

مطلب یاد شده، از خطاب به مؤمنان (یا ایها الذین آمنوا) استفاده می شود.

خطر انعطاف پذیری رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۴ - ۷

۷- رهبران دینی ، در معرض خطر عقب نشینی از برخی مواضع اصولی خویش ، در برابر کافران

و لولا أن ثبتتک لقد کدت ترکن إلیهم شیئاً قليلاً

خطر انقراض جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۳ - ۱۲

۱۲ خطر انقراض و نابودی

نسل یک جامعه، هشدار خداوند به جوامع کافر ستم پیشه

إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ .. كَمَا أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذَرِيَةِ قَوْمٍ آخِرِينَ

خطر بدفهمی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۵ - ۸

۸- دین و معارف الهی ، در معرض کج فهمی و تحریف معنوی با توطئه فریبکاران

و لا یغرنکم باللّٰه العرور

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که فریب خوردن انسان به وسیله فریبکاران درباره خداوند و دین او، می تواند با تحریف معارف الهی و معرفی نادرست آن صورت پذیرد.

خطر بلایای طبیعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۸ - ۷

۷- انسان ها ، همواره در معرض خطرات ناشی از رخداد های طبیعی اند .

ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِيَّاهُ فَلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ .. يَخْسِفُ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلُ

خطر بی احترامی به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۱۳

۱۳- پدران و مادران در سن پیری و سالخوردگی ، در معرض بی احترامی از سوی فرزندان هستند .

إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ .. فَلَاتَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا

خطاب مطلق احسان به والدین، شامل هر والدینی در هر سن و سالی می شود. ذکر <إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ> ممکن است جهت یادآوری نکته یاد شده باشد.

خطر پیروی از بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۰ - ۹

۹ خطر پیروی از تمایلات منحرفان و بدعتگذاران در کمین مؤمنان

است.

و لا تتبع أهواء الذين كذبوا بآيتنا

گر چه < لا تتبع .. > خطاب به پیامبر (ص) است، ولی روی سخن در حقیقت با همه مؤمنان است.

خطر پیروی از منحرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۰ - ۹

۹ خطر پیروی از تمایلات منحرفان و بدعتگذاران در کمین مؤمنان است.

و لا تتبع أهواء الذين كذبوا بآيتنا

گر چه < لا تتبع .. > خطاب به پیامبر (ص) است، ولی روی سخن در حقیقت با همه مؤمنان است.

خطر تجاوز تاتارها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۹۴ - ۳

۳- خطر هجوم یاجوج و ماجوج ( مغول و تاتار ) و تأمین امنیت ، عمده ترین مشکل مردم نواحی شمالی در زمان ذوالقرنین بود .

إنّ یاجوج و ماجوج مفسدون فی الأرض

خطر تجاوز ماجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۹۴ - ۳

۳- خطر هجوم یاجوج و ماجوج ( مغول و تاتار ) و تأمین امنیت ، عمده ترین مشکل مردم نواحی شمالی در زمان ذوالقرنین بود .

إنّ یاجوج و ماجوج مفسدون فی الأرض

خطر تجاوز مغولان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۹۴ - ۳

۳- خطر هجوم یاجوج و ماجوج ( مغول و تاتار ) و تأمین امنیت ، عمده ترین مشکل مردم نواحی شمالی در زمان ذوالقرنین بود .

إِنَّ يَاجُوجَ وَ مَاجُوجَ مَفسِدُونَ فِي الْأَرْضِ

خطر تجاوز یاجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ -

۳- خطر هجوم یاجوج و ماجوج ( مغول و تاتار ) و تأمین امنیت ، عمده ترین مشکل مردم نواحی شمالی در زمان ذوالقرنین بود .

إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ

خطر تحریف دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۵ - ۸

۸- دین و معارف الهی ، در معرض کج فهمی و تحریف معنوی با توطئه فریبکاران

و لا یغرنکم باللّٰه الغرور

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که فریب خوردن انسان به وسیله فریبکاران درباره خداوند و دین او، می تواند با تحریف معارف الهی و معرفی نادرست آن صورت پذیرد.

خطر تزویر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۹،۱۱

۹ ضرورت هشیاری حاکمان و قاضیان نسبت به تزویر دسیسه گران ، برای منحرف ساختن آنان از حکم و داوری بر پایه تعالیم قرآن

و احذرهم ان یفتنوک عن بعض ما أنزل اللّٰه إلیک

۱۱ دست شستن از تعالیم و احکام قرآن بر اثر تزویر دسیسه گران ، در پی دارنده سختی ها و ناگواریها

و احذرهم ان یفتنوک عن بعض ما أنزل اللّٰه إلیک

<یفتنوک> ای: یوقعوک فی بلیه و شده .. (مفردات راغب) یعنی مبادا تو را با منصرف کردن از احکام الهی در عذاب و ناراحتی قرار دهند.

خطر تصرف در مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۲

۲- مال یتیم وسوسه انگیز و زمینه ساز لغزش انسان با تصرف به ناحق در آن است .

و لاتقربوا مال الیتیم إلاّ



بالتی ہی أحسن

به کار رفتن واژه <لا تقربوا> (نزدیک نشوید) به جای <لا تأكلوا ولا تصرفوا> (نخورید و تصرف نکنید) ممکن است به این دلیل باشد که: اموال یتیمان به دلیل حامی جدی نداشتن، در معرض دخل و تصرفهای عدوانی و حیف و میلهای به ناحق است.

خطر تضييع حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۱۱

۱۱ - حاکمان و قاضیان ، در خطر رشوه خواری و تضييع حقوق مردم

و تدلوا بها إلى الحکام لتأكلوا فريقاً من أموال الناس بالأثم

خطر تکبر ثروتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۵ - ۷

۷ - عجب و خودپسندی ، خطری در کمین ثروت مندان ؛ حتی کسانی که نعمت ها را وابسته به خداوند دیده و به ربوبیت او ایمان دارند .

رَبِّي أَكْرَمَن

واژه <رَبِّي>، نشانگر مؤمن بودن گوینده آن به ربوبیت خداوند است. بنابراین گرچه <الإنسان> مطلق است؛ ولی سخن درباره خداپرستان است.

خطر تکبر مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۵ - ۷

۷ - عجب و خودپسندی ، خطری در کمین ثروت مندان ؛ حتی کسانی که نعمت ها را وابسته به خداوند دیده و به ربوبیت او ایمان دارند .

رَبِّي أَكْرَمُن

واژه <رَبِّي>، نشانگر مؤمن بودن گوینده آن به ربوبیت خداوند است. بنابراین گرچه <الإنسان> مطلق است ولی سخن درباره خداپرستان است.

خطر تهمت به ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۱۱

۱۱ - لزوم هشیاری در برابر جعل و

منتسب سازی عقاید انحرافی و ساختگی به پیامبران و مکتب آنان

هذا إلهکم و إله موسیٰ فنسی

نقل افترای سامریان به موسیٰ (ع) و مطرح ساختن عقاید انحرافی خویش، به عنوان عقاید موسیٰ (ع)، هشداری به همه، به ویژه پاسداران ادیان الهی است که همواره خطر جعل و دروغ بستن به پیامبران الهی، در مهم ترین بنیان های جهان بینی وجود دارد.

خطر تهمت به انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۱۱

۱۱ - لزوم هشاری در برابر جعل و منتسب سازی عقاید انحرافی و ساختگی به پیامبران و مکتب آنان

هذا إلهکم و إله موسیٰ فنسی

نقل افترای سامریان به موسیٰ (ع) و مطرح ساختن عقاید انحرافی خویش، به عنوان عقاید موسیٰ (ع)، هشداری به همه، به ویژه پاسداران ادیان الهی است که همواره خطر جعل و دروغ بستن به پیامبران الهی، در مهم ترین بنیان های جهان بینی وجود دارد.

خطر جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۴ - ۴

۴ - پیامبر (ص)، در معرض خطر از سوی جادوگران و کسانی که با دمیدن در گره هایی مخصوص، درصدد آزار دادن آن حضرت بودند.

و من شرّ النَّفثِ فی العَقْدِ

خطر جنگ در دوران داود (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیا - ۲۱ - ۸۰ - ۷

۷- مردمی که با داوود (ع) زندگی می کردند ، در معرض هجوم نظامی دشمن قرار داشتند .

داود . . . و علمنه صنعه لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم

آیه شریفه در مقام امتنان بر مردمی است

که با داوود(ع) زندگی می کردند؛ زیرا مخاطب <کم> در این آیه آنان هستند. این امتنان آن گاه صحیح است که آنان در معرض هجوم دشمن و مبتلا شدن به خطرات آن باشند.

خطر حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۶ - ۴

۴- مترفان و صاحبان مال و منال بیش از دیگران در معرض نافرمانی خدا و حق ناپذیری قرار دارند .

أمرنا مترفيها ففسقوا فيها

برداشت فوق مبتنی بر این است که مفعول <أمرنا> کلمه محذوفی چون <بالطاعة> و .. باشد. بنابراین معنای آیه چنین می شود: ما مترفان جامعه را به طاعت و بندگی فرمان می دهیم، ولی آنان برخلاف انتظار راه فسق و نافرمانی پیشه می سازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۸ - ۶

۶ اشراف و بزرگان هر قوم در معرض استکبار و حق ناپذیری هستند .

قال المأذون استكبروا من قومه

خطر حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۸ - ۷

۷- انسان ها ، همواره در معرض خطرات ناشی از رخداد های طبیعی اند .

ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِيَّاهُ فَلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ .. يَخْسِفُ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يَرْسِلُ

خطر در کشتی قصه یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۱ - ۲

۲- وجود خطر برای کشتی حامل یونس (ع) و رفع آن ، با افکنده شدن یک نفر به دریا

إذ أبق إلى الفلك المشحون . فساهم فكان من المدحضين

خطر دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۳ - ۱

۱ خداوند، نجاتبخش گرفتاران در تاریکیها و تنگناهای هول انگیز خشکی و دریاست.

قل من ینجیکم من ظلمت البر و البحر تدعونه

خطر دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۲۰

۲۰ حفظ آمادگی نظامی و تدارکاتی در برابر خطر هجوم دشمنان ، وظیفه مسلمانان

ووالذین کفروا لو تغفلون عن اسلحتکم و امتعتکم فیمیلون علیکم میله واحده

خطر دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۹

۹ - دنیاگرایی خطری بزرگ برای عالمان دینی و آگاهان به کتب آسمانی

إن الذین ینکتمون ما أنزل الله من الکتب و یشترون به ثمناً قليلاً .. لهم عذاب الی

خطر دنیاطلبی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۱۹

۱۹- پیامبر ( ص ) ، در صورت نزدیک شدن به رفاه مندان و بریدن از مؤمنان تهیدست ، در خطر گرایش به جلوه های دنیا

بود .

و لاتعد عيناك عنهم تريد زينه الحيوه الدنيا

خطر دين فروشى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۳۶

۳۶ مسؤولان قضايي و عالمان ديني ، در خطر دين فروشى و سوداگري با آيات الهى

و لاتشتروا بايتى ثمناً قليلاً

خطر رشوه خواری

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۱۱

۱۱ - حاکمان و قاضيان ، در خطر رشوه خواری



و تضييع حقوق مردم

و تدلوا بها إلى الحكام لتأكلوا فريقاً من أموال الناس بالأثم

خطر رفاه طلبی در مسلمانان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۱ - ۴

۴ - مسلمانان صدراسلام ، بر اثر مشاهده رفاه کافران ، در خطر توجه به زر و زیور دنیا بودند .

و لاتمدنّ عینیک إلی ما متّعنا به أزواجاً منهم

این آیه گرچه خطاب به پیامبر(ص) است ولی ممکن است مراد از آن، تربیت مسلمانان باشد و در صورتی که شخص آن حضرت مراد باشد، این خطر برای دیگر مسلمانان قوی تر خواهد بود.

خطر ریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۱۰

۱۰ - اعمال انسان ، همواره در معرض آمیخته شدن به ناخالصیهاست .

ربّ أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق

از اینکه خداوند به پیامبرش امر می کند که <برای کسب اخلاص و صداقت از او استمداد بطلبید > استفاده می شود که اعمال آدمی در معرض ابتلا به ریاست.

خطر سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۱۱

۱۱ - انسان ، در معرض انواع گرفتاری ها و مصیبت ها

و إذا مسّ الإنسن ضرٌّ . . . ثمّ إذا خوّله نعمه منه نسی ما كان یدعوا إلیه من قبل

خطر سنگساری اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۰ - ۱

۱- اصحاب كهف ، خود را در صورت اسارت به دست كافران ، محكوم به سنگ سار و يا مجبور به پذيرش آيين شرك

می دیدند .

إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ

<مله> به معنای دین و آیین است و جمله <یعيدوكم في ملتهم> یعنی: شما را به دین و آیین خود، برمی گردانند.

خطر شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۶

۶ هشدار خداوند به مؤمنان در مورد خطر گرایش آنان به کفر و شرک

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الکتب يؤمنون بالجبوت و الطاغوت

مخاطب قرار دادن مؤمنان و سپس بیان سرنوشت شرک آلود اهل کتاب، تعریضی به مخاطبان است که چنین خطری شما را نیز تهدید می کند و هشیار باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۲ - ۵

۵- همه انسان ها ، در معرض خطر شرکند .

لا تجعل مع الله إلهاء اخر

برداشت فوق مبتنی بر این است که <لا تجعل> خطاب به پیامبر(ص) نیز باشد. بنابراین از اینکه پیامبر(ص) نیز مخاطب این هشدار قرار گرفته است، معلوم می شود که ابتلای به شرک خطری است همگانی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۹

۹- انسان ، همواره در معرض ابتلا به شرک و نیازمند به هشدار است . \*

لا تجعل مع الله إلهاء اخر . . . و قضی ربک ألا تعبدوا إلا إياه ... لا تجعل مع ال

تأکید بر پرهیز از شرک در این مجموعه آیات (آیه ۲۲ ۳۸) که درباره مباحث مختلف خانوادگی و اجتماعی است بیانگر این

نکته است که احتمال لغزش انسانها زیاد است و باید به آنها توجه داده شود.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۹ - ۳

۳ - شرک ، خطری جدی در مسیر انسان ها است .

و الذین هم برّهم لایشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۳ - ۳

۳ - ابتلای به شرک ، خطری جدی در مسیر عقیده و عمل انسان

فلاتدع مع الله إلهاء آخر

نهی الهی آن هم در ظاهر خطاب به پیامبر(ص) نشانگر آن است که اصولاً انسان در معرض چنین خطری قرار دارد زیرا وقتی آن حضرت مورد هشدار قرار گیرد، تکلیف دیگران روشن است.

خطر شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۸ - ۵

۵ - حضور شیاطین ، خطر آفرین برای انسان

و أعوذ بك رب أن يحضرون

از آیه فوق استفاده می شود: در آنجا که شیاطین حضور دارند، انسان بیشتر در معرض خطر قرار می گیرد و آنجا که آنها حضور ندارند، ایمن تر است.

خطر شیاطین انس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۳

۳ - خطر وسوسه گران جن و انس ، بزرگ و سزاوار چاره اندیشی است .

من الجنّه و الناس

خطر شياطين جن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - ناس - ١١٤ - ٦ - ٣

٣ - خطر وسوسه گران جن و انس ، بزرگ و سزاوار چاره انديشی است .

من الجنّه و الناس

خطر شيطان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢ - آل عمران - ٣ - ٣٦ - ٢٢، ١٨

١٨ شيطان ، خطری

در کمین انسان

و ائى اعیذها بك و ذریتها من الشیطان الرجیم

۲۲ اجابت دعای همسر عمران ، در مورد حفظ مریم (س) و فرزندش از شر شیطان

و ائى اعیذها بك و ذریتها من الشیطان الرجیم

رسول خدا (ص): ... و قال عیسی (ع) فیما ینتی علی ربه: و اعاذنی و امی من الشیطان الرجیم فلم یکن له علینا سبیل.

---

الدر المثور، ج ۲، ص ۱۸۴.

خطر عبادت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۵ - ۱

۱ - هشدار خداوند به یکایک پیامبران در باره گرایش پیدا کردن به شرک و پرستش غیر او

و لقد أوحى إليك وإلى الذين من قبلك لئن أشركت لیحبطن عملك

مفرد آمدن خطاب در <أشركت> و <عملك> با آن که همه پیامبران مخاطب وحی الهی بودند می رساند که این وحی به یکایک پیامبران به طور جداگانه و مستقل، ابلاغ شده است.

خطر عجب ثروتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۵ - ۷

۷ - عجب و خودپسندی ، خطری در کمین ثروت مندان / حتی کسانی که نعمت ها را وابسته به خداوند دیده و به ربوبیت او ایمان دارند .

ربى أكرمن

واژه <ربى>، نشانگر مؤمن بودن گوینده آن به ربوبیت خداوند است. بنابراین گرچه <الإنسان> مطلق است، ولی سخن

درباره خداپرستان است.

خطر عجب مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۵ - ۷

۷ - عجب و خودپسندی ، خطری در کمین ثروت مندان ؛ حتی کسانی که نعمت ها را



وابسته به خداوند دیده و به ربوبیت او ایمان دارند .

رَبِّي أَكْرَمُنْ

واژه <رَبِّي>، نشانگر مؤمن بودن گوینده آن به ربوبیت خداوند است. بنابراین گرچه <الإنسان> مطلق است؛ ولی سخن درباره خداپرستان است.

خطر عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۸ - ۴

۴- کفران کنندگان نعمت های الهی و حق ناسپاسان ، در معرض عذاب های دنیوی چون بلعیده شدن به وسیله زمین و گرفتار شدن به طوفان شن

و كان الإنسان كفورًا. أفأنتم أن یخسف بكم ... أو یرسل علیكم حاصبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۲

۲- انسان های ناسپاس و روی گردان از حق ، هیچ گاه و در هیچ شرایطی ، از عذاب و کیفر دنیوی خداوند ، در دریا و خشکی در امان نیستند .

فلما نَجَّكُم إلى البرِّ أعرَضتم .. أم أمتم أن یعیدكم فیه تاره أخرى

خطر عذاب دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۴ - ۹

۹ - گنه کاران توبه ناپذیر ، در معرض عذاب الهی در دنیا ( عذاب استیصال )

و أنیبوا إلى ربِّكم و أسلموا له من قبل أن یأتیکم العذاب

خطر عذاب دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۴

۴- کافران و روی گردانان از پذیرش آیات قرآن ، در خطر گرفتاری به سرنوشت هلاکت بار پیشینیان و ابتلا به عذاب های دنیوی

و إذا تتلى عليهم آياتنا .. و کم أهلکنا قبلهم من قرن

خطر عذاب

## دنیوی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۱۳

۱۳- گمراهان ، همواره در خطر گرفتاری به عذاب های الهی در دنیا

فلیمدد له الرحمن مدّاً حتّى إذا رأوا ما يوعدون إمّا العذاب و إمّا الساعه

تردید در <إمّا العذاب و إمّا الساعه> و نکره آوردن <مدّاً> و مبهم گذاشتن مقدار مهلت، این نتیجه را می دهد که هر یک از گمراهان، باید هر لحظه منتظر عذاب دنیوی و پایان مهلت در باره خود باشند.

خطر عذاب دنیوی معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۴

۴- کافران و روی گردانان از پذیرش آیات قرآن ، در خطر گرفتاری به سرنوشت هلاکت بار پیشینیان و ابتلا به عذاب های دنیوی

و إذا تتلى عليهم آياتنا .. و کم أهلکنا قبلهم من قرن

خطر عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۲ - ۱

۱- کافران ، در هر لحظه از شب و روز در معرض عذاب الهی اند .

قل من یکلؤکم .. من الرحمن

برداشت یاد شده بنابراین است که مراد از <من الرحمان> <من بأس الرحمان و عذابه> باشد. آیه قبل که در باره عذاب الهی است شاهد و مؤید همین نکته است.

خطر عذاب کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۸

۸ - مرفهان ناسپاس ، در معرض عذاب و سرنوشت هلاکت بار خویش اند .

و الذین ظلموا من هؤلاء سیصیبهم سیئات ما کسبوا

خطر

عذاب مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۸

۸ - مرفهان ناسپاس ، در معرض عذاب و سرنوشت هلاکت بار خویش اند .

و الذین ظلموا من هؤلاء سیصیبهم سیئات ما کسبوا

خطر عذاب مسلمانان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۴ - ۲

۲ - مسلمانان صدراسلام ، به خاطر بی مبالاتی و خوش باوری در توطئه < افک > ، در معرض گرفتار شدن به عذابی سخت از سوی خدا قرار داشتند .

و لولا فضل الله علیکم .. لمسکم فی ما أفضتم فیه عذاب عظیم

خطر عصیان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۱ - ۱۹

۱۹ - انسان در معرض سرکشی ، در برابر خداوند است .

کذلک یتّم نعمته علیکم لعلکم تسلّمون

استعمال کلمه < لعل > که برای بیان توقع و صرف امکان و انتظار است، نشانگر آن است که اگر توجهی به نعمتهای فراوان خدا نباشد، تسلیم شدن انسانها در برابر او دور می نماید.

خطر عصیان انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۱ - ۱۹

۱۹- انسان در معرض سرکشی ، در برابر خداوند است .

كذٰلِكَ يَتِمُّ نِعْمَتُهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَسْلُمُونَ

استعمال کلمه <لعل> که برای بیان توقع و صرف امکان و انتظار است، نشانگر آن است که اگر توجهی به نعمتهای فراوان خدا نباشد، تسلیم شدن انسانها در برابر او دور می نماید.

خطر علمای مسیحیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه -

۱ خداوند ، از فساد مالی و انحراف بسیاری از احبار و راهبان ( پیشوایان دینی یهود و نصارا ) پرده برداشته و مؤمنان را نسبت به خطر آنان هشدار داد .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَ الرَّهْبَانِ لِيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَطْلِ

خطر علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۱

۱ خداوند ، از فساد مالی و انحراف بسیاری از احبار و راهبان ( پیشوایان دینی یهود و نصارا ) پرده برداشته و مؤمنان را نسبت به خطر آنان هشدار داد .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَ الرَّهْبَانِ لِيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَطْلِ

خطر غریزه جنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۹

۹ غریزه جنسی ، لغزشگاهی خطرناک برای آدمی است .

وَ إِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبَبُ إِلَيْهِنَّ

خطر غفلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۳ - ۲

۲- انسان ، در معرض غفلت از سود و زیان واقعی خویش و نیازمند هشدار پیامبران ( ع ) است .

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - جان و دل آدمی ، در معرض خطر غفلت

بل قلوبهم فی غمره من هذا

<بل> حرف اضراب و برای انتقال از مطلبی (اوصاف مؤمنان راستین، نامه اعمال آنان و داوری عادلانه خدا درباره مردم) به مطلب دیگر (اوصاف کفار و منکران معاد) است. <غمره> به آبی که



تمام قامت انسان را فراگیرد، گفته می شود و در این جا، استعاره از غفلت فراگیر است.

خطر غفلت از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۲ - ۱۲

۱۲ - سستی در یاد خداوند و غفلت از او ، خطری جدی برای رهروان و قیام کنندگان در راه خدا

اذهب أنت . . . و لاتنیا فی ذکری

خطر غفلت از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۱

۱ - خداوند در وادی طوی ، خطر منکران قیامت را در بازداشتن موسی (ع) از توجه به قیامت ، به او گوشزد کرد و او را از فریب کاری آنان برحذر داشت .

فاعبدنی . . . فلا یصدنک عنها من لایؤمن بها

ضمیرهای <عنها> و <بها> به <الساعة> (در آیه قبل) برمی گردد.

خطر غلو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۵

۵ پیروان ادیان الهی ، در معرض خطر غلو و گزافه گویی در دین

یاهل الکتب لاتغلوا فی دینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۷ - ۴

۴ پیروان ادیان الهی در خطر غلو و انحراف از دین خویش

يا اهل الكتب لا تغلوا في دينكم

خطر فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۷ - ۱۲

۱۲ - موسی (ع) ، از برخورد با نیروهای فرعون و بروز مشکلات دیگر در مسیر هجرت از مصر نگران بود .

أسر بعبادی . . . لاتخف درگا

<درک> به معنای ملحق شدن و رسیدن و نیز به معنای پی آمد است (قاموس). نفی هرگونه پی گیری و پی آمد و نیز اطمینان بخشیدن به موسی(ع) در مورد امنیت مسیر هجرت، نشان از وجود زمینه تعقیب شدن و نیز نگرانی های دیگر در این مسیر دارد.

#### خطر فقر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۳ - ۴

۴ خطر فقر و بیچارگی برای مردم ، در صورت حاکمیت یهود بر آنان

ام لهم نصيب من الملك فاذا لا يؤتون الناس نقيراً

برداشت فوق را فرمایش امام باقر(ع) تأیید می کند که در معنای <الملك> در آیه فوق فرمود: یعنی الامامه و الخلافه ...

---

کافی، ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۱ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۹۰، ح ۲۹۹.

#### خطر قتل موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۶ - ۳

۳ - اقدام بر قتل موسی (ع) ، کاری دشوار ، خطر آفرین و دارای بازتاب ناگوار در میان افکار عمومی در نظر فرعون

و قال فرعون ذروني أقتل موسى

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که فرعون، در کشتن فرزندان ایمان آورندگان به موسی(ع) با کسی به مشاوره نپرداخت (اقتلوا أبناء الذين آمنوا معه)؛ ولی در کشتن موسی(ع) با مشاوران و درباریان خود به رایزنی پرداخت.

#### خطر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ رهبران الهی ، حتّی پیامبران ، در معرض خطر تأثیر منفی شکوه ظاهری و قدرت اقتصادی کافران

لا یغزینک تقلّب

الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۱۴، ۱۵

۱۴ خطر شیخون کافران ، دلیل به همراه داشتن اسلحه به هنگام نماز در میدان جنگ

و لِيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَ اسْلِحَتَهُمْ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ

۱۵ کافران ، در کمین و مترصد فرصت برای حمله و شیخون به مسلمانان

وَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ اسْلِحَتِكُمْ وَ امْتِعَتِكُمْ فِيمَلُونَ عَلَيْكُمْ مِيلَهُ وَاحِدَةً

جمله <وَالَّذِينَ...>، بیان یک اصل کلی است و همراه داشتن اسلحه به هنگام نماز برای پیشگیری، تنها یک مصداق از آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۷

۷ - خطر و زیان منافقان برای جامعه اسلامی ، همانند خطر و زیان کافران است .

جهد الكفّار و المنفقين و اغلظ عليهم

خطر کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۱۶

خطر کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۴ - ۹

۹ - خطر نفوذ و تأثیر گذاری گروه های گناه پیشه و ناسپاس ، در رهبران جامعه ایمانی

و لاتطع منهم ءاثمًا أو كفورًا

خطر گرایش به شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۵ - ۱

۱ - هشدار خداوند به یکایک پیامبران در باره گرایش پیدا کردن به شرک و پرستش غیر او

و لقد أوحى إليك وإلى الذين من قبلك لئن أشركت ليحبطن عملك

مفرد آمدن خطاب در <أشركت> و <عملك> با آن که همه پیامبران مخاطب

وحی الهی بودند می رساند که این وحی به یکایک پیامبران به طور جداگانه و مستقل، ابلاغ شده است.

خطر گرگ در سرزمین کنعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۶

۶ حمله گرگ ها به آدمیان در اطراف کنعان و مراتع آن ، خطری شایع و متوقع در عصر یعقوب (ع)

أخاف أن يأكله الذئب و أنتم عنه غفلون

خطر گرگها در دوران یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۶

۶ حمله گرگ ها به آدمیان در اطراف کنعان و مراتع آن ، خطری شایع و متوقع در عصر یعقوب (ع)

أخاف أن يأكله الذئب و أنتم عنه غفلون

خطر گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸ - ۳

۳ خطر انحراف پس از هدایت ، برای همگان ( حتی راسخین در علم )

و الرّاسخون فی العلم یقولون . . . ربّنا لا ترغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۴،۵

۴ مسلمانان در صورت بی توجهی به احکام الهی در خطر گمراهی و گرایش های کفرآمیز

علیکم انفسکم لا یضرکم من ضل

۵ انسان همواره بر سر دو راهی هدایت و گمراهی

عليكم انفسكم لا يضركم من ضل إذا اهتديتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۵ - ۷

۷ انسان ها ، حتی عالمان هدایت یافته ، در خطر پیروی از شیطان و



گام نهادن در مسیر گمراهی هستند .

فانسَلَخَ مِنْهَا فَأَتْبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ

خطر گمراهی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۹ - ۱۰

۱۰- انسان ها ، در معرض اغواگری ابلیسند

لَأَغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ

خطر گمراهی مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۷ - ۴،۵

۴ - گروهی از هدایت یافتگان ، بر طریق هدایت ثابت قدم نماندند و در زمره غضب شدگان و یا گمراهان قرار گرفتند .

صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم و لا الضالین

برداشت فوق بر این اساس است که <غیر المغضوب> صفت احترازی برای <الذین انعمت> باشد. بر این مبنا نعمت داده شدگان یعنی، هدایت یافتگان سه گروه می شوند: ۱ راه یافتگانی که دست از هدایت شسته و از <مغضوبین> می شوند. ۲ هدایت یافتگانی که در بین راه گمراه شده و از <ضالین> می گردند. ۳ هدایت پیشگانی که تا آخر بر صراط مستقیم پایدار می مانند.

۵ - هدایت یافتگان نیز در خطر قرار گرفتن در زمره غضب شدگان و یا گمراهان هستند .

صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم و لا الضالین

خطر گناه زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۴

۴- زنان و مردان مؤمن ، همواره در معرض خطر انحراف و افتادن در ورطه گناه آتش افروز

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا

مطلب یاد شده، از خطاب به مؤمنان (یا ائیه‌ها الذین آمنوا) استفاده می شود.

خطر گناه مردان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۴

۴ - زنان و مردان مؤمن ، همواره در معرض خطر انحراف و افتادن در ورطه گناه آتش افروز

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا

مطلب یاد شده، از خطاب به مؤمنان (یا ایها الذین آمنوا) استفاده می شود.

خطر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۴ - ۹

۹ - خطر نفوذ و تأثیر گذاری گروه های گناه پیشه و ناسپاس ، در رهبران جامعه ایمانی

و لا تطع منهم ءائماً أو کفوراً

خطر لغزش انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۱۰

۱۰ - همه انسان ها در معرض گناهو لغزش اند .

و استغفر لذنبک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۸ - ۳

۳ - انسان ها ، حتی متقین ، همواره در معرض لغزش و نیازمند استغفار مداوم

و بالأسحار هم یستغفرون

خطر مرگ یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۶

۶ فرزندان یعقوب با سوگند به خدا ، خطر فرسوده شدن و به هلاکت رسیدنش را به او هشدار دادند .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف حتی تکون حرصاً أو تکون من الهلکین

حرف <تاء> برای قسم است و جمله <تفتؤا تذکر یوسف> به اعتبار غایتی که برای آن ذکر شده (حتی تکون حرصاً ..) جواب قسم است ؛ یعنی ، در حقیقت جواب قسم <تکون حرصاً...> می باشد.

خطر مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱۴

۱۴ - سفر پیامبر ( ص ) به سوی مکه ( قبل از صلح حدیبیه ) ، سفری مخاطره آمیز و نگران کننده برای برخی مسلمانان

سيقول لك المخلفون من الأعراب . . . يقولون بألسنتهم

عذرآوری <مخلفون> و رد عذر آنان از سوی خداوند، می رساند که عامل اصلی آنان از ترک سفر، نگرانی از سرنوشت آن بوده است. قرینه های تاریخی و نیز آیه بعد، مؤید این نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۱

۱ - سفر پیامبر ( ص ) و مؤمنان در جریان حدیبیه ، سفری پرخطر و بی بازگشت در نظراعراب متخلف

بل ظننتم أن لن ينقلب الرسول و المؤمنون إلى أهلهم أبدًا

خطر مسافرت دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۵ - ۱۰، ۲

۲ - سفر دریایی با کشتی ، خطر آفرین است و کشتی نشین ، احساس خطر می کند .

فإذا ركبوا في الفلك دعوا الله مخلصين له الدين

۱۰ - مردم گرفتار در خطر دریا ، پس از رهایی از آن و رسیدن به خشکی ، به رغم دعای مخلصانه شان در هنگام خطر ، به خدا شرک میورزند !

فإذا ركبوا في الفلك دعوا الله . . . فلما نجّهم إلى البرّ إذا هم يشركون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۳ - ۶

۶ - هیچ یک از سرنشینان کشتی ها در دریا ها ، امنیت کامل نداشته و امکان غرق شدن آنان به اراده الهی وجود دارد .



إن نشأ نغرقهم فلا صريخ لهم ولا هم ينقدون

این آیه شریفه با آیه قبل، درصدد بیان نعمت و آیت الهی می باشد؛ ولی در عین حال لحن هشدار دهنده نیز دارند که مبادا این نعمت ها موجب غرور بشر شود و آنان از آنها سوء استفاده کنند؛ که در این صورت ممکن است با قهر الهی دچار غرق و نابودی شوند.

خطر مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ روابط و پیوند های یهود و نصارا با یکدیگر، خطر و هشدار برای مسلمانان

لا تتخذوا اليهود والنصرى أولياء بعضهم أولياء بعض

از اینکه دوستی یهود و نصارا با یکدیگر، دلیل بازداشتن مسلمانان از دوستی با آنان قرار گرفته است، استفاده می شود که پیوند آنان، پیوندی خطرناک برای مسلمین است.

خطر مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۷

۷ خطر هجوم مشرکین به مسلمانان، پس از پایان جنگ احد \*

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ

زیرا دعوت پیامبر (ص) برای تجهیز نیرو، بیانگر آن است که خطر هجوم مجدد مشرکین وجود داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۵

۵ - خطر منافقان برای اسلام و گناه آنان نزد خداوند، بیش از مشرکان \*

و يعذب المنفقين و المنفقت و المشركين و المشركت

تقدم <المنافقين و المنافقات> بر <المشركين و المشركات>، ممكن است اشاره به مطلب بالا داشته باشد.

خطر مصيبت

جلد - نام سوره - سوره - آيه -



۱۱ - انسان ، در معرض انواع گرفتاری ها و مصیبت ها

و إذا مسّ الإنسان ضرّاً .. ثمّ إذا خوّلّه نعمه منه نسي ما كان يدعو إليه من قبل

خطر منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ لزوم دوری جستن از منافقین مخالفت کننده با حکم خدا و رسول ( ص ) ، به دلیل نگون بختی و گرفتاری ایشان به عذاب

الهی

و اذا قيل لهم تعالوا الى ما انزل الله و الى الرسول .. فاعرض عنهم

امام کاظم (ع) در بیان علت لزوم اعراض از منافقان فرمود: فقد سبقت عليهم كلمه الشقاء و سبق لهم العذاب . . .

---

کافی، ج ۸، ص ۱۸۴، ح ۲۱۱؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۸۷، ح ۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۰۹، ح ۳۶۸؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۵۵، ح ۱۸۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - خطر منافقان برای اسلام و گناه آنان نزد خداوند ، بیش از مشرکان \*

و يعدّب المنفقين و المنفقت و المشركين و المشركت

تقدم <المنفقين و المنفقات> بر <المشركين و المشركت>، ممکن است اشاره به مطلب بالا داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - منافقان ، دشمنانی بس خطرناک اند .

هم العدو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۷

۷ - خطر و زیان

منافقان برای جامعه اسلامی ، همانند خطر و زیان کافران است .

جهد الکفار و المنفقین و اغلظ علیهم

خطر نفاق در شهر نشینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۱ - ۱۴

۱۴ شهرنشینی با وجود در پی داشتن فرهنگ بالاتر ، خطر نفاق و پیچیده تر شدن در طریق انحراف را نیز در پی دارد .

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً .. و من أهل المدینه مردوا علی النفاق

در آیه <۹۷> با مذمت بادیه نشینان به خاطر فرهنگ پایینشان تلویحاً پیوستن به مجامع بزرگ را تمجید می کند و در این آیه، منافقان اهل مدینه را به مهارت داشتن در نفاق و زبر دست بودن بر بادیه نشینان متهم می کند؛ یعنی، در کنار آن ارزش، چنین ضد ارزشی بروز می کند.

خطر وسوسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۶ - ۸

۸ علم الهی به اعماق وجود آدمی ، هشدار به وی در تأثیرپذیری از وسوسه های نفس

و نعلم ما توسوس به نفسه و نحن أقرب إلیه من جبل الوریث

تعبیر و <نحن أقرب..> در پی <نعلم ما توسوس...> می تواند از آن جهت باشد که آدمی با ناظر دیدن خدا، خود را از بند وسوسه های نفس رها می سازد.

خطر وسوسه انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۵،۹

۵ - پناه بردن به خداوند از خطر وسوسه جن و انس ، توصیه ای الهی به پیامبر ( ص )



... من الجنه و الناس

۹- وسوسه جنیان برای انسان ها ، خطرناک تر از وسوسه هم نوعان شان است .

من الجنه و الناس

تقدیم <الجنه>، به جهت یکنواخت شدن آخر آیه های این سوره و یا ناظر به افزون تر بودن خطر وسوسه جنیان است. برداشت یاد شده، ناظر به احتمال دوم است.

خطر وسوسه جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۵،۹

۵ - پناه بردن به خداوند از خطر وسوسه جن و انس ، توصیه ای الهی به پیامبر ( ص )

قل أعوذ . . . من الجنه و الناس

۹- وسوسه جنیان برای انسان ها ، خطرناک تر از وسوسه هم نوعان شان است .

من الجنه و الناس

تقدیم <الجنه>، به جهت یکنواخت شدن آخر آیه های این سوره و یا ناظر به افزون تر بودن خطر وسوسه جنیان است. برداشت یاد شده، ناظر به احتمال دوم است.

خطر وسوسه های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۷ - ۱۴

۱۴ - زنان و مردان ، هر دو در خطر فریفته شدن به وسوسه های شیطانی اند .

فلا یخرجنکما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۱۰

۱۰- انسان ، همواره در خطر وسوسه های شیطان است .

من الجِنَّه

<شیطان> چنانچه در برخی از سوره های دیگر آمده است از جنس جن است.

خطر هلاکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- اسراء - ۱۷ - ۶۸ - ۳

۳- با امکان فرو رفتن انسان

در دل خاک و یا گرفتار طوفان های شن شدن ، احساس امنیت دائمی کردن بیجاست .

فلما نجّکم إلى البرّ أعرضتم .. أفأمتتم أن یخسف بکم جانب البرّ أو یرسل علیکم

<خسف> مصدر فعل <یخسف> در لغت به معنای فرو بردن و <البرّ> به معنای بیابان و خشکی در مقابل <بحر> (دریا) است.

خطر هلاکت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۹ - ۱۴

۱۴ - جوامع ستم پیشه در معرض عذاب قهر الهی

و ما کنا مهلکی القرى إلاّ و أهلها ظلمون

خطر هلاکت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۴

۴- کافران و روی گردانان از پذیرش آیات قرآن ، در خطر گرفتاری به سرنوشت هلاکت بار پیشینیان و ابتلا به عذاب های دنیوی

و إذا تتلی علیهم آیتنا .. و کم أهلکنا قبلهم من قرن

خطر هلاکت معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۴

۴- کافران و روی گردانان از پذیرش آیات قرآن ، در خطر گرفتاری به سرنوشت هلاکت بار پیشینیان و ابتلا به عذاب های دنیوی

و إذا تتلی علیهم آیتنا .. و کم أهلکنا قبلهم من قرن

خطر هواپرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۷

۷ هواهای نفسانی و تمایلات اشخاص و گروه ها ، لغزشگاهی خطرناک برای حاکم و قاضی

و إن احکم بینهم بما أنزل الله و لاتتبع اهواءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه -



۵ - انعام - ۶ - ۵۶ - ۵

۵ لغزیدن در دام هوسها و تمایلات مشرکان و منحرفان، خطری برای رهبران دین و همه موحدان

الذین تدعون من دون الله قل لا أتبع أهواءكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۱۴

۱۴ - همه انسان ها ، حتی پیامبران ، در معرض افتادن در دام هوای نفس اند .

یداود .. فاحکم بین الناس بالحقّ و لا تتّبع الهوی

توصیه به پرهیز از پیروی هوای نفس به داوود(ع)، گویای این حقیقت است که همه انسان ها، حتی پیامبران، در معرض چنین خطری قرار دارند و گرنه چنین توصیه ای لغو خواهد بود.

خطر هوای نفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۶ - ۸

۸ علم الهی به اعماق وجود آدمی ، هشدار به وی در تأثیرپذیری از وسوسه های نفس

و نعلم ما توسوس به نفسه و نحن أقرب إليه من حبل الوريد

تعبیر و <نحن أقرب...> در پی <نعلم ما توسوس...> می تواند از آن جهت باشد که آدمی با ناظر دیدن خدا، خود را از بند وسوسه های نفس رها می سازد.

خطر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ روابط و پیوند های یهود و نصارا با یکدیگر ، خطر و هشدار برای مسلمانان

لا تتخذوا اليهود و النصرى اولياء بعضهم اولياء بعض

از اينكه دوستى يهود و نصارا با يكديگر، دليل بازداشتن مسلمانان از دوستى با آنان قرار گرفته است، استفاده مى شود كه  
پيوند آنان،

پیوندی خطرناک برای مسلمین است.

زمینه خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۵ - ۷

۷- انسان ها بدون تمسک به ریسمان دین ، در معرض سقوط و ابتلا به خطر ها و آفت های علاج ناپذیراند .

قل إنما أنذركم بالوحي

انذار و اخطار وحی بیانگر وجود خطر ها و آفت های بسیار بر سر راه انسان ها است. اگر آنان به این خطر ها و آفت ها را به درستی می شناختند و به علاج آنها می پرداختند، آمدن انذار و اخطار های الهی لغو می بود. بنابراین انذار الهی بیانگر این است که انسان بدون دین، با آفت ها و خطر های مهلکی روبه رو خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۳ - ۵

۵ - انسان من های ایمان ، با خطر ها ، آسیب ها و دشواری های علاج ناپذیر روبه رو است .

إن أنت إلا نذير

از این که پیامبر(ص) به عنوان منذر و اخطار گر معرفی شده است، به دست می آید که بر سر راه انسان ها، خطر ها و آسیب های بسیاری وجود دارد که پیامبر(ص) درباره آنها اخطار و هشدار می دهد و اگر انسان از رهنمود های آن حضرت بهره نگیرد و به ایشان ایمان نیاورد، گرفتار آنها خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶ - ۳

۳ - انسان من های ایمان ، مواجه با خطر ها ، آسیب ها و دشواری های علاج ناپذیر است . \*

لتنذر قومًا ما أنذرءاباؤهم

از این که خداوند قرآن را وسیله انذار

و اخطار قرار داده است، به دست می آید که بر سر راه انسان ها، خطرها و آسیب های بسیاری وجود دارد که پیامبر(ص) به آنان اخطار و انذار کرده است و اگر انسان از رهنمودهای قرآن بهره نگیرد و به آن ایمان نیاورد، گرفتار آنها خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۰ - ۶

۶- انسان من های تعالیم دین و پیامبراسلام ، مواجه با خطر ها ، آسیب ها و دشواری های علاج ناپذیر است . \*

و سواء علیهم ءأندرتهم أم لم تذرهم

از انذار کردن رسول اکرم(ص) به دست می آید که بر سر راه انسان ها، خطرها، آسیب ها و دشواری های بسیاری است که پیامبر(ص) به آنان انذار و اخطار می کند و اگر انسان از رهنمودهای اسلام و پیامبر(ص) بهره نگیرد و به آن ایمان نیاورد، گرفتار آنها خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۵ - ۳

۳- انسان ، من های ایمان ، با خطر ها ، آسیب ها و دشواری های علاج ناپذیر روبه رو خواهد شد .

قل إنما أنا منذر

از این که خداوند پیامبر(ص) را منذر و اخطارگر معرفی کرد، روشن می شود که بر سر راه انسان ها، خطرها و آسیب های بسیاری وجود دارد و اگر انسان ها از رهنمودهای آن حضرت بهره نگیرند و به ایشان ایمان نیاورند، گرفتار آنها خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۰ - ۴

۴- انسان ، من های

ایمان ، با خطر ها ، آسیب ها و دشواری های علاج ناپذیر رو به رو خواهد شد .

إِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ

از این که خداوند پیامبراسلام(ص) را منذر و اخطارگر معرفی کرد، روشن می شود که بر سر راه انسان ها، خطرها و آسیب های بسیاری وجود دارد که اگر انسان ها از رهنمودهای آن حضرت بهره نگیرند و به ایشان ایمان نیاورند، گرفتار آنها خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲ - ۷

۷- انسان ، بدون رهنمود های وحی و دین الهی ، در معرض خطر ها و تهدید های جدی است .

إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

انذار و اخطار پیامبران، دلیل وجود خطرها و تهدیدهای بسیاری در پیش روی بشر است. بنابراین اگر انسان، انذار و اخطارهای پیامبران را نادیده بگیرد، دچار خطرها و آفت های بسیاری خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲ - ۳

۳- انسان ، بدون بهره مندی از رهنمود های وحی و پیامبران الهی ، در معرض خطر ها و تهدید های جدی است .

قَم فَاَنْذِرْ

انذار و اخطار پیامبران، دلیل وجود خطرها و تهدیدهای بسیاری در پیش روی بشر است. بنابراین اگر انسان، انذار و اخطارهای پیامبران را نادیده بگیرد، دچار خطرها و آفت های بسیاری خواهد شد.

شَرِكْ نَجَاتِ يَافِتْكَانَ اَزْ خَطَرِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۵ - ۱۰

۱۰- مردم گرفتار در خطر دریا ، پس از رهایی از آن و رسیدن به خشکی ، به رغم دعای

مخلصانه شان در هنگام خطر ، به خدا شرک میورزند !

فإذا ركبوا في الفلك دعوا الله .. فلما نجّهم إلى البرّ إذا هم يشركون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۵

۵ - بازگشت رهیدگان از ناملايمات ، به شرک ، کفران نعمت های خدا است .

فلما نجّهم إلى البرّ إذا هم يشركون . ليكفروا بما ءاتينهم

شگفتی شرک نجات یافتگان از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۳ - ۱۴

۱۴ - رویکرد افراد رهیده از سختی ها و ناملايمات به شرک ، به رغم توجه شان به خداوند ، به هنگام ابتلا ، امری غیر منتظره و ناشایست است .

ثمّ إذا أذاقهم منه رحمه إذا فريق منهم برّهم يشركون

<إذا> در عبارت <إذا فريق..> فجایه است. کاربرد آن، در جایی است که حادثه ای به صورت غیرمنتظره رخ بدهد. تکرار <رّبهم> با این بیان که ذکر <رّبهم> اشعار به این نکته دارد که آنان به رغم این که خداوند، پروردگارشان است، چنان کردند، مؤید این مطلب است.

عوامل نجات از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۳ - ۱

۱ خداوند، نجاتبخش گرفتاران در تاریکیها و تنگناهای هول انگیز خشکی و دریاست.

قل من ینجیکم من ظلمت البر و البحر تدعونه

غرق نجات یافتگان از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۳

۳- امکان بازگشت دوباره نجات یافتگان از خطر دریا به آن و گرفتار شدن به

طوفان دریایی و غرق شدن

أم أمتم أن یعیدکم فیہ تارہ آخری

مناقان مدینه و خطر مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۶ - ۲

۲ - پیامبر ( ص ) ، موظف بود که عقیده مناقان مدینه را درباره حفظ جان از خطر مرگ ، تصحیح کند .

إن یریدون إلا فرارًا .. قل لن ینفعکم الفرار إن فررتم ... وإذا لاتمتعون إلا

منشأ نجات از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۵ - ۹

۹ - نجات دهنده گرفتاران ، از خطر ، خداوند است .

فلما نجّیهم

ناپسندی شرک نجات یافتگان از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۳ - ۱۴

۱۴ - رویکرد افراد رهیده از سختی ها و ناملايمات به شرک ، به رغم توجه شان به خداوند ، به هنگام ابتلا ، امری غیر منتظره و ناشایست است .

ثم إذا أذاقهم منه رحمه إذا فریق منهم برّهم یشرکون

<إذا> در عبارت <إذا فریق..> فجاییه است. کاربرد آن، در جایی است که حادثه ای به صورت غیرمنتظره رخ بدهد. تکرار <برّهم> با این بیان که ذکر <برّهم> إشعار به این نکته دارد که آنان به رغم این که خداوند، پروردگارشان است، چنان کردند، مؤید این مطلب است.



## خلافت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خلافت

آثار خلافت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۹ - ۷

۷ - کفر، ناسازگار با خلافت الهی انسان ها و به دور از شأن آنان

هو الذی جعلکم خلیف فی الأرض

از این که خداوند در آغاز، مسأله خلافت انسان ها را مطرح ساخته و آن گاه پی آمد کفر را به آنان یادآور شده است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

### خلافت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۲۶، ۲۳، ۳

۳ - فرشتگان پیش از خلقت و خلافت آدم (ع) ، آفریده شده بودند .

و إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰئِكَةِ اِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَهٗ

۲۳ آدم (ع) و نسل او ، جانشین انسانهایی که پیش از آنان در زمین می زیستند .

إِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَهٗ

<خلیفه> به معنای، جانشین و جایگزین است و این معنا اقتضا می کند کسی که خلیفه به جای او آمده، در میان باشد و در آیه بیان نشده است که او کیست و لذا نظریات مختلفی ایراد شده است، از جمله: انسانهایی که پیش از آدم (ع) و نسل او در زمین سکونت داشته اند. اطمینان فرشتگان به فسادگری بشر مؤید این احتمال است.

۲۶ داستان خلقت و خلافت آدم (ع) و محاوره خدا و فرشتگان درباره او ، داستانی آموزنده و شایان دقت

و إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰئِكَةِ .. اِنِّیْ اَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ

کلمه <إِذْ> مفعول برای فعل مقدر <اذکر> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۳ - ۴، ۱۱

۴ - آدم (ع) ، خلیفه خداوند ، واسطه ای برای رسیدن فیض الهی به فرشتگان

یَأۡدُمۡ اَنْبِیۡهِمۡ بِاَسْمَائِهِمۡ فَلَمَّا اَنْبَاَهُمۡ بِاَسْمَائِهِمۡ

۱۱ - فرشتگان در جریان خلقت و خلافت آدم

(ع) ، امری را در ضمیر خویش پنهان می داشتند و از ابراز آن خودداری می کردند .

و أعلم ما تبون و ما کتتم تکتمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۴ - ۱،۶

۱ - خداوند پس از تعلیم حقایق هستی به آدم (ع) و اثبات لیاقت وی برای خلافت ، از فرشتگان خواست تا بر او سجده کنند .

و علم ءادم الأسماء کلها .. و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لأدم

۶ - هدف از طرح خلافت آدم (ع) برای فرشتگان و اثبات فضیلت و برتری او ، ایجاد رغبت در فرشتگان برای اجرای فرمان الهی (سجده بر آدم (ع)) بود .

و إذ قال ربک للملئکه إني جاعل فی الأرض خلیفه .. و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لأدم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۹ - ۳

۳ - آدم (ع) و نسل او ، جانشین انسان هایی که پیش از آنان در زمین می زیستند .

هو الذی جعلکم خلیف فی الأرض

خلافت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۶

۶ - خداوند ، پیامبران و مؤمنان نیکوکار پیش از اسلام را ، خلیفه و جانشین خود در زمین قرار داده بود .

وعد الله الذین ءامنوا.. کما استخلف الذین من قبلهم

خلافت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۲۳، ۲۵، ۲۰، ۱۶، ۶، ۵، ۴، ۱

۱ - خداوند بعد از آفرینش آسمان

ها و مواهب زمین ، به خلقت انسان پرداخت ، تا او را به منصب خلافت برساند .

خلق لكم ما فى الأرض ... و إذ قال ربك للملكه إني جاعل فى الأرض خليفه

با توجه به آیه ۳۴ از همین سوره و آیات دیگری که درباره خلقت آدم (ع) است، می توان گفت: سخن خداوند با فرشتگان درباره آدم، قبل از خلقت وی بوده است. بنابراین <إني جاعل فى الأرض خليفه> علاوه بر بیان خلافت آدم(ع) دلالت بر آفرینش او نیز دارد؛ یعنی: می خواهم [موجودی] بیافرینم و او را خلیفه قرار دهم.

۴ - گفتگوی خدا و فرشتگان درباره خلقت و خلافت انسان

و إذ قال ربك للملكه ... قالوا أتجعل فيها من يفسد ... قال إني أعلم ما لاتعلمون

۵ - خداوند تقدیر خویش را بر خلقت و خلافت انسان در زمین ، به فرشتگان اعلام کرد .

و إذ قال ربك للملكه إني جاعل فى الأرض خليفه

۶ - خلافت انسان در زمین دارای نوعی ارتباط با فرشتگان

و إذ قال ربك للملكه إني جاعل فى الأرض خليفه

از آن جایی که مسأله خلقت و خلافت انسان در زمین با فرشتگان در میان گذاشته شد، معلوم می شود وجود انسان در روی زمین ارتباط تنگاتنگی با فرشتگان دارد.

۸ فرشتگان با پیش بینی فسادگری انسان ، او را شایسته خلافت نمی دیدند .

قالوا أتجعل فيها من يفسد فيها و يفسك الدماء

۱۶ انسان دارای ارزش ها و استعدادهایی که وی را شایسته خلقت و زینده خلافت می کرد .

إني أعلم ما لاتعلمون

مقصود از <ما لاتعلمون> می تواند استعداد و قابلیت نهفته در انسان باشد. همچنین مراد از آن

می تواند علوم و حقایقی باشد که بر فرشتگان مخفی بوده و شایستگی دریافت آن را نداشتند. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۲۰ نا آگاهی فرشتگان به ارزش های والای انسان ، موجب شد تا فسادگری او برای فرشتگان جلوه گر شود و به خلقت و خلافتش معترض باشند .

أتجعل فیها من یفسد فیها .. قال إنی أعلم ما لاتعلمون

۲۳ آدم (ع) و نسل او ، جانشین انسانهایی که پیش از آنان در زمین می زیستند .

إنی جاعل فی الأرض خلیفه

<خلیفه> به معنای، جانشین و جایگزین است و این معنا اقتضا می کند کسی که خلیفه به جای او آمده، در میان باشد و در آیه بیان نشده است که او کیست و لذا نظریات مختلفی ایراد شده است، از جمله: انسانهایی که پیش از آدم (ع) و نسل او در زمین سکونت داشته اند. اطمینان فرشتگان به فسادگری بشر مؤید این احتمال است.

۲۵ انسان ، شایسته دستیابی به مقام خلافت الهی است .

إنی جاعل فی الأرض خلیفه

به قرینه آیات بعد که آدم (ع) - به عنوان نمونه ای از نوع انسان - برتر از فرشتگان و دارنده علم تمامی اسما معرفی شده و حقایقی (غیب آسمانها و زمین) به وی تعلیم داده شده، این نظر تأیید می شود که مراد از خلافت، خلافت الهی است؛ چرا که او تنها موجودی معرفی شده که مظهر علم الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ اعتراف فرشتگان به عالمانه و حکیمانه بودن آفرینش انسان و انتخاب او

برای خلافت

إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

از هدفهای فرشتگان در توصیف خداوند به علیم و حکیم بودن - پس از اظهار تشکیک در شایستگی انسان برای خلافت -  
اعتراف و اقرار به ارزش والای انسان و عالمانه و حکیمانه بودن آفرینش اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۹ - ۱،۳

۱ - خداوند، انسان‌ها را جانشین خود در زمین برای چگونه زیستن و هرگونه دخل و تصرف و بهره‌جستن از آن قرار داده است.

هو الذی جعلکم خلیف فی الأرض

<خلافت> به معنای نیابت از غیر است (مفردات راغب). در این که مقصود از نیابت چیست، میان مفسران سه دیدگاه وجود دارد: ۱ جانشینی انسان‌ها از خداوند در اداره زندگی خویش؛ ۲ جانشینی انسان‌ها و ملت‌ها به جای یکدیگر و به ارث بردن تمامی دارایی‌ها و تمدن‌های پیشینیان. ۳ جانشینی انسان‌های حاضر از انسان‌های پیش از خلقت آدم (ع). برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

۳ - آدم (ع) و نسل او، جانشین انسان‌هایی که پیش از آنان در زمین می‌زیستند.

هو الذی جعلکم خلیف فی الأرض

خلافت داود (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۱

۱ - خداوند، داود (ع) را جانشین خود در تدبیر امور مردم قرار داد.

یداود إنا جعلنک خلیفه فی الأرض

<خلیفه> به معنای کسی است که از ناحیه دیگری و به جای وی به تدبیر امور می‌پردازد و وقتی گفته شود: فلانی خلیفه خدا در زمین است؛

یعنی، خداوند تدبیر امور بندگانش را در زمین به او سپرده است (مجمع البیان، ذیل آیه).

خلافت در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۵ - ۱،۲

۱ استقرار انسانهای هر عصر در زمین به جانشینی نسلهای گذشته، در اختیار خدا و به دست اوست.

و هو الذی جعلکم خلائف الأرض

<خلائف جمع خلیفه (جانشین) است. اگر مخاطبان آیه انسانهای موجود در هر عصر باشند، مراد از جانشینی، جانشینی مردم هر عصر از مردم عصر پیشین خواهد بود. و اگر مخاطبان همه انسانها باشند، مقصود از جانشینی انسانها، جانشینی آنان از انسانهای منقرض شده ای است که پیش از بنی آدم بوده اند. این احتمال نیز گفته شده که منظور جانشینی انسان از خداست.

۲ آمدن هر نسلی به جای نسل پیشین، پرتوی از ربوبیت خدا بر انسانهاست.

و هو رب کل شیء... و هو الذی جعلکم خلائف الأرض

خلافت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۶،۲۰

۶ - خداوند، پیامبران و مؤمنان نیکوکار پیش از اسلام را، خلیفه و جانشین خود در زمین قرار داده بود.

وعد الله الذین ءامنوا.. کما استخلف الذین من قبلهم

۲۰ - عبادت خدای واحد و دوری از شرک، دلیل و سبب وعده خداوند به مؤمنان صدراسلام برای اعطای خلافت، پیروزی و امنیت به آنان

وعد الله الذین ءامنوا.. یعبدوننی لایشركون بی شیئاً

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <یعبدوننی..> حال برای ضمیر غایب گذشته و یا جمله ای استیفایه بیانیه باشد که



در هر صورت بیانگر علت و دلیل اعطای خلافت پیروزی و امنیت به مؤمنان از سوی خداوند است.

## خلافت لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱۷

۱۷ - > عن ابن عمر قال : سمعت رسول الله ( ص ) يقول : حَقًّا أقول : لم يكن لقمان نبياً و لكن كان عبداً كثير التفكير حسن اليقين أحب الله فأحبه و منّ عليه بالحكمه . كان نائماً نصف النهار إذ جاءه نداء يا لقمان ! هل لك أن يجعلك الله خليفه في الأرض تحكم بين الناس بالحق فأجاب الصوت إن خيرني ربّي قبلت العافيه و لم أقبل البلاء و إن عزم عليّ فسمعاً و طاعه . . . فأعطى الحكمه ;

عبدالله بن عمر می گوید: از رسول خدا(ص) شنیدم که می گفت: >به حق می گویم: لقمان، پیامبر نبود، لکن بنده ای بود اهل تفکر، دارای حسن یقین. خدا را دوست داشت و خدا نیز او را دوست داشت و با آموختن حکمت، او را مورد انعام خود قرار داد. در نیمه روز، خوابیده بود که صدایی شنید: ای لقمان! آیا دوست داری که خداوند، تو را خلیفه خود در زمین قرار دهد تا در میان مردم، به حق قضاوت کنی؟ لقمان در جواب آن صدا گفت: اگر پروردگارم، مرا مخیر کرده من عافیت را انتخاب می کنم و نه گرفتاری را و اگر بر من واجب می کند، پس سرا پا گوش و مطیع ام... در این جا به او حکمت داده شد.<

## خلافت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۶ - خداوند ، پیامبران و مؤمنان نیکوکار پیش از اسلام را ، خلیفه و جانشین خود در زمین قرار داده بود .

وعد الله الذین ءامنوا .. کما استخلف الذین من قبلهم

۲۰ - عبادت خدای واحد و دوری از شرک ، دلیل و سبب وعده کردن خداوند به مؤمنان صدراسلام برای اعطای خلافت ، پیروزی و امنیت به آنان

وعد الله الذین ءامنوا .. یعبدوننی لایشرون بی شیئاً

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <یعبدوننی..> حال برای ضمائر غایب گذشته و یا جمله ای استینافیه بیانیه باشد که در هر صورت بیانگر علت و دلیل اعطای خلافت پیروزی و امنیت به مؤمنان از سوی خداوند است.

زمینه خلافت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - ایمان و انجام اعمال صالح ، موجب شایستگی انسان برای خلافت در زمین و اداره زندگی بشر

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

فلسفه خلافت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - توان یادگیری حقایق هستی ، حکمت آفرینش انسان و راز لیاقت او برای خلافت در زمین

إنی جاعل فی الأرض خلیفه .. و علم ءادم ءالسماء کلها

فلسفه خلافت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۲ - عبادت خالصانه خداوند یکتا ، فلسفه و هدف نهایی خلافت ، حاکمیت و استقرار امنیت در زمین برای مؤمنان است .

وعد الله

الذین ءامنوا .. لیستخلفنہم ... و لیبدلنہم من بعد خوفہم أمنا یعبدو

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله <یعدوننی> استینافیه بیانیه باشد که همواره برای پاسخ گویی به سؤال مقدر است و پاسخ گوی این سؤال مقدر باشد که اعطای خلافت و حاکمیت دین و امنیت به مؤمنان به چه هدفی است و فلسفه آن چیست؟ پاسخ آن، عبادت خالصانه و منزّه از شرک است.

ملائکہ و خلافت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیہ - فیش

۱ - بقرہ - ۲ - ۳۰ - ۲۰، ۱۵، ۶۸

۶ - خلافت انسان در زمین دارای نوعی ارتباط با فرشتگان

و إذ قال ربّک للملائکہ إني جاعل فی الأرض خلیفہ

از آن جایی که مسأله خلقت و خلافت انسان در زمین با فرشتگان در میان گذاشته شد، معلوم می شود وجود انسان در روی زمین ارتباط تنگاتنگی با فرشتگان دارد.

۸ فرشتگان با پیش بینی فسادگری انسان، او را شایسته خلافت نمی دیدند .

قالوا أتجعل فیها من یفسد فیها و یسفک الدماء

۱۵ فرشتگان با توجه به حضورشان در هستی و لیاقتشان برای خلافت، فلسفه ای برای خلقت و خلافت انسان نمی دیدند .

قالوا أتجعل فیها من یفسد فیها .. و نحن نسبح بحمدک

جمله حالیه <و نحن نسبح ..> گویای این مطلب است که: فرشتگان علاوه بر اینکه انسان را به خاطر فسادگری اش شایسته خلافت نمی دانستند، وجود خویش را برای احراز این مقام لایق دانسته و زمین را از خلافت انسان بی نیاز می شمردند.

۲۰ نا آگاهی فرشتگان به ارزش های والای انسان، موجب شد تا فسادگری او برای فرشتگان جلوه گر شود

و به خلقت و خلافتش معترض باشند .

أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا .. قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ اعتراف فرشتگان به عالمانه و حکیمانه بودن آفرینش انسان و انتخاب او برای خلافت

إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

از هدفهای فرشتگان در توصیف خداوند به علیم و حکیم بودن - پس از اظهار تشکیک در شایستگی انسان برای خلافت - اعتراف و اقرار به ارزش والای انسان و عالمانه و حکیمانه بودن آفرینش اوست.

منشأ خلافت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۲

۲ - مقام خلافت ( تدبیر امور مردم به جای خدا ) ، موهبتی است الهی که باید تنها از سوی خدا به فردی واگذار شود .

إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ

استناد تعیین خلیفه به خدا، همراه با تأکید (إِنَّا) گویای برداشت یاد شده است.

نعمت خلافت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۳

۳ صالح (ع) از قوم خویش خواست تا نعمت خلافت و سکونت گزیدن در سرزمین حجر را نعمتی از جانب خدا بدانند و آن را همواره به خاطر داشته باشند .

و اذكروا إذ جعلكم خلفاء من بعد عاد و بوأكم فی الأرض

وعدہ خلافت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۱،۲

۱ - خلافت و جانشین خود قرار دادن در زمین ، وعده اُکید خداوند به مؤمنان نیکوکار

وعد الله الذین ءامنوا منکم و

<خلافت>، به معنای نیابت از غیر است (مفردات راغب). در این که خلافت و نیابت در آیه شریفه، از طرف چه کسی و یا چه کسانی است، میان مفسران چند نظریه وجود دارد: ۱ برخی آن را خلافت و جانشینی از خدا در زمین می دانند. ۲ عده ای دیگر آن را نیابت و جانشینی اقوام هلاکت شده و یا شکست خورده می شمردند که با هلاکت و یا شکست آنان مؤمنان نیکوکار جانشین آنها در اداره سرزمین هایشان می شوند. برداشت یاد شده، مبتنی بر نظریه نخست است.

۲ - خلافت و سلطه در زمین و اداره آن ، وعده اکید خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

وعده خلافت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۱،۲

۱ - خلافت و جانشین خود قرار دادن در زمین ، وعده اکید خداوند به مؤمنان نیکوکار

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

<خلافت>، به معنای نیابت از غیر است (مفردات راغب). در این که خلافت و نیابت در آیه شریفه، از طرف چه کسی و یا چه کسانی است، میان مفسران چند نظریه وجود دارد: ۱ برخی آن را خلافت و جانشینی از خدا در زمین می دانند. ۲ عده ای دیگر آن را نیابت و جانشینی اقوام هلاکت شده و یا شکست خورده می شمردند که با هلاکت و یا شکست آنان مؤمنان نیکوکار جانشین آنها در اداره سرزمین هایشان می شوند. برداشت یاد شده، مبتنی بر نظریه نخست است.

- خلافت و سلطه در زمین و اداره آن ، وعده اکید خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

خلیفه خدا

{خلیفه خدا}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۲۵،۳۰

۲۵ انسان ، شایسته دستیابی به مقام خلافت الهی است .

إنی جاعل فی الأرض خلیفه

به قرینه آیات بعد که آدم (ع) - به عنوان نمونه ای از نوع انسان - برتر از فرشتگان و دارنده علم تمامی اسما معرفی شده و حقایقی (غیب آسمانها و زمین) به وی تعلیم داده شده، این نظر تأیید می شود که مراد از خلافت، خلافت الهی است؛ چرا که او تنها موجودی معرفی شده که مظهر علم الهی است.

۳۰ امیر المؤمنین (ع) فرمود: >... قالت الملائکه : سبحانک > أنجعل فیها من یفسد فیها ویسفک الدماء و نحن نسبح بحمدک و نقدر لک <... فاجعله منّا فاننا لانفسد فی الأرض و لانسفک الدماء . قال جلّ جلاله ... > إنی أعلم ما لاتعلمون < ائی ارید ان اخلق خلقاً بیدی اجعل ذریته انبیاء مرسلین و عباداً صالحین و ائمه مهتدین اجعلهم خلفائی فی ارضی .  
;...

.. ملائکه گفتند: پروردگارا منزهی تو > آیا قرار می دهی در زمین کسی را که فساد و خونریزی می کند و ما تسبیح و حمد تو را به جا می آوریم و تقدیس می کنیم <. پس خلیفه را از ما قرار بده که ما نه در زمین



فساد می کنیم و نه خونریزی می نماییم. خداوند جل جلاله فرمود: من چیزی را می دانم که شما نمی دانید؛ من اراده نموده ام که با دست خود خلقی را بیافرینم که از نسل او پیامبران مرسل، بندگان صالح و پیشوایان هدایت یافته به وجود آیند که آنان را جانشینان خود بر مخلوقاتم در زمین قرار بدهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۳ - ۴، ۱۴

۴ - آدم (ع) ، خلیفه خداوند ، واسطه ای برای رسیدن فیض الهی به فرشتگان

يَا أَدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ

۱۴ - از امام صادق (ع) روایت شده که : > إِنْ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَّمَ آدَمَ أَسْمَاءَ حُجَجِ اللَّهِ كُلِّهَا ... فَقَالَ : ... > أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ < وَقَفُوا عَلَى عَظِيمٍ مِنْزِلَتِهِمْ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى فَعَلِمُوا أَنَّهُمْ أَحَقُّ بِأَنْ يَكُونُوا خُلَفَاءَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَحُجَجِهِ عَلَى بَرِيَّتِهِ وَقَالَ لَهُمْ : > أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تَبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ < ... ;

خداوند تبارک و تعالی اسامی تمام حجتهای خود را به آدم آموخت، پس [خطاب به آدم] فرمود: ملائکه را از اسامی آنان آگاه نما و چون آنان را از اسامی آگاه ساخت ملائکه به جایگاه بزرگ آنان در نزد خداوند واقف شدند و دانستند که آنان برای خلافت خدا در زمین و حجت بر مردمان سزاوارترند. و خداوند به ملائکه فرمود: > آیا به شما نگفتم من غیب آسمانها و زمین را می دانم و

نیز می دانم آنچه شما آن را آشکار می کنید و آنچه آن را پنهان می داشتید <...>.

خلیفه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۶، ۷، ۱۰، ۱۲

۱ - خلافت و جانشین خود قرار دادن در زمین ، وعده اُکید خداوند به مؤمنان نیکوکار

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

<خلافت>، به معنای نیابت از غیر است (مفردات راغب). در این که خلافت و نیابت در آیه شریفه، از طرف چه کسی و یا چه کسانی است، میان مفسران چند نظریه وجود دارد: ۱ برخی آن را خلافت و جانشینی از خدا در زمین می دانند. ۲ عده ای دیگر آن را نیابت و جانشینی اقوام هلاکت شده و یا شکست خورده می شمردند که با هلاکت و یا شکست آنان مؤمنان نیکوکار جانشین آنها در اداره سرزمین هایشان می شوند. برداشت یاد شده، مبتنی بر نظریه نخست است.

۲ - خلافت و سلطه در زمین و اداره آن ، وعده اُکید خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

۶ - خداوند ، پیامبران و مؤمنان نیکوکار پیش از اسلام را ، خلیفه و جانشین خود در زمین قرار داده بود .

وعد الله الذین ءامنوا. .. کما استخلف الذین من قبلهم

۷ - خداوند ، کافران حاکم پیش از اسلام را ، شکست داد و پیامبران و مؤمنان نیکوکار را ، پیروز کرده و جایگزین آنان در سطح زمین قرار داد .

وعد الله الذین ءامنوا. .. کما استخلف الذین من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره

۱ - خداوند، انسان‌ها را جانشین خود در زمین برای چگونگی زیستن و هرگونه دخل و تصرف و بهره‌جستن از آن قرار داده است.

هو الذی جعلکم خلیف فی الأرض

<خلافت> به معنای نیابت از غیر است (مفردات راغب). در این که مقصود از نیابت چیست، میان مفسران سه دیدگاه وجود دارد: ۱ جانشینی انسان‌ها از خداوند در اداره زندگی خویش؛ ۲ جانشینی انسان‌ها و ملت‌ها به جای یکدیگر و به ارث بردن تمامی دارایی‌ها و تمدن‌های پیشینیان. ۳ جانشینی انسان‌های حاضر از انسان‌های پیش از خلقت آدم (ع). برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

۷ - کفر، ناسازگار با خلافت الهی انسان‌ها و به دور از شأن آنان

هو الذی جعلکم خلیف فی الأرض فمن کفر فعليه کفره

از این که خداوند در آغاز، مسأله خلافت انسان‌ها را مطرح ساخته و آن‌گاه پی‌آمد کفر را به آنان یادآور شده است، می‌توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - خداوند، داوود (ع) را جانشین خود در تدبیر امور مردم قرار داد.

یداود انا جعلنک خلیفه فی الأرض

<خلیفه> به معنای کسی است که از ناحیه دیگری و به جای وی به تدبیر امور می‌پردازد و وقتی گفته شود: فلائنی خلیفه خدا در زمین است؛ یعنی، خداوند تدبیر امور بندگانش را در زمین به او سپرده است (مجمع البیان، ذیل آیه).

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۷ - ۹

۹ - انسان ، جانشین خداوند در زمین

جعلکم مستخلفین فیه

شؤون خلیفه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۶

۶ - قضاوت و داوری میان مردم ، از شؤون مقام < خلیفه اللهی > است .

إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ

مأموریت داوود(ع) به داوری میان مردم، پس از انتصاب ایشان به مقام <خلیفه اللهی>، گویای برداشت یاد شده است.

قضاوت خلیفه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۶

۶ - قضاوت و داوری میان مردم ، از شؤون مقام < خلیفه اللهی > است .

إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ

مأموریت داوود(ع) به داوری میان مردم، پس از انتصاب ایشان به مقام <خلیفه اللهی>، گویای برداشت یاد شده است.

## خلقت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خلقت

آثار تفکر در خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲- تفکر در چگونگی آفرینش انسان زداینده هر گونه تردید در حاکمیت اراده و قدرت خدا بر اسباب و علل طبیعت

هو علیٰ هین و قد خلقتک من قبل و لم تک شیئاً

آثار خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲ - ۵

۵- قدرت خداوند بر آفرینش آسمان و برج های آن ، نشانه صداقت او در وعده آمدن قیامت است . \*

و السماء ذات البروج . و الیوم الموعود

یاد کردن قیامت پس

از ذکر آسمان و برج های آن ممکن است به این لحاظ باشد که توجه به آسمان، باور به قیامت را تقویت می کند.

آثار خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۳ - ۵

۵- عارض نگشتن کم ترین ضعف و خستگی بر خداوند ، در نتیجه آفرینش آسمان ها و زمین

و لم یعی بخلقهنّ

مفاد جمله <لم یعی بخلقهنّ> راه نیافتن تعب و خستگی در ذات حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۶ - ۲

۲- آفرینش آسمان ها و زمین ، نشانی از آفریدگار شایسته عبادت و اطاعت

أم خلقوا السموت و الأرض

خداوند با این پرسش، کافران را به خالقیت خویش توجه داده است؛ تا از این طریق آنان دست از لجاج بردارند و به اطاعت و عبادت او بگردند.

آثار خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۸ - ۱۳

۱۳ - انفکاک ناپذیری خلقت جهان از تدبیر و ربوبیت آن

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنّ الله قل أفرءیتم ما تدعون من دون الل

مقصود از بیان مسأله ناتوانی معبودهای مشرکان، پس از اعتراف گرفتن از آنان به انحصار خالقیت به خداوند، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - آفرینش انسان و هستی ، روشن ترین نشانه قدرت برتر الهی

أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً

تکیه بر خالقیت خداوند در مقام بیان قدرت برتر او، بیانگر

مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۷ - ۸

۸ - آفریدن جهان و آگاهی از پدیده های آن و اسرار نهفته در دل آدمیان ، نشانه آسان بودن آفرینش مجدد انسان ها از جانب خداوند

خلق السموت . . و الله علیم بذات الصدور ... و ربی لتبعثن ... و ذلك علی الله

مطلب یاد شده، از ذکر آفرینش جهان به قدرت خداوند و آگاهی همه جانبه او در آغاز و سپس یاد کردن آسانی برپایی قیامت برای او، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۳ - ۳

۳ - توانمندی خداوند بر ایجاد جهان هستی و اعاده آن ، دلیل قدرت او بر مجازات سخت کافران

إنه هو بیديء و یعید

حرف <إِنَّ> برای تعلیل است و مبنای آیه قبل را بیان می کند.

آثار خلقت ابتدایی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۵ - ۴

۴ مشاهده خلقت نخستین موجودات و شک در قدرت خداوند برای آفرینش مجدد آنها ، ناسازگار با یکدیگر

أفعینا بالخلق الأول بل هم فی لبس من خلق جدید

از آیه شریفه، استفاده می شود که میان خلقت نخستین موجودات و اعاده آنها از نظر امکان، حکمی یکسان جاری است؛ اگر اولی ممکن شد دومی نیز ممکن است. حال ممکن شمردن یکی و محال شمردن دیگری، تناقض می باشد.

آثار خلقت انسان



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۸ - ۸

۸- آفرینش نخستین انسان ها به

دست خداوند ، دلیل قدرت الهی بر آفرینش دوباره آنان پس از مرگ است .

لقد جئتمونا كما خلقنكم أول مرة

تشبیه حضور آدمیان در قیامت به تولدشان در دنیا، ممکن است در جهت رفع استبعاد معاد و نیز توییح مشرکان به جهت انکار معاد باشد؛ یعنی، آن خلقت نخست، آیا دلیل وافی و کافی برای پذیرش معاد و قدرت خداوند بر محقق ساختن آن نبود؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۷ - ۴

۴- پدیدار ساختن انسان در صحنه هستی و آوردن او از عدم به وجود ، دلیل قدرت خداوند بر احیای مجدد او و معاد

أولاً يذكر الإنسن . . . و لم یک شیئا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۱۰

۱۰- آفرینش انسان از عناصر بی جانی چون : خاک ، نطفه ، علقه و مضغه ، جلوه روشنی از توانایی خدا بر احیای مجدد انسان در روز رستاخیز است .

فإننا خلقنکم من تراب . . . لنبین لکم

<لنبین لکم> مفعول له برای <خلقناکم> و به تقدیر <لنبین لکم ان الله قادر علی أن یحیی الموتی> است؛ یعنی، ما شما را از خاک و سپس از نطفه و سپس . . . آفریدیم تا روشن سازیم که خدا، بر احیای دوباره شما توانا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۴ - ۴

۴ - آفرینش انسان ها و سیر تکوین آنان ، جلوه عظمت ربوبی خداوند است .

ما لکم لا ترجون لله وقارًا . و قد خلقکم أطوارًا

آثار خلقت انسان ها

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۱۳

۱۳ - آفرینش انسان و هستی ، روشن ترین نشانه قدرت برتر الهی

أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً

تکیه بر خالقیت خداوند در مقام بیان قدرت برتر او، بیانگر مطلب یاد شده است.

آثار خلقت برجهای آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲ - ۵

۵ - قدرت خداوند بر آفرینش آسمان و برج های آن ، نشانه صداقت او در وعده آمدن قیامت است . \*

و السماء ذات البروج . و اليوم الموعود

یاد کردن قیامت پس از ذکر آسمان و برج های آن ممکن است به این لحاظ باشد که توجه به آسمان، باور به قیامت را تقویت می کند.

آثار خلقت روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۲ - ۶

۶ آفرینش شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی برای انسان ، سپاس برانگیز است .

و هو الذی جعل الّیل .. لمن أراد أن یدّکر أو أراد شکورًا

<شکور> مصدر و مرادف واژه <شکر> است.

آثار خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- عارض نگشتن کم ترین ضعف و خستگی بر خداوند ، در نتیجه آفرینش آسمان ها و زمین

و لم یعی بخلقهنّ

مفاد جمله <لم یعی بخلقهنّ> راه نیافتن تعب و خستگی در ذات حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۶ - ۲

آفرینش آسمان ها و زمین ، نشانی از آفریدگار شایسته عبادت و اطاعت

أم خلقوا السموت و الأرض

خداوند با این پرسش، کافران را به خالقیت خویش توجه داده است؛ تا از این طریق آنان دست از لجاج بردارند و به اطاعت و عبادت او بگروند.

آثار خلقت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۲ - ۶

۶ آفرینش شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی برای انسان ، سپاس برانگیز است .

و هو الذی جعل الیل .. لمن أراد أن یدکر أو أراد شکورًا

<شکور> مصدر و مرادف واژه <شکر> است.

آثار خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۵ - ۲

۲ آفرینش هر موجود ، خود گواه قدرت خداوند بر آفرینش مجدد آن ، پس از مرگ و نابودی

أفعمینا بالخلق الأوّل

آثار ذکر خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۲ - ۳

۳- توجه به آفرینش آسمان و نقش آن برای اهل زمین ، راهی برای رسیدن به توحید است .

أنّ السموت والأرض .. و جعلنا السماء سقفاً محفوظاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ - توجه به آفرینش زمین و آسمان و مراحل آن ، عامل پی بردن انسان به قدرت و علم نامحدود خداوند

أئنکم لتكفرون بالذی خلق .. ذلك تقدير العزيز العليم

آثار ذکر خلقت آسمانها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹

۱- توجه به خلقت آسمان ها و زمین ، عاملی برای پی بردن به قدرت خداوند در آفرینش دوباره انسانها

أولم يروا أن الله .. قادر على أن يخلق مثلهم

آثار ذکر خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۷ - ۳

۳- توجه انسان به آفرینش و آمدن او از عدم به صحنه وجود ، زمینه استبعاد معاد و انکار آن را از بین می برد .

أولاً يذكر الإنسان أننا خلقناه من قبل و لم يك شيئاً

مقصود از عدم و نیستی، الزاماً عدم مطلق نیست بلکه می تواند عدم نسبی باشد؛ یعنی، انسان قبلاً نبوده و الآن وجود دارد، گرچه مواد و عناصر او در قالب موجوداتی دیگر از قبل نیز وجود داشته باشد. این احتمال نیز هست که جمله <لم يك شيئاً> ناظر به دورانی باشد که عناصر انسان، در قالب هیچ موجودی آفریده نشده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۴

۴- توجه به پیدایش انسان و آفریده شدن وی از عناصری بی جان ( خاک ، نطفه ، علقه و مضغه ) ، زداینده هر گونه تردید در امکان برپایی رستاخیز و قدرت خدا بر بخشیدن حیات دوباره به مردگان

يأيتها الناس إن كنتم في ريب من البعث فإننا خلقنكم .. ثم من مضغه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۶ - ۴،۵

۴ - توجه انسان به چگونگی خلقت خویش و مرگ و رستاخیز ، زمینه ساز گرایش وی به ایمان و رو

کردن به ارزش های دینی و الهی

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ تَبْعُونَ

در آیات نخستین این سوره، سخن از مؤمنان راستین و صفات ارزشی آنان بود. اکنون در این آیات که سخن از خلقت شگفت انسان و مرگ و رستاخیز او است می تواند رهنمودی باشد به انسان ها برای گرویدن به راه مؤمنان راستین.

۵ - توجه به چگونگی خلقت نخستین انسان ، زداینده هر گونه تردید در امکان معاد و توانایی خدا بر احیای مجدد مردگان

و لقد خلقنا الإنسان .. ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ تَبْعُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۲ - ۵

۵ - توجه به آفرینش انسان و استمرار مرگ و حیات در زمین ، زداینده هر گونه تردید و دو دلی نسبت به معاد و حیات مجدد انسان

و هو الذى أنشأ لكم السمع .. و هو الذى يحيى ويميت ... أفلا تعقلون ... قالوا أءذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۷۷ - ۹

۹ - توجه انسان به مبدأ پیدایش خود ، زمینه ساز ممکن دانستن معاد و تصدیق به آن

أولم ير الإنسان أنا خلقناه من نطفه فإذا هو خصيم مبين

یادآوری مبدأ پیدایش انسان در شرایطی که آیه شریفه و آیات بعد، درصدد اثبات معاد و رد شبهه منکران قیامت است، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۸ - ۲

۲ - توجه به کیفیت پیدایش انسان از منی در رحم ، آسان کننده مسأله پذیرش معاد و توانایی خداوند بر احیای



روی سخن در آیه شریفه با منکران معاد است و مفاد آن چنین می باشد: اگر شما به کیفیت پیدایش انسان از نطفه که در رحم می ریزید توجه می کردید، در قدرت و توانایی خداوند بر آفرینش مجدد انسان تردید نمی کردید و به انکار معاد نمی پرداختید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۸ - ۴

۴ - توجه به آفرینش انسان و تداوم نسل او در زمین ، زمینه ساز پذیرش معاد است .

عمّ یتساءلون .. و خلقنکم أزوجًا

در آیه دو چیز به عنوان دلیل بر معاد ذکر شده است؛ خلقت انسان ها و زوجیت آنان؛ یعنی، چنین آفریده ای نمی تواند معاد نداشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۸ - ۲

۲ - توجه به ماده اولیه خلقت انسان و سیر پیدایش وی ، مانع کفر به خداوند و قدرت او و زمینه ساز باور به معاد

قتل الإنسن ما أكفره . من أی شیء خلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۹ - ۴،۵

۴ - توجه انسان به پیدایش او از نطفه ای ناچیز ، بازدارنده وی از کفرورزی به خداوند و قدرت او و مایه باور به معاد است .

ما أكفره .. من نطفه خلقه

۵ - توجه انسان به دوران نطفه بودن و ناتوانی های خویش در آغاز پیدایش ، از میان برنده احساس بی نیازی از رهنمود های خداوند است .

أَمَا مِنْ اسْتغْنَى . . . مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ

. من نطفه خلقه

آثار ذکر خلقت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۶ - ۶

۶ - توجه به آفرینش انسان از خون لخته و وابستگی تمام دانش های او به خداوند ، مایه ترک طغیان است .

خلق الإنسن من علق .. عَلم الإنسن ما لم يعلم . كلاً إنَّ الإنسن لیطغی

آثار ذکر خلقت دره ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۱ - ۵

۵- توجه به آفرینش کوه ها ، راه ها و دره ها ، راهی برای رسیدن به توحید است .

و جعلنا فی الأرض روسی .. لعلهم یهتدون

متعلق <یهتدون> در آیه ذکر نشده است؛ ولی به قرینه این که مخاطبان آیات شریفه مشرکان اند و این آیات در صدد اثبات توحید است، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

آثار ذکر خلقت راهها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۱ - ۵

۵- توجه به آفرینش کوه ها ، راه ها و دره ها ، راهی برای رسیدن به توحید است .

و جعلنا فی الأرض روسی .. لعلهم یهتدون

متعلق <یهتدون> در آیه ذکر نشده است؛ ولی به قرینه این که مخاطبان آیات شریفه مشرکان اند و این آیات در صدد اثبات توحید است، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

آثار ذکر خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۱

۱- توجه به خلقت آسمان ها و زمین ، عاملی برای پی بردن به قدرت

خداوند در آفرینش دوباره انسانها

أولم يروا أن الله... قادر على أن يخلق مثلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ - توجه به آفرینش زمین و آسمان و مراحل آن ، عامل پی بردن انسان به قدرت و علم نامحدود خداوند

أنتكم لتكفرون بالذی خلق... ذلك تقدیر العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۶ - ۴

۴ - توجه به آفرینش زمین و ویژگی های آن ، مایه پی بردن به قدرت خداوند و زمینه ساز پذیرش معاد است .

عن النبأ العظیم... ألم نجعل الأرض مهتداً

آثار ذکر خلقت کوهها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۱ - ۵

۵- توجه به آفرینش کوه ها ، راه ها و دره ها ، راهی برای رسیدن به توحید است .

و جعلنا فی الأرض روسی... لعلهم یهتدون

متعلق <یهتدون> در آیه ذکر نشده است؛ ولی به قرینه این که مخاطبان آیات شریفه مشرکان اند و این آیات در صدد اثبات توحید است، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

آثار ذکر مراحل خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۸ - ۵

۵ - توجّه انسان به مراحل آفرینش خویش به دست خداوند ، بازدارنده او از کفران نعمت های الهی

ما أكفّره . من أيّ شيء خلقه

در برداشت یاد شده، مراد از کفر در آیه قبل کفران نعمت دانسته شده است.

آثار ذکر مراحل خلقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۰ - ۳

۳ - توجه به مراحل پیدایش زمین و تحوّل آن به جایگاهی قابل استفاده جانداران ، مایه پی بردن انسان به قدرت خداوند و زمینۀ باور داشتن معاد

ءأنتم أشدّ .. و الأرض بعد ذلك دحيها

آثار غفلت از خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۸ - ۱

۱ - فراموشی و بی توجهی به مبدأ پیدایش انسان ، عامل دور شمردن برپایی قیامت و حیات مجدد انسان ها

و ضرب لنا مثلاً و نسی خلقه

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که عبارت <و نسی خلقه> حال برای فاعل <ضرب> است؛ یعنی، در حالی که آفرینش خود را فراموش کرد، مثلی در رد عقیده به قیامت برای ما آورد.

آثار مطالعه خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۶ - ۲

۲ تأمل و اندیشه در کیفیت آفرینش ، زیبایی و اتقان بنای آسمان ، زمینۀ ره جویی به حق

بل کذبوا بالحقّ .. أفلم ينظروا إلى السماء ... و ما لها من فروج

واژه <ينظر>، به معنای تأمل و نگاه از روی دقت و تحقیق است.

آثار مطالعه مراحل خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - مطالعه در مراحل آفرینش زمین ، زمینه ساز توجه انسان به یگانگی آفریدگار آن

قل أئنکم لتکفرون بالذی خلق الأرض فی یومین و تجعلون له أندادًا

آسانی خلقت موجودات

جلد - نام



سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ - ایجاد مستمر موجودات و برگرداندن آنها به حالت نخست ، برای خداوند ، آسان است .

بیدئ الله الخلق ثم يعيده إن ذلك على الله يسير

آغاز خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۰ - ۴

۴ - فراهم شدن شرایط زندگانی در زمین ، با آغاز آفرینش آن و پیدایش آسمان و شب و روز هم زمان نبوده است .

و الأرض بعد ذلك دحيها

فعل <دحاها> دلالت بر وجود زمین قبل از بسط آن دارد و قید <بعد ذلك> ، نشانگر آن است که گسترش زمین و آمادگی آن برای زندگانی انسان، از دوران ایجاد آسمان و شب و روز مؤخر بوده است.

آغاز خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۷ - ۳

۳ - آسمان ها و زمین ( جهان هستی ) را آغازی بوده است .

بدیع السموت و الأرض

آغاز خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۰ - ۱

۱- جهان طبیعت ( آسمان و زمین ) در ابتدای خلقت ، متراکم و به هم پیوسته بوده است .

أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا

<رتق> به معنای ضمّ و پیوستن است و <فتق> به معنای فصل و جدا شدن است. مقصود از رتق پیوستگی و با هم بودن آسمان و زمین در آغاز خلقت و مراد از <فتق> جدا شدن و دورگشتن آن دو از هم در دوره بعد است. گفتنی است که

مقصود از رؤیت در <أولم یر> رؤیت قلبی و علمی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۷ - ۳

۳ - آسمان ها و زمین (جهان هستی) را آغازی بوده است .

بدیع السموت و الأرض

آغاز خلقت روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۰ - ۴

۴ - فراهم شدن شرایط زندگانی در زمین ، با آغاز آفرینش آن و پیدایش آسمان و شب و روز هم زمان نبوده است .

و الأرض بعد ذلك دحیها

فعل <دحاها> دلالت بر وجود زمین قبل از بسط آن دارد و قید <بعد ذلك>، نشانگر آن است که گسترش زمین و آمادگی آن برای زندگانی انسان، از دوران ایجاد آسمان و شب و روز مؤخر بوده است.

آغاز خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۳

۳ - زمین ، در آغاز پیدایشش قابل سکونت و زندگی انسان نبوده است .

اللّٰه الذی جعل لکم الأرض قرارًا

<جعل> در دو معنا استعمال شده است: خَلَقَ (آفرید) و صَيَّرَ (تبدیل کرد و به گونه ای دیگر در آورد). برداشت یاد شده مبتنی بر معنای دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۰ - ۴

۴- فراهم شدن شرایط زندگانی در زمین، با آغاز آفرینش آن و پیدایش آسمان و شب و روز هم زمان نبوده است.

و الأرض بعد ذلك دحيها

فعل <دحاها> دلالت بر وجود زمین قبل از بسط آن دارد و قید <بعد ذلك>،

نشانگر آن است که گسترش زمین و آمادگی آن برای زندگانی انسان، از دوران ایجاد آسمان و شب و روز مؤخر بوده است.

## آغاز خلقت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۰ - ۴

۴ - فراهم شدن شرایط زندگانی در زمین ، با آغاز آفرینش آن و پیدایش آسمان و شب و روز هم زمان نبوده است .

و الأرض بعد ذلك دحیها

فعل <دحاها> دلالت بر وجود زمین قبل از بسط آن دارد و قید <بعد ذلك>، نشانگر آن است که گسترش زمین و آمادگی آن برای زندگانی انسان، از دوران ایجاد آسمان و شب و روز مؤخر بوده است.

ابلیس هنگام خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۱ - ۲

۲- ابلیس ، به هنگام خلقت انسان ، در میان فرشتگان بود و از زمره آنان به حساب می آمد .

و إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰئِكَةِ إِنِّي خَلَقْتُ بَشَرًا مِّنۢ ... فَإِذَا سَوَّيْتَهُ ... ففَعَوْا لَهُ سَجْدِينَ .

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که استثنا متصل باشد و استثنا شدن ابلیس از فرشتگان، نه به خاطر این است که وی فرشته بود بلکه از باب تغلیب، جزئی از آنها به شمار می آمد.

اتقان خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۲

۲ آفرینش آسمانها و زمین، هدفدار و در نهایت استواری است.

و هو الذی خلق السموت و الأرض

<حق> کاربرد معنایی بسیاری دارد، از آن جمله که قرینه ترکیب با جمله <خلق السماوات>، به

معنای هدفداری و حکیمانه بودن آفرینش است، راغب نیز در مفردات به کاربرد این معنی برای <حق> تصریح کرده است.

اتقان خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۲

۲ آفرینش آسمانها و زمین، هدفدار و در نهایت استواری است.

و هو الذی خلق السموت و الأرض

<حق> کاربرد معنایی بسیاری دارد، از آن جمله که قرینه ترکیب با جمله <خلق السماوات>، به معنای هدفداری و حکیمانه بودن آفرینش است، راغب نیز در مفردات به کاربرد این معنی برای <حق> تصریح کرده است.

ارزش خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲ - ۳

۳ - تعلیم قرآن، نعمت و ارزشی فراتر از اصل خلقت انسان و نعمت های دیگر

عَلَّمَ الْقُرْآنَ . خَلَقَ الْإِنْسَانَ

سوره <الرحمان>، حاوی بیان انواع نعمت هایی است که خداوند به انسان عطا کرده است. از این که مسأله تعلیم قرآن، سرآغاز همه نعمت ها و حتی آفرینش انسان قرار گرفته، مطلب بالا استفاده می شود.

ارزش عنصر خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۴ - ۲

۲ - ماده ای کم ارزش، مبدأ آفرینش موجودی ارزشمند چون انسان

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ

نکره آمدن <صلصال> می تواند برای بیان کم ارزشی ماده ای باشد که خداوند از آن، موجودی والا و ارجمند به نام انسان

را آفریده است.

ارزشمندی خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۹ - ۱

۱- آفرینش آسمان ها و زمین

، آفرینشی بحق ، بایسته ، ارزشمند و هدفدار

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بينهما لعین . ما خلقنهما إلاّ بالحقّ

ارزشمندی خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۹ - ۱

۱- آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی بحق ، بایسته ، ارزشمند و هدفدار

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بينهما لعین . ما خلقنهما إلاّ بالحقّ

استمرار خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۹ - ۷

۷- خلق و مرگ پدیده ها ، امری مدام و مستمر است .

کیف یبدئ الله الخلق ثمّ یعیده

اعجاز خلقت شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۳ - ۴

۴- آفرینش ناقه صالح ، به طور غیرعادی و خارج از اسباب و علل طبیعی بود .

ناقه الله

از آن جا که همه موجودات، مملوک خدایند، اضافه <ناقه> به نام جلاله <الله>، بیانگر ویژگی آن است و از دخالت مستقیم خداوند، در پیدایش آن حکایت دارد.

انسان در بدو خلقت



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۴ - ۱

۱ انسان در پی مرگ، مانند آفرینش نخستین خویش، تنها نزد خداوند حضور می یابد.

و لقد جئتمونا فردی کما خلقنکم أول مره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۰ - ۴

۴ انسانها در آغاز خلقتشان نه گرفتار گمراهیند و نه هدایتیابی آنان محقق است.

کما بدأکم تعودون. فریقا هدی و فریقا

حق عليهم الضلله

قرآن ریشه گرایش به گمراهی و توفیق هدایتیابی انسانها را با جمله <انهم اتخذوا الشیاطین اولیاء من دون الله> به خود آنان نسبت داده و بدیهی است که آدمی در آغاز پیدایشش نه قدرت انتخاب دارد و نه می توان فعلی را که بر آن مؤاخذه صحیح باشد به وی نسبت داد. بنابراین تحقق هدایت یافتن و یا گمراه گشتن پس از این مرحله، یعنی مرحله قدرت انتخاب، تحقق می یابد.

انسان قبل از خلقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۸ - ۵

۵ - آدمی پیش از زندگی دنیوی خویش ، موجودی مرده و فاقد حیات بود .

کنتم أموتاً فأحیکم

انسان ها در بدو خلقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۸ - ۷

۷- انسان ها ، مانند زمان تولد ، فاقد هرگونه مال و فرزند و عنوان و اعتبار ، در صحنه قیامت حضور خواهند یافت .

لقد جئتمونا کما خلقنکم أول مرّه

تشبیه حضور انسان ها در قیامت به زمان تولد آنان، ممکن است از جهت همراه نداشتن امکانات مادی و خالی بودن از هرگونه عنوان و اعتبار باشد.

اهداف خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۸ - ۶

۶- رسیدن انسان به هدف آفرینش خود ، در گرو معاد او است .

عن النبأ العظيم... و خلقنكم

اهمیت خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۲۱

۲۱ - تمجید و تحسین خداوند

از خویش به خاطر آفریدن آسمان ، زمین و انسان

اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ . . . وَ صَوَّرَكُمْ ... فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

جمله <فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ> دارای آهنگ تمجید و تحسین است.

اهمیت خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۳

۳- خلقت آسمان ها و زمین ، به مراتب مهمتر از حیات دوباره انسان پس از مرگ است .

أَو لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۱ - ۶

۶- آفرینش آسمان ها و زمین ، بسی مهم تر و با عظمت تر از آفرینش مجدد انسان ها است .

أَوَّلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَدِيرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ

شگفت آور بودن انکار معاد از سوی کافران علی رغم مشاهده قدرت خدا بر خلق جهان طبیعت می تواند ناشی از این حقیقت باشد که آفرینش جهان طبیعت، بسی مهم تر و با عظمت تر از خلق مجدد یکی از پدیده های طبیعت (یعنی انسان) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۳

۳- آفرینش جهان پهناور ( آسمان ها و زمین ) ، دلیل توانایی خداوند بر آفرینش مجدد و رستاخیز انسان ها و جهان است .

لَخَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَكْبَرَ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره اثبات معاد و رد دیدگاه مشرکان است؛

چنان که در دو آیه بعد از آن بحث به میان آمده است.

اهمیت خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۴ - ۴

۴ دو چیز ، معیار استحقاق معبودیت و سزاوار پرستش بودن است : < توانایی بر پدید آوردن جهان > و < قدرت بر برپا کردن دوباره آن > .

قل هل من شركائكم من يبدؤا الخلق ثم يعيده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۳،۴

۳ - آفرینش جهان پهناور ( آسمان ها و زمین ) ، دلیل توانایی خداوند بر آفرینش مجدد و رستاخیز انسان ها و جهان است .

لخلق السموت و الأرض أكبر من خلق الناس

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره اثبات معاد و رد دیدگاه مشرکان است؛ چنان که در دو آیه بعد از آن بحث به میان آمده است.

۴ - آفرینش مجدد انسان ها در قیامت ، برای خداوند آسان تر از آفرینش آغازین جهان و انسان است .

لخلق السموت و الأرض أكبر من خلق الناس

اهمیت خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۴ - ۸،۹

۸ - تمجید و ستایش خداوند از خویش ، به خاطر آفرینش انسان

ثم أنشأه خلقاً اخر فتبارك الله أحسن الخلقين

۹ - آفرینش انسان ، آفرینشی بس مهم و ستایش برانگیز

ثم أنشأه خلقاً اخر فتبارك الله أحسن الخلقين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ -

۶ - اهمیت آفرینش انسان در مجموعه نظام هستی

بالمأ الأعلى إذ يختصمون .. إذ قال ربك للملكة إنني خلق بشراً من طين

از مجموع آیات مربوط به آفرینش انسان و جهان به دست می آید که خداوند، تنها آفرینش انسان را با فرشتگان در میان گذاشت و نه موجودات دیگر را. بنابراین از این نکته، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۲ - ۱۴

۱۴ - اهمیت آفرینش انسان در مجموعه نظام هستی

إذ قال ربك للملكة إنني خلق بشراً من طين .. فقعو له سجدين

در میان گذاشتن و به اطلاع رساندن آفرینش انسان به ملائکه پیش از آفرینش آدم(ع) می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۵ - ۵

۵ - آفرینش انسان ، آفرینشی بس مهم و با عظمت و مورد توجه ویژه خداوند

ما منعك أن تسجد لما خلقت بيدى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۲۱

۲۱ - تمجید و تحسین خداوند از خویش به خاطر آفریدن آسمان ، زمین و انسان

اللّٰه الذی جعل لکم الأرض .. و صورکم ... فتبارک اللّٰه ربّ العلمین

جمله <فتبارک اللّٰه ربّ العالمین> دارای آهنگ تمجید و تحسین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آفرینش انسان در مقایسه با سایر جانداران زمین ، دارای ویژگی ، امتیاز و اهمیت

و فی خلقکم



و ما یبث من دابّه

از این که انسان به صورت مستقل و مقدم بر سایر جانداران یاد شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۳ - ۷

۷ - آفرینش انسان ، از مایعی ناچیز و سیر متوازن و تکاملی وی در رحم ، نشانه توانایی خداوند بر برپایی قیامت و احیای مردگان

ألم نخلقکم من ماء .. . فقد رنا فنعم القدرون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این آیات تا آخر سوره، درصدد اثبات برپایی قیامت باشد.

اهمیت خلقت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۱

۱ - آفرینش مجموعه عالم ( آسمان ها و زمین ) ، در مقایسه با آفرینش انسان ها بزرگ تر و آفریدن آن سخت تر و مهم تر است .

لخلق السموت و الأرض أكبر من خلق الناس

مقصود از <أكبر>، با عظمت تر، سخت تر و مهم تر بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۰ - ۶

۶ - انسان و آفرینش او ، مورد توجه و عنایت ویژه خداوند

و الله جعل لكم الأرض بساطاً . لتسلکوا منها سبلاً فجاجاً

خداوند، کره زمین را به گونه ای آفریده که برای بشر قابل بهره‌وری باشد و نیز آن را در جهت مصالح و منافع او آفریده است. از این نکته می توان به برداشت یاد شده دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۰ - ۳

- ۳

هدایت انسان به راه راست و آسان ساختن سلوک آن ، مهم تر از آفرینش اندام او است .

## ثَمَّ السَّيْلِ

حرف <ثَمَّ> برای تراخی است و چنانچه جمله <ثَمَّ السَّيْلِ يَسْرَهُ>، تفسیر جمله <قَدْرَهُ> و بیان گوشه ای از تقدیرات الهی درباره انسان باشد؛ مراد تراخی رتبی خواهد بود؛ یعنی، آنچه بعد از ثَمَّ ذکر شده است، والاتر و ارجمندتر است.

اهمیت خلقت حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۴ - ۲

۲ - آفرینش انسان در مقایسه با سایر جانداران زمین ، دارای ویژگی ، امتیاز و اهمیت

و فی خلقکم و ما یبئ من دابَّه

از این که انسان به صورت مستقل و مقدم بر سایر جانداران یاد شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

اهمیت خلقت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۴

۴ - خلقت خورشید شگرف تر و شایان توجه تر از آفرینش ماه \*

و من ءایته .. الشمس و القمر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم نام خورشید بر قمر، اشاره به اهمیت بیشتر آن در منظومه شمسی و شناخت اجرام آسمانی باشد.

اهمیت خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۳

۳- خلقت آسمان ها و زمین ، به مراتب مهمتر از حیات دوباره انسان پس از مرگ است .

أو لم يروا أن الله الذي خلق السموت و الأرض قادر على أن يخلق مثلهم

جلد - نام سورہ - سورہ - آيہ - فيش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۸۱ - ۶

- آفرینش آسمان ها و زمین ، بسی مهم تر و با عظمت تر از آفرینش مجدد انسان ها است .

أوليس الذى خلق السموت و الأرض بقدر على أن يخلق مثلهم

شگفت آور بودن انکار معاد از سوی کافران علی رغم مشاهده قدرت خدا بر خلق جهان طبیعت می تواند ناشی از این حقیقت باشد که آفرینش جهان طبیعت، بسی مهم تر و با عظمت تر از خلق مجدد یکی از پدیده های طبیعت (یعنی انسان) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۳

۳ - آفرینش جهان پهناور ( آسمان ها و زمین ) ، دلیل توانایی خداوند بر آفرینش مجدد و رستاخیز انسان ها و جهان است .

لخلق السموت و الأرض أكبر من خلق الناس

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره اثبات معاد و رد دیدگاه مشرکان است؛ چنان که در دو آیه بعد از آن بحث به میان آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۲۱

۲۱ - تمجید و تحسین خداوند از خویش به خاطر آفریدن آسمان ، زمین و انسان

الله الذى جعل لكم الأرض . . . و صوركم ... فتبارك الله رب العالمين

جمله <فتبارك الله رب العالمين> دارای آهنگ تمجید و تحسین است.

اهمیت خلقت ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۴

۴ - خلقت خورشید شگرف تر و شایان توجه تر از آفرینش ماه \*

آیته .. الشمس و القمر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم نام خورشید بر قمر، اشاره به اهمیت بیشتر آن در منظومه شمسی و شناخت اجرام آسمانی باشد.

برتری خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱ - ۷

۷ - آفرینش انسان از گل چسبنده ، گواه برتری آفرینش جهان طبیعت بر آفرینش انسان و شاهد توانایی خدا بر احیای مجدد انسان ها از خاک است .

إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ

برداشت فوق از آن جا است که جمله <إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ> تعلیل است برای آنچه مورد استفتا و استفهام در جملات قبل بود.

بهترین خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ - نوع خلقت انسان ، برترین و بهترین شکل آفرینش برای او

ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۶

۶ - انسان ، برخوردار از بهترین شکل و شمایل و اندامی موزون

و صَوَّرَكُم فَأَحْسَنَ صُورَكُم

بی ارزشی عنصر خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۸ - ۳

۳ - ماده اصلی در آفرینش انسان ، ماده ای پست و ناچیز بوده است .

من أی شیء خلقه

استفهام در این آیه، برای تحقیر است. نکره بودن کلمه <شیء> نیز به قرینه سیاق آیات که مراحل تکامل انسان از مرحله نطفه تا مرحله حشر را بر می شمرد مفید تحقیر است.

بینش پوچی خلقت انسان

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۵ - ۲

۲ - گراف و بی هدف شمردن آفرینش انسان ، پنداری غلط و ناروا

أفحسبتم أنما خلقنكم عبثاً

پرسش از خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۹ - ۱۲، ۱۰

۱۰ انسان ها ، وظیفه دار سؤال کردن از افراد خبیر و آگاه در باره مبدأ و چگونگی آفرینش جهان هستی ( آسمان ها ، زمین و ... )

الذی خلق السموت .. فسئل به خبیراً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این مطلب است که <فا> در <فسئل به خبیراً> جواب برای شرط مقدر و تقدیر آن چنین باشد: <إن شئت تحقیق ما ذکر فسئل به خبیراً>. گفتنی است در برداشت فوق، مرجع ضمیر <به> خلق و استوا و <خبیراً> مفعول برای <فسئل> دانسته شد.

۱۲ لزوم رجوع به افراد خبیر و آگاه در مسائل مربوط به معارف الهی ، همچون مبدأ و چگونگی آفرینش آسمان ها و زمین

الحيّ الذی لایموت .. الذی خلق السموت ... الرحمن فسئل به خبیراً

پرسش از خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۹ - ۱۲، ۱۰

۱۰ انسان ها ، وظیفه دار سؤال کردن از افراد خبیر و آگاه در باره مبدأ و چگونگی آفرینش جهان هستی ( آسمان ها ، زمین و ... )

الذی خلق السموت .. فسئل به خبیراً



برداشت یاد شده، مبتنی بر این مطلب است که <فا> در <فستل به خیراً> جواب برای شرط مقدر و تقدیر

آن چنین باشد: <إن شئت تحقیق ما ذکر فسئل به خبیراً>. گفتنی است در برداشت فوق، مرجع ضمیر <به> خلق و استوا و <خبیراً> مفعول برای <فسئل> دانسته شد.

۱۲ لزوم رجوع به افراد خبیر و آگاه در مسائل مربوط به معارف الهی، همچون مبدأ و چگونگی آفرینش آسمان ها و زمین

الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ .. الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ ... الرَّحْمَنِ فَسْئَلُ بِهِ خَبِيرًا

پوچ انگاری خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۶ - ۱

۱ - انکار معاد و بیهوده شمردن آفرینش انسان، اهانت به ساحت آفریننده جهان (خدا) است.

أَفحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا .. لَا تَرْجِعُونَ . فَتَعَلَى اللَّهِ

<تعالی> (مصدر <تعالی>) به معنای والایی و بلند مرتبگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۶ - ۶

۶ - پوچ انگاری خلقت انسان و بی هدف دانستن زندگی او، تأثیرگذار در انکار کردن معاد و ایمان نیاوردن به روز قیامت

أَيحسب الإنسان أن يترك سدى

آیه شریفه در سلسله آیات مربوط به تکذیب معاد از سوی کافران قرار دارد. از این رو می تواند درصدد بیان علل تکذیب روز قیامت باشد؛ هم چنان که می تواند بیانگر نشانه های تحقق چنین روزی باشد.

تاریخ خلقت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۳

۳ - فرشتگان پیش از خلقت و خلافت آدم (ع)، آفریده شده بودند.

و إذ قال ربك للملكة إني جاعل في الأرض خليفة

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۵

۵ - آفرینش حوا ، پس از آدم بود .

خلقکم من نفس وحده ثم جعل منها زوجها

برداشت بالا بر اساس این دیدگاه است که <ثم> بر تراخی زمانی، دلالت کند.

تاریخ خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۹ - ۲

۲ - آفرینش آسمان ها مقدم بر آفرینش زمین \*

و من آياته خلق السموت و الأرض

تاریخ خلقت ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۶ - ۱۰

۱۰ - سجده در برابر موجودی دیگر ، به فرمان خداوند و در جهت اطاعت او ، مجاز است و نشانه پرستش مسجود نیست .

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لآدم

تاریخ خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۷ - ۳

۳ - جن قبل از خلقت انسان ، آفریده شده است .

و الجان خلقه من قبل من نار السموم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۸ - ۵

۵- فرشتگان ، قبل از آفرینش انسان ، موجود بودند .

و إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰئِكَةِ اِنِّیْ خَلِقُ بَشَرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۶ - ۱۰

۱۰ - سجده در برابر موجودی دیگر ، به فرمان خداوند و در جهت اطاعت او ، مجاز است و نشانه پرستش مسجود نیست .

و إِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰئِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ -

۶- آفرینش جن ، قبل از آفرینش انسان ها \*

و ما خلقت الجنّ و الإنس

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم لفظی جن بر انس، دال بر تقدم خارجی باشد.

تاریخ خلقت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۷ - ۳

۳- جن قبل از خلقت انسان ، آفریده شده است .

و الجانّ خلقه من قبل من نار السموم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۰ - ۱۵

۱۵- جن ، دارای پیشینه ای قدیم تر از آفرینش آدمیان است .

اسجدوا لأدم . .. إلا إبليس كان من الجنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۶ - ۶

۶- آفرینش جن ، قبل از آفرینش انسان ها \*

و ما خلقت الجنّ و الإنس

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم لفظی جن بر انس، دال بر تقدم خارجی باشد.

تاریخ خلقت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۵

۵ - آفرینش حوا، پس از آدم بود .

خلقکم من نفس وحده ثم جعل منها زوجها

برداشت بالا بر اساس این دیدگاه است که <ثم> بر تراخی زمانی، دلالت کند.

تاریخ خلقت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۳

۳ - تقدم خلقت خورشید بر ماه \*

و من آياته .. الشمس و القمر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم ذکر <شمس> بر <قمر> ناظر به مطلب بالا باشد.

تاریخ

## خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۲۴

۲۴ از امام باقر (ع) روایت شده که امیرالمؤمنین (ع) فرمود: > ان الله جلّ ذكره و تقدست اسمائه خلق الأرض قبل السماء .  
; ..

خدای جل ذکره ... زمین را قبل از آسمانها آفرید ... <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۹ - ۲

۲ - آفرینش آسمانها مقدم بر آفرینش زمین \*

و من آياته خلق السموت و الأرض

تاریخ خلقت کلاغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۱۸

۱۸ وجود کلاغ در زمان حضرت آدم (ع)

فبعث الله غراباً

تاریخ خلقت کوهها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۱ - ۲

۲- پیدایش کوهها ، پس از آفرینش زمین بوده است . \*

و جعلنا فی الأرض روسی أن تمید بهم



ظاهر آن است که قرار دادن شیء در ظرفی فرع وجود ظرف است؛ بنابراین قرار دادن کوه ها در زمین بیانگر تأخر پیدایش کوه ها از پیدایش خود زمین است.

تاریخ خلقت ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۳

۳ - تقدم خلقت خورشید بر ماه \*

و من ءایته .. الشمس و القمر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم ذکر <شمس> بر <قمر> ناظر به مطلب بالا باشد.

تاریخ خلقت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۳

۳ - فرشتگان پیش از خلقت و خلافت آدم (ع) ، آفریده شده بودند .

و إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰئِكَةِ اِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَهٗ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۸ - ۵

۵ - فرشتگان ، قبل از آفرینش انسان ، موجود بودند .

و إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰئِكَةِ اِنِّیْ خَلَقْتُ بَشَرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۶ - ۱۰

۱۰ - سجده در برابر موجودی دیگر ، به فرمان خداوند و در جهت اطاعت او ، مجاز است و نشانه پرستش مسجود نیست .

و إِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰئِكَةِ اسْجُدُوا لِاٰدَمَ

تداوم خلقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۸

۸ - آفرینش و ایجاد ، امری دائم و مستمر است .

خلق .. خلق ... خلقها ... و یخلق ما لاتعلمون

آوردن <یخلق> به صورت مضارع می تواند بیانگر این مطلب باشد که آفریدگاری خداوند عمل مستمری است و منحصر به آنچه در گذشته آفریده، نیست.

تداوم خلقت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۶ - ۴

۴ - خداوند ، همواره در حال افاضه فیض و آفرینش جدید

مَمَا یَخْلُق بَنَات

آمدن تعبیر <یخلق> به جای <خلق> می رساند که کار آفرینش همواره ادامه دارد.

تذکر خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۸ - ۲،۳

۲- پیامبر ( ص ) ، موظف به یادآوری

و إذ قال ربك للملائكة إني خلق بشراً

<إذ> مفعول به برای <اذکر> مقدر است و به قرینه کاف <ربک> مخاطب فعل، پیامبر(ص) است.

۳- قصه خلقت انسان از گلی بد بو، خشکیده و متغیر، شایسته یاد و یادآوری

و إذ قال ربك للملائكة إني خلق بشراً من صلصل من حمأ مسنون

تذکر خلقت زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹ - ۹

۹- خداوند با توجه دادن زکریا (ع) به نو پیدایی و آفرینش وی، او را به امکان پیدایش یحیی (ع) از وی و همسر نازایش مطمئن ساخت .

هو علیٰ هین و قد خلقتک من قبل و لم تک شیئاً

تشابه خلقت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۶ - ۶

۶- همگونی مرد و زن در اصل خلقت (نطفه)

و أنه خلق الزوجین الذکر و الأُنثی . من نطفه إذا تمنی

تشبیه به آغاز خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۹ - ۱۳

۱۳ شباهت و همگونی معاد انسانها با آغاز آفرینش آنان

کما بدأکم تعودون

تشبیه به خلقت ابتدایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۸ - ۷

۷- انسان ها ، مانند زمان تولد ، فاقد هرگونه مال و فرزند و عنوان و اعتبار ، در صحنه قیامت حضور خواهند یافت .

لقد جئتمونا کما خلقنکم أوّل مرّه

تشبیه حضور انسان ها در قیامت به زمان تولد آنان، ممکن است از

جهت همراه نداشتن امکانات مادی و خالی بودن از هرگونه عنوان و اعتبار باشد.

تشبیه به خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۵ - ۵

۵ - خروج مجدد انسان از زمین و حیات تازه او ، همانند آفرینش نخستین او از زمین خواهد بود .

و منها نخرجکم تارهُ أُخْرٰی

<تاره أُخْرٰی> یعنی، بار دیگر گفتنی است که مرتبه اول بیرون آمدن انسان از خاک، همان خلقت اولیه او از نطفه است و بار دوم زمانی است که پس از مرگ مجدداً از زمین برانگیخته خواهد شد. <تاره أُخْرٰی> اشاره به همین تشابه دارد تا استعابدها را نیز تلویحاً رد کرده باشد.

تشبیه به خلقت گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۷ - ۱

۱ - خداوند ، انسان را همچون نباتات از زمین آفریده است .

و اللّٰهُ اَنْبَتْکُمْ مِنَ الْاَرْضِ نَبَاتًا

تشبیه خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۸ - ۱

۱ - آفرینش نخستین انسان ها و زنده کردن مجدد آنان پس از مرگ ، برای خداوند همانند آفریدن یک تن است .

ما خلقکم ولابعثکم الاّ کنفس وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۷ - ۱

۱ - خداوند ، انسان را همچون نباتات از زمین آفریده است .

و الله أنبتكم من الأرض نباتاً

تشویق به مطالعه خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۶ - ۴

۴ - ترغیب خداوند

، به مطالعه درباره آفرینش انسان و هدف و فلسفه زندگی او

أیحسب الإنسان أن یتَرَک سُدًی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱ - ۳

۳ - ترغیب خداوند ، به مطالعه در مبدأ پیدایش انسان و نعمت وجود او در جهان هستی

هل أتى على الإنسان حين من الدهر لم یکن شیئاً مذکوراً

آغاز شدن سوره با طرح مسأله پیدایش انسان در برهه ای از زمان، می تواند به منظور جلب توجه انسان ها، به این مسأله و ترغیب آنان به مطالعه درباره آن باشد.

تعقل در خلقت آسمان های هفتگانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۵ - ۶

۶ - اندیشه در چگونگی مبدأ آفرینش آسمان ها ، راهی برای شناخت خدا و اوصاف او است .

ألم ترُوا كيف خلق الله سبع سموات طباقاً

تعقل در خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۵ - ۷

۷ - نوح ( ع ) ، قوم خود را به اندیشه و مطالعه درباره چگونگی و مبدأ آفرینش جهان ، به منظور پی بردن به عظمت خداوند تشویق و تحریض می کرد .

ألم ترُوا كيف خلق الله سبع سموات طباقاً

تعبیر <ألم ترُوا كيف..>، می تواند برای تشویق و تحریض ادا شده باشد.

تعقل در خلقت انسان



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۸ - ۷،۹

۷ صاحبان درک از بیان آیات خداوند در زمینه کیفیت آفرینش انسان بهره می برند.

هو الذی أنشأکم .. قد فصلنا

۹ تفکر در چگونگی آفرینش انسان، راهی برای رسیدن به توحید است.

و هو الذی أنشأکم .. قد فصلنا الآیت لقوم یفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۷ - ۱

۱ - خداوند انسان کافر را به دلیل اندیشه نکردن در چگونگی مبدأ پیدایش خود سرزنش کرده است .

أولم یر الإنسن أنا خلقنه من نطفه

برداشت یاد شده از لحن سرزنش آمیز آیه شریفه به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۸ - ۲

۲ - دقت و اندیشه در چگونگی پیدایش انسان ، زمینه ساز ممکن دانستن برپایی قیامت و حیات مجدد انسان ها

أولم یر الإنسن .. و ضرب لنا مثلاً و نسی خلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۷ - ۱۸

۱۸ - چگونگی آفرینش انسان و سیر تحوّل آن ، بستری مناسب برای تعقل و خردورزی

هو الذی خلقکم من تراب .. لعلکم تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۴ - ۳

۳ - پیدایش موجودی شعورمند و صاحب اراده از گلی خشکیده ( چون انسان ) ، شایان تأمل و درس آموزی است .

خلق الإنسن من صلصل

تذکر به مبدأ پیدایش انسان، ممکن است نظر به مطلب بالا داشته باشد؛ چه این که آیات سوره تماماً توحیدی است و در مقام نمایاندن ربوبیت یگانه حق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۸ - ۴

تشویق منکران معاد از سوی خداوند ، به مطالعه در فرایند پیدایش انسان از منی

أفرء یتیم ما تمنون

تعقل در خلقت چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۲

۲ - تشویق خداوند به تأمل و اندیشه در جلوه های قدرت الهی در طبیعت ( مانند شتر ، گاو و گوسفند )

أولم یروا أنا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

تعقل در خلقت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۶ - ۴،۵،۶

۴ - سرزنش شدن قوم نوح از سوی پیامبرشان ، به سبب نیندیشیدن درباره چگونگی آفرینش ماه تابان و خورشید فروزان

ألم تروا کیف خلق اللّهُ . . . و جعل القمر فیهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

۵ - اندیشه در چگونگی آفرینش ماه و خورشید ، راهی برای شناخت خدا و اوصاف او

ألم تروا کیف . . . و جعل القمر فیهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

۶ - نوح ( ع ) ، قومش را به اندیشه و مطالعه درباره چگونگی آفرینش ماه و خورشید ، به منظور پی بردن به عظمت خداوند تشویق و تحریض می کرد .

ألم تروا کیف . . . و جعل القمر فیهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

تعقل در خلقت روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۲ - ۴

۴ تفکر در آفرینش شب و روز و جانشین شدن آن دو به جای یکدیگر ، آموزنده درس خداشناسی

و هو الذی جعل الّیل و النهار خلفه لمن أراد أن یذّکر

<تذکر> (مصدر <یذّکر>) از نظر لغت به

معنای یاد آوردن چیزی است که فراموش شده است (لسان العرب) ولی این واژه در آیه شریفه به گفته بیشتر مفسران به معنای تفکر و تأمل برای درس آموختن و نتیجه گرفتن از آفرینش شب و روز است.

تعقل در خلقت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۲ - ۴

۴ تفکر در آفرینش شب و روز و جانشین شدن آن دو به جای یکدیگر، آموزنده درس خداشناسی

و هو الذی جعل الیل والنهار خلفه لمن أراد أن یدکر

<تذکر> (مصدر <یدکر>) از نظر لغت به معنای یاد آوردن چیزی است که فراموش شده است (لسان العرب) ولی این واژه در آیه شریفه به گفته بیشتر مفسران به معنای تفکر و تأمل برای درس آموختن و نتیجه گرفتن از آفرینش شب و روز است.

تعقل در خلقت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۲

۲ - تشویق خداوند به تأمل و اندیشه در جلوه های قدرت الهی در طبیعت (مانند شتر، گاو و گوسفند)

أولم یروا أنا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۷ - ۴،۵

۴ - شیوه آفرینش شتر، شگفت آور و دارای زوایای درخور دقت و تحقیق است.

أفلا ینظرون إلی الإبل کیف خلقت

تکیه بر شناخت ویژگی های شتر، یا به جهت فایده های فراوان این حیوان برای مردم جزیره العرب است و یا این که شتر در بین حیوانات، کمالاتی بی نظیر دارد و می

توان آیه شریفه را ناظر به هر دو نکته دانست.

۵ - کشف و شناسایی ویژگی های شتر ، راهنمای فکری انسان برای اعتقاد به قدرت خداوند

أفلا ينظرون إلى الإبل كيف خلقت

تعقل در خلقت گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۲

۲ - تشویق خداوند به تأمل و اندیشه در جلوه های قدرت الهی در طبیعت ( مانند شتر ، گاو و گوسفند )

أولم يروا أننا خلقنا لهم مما عملت أيدينا أنعمًا

تعقل در خلقت گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۲

۲ - تشویق خداوند به تأمل و اندیشه در جلوه های قدرت الهی در طبیعت ( مانند شتر ، گاو و گوسفند )

أولم يروا أننا خلقنا لهم مما عملت أيدينا أنعمًا

تعقل در خلقت ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۶ - ۴،۵،۶

۴ - سرزنش شدن قوم نوح از سوی پیامبرشان ، به سبب نیندیشیدن درباره چگونگی آفرینش ماه تابان و خورشید فروزان

ألم تروا كيف خلق الله... و جعل القمر فيهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

۵ - اندیشه در چگونگی آفرینش ماه و خورشید ، راهی برای شناخت خدا و اوصاف او

ألم تروا كيف... و جعل القمر فيهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

۶- نوح (ع)، قومش را به اندیشه و مطالعه درباره چگونگی آفرینش ماه و خورشید، به منظور پی بردن به عظمت خداوند تشویق و تحریض می کرد.

ألم تروا كيف .. و جعل



القمر فيهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

تعقل در خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۲۱

۲۱ - لزوم اندیشه و تفکر در آفرینش پدید ها برای رسیدن به توحید و درک رحمانیت و رحیمیت خداوند

إن فی خلق السموت و الأرض . . . لأیت لقوم یعقلون

تعقل در عنصر خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۸ - ۱

۱ - خداوند ، ترغیب کننده انسان ها به اندیشه و دقت در نخستین عنصر آفرینش خود

من أی شیء خلقه

تفکر در خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱ - ۱

۱ - پیامبر ( ص ) مأمور توجه دادن کافران و مشرکان بر آفرینش انسان و جهان و ترغیب آنان به تأمل و تفکر درباره آنها

فاستفتهم أهم أشدّ خلقًا أم من خلقنا

استفتا و پرسش در آیه شریفه، برای ترغیب به تفکر و تأمل است؛ نه برای پرسش و استفتای حقیقی.

تفکر در خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱ - ۱

۱ - پیامبر ( ص ) مأمور توجه دادن کافران و مشرکان بر آفرینش انسان و جهان و ترغیب آنان به تأمل و تفکر درباره آنها

فاستفتهم أهم أشدَّ خلقاً أم من خلقنا

استفتا و پرسش در آیه شریفه، برای ترغیب به تفکر و تأمل است؛ نه برای پرسش و استفتای حقیقی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۵ - ۱

- خداوند ، خواهان تأمل و اندیشیدن انسان درباره نحوه پیدایش خود

أَمْ خَلَقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ

پرسش در آیه شریفه در حقیقت برای واداشته شدن انسان به اندیشه و تفکر صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۸ - ۱

۱ - فرایند پیدایش انسان از منی در رحم ، شایان مطالعه و تأمل

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَمْنُونَ

مراد از <امناء> (مصدر <تمنون>) ریختن منی در رحم است؛ یعنی، آیا به منی که آن را به صورت نطفه در رحم زن می ریزید اندیشیده اید؟

تقدیر خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۳ - ۴

۴ - ستایش خداوند از خود ، در آفرینش انسان و اندازه گیری های دقیق در خلقت وی

فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ

تکامل خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱ - ۲

۲ - پیدایش انسان در زمین ، دارای روند تکاملی بود و با پشت سر گذاشتن دورانی دراز ، به تدریج چهره انسانی یافت .

لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَذْكَورًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که مفاد جمله <لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَذْكَورًا> چنین باشد: انسان در برهه ای از زمان چیزی بود و ولی آن چیز هنوز قابلیت نام انسان را نداشت؛ بلکه به تدریج تکامل یافته و چهره انسانی پیدا کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۸ - ۳

۳ - مرحله پیدایش قیافه و سیما برای هر انسان ، پس از مراحل آفرینش ، تکمیل و تعدیل

اعضای او است .

فی أیّ صورة ما شاء ركبک

جمله <فی أیّ صورة..> مستأنفه و بیانگر مرحله ای دیگر از مراحل پیدایش انسان است. برخی آن را تفسیر جمله <فعدلک> در آیه قبل، قرار داده و مرحله تعدیل و چهره پردازی را یکی دانسته اند.

تکامل خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۰ - ۴

۴ - خداوند به هر موجودی ، خلقتی کامل و اعضا و ویژگی هایی متناسب با شأن او ، عطا کرده است .

الذی أعطی کلّ شیء خلقه

<خلق>، به معنای ایجاد، یا تقدیر درست و یا هیئت و شکل است (مفردات راغب). معنای دوم و سوم رساننده نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۲ - ۲

۲ - خداوند ، آفریده های خویش را کامل و به دور از هرگونه کاستی و اضافات ، قرار داده است .

فسوی

تسویه و تعدیل، به یک معنا است (مصباح) و اعتدال هر چیز، به دور ماندن آن از افراط و تفریط است.

جهش در خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۰ - ۱۰

۱۰ - تبدیل شدن خاک پس از گذر از مراحل لازم به انسان ، جهش گون و سریع است .

أن خلقکم من تراب ثم إذا أنتم بشر تنتشرون

<إذا> فجاییه است و دلالت بر ناگهانی بودن می کند، لذا از آن، سرعت و حالت جهشی بودن به دست می آید.

حسن خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - خداوند ، همه آفریده های خود را ، به صورتی نیکو و شایسته پدید آورده است .

اللّٰه .. الذی أحسن کلّ شیء خلقه

۲ - آفرینش موجودات به صورتی نیکو و شایسته ، نشانه تدبیر و علم الهی است .

یدبّر الأمر .. علم ... الذی أحسن کلّ شیء خلقه

۳ - زیبا و نیکو آفریده شدن پدیده ها ، از جمله آیات الهی است .

اللّٰه الذی .. الذی أحسن کلّ شیء خلقه

۷ - خلقت موجودی شگفت مانند انسان از گلی بی شکل و فاقد حیات ، نمود آفرینش نیکوی خدا است .

أحسن کلّ شیء خلقه و بدأ خلق الإنسن من طین

حقانیت خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۴ - ۱، ۵

۱ - خداوند ، آسمان ها و زمین را ، به حق ، آفریده است .

خلق اللّٰه السموت و الأرض بالحقّ

۵ - خلقت هدف دار آسمان ها و زمین ، نشانه و آیه بزرگ خدا برای مؤمنان است .

خلق اللّٰه السموت و الأرض .. إنّ فی ذلک لآیه للمؤمنین

حقانیت خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۵ - ۱

۱ - خداوند آسمان ها ، زمین و موجودات در فضا را بر اساس حق ( حکیمانه و با مقصودی صحیح ) آفرید .

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بينهما إلا بالحقّ

یکی از موارد کاربرد واژه <حق> جایی است که کاری به مقتضای حکمت و بر اساس مصلحت انجام پذیرفته باشد  
(مفردات راغب). برداشت



فوق بر اساس این کاربرد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۹ - ۱،۲،۳

۱- آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی بحق ، بایسته ، ارزشمند و هدفدار

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما لعین . ما خلقنهما إلاّ بالحقّ

۲- آفرینش آسمان ها و زمین ، به دور از هرگونه پوچی ، بیهودگی و بطلان

و ما خلقنا السموت و الأرض .. لعین ... إلاّ بالحقّ

۳- حقانیت آفرینش جهان ، مستلزم وجود معاد

إن هی إلاّ موتتنا الأولى .. ما خلقنهما إلاّ بالحقّ

از این که حقانیت آفرینش در مقام رد اندیشه منکران معاد مطرح شده، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۲ - ۱

۱ - آفرینش آسمان ها و زمین از سوی خداوند ، آفرینشی به حق و هدفدار

و خلق الله السموت و الأرض

<حق> به چیزی گفته می شود که براساس حکمت و فلسفه ای بایسته پدید آمده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۱

۱- آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات هستی ، آفرینشی بایسته و بحق

ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما إلاّ بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- آفرینش جهان (آسمان ها ، زمین و ...) ، براساس حق و هدفدار و به دور از بیهوده کاری است .

خلق السموت و الأرض بالحقّ

<حقّ> در مقابل باطل قرار دارد.

یکی از معانی <باطل> عبث و بیهوده کاری است؛ یعنی، کاری که در آن هدف معقولی لحاظ نشود.

حقانیت خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۴ - ۳

۳ - عالم ، حق و هدف دار خلق شده است .

خلق الله السموت و الأرض بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۳ - ۱۱، ۲

۲ - آفرینش جهان ( آسمان ها ، زمین و ... ) ، براساس حق و هدفدار و به دور از بیهوده کاری است .

خلق السموت و الأرض بالحقّ

<حقّ> در مقابل باطل قرار دارد. یکی از معانی <باطل> عبث و بیهوده کاری است؛ یعنی، کاری که در آن هدف معقولی لحاظ نشود.

۱۱ - معاد و بازگشت انسان ها ، به پیشگاه عدل الهی برای کیفر و پاداش ، مقتضای آفرینش به حق و هدفمند جهان است .

خلق السموت و الأرض ... و إليه المصیر

ذکر معاد انسان ها پس از بیان آفرینش جهان بر پایه حق و هدفمندی می تواند گویای نکته یاد شده باشد.

حقانیت خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۵ - ۱

۱- خداوند آسمان ها ، زمین و موجودات در فضا را بر اساس حق ( حکیمانه و با مقصودی صحیح ) آفرید .

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بينهما إلا بالحقّ

یکی از موارد کاربرد واژه <حق> جایی است که کاری به مقتضای حکمت و بر اساس مصلحت انجام پذیرفته باشد  
(مفردات راغب). برداشت فوق بر

اساس این کاربرد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۴ - ۱،۵

۱ - خداوند ، آسمان ها و زمین را ، به حق ، آفریده است .

خلق الله السموت و الأرض بالحقّ

۵ - خلقت هدف دار آسمان ها و زمین ، نشانه و آیه بزرگ خدا برای مؤمنان است .

خلق الله السموت و الأرض . .. إنّ في ذلك لآيه للمؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۹ - ۱،۲

۱- آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی بحق ، بایسته ، ارزشمند و هدفدار

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بينهما لعین . ما خلقنهما إلاّ بالحقّ

۲- آفرینش آسمان ها و زمین ، به دور از هرگونه پوچی ، بیهودگی و بطلان

و ما خلقنا السموت و الأرض . .. لعین ... إلاّ بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۲ - ۱

۱ - آفرینش آسمان ها و زمین از سوی خداوند ، آفرینشی به حق و هدفدار

و خلق الله السموت و الأرض

<حق> به چیزی گفته می شود که براساس حکمت و فلسفه ای بایسته پدید آمده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۱

۱- آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات هستی ، آفرینشی بایسته و بحق

ما خلقنا السموت و الأرض و ما بينهما إلا بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۳ - ۲

۲ - آفرینش جهان ( آسمان ها

، زمین و ... ) ، براساس حق و هدفدار و به دور از بیهوده کاری است .

خلق السموت و الأرض بالحقّ

<حقّ> در مقابل باطل قرار دارد. یکی از معانی <باطل> عبث و بیهوده کاری است؛ یعنی، کاری که در آن هدف معقولی لحاظ نشود.

حقانیت خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۱

۱- آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات هستی ، آفرینشی بایسته و بحق

ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما إلاّ بالحقّ

حکمت خلقت چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۴

۴ - بهره مندی انسان ها ، فلسفه و حکمت آفرینش شتر ، گاو و گوسفندان

أولم یروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

گفتنی است از <لام> <لهم> (به کار رفته در معنای تعلیل) و نیز از این که آیه شریفه در مقام امتنان است، برداشت یاد شده به دست می آید.

خلقت آب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۷ - ۱۰

۱۰ - قبل از انسان ها ، پدیده های دیگری چون گل ( آب و خاک ) آفریده شده بودند .

و بدأ خلق الإنسن من طین

## خلقت آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۰ - ۶

۶ - خداوند ، آخرت را ، پس از دنیا ، پدید خواهد آورد .

ثم الله ينشئ النشأه الآخره

خلقت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره -



۲۶ داستان خلقت و خلافت آدم (ع) و محاوره خدا و فرشتگان درباره او، داستانی آموزنده و شایان دقت

و إذ قال ربك للملائكة... إني أعلم ما لاتعلمون

کلمه <إذ> مفعول برای فعل مقدر <اذکر> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۱ - ۱

۱ - خداوند آدم (ع) را با استعداد فراگیری دانشهایی ویژه آفرید و تمامی حقایق و اسامی آنها را به وی آموخت .

و علم ادم الأسماء كلها

جمله <علم آدم> عطف بر جمله ای مقدر است که به خاطر وضوحش در کلام آورده نشده است. آن جمله به قرینه <إنی جاعل...> می تواند این گونه باشد: فخلق آدم جديراً للخلافه و ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۳ - ۱۱

۱۱ - فرشتگان در جریان خلقت و خلافت آدم (ع)، امری را در ضمیر خویش پنهان می داشتند و از ابراز آن خودداری می کردند .

و أعلم ما تبدون و ما كنتم تكتمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۱ - ۳،۴

۳ خداوند، مبدأ و منشأ انسانها (آدم) را آفرید و سپس به او صورت انسانی عطا کرد.

و لقد خلقناكم ثم صورناكم ثم قلنا للملائكة اسجدوا لآدم

<خلقناکم> (شما را در گذشته آفریدیم)، خطاب به همه انسانهاست و چون همه انسانها پیش از فرمان سجده بر آدم آفریده نشده بودند، معلوم می شود آن جمله ناظر به آفرینش چیزی است که می توانسته

مبدأ همگان باشد و به همین لحاظ آفرینش او آفرینش همه انسانها شمرده شده است فراز بعد (ثم قلنا ..) می رساند که آن چیز همان شد که به <آدم ابوالبشر> معروف است. قابل ذکر است که دلالت آیه بر این که خود آن مبدأ یاد شده آدم(ع) شده باشد به صورت احتمال مطرح است.

۴ خداوند پس از خلقت آدم(ع)، از فرشتگان خواست تا بر او سجده کنند.

ثم قلنا للملائكة اسجدوا لآدم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۹ - ۱۱

۱۱- دستور خداوند به فرشتگان برای سجده بر آدم (ع) پس از آفرینش او

و إذ قال ربك للملائكة .. فإذا سويته و نفخت فيه من روحي فقعوا له سجدتين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۸ - ۴

۴ - آفرینش حضرت آدم (ع) با آفرینش نسل او ، متفاوت است .

خلق الإنسن من طين . ثم جعل نسله من سلله من ماء مهين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۹ - ۲

۲ - پیامبر (ص) از مجادله و گفت و گوی فرشتگان با خدا درباره آفرینش آدم ، تنها از راه وحی آگاه بود .

ما كان لي من علم بالملا الأعلى إذ يختصمون

مقصود از مجادله و خصومت در آیه شریفه به قرینه دو آیه بعد (إذ قال ربك للملائكة ..) گفت و گوی فرشتگان با خدا درباره خلقت انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص -

۷- فرمان خداوند به فرشتگان برای سجده بر آدم (ع) پس از آفرینش او

فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ

خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۲ - ۱۲، ۶

۶- خداوند، آسمان در جهت منافع انسان ها برافراشته ساخت .

الذی جعل لکم .. السماء بناء

کلمه <بناء> در لغت عرب معنایی دارد که شامل: ساختمان، خیمه، چادر و مانند اینها می شود. اطلاق <بناء> بر آسمان از باب تشبیه است، یعنی: جعل لکم السماء کالبناء.

۱۲- آفرینش آسمان، نزول باران، به ثمر رسیدن میوه ها و پیدایش روزی برای انسان ها، جلوه هایی از ربوبیت خداوند است .

اعبدوا ربکم .. الذی جعل لکم ... رزقاً لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۹ - ۱۲، ۱۱

۱۱- آفرینش آسمان های هفتگانه و مواهب زمین، آفرینشی عالمانه است .

هو الذی خلق .. و هو بکل شیء علیم

۱۲ آفرینش موجودات زمین و آسمان های هفتگانه، دلیل توانایی خدا بر زنده کردن مردگان است .

ثم یحییکم ثم إلیه ترجعون. هو الذی خلق لکم ... فسویهن سبع سموت

جمله <هو الذی ..> می تواند مرتبط با ذیل آیه قبل باشد و نیز می تواند با صدر آن آیه در ارتباط باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۳

۳ - آفرینش آسمان ها و زمین ، حاوی

نشانه هایی بر توحید و حاکمی از رحمانیت و رحیمیت خداوند است .

لا إله إلا هو الرحمن الرحيم. إن في خلق السموت والأرض ... لأيت

آیه مورد بحث - به قرینه آیه قبل - در مقام استدلال بر توحید و رحمانیت و رحیمیت خداوند است و لذا مقصود از <آیات> در ذیل آیه، نشانه های توحید و رحمت گستره خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۱ - ۲

۲ - نظم کنونی آسمان ها و زمین در بقا ، همانند مرحله آغازین خود ، نیازمند به اراده و تدبیر خداوند است .

إن الله يمسك السموت والأرض ... إن أمسكهما من أحد من بعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۲۳، ۲۰، ۱۸، ۱۶

۱۶ - آفریدن جهان هستی ( آسمان ، زمین ، انسان و ... ) ، از اوصاف و نشانه های خدای حقیقی ( الله )

خلق السموت والأرض ... خلقكم من نفس وحده ... ذلكم الله

<ذلكم> اشاره به کسی است که اشیا ذکر شده را آفریده و صاحب اوصاف خلق و جعل است.

۱۸ - آفرینش جهان ( آسمان ، زمین ، خورشید ، ماه و انسان ) جلوه ربوبیت خدا است .

خلق السموت والأرض ... خلقكم من نفس وحده ... ذلكم الله ربكم

۲۰ - آفرینش آسمان ها ، زمین ، خورشید ، ماه و انسان ، جلوه فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است .

خلق السموت والأرض ... له الملك

۲۳ - آفرینش جهان ( آسمان ، زمین و

انسان) ، دلیل یکتایی خدا و پوچی معبود های دیگر

خلق السموت و الأرض ... خلقکم من نفس وحده ... لا إله إلا هو

برداشت بالا مبتنی بر این دیدگاه است که جمله <لا إله إلا هو> که پس از بحث از خلقت جهان آمده است به منزله نتیجه و جمع بندی آن بحث باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۱۳، ۵

۵ - ثبات زمین و قابل سکونت بودن آن برای بشر و برافراشته ساختن آسمان ، جلوه هایی از قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند

ذلکم الله ربکم .. الله الذی جعل لکم الأرض قراراً

۱۳ - آفرینش زمین ، آسمان ، انسان و روزی های او ، از اوصاف معبود و ربّ حقیقی

الله الذی جعل لکم الأرض .. و صورکم فأحسن صورکم و رزقکم من الطیب ذلکم اللّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۱ - ۷

۷ - شکل گیری نظام آسمان ها و زمین ، براساس جاذبه ها و قوانین طبیعت \*

قالنا أتینا طائین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <طوعاً> اشاره به حرکت طبیعی و <کرهاً> حکایت از حرکت قسری داشته باشد و آیه بیانگر حاکمیت حرکت طبیعی حلقه های تکوین در نظام آسمان ها و زمین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۸ - ۳

۳ - هماهنگی اجزای آسمان ، با فاصله ای اندک پس از مرحله آفرینش و برافراشتن آسمان صورت پذیرفته است .

رفع سمکها فسویها

فاء در <فسوّاها>، برای تعقیب و

حاکمی از تأخر بدون فاصله تسویه است.

خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند بعد از آفرینش آسمان ها و مواهب زمین ، به خلقت انسان پرداخت ، تا او را به منصب خلافت برساند .

خلق لكم ما فى الأرض .. و إذ قال ربك للملكه إني جاعل فى الأرض خليفه

با توجه به آیه ۳۴ از همین سوره و آیات دیگری که درباره خلقت آدم (ع) است، می توان گفت: سخن خداوند با فرشتگان درباره آدم، قبل از خلقت وی بوده است. بنابراین <إني جاعل فى الأرض خليفه> علاوه بر بیان خلافت آدم (ع) دلالت بر آفرینش او نیز دارد یعنی: می خواهم [موجودی] بیافرینم و او را خلیفه قرار دهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۲،۸

۲ آفرینش آسمانها و زمین و پدید آوردن نور و ظلمت به دست خداوند، دلیل اختصاص ستایش به اوست.

الحمد لله الذى خلق

<الذى خلق>، صفت <اللهم> و بیان وجه اختصاص حمد به اوست و این تعلیق، که به گفته اهل ادب تعلیق حکم <الحمد لله> بر وصف <الذى خلق> است، بیانگر انحصار شایستگی ستایش به آفریننده هستی است.

۸ پدیده ظلمت و نور در جهان، نظامی تابع آفرینش آسمانها و زمین

الحمد لله الذى خلق السموت .. و جعل الظلمت و النور

در این آیه آفرینش آسمان و زمین با فعل <خلق> بیان شده، ولی درباره ظلمت و نور از فعل <جعل> استفاده شده است. توجه این تفاوت، به گفته برخی از مفسران، تبعی بودن آفرینش



نور و ظلمت نسبت به مجموعه هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۳

۳ خداوند آسمانهای متعددی در این جهان آفریده است.

خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۴ - ۱،۴

۱ خداوند ، آفریدگار آسمان ها و زمین و پروردگار راستین انسانهاست .

إن ربكم الله الذى خلق السموت و الأرض فى ستة أيام

۴ خداوند پس از آفرینش آسمان ها و زمین ( نظام هستی ) با استیلا بر عرش ، به تدبیر امور آنها پرداخت .

ثم استوى على العرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۱۶

۱۶ > عن محمد بن مسلم قال : قال لى أبو جعفر ( ع ) : كان كل شىء ماءً و كان عرشه على الماء ، فأمر الله عز ذكره الماء فاضطرم ناراً ثم أمر النار فخدمت فارتفعت من خمودها دخان فخلق الله عز وجل السموات من ذلك الدخان و خلق الله عز وجل الأرض من الرماد . . .

محمد بن مسلم گوید: امام باقر(ع) به من فرمود: همه چیز آب بود و عرش خدا بر آب قرار داشت پس خدای عز ذکره به آب امر کرد، پس آن آب آتشی برافروخته شد، سپس آتش را امر کرد خاموش شود و خاموش شد، پس بر اثر خاموشی آتش دودی از آن برخاست پس آن گاه خداوند آسمانها را از آن دود آفرید و زمین را از خاکستر آفرید . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ آفرینش آسمان های متعدد و رفیع ، تسخیر خورشید و ماه ، از نشانه های توان و اقتدار خدا و یکتایی او در تدبیر هستی است .

### یفصل الأیت

جمله های <الله الذی رفع السموت ..> حاکی است که متعلق <آیات> اقتدار خداوند ، سلطه او بر هستی و تدبیر آفرینش است ؛ یعنی: <یفصل الآیات الداله علی قدرته و ...> .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۹ - ۱۳

۱۳- آفرینش آسمان ها و زمین (عالم آفرینش) ، دلیل قدرتمندی خداوند بر تحقق وعده عذاب کافران و حبط عمل نیکشان

من ورائه جهنم .. مثل الذین کفروا بریهم أعملهم کرماد اشتدت به الريح ... ألم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۲

۲- آفرینش آسمان ها و زمین دلیل و نشانه توحید خداوند است .

الله الذی خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳ - ۴،۷

۴- آفرینش حق مدار آسمان ها و زمین ، گواه وحدانیت خدا و نبود شریک برای او

أن أنذروا أنه لا إله إلا أنا فاتقون . خلق السموت و الأرض بالحق تعلی عمّا یشر

جمله <خلق السماوات و الأرض> به منزله تعلیل برای مضمون <لا إله إلا أنا> در آیه قبل است .

۷- آفرینش آسمان ها و زمین (جهان هستی) دلیلی بر قدرت خداوند بر محقق ساختن وعده هایش

أتی أمر الله .. خلق السموت و الأرض بالحق تعلی عمّا یشر کون

جمله > خلق السماوات .

..< می تواند به منزله تعلیلی برای روشن نمودن قدرت خداوند بر محقق ساختن وعده هایش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۱ - ۱

۱- شیاطین ، فاقد کمترین دخالت و نظارت در کار آفرینش آسمان ها و زمین و نیز خلقت خودشان اند .

ما أشهدتهم خلق السموت والأرض و لاخلق أنفسهم

<إشهاد> یعنی، دیگری را به شهادت و حضور خواندن. نفی شاهد گرفته شدن شیاطین در آفرینش آسمان ها و زمین و خلقت خود آن ها، کنایه از آن است که آنان، هیچ نقشی در الوهیت و تدبیر جهان نداشته اند تا در موقع آفرینش، به حضور فراخوانده شده و شاهد خلقت باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۰ - ۸

۸- اندیشیدن در پدیده های جهان خلقت ، از راه های دستیابی انسان به توحید و یگانگی خداوند

أولم ير الذين كفروا أنّ السموت .. أفلا يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۹ - ۷۸

۷ آفرینش جهان هستی ( آسمان ها ، زمین و ... ) جلوه ای از رحمانیت خداوند

الذی خلق السموت و الأرض .. الرحمن

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که <الذی خلق> مبتدا و <الرحمان> خبر آن باشد؛ یعنی، آن کسی که جهان را آفرید، رحمان است و قهراً جهان، جلوه ای از رحمانیتش می باشد.

۸ آفرینش جهان هستی ( آسمان ها ، زمین و ... ) جلوه ای از حیات جاویدان خداوند

الحیّ الذی لایموت .. الذی

## خلق السموت و الأرض

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که <الذی خلق> صفت برای <الحی> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۲ - ۱،۵

۱ - آفرینش آسمان ها و زمین و گوناگونی زبان ها و رنگ های آدمیان ، از آیات الهی است .

و من ءایته خلق السموت و الأرض و اختلف ألسنتکم و ألونکم

۵ - آیه بودن آفرینش آسمان ها و زمین و تفاوت زبان ها و رنگ های مردم ، برای دانشمندان قابل درک است .

و من ءایته خلق السموت و الأرض و اختلف ألسنتکم و ألونکم إنّ فی ذلك لآیت للعل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۰ - ۱

۱ - خداوند ، آسمان ها را بدون پایه و ستون آفریده است .

خلق السموت بغير عمد ترونها

<ترونها> احتمال دارد قید توصیحی برای <بغير عمد> باشد. در این صورت، معنای <خلق السماوات بغير عمد> این است که خداوند، آسمان ها را بدون ستون آفریده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۱ - ۳

۳ - آفرینش آسمان ها و زمین ، دلیل و نشانه توانایی خداوند بر برپایی قیامت و آفرینش مجدد انسان ها

أولیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۱۰

۱۰- آفرینش و تدبیر آسمان‌ها و زمین و پیدایش شب و روز و تسخیر خورشید و ماه، جلوه‌های عزت و قدرتمندی خداوند است

خلق السموت و الأرض .. كلّ يجرى لأجل مسمّى ألا هو العزيز

یادآوری عزت و قدرتمندی خداوند در پایان آیه شریفه و پس از یادآوری آفرینش آسمان، زمین و ..، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۸ - ۲

۲ - جهان ( آسمان ها ، زمین و ... ) ، مخلوق خدا و جلوه قدرت او است .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنّ الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۱۱، ۱

۱ - خداوند ، جهان آفرینش را به صورت هفت آسمان بیاراست و نظام بخشید .

فقضهنّ سبع سموت

۱۱ - آفرینش و تدبیر آسمان ها و زمین ، جلوه ای از علم و قدرت الهی است .

ذلك تقدیر العزيز العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۱ - ۳، ۲

۲ - خلقت آسمان ها و زمین ، بدون هیچ گونه سابقه و الگوی پیشین

فاطر السموت و الأرض

<فاطر> (از ماده <فطر>) به معنای ابداع و آفرینش بدون سابقه نیز آمده است.

۳ - آسمان ها و زمین ، پیش از شکل یافتن به وضع موجود به صورت توده ای واحد و متراکم بود .

<فطر> (مصدر <فاطر>) به معنای دریدن و جدا کردن است. به کارگیری این ماده می تواند به این مطلب اشاره داشته باشد که آسمان ها، پیش از این که به شکل فعلی در آید به صورت یک توده فشرده و متراکمی بود و سپس با انفجار عظیم از



هم جدا و متفرق شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۹ - ۱،۷

۱ - آفرینش آسمان ها و زمین و جانداران ، از نشانه های روشن خدا و قدرت او است .

و من آياته خلق السموت و الأرض و ما بثّ فيهما من دابّة

۷ - آفرینش آسمان ها ، زمین و موجودات زنده ، تنها بخشی از آیات الهی است .

و من آياته

با توجه به معنای <من> که برای تبعیض است به دست می آید که جهان هستی سرشار از آیات خداوند است و آفرینش آسمان ها و زمین تنها بخشی از آنها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۵

۵ - آفرینش بهینه آسمان ها و زمین و سایر موجودات ، نمود عزت و حکمت الهی است .

من الله العزيز الحكيم . ما خلقنا السموت و الأرض و ما بينهما إلا بالحقّ

از ارتباط این آیه با ذیل آیه قبل (من الله العزيز الحكيم)، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۳ - ۴

۴ - آفرینش توانمندانه آسمان ها و زمین از سوی خداوند ، دلیل قدرت او بر تجدید حیات مردگان

الله الذي خلق ... و لم يعي بخلقهنّ بقدر على أن يحيى الموتى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۸ - ۳،۶

۳- آفرینش آسمان ها و زمین ، نمودی از قدرت عظیم الهی

و لقد خلقنا السموت و الأرض

به قرینه آیات پیشین

که بیان کننده قدرت قاهره الهی بود و نیز به قرینه ذیل آیه (و ما مسنا من لغوب) طرح مسأله آفرینش آسمان و زمین برای نمایاندن قدرت الهی است.

۶ - خلقت آسمان ها و زمین بدون کم ترین زحمت و دشواری ، نشان قدرت خداوند بر معاد

و لقد خلقنا .. و ما مسنا من لغوب

با توجه به این که سیاق عمده آیات پیشین، در اثبات معاد بود، طرح خالقیت خدا و آسان بودن خلقت برای او، می تواند بیانگر امکان معاد و دشوار نبودن آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲ - ۱۴، ۱۱، ۹

۹ - آفرینش آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها ، جلوه ای روشن و نشانه ای گویای از قدرت بی پایان خداوند

اللّٰه الذی خلق سبع سموت .. لتعلموا أنّ اللّٰه علی کلّ شیء قدير

۱۱ - آفرینش آسمان ها و زمین ، جلوه ای روشن و نشانه ای گویا از علم مطلق و همه جانبه خداوند است .

اللّٰه الذی خلق سبع سموت .. لتعلموا ... أنّ اللّٰه قد أحاط بكلّ شیء علماً

۱۴ - آفرینش آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها ، نشانه تحقق وعده های خداوند به برپایی قیامت و وجود بهشت و جهنم است .

أعدّ اللّٰه لهم عذاباً شديداً .. جنّت تجرى من تحتها الأنهر ... اللّٰه الذی خلق

یادآوری خلقت آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها پس از ذکر دو گروه دوزخیان و بهشتیان در آیات گذشته می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

خلقت آسمان های هفتگانه

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۳ - ۴

۴ - آفرینش آسمان هفتگانه ، جلوه و نشانه فرمان روایی و قدرت مطلق و بی چون خداوند

بیده الملک .. الذی خلق سبع سموت طباقاً

جمله <الذی خلق سبع سماوات طباقاً> توضیح و تبیین دیگری برای آثار و جلوه های ملک و قدرت مطلق خداوند است.

خلقت آسمانها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۰ - ۸

۸- اندیشیدن در پدیده های جهان خلقت ، از راه های دستیابی انسان به توحید و یگانگی خداوند

أولم یر الذین کفروا أنّ السموت .. أفلا یؤمنون

خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۷ - ۲۷

۲۷ مالکیت و سلطنت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل توانایی او بر هر نوع آفرینش ( مانند آفرینش انسان بدون واسطه پدر )

لله ملک السموت و الارض و ما بینهما یخلق ما یشاء

بنابر اینکه <یخلق ما یشاء>، نتیجه ای باشد برای <لله ملک السموت و الارض>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۱۰

۱۰ توجه به آفرینش مجموعه جهان هستی به دست خداوند، زمینه ساز اعتقاد به توحید ربوبی است.

الحمد لله الذی خلق السموت و الأرض .. ثم الذین کفروا بریهم یعدلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۱ - ۱۰

۱۰ آفرینش هستی بر اساس علم گسترده خداوند است.

خلق کل شیء و هو بکل شیء علیم

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۳۴ - ۵

۵ جهان آفرینش ، جهانی است حادث و ناپایدار .

قل هل من شركائكم من يبدؤا الخلق ثم يعيده

جمله <يبدؤا الخلق> مسبوق به عدم بودن پدیده های جهان را می رساند و <ثم يعيده> بیانگر این است که این جهان به سوی مرگ و انقراض در حرکت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- رعد - ۱۳ - ۲ - ۲۰

۲۰ توان خداوند بر آفرینش هستی و تدبیر امور آن ، دلیل توانایی او بر ایجاد قیامت است .

الله الذي رفع السموت ... يفصل الأيت لعلكم بلقاء ربكم توقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- رعد - ۱۳ - ۳ - ۱

۱ خداوند ، گسترده زمین و قرار دهنده کوه ها و رود ها در دل آن

و هو الذي مدّ الأرض و جعل فيها روسى و أنهرًا

<مدّ> به معنای گسترانیدن و پهن کردن است. <رواسی> (جمع راسیه) به معنای کوههای استوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- حجر - ۱۵ - ۸۵ - ۷

۷- حق بودن ( هدفدار و حکیمانه بودن ) نظام آفرینش ، مقتضی برپایی قیامت

و ما خلقنا السموت ... إلاّ بالحقّ و إن الساعه لأتیه

جمله <إن الساعه لأتیه> به منزله نتیجه استدلال به آیه <و ما خلقنا السموات ... إلاّ بالحق> است ، یعنی ، چون جهان بر اساس حق آفریده شده است، قهراً برپایی قیامت قطعی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳ - ۷

۷ - آفرینش

آسمان ها و زمین ( جهان هستی ) دلیلی بر قدرت خداوند بر محقق ساختن وعده هایش

أتى أمر الله .. خلق السموت و الأرض بالحق تعالى عما يشركون

جمله <خلق السماوات ..> می تواند به منزله تعلیلی برای روشن نمودن قدرت خداوند بر محقق ساختن وعده هایش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۹ - ۷۸

۷ آفرینش جهان هستی ( آسمان ها ، زمین و ... ) جلوه ای از رحمانیت خداوند

الذی خلق السموت و الأرض .. الرحمن

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که <الذی خلق> مبتدا و <الرحمان> خبر آن باشد؛ یعنی، آن کسی که جهان را آفرید، رحمان است و قهراً جهان، جلوه ای از رحمانیتش می باشد.

۸ آفرینش جهان هستی ( آسمان ها ، زمین و ... ) جلوه ای از حیات جاویدان خداوند

الحيّ الذی لایموت .. الذی خلق السموت و الأرض

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که <الذی خلق> صفت برای <الحيّ> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۴ - ۸،۱۲

۸ - خلق و تدبیر جهان ، نشأت یافته از مبدأ واحد است .

الله الذی خلق .. ثم استوی علی العرش

۱۲ - یکتایی خدا در خلق و تدبیر عالم ، دلیل وجود نداشتن سرپرست و یابوری برای انسان ها جز خود او است .

الله الذی خلق .. ما لکم من دونه من ولیّ و لاشفیع

احتمال دارد ذکر <ما لکم من دونه..> پس از بیان یکتایی خداوند در آفرینندگی و



تدبیر، به این منظور باشد که چون همه چیز در دست اقتدار او است، کسی جز او نمی تواند ولیّ و شفیع باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۳ - ۶،۸

۶ - آفرینش جهان هستی چون انسان ، دریا ، خورشید و ماه ، از نشانه های خدای حقیقی ( الله )

و الله خلقکم من تراب .. ثم جعلکم أزواجًا ... و ما یستوی البحران ... و سخر ال

<ذلکم> اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب خلق و جعل می باشد.

۸ - آفرینش جهان ( انسان ، دریا ، خورشید و ماه ) ، جلوه ای از ربوبیت خدا است .

الله خلقکم من تراب .. و ما یستوی البحران ... و سخر الشمس و القمر ... ذلکم ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۱ - ۳

۳ - نیازمندی ممکنات ( جهان هستی ) در بقا به خداوند ، همانند نیاز آنها در اصل وجود

إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ .. إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ

این آیه هر چند درباره آسمان ها و زمین بحث کرده ولی ممکن است به وجود این قانون عام در جهان هستی نیز اشاره داشته باشد که همه ممکنات، در اصل وجود و در بقای خود، به خداوند نیازمند می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۱۸،۲۳،۱۶

۱۶ - آفریدن جهان هستی ( آسمان ، زمین ، انسان و ... ) ،

از اوصاف و نشانه های خدای حقیقی ( الله )

خلق السموت و الأرض ... خلقکم من نفس وحده ... ذلکم الله

<ذلکم> اشاره به کسی است که اشیاى ذکر شده را آفریده و صاحب اوصاف خلق و جعل است.

۱۸ - آفرینش جهان ( آسمان ، زمین ، خورشید ، ماه و انسان ) جلوه ربوبیت خدا است .

خلق السموت و الأرض ... خلقکم من نفس وحده ... ذلکم الله ربکم

۲۳ - آفرینش جهان ( آسمان ، زمین و انسان ) ، دلیل یکتایی خدا و پوچی معبود های دیگر

خلق السموت و الأرض ... خلقکم من نفس وحده ... لا إله إلا هو

برداشت بالا مبتنی بر این دیدگاه است که جمله <لا إله إلا هو> که پس از بحث از خلقت جهان آمده است به منزله نتیجه و جمع بندی آن بحث باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۱ - ۱۵

۱۵ - آفرینش جهان و ایجاد نظام زوجیت ، تجلی ربوبیت بی همتای خداوند

ذلکم الله ربی ... جعل لکم من أنفسکم أزواجاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۴ - ۵

۵- توانایی بر خلقت جهان و تدبیر امور آن ، شرط شایستگی معبود برای پرستیده شدن

ماذا خلقوا من الأرض أم لهم شرك في السموت

در این آیه، به ناتوانی بت ها در امر خلقت و تدبیر جهان اشاره شده است و این خود می نمایاند که توانایی بر خلقت و تدبیر، ملاکی است که براساس آن، می توان معبود واقعی را از معبود دروغین، متمایز ساخت.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۸ - ۵

۵ - آفرینش جهان ، با همه گستردگی و عظمت آن ، فاقد کم ترین خستگی و رنج برای خداوند

و لقد خلقنا . . . و ما مسنا من لغوب

<لغوب> به معنای تعب و خستگی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۶ - ۳

۳ - توجه و ایمان به آفرینش هستی به وسیله خداوند ، متقاضی گردن نهادن به دستورات او

أم خلقوا السموت و الأرض

خداوند، برای به اطاعت واداشتن کافران، آنان را به خالقیت خویش تذکر داده است؛ زیرا پذیرش خالقیت خداوند، مسلتم اطاعت او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۲ - ۲،۴

۲ - آفرینش نشأه نخستین ( جهان فعلی ) ، نشانی روشن از توانایی خداوند بر آفرینش نشأه دیگر ( جهان آخرت )

و لقد علمتم النشأه الأولى فلولا تذکرون

۴ - انکار جهان آخرت به رغم مشاهده قدرت خداوند در آفرینش نشأه نخستین ( جهان فعلی ) نشانه غفلت و بی توجهی است .

و لقد علمتم النشأه الأولى فلولا تذکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۳ - ۶

۶ - تشویق و ترغیب خداوند ، به نگاه ژرف در مبدأ پیدایش جهان و نظم و هماهنگی میان آنها

ما ترى فى خلق الرحمن من تفوت ثم ارجع البصر هل ترى من فطور

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - اعلى - ٨٧ - ٢ - ٦

آفریدن و نظام دادن به جهان هستی ، اقتضای ربوبیت خداوند است .

رَبِّكَ .. الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى

خَلَقْتَ آهِنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۵ - ۲۶

۲۶ - > عن أمير المؤمنين (ع) قال : .. و قال : > و أنزلنا الحديد فيه بأس شديد < فإنزاله ذلك خلقه إياه ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است: خداوند می فرماید: .. > و أنزلنا الحديد فيه بأس شديد < و مراد از <انزال حدید> خلقت آن است <.

خلقت ابتدایی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۴ - ۳

۳ - آفرینش ابتدایی انسان ، خود گواه امکان معاد و احیای مجدد وی

أَمَّنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يَعِيدُهُ

سخن گفتن خداوند درباره <بدء> و پدید آوردن خلق در کنار مسأله معاد، می تواند از آن جهت باشد که به انسان یادآوری کند که اعاده حیات برای پدیدآورنده آن، کاری دشوار و نشدنی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۷ - ۴،۱۳

۴ - آفرینش نخست انسان ، نشانه قدرت مندی خداوند بر باز آفرینی او در عالم آخرت است .

و هو الذي يبدؤا الخلق ثم يعيده

۱۳ - آفرینش نخست انسان ها و باز آفرینی آنان پس از مرگ ، مقتضای حکمت و عزت خداوند است .

و هو الذي يبدؤا الخلق ثم يعيده .. و هو العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۴۰ - ۲

۲ - آفرینش آغازین انسان ، از نطفه و علقه

به همراه ساختاری معتدل و هماهنگ ، دلیل قدرت خداوند بر برپایی قیامت و احیای مردگان

ألم يك نطفه من منى يمى . . . فخلق فسوى ... أليس ذلك بقدر على أن يحيى الموتى

خلقت ابتدایی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۱ - ۳

۳ - آفرینش نخستین انسان ، نشانه قدرت مندی خداوند بر باز آفرینی وی در عالم آخرت است .

اللّٰه يبدؤا الخلق ثم يعيده ثم إليه ترجعون

این آیه، به قرینه آیه بعد که درباره برپایی قیامت است درصدد اثبات معاد از طریق توجه دادن به خلقت نخستین انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۸ - ۱،۳

۱ - آفرینش نخستین انسان ها و زنده کردن مجدد آنان پس از مرگ ، برای خداوند همانند آفریدن یک تن است .

ما خلقکم ولابعثکم إلا کنفس وحده

۳ - فاصله افتادن میان خلقت نخستین انسان و زنده کردن مجدد او پس از مرگ ، تأثیری در آن خلقت ندارد .

ما خلقکم ولابعثکم إلا کنفس وحده

چنان چه مفسران گفته اند، مشرکان با تعجب سؤال می کردند که >چگونه امکان دارد که انسانی پس از سال ها مردن، مجدداً زنده شود؟< . آیه در صدد پاسخ به آن پرسش است و تشریح می کند که خلقت نخستین و دوباره، همانند آفریدن یک تن است و فاصله ایجاد شده، تأثیری ندارد.

خلقت ابتدایی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۵ - ۳





امکان معاد

أفَعِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ

تعبیر <أفَعِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ> کافران را به وجود فعلی موجودات توجه می دهد و همین توجه را برای پی بردن به امکان معاد کافی می شمارد؛ زیرا آن کس که قادر بر خلق باشد، مرتبه نخست و مرتبه دوم برایش یکسان است.

خلقت ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۲ - ۵

۵ آفرینش ابلیس از آتش موجب احساس برتری وی بر آدم(ع)

قال أنا خير منه خلقتني من نار و خلقته من طين

خلقت اخروی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۹ - ۶

۶- رستاخیز و معاد انسان ، آفرینشی نو و جدید است .

أءنَّا لمبعوثون خلقًا جديدًا

خلقت از آب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۵ - ۱،۱۳

۱ - خداوند ، [ در آغاز ] هر جاننداری را از آب آفرید .

و الله خلق كل دابة من ماء

به حیوانات و جانداران روی زمین چه بزرگ و قابل رؤیت باشند و چه کوچک و غیر قابل دیدن <دابه> گویند (لسان العرب).

۱۳ - آفرینش انواع جانداران از جسمی مایع ، جلوه ای از قدرت مطلق خداوند است .

و الله خلق کلّ دابة من ماء .. . یخلق الله ما یشاء انّ الله علی کلّ شیء قدیر

خلقت از آتش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۶ - ۳

۳ - ابلیس ، آفریده شدنش از آتش و آفرینش آدم از گل را ، دلیل برتری و مهتری

خود بر آدم معرفی کرد .

قال أنا خير منه خلقتني من نار و خلقته من طين

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <خلقتني من نار..> در مقام تعلیل و تبیین برای جمله <أنا خير منه > می باشد.

خلقت از خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۶، ۷، ۵

۵- خاک ، مبدأ نخستین آفرینش انسان

فإننا خلقناكم من تراب

۶- قابلیت خاک برای پیدایش موجودات زنده از آن

فإننا خلقناكم من تراب

۷- تحول خاک به نطفه ، تبدیل نطفه به علقه و تکامل علقه به مضغه ، روند آفرینش انسان

فإننا خلقناكم من تراب ثم من نطفه ثم من علقه ثم من مضغه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶ - ۴، ۶، ۲

۲ آفرینش انسان از خاک ، رشد مرحله به مرحله او در رحم ، صعود تدریجی از طفولیت ( مرحله ضعف جسمی و عقلی ) به اوج جوانی و نزول تدریجی از اوج بتوانایی ( جوانی ) به حسیض ناتوانی ( کهولت و پیری ) ، جلوه های ربوبیت خدا و یگانگی او

فإننا خلقناكم من تراب .. لکیلا یعلم من بعد علم شیئا ... ذلک بأنّ الله هو الحق

۴ - آفرینش انسان و انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان ، نمایشی است از قدرتمندی و توانایی خداوند بر احیای همه مردگان در روز رستاخیز .

فإننا خلقناكم من تراب.. و تری الأرض هامده... و أنه یحی الموتی

جمله <و أنه يحيى.. > عطف بر <أن الله هو الحق > و به تقدير <و ذلك بأن الله يحيى

الموتی < می باشد، یعنی، آن قدرت نمایی ها بدان سبب است که خداوند می تواند مردگان را زنده کند.

۶- آفرینش انسان و رویاندن انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان، نمودی از قدرت بی کران و نامحدود خداوند

و أنه علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷ - ۶۸

۶- آفرینش انسان و انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان، یادآور رستاخیز و دلیلی گویا بر قطعی بودن برپایی آن.

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <الساعة> به برپایی قیامت و <ذلك> در آیه قبل به خلقت انسان و ایجاد انواع گیاهان: *إن كنتم فی ریب من البعث فأنا خلقناكم من تراب.. فإذا أنزلنا علیها الماء اهتزت و ربّت < اشاره داشته باشد.*

۸- خلقت انسان و رویش انواع گیاهان از خاک بی جان، نشانگر توانمندی خدا بر احیای مردگان در روز رستاخیز

فإنا خلقناكم .. و تری الأرض هامده ... و أنّ الله یبعث من فی القبور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۰ - ۱،۲،۳،۴،۶،۸،۹،۱۰

۱- از جمله آیات خداوند، آفریدن انسان ها از خاک است.

و من ءایته أنّ خلقکم من تراب

۲- خداوند، پدید آورنده انسان ها از خاک است.

خلقکم من تراب

۳- خاک، مبدأ پیدایش انسان ها است.

و من ءایته أنّ خلقکم من تراب

۴- پدید آمدن انسان های زنده از دل خاک مرده، نمودی از پدید آوردن موجود جان دار از موجود بی جان

به دست خداوند است .

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ .. و من آيته أن خلقكم من تراب

۶ - پدید آوردن موجودی زنده مانند انسان از دل خاک مرده ، از نشانه های توان مندی خداوند بر احیای مجدد انسان ها است .

و كذلك تخرجون . و من آيته أن خلقكم من تراب

از این آیه به بعد، چندین آیه، در صدد شمارش آیات الهی است. از میان آن آیات، ذکر مناسب ترین آیه با <و كذلك تخرجون> پس از آن، می تواند در ضمن بیان آیات الهی، اشاره به نکته فوق باشد.

۸ - آفرینش انسان از خاک تا صورت آدمی ، مراحل مختلفی داشته است .

أن خلقكم من تراب ثم إذا أنتم بشر تنتشرون

<ثم> حرف تراخی است و دلالت بر مهلت و مدت می کند و از طرفی <إذا> فجایه است و دلالت بر ناگهانی بودن می کند. جمع بین این دو، به این است که میان خلق انسان از مبدأ خاک تا صورت انسانی، مراحل طی شده که چندان روشن و آشکار نبوده است.

۹ - پدید آمدن موجودی زنده به نام انسان از خاک مرده ، امری غیر منتظره و سزاوار تأمل است .

أن خلقكم من تراب ثم إذا أنتم بشر تنتشرون

<إذا>ی فجایه در آیه، می تواند حکایت از این حقیقت باشد.

۱۰ - تبدیل شدن خاک پس از گذر از مراحل لازم به انسان ، جهش گون و سریع است .

أن خلقكم من تراب ثم إذا أنتم بشر تنتشرون

<إذا> فجایه است و دلالت بر ناگهانی بودن می کند، لذا از آن، سرعت و حالت جهشی بودن به دست می آید.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ - آیه بودن آفرینش انسان از خاک ، برای متفکران ، قابل درک است .

و من آیته أن خلقکم من تراب . . . إن فی ذلک لآیت لقوم یتفکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۷ - ۲،۳،۴

۲ - خاک ، مبدأ نخستین آفرینش انسان

خلقکم من تراب

۳ - قابلیت خاک برای پیدایش موجودات زنده از آن

خلقکم من تراب

۴ - تحوّل خاک به نطفه تبدیل نطفه به علقه و تکامل آن ، روند آفرینش انسان

خلقکم من تراب ثمّ من نطفه ثمّ من علقه ثمّ یخرجکم طفلاً

خلقت از دود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۱ - ۲

۲ - آسمان ، پیش از سامان یافتن و شکل گیری به صورت توده هایی از دود بود .

ثمّ استوی إلى السماء و هی دخان

خلقت از علقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۴۰ - ۲

۲- آفرینش آغازین انسان ، از نطفه و علقه به همراه ساختاری معتدل و هماهنگ ، دلیل قدرت خداوند بر برپایی قیامت و احیای مردگان

ألم يك نطفه من منى يمى . . . فخلق فسوى ... أليس ذلك بقدر على أن يحيى الموتى

خلقت از گل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۹ - ۶

۶- گل بد بو ، سیاه و خشکیده به انضمام روح الهی ، آغاز پیدایش نخستین انسان

إنى خلق بشرًا من صلصل من حمأ



مسنون . فإذا سوّيته و نفخت فيه من روحي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۱ - ۷

۷- ابلیس ، موجود خلق شده از گِل را از جنس خود پست تر و کم ارزش تر می دانست .

ءأسجد لمن خلقت طينًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۲ - ۲،۳

۲ - آفرینش نخستین انسان از عصاره گِل ( خاک آمیخته با آب )

و لقد خلقنا الإنسن

سیاق آیات مورد بحث، نشان می دهد که مراد از <انسان>، نوع انسان است که شامل <حضرت آدم> و غیر او می شود. بنابراین مقصود از <خلق> در این آیه، آفرینش ابتدایی آدم است که از <گِل> آفریده شد. آیه بعد نیز، بیانگر آفرینش نسل آدم است که از نطفه آفریده شده و می شود.

۳ - آفرینش انسان از گِلی ناچیز و بی جان ، نمود عظمت و قدرت خیره کننده آفریدگار

و لقد خلقنا الإنسن من سلله من طین

نکره آوردن <سلاله> و <طین> ظاهراً برای تحقیر است؛ یعنی: به یقین ما انسان را از عصاره ای ناچیز از گِلی بی مقدار آفریدیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۳ - ۳

۳ - آفرینش نسل آدم از نطفه پس از آفرینش خود وی از عصاره گِل

و لقد خلقنا الإنسن من سلله من طین . ثم جعلنه نطفه فی قرار مکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٥ - ص - ٣٨ - ٧١ - ٤

٤ - گِل ، خميرمايه آفرينش انسان

إذ قال ربك للملكه إنني

خلق بشرًا من طين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۶ - ۳

۳- ابلیس، آفریده شدنش از آتش و آفرینش آدم از گل را، دلیل برتری و مهتری خود بر آدم معرفی کرد.

قال أنا خیر منه خلقتنی من نار و خلقته من طین

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <خلقتنی من نار..> در مقام تعلیل و تبیین برای جمله <أنا خیر منه> می باشد.

خلقت از گل چسبنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۱ - ۶،۷

۶- آفرینش آغازین انسان از گل چسبنده بود.

إنا خلقنهم من طین لازب

<طين> به معنای <گل> و <لازب> به معنای <چسبنده> است.

۷- آفرینش انسان از گل چسبنده، گواه برتری آفرینش جهان طبیعت بر آفرینش انسان و شاهد توانایی خدا بر احیای مجدد انسان ها از خاک است.

إنا خلقنهم من طین لازب

برداشت فوق از آن جا است که جمله <إنا خلقناهم من طین لازب> تعلیل است برای آنچه مورد استفتا و استفهام در جملات قبل بود.

خلقت از گل خشک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۶ - ۴

۴- تبدیل گل و لای بد بو و تیره رنگ به انسان، از آیات خداوند است.

و لقد خلقنا الإنسن من صلصل من حمأ مسنون

خلقت از مایعات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۵ - ۳

۳ - خداوند ، موجودات جاندار را از انواع مایع های متناسب

خود آفرید .

و الله خلق كل دابة من ماء

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که تنکیر <ماء> برای تنويع باشد. بر این اساس معنای <ماء> انواع جسم مایع است و مقصود این است که عنصر اولی و منشأ پیدایش حیات جانداران، از جسم مایع است و حیات هر جاننداری از مایعی متناسب خود می باشد.

خلقت از منی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۶ - ۲

۲ - جسم انسان ، از آبی آفریده شده است که از مرد و زن یکباره تخلیه شده و از ظرف خود بیرون می جهد .

ماء دافق

این احتمال وجود دارد که مراد از <ماء دافق>، نطفه مرد و تخمک زن هر دو باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۸ - ۲

۲ - آفرینش انسان از منی ، برهان قدرت خداوند بر معاد و تجدید حیات انسان است .

خلق من ماء . . . یخرج ... إنه علی رجعه لقادر

خلقت از نطفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۳ - ۳

۳ - آفرینش نسل آدم از نطفه پس از آفرینش خود وی از عصاره گل

و لقد خلقنا الإنس من سلله من طین . ثم جعلنه نطفه فی قرار مکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - آفرینش انسان از نطفه ، دلیل و نشانه توانایی خداوند بر برپایی قیامت و زنده کردن انسان

أولم ير الإنسن أنا خلقنه من نطفه

با توجه

به آیات بعدی و نیز شأن نزول ها که این آیه و آیات بعدی را درباره فردی به نام <عاصب بنوائل> (از منکران معاد) دانسته است (مجمع البیان و دیگر تفاسیر)، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۶ - ۱،۲،۳

۱ - پیدایش زن و مرد ، از نطفه به اراده خدای یگانه

وَأَنَّهُ خَلَقَ .. الذَّكَرَ وَالْأُنثَى . من نطفه

۲ - پیدایش زوجین (نر و ماده) ، از آبی اندک (نطفه) ، شایان تأمل و درس آموزی

وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى . من نطفه

<نطفه> در اصل به آب اندکی گفته می شود که ته ظرف باقی مانده باشد (قاموس المحيط).

۳ - پیدایش انسان از آبی اندک (نطفه) ، نمودی از قدرت و ربوبیت الهی

وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَى .. وَأَنَّهُ خَلَقَ ... من نطفه

از ارتباط این آیه با آیه <وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَى>، مطلب بالا قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۴۰ - ۲

۲ - آفرینش آغازین انسان ، از نطفه و علقه به همراه ساختاری معتدل و هماهنگ ، دلیل قدرت خداوند بر برپایی قیامت و احیای مردگان

أَلَمْ يَكْ نَظْفَهْ مِنْ مَنَىٰ يَمْنَىٰ .. فَخَلَقَ فَسَوَىٰ ... أَلَيْسَ ذَلِكْ بِقَدْرِ عَلَىٰ أَنْ يَحْيِيَ الْمَوْتَى

خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۲۰، ۱۶، ۵، ۴

۴ - گفتگوی خدا و فرشتگان درباره خلقت و خلافت انسان





قال رَبِّكَ للملئكة .. قالوا أتجعل فيها من يفسد .. قال إني أعلم ما لاتعلمون

۵ - خداوند تقدیر خویش را بر خلقت و خلافت انسان در زمین ، به فرشتگان اعلام کرد .

و إذ قال رَبِّكَ للملئكة إني جاعل فی الأرض خلیفه

۱۶ انسان دارای ارزش ها و استعدادهایی که وی را شایسته خلقت و زینده خلافت می کرد .

إني أعلم ما لاتعلمون

مقصود از <ما لاتعلمون> می تواند استعداد و قابلیت نهفته در انسان باشد. همچنین مراد از آن می تواند علوم و حقایقی باشد که بر فرشتگان مخفی بوده و شایستگی دریافت آن را نداشتند. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۲۰ نا آگاهی فرشتگان به ارزش های والای انسان ، موجب شد تا فسادگری او برای فرشتگان جلوه گر شود و به خلقت و خلافتش معترض باشند .

أتجعل فیها من یفسد فیها .. قال إني أعلم ما لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ اعتراف فرشتگان به عالمانه و حکیمانه بودن آفرینش انسان و انتخاب او برای خلافت

إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

از هدفهای فرشتگان در توصیف خداوند به علیم و حکیم بودن - پس از اظهار تشکیک در شایستگی انسان برای خلافت - اعتراف و اقرار به ارزش والای انسان و عالمانه و حکیمانه بودن آفرینش اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۸ - ۸

۸ خداوند ، آفریننده هر چیزی است که در رحم به وجود می آید . ( خون ، جنین و ... )

با توجه به لفظ <ما> که خود، جنین و .. را شامل می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱ - ۱۰، ۹، ۵، ۴، ۲

۲ آفرینش انسان و تدبیر امور او به دست خداوند ، مقتضی تقوا و پروا از اوست .

اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ

جمله <الَّذِي خَلَقَكُمْ .. >، صفت برای <رَبَّكُمْ> و اشاره به علت لزوم رعایت تقواست. یعنی چون شما را خلق کرد و امور شما را تدبیر نمود، لازم است تقوا داشته باشید و احکام او را انجام دهید.

۴ خداوند ، آفریننده انسان ها از شخص واحد ( آدم )

رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ

۵ آفرینش آدمیان از شخص واحد و نبود امتیاز در خلقت آنان ، پرتویی از ربوبیت الهی نسبت به آنان

اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ

۹ تساوی مردم در اصل آفرینش و نبود امتیاز در خلقت آنان ، موجب مسئولیت تمامی آنان در برابر قوانین الهی

اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا

جمله <خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ>، علاوه بر بیان این حقیقت که تمامی انسانها از نسلی واحدند، به این معنا اشاره دارد که بین آنان در خلقت هیچگونه امتیاز و تبعیضی نیست و لذا همه موظف به رعایت تقوا هستند.

۱۰ خداوند ، گسترش دهنده مردان و زنان بسیار ( نسل بشر ) ، از یک زن و مرد ( آدم و حوا )

خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ .. وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ خداوند ، توانا بر هلاکت تمامی انسان ها و آفرینش انسانهایی دیگر

ان يشأ يذهبكم ايها الناس و يأت باخرين و كان الله على ذلك قديراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۷ - ۲۷

۲۷ مالکیت و سلطنت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل توانایی او بر هر نوع آفرینش ( مانند آفرینش انسان بدون واسطه پدر )

لله ملك السموت و الارض و ما بينهما يخلق ما يشاء

بنابر اینکه <يخلق ما يشاء>، نتیجه ای باشد برای <لله ملك السموت والارض>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲ - ۱۱، ۱۰، ۸، ۲

۲ گلی مخصوص، خمیر مایه آفرینش انسان

هو الذي خلقكم من طين

نکره بودن <طين> دلالت دارد که گلی مخصوص برای آفرینش انسان به کار رفته است.

۸ اراده و قضای الهی حاکم بر پیدایش و مرگ آدمی

هو الذي خلقكم .. ثم قضی أجلا و أجل مسمى عنده

۱۰ توجه انسان به آفرینش و مرگ خویش، زمینه شناخت ربوبیت یگانه خداوند

بربهم يعدلون. هو الذي خلقكم من طين ثم قضی أجلا ... ثم أنتم تمترن

۱۱ مطالعه در آفرینش انسان و مرگ و حیات وی، زداینده تردید در یگانگی خداوند

هو الذي خلقكم من طين ثم قضی أجلا .. ثم أنتم تمترن

از جمله <ثم أنتم تمترن>، که بیان استبعاد هر گونه تردید در یگانگی خداوند پس از توجه به مضامین صدر آیه است،

چنین برمی آید که بعد از این توجه، علی القاعده نباید تردیدی در توحید و اعتقاد بدان وجود داشته باشد.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۹ - ۱۴

۱۴ آفرینش نخستین انسان دلیلی بر امکان معاد

کما بدأکم تعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۲ - ۲،۳

۲ خداوند پس از خلقت هر انسان ، حقیقت وی را در ارتباط با ربوبیت الهی بر او آشکار می سازد .

و إذ أخذ ربک . . و أشهدهم علی أنفسهم ألت بر بکم

<أشهده علی کذا> یعنی او را حاضر کرد تا وجود امری یا تحقق فعلی را ببیند و بر آن آگاه شود تا به هنگام لزوم گواهی دهد. بنابراین <أشهدهم علی أنفسهم>، یعنی خداوند انسانها را به وجود خودشان حاضر کرد تا خود را ببینند. جمله <ألت بر بکم> (آیا پروردگار شما نیستم)، بیان می دارد که مراد از شهود خویش، دیدن خود در ارتباط با ربوبیت خداوند است. یعنی خود را ببینند و دریابند که وجودشان وابسته به خداوند و ربوبیت اوست.

۳ هر یک از انسان ها پس از خلقتشان در حیات دنیا ، دارای دو نشئه وجودی هستند : نشئه شهود ارتباط خویش با خداوند و نشئه غیبت و محجوب بودن از خدا

و إذ أخذ ربک . . و أشهدهم علی أنفسهم

عطف <أشهدهم> بر <أخذ ربک> دلالت می کند که مسأله اشهاد و اقرار در همین حیات دنیوی انسان انجام گرفته است. یعنی هر یک از انسانهای موجود بالعیان ربوبیت خداوند را مشاهده کرده اند. و این در حالی است که عموم انسانها چنین شهود و علم حضوری را نسبت به پروردگار خویش ندارند. لذا می توان گفت انسان دارای دو جنبه

است: جنبه ای که شاهد ربوبیت خدا بوده و جنبه ای که چنین شهودی برای او نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۶ - ۴

۴- تبدیل گل و لای بد بو و تیره رنگ به انسان ، از آیات خداوند است .

و لقد خلقنا الإنس من صلصل من حمأ مسنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۸ - ۱،۴

۱- خداوند ، تصمیم خود را مبنی بر آفرینش انسان ، به ملائکه اعلام کرد .

و إذ قال ربك للملائكة إني خالق بشراً

۴- ربوبیت خداوند ، مقتضی بازگویی قصه خلقت انسان برای پیامبر ( ص )

و إذ قال ربك للملائكة إني خالق بشراً من صلصل من حمأ مسنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۹ - ۱،۲

۱- خداوند ، اجزای انسان را متناسب و آن گونه که شایسته و سزاوار اوست ، آفریده است .

إني خلق بشراً .. فإذا سوّيته

<تسویه> به معنای قرار دادن شیء به گونه ای است که هر جزئی از آن، در جایگاه شایسته خود قرار گرفته باشد.

۲- خداوند ، پس از پدید آوردن بدن انسان با اجزای متناسب از گل خشکیده ، در او روح دمید و او را حیات بخشید .

فإذا سوّيته و نفخت فيه من روحي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴ - ۹

۹- آفرینش انسان از نطفه ، به صورت مجادله گری سخنور ، شاهد و گواه وحدانیت خداوند است .

تعلی عمّا یشرکون . خلق

الإنسن من نطفه فإذا هو خصيم مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۰ - ۱۱

۱۱- آفرینش و مرگ و اعطای دانش و سلب آن از انسان ، جلوه ای از علم و قدرت الهی است .

و الله خلقکم ثم یتوفکم .. . إن الله علیم قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۷ - ۹

۹- آفرینش انسان از خاک و نطفه و معتدل ساختن او ، دلایلی روشن بر امکان برپایی معاد و کافی در رفع استبعاد قیامت است

و ما أظنّ الساعه قائمه .. . أكفرت بالذی خلقك من تراب

پاسخ مرد مؤمن به ثروت مند مغرور، با جمله <أكفرت بالذی...> حکایت از آن دارد که انکار معاد از جانب او که با جمله <و ما أظنّ...> بیان شده بود، به جهت استبعاد تجدید حیات آدمی پس از مرگ بوده است، لذا مرد مؤمن، با یادآوری قدرت خداوند و بیان سابقه خاک و نطفه بودن آدمی، به رفع این استبعاد و بیان قدرت خداوند پرداخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹ - ۱۱

۱۱- آفرینش انسان ، نمودی از قدرت خداوند است .

و قد خلقتك من قبل و لم تک شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۶ - ۴

۴ - تجلی ربوبیت خدا در آفرینش و در مرگ و حیات مجدد انسان ها

و هو الذی أحیاکم ثم یمیتکم ثم یحییکم





۳ - آفرینش انسان از گلی ناچیز و بی جان ، نمود عظمت و قدرت خیره کننده آفریدگار

و لقد خلقنا الإنسان من سلله من طین

نکره آوردن <سلاله> و <طین> ظاهراً برای تحقیر است؛ یعنی: به یقین ما انسان را از عصاره ای ناچیز از گلی بی مقدار آفریدیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۹ - ۲

۲ - گسترش تدریجی نسل بشر در روی زمین ، پس از پیدایش نوع آن

و هو الذی ذرأکم فی الأرض

برداشت فوق، با توجه به معنای <ذرأ> (پراکندن) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۰ - ۷۸،۱۰

۷ - انسان ها ، در اصل خلقت ، همسان اند .

أن خلقکم من تراب

۸ - آفرینش انسان از خاک تا صورت آدمی ، مراحل مختلفی داشته است .

أن خلقکم من تراب ثم إذا أتم بشر تتشرون

<ثم> حرف تراخی است و دلالت بر مهلت و مدت می کند و از طرفی <إذا> فجایه است و دلالت بر ناگهانی بودن می کند. جمع بین این دو، به این است که میان خلق انسان از مبدأ خاک تا صورت انسانی، مراحل طی شده که چندان روشن و آشکار نبوده است.

۱۰ - تبدیل شدن خاک پس از گذر از مراحل لازم به انسان ، جهش گون و سریع است .

أن خلقکم من تراب ثم إذا أتم بشر تتشرون

>إذا< فجاییه است و دلالت بر ناگهانی بودن می کند، لذا از آن، سرعت و حالت جهشی بودن به دست می آید.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ - آیه بودن آفرینش انسان از خاک ، برای متفکران ، قابل درک است .

و من آياته أن خلقكم من تراب .. إن في ذلك لآيت لقوم يتفكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۷ - ۲،۴

۲ - خداوند ، آغازکننده آفرینش انسان و بازآفریننده او پس از مرگ است .

و هو الذى يبدؤا الخلق ثم يعيده

<ال> در <الخلق> به قرینه <تخرجون>، در آیات قبل، می تواند عهد باشد و منظور از آن انسان است.

۴ - آفرینش نخست انسان ، نشانه قدرت مندی خداوند بر باز آفرینی او در عالم آخرت است .

و هو الذى يبدؤا الخلق ثم يعيده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ - خداوند ، انسان ها را با آفرینشی خاص و فطرتی واحد ، آفریده است .

فطرت الله التى فطر الناس عليها

<فطرت>، مصدری است که دلالت بر هیئت خاصی می کند. از آن جا که <فطر> به معنای <ایجاد و آفریدن> آمده است، مصدر آن دلالت بر نوع خاصی از آفرینش او می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۰ - ۸

۸ - آفرینش انسان ها و تأمین روزی آنان ، از آیات الهی است .

اللّٰه الذی خلقکم ثمّ رزقکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۴ - ۱۳، ۱۴، ۱

۱ - انسان ، در مرحله آغازین آفرینش ،

آکنده از ضعف و ناتوانی است .

اللّٰه الذی خلقکم من ضعف

<من> در <من ضعف> ابتداییه است و ضَعْف در مقابل <قوّه> معنای شناخته شده ای دارد. آورده شدن <من ضعف> (از ضعف آفریده است) به جای عبارت ها و یا واژه گانی مانند <ضعیفاً> برای توجه دادن به این نکته است که انسان ها، در آغاز خلقت، آکنده از ضعف اند.

۱۳ - آفرینش انسان و مراحل حیات وی ، امری عالمانه و از روی آگاهی است .

اللّٰه الذی خلقکم .. و هو العليم القدير

۱۴ - آفرینش انسان و حالات مختلف او در مدت عمر ، براساس مشیت خداوند است .

اللّٰه الذی خلقکم من ضعف .. یخلق ما یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۸ - ۲،۴

۲ - تکوّن وجود انسان ، تنها با بخشی از آب منی است .

و جعل نسله من سلله من ماء مهین

<سلاله> در لغت به معنای <جدا شده و کنده شده> است و مراد از <ماء مهین> منی است و <من> در <من ماء..> برای تبعیض و جزئیت است.

۴ - آفرینش حضرت آدم (ع) با آفرینش نسل او ، متفاوت است .

خلق الإنسن من طین . ثمّ جعل نسله من سلله من ماء مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴ - ۴

۴ - خداوند ، ساختار وجودی انسان را ، شکل و سامان داده است .

ما جعل اللّٰه لرجل من قلبین فی جوفه

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۱

۶ - خداوند ، انسان ها را زوج زوج ( زن و مرد ) آفرید .

ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا

۱۴ - آفرینش انسان در قالب مرد و زن و آگاهی از بارداری و زایمان زنان و مقدار عمر آدمی ، کاری آسان برای خداوند

و اللّٰه خلقکم من تراب ثمّ من نطفه .. و ما یعمّر من معمر و لاینقص من عمره إلاّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۳ - ۶،۸،۱۰

۶ - آفرینش جهان هستی چون انسان ، دریا ، خورشید و ماه ، از نشانه های خدای حقیقی ( الله )

و اللّٰه خلقکم من تراب .. ثمّ جعلکم أزواجًا ... و ما یستوی البهران ... و سخر ال

<ذلکم> اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب خلق و جعل می باشد.

۸ - آفرینش جهان ( انسان ، دریا ، خورشید و ماه ) ، جلوه ای از ربوبیت خدا است .

اللّٰه خلقکم من تراب .. و ما یستوی البهران ... و سخر الشمس و القمر ... ذلکم ال

۱۰ - آفرینش انسان ، دریا ، خورشید و ماه ، جلوه ای از فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است .

و اللّٰه خلقکم من تراب .. و ما یستوی البهران ... و سخر الشمس و القمر ... له ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۸ - ۱

۱ - آفرینش انسان ، جنبندگان و دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) ، از نشانه های ربوبیت بی همتای خداوند

ألم تر أنّ



اللّه . . . و من الناس و الدّوابّ و الأنعم

<أنعام> جمع <نعم> (شتر) می باشد ولی این واژه در مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز به کار می رود چنان که در آیه شریفه به همین معنا استعمال شده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۷ - ۴،۵

۴ - انکار معاد و ممکن ندانستن آن در عین آگاهی از مبدأ پیدایش انسان ، امری شگفت آور است .

أولم ير الإنسن أنا خلقنه من نطفه

برداشت یاد شده از آن جا است که همزه در <أولم ير..> برای استفهام انکاری و تعجیبی است. گفتنی است مخاطب آیه شریفه به قرینه آیات بعد منکران قیامت است.

۵ - آفرینش انسان از نطفه ، دلیل و نشانه توانایی خداوند بر برپایی قیامت و زنده کردن انسان

أولم ير الإنسن أنا خلقنه من نطفه

با توجه به آیات بعدی و نیز شأن نزول ها که این آیه و آیات بعدی را درباره فردی به نام <عاصب بنوائل> (از منکران معاد) دانسته است (مجمع البیان و دیگر تفاسیر)، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱ - ۲،۴

۲ - ناچیز بودن آفرینش انسان در مقایسه با آفرینش جهان ( آسمان ها ، زمین و ... )

فاستفتهم أهم أشدّ خلقاً أم من خلقنا

ضمیر جمع <هم> در <فاستفتهم> به قرینه آیات پیشین به کافران و مشرکان بازمی گردد و مقصود از <من خلقنا> آسمان ها ، زمین ، فرشتگان و دیگر موجودات آسمانی است.

۴ - آفرینش

جهانی سخت تر از آفرینش انسان، (آسمان ها، زمین و فرشتگان) گواه قدرت خداوند بر آفرینش مجدد انسان ها در قیامت و آسان و ممکن بودن آن برای او است.

فاستفتهم أهم أشد خلقاً أم من خلقنا

برداشت یاد شده از آن جا است که روی سخن آیه شریفه مشرکان اند؛ آنان که منکر معاد بوده و آفرینش مجدد انسان ها را از خاک، امری بعید و بسیار سخت و ناممکن می شمردند و <أءذا متنا و کنا ترابا و عظاما أءنا لمبعوثون>، (آیه ۱۶ همین سوره).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۱ - ۵، ۱

۱ - خداوند، پیش از آفرینش انسان، فرشتگان را از آن باخبر ساخت.

إذ قال ربك للملائكة إني خلق بشراً

۵ - ارتباط داشتن آفرینش انسان با ملائعالی (عالم فرشتگان)

بالملا الأعلى إذ یختصمون .. إذ قال ربك للملائكة إني خلق بشراً

گفتوگوی خداوند با فرشتگان در ملائعالی (عالم فرشتگان)، درباره آفرینش انسان، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۱۳، ۸

۸ - آفرینش انسان خوش اندام و سرشار از استعداد ها و کمالات، جلوه ای از قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند.

و صورکم فأحسن صورکم

۱۳ - آفرینش زمین، آسمان، انسان و روزی های او، از اوصاف معبود و رب حقیقی

اللّٰه الذی جعل لکم الأرض .. و صورکم فأحسن صورکم و رزقکم من الطّیبت ذلکم اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - آفرینشِ انسان و سیرِ تطور و تحوّل وی از خاک تا پیری و مرگ ، نشانه ای از قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند است

هو الذی خلقکم من تراب .. و لتبلغوا أجلاً مسمّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۳ - ۱،۳

۱ - انسان ، پدیده ای است ساخته خداوند رحمان .

قل هو الذی أنشاکم

۳ - پیدایش بشر و نعمت های نهفته در وجود او ( قدرت شنوایی ، بینایی و تعقل ) ، نشانه و جلوه قدرت خدای رحمان

الرحمن .. هو الذی أنشاکم و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۴ - ۳،۶

۳ - پیدایش انسان و تکثیر نسل او در زمین ، نشانه و جلوه قدرت خداوند رحمان

الرحمن .. قل هو الذی ذرأکم فی الأرض

۶ - آفرینش بشر و تکثیر نسل او در زمین ، نشانه توانایی خداوند بر رستاخیز و حیات دوباره انسان ها در قیامت

قل هو الذی ذرأکم .. و إليه تحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۶ - ۵

۵ - آفرینش انسان و هدفمندی زندگی او ، نشانه برپایی قیامت

و تذرون الآخره . وجوه یومئذ ناضره ... أیحسب الإنسان أن یترک سدی

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این آیه، در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره معاد و اثبات برپایی قیامت برای  
کیفر و پاداش است.

جلد - نام سوره

۱ - انسان در برهه ای از روزگار ، وجود خارجی نداشت ؛ بلکه موجودی حادث و نوآفریده است .

هل أتى على الإنسان حين من الدهر لم يكن شيئاً مذكوراً

<هل> در این آیه، برای استفهام تقریری است و مفاد آن اثبات مضمون جمله است ؛ یعنی، <قد أتى على الإنسان>. گفتنی است که جمله <لم يكن شيئاً مذكوراً> به معنای <كان معدوماً> دانسته شده است. بر این اساس، مفاد آیه شریفه این است که انسان موجودی نوپیدا بوده و در برهه ای از زمان، وجود خارجی نداشته است.

۴ - < عن حُمران قال : أبا جعفر (ع) عن قول الله عزَّوجلَّ < هل أتى على الإنسان حين من الدهر لم يكن شيئاً مذكوراً > فقال : كان شيئاً ولم يكن مذكوراً... >

حمران گوید: از امام باقر(ع) از سخن خداوند عزوجل <هل أتى على الإنسان حين من الدهر لم يكن شيئاً مذكوراً> سؤال کردم فرمود: انسان، موجود بود ؛ ولی هنوز شایستگی نام انسان را نداشت .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - آفرینش انسان و هماهنگ ساختن اجزای او ، جلوه کرم خداوند است .

بربک الکریم . الذی خلقک فسویک فعدلک

۶ - آفرینش ، برخورداری از اعضای کامل و هماهنگی اندام با یکدیگر ، سه مرحله پیاپی در سیر پیدایش انسان

خلقک فسویک فعدلک

ترتیب که مفاد حرف <فاء> است ممکن است <حقیقی> و یا <ذکری> باشد. برداشت یاد شده، براساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۵ - ۹

۹ - آفرینش نخست انسان ، دلیل قدرت خداوند بر اعاده حیات او است .

لقد خلقنا الإنسان .. أیحسب أن لن یقدر علیه أحد

چنانچه در این آیه، سخن از قدرت خداوند بر معاد باشد، تعبیر <لقد خلقنا> در آیه قبل، برای رفع استبعاد معاد خواهد بود.

خلقت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۰ - ۱

۱- میراندن انسان ها و خلق انسانهایی جدید به جای آنان ، کار دشواری برای خداوند نیست .

إن یشأ ینهبکم و یأت بخلق جدید . و ما ذلک علی الله بعزیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۲۳، ۲۰، ۱۸، ۱۶، ۲

۲ - همه انسان ها ، از نظر ریشه خلقت و نیز در حقیقت انسانی بی هیچ امتیاز و تبعیضی مشترک و برابرند .

خلقکم من نفس وحده

یادآوری خداوند به این که همه انسان ها از یک نفس آفریده شده اند، می تواند به منظور بیان حقیقت یاد شده باشد.

۱۶ - آفریدن جهان هستی ( آسمان ، زمین ، انسان و ... ) ، از اوصاف و نشانه های خدای حقیقی ( الله )

خلق السموت و الأرض .. خلقکم من نفس وحده ... ذلکم الله

<ذلکم> اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب اوصاف خلق و جعل است.

۱۸ - آفرینش جهان ( آسمان ، زمین ، خورشید ، ماه و انسان ) جلوه ربوبیت خدا است .

خلق السموت و الأرض ..

خلقکم من نفس وحده ... ذلکم اللہ ربکم

۲۰ - آفرینش آسمان ها ، زمین ، خورشید ، ماه و انسان ، جلوه فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است .

خلق السموت و الأرض .. له الملك

۲۳ - آفرینش جهان ( آسمان ، زمین و انسان ) ، دلیل یکتایی خدا و پوچی معبود های دیگر

خلق السموت و الأرض .. خلقکم من نفس وحده ... لا إله إلا هو

برداشت بالا مبتنی بر این دیدگاه است که جمله < لا إله إلا هو > که پس از بحث از خلقت جهان آمده است به منزله نتیجه و جمع بندی آن بحث باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۲ - ۷

۷ - قدرت خداوند بر آفرینش انسان ها ، تنظیم توانمندی های آنان ، هدایت تکوینی و نیز میراندن و به گور افکندن آنها ، دلیل قدرت او بر زنده ساختن آنان در قیامت است .

خلقه فقدّره . ثمّ السبیل یسّره . ثمّ أماته فأقبره . ثمّ إذا شاء أنشره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۵ - ۴

۴ - حاکمیت خداوند ، بر آغاز و فرجام انسان ها

لقد خلقنا الإنسان .. ثمّ ردّدنه

خلقت اولیه انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۸ - ۶

۶ - پیدایش انسان های نخستین ، دلیل و شاهد امکان زنده شدن مجدد آنان پس از مرگ و خاکستر شدن بدن ها

و ضرب لنا مثلاً و نسی خلقه قال من یحیی العظم و هی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۹ - ۱

۱ - آفرینش نخستین انسان ها ، دلیل و شاهد امکان برپایی قیامت و توانایی خدا بر احیای مجدد انسان ها

قل يحييها الذي أنشأها أول مرّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۱ - ۹

۹ - خداوند ، خالق و آفریننده انسان ، برای نخستین بار و بدون سابقه و پیشینه

و هو خلقكم أول مرّه

مراد از <أول مرّه> زمانی است که آدمی وجود نداشت و خداوند او را آفرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۷ - ۳

۳ - آفرینش نخستین انسان ها ، دلیل امکان حیات مجدد و رستاخیز دوباره آنان از سوی خداوند است .

نحن خلقنكم فلولا تصدقون

خلقت بدن انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۹ - ۵

۵- خلقت بدن انسان ، مقدم بر روح اوست .

إني خلق بشرًا من صلصل من حمإ مسنون . فإذا سوّيته و نفخت فيه من روحي

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که ذکر <نفخت> پس از ذکر تسویه بدن، ممکن است اشاره به تقدم خلقت بدن بر



روح داشته باشد.

خلقت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۵ - ۳

۳- بهشت اصحاب الیمین و حوریان آن ، از پیش آفریده شده است .

إِنَّا أَنْشَأْنَهُنَّ إِنِشَاءً

به کارگیری فعل ماضی <أَنْشَأْنَهُنَّ>، بیانگر مطلب یاد شده است.

خلقت تاریکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۲

۲ آفرینش آسمانها و زمین و پدید آوردن نور و ظلمت به دست خداوند، دلیل اختصاص ستایش به اوست.

الحمد لله الذی خلق

<الذی خلق>، صفت <الله> و بیان وجه اختصاص حمد به اوست و این تعلیق، که به گفته اهل ادب تعلیق حکم <الحمد لله> بر وصف <الذی خلق> است، بیانگر انحصار شایستگی ستایش به آفریننده هستی است.

خلقت تدریجی آدم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۹ - ۲

۲ - پس از آفریده شدن آدم (ع) با گل و متناسب شدن اندامش، در او روح دمیده شد.

و بدأ خلق الإنسان من طین .. ثم سوّیه و نفخ فیہ من روحه

خلقت تدریجی آسمانها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۴ - ۳

۳ آفرینش آسمانها و زمین، آفرینشی تدریجی، در شش دوره و مرحله، بوده است.

خلق السموت و الأرض فی ستة أيام

مراد از <یوم> در آیه شریفه معنای متعارف آن (روز و یا شبانه روز) نیست، بلکه مقصود شش دوره و مرحله است. زیرا روز به معنای متعارف آن، پس از آفرینش آسمانها و زمین تحقق یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۱۴، ۲

۲ آفرینش آسمانها و زمین، تدریجی بوده و در شش روز (شش دوره) به انجام رسیده است.

خلق السموت و الأرض في ستة أيام

مراد از <آيام> در آيه شريفه ، معنای متعارف آن

(روزها یا شبانه روزها) نیست؛ بلکه مقصود، دوره‌ها و مرحله‌هاست؛ زیرا روز به معنای متعارف آن، پس از خلقت زمین قابل فرض است.

۱۴ > عن الرضا (ع) قال: إن الله تبارك و تعالی... خلق السموات و الأرض فی سته أيام... لیظهر للملائکه ما یخلقه منها شیئاً بعد شیء فیستدل بحدوث ما یحدث علی الله تعالی مرّه بعد مرّه... و أما قوله عزوجل: < لیلوکم أیکم أحسن عملاً > فإنه خلقهم لیلوهم بتکلیف طاعته و عبادته، لا علی سبیل الإمتحان و التجربه لأنه لم یزل علیماً بکلّ شیء...؛

از امام رضا(ع) روایت شده است که فرمود: همانا خدای تبارک و تعالی... آسمانها و زمین را در شش روز آفرید... تا آنچه را می‌آفریند برای ملائکه یکی پس از دیگری آشکار کند، که به وسیله حدوث پدیده‌ها تازه به تازه بر وجود خدا استدلال شود... و اما قول خدای عزوجل < لیلوکم أیکم أحسن عملاً >؛ یعنی، خدا انسانها را آفرید تا آنان را به وسیله تکلیف به طاعت و عبادت خود آزمایش کند. البته نه برای امتحان و کشف مجهول؛ زیرا از ازل به همه چیز آگاه بوده و هست...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۴ - ۴

۴ - آفرینش آسمان‌ها و زمین، آفرینشی تدریجی بود و در شش مرحله انجام پذیرفت.

خلق السموت و الأرض فی سته أيام

واژه <یوم> (مفرد <ایام>) در معنای برهه‌ای از زمان (کوتاه یا

بلند) نیز به کار می رود. بر این اساس <سته آیام> (شش روز)، به معنای شش برهه بوده و بیانگر مطلب یاد شده است.

خلقت تدریجی آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۴ - ۴

۴ - آفرینش جهان ، به تدریج و در طی دوران هایی صورت گرفته است .

خلق السموت و الأرض و ما بینهما فی سته آیام

<آیام> جمع <یوم> است و یوم، به معنای <مقداری از زمان از طلوع خورشید تا غروب آن > و <مدتی از زمان > است (مفردات راغب). احتمال دارد مراد از <آیام> دوران ها و یا مراحل مختلف باشد. در این صورت، دلالت بر تدریجی خلق شدن عالم می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۸ - ۲،۷،۸

۲ - شکل گیری نظام جهان ، دارای روندی تدریجی و طی دوره های متعدد

و لقد خلقنا .. فی سته آیام

۷ - معاد و برپایی قیامت ، چونان شکل گیری نخستین جهان روندی تدریجی خواهد داشت . \*

و لقد خلقنا .. فی سته آیام و ما مسنا من لغوب

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین که در ارتباط با معاد بود مطرح کردن <سته آیام> می تواند اشاره به این داشته باشد که اگر شکل گیری جهان، به تدریج صورت گرفته، معاد نیز از روند تدریجی و قانونمند برخوردار است.

۸ - شکل گیری تدریجی جهان ، دارای ملاک های حکیمانه و نه معلول خستگی و محدودیت قدرت خداوند \*

و لقد خلقنا السموت و الأرض .. و

برداشت بالا بدان احتمال است که بیان <ما مَسْنَا من لغوب> در پی <سَتَّه أَيَّام> نظر به این جهت داشته باشد که اصولاً در آفرینش، رنج و خستگی برای خداوند مطرح نیست و اگر کار آفرینش را در شش مرحله صورت داده است، دلایل دیگری دارد و به سبب محدودیت قدرت او نیست.

### خلقت تدریجی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۹ - ۳

۳- خلقت اولیه انسان ، به تدریج انجام گرفته است .

إِنِّي خَلَقْتُ بَشَرًا مِّنْ صَلْصَلٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ . فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۹ - ۱،۳

۱ - آفرینش انسان از سوی خداوند ، تدریجی است .

بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ . . . ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ ... ثُمَّ سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي

۳ - انسان در مراحل نخستین جنینی ، فاقد روح انسانی است و پس از شکل گیری اندام ، در او روح دمیده می شود .

جَعَلَ ... مِنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ . ثُمَّ سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۴ - ۲

۲ - آفرینش انسان ها به تدریج و با گذر از چند مرحله ( همچون نطفه ، علقه ، مضغه و ... ) است .

وَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ أَطْوَارًا

<طور> (مفرد <أطوار>) به معنای <مرّه> (یک دفعه) و <حال> آمده است. مقصود در این آیه می تواند مراحل و حالات گوناگونی باشد که در

آفرینش بشر موجود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۷ - ۵

۵ - آفرینش انسان ، تدریجی و تکاملی است .

و الله أنبتکم من الأرض نباتاً

برداشت یاد شده، به سبب آن است که خلقت نباتات، دارای چنین خصوصیتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۸ - ۱

۱ - تبدیل شدن نطفه به علقه ، از مراحل تکوین انسان و به صورت تدریجی است .

ألم یک نطفه .. ثم کان علقه

با توجه به کاربرد <ثم> که برای بیان فاصله زمانی است مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۹ - ۵

۵ - آفرینش انسان ، دارای روندی تدریجی و رو به تکامل

فخلق فسوی . فجعل منه الزوجین

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که حرف <فا> در <فخلق>، <فسوی> و <فجعل> برای ترتیب معنوی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۵ - ۳

۳ - آفرینش انسان ، تدریجی است .

فلینظر الإنسن مم خلق

خلقت تدریجی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۴ - ۳

۳ آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی تدریجی ، در شش دوره و مرحله ، بوده است .

خلق السموت و الأرض فی ستة أيام

مراد از <یوم> در آیه شریفه معنای متعارف آن (روز و یا شبانه روز) نیست، بلکه مقصود شش دوره و مرحله است. زیرا روز



به معنای متعارف آن، پس از آفرینش آسمانها و زمین تحقق یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۲،۱۴

۲ آفرینش آسمان ها و زمین ، تدریجی بوده و در شش روز ( شش دوره ) به انجام رسیده است .

خلق السموت و الأرض فی سته أيام

مراد از <ایام> در آیه شریفه ، معنای متعارف آن (روزها یا شبانه روزها) نیست؛ بلکه مقصود ، دوره ها و مرحله هاست؛ زیرا روز به معنای متعارف آن ، پس از خلقت زمین قابل فرض است.

۱۴ > عن الرضا (ع) قال : إن الله تبارك و تعالی ... خلق السموات و الأرض فی سته أيام ... لیظهر للملائکه ما یخلقه منها شیئاً بعد شیء فیستدل بحدوث ما یحدث علی الله تعالی مرّه بعد مرّه ... و أما قوله عزوجل : < لیلوکم أیکم أحسن عملاً > فإنه خلقهم لیلوهم بتکلیف طاعته و عبادته ، لا علی سبیل الإمتحان والتجربه لأنه لم یزل علیماً بکلّ شیء ... ؛

از امام رضا(ع) روایت شده است که فرمود: همانا خدای تبارک و تعالی .. آسمانها و زمین را در شش روز آفرید ... تا آنچه را می آفریند برای ملائکه یکی پس از دیگری آشکار کند، که به وسیله حدوث پدیده ها تازه به تازه بر وجود خدا استدلال شود ... و اما قول خدای عزوجل < لیلوکم أیکم أحسن عملاً >؛ یعنی، خدا انسانها را آفرید تا آنان را به وسیله تکلیف به طاعت و عبادت خود آزمایش کند. البته نه برای

امتحان و کشف مجهول؛ زیرا از ازل به همه چیز آگاه بوده و هست...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۴ - ۴

۴ - آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی تدریجی بود و در شش مرحله انجام پذیرفت .

خلق السموت و الأرض فی ستة أيام

واژه <یوم> (مفرد <أیام>) در معنای برهه ای از زمان (کوتاه یا بلند) نیز به کار می رود. بر این اساس <سته أيام> (شش روز)، به معنای شش برهه بوده و بیانگر مطلب یاد شده است.

خلقت تدریجی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۰ - ۸

۸- خلق و آفرینش گری خداوند ، مستمر بوده و همه موجودات را به یک باره خلق نکرده است .

إنما قولنا لشيء إذا أردناه أن نقول له كن فيكون

<إذا> برای ظرف زمان مستقبل است و بر وقوع متعلق امر <كن> در آینده دلالت دارد، و نیز فعل <نقول> و <فيكون> به جای <قلنا> و <كان> حاکی است که آفرینش گری خداوند در گذشته و به یک باره انجام نگرفته است؛ بلکه امری ادامه دار است.

خلقت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۷ - ۶

۶- خلقت جن از آتش ، از آیات خداوند است .

و الجان خلقه من قبل من نار السموم

خلقت جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۰ - ۱۱

۱۱ - خداوند ، از هر نوع جنبنده ای ، در زمین آفریده و در آن گسترانیده

است .

و بَثُّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ

خلقت جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۶ - ۴

۴ - جهنم ، پیش از ظهور در صحنه قیامت ، آفریده شده و موجود است .

و بَرَزَتِ الْجَحِيمِ

تعبیر <ظاهر شدن> و نه آفریده شدن حاکی از وجود سابق جهنم است.

خلقت چوب آتش زا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۲ - ۳

۳ - آفرینش چوب آتش زنه ، نشانه ای از توانایی خداوند بر آفرینش مجدد انسان ها و برپایی قیامت

ءَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنْشَوْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۴ - ۲

۲ - آفرینش انسان از منی ، بر آوردن دانه ها از دل خاک و رشد و نمو دادن آن ، فرو فرستادن باران از آسمان و ایجاد

درخت آتش زنه برای بیابان گردان ؛ بیانگر میرا بودن ساحت او از نقص و کاستی

أَفْرَأَيْتُمْ مَا تَمْنُونَ . . . فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

تفریع <فسبِّح> بر مطالب آیات پیشین، نشانگر مطلب یاد شده است.

خلقت چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۸ - ۱

۱ - آفرینش انسان ، جنبندگان و دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) ، از نشانه های ربوبیت بی همتای خداوند

ألم تر أن الله . . . و من الناس و الدوابّ و الأنعم

<أنعام> جمع <نعم> (شتر) می باشد؛ ولی این واژه در مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز به کار می رود؛ چنان

که در آیه شریفه به همین معنا استعمال شده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۱

۱ - شتر، گاو و گوسفند، مخلوق خدا و جلوه هایی از قدرت او

أولم يروا أننا خلقنا لهم مما عملت أيدينا أنعمًا

<أنعام> به معنای شتر، گاو و گوسفند است و جمله <مما عملت أيدينا> کنایه از قدرت خدا می باشد. گفتنی است که آیه شریفه در مقام بیان جلوه های آن در طبیعت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۱ - ۲

۲ - آفرینش دام ها و کشتی ها، از نشانه ها و دلایل قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند

اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَنْعَمَ... و عليها و على الفلك تحملون . و يريكم آيته

از مصادیق مورد نظر آیه شریفه برای آیات الهی، دام ها و کشتی ها (موضوع بحث آیه قبل) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۱ - ۹

۹ - آفرینش چهارپایان و جفت قرار دادن آنها، در خدمت منافع آدمی

جعل لكم... و من الأنعم أزوجًا

خلقت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۳

۳ - حوا، قبل از سکونت آدم (ع) در بهشت، آفریده شده بود.

اسكن أنت و زوجك الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۱ - ۶،۷

۶ خداوند ، آفريننده همسر اولين

انسان ( حضرت آدم ) ، از او

خلقکم من نفس واحده و خلق منها زوجها

برداشت فوق بر این مبناست که <من> نشویّه باشد ؛ یعنی: آفرینش حوّا از آدم نشأت گرفته است. صدر آیه که فرمود:  
<من نفس> و نفرمود: <من نفسین> این معنا را تأیید می کند. مؤید برداشت فوق، فرمایش امام صادق (ع) است که فرمود:  
إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ مِنَ الْمَاءِ وَالطِّينِ ... وَ خَلَقَ حَوَّاءَ مِنْ آدَمَ ... .

---

کافی، ج ۵، ص ۳۳۷، ح ۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۳۴، ح ۱۶.

۷ خداوند ، آفریننده همسر اولین انسان ( حضرت آدم ) از جنس او

و خلق منها زوجها

مؤید برداشت فوق، فرمایش امام باقر (ع) به نقل از رسول الله (ص) است که درباره خلقت حوّا فرمود: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى  
قَبَضَ قَبْضَةً مِنْ طِينٍ فَخَلَطَهَا بِيَمِينِهِ .. فَخَلَقَ مِنْهَا آدَمَ وَ فَضَلَتْ فَضْلَهُ مِنَ الطِّينِ فَخَلَقَ مِنْهَا حَوَّاءَ.

---

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۱۶، ح ۷؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۲۹، ح ۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۳

۳ خداوند ، همسر آدم ( حوا ) را از او آفرید .

جعل منها زوجها

برداشت فوق بر این اساس است که <من> در <منها> نشویه باشد. بر این مبنا <جعل منها زوجها> بیانگر این است که  
آدم(ع)، منشأ خلقت حوا بوده است.

خلقت حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۳- بهشت اصحاب الیمین و حوریان آن ، از پیش آفریده شده است .

إِنَّا أَنشَأْنَهُنَّ إِنشَاءً

به

کارگیری فعل ماضی <أنشأناهنَّ>، بیانگر مطلب یاد شده است.

خلقت خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۷ - ۱۰

۱۰ - قبل از انسان ها ، پدیده های دیگری چون گِل ( آب و خاک ) آفریده شده بودند .

و بدأ خلق الإنسن من طین

خلقت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ خورشید و ماه و ستارگان ، آفریده های خداوند و مقهور امر و اراده او

خلق السموت .. و الشمس و القمر و النجوم مسخرت بأمره

کلمه <الشمس> و ما بعد آن، عطف به <السموت> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵ - ۷

۷ آفرینش خورشید و ماه و متفاوت قرار داده شدن آن دو در درخشندگی ، جلوه های حکمت خدا و بر پایه حق و هدفی

مشخص

هو الذی جعل الشمس ضیاء و القمر نوراً .. ما خلق الله ذلك إلا بالحق

<حق> در مقابل <باطل> (بیهوده) است ، یعنی، خداوند ماه و خورشید را بیهوده و بی هدف نیافریده، بلکه آفرینش آنها

بر پایه حق و هدف خاصی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۳ - ۴

۴- آفرینش شب و روز و خورشید و ماه ، نشانی از توحید ربوبی است .

و هو الذی خلق الیل . . . کلّ فی فلکک یسبحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۱ - ۵،۹،۱۰

۵ خداوند در

آسمان ها خورشید آفرید .

و جعل فیها سراجًا

<سراج> به معنای چراغ است؛ ولی مقصود از آن در آیه شریفه به قرینه آمدن <القمر> (ماه) خورشید است؛ چنان که در آیه ۱۶ سوره نوح به خورشید سراج گفته شده است (و جعل الشمس سراجًا).

۹ آفرینش ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، جلوه ای از برکات و خیرات خداوند .

تبارک الذی جعل فی السماء بروجًا . . . و قمرًا منیرًا

۱۰ آفرینش ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، از نشانه های قدرت خدا و یکتایی او

تبارک الذی جعل فی السماء بروجًا . . . و قمرًا منیرًا

برداشت فوق، از آن جا است که آیه شریفه در ردیف سلسله آیاتی قرار دارد که در مقام محکومیت شرک و اثبات توحید و یگانگی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۳ - ۶،۸،۱۰

۶ - آفرینش جهان هستی چون انسان ، دریا ، خورشید و ماه ، از نشانه های خدای حقیقی ( الله )

و الله خلقکم من تراب . . . ثم جعلکم ازوجًا ... و ما یتوی البهران ... و سخر ال

<ذلکم> اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب خلق و جعل می باشد.

۸ - آفرینش جهان ( انسان ، دریا ، خورشید و ماه ) ، جلوه ای از ربوبیت خدا است .

الله خلقکم من تراب . . . و ما یتوی البهران ... و سخر الشمس و القمر ... ذلکم ال

۱۰ - آفرینش انسان ، دریا ، خورشید و ماه ، جلوه ای از فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی

است .

و الله خلقكم من تراب . . . و ما يستوى البحران ... و سخر الشمس و القمر ... له ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۱۸،۲۰

۱۸ - آفرینش جهان ( آسمان ، زمین ، خورشید ، ماه و انسان ) جلوه ربوبیت خدا است .

خلق السموت و الأرض . . . خلقکم من نفس وحده ... ذلكم الله ربکم

۲۰ - آفرینش آسمان ها ، زمین ، خورشید ، ماه و انسان ، جلوه فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است .

خلق السموت و الأرض . . . له الملك

خلقت در عالم ذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹ - ۱۴

۱۴ - تمامی انسان هایی که بر روی زمین پدیدار می شوند ، در گذشته آفریده شده اند . \*

و قد خلقتک من قبل و لم تک شیئاً

جمله حالیه < و لم تک شیئاً > ممکن است ناظر به زمانی باشد که انسان ها آفریده نشده بودند، در این صورت < خلقتک من قبل > ناظر به عالم ذر خواهد بود؛ یعنی، در گذشته ما تو را از هیچ و بدون اسباب متعارف آفریدیم، حال چگونه از به وجود آمدن یحیی از پدر و مادری پیر و عقیم شکفت زده می شوی.

خلقت درخت آتش زا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۲ - ۱،۲

۱ - ایجاد و آفرینش درخت آتش زنه ، خارج از قلمرو توانایی بشر

ءأنتم أنشأتم شجرتها

۲ - تنها خداوند ، قادر بر آفرینش درخت آتش زنه

أم نحن المنشون

مسند محلی به

<ال> <المنشئون> مفید حصر است.

خلقت دریا ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۳ - ۶۸،۱۰

۶ - آفرینش جهان هستی چون انسان ، دریا ، خورشید و ماه ، از نشانه های خدای حقیقی ( الله )

و الله خلقکم من تراب .. ثم جعلکم أزواجًا ... و ما یستوی البحران ... و سخر ال

<ذلکم> اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب خلق و جعل می باشد.

۸ - آفرینش جهان ( انسان ، دریا ، خورشید و ماه ) ، جلوه ای از ربوبیت خدا است .

الله خلقکم من تراب .. و ما یستوی البحران ... و سخر الشمس و القمر ... ذلکم ال

۱۰ - آفرینش انسان ، دریا ، خورشید و ماه ، جلوه ای از فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است .

و الله خلقکم من تراب .. و ما یستوی البحران ... و سخر الشمس و القمر ... له ال

خلقت روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۲ - ۱۵

۱۵ - < عن الأحوال . قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن الروح التي في آدم (ع) قوله : فإذا سوّيته و نفخت فيه من روحي > قال

: هذه روح مخلوقه ...

احول گوید: از امام صادق(ع) از روح آدم(ع) در آیه <فإذا سوّيته و نفخت فيه من روحي> سؤال کردم، فرمود: این روح مخلوق و آفریده خدا است؛ [نه این که از خدا جدا شده باشد].

خلقت روح انسان

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۹ - ۵

۵- خلقت بدن انسان ، مقدم بر روح اوست .

إِنِّي خَلَقْتُ بَشَرًا مِنْ صَلْصَلٍ مِنْ حَمِإٍ مَسْنُونٍ . فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که ذکر <نفخت> پس از ذکر تسویه بدن، ممکن است اشاره به تقدم خلقت بدن بر روح داشته باشد.

خلقت روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۳ - ۴

۴- آفرینش شب و روز و خورشید و ماه ، نشانی از توحید ربوبی است .

و هو الذی خلق الیل . . . کلّ فی فلک یسبحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۲ - ۳،۷،۲

۲ آفرینش شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی ، بر اثر جانشین شدن آن دو به جای یکدیگر ، تنها به قدرت خدا است .

و هو الذی جعل الیل و النهار خلفه

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: ۱ معرفه بودن مبتدا و خبر (هو الذی جعل) بیانگر قصر می باشد. ۲- آیه شریفه در مقام بیان قدرت خدا است.

۳ آفرینش شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی بر اثر جانشین شدن آن دو به جای یکدیگر ، از نشانه های قدرت خدا است .

و هو الذی جعل الیل و النهار خلفه



۷ آفرینش شب و روز ، تنها برای انسان های برخوردار از روح سپاس گزاری ، سپاس برانگیز است .

و هو الذی جعل الّیل . . لمن أراد أن

يَذْكُرْ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۵،۱۰

۵ - پیدایش مستمر روز و شب و نور و ظلمت ، از نشانه های قدرت مطلق و ربوبیت یگانه خداوند است .

يَكُوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيَكُوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ

۱۰ - آفرینش و تدبیر آسمان ها و زمین و پیدایش شب و روز و تسخیر خورشید و ماه ، جلوه های عزت و قدرتمندی خداوند است .

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ .. كَلَّ يَجْرِي لِأَجْلِ مَسْمًى أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ

یادآوری عزت و قدرتمندی خداوند در پایان آیه شریفه و پس از یادآوری آفرینش آسمان، زمین و ..، گویای برداشت یاد شده است.

خَلَقْتَ زَمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۰ - ۸

۸- اندیشیدن در پدیده های جهان خلقت ، از راه های دستیابی انسان به توحید و یگانگی خداوند

أُولَئِكَ يَرْذُقُونَ كُفْرًا أَنْ السَّمَوَاتِ .. أَفَلَا يُؤْمِنُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۲ - ۲

۲ - آفرینش زمین به گونه ای مناسب برای زندگانی ، پرتوی از ربوبیت خداوند است .

اعْبُدُوا رَبَّكُمْ .. الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فَرَشًا

<الذی جعل ..> صفت دوم برای <ربکم> در آیه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آفرینش آسمان ها و زمین ، حاوی نشانه هایی بر توحید و حاکمی از رحمانیت و رحیمیت خداوند است .

لا إله إلا هو الرحمن الرحيم. إن في خلق السموات

آیه مورد بحث - به قرینه آیه قبل - در مقام استدلال بر توحید و رحمانیت و رحیمیت خداوند است و لذا مقصود از <آیات> در ذیل آیه، نشانه های توحید و رحمت گستره خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۲،۸

۲ آفرینش آسمانها و زمین و پدید آوردن نور و ظلمت به دست خداوند، دلیل اختصاص ستایش به اوست.

الحمد لله الذی خلق

<الذی خلق>، صفت <اللهم> و بیان وجه اختصاص حمد به اوست و این تعلیق، که به گفته اهل ادب تعلیق حکم <الحمد لله> بر وصف <الذی خلق> است، بیانگر انحصار شایستگی ستایش به آفریننده هستی است.

۸ پدیده ظلمت و نور در جهان، نظامی تابع آفرینش آسمانها و زمین

الحمد لله الذی خلق السموت ... و جعل الظلمت و النور

در این آیه آفرینش آسمان و زمین با فعل <خلق> بیان شده، ولی درباره ظلمت و نور از فعل <جعل> استفاده شده است. توجه این تفاوت، به گفته برخی از مفسران، تبعی بودن آفرینش نور و ظلمت نسبت به مجموعه هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۴ - ۱،۴

۱ خداوند، آفریدگار آسمانها و زمین و پروردگار راستین انسانهاست.

إن ربکم الله الذی خلق السموت و الأرض فی سته آیام

۴ خداوند پس از آفرینش آسمانها و زمین (نظام هستی) با استیلا بر عرش، به تدبیر امور آنها پرداخت.

ثم استوی علی العرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ > عن محمد بن مسلم قال : قال لي أبو جعفر (ع) : كان كل شيء ماءً و كان عرشه على الماء ، فأمر الله عز ذكره الماء فاضطرم ناراً ثم أمر النار فخدمت فارتفعت من خمودها دخان فخلق الله عز وجل السموات من ذلك الدخان و خلق الله عز وجل الأرض من الرماد ... /

محمد بن مسلم گوید: امام باقر(ع) به من فرمود: همه چیز آب بود و عرش خدا بر آب قرار داشت / پس خدای عز ذکره به آب امر کرد، پس آن آب آتشی برافروخته شد، سپس آتش را امر کرد خاموش شود و خاموش شد، پس بر اثر خاموشی آتش دودی از آن برخاست / آن گاه خداوند آسمانها را از آن دود آفرید و زمین را از خاکستر آفرید ... <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۹ - ۱۳

۱۳- آفرینش آسمان ها و زمین (عالم آفرینش) ، دلیل قدرتمندی خداوند بر تحقق وعده عذاب کافران و حبط عمل نیکشان

من ورائه جهنم ... مثل الذين كفروا بربهم أعمالهم كرماد اشتدت به الريح ... ألم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۲

۲- آفرینش آسمان ها و زمین دلیل و نشانه توحید خداوند است .

الله الذي خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۹ - ۲

۲- کره زمین در بدو پیدایش ، دارای حجم گسترده ای نبوده است . \*

و الأرض مددنها

>مدد< در لغت به معنای

<بسط> و <جَزَّ> است و مراد از آن در آیه فوق، می تواند توسعه حجمی زمین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳ - ۴،۷

۴- آفرینش حق مدار آسمان ها و زمین ، گواه وحدانیت خدا و نبود شریک برای او

أَنْ أَنْذَرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونَ . خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ

جمله <خلق السماوات و الأرض> به منزله تعلیل برای مضمون <لا إله إلا أنا> در آیه قبل است.

۷- آفرینش آسمان ها و زمین ( جهان هستی ) دلیلی بر قدرت خداوند بر محقق ساختن وعده هایش

أتى أمر الله .. خلق السموات و الأرض بالحق تعالى عما يشركون

جمله <خلق السماوات ..> می تواند به منزله تعلیلی برای روشن نمودن قدرت خداوند بر محقق ساختن وعده هایش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۱ - ۱

۱- شیاطین ، فاقد کمترین دخالت و نظارت در کار آفرینش آسمان ها و زمین و نیز خلقت خودشان اند .

ما أشهدتهم خلق السموات والأرض و لا خلق أنفسهم

<إشهاد> یعنی، دیگری را به شهادت و حضور خواندن. نفی شاهد گرفته شدن شیاطین در آفرینش آسمان ها و زمین و خلقت خود آن ها، کنایه از آن است که آنان، هیچ نقشی در الوهیت و تدبیر جهان نداشته اند تا در موقع آفرینش، به حضور فراخوانده شده و شاهد خلقت باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۹ - ۷۸

۷ آفرینش جهان هستی ( آسمان ها ، زمین و

... ( جلوه ای از رحمانیت خداوند

الذی خلق السموت و الأرض .. الرحمن

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که <الذی خلق> مبتدا و <الرحمان> خبر آن باشد؛ یعنی، آن کسی که جهان را آفرید، رحمان است و قهراً جهان، جلوه ای از رحمانیتش می باشد.

۸ آفرینش جهان هستی ( آسمان ها ، زمین و ... ) جلوه ای از حیات جاویدان خداوند

الحيّ الذی لایموت .. الذی خلق السموت و الأرض

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که <الذی خلق> صفت برای <الحيّ> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۲ - ۱،۵

۱ - آفرینش آسمان ها و زمین و گوناگونی زبان ها و رنگ های آدمیان ، از آیات الهی است .

و من ءایته خلق السموت و الأرض و اختلف ألستکم و ألونکم

۵ - آیه بودن آفرینش آسمان ها و زمین و تفاوت زبان ها و رنگ های مردم ، برای دانشمندان قابل درک است .

و من ءایته خلق السموت و الأرض و اختلف ألستکم و ألونکم إنّ فی ذلک لأیت للعل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۱ - ۲

۲ - نظم کنونی آسمان ها و زمین در بقا ، همانند مرحله آغازین خود ، نیازمند به اراده و تدبیر خداوند است .

إنّ الله یمسک السموت و الأرض .. إنّ أمسکهما من أحد من بعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۱ - ۳

۳ - آفرینش آسمان ها و زمین ،

دلیل و نشانه توانایی خداوند بر برپایی قیامت و آفرینش مجدد انسان ها

أولیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۱۰

۱۰ - آفرینش و تدبیر آسمان ها و زمین و پیدایش شب و روز و تسخیر خورشید و ماه ، جلوه های عزت و قدرتمندی خداوند است .

خلق السموت و الأرض ... کلّ یجری لأجل مسمّی ألا هو العزیز

یادآوری عزت و قدرتمندی خداوند در پایان آیه شریفه و پس از یادآوری آفرینش آسمان، زمین و ..، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۲۳، ۲۰، ۱۶

۱۶ - آفریدن جهان هستی ( آسمان ، زمین ، انسان و ... ) ، از اوصاف و نشانه های خدای حقیقی ( الله )

خلق السموت و الأرض ... خلقکم من نفس وحده ... ذلکم الله

<ذلکم> اشاره به کسی است که اشیا ذکر شده را آفریده و صاحب اوصاف خلق و جعل است.

۲۰ - آفرینش آسمان ها ، زمین ، خورشید ، ماه و انسان ، جلوه فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است .

خلق السموت و الأرض ... له الملک

۲۳ - آفرینش جهان ( آسمان ، زمین و انسان ) ، دلیل یکتایی خدا و پوچی معبود های دیگر

خلق السموت و الأرض ... خلقکم من نفس وحده ... لا إله إلا هو

برداشت بالا مبتنی بر این دیدگاه است که جمله <لا إله إلا هو> که پس از بحث از خلقت جهان آمده



است به منزله نتیجه و جمع بندی آن بحث باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۸ - ۲

۲ - جهان ( آسمان ها ، زمین و ... ) ، مخلوق خدا و جلوه قدرت او است .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنَّ الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۱۳

۱۳ - آفرینش زمین ، آسمان ، انسان و روزی های او ، از اوصاف معبود و ربّ حقیقی

الله الذی جعل لكم الأرض . . . و صورکم فأحسن صورکم و رزقکم من الطیب ذلکم اللّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۹ - ۳

۳ - زمین و چگونگی شکل گیری و آفرینش آن ، از نزدیک ترین و آشکارترین زمینه های توجه انسان به خالقیت خداوند

قل أتئنکم لتکفرون بالذی خلق الأرض

از این که خداوند از میان همه نشانه ها و دلایل ، آفرینش زمین را به عنوان دلیل خالقیت و آفریدگاری خود یاد کرده است ، می توان مطلب بالا را به دست آورد .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۱ - ۱،۷

۱ - خداوند ، پس از آفرینش زمین به سامان دادن آسمان پرداخت .

ثم استوی إلى السماء

<إستواء> (مصدر <إستوی>) آن گاه که با <إلی> متعدی شود، به معنای آهنگ کردن است. <ثم> (در <ثم استوی>) می تواند برای ترتیب خارجی و یا ترتیب ذکری باشد. برداشت بالا بر اساس احتمال اول است.



نظام آسمان ها و زمین ، براساس جاذبه ها و قوانین طبیعت \*

قالنا أتينا طائعين

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <طوعاً> اشاره به حرکت طبیعی و <کرهاً> حکایت از حرکت قسری داشته باشد و آیه بیانگر حاکمیت حرکت طبیعی حلقه های تکوین در نظام آسمان ها و زمین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۱۱

۱۱ - آفرینش و تدبیر آسمان ها و زمین ، جلوه ای از علم و قدرت الهی است .

ذلك تقدير العزيز العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۱ - ۲،۳

۲ - خلقت آسمان ها و زمین ، بدون هیچ گونه سابقه و الگوی پیشین

فاطر السموت والأرض

<فاطر> (از ماده <فطر>) به معنای ابداع و آفرینش بدون سابقه نیز آمده است.

۳ - آسمان ها و زمین ، پیش از شکل یافتن به وضع موجود به صورت توده ای واحد و متراکم بود .

فاطر السموت والأرض

<فطر> (مصدر <فاطر>) به معنای دریدن و جدا کردن است. به کارگیری این ماده می تواند به این مطلب اشاره داشته باشد که آسمان ها، پیش از این که به شکل فعلی در آید به صورت یک توده فشرده و متراکمی بود و سپس با انفجار عظیم از هم جدا و متفرق شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۹ - ۱،۷

۱ - آفرینش آسمان ها و زمین و جانداران ، از نشانه های روشن خدا و قدرت او است .

و من آياته خلق السموت و الأرض و ما

بثّ فيهما من دابّه

۷- آفرینش آسمان ها ، زمین و موجودات زنده ، تنها بخشی از آیات الهی است .

و من آیته

با توجه به معنای <من> که برای تبعیض است به دست می آید که جهان هستی سرشار از آیات خداوند است و آفرینش آسمان ها و زمین تنها بخشی از آنها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۵

۵- آفرینش بهینه آسمان ها و زمین و سایر موجودات ، نمود عزت و حکمت الهی است .

من الله العزيز الحكيم . ما خلقنا السموت و الأرض و ما بينهما إلا بالحقّ

از ارتباط این آیه با ذیل آیه قبل (من الله العزيز الحكيم)، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۳ - ۴

۴- آفرینش توانمندانه آسمان ها و زمین از سوی خداوند ، دلیل قدرت او بر تجدید حیات مردگان

الله الذي خلق .. و لم يعي بخلقهنّ بقدر على أن يحيي الموتى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۸ - ۳،۶

۳- آفرینش آسمان ها و زمین ، نمودی از قدرت عظیم الهی

و لقد خلقنا السموت و الأرض

به قرینه آیات پیشین که بیان کننده قدرت قاهره الهی بود و نیز به قرینه ذیل آیه (و ما مسّينا من لغوب) طرح مسأله آفرینش آسمان و زمین برای نمایاندن قدرت الهی است.

۶- خلقت آسمان ها و زمین بدون کم ترین زحمت و دشواری ، نشان قدرت خداوند بر معاد



خلقنا .. و ما مسنا من لغوب

با توجه به این که سیاق عمده آیات پیشین، در اثبات معاد بود؛ طرح خالقیت خدا و آسان بودن خلقت برای او، می تواند بیانگر امکان معاد و دشوار نبودن آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲ - ۱۴، ۱۱، ۹

۹ - آفرینش آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها ، جلوه ای روشن و نشانه ای گویای از قدرت بی پایان خداوند

اللّٰه الذی خلق سبع سموت .. لتعلموا أنّ اللّٰه علی کلّ شیء قدير

۱۱ - آفرینش آسمان ها و زمین ، جلوه ای روشن و نشانه ای گویا از علم مطلق و همه جانبه خداوند است .

اللّٰه الذی خلق سبع سموت .. لتعلموا ... أنّ اللّٰه قد أحاط بكلّ شیء علماً

۱۴ - آفرینش آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها ، نشانه تحقّق وعده های خداوند به برپایی قیامت و وجود بهشت و جهنّم است .

أعدّ اللّٰه لهم عذاباً شديداً .. جنّ تجرى من تحتها الأنهر ... اللّٰه الذی خلق

یادآوری خلقت آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها پس از ذکر دو گروه دوزخیان و بهشتیان در آیات گذشته می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۹ - ۵

۵ - گستردگی و پهناوری کنونی زمین ، پس از گذشتن چندی از آفرینش نخستین آن بوده است .

و اللّٰه جعل لكم الأرض بساطاً

<جعل> در چند معنا به کار می رود؛ از جمله آنها، تغییر دادن از صورت

و حالتی به صورت و حالتی دیگر است (مفردات راغب). برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

خلقت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۱ - ۲

۲ - زنان ، همسان با مردان ، خلق شده اند .

أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا

از قید <من أنفسکم> استفاده می شود که خلق زنان، همسان مردان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۴

۴ - زنان چونان مردان ، بی هیچ امتیاز و تبعیضی ، دارای نفس و حقیقت واحد انسانی اند .

خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۱ - ۸

۸ - آفرینش زن و مرد از جنس واحد ، لطف الهی نسبت به آدمیان

جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا

آیه شریفه در مقام امتنان و ذکر نعمت های الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۶ - ۶

۶ - همگونی مرد و زن در اصل خلقت ( نطفه )

وَأَنَّ خَلْقَ الذَّكَرِ وَالْأُنثَىٰ مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ



خلقت زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کھف - ۱۸ - ۴۵ - ۱۴

۱۴- پدیدار شدن حیات بر روی زمین ، جلوه ای از قدرت لایزال خداوند است .

واضرب لهم مثل الحیوه الدنیا .. و کان اللّٰه علی کلّ شیء مقتدرًا

خلقت سایه دار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل -

۱- آفرینش موجوداتی که خاصیت سایبانی برای انسان داشته باشد ، به قدرت خداست .

و الله جعل لكم ممّا خلق ظللاً

خلقت ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ خورشید و ماه و ستارگان ، آفریده های خداوند و مقهور امر و اراده او

خلق السموت . . . و الشمس و القمر و النجوم مسخرت بأمره

کلمه <الشمس> و ما بعد آن، عطف به <السموت> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۱ - ۴،۹،۱۰

۴ خداوند در آسمان ها ، ستارگانی را آفرید .

الذی جعل فی السماء بروجاً

۹ آفرینش ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، جلوه ای از برکات و خیرات خداوند .

تبارک الذی جعل فی السماء بروجاً . . . و قمرًا منیرًا

۱۰ آفرینش ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، از نشانه های قدرت خدا و یکتایی او

تبارک الذی جعل فی السماء بروجاً . . . و قمرًا منیرًا

برداشت فوق، از آن جا است که آیه شریفه در ردیف سلسله آیاتی قرار دارد که در مقام محکومیت شرک و اثبات توحید و یگانگی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- ناتوانی غیرخدا از پدید آوردن علایم راهنما ( چون ستارگان ) و عوامل نویدبخش و رحمت آفرین ( چون باد و باران )  
به گستردگی پهنه زمین

أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظِلْمَتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ .. أَعْلَهُ مَعَ اللَّهِ

از ارتباط <من یهدی> با <أعله مع الله> استفاده

می شود که تنها خداوند، قادر به ایجاد عواملی است که انسان را در ظلمت های شب در سراسر زمین (خشکی و دریا) هدایت کند و باران رحمت را در پی بادهای مژده دهنده به دورترین نقاط برساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۱۷

۱۷ - سامان دادن آسمان های هفتگانه ، تدبیر امور آنها و آفرینش ستارگان و نگهبانی از آسمان ها ، جلوه ای از ربوبیت خدا و نشانه یکتایی او در تدبیر هستی است .

ذلك ربّ العلمين .. فقضهنّ سبع سموت

خلقت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۳ - ۴

۴- آفرینش شب و روز و خورشید و ماه ، نشانی از توحید ربوبی است .

و هو الذی خلق الیل .. کلّ فی فلک یسبحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۲ - ۲،۳،۷

۲ آفرینش شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی ، بر اثر جانشین شدن آن دو به جای یکدیگر ، تنها به قدرت خدا است .

و هو الذی جعل الیل و النهار خلفه

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: ۱ معرفه بودن مبتدا و خبر (هو الذی جعل) بیانگر قصر می باشد. ۲- آیه شریفه در مقام بیان قدرت خدا است.

۳ آفرینش شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی بر اثر جانشین شدن آن دو به جای یکدیگر ، از نشانه های قدرت خدا است .

و هو الذی جعل الیل و النهار

۷ آفرینش شب و روز ، تنها برای انسان های برخوردار از روح سپاس گزاری ، سپاس برانگیز است .

و هو الذی جعل الّیل .. لمن أراد أن یدّکر أو أراد شکورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۲ - ۸

۸ - ناتوانی غیر خدا ، بر ایجاد شب ، در صورت اراده خدا بر ثابت قرار دادن روز

قل أرءیتم إن جعل الله علیکم النهار سرمدًا .. من إله غیر الله یأتیکم بلیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۱۰، ۵

۵ - پیدایش مستمر روز و شب و نور و ظلمت ، از نشانه های قدرت مطلق و ربوبیت یگانه خداوند است .

یکور الیل علی النهار و یکور النهار علی الیل

۱۰ - آفرینش و تدبیر آسمان ها و زمین و پیدایش شب و روز و تسخیر خورشید و ماه ، جلوه های عزت و قدرتمندی خداوند است .

خلق السموت و الأرض .. کلّ یجری لأجل مسمیّ ألا هو العزیز

یادآوری عزت و قدرتمندی خداوند در پایان آیه شریفه و پس از یادآوری آفرینش آسمان، زمین و ..، گویای برداشت یاد شده است.

خلقت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۸ - ۱

۱ - آفرینش انسان ، جنبندگان و دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) ، از نشانه های ربوبیت بی همتای خداوند

ألم تر أن الله .. و من الناس و الدّوابّ و الأنعم

<أنعام> جمع <نعم> (شتر) می باشد، ولی این واژه در مجموع

شتر، گاو و گوسفند نیز به کار می رود؛ چنان که در آیه شریفه به همین معنا استعمال شده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۱

۱ - شتر، گاو و گوسفند، مخلوق خدا و جلوه هایی از قدرت او

أولم يروا أنا خلقنا لهم مما عملت أيدينا أنعمًا

<أنعمًا> به معنای شتر، گاو و گوسفند است و جمله <مما عملت أيدينا> کنایه از قدرت خدا می باشد. گفتنی است که آیه شریفه در مقام بیان جلوه های آن در طبیعت است.

خلقت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۱ - ۱

۱- شیاطین، فاقد کمترین دخالت و نظارت در کار آفرینش آسمان ها و زمین و نیز خلقت خودشان اند.

ما أشهدتهم خلق السموت والأرض و لا خلق أنفسهم

<إشهاد> یعنی، دیگری را به شهادت و حضور خواندن. نفی شاهد گرفته شدن شیاطین در آفرینش آسمان ها و زمین و خلقت خود آن ها، کنایه از آن است که آنان، هیچ نقشی در الوهیت و تدبیر جهان نداشته اند تا در موقع آفرینش، به حضور فراخوانده شده و شاهد خلقت باشند.

خلقت طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۹ - ۵

۵- پیدایش و کارایی مظاهر طبیعت، متکی به مشیت و نیروی الهی است.

و لولا إذ دخلت جنتك قلت ما شاء الله لا قوه إلا بالله

خلقت ظلمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۵

- ۵



پیدایش مستمر روز و شب و نور و ظلمت ، از نشانه های قدرت مطلق و ربوبیت یگانه خداوند است .

يَكُوْرُ الْاَيْلِ عَلٰى النَّهَارِ وَ يَكُوْرُ النَّهَارِ عَلٰى الْاَيْلِ

خلقت عالمانه آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۹ - ۱۱

۱۱ - آفرینش آسمان های هفتگانه و مواهب زمین ، آفرینشی عالمانه است .

هو الذی خلق .. و هو بکل شیء علیم

خلقت عالمانه آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۶ - ۲،۵

۲- آفرینش جهان ، آفرینشی عالمانه و آگاهانه است .

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلْقُ الْعَلِيمُ

برداشت فوق بر این اساس است که <العلیم> صفت برای <الخلق> باشد.

۵- ربوبیت خداوند ، مقتضی آفرینش عالمانه جهان است .

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلْقُ الْعَلِيمُ

خلقت عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۱۷،۱۸

۱۷ > عن علی بن الحسین (ع) قال : إن الله عزوجل خلق العرش ... من أنوار مختلفه فمن ذلك النور نور أخضر ... و نور أصفر ... و نور أحمر ... و نور أبيض ...

از امام سجاده (ع) روایت شده است که فرمود: .. همانا خدای عزوجل عرش را ... از نورهای گوناگون خلق کرد که از این نورها نور سبز بود ... و نور زرد ... و نور سرخ ... و نور سفید ... <

۱۸ > عن علی (ع) ... خلق [ الله ] عرشه من نوره و جعله علی

الماء... و ذلك قوله : < و كان عرشه على الماء... > ;

از امام علی(ع) روایت شده است که فرمود: .. [خداوند] عرش خود را از نور خویش آفرید و آن را بر آب قرار داد ... و این است قول خدا که می فرماید: < و كان عرشه على الماء... >.

خلقت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۱۴،۱۷

۱۴ حضرت عیسی (ع) ، مخلوق و مملوک خداست ، نه خدا و فرزند خدا .

انما المسيح عیسی ابن مریم رسول الله و كلمته

برخی بر آنند که مراد از < کلمه الله > همان کلمه < کن > است که خداوند با آن مخلوقات را ایجاد می کند و از جمله با این کلمه، حضرت مسیح(ع) را ایجاد کرد.

۱۷ حضرت عیسی (ع) ، نفخه الهی است که در حضرت مریم دمیده شد . \*

انما المسيح عیسی ابن مریم رسول الله و كلمته القها إلى مریم و روح منه

کلمه < روح > عطف بر < کلمته > است و به مقتضای عطف، < روح منه > می تواند به جمله < القها الی مریم > توصیف گردد ؛ یعنی < .. و روح منه القها الی مریم > و در این صورت چنانچه برخی از مفسران گفته اند < روح > به معنای نفخه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۷ - ۱۳،۲۸

۱۳ مسیح (ع) ، فاقد پدر

هو المسيح ابن مریم .. المسيح ابن مریم و امه

۲۸ خلقت ویژه حضرت مسیح (ع)

( ، نباید موجب پیدایش شبهه الوهیت در مورد وی گردد .

لقد كفر الذين .. يخلق ما يشاء

گویا جمله <يخلق ما يشاء>، در رد پندار کسانی است که به خاطر نحوه خاص آفرینش حضرت مسیح(ع)، قائل به الوهیت وی شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۰ - ۶

۶ - خداوند ، قادر به آفرینش انسان هایی فرشته صفت هم چون عیسی (ع) \*

و لو نشاء لجعلنا منكم ملئكة

گروهی از مفسران منظور از این آیه را، ایجاد انسان هایی فرشته صفت دانسته اند که در صدد رفع استبعاد مشرکان نسبت به قدرت ویژه انسان هایی هم چون عیسی(ع) که می توانست مردگان را زنده کند و بیماران را شفا بخشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۱ - ۳

۳ - آفرینش عیسی (ع) ، دلیلی بس روشن و آشکار بر امکان برپایی قیامت

و لما ضرب ابن مريم .. و إنه لعلم للساعة

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مقصود از آیه شریفه این باشد که آفرینش شگفت عیسی(ع) به وسیله خداوند نشانگر قدرت و توانایی او بر برپایی قیامت است.

خلقت کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۱ - ۲

۲ - آفرینش دام ها و کشتی ها ، از نشانه ها و دلایل قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند

اللّٰه الذی جعل لكم الأنعم ... و علیها و علی الفلکک تحملون . و یریکم ءایته

از مصادیق مورد نظر آیه شریفه برای آیات الهی، دام

ها و کشتی ها (موضوع بحث آیه قبل) می باشد.

خلقت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۹ - ۳

۳- خداوند ، در زمین کوه های ثابت و استوار پدید آورد .

و ألقینا فیها روسی

<رواسی> (جمع راسیه) به معنای ثابت و استوار است و مراد از آن در این آیه، کوهها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۱ - ۴

۴- آفرینش کوه ها به گونه ای که قابل پناه گرفتن برای انسان باشد ، به قدرت خداست .

و الله .. جعل لكم من الجبال أكنفاً

خلقت گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۸ - ۱

۱ - آفرینش انسان ، جنبندگان و دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) ، از نشانه های ربوبیت بی همتای خداوند

ألم تر أن الله .. و من الناس و الدواب و الأنعم

<أنعام> جمع <نعم> (شتر) می باشد ولی این واژه در مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز به کار می رود چنان که در آیه شریفه به همین معنا استعمال شده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۱

۱ - شتر، گاو و گوسفند، مخلوق خدا و جلوه هایی از قدرت او

أولم يروا أننا خلقنا لهم مما عملت أيدينا أنعمًا

<أنعام> به معنای شتر، گاو و گوسفند است و جمله <مما عملت أيدينا> کنایه از قدرت خدا می باشد. گفتنی است که آیه شریفه

در مقام بیان جلوه های آن در طبیعت است.

خلقت گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۸ - ۱

۱ - آفرینش انسان ، جنبندگان و دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) ، از نشانه های ربوبیت بی همتای خداوند

ألم تر أن الله... و من الناس و الدوابّ و الأنعم

<أنعام> جمع <نعم> (شتر) می باشد ولی این واژه در مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز به کار می رود چنان که در آیه شریفه به همین معنا استعمال شده است (مفردات راغب).

خلقت ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ خورشید و ماه و ستارگان ، آفریده های خداوند و مقهور امر و اراده او

خلق السموت... و الشمس و القمر و النجوم مسخرت بأمره

کلمه <الشمس> و ما بعد آن، عطف به <السموت> است.

خلقت ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۳ - ۴

۴- آفرینش شب و روز و خورشید و ماه ، نشانی از توحید ربوبی است .

و هو الذی خلق الیل... کلّ فی فلکک یسبحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۷ آفرینش خورشید و ماه و متفاوت قرار داده شدن آن دو در درخشندگی ، جلوه های حکمت خدا و بر پایه حق و هدفی  
مشخص

هو الذی جعل الشمس ضیاء و القمر نوراً .. ما خلق الله ذلك إلا بالحق

<حق> در مقابل

<باطل> (بیهوده) است / یعنی، خداوند ماه و خورشید را بیهوده و بی هدف نیافریده، بلکه آفرینش آنها بر پایه حق و هدف خاصی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۱ - ۷،۹،۱۰

۷ خداوند در آسمان ها ، ماه تابان را آفرید .

جعل فی السماء .. قمرًا منيرًا

۹ آفرینش ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، جلوه ای از برکات و خیرات خداوند .

تبارک الذی جعل فی السماء بروجًا .. و قمرًا منيرًا

۱۰ آفرینش ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، از نشانه های قدرت خدا و یکتایی او

تبارک الذی جعل فی السماء بروجًا .. و قمرًا منيرًا

برداشت فوق، از آن جا است که آیه شریفه در ردیف سلسله آیاتی قرار دارد که در مقام محکومیت شرک و اثبات توحید و یگانگی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۳ - ۶،۸،۱۰

۶ - آفرینش جهان هستی چون انسان ، دریا ، خورشید و ماه ، از نشانه های خدای حقیقی ( الله )

و الله خلقکم من تراب .. ثم جعلکم أزواجًا ... و ما یستوی البحران ... و سخر ال

<ذکم> اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب خلق و جعل می باشد.

۸ - آفرینش جهان ( انسان ، دریا ، خورشید و ماه ) ، جلوه ای از ربوبیت خدا است .

الله خلقکم من تراب .. و ما یستوی البحران ... و سخر الشمس و القمر ... ذکم ال

۱۰ - آفرینش انسان ، دریا

، خورشید و ماه ، جلوه ای از فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است .

و الله خلقکم من تراب . . . و ما یتوی البهران ... و سخر الشمس و القمر ... له ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۱۸،۲۰

۱۸ - آفرینش جهان ( آسمان ، زمین ، خورشید ، ماه و انسان ) جلوه ربوبیت خدا است .

خلق السموت و الأرض . . . خلقکم من نفس وحده ... ذلكم الله ربکم

۲۰ - آفرینش آسمان ها ، زمین ، خورشید ، ماه و انسان ، جلوه فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است .

خلق السموت و الأرض . . . له الملك

خلقت مراتع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۴ - ۳

۳ - آفرینش چراگاه ها ، از جلوه های ربوبیت خداوند است .

ربک . . . الذي أخرج المرعى

خلقت مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۱ - ۲

۲ - زنان ، همسان با مردان ، خلق شده اند .

أن خلق لكم من أنفسكم أزوجاً

از قید <من أنفسکم> استفاده می شود که خلق زنان، همسان مردان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - زنان چونان مردان ، بی هیچ امتیاز و تبعیضی ، دارای نفس و حقیقت واحد انسانی اند .

خلقکم من نفس وحده ثم جعل منها زوجها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- آفرینش زن و مرد از جنس واحد ، لطف الهی نسبت به آدمیان

جعل لكم من أنفسكم أزواجًا

آیه شریفه در مقام امتنان و ذکر نعمت های الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۶ - ۶

۶- همگونی مرد و زن در اصل خلقت ( نطفه )

و أنه خلق الزوجين الذكر و الأنثی . من نطفه إذا تمنی

خلقت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۴ - ۷

۷- وجود ملائکه و مراحل مقدماتی پیدایش آنها و کارهایی که از آنان صادر می شود ، همه مملوک خداوند و در احاطه قدرت او است . \*

له ما بین أیدینا و ما خلفنا و ما بین ذلک

گفته شده است: < ما بین أیدینا > (آنچه پیش روی ما است) اشاره به آثار وجودی ملائکه و < ما خلفنا > (آنچه پشت سر نهاده و از آن گذشتیم) اشاره به عناصر اولیه و مقدمات پیدایش آنها و < ما بین ذلک > (آنچه هم اکنون وجود دارد) اشاره به هستی آنان دارد. این توجیه و تفسیر با نوع ملائکه که زمان و مکان درباره آنان بی معنا است تناسب دارد.

خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۹ - ۱۲

۱۲ آفرینش موجودات زمین و آسمان های هفتگانه ، دلیل توانایی خدا بر زنده کردن مردگان است .

ثم يحييكم ثم إليه ترجعون. هو الذي خلق لكم ... فسويهن سبع سموات

جمله <هو الذي . . > می تواند مرتبط با ذیل آیه قبل باشد و نیز

می تواند با صدر آن آیه در ارتباط باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۷ - ۹

۹ - خداوند ، در ایجاد اشیا بی نیاز از استخدام وسایط است .

إذا قضی أمراً فإنما یقول له کن فیکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۱۳

۱۳ - خداوند احیاء کننده زمین ، ایجاد کننده موجودات زنده در آن و منتشر سازنده آنها در سراسر گیتی است .

فأحیا به الأرض .. و بث فیها من کل دابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۹

۹ آفرینش موجودات در جهت برخورداری آنها از رحمت خداوند

قل لمن ما فی السموت و الأرض قل لله کتب علی نفسه الرحمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۱۱، ۱۰

۱۰ ایجاد و استمرار بقای موجودات به دست خداوند است.

فاطر السموت و الأرض و هو یطعم

۱۱ آفرینش و تأمین نیازمندیهای موجودات، از شؤون ولایت مطلقه الهی است.

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم و لا یطعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ پدید آمدن موجود زنده از دل مردگان و مرده از دل زندگان، قانونی مستمر در طبیعت است.

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ

جمله <يُخْرِجُ الْحَيَّ>، که جمله ای است فعلیه و با فعل مضارع آغاز شده،



دال بر استمرار و تجدید است. همچنین جمله دوم (مخرج المیت ... )، که به صورت اسمیه آمده، دال بر دوام و ثبوت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۱ - ۱۰

۱۰ پیدایش مستمر و بیوقفه موجودات جاندار از پدیده های بی جان و موجودات بی جان از پدیده های جاندار ، از نشانه های ربوبیت خدا

و من یرج الحی من المیت و یرج المیت من الحی . . . فسیقولون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷ - ۱۱

۱۱- آفرینش موجودات و تأمین نیازمندی های جسمی و روحی آنان ، دلیل بر توحید ربوبی و خالقیت خداوند است .

خلق السموت . . . تعلی عمّا یشرکون ... خلق الإنسن ... و الأنعم خلقهاکم ... إن

آوردن کلمه <ربّ> بعد از بیان آفرینش آسمانها و زمین و آفرینش انسان و حیوانات از سوی خداوند، بیانگر توحید ربوبی است؛ کما اینکه اسناد آفرینش همه موجودات به خود بیان توحید در خالقیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۲ - ۴

۴- وجود یافتن پدیده ها در عالم غیبت ، به فعلیت رسیدن علم الهی است .

ثمّ بعثنهم لنعلم أیّ الحزبین

روشن است که خداوند، بر همه چیز آگاه است و ابعاد زمان و مکان، مانعی در برابر علم الهی نیست. بنابراین، <لنعلم> باید معنایی داشته باشد که با این اصل کلی و مسلّم تنافی نداشته باشد. یکی از وجوه این است که مراد از <علم> در <لنعلم> فعلیت یافتن علم خداوند باشد؛ یعنی،

آنچه خداوند به واقع شدن آن عالم است، واقع شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۹ - ۳

۳- خداوند ، هر چه بخواهد ، وجود خواهد یافت .

ما شاء الله

<ما> در <ما شاء الله> موصول و مبتدا است و خبر آن <کائن> یا چیزی نظیر آن است. معنای جمله، چنین است: <آنچه را خدا خواسته است خواهد شد.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۵ - ۱۱

۱۱- هیچ فاصله ای بین فرمان الهی بر تحقق چیزی و محقق شدن آن وجود ندارد .

يقول له كن فيكون

عطف <يكون> به وسیله <فاء> بر نبودن هیچ فصلی بین تعلق اراده الهی و تحقق مورد اراده، دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۰ - ۱۱، ۶

۶- وجود حساب و اندازه ، در آفرینش موجودات

أعطى كلّ شيء خلقه

۱۱ - خلقت همه موجودات هستی و هدایت آنها ، برهان ربوبیت خدا است .

ربّنا الذى أعطى كلّ شيء خلقه ثمّ هدى

تفصیل کلام موسی(ع)، به برهانی منطقی و محکم بازگشت دارد که صورت آن آن چنین است: <الله ربّ لأمنه خالق و هاد.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- فرایند پیدایش مستمر موجودات و بازگشت آنان به حالت قبلی ، نمودی از قدرت خداوند است .

کیف یبدئ الله الخلق ثم یعیده

عطف <یعید> بر فعل <یبدئ> نشان می دهد که تمام موجودات، پس از خلق شدن، باز به حالت سابق شان برمی گردند.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۰ - ۳

۳ - عرصه طبیعت ، مظهر قدرت نمایی خداوند در ایجاد پدیده ها است .

سیروا فی الأرض فانظروا کیف بدأ الخلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۷ - ۱

۱ - آفرینشِ نخستِ موجودات و بازگرداندن مجدد آنها ، تنها به دست خداوند است .

و هو الذی یبدؤا الخلق ثمّ یعیده

<خلق> حاصل مصدر و <ال> در آن، برای جنس است، بنابراین، دلالت بر همه پدیده ها می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۹ - ۸

۸ - احیای زمین مرده و فاقد حیات و پدید آوردن موجودات زنده در این کره ، دلیل قدرت خداوند بر احیای مجدد انسان ها در روز رستاخیز

والله الذی أرسل الریح . .. فأحیینا به الأرض بعد موتها كذلك النشور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۱ - ۱۰

۱۰ - آفرینش انبوه پدیده های جهان و آگاهی همه جانبه از احوال آنها ، دلیل و شاهد توانایی خداوند بر احیای مجدد انسان ها در روز قیامت

أولیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم بلی و هو الخلق العلیم

یادآوری آفرینش و علم گسترده خداوند، در پایان آیه و در شرایطی که آیه شریفه در مقام بیان توانایی خداوند بر احیای مجدد انسان ها است؛ می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۲ - ۱،۲

- ۱

خداوند هر چیزی را اراده کند، با گفتن < باش > و < به هستی در آ >، آن را پدید می آورد.

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

۲ - خداوند در آفرینش پدیده ها، از هرگونه ابزار و وسایل و کمک و هم فکری، بی نیاز است.

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

قصر در < إِنَّمَا أَمْرُهُ .. > قصر اضافی است. این عبارت در مقابل عقیده منکران معاد ادا شده است؛ زیرا آنان تجدید حیات انسان ها از استخوان های پوسیده و پراکنده را، امری غیر ممکن می دانستند؛ چرا که بر این تصور بودند که جمع کردن استخوان های پوسیده و پراکنده و دمیدن حیات در آن، نیاز به ابزار، وسایل، کمک و هم فکری دیگران دارد و باید وقت و زمان بسیاری صرف شود و خداوند از انجام چنین کاری ناتوان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۹ - ۱،۷

۱ - آفرینش آسمان ها و زمین و جانداران، از نشانه های روشن خدا و قدرت او است.

و من ءایته خلق السموت و الأرض و ما بثّ فیهما من دابّه

۷ - آفرینش آسمان ها، زمین و موجودات زنده، تنها بخشی از آیات الهی است.

و من ءایته

با توجه به معنای < من > که برای تبعیض است به دست می آید که جهان هستی سرشار از آیات خداوند است و آفرینش آسمان ها و زمین تنها بخشی از آنها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری

۵ - حاکمیت مطلق خداوند در جهان هستی ، پشتوانه اجرای مشیت وی در آفرینش موجودات

لله ملك السموت و الأرض يخلق ما يشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۲ - ۳

۳ - آفرینش انواع موجودات هستی ، نمودی از عزت و دانایی مطلق الهی است .

خلقهنّ العزيز العليم . . . و الذي خلق الأزوج كلّها

<آزواج>، ممکن است به معنای <اصناف> باشد. ارتباط این آیه با دو آیه قبل، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۵

۵- آفرینش بهینه آسمان ها و زمین و سایر موجودات ، نمود عزت و حکمت الهی است .

من الله العزيز الحكيم . ما خلقنا السموت و الأرض و ما بينهما إلا بالحقّ

از ارتباط این آیه با ذیل آیه قبل (من الله العزيز الحكيم)، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۵ - ۱

۱ راه نیافتن عجز و خستگی در خداوند ، به خاطر آفرینش موجودات

أفعيينا بالخلق الأوّل

از استفهام انکاری (أفعيينا بالخلق)، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۹ - ۱

۱ - خداوند ، اشیا را جفت ( نر و ماده ) آفریده است .

و من کلّ شیء خلقنا زوجین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۰ - ۲،۴

۲ - بی نیازی خداوند به زمان ، برای خلق اشياء

و ما



أمرنا إلا وحده كلمح بالبصر

عبارت < كلمح بالبصر > (مانند چشم به هم زدن) ظاهراً اشاره به سرعت تحقق < امر > دارد؛ یعنی، به گونه ای است که میان فرمان و تحقق شیء هیچ فاصله ای نیست.

۴ - تحقق آفرینش اشیا و تقدیر و تنظیم آنها، با صدور یک فرمان از جانب خداوند و بی نیاز از بازنگری \*

إنا كل شيء خلقه بقدر . و ما أمرنا إلا وحده كلمح بالبصر

عبارت < و ما أمرنا > می تواند نظر به آیه قبل داشته باشد؛ یعنی، خلقت و اندازه گیری در دو مرحله صورت نمی گیرد؛ بلکه با یک فرمان هم آفرینش است و هم تقدیر و در این آفرینش و تقدیر تجدید نظر صورت نمی گیرد.

خلقت موجودات سایه دار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۸ - ۷

۷- پدید آمدن اجسام سایه دار و گردش آن سایه ها، به دست خداوند است .

أو لم يروا إلى ما خلق الله من شيء يتفيئوا ظلاله عن اليمين و الشمال

خلقت موجودات ظریف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۳ - ۱۲

۱۲ عن أبي الحسن (ع) في حديث: .. انما قلنا اللطيف للخلق اللطيف و لعلمه بالشيء اللطيف او لا تری إلى اثر صنعه في النبات اللطيف ... و من الحيوان الصغار ... و ما هو اصغر منها ما لا يكاد تستينه العيون ... .

از ابوالحسن (امام رضا یا امام هادی علیهما السلام) روایت شده است: .. اطلاق وصف < لطیف > بر خداوند به سبب آن است که آفریننده اشیا یی لطیف است و به

اشیای لطیف علم دارد. آیا نشانه آفرینش او را در گیاهان لطیف، حیوانات ریز و کوچکتر از آنها که به چشم نمی آید مشاهده نمی کنی ... ؟

خلقت نخستین آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۴ - ۶

۶- آسمان بسان خلقت نخستین خود ، پس از در هم پیچیده شدن مجدداً شکل خواهد گرفت .

کما بدأنا أول خلق نعیده

برداشت برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <نعیده> اشاره به آفرینش آسمان پس از در هم پیچیده شدن آن باشد و نه تمامی مخلوقات.

خلقت نخستین آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۴ - ۱۰، ۷، ۵

۵- خداوند ، مخلوقات نابود شده در آستانه قیامت را ، بسان آفرینش نخستین آنها باز خواهد آفرید .

کما بدأنا أول خلق نعیده

۷- چگونگی پیدایش مجدد جهان ، در آستانه برپایی قیامت ، مانند آفرینش نخستین آن است .

کما بدأنا أول خلق نعیده

۱۰- قدرت خداوند بر خلقت آغازین نظام آفرینش ، نشانگر قدرت او بر آفرینش دوباره آن است .

یوم نظوی .. إنا کنا فعلین

تشبیه <کما> می تواند برای اصل خلقت جهان و آفرینش مجدد آن باشد یعنی، همان گونه که ما توانستیم جهان را در آغاز پدید آوریم، دوباره نیز می توانیم به وجود آوریم. گفتنی است جمله تأکیدی <إنا کنا فاعلین>، بیانگر این است که اصل آفریدن دوباره جهان، مورد انکار بوده و آیه شریفه در صدد بیان امکان آفرینش مجدد است.

خلقت نعمت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ -

۱۱ - آفرینش آسمان های هفتگانه و مواهب زمین ، آفرینشی عالمانه است .

هو الذی خلق .. و هو بکل شیء علیم

خلقت نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۲

۲ آفرینش آسمانها و زمین و پدید آوردن نور و ظلمت به دست خداوند، دلیل اختصاص ستایش به اوست.

الحمد لله الذی خلق

<الذی خلق>، صفت <اللهم> و بیان وجه اختصاص حمد به اوست و این تعلیق، که به گفته اهل ادب تعلیق حکم <الحمد لله> بر وصف <الذی خلق> است، بیانگر انحصار شایستگی ستایش به آفریننده هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۵

۵ - پیدایش مستمر روز و شب و نور و ظلمت ، از نشانه های قدرت مطلق و ربوبیت یگانه خداوند است .

یکوّر الیل علی النهار و یکوّر النهار علی الیل

دعوت به مطالعه خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۷ - ۴

۴ - فراخواندن خداوند ، به مطالعه درباره مبدأ و مراحل تکوین انسان

ألم یک نطفه من منی یمنی

دلایل خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱ - ۱۵

۱۵ - توانایی مطلق خداوند بر انجام هر کاری ، دلیل امکان آفرینش پدیده های نو و توسعه جهان طبیعت

یزید فی الخلق ما یشاء إنّ الله علی کلّ شیء قدیر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که جمله < إنّ الله علی کلّ شیء قدیر >، تعلیل برای جمله < یزید فی

الخلق ما يشاء > می باشد.

ذکر خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۹ - ۵

۵ - شگفت آور بودن انکار معاد و عالم آخرت ، با توجه به مخلوق خدا بودن آسمان و زمین

الذین لایؤمنون بالأخره .. أفلم یروا إلی ما بین أیدیهم و ما خلفهم

استفهام در < أفلم > تعجیبی است و دلالت می کند بر این که کفر به آخرت و انکار معاد، با توجه به این که آسمان و زمین در احاطه خدا قرار دارند، امر شگفت آوری است.

ذکر خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۸ - ۳

۳- قصه خلقت انسان از گلی بد بو ، خشکیده و متغیر ، شایسته یاد و یادآوری

و إذ قال ربّک للملئکه إنی خلق بشرًا من صلصل من حمأ مسنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۱ - ۳

۳ - داستان آفرینش انسان و مجادله و گفتوگوی فرشتگان با خداوند در این باره ، شایان یاد و یادآوری است .

و إذ قال ربّک للملئکه إنی خلق بشرًا

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که < إذ > متعلق به فعل مقدر همچون < أذکر > باشد.

ذکر خلقت انسان بر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- ربوبیت خداوند ، مقتضی بازگویی قصه خلقت انسان برای پیامبر ( ص )

و إذ قال ربك للملائكة إني خالق بشراً من صلصل من حمأ مسنون

ذکر خلقت انسانها

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۷ - ۴

۴ - توجه به آفرینش نیکوی انسان ها و سقوط و انحراف برخی از آنان ، دستاویزی برای تکذیب دین و کیفر های اخروی ، باقی نمی گذارد .

فما یکذبک بعد بالدین

حرف <فاء> در <فما یکذبک> و نیز کلمه <بعد>، این آیه را بر آیات پیشین، تفریع کرده است؛ یعنی، آیا وجود کسانی که در <أحسن تقویم> بوده و خود را به <أسفل سافلین> سقوط داده اند؛ دلیل ضرورت دین برای پیشگیری از آن سقوط و ضرورت روز جزا، برای کیفر آن منحرفان نیست؟!

ذکر خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۹ - ۵

۵ - شگفت آور بودن انکار معاد و عالم آخرت ، با توجه به مخلوق خدا بودن آسمان و زمین

الذین لایؤمنون بالأخره ... أفلم یروا إلی ما بین أیدیهم و ما خلفهم

استفهام در <أفلم> تعجیبی است و دلالت می کند بر این که کفر به آخرت و انکار معاد، با توجه به این که آسمان و زمین در احاطه خدا قرار دارند، امر شگفت آوری است.

ذکر عنصر خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۵ - ۱،۴

۱ - تحقیق درباره منشأ آفرینش انسان و توجه به عنصر اولیه جسم وی ، زمینه ساز باور به امکان احیای دوباره او است .

فلینظر الإنسن مم خلق

جمله <إنه علی رجعه لقادر> در آیات بعد بیانگر آن است که آنچه از این آیه به بعد مطرح شده، آماده سازنده ذهن انسان برای باور



به امکان معاد است.

۴ - لزوم تحقیق درباره منشأ آفرینش انسان و کشف عنصر اصلی در پیدایش جسم او

فلینظر الإنسن ممّ خلق

ذکر مبدأ خلقت انسانها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۹ - ۴

۴ - توجه به مبدأ پیدایش بشر و سیر تکوین او ، راهنمای انسان ها به مسأله معاد

إنا خلقنهم ممّا يعلمون

مطلب یاد شده، از یادآوری مسأله پیدایش بشر برای منکران قیامت استفاده می شود.

زمان خلقت آب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۴

۴ پیش از آفرینش آسمان ها و زمین ، هستی منحصر به آب بود .

و کان عرشه علی الماء

<عرش> به معنای تخت پادشاه می باشد و در آیه، کنایه از سیطره و حکومت است و جمله <وکان عرشه علی الماء> به دلیل وجود <کان> به این معناست که: خداوند، آسمانها و زمین را آفرید در حالی که پیش از آن، بر آنها سیطره و حکومت داشت. این معنا می رساند که آب، پیش از آسمانها و زمین تشکیل دهنده هستی بوده است.

زمینه بینش پوچی خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۵ - ۴

۴ - انکار معاد ، مستلزم بیهوده شمردن آفرینش انسان

أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنْتُمْ إِلَيْنَا لَاتَرْجِعُونَ

زمینه خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷ - ۱۰

۱۰- آفرینش جهان و انسان و برآوردن نیاز های او ، مقتضای رأفت و رحمت پروردگار است .

خلق السموت . . . تعلی عمّا

یشرکون ... خلق الإنسن ... إن ربکم لرءوف رحیم

زمینه خلقت فرزندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۷ - ۲

۲ - تأثیر قرار گرفتن نطفه مرد ( منی ) در رحم زن ، در پیدایش و تکوین فرزندان

ألم یک نطفه من منی یمنی

برداشت یاد شده را می توان از تعبیر <من منی یمنی> (از منی ریخته شده در رحم) استفاده کرد.

زمینه خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۰ - ۱۰

۱۰ - ربوبیت خداوند ، مقتضی آفرینش موجودات و هدایت آفریده ها به کمال وجودی آنها است .

ربنا الذی أعطی کل شیء خلقه ثم هدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۰ - ۷

۷ - آمد و شد شب و روز و به وجود آمدن فصل های مختلف ، عامل پیدایش موجودات زنده و جریان مستمر مرگ و حیات

در زمین

یحی و یمیت و له اختلاف الیل و النهار

ذکر <اختلاف شب و روز> پس از بیان مرگ و حیات می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

زمینه خلقت نیروهای آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - علم و حکمت ازلی خداوند ، پشتوانه آفرینش قوای هستی و به کارگیری بهینه آن

و لله جنود السموت و الأرض و كان الله عليماً حكيماً

تعبیر <و كان الله عليماً حكيماً> در پایان آیه شریفه، می رساند که فتح مؤمنان و انزال سکینه بر آنان و بهره گیری از جنود

آسمان ها و زمین، در پرتو علم و حکمت ازلی صورت می گیرد؛ زیرا نفس تکوّن جنود و نیز بهره گیری از آنها در موارد مختلف، نیازمند علم و حکمت گسترده است.

زیبایی خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۳ - ۵

۵ - انسان ها ، از نظر ظاهر و باطن و صورت و سیرت ، زیبا و نیکو آفریده شده اند .

فأحسن صوركم

<صورت> عبارت است از هیئت هر شیئی که با آن، از دیگر اشیا جدا و ممتاز می گردد و شامل شکل ظاهری و هویت باطنی آن می شود (اقتباس از مفردات راغب).

سختی خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۱

۱ - آفرینش مجموعه عالم ( آسمان ها و زمین ) ، در مقایسه با آفرینش انسان ها بزرگ تر و آفریدن آن سخت تر و مهم تر است .

لخلق السموت والأرض أكبر من خلق الناس

مقصود از <أكبر>، با عظمت تر، سخت تر و مهم تر بودن است.

سختی خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱ - ۴

۴ - آفرینش جهانی سخت تر از آفرینش انسان ، ( آسمان ها ، زمین و فرشتگان ) گواه قدرت خداوند بر آفرینش مجدد انسان ها در قیامت و آسان و ممکن بودن آن برای او است .

فاستفتم أهم أشدّ خلقاً أم من خلقنا

برداشت یاد شده از آن جا است که روی سخن آیه شریفه مشرکان اند؛ آنان که منکر معاد بوده

و آفرینش مجدد انسان ها را از خاک، امری بعید و بسیار سخت و ناممکن می شمردند و <أعدا متنا و کنا ترا با و عظاما أءنا لمبعوثون>، (آیه ۱۶ همین سوره).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۱

۱ - آفرینش مجموعه عالم (آسمان ها و زمین) ، در مقایسه با آفرینش انسان ها بزرگ تر و آفریدن آن سخت تر و مهم تر است .

لخلق السموت و الأرض أكبر من خلق الناس

مقصود از <أكبر>، با عظمت تر، سخت تر و مهم تر بودن است.

سختی خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۱

۱ - آفرینش مجموعه عالم (آسمان ها و زمین) ، در مقایسه با آفرینش انسان ها بزرگ تر و آفریدن آن سخت تر و مهم تر است .

لخلق السموت و الأرض أكبر من خلق الناس

مقصود از <أكبر>، با عظمت تر، سخت تر و مهم تر بودن است.

سوگند به خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۵ - ۳

۳ - سوگند خداوند ، به بنیان نهادن آسمان و آفرینش آن

و ما بنیها

حرف <ما> مصدری بوده و مفاد آیه شریفه، سوگند به <بناکردن آسمان> است. برخی <ما> را موصول دانسته اند؛ ولی

یک نواختی سوگندها که تمامی آنها سوگند به مخلوقات است مؤید مصدري بودن آن است.

سهولت خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۲ - ۴



آفرینش همه چیز برای خداوند ، امری سهل و آسان است .

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

برداشت یاد شده از آن جا است که آفرینش هر چیزی به صرف اراده کردن و خواستن خدا و بی هیچ ابزار و وسایلی، گویای این حقیقت است که آفریدن هر چیزی برای او، سهل و آسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۸ - ۶

۶ - آفرینش همه چیز برای خداوند ، امری سهل و آسان است .

فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

برداشت یاد شده، از آن جا است که آفرینش هر چیزی به صرف تقدیر و اراده آن و بی هیچ ابزار و کمکی، بیانگر این حقیقت است که برای خداوند متعال، آفریدن هر چیزی سهل و آسان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۰ - ۳

۳ - خلقت اشیاء و تحقق بخشیدن به آن ، امری سهل برای خداوند

إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ . وَ مَا أَمْرُنَا إِلَّا وَحْدَهُ كَلِمَةً بَالْبَصْرِ

برداشت یاد شده بر این احتمال است که عبارت <کلمه بالبصر> اشاره به سهولت داشته باشد.

شگفتی خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۶ - ۳

۳ آفرینش شگفت ، زیبا و متقن آسمان ، نشانی از قدرت خداوند بر احیای مجدد مردگان

ذَٰلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ .. أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا

شگفتی خلقت از منی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ -

۳ - آفرینش انسان از آب ، شگفت انگیز و نشانه قدرت خداوند بر معاد است .

عليها حافظ . . خلق من ماء دافق

برداشت یاد شده، با توجه به ارتباط این آیه با جمله <إِنَّهٗ عَلِي رَجَعَه لِقَادِر> در آیات بعد است.

شگفتی خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۰ - ۹

۹ - پدید آمدن موجودی زنده به نام انسان از خاک مرده ، امری غیر منتظره و سزاوار تأمل است .

أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ

<اذا>ی فجاییه در آیه، می تواند حکایت از این حقیقت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۶ - ۳

۳ - آفرینش انسان از آب ، شگفت انگیز و نشانه قدرت خداوند بر معاد است .

عليها حافظ . . خلق من ماء دافق

برداشت یاد شده، با توجه به ارتباط این آیه با جمله <إِنَّهٗ عَلِي رَجَعَه لِقَادِر> در آیات بعد است.

شگفتی خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۲ - ۴

۴ - زمین آفریده ای شگفت است و پیدایش شیار و رخنه در آن ، بر شگفتی اش افزوده است .

و الأرض ذات الصدع

شگفتی خلقت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۷ - ۴

۴ - شیوه آفرینش شتر، شگفت آور و دارای زوایای درخور دقت و تحقیق است .

أفلا ينظرون إلی الإبل کیف خلقت

تکیه بر شناخت ویژگی های شتر، یا به جهت فایده های فراوان این

حیوان برای مردم جزیره العرب است و یا این که شتر در بین حیوانات، کمالاتی بی نظیر دارد و می توان آیه شریفه را ناظر به هر دو نکته دانست.

شناخت مراحل خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۵ - ۲

۲ - شناخت مراحل آغازین خلقت انسان، زمینه ساز پی بردن به تحت مراقبت بودن وی و مایه شناخت قدرت خداوند بر ثبت کردار او است.

علیها حافظ . فلینظر الإنسن مم خلق

ارتباط دو آیه، با توجه به حرف <فاء> در <فلینظر>، بیانگر برداشت یاد شده است.

عبرت از خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۶ - ۴

۴ - لجاجت و عناد، مانع درس آموزی کافران از آفرینش هستی

أم خلقوا السموت و الأرض بل لا یوقنون

عبارت <بل لا یوقنون> بیانگر این نکته است که موضع گیری ناباورانه کافران درباره قرآن و پیامبر(ص) برخاسته از یقین علمی آنان نیست؛ بلکه صرفاً از روی ستیزه جویی و لجبازی می باشد.

عبرت از خلقت جانداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۵ - ۸

۸ - طبیعت ( پیدایش انواع گوناگون جانداران از جسمی مایع و . . . )، بستر مناسب برای عبرت آموزی و پندگیری

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ . وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ

جمله <وَاللّٰهُ خَلَقَ..> عطف بر جمله <يَقْلَبُ اللّٰهُ اللّٰيْلَ...> است. این عطف می تواند به این مناسبت باشد که همان گونه که گردش و جابه جایی شب و روز

مايه عبرت صاحبان بصيرت است آفرينش انواع جانداران نيز مي تواند چنين تأثيري داشته باشد.

عبرت از خلقت روز

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۲ - ۵

۵ درس آموز بودن آفرينش شب و روز و نظم حاکم بر آن ، به تصميم و اراده انسان براي درس آموختن بستگي دارد .

و هو الذي جعل الليل والنهار خلفه لمن أراد أن يذكر

آمدن فعل <أراد> در جمله <لمن أراد أن يذكر> که در اين جمله به منزله قيد است مي رساند که اراده و تصميم انسان نقش اساسي در درس آموزي و عبرت گيري او دارد.

عبرت از خلقت شب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۲ - ۵

۵ درس آموز بودن آفرينش شب و روز و نظم حاکم بر آن ، به تصميم و اراده انسان براي درس آموختن بستگي دارد .

و هو الذي جعل الليل والنهار خلفه لمن أراد أن يذكر

آمدن فعل <أراد> در جمله <لمن أراد أن يذكر> که در اين جمله به منزله قيد است مي رساند که اراده و تصميم انسان نقش اساسي در درس آموزي و عبرت گيري او دارد.

عجز از خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۴ - ۴

۴- ناتواني بت ها و معبود هاي مشرکان ، از آفرينش موجودات زميني و مشاركت در خلقت و تدبير امور آسمان ها

ماذا خلقوا من الأرض أم لهم شرك في السموات

عظمت خلقت آسمان





- سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۷ - ۱

۱ - آسمان ، پدیده ای مقاوم تر از جسم انسان ها و آفرینش آن با عظمت تر از آفرینش آنها است .

ءأنتم أشدّ خلقاً أم السماء

استفهام در <ءأنتم> تقریری است و برای اعتراف گرفتن از مخاطب به کار می رود. <السماء> ممکن است اشاره به آسمان مشهود باشد و نیز ممکن است اسم جنس بوده و بر تمام آسمان ها قابل تطبیق باشد. <شدّت>، به معنای صلابت و استحکام است. این وصف درباره جسم و غیر جسم به کار می رود. بنابراین تعبیر <أشدّ خلقاً> به معنای استحکام بیشتر در خلقت و یا دشوارتر بودن آفرینش [در نظر مخاطبان] است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۵ - ۴

۴ - ساختن آسمان ، کاری بزرگ و نشانه عظمت خداوند است .

و ما بنیها

تعبیر <و ما بناها> سوگند به بانی باشد یا بنا نشانگر عظمت هر دو است زیرا عظمت هر یک، حاکی از عظمت دیگری است.

عظمت خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۹ - ۱۱

۱۱- آفرینش آسمان ها و زمین دارای عظمتی بس فراتر از اعطای زندگی به انسان ها و میراندن آنان

الم تر أن الله خلق السموت والأرض بالحقّ إن یثأ یذهبکم و یأت بخلق جدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۴

۴- بی دقتی و جهل کافران به عظمت آفرینش آسمان ها و زمین ، زمینه ساز انکار

حیات دوباره انسان از سوی آنان است .

أو لم يروا أن الله الذي خلق السموت و الأرض قادر على أن يخلق مثلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱ - ۳

۳ - عظمت آفرینش آسمان ها ، زمین ، فرشتگان و دیگر موجودات آسمانی

أهم أشدّ خلقاً أم من خلقنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۱

۱ - آفرینش مجموعه عالم ( آسمان ها و زمین ) ، در مقایسه با آفرینش انسان ها بزرگ تر و آفریدن آن سخت تر و مهم تر است .

لخلق السموت و الأرض أكبر من خلق الناس

مقصود از <أكبر>، با عظمت تر، سخت تر و مهم تر بودن است.

عظمت خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱ - ۲

۲ - ناچیز بودن آفرینش انسان در مقایسه با آفرینش جهان ( آسمان ها ، زمین و ... )

فاستفتهم أهم أشدّ خلقاً أم من خلقنا

ضمیر جمع <هم> در <فاستفتهم> به قرینه آیات پیشین به کافران و مشرکان بازمی گردد و مقصود از <من خلقنا> آسمان ها ، زمین ، فرشتگان و دیگر موجودات آسمانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۱

۱ - آفرینش مجموعه عالم ( آسمان ها و زمین ) ، در مقایسه با آفرینش انسان ها بزرگ تر و آفریدن آن سخت تر و مهم تر است .

لخلق السموت و الأرض أكبر من خلق الناس

مقصود از <أكبر>، با عظمت

تر، سخت تر و مهم تر بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۹ - ۸

۸ - جهان آفرینش ، جلوه ای از قدرت شکست ناپذیر و علم گسترده خداوند است .

خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزَ الْعَلِيمَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۳ - ۹

۹- عظمت آفرینش آسمان ها و زمین ، نمایانگر قدرت مطلقه خداوند بر هر چیز ؛ علاوه بر قدرت او بر احیای مردگان

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ .. بَلَى إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

از ارتباط بخش های این آیه، مطلب بالا استفاده می شود؛ زیرا در مرحله نخست از آفرینش آسمان ها و زمین، قدرت خداوند بر احیای مردگان استفاده شده است؛ ولی در مرحله بعد، نتیجه ای کلی تر (قدرت مطلقه الهی) مطرح گردیده است.

عظمت خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۵ - ۵

۵ - آفرینش انسان ، آفرینشی بس مهم و با عظمت و مورد توجه ویژه خداوند

مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتَ بِيَدِي

عظمت خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۹ - ۱۱

۱۱- آفرینش آسمان ها و زمین دارای عظمتی بس فراتر از اعطای زندگی به انسان ها و میراندن آنان

ألم تر أن الله خلق السموت و الأرض بالحقّ إن يشأ يذهبكم و يأت بخلق جديد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۴

۴- بی دقتی و جهل کافران به عظمت آفرینش آسمان

ها و زمین ، زمینه ساز انکار حیات دوباره انسان از سوی آنان است .

أو لم یروا أن الله الذی خلق السموت و الأرض قادر علی أن یخلق مثلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱ - ۳

۳ - عظمت آفرینش آسمان ها ، زمین ، فرشتگان و دیگر موجودات آسمانی

أهم أشدّ خلقًا أم من خلقنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۱

۱ - آفرینش مجموعه عالم ( آسمان ها و زمین ) ، در مقایسه با آفرینش انسان ها بزرگ تر و آفریدن آن سخت تر و مهم تر است .

لخلق السموت و الأرض أكبر من خلق الناس

مقصود از <أكبر>، با عظمت تر، سخت تر و مهم تر بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۳ - ۹

۹- عظمت آفرینش آسمان ها و زمین ، نمایانگر قدرت مطلقه خداوند بر هر چیز ؛ علاوه بر قدرت او بر احیای مردگان

خلق السموت و الأرض ... بلی إنه علی کلّ شیء قدير

از ارتباط بخش های این آیه، مطلب بالا استفاده می شود؛ زیرا در مرحله نخست از آفرینش آسمان ها و زمین، قدرت خداوند بر احیای مردگان استفاده شده است؛ ولی در مرحله بعد، نتیجه ای کلی تر (قدرت مطلقه الهی) مطرح گردیده است.

عظمت خلقت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۳ - ۴

۴ - آفرینش مرد و زن و جنس نر و ماده در دیگر مخلوقات ،

کاری بزرگ و نشانه عظمت خداوند است .

و ما خلق الذکر و الأُنثی

تعبیر <و ما خلق> چه سوگند به خالق باشد و چه خلقت بیانگر عظمت هر دو است؛ زیرا عظمت هر یک، حاکی از عظمت دیگری است.

عظمت خلقت مذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۳ - ۴

۴ - آفرینش مرد و زن و جنس نر و ماده در دیگر مخلوقات ، کاری بزرگ و نشانه عظمت خداوند است .

و ما خلق الذکر و الأُنثی

تعبیر <و ما خلق> چه سوگند به خالق باشد و چه خلقت بیانگر عظمت هر دو است؛ زیرا عظمت هر یک، حاکی از عظمت دیگری است.

عظمت خلقت مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۳ - ۴

۴ - آفرینش مرد و زن و جنس نر و ماده در دیگر مخلوقات ، کاری بزرگ و نشانه عظمت خداوند است .

و ما خلق الذکر و الأُنثی

تعبیر <و ما خلق> چه سوگند به خالق باشد و چه خلقت بیانگر عظمت هر دو است؛ زیرا عظمت هر یک، حاکی از عظمت دیگری است.

عظمت خلقت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱ - ۳



۳ - عظمت آفرینش آسمان ها ، زمین ، فرشتگان و دیگر موجودات آسمانی

أهم أشدَّ خلقاً أم من خلقنا

عظمت خلقت موجودات آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱ - ۳

۳ - عظمت آفرینش آسمان ها ، زمین ،

فرشتگان و دیگر موجودات آسمانی

أهم أشدَّ خلقًا أم من خلقنا

عظمت خلقت مؤنث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۳ - ۴

۴ - آفرینش مرد و زن و جنس نر و ماده در دیگر مخلوقات ، کاری بزرگ و نشانه عظمت خداوند است .

و ما خلق الذکر و الأنثی

تعبیر <و ما خلق> چه سوگند به خالق باشد و چه خلقت بیانگر عظمت هر دو است؛ زیرا عظمت هر یک، حاکی از عظمت دیگری است.

عنصر خلقت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۲ - ۳

۳ ابلیس، آفریده شده از آتشی خاص و آدم، آفریده شده از گلی مخصوص

خلقتنی من نار و خلقته من طین

نکره آمدن <نار> و <طین> حکایت از این دارد که آدم و ابلیس از گل و آتشی مخصوص آفریده شدند و چنانچه این معنا در نظر نبود، آن دو کلمه با <ال> جنس آورده می شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۱ - ۱۰

۱۰- حضرت آدم (ع) ، از دو عنصر خاک و آب ( گِل ) آفریده شد .

خلقت طیناً

<طین> در لغت به معنای <خاک آمیخته با آب (گِل)> آمده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۳ - ۳

۳ - آفرینش نسل آدم از نطفه پس از آفرینش خود وی از عصاره گِل

و لقد خلقنا الإنس من سلله من طین . ثم جعلنه نطفه فی قرار مکین

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۴ - ۱

۱ آب ، خمیر مایه و عنصر نخستین آفرینش آدم (ع)

و هو الذی خلق من الماء بشرًا

درباره کلمه <الماء> در آیه شریفه دو احتمال وجود دارد: ۱ مقصود آب است که جزئی از ماده اولیه خلقت آدم می باشد. در این صورت مقصود از <بشرًا> حضرت آدم خواهد بود. ۲- مراد منی و نطفه است که در این صورت، مقصود از <بشرًا> فرزندان آدم؛ یعنی، نوع انسان ها خواهد بود. برداشت برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۷ - ۶

۶- آدم (ع) ، از گِل آفریده شده است .

و بدأ خلق الإنسن من طین

با توجه به آیات قرآن و واقعیت تاریخی، مراد از <الإنسان> در آیه، آدم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۱ - ۸

۸- آفرینش آدم (ع) از خاک و انسان از نطفه و در قالب زن و مرد ، از نشانه های قدرت خدا و یکتایی او است .

والله خلقکم من تراب ثم من نطفه ثم جعلکم أزواجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۶ - ۳

۳- ابلیس ، آفریده شدنش از آتش و آفرینش آدم از گل را ، دلیل برتری و مهتری خود بر آدم معرفی کرد .

قال أنا خیر منه خلقتنی من نار و خلقته من طین

برداشت یاد شده از آن

جا است که جمله <خلقتنی من نار..> در مقام تعلیل و تبیین برای جمله <أنا خیر منه> می باشد.

عنصر خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۱ - ۲

۲ - آسمان ، پیش از سامان یافتن و شکل گیری به صورت توده هایی از دود بود .

ثم استوی إلى السماء و هی دخان

عنصر خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۵

۵ آب ماده اصلی برای آفرینش آسمان ها و زمین \*

خلق السموت و الأرض فی سته أيام و كان عرشه علی الماء

برداشت فوق، مقتضای ارتباط میان دو جمله <خلق السموات ..> و <كان عرشه علی الماء> است؛ یعنی، بیان این معنا که: پیش از آفرینش آسمانها و زمین، هستی منحصر به آب بود و خداوند بر آنها حاکمیت داشت، می تواند به این نکته اشاره داشته باشد که خداوند، آن آبهای پیشین یا قسمتی از آنها را به آسمان و زمین تبدیل کرد.

عنصر خلقت ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۲ - ۳،۱۲

۳ ابلیس، آفریده شده از آتشی خاص و آدم، آفریده شده از گلی مخصوص

خلقتنی من نار و خلقته من طین

نکره آمدن <نار> و <طین> حکایت از این دارد که آدم و ابلیس از گل و آتشی مخصوص آفریده شدند و چنانچه این معنا در نظر نبود، آن دو کلمه با <ال> جنس آورده می شد.

١٢ عن أبي عبد الله (ع): ... فإن أول من قاس إبليس حين

قال: < خلقتنی من نار و خلقتہ من طین > ففاس ما بین النار و الطین، و لو قاس نوریہ آدم بنوریہ النار عرف فضل ما بین النورین ...

از امام صادق(ع) روایت شده است: .. اولین کسی که قیاس کرد ابلیس بود آنگاه که (خطاب به خداوند) گفت: < مرا از آتش آفریده ای و او (آدم) را از گل > و بین آتش و خاک قیاس کرد، اگر نورانیت آدم(ع) را با روشنایی آتش مقایسه کرده بود، تفاوت بین آن دو نور را در می یافت ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۱ - ۸

۸- ابلیس ، دارای خلقتی از غیر خاک

قال ءأسجد لمن خلقت طیناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۶ - ۴،۴،۹

۳- ابلیس ، آفریده شدنش از آتش و آفرینش آدم از گل را ، دلیل برتری و مهتری خود بر آدم معرفی کرد .

قال أنا خیر منه خلقتنی من نار و خلقتہ من طین

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <خلقتنی من نار..> در مقام تعلیل و تبیین برای جمله <أنا خیر منه > می باشد.

۴- آتش ، مبدأ و عنصر اولیه خلقت ابلیس

خلقتنی من نار

۹- ابلیس ، از عنصر و ماده اولیه خلقت خود و انسان آگاهی کامل داشت .

خلقتنی من نار و خلقتہ من طین

عنصر خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- اعراف - ۷ - ۱۲ - ۱۲

١٢ عن أبي عبدالله(ع):... فإن أول من قاس إبليس



حین قال: < خلقتنی من نار و خلقتہ من طین > فقیاس ما بین النار و الطین، و لو قاس نوریہ آدم بنوریہ النار عرف فضل ما بین النورین ...

از امام صادق(ع) روایت شده است: .. اولین کسی که قیاس کرد ابلیس بود آنگاه که (خطاب به خداوند) گفت: < مرا از آتش آفریده ای و او (آدم) را از گل > و بین آتش و خاک قیاس کرد، اگر نورانیت آدم(ع) را با روشنایی آتش مقایسه کرده بود، تفاوت بین آن دو نور را در می یافت ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۶ - ۱،۲

۱- خداوند ، پدید آورنده انسان ها از گل خشکیده

و لقد خلقنا الإنسن من صلصل من حمأ مسنون

۲- گل خشکیده ، تیره رنگ ، بد بو و متغیر ، خمیر مایه اصلی آفرینش انسان

و لقد خلقنا الإنسن من صلصل من حمأ مسنون

<صلصال> در لغت به معنای صدای برخاسته از شیء خشک و <حمأ> گل سیاه و بد بو و <مسنون> به معنای متغیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۸ - ۶

۶- خداوند ، انسان را از گلی خشکیده ، سیاه ، بد بو و متغیر آفریده است .

و إذ قال ربك للملائكة إني خلق بشراً من صلصل من حمأ مسنون

<صلصال> در لغت، به معنای صدای برخاسته از شیء خشک و <حمأ> به معنای گل سیاه و بد بو و <مسنون> به معنای متغیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۹ -

۲- خداوند ، پس از پدید آوردن بدن انسان با اجزای متناسب از گِل خشکیده ، در او روح دمید و او را حیات بخشید .

فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي

۶- گِل بد بو ، سیاه و خشکیده به انضمام روح الهی ، آغاز پیدایش نخستین انسان

إِنِّي خَلَقْتُ بَشَرًا مِنْ صَلْصَلٍ مِنْ حَمِإٍ مَسْنُونٍ . فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۳ - ۲،۴،۷

۲- ابلیس ، از ماده اوّلیه خلقت انسان ، آگاهی کامل داشت .

قَالَ لِمَ أَكُنْ لَأَسْجِدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَلٍ مِنْ حَمِإٍ مَسْنُونٍ

۴- ابلیس ، با توجه به ماده اوّلیه خلقت انسان ، او را شایسته مسجود شدن موجودی چون خود نمی دید .

قَالَ لِمَ أَكُنْ لَأَسْجِدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَلٍ مِنْ حَمِإٍ مَسْنُونٍ

تعبیر <لِمَ أَكُنْ لَأَسْجِدَ> به جای <لَا أَسْجِدُ> یا <لَسْتُ أَسْجِدُ> ، می تواند بیانگر این نکته باشد که شیطان، مقام خود را برتر از آدم(ع) می دید.

۷- خداوند ، انسان را از گِلی خشکیده ، سیاه ، بد بو و متغیر آفریده است .

لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَلٍ مِنْ حَمِإٍ مَسْنُونٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۴،۵،۷

۴- توجه به پیدایش انسان و آفریده شدن وی از عناصری بی جان ( خاک ، نطفه ، علقه و مضغه ) ، زداينده هر گونه تردید در امکان برپایی رستاخیز و قدرت خدا بر بخشیدن حیات دو باره به مردگان

يَأْتِيهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَكُمْ . . . ثُمَّ مِنْ مَضْغَةٍ

۵- خاک ، مبدأ

نخستین آفرینش انسان

فإنا خلقناكم من تراب

۷- تحول خاک به نطفه ، تبدیل نطفه به علقه و تکامل علقه به مضغه ، روند آفرینش انسان

فإنا خلقناكم من تراب ثم من نطفه ثم من علقه ثم من مضغه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶ - ۴،۶

۴ - آفرینش انسان و انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان ، نمایشی است از قدرتمندی و توانایی خداوند بر احیای همه مردگان در روز رستاخیز .

فإنا خلقناكم من تراب.. و تری الأرض هامده... و أنه يحيى الموتى

جمله <و أنه يحيى..> عطف بر <أن الله هو الحق> و به تقدیر <و ذلك بأن الله يحيى الموتى > می باشد، یعنی، آن قدرت نمایی ها بدان سبب است که خداوند می تواند مردگان را زنده کند.

۶ - آفرینش انسان و رویاندن انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان ، نمودی از قدرت بی کران و نامحدود خداوند

و أنه على كل شيء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷ - ۶،۸

۶ - آفرینش انسان و انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان ، یادآور رستاخیز و دلیلی گویا بر قطعی بودن برپایی آن .

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <الساعة> به برپایی قیامت و <ذلك> در آیه قبل به خلقت انسان و ایجاد انواع گیاهان: إن كنتم فى ريب من البعث فإننا خلقناكم من تراب.. فإذا أنزلنا عليها الماء اهتزت و ربت > اشاره داشته باشد.

۸ - خلقت انسان و رویش انواع گیاهان از خاک

بی جان ، نشانگر توانمندی خدا بر احیای مردگان در روز رستاخیز

فإنّا خلقناکم . . . و ترى الأرض هامده ... و أنّ الله یبعث من فی القبور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۲ - ۲

۲ - آفرینش نخستین انسان از عصاره گِل ( خاک آمیخته با آب )

و لقد خلقنا الإنسن

سیاق آیات مورد بحث، نشان می دهد که مراد از <انسان>، نوع انسان است که شامل <حضرت آدم> و غیر او می شود. بنابراین مقصود از <خلق> در این آیه، آفرینش ابتدایی آدم است که از <گِل> آفریده شد. آیه بعد نیز، بیانگر آفرینش نسل آدم است که از نطفه آفریده شده و می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۳ - ۳

۳ - آفرینش نسل آدم از نطفه پس از آفرینش خود وی از عصاره گِل

و لقد خلقنا الإنسن من سلله من طین . ثم جعلنه نطفه فی قرار مکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۴ - ۲

۲ نطفه و منی ، خمیرمایه و عنصر نخستین آفرینش انسان

و هو الذی خلق من الماء بشرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۰ - ۱،۲،۳،۴،۶

۱ - از جمله آیات خداوند ، آفریدن انسان ها از خاک است .

و من ءایته أنّ خلقکم من تراب

۲ - خداوند ، پدید آورنده انسان ها از خاک است .

خلقکم من تراب

۳ - خاک ، مبدأ پیدایش انسان ها است .

و من ءایته أن خلقکم

من تراب

۴ - پدید آمدن انسان های زنده از دل خاک مرده ، نمودی از پدید آوردن موجود جان دار از موجود بی جان به دست خداوند است .

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ .. و من ءاياته أن خلقكم من تراب

۶ - پدید آوردن موجودی زنده مانند انسان از دل خاک مرده ، از نشانه های توان مندی خداوند بر احیای مجدد انسان ها است .

و كذلك تخرجون . و من ءاياته أن خلقكم من تراب

از این آیه به بعد، چندین آیه، در صدد شمارش آیات الهی است. از میان آن آیات، ذکر مناسب ترین آیه با > و كذلك تخرجون < پس از آن، می تواند در ضمن بیان آیات الهی، اشاره به نکته فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۷ - ۵،۷،۸

۵ - آغاز آفرینش انسان ( آدم ) ، از گِل است .

و بدأ خلق الإنسان من طين

۷ - خلقت موجودی شگفت مانند انسان از گلی بی شکل و فاقد حیات ، نمود آفرینش نیکوی خدا است .

أحسن كل شيء خلقه و بدأ خلق الإنسان من طين

۸ - آفرینش انسان از گِل ، نشانه علم و تدبیر خدا است .

يدبر الأمر .. علم الغيب و الشهده ... و بدأ خلق الإنسان من طين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۹ - ۸

۸ - انسان ، از دو عنصر ( جسم و روح ) است .

ثم سوّيه و نفخ فيه من روحه

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۱

۲ - خاک ، ماده و عنصر نخستین آفرینش انسان ها است .

و الله خلقکم من تراب

۸ - آفرینش آدم (ع) از خاک و انسان از نطفه و در قالب زن و مرد ، از نشانه های قدرت خدا و یکتایی او است .

و الله خلقکم من تراب ثم من نطفه ثم جعلکم أزواجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۱ - ۶،۷

۶ - آفرینش آغازین انسان از گل چسبنده بود .

إنا خلقنهم من طین لازب

<طین> به معنای <گل> و <لازب> به معنای <چسبنده> است.

۷ - آفرینش انسان از گل چسبنده ، گواه برتری آفرینش جهان طبیعت بر آفرینش انسان و شاهد توانایی خدا بر احیای مجدد انسان ها از خاک است .

إنا خلقنهم من طین لازب

برداشت فوق از آن جا است که جمله <إنا خلقناهم من طین لازب> تعلیل است برای آنچه مورد استفتا و استفهام در جملات قبل بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۱ - ۴

۴ - گل ، خمیرمایه آفرینش انسان

إذ قال ربك للملائكة إني خلق بشرًا من طین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۶ - ۵،۹



۵ - گِل ، مبدأ و عنصر اولیه خلقت انسان

خلقته من طين

۹ - ابليس ، از عنصر و ماده اولیه خلقت خود و انسان آگاهی کامل داشت .

خلقتنی من نار و خلقته من طين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۷ - ۲،۴

۲ - خاک ، مبدأ نخستین

آفرینش انسان

خلقکم من تراب

۴ - تحوّل خاک به نطفه تبدیل نطفه به علقه و تکامل آن ، روند آفرینش انسان

خلقکم من تراب ثمّ من نطفه ثمّ من علقه ثمّ یخرجکم طفلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۱۵

۱۵ - خاک و عناصر آن ، ماده اصلی پیدایش انسان به اراده الهی

إذ أنشأکم من الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۶ - ۳

۳ - پیدایش انسان از آبی اندک ( نطفه ) ، نمودی از قدرت و ربوبیت الهی

و أنّ إلی ربّک المنتهی .. و أنّه خلق ... من نطفه

از ارتباط این آیه با آیه <و أنّ إلی ربّک المنتهی> ، مطلب بالا قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۴ - ۱،۳،۴

۱ - انسان ، آفریده شده به اراده خداوند از گلی خشک همچون سفال

خلق الإنسن من صلصل کالفخّار

<صلصال> به گل خشک و <فخّار> به سفال گفته می شود.

۳ - پیدایش موجودی شعورمند و صاحب اراده از گلی خشکیده ( چون انسان ) ، شایان تأمل و درس آموزی است .

خلق الإنسن من صلصل

تذکر به مبدأ پیدایش انسان، ممکن است نظر به مطلب بالا داشته باشد؛ چه این که آیات سوره تماماً توحیدی است و در مقام نمایاندن ربوبیت یگانه حق می باشد.

۴- آب و خاک ، دارای نقش عمده در شکل گیری وجود انسان

خلق الإنسن من صلصل کالفخّار

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که واژه <صلصال> گرچه به معنای گل

خشکیده است؛ ولی به هر حال در آن آمیختگی خاک با آب مطرح است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۵ - ۳

۳ - آفرینش انسان و جن ، دو موجود شعورمند ، از دو عنصر کاملاً متفاوت ( خاک و آتش ) ، نمود قدرت خداوند

خلق الإنسن من .. و خلق الجن من مارج من نار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۶ - ۱،۲،۳

۱ - جلوه های ربوبیت الهی در آفرینش انسان از < خاک > و جن از < آتش > ، غیر قابل انکار و تکذیب ناپذیر است .

خلق الإنسن من .. و خلق الجن من .. فبأیء الآء ربکما تکذبان

۲ - تبدیل گلی خشکیده به موجودی چون < انسان > و شعله آتش به موجود زنده ای چون < جن > ، نمود ربوبیت یگانه خداوند

خلق الإنسن من صلصل کالفخار. .. فبأیء الآء ربکما تکذبان

۳ - پیدایش خصلت های ویژه انسانی از مستی خاک و پیدایش موجود زنده دارای درک و شعورمندی چون جن از شعله آتش ، نعمت هایی شایان تأمل و قدرشناسی \*

خلق الإنسن من صلصل .. فبأیء الآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۷ - ۲،۳

۲ - انسان ، از عناصر زمینی آفریده شده است .

و الله أنبتکم من الأرض

۳ - خاک ، عنصر اصلی آفرینش آدم

و الله أنبتکم من الأرض

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از <أنبتکم> پیدایش اصل انسان‌ها (حضرت آدم(ع)) باشد. بر

این اساس <الأرض> اشاره به عنصر خاکی آفرینش آدم خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲ - ۱۱، ۴، ۲، ۱

۱ - نطفه ، مبدأ پیدایش انسان

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ

۲ - آفرینش انسان از نطفه ، جلوه عظمت و قدرت خداوند

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ

انتساب آفرینش انسان از نطفه به خداوند، با به کارگیری ضمیر متکلم مع الغیر، بیانگر مطلب یاد شده است.

۴ - مبدأ پیدایش انسان ، آمیزه ای از نطفه مرد و زن است . \*

من نطفه أمشاج

به گفته برخی از مفسران، مقصود از <أمشاج>، ممکن است اختلاط نطفه مرد و زن باشد.

۱۱ - آفرینش انسان از نطفه ، دلیل قدرت خداوند بر آفرینش مجدد او در روز رستاخیز

هل أتى على الإنسان حين من الدهر لم يكن شيئاً مذكوراً . إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است، موضوع آیه ۵ این سوره تا پایان آن، درباره مسائل قیامت (مانند بهشت و جهنم و جایگاه کافران و خوبان و ..) است. ضمن آن که آیه پایانی سوره پیش که درباره اثبات توانایی خداوند بر احیای مردگان بود تأییدکننده همین مطلب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۰ - ۴، ۲

۲ - آفرینش انسان ها ، از مایعی پست و بی مقدار ( نطفه )

ألم نخلقكم من ماء مهين

<مهين>، در معانی حقیر، ضعیف و قلیل به کار می رود (قاموس المحيط).

۴ - آفرینش انسان ها از مایعی پست و بی مقدار ( نطفه ) ، نشانه قدرت و عظمت

خداوند

ألم نخلقكم من ماء مهين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۸ - ۲

۲ - توجه به ماده اولیه خلقت انسان و سیر پیدایش وی ، مانع کفر به خداوند و قدرت او و زمینه ساز باور به معاد

قتل الإنسن ما أكفره . من أيّ شيء خلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۹ - ۲،۴

۲ - انسان ها ، از نطفه آفریده شده اند .

من نطفه خلقه

۴ - توجه انسان به پیدایش او از نطفه ای ناچیز ، بازدارنده وی از کفرورزی به خداوند و قدرت او و مایه باور به معاد است .

ما أكفره .. من نطفه خلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۶ - ۱،۲

۱ - منی ( نطفه مرد ) ، عنصر اصلی در آفرینش جسم انسان

خلق من ماء دافق

<دَفَقَ الماء> یعنی، آب به شدت ریخت / این فعل به صورت لازم و متعدی استعمال می شود / برخی تنها متعدی بودن آن را پذیرفته و <دافق> را به معنای <مدفوق> یا <ذی دفق> معنا کرده اند (مصباح). آب جهنده گرچه می تواند بر منی مرد و تخمک زن تطبیق کند / زیرا هر دو از کیسه منی در مرد و تخمدان در زن بیرون می جهند / ولی انصراف عرفی آن به نطفه مرد است.

۲ - جسم انسان ، از آبی آفریده شده است که از مرد و زن یکباره تخلیه شده و از ظرف خود بیرون می جهد .



ماء دافق

این احتمال وجود دارد که مراد از <ماء دافق>، نطفه

مرد و تخمک زن هر دو باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۸ - ۲

۲ - آفرینش انسان از منی ، برهان قدرت خداوند بر معاد و تجدید حیات انسان است .

خلق من ماء ... یخرج ... إنه علی رجعه لقادر

عنصر خلقت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۱۴

۱۴ عناصر زمینی ، خمیرمایه خلقت انسان است .

هو أنشأكم من الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۵ - ۱

۱ - ماده خلقت انسان ها ، فراهم آمده از زمین و عناصر آن

جعل لكم الأرض ... منها خلقنكم

مرجع ضمیر در <منها> <الأرض> در آیات قبل است.

عنصر خلقت جانداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۵ - ۱۳، ۲، ۳، ۱

۱ - خداوند ، [ در آغاز ] هر جاندار را از آب آفرید .

و الله خلق کلّ دابة من ماء

به حیوانات و جانداران روی زمین چه بزرگ و قابل رؤیت باشند و چه کوچک و غیر قابل دیدن <دابه> گویند (لسان العرب).

۲- آب ، از عناصر نخستین پیدایش حیات حیوانی است .

و الله خلق كل دابه من ماء

۳- خداوند ، موجودات جاندار را از انواع مایع های متناسب خود آفرید .

و الله خلق كل دابه من ماء

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که تنکیر <ماء> برای تنويع باشد. بر این اساس معنای <ماء> انواع جسم مایع است و مقصود این

است که عنصر اولی و منشأ پیدایش حیات جانداران، از جسم مایع است و حیات هر جاندار از مایعی متناسب خود می باشد.

۱۳ - آفرینش انواع جانداران از جسمی مایع ، جلوه ای از قدرت مطلق خداوند است .

و الله خلق کلّ دابّه من ماء .. یخلق الله ما یشاء إنّ الله علی کلّ شیء قدیر

عنصر خلقت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۷ - ۱،۷،۸

۱- خداوند ، جنیان را از آتش دارای باد های سوزان آفرید .

و الجانّ خلقنه من قبل من نار السموم

<سموم> در لغت به معنای باد سوزان است.

۷- > عن النبی (ص) قال : ... هذه النار جزء من سبعین جزءاً من نار السموم التي خلق منها الجانّ و تلا هذه الآية : > و

الجانّ خلقناه من قبل من نار السموم < ;

از رسول اکرم(ص) روایت شده است که فرمود: این آتش (دنیا در حرارت و تأثیر) یک هفتادم از آتش سمومی است که جن از آن آفریده شده است و [رسول خدا(ص)] این آیه را تلاوت فرمود: و الجانّ خلقناه من قبل من نار السموم <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۵ - ۱،۳،۴

۱ - جن ، آفریده شده به اراده الهی ، از شعله های خالص و بدون دود آتش

و خلق الجانّ من مارج من نار

<مارج>، به معنای آتش خالص بدون دود است (قاموس المحيط).

۳ - آفرینش انسان و جن ، دو موجود شعورمند ، از دو عنصر کاملاً متفاوت ( خاک و آتش ) ،

خلق الإنسن من .. و خلق الجنّ من مارح من نار

۴ - > عن الحسين بن علي (ع) كان علي بن أبي طالب (ع) بالكوفة في الجامع إذ قام إليه رجل ... و سأله عن اسم أبي الجنّ فقال : شومان و هو الذي خلق من مارح من نار ... ;

از امام حسين (ع) روایت شده که حضرت علی (ع) در جامع کوفه بود که مردی برخاست [و در ضمن چند سؤال از آن حضرت] از پدر جن سؤال کرد؛ حضرت فرمود: پدر جن <شومان> نام داشت [و فرمود:] هو الذی خلق من مارح من نار. <..>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۶ - ۱،۲،۳

۱ - جلوه های ربوبیت الهی در آفرینش انسان از < خاک > و جن از < آتش > ، غیر قابل انکار و تکذیب ناپذیر است .

خلق الإنسن .. و خلق الجنّ ... فبأیّ ءالآء ربکما تکذبان

۲ - تبدیل گلی خشکیده به موجودی چون < انسان > و شعله آتش به موجود زنده ای چون < جن > ، نمود ربوبیت یگانه خداوند

خلق الإنسن من صلصل کالفخار. .. فبأیّ ءالآء ربکما تکذبان

۳ - پیدایش خصلت های ویژه انسانی از مشتی خاک و پیدایش موجود زنده دارای درک و شعورمندی چون جن از شعله آتش ، نعمت هایی شایان تأمل و قدرشناسی \*

خلق الإنسن من صلصل .. فبأیّ ءالآء ربکما تکذبان

عنصر خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۵

آب ماده اصلی برای آفرینش آسمان ها و زمین \*

خلق السموت و الأرض فی سته أيام و كان عرشه علی الماء

برداشت فوق، مقتضای ارتباط میان دو جمله <خلق السموات ..> و <كان عرشه علی الماء> است؛ یعنی، بیان این معنا که: پیش از آفرینش آسمانها و زمین، هستی منحصر به آب بود و خداوند بر آنها حاکمیت داشت، می تواند به این نکته اشاره داشته باشد که خداوند، آن آبهای پیشین یا قسمتی از آنها را به آسمان و زمین تبدیل کرد.

عنصر خلقت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۱ - ۳

۳ - زنان و مردان ، از یک جنس آفریده شده اند .

أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ .. خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا

عنصر خلقت گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶ - ۴،۶

۴ - آفرینش انسان و انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان ، نمایشی است از قدرتمندی و توانایی خداوند بر احیای همه مردگان در روز رستاخیز .

فإننا خلقناكم من تراب.. و تری الأرض هامده... و أنه یحیی الموتی

جمله <و أنه یحیی..> عطف بر <أن الله هو الحق> و به تقدیر <و ذلك بأن الله یحیی الموتی > می باشد؛ یعنی، آن قدرت نمایی ها بدان سبب است که خداوند می تواند مردگان را زنده کند.

۶ - آفرینش انسان و رویاندن انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان ، نمودی از قدرت بی کران و نامحدود خداوند

و أنه علی کل شیء قدير

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷ - ۶۸

۶ - آفرینش انسان و انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان ، یادآور رستاخیز و دلیلی گویا بر قطعی بودن برپایی آن .

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <الساعة> به برپایی قیامت و <ذلک> در آیه قبل به خلقت انسان و ایجاد انواع گیاهان: *إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ تُرَابٍ .. فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَّتْ < اشاره داشته باشد.*

۸ - خلقت انسان و رویش انواع گیاهان از خاک بی جان ، نشانگر توانمندی خدا بر احیای مردگان در روز رستاخیز

*فإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ .. و تَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً ... و أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مِّنْ فِي الْقُبُورِ*

عنصر خلقت مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۱ - ۳

۳ - زنان و مردان ، از یک جنس آفریده شده اند .

*أَن خَلَقَكُمْ مِّنْ تُرَابٍ .. خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا*

عنصر خلقت همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۱ - ۱

۱ - آفرینش همسران از جنسی همگون ، از آیات الهی است .

*و مِّنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا*

عیسی(ع) و خلقت پرنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۴۰

۴۰ کافران بنی اسرائیل پس از مشاهده معجزات عیسی (ع)، وی را ساحری زبردست معرفی کردند.

فقال الذين كفروا منهم ان هذا الا سحر مبين

در برداشت فوق <هذا> اشاره به



مسیح(ع) گرفته شده است، بر این مبنا اطلاق سحر به آن حضرت از باب مبالغه و حاکی از این است که کافران وی را ساحری زبردست می پنداشتند به گونه ای که گویا خود آن حضرت، سحر است.

غفلت از کیفیت خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۶ - ۵

۵ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نیندیشیدن آنان در اهمیت آفرینش خود از خاک و آتش

خلق الإنسن من صلصل .. فبأیء الآء ربکما تکذبان

غفلت از کیفیت خلقت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۶ - ۵

۵ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نیندیشیدن آنان در اهمیت آفرینش خود از خاک و آتش

خلق الإنسن من صلصل .. فبأیء الآء ربکما تکذبان

فلسفه خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۴

۴ - خداوند ، آسمان را در جهت منافع انسان ها برافراشته ساخت .

اللّٰه الذی جعل لکم .. و السماء بناء

<بناء>، در لغت معنایی دارد که شامل: ساختمان، خیمه، چادر و مانند این ها می شود: اطلاق <بناء> بر آسمان از باب تشبیه است، یعنی، <جعل لکم السماء کالبناء>.

فلسفه خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۹

۹ پدید آمدن نیکوکارترین انسان ها ( انسان های کامل ) از هدف های آفرینش آسمان

ها و زمین است .

خلق السموت و الأرض .. لیلو کم اَیکم أحسن عملاً

<لیلو کم> متعلق به <خلق السموات ..> است و بیانگر هدف آفرینش می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲ - ۱۲

۱۲ - آگاه شدن بشر به قدرت و علم همه جانبه خداوند ، از حکمت های آفرینش آسمان ها و زمین

اللّٰه الذی خلق سبع سموت .. لتعلموا أنّ اللّٰه علی کلّ شیء قدير و أنّ اللّٰه قد

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که <لام> در جمله <لتعلموا..> تعلیل برای عبارت <خلق سبع سماوات> است و این جمله بیانگر علت و فلسفه آفرینش آسمان ها و زمین است.

فلسفه خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۰ - ۵

۵ - بهره‌وری انسان از موهبت های طبیعی ، هدف اصلی از خلقت هستی

الذی جعل لکم الأرض مهّداً و جعل لکم فیها سبلاً

به کار رفتن کلمه <لکم> و تکرار آن، می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که هدف از آفرینش نعمت ها به وسیله خداوند، بهره‌وری انسان از آنها است.

فلسفه خلقت اسب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۲

۲- اسب ، استر و الاغ به منظور سوار شدن ، زینت بودن و تجمل آفریده شده است .

و الخیل و البغال و الحمیر لترکیبها و زینه

فلسفه خلقت استر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۲

۲- اسب ، استر و

الاغ به منظور سوار شدن ، زینت بودن و تجمل آفریده شده است .

و الخيل و البغال و الحمير لتركبوها و زينه

فلسفه خلقت الاغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۲

۲- اسب ، استر و الاغ به منظور سوار شدن ، زینت بودن و تجمل آفریده شده است .

و الخيل و البغال و الحمير لتركبوها و زينه

فلسفه خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ - هدف از آفرینش انسان ها ، نایل شدن آنان به مرتبه تقواست .

خلقکم .. لعلکم تتقون

برداشت فوق بر این اساس است که: <لعلکم ..> - علاوه بر تعلقش به <اعبدوا> - به <خلقکم> نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۱،۳۰

۱ - خداوند بعد از آفرینش آسمان ها و مواهب زمین ، به خلقت انسان پرداخت ، تا او را به منصب خلافت برساند .

خلق لکم ما فی الأرض .. و إذ قال ربّک للملئکة إنی جاعل فی الأرض خلیفه

با توجه به آیه ۳۴ از همین سوره و آیات دیگری که درباره خلقت آدم (ع) است، می توان گفت: سخن خداوند با فرشتگان درباره آدم، قبل از خلقت وی بوده است. بنابراین <إنی جاعل فی الأرض خلیفه> علاوه بر بیان خلافت آدم(ع) دلالت بر آفرینش او نیز دارد؛ یعنی: می خواهم [موجودی] بیافرینم و او را خلیفه قرار دهم.

۳۰ امیر المؤمنین (ع) فرمود: <... قالت

الملائكة : سبحانك > أتجعل في ها من يفسد في ها و يسفك الدماء و نحن نسيح بحمدك و نقدس لك < . . . فاجعله منا فاننا لانفسد في الأرض و لانسفك الدماء . قال جلّ جلاله . . . > إني أعلم ما لاتعلمون < اني اريد ان اخلق خلقاً بيدي اجعل ذريته انبياء مرسلين و عباداً صالحين و ائمه مهتدين اجعلهم خلفائي في ارضي . . . ;

.. ملائكه گفتند: پروردگارا منزهى تو > آیا قرار مى دهى در زمين كسى را كه فساد و خونريزى مى كند و ما تسبيح و حمد تو را به جا مى آوريم و تقديست مى كنيم < . پس خليفه را از ما قرار بده كه ما نه در زمين فساد مى كنيم و نه خونريزى مى نماييم . خداوند جل جلاله فرمود: من چيزى را مى دانم كه شما نمى دانيد؛ من اراده نموده ام كه با دست خود خلقى را بيافرينم كه از نسل او پيامبران مرسل، بندگان صالح و پيشوايان هدايت يافته به وجود آيند كه آنان را جانشينان خود بر مخلوقاتم در زمين قرار بدهم < .

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۳۱ - ۲

۲ - توان يادگيرى حقايق هستى ، حكمت آفرينش انسان و راز لياقت او براى خلافت در زمين

إني جاعل في الأرض خليفه . . . و علم ادم الأسماء كلها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۵۶ - ۴

۴ - رسيدن به مرتبه و منزلت شاكران ، از وظائف اساسى انسان و هدف از خلقت اوست

ثم بعثناكم من بعد موتكم لعلكم تشكرون

به نظر می‌رسد سپاسگزاری - که به عنوان هدف از <بعثناکم> بیان شده - در برابر خصوص حیات دوباره نباشد، بلکه به عنوان هدف برای اصل حیات و زندگی مطرح باشد؛ یعنی، خداوند صاعقه زدگان بنی اسرائیل را حیات بخشید و هدف آن بود که در حیات دنیوی سپاسگزار باشند و به منزلت شاگردان نایل شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۲

۲ خداوند بسیاری از انسان‌ها و جنیان را برای ورود به دوزخ آفرید .

و لقد ذرأنا لجهنم كثيراً من الجن و الإنس

<ذرأنا> (مصدر ذرأنا) به معنای آفریدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۱۰

۱۰- هدف از آفرینش انسان و اعطای نعمت (قوای ادراکی و ...) به او، شناخت خداوند و شکر اوست .

و الله أخرجكم من بطون .. و جعل لكم السمع ... لعلكم تشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷ - ۱۴، ۴

۴- تحقق یافتن بهترین عمل و برترین عامل، فلسفه آفرینش انسان و موهبت‌های پیرامون او است .

إنا جعلنا .. لنبلوهم أيهم أحسن عملاً

عبارت <لنبلوهم..> در تبیین علت و فلسفه آفرینش موهبت‌های زمین، به ایجاد زمینه برای تحقق یافتن دو شاخصه اشاره کرده است: ۱ بهترین عمل کننده از بین افراد انسان؛ ۲ بهترین عمل از بین عمل‌ها.

۱۴- > عن علی بن الحسین (ع) : .. ان الله

عَزَّوَجَلَّ . . . اِنَّمَا خَلَقَ الدُّنْيَا وَ خَلَقَ اَهْلَهَا ، لِيَلُوْهُم فِيْهَا اٰيٰتِهِمْ اَحْسَنَ عَمَلًا لَّاٰخِرَتَهٗ ;

از امام سجاده (ع) روایت شده که فرمود: . . . همانا، خدای، عزوجل، ... دنیا و اهل آن را، تنها، برای این آفرید تا آنان را در آن بیازماید که کدام شان برای آخرت اش بهتر عمل می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۵ - ۴

۴- حکمت و فلسفه خلقت انسان ، امتحان و آزمایش او است .

كُلُّ نَفْسٍ ذٰئِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبْلُوْكُمْ بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً

از ارتباط دو جمله <کُلُّ...> و <نبلوکم...> استفاده می شود که جمله اخیر پاسخ سؤال مقدری است که: اگر مرگ سرنوشت همگان است، پس چرا انسان ها آفریده شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۵ - ۳

۳ - بینش غلط نسبت به هدف آفرینش ( بازگشت به سوی خدا ) ، ریشه انحرافات بشر و عامل دوزخی شدن وی

قَالُوْا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا .. اَفْحَسِبْتُمْ اَنَّمَا ... لَا تَرْجِعُوْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۴ - ۴

۴ - هدف آفرینش انسان ، محدود به زندگی دنیوی وی نیست .

يَبْدُوْا الْخَلْقَ ثُمَّ يَعِيْدُهٗ

اعاده حیات می رساند که هدف از آفرینش، در همین زندگی زودگذر دنیایی تکمیل نمی شود و گرنه نیازی به اعاده آن نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۷ - ۱۷، ۱۹





است .

هو الذی خلقکم من تراب .. لعلکم تعقلون

۱۹ - شناخت خردورزانه مبدأ و منت های آفرینش ( خدا و معاد ) ، فلسفه خلقت انسان

هو الذی خلقکم من تراب .. لعلکم تعقلون

برداشت بالا به خاطر این نکته است که آیه شریفه، در صدد شناساندن خدا به عنوان مبدأ آفرینش انسان و مسأله معاد است که در آیه بعد از آن سخن به میان خواهد آمد (هو الذی یحیی و یمیت ..).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۵ - ۶

۶ - خلقت انسان بدون هیچ هدف ارزشمند ، امری نامعقول است .

أم خلقوا من غیر شیء

برداشت یاد شده بدان احتمال است که واژه <شیء>، کنایه از غایت و هدف باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۷ - ۳

۳ - تحقق هدف الهی از آفرینش انسان ، منوط به برپایی قیامت \*

و أنه خلق .. و أن علیه النشأه الأخری

از متفرع شدن <علیه النشأه الأخری> بر <خلق الزوجین>، می توان نتیجه گرفت که خلقت دنیوی مرد و زن، به تنهایی کافی نیست و برای تحقق هدف الهی، در خلقت اخروی آنان ضروری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳ - ۳

۳ - فلسفه خلقت انسان ، نهفته در مقام رحمانیت خداوند

الرحمن .. خلق الإنسان

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که وصف <الرحمان> مشعر به علیت باشد، یعنی، چون خداوند دارای رحمت گسترده است، رحمت او مقتضی است که فیض از خلق دریغ ندارد و

نعمت وجود بر اندام آنان ببوشاند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۲ - ۶

۶ - کفر انسان ها به خداوند ، برخلاف مسیر و فلسفه خلقت انسان و جهان و شگفت انگیز است .

هو الذی خلقکم فمنکم کافر و منکم مؤمن

تفریح <فمنکم کافر> بر موضوع آفرینش انسان از سوی خداوند (هو الذی خلقکم) و یادآوری آفرینش حق مدارانه جهان در آیه بعد، می رساند که کفر انسان ها به آفریننده خود، امری شگفت انگیز و بیرون از مسیر خلقت و به دور از انتظار است؛ زیرا انتظار از مخلوق (انسان)، این است که آفریننده خود را انکار نکند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲ - ۲۳، ۱۶، ۱۰

۱۰ - تکامل و تعالی و داشتن دستاوردی بهتر ، فلسفه و هدف آغازین خلقت بشر و برخوردار شدن از جزا و پاداش اخروی ( بهشت برین ) ، فلسفه و هدف نهایی آفرینش او است .

لیلوکم اَیکم أحسن عملاً

به مقتضای جمله <لیلوکم اَیکم أحسن عملاً>، هدف از خلقت انسان و تقدیر مرگ و حیات برای وی، تکامل و داشتن دستاوردی بهتر در دنیا است؛ ولی چون پاداش و جایزه اصلی آن را در جهان آخرت دریافت می کند، بنابراین می توان گفت: تکامل، هدف مرحله اولی خلقت بشر و بهشت برین، هدف مرحله نهایی آفرینش او است.

۱۶ - تلاش برای تکامل و بهتر شدن ، در راستای هدف و فلسفه خلقت بشر و گناه و کوتاهی او ، بیرون از آن است .

لیلوکم اَیکم أحسن عملاً

جمله <لیلوکم اَیکم أحسن عملاً> می

رساند که هر تلاشی برای تکامل و بهتر شدن، در جهت هدف خلقت بشر است. بنابراین، هر گناه و کوتاهی ای که از بشر سر زند، خارج از دایره هدف خلقت است.

۲۳ - > عن الرضا (ع) : ... و أمّا قوله : < لیلوکم ائیکم أحسن عملاً > فَإِنَّهُ عَزَّوَجَلَّ خَلَقَ خَلْقَهُ لِيَلُوهُمْ بِتَكْلِيفِ طَاعَتِهِ وَ عِبَادَتِهِ ، لَا عَلَى سَبِيلِ الْإِمْتِحَانِ وَ التَّجْرِبَةِ لِأَنَّهُ لَمْ يَزَلْ عَلِيماً بِكُلِّ شَيْءٍ ... ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: .. اما سخن خداوند: (لیلوکم ائیکم أحسن عملاً) پس خداوند عزوجل مخلوقاتش را آفرید تا آنان را بهوسیله تکلیف نمودن به طاعت و عبادت خود، آزمایش کند؛ ولی این آزمودن، برای تجربه اندوزی و آگاهی یافتن نبود؛ زیرا خداوند همیشه به تمام اشیا عالم بوده است... <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۹ - ۶

۶ - مطالعه در مبدأ و مراحل پیدایش انسان ، موجب راه یابی به هدف آفرینش آدمی و فلسفه زندگی او

أیحسب الإنسان أن یتَرَکَ سُدًى . ألم یک نطفه ... فخلق فسوی . فجعل منه الزوجین الذکر

بیان سیر تکوین انسان پس از طرح موضوع بی هدف نبودن زندگی بشر می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲ - ۸

۸ - آفرینش انسان از سوی خداوند ، حکیمانه و هدفمند و به دور از پوچی و بیهودگی است .

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ .. نَبْتَلِيهِ

تأکید خداوند بر آزمایش شدن انسان از آغاز

خلقت وی، می تواند برای نفی توهم پوچی و بی هدف بودن آفرینش انسان ها باشد.

فلسفه خلقت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۱۴

۱۴ > عن الرضا (ع) قال: إن الله تبارك و تعالی... خلق السموات و الأرض فی سته أيام... لیظهر للملائکه ما یخلقه منها شيئاً بعد شیء فیستدل بحدوث ما یحدث علی الله تعالی مرّه بعد مرّه... و أما قوله عزوجل: < لیلوکم أیکم أحسن عملاً > فإنه خلقهم لیلوهم بتکلیف طاعته و عبادته، لا علی سبیل الإمتحان و التجربه لأنه لم یزل علیماً بکلّ شیء... ;

از امام رضا(ع) روایت شده است که فرمود: همانا خدای تبارک و تعالی... آسمانها و زمین را در شش روز آفرید... تا آنچه را می آفریند برای ملائکه یکی پس از دیگری آشکار کند، که به وسیله حدوث پدیده ها تازه به تازه بر وجود خدا استدلال شود... و اما قول خدای عزوجل < لیلوکم أیکم أحسن عملاً >؛ یعنی، خدا انسانها را آفرید تا آنان را به وسیله تکلیف به طاعت و عبادت خود آزمایش کند. البته نه برای امتحان و کشف مجهول؛ زیرا از ازل به همه چیز آگاه بوده و هست...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۴،۱۱

۴ هدف از خلقت انسانها، هدایت کردن ایشان به طریق حق و نزول رحمت بر آنان است .

إلا من رحم ربک و لذلك خلقهم

مشارالیه

<ذلك> رحمتی است که از جمله <رحم ربك> استفاده می شود.

۱۱ > عن أبي بصير عن أبي عبدالله (ع) قال : سألته عن قول الله عزوجل : ... <إلا من رحم ربك و لذلك خلقهم > قال : خلقهم ليفعلوا ما يستوجبوا به رحمته فيرحمهم ;

ابوبصیر گوید: از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند <إلا من رحم ربك و لذلك خلقهم> سؤال کردم، فرمود: آنان را آفرید تا کارهایی را انجام دهند که مستحق رحمت الهی شوند و در نتیجه خداوند ایشان را مورد رحمت قرار دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۶ - ۶

۶ - حیات آخرت ، حیات اصلی و هدف نهایی برای بشر است .

إنا أخلصنهم بخالصة ذكرى الدار

از ستایش شدن پیامبران به آخرت اندیشی و دنیاگریزی، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۶ - ۱،۹

۱ - هدف خداوند ، از آفرینش جن و انس ، رسیدن آنان به مرتبه عبودیت و معرفت او است .

و ما خلقت الجنّ و الإنس إلا ليعبدون

واژه <ليعبدون> به دلالت التزامی اشاره به حقیقت معرفت دارد؛ زیرا اصولاً عبودیت واقعی و ستایش حق، جز در پرتو معرفت تحقق نمی یابد.

۹ - > عن أبي بصير قال : سألت أبا عبدالله (ع) عن قوله عزّوجلّ : < و ما خلقت الجنّ و الإنس إلا ليعبدون > قال خلقهم ليأمرهم بالعبادة ;

ابی بصیر می گوید: از امام صادق(ع) درباره سخن خدای عزوجلّ: <و ما خلقت

الجنّ و الإنس إلاّ ليعبدون > سؤال نمودم، فرمود: خداوند آنان را آفرید تا آنها را به عبادت فرمان دهد >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۰ - ۵

۵ - تردید جن پس از ممنوع شدن از استراق سمع آسمان، در شناخت تقدیر الهی درباره اهل زمین و خیر و رشد بودن آفرینش آنها \*

و أنا لاندري أشرّ أريد بمن في الأرض أم أراد بهم ربهم رشدًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که ممنوعیت جن از استراق سمع آسمان، ظرف زمان برای پیدایش این سؤال باشد که خداوند، برای چه منظوری اهل زمین را آفرید؛ نه این که به چه هدفی آنان از استراق سمع، ممنوع شدند؟

فلسفه خلقت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۶ - ۱،۹

۱ - هدف خداوند، از آفرینش جن و انس، رسیدن آنان به مرتبه عبودیت و معرفت او است .

و ما خلقت الجنّ و الإنس إلاّ ليعبدون

واژه <ليعبدون> به دلالت التزامی اشاره به حقیقت معرفت دارد؛ زیرا اصولاً عبودیت واقعی و ستایش حق، جز در پرتو معرفت تحقق نمی یابد.

۹ - > عن أبي بصير قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قوله عزّوجلّ : < و ما خلقت الجنّ و الإنس إلاّ ليعبدون > قال خلقهم ليأمرهم بالعباده ;

ابی بصیر می گوید: از امام صادق (ع) درباره سخن خدای عزّوجلّ: <و ما خلقت الجنّ و الإنس إلاّ ليعبدون> سؤال نمودم، فرمود: خداوند آنان را آفرید تا آنها را به عبادت فرمان دهد >.

فلسفه خلقت جنیان

جلد



- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۲

۲ خداوند بسیاری از انسان ها و جنیان را برای ورود به دوزخ آفرید .

و لقد ذرأنا لجهنم كثيراً من الجن و الإنس

<ذرأ> (مصدر ذرأنا) به معنای آفریدن است.

فلسفه خلقت چشمه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۵ - ۲

۲ - خداوند ، چشمه ساران را به منظور بهره بردن انسان ها از آثار و فواید آنها آفریده است .

و فجّرنا فیها من العیون . لیأکلوا من ثمره

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که ضمیر در <ثمره> به <تفجیر> یعنی، مصدر <فجّرنا> بازگردد. گفتنی است براساس این احتمال، معنای <ثمر> میوه نیست؛ بلکه به معنای آثار و فواید است؛ چنان که به فایده و سود حاصل از تجارت، ثمره تجارت گفته می شود.

فلسفه خلقت چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵ - ۲

۲- آفرینش دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) به منظور بهره گیری انسان از آنهاست .

و الأنعم خلقها لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷ - ۷۸

۷- آفرینش دام ها ، در جهت منافع و بهره‌وری انسان ، نشانه ای از رأفت و رحمت خداست .

و الأنعم خلقها لكم . . . و لكم فيها جمال ... و تحمل أثقالكم ... إن ربكم لرهوف ر

۸- خداوند با آفرینش دام ها ، زمینه های آسایش و رفع مشقت های آدمیان را فراهم ساخته است

و الأنعم خلقها لكم ... و تحمل أثقالكم ... إن ربكم لرءوف رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۵

۵- آفرینش دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) ، به گونه ای که از پوست آنها خانه و سرپناه سبک و قابل انتقال ( برای عشایر و صحرائشین ) ساخته شود ، به قدرت خداست .

و الله .. جعل لكم من جلود الأنعم بیوتًا تستخفونها یوم ظعنکم و یوم إقامتکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۴ - ۲

۲- شتر ، گاو و گوسفند ، برای انسان و در خدمت او است .

کلوا وارعوا أنعمکم

به شتر ، گاو و گوسفند <أنعام> گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۴

۴- بهره مندی انسان ها ، فلسفه و حکمت آفرینش شتر ، گاو و گوسفندان

أولم یروا أننا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

گفتنی است از <لا-یم> <لهم> (به کار رفته در معنای تعلیل) و نیز از این که آیه شریفه در مقام امتنان است، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۲ - ۳،۵

۳- خداوند برخی از دام ها ( چون شتر و گاو ) را برای سوار شدن و حمل و نقل آفریده است .

<من> در <فمنها> برای تبعيض است؛ يعنى، برخى از انعام كه مقصود از آن شتر و گاو است.

شتر، گاو و گوسفند را برای تغذیه انسان آفرید.

و منها یا کلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۸

۸ - بهره مندی انسان ها، فلسفه آفرینش دام ها ( شتر، گاو، گوسفند و بز )

و أنزل لكم من الأنعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۹ - ۴،۴

۱ - خداوند، دام ها ( شتر، گاو و گوسفند ) را به خاطر منافع و مصالح انسان ها آفریده است.

الله الذی جعل لكم الأنعم

لام در <لکم> برای تعلیل است؛ یعنی، به خاطر شما، <أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتر است؛ ولی گاهی برای مجموع <شتر، گاو و گوسفند> به کار می رود. برداشت یاد شده بر اساس همین احتمال است.

۴ - خداوند، برخی از دام ها ( چون شتر ) را برای سوار شدن و برخی دیگر ( مانند گوسفند ) را به منظور خوردن انسان ها آفریده است.

الأنعم لتركبوا منها و منها تأکلون

فلسفه خلقت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۵

۵ خداوند حوا را آفرید تا آدم (ع) در کنار او آرامش یابد.

لیسکن الیها

ضمیر در <الیها> به <زوج...> و ضمیر در <لیسکن> به <نفس واحده> برمی گردد، ارجاع ضمیر مذکر به <نفس

واحدہ > به اعتبار معنا و مقصود از آن (آدم) است.

فلسفہ خلقت حیوانات

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۱ - حج - ۲۲

۱ - همه موجودات زمین ( جمادات ، نباتات و حیوانات ) در خدمت انسان و مسخر و رام شده برای بهره برداری او

ألم تر أنّ الله سَخَّرَ لَكُمْ ما فى الأرض

فلسفه خلقت خشکی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۲ - ۲

۲ - بستر خشکی ها و پهنه دریا ها ، در خدمت بهره‌وری بشر ، به عنایت و لطف خداوند

و علیها و على الفلک تحملون

فلسفه خلقت درخت آتش زا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۳ - ۳

۳ - حکمت ایجاد درخت آتش زنه از سوی خداوند ، یاد آوری قدرت الهی ، تداعی کردن روز رستاخیز و بیرون آمدن انسان ها از قبر ها است .

نحن جعلناها تذکره

ضمیر <جعلناها> می تواند به <نار> و یا به <شجره> برگردد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال دوم است؛ یعنی، ما آن درخت را مایه تذکار قرار دادیم تا انسان ها با دیدن آن، به یاد قدرت خداوند بیفتند و پی ببرند کسی که از چوب آتش را بیرون می آورد، قادر است که مردگان را نیز بار دیگر از گورها بیرون آورد.

فلسفه خلقت دریا ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۲ - ۲

۲ - بستر خشکی ها و پهنه دریا ها ، در خدمت بهره‌وری بشر ، به عنایت و لطف خداوند

و عليها و على الفلك تحملون

فلسفه خلقت راه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل



۴- نهر های آب و راه های زمین ، برای استفاده انسان ها آفریده شده است .

و ألقى في الأرض .. و أنهرًا و سبلاً لعلكم تهتدون

۵- آفرینش نهر ها و راه های طبیعی ، علامتهایی است برای راهیابی آدمیان

أنهرًا و سبلاً لعلكم تهتدون . و علمت

احتمال دارد مراد از <لعلكم تهتدون> به قرینه بیان منافع کوهها و نیز <علامات> در آیه بعدی، راهیابی باشد.

۷- غرض از خلقت کوه ها ، نهر ها و راه ها هدایت انسان ها است .

و ألقى في الأرض روسى .. و أنهرًا و سبلاً لعلكم تهتدون

برداشت مذکور، بنابراین نکته است که مراد از <تهتدون> هدایت معنوی باشد.

فلسفه خلقت روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۶۷ - ۱،۳

۱ خداوند ، شب و روز را به خاطر انسان برقرار کرد .

هو الذی جعل لکم الیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

۳ خداوند ، شب را به منظور آرمیدن و روز را با هدف تلاش و تأمین معاش انسان ، برقرار کرده است .

هو الذی جعل لکم الیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

به قرینه <مبصراً> لفظ <مظلماً>، بعد از <الیل> ؛ و به قرینه <لتسکنوا فیه> جمله <لتعملوا فیه>، بعد از لفظ <مبصراً> مقدر است ؛ یعنی: هو الذی جعل لکم الیل مظلماً، لتسکنوا فیه و النهار مبصراً لتعملوا فیه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۳ - ۴

۴ - تلاش جهت به دست آوردن توشه زندگی ، هدف الهی از برقرار کردن روز برای بندگان

جعل

لکم .. النهار ... لتبتغوا من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۱ - ۴،۷،۱۰

۴ - خداوند ، روز را به منظور توانایی بشر بر دیدن و تلاش برای تأمین روزی آفریده است .

اللّٰه الذی جعل لکم .. و النهار مبصرًا

در جمله <و النهار مبصرًا> به قرینه آمدن <لتسکنوا> در جمله پیش کلمه <لتبصروا فیه> محذوف است.

۷ - آفرینش شب و روز برای تأمین نیاز های بشر ، جلوه ای از ربوبیت خداوند و نشانه توانایی او بر برپا کردن قیامت

إِنَّ السَّاعَةَ لِآتِيَةٍ .. اللّٰه الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیه و النهار مبصرًا

آیه شریفه، درصدد اثبات و ارائه نشانه های درستی و راستی برپایی قیامت است که در دو آیه قبل، با صراحت به آن تأکید شده است.

۱۰ - آفرینش شب و روز در راستای تأمین نیاز ها و منافع بشر ، جلوه ای از فضل و احسان خداوند به او است .

اللّٰه الذی جعل لکم الّیل .. إِنَّ اللّٰه لَذُو فَضْلٍ عَلَی النَّاسِ

فلسفه خلقت روزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۳

۳ هدف از آفرینش زینتها و روزیها، استفاده بندگان خداوند از آنهاست.

زینة الله التي أخرج لعبادة

فلسفه خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۶ - ۲

۲ خداوند زمین را بدون فساد آفرید و آن را برای زندگانی انسان ها جایگاهی شایسته قرار داد .

بعد إصلاحها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ پدید آمدن نیکوکارترین انسان ها ( انسان های کامل ) از هدف های آفرینش آسمان ها و زمین است .

خلق السموت و الأرض .. لیبلوکم ائیکم أحسن عملاً

<لیبلوکم> متعلق به <خلق السموات ..> است و بیانگر هدف آفرینش می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۰ - ۱

۱ - زمین ، سامان یافته از سوی خدای رحمان ، در جهت منافع انسان

و الأرض وضعها للأنام

واژه <أنام> در یکی از این معانی استعمال شده است: انسان یا جن و انس و یا همه موجودات روی زمین. در برداشت یاد شده معنای اول انتخاب شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲ - ۱۲

۱۲ - آگاه شدن بشر به قدرت و علم همه جانبه خداوند ، از حکمت های آفرینش آسمان ها و زمین

اللّه الذی خلق سبع سموت .. لتعلموا أنّ اللّه علی کلّ شیء قدير و أنّ اللّه قد

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که <لام> در جمله <لتعلموا..> تعلیل برای عبارت <خلق سبع سماوات> است و این جمله بیانگر علت و فلسفه آفرینش آسمان ها و زمین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۵ - ۶

۶ - آفرینش زمین و بستر مناسب بودن آن برای حرکت و روزی انسان ها ، جلوه علم و آگاهی خداوند بر احوال نهان و آشکار انسان ها

إنّه علیم بذات الصدور .. هو الذی جعل لكم الأرض ذلولاً

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در صدد تبیین چگونگی علم خداوند بر احوال و ضمیر انسان ها است که در دو آیه قبل، از آن سخن به میان آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۰ - ۳

۳ - آفرینش زمین به صورت گسترده و پهناور ، به منظور میسر شدن راه های گشاده و روشن برای بشر است .

و الله جعل لكم الأرض بساطاً . لتسلکوا منها سبلاً فجاجاً

برداشت یاد شده، از لام <لتسلکوا> که برای غایت و یا تعلیل است استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۶ - ۳،۴

۳ - آفرینش زمین ، برای حیات و مرگ انسان ها ، جلوه قدرت و عظمت الهی است .

ألم نجعل الأرض کفَاتاً . أحياء و أمواتاً

۴ - > حَمَاد بن عيسى عن أبي عبد الله (ع) أنه نظر إلى المقابر ، فقال : يا حَمَاد هذه كِفَاتُ الأموات و نظر إلى البيوت فقال : هذه كِفَاتُ الأحياء ثم تلا [ هذه الآية ] > ألم نجعل الأرض كِفَاتاً . أحياء و أمواتاً < ;

حمّاد بن عیسی از امام صادق (ع) روایت کرده که آن حضرت، نگاهی به قبرستان انداخت و فرمود: ای حمّاد! این کفاتِ مردگان است و نگاهی به خانه ها انداخت و فرمود: این کفاتِ زنده ها است. سپس این آیه را تلاوت فرمود: > ألم نجعل الأرض کفَاتاً . أحياء و أمواتاً < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - آفرینش زمین ، نعمتی الهی برای انسان ها و در جهت منافع حیاتی آنان است .

ألم نجعل الأرض مهدياً

<مهید> و <مهاده>، به معنای مکانی است که مهید و مهیا باشد (مفردات راغب). بنابراین جمله <ألم نجعل...>، حاکی از این است که خداوند زمین را به گونه ای قرار داده است که برای ادامه حیات بشر آماده باشد.

فلسفه خلقت زینت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۳،۱۰

۳ هدف از آفرینش زینتها و روزیها، استفاده بندگان خداوند از آنهاست.

زینة الله التي أخرج لعباده

۱۰ استفاده مؤمنان از زینتها و نعمتها، مقصود اصلی از آفرینش آنهاست.

قل هي للذين ءامنوا في الحيوة الدنيا

ذکر نکردن <لغيرهم> پس از <للذين ءامنوا>، علی رغم مقصود بودن آن، برای رساندن این معناست که زینتها و طیبات بالإصالة برای مؤمنان آفریده شده است.

فلسفه خلقت ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۷ - ۱

۱ خداوند ستارگان را برای راهیابی انسان در ظلمتهای دشت و دریا قرار داده است.

و هو الذي جعل لكم النجوم لتهتدوا بها في ظلمت البر و البحر

فلسفه خلقت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ خداوند ، شب و روز را به خاطر انسان برقرار کرد .

هو الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیہ و النهار مبصراً

۳ خداوند ، شب را به منظور آرمیدن و روز را با هدف تلاش و تأمین معاش انسان ، برقرار کرده



است .

هو الذی جعل لکم الیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

به قرینه <مبصراً> لفظ <مظلماً>، بعد از <الیل> ؛ و به قرینه <لتسکنوا فیه> جمله <لتعملوا فیه>، بعد از لفظ <مبصراً> مقدر است ؛ یعنی: هو الذی جعل لکم الیل مظلماً، لتسکنوا فیه و النهار مبصراً لتعملوا فیه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۳ - ۳

۳ - تأمین نیاز انسان ( نیاز وی به آسایش ، پس از تلاش های روزانه ) هدف الهی از برقرار ساختن شب

جعل لکم الیل .. لتسکنوا فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۱ - ۱۰، ۷، ۱

۱ - خداوند ، شب را به منظور آرامش و آرمیدن انسان ها آفریده است .

اللّٰه الذی جعل لکم الیل لتسکنوا فیه

۷ - آفرینش شب و روز برای تأمین نیاز های بشر ، جلوه ای از ربوبیت خداوند و نشانه توانایی او بر برپا کردن قیامت

إِنَّ السَّاعَةَ لِآتِيَةٍ .. اللّٰه الذی جعل لکم الیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

آیه شریفه، درصدد اثبات و ارائه نشانه های درستی و راستی برپایی قیامت است که در دو آیه قبل، با صراحت به آن تأکید شده است.

۱۰ - آفرینش شب و روز در راستای تأمین نیاز ها و منافع بشر ، جلوه ای از فضل و احسان خداوند به او است .

اللّٰه الذی جعل لکم الیل .. إِنَّ اللّٰه لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ

فلسفه خلقت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۱



گاو نر و ماده را برای بهره برداری انسان آفریده است.

و هو الذى أنشأ... و من الإبل اثنتين و من البقر اثنتين قلء الذكركين حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵ - ۲

۲- آفرینش دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) به منظور بهره گیری انسان از آنهاست .

و الأنعم خلقها لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۴ - ۲

۲ - شتر ، گاو و گوسفند ، برای انسان و در خدمت او است .

كلوا وارعوا أنعمكم

به شتر ، گاو و گوسفند <أنعم> گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۲ - ۵،۳

۳ - خداوند برخی از دام ها ( چون شتر و گاو ) را برای سوار شدن و حمل و نقل آفریده است .

فمنها ركوبهم

<من> در <فمنها> برای تبعیض است؛ یعنی، برخی از انعام که مقصود از آن شتر و گاو است.

۵ - خداوند ، شتر ، گاو و گوسفند را برای تغذیه انسان آفرید .

و منها یاكلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۹ - ۳،۱

۱ - خداوند، دام‌ها (شتر، گاو و گوسفند) را به خاطر منافع و مصالح انسان‌ها آفریده است.

اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَنْعَامَ

لام در <لکم> برای تعلیل است؛ یعنی، به خاطر شما، <أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتر است؛ ولی گاهی برای مجموع <شتر، گاو و گوسفند> به کار می‌رود.

برداشت یاد شده بر اساس همین احتمال است.

۳ - خداوند ، شتران را به خاطر منافع و مصالح انسان ها آفرید .

اللّٰه الذی جعل لکم الأنعم

جمله <و علیها و علی الفلک تحملون> در آیه بعد، قرینه است بر این که مقصود از <أنعام> می تواند تنها شتران (معنای اصلی این واژه) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۰ - ۲،۳،۴

۲ - تأمین خواسته ها و نیاز های بشر در سیر و سفر خویش ، از حکمت های آفرینش شتران

و لتبلغوا علیها حاجه فی صدورکم

۳ - سوار شدن و تأمین خواسته ها و نیاز های بشر در سیر و سفر خویش ، حکمت اصلی آفرینش شتران

لترکبوا منها .. و لتبلغوا علیها حاجه فی صدورکم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که لام تعلیل تنها بر سر <لترکبوا> و <لتبلغوا..> آمده است نه برای منافع دیگر و حمل و نقل.

۴ - دست یابی به خواسته ها و مقاصد مهم بشر ( چون هجرت ، جهاد ، کسب دانش و .. ) از حکمت های آفرینش شتران \*

و لتبلغوا علیها حاجه فی صدورکم

تنوین <حاجه> برای تفخیم است و مقید شدن حاجت به <فی صدورکم> (حاجتی که در دل دارید) نشانگر این نکته است که شتران افزون بر تأمین نیازهای مادی و خوراکی بشر، وسیله ای مناسب برای دست یابی بشر (به ویژه بشر آن روز) به مقاصد و منافع مهم (چون هجرت، جهاد، کسب دانش و ..) می باشند.

فلسفه خلقت طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح -

۵ - حکمت آمیز بودن آفرینش طبیعت

و الله جعل لكم الأرض بساطاً . لتسلكوا منها سبلاً فجاجاً

فلسفه خلقت عوامل طبیعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۷ - ۱۳

۱۳ پی بردن انسان ها به قدرت خداوند و توجه همواره به آن ، از اهداف آفرینش نیرو های طبیعی در هستی است .

هو الذی یرسل الریح .. لعلکم تذکرون

در برداشت فوق <لعلکم .. > غایت برای <یرسل الریح > و جمله های پس از آن گرفته شده است. یعنی از اهداف آفرینش این اسباب و مسببات تذکر یافتن انسانهاست. قابل ذکر است که <تذکر > به معنای دریافتن و پیوسته در ذهن داشتن است.

فلسفه خلقت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۹ - ۹

۹- وجود زمین های هموار و پدیداری کوه ها ، برای ثبات و استقرار زمین و رویش گیاهان و پدیده های معدنی ، از آیات الهی است .

و الأرض مددنها و ألقینا فیها روسی و أنبتنا فیها من کلّ شیء موزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۵ - ۷

۷- غرض از خلقت کوه ها ، نهر ها و راه ها هدایت انسان ها است .

و ألقى فی الأرض روسی .. و أنهرًا و سبلاً لعلکم تهتدون

برداشت مذکور، بنابراین نکته است که مراد از <تهتدون> هدایت معنوی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۷ - ۴

۴ - میخکوب شدن کوه

ها در زمین ، نشان قدرت خداوند و ضرورت معاد

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ . . . أَلَمْ نَجْعَلْ ... و الجبال أوتادًا

بیان آفرینش کوه ها، در پاسخ آنان که درباره معاد پرسش هایی را مطرح کرده بودند؛ گویای آن است که اگر معاد نباشد، برای پدیده هایی همچون زمین و کوه های آن توجیهی نمی توان یافت.

فلسفه خلقت گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۱

۱ خداوند شتر و گاو نر و ماده را برای بهره برداری انسان آفریده است.

و هو الذى أنشأ .. و من الإبل اثنين و من البقر اثنين قل ءالذکرین حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵ - ۲

۲- آفرینش دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) به منظور بهره گیری انسان از آنهاست .

و الأنعم خلقها لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۴ - ۲

۲ - شتر ، گاو و گوسفند ، برای انسان و در خدمت او است .

كلوا وارعوا أنعمكم

به شتر ، گاو و گوسفند <أنعام> گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۲ - ۵،۳



۳ - خداوند برخی از دام ها ( چون شتر و گاو ) را برای سوار شدن و حمل و نقل آفریده است .

فمنها رکوبهم

<من> در <فمنها> برای تبعیض است؛ یعنی، برخی از انعام که مقصود از آن شتر و گاو است.

۵ - خداوند، شتر، گاو و گوسفند را برای تغذیه انسان

آفرید .

و منها یا کلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۹ - ۱

۱ - خداوند ، دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) را به خاطر منافع و مصالح انسان ها آفریده است .

اللّٰه الذی جعل لکم الأنعم

لام در < لکم > برای تعلیل است ؛ یعنی ، به خاطر شما ، < أنعم > ( جمع < نَعَم > ) در اصل به معنای شتر است ؛ ولی گاهی برای مجموع < شتر ، گاو و گوسفند > به کار می رود . برداشت یاد شده بر اساس همین احتمال است .

فلسفه خلقت گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵ - ۲

۲ - آفرینش دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) به منظور بهره گیری انسان از آنهاست .

و الأنعم خلقها لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۴ - ۲

۲ - شتر ، گاو و گوسفند ، برای انسان و در خدمت او است .

کلوا وارعوا أنعمکم

به شتر ، گاو و گوسفند < أنعم > گفته می شود .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۲ - ۵

۵ - خداوند ، شتر ، گاو و گوسفند را برای تغذیه انسان آفرید .

و منها يأكلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۹ - ۱

۱ - خداوند ، دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) را به خاطر منافع و مصالح انسان ها آفریده است .

اللّٰه الذی جعل لکم الأنعم

لام در <لکم> برای تعلیل است ؛ یعنی ، به خاطر شما ،

<أنعام> (جمع <نَعْمَ>) در اصل به معنای شتر است؛ ولی گاهی برای مجموع <شتر، گاو و گوسفند> به کار می رود. برداشت یاد شده بر اساس همین احتمال است.

فلسفه خلقت گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۴ - ۱

۱ - تغذیه انسان و چریدن دام های او از گیاهان و رویدنی های زمین ، از هدف های خلقت نباتات

أزوجًا من نبات .. كلوا و ارعوا أنعمکم

<رعی> به معنای چرانیدن است. <ارعوا أنعمکم> یعنی، دام های خود را به چرا ببرید تا از نباتات رویانیده شده تغذیه نمایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۵ - ۱

۱ - همه موجودات زمین ( جمادات ، نباتات و حیوانات ) در خدمت انسان و مسخر و رام شده برای بهره برداری او

ألم تر أن الله سخر لكم ما في الأرض

فلسفه خلقت ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۲

۲ - ایجاد تقویمی طبیعی و میزانی برای سنجش زمان ، از اهداف آفرینش ماه و پیدایش آن به صورت های مختلف

قل هي موقيت للناس

<مواقیت> (جمع میقات) است و میقات به زمان یا مکانی گفته می شود که برای انجام فعل تعیین می گردد. (لسان العرب)

فلسفه خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۱ همه موجودات هستی دارای رمز و رازند و اعتراض به وجود هر یک از آنها نشانه جهل به حکمت وجودی آنهاست .

أَتَجْعَلُ فِيهَا

من يفسد .. قال إني أعلم ما لا تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۵ - ۱

۱ - همه موجودات زمین ( جمادات ، نباتات و حیوانات ) در خدمت انسان و مسخر و رام شده برای بهره برداری او

ألم تر أنّ الله سخر لكم ما فى الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۶ - ۱۴،۱۶

۱۴ - پدیده های عالم آفرینش ، برای برآوردن منظور و هدفی ، آفریده شده اند .

أن يرسل الرياح مبشّرت و ليديقكم .. و لتبتغوا من فضله

۱۶ - شکر و سپاس گزاری از خداوند ، هدف آفرینش پدیده های طبیعی است .

و من ءآيته أن يرسل الرياح .. و لعلكم تشكرون

فلسفه خلقت نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۹ - ۲

۲ - خداوند ، مواهب زمین را برای انسان ها و در راستای منافع آنان آفرید .

هو الذى خلق لكم ما فى الأرض جميعاً

برداشت فوق با استفاده از لام انتفاع در <لکم> به دست آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۲ - ۳

۳ - بهره وری مؤمنان از روزی ها و نعمت های خداوند ، مقصود اصلی از اعطای آنها به انسانهاست . \*

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ

قرآن در توصیه به اهل ایمان - مبنی بر بهره گیری از نعمتها - ( کَلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ ) تصریح کرده که خداوند آن نعمتها را روزی ایشان قرار

داده است ولی در توصیه به عموم مردم در آیه ۱۶۸ (کلوا مما فی الأرض) بیان نداشت که خداوند امکانات زمین را روزی همگان قرار داده است. از مقایسه میان این دو تعبیر و تفاوت یاد شده می توان به برداشت فوق دست یافت.

فلسفه خلقت نعمت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ استفاده مؤمنان از زینتها و نعمتها، مقصود اصلی از آفرینش آنهاست.

قل هی للذین ءامنوا فی الحیوه الدنیا

ذکر نکردن <لغیرهم> پس از <للذین ءامنوا>، علی رغم مقصود بودن آن، برای رساندن این معناست که زینتها و طیبات بالإصالة برای مؤمنان آفریده شده است.

فلسفه خلقت نهر ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۵ - ۴،۵،۷

۴- نهر های آب و راه های زمین ، برای استفاده انسان ها آفریده شده است .

و ألقى فی الأرض . . . و أنهرًا و سبلاً لعلکم تهتدون

۵- آفرینش نهر ها و راه های طبیعی ، علامتهایی است برای راهیابی آدمیان

أنهرًا و سبلاً لعلکم تهتدون . و علمت

احتمال دارد مراد از <لعلکم تهتدون> به قرینه بیان منافع کوهها و نیز <علامات> در آیه بعدی، راهیابی باشد.

۷- غرض از خلقت کوه ها ، نهر ها و راه ها هدایت انسان ها است .

و ألقى فی الأرض روسی . . . و أنهرًا و سبلاً لعلکم تهتدون

برداشت مذکور، بنابراین نکته است که مراد از <تهتدون> هدایت معنوی باشد.

قانونمندی خلقت آسمان



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۶ - ۱

۱ - آفرینش آسمان

و زمین و موجودات فضا (جهان هستی) ، بیهوده و بازیچه نیست ؛ بلکه جهت دار و هدفمند است .

و ما خلقنا السماء والأرض و ما بينهما لعین

<لعب> به معنای کاری است بی فایده که مقصود صحیح و مصلحتی در آن نباشد. <لاعبین> نیز حال برای ضمیر <خلقنا> است ؛ یعنی ، ما جهان را به قصد بازیچه و سرگرمی نیافریدیم.

قانونمندی خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۸ - ۱

۱- آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات هستی ، به دور از بازیگری و اهداف پوچ

و ما خلقنا السموت والأرض و ما بينهما لعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۶ - ۵

۵ خلقت آسمان ها و کهکشان ها ، براساس دقیق ترین قوانین و به دور از کم ترین کاستی

إلی السماء .. و زیّتها ... و ما لها من فروج

قانونمندی خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۵ - ۸

۸- آفرینش انسان ، هدف دار و برنامه ریزی شده است .

منها خلقنکم .. و منها نخرجکم تاره أُخری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۳ - ۲

۲ - آفرینش انسان و تقدیر و حسابگری های دقیق در اندام وی از سوی خداوند ، ستایش برانگیز است .

ألم نخلقكم من ماء مهين . . . فقدرنا فنعم القديرون

قانونمندی خلقت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ -

۵- آفرینش انسان و تداوم بخشی به نسل او در زمین ، دارای هدفی مشخص

ألم نجعل الأرض مهدياً .. و خلقنكم أزواجاً

قانونمندی خلقت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵ - ۱

۱ - حاکمیت نظم ، قانون مندی و هدفداری بر زوایای وجودی خورشید و ماه

الشمس و القمر بحسبان

<حسبان> معادل <حساب> است. نکره آمدن آن، بیانگر انجام گرفتن محاسبه ای دقیق در آفرینش خورشید و ماه است.

قانونمندی خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۶ - ۱

۱- آفرینش آسمان و زمین و موجودات فضا ( جهان هستی ) ، بیهوده و بازیچه نیست ؛ بلکه جهت دار و هدفمند است .

و ما خلقنا السماء والأرض و ما بینهما لعین

<لعب> به معنای کاری است بی فایده که مقصود صحیح و مصلحتی در آن نباشد. <لا-عین> نیز حال برای ضمیر

<خلقنا> است ؛ یعنی، ما جهان را به قصد بازیچه و سرگرمی نیافریدیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۸ - ۱

۱- آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات هستی ، به دور از بازیگری و اهداف پوچ

و ما خلقنا السموت والأرض و ما بینهما لعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۶ - ۲

۲ - زمین ، آفریده ای هدف دار است .

ألم نجعل الأرض مهدياً

سخن از آفرینش زمین و ویژگی های آن پس از تهدید منکران معاد گویای آن است که

توجه به آفرینش زمین، برای رفع شبهه از معاد کافی است؛ زیرا نمی شود برای این زمین غایت و هدفی مورد نظر نباشد.

قانونمندی خلقت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۷ - ۳

۳ - آفرینش کوه ها ، دارای غایت و هدف است .

و الجبال أوتادًا

قانونمندی خلقت ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵ - ۱

۱ - حاکمیت نظم ، قانون مندی و هدفداری بر زوایای وجودی خورشید و ماه

الشمس و القمر بحسبان

<حسبان> معادل <حساب> است. نکره آمدن آن، بیانگر انجام گرفتن محاسبه ای دقیق در آفرینش خورشید و ماه است.

قانونمندی خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۱ - ۴

۴- همه پدیده های عالم ، از نظر وجود و هستی و چگونگی خلقت ، محدود و متناهی و از پیش تعیین شده اند .

و إن من شيء إلا عندنا خزائنه و ما ننزله إلا بقدر معلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۶ - ۲

۲ - هدف مندی کار خداوند ، در آفرینش موجودات

و ما خلقت .. إلا ليعبدون

از این که خداوند، برای آفرینش جن و انس، هدفی را معین کرده، استفاده می شود که فعل الهی، هدفدار است و گونه بیان یک مورد دلیلی نداشت.

قانونمندی خلقت موجودات فضا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۶ - ۱

۱- آفرینش آسمان و زمین و موجودات

فضا (جهان هستی) ، بیهوده و بازیچه نیست ؛ بلکه جهت دار و هدفمند است .

و ما خلقنا السماء والأرض و ما بينهما لعین

<لعب> به معنای کاری است بی فایده که مقصود صحیح و مصلحتی در آن نباشد. <لاعبین> نیز حال برای ضمیر <خلقنا> است ؛ یعنی ، ما جهان را به قصد بازیچه و سرگرمی نیافریدیم.

کیفیت خلقت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۵ - ۹

۹ - > عن محمد بن عبیده قال : سألت الرضا (ع) عن قول الله عزوجل لابليس : < ما منعك أن تسجد لما خلقت بيدى > ؟ قال : یعنی بقدرتی و قوتی ؛

محمد بن عبیده می گوید: از امام رضا(ع) از سخن خداوند که خطاب به ابلیس فرموده: <ما منعك أن تسجد لما خلقت بيدى> سؤال کردم، امام فرمودند: یعنی او را با قدرت و قوت خود آفریدم.<

کیفیت خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۲ - ۱

۱ خداوند با گرفتن هر یک از انسان ها از صلب پدرانشان ، آنان را به صحنه وجود آورد .

و إذ أخذ ربك من بنى آدم من ظهورهم ذريتهم

<ذریه> به معنای نسل است. <ظهر> (مفرد <ظهور>) به معنای پشت است که از آن به صلب تعبیر می شود. ضمیر در <ظهورهم> به بنی آدم برمی گردد و <من ظهورهم> بدل برای <من بنى آدم> است. أخذ نسل بنی آدم از صلب آنان به معنای آفرینش نسل آدمی از صلب پدرانشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه



۳- خلقت اولیه انسان ، به تدریج انجام گرفته است .

إني خلق بشرًا من صلصل من حمإ مسنون . فإذا سوّيته و نفخت فيه من روحي

۵- خلقت بدن انسان ، مقدم بر روح اوست .

إني خلق بشرًا من صلصل من حمإ مسنون . فإذا سوّيته و نفخت فيه من روحي

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که ذکر <نفخت> پس از ذکر تسویه بدن، ممکن است اشاره به تقدم خلقت بدن بر روح داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۷ - ۶

۶- > عن مالك الجهني قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله تعالى > أولًا يذكر الإنسان أنا خلقناه من قبل و لم يك شيئاً < . . . فقال : > لا مقدراً و لا مكوّناً ;

از مالک جهنی نقل شده که گفت: از امام صادق(ع) در باره سخن خدای تعالی >أولًا يذكر الإنسان أنا خلقناه من قبل و لم يك شيئاً< سؤال کردم، فرمود: [انسان] نه در تقدیر خلقت بود و نه به وجود آمده بود.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱ - ۲

۲ - پیدایش انسان در زمین ، دارای روند تکاملی بود و با پشت سر گذاشتن دورانی دراز ، به تدریج چهره انسانی یافت .

لم يكن شيئاً مذکوراً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که مفاد جمله >لم يكن شيئاً مذکوراً< چنین باشد: انسان در برهه ای از زمان چیزی بود؛ ولی آن چیز هنوز قابلیت نام انسان را نداشت؛

بلکه به تدریج تکامل یافته و چهره انسانی پیدا کرد.

کیفیت خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۷ - ۷۸

۷ - آفرینش هر موجود در گرو تقدیر خدا و فرمان او به تحقق آن است .

إِذَا قُضِيَ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ

۸ - فرمان خدا بر پدید آمدن هر چیز ، کافی در تحقق یافتن آن است .

فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ

حصر در جمله <إِنَّمَا يَقُولُ . . . > گویای برداشت فوق است.

مبدأ خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۶ - ۱

۱ همه انسانها، فرزندان آدم(ع) و او مبدأ تکوین تمامی آنان است.

بینی ءادم

چون مخاطب قرآن همه انسانها هستند و نه قشری خاص، معلوم می شود نسبت بین کلمه بنی آدم و مردمان نسبت تساوی است ؛ یعنی از نظر مصداق متحد هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۵

۵ خدا ، مبدأ پیدایش انسان است .

إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ

مصدق مورد نظر از <الخلق> به قرینه جمله <ليجزى الذين آمنوا.. > انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۱

۱ - خداوند ، انسان ها را از یک تن ( آدم ( ع )) آفرید .

خلقکم من نفس وحده

مفسران بر این دیدگاه اند که مقصود از <نفس واحده> آدم ابوالبشر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۳ - ۲

۲ - پیامبر

( ص ) ، مأمور توجه دادن مردم به مبدأ پیدایش بشر و نعمت های نهفته در وجود او

قل هو الذى أنشأكم و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده

مبدأ خلقت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۲۴ - ۲

۲ - پیامبر ( ص ) ، مأمور توجه دادن مردم به مبدأ پیدایش انسان ها و تکثیر نسل او

قل هو الذى ذرأكم فى الأرض

مبدأ خلقت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۹ - ۳

۳ - تساوی زن و مرد ، از جهت مبدأ پیدایش و مراحل تکوین \*

أیحسب الإنسان .. ألم یک نطفه من منى یمنى ... فجعل منه الزوجین الذکر و الأنثی

تذکر به این حقیقت که انسان از منی آفریده شده و از آن ماده، زوجین (مرد و زن) پدید آمده است، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

مبدأ خلقت مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۹ - ۳

۳ - تساوی زن و مرد ، از جهت مبدأ پیدایش و مراحل تکوین \*

أیحسب الإنسان .. ألم یک نطفه من منى یمنى ... فجعل منه الزوجین الذکر و الأنثی

تذکر به این حقیقت که انسان از منی آفریده شده و از آن ماده، زوجین (مرد و زن) پدید آمده است، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

متفكران و خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ - آیه بودن آفرینش انسان

از خاک ، برای متفکران ، قابل درک است .

و من ءایته أن خلقکم من تراب . . . إنّ فی ذلک لآیت لقوم یتفکرون

مجادله درباره خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۱ - ۲

۲ - مجادله و گفتوگوی فرشتگان با خدا ، در ملأ اعلی درباره آفرینش انسان

بالمأ الأعلی إذ یختصمون . . . إذ قال ربّک للملئکه انّی خلق بشراً

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <إذ> ظرف زمان ماضی بوده و متعلق به <إذ یختصمون> باشد.

مدت خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۴ - ۲

۲ - آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات میان آن دو ، در شش روز ( شش مرحله و دوره ) انجام گرفته است .

خلق . . . فی سته آیام

مدت خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۶

۶ آفرینش آسمان ها و زمین در مدتی برابر شش روز

الذی خلق السموت و الأرض فی سته آیام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۲

۲ آفرینش آسمان ها و زمین ، تدریجی بوده و در شش روز ( شش دوره ) به انجام رسیده است .

خلق السموت و الأرض فی ستة أيام

مراد از <ایام> در آیه شریفه ، معنای متعارف آن (روزها یا شبانه روزها) نیست؛ بلکه مقصود ، دوره ها و مرحله هاست؛ زیرا روز به معنای متعارف آن ، پس از خلقت

زمین قابل فرض است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۹ - ۳

۳ آفرینش آسمان ها و زمین در مدتی برابر شش روز

الذی خلق السموت و الأرض و ما بینهما فی سته اَیام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۴ - ۳،۴

۳ - خداوند ، آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید

خلق السموت و الأرض فی سته اَیام

۴ - آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی تدریجی بود و در شش مرحله انجام پذیرفت .

خلق السموت و الأرض فی سته اَیام

واژه <یوم> (مفرد <اَیام>) در معنای برهه ای از زمان (کوتاه یا بلند) نیز به کار می رود. بر این اساس <سته اَیام> (شش روز)، به معنای شش برهه بوده و بیانگر مطلب یاد شده است.

مدت خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۸ - ۵

۵ - خداوند ، عالم را در مدت زمانی معین آفریده است .

ما خلق الله السموت و الأرض .. إلا بالحقّ و أجل مسمّی

<أجل مسمّی> در این آیه، احتمال دارد متعلق به <خلق> و <با>ی محذوف در آن، به معنای <فی> باشد. در این صورت، مراد، آفریدن در مدت معینی است.

مدت خلقت زمین



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۳ - ۶

۶ آفرینش آسمان ها و زمین در مدتی برابر شش روز

الذی خلق السموت و الأرض فی ستة أيام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود

۲ آفرینش آسمان ها و زمین ، تدریجی بوده و در شش روز ( شش دوره ) به انجام رسیده است .

خلق السموت و الأرض فی سته أيام

مراد از <ایام> در آیه شریفه ، معنای متعارف آن (روزها یا شبانه روزها) نیست بلکه مقصود ، دوره ها و مرحله هاست زیرا روز به معنای متعارف آن ، پس از خلقت زمین قابل فرض است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۴ - ۲

۲ - آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات میان آن دو ، در شش روز ( شش مرحله و دوره ) انجام گرفته است .

خلق .. فی سته أيام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۹ - ۴

۴ - خداوند ، آفریننده زمین در دو روز

خلق الأرض فی یومین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۴ - ۳،۴

۳ - خداوند ، آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید

خلق السموت و الأرض فی سته أيام

۴ - آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی تدریجی بود و در شش مرحله انجام پذیرفت .

خلق السموت و الأرض فی سته أيام

واژه <یوم> (مفرد <ایام>) در معنای برهه ای از زمان (کوتاه یا بلند) نیز به کار می رود. بر این اساس <سته أيام> (شش روز)، به معنای شش برهه بوده و بیانگر مطلب یاد شده است.

مدت خلقت موجودات فضا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ -

۲ - آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات میان آن دو ، در شش روز ( شش مرحله و دوره ) انجام گرفته است .

خلق .. فی سته ایام

مراحل خلقت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۲ - ۲

۲ - دمیده شدن روح الهی در آدم ، پس از سامان یافتن و تکمیل شدن اندام او

فإذا سويته و نفخت فيه من روعي

مراحل خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۱۴، ۲

۲ - شکل گیری آسمان های هفتگانه در دو روز ( دو مرحله ) ، به اراده خداوند بود .

ففضهن سبع سموت فی یومین

۱۴ - توجه به آفرینش زمین و آسمان و مراحل آن ، عامل پی بردن انسان به قدرت و علم نامحدود خداوند

أنتکم لتکفرون بالذی خلق .. ذلک تقدیر العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۸ - ۱

۱ - آفرینش آسمان و زمین و موجودات هستی ، به وسیله خداوند در شش مرحله

و لقد خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما فی سته ایام

مراد از <یوم> در آیه شریفه، معنای متعارف آن (روز یا شبانه روز) نیست؛ بلکه مقصود شش دوره و مرحله است؛ زیرا روز

به معنای متعارف آن پس از آفرینش آسمان ها و زمین تحقق یافته است.

مراحل خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۹ - ۹

۹ - خلقت آسمان ها در دو مرحله

: مرحله ای مختلط ، نامتمايز و نامتعادل r و مرحله تفكيك شده ، متمايز و متعادل

ثم استوى إلى السماء فسويهن سبع سموت

مفرد آوردن کلمه <السماء> در جمله <ثم استوى إلى السماء> و ارجاع ضمير جمع به آن در جمله <فسواهن> می تواند اشاره به این معنا باشد که: آسمانها پیش از هفتگانه شدن و تمايز یافتن به گونه ای مختلط بوده که هم اطلاق آسمان (به صورت مفرد) و هم اطلاق آسمانها (به صورت جمع) بر آن صحیح بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۴ - ۳

۳ آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی تدریجی ، در شش دوره و مرحله ، بوده است .

خلق السموت و الأرض فی ستة أيام

مراد از <یوم> در آیه شریفه معنای متعارف آن (روز و یا شبانه روز) نیست، بلکه مقصود شش دوره و مرحله است. زیرا روز به معنای متعارف آن، پس از آفرینش آسمانها و زمین تحقق یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۷

۷ آفرینش آسمان ها و زمین ، در شش مرحله

الذی خلق السموت و الأرض فی ستة أيام

کلمه <یوم> به معنای مقداری از زمان به کار می رود کوتاه باشد یا بلند بنابراین می توان گفت: <سته أيام> به معنای شش دوره و مرحله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۹ - ۴

۴ آفرینش آسمان ها و زمین در شش دوره و مرحله بوده است .

الذی خلق السموت

و الأرض و ما بينهما في ستة أيام

کلمه <یوم>، در معنای مقداری از زمان به کار می رود (کوتاه باشد یا بلند). بنابراین می توان گفت: <سته أيام> به معنای شش دوره و مرحله است.

مراحل خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۰ - ۶

۶- لزوم نگرش به تحولات پدیده های جهان خلقت ، در راستای راه یابی به توحید

أولم ير الذين كفروا أن السموت .. ففتقنهما وجعلنا من الماء كل شيء حي أفلاي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۴ - ۲،۴

۲- آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات میان آن دو ، در شش روز ( شش مرحله و دوره ) انجام گرفته است .

خلق .. في ستة أيام

۴- آفرینش جهان ، به تدریج و در طی دوران هایی صورت گرفته است .

خلق السموت و الأرض و ما بينهما في ستة أيام

<أیام> جمع <یوم> است و یوم، به معنای <مقداری از زمان از طلوع خورشید تا غروب آن > و <مدتی از زمان > است (مفردات راغب). احتمال دارد مراد از <أیام> دوران ها و یا مراحل مختلف باشد. در این صورت، دلالت بر تدریجی خلق شدن عالم می کند.

مراحل خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۱ - ۵،۱۵

۵ وجود فاصله زمانی بین آفرینش مبداء انسانها و اعطای صورت انسانی به او

و لقد خلقنكم ثم صورنكم

١٥ عن أبي جعفر (ع) في قوله: <ولقد خلقنكم ثم صورنكم>: اما <خلقناكم>



فَنطْفَه ثَمَّ عَلَقَهُ ثَمَّ مَضَغَهُ ثَمَّ عَظَمًا ثَمَّ لَحْمًا، وَاٰمَآءُ صَوْرِنَاكُم < فالعين و الأنف و الأذنين و الفم و اليدين و الرجلين . . . .

از امام باقر(ع) درباره آیه <و لقد خلقناكم ..>، روایت شده است: مراد از <خلقناکم> مراحل مختلف آفرینش یعنی نطفه، خون بسته، آنگاه مضغه (چیزی شبیه گوشت جویده) و بعد استخوان و سپس گوشت است. و مراد از <صورناکم> شکل گرفتن با چشم، بینی، دو گوش، دهان، دست و پا می باشد ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۷ - ۶،۷

۶- آفرینش آدمی از خاک و سپس نطفه و تکامل آن به صورت انسانی کامل ، سیر پیدایش انسان است .

بِالذِي خَلَقَكَ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نَظْفَةٍ ثُمَّ سَوَّيَكَ رَجُلًا

جمله <خلقك من تراب> یا نظر به این دارد که خداوند، حضرت آدم(ع) را از خاک آفرید بنابراین، اصل همه انسان ها خاک است و یا این که نطفه از غذاهایی تولید می شود که از خاک گرفته شده است.

۷- سیر تکاملی آفرینش انسان ، از حسیض خاک تا اندام کامل و کارای یک مرد ( انسان ) ، زمینه ای برای توجه او به خداوند است .

أَكْفَرْتَ بِالذِي خَلَقَكَ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نَظْفَةٍ ثُمَّ سَوَّيَكَ رَجُلًا

<تسویه> به معنای <تعدیل> است (تاج العروس) و <سَوَّيَكَ رَجُلًا> یعنی تو را به صورت و حالت یک مرد معتدل ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۰ - ۸

۸- لزوم تصفیه درونی و اعتلای روحی پدر ، هنگام انعقاد نطفه فرزند

قال ربّ

اجعل لی آیه قال ءایتک ألا تکلم الناس ثلث لیل سوياً

نشانه ای که زکریا درخواست کرد، اگر برای تشخیص زمان انعقاد نطفه بوده، چنین درخواستی می تواند نشانه حساسیت خاص مسأله باشد و آن حضرت برای مراعات مسائلی خاص و نیز آدابی لازم، زمان آن را خواهان گردید تا با تهیه و تدارک مقدمات روحی لازم، اقدام به انجام مرحله انعقاد نطفه نماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۳۷، ۱۵، ۹، ۸، ۷

۷- تحول خاک به نطفه، تبدیل نطفه به علقه و تکامل علقه به مضغه، روند آفرینش انسان

فإننا خلقنکم من تراب ثم من نطفه ثم من علقه ثم من مضغه

۸- وجود فاصله زمانی، میان تحول خاک به نطفه، نطفه به علقه و علقه به مضغه

فإننا خلقنکم من تراب ثم من نطفه ثم من علقه ثم من مضغه

با توجه به، به کارگیری <ثم> که برای بیان فاصله زمانی است برداشت فوق به دست می آید.

۹- مضغه، مرحله شکل گیری و ظهور تدریجی اعضا و جوارح جنین در رحم مادر است.

ثم من مضغه مخلقه و غیر مخلقه

و صفت برای <مضغه> است و <غیر مخلقه> نیز عطف بر <مخلقه> می باشد. <تخلیق> (مصدر <مخلقه>) به معنای تصویر و شکل دادن است. توصیف <مضغه> به <مخلقه و غیر مخلقه> می رساند که جنین در این مرحله، مرتباً شکلی را می پذیرد و صورتی را از دست می دهد و این روند تا ظهور کامل اعضا و جوارح ادامه می یابد.

۱۵- وجود فاصله زمانی میان پایان یافتن مراحل رشد جنین در رحم و فرا رسیدن

و نَقَرَ فِي الْأَرْحَامِ .. إِلَى أَجْلِ مَسْمَى ثُمَّ نَخَّرَكُمْ

عطف <نخرج> بر <نقرّ.. إلى أجل مسمّى> به وسیله <ثمّ> که برای تراخی در زمان است می رساند که جنین پس از این که مراحل رشد خود را در رحم به پایان رساند، باید مدتی دیگر در رحم بماند تا زمان زایمان فرا برسد.

۳۷- > عن أبي عبد الله بن مسعود قال : حدثنا رسول الله ( ص ) . . . ان أحدكم يجمع خلقه في بطن أمه أربعين يوماً نطفه ، ثم يكون علقه مثل ذلك ، ثم يكون مضغه مثل ذلك ؛

عبدالله بن مسعود می گوید: رسول خدا(ص) به ما فرمود: .. آفرینش هر یک از شما در شکم مادر [ بدین گونه ] کامل می شود که چهل روز <نطفه> است ؛ سپس به قدر همین مدت <علقه> است ؛ سپس به قدر همین مدت <مضغه> است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶ - ۲

۲ آفرینش انسان از خاک ، رشد مرحله به مرحله او در رحم ، صعود تدریجی از طفولیت ( مرحله ضعف جسمی و عقلی ) به اوج جوانی و نزول تدریجی از اوج بتوانایی ( جوانی ) به حسیض ناتوانی ( کهولت و پیری ) ، جلوه های ربوبیت خدا و یگانگی او

فإنّا خلقناكم من تراب .. لكيلا يعلم من بعد علم شيئاً ... ذلك بأنّ الله هو الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۴ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶

۱ - نطفه ، پس از استقرار در رحم ، تبدیل به علقه ( خون

بسته ( می شود .

ثم جعلناه نطفه في قرار مكين . ثم خلقنا النطفه علقه

<خلق> (مصدر خلقنا) در اینجا به معنای تصییر (از حالی به حالی دیگر در آوردن) است. و بدین جهت متعدی به دو مفعول، به کار رفته است. <علقه> نیز به خون غلیظ و بسته گفته می شود.

۲ - پس از آن که نطفه در رحم به صورت علقه ( خون بسته ) در آمد ، علقه به تدریج از حالت خون بودن خارج می شود و به صورت مضغه ( پاره گوشتی بدون استخوان ) در می آید .

فخلقنا العلقه مضغه

<مضغه> به پاره گوشت بدون استخوان گفته می شود.

۳ - علقه ، در رحم به صورت مضغه در می آمد ، سپس مضغه تدریجاً به صورت استخوان بندی بدن جنین ، تغییر شکل می دهد .

فخلقنا المضغه عظاماً

<عظم> مفرد <عظام> و به معنای استخوان است.

۴ - پس از شکل گیری و استخوان بندی بدن جنین ، استخوان ها با رویش گوشت پوشیده می شوند .

فكسونا العظم لحمًا

<كسو> (مصدر <كسونا>) به معنای پوشانیدن است.

۵ - پیدایش حقیقتی روحانی و غیر مادی ، پس از مرحله شکل گیری کامل جنین

فكسونا العظم لحمًا ثم أنشأناه خلقًا آخر

<إنشاء> (مصدر <أنشأنا>) به معنای پدید آوردن است؛ ولی چون در این جا به دو مفعول متعدی شده است، به معنای تصییر (از صورتی به صورتی دیگر در آوردن) می باشد. ضمیر <ه> در <أنشأناه> به مضمون <فكسونا العظام لحمًا> (مرحله شکل گیری کامل جنین) باز می گردد.

۶ - رشد جنین و مراحل تکوین انسان در رحم ، جلوه ای از قدرت و توانایی عظیم خداوند

ثم خلقنا النطفه

عَلَقَهُ .. ثُمَّ أَنْشَأَهُ خَلْقًا آخِرَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۵ - ۳

۳ - مرگ و انتقال از نشأه دنیا به آخرت ، حلقه ای از مراحل خلقت و تقدیر حیات انسان

ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ

با توجه به این که آیات فوق، در مقام بیان سیر تکاملی آفرینش انسان می باشد، مسأله مرگ می تواند نه به عنوان صرفاً یک هشدار؛ بلکه به عنوان حلقه ای مرتبط با حلقه های پیشین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۶ - ۲

۲ - رستاخیز و حیات اخروی ، آخرین حلقه در سیر تحولی آفرینش انسان

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ تَبْعُونَ

این بخش از آیات، در مقام بیان سیر تکامل آفرینش انسان است. بنابراین مسأله رستاخیز، می تواند نه به عنوان صرفاً یک هشدار؛ بلکه به عنوان آخرین حلقه متصل به حلقه های پیشین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۰ - ۸

۸ - آفرینش انسان از خاک تا صورت آدمی ، مراحل مختلفی داشته است .

أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْشُرُونَ

<ثُمَّ> حرف تراخی است و دلالت بر مهلت و مدت می کند و از طرفی <إِذَا> فجایه است و دلالت بر ناگهانی بودن می کند. جمع بین این دو، به این است که میان خلق انسان از مبدأ خاک تا صورت انسانی، مراحل طی شده که چندان روشن و آشکار نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۵ - گِل و روح ، آغاز و پایان سیر تکوین انسان

خلق بشرًا من طین . فإذا سوّيته و نفخت فيه من روحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۷ - ۴

۴ - تحوّل خاک به نطفه تبدیل نطفه به علقه و تکامل آن ، روند آفرینش انسان

خلقکم من تراب ثمّ من نطفه ثمّ من علقه ثمّ یخرجکم طفلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۸ - ۵، ۳، ۱

۱ - فرایند پیدایش انسان از منی در رحم ، شایان مطالعه و تأمل

أفرء یتیم ما تمنون

مراد از <امناء> (مصدر <تمنون>) ریختن منی در رحم است یعنی، آیا به منی که آن را به صورت نطفه در رحم زن می

ریزید اندیشیده اید؟

۳ - منی و نطفه مرد ، عنصر اصلی و مادی پیدایش انسان در رحم

أفرء یتیم ما تمنون

۵ - نقش انسان در پیدایش جنین ، تنها رها کردن منی در رحم است و نه بیشتر از آن .

أفرء یتیم ما تمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۹ - ۱، ۳

۱ - نقش انسان در پیدایش انسان از نطفه در رحم تنها ، ریختن منی در آن است و نه بیشتر از آن .

أفرئتم ما تمنون . ءانتم تخلقونه

استفهام در <ءأنتم..> انکاری است ؛ یعنی، این شما نیستید که منی را به صورت انسان در می آورید؛ بلکه نقش شما تنها ریختن منی در رحم است.

۳ - آفرینش انسان از منی در رحم ، جلوه ای از عظمت و قدرت



بی مانند خداوند

أم نحن الخلقون

به کارگیری ضمیر متکلم مع الغیر (نحن) در مسأله آفرینش انسان از منی در رحم، بیانگر عظمت آفرینش انسان و جلوه ای از قدرت برتر آفریننده آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۴ - ۲

۲ - آفرینش انسان از منی ، بر آوردن دانه ها از دل خاک و رشد و نمو دادن آن ، فرو فرستادن باران از آسمان و ایجاد درخت آتش زنه برای بیابان گردان ؛ بیانگر میرا بودن ساحت او از نقص و کاستی

أفرءیتم ما تمنون .. فسبح باسم ربک العظیم

تفریع <فسبح> بر مطالب آیات پیشین، نشانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۴ - ۲،۳

۲ - آفرینش انسان ها به تدریج و با گذر از چند مرحله ( همچون نطفه ، علقه ، مضغه و ... ) است .

و قد خلقکم أطوارًا

<طور> (مفرد <أطوار>) به معنای <مرّه> (یک دفعه) و <حال> آمده است. مقصود در این آیه می تواند مراحل و حالات گوناگونی باشد که در آفرینش بشر موجود است.

۳ - آفرینش بشر از سوی خداوند ، در قالب اشکال مختلف و با حالات گوناگون

و قد خلقکم أطوارًا

کاربرد واژه <أطوار> در این آیه، ممکن است مانند کاربرد آن در جمله <الناس أطوار> باشد؛ یعنی، اصناف و حالات گوناگون.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١ - نطفه ( منى ) ، مبدأ و آغاز تكوين انسان

ألم يك نطفه من منى يمى

- فراخواندن خداوند ، به مطالعه درباره مبدأ و مراحل تکوین انسان

ألم يك نطفه من منى يمى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۸ - ۱

۱ - تبدیل شدن نطفه به علقه ، از مراحل تکوین انسان و به صورت تدریجی است .

ألم يك نطفه .. ثم کان علقه

با توجه به کاربرد <ثم> که برای بیان فاصله زمانی است مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۹ - ۵

۵ - آفرینش انسان ، دارای روندی تدریجی و رو به تکامل

فخلق فسوی . فجعل منه الزوجین

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که حرف <فا> در <فخلق>، <فسوی> و <فجعل> برای ترتیب معنوی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲ - ۶

۶ - آفرینش انسان در رحم ، همراه با تحولات و دگرگونی های پی در پی

إنا خلقنا الإنسان من نطفه .. نبتلیه

<إبتلا>، می تواند استعاره از انتقال از حالتی به حالت دیگر باشد. در این صورت آیه شریفه، به تبدیل نطفه به علقه، علقه به مضغه و... اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۳ - ۶

۶ - آفرینش انسان از مایعی بی مقدار و سیر تکاملی آن در رحم ، جلوه قدرت خداوند

ألم نخلقكم .. فقد رنا فنعم القادرون

برداشت یاد شده، با توجه به این مطلب است که خداوند، وصف <فنعم القادرون> را پس از طرح مسأله آفرینش بشر و

تقدیر آن، مطرح فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۱ - ۱۲

۱۲ - وجود نشانه های خداشناسی ، در مراحل پیدایش تا مرگ انسان

ما أكفروه . من أیّ شیء خلقه ... ثمّ أماته فأقبره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۷ - ۶

۶ - آفرینش ، برخورداری از اعضای کامل و هماهنگی اندام با یکدیگر ، سه مرحله پیاپی در سیر پیدایش انسان

خلقك فسویك فعدلك

ترتیب که مفاد حرف <فاء> است ممکن است <حقیقی> و یا <ذکری> باشد. برداشت یاد شده، براساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۸ - ۳

۳ - مرحله پیدایش قیافه و سیما برای هر انسان ، پس از مراحل آفرینش ، تکمیل و تعدیل اعضای او است .

فی أیّ صوره ما شاء ركبك

جمله <فی أیّ صوره..> مستأنفه و بیانگر مرحله ای دیگر از مراحل پیدایش انسان است. برخی آن را تفسیر جمله <فعدلك> در آیه قبل، قرار داده و مرحله تعدیل و چهره پردازی را یکی دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۹ - ۲

۲ - ساختار وجودی انسان و مراحل پیدایش او ، فاقد زمینه آلودگی به کفر و گناه است .

الذی خلقك فسویك فعدلك . فی أیّ صوره ما شاء ركبك . کلاً

حرف <کَلَّا> به قرینه آیات پیشین ممکن است برای رفع این توهم باشد که زمینه کفر و گناه، در وجود کافران و گنه

کاران نهاده شده است، یعنی، با آن تسویه، تعدیل و ترکیب، جایی برای این توهم نمی ماند؛ بلکه علت گناه و کفر به خداوند را باید در تکذیب کیفیهای اخروی جست و جو کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۲ - ۲

۲ - انسان ، از خون لخته آفریده شده است .

خلق الإنسان من علق

<علق> یعنی، مطلق خون یا خونی که به شدت سرخ است، یا خون غلیظ و یا جامد (قاموس). برخی آن را جمع <عَلَقَه> دانسته اند که به اعتبار جنس بودن <الإنسان>، وصف آن قرار گرفته است. (الدَّرَامِصُونَ)

مراحل خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۴ - ۳

۳ آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی تدریجی ، در شش دوره و مرحله ، بوده است .

خلق السموت و الأرض فی ستة أيام

مراد از <یوم> در آیه شریفه معنای متعارف آن (روز و یا شبانه روز) نیست، بلکه مقصود شش دوره و مرحله است. زیرا روز به معنای متعارف آن، پس از آفرینش آسمانها و زمین تحقق یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۷

۷ آفرینش آسمان ها و زمین ، در شش مرحله

الذی خلق السموت و الأرض فی ستة أيام

کلمه <یوم> به معنای مقداری از زمان به کار می رود کوتاه باشد یا بلند بنابراین می توان گفت: <سته ایام> به معنای شش دوره و مرحله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان



۴ آفرینش آسمان ها و زمین در شش دوره و مرحله بوده است .

الذی خلق السموت و الأرض و ما بینهما فی سته اَیام

کلمه <یوم>، در معنای مقداری از زمان به کار می رود (کوتاه باشد یا بلند). بنابراین می توان گفت: <سته اَیام> به معنای شش دوره و مرحله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۹ - ۵

۵ - خدا، زمین را در دو مرحله و دوره آفرید . \*

بالذی خلق الأرض فی یومین

لفظ <یوم> می تواند کنایه از دوره و مرحله باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ - توجه به آفرینش زمین و آسمان و مراحل آن ، عامل پی بردن انسان به قدرت و علم نامحدود خداوند

أنتکم لتکفرون بالذی خلق .. ذلک تقدیر العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۸ - ۱

۱ - آفرینش آسمان و زمین و موجودات هستی ، بهوسیله خداوند در شش مرحله

و لقد خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما فی سته اَیام

مراد از <یوم> در آیه شریفه، معنای متعارف آن (روز یا شبانه روز) نیست؛ بلکه مقصود شش دوره و مرحله است؛ زیرا روز به معنای متعارف آن پس از آفرینش آسمان ها و زمین تحقق یافته است.

مراحل خلقت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۹ - ۲،۳

۲ - تحوّل نطفه به علقه و تکامل علقه به موجودی

معتدل و هماهنگ از دو صنف زن و مرد ، روند آفرینش انسان

ألم يك نطفه من منى يمنى . ثم كان علقه فخلق فسوى . فجعل منه الذكر و الأنثى

۳ - تساوی زن و مرد ، از جهت مبدأ پیدایش و مراحل تکوین \*

أیحسب الإنسن .. ألم يك نطفه من منى يمنى ... فجعل منه الزوجین الذكر و الأنثی

تذکر به این حقیقت که انسان از منی آفریده شده و از آن ماده، زوجین (مرد و زن) پدید آمده است، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

مراحل خلقت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۰ - ۴

۴ - آفرینش کوه های استوار ، ایجاد نعمت ها و تقدیر معیشت موجودات زمین در چهار روز ( مرحله )

و جعل فیها روسی من فوقها .. فی أربعه أيام

برداشت یاد شده براین اساس است که <فی أربعه أيام> ظرف برای مجموع عبارت های آیه باشد.

مراحل خلقت مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۹ - ۲،۳

۲ - تحوّل نطفه به علقه و تکامل علقه به موجودی معتدل و هماهنگ از دو صنف زن و مرد ، روند آفرینش انسان

ألم يك نطفه من منى يمنى . ثم كان علقه فخلق فسوى . فجعل منه الذكر و الأنثى

۳ - تساوی زن و مرد ، از جهت مبدأ پیدایش و مراحل تکوین \*

أیحسب الإنسن .. ألم يك نطفه من منى يمنى ... فجعل منه الزوجین الذكر و الأنثی

تذکر به این حقیقت که انسان از منی آفریده شده و از

آن ماده، زوجین (مرد و زن) پدید آمده است، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

مراحل خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۸ - ۱

۱ - آفرینش آسمان و زمین و موجودات هستی ، بهوسیله خداوند در شش مرحله

و لقد خلقنا السموت والأرض و ما بینهما فی ستة أيام

مراد از <یوم> در آیه شریفه، معنای متعارف آن (روز یا شبانه روز) نیست؛ بلکه مقصود شش دوره و مرحله است؛ زیرا روز به معنای متعارف آن پس از آفرینش آسمان ها و زمین تحقق یافته است.

مطالعه خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۰ - ۹

۹ - پدید آمدن موجودی زنده به نام انسان از خاک مرده ، امری غیر منتظره و سزاوار تأمل است .

أن خلقکم من تراب ثم إذا أنتم بشر تنتشرون

<إذا>ی فجاییه در آیه، می تواند حکایت از این حقیقت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۶ - ۲

۲ - پیدایش زوجین (نر و ماده) ، از آبی اندک (نطفه) ، شایان تأمل و درس آموزی

و أنه خلق الزوجین الذکر و الأنثی . من نطفه

<نطفه> در اصل به آب اندکی گفته می شود که ته ظرف باقی مانده باشد (قاموس المحيط).

مطالعه خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۵ - ۲

۲ - تشویق خداوند ، به مطالعه درباره زمین و چگونگی آفرینش آن برای انسان ها

ألم نجعل الأرض

مطالعه در خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۲

۲- تشویق و ترغیب آدمیان به تفکر درباره پیدایش آسمان ها و زمین ، جهت درک تحقق معاد

أو لم یروا أن الله الذی خلق السموت و الأرض قادر علی أن یخلق مثلهم

مطالعه در خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۲

۲- تشویق و ترغیب آدمیان به تفکر درباره پیدایش آسمان ها و زمین ، جهت درک تحقق معاد

أو لم یروا أن الله الذی خلق السموت و الأرض قادر علی أن یخلق مثلهم

مطالعه مبدأ خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۹ - ۶

۶ - مطالعه در مبدأ و مراحل پیدایش انسان ، موجب راه یابی به هدف آفرینش آدمی و فلسفه زندگی او

أیحسب الإنسان أن یترک سدی . ألم یک نطفه ... فخلق فسوی . فجعل منه الزوجین الذکر

بیان سیر تکوین انسان پس از طرح موضوع بی هدف نبودن زندگی بشر می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۴۰ - ۵

۵ - مطالعه در مبدأ و مراحل آفرینش انسان ، از راه های شناخت معاد و پی بردن به احیای مردگان

ألم يك نطفه من منى يمى . . . فخلق فسوى ... أليس ذلك بقدر على أن يحيى الموتى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٩ - مراسلات - ٧٧ - ٢٠ - ٥

- تشویق خداوند ، به مطالعه درباره مبدأ و سیر تکوین انسان ها

ألم نخلقكم من ماء مهين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۳ - ۸

۸ - مطالعه و تأمل در آفرینش انسان و مبدأ پیدایش و سیر تکاملی آن ، موجب شناخت معاد و اثبات توانایی خداوند بر آن است .

ألم نخلقكم من ماء .. فقد رنا فنعم القدرون

از این که ماجرای خلقت انسان با استفهام تقریری (ألم نخلقكم ..) آغاز شده، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

مطالعه مراحل خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۹ - ۶

۶ - مطالعه در مبدأ و مراحل پیدایش انسان ، موجب راه یابی به هدف آفرینش آدمی و فلسفه زندگی او

أیحسب الإنسان أن یترک سدی . ألم یک نطفه ... فخلق فسوی . فجعل منه الزوجین الذکر

بیان سیر تکوین انسان پس از طرح موضوع بی هدف نبودن زندگی بشر می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۴۰ - ۵

۵ - مطالعه در مبدأ و مراحل آفرینش انسان ، از راه های شناخت معاد و پی بردن به احیای مردگان

ألم یک نطفه من منی یمنی .. فخلق فسوی ... ألیس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۰ - ۵



۵ - تشویق خداوند ، به مطالعه درباره مبدأ و سیر تکوین انسان ها

ألم نخلقكم من ماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۳ - ۸

۸ - مطالعه و تأمل در آفرینش انسان و مبدأ پیدایش و سیر تکاملی آن ، موجب شناخت معاد و اثبات توانایی خداوند بر آن است .

ألم نخلقكم من ماء .. فقد رنا فنعم القدرون

از این که ماجرای خلقت انسان با استفهام تقریری (ألم نخلقكم ..) آغاز شده، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

مطالعه منشأ خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۵ - ۱،۴

۱ - تحقیق درباره منشأ آفرینش انسان و توجه به عنصر اولیه جسم وی ، زمینه ساز باور به امکان احیای دوباره او است .

فلینظر الإنسن مم خلق

جمله >إنه علی رجعه لقادر< در آیات بعد بیانگر آن است که آنچه از این آیه به بعد مطرح شده، آماده سازنده ذهن انسان برای باور به امکان معاد است.

۴ - لزوم تحقیق درباره منشأ آفرینش انسان و کشف عنصر اصلی در پیدایش جسم او

فلینظر الإنسن مم خلق

معبودان باطل و خلقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۱۹

۱۹ مشرکان علی رغم سراغ نداشتن مخلوقی برای خدایان خویش ، به ولایت و تدبیر آنان معتقد بودند .

أفأخذتم من دونه أولیاء .. أم جعلوا لله شركاء خلقوا كخلقه فتشبه الخلق علیهم

جمله <خلقوا کخلقه> صفت برای <شركاء> است. <خلق> در هر دو مورد (<کخلقه> و <الخلق>) مصدر و به معنای اسم مفعول (مخلوقات) است. <تشابه> (مصدر تشابه) به قرینه کلمه <علی> به معنای

مشتبه شدن به خاطر مشابهت است. <أم> در جمله فوق أم منقطعه و حاوی استفهام انکاری است و می رساند که خود مشرکان نیز برای شرکا و معبودهای پنداری، آفرینشی را باور نداشتند تا با آفریده های خدا مشتبه شود.

معبودان باطل و خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳ - ۵

۵ معبود های مشرکان ، هیچ نقشی در مرگ ، زندگی و برانگیختن پدیده های جهان ندارند .

ءالهه .. و لایملکون موتا و لاحیوه و لانشورا

ملائکه و خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۱۵،۲۰

۱۵ فرشتگان با توجه به حضورشان در هستی و لیاقتشان برای خلافت ، فلسفه ای برای خلقت و خلافت انسان نمی دیدند .

قالوا أتجعل فیها من یفسد فیها .. و نحن نسبح بحمدك

جمله حالیه <و نحن نسبح ..> گویای این مطلب است که: فرشتگان علاوه بر اینکه انسان را به خاطر فسادگری اش شایسته خلافت نمی دانستند، وجود خویش را برای احراز این مقام لایق دانسته و زمین را از خلافت انسان بی نیاز می شمردند.

۲۰ نا آگاهی فرشتگان به ارزش های والای انسان ، موجب شد تا فسادگری او برای فرشتگان جلوه گر شود و به خلقت و خلافتش معترض باشند .

أتجعل فیها من یفسد فیها .. قال إنی أعلم ما لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ اعتراف فرشتگان به عالمانه و حکیمانه بودن آفرینش انسان و انتخاب

او برای خلافت

إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

از هدفهای فرشتگان در توصیف خداوند به علیم و حکیم بودن - پس از اظهار تشکیک در شایستگی انسان برای خلافت -  
اعتراف و اقرار به ارزش والای انسان و عالمانه و حکیمانه بودن آفرینش اوست.

منافع خلقت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۰ - ۳

۳ - آفرینش شتر ، برافراشتن آسمان ، استوارسازی کوه ها و هموار ساختن زمین ، دارای منافی درخور توجه برای انسان ها  
است .

أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَىٰ ... وَ إِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ

آیه شریفه، گرچه توجه دادن انسان ها به مظاهر قدرت خداوند در زمین و آسمان است؛ ولی تکیه بر اوصاف یاد شده، نشانه  
سودمند بودن آنها به حال آنان است.

منشأ استبعاد خلقت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۰ - ۷

۷ - بعید شمردن شیوه آفرینش عیسی (ع) ، نشأت یافته از بی توجهی به قدرت بی نهایت خداوند است .

و لَمَّا ضَرَبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا .. . إِنَّهُ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا ... وَ لَوْ نَشَاءُ لَجْعَلْنَا مِنْكُمْ م

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: الف) <لَمَّا ضَرَبَ ابْنُ مَرْيَمَ> نظر به جنبه خلقت عیسی(ع) دارد. ب) این آیه در  
مقام رفع استبعاد و انکار مشرکان مکه است که برای خداوندی که قادر به آفرینش تمامی انسان ها به صورت ملک است،  
خلقت عیسی(ع) بدون پدر امری ساده می باشد.

منشأ خلقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۴ - توجه به منشأ خلقت و روزی و مرگ انسان ، مقتضی رویکرد تمام عیار به دین است .

اللّٰه الذی خلقکم .. فأقم وجهک للدين

احتمال دارد <فاء> در <فأقم> تفریع بر آیه <الذی خلقکم ..> باشد که در آن، خداوند، برخی از افعال خود را به عنوان نشانه، یادآوری کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۷ - ۳

۳ - نطفه انسان ، چیزی پست و بی ارزش

أولم ير الإنسن أنا خلقنه من نطفه

برداشت یاد شده از آن جا است که تنکیر <نطفه> بر تحقیر دلالت دارد.

منشأ خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۶ - ۱

۱ - آفرینش آسمان ها و زمین ، مخصوص خداوند و غیر او فاقد کمترین تأثیر در آن

أم خلقوا السموت و الأرض

منشأ خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۱ - ۳،۵

۳ خداوند، مبدأ و منشأ انسانها (آدم) را آفرید و سپس به او صورت انسانی عطا کرد.

و لقد خلقنکم ثم صورنکم ثم قلنا للملئکه اسجدوا لأدم

<خلقناکم> (شما را در گذشته آفریدیم)، خطاب به همه انسانهاست و چون همه انسانها پیش از فرمان سجده بر آدم آفریده نشده بودند، معلوم می شود آن جمله ناظر به آفرینش چیزی است که می توانسته مبدأ همگان باشد و به همین لحاظ آفرینش او آفرینش همه انسانها شمرده شده است فراز بعد (ثم قلنا ..) می رساند که آن چیز همان شد که به <آدم ابوالبشر> معروف است. قابل



ذکر است که دلالت آیه بر این که خود آن مبدأ یاد شده آدم(ع) شده باشد به صورت احتمال مطرح است.

۵ وجود فاصله زمانی بین آفرینش مبداء انسانها و اعطای صورت انسانی به او

و لقد خلقنکم ثم صورنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۰ - ۱

۱- آفرینش و مرگ انسان ها به دست خداوند است .

و الله خلقکم ثم یتوفکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹ - ۱۰

۱۰- پیدایش انسان در جهان به اراده خداوند و مسبوق به نیستی مطلق بوده است .

و قد خلقتک من قبل و لم تک شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۵ - ۶

۶ - آفرینش انسان از زمین و بازگشت دو باره او به آن و نیز رستاخیز و معاد او ، به اراده و خواست خداوند است .

خلقنکم ... نعیدکم ... نخرجکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۹ - ۱

۱ - پیدایش نسل انسان در گستره زمین ، تنها به اراده و تدبیر خداوند

و هو الذی ذرأکم فی الأرض و إلیه تحشرون

<ذرع> (مصدر <ذرأ>) به معنای پدید آوردن و پراکندن است. <تحشرون> به قرینه <إلیه> متضمن معنای <ترجعون>

و <حشر> (مصدر مجهول <تحشرون>) به معنای جمع و گردآوری شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۱ - ۳

۳ - نطفه ، خمیر مایه و منشأ آفرینش انسان ها است

خَلْقِكُمْ .. من نطفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۷ - ۲

۲ - نطفه ، مبدأ پیدایش و خمیرمایه آفرینش انسان است .

أَوَّلَم يَرِ الْإِنْسَانَ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ - آفرینش انسان به وسیله خداوند ، دلیل قدرت او بر اعطای نطق به اعضا و جوارح آدمی

قَالُوا أَنْطَقْنَا اللَّهَ .. وَ هُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۵ - ۴

۲ - پیدایش انسان ، بدون هیچ علت و مبدأ پدیدآورنده ، امری محال و نامعقول است .

أَمْ خَلَقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ

<شئی> می تواند کنایه از علت فاعلی باشد. بنابراین <من غیر شئی> یعنی، بدون علت و عامل پدیدآورنده.

۴ - نقش خود انسان در پیدایش و خلقت خویش ، امری محال و نامعقول است .

أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ

در آیه شریفه دو فرض مطرح شده است: ۱ این که پیدایش انسان بی علت باشد؛ ۲ این که انسان معدوم، در پیدایش خویش نقش داشته باشد که هر دوی آنها محال عقلی است. از این رو آیه شریفه با استفهام انکاری ادا شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۶ - ۱

۱ - پیدایش زن و مرد ، از نطفه به اراده خدای یگانه

و أنه خلق .. الذکر و الأنثی . من نطفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳ -

۲ - رحمانیت خداوند ، منشأ آفرینش انسان

الرحمن . خلق الإنسن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۷ - ۱

۱ - خداوند ، انسان را همچون نباتات از زمین آفریده است .

و الله أنبتکم من الأرض نباتاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۷ - ۳

۳ - تکوین انسان از مایه ای ناچیز ( منی ) ، از نشانه های قدرت خداوند بر برپایی قیامت

الم یک نطفه من منی یمنی

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این آیه در سلسله آیاتی قرار دارد که درصدد بیان مسأله معاد و اثبات آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۴۰ - ۲

۲ - آفرینش آغازین انسان ، از نطفه و علقه به همراه ساختاری معتدل و هماهنگ ، دلیل قدرت خداوند بر برپایی قیامت و احیای مردگان

الم یک نطفه من منی یمنی .. فخلق فسوی ... ألیس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۷ - ۳

۳ - خداوند ، قامت انسان را استوار ساخت و اعضای او را هماهنگ و متوازن قرار داد .

فعل <عَدَلَ>، در موردی به کار می رود که چیزی را به پا دارند تا به اعتدال درآید و استقامت یابد (مقایس اللغة). این فعل در مورد برقرار کردن توازن و تعادل نیز به کار می رود. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۸

۲ - سامان یافتن هر انسان در شکلی خاص ، حاصل ترکیب اجزای او با یکدیگر است .

### رگبک

منشأ خلقت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۸ - ۲

۲ خداوند تمامی آدمیان و نژادها و تیره های مختلف آن را از یک شخص (آدم) آفریده است.

و هو الذی أنشأکم من نفس وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۹ - ۳

۳ - آگاهی انسان ها ، از منشأ پیدایش بشر و سیر تکوین او

إنا خلقنهم ممّا يعلمون

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که <من> در <مّمّا> ابتدائیه باشد.

منشأ خلقت پسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۹ - ۶

۶ - دختر و یا پسر شدن فرزندان ، متکی به مشیت خداوندی است .

یهب لمن یشاء إنا و یهب لمن یشاء الذکور

منشأ خلقت تاکستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - خداوند ، باغ هایی از خرما و انگور در زمین آفریده است .

و جعلنا فیها جنّ من نخیل و أعب

منشأ خلقت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۵ - ۱

۱ - جن ، آفریده شده به اراده الهی ، از شعله های خالص و بدون دود آتش

و خلق الجنّ من مارج من نار

<مارج>، به معنای آتش خالص بدون دود است (قاموس المحيط).

منشأ خلقت دختر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۶- دختر و یا پسر شدن فرزندان ، متکی به مشیت خداوندی است .

یهب لمن یشاء إنثاً و یهب لمن یشاء الذکور

منشأ خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۶ - ۱

۱- آفرینش آسمان ها و زمین ، مخصوص خداوند و غیر او فاقد کمترین تأثیر در آن

أم خلقوا السموت و الأرض

منشأ خلقت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۴ - ۶

۶- عیسی (ع) ، کلمه خداوند و پدیدار شده به فرمان او بود .

ذلک عیسی ابن مریم قول الحقّ

منصوب بودن <قول> ممکن است به جهت حال بودن آن باشد و نیز محتمل است که منصوب به فعل مدح محذوف باشد. براساس این دو احتمال، مراد از <قول الحقّ> گفتار خداوند در خلقت عیسی(ع) (فرمان <کن>) است.

منشأ خلقت مراتع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۴ - ۲

۲- توجه به قدرت خداوند بر رویاندن گیاهان و به وجود آوردن چراگاه ها ، مایه منزه دانستن او از هر عیب و نقص و پیراستن نام او ، از هر وصف ناروا است .

سیح اسم .. و الذی أخرج المرعی

منشأ خلقت ملائكه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۹ - ۴

۴ - آفرينش فرشتگان ، براساس رحمت الهی است .

هم عبد الرحمن

منشأ خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف -

۶- ربوبیت خداوند مایه پیدایش آفریده ها و ارائه رهنمود های او است .

لکلمت ربّی .. کلمت ربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۵ - ۸،۱۰

۸- آفرینش هر موجود در گرو تقدیر خدا و فرمان او به تحقق آن است .

إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُون

۱۰- فرمان خداوند بر پدیدار شدن چیزی ، برای تحقق یافتن آن کافی است .

إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُون

<إِنَّمَا> دال بر حصر است؛ یعنی برای تحقق یافتن موجودات، به چیزی جز فرمان الهی نیاز نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۵ - ۵

۵ - پیدایش موجودات ، متکی به مبدئی بی نیاز و قائم به ذات است .

أَمْ خَلَقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ

از مجموع آیه شریفه استفاده می شود که پدیده، نیازمند به علتی است که آن علت، خود پدیده و وابسته به غیر نباشد؛ زیرا در غیر این صورت پرسش انکاری همچنان باقی خواهد بود (چگونه معلولی بی علت پدید آمده است).

منشأ خلقت نخلستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۴ - ۱

۱ - خداوند ، باغ هایی از خرما و انگور در زمین آفریده است .

و جعلنا فيها جنت من نخيل و أعناب

نعمت خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲ - ۳

۳ - تعلیم قرآن ، نعمت و ارزشی فراتر از اصل خلقت انسان و نعمت های دیگر

عَلَّمَ الْقُرْآنَ

. خلق الإنسن

سوره <الرحمان>، حاوی بیان انواع نعمت هایی است که خداوند به انسان عطا کرده است. از این که مسأله تعلیم قرآن، سرآغاز همه نعمت ها و حتی آفرینش انسان قرار گرفته، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳ - ۵

۵ - وجود انسان از سوی خداوند ، خود نعمتی است الهی .

خلق الإنسن

از آیات بعدی استفاده می شود که خداوند در این آیات درصدد بیان نعمت های الهی برای بشر است. بر این اساس می توان گفت: این آیه، اصل وجود انسان را به عنوان نخستین نعمت الهی معرفی کرده است.

نقش خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۶ - ۳

۳ - خلقت ویژه انسان و برخورداری او از دانش و هنر نویسندگی ، دور ماندن او را از هر گونه انحراف تضمین نمی کند .

خلق الإنسن . . . عَلم بالقلم ... کلاً

حرف <کلاً> مانع پیدایش پنداری است که ممکن است با شنیدن آیات پیشین که درباره آفرینش انسان و علم او بود، برای مخاطب به وجود آید و انسان را از خطر هر انحرافی دور بداند.

نقش عنصر خلقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۶ - ۶،۷

۶ - تفاوت مبدأ و عنصر اولیه پیدایش موجودات و نوع آنها ، ملاک برتری و مهتری آنان نیست .

قال أنا خیر منه خلقتنی من نار و خلقته من طین

از محکوم شدن ابلیس در داوری و استدلال، درباره برتری خود بر آدم، برداشت یاد

شده استفاده می شود.

۷- شرافت و برتری انسان و دیگر موجودات ، به خاطر عنصر و ماده اولیه آفرینش آنان نیست ؛ بلکه به کمالات و اوصاف ناشی از آن عنصر و ماده اولیه بستگی دارد .

قال أنا خير منه خلقتني من نار و خلقته من طين

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند از يك سوی فرمان داد که ابلیس بر آدم(ع) سجده کند؛ که این کار نشانه فضیلت و برتری انسان است. از سوی دیگر برتری ابلیس بر آدم را به خاطر تفاوت عنصر و ماده اولیه آنان مردود شمرد. این حقیقت می رساند که فضیلت آدم(ع) بر ابلیس، به خاطر عنصر اولیه آفرینش او نبود؛ بلکه ناشی از کمالات و اوصاف ناشی از ماده گِل و روح الهی او بوده است.

وقت خلقت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۲۰

۲۰ از رسول خدا ( ص ) روایت شده که فرمود : > يوم الجمعة سيد الأيام . . . خلق الله فيه آدم واهبط فيه آدم إلى الأرض ؛

روز جمعه شریف ترین روزهاست . . در آن روز خداوند آدم را آفرید و در همین روز او را به زمین فرستاد.

ویژگی خلقت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۱۲

۱۲ خلقت حضرت عیسی ( ع ) ، خلقتی خارق العاده و بدون پدر

انما المسيح عیسی ابن مریم رسول الله و كلمته القاها إلى مریم

انتساب مسیح(ع) به مادرش مریم(ع) دلالت بر خلقت او بدون واسطه پدر

دارد.

ویژگیهای خلقت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۳

۳ - حوا، از جنس آدم (ع) و برابر با او، در اصل خلقت و در حقیقت و ویژگی های انسانی

خلقکم من نفس وحده ثم جعل منها زوجها

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که مضمون آیه شریفه مانند مضمون آیه > و الله جعل لکم من أنفسکم أزواجاً و جعل لکم من أزواجکم بنین و حفده.. <، (نحل (۱۶) آیه ۷۲) است. مقصود از آن بیان آفرینش نوع انسان و چگونگی پیدایش نسل آدمی و تکثیر نوع بشر است نه این که حوا از یک تن به نام آدم پدید آمده باشد و در نتیجه همه انسان ها از یک تن به وجود آمده باشند.

ویژگیهای خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۸ - ۲

۲ - شکل گیری نظام جهان، دارای روندی تدریجی و طی دوره های متعدد

و لقد خلقنا .. فی سته ایام

ویژگیهای خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ - نوع خلقت انسان، برترین و بهترین شکل آفرینش برای او

ثم أنشأه خلقاً اخر فتبارك الله أحسن الخلقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۶

۶ - انسان ، برخوردار از بهترین شکل و شمایل و اندامی موزون

و صوّرکم فأحسن صورکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۷

۵ - آفرینش انسان ، تدریجی و تکاملی است .

و الله أنبتکم من الأرض نباتاً

برداشت یاد شده، به سبب آن است که خلقت نباتات، دارای چنین خصوصیتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۲ - ۶

۶ - آفرینش انسان ، ممتاز و برتر از آفرینش سایر مخلوق ها است .

الذی خلق . خلق الإنسن من علق

آیه قبل، از خالقیت خداوند سخن گفت و در این آیه، خلقت انسان به عنوان نمونه ای از مخلوقات او اختصاص به ذکر یافته است. این عنایت خاص، نشانگر برجستگی ویژه خلقت انسان است.

ویژگیهای خلقت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۹ - ۷

۷ - خداوند ، در پی آفرینش انسان از نطفه ، او را توانمند و مهیا برای رسیدن به مصلحت های خویش قرار داد .

من نطفه خلقه فقدّره

برخی از اهل لغت، ضمن بر شمردن معانی متعددی برای <تقدیر>، دقت و تفکر در متعادل ساختن امور و مهیا ساختن آنها را، از جمله معانی آن قرار داده اند (لسان العرب). <فاء> در <فقدّره> گویای این است که مهیا شدن انسان برای مصالح خویش، از آثار و پیامدهای سیستم خلقت او است.

ویژگیهای خلقت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۳

۳- حوا، از جنس آدم (ع) و برابر با او، در اصل خلقت و در حقیقت و ویژگی های انسانی

خلقکم من نفس وحده ثم جعل منها زوجها

بیشتر مفسران بر این عقیده اند

که مضمون آیه شریفه مانند مضمون آیه <وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا وَّجَعَلَ لَكُم مِّنْ اَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَّحَفَدَةً..>، (نحل (۱۶) آیه ۷۲) است. مقصود از آن بیان آفرینش نوع انسان و چگونگی پیدایش نسل آدمی و تکثیر نوع بشر است نه این که حوا از یک تن به نام آدم پدید آمده باشد و در نتیجه همه انسان ها از یک تن به وجود آمده باشند.

ویژگیهای خلقت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۶ - ۱

۱ - خداوند ، ماه را نورانی و خورشید را همچون چراغ فروزنده آفرید .

و جعل القمر فیهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

ویژگیهای خلقت روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۵ - ۸

۸- روح در پیدایش و وجود ، بی نیاز از اسباب و وسایط خلقت \*

قل الروح من امر ربّی

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <أمر> کلمه <ایجاد> باشد که معنای <کن> است. بنابراین، نیازی به وسایط خلق و آفریدن ندارد.

ویژگیهای خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۱،۲

۱ - خداوند ، کره زمین را با ثبات و آرام قرار داد .

اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْاَرْضَ قَرَارًا

<قرار> می تواند مصدر <قَرَّرَ> (مرادف سَيَّكَنَ وَ تَبَّتْ) باشد. در این صورت قرار، مقابل اضطراب و لرزیدن و از اوصاف

زمین به شمار می رود. هم چنین می تواند به معنای مستقر و جایی باشد که در آن ثبات و آرامش

است؛ یعنی، <جعلها مستقراً لكم>. در این صورت مقصود آن است که زمین را به گونه ای قرار دادیم که جایی برای سکونت شما انسان ها باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

۲ - خداوند، زمین را به گونه ای آفریده که قابل سکونت و زندگی برای بشر باشد.

اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۵ - ۱

۱ - خداوند، زمین را برای انسان رام و قابل بهره برداری قرار داد.

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۰ - ۲

۲ - خداوند، زمین را به گونه ای آفرید که انسان بتواند در آن راه های وسیع برای خود بسازد.

لَتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا

برخی از مفسران، بر آنند که چون فعل <سلک> با <من> متعدی شده است، متضمن معنای اتخاذ است؛ یعنی، <لتتخذوا لأنفسكم منها سبلاً..>.

ویژگیهای خلقت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۷ - ۷

۷ - آفرینش شتر، با ویژگی های برجسته آن، نشان قدرت خداوند بر اعاده انسان ها است.

أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ

با توجه به این که آغاز سوره با یاد قیامت شروع شده، این آیات نیز ناظر به معاد و امکان آن خواهد بود.

ویژگیهای خلقت طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱ - ۶

۶- طبیعت به گونه ای آفریده شده است که نیاز های انسان

را به خوبی تأمین می کند .

هو الذی أنزل من السماء ماء لکم . . . ینبت لکم

تکرار <لکم> در دو آیه، هم چنین فعل <تسیمون> جملگی دلالت بر آن دارند که: این مجموعه برای منافع آدمی ایجاد گشته و در نتیجه با نیازهای او تناسب و هماهنگی دارد.

ویژگیهای خلقت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۷ - ۷

۷ - عیسی (ع) انسانی تکوین یافته بدون واسطه پدر

و ءاتینا عیسی ابن مریم

قرآن با تصریح به اینکه عیسی(ع) فرزند مریم(ع) است - بر خلاف آنچه متعارف است که انسان را به پدرش منسوب می کنند - اشاره به نکاتی دارد از جمله، پیدایش عیسی(ع) بدون واسطه پدر و رد پندار ناروای یهودیان که او را به مردی نجار نسبت می دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۲ - ۳

۳- عیسی (ع) در برشمردن ویژگی هایش ، بر پیدایش خود بدون پدر تأکید ورزید .

و برّا بولدتی

عیسی(ع) در مورد نیکی کردن، تنها از مادر خود یاد کرد و ذکری از پدر به میان نیاورد تا در گفتار هم این مطلب را که مادرش پاکدامن است، تأیید کرده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۴ - ۳،۷

۳- عیسی (ع) ، بدون پدر تکوین یافته بود .



ذلك عيسى ابن مريم

نسبت دادن عیسی(ع) به مادرش مریم با توجه به غیر متعارف بودن انتساب به مادر گویای برداشت یاد شده است.

۷- در باره ماهیت حضرت عیسی

(ع) (بشر بودن و تکوین یافتن او بدون پدر) در طول تاریخ تردیدهایی ناروا وجود داشته است .

ذلك عيسى ابن مريم .. الذى فيه يمترون

<الذى> وصف است برای <عیسی> یا <قول الحق> و <إمتراء> (مصدر <یمترون>) به معنای شک و تردید کردن است. غایب ذکر شدن صیغه <یمترون> از آن حکایت دارد که کسانی غیر از مسلمانان در باره حضرت عیسی(ع) به عقایدی پای بند بودند که برپایه یقین استوار نبود.

ویژگیهای خلقت ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۶ - ۱

۱ - خداوند ، ماه را نورانی و خورشید را همچون چراغ فروزنده آفرید .

و جعل القمر فيهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

هدفداری خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۲

۲ آفرینش آسمانها و زمین، هدفدار و در نهایت استواری است.

و هو الذى خلق السموت و الأرض

<حق> کاربرد معنایی بسیاری دارد، از آن جمله که قرینه ترکیب با جمله <خلق السماوات>، به معنای هدفداری و حکیمانه بودن آفرینش است، راغب نیز در مفردات به کاربرد این معنی برای <حق> تصریح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۹ - ۱

۱- خداوند ، آسمان ها و زمین را هدفمند و بر اساس حکمت آفرید .

الم تر أن الله خلق السموت و الأرض بالحقّ

<حق> در برابر باطل (بیهوده) است و مراد از آن، این است که فاعل حق برای کارش هدفی پسندیده در نظر دارد.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۸ - ۳

۳ - آسمان ها و زمین و تمامی موجودات هستی ، آفریده هایی هدف دار و پیراسته از هرگونه باطل اند .

ما خلق الله السموت و الأرض و ما بينهما إلا بالحقّ

<باء> در <بالحقّ> برای <ملاسه> است و دلالت می کند که حق بودن آفرینش، وصف انفکاک ناپذیر آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۸ - ۲

۲- وجود معاد و حیات اخروی ، معنادهنده به آفرینش آسمان ها و زمین و سایر پدیده های جهان

إن هؤلاء ليقولون .. و ما خلقنا السموت ... لعین

خداوند، پس از بیان عقیده باطل کافران در زمینه نفی معاد و در جهت تبیین ضرورت معاد، به هدف مند بودن آفرینش اشاره کرده است؛ یعنی، اگر زندگی در حیات دنیا خلاصه شود، آفرینش معنایی عالمانه و حکیمانه پیدا نخواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۹ - ۱

۱- آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی بحق ، بایسته ، ارزشمند و هدفدار

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بينهما لعین . ما خلقنهما إلا بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۲ - ۱

۱ - آفرینش آسمان ها و زمین از سوی خداوند ، آفرینشی به حق و هدفدار

و خلق الله السموت و الأرض

<حق> به چیزی گفته می شود که براساس حکمت و فلسفه ای بایسته پدید آمده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴

۲ - آفرینش جهان ( آسمان ها ، زمین و ... ) ، براساس حق و هدفدار و به دور از بیهوده کاری است .

خلق السموت و الأرض بالحقّ

<حقّ> در مقابل باطل قرار دارد. یکی از معانی <باطل> عبث و بیهوده کاری است؛ یعنی، کاری که در آن هدف معقولی لحاظ نشود.

هدفداری خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۲

۲ - آفرینش جهان ( آسمان ، زمین و ... ) ، هدفدار و به دور از عبث کاری است .

خلق السموت و الأرض بالحقّ

<حقّ> در مقابل باطل قرار دارد و باطل گاهی در معنای عبث به کار می رود. بنابراین حق به معنای هدفدار بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۲ - ۶

۶ - برپایی قیامت ، بخشی از اهداف الهی در آفرینش جهان

بالحقّ و لتجزی کلّ نفس بما کسبت

برداشت بالا- بنابراین نکته است که <و لتجزی> عطف بر محذوف باشد؛ یعنی، آفرینش به حق هستی اهداف متعددی را دنبال می کند و از آن میان، تنها یک مورد ذکر شده است که جزای عادلانه مردم است و قیامت صحنه اصلی بروز و ظهور آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۲

۲ - خداوند ، در آفرینش جهان ، دارای هدفی بایسته و به دور از کمترین کاستی و بیهودگی

ما خلقنا السموت و الأرض و ما بينهما إلا بالحقّ

اطلاق <الحقّ> با همه گستردگی

و شمول آن بر آفرینش خداوند، می رساند که در آفرینش او، کمترین ضعف، سستی، بیهودگی و .. وجود ندارد؛ بلکه از همه جهات در نهایت حقانیت و کمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۸ - ۸

۸ - شکل گیری تدریجی جهان، دارای ملائک های حکیمانه و نه معلول خستگی و محدودیت قدرت خداوند \*

و لقد خلقنا السموت و الأرض .. و ما مسنا من لغوب

برداشت بالا بدان احتمال است که بیان < ما مسنا من لغوب > در پی < سته آیام > نظر به این جهت داشته باشد که اصولاً در آفرینش، رنج و خستگی برای خداوند مطرح نیست و اگر کار آفرینش را در شش مرحله صورت داده است، دلایل دیگری دارد و به سبب محدودیت قدرت او نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۰ - ۴

۴ - آفرینش زمین و نظام هستی از سوی خدا، هدفمند است .

و السماء رفعها و .. و الأرض وضعها للأنام

خداوند متعال در این آیه، نمایانده است که اصولاً سامان یافتن زمین و شکل گیری آن از آغاز، بدان هدف صورت گرفته که زیستگاه آدمیان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۳ - ۱۱، ۲

۲ - آفرینش جهان ( آسمان ها، زمین و ... )، براساس حق و هدفدار و به دور از بیهوده کاری است .

خلق السموت و الأرض بالحقّ

< حقّ > در مقابل باطل قرار دارد. یکی از معانی < باطل > عبث و



بیهوده کاری است؛ یعنی، کاری که در آن هدف معقولی لحاظ نشود.

۱۱ - معاد و بازگشت انسان ها ، به پیشگاه عدل الهی برای کیفر و پاداش ، مقتضای آفرینش به حق و هدفمند جهان است .

خلق السموت و الأرض .. و إليه المصیر

ذکر معاد انسان ها پس از بیان آفرینش جهان بر پایه حق و هدفمندی می تواند گویای نکته یاد شده باشد.

هدفداری خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۵ - ۶،۷

۶ - خلقت انسان بدون هیچ هدف ارزشمند ، امری نامعقول است .

أم خلقوا من غیر شیء

برداشت یاد شده بدان احتمال است که واژه <شیء>، کنایه از غایت و هدف باشد.

۷ - هدفداری خلقت انسان ، مستلزم بعثت رسولان و هدایت آدمیان به سوی اهداف بایسته

أم خلقوا من غیر شیء

چنانچه عبارت <من غیر شیء> به معنای <من غیر غایه> باشد؛ از ارتباط مسأله هدفداری خلقت انسان با آیات پیشین که درباره حقانیت رسالت پیامبر(ص) و قرآن بود مطلب بالا استفاده می شود.

هدفداری خلقت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲ - ۱۱

۱۱ - خلقت انسان ، هدفمند و جهت دار است .

خلق الموت و الحیوه لیلوکم ائیکم أحسن عملاً

هدفداری خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۲

۲ آفرینش آسمانها و زمین، هدفدار و در نهایت استواری است.

و هو الذی خلق السموت و الأرض

<حق> کاربرد معنایی بسیاری دارد، از آن جمله که قرینه ترکیب

با جمله <خلق السماوات>، به معنای هدفداری و حکیمانه بودن آفرینش است، راغب نیز در مفردات به کاربرد این معنی برای <حق> تصریح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۹ - ۱

۱- خداوند، آسمان ها و زمین را هدفمند و بر اساس حکمت آفرید.

ألم تر أن الله خلق السموت والأرض بالحقّ

<حق> در برابر باطل (بیهوده) است و مراد از آن، این است که فاعل حق برای کارش هدفی پسندیده در نظر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۸ - ۳

۳- آسمان ها و زمین و تمامی موجودات هستی، آفریده هایی هدف دار و پیراسته از هرگونه باطل اند.

ما خلق الله السموت والأرض و ما بينهما إلا بالحقّ

<باء> در <بالحقّ> برای <ملاسه> است و دلالت می کند که حق بودن آفرینش، وصف انفکاک ناپذیر آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۸ - ۲

۲- وجود معاد و حیات اخروی، معنادهنده به آفرینش آسمان ها و زمین و سایر پدیده های جهان

إنّ هؤلاء ليقولون... و ما خلقنا السموت... لعین

خداوند، پس از بیان عقیده باطل کافران در زمینه نفی معاد و در جهت تبیین ضرورت معاد، به هدف مند بودن آفرینش اشاره کرده است؛ یعنی، اگر زندگی در حیات دنیا خلاصه شود، آفرینش معنایی عالمانه و حکیمانه پیدا نخواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۹ - ۱

۱- آفرینش آسمان

ها و زمین ، آفرینشی بحق ، بایسته ، ارزشمند و هدفدار

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بينهما لعبین . ما خلقنهما إلاّ بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۲ - ۱

۱ - آفرینش آسمان ها و زمین از سوی خداوند ، آفرینشی به حق و هدفدار

و خلق الله السموت و الأرض

<حق> به چیزی گفته می شود که براساس حکمت و فلسفه ای بایسته پدید آمده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۰ - ۴

۴ - آفرینش زمین و نظام هستی از سوی خدا ، هدفمند است .

و السماء رفعها و .. و الأرض وضعها للأنام

خداوند متعال در این آیه، نمایانده است که اصولاً سامان یافتن زمین و شکل گیری آن از آغاز، بدان هدف صورت گرفته که زیستگاه آدمیان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۳ - ۲

۲ - آفرینش جهان ( آسمان ها ، زمین و ... ) ، براساس حق و هدفدار و به دور از بیهوده کاری است .

خلق السموت و الأرض بالحقّ

<حقّ> در مقابل باطل قرار دارد. یکی از معانی <باطل> عبث و بیهوده کاری است؛ یعنی، کاری که در آن هدف معقولی لحاظ نشود.

هدفداری خلقت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - شتر ، مخلوق خداوند و آفریده ای هدف دار است .

أفلا ينظرون إلى الإبل كيف خلقت

در آیه شریفه، گرچه سخن از آفریننده شتر

به میان نیامده است؛ ولی سیاق آیات که در مقام برشمردن نعمت های خداوند، توجه دادن انسان به قدرت مندی او و ضرورت معاد می باشد بیانگر این است که خداوند، آن را خلق کرده و آفریدن آن لغو نبوده است.

هدفداری خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۸ - ۳

۳ - آسمان ها و زمین و تمامی موجودات هستی ، آفریده هایی هدف دار و پیراسته از هرگونه باطل اند .

ما خلق الله السموت و الأرض و ما بينهما إلا بالحقّ

<باء> در <بالحقّ> برای <ملاسه> است و دلالت می کند که حق بودن آفرینش، وصف انفکاک ناپذیر آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۶ - ۱۴

۱۴ - پدیده های عالم آفرینش ، برای برآوردن منظور و هدفی ، آفریده شده اند .

أن يرسل الرياح مبشّرت و ليديقكم .. و لتبتغوا من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۸ - ۲

۲- وجود معاد و حیات اخروی ، معنادهنده به آفرینش آسمان ها و زمین و سایر پدیده های جهان

إنّ هؤلاء ليقولون .. و ما خلقنا السموت ... لعین

خداوند، پس از بیان عقیده باطل کافران در زمینه نفی معاد و در جهت تبیین ضرورت معاد، به هدف مند بودن آفرینش اشاره کرده است؛ یعنی، اگر زندگی در حیات دنیا خلاصه شود، آفرینش معنایی عالمانه و حکیمانه پیدا نخواهد کرد.

**خمر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما**

خمر

آثار خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره

۶ شراب و قمار ، موجب کُندی و بازماندن انسان از ثواب و خیر

قل فیهما اثم کبیر

<الاثم>: اسم للافعال المُبطئه عن الثواب (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۲،۹

۲ شراب و قمار ، ابزار شیطان برای ایجاد کینه و عداوت

انما یرید الشیطن . . . فی الخمر و المیسر

۹ قماربازی و میگساری ابزار شیطان برای بازداشتن مردم از یاد خدا و برپایی نماز

انما یرید الشیطن . . . فی الخمر و المیسر و یصدکم عن ذکرالله و عن الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۷ - ۳

۳ - شراب ، مایه ضرر و زیان و آسیب رسان به عقل و هوش آدمی

لا فیها غول و لا هم عنها ینزفون

برداشت یاد شده از مفهوم آیه شریفه به دست می آید.

اجتناب از خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۵،۱۱

۵ اهل ایمان وظیفه دار اجتناب از شرابخواری ، قماربازی و مظاهر شرک

یا ایها الذین ءامنوا انما الخمر و المیسر . . . فاجتنبوه



۱۱ پرهیز از شراب خواری ، قماربازی و مظاهر شرک ، زمینه ساز نیل به فلاح و رستگاری \*

انما الخمر و الميسر و الانصاب و الازلم .. فاجتنبوه لعلکم تفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۱۸

۱۸ بیان احکام و مفسد شراب و قمار ، بیانی رسا در تحریم میگساری و قماربازی و از

میان برنده هر گونه تردیدی در ضرورت پرهیز از آنها

انما الخمر و الميسر . . . و يصدكم عن ذكر الله و عن الصلوه فهل انتم منتهون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۲ - ۶

۶ دوری جستن از پلیدی ها ( شراب ، قمار ، مظاهر شرک ) نشانگر اطاعت از خدا و رسول ( ص )

انما الخمر و الميسر و الانصاب و الازلم . . . و اطيعوا الله و اطيعوا الرسول

احکام خمر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۴

۴ حرمت شرابخواری و قمار بازی

يسئلونك عن الخمر و الميسر قل فيهما اثم كبير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۱۴

۱۴ هر نوشیدنی مستی آور ، خمر است و حرام

انما الخمر . . . من عمل الشيطان فاجتنبوه

از امام باقر(ع) درباره <خمر> در آیه فوق روایت شده: فكل مسكر من الشراب خمر اذا اخمر فهو حرام . . .

---

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۸۰؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۸، ح ۳۴۲.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۱۸

۱۸ بیان احکام و مفسد شراب و قمار ، بیانی رسا در تحریم میگساری و قماربازی و از میان برنده هرگونه تردیدی در ضرورت پرهیز از آنها

انما الخمر و المیسر .. و یصدکم عن ذکر اللہ و عن الصلوہ فهل انتم منتهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۷ - ۱۲

-۱۲

> عن أبي عبد الله (ع) قال: ... قد أنزل الله ... > و من ثمرات النخيل و الأعناب تتخذون منه سكرأ و رزقأ حسناً < فكان المسلمون بذلك ثم أنزل الله آيه التحريم هذه الآية: > إنما الخمر و الميسر و الأنصاب ... فاجتنبوه ... < فهذه آيه التحريم، و هي نسخت الآية الأخرى

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود:.. به تخقیق خداوند نازل فرمود:... > و من ثمرات النخيل و الأعناب تتخذون منه سكرأ و رزقأ حسناً < پس مسلمان هم به همین گونه (گرفتن شراب و خوردن آن) عمل می کردند/ سپس خداوند آیه تحریم شراب را که این آیه باشد > إنما الخمر و الميسر و الأنصاب ... فاجتنبوه ... < نازل فرمود ... پس این آیه تحریم است و این آیه، آیه دیگر را نسخ کرده است.<

پرسش از خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۱

۱ پرسش مردم از پیامبر (ص)، درباره شراب و قمار

يسئلونك عن الخمر و الميسر

پلیدی خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۱

۱ شراب، قمار، بت ها و چوب های مخصوص برد و باخت، به تمامی پلید و ناپاک اند.

انما الخمر و الميسر و الانصاب و الازلم رجس

<انصاب> جمع کلمه نصب است، برخی آن را به معنای بت گرفته اند و برخی گفته اند <انصاب> سنگهایی بوده که بر آستان بتها نصب می

شده و جایگاه ذبح قربانی برای بتها بوده است و بدان جهت مشرکان آنها را مایه تبرک می پنداشتند و محترم می شمردند. <ازلام> جمع زلم (تیر قمار) از انواع وسائل قمار و بردو باخت به شمار می رفته است.

تاریخ تهیه خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۷ - ۴

۴- تهیه شراب از خرما و انگور ، در صدر اسلام رواج داشت .

و من ثمرت النخيل و الأعناب تتخذون منه سكرًا

تاریخ شرب خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ شراب خواری در میان حاکمان مصر باستان ، امری رایج بوده است .

إني أريني أعصر خمراً

تحریم خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۱۸

۱۸ بیان احکام و مفسد شراب و قمار ، بیانی رسا در تحریم میگساری و قماربازی و از میان برنده هرگونه تردیدی در ضرورت پرهیز از آنها

انما الخمر و الميسر .. و یصدکم عن ذکر اللّٰه و عن الصلوه فهل انتم منتهون

ترک خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۳ - ۳

۳ تبرئه مؤمنان از گناه شراب خواری و قماربازی ، مشروط به دست کشیدن از آن پس از نهي خداوند

ليس على الذين ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فيما طعموا إذا ما اتقوا

تشریح حرمت خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۷ - ۱۲

۱۲- > عن أبي عبد الله (ع

( قال : ... قد أنزل الله ... > و من ثمرات النخيل و الأعناب تتخذون منه سكرًا و رزقًا حسنًا < فكان المسلمون بذلك ثم أنزل الله آية التحريم هذه الآية : > إنما الخمر و الميسر و الأنصاب ... فاجتنبوه ... < فهذه آية التحريم ، و هي نسخت الآية الأخرى

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: .. به تحقیق خداوند نازل فرمود:... <و من ثمرات النخيل و الأعناب تتخذون منه سكرًا و رزقًا حسنًا> پس مسلمان هم به همین گونه ( گرفتن شراب و خوردن آن ) عمل می کردند/ سپس خداوند آیه تحریم شراب را که این آیه باشد <إنما الخمر و الميسر و الأنصاب ... فاجتنبوه ...> نازل فرمود ... پس این آیه تحریم است و این آیه، آیه دیگر را نسخ کرده است.<

تهیه خمر از انگور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۷ - ۴

۴- تهیه شراب از خرما و انگور ، در صدر اسلام رواج داشت .

و من ثمرت النخيل و الأعناب تتخذون منه سكرًا

تهیه خمر از خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۷ - ۴

۴- تهیه شراب از خرما و انگور ، در صدر اسلام رواج داشت .

و من ثمرت النخيل و الأعناب تتخذون منه سكرًا

حرمت خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۱۴

۱۴ هر نوشیدنی مستی آور ، خمر است و حرام

انما الخمر . .. من

از امام باقر(ع) درباره <خمر> در آیه فوق روایت شده: فکل مسکر من الشراب خمر اذا اخمر فهو حرام . . .

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۸۰ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۸، ح ۳۴۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۳ - ۱۸

۱۸ عن أبي الحسن(ع): .. قول الله تبارك و تعالی: <قل إنما حرم ربي الفواحش ما ظهر منها و ما بطن و الأثم و البغی بغیر الحق ... > اما قوله: <و ما بطن > یعنی ما نکح من الآباء فإن الناس كانوا قبل أن یبعث النبى(ص) إذا كان للرجل زوجة و مات عنها تزوجها إبنه من بعده إذا لم تكن أمه فحرم الله ذلك و اما <الإثم > فإنها الخمره بعینها ... و اما قوله: <البغی > فهو الزنا سرا ...

از امام کاظم(ع) درباره <ما بطن > در آیه <قل إنما حرم ربي الفواحش ... > روایت شده است: یعنی ازدواج با همسر پدر زیرا قبل از بعثت رسول خدا(ص) شخصی که از دنیا می رفت اگر همسری از او باقی می ماند، پسر متوفی او را اگر مادرش نبود به همسری برمی گزید خداوند، این ازدواج را تحریم فرمود. اما <اثم > همان شراب است ... و اما <بغی > همان زنای پنهانی است ...

خمر در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۱۳

۱۳ رواج شرابخوارگی و قماربازی در عصر بعثت

یسئلونک عن الخمر و المیسر قل فیهما اثم کبیر و منافع للناس

فعل مضارع <یسئلونک >، دلالت بر تکرار سؤال



دارد و تکرار سؤال، بیانگر رواج مورد سؤال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۱۰

۱۰ رواج شراب خورای، قمار بازی و گرایش به مظاهر شرک در عصر بعثت

يايها الذين ءامنوا انما الخمر .. رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۷ - ۴

۴- تهیه شراب از خرما و انگور، در صدر اسلام رواج داشت.

و من ثمرت النخيل و الأعنب تتخذون منه سكرًا

خمر قبل از تحریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۳ - ۲،۵

۲ استفاده مؤمنان نیک کردار از شراب و قمار پیش از حکم خداوند به حرمت آنها، خالی از سرزنش و گناه

ليس على الذين ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فيما طعموا

مراد از <ما> در <ما طعموا> شراب و درآمدهای حاصل از قمار بازی است بنابراین اراده شراب خواری و مصرف آن درآمدهای قمار از <طعام> که تنها در مورد خوراکیها به کار برده می شود میتواند از باب تغليب باشد.

۵ مؤمنان دارای عمل صالح که شراب نوشیدند و از درآمدهای قمار بهره جستند و زمان تحریم آن را درک نکردند بر خلاف توهم گروهی از مسلمانان اهل نجات و رستگاری هستند.

ليس على الذين ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فيما طعموا

در برخی از شأن نزولهای آمده که آیه <ليس على الذين ..> رد پندار آن گروه از مسلمانان است که پس از تصریح به حرمت قمار و

شراب و پلید شمردن آنها، نسبت به فرجام مؤمنان صالح حتی شهیدان راه خدا که شرابی نوشیدند و از عوائد قمار بهره جستند، تشکیک می کردند و آنان را از زمره رستگاران نمی شمردند.

زیان خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۷ - ۳

۳ - شراب ، مایه ضرر و زیان و آسیب رسان به عقل و هوش آدمی

لا فیها غول و لا هم عنها ینزفون

برداشت یاد شده از مفهوم آیه شریفه به دست می آید.

شرب خمر حاکمان مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ شراب خواری در میان حاکمان مصر باستان ، امری رایج بوده است .

إنی أرینی أعصر خمراً

شرب خمر در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۳ - ۱

۱ برخی از مسلمانان عصر بعثت تا پیش از نزول آیه < انما الخمر . . . > به شرابخواری و قماربازی مبتلا بودند .

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا

فعل ماضی < طعموا > دلالت بر این دارد که برخی از مسلمانان پیش از نزول این بخش از آیات، از شراب خواری و قماربازی پرهیز نداشتند.

شرب خمر در مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۱۷

۱۷ شراب خواری و قماربازی برخی مسلمانان صدر اسلام حتی پس از تحریم آن

فهل انتم منتهون

بیان رسای آیات مورد بحث در تحریم شراب و قمار و تذییل آن با جمله

ای مذمت آمیز همراه با تردید نسبت به پرهیز مسلمانان از آن (آیا دست از قمار بازی و شرابخواری می کشید)، می رساند که تحریم قمار و شراب قبلا اعلام شده ولی برخی از مسلمانان شاید به توهم تصریح نداشتن آن آیات در تحریم، همچنان به شرابخواری و قماربازی ادامه می دادند گفتنی است که شأن نزول های نقل شده درباره این آیات برداشت فوق را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۳ - ۱،۲

۱ برخی از مسلمانان عصر بعثت تا پیش از نزول آیه < انما الخمر . . . > به شرابخواری و قماربازی مبتلا بودند .

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا

فعل ماضی < طعموا > دلالت بر این دارد که برخی از مسلمانان پیش از نزول این بخش از آیات، از شراب خواری و قماربازی پرهیز نداشتند.

۲ استفاده مؤمنان نیک کردار از شراب و قمار پیش از حکم خداوند به حرمت آنها ، خالی از سرزنش و گناه

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا

مراد از < ما > در < ما طعموا > شراب و درآمدهای حاصل از قمار بازی است بنابراین اراده شراب خواری و مصرف آن درآمدهای قمار از < طعام > که تنها در مورد خوراکیها به کار برده می شود میتواند از باب تغلیب باشد.

ضرر خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۵

۵ شراب و قمار ، دارای زیانی بزرگ و منافی اندک

قل فیهما اثم کبیر و منافع للناس

کلمه < اثم > ،

به قرینه مقابل آن (منافع)، می تواند به معنای زیان باشد.

فلسفه تحریم خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۴،۱۰

۴ حراست از وحدت جامعه ایمانی و دور نگاهداشتن آن از کینه و دشمنی فلسفه تحریم شراب خواری و قماربازی

انما یرید الشیطن ان یوقع بینکم العدوه و البغضاء

۱۰ باز نماندن از نماز و یاد خدا از حکمت های تحریم میگساری و قماربازی

انما یرید الشیطن ... فی الخمر و المیسر و یصدکم عن ذکرالله و عن الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۹ - ۲

۲ - فلسفه ممنوعیت باده نوشی در دنیا، وجود عوارض بد آن (سر درد و از دست دادن عقل) است.

لا یصدعون عنها ولا ینزفون

جمله <لا یصدعون...> می تواند پاسخ سؤال مقدر باشد و آن این که: اگر شراب نوشی در آخرت پسندیده است، چرا در دنیا نباشد؟ پاسخ این است که شراب آخرت، عوارض ناگوار ندارد (برعکس شراب های دنیا).

فلسفه حرمت خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۲۳

۲۳ - > محمد بن عذافر عن بعض رجاله عن ابی جعفر (ع) قال قلت له لم حرم الله عزو جل الخمر و المیتة و الدم و لحم الخنزیر؟ فقال: ان الله تبارک و تعالی... خلق الخلق... و علم ما یضرهم فنهاهم عنه و حرمه علیهم ثم احله للمضطر فی الوقت الذی لا یقوم بدنه إلا به فأمره

أن ينال منه بقدر البلغه لاغير ذلك . . . ;

امام باقر(ع) در پاسخ از علت حرمت خمر، مردار، خون و گوشت خوک فرمودند: خداوند انسانها را آفرید . . . و می دانست چه چیزی موجب ضرر و زیان آنان است و آنان را از آن نهی نموده و برایشان حرام کرده است، سپس برای مضطر در وقتی که بدن او به آن نیاز پیدا کرده، حلال شمرده است که به اندازه کفاف بخورد نه بیشتر از آن ... <.

فواید خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۵۸

۵ شراب و قمار، دارای زیانی بزرگ و منافی اندک

قل فیهما اثم کبیر و منافع للناس

کلمه <اثم>، به قرینه مقابل آن (منافع)، می تواند به معنای زیان باشد.

۸ گناه شرابخواری و قماربازی، از منفعت آنها بیشتر است .

یسئلونک عن الخمر و المیسر . . . اثمهما اکبر من نفعهما

گناه خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۷۸

۷ میگساری و قماربازی از گناهان بزرگ

یسئلونک عن الخمر و المیسر قل فیهما اثم کبیر . . . و اثمهما اکبر

<اثم> به معنای گناه و کاری است که انجام آن حرام است. (القاموس المحيط)

۸ گناه شرابخواری و قماربازی، از منفعت آنها بیشتر است .

یسئلونک عن الخمر و المیسر . . . اثمهما اکبر من نفعهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ شرابخواری و قماربازی از گناهان کبیره

انما الخمر و الميسر . . . رجس من

چون خداوند شراب و قمار را پلید و کار شیطانی شمرد و رستگاری را در گرو ترک آن دانست و در آیه بعد آنها را عامل دشمنی و کینه توزی و مایه فراموشی یاد خدا و نماز معرفی کرد معلوم می شود شراب خواری و قماربازی نمی تواند گناه کوچکی محسوب شود.

گناه شرب خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۷ - ۱۰

۱۰ ارتکاب گناهانی همچون شرابخواری، زنا و نپرداختن زکات، با اعتقاد به گناه بودن آنها، کفر است.

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا

ابو بصیر از معصوم (ع) روایت کرده است که پس از تلاوت <ان الذین ءامنوا ثم کفروا ثم ءامنوا ثم ازدادوا کفراً> امام فرمود: من زعم ان الخمر حرام ثم شربها، و من زعم ان الزنا حرام ثم زنی، و من زعم ان الزکوه حق و لم یؤدها.

---

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۱، ح ۲۸۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۶۳، ح ۶۲۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۳ - ۳

۳ تبرئه مؤمنان از گناه شراب خواری و قماربازی، مشروط به دست کشیدن از آن پس از نهی خداوند

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا إذا ما اتقوا

مفاسد خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۱۸

۱۸ بیان احکام و مفاسد شراب و قمار، بیانی رسا در تحریم میگساری و قماربازی و از میان برنده هرگونه تردیدی در



ضرورت پرهیز از آنها

انما الخمر

والميسر... و يصدقكم عن ذكر الله و عن الصلوه فهل انتم منتهون

موارد خمر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۱۴

۱۴ هر نوشیدنی مستی آور ، خمر است و حرام

انما الخمر... من عمل الشيطان فاجتنبوه

از امام باقر(ع) درباره <خمر> در آیه فوق روایت شده: فكل مسكر من الشراب خمر اذا اخمر فهو حرام... .

---

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۸۰، نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۸، ح ۳۴۲.

ناپسندی شرب خمر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۲

۲ شراب خواری ، قمار بازی ، گرایش به مظاهر شرک و تفأل های مرسوم در جاهلیت ، کرداری شیطانی است

انما الخمر... من عمل الشيطان

### خمس از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خمس

اجتناب از ادای خمس

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۱۲

۱۲ مسلمانان دارای زمینه هایی برای تخلف از دستور خمس و رساندنش به صاحبان آن

و اعلموا أنما غنمتم من شيء .. إن كنتم ءامنتم

از اینکه پرداخت خمس نشانه ایمان به خدا و آیات او دانسته شده و به این وسیله مورد تأکید قرار گرفته، برداشت فوق به دست می آید.

احکام خمس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ پیکارگران مسلمان باید خمس غنایم جنگی به دست آمده را بپردازند .

أنما غنمتم من شيء فأن لله خمس

از مصادیق مورد نظر برای <ما غنمتم> به دلیل وقوع آن در بین آیات جنگ،

چیزهایی است که از دشمن گرفته می شود که به آن غنایم جنگی اطلاق می گردد.

۲ باید خمس ( یک پنجم ) استفاده های مالی ، هر چند اندک باشد ، پرداخت شود .

و اعلموا أنما غنمتم من شيء فأن لله خمس

<غنم> مصدر <غنمتم> به معنای به دست آوردن فایده است. راغب در مفردات می گوید: غنم به معنای به دست آوردن گوسفندان بوده و سپس در مورد هر چیزی که بدان دست یافته شود، استعمال شده است؛ چه در جنگ از دشمنان به دست آید و یا از طریق دیگری. <من شيء> بیان و توضیحی است برای <ما>ی موصوله و دلالت می کند بر اینکه باید خمس آن فایده به دست آمده، هر چند اندک باشد، پرداخت شود.

۳ ضرورت توجه به حکم شرعی غنایم در کنار مسایل جنگ و جهاد

و اعلموا أنما غنمتم من شيء

۴ غنیمت های جنگ و دیگر استفاده های مالی ، بجز خمس آن ، از آن غنیمت گیرنده و استفاده برنده است .

و اعلموا أنما غنمتم من شيء فأن لله خمس

۵ خمس غنایم جنگ و دیگر درآمدها از آن خدا و پیامبر ( ص ) و خویشان اوست .

فأن لله خمس و للرسول و لذی القربی

<ذی القربی> به معنای خویش است و چون خویشی یک معنای اضافی است با قراین کلامی روشن می شود که خویشان چه کسی مراد است. در اینجا مراد از <ذی القربی> به دلیل کلمه <الرسول>، خویشان پیامبر(ص) هستند. در حقیقت <ال> در <القربی> جانشین مضاف إليه است؛ یعنی: للرسول و لذی قریبه.

۶ یتیمان ، مساکین و در

راه ماندگان ، باید از خمس غنایم و دیگر در آمد ها بهره مند شوند .

و الیتمی و المسکین و ابن السبیل

۷ یتیمان ، مساکین و در راه ماندگان در صورتی می توانند از خمس استفاده کنند که از وابستگان پیامبر ( ص ) باشند . \*

و الیتمی و المسکین و ابن السبیل

برداشت فوق مبتنی بر این است که <ال> در <الیتامی> و ... جانشین مضاف إلیه باشد ؛ یعنی یتامی الرسول و ... .

ادای خمس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ پرداخت خمس غنیمت ها و دیگر استفاده های مالی ، نشان ایمان به خدا و ایمان به پیروزی آفرینی خدا در جنگ بدر است .

فَأَنْ لِّلَّ خُمْسَهُ وَلِلرَّسُولِ .. إِنْ كُنْتُمْ ءَامِنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلٰی عَبْدِنَا

مراد از <ما أنزلنا ..> می تواند همان امدادهای غیبی الهی باشد که مسلمانان در پرتو آن به پیروزی در جنگ بدر دست یافتند.

اهمیت خمس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۵ - ۴

۴ - لزوم انفاق و کمک به سائلان و محرومان جامعه ، افزون بر پرداخت زکات و خمس

للسائل و المحروم

انفاق به سائلان و محرومان جامعه همان گونه که مفسران یادآور شده اند پیش از واجب شدن زکات و خمس مقرر شده است. از آن جایی که دلیل قاطعی بر نفی این فریضه و یا تبدیل آن به زکات و خمس به دست نیامده است ؛ می توان مطلب یاد شده را استفاده کرد.

خمس غنايم

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۱۰، ۱۵

۱ پیکارگران مسلمان باید خمس غنایم جنگی به دست آمده را پردازند .

أما غنمتم من شیء فأن لله خمسة

از مصادیق مورد نظر برای <ما غنمتم> به دلیل وقوع آن در بین آیات جنگ، چیزهایی است که از دشمن گرفته می شود که به آن غنایم جنگی اطلاق می گردد.

۵ خمس غنایم جنگ و دیگر درآمدها از آن خدا و پیامبر (ص) و خویشان اوست .

فأن لله خمسة و للرسول و لذی القربی

<ذی القربی> به معنای خویش است و چون خویشی یک معنای اضافی است با قراین کلامی روشن می شود که خویشان چه کسی مراد است. در اینجا مراد از <ذی القربی> به دلیل کلمه <الرسول>، خویشان پیامبر(ص) هستند. در حقیقت <ال> در <القربی> جانشین مضاف إليه است ؛ یعنی: للرسول و لذی قریبه.

۱۰ پرداخت خمس غنیمت ها و دیگر استفاده های مالی ، نشان ایمان به خدا و ایمان به پیروزی آفرینی خدا در جنگ بدر است .

فأن لله خمسة و للرسول .. إن كنتم ءامتم بالله و ما أنزلنا علی عبدنا

مراد از <ما أنزلنا ..> می تواند همان امدادهای غیبی الهی باشد که مسلمانان در پرتو آن به پیروزی در جنگ بدر دست یافتند.

شرایط استفاده از خمس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۷

۷ یتیمان ، مساکین و در راه ماندگان در صورتی می توانند از خمس استفاده کنند که از وابستگان پیامبر (ص)

باشند . \*

و الیتمی و المسکین و ابن السبیل

برداشت فوق مبتنی بر این است که <ال> در <الیتامی> و .. جانشین مضاف إلیه باشد ؛ یعنی یتامی الرسول و ... .

فلسفه خمس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۱۹، ۱۱

۱۱ آزمودن مسلمانان در ادعای ایمانشان به خدا و آیات او منشایی برای تشریح دستور خمس

و اعلموا أنما غنمتم

برداشت فوق ناظر بر این اساس است که جمله <و الله علی کل شیء قدیر> ناظر به لزوم پرداخت خمس باشد. یعنی این فرمان نه از آن روست که خداوند نیازمند اموال شماست و بر رفع نیاز بینوایان توانا نیست، بلکه هدف از این فرمان اولاً تمایز مؤمنان راستین از غیر ایشان است و ثانیاً این است که نیاز نیازمندان هر جامعه توسط همان جامعه تأمین شود.

۱۹ رفع نیاز های جامعه ایمانی از سوی خود مسلمانان ، منشأ تشریح خمس ، نه ناتوانی خداوند بر تأمین آن نیازها

و اعلموا أنما غنمتم من شیء .. و الله علی کل شیء قدیر

مالک خمس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۵

۵ خمس غنایم جنگ و دیگر درآمدها از آن خدا و پیامبر (ص) و خویشان اوست .

فأن لله خمس و للرسول و لذی القربی

<ذی القربی> به معنای خویش است و چون خویشی یک معنای اضافی است با قراین کلامی روشن می شود که خویشان چه کسی مراد است. در اینجا مراد از <ذی القربی> به دلیل کلمه <الرسول>، خویشان پیامبر(ص) هستند. در



حقیقت <ال> در <القربی> جانشین مضاف إليه است؛ یعنی: للرسول و لذی قریاه.

مسلمانان و خمس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۱۲

۱۲ مسلمانان دارای زمینه هایی برای تخلف از دستور خمس و رساندنش به صاحبان آن

و اعلموا أنما غنمتم من شیء .. إن كنتم ءامنتم

از اینکه پرداخت خمس نشانه ایمان به خدا و آیات او دانسته شده و به این وسیله مورد تأکید قرار گرفته، برداشت فوق به دست می آید.

مصارف خمس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۶،۷

۶ یتیمان ، مساکین و در راه ماندگان ، باید از خمس غنایم و دیگر درآمدها بهره مند شوند .

و الیتمی و المسکین و ابن السبیل

۷ یتیمان ، مساکین و در راه ماندگان در صورتی می توانند از خمس استفاده کنند که از وابستگان پیامبر ( ص ) باشند . \*

و الیتمی و المسکین و ابن السبیل

برداشت فوق مبتنی بر این است که <ال> در <الیتامی> و .. جانشین مضاف إليه باشد؛ یعنی یتامی الرسول و ... .

## خنده از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خنده

اهمیت خنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - خنده و گریه ، از بارزترین نمود ها و ویژگی های طبیعت انسان

و أنه هو أضحك و أبكى

از اختصاص به ذکر یافتن خنده و گریه در میان سایر افعال انسان، مطلب بالا استفاده می شود.

خنده در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - قیامت ، روز خنده و گریه خلاق \*

ثمّ يجزيه الجزاء الأوفى . . . و أنّه هو أضحك و أبكى

برداشت یاد شده بدین احتمال است که این آیه به قرینه آیات پیشین در ارتباط با قیامت باشد.

خنده رویان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۹ - ۱

۱ - گروهی از مردم ، با چهره های خندان در صحنه قیامت حضور خواهند داشت .

ضاحکه

خنده منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۲ - ۱

۱ خوشحالی و خنده منافقان متخلف از جهاد ، اندک و زود گذر در مقایسه با عذاب ها و گریه های اخروی آنان

فليضحكوا قليلا و ليبكوا كثيراً

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <فليضحكوا> در مورد دنیا و <و ليبكوا> در مورد آخرت باشد.

خنده ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۰ - ۴

۴ - زندگی آکنده از خنده و سرخوشی و به دور از اندوه معنوی ، مورد نکوهش الهی است .

و تضحكون و لاتبكون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۲

۲ - تبسم ، خنده پیامبران

فتبسم ضاحكاً من قولها

<ضاحكاً> حال برای ضمیر فاعل در <تبسم> و <من قولها> متعلق به <ضاحكاً> است؛ یعنی، تبسم کرد در حالی که از سخن مورچه خنده اش گرفته بود. مقصود این است که سلیمان با این که از سخن مورچه خنده اش گرفته

بود، با صدای بلند خنده نکرد، بلکه تنها تبسم نمود.

سرور اخروی خنده رویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۹ - ۲

۲ - کسانی که درخشان چهره و خنده لب در صحنه قیامت حضور یافته اند ، غرق سرور بوده و چهره ای شکفته خواهند داشت .

مستبشره

<استبشار> یعنی، شادمان بودن (لسان العرب). <بشر و استبشر> به یک معنا است. در این موارد فایده باب استفعال، مبالغه افزون تر است. راغب می گوید: بشارت دادن، به معنای ابلاغ خبری است که بشره و پوست صورت را شکفته سازد.

عوامل خنده رویی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۹ - ۴

۳ - پاکی ، تذکرپذیری ، هدایت جویی و خداترسی ، چهره انسان را در قیامت خندان و شادمان خواهد ساخت .

لَعَلَّ يَرْكَبِي . أَوْ يَذَّكَّرُ ... جَاءَكَ يَسْعَى . وَ هُوَ يَخْشَى ... ضاحكه مستبشره

۴ - ایمان و دوری از گناه ، مایه بشاش و خندان بودن چهره مؤمنان در قیامت

وجوه ... ضاحكه مستبشره

به قرینه آخرین آیه این سوره (أولئك هم الكفرة الفجرة)، مراد از <وجوه> در این آیات، چهره های کسانی است که کافر نبوده و از فسق و فجور پاک و منزّه اند.

منشأ خنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۳ - ۲

۲ - بازگشت تمامی افعال انسان حتی خنده و گریه او به خداوند ، نمودی از تدبیر مطلقه الهی

و أنّ إلى ربّك المنتهى . و أنّه هو أضحك و أبكى

از ارتباط

این آیه با آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود.

نشاط اخروی خنده رویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۹ - ۲

۲ - کسانی که درخشان چهره و خنده لب در صحنه قیامت حضور یافته اند ، غرق سرور بوده و چهره ای شکفته خواهند داشت .

مستبشره

<إستبشار> یعنی، شادمان بودن (لسان العرب). <بشر و استبشر> به یک معنا است. در این موارد فایده باب استفعال، مبالغه افزون تر است. راغب می گوید: بشارت دادن، به معنای ابلاغ خبری است که بشره و پوست صورت را شکفته سازد.

خنده رویان

خنده رویان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۹ - ۱

۱ - گروهی از مردم ، با چهره های خندان در صحنه قیامت حضور خواهند داشت .

ضاحکه

سرور اخروی خنده رویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۹ - ۲

۲ - کسانی که درخشان چهره و خنده لب در صحنه قیامت حضور یافته اند ، غرق سرور بوده و چهره ای شکفته خواهند داشت .

مستبشره

>إستبشار< یعنی، شادمان بودن (لسان العرب). >بشر و استبشر< به یک معنا است. در این موارد فایده باب استفعال، مبالغه افزون تر است. راغب می گوید: بشارت دادن، به معنای ابلاغ خبری است که بشره و پوست صورت را شکفته سازد.

نشاط اخروی خنده رویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۹ - ۲

۲ - کسانی که درخشان چهره و خنده لب در صحنه قیامت حضور یافته اند



، غرق سرور بوده و چهره ای شکفته خواهند داشت .

مستبشره

<إستبشار> یعنی، شادمان بودن (لسان العرب). <بشر و استبشر> به یک معنا است. در این موارد فایده باب استفعال، مبالغه افزون تر است. راغب می گوید: بشارت دادن، به معنای ابلاغ خبری است که بشره و پوست صورت را شکفته سازد.

## خواب از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خواب

آثار خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۱،۲،۳

۱ فرورستادن خوابی آرام بخش از سوی خداوند بر پیکارگران احد ، به دنبال اندوههایی که در آن کارزار بر ایشان گذشت .

ثم انزل علیکم من بعد الغمّ امنه نعاساً

<امنه> (آرامش خاطر)، مفعول برای <انزل> است و <نعاساً> به معنای خواب، عطف بیان و یا بدل از <امنه> است.

۲ خواب آرامش بخش به دنبال هجوم پی در پی اندوه ها ، موهبتی الهی به بندگان

ثم انزل علیکم من بعد الغمّ امنه نعاساً

۳ خواب از عوامل آرام بخش انسان های اندوهگین و حاضر در کوران مشکلات

ثم انزل علیکم من بعد الغمّ امنه نعاساً

بنابر اینکه <امنّه> مفعول له برای <نعاساً> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۲ - ۶

۶ - جدا شدن روح از بدن به هنگام خواب

والتی لم تمت فی منامها

در برداشت یاد شده <والتی> عطف بر <الأنفس> دانسته شده است؛ یعنی، <یتوفی نفس التی لم تمت فی منامها؛ خدا دریافت می کند روح کسی که نمرده و در حال خواب است.>

ابرار و خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۲۳ -

۲ - چشم نیکوکاران در آخرت ، بی نیاز از خواب است و حتی به هنگام آرمیدن بر تختخواب ، نظاره گر زیبایی نعمت ها است . \*

علی الأرائك ينظرون

<أرائك> (تخت خواب ها)، به معنای محل خوابیدن است که در آیه شریفه محل نظاره گری معرفی شده است. شاید این تعبیر، به نبود خواب در بهشت اشاره داشته باشد.

اختلاف در مدت خواب اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۶ - ۱

۱- مدّت درنگ اصحاب کهف در غار ، میان مردم عصر پیامبر ( ص ) مورد اختلاف بود .

قل الله أعلم

جمله <قل الله..> نشانه آن است که برخی از مردم، در باره مدّت بیان شده در آیه قبل، تشکیک کرده و نظری غیر آن را مطرح ساخته بودند. پیامبر(ص) در پاسخ آنان، با بیان علم برتر الهی به زمان بندی یاد شده، تأکید کرده و تردید در آن را مردود دانسته است.

الهام در خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۱۰

۱۰ > عن أبي جعفر (ع) قال : الأنبياء على خمسة أنواع . . . . و منهم من يتبأ في منامه مثل يوسف ؛

از امام باقر(ع) روایت شده: پیامبران بر پنج دسته هستند . . . بعضی از آنان در خوابشان آگاه می شوند مانند یوسف.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۹ - ۶

۶ رؤیا ها می تواند در بردارنده الهامات و رموزی راهگشا برای انسان ها باشد .

یوسف أیها الصدیق أفتنا

... قال تزرعون ... ثم يأتي من بعد ذلك

بیداری از خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۰ - ۴،۶،۱۱

۴ خداوند بیدارکننده و برانگیزنده آدمی از خواب شبانگاه

هو الذی یتوفکم باللیل و یعلم ما جرحتم بالنهار ثم یبعثکم فیه

۶ خداوند در عین آگاهی به اعمال روز گذشته آدمیان (اعمال ناروا)، آنان را از خواب شب بیدار می کند و روح را به آنان بازمی گرداند.

هو الذی یتوفکم باللیل و یعلم ما جرحتم بالنهار ثم یبعثکم فیه

۱۱ تا زمانی که اجل آدمی فرا نرسیده باشد، خداوند وی را از خواب شبانگاهی برانگیخته و بیدار می کند.

ثم یبعثکم فیه لیقضی أجل مسمی

تحولات جامعه هنگام خواب اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۲۰

۲۰- جوامع پدید آمده در طول خواب چندین ساله اصحاب کهف ، در عقاید خویش ، دستخوش تحولات مهمی شده بودند .

إذ یتزرعون بینهم أمرهم

در جامعه ای که اصحاب کهف از آن کناره گیری کردند، طبقه حاکم مشرکانی بودند که در صدد نابود ساختن موحدان برآمده بودند؛ ولی در عصر بیداری آنها اعتقاد به معاد و بحث و مناظره درباره آن، در میان مردم رواج کامل داشت و جو حاکم به سود مؤمنان بود.

ترک خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- ایمان حقیقی ، مستلزم چشم پوشی از آسایش و ترک خواب است .

إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِأَيَّتِنَا .. تتجافى جنوبهم عن المضاجع

تشبیه به خواب

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ مرگ و رستاخیز، پدیده ای مانند خواب و بیداری است.

لیعلموا.. انّ الساعه لاریب فیها

به خواب رفتن اصحاب کهف و بیداری آنان پس از چند قرن و استشهاد قرآن به این واقعه برای بیان حقایق معاد، گواه این مدعا است که مرگ، مانند خواب، و رستاخیز قیامت، بسان بیداری از خواب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۹ - ۶

۶ - مرگ و معاد انسان، شبیه خواب و بیداری است.

و جعلنا نومکم سباتاً

یاد کردن از خواب در میان آیاتی که به منظور رفع استبعاد از معاد مطرح شده / ممکن است به جهت تشابهی باشد که بین خواب و مرگ و نیز بیداری و معاد وجود دارد.

تشبیه خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۲ - ۷

۷ - خواب، پدیده ای شبیه به مرگ

اللّه یتوفّی الأنفس حین موتها و التّی لم تمت فی منامها

کاربرد <توفّی> در مورد خواب انسان، به مانند کاربرد آن در مورد مرگ او، ناظر به شباهت مرگ و خواب می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۹ - ۴

۴ - خواب برای انسان، نوعی مرگ است.

و جعلنا نومکم سباتاً

فعل <سَبَاتٌ> علاوه بر معنای <بی هوش شد>، به معنای <مُرد> نیز استعمال می شود (مصباح). بنابراین، احتمال می رود که <سبات> به معنای مرگ باشد.

تعقل درباره خواب

جلد - نام سوره - سوره -



آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۰ - ۸

۸ دقت و تأمل در خوابیدن و بیدار شدن آدمی، راهی برای خداشناسی و توحید

هو الذی یتوفکم باللیل و یعلم ما جر حتم بالنهار ثم یبعثکم فیه

توفی در خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۰ - ۱۸، ۳، ۱

۱ تنها خداوند است که با قبض روح آدمی وی را در شب به خواب می برد.

هو الذی یتوفکم باللیل

<توفی> در آیه به معنای قبض روح است و چون در خواب نیز روح آدمی گرفته می شود، از آن به <توفی> تعبیر شده است.

۳ خواب، پدیده ای شبیه به مرگ

هو الذی یتوفکم باللیل

<توفی> به معنای قبض روح است. کاربرد این کلمه در مورد <خوابیدن> ناظر به شباهت مرگ و خواب است.

۱۸ قال رسول الله (ص): مع کل انسان ملک إذا نام یاخذ نفسه، فإن إذن الله فی قبض روحه قبضه و إلا رد إلیه فذلک قوله: <یتوفکم باللیل>.

رسول خدا (ص) فرمود: همراه هر انسانی فرشته ای است که هنگام خواب، روح او را می گیرد؛ پس اگر خداوند اذن در قبض روح آن شخص بدهد، او را قبض روح می کند و گر نه به او برمی گرداند و این است، معنای سخن خداوند: <یتوفکم باللیل>.

حس شنوایی و خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- حسّ شنوایی ، رابطه نزدیکی با خواب انسان دارد . \*

فَضْرِبْنَا عَلٰی اٰذَانِهِمْ فِی الْكَهْفِ سِنِّیْنَ عَدَدًا

به خواب بردن را با <زدن حجاب و مانع بر گوش ها> بیان کردن

که مفاد <ضرینا..> است می رساند که ارتباط تنگاتنگی میان خواب و حسّ شنوایی وجود دارد.

حقیقت خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۰ - ۱،۳

۱ تنها خداوند است که با قبض روح آدمی وی را در شب به خواب می برد.

هو الذی یتوفکم باللیل

<توفی> در آیه به معنای قبض روح است و چون در خواب نیز روح آدمی گرفته می شود، از آن به <توفی> تعبیر شده است.

۳ خواب، پدیده ای شبیه به مرگ

هو الذی یتوفکم باللیل

<توفی> به معنای قبض روح است. کاربرد این کلمه در مورد <خوابیدن> ناظر به شباهت مرگ و خواب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۲ - ۷،۱۴،۱۸

۷ - خواب ، پدیده ای شبیه به مرگ

اللّه یتوفی الأنفس حین موتها و الّتی لم تمت فی منامها

کاربرد <توفی> در مورد خواب انسان، به مانند کاربرد آن در مورد مرگ او، ناظر به شباهت مرگ و خواب می باشد.

۱۴ - حقیقت خواب ، خروج روح از بدن و حقیقت بیداری بازگشت آن به بدن است .

اللّه یتوفی الأنفس حین موتها و الّتی لم تمت فی منامها .. و یرسل الأخری إلی أ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند می فرماید: جان انسان ها را در حال خواب دریافت می کنم و کسانی که مرگشان در آن حال مقدر شده باشد در همین حال می میرند و آن دسته که برایشان مقدر نشده باشد آن جان رها و آزاد می گردد تا اجلشان فرا

رسد. پس روح انسان در حال خواب قبض می شود و این همان حقیقت خواب است و وقتی در حال بیداری به بدن بازمی گردد تا اجل فرا رسد، این همان حقیقت بیداری می باشد.

۱۸ > عن أبي جعفر (ع) قال : ما من أحد ينام إلا عرجت نفسه إلى السماء و بقيت روحه في بدنه و صار بينهما سبب كشعاع الشمس فإن أذن الله في قبض الأرواح اجابت روح النفس و إذا اذن الله في رد الروح أجابت النفس الروح و هو قوله سبحانه : > الله يتوفى الأنفس حين موتها و التي لم تمت في منامها < ;

امام باقر(ع) فرمود: هیچ کس نیست که به خواب رود مگر این که نفس او به آسمان می رود و روح او در بدنش می ماند و ارتباطی مشابه خورشید و شعاعش بین نفس و روح باقی می ماند. پس اگر خداوند اجازه در قبض روح ها دهد، روح نفس را اجابت می کند [و مرگ حاصل می شود] و اگر خداوند اجازه دهد روح برگردد و (قبض نشود) نفس آن را پذیرفته و به او ملحق می شود و این سخن خداوند سبحان است که می فرماید: الله يتوفى الأنفس حين موتها <.

خدا و خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۵ - ۷

۷ هیچگاه خواب سبک (چرت) و سنگین ، خداوند را فراموشی گیرد .

لا تأخذه سنه و لا نَوْم

خواب از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ -

۱۵ - < حیات و مرگ > و < خواب و بیداری > ، در بردارنده آیات متعدد خداوند و جلوه های گوناگون قدرت او

اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا .. فَيُمْسِكُ ... و يرسل الأخرى ... إِنَّ فِي ذَلِكَ لَأَيَاتٍ

جمع آمدن < آیات > می رساند که آیه و نشانه بودن < حیات و مرگ > و < خواب و بیداری > ، از جهات مختلف و گوناگون است.

خواب اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۹ - ۲

۲ - در خواب بودن باغداران یمنی ، به هنگام نزول بلای ویرانگر بر بوستان آنان

فطاف ... و هم نائمون

خواب اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۱ - ۱،۳

۱- خداوند ، با مسلط کردن خواب بر اصحاب كهف ، دعای آنان را مستجاب کرد .

فقالوا ربنا ءاتنا .. فضربنا على ءاذانهم

عبارت < ضربنا على اذانهم > کنایه از آن است که خداوند، خواب را بر آنان مسلط کرد، به گونه ای که گوش آنان نمی شنید. و عطف جمله < ضربنا > با حرف تفریع بر جملات قبل که متضمن دعای اصحاب كهف بود گویای آن است که تسلط خواب بر ایشان، در مسیر اجابت دعای آنان صورت گرفته است.

۳- حیات طولانی اصحاب كهف در خواب ، از آیات الهی است .

كانوا من ءايتنا عجبًا .. فضربنا على ءاذانهم فى الكهف سنين عددًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- كهف - ۱۸ - ۱۸ - ۱،۳،۴،۵

۱- اصحاب كهف ، با احساس امنيت از خطر دشمن

، در غار به خواب رفتند .

و هم رقود

۳- پیکر و اعضای بدن اصحاب کهف ، در تمام مدّتی که در خواب بودند ، آسیبی ندید و تغییر چشم گیری نیافت .

و تحسبهم أيقاظًا و هم رقود

مفاد جمله <تحسبهم..> این است که هر بیننده ای، اگر در دوران خوابِ اصحاب کهف، به آنان نظر می افکند، نه تنها آن ها را اجسادى از هم گسیخته نمی یافت، بلکه انسان هایی به خواب رفته نیز نمی دید؛ یعنی، آن ها، افرادی بیدار به نظر می آمدند که حیات عادی خود را می گذرانند.

۴- خداوند ، پیکر های اصحاب کهف را در زمان چیرگی خواب بر آنان ، به راست و چپ گردش می داد .

و نقلبهم ذات اليمين و ذات الشمال

۵- گردیدن اصحاب کهف به چپ و راست ، از عوامل مصونیت آنان در برابر آسیب های جسمی بود . \*

و نقلبهم ذات اليمين و ذات الشمال

اسناد <نقلب> (گرداندن) به خداوند، در جمله <نقلبهم..> گویای این است که این تغییر حالت، از الطاف الهی بوده است. بیان این نکته، پس از اشاره به خواب اصحاب کهف، می تواند ناظر به برخی از علل سالم ماندن بدن آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۹ - ۳، ۱۸

۳- بیدارسازی اصحاب کهف ، فراهم آورنده فرصتی مناسب برای پرسوجوی آنان از همدیگر درباره خواب خویش بود .

بعثنهم لیتساءلوا

<ل> در <لیتساءلوا> بیانگر علت بیدارسازی است. هدف از به خواب بردن و بیدار ساختن اصحاب کهف چنان چه از تفریع آیات یازدهم و دوازدهم بر آیه دهم به دست

آمد اعطای رحمت و رشدی بود که اصحاب کهف درخواست کرده بودند. بنابراین، باید به خداوند، آنان را از خواب بیدار می کرد تا از راه پرسش و غیر آن، به حوادثی که بر آنان گذشته بود، پی ببرند و در مسیر خداشناسی رشد یابند.

۱۸- اصحاب کهف، به عادی نبودن خواب خویش پی نبردند و احتمال آن نیز به فکر آنان خطور نکرد.

فابعثوا أحدکم بورقکم

خواب انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۰ - ۱

۱ تنها خداوند است که با قبض روح آدمی وی را در شب به خواب می برد.

هو الذی یتوفکم باللیل

<توفی> در آیه به معنای قبض روح است و چون در خواب نیز روح آدمی گرفته می شود، از آن به <توفی> تعبیر شده است.

خواب در روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۳ - ۲

۲ - فراهم بودن امکان خواب در شب و روز برای انسان ها از آیات الهی است .

و من ءایته منامکم باللیل و النهار

بنابر این که <و النهار> عطف به <اللیل> باشد، استفاده می شود که شب و روز، هر دو ظرفی مناسب برای خواب هستند.

خواب در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۰ - ۱،۹

۱ تنها خداوند است که با قبض روح آدمی وی را در شب به خواب می برد.



هو الذی یتوفکم بالیل

<توفی> در آیه به معنای قبض روح است و چون در خواب نیز روح آدمی گرفته می شود، از آن

به <توفی> تعبیر شده است.

۹ خداوند شب را زمان مناسب برای خواب و آرامش و روز را برای تلاش و کار قرار داده است.

هو الذی یتوفکم باللیل و یعلم ما جرحتم بالنهار ثم یبعثکم فیه

اگر چه خواب و بیداری اختصاصی به شب و روز ندارد، ولی اینکه ظرف <توفی> شب است و ظرف <جرحتم> روز است، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۰ - ۵

۵ - شب ، بهترین زمان استراحت و خواب

و جعلنا نومکم سباتاً . و جعلنا الیل لباساً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۷ - ۳،۵

۳ خداوند ، شب را به منظور آرمیدن و روز را با هدف تلاش و تأمین معاش انسان ، برقرار کرده است .

هو الذی جعل لکم الیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

به قرینه <مبصراً> لفظ <مظلماً>، بعد از <اللیل> ؛ و به قرینه <لتسکنوا فیه> جمله <لتعملوا فیه>، بعد از لفظ <مبصراً> مقدر است ؛ یعنی: هو الذی جعل لکم الیل مظلماً، لتسکنوا فیه و النهار مبصراً لتعملوا فیه.

۵ شب ، ظرفی مناسب برای آرمیدن و روز فرصتی شایسته برای تلاش است .

هو الذی جعل لکم الیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۳ - ۲،۳،۱۱

۲ - فراهم بودن امکان خواب در شب و روز برای انسان ها از آیات الهی است .

و من ءایته منامکم باللیل و النهار

بنابر این که <و النهار> عطف به <اللیل> باشد، استفاده

می شود که شب و روز، هر دو ظرفی مناسب برای خواب هستند.

۳ - شب ، وقتی مناسب و طبیعی برای خواب است .

و من ءایته منامکم باللیل و النهار

بنابراین که تقدیم و تأخیری در آیه باشد و <النهار> مجرور به حرف جر محذوف و متعلق به <إبتغاء> و <باللیل> متعلق به <منامکم> باشد، نکته فوق استفاده می شود.

۱۱ - آیه بودن خواب در شب و تلاش در روز برای کسب روزی ، برای دارندگان گوش شنوا ، قابل درک است .

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَأَيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ

خواب مجاهدان غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۵، ۱

۱ آرامش روحی مجاهدان پیش از جنگ بدر ، موجب فراگیری خوابی سبک بر تمامی آنان

إِذْ تَسْتَغِيثُونَ... إِذْ يَغْشِيكُمْ النُّعَاسُ أَمْنَهُ مِنْهُ

<غشاه> به معنای احاطه است و فعل <یغشیکم>، از باب تفعیل، دلالت بر کثرت احاطه دارد. می توان گفت نمود آن کثرت، فراگیری خواب بر تمامی افراد بوده است. کلمه <أمنه>، که به معنای نبودن ترس است، مفعولٌ له حصولی برای <یغشیکم> است. یعنی به علت اینکه آرامش یافتید، خواب شما را فراگرفت

۵ استراحت و آرامش روحی مجاهدان و فراگیری خواب بر آنان در آستانه جنگ بدر ، نعمتی الهی بر ایشان و شایسته به یاد داشتن

إِذْ يَغْشِيكُمْ النُّعَاسُ أَمْنَهُ مِنْهُ

شگفتی خواب اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۹ - ۲

۲- بیداری اصحاب کهف ، همچون خواب شگفت و سلامت جسم شان در آن مدّت طولانی ، آیت و نشانه ای الهی

بود .

و كذلك بعثهم

مشارالیه <ذلك> که بعث و بیدارسازی اصحاب کهف به آن تشبیه شده است خواب طولانی آنان و تدابیری است که در مدّت خواب برای سلامت آنان به کار برده شده بود. وجه شبه مورد نظر آنگونه که از جمله <ذلك من آیات الله من یهد الله فهو المهتد> در آیه هفده به دست می آید نشانه بودن و دلالت این حوادث بر امدادهای هدایت گرانه خداوند، به موحدان است.

عذاب در خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴ - ۳

۳ گروهی از امتهای متخلف پیشین شب هنگام و گروهی دیگر در حال خواب نیمروز، گرفتار عذاب الهی شدند.

فجاءها بأسنا بیتا أو هم قائلون

<أو> در جمله <أو هم قائلون> برای تنويع است. <قائله> به معنای نیمروز است و <قائل> به کسی گفته می شود که آن هنگام در خواب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۷ - ۱

۱ امت های تکذیب کننده انبیا در معرض گرفتار آمدن به عذاب الهی به هر هنگام ، بویژه شبانگاهان در حال خواب و بی خبری

أفأمن أهل القرى أن يأتيهم بأسنا بیتا و هم نائمون

تفریع جمله <أفأمن .. > بر <ولكن كذبوا فأخذنهم ... > می رساند که مراد از <أهل القرى> امتهای تکذیب کننده انبیاست.

فواید خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ خواب ، مایه آرامش جسم و جان و تعادل یافتن روان آدمی است .

و النوم

برخی از اهل لغت <سبت> (ریشه <سبأًتاً>) را به معنای <راحت> دانسته اند (لسان العرب). برخی نیز آن را به معنای <قطع> گرفته اند (مفردات راغب). و بر مبنای معنای دوم، شب به این خاطر به قطع توصیف شد که چون در شب هنگام، تمامی فعالیت ها و تلاش های روزانه قطع می شود و در نتیجه جسم و جان آدمی آرامش می یابد.

مدت خواب اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۱ - ۲،۸

۲- فرو رفتن اصحاب کهف در خوابی عمیق و چندین ساله ، به اراده خدا بود .

فَضْرِبْنَا عَلٰى اِذَانِهِمْ فِى الْكُهْفِ سِنِينَ عَدَدًا

<عددًا> مصدر و به معنای <معدوده> و یا <ذات عدد> است. توصیف <سنین> به این که دارای عدد و شمارش است در نظر برخی از مفسران به کثرت آن سال ها اشاره دارد؛ زیرا تعداد سال ها، اگر اندک باشد، نیاز به شمارش ندارد.

۸- غار ، محلّ به خواب رفتن چند ساله اصحاب کهف

فَضْرِبْنَا عَلٰى اِذَانِهِمْ فِى الْكُهْفِ سِنِينَ عَدَدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۲ - ۲،۳

۲- هدف از بیدار ساختن اصحاب کهف ، نمایاندن ارزیابی آنان درباره مدّت زمان خواب خویش بود .

ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ اَيُّ الْحٰزِبِيْنَ اَحْصٰى لِمَا لَبِثُوْا اَمَدًا

با توجه به این که <لنعلم> (تا بدانیم) در مورد خداوند به معنای کسب علم نیست، بلکه محقق ساختن معلوم است، در برداشت فوق از دانستن خدا به <نمایاندن> تعبیر شده. <آمد> به معنای <وقت ممتد> و نیز <پایان مدّت> است. در این آیه،



به قرینه <أحصى>، معنای نخست مراد است. کلمه <أحصى> محتمل است که فعل ماضی باشد و <أمدأ> مفعول آن، که در نتیجه، <لما لبثوا> به <أمدأ> تعلق خواهد داشت. و ممکن است که <أحصى> اسم تفضیل و <أمدأ> تمیز آن باشد.

۳- میان اصحاب کهف، در برآورد مدّت خواب خویش، دو دستگی به وجود آمد. \*

أَيُّ الْحَزْبِينَ أَحْصَى لَمَّا لَبِثُوا

با توجه به آیات بعد که گفت و گوی اصحاب کهف را با هم نقل کرده است (قالوا لبثنا) چنین برمی آید که آنان، خود، به دو گروه (الحزبین) تقسیم شده بودند و درباره مدّت زمان خواب خویش اختلاف نظر داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۹ - ۵۸،۹

۵- خواب اصحاب کهف، در نظر گروهی از آنان، درنگی یک روزه، یا کمتر از آن بود.

قالوا لبثنا يوماً أو بعض يوم

حرف <أو> برای تردید است و منشأ تردید در <يوماً أو بعض يوم> این بود که گویندگان این سخن، با نگاه به جایگاه خورشید، مردّد ماندند که: <آیا شبی بر آن ها گذشته و در نتیجه یک شبانه روز در خواب بودند، یا هنوز در همان روزی به سر می برند که در آن به خواب رفتند؟>. براساس این تقریب، کلمه <يوماً> به معنای یک شبانه روز خواهد بود و به جز ساعات نزدیک غروب، هر لحظه ای از روز را می توان لحظه آغاز خواب آنان تصوّر کرد.

۸- اصحاب کهف از برآورد دقیق مدّت زمان خواب خویش ناتوان بودند.

قالوا لبثنا يوماً أو بعض يوم قالوا ربّکم أعلم بما لبثتم

گروهی از اصحاب کهف، با اعتراف به ناتوانی خود از تشخیص مدّت خواب اندک بودن آن را احتمالی ناصحیح دانسته و گفتوگو درباره خواب را بی ثمر خواندند و تنها خداوند را به زمان دقیق آن آگاه دانستند.

قالوا ربّکم أعلم بما لبثتم

کلمه <ربّکم> قرینه بر این است که گویندگان جمله <ربّکم أعلم> افرادی غیر آن دسته بودند که گفتند: <لبثنا يوماً..> زیرا، در غیر این صورت، گفتن <ربّنا> مناسب می نمود. آن ها، با بیان آگاهی خداوند، در حقیقت، همراهان خود را در حدس شان (لبثنا يوماً أو بعض یوم) تخطئه کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۰ - ۱۳

۱۳- اصحاب کهف، از مدّت زمان خواب خویش، کاملاً بی اطلاع بودند.

إنّهم إن یظہروا .. و لن تفلحوا إذا أبداً

بدیهی است اگر اصحاب کهف، احتمال گذشت چندین قرن از زمان خوابیدن خویش را می دادند، هرگونه تغییر و تحوّل را محتمل می دیدند و وضعیت سیاسی و اجتماعی جامعه را، همان وضعیت دوران خویش فرض نمی کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۵ - ۱،۲،۳،۴

۱- درنگ اصحاب کهف در غار، سیصد و نه سال بوده است.

و لبثوا فی کهفهم ثلاث مائه سنین وازدادوا تسعاً

<سنین> بدل است برای <ثلاث-ثمئه>. این کلمه علاوه بر مشخص ساختن مراد از <سیصد> نشانه این است که گذشت سالیانی چند بر خواب اصحاب کهف، امری شگفت است.

۲- اصحاب کهف، در تمام مدّت سیصد و نه سال، در همان غاری بودند که به آن

پناهنده شده بودند .

و لبثوا فی كهفهم

۳- اصحاب كهف ، براساس سال های شمسی ، سیصد سال و براساس سال های قمری ، سیصد و نه سال در غار ماندند .

و لبثوا فی كهفهم ثلث مائه سنین وازدادوا تسعاً

ضمیر در <ازدادوا> به اصحاب كهف مربوط است و تفکیك نه سال از سیصد سال، شاید ناظر به این باشد که آن ها، به حساب سال های شمسی، سیصد سال آرمیده بودند و شمار این سال ها، موافق سال های قمری، از سیصد و نه سال اندکی (کمتر از سه ماه) بیشتر می شود که معمولاً، این مقدار را در زمان بندی حوادث نادیده می گیرند.

۴- > روی أن یهودیاً سأل علی بن أبی طالب عن مدّه لبثهم (أی لبث أصحاب الكهف) فأخبر بما فی القرآن فقال : > إنا نجد فی کتابنا ثلاثمئه ! < . فقال : ذك بسنی الشمس و هذا بسنی القمر . < ;

روایت شده که یهودی ای از علی(ع) از مدّت درنگ اصحاب كهف در غار سؤال کرد. امام، او را به آنچه در قرآن است، خبر داد. یهودی گفت: <ما در کتاب ما، درنگ آنان را سیصد سال می یابیم.>. امام(ع) فرمود: <آن نقل، براساس سال شمسی است و این نقل، به سال قمری است.>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۶ - ۲

۲- اخبار خداوند از مدّت خواب اصحاب كهف ، متکی بر علم برترش است و قابل قیاس با دیگر نظریه ها نیست .

قل الله أعلم بما لبثوا

مکان خواب اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۱ - ۸

۸- غار ، محلّ به خواب رفتن چند ساله اصحاب کهف

فَضْرِبْنَا عَلٰی اٰذَانِهِمْ فِی الْكَهْفِ سِنِیْنَ عَدَدًا

منشأ خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۱ - ۲

۲ خوابانیدن و بیدار کردن تا زمان اجل و سپس بازگشت به خداوند و محاسبه اعمال، نشانه تسلط خداوند بر امور بندگان است.

هو الذی یتوفکم باللیل .. و هو القاهر فوق عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۲ - ۱۳

۱۳ - < زندگی و مرگ > و < خواب و بیداری > انسان ها ، تحت تدبیر خداوند قرار دارد .

اللّٰهُ یتوفّی الأَنْفُسَ حِیْنَ مَوْتِهَا وَ الَّتِی لَمْ تَمُتْ فِی مَنَامِهَا .. وَ یرسلُ الأُخْرٰی اِلَیْ اَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۹ - ۵

۵ - قدرت خداوند بر ایجاد حالت خواب در انسان ، دلیل امکان معاد است .

عَمَّ یتساءلون .. وَ جعلنا نومکم سباتًا

منشأ خواب اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- فرو رفتن اصحاب كهف در خوابی عمیق و چندین ساله ، به اراده خدا بود .

فَضْرِبْنَا عَلٰی اِذَانِهِمْ فِی الْكُهْفِ سِنِیْنَ عَدَدًا

<عدداً> مصدر و به معنای <معدوده> و یا <ذات عدد> است. توصیف <سنین> به این که دارای عدد و شمارش است در نظر برخی از مفسران به کثرت آن سال ها اشاره دارد زیرا تعداد سال ها، اگر

اندک باشد، نیاز به شمارش ندارد.

۴- خداوند ، با تصرف در حسّ شنوایی اصحاب کهف ، آنان را در خوابی چندین ساله ، در غار نگاه داشت .

فَضْرِبْنَا عَلٰی اِذَانِهِمْ فِی الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا

نعمت خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۵

۵ استراحت و آرامش روحی مجاهدان و فراگیری خواب بر آنان در آستانه جنگ بدر ، نعمتی الهی بر ایشان و شایسته به یاد داشتن

اِذْ يَغْشِيكُمْ النُّعَاسُ اٰمَنَةً مِنْهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۷ - ۷

۷ آفرینش شب همچون لباس برای انسان ، خواب آرامش بخش و روز پرتلاش ، از نعمت های الهی

و هو الذى جعل لكم اليل لباسًا و النوم سباتًا و جعل النهار نشورًا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه در مقام امتنان و برشمردن نعمت های الهی برای انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۹ - ۲

۲ - خواب ، از نعمت های خداوند برای انسان ها است .

و جعلنا نومكم سباتًا

نقش خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- سیستم بدن انسان ، برای زندگی طولانی و بدون تغذیه در خواب ، قابلیت دارد . \*

فَضْرِبْنَا عَلٰی اٰذَانِهِمْ فِی الْكَهْفِ سَنِيْنَ عَدَدًا

از ظاهر آیات سوره کَهِف، برمی آید که اصحاب کَهِف، در آن سال های متمادی، زنده، ولی در خواب بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- روم - ۳۰ - ۲۳ - ۱

۱ - پدیده خواب ، از آیات الهی است .

و من ءایته منامکم باللیل و النهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۲ - ۱۵

۱۵ - < حیات و مرگ > و < خواب و بیداری > ، در بردارنده آیات متعدد خداوند و جلوه های گوناگون قدرت او

اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا .. فِيمَسْكُ ... وَ يَرْسِلُ الْأَخْرَى ... إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ

جمع آمدن < آیات > می رساند که آیه و نشانه بودن < حیات و مرگ > و < خواب و بیداری > ، از جهات مختلف و گوناگون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۹ - ۱

۱ - خواب ، پایان دهنده کار و تلاش روزمره انسان و زمینه آرامش و راحتی او است .

و جعلنا نومکم سباتاً

<سباتاً> ؛ یعنی، از حرکت باز ایستادن (لسان العرب از زجاج) و معنای اصلی آن، راحت است. (مصباح)

وقت خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۷ - ۳،۵

۳ خداوند ، شب را به منظور آرمیدن و روز را با هدف تلاش و تأمین معاش انسان ، برقرار کرده است .

هو الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

به قرینه < مبصراً > لفظ < مظلماً > ، بعد از < الّیل > ؛ و به قرینه < لتسکنوا فیه > جمله < لتعملوا فیه > ، بعد از لفظ < مبصراً > مقدر است ؛ یعنی: هو الذی جعل لکم الّیل مظلماً، لتسکنوا فیه و النهار مبصراً لتعملوا فیه.



۵ شب ، ظرفی مناسب برای آرمیدن و روز فرصتی

شایسته برای تلاش است .

هو الذی جعل لکم الیل لتسکنوا فیہ و النهار مبصراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۳ - ۳

۳ - شب ، وقتی مناسب و طبیعی برای خواب است .

و من ءایته منامکم بالیل و النهار

بنابراین که تقدیم و تأخیری در آیه باشد و <النهار> مجرور به حرف جر محذوف و متعلق به <إبتغاء> و <بالیل> متعلق به <منامکم> باشد، نکته فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۰ - ۵

۵ - شب ، بهترین زمان استراحت و خواب

و جعلنا نومکم سباتاً . و جعلنا الیل لباساً

وقت خواب محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۷ - ۵

۵ - > عن أبی جعفر (ع) فی قوله : <إِنَّ لَکَ فِی النَّهَارِ سَبْحاً طَوِيلاً> يقول : فراغاً طویلاً لنومک و لحاجتک ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند: <إِنَّ لَکَ فِی النَّهَارِ سَبْحاً طَوِيلاً> روایت شده که خدا [به رسول خود] می فرماید: تو در روز برای خواب و رفع نیازهایت، فراغت طولانی خواهی داشت <.

ویژگیهای خواب اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۸ - ۲۰، ۱۶، ۱۵، ۱۳، ۲

۲- خواب اصحاب کهف ، به گونه ای بود که هر بیننده ای آنان را بیدار می پنداشت .

و تحسبهم أيقاظاً و هم رقود

<يَقِظُ> به شخص بیدار گفته می شود و <أيقاظ> جمع آن است. <رقود> جمع <راقد> است و <راقد>؛ یعنی، شخصی که به خواب

رفته است.

۱۳- آرمیدن اصحاب کهف در غار، به گونه ای بود که اگر کسی به جایگاه آنان دست می یافت، از ناحیه آنان احساس خطر می کرد و می گریخت.

لو اطلعت علیهم لو لیت منهم فرارًا

به قرینه جمله <لبثنا یوماً أو بعض یوم> در آیه بعد که گویای پیدا نشدن تغییر عمده ای در جسم اصحاب کهف است، می توان دریافت که چهره آنان هول ناک نگردیده، بلکه کیفیت قرار گرفتن آنان در غار، منظره آنان را رعب انگیز ساخته بود.

۱۵- بیدارنمایی اصحاب کهف، دارای نقشی به سزا در هول انگیز ساختن منظره آنان

و تحسبهم أبقاظًا .. لمثلت منهم رعبًا

۱۶- منظره هراس انگیز اصحاب کهف، در حالت خواب، وسیله ای الهی برای حفاظت آنان

و نقلبهم .. لو اطلعت علیهم لو لیت منهم فرارًا و لمثلت منهم رعبًا

ضمیر فاعلی در <نقلبهم..> قرینه است بر این که تمام ویژگی های یاد شده برای اصحاب کهف، عنایت و لطف خداوند بر آنان بوده است و به تناسب مورد می توان فهمید که هدف مورد نظر از آن الطاف، حفاظت آنان از خطرها و آسیب ها بوده است.

۲۰- > [ عن الصادق (ع) فی قصه أصحاب الکهف أنه قال ]: ... لهم فی کلّ سنه نقلتان ینامون سته أشهر علی جنوبهم الیمنی و سته أشهر علی جنوبهم الیسری ... ;

[از امام صادق(ع) در قصه اصحاب کهف، روایت شده که فرمود]: ... برای آنان، در هر سال، دو گردیدن بود: شش ماه بر پهلوی راست شان و شش ماه بر پهلوی چپ شان

می خوابیدند...>

## خواسته از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خواسته

آثار اجابت خواسته های کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۵

۵- در صورت تحقق درخواست کافران برای نزول ملائکه ، تمامی آنان هلاک می شوند و مهلتی برای ایمان نخواهند داشت .

ما ننزل الملائکه إلا بالحقّ و ما كانوا إذا منظرین

انظار مصدر <منظر> به معنای تأخیر انداختن است و حصر در آیه، نشان می دهد که با آمدن ملائکه، اجل هیچ کدام از کفار به تأخیر نخواهد افتاد و به هلاکت خواهند رسید.

آثار رد خواسته های یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۲ - ۴

۴ - ترش رویی در برابر یتیمان و رد خواسته های آنان ، دورسازنده انسان از قرب به خداوند است .

فذلک

<ذلک>، اسم اشاره ای است که برای دور به کار می رود و در آیه شریفه یا برای تحقیر به کار رفته و یا نشانگر دوری از خداوند است.

اجابت خواسته های انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۱ - ۶

۶- جایگاه خوب ، جایی است که تمامی خواسته های انسان در آن برآورده شود .

و لنعم دار المتقين . جنت عدن ... لهم فيها ما يشاءون

اجابت خواسته های بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۱ - ۴

۴- تمامی خواسته های تقوایندگان در بهشت ، برآورده می شود .

دار المتقين . جنت عدن يدخلونها ... لهم فيها ما يشاءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۵ - ۱،۳،۵

۱ - بهشت ، در بردارنده همه آرزو ها و برآورنده همه خواسته های بهشتیان

لهم ما یشاءون فیها

۳ - بازدارندگان خویش از هوس ها ، برخوردار از هر آرزو در بهشت

و أزلفت الجنة للمتقين .. أواب حفيظ ... لهم ما یشاءون فیها

با توجه به این که <تقوا> و خودداری از گناه و هوای نفس، به عنوان بارزترین صفت اهل بهشت یاد شده است، نوید <لهم ما یشاءون فیها> می تواند بیانگر معنای بالا باشد.

۵ - اعطای خواسته های بهشتیان به ایشان ، فراتر از حد انتظارشان \*

لهم ما یشاءون فیها و لدینا مزید

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <مزید> در مقایسه با خواسته بهشتیان (ما یشاءون) مطرح شده باشد، یعنی، آنچه آنان بخواهند، فزون ترش را داریم و در اختیار آنان قرار می دهیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۲ - ۴

۴ - نبود محدودیت برای بهشتیان ، در رسیدن به مشتهیات و خواسته های خویش

و أمددنههم بفککهه و لحم ممّا یشتهون

اجابت خواسته های کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۸

۸- در صورت تحقق خواسته کافران مکه ، مبنی بر نزول ملائکه ، آنان گرفتار عذابی مرگبار می شدند .

ما ننزل الملائکه إلا بالحقّ و ما كانوا إذا منظرین

یکی از احتمالاتی که برای آیه داده شده، این است که ملائکه، در صورتی که بخواهند برای کافران نازل شوند، برایشان عذاب به ارمغان خواهند آورد؛ عذابی که هیچ کدام از آنان را زنده نخواهد



گذاشت.

اجابت خواسته های متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۱ - ۴،۷،۹

۴- تمامی خواسته های تقوایبندگان در بهشت ، برآورده می شود .

دار المتّقین . جنّت عدن یدخلونها ... لهم فیها ما یشاءون

۷- ورود به بهشت جاودان و رسیدن به تمامی خواسته ها در آن ، پاداش خداوند به تقوایبندگان است .

دار المتّقین . جنّت عدن ... لهم فیها ما یشاءون

۹- نیل به سعادت اخروی ، جای گرفتن در بهشت و برآورده شدن تمامی خواسته ها در آن ، پاداش خداوند به تقوایبندگان

و لنعم دار المتّقین . جنّت عدن ... لهم فیها ما یشاءون کذلک یجزی الله المتّقین

ارزش خواسته های مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ - برتری درخواست ها و نیاز های معنوی و اخروی ، بر درخواست ها و نیاز های مادی و دنیایی در دعا و عرض حاجت به

درگاه الهی

قال ربّ اغفر لی و هب لی ملکاً

ارزش خواسته های معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ - برتری درخواست ها و نیاز های معنوی و اخروی ، بر درخواست ها و نیاز های مادی و دنیایی در دعا و عرض حاجت به

درگاه الهی

قال رب اغفر لي و هب لي ملكاً

اهمیت رد خواسته های کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۴ - ۱

۱ - هشدار خداوند به پیامبر (ص) ، نسبت به اجابت خواسته

های کافران تکذیب‌گر و سازش و مسامحه با آنان، به صرف ثروت و نیروی انسانی بسیار آنان

و لاتطع كلّ حلاف .. أن كان ذا مال و بنين

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که جمله <أن كان ذا مال .. > متعلق به <لاتطع > باشد. گفتنی است در آغاز <أن > لام تعلیل در تقدیر است.

پادشاه مصر و خواسته های یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱

۱ پادشاه مصر، پیشنهاد یوسف (ع) را پذیرفت و مدیریت کشت و برداشت محصولات و ذخیره سازی و توزیع آنها را به او سپرد.

اجعلنی علی خزائن الأرض .. و كذلك مكننا لیوسف فی الأرض

تأخیر در قبول خواسته یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱۵

۱۵ > عن رسول الله (ص) : رحم الله أخی یوسف لو لم یقل : اجعلنی علی خزائن الأرض لولاه من ساعته و لکنه آخر ذلک سنه ۱

از رسول خدا(ص) روایت شده است: خدا رحمت کند برادرم یوسف را اگر نمی گفت: مرا سرپرست خزاین زمین قرار بده، همان وقت این مقام را به او می داد و ولی [این تقاضا سبب شد] که سرپرستی او بر خزاین زمین یک سال به تأخیر افتد.

تأمین خواسته ها در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۲ - ۴

۴- بهشت، سرایی جاودان و دل خواه و نعمت های آن ارضا کننده تمامی امیال و

خواسته های آدمی است .

و هم فی ما اشتتھت أنفسھم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۶ - ۳،۶

۳ تأمین تمامی خواسته های متقین در بهشت جاویدان ، وعده تخلف ناپذیر و متعهدانه خداوند به آنان

لھم فیھا ما یشاءون خلدین کان علی ربک وعداً مسئولاً

۶ بهشت جاویدان ، تنها جایی است که تمامی خواسته ها و تمایلات بشر در آن تأمین و ارضا خواهد شد .

لھم فیھا ما یشاءون خلدین

این که خداوند وعده داد که: <تمامی خواسته های متقین در بهشت تأمین می شود (نه در دنیا)> می توان به برداشت یاد شده دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۱ - ۸

۸ - آدمی ، در بهشت به تمامی آنچه می خواهد و طلب می کند ، خواهد رسید .

و لکم فیھا ما تشتھی أنفسکم و لکم فیھا ما تدعون

تقدیم <فیھا> بر <تشتھی> گویای حصر است ؛ یعنی، آنچه می خواهید و آرزو می کنید تنها در بهشت بدان دست می یابید و در غیر بهشت این گونه نیست که آدمی هر آنچه بخواهد، بتواند آن را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۱ - ۹

۹ - تنها بهشت ، محل تأمین تمامی خواسته ها و لذت های انسان

و فیھا ما تشتھیہ الأنفس

تقدیم <فیھا> اشعار به این نکته دارد که تمایلات وجودی انسان، به طور کامل تنها در بهشت تأمین می شود.

تأمین خواسته ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۲ - قیامت ، تنها عرصه شایسته برای برآورده شدن تمامی خواسته های بشر

لهم ما يشاءون عند ربهم

<عند ربهم> به منزله قید برای <لهم ما يشاءون> است. این قید می رساند که برآورده شدن خواسته های بشر در قیامت و در پیشگاه خداوند میسر است نه در دنیا؛ چنان که خداوند در جای دیگر از قرآن می فرماید: <...و فيها ما تشتهي الأنفس و تلذ الأعين...> در آن جا (بهشت) هر چه دل ها خواهش و آرزو کند و چشم ها از دیدن آن لذت برد، وجود دارد. زخرف (۴۳)، آیه (۷۱).

تأمین خواسته های اخروی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۶ - ۱،۳،۷

۱ متقین ، در جایگاه ابدی خویش در بهشت ، هر آنچه را که بخواهند آماده است .

لهم فيها ما يشاءون خلدین

۳ تأمین تمامی خواسته های متقین در بهشت جاویدان ، وعده تخلف ناپذیر و متعهدانه خداوند به آنان

لهم فيها ما يشاءون خلدین کان علی ربك وعدًا مسئولاً

۷ تحقق وعده الهی بر تأمین تمامی خواسته ها در بهشت جاویدان ، انتظار و توقع متقین از خداوند

لهم فيها ما يشاءون خلدین کان علی ربك وعدًا مسئولاً

<مسئول> یعنی، کسی که مورد سؤال و مطالبه مستحقان و حق داران است و در آیه شریفه به قرینه مقام مقصود این است که متقین، می توانند توقع و انتظار داشته باشند که خداوند به وعده خود عمل کند.

تأمین خواسته های انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۴ - تمامی خواسته های پیامبران و پیروان آنان در قیامت ، از پیش آماده شده و به آنان داده خواهد شد .

و الذی جاء بالصدق و صدق به .. لهم ما یشاءون عند ربهم

تأمین خواسته های بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۱ - ۴

۴ - تمامی تمایلات و خواسته های مؤمنان قابل دستیابی برای آنان در بهشت

و لكم فیها ما تشتهی أنفسکم و لكم فیها ما تدعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۱۹، ۱۴، ۱۳

۱۳ - تمامی خواسته های مادی و معنوی مؤمنان نیک کردار ، در بهشت فراهم است .

لهم ما یشاءون عند ربهم

۱۴ - اراده و خواست مؤمنان بهشتی ، مؤثر در پدید آمدن نعمت ها و خواسته های آنان

لهم ما یشاءون عند ربهم

۱۹ - تحقق همه خواسته های انسان در بهشت ، نمود فضل بزرگ خداوند است .

لهم ما یشاءون .. ذلك هو الفضل الكبير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۶ - ۷

۷ - نعمت های اعطایی خداوند به بهشتیان ، تأمین کننده تمام خواسته های ایشان است .



<حساباً> اسم مصدر برای <إحساب> است و <أحسب> یعنی، عطا را افزایش داد تا حدی که دریافت کننده گفت:  
<حسبی> یعنی، مرا کافی است (تاج العروس) و ممکن است <حساباً> مصدر و به معنای محاسبه کردن باشد. در هر  
صورت به دلیل صفت بودن آن برای <عطاء>، معنای مصدری ندارد؛ بلکه به معنای <مُحَسَّب> (کافی) و یا <محسوب>  
(شمرده

شده) است. در برداشت یاد شده، معنای اول مورد نظر است.

تأمین خواسته های پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۴

۴ - تمامی خواسته های پیامبران و پیروان آنان در قیامت ، از پیش آماده شده و به آنان داده خواهد شد .

و الذی جاء بالصدق و صدق به .. لهم ما یشاءون عند ربهم

تأمین خواسته های صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۱۳

۱۳ - تمامی خواسته های مادی و معنوی مؤمنان نیک کردار ، در بهشت فراهم است .

لهم ما یشاءون عند ربهم

تأمین خواسته های متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۵، ۳، ۲، ۱

۱ - تمامی خواسته های تقوایندگان ، در پیشگاه الهی برآورده می شود .

هم المتقون . لهم ما یشاءون عند ربهم

۲ - برآورده شدن تمامی خواسته های تقوایندگان ، وعده خداوند به آنان

لهم ما یشاءون عند ربهم

کلمه <عند> برای التزام و وعده به کار می رود؛ مثل <لک عندی..> (برای تو پیش من چنین و چنان است).

۳ - تمامی خواسته های تقوایندگان به صرف اراده کردن و بدون اظهار کردن آنها ، از پیش آماده شده است .

لهم ما يشاءون عند ربهم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که <مشیت> به معنای خواستن و اراده کردن است و خداوند در وعده خود به بهشتیان، تنها به همین مشیت و اراده کردن آنان اکتفا کرده و فرموده است که هر آنچه آنان بخواهند و اراده

کنند، بدون هیچ اظهاری به آنان اعطا خواهد کرد.

۵- تأمین تمامی خواسته های تقوایبندگان در آخرت ، مقتضای ربوبیت پروردگار است .

هم المّتقون . لهم ما يشاءون عند ربّهم

تأمین خواسته های محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۶

۶- برآورده شدن تمامی خواسته های احسان کنندگان در قیامت ، به صرف اراده کردن آنان

لهم ما يشاءون عند ربّهم ذلك جزاء المحسنين

<احسان> هم شامل نیکی به خود می باشد که در این صورت مقصود نیک کرداری است و هم شامل نیکی به دیگران می شود (لسان العرب). این واژه در آیه شریفه، ممکن است در هر دو معنای کار رفته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۵ - ۴،۹،۱۰

۴- برآورده شدن تمامی خواسته های محسنان از سوی خداوند ، به خاطر نادیده گرفتن بدترین اعمال احتمالی گذشته آنان است .

لهم ما يشاءون عند ربّهم .. ليكفر الله عنهم أسوأ الذي عملوا

برداشت یاد شده مبتنی بر این فرض است که لام <ليكفر>، برای تعلیل و متعلق به فعل محذوفی است که جمله <لهم ما يشاءون..> بر آن دلالت می کند، بر این اساس تقدیر چنین می شود: <وعدهم الله بذلك و يسر لهم ليكفر...>.

۹- برآورده شدن تمامی خواسته های محسنان از سوی خداوند ، به خاطر اعطای پاداش بهترین عمل ها به آنان

لهم ما يشاءون عند ربّهم .. و يجزيهم أجرهم بأحسن الذي كانوا يعملون

۱۰- فراهم شدن تمامی خواسته های محسنان در قیامت ، پاداشی است بر

مبنای بهترین عمل آنان .

لهم ما يشاءون عند ربهم ... و يجزيهم أجرهم بأحسن الذي كانوا يعملون

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <يجزيهم..> می تواند توضیح و بیان برای جمله <لهم ما يشاءون...> باشد؛ یعنی، برآورده شدن خواسته های محسنان در قیامت، همان پاداش مطابق با بهترین عمل ها است که خداوند برای آنان مقرر داشته است.

تأمین خواسته های مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۲ - ۲

۲ - تأمین نیازها و ارضای همه تمنیات اهل ایمان ، پیش پذیرایی خداوند از آنان هنگام ورود به بهشت

نزلاً من غفور رحيم

با توجه به معنای <نزل> (غذای هنگام نزول و پیش درآمد پذیرایی از میهمان) مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۱۴، ۱۳

۱۳ - تمامی خواسته های مادی و معنوی مؤمنان نیک کردار ، در بهشت فراهم است .

لهم ما يشاءون عند ربهم

۱۴ - اراده و خواست مؤمنان بهشتی ، مؤثر در پدید آمدن نعمت ها و خواسته های آنان

لهم ما يشاءون عند ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۶ - ۱، ۳

۱ - خداوند ، دعا ها و خواسته های مؤمنان نیک کردار را اجابت می کند .

و يستجيب الذين آمنوا و عملوا الصلحت

۳ - خداوند ، بیش از خواسته ها و دعا های مؤمنان نیک کردار ، به آنان عطا خواهد کرد .

و یزیدهم من فضله

تذکر اجابت خواسته ها در بهشت

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۸ - ۶

۶- یادآوری برآورده شدن خواسته های انسان در بهشت ، از روش های هدایت و جذب انسان ها به دین \*

إِن الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ . ادخلوها بسلم ءامنين . و نزعنا ما في صدورهم من غلّ

خواسته بیجا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۲ - ۱۵

۱۵ درخواست های نابجا از پیامبران الهی ، نشانه بی تقوایی

ان ينزل علينا مائدة . .. اتقوا الله ان كنتم مؤمنين

خواسته پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۲ - ۲۸

۲۸ درخواست روزی افزونتر از روزی مقدر از درگاه خداوند ، خواسته ای پسندیده و سزاوار

و سئلوا الله من فضله

امام صادق (ع): انّ الله قسم الارزاق بين عباده و افضل فضلا كثيراً لم يقسمه بين احد قال الله عز و جل: <و سئلوا الله من فضله> .

---

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۹، ح ۱۱۷ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۵، ح ۲۲۰ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۶، ح ۴ / بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۴۵، ح ۵.

خواسته حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ حواریون پس از اظهار ایمان خالصانه ، از خداوند خواستند تا بر نیلشان به مقام تسلیم گواه باشد .

و اذ اوحیت . . و اشهد باننا مسلمون

۹ حواریون عیسی (ع) از وی خواستند تا به تسلیمشان در برابر خدا و رسولش گواه باشد .

قالوا ءامنا و



برداشت فوق بر این اساس است که مخاطب فعل <اشهد> حضرت عیسی (ع) باشد. نیاوردن ربنا و مانند آن در مقام درخواست از خداوند می تواند مؤید این احتمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۲ - ۱۴، ۹، ۷، ۴، ۲، ۱

۱ میهمانی بر سفره غذایی آسمانی و نازل شده از جانب خداوند ، درخواست حواریون از عیسی (ع)

اذ قال الحواریون . . . هل یستطیع ربک ان ینزل علینا مائده من السماء

کلمه <مائده> به معنای غذا و سفره ای است که بر آن غذا نهاده شده باشد.

۲ حواریون ، در صدد پی بردن به قدرت الهی ، با درخواست مائده آسمانی

هل یستطیع ربک ان ینزل علینا مائده من السماء

۴ حواریون ، خواستار معجزه ای اختصاصی برای خویش افزون بر سایر معجزات عیسی (ع)

ان ینزل علینا مائده

کلمه <علینا> به قرینه <نأکل> و <قلوبنا> و <نعلم> و <نکون> در آیه بعد نشانگر این است که حواریون خواستار معجزه ای بودند که تنها خودشان از آن بهره مند گردند.

۷ حواریون عیسی خواهان معجزه ای ویژه ( نزول مائده آسمانی ) علی رغم ادعای ایمان به رسالت مسیح (ع)

هل یستطیع ربک ان ینزل علینا مائده من السماء قال اتقوا الله ان کنتم مؤمنین

۹ حضرت مسیح (ع) با بیان ناسازگاری درخواست حواریون با ایمان و تقوا در صدد بازداشتن آنان از درخواست نزول مائده

قال اتقوا الله ان کنتم مؤمنین

۱۴ حواریون عیسی مورد سرزنش وی به خاطر پیشنهاد معجزه ویژه و نزول مائده آسمانی ، علی رغم مشاهده معجزات فراوان

قال اتقوا

اللّٰه ان كنتم مؤمنين

آیات پیشین دلالت می کند که عیسی حتی در کودکی و قبل از دعوت مردمان به ایمان، معجزاتی را به مردمان ارائه می کرد. بنابراین می توان گفت انتقاد و اعتراض حضرت مسیح (ع) بدین جهت بوده که چرا با وجود معجزات فراوان باز هم از وی درخواست معجزه دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۳ - ۱،۲،۳

۱ تناول از غذای آسمانی و اطمینان به توانایی خداوند از انگیزه های حواریون برای درخواست مائده آسمانی

قالوا نريد ان نأكل منها و تطمئن قلوبنا و نعلم ان قد صدقتنا

۲ یقین به رسالت عیسی (ع) و تبلیغ آن با گواه بودن بر نزول مائده از انگیزه های حواریون برای درخواست مائده آسمانی

و نکون علیها من الشهدین

۳ انگیزه های چهارگانه حواریون ( تغذیه ، اطمینان و ... ) توجیه آنان برای درخواست نابجای نزول مائده آسمانی \*

قال اتقوا اللّٰه ان كنتم مؤمنين. قالوا نريد ان نأكل منها ... من الشهدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۴ - ۱

۱ حضرت مسیح (ع) با پذیرش تقاضای حواریون ، از خداوند خواست سفره غذایی از آسمان فرو فرستد .

قال عیسی ابن مریم اللّٰهم ربنا أنزل علینا مائده من السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۵ - ۲

۲ مائده درخواستی حواریون به صورت تدریجی بر آنان فرو فرستاده شد .

قال اللّٰه انی منزلها علیکم

به کارگیری <منزل> از مصدر تنزیل می تواند حاکی از

آن باشد که اجزاء مائده آسمانی یکجا نازل نشده است.

خواستۀ شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۰ - ۱۲

۱۲ ارجاع داوری ها به طاغوت ( کسانی که بر خلاف احکام خداوند ، حکم می کنند ) ، خواسته شیطان است .

و یرید الشَّیطان ان یضللهم

خواستۀ عاقلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۳ - ۱۷

۱۷ خردمندان ، خواستار همراهی و همگامی با ابرار تا به هنگام مرگ

و توفنا مع الابرار

<مع الابرار> حال برای <نا>، در <توفنا> است. یعنی ما را بمیران، در حالی که همراه و همگام با ابرار باشیم.

خواستۀ علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۷

۷ عالمان ژرفنگر یهود ، خواسته نابجا از پیامبر اسلام ( ص ) نداشته و از صفات زشت و اعمال ناروای یهودیان ( پیمان شکنی ، انکار آیات الهی و ... ) بر حذر بودند .

یسئلك أهل الكتب ... لكن الرسخون فی العلم منهم و المؤمنون یؤمنون

خداوند در آیه ۱۵۳ تا آیه مورد بحث بهانه گیریها و صفات زشت اهل کتاب و به خصوص یهودیان را بیان نموده و آیه مورد بحث با کلمه <لکن> مؤمنان واقعی و عالمان ژرفنگر را، استثنا کرده است.

خواستۀ عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۴ - ۹، ۷، ۶، ۱

۱ - حضرت مسیح (ع) با پذیرش تقاضای حواریون ، از خداوند خواست سفره غذایی از

آسمان فرو فرستد .

قال عيسى ابن مريم اللهم ربنا أنزل علينا مائدة من السماء

۶ برجای ماندن خاطره ای سرور انگیز در جامعه مسیحیت از انگیزه های عیسی (ع) برای درخواست مائده آسمانی

أنزل علينا مائدة من السماء تكون لنا عيداً لأولنا وءاخرنا

۷ مسیح (ع) خواهان عید قرار گرفتن روز نزول مائده آسمانی در جامعه مسیحیت

أنزل علينا مائدة من السماء تكون لنا عيداً لأولنا وءاخرنا

۹ برجای ماندن نشانه و آیتی الهی در جامعه مسیحیت با نزول مائده آسمانی ، از انگیزه های مسیح برای درخواست آن از خداوند

أنزل علينا مائدة من السماء تكون . .. آیه منك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۵ - ۹

۹ نزول نان و گوشت ( مائده آسمانی ) بر حواریین از سوی خداوند پس از درخواست حضرت عیسی (ع)

قال الله اني منزلها عليكم

رسول خدا(ص) در توصیف مائده ای که بر حواریین نازل شد فرمود: نزلت المائدة خبزاً و لحماً . ...

---

مجمع البيان، ج ۳، ص ۴۱۰ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۹۱، ح ۴۳۷.

خواسته قاییل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۱۶

۱۶ نفس قاییل ، دام خواسته وی و پذیرای تصمیم او بر قتل برادرش هاییل

فطوعت له نفسه قتل اخيه

<طوعت> می تواند به معنای <تابعیت> باشد، یعنی نفس قابیل در قتل برادرش هابیل پیرو او گردید. بر اساس این احتمال، قابیل نفس خو را فریب داده و آن را رام خود ساخته بود، نه اینکه فریفته و سوسه های خویش شده

باشد.

خواسته کافران کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۵، ۲، ۱

۱ کافران مکه از خداوند خواستند چنانچه قرآن حقیقتی از جانب اوست ، آنان را سنگباران کند و یا عذاب دردناک دیگری بر آنان فرورستد .

و إذ قالوا .. فأمطر علينا حجاره

۲ نابحق جلوه دادن قرآن با درخواست عذاب از درگاه خدا ، از حيله های کافران مکه در مبارزه با قرآن و رسالت پیامبر ( ص )

و یمکرون .. و إذ قالوا اللهم ... فأمطر علينا حجاره من السماء

برخی در توجیه عذاب خواهی کافران (فامطر علينا .. ) چنین گفته اند که آنان برای فریب دیگران و یا اقناع خویش این نفرین را در حق خود روا داشتند تا با اجابت نشدن آن، خویشان را در انکار قرآن و حقانیت رسالت پیامبر(ص) محق بشمارند. آیه قبل که سخن از مکر کافران داشت، می تواند تأییدی برای این نظریه باشد.

۵ کافران مکه معتقد به تأثیر دعا به درگاه خدا برای تحقق بخشی به درخواست های آنان

اللهم إن كان هذا هو الحق من عندك فأمطر علينا حجاره

خواسته مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۷ - ۱۳

۱۳ ضرورت بی اعتنایی مبلغان دین به خواسته های انحرافی مردمان به هنگام اجرای فرمان های الهی و تبلیغ احکام دین

بلغ .. و الله يعصمك من الناس

خواسته مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۲۵

۲۵ مسلمانان هراسناک از نبرد ،



خواهان لغو حکم جهاد شدند .

و قالوا ربنا لم کتبت علينا القتال لو لا اخرتنا الى اجل قريب

برخی برآنند که مراد از <اجل قریب> زمان مرگ است. و تأخیر حکم جهاد تا زمان مرگ به معنای لغو آن است.

خواسته مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۲،۳

۲ برخی از مسلمانان صدر اسلام خواستار نبرد با کفار، قبل از تشریح جهاد و مبارزه مسلحانه

الم تر الى الذين قيل لهم كفوا ايديكم .. فلما كتب عليهم القتال

از جمله <فلما كتب> به دست می آید که مراد از <کفوا>، خودداری از نبرد و جنگ مسلحانه است.

۳ برخی از مسلمانان صدر اسلام خواهان نبرد با کافران، پیش از فراهم آمدن زمینه های آن

الم تر الى الذين قيل لهم كفوا ايديكم

جمله <فلما كتب ..>، چنانچه گذشت، می تواند به معنای تشریح جهاد باشد، و می تواند به معنی فراهم آمدن زمینه جهاد

و پیش آمدن شرایط آن باشد؛ یعنی آنگاه که پیامبر (ص) مسلمانان را به سوی جهاد فراخواند ...

خواسته مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۲۸

۲۸ برخی مؤمنان خواستار آگاهی از غیب و نهان انسان ها بودند تا افراد مؤمن را از غیر مؤمن (طیب و خبیث)، تمیز دهند .

و ما كان الله ليطلعكم على الغيب

در شأن نزول آیه آمده است که برخی مؤمنان، خواهان علامتی بودند تا با آنان منافقان را از مؤمنان بازشناسند. آنگاه خداوند

آیه فوق را

نازل فرمود.

خواسته های آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۱۰

۱۰ آدم (ع) و حوا با نیایش به درگاه خدا از وی خواستند تا فرزندی سالم و شایسته بقا به آنان عنایت کند .

دعوا الله ربهما لئن آتیتنا صلحاً لنكونن من الشکرین

صالح در لغت به کسی یا چیزی گفته می شود که فساد در آن نباشد. و مراد از آن به مناسبت مورد، فرزند سالم و مبرا از عیب و نقص است به گونه ای که استعداد زنده ماندن را دارا باشد. گفتنی است که جمله <فلما آتیهما صلحاً ... > دلالت بر آن دارد که مراد از صالح، معنای متعارف در شرع (نیکوکار و پاکدامن) نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۰ - ۱

۱ خداوند با پذیرش درخواست آدم (ع) و حوا، فرزندی سالم و شایسته به آنان عطا کرد .

دعوا الله ربهما لئن .. فلما آتیهما صلحاً

خواسته های آسیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۹ - ۹،۱۱

۹ - زنده گذاشتن موسی (ع) و چشم پوشی از قتل وی ، درخواست آسیه از فرعون

و قالت امرأت فرعون .. لاتقتلوه

۱۱ - همسر فرعون ، خواستار نگه داری موسی (ع) با امید به منتفع شدن از خدمات وی ، یا برگزیدن او به فرزندی خویش

عسی أن ینفعنا أو نتخذہ ولداً

خواسته های ابراهیم(ع)



۱۵ - علاقه ابراهیم (ع) به ذریه خود و تمنای او برای رسیدن آنان به مقامات معنوی

و من ذریتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۱،۳،۵

۱ - تبدیل زمین های اطراف کعبه به شهری دارای امنیت ، درخواست ابراهیم (ع) از درگاه خداوند

و إذ قال إبرهیم رب اجعل هذا بلداً آمناً

ظاهر آن است که مشارالیه <هَذَا> زمینهای اطراف کعبه باشد. بر این مبنا جمله <اجعل...> حاکی از دو درخواست است: ۱ شهر شدن زمینهای اطراف کعبه؛ ۲ برقرار بودن امنیت در آن شهر. قابل ذکر است که کلمه <بلد> به معنای سرزمین دارای حدود و مشخصات و نیز به معنای شهر است. برداشت فوق بر اساس دو مین احتمال می باشد.

۳ - رونق اقتصادی شهر مکه و بهره مند شدن شهروندان مؤمن آن از انواع ثمرات و میوه ها ، دعای ابراهیم (ع) به درگاه خداوند

و ارزق أهله من الثمرت من ءامن منهم

۵ - ابراهیم (ع) از خداوند خواست تا کافران مکه را از روزی های خویش بهره مند نسازد .

و ارزق .. من ءامن منهم بالله و الیوم الآخر

<من ءامن> به عنوان بدل برای <أهله> بیانگر مقصود ابراهیم(ع) از کلمه <أهله> است. آن حضرت با آوردن <من ءامن> اشاره به این معنا دارد که: خواهان اعطای ثمرات به کافران مکه نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۸ - ۷،۸،۱۰

۷ - تشریح و تبیین طریقه عبادت خدا و چگونگی آداب آن

، از درخواست های ابراهیم و اسماعیل (ع) از خداوند

و اَرنا مناسکنا

مَنْسِيك (مفرد مناسک) به معنای طریقه عبادت است (لسان العرب). بنابراین <اَرنا مناسکنا>؛ یعنی، خدایا! شیوه عبادت کردنت را به ما ارائه کن.

۸- ابراهیم و اسماعیل (ع) به هنگام ساختن کعبه، از خداوند خواستند تا چگونگی اعمال حج را به آنان بیاموزد.

ربنا .. اَرنا مناسکنا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مناسک - چنانچه برخی از اهل لغت و نیز برخی از مفسران گفته اند - به معنای اعمال حج باشد.

۱۰- ابراهیم و اسماعیل (ع)، از خداوند خواستند تا توبه خود و فرزندانشان را بپذیرد.

و تب علینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۹ - ۱،۲،۳

۱ - بعثت پیامبری از نسل اسماعیل، از دعاها و درخواست های ابراهیم و اسماعیل (ع) به هنگام بنای کعبه

و من ذریتنا أمة مسلمة لك .. ربنا وبعث فیهم رسولا منهم

ضمیر در <فیهم> و <منهم> محتمل است به <أمة مسلمة> در آیه قبل برگردد و نیز محتمل است به <أهله> در آیه ۱۲۶ بازگردانده شود. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است؛ یعنی، <ربنا وبعث فی ذریتنا المسلمة رسولا- منهم>. دعای مشترک ابراهیم و اسماعیل گویای این است که: پیامبر مورد نظر ابراهیم نیز فردی از نسل اسماعیل است نه از نسل دیگر فرزندان.

۲ - تلاوت آیات الهی، تعلیم کتاب آسمانی، آموزش حکمت (معارف و احکام دین و ...) و پاکسازی نسل ابراهیم و اسماعیل (ع)

( از آلودگی ها و ناخالصی ها ، از ویژگی های پیامبری که ابراهیم و اسماعیل ( ع ) خواستار بعثت او بودند .

ربنا وبعث فیهم رسولا منهم یتلوا علیهم ءایتک و یعلمهم الکتب و الحکمه و یرزقهم

۳- محمد ( ص ) پیامبری که ابراهیم و اسماعیل ( ع ) خواستار بعثت آن حضرت از میان نسلشان بودند .

ربنا وبعث فیهم رسولا منهم ... یرزقهم

به گفته همه مفسران، مراد از <رسولا> پیامبر عظیم الشان اسلام، حضرت محمد(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۲ - ۱۰

۱۰ - ابراهیم و یعقوب ( ع ) ، از پسرانشان خواستند تا همواره تسلیم خدا بوده و مطیع فرمان او باشند .

فلاتموتن إلا و أنتم مسلمون

جمله <فلاتموتن ... > کنایه از لزوم تسلیم همیشگی در برابر خدا و همواره مطیع او بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۴ - ۴

۴- ابراهیم ( ع ) پس از دریافت خبر فرزندان شدنش از فرشتگان ، خواستار توضیح و اطلاعات بیشتری از آنان شد .

فیم تبشرون

برداشت فوق بر این اساس است که <با> در <فیم> برای ملابست باشد و استفهام در جمله <فیم تبشرون> سؤال از

چگونگی تحقق چنین بشارتی (فرزنددار شدن) باشد و نه تردید و سؤال از اصل فرزنددار شدن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۷ - ۱

۱ - تقاضای حضرت ابراهیم ( ع ) از میهمانان ، برای خوردن غذا همراه با نهادن آن در دسترس آنان

فقربه إلیهم



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۴ - ۱

۱ ابلیس، خواستار مهلت و زنده ماندن خویش تا روز رستاخیز آدمیان (قیامت) گردید.

قال أنظرنی إلی یوم یبعثون

انظار (مصدر <انظر>) به معنای تأخیر و مهلت دادن است و مراد از آن تأخیر زمان مرگ می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۲ - ۲

۲- ابلیس، از خداوند خواستار با خبر شدن از فلسفه بزرگداشت آدم (ع) و برتر دانستن او بر خود شد.

قال أرءیتک هذا الذی کرمت علیّ

عبارت <أرأیت> معمولاً در آغاز جمله و برای سؤال می آید و به معنای <آخیرنی> است؛ بنابراین مراد از آن این است که: خداوند! به من اطلاع بده که چرا آدم را بر من برتری دادی؟

خواسته های اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۸ - ۱

۱ - درخواست کافرانِ پیرو در قیامت، از خداوند برای دو برابر کردن عذاب رهبران گمراهگرشان.

یوم تقلّب وجوههم .. و قالوا ربّنا إنا أظعنا سادتنا ... ربّنا ءاتهم ضعفین من ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ - ۱۸،۹

۱ - کافران در قیامت، خواهان شناسایی عاملان گمراهی خویش به منظور انتقام جویی از آنان



وقال الذين كفروا ربنا أرنا الذين أضلنا .. نجعلهما تحت أقدامنا

۸ - کفرپیشگان ، در قیامت خواستار ذلت و خواری بیشتر و عذاب شدیدتر برای رهبران اغواگر خویش خواهند بود .

نجعلهما تحت أقدامنا

۹- ( في المجمع ) > وقال الذين كفروا في النار أرنا الذين أضلّنا من الجن والإنس < يعنون إبليس الأبالسه و قابيل بن آدم أوّل من أبدع المعصيه . روى ذلك عن علي ( ع ) ؛

در مجمع البيان راجع به قول خداوند که می فرماید: <وقال الذين كفروا في النار أرنا الذين .. > آمده است که: مقصود آنان رئیس ابلیس ها و قابیل فرزند آدم است که گناه و نافرمانی را پایه گذاری نمود و این مطلب از علی(ع) روایت شده است.<.

خواستہ های اخروی کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۸ - ۶

۶- کافران پیرو ، از خداوند ، خواهانِ مورد لعن فراوان قرار دادن رهبران گمراه سازشان ، خواهند بود .

و قالوا .. ربّنا ... و العنهم لعنا کبیرا

<کبیر> صفت مفعول مطلق <إلْعَن> است. در آیه، این واژه به معنای <شدت> و مراد از آن، کثرت و زیادت است.

خواستہ های اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۱۳، ۱۹، ۹

۹- مجرمان در قیامت ، برای بازگشت به دنیا ، به ربوبیت الهی متمسک می شوند .

ربّنا أبصرنا و سمعنا فارجعنا

۱۳- مجرمان در قیامت ، برای بازگشت به دنیا و یافتن فرصت انجام اعمال نیک ، تمنا می کنند .

فارجعنا نعمل صلحا

۱۹- به یقین رسیدن مجرمان درباره معاد ، در قیامت دلیل درخواست شان از خدا جهت بازگشت به دنیا است .

فارجعنا نعمل صلحا إنّا موقنون

<إِنَّا مَوْقِنُونَ > به منزله تعلیل

برای درخواست است.

خواسته های اخروی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۱ - ۳

۳ - تقوای پیشگان در باغ های بهشتی ، خواستار میوه ها و نوشیدنی های بسیار عالی ، متنوع و گوناگون

یدعون فیها بفکّه کثیره و شراب

مقصود از کثرت میوه ها و نوشیدنی ها، تنوع آنها است و تنکیر <فاکّه> و <شراب> برای تفخیم می باشد؛ یعنی، میوه های عالی و نفیس.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۵ - ۱

۱- تقوای پیشگان بهشتی ، برخوردار از هر گونه میوه مورد تمایل خویش

یدعون فیها بکلّ فکّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۲ - ۱

۱ - بهره مندی تقوای پیشگان ، از میوه ها و گوشت های مورد تمایل خویش در بهشت ، علاوه بر نعمت های سرشار دیگر

فی جَنّت و نعیم .. و أمددّهم بفکّه و لحم ممّا یشتهون

خواسته های اخروی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۳ - ۳

۳ تکذیب کنندگان قیامت ، به هنگام گرفتاری در تنگنای آتشین دوزخ ، مرگ و نابودی خویش را خواهند خواست .

و إذا ألقوا منها مكاناً ضيقاً مقرنين دعوا هنالك ثبوراً

<ثبوراً> به معنای هلاکت است و <دعا> (ریشه <دعوا>) به معنای خواندن با صدای بلند است و مقصود از <دعوا> این است که تکذیب کنندگان قیامت، فریاد می کشند و مرگ را آرزو و طلب می کنند.

خواسته های اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۲ - ۵

۵ منکران معاد ، با مشاهده ملائکه در قیامت ، از آنان درخواست خواهند کرد که متعرض ایشان نشده و اقدامی علیه آنان انجام ندهند .

یوم یرون الملائکه لابیشری . . . و یقولون حجراً محجوراً

<حجراً محجوراً> سخنی است که عرب به هنگام روبه رو شدن با دشمن و یا هجوم بلا- و حوادث هولناک می گوید و مقصود اصلی در این کلام، امان خواستن و پناه بردن است.

خواسته های اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۸ - ۱۳،۱۵

۱۳ - مؤمنان در عرصه قیامت ، از خداوند خواستار اتمام و ازدیاد نور خویش اند .

یقولون ربنا أتمم لنا نورنا

۱۵ - مؤمنان در عرصه قیامت ، خواستار آمرزش الهی اند .

و اغفرلنا

خواسته های اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۸ - ۷،۸،۱۰

۷ - تشریح و تبیین طریقه عبادت خدا و چگونگی آداب آن ، از درخواست های ابراهیم و اسماعیل (ع) از خداوند

و أرنا مناسکنا

مَنْسِک (مفرد مناسک) به معنای طریقه عبادت است (لسان العرب). بنابراین <أرنا مناسکنا> یعنی، خدایا! شیوه عبادت کردنت را به ما ارائه کن.

۸- ابراهیم و اسماعیل (ع) به هنگام ساختن کعبه، از خداوند خواستند تا چگونگی اعمال حج را به آنان بیاموزد.

ربنا .. أرنا مناسکنا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مناسک - چنانچه برخی از اهل لغت و نیز برخی از مفسران گفته اند - به معنای اعمال حج باشد.

۱۰- ابراهیم و

اسماعیل (ع)، از خداوند خواستند تا توبه خود و فرزندانشان را بپذیرد.

و تب علینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۹ - ۱،۲،۳

۱ - بعثت پیامبری از نسل اسماعیل، از دعاها و درخواست های ابراهیم و اسماعیل (ع) به هنگام بنای کعبه

و من ذریتنا أمه مسلمه لک .. ربنا وبعث فیهم رسولا منهم

ضمیر در <فیهم> و <منهم> محتمل است به <أمه مسلمه> در آیه قبل برگردد و نیز محتمل است به <أهله> در آیه ۱۲۶ بازگردانده شود. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است؛ یعنی، <ربنا وبعث فی ذریتنا المسلمه رسولا- منهم>. دعای مشترک ابراهیم و اسماعیل گویای این است که: پیامبر مورد نظر ابراهیم نیز فردی از نسل اسماعیل است نه از نسل دیگر فرزندان.

۲ - تلاوت آیات الهی، تعلیم کتاب آسمانی، آموزش حکمت (معارف و احکام دین و...) و پاکسازی نسل ابراهیم و اسماعیل (ع) از آلودگی ها و ناخالصی ها، از ویژگی های پیامبری که ابراهیم و اسماعیل (ع) خواستار بعثت او بودند.

ربنا وبعث فیهم رسولا منهم یتلوا علیهم ءایتک و یعلمهم الکتب و الحکمه و یرزقهم

۳ - محمد (ص) پیامبری که ابراهیم و اسماعیل (ع) خواستار بعثت آن حضرت از میان نسلشان بودند.

ربنا وبعث فیهم رسولا منهم .. یرزقهم

به گفته همه مفسران، مراد از <رسولا> پیامبر عظیم الشان اسلام، حضرت محمد(ص) است.

خواسته های اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه -



۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۸

۸ مطرود شدن مؤمنان تهی دست از پیرامون نوح (ع)، از شرایط سران و اشراف قوم نوح برای ایمان آوردن به آن حضرت

و ما أنا بطارد الذين ءامنوا

خواسته های اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۷ - ۱

۱ - مردم ایکه ، خواهان فرو ریختن قطعات آسمانی بر سرشان توسط شعیب (ع)

فأسقط علينا كسفاً من السماء إن كنت من الصديقين

<کشفه> (مفرد <کِسَف>) مرادف <قطعه> است.

خواسته های اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۹ - ۲۸،۳۰

۲۸- بازدید اغذیه فروشی های متعدّد و انتخاب پاک ترین و شایسته ترین خوراک ها ، خواسته اصحاب کهف از فرستاده ویژه خویش بود .

فلينظر أيها أزكى طعاماً

<زکاه> (مصدر <أزكى>) به معنای <طهارت> و نیز <صلاح> آمده است (لسان العرب). ضمیر در <أيها> به <المدینه> برمی گردد و مراد از آن به طریقه استخدام مکان های مدینه است.

۳۰- اصحاب کهف ، از فرستاده خویش خواستند در خرید غذا ، به مقدار تغذیه و ارتزاق آنان اکتفا کند .

فليأتكم برزق منه

<رزق> طعامی است که با آن تغذیه کنند (مفردات راغب). <من> در <منه> برای ابتدا یا تبعیض است و مفاد <فليأتكم

برزق منه < این است که از طعام مورد نظر، مقداری خریداری شود که رزق افراد قرار گیرد و به مقدار مصرف شان باشد.

خواسته های اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۲۸

-۲۸

اقوام کافر پیشین ، ضمن طرح شبهاتی در مقابل دعوت روشن انبیا ، از آنان خواستار دلیلی قاطع و روشن ( معجزه ) بودند .

إِن أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا .. فَأَتُونَا بِسُلْطَنٍ مِّبِينٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۵ - ۳،۴

۳- انبیا و اقوام کافر مخالف آنان ، هر یک خواستار پیروزی بر یکدیگر شدند .

و استفتحوا

بنابر اینکه مرجع ضمیر <استفتحوا> هر دو گروه انبیا و اقوام کافر باشد، قرینه <و خاب کل جبار عنید> حاکی است که هر کدام از آنان، در پی پیروزی بر دیگری بوده اند؛ اما اقوام کافر از پیروزی محروم شدند.

۴- درخواست اقوام کافر و انبیا برای غلبه بر یکدیگر ، نه تنها ثمری برای کفار نداشت ، بلکه هلاکت دنیوی آنان را نیز به همراه داشت .

و استفتحوا و خاب کل جبار عنید

<خاب> در لغت به معنای <هلک> آمده است و به قرینه <استفتحوا> مراد از <خبیه> می تواند هلاکت باشد.

خواستہ های امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۹ - ۲،۷،۸

۲- برخی از معجزات درخواستی امت های پیشین ، از سوی خداوند به آنان اعطا گردید .

و ما منعنا أن نرسل .. إلا أن کذب بها الأولون

معجزه از کلمه <الآیات> - به قرینه ذکر <ناقه> پس از آن - استفاده می شود و از اینکه خداوند فرمود: <تکذیب پیشینان مانع ارسال معجزه از سوی ما شد> حکایت از این دارد که خداوند، به خواست آنان برای معجزه جواب مثبت داده است.

۷- امت های مشرک و کافر

پیشین ، پس از مشاهده معجزات درخواستیشان ، آنها را مورد انکار و تکذیب قرار دادند .

و ما منعنا أن نرسل بالآيت إلا أن كذب بها الأولون

۸- تکذیب معجزات درخواستی از سوی امت های پیشین ، دلیل بهانه جویی و بی صداقتی تقاضا کنندگان معجزات متعدد است .

و ما منعنا أن نرسل بالآيت إلا أن كذب بها الأولون

از اینکه تکذیب معجزات درخواستی (اقتراحی) از سوی پیشینیان، دلیل امتناع خداوند از ارائه معجزات برای امتهای بعدی مطرح شده است می تواند نشان از بی صداقتی و بهانه جویی این امتهای باشد و خداوند به همین دلیل به معجزات درخواستی اینها، پاسخ منفی داده است.

خواسته های انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۵ - ۳،۴

۳- انبیا و اقوام کافر مخالف آنان ، هر يك خواستار پیروزی بر یکدیگر شدند .

و استفتحوا

بنابر اینکه مرجع ضمیر <استفتحوا> هر دو گروه انبیا و اقوام کافر باشد، قرینه <و خاب کل جبار عنید> حاکی است که هر کدام از آنان، در پی پیروزی بر دیگری بوده اند؛ اما اقوام کافر از پیروزی محروم شدند.

۴- درخواست اقوام کافر و انبیا برای غلبه بر یکدیگر ، نه تنها ثمری برای کفار نداشت ، بلکه هلاکت دنیوی آنان را نیز به همراه داشت .

و استفتحوا و خاب کلّ جبار عنید

<خاب> در لغت به معنای <هلک> آمده است و به قرینه <استفتحوا> مراد از <خیبه> می تواند هلاکت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۲ - ۲

۲ - پیامبران (ع) ، حق درخواست شریک

و معاون برای خویش از خداوند را دارند .

واجعل لی وزیرًا .. و أشركه فی أمری

خواسته های انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۵ - ۱۹

۱۹ - خداوند ، توانا بر انجام تمامی خواسته های بندگان است .

و إياك نستعين

برداشت فوق لازمه این معناست که مراد از استعانت، استعانت در همه امور باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۲ - ۷

۷ انسان ها خواهان سعادت همیشگی و عمری جاودانه اند .

هم فیها خلدون

و عده به پاداش در صورتی مؤثر و ترغیب کننده آدمی است که وی خواهان آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۰ - ۸،۱۰

۸ - انسان ، خواهان زندگی جاوید و ملک و مالکیت فنا ناپذیر است .

هل أدلک علی شجرة الخلد و ملک لایلی

شیطان برای کارگر ساختن و سوسه خویش در آدم، از زمینه هایی بهره برد که در آدم وجود داشت. آن زمینه ها، میل به جاودانگی و مالکیت فنا ناپذیر است.

۱۰ - شیطان ، به خواسته ها و آرزو های انسان ، آگاه است .

هل أدلك على شجرة الخلد و ملك لا يبلى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۹ - ۶

۶- حفظ دستاوردهای زندگی پس از مرگ در پرتو داشتن فرزند ، خواسته طبیعی انسان است .

و زکریا إذ نادى ربّه ربّ لا تذرني فردا و أنت خير الورثين

از این که پیامبری چون زکریا(ع)، خواستار حفظ دستاوردهای خود در پرتو فرزنددار شدن بود،

می توان استفاده کرد که همه انسان ها چنین خواسته ای دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۸ - ۶

۶ - راه یافتن به راه درست زندگی ، از آرمان ها و خواسته های همه انسان ها است .

قال فرعون .. و ما أهدیکم إلا سبیل الرشاد ... و قال الذی ءامن یقوم اتّبعون أہ

این که فرعون و مؤمن آل فرعون، هر دو مدعی نشان دادن راه صواب به مردم اند، می رساند که همه مردم خواستار چنین راهی می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۹ - ۱۰

۱۰ - حیات جاویدان و سرای پایدار ، خواسته طبیعی انسان ها است .

و إنّ الآخره هی دار القرار

تذکر به ناپایداری زندگی دنیوی و جاودانگی حیات اخروی، خود گویای مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ - انسان در خواسته ها و کار های خود ، نه فاقد اراده است و نه دارای استقلال مطلق .

و ما تشاءون إلا أن یشاء اللّٰه

خواسته های انسان و اراده خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ خواست انسان ها و تلاش آنان در برابر اراده خداوند ، شکست خورده و بی ثمر است .

فصرف عنه كیدهن

خواستہ های اهل ایلہ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۷

۷ ماہیانی کہ روز شنبہ بر ساحل دریای



ایله ظاهر می شدند ، ماهیان دلخواه مردم آن سامان بودند .

إذ تأتيهم حيتانهم

اسناد ماهیان به مردم ایله با اضافه <حیتان> به <هم> (حیتانهم، یعنی ماهیان آنان)، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد. یعنی علت اینکه آن ماهیان، ماهیان قوم ایله گفته شده، علاقه وافرشان به آن ماهیهای خاص بوده است.

خواسته های اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۱،۳،۴

۱ نزول کتاب و نوشته ای از آسمان بر اهل کتاب ، خواسته گزاف و بی جای آنان از پیامبر ( ص )

يسئلك اهل الكتب أن تنزل عليهم كتباً من السماء

۳ عناد ، لجاجت و بهانه جویی ، ریشه درخواست های بی جای اهل کتاب از حضرت محمد ( ص ) و موسی ( ع )

فقد سألو موسى أكبر من ذلك .. فأخذتهم الصعقه بظلمهم

لحن مذمت آمیز آیه در بیان خواسته های اهل کتاب، می رساند که آنان نه به خاطر حق جویی بلکه از سر بهانه جویی و عنادورزی چنین تقاضاهایی را مطرح می کرده اند.

۴ درخواست معجزه های بی مورد ، شیوه اهل کتاب در برابر دعوت پیامبران

يسئلك اهل الكتب .. فقد سألو موسى أكبر من ذلك

خواسته های برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۱۱

۱۱ > عن أبي جعفر (ع) : ... فقالوا كما حكى الله عزوجل < ... أرسله معنا غداً يرتع ويلعب > أي يرعى الغنم ويلعب /

از امام باقر(ع) روایت شده است: ...

برادران یوسف همان گونه که خداوند حکایت فرموده، گفتند: <...أرسله معنا غداً يرتع و يلعب> یعنی، او را با ما بفرست تا گوسفندها را بچراند و بازی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۳

۳ فرزندان یعقوب با اظهار محبت به بنیامین از پدرشان خواستند او را به همراه آنان روانه مصر کند .

فأرسل معنا أخانا

هدف فرزندان یعقوب از نام نبردن بنیامین و یاد کردن از او به عنوان <أخانا> (برادرمان) اظهار محبت به اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۱۱

۱۱ مشاهده نیکوکار بودن یوسف ، مایه تشجیع فرزندان یعقوب به تقاضای آزادی بنیامین و بازداشت یکی از آنان به جای وی

فخذ أحدنا مكانه إنا نريك من المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۲ - ۴

۴ لاوی به برادرانش سفارش کرد از یعقوب بخواهند که وی از اهالی مصر و نیز از همسفران ایشان ، داستان سرقت بنیامین را جويا شود .

فقولوا ياأبانا .. وسئل القرية ... والعير التي أقبلنا فيها

<اقبال> (مصدر اقبلنا) به معنای روی آوردن است و متعلق آن <إليك> و مانند آن است که به خاطر وضوحش در کلام نیامده و <فيها> حال برای ضمیر <أقبلنا> می باشد. بنابراین <وسئل ... العير التي ...> یعنی، از کاروانی پرس که ما در میان آنها به سوی شما آمدیم. قابل ذکر است که آیه مورد بحث نیز مانند آیه سابق، از سفارشهای لاوی به برادرانش می باشد.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۵

۵ فرزندان یعقوب از وی تقاضا کردند یوسف (ع) را فراموش کرده و یاد او را از خاطر بزداید .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۴، ۱۲، ۸

۸ فرزندان یعقوب با بیان تنگدستی و نداشتن بهای لازم برای خرید سهمیه خویش ، از یوسف (ع) خواستند جیره آنان را به طور کامل پرداخت کند .

مَسْنَا و أَهْلُنَا الضَّرَّ و جِنَّا بَبِضْعِهِ مَرْجِيهِ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ

۱۲ فرزندان یعقوب از یوسف (ع) تقاضا کردند برادرشان بنیامین را به آنان باز گرداند .

و تصدق علينا

در اینکه مقصود فرزندان یعقوب از عطیه درخواستی چیست سه نظر ایراد شده است: ۱ منظور بنیامین است که به ظاهر ملک یوسف (ع) می باشد. ۲ مقصود آنان مقداری بیش از سهمیه و جیره ایشان است. ۳ مراد همان سهمیه است بدون دریافت همه بهای آن. برداشت فوق، ناظر به اولین احتمال است.

۱۴ برادران یوسف به دلیل سخت شدن معیشت بر خاندان یعقوب (ع) از او تقاضا کردند بیش از سهمیه سرانه ، آذوقه و غلات به آنان ببخشد .

مَسْنَا و أَهْلُنَا الضَّرَّ . . فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ و تصدق علينا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۷ - ۴۸

۴ فرزندان یعقوب بالحنی ملتسمانه از وی خواستند برای آموزش گناهانشان از خداوند ، طلب آموزش کند .

يَا بَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا

تصریح فرزندان یعقوب به <یا أبانا> (ای پدر ما) برای جلب مهر و محبت و

برانگیختن عواطف اوست که از آن به <لحنی ملتسانه> تعبیر شد.

۸ فرزندان یعقوب از او خواستند تا از آنان نزد یوسف (ع) شفاعت کند و گذشت از خطاهایشان را از وی بخواهد. \*

يَا بَانَا اسْتَغْفِر لَنَا ذُنُوبَنَا

نبودن <ربنا> در سخن فرزندان یعقوب (استغفر لنا ذنوبنا) در مقابل تصریح یعقوب (ع) به <ربی> در پاسخ آنان (سوف أستغفر لكم ربی) مبنای برداشت فوق است. تصریح یعقوب (ع) به اینکه تنها خداوند آمرزنده و مهربان است، می تواند مؤید این احتمال باشد.

خواسته های بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۳ - ۱۰

۱۰ بندگان خالص خداوند، به هنگام رو به رو شدن با گفتار جاهلانه و بدور از ادب و منطق جاهلان، از آنان خواستار سلامت و امنیت و همزیستی مسالمت آمیز می شوند.

و إذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلماً

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که <سلاماً> مفعولٌ به برای فعل مقدر باشد، یعنی، <نتسلم منكم تسليماً>. در این صورت <سلام> به جای <تسلیم> نشسته است.

خواسته های بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۵ - ۱۳، ۵، ۳، ۲

۲ - بنی اسرائیل عصر موسی، خواهان مشاهده خداوند شدند.

لن تؤمن لك حتى نرى الله جهره

۳ - بنی اسرائیل، تصدیق رسالت موسی را منوط به آشکارا دیدن خداوند کردند.

لن تؤمن لك حتى نرى الله جهره

۵- قوم موسی در پی کفر به او و تقاضای ناروایشان ( دیدن خداوند ) ، به هلاکت رسیدند .

لن تؤمن لك . . فأخذتكم الصعقه

<اخذت> (مصدر اخذت)

به معنای گرفتن است و به قرینه آیه بعد کنایه از کشتن می باشد.

۱۳ - قوم موسی ، در پی تقاضای رؤیت خدا ، شاهد فرود آمدن صاعقه بر خود بودند .

فَأَخَذتْكُمْ الصَّعْقَةَ و أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ

مفعول <تنظرون> (نگاه می کردید) فرود آمدن صاعقه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۲۱، ۱۵، ۱۴، ۶، ۵، ۴

۴ - بنی اسرائیل ، از موسی (ع) خواستند تا رفع یکنواختی طعامشان را از درگاه خدا مسألت کند و آنان را به غذاهای متنوع برساند .

لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَحَدٍ فَادْعَ لَنَا رَبِّكَ

به قرینه <لن نصبر...> مورد دعا بر طرف شدن یکنواختی خوراکیهاست و به دلیل <یخرج لنا...> مورد دعا دستیابی به خوراکیهای گیاهی نیز هست. بنابراین بنی اسرائیل دو تقاضا داشتند: ۱ بر طرف شدن یکنواختی غذا، ۲ دستیابی به خوراکیهای گیاهی.

۵ - بنی اسرائیل ، از موسی (ع) خواستند تا برای رسیدن به خوراکی های گیاهی به درگاه خدا دعا کند .

فَادْعَ لَنَا رَبِّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ

۶ - قوم موسی ، خواهان خوراکی های گیاهی و روئیده شده از زمین بودند .

فَادْعَ لَنَا رَبِّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَ... بِصَلِّهَا

عبارت <مما تنبت الأرض> (آنچه از زمین برویاندش) دلالت بر این دارد که: قوم موسی، خوراکیهایی را طلب می کردند که گیاهی بوده و محصول زمین باشد. اضافه شدن کلمات <بقل> و <بصل> به ضمیر <ها> - که به <الأرض> بر می گردد - (سبزیجات زمین و ... پیاز زمین)، بیانگر تأکید آنان بر زمینی بودن خوراکیهای درخواستی

است.

۱۴ - سبزیجات ، خیار ، گندم ، عدس و پیاز از خوراکیهایی که قوم موسی خواهان آن بودند .

يُخْرِجُ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَ... بِصَلْهَا

<فوم> به معنای گندم است. برخی از اهل لغت گفته اند که به معنای سیر نیز به کار می رود و نیز گفته شده که <فوم> به گندم و دیگر حبوباتی که با آن نان پخته شود اطلاق می گردد.

۱۵ - <مَنّ> و <سلوی> خوراکی بهتر در مقابل آنچه که قوم موسی در پی دستیابی به آن بودند .

قَالَ أَسْتَبْدِلُونَ الذِّي هُوَ أَدْنَى بِالذِّي هُوَ خَيْرٌ

<أدنی> از <دنو> و به معنای نزدیکتر است که به قرینه <خیر> مراد از آن پست تر می باشد. قابل ذکر است که برخی <أدنی> را از <دنائة> (پست) دانسته اند. بر این مبنا معنای حقیقی <أدنی> پست تر خواهد بود.

۲۱ - موسی (ع) در پی تقاضای قومش (درخواست خوراکی های زمینی) از آنان خواست تا به یکی از شهرها در آیند و شهرنشینی را انتخاب کنند .

قَالَ أَسْتَبْدِلُونَ .. اهْبُطُوا مِصْرًا فَاِنَّ لَكُمْ مَا سَأَلْتُمْ

چنانچه ضمیر در <قال> به <ربك> برگردد، جمله <اهبطوا...> سخن خداوند است و اگر به موسی (ع) ارجاع شود، آن جمله گفته موسی (ع) خواهد بود. برداشت فوق به لحاظ احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۸ - ۳

۳ - قوم موسی ، از وی خواستند تا مشخصه های گاوی را که باید ذبح شود از خداوند بخواهد و برای ایشان بیان کند .

قالوا



ادع لنا ربك بين لنا ما هي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۹ - ۲

۲ - قوم موسی ، از وی تقاضا کردند تا رنگ گاوی را که باید ذبح شود ، از خداوند سؤال کند و برای ایشان بیان دارد .

قالوا ادع لنا ربك بين لنا ما لونها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۰ - ۱

۱ - قوم موسی ، بیان رنگ و سن گاو مورد نظر را مشخص کننده ندانسته و خواهان توضیح بیشتری درباره ویژگی های آن شدند .

قالوا ادع لنا ربك بين لنا ما لونها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۸ - ۱۰، ۶۸

۶ - بنی اسرائیل ، پرسش ها و درخواستهایی نابه جا از موسی ( ع ) داشتند .

كما سئل موسى من قبل

۸ - قوم موسی ، نمونه ای بارز از اقوام بهانه جو در برخورد با پیامبران و دارای توقعات و خواسته های بی جا از آنان

أم تريدون أن تسئلوا رسولكم كما سئل موسى من قبل

چون بعید به نظر می رسد که در میان امتهای گذشته، تنها قوم موسی پرسشها و درخواستهای نابه جا از پیامبران داشتند، می توان به این نتیجه رسید که: یاد کردن از قوم موسی، به خاطر رواج بیشتر این خصیصه در میان آنان بوده است.

۱۰ - درخواست ها و پرسش های نابه جای قوم موسی از وی ، آنان را به کفر ورزی کشانید و از ایمان به دور ساخت .

و من يتبدل الكفر بالأيمان

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۲ - ۳،۵

۳ خروج جباران از سرزمین مقدس ، شرط اعلام شده از سوی قوم موسی (ع) برای ورود به آن سرزمین

و اِنَّا لَن نَدْخُلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا

۵ فتح سرزمین مقدس بدون مبارزه و درگیری ، انتظار نابجای قوم موسی (ع)

اِنَّا لَن نَدْخُلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَاَنَّا دَخَلْنَا

آیه و سیاق آن، حکایت از تخطئه اندیشه قوم موسی(ع) (فتح سرزمین قدس بدون مبارزه) دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۴ - ۴،۵،۸،۱۱

۴ خروج جباران از سرزمین مقدس ، شرط اعلام شده از سوی بنی اسرائیل برای ورود به آن سرزمین

اِنَّا لَن نَدْخُلُهَا اِبْدًا مَا دَامُوا فِيهَا

۵ فتح سرزمین مقدس بدون مبارزه ، انتظار نابجای قوم موسی (ع)

اِنَّا لَن نَدْخُلُهَا اِبْدًا مَا دَامُوا فِيهَا

۸ بنی اسرائیل ، گستاخانه خواهان رهسپاری موسی (ع) و خدایش به نبرد با زورگویان سرزمین مقدس

قالوا .. فاذهب انت و ربك فقتلا

۱۱ بنی اسرائیل ، با اعلام کناره گیری از نبرد ، خواستار معجزه موسی (ع) و امداد خاص الهی برای فتح سرزمین مقدس

فاذهب انت و ربك فقتلا

امدادهای الهی و معجزات موسی(ع) برای نابودی فرعونیان در حضور بنی اسرائیل، می تواند مؤید این احتمال باشد که مراد از <اذهب ..>، توقع و درخواست امداد خداوند و معجزه موسی(ع) برای نابودی جباران است، به گونه ای که نیاز به جهاد و مبارزه نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۸ - ۹،۱۰

۹ بنی اسرائیل از موسی خواستند تا خدایی مانند خدایان بت پرستان برای آنان قرار دهد .

اجعل لنا إلهاً كما لهم ءالهه

۱۰ بنی اسرائیل با مشاهده بت پرستان و کرنش آنان در برابر معبودهایی محسوس ، خواستار معبودی ملموس و محسوس شدند .

فأتوا على قوم يعكفون على أصنام لهم قالوا يموسى اجعل لنا إلهاً كما لهم ءالهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۷

۷ بنی اسرائیل با توسل به موسی (ع) خواستار برطرف شدن مشکل کمبود آب شدند .

إذ استسقه قومه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۶ - ۷،۶

۶ بنی اسرائیل ، خواهان هجرت از سرزمین مصر به سرزمین دیگر بودند .

و نجنا برحمتك من القوم الكافرين

۷ بنی اسرائیل ، در دعای خویش از خداوند خواستند : زمینه هجرتشان از سرزمین مصر به سرزمینی دیگر را فراهم کند .

و نجنا برحمتك من القوم الكافرين

جمله < و نجنا برحمتك من القوم الكافرين > به معنای (ما را از کافران خلاص نما) است و مقصود از آن می تواند درخواست هجرت به سرزمین دیگر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۱۱

۱۱ - قوم خیرخواه قارون ، خواهان بسنده کردن وی به سهم خویش و صرف کردن مازاد آن در راه خدا

و لاتنس نصیبك من الدنيا

خواسته های بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰ -

۱۴ از امام باقر (ع) روایت شده است: > ... و إذا اراد المؤمن شيئاً أو اشتهى انما دعواه في ها إذا أراد ، أن يقول : > سبحانك اللهم < فاذا قال ها تبادرت إليه الخدم بما اشتهى من غير ان يكون طلبه منهم أو أمر به و ذلك قول الله عز و جل : > دعواهم في ها سبحانك اللهم و تحيتهم في ها سلام < يعنى الخدام قال : > و آخر دعواهم أن الحمد لله رب العالمين < يعنى بذلك عند ما يقضون من لذاتهم من الجماع و الطعام و الشراب يحمدون الله عز و جل عند فراغتهم ... ;

.. هر گاه مؤمن [در بهشت] چیزی را اراده کرد یا بدان میل پیدا کرد، دعا [و گفتار] او در آن جا این است که می گوید: <سبحانك اللهم>. پس وقتی این ذکر را گفت، خادمان آنچه را او خواسته برایش حاضر می کنند بدون اینکه آن را طلبیده یا دستور داده باشد و این است معنای قول خدا <دعواهم فيها سبحانك اللهم>. [و اینکه خدا می فرماید] <تحيتهم فيها سلام>؛ یعنی، تحیت مؤمنان در بهشت، سلام خادمان بهشتی است. امام فرمود: <و آخر دعواهم أن الحمد لله رب العالمين>؛ یعنی، مؤمنان هنگامی که از لذت آمیزش و خوردنیها و آشامیدنیها، بهره مند شدند، با گفتن <الحمد لله رب العالمين> خدای عزوجل را حمد می گویند ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱۰۲ - ۳

۳- بهشتیان ، غرق و جاودان در نعمت های دل

خواه خویش خواهند بود .

و هم فی ما اشتتھت أنفسھم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۹ - ۴

۴ - مؤمنان بهشتی ، خواستار مشاهده و قرائت شدن نامه اعمالشان در عرصه قیامت

فیقول ہاؤم اقرءوا کتیبہ

<ہاؤم> اسم فعل امر و بہ معنای <خندوا> (بیاید بگیرید) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۶ - ۵

۵ - اندازه گیری و هندسه ظرف ها و جام های بهشتی و مقدار محتوای آنها ، به سفارش و خواسته خود بهشتیان است .

قدروہا تقدیرا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که فاعل <قدروا> خود ابرار باشد.

خواسته های بیجای مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۴

۴ با نزول قرآن جایی برای نزول معجزات درخواستی مشرکان متصور نیست.

و لو أننا نزلنا إليهم .. أفعير الله أبتغى حکما و هو الذی أنزل إليکم الکتب

به نظر می رسد جمله استفهامی توبيخی <أفعير الله أبتغى ..> به قرینه آیات قبل، تعریض به کسانی باشد که دلیل و معجزه ای غیر از قرآن طلب می کردند و جمله <و هو الذی أنزل ..> تتمیمی بر این تعریض است. یعنی با وجود قرآن جایی برای درخواستهای دیگر نمی ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ درخواست تسریع عذاب استیصال از سوی مشرکان ، خواسته ای نابخردانه و مایه شگفتی است .

إن أتیکم عذابه .. ماذا یستعجل منه المجرمون

جلد - نام سوره

۱ تکذیب پیامبر از سوی مشرکان به خاطر مطرح کردن قیامت و نیز پیشنهاد های نابه جای ایشان ، آن حضرت را در خطر ترک و عدم ابلاغ برخی از آیات قرار داده بود .

فلعلک تارک بعض ما یوحی إلیک و ضائق به صدرک أن یقولوا لولا أنزل علیه کتر

روشن است که خوف و شکی که <لعل< دلالت بر آن می کند به لحاظ متکلم (خداوند) نیست؛ بلکه حاکی از خوف و تردید مخاطب (پیامبر) و یا موقعیت خاصی است که هر انسانی احتمال ترک برخی از آیات را دور از انتظار نمی بیند. بنابراین <لعلک تارک...> می رساند که پیامبر در شرایطی بود که این خوف و احتمال وجود داشت که در ابلاغ برخی از آیات به تردید بیفتد و مصلحت ببیند که آنها را موقتاً ابلاغ نکند تا شرایط و جو پیشامده تغییر کند. <أن یقولوا...> به تقدیر <لام< و <لا-ی نافیة (لأن یقولوا...)> بیانگر علت و ریشه پدید آمدن زمینه و شرایط آن خوف و احتمال است. تفریع <لعلک تارک...> بر آیه هفتم می رساند که تکذیب قیامت نیز می توانست در پدید آمدن آن شرایط مؤثر باشد.

۸ نزول فرشته ای همراه و همگام با پیامبر ( ص ) ، از پیشنهاد های مشرکان برای اطمینان به حقانیت آن حضرت

أن یقولوا لولا .. جاء معه ملک

۹ پیشنهاد های نابه جای مشرکان و معجزه های درخواستی آنان ، موجب دلتنگی و ناراحتی پیامبر ( ص ) می شد .

و ضائق به صدرک أن یقولوا لولا أنزل



عليه كنز أو جاء معه ملك

برداشت فوق ، بر این اساس است که: ضمیر در <به> به <أن يقولوا ..> برگردد و به تعبیری دیگر <أن يقولوا ...> بدل برای ضمیر در <به> باشد؛ یعنی: و ضائق صدرک بأن يقولوا ....

خواسته های بیگانگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۸ - ۷

۷ بیگانگان ، خواهان گرفتاری جامعه ایمانی به رنج ، مشقت و ضرر

وَدَّوَا مَا عَنَّتُمْ

<ما> در <ما عنتم>، مصدریّه است و <عنت> به معنای شدت گرفتاری و رنج است.

خواسته های پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۳ - ۶

۶ پادشاه مصر ، از معبران و بزرگان دربار خواست تا رؤیای شگفتش را تعبیر کنند .

و قال الملك إني أرى .. يأبها الملاً أفتونی

<ملاً> به معنای بزرگان است ، که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن در آیه شریفه ، خواب گزاران دربار است که از موقعیتی خاص برخوردار بودند و از بزرگان و دانشمندان محسوب می شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۳

۳ پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش ، خواهان حضور یوسف (ع) در نزد خویش شد .

و قال الملك ائتونی به

خواسته های پیروان طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۱ - ۱

۱ - پیروان طاغیان ، از خداوند می خواهند عذاب طغیان گران را در دوزخ دوچندان کند .

قالوا ربنا من

قَدِّمْنَا لَنَا هَذَا فَرْدَةً عَذَابًا ضَعْفًا فِي النَّارِ

<ضعف> به معنای دوچندان است.

خواسته های جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۳ - ۷

۷ ساحران پس از اعلام آمادگی برای مبارزه با موسی (ع) از فرعون خواستند تا در صورت پیروزی از پاداشی گران برخوردار شوند .

قَالُوا إِنْ لَنَا لِأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ

جمله <إِنْ لَنَا .. > استفهامی است و حرف استفهام مقدر می باشد. یعنی: إِنْ لَنَا ... . نکره آمدن کلمه <أَجْرًا> دلالت بر بزرگی و گرانسنگی پاداش دارد.

خواسته های جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۴ - ۱

۱ فرعون به خواسته ساحران (اعطای پاداش در صورت پیروزی) ، پاسخ مثبت داد .

إِنْ لَنَا لِأَجْرًا .. قَالَ نَعَمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۹

۹ صبر در برابر تحمل شکنجه های فرعون و تسلیم خدا بودن تا آخرین لحظه حیات ، درخواست ساحران مؤمن در دعا به درگاه خداوند

رَبَّنَا أفرغ علينا صبراً و توفنا مسلمين

خواسته های جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۸ - ۹

۹ - پیامبر اکرم (ص)، تحت فشار از سوی عناصر نابخرد برای پذیرش طرح‌ها و پیشنهادهای جاهلانه آنان

و لا تتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

با توجه به تبعیت بی‌چون و چرای پیامبر(ص) از وحی، نهی <لا تتَّبِعْ> تعبیری کنایی برای بازداشتن دیگر مؤمنان خواهد بود  
و یا این که

فشارهای ناآگاهان جدی بوده و خداوند به پیامبر در این باره هشدار داده است برداشت یاد شده ناظر به دومین احتمال است.

خواسته های جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۰ - ۲

۲ - جهنم ، تقاضامند دریافت مجرمان هر چه بیشتر

و تقول هل من مزید

خواسته های جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۰ - ۱،۷

۱ دوزخیان با فریادی بلند از بهشتیان تقاضا می کنند که از آب های بهشت یا دیگر مواهب آن بر ایشان فروریزند .

و نادى اصحاب النار .. ان أفيضوا علينا من الماء او مما زرقكم الله

۷ تحریم روزی های بهشت بر اهل دوزخ ، دلیل خودداری بهشتیان از اهدای آب و دیگر مواهب درخواستی دوزخیان به

ایشان

ان أفيضوا علينا .. قالوا ان الله حرمهما على الكفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۷

۱۷- آب های غلیظ و گداخته ، بسان گدازه مس ، پاسخی برای استغاثه و آب طلبی کافران در دوزخ است .

و ان يستغثوا یغاثوا بماء کالمهل

<مهل> به معنای <درده روغن> و نیز <مس گداخته> است (مقایس اللغه) و نیز به <خونابه ای که از لاشه مردار بیرون

آید> گفته می شود. (قاموس) وصف آنان با عبارت <یشوی الوجوه> با معنای <مس گداخته> سازگارتر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - دوزخیان ، خواستار مجازات خویش در صورت بازگشت دوباره به گناه و

عصیان ، بعد از فرصت داده شده

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ

۶ - > و فی الحدیث أنّ أهل النار إذا دخلوها . . . > فقالوا رَبَّنَا غلبت علينا شقوتنا و كُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ ، رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ < فَيَقْفُونَ أَرْبَعِينَ سَنَةً ذَلَّ الْهَوَانُ لَا يُجَابُونَ . . . ، ثمَّ يَجِيبُهُمُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ > اخسئوا فيها و لا تكلمون < قال : فعند ذالك يبأسون من كلِّ فرج و راحه و يغلق أبواب جهنم عليهم . . . ;

در حدیث آمده است که جهنمیان آن گاه که وارد آتش می شوند [می گویند]: .. > فقالوا رَبَّنَا غلبت علينا شقوتنا و كُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ... < پس چهل سال با ذلت و خواری توقف می کنند، در حالی که پاسخ داده نمی شوند... سپس خداوند جَلَّ جَلَالُهُ جواب آنان را چنین می دهد: > اخسئوا فيها و لا تكلمون < . امام (ع) فرمود: در این هنگام است که آنان از هر گونه گشایش و راحتی، مأیوس می گردند و درب های جهنم به روی آنها بسته می شود... < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۳ - ۳

۳ تکذیب کنندگان قیامت ، به هنگام گرفتاری در تنگنای آتشین دوزخ ، مرگ و نابودی خویش را خواهند خواست .

و إذا ألقوا منها مكاناً ضيقاً مقرنين دعوا هنالك ثبوراً

> ثبوراً < به معنای هلاکت است و < دعاء > (ریشه < دعوا >) به معنای خواندن با صدای بلند است و مقصود از < دعوا > این است که تکذیب کنندگان قیامت، فریاد می کشند و مرگ را آرزو و طلب می کنند.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۸ - ۷

۷ - درخواست نجات از سوی دوزخیان ، به منظور انجام اعمال صالح ، صادقانه نبوده و آنان باز به رفتار زشت خود ادامه خواهند داد .

فما للظلمين من نصير . إِنَّ اللَّهَ عَليمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ

یادآوری علم همه جانبه خداوند پس از نفی وجود یاور برای کافران می تواند پاسخی به این سؤال باشد که چرا و کجا آنان بی ناصرانند؟ پاسخ این است که: چون خداوند به راز دل ها آشنا است، می داند که آنان هرگز ایمان نمی آورند و در نتیجه از نصرت و یاری کسی بهره مند نخواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۲ - ۷

۷ - > عن أبي عبد الله (ع) قال : ... < يوم التناد > يوم ينادى أهل النار أهل الجنة أن أفيضوا علينا من الماء أو ممّا رزقكم الله ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده فرمود: <يوم التناد> روزی است که دوزخیان بهشتیان را صدامی زنند که از فیض آب ها یا آنچه را خدا به شما عطا فرموده ما را مستفیض کنید. <..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۹ - ۱

۱ - درخواست دوزخیان از نگهبانان جهنم ، مبنی بر شفاعت کردن نزد خداوند جهت تخفیف اندکی از عذابشان حتی به مقدار یک روز

و قال الذين في النار لخزنة جهنم ادعوا ربكم يخفف عنا يوماً من العذاب

خواسته های حوا

جلد



- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۱۰

۱۰ آدم (ع) و حوا با نیایش به درگاه خدا از وی خواستند تا فرزندی سالم و شایسته بقا به آنان عنایت کند .

دعوا الله ربهما لئن آتيتنا صلحاً لنكونن من الشكرين

صالح در لغت به کسی یا چیزی گفته می شود که فساد در آن نباشد. و مراد از آن به مناسبت مورد، فرزند سالم و مبرا از عیب و نقص است به گونه ای که استعداد زنده ماندن را دارا باشد. گفتنی است که جمله <فلما آتیهما صلحاً ... > دلالت بر آن دارد که مراد از صالح، معنای متعارف در شرع (نیکوکار و پاکدامن) نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۰ - ۱

۱ خداوند با پذیرش درخواست آدم (ع) و حوا، فرزندی سالم و شایسته به آنان عطا کرد .

دعوا الله ربهما لئن .. فلما آتیهما صلحاً

خواسته های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۴ - ۳

۳ خداوند، خواهان رسوایی و خواری منافقان در جامعه اسلامی، حتی پس از مرگشان

و لاتصل علی أحد منهم مات أبداً و لاتقم علی قبره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۲ - ۴

۴ خداوند، خواهان خارج نشدن انسان از حالت خوف و رجا

عسی الله يتوب عليهم

خداوند، به طور قطع نفرموده است که توبه آنان پذیرفته می شود؛ بلکه فرموده: امید است

که پذیرفته شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۸ - ۱۴

۱۴ خداوند ، خواهان توبه انسان های خطاکار و فراهم کننده زمینه توبه برای آنان

ثم تاب عليهم ليتوبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۶ - ۶

۶ خداوند ، خواهان هدایت و توبه همه انسان ها حتی منافقان

أولاً يرون أنهم يفتنون . .. ثم لا يتوبون و لا هم يذكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۱۴

۱۴- آگاه شدن از فواید دنیوی هجرت در راه خدا و پاداش اخروی آن ، مورد تمنی خداوند

و الذين هاجروا .. لو كانوا يعلمون

از جمله معناها و استعمالهای <لو> تمنی است و برداشت فوق بر این اساس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۳ - ۴

۴- خداوند ، خواهان موضع گیری شایسته و سخن نیک انسان ، در قبال گفتار و برخورد های ناشایست دیگران

قل لعبادی يقولوا التی هی أحسن

در آیات قبل، سخن ناروای کافران در مسحور خواندن پیامبر(ص) ذکر شده است و در این آیه می فرماید: <شما بهترین را بگویید>. از مجموع این فرازها برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۱۰ - ۷

۷ - نعمت های خداوند ، فراتر از خواسته های او از انسان است .

فاوی .. فأغنی ... فلا تقهر ... فلا تنهر

خداوند، در بیان نعمت هایش بر پیامبر(ص)، از پناه دادن و

ثروتمند ساختن آن حضرت سخن می گوید؛ ولی در مقابل او را تنها به مقهور نساختن یتیم و جواب رد ندادن به سائل مکلف می سازد. مقایسه این دو روش، و جنبه اثباتی و سلبی در آنها، بیانگر نکته یاد شده است.

خواسته های خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۰ - ۳

۳- خضر، خواهان تعجیل نکردن موسی در فهم اسرار بود و او را بر متابعت بی چون و چرا از خود، الزام نکرد.

حَتَّىٰ أَحْدَثَ لَكُمْ مِنهُ ذِكْرًا

خواسته های داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۱۱

۱۱ خداوند علومی را که مشیت او اقتضا می کرد به داود آموخت .

و عِلْمَهُ مِمَّا يَشَاءُ

خواسته های دشمنان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۵ - ۳

۳- انبیا و اقوام کافر مخالف آنان، هر یک خواستار پیروزی بر یکدیگر شدند .

و استفتحوا

بنابر اینکه مرجع ضمیر <استفتحوا> هر دو گروه انبیا و اقوام کافر باشد، قرینه <و خاب کل جبار عنید> حاکی است که هر کدام از آنان، در پی پیروزی بر دیگری بوده اند؛ اما اقوام کافر از پیروزی محروم شدند.

خواسته های دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١١ دنیاطلبان ، مردمانی دون همت

أرضیتتم بالحیوه الدنیا من الآخره فما متع الحیوه الدنیا فی الآخره إلا قلیل

خواستہ های رهبران ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ درخواست رسالت و دریافت وحی، شرط بی جای سردمداران مجرم برای ایمان آوردن به پیامبر(ص)

و إذا جاءتهم آية قالوا لن نؤمن حتى نؤتى مثل ما أوتى رسل الله

خواسته های زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵ - ۸

۸- زکریا (ع) ، خواستار فرزندی صالح و جانشینی از نسل خود

فهب لي من لدنك ولياً

مراد زکریا از <ولياً> به قرینه <هب لي> و نیز <یرثنی..> در آیه بعد فرزند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸ - ۲

۲- زکریا (ع) ، مایل بود بداند چگونه علی رغم مساعد نبودن شرایط طبیعی ، دارای فرزند خواهد شد .

أني يكون لي غلم .. وقد بلغت من الكبر عتياً

تعبیر <أني يكون لي غلام> بیانگر اشتیاق زکریا به اطلاع یافتن بر چگونگی تحقق وعده الهی است، نه این که قدرت خداوند بر آن بعید شمرده باشد، او با توجه به موانع موجود، درخواست خود را مطرح کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۰ - ۱،۲

۱- زکریا (ع) خواستار نشانه ای از خداوند ، برای شناخت زمان آمادگی او و همسرش برای برخورداری از فرزند

قال رب اجعل لي آية

هدف زکریا از خواستن آیه و علامت، یا رفع تردید در صحت بشارت بوده و یا آمادگی برای رعایت آداب هم بستری و یا پرداختن به شکرگزاری و امثال آن. برای احتمال سوم در آیه

شاهدی وجود ندارد. برخی احتمال اول را نیز به دلیل نسبت دادن تردید به پیامبران، نپذیرفته و احتمال دوم را صحیح دانسته اند. برداشت یاد شده براین اساس است.

۲- زکریا (ع)، خواهان علامت و نشانه ای بر الهی بودن بشارت تولد یحیی به وی \*

قال رب اجعل لی آیه

علامت خواهی زکریا ممکن است از آن جهت باشد که وی اطمینان یابد آنچه او دریافت داشته، وحی الهی بوده است و نه القآت شیطانی؛ امکان تردید در این امور برای پیامبران با توجه به این نکته است که آنان تنها با امدادهای خداوند از آزار شیاطین و القآت آنها مصون می ماندند و خداوند گاه با ارائه نشانه و گاه با وسیله دیگر آنان را مطمئن می ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۴ - ۱۱

۱۱- حضرت یحیی (ع)، فرزند دلخواه زکریا (ع) و دارای اخلاق و رفتاری رضایت بخش

و کان تقیاً . و برّاً بولدیه و لم یکن جناباً عصیاً

برشمردن ویژگی های یحیی پس از بیان دعاهاى زکریا که در آن آمده بود: <واجعله ربّ رضیاً>، می تواند گویای مطابقت اوصاف یحیی، با خواسته زکریا باشد.

خواسته های زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲۱، ۳۲

۲۱ یوسف (ع) در پاسخ به دعوت و فرمان زلیخا، خداوند را سزاوارتر برای اطاعت، قدرشناسی و سپاس دانست .

قال معاذ الله إنه ربي أحسن مثوای

۳۲ > عن علی بن الحسین (ع) : . . . فلما

راهق يوسف راودته إمراه الملك عن نفسه . . . ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . . . چون حضرت یوسف در آستانه بلوغ جنسی قرار گرفت ، همسر پادشاه از او درخواست کرد که تا با او درآمیزد . . . <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۱۰

۱۰ زلیخا به منظور برخورد نکردن زنان دعوت شده با یوسف (ع) ، از او خواسته بود در اتاق های اندرونی ساختمان بماند .

و قالت اخرج علیهنّ

کلمه <خروج> به معنای از داخل به بیرون آمدن است. بنابراین <اخرج علیهنّ> می رساند که یوسف(ع) هنگامی که زنان در مجلس ضیافت حاضر شدند، در مکانی بود که نسبت به مجلس آنان داخل حساب می شد ؛ یعنی، اگر مجلس پذیرایی در اتاق بیرونی بود زلیخا، یوسف(ع) را در اتاق اندرونی نگه داشته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ > عن أبي جعفر (ع) في قوله : < ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيات ليسجننه حتى حين > فالآيات شهادة الصبي و القميص المخزق من دبر و استباقهما الباب حتى سمع مجاذبت ها إياه على الباب فلما عصاها فلم تزل ملحّه بزوجه حتى حبسه . ; . .

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا که فرمود: <ثم بدا لهم . . .> روایت شده است: آن نشانه ها گواهی کودک و پیراهن پاره شده از پشت و سبقت آن دو به طرف در بود، به گونه ای که شنیده شد آن زن پشت در، یوسف را



به طرف خود می کشد؛ پس چون یوسف درخواست بانو را نپذیرفت به طور پیگیر به شوهرش اصرار نمود تا [شوهرش] او را زندانی کرد.

خواسته های ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۷

۷ ساقی دربار، از پادشاه و بزرگان دربار خواست وی را به زندان نزد یوسف (ع) بفرستند تا تعبیر خواب را از او جویا شود.

أنا أُبئکم بتأویله فأرسلون

حرف <ن> در <فأرسلون> نون وقایه و کسره آن، حاکی از <یاء> متکلم محذوف است. متعلق آن (إلی یوسف فی السجن) نیز به خاطر وضوحش، در کلام آورده نشده است. بنابر این <فأرسلون> یعنی: پس مرا به سوی یوسف (ع) - که در زندان است - بفرستید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۵

۵ ساقی دربار، از یوسف (ع) خواست تا رؤیایی را که در آن هفت گاو لاغر دیده شده که هفت گاو چاق را می خورند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک دیده شده، تعبیر کند.

أفتنا فی سبع بقرت سمان یا کلهن سبع عجاف و سبع سنبلت خضر و آخر یابست

خواسته های سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۷، ۲، ۱

۱ - جئیان در خدمت سلیمان (ع)، هر چه او می خواست انجام می دادند.

و من الجن من يعمل بین یدیه .. یعملون له ما یشاء

۲ - جئیان برای سلیمان (ع)،

طبق خواست او قصرهایی می ساختند .

يعملون له ما يشاء من محاريب

<محاریب> جمع <محراب> (از ریشه <حرب>) است و آن به جایی گفته می شود که محل جنگ با دشمن است. این واژه، به قصرهایی اطلاق می شده که بر بالای آنها، جایگاه مخصوصی برای دفاع ساخته می شده است.

۳ - جَنِيَانٌ برای سلیمان (ع) طبق خواست او محل هایی برای عبادت بنا می کردند .

يعملون له ما يشاء من محاريب

<محراب> (جمع <محاریب>) به معنای مسجد آمده است (مفردات راغب).

۷ - جَنِيَانٌ ، طبق خواست سلیمان (ع) ، برای او کاسه های بزرگی به اندازه حوض می ساختند .

يعملون له ما يشاء من ... و جفان كالجواب

<جفان> جمع <جفنه> است و آن به معنای ظرف غذا می باشد. <جواب> جمع <جایبه> و به معنای جمع کننده و دربردارنده است (مفردات راغب). گفتنی است که <جواب> به معنای حوض هم آمده است (لسان العرب).

خواستہ های شعيب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۲۶، ۲۵

۲۵ شعيب (ع) پس از یأس از ایمان مردم کفرپیشه با دعا به درگاه خداوند از وی خواست تا بین او و کفرپیشگان قضاوت کند .

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق و أنت خیر الفتحین

از معانی کلمه <فتح> داوری کردن و قضاوت نمودن است.

۲۶ شعيب (ع) در دعای خویش خواستار امداد های غیبی خداوند شد .

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١ شعيب )

ع) از سر تهدید و هشدار، از کفرپیشگان لجوج خواست تا همچنان بر مواضع نادرستشان پافشاری کنند.

و يقوم اعمالوا علی مکانکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۹ - ۲

۲ - شعیب (ع)، خواهان اطاعت اصحاب ایکه از او، به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری اش

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ . فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

برداشت یاد شده از تفریح <اتَّقُوا..> بر <إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ> به دست می آید.

خواستہ های شیطانہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۱۴

۱۴ آمال و آرزو ها، زمینه اجرای خواسته های شیطان است.

و لا مَنِيهِمْ و لا مَرْنِهِمْ فليبتكن . . . فليغيرن خلق الله

تقديم جمله <و لا مَنِيهِمْ> (آنان را به خيال گرائی و ا می دارم) بر جمله <لا مرنهم> بيانگر آن است که شیطان ابتدا انسان را به آرزوهای توخالی و ا می دارد و سپس او امر خویش را به او القا می کند.

خواستہ های صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۲۰

۲۰ صالح از قوم خویش خواست تا ناقه را برای چریدن آزاد بگذرانند.

فذرورها تأكل في أرض الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ صالح (ع) از قوم خویش خواست تا نعمت خلافت و سکونت گزیدن در سرزمین حجر را نعمتی از جانب خدا بدانند و آن را همواره به خاطر داشته باشند .

واذکروا إذ

جعلکم خلفاء من بعد عاد و بوأکم فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۴

۴ صالح (ع) از قوم خویش خواست تا ناقه را برای چریدن آزاد بگذارند .

فذرورها تأکل فی أرض الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۴ - ۲

۲ - صالح (ع) ، خواهان اطاعت ثمودیان از او به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ . فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

تفریع <اتَّقُوا اللَّهَ> بر <إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ> می تواند مفید این مطلب باشد.

خواسته های ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۴ - ۶

۶ - ستمکاران ، خواهان بازگشت به دنیا و جبران گناهان گذشته خود به هنگام مشاهده عذاب

و ترى الظلمین لَمَّا رَأُوا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ

خواسته های عبدالله بن ام مکتوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۲ - ۳

۳ - ابن ام مکتوم ، خواهان فراگیری معارف قرآن بود .

فمن شاء ذكره

آیه شریفه تلویحاً حاضران مجلس پیامبر(ص) را به دو دسته تقسیم می کند و به قرینه آیات پیشین عبارت <من شاء> به ابن ام مکتوم نظر دارد.

خواسته های عزیز مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۸

۸ عزیز مصر ، اداره امور یوسف (ع) را به همسرش زلیخا واگذار کرد ، و از او خواست

تا یوسف (ع) را گرامی داشته و منزلتش را پاس دارد .

لامرأته أكرمي مثويه

<مثوی> اسم مکان و به معنای منزل و اقامتگاه است. عبارت <أكرمي مثواه>؛ یعنی، منزل و مقامش را گرامی دار. اکرام منزل و اقامتگاه، تأکید بر بزرگداشت شخصی است که در آن منزل اقامت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۹ - ۱،۳

۱ عزیز مصر از یوسف (ع) خواست تا ماجرای زلیخا را نادیده انگاشته و آن را مخفی سازد .

یوسف أعرض عن هذا

اعراض کردن از ماجرای زلیخا که مفاد عبارت <أعرض عن هذا> است در حقیقت توصیه به مخفی نگه داشتن و نادیده گرفتن است، نه لب به شکایت نگشودن؛ زیرا اقدام علیه زلیخا با ملا حظة موقعیت یوسف (ع) - که برده ای زرخریده بوده ناسازگار است.

۳ عزیز مصر، پس از روشن شدن خطای زلیخا، از وی خواست استغفار کند و از گناه خویش پوزش بطلبد .

واستغفري لذنبك إنك كنت من الخاطئين

در جمله <استغفري لذنبك> (برای گناهت طلب آمرزش کن) بیان نشده که زلیخا باید از چه کسی آمرزش بخواهد. برخی از مفسران گفته اند: مراد، استغفار به درگاه خداوند است و برخی برآنند که مقصود، پوزش خواستن از عزیز مصر می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۰ - ۱۰

۱۰ > عن علی بن الحسین (ع) :... فلما سمع الملك كلام الصبي... قال ليوسف : > أعرض عن هذا



... < و اکتمه قال : فلم یکتمه یوسف و أذاعه فی المدینه حتی قلن نسوه منهنّ إمرأه العزیز تراود فتاها عن نفسه ... >

از امام سجّاد(ع) نقل شده است: ... همین که پادشاه سخن کودک را شنید ... به یوسف گفت: از این ماجرا در گذر ... و آن را پوشیده بدار. [امام فرمود:] یوسف ماجرا را پوشیده نداشت و آن را در شهر منتشر کرد تا اینکه عده ای از زنان شهر گفتند: همسر عزیز غلام خود را به خویش دعوت کرده است ... <.

خواسته های فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۶ - ۲

۲ فرعون از موسی خواست چنانچه قادر به ارائه معجزه است ، آن را ارائه کند .

قال إن كنت جئت بئایه فأت بها

روشن است که در جمله های شرطیه نباید شرط و جزا از نظر مفهوم همانند باشد و نمی توان گفت: اگر آورده ای بیاور. بنابراین جمله <إن كنت جئت بایه> (اگر آیت و معجزه ای آورده ای) به این معناست: اگر قادر به ارائه معجزه هستی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۷ - ۱

۱ موسی (ع) در پاسخ فرعون (درخواست آیت رسالت) عصای خویش را رها ساخت .

فألقي عصاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۸ - ۱

۱ موسی (ع) در پی درخواست فرعون (آوردن معجزه) دومین آیت رسالت خویش را ارائه کرد .

إن كنت جئت

بثایه فأت بها .. و نزع یده فإذا هی بیضاء للنظرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۸ - ۸،۱۰

۸ - فرعون از موسی (ع) خواست به وی اطمینان دهد که او نیز در میعادگاه حاضر خواهد شد .

و لا أنت

۱۰ - فرعون ، برای مقابله با معجزات موسی (ع) از او خواست مکانی مناسب و هموار را در نظر گیرد .

فاجعل .. مکاناً سوئی

<مکاناً> بدل است برای <موعداً> و <سوی> به معنای مستوی است. <مکاناً سوی>؛ یعنی، زمینی که مسطح باشد. این وصف، آگاهی طرفین را بر آنچه انجام می گیرد، ممکن می سازد.

خواسته های فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۴ - ۲،۶،۱۰

۲ فرعونیان پس از گرفتار شدن به عذاب شدید ، رو به موسی (ع) آورده از وی خواستند تا برای برطرف شدن آن دعا کند .

و لما وقع علیهم الرجز قالوا یموسی ادع لنا ربک

۶ فرعونیان ، موسی (ع) را به منزلتش نزد خدا ( مستجاب الدعوه بودنش ) قسم دادند تا زوال عذاب را از خداوند درخواست کند .

ادع لنا ربک بما عهد عندک

<باء> در <بما عهد> در برداشت فوق، باء قسم گرفته شده است.

۱۰ فرعونیان با موسی (ع) پیمان بستند و سوگند یاد کردند که در صورت برطرف ساختن عذاب شدید از آنان ، به وی ایمان آورند و بنی اسرائیل را آزاد سازند .

لئن کشفتم عنا الرجز لنؤمنن لک و لنرسلن معک بنی اسرائیل



نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۵ - ۱

۱ موسی (ع) با پذیرش تقاضای فرعونیان (دعا برای رفع عذاب)، برطرف شدن عذاب را از خداوند درخواست کرد.

فلما كشفنا عنهم الرجز

سیاق آیه نشان می دهد که جمله ای همانند <فدعا موسی فكشفنا عنهم الرجز> در تقدیر است که به سبب وضوحش در کلام آورده نشده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۴ - ۴۸

۴ - حضور با تمام قوا و با آرایش منظم و با هیبت، طرح پیشنهادی فرعونیان برای قدرت نمایی در صحنه مقابله با موسی (ع)

فأجمعوا كيدكم ثم اتوا صفًا

۸ - فرعونیان، پذیرش دعوت های موسی (ع) را، به توان مندی او در آوردن سحری بی نظیر مشروط کرده بودند.

وقد أفلح اليوم من استعلى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۹ - ۶

۶ - درخواست عاجزانه فرعونیان از موسی (ع)، در رفع عذاب از آنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۰ - ۱

۱ - پاسخ مثبت موسی (ع) به تقاضای فرعونیان و دعای او برای رفع عذاب از ایشان

ادع لنا ربك .. فلما كشفنا عنهم العذاب

از ارتباط این آیه با آیه قبل، استفاده می شود که در آیه شریفه ایجاز و حذفی صورت گرفته است. بدین صورت که آنان از حضرت موسی (ع) درخواست دعا کردند و او خواسته آنها

را اجابت نمود.

خواسته های قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۶ - ۴

۴ قریش و مشرکان از سر استهزا، خواهان عملی شدن عذاب موعود بر خود به دست پیامبر(ص) بودند.

و کذب به قومک .. قل لست علیکم بوکیل

چنانچه مرجع ضمیر <به> در <کذب به> عذاب باشد، جمله <قل .. > گویا پاسخی است به سؤال ضمنی مشرکان مبنی بر این که اگر عذاب واقع شدنی است باید پیامبر(ص) آن را عملی سازد. بنابراین جمله <قل لست ... > قرینه ای است بر مطرح شدن سؤال از ناحیه مشرکان.

خواسته های قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۱ - ۱

۱- بت پرستان ، خواهان احضار ابراهیم (ع) و بازجویی علنی از وی برای کشف شکننده بت ها

قالوا فأتوا به علی أعین الناس

خواسته های قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۱۴

۱۴ کفرپیشگان قوم ثمود از صالح (ع) می خواستند که از ادعای خویش دست بردارد و از فراخوانی مردم به توحید منصرف شود .

فمن ینصرنی من الله إن عصیته فما تزیدوننی غیر تخسیر

<فاء> در <فما تزیدوننی .. > فای فصیحه است و حاکی از جمله ای مقدر می باشد و به قرینه <أثنهنا ... > در آیه قبل

مفاد آیه چنین است: بنابراین اگر به خواسته شما (ترک ابلاغ توحید) گردن نهم، شما جز خسارت زدن چیزی بر من نخواهید افزود.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۹ - ۱۱

۱۱- تقاضای قوم ثمود در اعطای معجزه مورد نظرشان ( ناقه = شتر ماده ) از سوی خداوند اجابت شد .

و ءاتینا ثمود الناقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۴ - ۵

۵ - ثمودیان ، خواستار نشانه و معجزه ای از صالح ( ع ) برای پی بردن به صدق ادعای وی

فأت بئایه إن كنت من الصدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۷ - ۲

۲ - قوم ثمود ، تقاضامند معجزه ای ( ناقه ) از صالح پیامبر ( ع )

إنا مرسلوا الناقه

جمله <إنا مرسلوا الناقه> در مقام وعده و اخبار از آینده است. <الف و لام> در <الناقه> برای عهد بوده و اشاره به همان معجزه مورد درخواست قوم ثمود دارد.

خواسته های قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۰ - ۱۱

۱۱ قوم عاد با ناباوری به صداقت و راستگویی هود ، از وی خواستند تا تهدید های خویش را تحقق بخشد .

فأتنا بما تعدنا إن كنت من الصدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- قوم عاد، گرفتار کم آبی و چشم انتظار نزول باران قبل از گرفتار شدن به عذاب \*

قالوا هذا عارض ممطرنا

از تعبیر <هذا عارض ممطرنا>، استفاده می شود که آنان در انتظار باران بودند؛ چه این که اگر انتظار آن را نداشتند، بی تفاوت بدان می نگریستند.

خواسته



های قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۹ - ۱۱

۱۱ - تنها پاسخ قوم لوط به لوط (ع) در برابر سرزنش و وعده عذاب، درخواست نزول عذاب بود.

فما كان جواب قومه إلا أن قالوا ائتنا بعذاب الله

خواسته های قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۲ - ۴

۴ کفرپیشگان قوم نوح، از او خواستند که به بحث و مناظره با آنان پایان دهد و تهدید های خویش را تحقق بخشد.

قالوا ینوح قد جدلتنا فأكثرت جدلنا فأتنا بما تعدنا

جمله <فأكثرت جدلنا> (با ما بسیار مناظره کردی) به قرینه تفریع جمله <فأتنا بما تعدنا> بر آن کنایه از این است که دلیل و برهان آوردن کافی است، به این امر پایان ده.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۳ - ۳،۹

۳ نوح (ع) در پاسخ به عذاب طلبی کفرپیشگان، نزول عذاب را در گرو مشیت الهی دانست و گریز از عذاب های الهی را غیرممکن شمرد.

قال إنما يأتيكم به الله إن شاء و ما أنتم بمعجزين

۹ پاسخ نوح (ع) به عذاب طلبی کفرپیشگان، پاسخی آمیخته با درس توحید و خداشناسی بود.

فأتنا بما تعدنا .. قال إنما يأتيكم به الله إن شاء و ما أنتم بمعجزين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۱



( تحقق بخشیدن به عذاب های موعود ) از ایمان آوردن آنان سخت به تردید افتاد .

فأتنا بما تعدنا .. قال ... لا ينفعكم نصحي إن أردت أن أنصح لكم

خواسته های کارگزاران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۱ - ۵

۵ سران دربار فرعون از وی خواستند با تأخیر مجازات موسی و هارون موافقت کرده و ساحران زبردست و کاردان را از اطراف و اکناف احضار کند .

و أرسل في المدائن حشرين

<حشرين> به معنای جمع کنندگان و کوچ دهندگان است و مفعول آن به قرینه آیه قبل و بعد <ساحرین> می باشد و خود <حشرين> مفعول برای <أرسل> است. بنابراین جمله <أرسل ...> یعنی: نیروهایی را برای جمع آوری و گسیل ساحران بسیج کن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۲ - ۳

۳ احضار همه ساحران زبردست برای مبارزه با موسی (ع) ، درخواست اشرافیان دربار فرعون از فرعون

يأتوك بكل سحر عليم

خواسته های کارگزاران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۴ - ۲

۲ کارگزاران یوسف از متهمان (فرزندان یعقوب) خواستند ، تا خودشان کیفر سارق جام پادشاه را تعیین کنند .

قالوا فما جزؤه إن كنتم كذابين

ضمیر در <جزاؤه> به سارق جامی شاهی ، که از جمله های قبل استفاده می شود ، برمی گردد.

خواسته های کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸ - ۴،۶،۱

۱ مشاهده نزول فرشتگان بر پیامبر (ص)،

درخواست نابجا و بهانه جویانه کافران

و قالوا لو لا أنزل عليه ملك و لو أنزلنا ملكا لفضى الأمر

۴ کفرپیشگان حتی با نزول کتابی ملموس بر پیامبر(ص)، ایمان نمی آورند و خواهان نزول فرشتگان می شوند.

و لو نزلنا عليك كتابا في قرطاس فلمسوه بأيديهم لقال . . . و قالوا لو لا أنزل عليه م

بر اساس این احتمال که <قالوا> بر جواب <لو> در آیه قبل عطف شده باشد.

۶ ناآگاهی کافران از عواقب هلاکتبار درخواست نزول آشکار ملائکه

و لو أنزلنا ملكا لفضى الأمر ثم لا ينظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۲

۲ درخواست نزول فرشته به عنوان پیامبر، از بهانه های کفرپیشگان

و لو جعلناه ملكا

جمله <و لو جعلناه ملكا . . . > می تواند منقطع از آیه قبل بوده و جواب از درخواست دیگر کفار، که فرستادن فرشته به عنوان پیامبر است، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰ - ۵

۵ استهزای کفار نسبت به پیامبر اکرم(ص)، با درخواست نزول کتاب ملموس و مشاهده فرشتگان

و لو نزلنا عليك كتابا في قرطاس فلمسوه . . . و لقد استهزىء برسلى من قبلك

یادآوری استهزا شدن انبیای گذشته برای تسلی پیامبر(ص)، پس از بیان بهانه جویها و توقعات بیجای کافران چنین می نماید که همین بهانه جویها، از مصادیق استهزای کافران در مورد رسولان الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۴ - ۱

۱- پافشاری مشرکان بر شرکت خود ، پیامبر ( ص ) را آماده درخواست غذایی

سریع برای آنان کرده بود .

فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعِدُّ لَهُمْ عَذَابًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۱،۲،۳

۱ فرود آمدن گنجی از آسمان برای پیامبر ( ص ) جهت تأمین زندگی او ، انتظار بی جای مشرکان و کافران

و قالوا .. أو یلقى إلیه کنز

انتظار کافران و مشرکان به فرود آمدن گنجی برای پیامبر(ص) به قرینه سخن قبلی آنان که کار و داد و ستد در بازار را خلاف شأن پیامبری می دانستند به منظور تأمین معاش آن حضرت بوده است.

۲ داشتن باغی پوشیده از درختان با ثمر برای تأمین نیاز های غذایی و معیشتی خویش ، توقع بی جای مشرکان در باره پیامبر ( ص )

و قالوا .. أو تکون له جَنَّةٌ یأکل منها

۳ ارائه معجزه ای محسوس و قابل رؤیت ، توقع مشرکان از پیامبر ( ص ) جهت اثبات درستی ادعای نبوت خویش \*

أو یلقى إلیه کنز أو تکون له جَنَّةٌ یأکل منها

درخواست و انتظار فرود آمدن گنجی برای پیامبر(ص) و یا داشتن باغ های پرثمر که امری محسوس و ملموس است می تواند به این خاطر باشد که کافران، به دنبال معجزه ای محسوس و قابل رؤیت از پیامبر(ص) بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۰ - ۳

۳ خداوند ، تونا بر مهتیا ساختن باغ هایی با نهر های روان برای پیامبر ( ص ) به مراتب بهتر از آنچه که مشرکان توقع آن را برای پیامبر ( ص ) داشتند .

أو تکون

له جَنَّهُ يَأْكُلُ مِنْهَا... تَبَارَكَ الَّذِي إِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِنْ ذَلِكَ جَنَّاتٍ تَجْرِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۲ - ۲

۲ کافران ، متوقف کردن دعوت به اسلام و محدود ساختن آن را ، از پیامبر ( ص ) خواستار شدند .

و لو شئنا لبعثنا فی کلّ قریه نذیرًا . فلاتطع الکفرین

با توجه به معنای لغوی <طاعت> (عمل کردن به آنچه که از انسان خواسته شده است) می توان برداشت یاد شده را به دست آورد؛ زیرا آنچه که کافران از پیامبر(ص) خواسته بودند با توجه به آیه قبل که سخن از جهانی بودن رسالت پیامبراسلام(ص) بود و آیه شریفه متفرع بر آن شده (فلاتطع الکافرین) می تواند توقف و محدود شدن رسالت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۳ - ۱،۳

۱ - کافرانِ منکرِ آیاتِ الهی ، از پیامبر ( ص ) خواهانِ تعجیل در عذاب خود بودند .

و يستعجلونک بالعذاب

۳ - کافرانِ منکرِ آیاتِ الهی ، بر عذاب خواهی خود از پیامبر ( ص ) ، مصرّ بودند و بر آن پافشاری می کردند .

و يستعجلونک بالعذاب

فعل مضارع <يستعجلون> دلالت بر استمرار و پافشاری دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۴ - ۱،۳

۱ - کافرانِ منکرِ آیاتِ الهی ، از پیامبر ( ص ) خواستار تعجیل در عذاب خود بودند .

يستعجلونک بالعذاب

۳ - کافرانِ منکرِ آیاتِ الهی ، بر عذاب خواهی خود از پیامبر ( ص ) پافشاری می



کردند .

يستعجلونك بالعذاب

فعل مضارع <يستعجلون> بر استمرار و اصرار، دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۴ - ۳

۳ - کافران ، از روی ناباوری خواستار تعجیل در برپایی قیامت

یسئلون ائیان یوم الدین .. هذا الذی کنتم به تستعجلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۸

۸ - تعجیل کافران در نزول عذاب ، ناشی از بی توجهی آنان به نابودی یاران گذشته خویش

فإنّ للذین ظلموا ذنوبًا مثل ذنوب أصحابهم فلا یستعجلون

از <فلا یستعجلون> استفاده می شود که کافران، ناباورانه تقاضای عذاب می کردند و آنها اگر آنان به راستی در سرنوشت یاران گذشته خویش تأمل می کردند، هرگز چنین ناباورانه مجازات الهی را به استهزا نمی گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۷ - ۴

۴ - کافران و منکران معاد ، خواستار تحقق سریع وعده برپایی قیامت

و یقولون متی هذا الوعد .. و قیل هذا الذی کنتم به تدعون

<تدعون> می تواند از ماده <دعا> باشد. در این صورت به معنای <تطلبون> (درخواست می کردید) خواهد بود. برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۸ - ۳

۳- سازش و دست برداشتن از مواضع عقیدتی، درخواست کافران تکذیب گرا از پیامبر (ص) بود.

فلاتطع المكذبین

آیه بعد، قرینه است که مورد اطاعت، سازش بر سر مواضع عقیدتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴

۵ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله < بل يريد كل امرئ منهم أن يؤتى صحفاً منسّره > و ذلك أنّهم قالوا : يا محمد قد بلغنا أنّ الرجل من بني اسرائيل كان يذنب الذنب فيصبح و ذنبه مكتوب عند رأسه و كفّارته ، فنزل جبرئيل على النبيّ (ص) و قال : يسألك قومك سنّه بني اسرائيل في الذنوب فإن شاءوا فعلنا ذلك بهم و أخذناهم بما كنّا نأخذ به بني اسرائيل ... ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <بل يريد كل امرئ منهم أن يؤتى صحفاً منسّره> روایت شده که آنان [به رسول خدا] گفتند: ای محمد! به ما خبر رسیده که مردی از بنی اسرائیل، گناهی مرتکب می شد و از خواب برمی خاست، در حالی که گناهش در بالای سرش همراه با کفّاره آن نوشته شده بود. سپس جبرئیل بر رسول خدا(ص) نازل شد و فرمود: قومت از تو می خواهند، همان سنّت بنی اسرائیل در مورد گناهان درباره آنان جاری شود، اگر آنان بخواهند ما درباره آنان انجام می دهیم و آنان را گرفتار می کنیم؛ به همان عذابی که بنی اسرائیل را گرفتار می کردیم...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۳ - ۲

۲ - نازل شدن نامه ای سرگشاده از سوی خداوند ، برای یکایک انسان ها در اثبات رسالت پیامبر (ص) ، درخواستی نابجا و غیرمنطقی

بل يريد كل امرئ منهم ... کلاً

خواسته های کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ مشاهده نزول فرشتگان بر پیامبر (ص)، درخواست نابجا و بهانه جویانه کافران

و قالوا لولا أنزل عليه ملك و لو أنزلنا ملكا لفضى الأمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۰ - ۳

۳ کفرپیشگان عصر بعثت علی رغم نزول پی در پی آیات و سوره های قرآن خواستار نزول معجزه ای دیگر بودند .

و يقولون لولا أنزل عليه آیه من ربه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۷ - ۲،۷

۲ کافران همواره خواستار معجزه ای جز قرآن برای باور به حقایق رسالت پیامبر (ص)

يقول الذين كفروا لولا أنزل عليه آیه من ربه

به کارگیری فعل مضارع (يقول) به جای فعل ماضی (قال) برای رساندن این معناست که کافران سخن مذکور را نه تنها در گذشته مدعی شده اند که در آینده نیز خواهند گفت و بر آن اصرار خواهند ورزید.

۷ ارائه معجزه درخواستی کفرپیشگان خارج از مسؤولیت پیامبر (ص) بود .

لولا أنزل عليه آیه من ربه إنما أنت منذر

جمله <إنما أنت منذر> حاکی از حصر است و حصر در آن اضافی و در قیاس با ارائه معجزه است. بنابراین آن جمله حاوی دو معناست: ۱ تو انذار دهنده ای / ۲ ارائه معجزه کار تو نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۷ - ۲

۲ کافران خواستار معجزه ای جز قرآن برای باور به حقایق رسالت پیامبر (ص) و پذیرش توحید

و يقول

الذین کفروا لولا أنزل علیه آیه من ربه

جمله <إن الله يضل من يشاء و يهدى . . > قرینه بر این است که کافران مشاهده معجزه از پیامبر(ص) را برای هدایت شدن و پذیرش رسالت پیامبر(ص) که سرلوحه آن توحید است می خواستند / یعنی، می گفتند: اگر معجزه ای ارائه کنی، رسالت تو را می پذیریم و به توحید می گرویم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۹ - ۳

۳- مشرکان و کفار ، معجزات متعددی را از پیامبراکرم ( ص ) درخواست کردند .

و ما منعنا .. إلا أن کذب بها الأولون

از اینکه خداوند با صراحت تمام به مشرکان می گوید: <ما هر چه معجزه برای پیشینیان فرستادیم، آنها را تکذیب کردند و این مانع ارسال معجزه شد > نشان می دهد که مشرکان صدراسلام، درخواستهای متعدد و مکرری برای معجزه داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۶ - ۱

۱ - مشرکان و کافران صدراسلام ، خواهان مشاهده عذاب الهی بودند .

أفبعذابنا يستعجلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۷

۷- کافران عصر بعثت ، درخواست کننده عذاب الهی ، از سر استهزا و ناباوری

للذین ظلموا ذنوبًا .. فلا يستعجلون

نهی الهی (فلا يستعجلون) می رساند که کافران، ناباورانه تقاضاکننده نزول عذاب بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱ - ۱

۱ - گروهی از کافران عصر بعثت ، خواستار شتاب در نزول عذاب الهی در دنیا

سأل

به گفته مفسران، سؤال در این آیه، به معنای طلب و دعا است؛ از این رو بهوسیله <با> متعدی شده است؛ یعنی، <دعا داع بعذاب واقع>.

خواسته های کافران ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۵ - ۴

۴- کافران ظالم، پس از مشاهده عذاب الهی و قطعیت کیفر، خواهان تخفیف و تأخیر مجازات خویشند.

فلا یخفف عنهم العذاب ولا هم ينظرون

تذکر الهی به عدم تخفیف عذاب و دادن مهلت به ظالمان، اشاره ای به تخفیف و مهلت خواهی آنان دارد.

خواسته های کافران قبل از اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۶

۶- کافران عصر های پیش از اسلام، در انتظار آمدن فرشتگان و یا نزول امر ویژه ای از سوی خداوند جهت تأیید حقانیت کتاب آسمانی خود بودند.

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسطر الأولین . . . قد مکر الذین من قبلهم ...

خواسته های کافران قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۷ - ۴

۴ کفرپیشگان قوم ثمود پس از کشتن ناقه صالح، از وی خواستند تا تهدیدش (نزول عذاب دردناک) را به اجرا گذارد.

قالوا یصلح اثنتا بما تعدنا إن كنت من المرسلین

مراد از <ما تعدنا> عذابی است که در آیه ۷۳ (فیأخذکم عذاب أليم) بیان شده است.

خواستہ های کافران مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۶

۶ شعیب (ع)



( در آخرین پاسخ خویش به خواسته کافران مدین ، بازگشت خود و همگامانش را به آیین شرک امری ناممکن دانست .

و ما یكون لنا أن نعود فيها إلا أن يشاء الله ربنا

جمله < ما یكون لنا .. > که حکایت از عدم امکان بازگشت به آیین شرک دارد، هم می تواند به معنای عدم امکان تکوینی باشد و هم می تواند مراد از آن عدم امکان تشریحی (ناشایست بودن و جایز نبودن) باشد. برداشت فوق براساس احتمال اول است. گفتنی است که بر مبنای اول، مشیت الهی (إلا أن يشاء الله) مشیت تکوینی است و بر اساس احتمال دوم، مشیت الهی، مشیت تشریحی است.

خواسته های کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷ - ۳، ۱

۱- کافران مکه ، از پیامبر ( ص ) خواستار آوردن فرشتگان برای تصدیق نبوت آن حضرت بودند .

قالوا .. لو ما تأتينا بالملئكة إن كنت من الصدقين

<لو ما> مانند <هالا> و <لولوا> برای تحضیض است.

۳- کافران مکه ، از پیامبر ( ص ) خواستار آوردن ملائکه به عنوان معجزه بودند .

لو ما تأتينا بالملئكة إن كنت من الصدقين

آوردن ملائکه توسط پیامبر(ص) که مورد درخواست کفار بود احتمال دارد برای تصدیق نبوت پیامبر(ص) باشد و احتمال دارد معجزه درخواستی باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۴، ۳

۳- درخواست کافران مکه ، برای آوردن ملائکه توسط پیامبر ( ص ) ، درخواستی نابه جا و باطل بود .

لو ما تأتينا بالملئكة

.. ما ننزل الملائكة إلا بالحق

جمله <ما ننزل الملائكة إلا بالحق> حصری و احترازی است و کنایه از این است که درخواست کفار نابه جاست.

۴- درخواست نزول ملائکه، جهت اثبات حقانیت ادعای پیامبر (ص) از سوی کافران مکه، بهانه ای بیش نبود.

لو ما تأتينا بالملائكة .. ما ننزل الملائكة إلا بالحق

قید <إلا بالحق> می تواند احترازی باشد، یعنی، نزول فرشتگان تنها در صورت وجود مصلحت و حکمت تحقق پذیر است، در حالی که در تقاضای کفار چنین مصلحتی نیست. مضافاً به اینکه <إذا منظرین> نیز دلالت می کند بر اینکه آنان، حتی پس از آمدن ملائکه هم حقانیت پیامبر(ص) را نمی پذیرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۲

۲- کافران حق ناپذیر مکه، در انتظار معجزه آمدن فرشتگان و یا امر ویژه ای از جانب خداوند برای تأیید حقانیت قرآن بودند

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسطر الأولين .. هل ينظرون إلا أن تأتيمهم

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که عبارت <تأتيمهم الملائكة أو يأتي أمر ربك> (ملائکه برای آنان بیاید و یا امر پروردگارت بیاید) به قرینه آیات سابق که درباره قرآن کریم بود بر آمدن ملائکه یا امر خداوند جهت تأیید قرآن دلالت داشته باشد.

خواسته های لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۱ - ۵،۷،۴،۳

۳ لاوی از برادرانش خواست، به پدرشان تفهیم کنند که به دزدی بنیامین اطمینان پیدا کردند و گزارش و شهادت آنان عالمانه است.

إن ابنك

سرق و ما شهدنا إلا بما علمنا

در اینکه مراد از شهادت در <ما شهدنا> چیست، چند نظر ابراز شده است. از جمله آنهاست همین شهادت برادران یوسف نزد یعقوب به دزدی کردن فرزندش بنیامین (إن ابنک سرق). بر این اساس مفاد جمله <ما شهدنا...> چنین می شود: آنچه هم اکنون در نزد تو می گوئیم (إن ابنک سرق) شهادتی است از روی علم و ما بدان اطمینان و یقین داریم.

۴ لاوی به برادرانش سفارش کرد، دسته جمعی به حضور پدر برسند و همگان بر دزدی بنیامین شهادت دهند.

ارجعوا إلی أییکم فقولوا .. ما شهدنا إلا بما علمنا

تصریح لاوی به صیغه های جمع <قولوا> و <ما شهدنا> و <علمنا> گویای برداشت فوق است.

۵ لاوی از برادرانش خواست، گزارش سفر و دزدی بنیامین را با لحنی مشفقانه، به پدر بیان کنند.

یأبانا

تصریح لاوی به اینکه در ابتدای سخن پدر را با جمله <یأبانا> مخاطب قرار دهید، رساننده این است که به گونه ای سخن بگوئید که شفقت او را بر خویش جلب کنید.

۷ لاوی از برادرانش خواست برای پدرشان بیان کنند که بنیامین در نهان و به دور از چشم آنان دزدی کرد.

و ما کنا للغیب حفظین

در معنای جمله <و ما کنا...> چند نظر ابراز شده است. با توجه به اطمینان برادران یوسف به دزدی بنیامین که جمله <إن ابنک سرق> گویای آن است، این معنا به نظر روشن تر می رسد که: ما نمی توانستیم آنچه را در غیاب و به دور از چشم انجام می گیرد، نگهبان باشیم؛ یعنی، دزدی بنیامین در نهان انجام

گرفت. از این رو نتوانستیم او را باز داریم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۲ - ۶

۶ لای از برادرانش خواست نزد پدر بر راستگویی خویش در سرقت بنیامین تأکید کنند .

و إنا لصدقون

خواسته های لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۷،۱۷

۷ لوط (ع) ، با پیشنهاد ازدواج مهاجمان با دخترانش ، از آنان خواست تا از کردار ناشایست لوط و تعرض به مهمانانش برحذر باشند .

يقوم هؤلاء بناتي هنّ أطهر لكم

۱۷ لوط (ع) از مهاجمان تبه کار خواست تا متعرض مهمانانش نشده و او را خوار و بی مقدار نسازند .

و لاتخزون فی ضیفی

اخزاء (مصدر لاتخزون) به معنای خوار ساختن و رسوا کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۲۵

۲۵ لوط (ع) از فرشتگان خواست تا در عذاب قومش تعجیل کنند . \*

إن موعدهم الصبح أليس الصبح بقريب

استفهام در <أليس...> تقریری است و هدف از آن، اقرار و اعتراف مخاطب به مضمون جمله ای است که پس از آن واقع می شود. اقرار و اعتراف گرفتن از لوط (ع) بر اینکه هنگام فرا رسیدن عذاب قومش نزدیک است، می رساند که وی خواهان تعجیل در عذاب آن قوم بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۲ - ۲

۲- حضرت لوط (ع) پس از ورود فرشتگان به محضر ایشان ، از آنان خواستار معرفی خود

گردید .

قال إنکم قوم منکرون

عبارت فوق اگرچه اخباری است، ولی کنایه از درخواست معرفی است و جواب ملائکه که در آیه بعد آمده است مؤید نکته فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۰ - ۴

۴- قوم لوط در پاسخ به درخواست حضرت لوط (ع) مبنی بر اجتناب از هتک آبروی وی، خود او را مقصر اصلی آن معرفی کردند .

فلاتفضحون ... و لاتخزون. قالوا أو لم ننهك عن العلمین

اینکه قوم لوط در جواب درخواست او برای اجتناب از ایجاد فضاحت و آبروریزی گفتند: تو را از پیش از پذیرش هرگونه مهمان بیگانه منع کرده بودیم، حکایت از این نکته می کند که آنان با این بیان، می خواستند مقصر اصلی چنین عملی را خود او معرفی کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۳ - ۴

۴- لوط (ع)، خواهان اطاعت قومش از او به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

فاتقوا الله و أطيعون

تفریع < اتقوا الله > بر < ائنی لکم رسول أمين > بیانگر مطلب یاد شده است.

خواسته های مادی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۰ - ۶

۶- مشرکان، حتی در صورت برآورده شدن خواسته های مادی شان و دارای امکانات فراوان بودن، از انفاق آن ایبا می کردند . \*

لن نؤمن لك حتى تفجر لنا .. قل لو أنتم تملكون خزائن رحمة ربِّي إذا لمسكتم

اینکه خداوند در آیات قبل، خواسته های مادی مشرکان (برخورداری

از چشمه و ..) را از پیامبر(ص) مطرح کرد و در این آیه، از بخل آنان در صورت برخورداری از امکانات فراوان سخن می گوید، می تواند به خاطر نکته یاد شده باشد.

خواسته های متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۹

۹ - متخلفان از سفر حدیبیه ، معترف به گناه خویش و متقاضی عفو و استغفار پیامبر ( ص )

سيقول لك المخلفون من الأعراب .. فاستغفر لنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۲

۲ - تمایل متخلفان از سفر حدیبیه ، به شرکت در جنگ خیبر برای دستیابی به غنایم و یا پوشاندن گذشته خود

سيقول المخلفون إذا انطلقتم إلى مغانم .. ذرونا نبتعكم

هدف متخلفان از شرکت در جنگ خیبر، یا رسیدن به غنایم و یا توجیه گذشته تاریک خود بود. تعبیر <إلى مغانم>، بیانگر نکته اول و <یریدون أن یدلّوا...> حاکی از نکته دوم است.

خواسته های محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۱ - ۱

۱ پیامبر ( ص ) از سر تهدید و هشدار از کفرپیشگان لجوج خواست تا همچنان بر مواضع ناصوابشان پافشاری کنند .

و قل للذين لا يؤمنون اعملوا على مکانتکم انا عملون

<اعملوا> امری است که به داعی تهدید و هشدار ایراد شده است و <مکانه> به معنای توان و قدرت و نیز به معنای مکان و جهت آمده است. بر اساس معنای نخست <اعملوا...>؛ یعنی، هر اندازه توان دارید عمل کنید و کوتاهی



نکنید و بر اساس دومین معنا، یعنی، بر همان جهت و موضعی که اتخاذ کرده اید عمل کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۹

۹ - نزول سریع تر تمامی قرآن و تکمیل زودرس مجموعه آیات آن ، خواسته قلبی پیامبر ( ص ) بود .

و لاتعجل بالقرآن من قبل أن یقضی الیک وحیه

در وجه نزول این آیه، دیدگاههایی وجود دارد: ۱ پیامبر(ص)، همراه قرائت جبرئیل، آیات را قرائت می کرد تا به دریافت کامل آن اطمینان یابد. ۲ پیامبر(ص) پیش از روشن شدن معنای آیات، آن را بر اصحاب املا می فرمود. ۳ پیامبر(ص) خواستار نزول تمامی قرآن در زمانی کوتاه تر بود. و چون تعبیر <القرآن> با اراده مجموعه قرآن سازگارتر است، می توان سومین احتمال را ترجیح داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۷ - ۳

۳ - درخواست پیامبر ( ص ) از مشرکان ، برای نمایاندن هویت و جایگاه خدایانشان به او ، جهت ارزیابی حقانیت آنان

قل أرونی الذین ألحقتهم به شرکاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۰ - ۲

۲ - پیامبر ( ص ) ، در بحث و گفت و گو با مشرکان ، از آنان خواستار ارائه دلیل عقلی و نقلی روشن بر اثبات درستی عقاید خویش

قل أراءیتم شرکاء کم الذین تدعون من دون الله أرونی ماذا خلقوا من الأرض .. أم ءات

<أراءیتم> به معنای <أخبرونی> (به من خبر دهید) است و <ماذا> اسم استفهام می باشد و این سؤال عقلی درباره نقش معبودها

در جهان است <أم> نیز برای استفهام بوده و در آن از مشرکان خواسته شده که نوشته ای از سوی خداوند که حاکی از حقانیت عقاید آنان باشد ارائه دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۹ - ۱

۱ - پیامبر (ص) از سر تهدید و هشدار، از کفرپیشگان لجوج خواست تا همچنان بر مواضع نادرستشان پافشاری کنند.

قل يقوم اعمالوا علی مکانکم

آهنگ آیه شریفه، آهنگی تهدیدآمیز و هشدار دهنده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۱ - ۷

۷ - پیامبر (ص)، خواهان تداوم نسل خویش و در آرزوی داشتن ذریه بود.

إنا أعطینک الکوثر

لحن بشارت آمیز آیه شریفه، بیانگر اشتیاق پیامبر(ص) به داشتن فرزند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۶ - ۶

۶ - پیامبر (ص) پس از ناامیدی از ایمان کافران، از آنان خواست برای پابندی او به دین خود، مشکل آفرین نباشند.

ولی دین

خواسته های مردم صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۱

۱ بسیاری از مردمان عصر بعثت، خواستار داوری پیامبر (ص) بر اساس قوانین جاهلی

افحکم الجہلیہ بیغون

خواستہ های مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۰ - ۳

۳- حضرت مریم (س) از جبرئیل خواست او را از چگونگی پیدایش فرزندى بدون پدر آگاه سازد

قالت أُنّی یکون لی غلم و لم یمسّنی بشر و لم أکّ بعیّاً

خواسته های مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۴

۴ - مستکبران ، دشمن سعادت و خوشبختی مردم و خواستار ضلالت و گمراهی آنان

و من الناس من یجدل .. لیضلّ عن سبیل اللّٰه

جمله <لیضلّ عن سبیل اللّٰه> به تقدیر <لیضلّ الناس عن سبیل اللّٰه> است؛ یعنی، جدال این گروه نادان و استکبارپیشه با توحید و یکتاپرستی و جلوگیری از گرایش مردم به آن، نه بدان جهت است که آنان خواستار سعادت مردم اند؛ بلکه بدان منظور است که مردم را از راه خدا - که راه خوشبختی است - بازدارند و آنان را به ضلالت و گمراهی سوق دهند.

خواسته های مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۸ - ۴، ۱

۱ - برخی از مسلمانان صدر اسلام در صدد درخواست تغییر و تبدیل بعضی از احکام اسلام بودند .

أم تریدون أن تسئلوا رسولکم

کلمه <سؤال> و مشتقات آن، هرگاه با واسطه حرف جر [همانند <عن>] به مفعول دوم متعدی گردد، به معنای پرسش کردن و در غیر این صورت به معنای درخواست کردن می باشد. از آن جا که در آیه شریفه مفعول دوم ذکر نشده، هر دو معنا محتمل است؛ بر این احتمال که <أن تسئلوا> به معنای درخواست باشد، مورد تقاضا به قرینه آیه قبل، نسخ برخی احکام است.

۴ - مسلمانانی که در صدد درخواست نسخ و تبدیل برخی از احکام بودند ، مورد نکوهش شدید خداوند قرار گرفتند .

أم تریدون

آن تسئلوا رسولکم

در اینکه مخاطب <آن تسئلوا> مسلمانان هستند یا اهل کتاب، دو نظر ابراز شده است. <کما سئل موسی> تأیید کننده این نظر است که مخاطب مسلمانان هستند و گرنه در عبارت بعد گفته می شد: <کما سألتم موسی>. جمله <أم تریدون> (آیا می خواهید) دلالت می کند که درخواست یا پرسش، انجام نشده بود و لذا در برداشت گفته شد: <در صدد درخواست ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۱۳

۱۳ - یهود و نصارا ترغیب کننده مسلمانان به پرسش ها و درخواست های نابه جا از پیامبر (ص)

أم تریدون أن تسئلوا .. وڈ کثیر من أهل الکتب لو یردونکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۸

۸ مؤمنان عصر بعثت ، خواهان ظهور معجزه ای برای گرایش پیدا کردن کافران به اسلام و قرآن بودند .

أفلم یأیئس الذین ءامنوا أن لو یشاء الله لهدی الناس جمیعاً

اعتراض خداوند به مؤمنان با جمله <أفلم یأیئس الذین ءامنوا> و بیان این حقیقت که امر هدایت و ضلالت به دست خداوند است نه وابسته به ارائه معجزه، می رساند که مؤمنان خواهان آن بودند که معجزات درخواستی کافران تحقق یابد، شاید که آنان هدایت شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱ - ۲

۲- مسلمانان صدراسلام ، خواهان تحقق زودرس وعده خدا در مورد غلبه اسلام و توحید بودند .

أتی أمر الله فلا تستعجلوه

در مورد مخاطب <لا تستعجلوه> دو احتمال وجود دارد: اول آنکه تعجیل از جانب مسلمانان

صورت می گرفته و دیگر آنکه مشرکان خواهان شتاب در تحقق وعده های الهی (عذاب، یا غلبه توحید، یا قیامت) بودند. برداشت فوق بر مبنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۱

۱- مؤمنان عصر پیامبر (ص)، در اشتیاق نزول سوره ای که تعیین کننده تکلیف آنان در قبال دشمنان باشد.

و يقول الذين ءامنوا لولا نزلت سوره

محتوای <فإذا أنزلت سوره محكمه و ذكر فيها القتال> قرینه ای است بر این که سوره مورد انتظار مؤمنان، در زمینه تعیین تکلیف آنان با کافران بوده است.

خواسته های مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۹

۹ - یهود و نصارا نیز همانند مشرکان، خواهان سخن گفتن خدا با آنان درباره راستی و درستی رسالت پیامبران بودند.

كذلك قال الذين من قبلهم مثل قولهم

در آیه ۱۱۳ مشرکان با تعبیر <الذين لا يعلمون> در قبال یهود و نصارا مطرح شده اند و در آیه مورد بحث مشرکان با همان تعبیر در قبال <الذين من قبلهم> قرار گرفته اند. از این مقایسه معلوم می شود: مقصود از <الذين من قبلهم> یهود و نصارا است.

خواسته های مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۱

۱۱ - گروهی از مشرکان، خواهان عمری طولانی هزار ساله هستند.

و من الذين أشركوا يود أحدهم لو يعمر الف سنه

برداشت فوق مبتنی بر این است که <و من الذین أشركوا> خبر برای مبتدایی محذوف باشد نه عطف بر <الناس> یعنی:

<و من الذین أشركوا طائفه یود أحدهم>. بر این مبنا، جمله <و من الذین...> جمله حالیه است و <یود أحدهم> توصیف همین دسته از مشرکان خواهد بود. بر این اساس مفاد آیه چنین است: یهودیان از همه مردم به دنیا دل بسته ترند و این در حالی است که گروهی از مشرکان خواهان عمری هزار ساله هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۹، ۳، ۲، ۱

۱ - مشرکان ، خواهان گفتگوی مستقیم خداوند با آنان درباره حقانیت رسالت پیامبر ( ص )

و قال الذین لایعلمون لولا یکلمنا الله

آیه بعد (انا ارسلنا بالحق ..) دلالت بر آن دارد که پیشنهاد اعتراض آمیز مشرکان (لولا یکلمنا الله؛ چرا خدا با ما سخن نمی گوید) درباره حقانیت رسالت پیامبر(ص) است.

۲ - مشرکان ، برای پذیرش رسالت پیامبر ( ص ) خواهان نشانه و معجزه ای بر حقانیت او بودند .

و قال الذین لایعلمون لولا .. أو تأتینا آیه

۳ - مشرکان خواهان تحقق معجزه ای بودند که خود آن را پیشنهاد می کردند . \*

و قال الذین لایعلمون لولا .. أو تأتینا آیه

۹ - یهود و نصارا نیز همانند مشرکان ، خواهان سخن گفتن خدا با آنان درباره راستی و درستی رسالت پیامبران بودند .

کذلک قال الذین من قبلهم مثل قولهم

در آیه ۱۱۳ مشرکان با تعبیر <الذین لایعلمون> در قبال یهود و نصارا مطرح شده اند و در آیه مورد بحث مشرکان با همان تعبیر در قبال <الذین من قبلهم> قرار گرفته اند. از این مقایسه معلوم می شود: مقصود از <الذین من قبلهم> یهود و نصارا است.

جلد -



نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۸ - ۵

۵ تحقیق معجزات ویژه، بدان صورت که مشرکان می خواستند، در اختیار پیامبر(ص) نبود.

قل لو أن عندی ما تستعجلون به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۶ - ۴

۴ قریش و مشرکان از سر استهزا، خواهان عملی شدن عذاب موعود بر خود به دست پیامبر(ص) بودند.

و کذب به قومک ... قل لست علیکم بوکیل

چنانچه مرجع ضمیر <به> در <کذب به> عذاب باشد، جمله <قل ...> گویا پاسخی است به سؤال ضمنی مشرکان مبنی بر این که اگر عذاب واقع شدنی است باید پیامبر(ص) آن را عملی سازد. بنابراین جمله <قل لست ...> قرینه ای است بر مطرح شدن سؤال از ناحیه مشرکان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۱

۱ نزول ملائکه بر مشرکان و سخن گفتن مردگان با ایشان، از معجزات درخواستی آنان بوده است.

لئن جاءتهم ءایه ... و لو أننا نزلنا ... ما كانوا لیؤمنوا

ذکر نزول ملائکه و سخن گفتن با مردگان در آیه حکایت از آن دارد که این قبیل معجزات مورد درخواست مشرکان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۱۵

۱۵ خداوند شنوای گفته ها و خواسته های مشرکان و آگاه به همه جوانب آن است.

و أقسموا بالله ... زخرف القول غرورا ... و تمت کلمت ربک ... و هو السميع العليم



۱ آمدن فرشتگان و یا آشکار شدن خداوند، از شرایط مشرکان تکذیب کننده قرآن برای ایمان به آن

هل ينظرون إلا أن تأتيهم الملائكة أو يأتي ربك

<نظر>، مصدر <ينظرون>، در اینجا به معنای انتظار و توقع است. استفهام به دلیل <إلا> استفهام انکاری می باشد و بنابراین <هل ينظرون> یعنی <ما ينتظرون>. انتظاری که در آیه شریفه مطرح شده هم می تواند توقعاتی باشد که از سوی مشرکان مطرح شده و هم می تواند بیان حالت آنان باشد. یعنی اگر کسی قرآن را، که دلیلی روشن است، نپذیرد، تنها در صورتی که فرشتگان بر او حاضر شوند و یا ... ایمان می آورد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

۲ تحقق برخی از آیات الهی (برخی از حقایق مطرح شده در قرآن، مانند قیامت) از شرایط مشرکان تکذیب کننده قرآن برای ایمان به آن

هل ينظرون إلا أن .. يأتي بعض آيات ربك

مراد از <بعض آیات ربك>، به دلیل <إلا> نفع نفساً ایمانها، آیتی است که مشاهده آن، حتی منکران قرآن را به ایمان وامی دارد. بنابراین می توان گفت مقصود، قیامت و مانند آن است. گفتنی است تکرار فعل <إتيان> (تأییم، یأتی ربك و یأتی بعض آیات) در آیه شریفه حکایت از تفاوت معنای اراده شده از هر یک دارد. <إتيان> در <یأتی بعض آیات> به معنای تحقق یافتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ ناتوانی معبودان از اجابت خواسته های پرستشگران خویش ، افشاگر پندار باطل و دروغین مشرکان

( پندار شریک برای خداوند )

فادعوهم فلیستجیوا لکم إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۲ - ۳

۳ - خدایان مشرکان ، قادر به پاسخ گویی به خواسته های آنان نیستند .

قل ادعوا الذین زعمتم من دون الله لایملکون مثقال ذرّه

<لایملکون> در مقام جواب واقع شده است. گویا عبارت این معنا را القا می کند که آنان پس از درخواست چه جوابی می دهند؟ پاسخ این است که جوابی نمی دهند، به دلیل عدم مالکیتشان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۶ - ۶

۶ - > عن علی (ع) فی قول الله عزوجل > و قالوا ربنا عجل لنا قطننا قبل یوم الحساب < قال : نصیبهم من العذاب ;

از امام علی(ع) روایت شده که درباره سخن خداوند عزوجل > و قالوا ربنا عجل لنا قطننا قبل یوم الحساب < فرمود: [مراد مشرکان از کلمه <قطننا>] نصیب آنها از عذاب بود [که از روی تمسخر درخواست می کردند زودتر به آنان برسد].

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۹ - ۷

۷- مشرکان ، خوستار اخبار و پیشگویی پیامبر ( ص ) از آینده و سرنوشت افراد

و ما أدری ما یفعل بی و لا بکم

از پاسخ آیه شریفه، انتظار مذکور دانسته می شود.

خواسته های مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۶ - ۱

۱ پرستش بتها و سازش در اصول اعتقادی، خواسته نابجای مشرکان صدر اسلام از پیامبر(ص)

قل

لا أتبع أهواءكم قل إني نهيت أن أعبد الذين تدعون من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۷ - ۷

۷ مشرکان و منکران رسالت پیامبر(ص)، خواهان تحقق زودرس وعده های آن حضرت در مورد نزول عذاب بودند.

و کذبتم به به ما عندی ما تستعجلون به

در آیات متعددی، مانند آیه ۶، ۹ و ۱۱ سوره انعام، به کافران وعده عذاب و کیفر دنیوی داده شده است. لذا ممکن است مراد از <ما تستعجلون> نزول عذاب باشد که کافران از سرانکار و تمسخر خواهان نزول سریع آن بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۹ - ۳

۳ مشرکان خواهان دریافت معجزه ای، جز آنچه پیامبر(ص) ارائه می نمود، بودند.

و أقسموا بالله جهد أيمانهم لئن جاءتهم آية

بدیهی است که پیامبر(ص) قطعاً معجزاتی را به آنان نمایانده است و با این وصف آنان از سر بهانه جویی معجزات دیگری را طلب می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۹، ۷

۷ مشرکان، در راستای مخالفت با قرآن، به پیامبر(ص) پیشنهاد می کردند: برای آنان به جای قرآن، کتاب دیگری را که موافق خواسته ها و تمایلاتشان باشد بخواند.

و إذا تتلى عليهم آياتنا .. قال الذين لا يرجون لقاءنا انت بقراءان غير هذا

۹ تبدیل و برگرداندن محتوای قرآن به موضوعاتی باب طبع با حفظ نظام و ساختار ظاهری آن یکی دیگر از پیشنهاد های مشرکان

به پیامبر (ص) در راستای مخالفت با قرآن

و إذا تتلى عليهم آياتنا بينت قال الذين لا يرجون لقاءنا .. أو بدله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۸ - ۴

۴ مشرکان ، با تمسخر و استهزا ، از پیامبر (ص) و مؤمنان خواستار تعیین زمان وقوع عذاب استیصال و تسریع در آن بودند .

و يقولون متى هذا الوعد إن كنتم صدقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۰ - ۴

۴ مشرکان ، خواستار تسریع نزول عذاب استیصال بودند .

إن أتیکم عذابه .. ماذا يستعجل منه المجرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۱ - ۶،۷

۶ مشرکان ، پیش از نزول عذاب ، بطور مستمر خواستار تسریع آن بودند .

أثم إذا ما وقع .. و قد كنتم به تستعجلون

۷ مشرکان ، به هنگام وقوع عذاب استیصال ، از خداوند خواستار رفع آن خواهند شد .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به ءالن و قد كنتم به تستعجلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱ - ۴

۴- مشرکان صدر اسلام از سر عناد و از روی استهزا ، خواهان تحقق زودرس وعده های الهی (عذاب ، غلبه اسلام و قیامت) بودند .

أُتِيَ أَمْرَ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ

محتمل است مخاطب <لا تستعجلوه> مشرکانی باشد که خواهان تحقق وعده های الهی بودند، و از آن جایی که معمولاً کسی خواهان پیروزی دشمن و شکست و خذلان خویش نیست، می



توان گفت: تعجیل مشرکان برای آمدن عذاب، از سر عناد و تمسخر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۹ - ۴، ۳

۳- مشرکان و کفار، معجزات متعددی را از پیامبر اکرم (ص) درخواست کردند.

و ما منعنا .. إلا أن کذب بها الأولون

از اینکه خداوند با صراحت تمام به مشرکان می گوید: <ما هر چه معجزه برای پیشینیان فرستادیم، آنها را تکذیب کردند و این مانع ارسال معجزه شد> نشان می دهد که مشرکان صدراسلام، درخواستهای متعدد و مکرری برای معجزه داشته اند.

۴- خداوند، به درخواست های متعدد معجزه از سوی مشرکان بهانه جوی عصر پیامبر (ص) پاسخ منفی داد.

و ما منعنا أن نرسل بالآیت إلا أن کذب بها الأولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵ - ۷

۷- مشرکان، از پیامبر (ص) خواهان معجزه ای همانند معجزات پیامبران پیشین بودند.

فلیأتنا بایه کما أرسل الأولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۱ - ۱

۱ منکران ملاقات با خدا (معاد)، در صدراسلام، معترضانه خواستار نزول ملائکه بر خویش و رؤیت آنها بودند.

وقال الذین لایرجون لقاءنا لولاً أنزل علینا الملائکه

<رجاء> در لغت به معنای امید است؛ ولی در جمله <لایرجون لقاءنا> کنایه از انکار قیامت و روبه رو شدن با جزای الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۶ - ۱



صدراسلام ، خواهان مشاهده عذاب الهی بودند .

أفبعذابنا يستعجلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۸ - ۱

۱ - درخواست تمسخرآمیز مشرکان عصر بعثت ، نسبت به برپایی هر چه زودتر قیامت

يستعجل بها الذين لا يؤمنون بها

درخواست برپایی قیامت از سوی کسانی که مؤمن به آن نیستند، نشانگر استهزاآمیز بودن خواسته آنان است.

خواسته های مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۸ - ۳

۳ مشرکان مکه خواهان تحقق سریع عذاب موعود پیامبر(ص) بر خویش بودند.

قل لو أن عندی ما تستعجلون به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۶

۶ مشرکان مکه با وجود ایمان نیاوردن به پیامبر(ص) با معجزات ارائه شده، مجدداً خواهان معجزات دیگری از پیامبر(ص) بودند.

و أقسموا .. لئن جاءتهم آیه ... إذا جاءت لا يؤمنون ... كما لم يؤمنوا به أول مره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۰ - ۲،۴،۱

۱- ایجاد چشمه ای پر آب و جوشان در مکه توسط پیامبر (ص) برای مشرکان ، پیش شرط آنان در ایمان به پیامبر (ص)

و قالوا لن نؤمن لك حتى تفجر لنا من الأرض ينبوعًا

۲- ایجاد چشمه ای جوشان برای مشرکان مکه ، معجزه درخواستی ( اقتراحی ) آنان از پیامبر ( ص )

و قالوا لن نؤمن لك حتى تفجر لنا من الأرض ينبوعًا

۴- مشرکان مکه ، علی رغم مشاهده آیات گوناگون الهی ، از پیامبر ( ص ) درخواست معجزه حسی کردند

و لقد صرّفنا .. من كلّ مثل فأبى ... و قالوا لن نؤمن لك حتى تفجر لنا من الأرض ي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۱ - ۳،۴

۳- مشرکان مکه ، علی رغم مشاهده آیات گوناگون الهی ، از پیامبر ( ص ) درخواست معجزه حسی کردند .

و لقد صرّفنا .. من كلّ مثل فأبى ... و قالوا لن نؤمن لك حتى ... تكون لك جنّه من

نکته یاد شده با این احتمال در آیه قابل استفاده است که: آنان ایجاد باغی با صفات یاد شده را به وسیله معجزه درخواست کرده باشند.

۴- ایجاد باغ بزرگ خرما و انگور با نهر های آب جاری ، معجزه درخواستی ( اقتراحی ) مشرکان مکه از پیامبر ( ص )

لن نؤمن لك حتى .. تكون لك جنّه من نخيل و عنب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۲ - ۱،۶،۸

۱- فرود آوردن قطعاتی از آسمان ، از معجزات اقتراحی و مورد درخواست مشرکان مکه از پیامبر ( ص )

أو تسقط السماء .. علينا كسفاً

<كِسْفٌ> جمع <كَسْفٌ> به معنای قطعه است (لسان العرب).

۶- مشرکان مکه ، خواهان حضور یافتن خدا و ملائکه نزد آنان ، برای گواهی دادن به حقانیت پیامبر ( ص )

أو تأتي بالله و الملكة قبيلاً

<قبيلاً> به معنای <مقابله> (رو در رو شدن) آمده است و در این آیه، می تواند به منظور افاده مطلب فوق باشد.

۸- آوردن خداوند و ملائکه به صورت دسته دسته در نزد مشرکان مکه ، معجزه درخواستی ( اقتراحی ) آنان

از پیامبر ( ص )

لن تؤمن لك حتى . . . أو تأتي بالله و الملكة قبلاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <قبیلاً> جمع <قبیله> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۳ - ۱۵، ۱۰، ۵، ۴، ۱

۱- ایجاد خانه ای از طلا برای خود، معجزه مورد درخواست (معجزه اقتراحی) مشرکان مکه، از پیامبر ( ص )

أو یكون لك بيت من زخرف

به قرینه سیاق آیات که در آنها معجزه های درخواستی مشرکان مطرح شده است مراد از <أو یكون لك بيت من زخرف> ایجاد خانه ای طلایی از طریق معجزه است.

۴- مشرکان مکه، علی رغم مشاهده آیات گوناگون الهی، از پیامبر ( ص ) درخواست معجزه حسی کردند.

و لقد صرّفنا . . . من کلّ مثل فأبی ... و قالوا لن تؤمن لك حتى ... یكون لك بيت من

۵- صعود پیامبر ( ص ) به آسمان و آوردن دستخطی قابل خواندن و گواه بر صعود واقعی خویش، معجزه درخواستی مشرکان مکه از آن حضرت

أو ترقی فی السّماء و لن تؤمن لرقيك حتى تنزل علينا كتباً نقرؤه

۱۰- پیامبر ( ص )، مأمور پاسخ گویی به معجزه های درخواستی بیجای مشرکان مکه و تنزیه خداوند از برآوردن چنین خواسته هایی

و قالوا لن تؤمن لك حتى تفجر لنا . . . قل سبحان ربّي

۱۵- پیامبر ( ص )، موظف به اعلام محدوده مسؤولیت خویش و بیان ناتوانی خود از ارائه معجزات درخواستی مشرکان

قالوا . . . قل ... هل كنت إلاّ بشراً رسولاً

پاسخ <هل كنت...> در قبال درخواستهای مشرکان، می تواند گویای این معنا باشد

که: درخواستهای آنان، ربطی به رسالت و مسؤولیتهای پیامبر(ص) نداشته و یا در توان او نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۰ - ۱،۲

۱ - مشرکان مکه ، خواستار تحقق معجزاتی چند به دست پیامبر اکرم ( ص ) بودند .

و قالوا لولا أنزل عليه آية من ربّه

۲ - مشرکان مکه ، نزول وحی را ، به عنوان آیه ای از جانب خدا قبول نکرده و خواستار معجزه حسّی شدند .

و كذلك أنزلنا إليك الكتب . . . و ما يجحد بآيتنا ... و قالوا لولا أنزل عليه آية

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۶ - ۱،۳

۱- مشرکان برای پذیرش درستی معاد ، زنده شدن نیاکانشان را از پیامبر ( ص ) خواستار شدند .

فأتوا بابائنا إن كنتم صدقین

۳- مشرکان مکه ، خواهان شهود حسّی برای ایمان به حقایق غیبی

فأتوا بابائنا إن كنتم صدقین

با این که معاد اخروی از امور غیبی به حساب می آید، مشرکان با پیشنهاد زنده شدن پدرانشان، خواهان محسوس شدن آن بودند.

خواسته های معنوی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۸ - ۱۴

۱۴ - دعا به درگاه خداوند ، مؤثر در برآورده شدن خواسته های معنوی انسان است .

ربنا واجعلنا مسلمین لك . . و تب علینا

خواسته های مکذبان آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۳ - ۱۰۳

۱ - کافرانِ منکرِ آیات الهی ، از پیامبر ( ص ) خواهانِ تعجیل در



عذاب خود بودند .

و يستعجلونك بالعذاب

۳ - کافران منکر آیات الهی ، بر عذاب خواهی خود از پیامبر ( ص ) ، مصرّ بودند و بر آن پافشاری می کردند .

و يستعجلونك بالعذاب

فعل مضارع <يستعجلون> دلالت بر استمرار و پافشاری دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۴ - ۱،۳

۱ - کافران منکر آیات الهی ، از پیامبر ( ص ) خواستار تعجیل در عذاب خود بودند .

يستعجلونك بالعذاب

۳ - کافران منکر آیات الهی ، بر عذاب خواهی خود از پیامبر ( ص ) پافشاری می کردند .

يستعجلونك بالعذاب

فعل مضارع <يستعجلون> بر استمرار و اصرار، دلالت دارد.

خواسته های مکذبان ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۶ - ۲

۲ منکران ربوبیت خدا و کافران به قیامت از سر استهزا و ناباوری ، خواهان تعجیل در فرا رسیدن عذاب های موعود

يستعجلونك بالسيئه

<استعجال> (مصدر يستعجلون) به معنای درخواست عجله است. حرف <باء> در <بالسيئه> برای تعدیه و <ال> در آن عهد ذهنی است ؛ یعنی، آن بدی و مراد از آن به قرینه <قد خلت من قبلهم المثالات> عذاب است. بنابراین <يستعجلونك بالسيئه> ؛ یعنی، از تو می خواهند در آوردن آن عذاب وعده داده شده تعجیل کنی.

خواسته های مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۸ - ۱،۲

۱ آمدن فرشتگان و یا آشکار شدن خداوند، از شرایط مشرکان تکذیب کننده قرآن برای ایمان به آن

هل ينظرون إلا أن تأتيهم الملائكة أو يأتي ربك

<نظر>، مصدر <ينظرون>، در اینجا

به معنای انتظار و توقع است. استفهام به دلیل <إلا> استفهام انکاری می باشد و بنابراین <هل ينظرون> یعنی <ما ينظرون>. انتظارهایی که در آیه شریفه مطرح شده هم می تواند توقعاتی باشد که از سوی مشرکان مطرح شده و هم می تواند بیان حالت آنان باشد. یعنی اگر کسی قرآن را، که دلیلی روشن است، نپذیرد، تنها در صورتی که فرشتگان بر او حاضر شوند و یا ... ایمان می آورد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

۲ تحقیق برخی از آیات الهی (برخی از حقایق مطرح شده در قرآن، مانند قیامت) از شرایط مشرکان تکذیب کننده قرآن برای ایمان به آن

هل ينظرون إلا أن .. یأتی بعض آیت ربک

مراد از <بعض آیات ربک>، به دلیل <لا- ینفع نفساً إیمانها>، آیتی است که مشاهده آن، حتی منکران قرآن را به ایمان وامی دارد. بنابراین می توان گفت مقصود، قیامت و مانند آن است. گفتنی است تکرار فعل <إتیان> (تأتیهم، یأتی ربک و یأتی بعض آیات) در آیه شریفه حکایت از تفاوت معنای اراده شده از هر یک دارد. <إتیان> در <یأتی بعض آیات> به معنای تحقق یافتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۳ - ۱

۱- منکران اعجاز قرآن، پیامبر (ص) را به خاطر ارائه نکردن معجزات اقتراحی و پیشنهادی آنان، مورد انتقاد قرار می دادند.

و قالوا لولا یأتینا بآیه من ربّه

خواسته های مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۶ - ۲

۲ منکران ربوبیت خدا و کافران

به قیامت از سر استهزا و ناباوری ، خواهان تعجیل در فرا رسیدن عذاب های موعود

یستعجلونک بالسیئه

<استعجال> (مصدر یستعجلون) به معنای درخواست عجله است. حرف <باء> در <بالسیئه> برای تعدیه و <ال> در آن عهد ذهنی است ؛ یعنی، آن بدی و مراد از آن به قرینه <قد خلت من قبلهم المثلات> عذاب است. بنابراین <یستعجلونک بالسیئه> ؛ یعنی، از تو می خواهند در آوردن آن عذاب وعده داده شده تعجیل کنی.

خواسته های مکذبان لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۱ - ۱

۱ منکران ملاقات با خدا (معاد) ، در صدراسلام ، معترضانه خواستار نزول ملائکه بر خویش و رؤیت آنها بودند .

و قال الذین لایرجون لقاءنا لولا أنزل علینا الملائکه

<رجاء> در لغت به معنای امید است ؛ ولی در جمله <لایرجون لقاءنا> کنایه از انکار قیامت و روبه رو شدن با جزای الهی است.

خواسته های مکذبان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۷ - ۹

۹ منکران رسالت پیامبر(ص) اصرار داشتند که آن حضرت معجزه دلخواه آنان را سریعاً ارائه کند.

ما عندی ما تستعجلون به

همان گونه که در آیات همین سوره، مانند آیه ۸، ۳۷ مطرح شده، از خواسته های منکران، نزول معجزاتی ویژه بوده است. لذا ممکن است مراد از <ما تستعجلون> همین گونه درخواستها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۷ - ۳

۳- تکذیب کنندگان پیامبر (ص)، خواستار نزول سریع و بدون تأخیر عذاب بودند.

و يستعجلونك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۸ - ۳

۳ - سازش و دست برداشتن از مواضع عقیدتی ، درخواست کافران تکذیب گرا از پیامبر ( ص ) بود .

فلاتطع المكذبین

آیه بعد، قرینه است که مورد اطاعت، سازش بر سر مواضع عقیدتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۲ - ۳

۳ - درخواست نامه های سرگشاده و جداگانه برای خود ، جلوه نابخردی و سبک مغزی کافران مخالف پیامبر ( ص )

فما لهم عن التذکره معرضین . . . بل یرید کل امریء منهم أن یوتی صحفاً منشّره

خواستہ های مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۱ - ۱

۱ منکران ملاقات با خدا ( معاد ) ، در صدر اسلام ، معترضانہ خواستار نزول ملائکہ بر خویش و رؤیت آنها بودند .

و قال الذین لایرجون لقاءنا لولاً أنزل علینا الملائکہ

<رجاء> در لغت به معنای امید است؛ ولی در جمله <لا یرجون لقاءنا> کنایه از انکار قیامت و روبه رو شدن با جزای الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۷ - ۴

۴ - کافران و منکران معاد ، خواستار تحقق سریع وعده برپایی قیامت

و يقولون متى هذا الوعد . . . و قيل هذا الذي كنتم به تدعون

<تدعون> می تواند از ماده <دعا> باشد. در این صورت به معنای <تطلبون> (درخواست می کردید) خواهد بود. برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

خواسته های ملائکه

جلد - نام سوره - سوره -

۲ فرشتگان از ابراهیم (ع) خواستند تا از شفاعت درباره قوم لوط صرف نظر کند و بر آن اصرار نرزد.

یا ابرهیم أعرض عن هذا

<هذا> اشاره به <جدالی> است که از <یجادلنا> در آیه قبل استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- مهمانان حضرت ابراهیم (فرشتگان) به او دلداری داده و از وی خواستند که از حضورشان مضطرب و هراسناک نشود.

قالوا لا توجل إنا نبشرك بغلمِ عَلِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- فرشتگان، از حضرت لوط (ع) خواستار خارج ساختن خاندانش از شهر در پاسی از شب، جهت نجات از عذاب الهی شدند.

فأسر بأهلك بقطع من أيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - فرشتگان، خواهان نزول وحی بر اهل زمین \*

و يستغفرون لمن في الأرض

برداشت یاد شده با توجه به دو مطلب زیر است: الف) مغفرت بدون سبب تحقق پیدا نمی کند. ب) مراد از سبب مغفرت، نزول وحی و تشریح دین باشد که اهل زمین بدین وسیله مشمول مغفرت الهی شوند.

خواسته های منازعان قصه داود(ع)



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۲ - ۱۱، ۱۰، ۶

۶ - نزاع کنندگان و شاکیان ، از داوود خواستند که براساس حق و به دور از هرگونه افراط و ستمی درباره شان داوری کند .

فاحکم

<شطط> در اصل به معنای تجاوز از حد و اندازه است و بیشترین کاربرد آن در معنای افراط، زیاده روی و ستم می باشد.

۱۰ - نزاع کنندگان و شاکیان ، از داوود ( ع ) خواستار نمایاندن راه درست زندگی به آنان

و اهدنا إلی سواء الصراط

<سواء> در اصل به معنای وسط و میانه است. مقصود از آن در آیه شریفه، راه درست و میانه و به دور از افراط و تفریط در زندگی است.

۱۱ - نزاع کنندگان و شاکیان ، از داوود ( ع ) خواستند که برای حل مشکلات و اختلافات اقتصادی آنها ، راه درست و میانه را به آنان بیاموزد .

و اهدنا إلی سواء الصراط

برداشت یاد شده براساس این دیدگاه است که درخواست هدایت به راه درست، ممکن است به موضوع مورد اختلافشان مربوط باشد که از موضوعات اقتصادی است.

خواسته های موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۶ - ۱

۱ - درخواست هدایت به صراط مستقیم ، مهمترین خواسته انسان عارف به مقام الهی است .

الحمد لله .. إياك نستعين . إهدنا الصراط المستقیم

چنانچه <اهدنا الصراط المستقیم> در ارتباط با <الحمد لله رب العالمین . ..> ملاحظه شود، حاوی این پیام است که انسان پس از شناخت خدا هدفش سلوک در صراط مستقیم خواهد بود؛ یعنی، همان راهی که خداوند منتهی الیه آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۷ - ۶

۶ - خداشناسان موحد ، خواهان هدایت به راه ثابت قدمان بر هدایت هستند .

الحمد لله .. إهدنا

الصرط المستقیم. صرط الذین انعمت علیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶ - ۱۶

۱۶- مردان الهی ، حتی در آرمان های مادی خویش ، به ارزش های معنوی ، توجه دارند .

فهب لی من لدنک ولیئا یرثنی .. واجعله رب رضیئا

خواسته های موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۱۳

۱۳ موسی (ع) خواهان حاکمیت یافتن تقوایبندگان شد .

استعینوا .. و العقبه للمتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۴ - ۱۲

۱۲ ایمان به رسالت موسی و آزادی بنی اسرائیل ، از مهمترین خواسته های موسی (ع) از فرعونیان

لنؤمنن لک و لنرسلن معک بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۲ - ۱۴

۱۴ خداوند از موسی (ع) خواست تا مناجات و عبادت ویژه او در مکانی به دور از بنی اسرائیل باشد .

و وعدنا موسی .. اخلفنی فی قومی

از اینکه موسی برای آمدن به میقات، هارون را به جانشینی خویش معرفی کرد، معلوم می شود وی در مدت میقات در میان بنی اسرائیل نبوده و از آنان فاصله داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۳ - ۵،۶،۷،۱۱

۵ رؤیت خداوند ، درخواست موسی (ع) به هنگام سخن گفتن خدا با وی در میعاد گاه مناجات

قال رب أرني أنظر إليك

۶ تکلم خدا با موسی (ع)

( وادارکننده وی برای تقاضای رؤیت خدا

و کلمه ربه قال رب أرني أنظر إليك

از اینکه تقاضای رؤیت از سوی موسی(ع) در پی سخن گفتن خدا با وی مطرح شد (و لما .. کلمه ربه قال ... )، می توان گفت حضرت موسی(ع) بر اثر شنیدن سخن خدا و شیوایی گفتار باری تعالی، مشتاق دیدار جمال زیبای او شد.

۷ ناممکن بودن رؤیت خدا، پاسخ خداوند به درخواست موسی (ع) (تقاضای مشاهده او)

قال لن ترني

۱۱ خداوند در پاسخ به درخواست موسی (ع) (رؤیت خدا) از وی خواست تا به کوه مقابل خویش نظر افکند و اثر تجلی خداوند را بر آن مشاهده کند .

قال لن ترني و لكن انظر إلى الجبل

<ال> در <الجبل> عهد حضوری است ؛ یعنی: انظر إلى هذا الجبل.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۴ - ۴

۴ دلجویی خداوند از موسی (ع) ، به سبب پاسخ منفی او در تقاضای رؤیت وی

قال لن ترني .. قال يموسى إني اصطفتك على الناس

به نظر می رسد بیان نعمتهای ویژه خداوند به موسی(ع) پس از رد تقاضای وی (رؤیت خدا) به هدف دلجویی از او باشد. یعنی اگر رؤیت برای تو ممکن نشد، ولی خدا نعمتهایی ارزانی تو داشت که به دیگران عطا نکرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۱ - ۷،۹

۷ فراگیری رحمت الهی بر موسی (ع) و هارون ، از دعا ها و درخواست های موسی (ع)

( از خداوند .

و أدخلنا فی رحمتک

۹ موسی (ع) با توجه به ربوبیت خدا و توصیف او به < أرحم الراحمین > ، خواسته های خویش را از وی تقاضا کرد .

و أنت أرحم الرحمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۵ - ۲۱

۲۱ موسی (ع) در مناجات خویش با خداوند ، در پی هلاکت همراهانش در میعادگاه مناجات ، از خداوند خواست تا وی و همراهانش را ببخشاید و بر آنان ترحم کند .

فاغفرلنا و ارحمنا و أنت خیر الغفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۱

۱ تقدیر زندگانی نیکو در دنیا و آخرت ، درخواست موسی (ع) از خداوند برای خود و همراهانش در میعادگاه مناجات

و اکتب لنا فی هذه الدنیا حسنه و فی الآخره

با توجه به آیه قبل معلوم می شود مراد از <نا> در <لنا>، موسی(ع) و همراهان او در میعادگاه مناجات است. کتابت در آیه شریفه به معنای مقدر کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۰ - ۲

۲ حضرت موسی (ع) ، پس از رویارویی با انبوه ساحران ، از آنان خواست تا با به کار گرفتن تمام توان خود آنچه را که به قصد میدان انداختن آورده اند ، به زمین بیندازند .

فلما جاء السحره قال لهم موسی ألقوا ما أنتم ملقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- ابراهيم - ۱۴ - ۶ - ۳۶

-۳



موسی (ع) از قوم خویش خواستار آن شد تا یادآور نعمت های اعطایی خداوند بر خود باشند .

و إذ قال موسی لقومه اذکروا نعمه الله علیکم

۶- نجات بنی اسرائیل از شکنجه و کشتار فرعونیان ، نعمت چشمگیر و به یاد ماندنی خداوند بر آنان بود .

إذ قال موسی لقومه اذکروا نعمه الله علیکم إذ أنجکم من آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۲

۲- موسی (ع) از قوم خود خواست تا به یاد فرمان و توصیه خداوند باشند که هر کس شکرگزاری نماید خداوند نعمتش را افزون می کند و هر کس کفران نماید دچار عذاب شدید خواهد شد .

اذکروا نعمه الله علیکم .. و إذ تأذّن ربکم لئن شکرتن لأزیدنکم و لئن کفرتن إن

این برداشت مبتنی بر این نکته است که <إذ تأذّن ربکم> مقول قول موسی(ع) و عطف به <اذکروا نعمه الله> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۲ - ۵

۵- موسی (ع) پس از گذر از مجمع البحرین ، در آغاز روز ، از همسفر خویش درخواست تهیه چاشت کرد .

ءاتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هذا نصبًا

<غداء> به معنای طعامی است که در ساعات آغازین روز خورده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۳ - ۵

۵- همسفر موسی ، در پی درخواست تهیه چاشت از جانب موسی (ع) ، ماجرای رفتن ماهی به دریا را به یاد آورد .

ءاتنا غداءنا .. قال أرییت

... فَإِنِّي نَسِيتُ الْحَوْتَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۰ - ۱

۱- خضر ، با درخواست موسی (ع) در مورد همراهی با او ، به صورت مشروط ، موافقت کرد .

قال فَإِن اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْئَلْنِي عَنْ شَيْءٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۳ - ۹

۹- موسی بر همراهی با خضر (ع) مصرّ بود .

لَا تَوَاخِذْنِي .. وَلَا تَرْهَقْنِي مِنْ أَمْرِي عَسْرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۸ - ۷

۷- علمی که موسی (ع) در پی آموختن آن از خضر (ع) بود ، علم تأویل و تحلیل حوادث و شناخت حقایق پشت پرده رخداد ها بود .

هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تَعْلَمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَنِي .. سَأَتَّبِعُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۵ - ۲

۲- موسی (ع) در عین ارائه پیشنهاد در باره امور رسالت خویش ، در محضر خداوند ، به آگاهی کامل او اعتراف کرد و تصمیمات او را دقیق و صحیح دانست .

وَأَشْرِكُ فِي أَمْرِي .. إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۷ - ۳

۳ - آزادی بنی اسرائیل و گسیل داشتن آنان با موسی و هارون (ع) ، نخستین خواسته آن دو از فرعون بود .

فقولا .. فأرسل معنا بنی إسرئیل

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸ - ۵

۵ - ادعای رسالت الهی و درخواست آزاد گذاشتن بنی اسرائیل برای خروج از سرزمین مصر از سوی موسی (ع) ، دور از انتظار فرعون و عملی جسورانه در نظر وی بود .

فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ . أَنْ أَرْسَلَ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ . قَالَ أَلَمْ نَرْبِّكُ ... وَ لَبِثَ

برداشت یاد شده از به رخ کشیدن دوران کودکی و بخشی از عمر موسی(ع) پس از اظهاراتش درباره رسالت الهی و آزاد سازی بنی اسرائیل، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۹ - ۸

۸ - موسی (ع) از خانواده اش خواست که تا بازگشت وی از وادی طور درنگ کنند .

قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا .. لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۴ - ۸

۸ - موسی (ع) خواسته خویش (همراهی هارون با وی) را با خداوند در میان گذاشت .

قَالَ رَبِّ .. وَ أَخِي هَارُونَ ... إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَكْذِبُونِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۷ - ۲

۲ - موسی (ع) ، داوری میان خود و فرعونیان را به خداوند حواله کرد .

و قَالَ مُوسَى رَبِّي أَعْلَمُ

وقتی موسی(ع) با ارائه معجزات روشن و غیر قابل انکار، با تکذیب فرعونیان روبه رو شد، چاره ای ندید جز این که خدا را به داوری میان خود و

آنان بخواند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۸ - ۱،۵

۱- رهایی بنی اسرائیل از نظام فرعونى ، یکی از مهم ترین خواسته های موسى (ع) از فرعونیان

أَنْ أَدَّوْا إِلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ

چنانچه مراد از <عبادالله> بنی اسرائیل باشد از این که خداوند در رأس همه سخنان موسى درخواست آزادی بنی اسرائیل را مطرح ساخته اهمیت آن استفاده می شود.

۵- تذکر موسى (ع) به فرعونیان ، نسبت به خیراندیشی خود در پیشنهاد رهایی بنی اسرائیل

أَنْ أَدَّوْا .. إِنَّى لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

لام در <لکم> برای منفعت و <رسول آمین> تأکیدی بر رعایت امانت در نصیحت است؛ یعنی، بنی اسرائیل را رها کنید و بدانید که در این پیشنهاد، منفعت واقعی شما نهفته است و من در این سخن صداقت دارم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۱ - ۱

۱- درخواست آزادی بیان ، پیشنهاد موسى (ع) به فرعونیان پس از یأس از ایمان آوردن آنان

وَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لى فاعْتَرِلُون

<فاعترلون>، کنایه از این است که اگر خود اهل ایمان نیستید، لااقل متعرض من نباشید تا آزادانه پیام را به مردم برسانم.

خواسته های موسى (ع) از فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۵ - ۹

۹ موسى (ع) در راستای رهاسازی بنی اسرائیل از فرعون خواست تا از مهاجرت آنان با وی جلوگیری نکند .

فَأَرْسَلْ مَعى بَنى إِسْرَائِيلَ

خواستہ های مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقہ - ۶۹

۴ - مؤمنان بهشتی ، خواستار مشاهده و قرائت شدن نامه اعمالشان در عرصه قیامت

فیقول هَاؤُم اقرءوا کتبه

<هَاؤُم> اسم فعل امر و به معنای <خذوا> (بیاید بگیرید) است.

خواسته های نعمان بن حارث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱ - ۵

۵ - > عن جعفر بن محمد (ع) عن آبائه (ع) قال : لَمَّا نَصَبَ رَسُوْلُ اللّٰهِ عَلِيًّا يَوْمَ غَدِيْرِ خَمٍّ . . . فَقَدِمَ عَلٰى رَسُوْلِ اللّٰهِ النُّعْمَانُ بِنِ الْحَرِثِ الْفِهْرِيِّ فَقَالَ : اَمَرْتَنَا عَنِ اللّٰهِ اَنْ نَشْهَدَ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ اَنْتَكَ رَسُوْلُ اللّٰهِ . . . فَقَبِلْنَاهَا ثُمَّ لَمْ تَرْضَ حَتّٰى نَصَبْتَ هَذَا الْغُلَامَ . . . فَهَذَا شَيْءٌ مِنْكَ اَوْ اَمْرٌ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ . . . فَوَلَّى النُّعْمَانُ الْحَرِثَ وَ هُوَ يَقُوْلُ : > اللّٰهُمَّ اِنْ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَاَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِنَ السَّمَاءِ < . . . وَ اَنْزِلْ اللّٰهُ تَعَالٰى : > سَأَلْ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاَقَعَ . . . < ;

امام صادق(ع) از پدراناش روایت نموده است: چون رسول خدا(ص) در غدیر خم(ع) را به امامت منصوب کرد . . . نعمان بن حرث فهری، جلوی آن حضرت ایستاد و با [اعتراض] گفت: از جانب خدا به ما امر کردی که شهادت به یگانگی خدا و رسالت تو دهیم، و ما پذیرفتیم. سپس راضی نگشتی تا این جوان را بر ما منصوب کردی ... حال این (نصب علی(ع)) از طرف خودت می باشد یا دستوری از جانب خداوند است ... نعمان در حالی که به رسول خدا(ص) پشت کرده

بود، می گفت: <اللهم إن كان هذا هو الحق من عندك فأمطر علينا حجاره من السماء> ... پس خداوند متعال آیه <سأل سائل بعذاب واقع...> را نازل نمود.</p></div>
<div data-bbox="790 127 956 149" data-label="Text"><p>خواسته های نوح(ع)</p></div>
<div data-bbox="669 173 956 195" data-label="Text"><p>جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش</p></div>
<div data-bbox="731 219 956 237" data-label="Text"><p>۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۸ - ۵</p></div>
<div data-bbox="377 263 956 286" data-label="Text"><p>۵ - نوح (ع) ، خواهان اطاعت قومش از او به خاطر صداقت و امانت داری وی</p></div>
<div data-bbox="639 306 956 331" data-label="Text"><p>إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ . فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا</p></div>
<div data-bbox="771 353 956 376" data-label="Text"><p>خواسته های هارون(ع)</p></div>
<div data-bbox="669 399 956 422" data-label="Text"><p>جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش</p></div>
<div data-bbox="710 445 956 465" data-label="Text"><p>۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۲۶،۲۲</p></div>
<div data-bbox="53 490 956 538" data-label="Text"><p>۲۲ هارون با بیان موضع خویش در برابر منحرفان بنی اسرائیل از موسی (ع) خواست تا با مؤاخذه وی دشمنان دین را شاد نسازد .</p></div>
<div data-bbox="663 562 956 585" data-label="Text"><p>و كَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تَشْمِتُ بِيَ الْأَعْدَاءُ</p></div>
<div data-bbox="53 607 956 688" data-label="Text"><p><ال> در <الأعداء> برای جنس است و مراد از آن، به قرینه <القوم الظلمين>، دشمنان دین و توحید، یعنی همان گوساله پرستان، است. <اشمات> (مصدر <لا تشمت>) به معنای خشنود ساختن و <باء> در <بی> سببیه است. بنابراین <لا تشمت بی الأعداء> یعنی دشمنان دین را با مؤاخذه من شاد نکن.</p></div>
<div data-bbox="53 711 956 761" data-label="Text"><p>۲۶ هارون با بیان مبارزه خویش علیه شرک‌ورزی بنی اسرائیل ، از موسی (ع) خواست تا وی را همسنگ ستمکاران شرک پیشه قرار ندهد .</p></div>
<div data-bbox="440 786 956 809" data-label="Text"><p>إِن الْقَوْمَ اسْتَضَعْفُونِي وَ كَادُوا يَقْتُلُونَنِي .. وَ لَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ</p></div>
<div data-bbox="53 830 956 882" data-label="Text"><p>روشن است که موسی(ع) هرگز گمان نمی کرد که هارون از ستمکاران باشد. بنابراین <مع> در جمله <لا تجعلني مع> معیت حکمی است ؛ یعنی مرا در حکم ستمکاران قرار مده.</p></div>
<div data-bbox="669 905 956 928" data-label="Text"><p>جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش</p></div>





۳ - آزادی بنی اسرائیل و گسیل داشتن آنان با موسی و هارون (ع) ، نخستین خواسته آن دو از فرعون بود .

فقولا .. فأرسل معنا بنی إسرءیل

خواسته های همبندان یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۷

۷ هم بندان یوسف (ع) ، از او خواستند رؤیایشان را تعبیر کرده و تأویل آن را بیان کند .

نبئنا بتأویله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۱

۱ یوسف (ع) ، تقاضای هم بندان خویش را پذیرفت و آنان را به تعبیر کردن رؤیایشان پیش از رسیدن غذای آنان مطمئن ساخت .

نبئنا بتأویله .. قال لایأتیکما طعام ترزقانه إلاّ نبأ تکما بتأویله

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از ضمیر در <تأویله> رؤیای هر یک از هم بندان یوسف باشد. بر این مبنا جمله <قال لایأتیکما...> چنین معنا می شود: غذایی که به شما اعطا می شود، برایتان حاضر نمی گردد مگر آنکه تعبیر رؤیا را به شما گزارش کرده ام.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۱ - ۷

۷ هم بندان زندانی یوسف (ع) ، با اصرار و تقاضای مکرر از او خواستند رؤیاهایشان را تعبیر کند و تأویل آنها را بیان دارد .

قضی الأمر الذی فیه تستفتیان

آوردن فعل مضارع <تستفتیان> (پرسش می کنید) به جای فعل ماضی <استفتیا> (پرسش کردید) دلالت بر استمرار دارد و



هم بندگان یوسف (ع) است.

خواسته های همسر فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۱ - ۳

۳ - درخواست همسر فرعون از خداوند ، مبنی بر زیستن در جوار رحمت او و بنا کردن خانه ای در بهشت برای وی

إذ قالت ربّ ابن لی عندک بیتاً فی الجنّه

خواسته های همسران محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۸ - ۱

۱ - همسران پیامبر (ص) ، از آن حضرت ، خواستار امکانات و نفقه های زیاد و زیورآلات بودند .

قل لأزواجک إن کتنّ تردن الحیوه الدنیا و زینتها

طبق شأن نزولی که مفسران نقل کرده اند، آیه ناظر به خواسته هایی است که همسران پیامبر(ص) از آن حضرت داشته اند و خداوند، به آن حضرت رهنمود می دهد که با آنان چه رفتاری پیشه کند. (مجمع البیان، ذیل همین آیه)

خواسته های هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۶ - ۲

۲ - هود (ع) ، خواهان اطاعت قومش از او ، به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

إنی لکم رسول أمين . فاتّقوا الله و اطيعون

تفریع <اتقوا الله و اطيعون> بر <إنی لکم رسول أمين> مفید مطلب یاد شده است.

خواسته های یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۲ - ۱۰

۱۰ - ابراهیم و یعقوب (ع)، از پسرانشان خواستند تا همواره تسلیم خدا بوده و مطیع فرمان او باشند.

فلاتموتن إلا و أتم مسلمون

جمله >فلاتموتن

... < کنایه از لزوم تسلیم همیشگی در برابر خدا و همواره مطیع او بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۶

۶ یعقوب (ع) از فرزندانش خواست صورت ناتوانی و عذر را، در سوگندشان بر محافظت از بنیامین و باز گرداندن او استثنا کنند.

لَتَأْتِنَنِي بِهِ إِلَّا أَنْ يُحَاطَ بِكُمْ

ظاهر این است که عبارت <إِلَّا أَنْ يُحَاطَ بِكُمْ> استثنا از قسم که مفاد <لَتَأْتِنَنِي بِهِ> است می باشد. بر این اساس یعقوب(ع) به فرزندانش توصیه کرد که در اجرای صیغه سوگند مورد عذر و ناتوانی را استثنا کنند و چنین بگویند: <وَاللَّهِ لَأَتِينَنَّكَ بِهِ إِلَّا أَنْ يُحَاطَ بِنَا> (به خدا سوگند بنیامین را به تو باز می گردانیم مگر مغلوب شویم و همه راهها و چاره ها بر ما بسته شود).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۴

۴ یعقوب (ع) از فرزندانش خواست برای یافتن یوسف (ع) و بنیامین تلاشی پی گیر داشته و از یافتن آنها هرگز مأیوس نشوند.

وَلَا تَأْيِسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ

خواستهای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۹ - ۷

۷ یوسف (ع) از هم بندگان خویش خواست تا با مقایسه و سنجش عقیده توحیدی با عقیده به خدایان متعدد، عقیده درست را برگزینند.

أَرْبَابَ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱۸



یوسف (ع) از هم بند خویش ، ساقی پادشاه ، خواست تا پس از رهایی ، داستان او را برای پادشاه بیان کند .

وقال للذی ظنّ أنه ناج منهما اذکرنی عند ربک

۸ ساقی پادشاه پس از رهایی از زندان ، درخواست یوسف (ع) ( یادآوری وضعیت او ) را فراموش کرد .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

<انساء> (مصدر انساه) یعنی به فراموشی انداختن. ضمیر در <انساه> و <ربه> به <الذی> - که مراد از آن ساقی پادشاه است - برمی گردد. بر این اساس، جمله <فأنساه...> چنین معنا می شود: شیطان از خاطر ساقی زدود که داستان یوسف(ع) را نزد پادشاه یادآور شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۶،۷،۸

۶ یوسف (ع) پیک دربار را باز گرداند تا از پادشاه بخواهد درباره ماجرای مهمانان زلیخا تحقیق کند .

قال ارجع إلی ربک فسنله ما بال النسوه

<بال> به معنای شأن و کار مهم است و مراد از آن در آیه شریفه ، ماجرا و داستان می باشد.

۷ بازجویی از زنانی که در ماجرای میهمانی زلیخا دست های خویش را بریدند ، شرط یوسف (ع) برای بیرون آمدن از زندان و حاضر شدن در نزد پادشاه

قال ارجع إلی ربک فسنله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

۸ رفع اتهام و اثبات بی گناهی ، هدف یوسف (ع) از تقاضای تحقیق در ماجرای زنانی که دست های خویش را با مشاهده یوسف (ع) بریدند .

قال ارجع إلی ربک فسنله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

جلد - نام سوره -



۳ بازجویی پادشاه از زنان اشراف ، پاسخی به پیام و تقاضای یوسف (ع) بود .

فَسئله ما بال النسوه . . . قال ما خطبكنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ یوسف (ع) از پادشاه خواست وی را به وزارت کشاورزی مصر و تصدی انبارهای غله ، منصوب کند .

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

از آن جا که یوسف(ع) در تعبیر رؤیای پادشاه بیان داشت که باید هفت سال با جدیت به امر کاشت و برداشت و ذخیره سازی ارزاق بپردازند، چنین برمی آید که مقصود وی از <مرا بر گنجینه های زمین بگمار< این است که امور یاد شده را به من بسپار ؛ یعنی، امر کشت و برداشت (وزارت کشاورزی) و نیز انبارهای غله در اختیار من باشد.

۱۶ > عن علی بن موسی الرضا (ع) : . . . ان یوسف (ع) . . . لما دفعته الضروره إلى تولی خزائن العزیز قال : اجعلنی علی خزائن الأرض . . . ؛

از امام رضا(ع) روایت شده است: . . . هنگامی که ضرورت ایجاب کرد ، یوسف سرپرستی خزاین عزیز مصر را بپذیرد گفت: <اجعلنی علی خزائن الأرض . . . >.

۱۸ > عن أبی عبدالله (ع) أنه قال لقوم ممن ینظرون الزّهد و یدعون الناس أن یكونوا معهم علی مثل الذی هم علیه من التّقشّف . . . أخبرونی این أتم عن . . . یوسف النبی (ع) حیث قال لملك مصر :

> اجعلنی علی خزائن الأرض ... < فكان من أمره الذی كان أن اختار مملكة الملك و ما حولها إلى الیمن ... فلم نجد أحداً عاب ذلك علیه ... >

از امام صادق(ع) روایت شده خطاب به گروهی که اظهار زهد می کردند و مردم را دعوت می نمودند که همانند آنان زندگی را بر خود سخت گیرند... فرمود: مرا خبر دهید شما درباره یوسف پیغمبر(ع) چگونه می اندیشید که او به پادشاه مصر گفت: <اجعلنی علی خزائن الأرض...>؟ پس کار یوسف به آن جا رسید که همه کشور پادشاه و اطراف آن تا یمن را در اختیار گرفت ... در عین حال نیافتیم کسی را که این را بر او عیب گرفته باشد...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۷

۷ یوسف (ع) از برادرش بنیامین خواست گذشته برادرانش را نادیده انگارد و از رفتار ناروای پیشین آنان اندوهی به خود راه ندهد .

فلاتبتئس بما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۲،۴،۹

۲ یوسف (ع) از برادرانش خواست پیراهن او را به صورت یعقوب (ع) بیفکنند تا بینا شود .

فألقوه علی وجه أبی یأت بصیراً

>یأت< در آیه شریفه به معنای یصیر (می گردد و مبدل می شود) است. جمله <فارتد بصیراً> در آیه ۹۶ مؤید این معناست.

قابل ذکر است که برخی برآنند که <یأت> به معنای <می آید> است و <بصیراً> حال می باشد؛ یعنی، او به

مصر می آید در حالی که بیناست.

۴ یوسف (ع) از برادرانش خواست در افکندن پیراهنش به چهره یعقوب (ع) تعجیل کرده و آن را به تأخیر نیندازند .

اذهبوا .. فألقوه علی وجه أبی

برداشت فوق از حرف <فاء> در <فألقوه> استفاده شده است. <فألقوه> یعنی ، به مجرد رسیدن به کنعان و قبل از هر کار دیگری چنین کنید.

۹ یوسف (ع) از برادران خویش خواست تمام اهل و عیالشان ( خاندان یعقوب ) را به مصر کوچ دهند .

وأتونی بأهلکم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱۰

۱۰ یوسف (ع) پس از انجام مراسم استقبال ، از پدر و مادر و خویشانش خواست به مصر وارد شوند و در آن دیار سکنی گزینند .

قال ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

امنیت خاندان یعقوب از ناحیه حکومت و دوران قحطی که <آمنین> بدان اشاره دارد با این معنا سازگار است که مقصود یوسف(ع) از <ادخلوا ..> سکنی گزینی و اقامت خاندان یعقوب در مصر باشد.

خواسته های یوشع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۴ - ۳

۳- همسفر موسی ، با وجود ناآگاهی از علائم جایگاه ملاقات او با خضر ، همگام موسی (ع) وخواهان به مقصد رسیدن او بود .

ذلک ما کنّا نبغ

خواسته های یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۸

۸ - فرد فرد یهود ، خواهان عمر طولانی هزار ساله هستند

یود أحدهم لو یعمر الف سنه

<یعمر> از تعمیر و به معنای عمر داده شود، است. آوردن <أحدهم> به عنوان فاعل <یود> و استفاده نکردن از ضمیر جمع (یودون) تصریح به این معنا دارد که: عمر طولانی هزار ساله، خواسته فرد فرد آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۹

۹ - یهود و نصارا نیز همانند مشرکان ، خواهان سخن گفتن خدا با آنان درباره راستی و درستی رسالت پیامبران بودند .

كذلك قال الذین من قبلهم مثل قولهم

در آیه ۱۱۳ مشرکان با تعبیر <الذین لایعلمون> در قبال یهود و نصارا مطرح شده اند و در آیه مورد بحث مشرکان با همان تعبیر در قبال <الذین من قبلهم> قرار گرفته اند. از این مقایسه معلوم می شود: مقصود از <الذین من قبلهم> یهود و نصارا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۲

۲ در آتش سوختن قربانی پیامبر ( ص ) ، شرط یهود برای ایمان به آن حضرت

الذین قالوا ان الله .. حتی یاتینا بقربان تاكله النار

<قربان> به معنای هر چیزی است که انسان به وسیله آن به خداوند تقرب جوید و قربان امتهای گذشته، گاو، گوسفند و شتری بود که برای تقرب به خدا ذبح می شد (تاج العروس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۲،۵،۹

۲ آشکارا دیدن خداوند ، تقاضای نابجای یهودیان از موسی ( ع )

فقد سألوا موسی أكبر من ذلك فقالوا أرنا الله جهرة



خداوند از سوی یهود ، درخواستی ظالمانه و موجب گرفتار شدن آنان به صاعقه

فقالوا أرنا الله جهرة فأخذتهم الصعقة بظلمهم

۹ درخواست یهود از موسی (ع) (دیدن خدا) ، نابجایتر از درخواست آنان از پیامبر (ص) (نزول کتاب آسمانی بر آنان)

يسئلك أهل الكتب .. فقد سألوا موسى أكبر من ذلك

درخواست از غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۴ - ۸

۸ خواندن غیر خدا و درخواست حاجت کردن از غیر او کفر است .

له دعوه الحق .. و ما دعاء الكافرين إلا في ضلل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۵ - ۱

۱- عبادت گران غیر خدا و حاجت طلبان از درگاه غیر او ، گمراه ترین و سرگشته ترین انسان ها

و من أضلّ ممّن يدعوا من دون الله من لا يستجيب له

رد خواسته های اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۴ - ۱

۱ - پاسخ منفی نوح (ع) به درخواست اشراف مبنی بر طرد محرومان از پیرامون خویش

أنؤمن لك و اتبعك الأذولون .. و ما أنا بطارد المؤمنين

رد خواسته های بخیلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - پیامبر ( ص ) ، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های افراد بخیل و خسیس

و لاتطع کلّ . . . مناع للخیر

برخی از مفسران، احتمال داده اند که <خیر> در این آیه، به معنای



مال است و مقصود از <مَناعٌ للخیر> کسانی اند که از دادن مال خود به دیگران خودداری می کنند؛ یعنی، بخیل و خسیس اند.

رد خواسته های بداخلاقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۳ - ۱

۱ - پیامبر ( ص ) ، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های افراد درشت خوی و بدخلق

و لا تطع کلّ .. عتّل

<عتّل> مرادف با <فظ و غلیظ> (درشت خوی و خشن) است (لسان العرب).

رد خواسته های خسیسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۲ - ۲

۲ - پیامبر ( ص ) ، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های افراد بخیل و خسیس

و لا تطع کلّ .. مَناعٌ للخیر

برخی از مفسران، احتمال داده اند که <خیر> در این آیه، به معنای مال است و مقصود از <مَناعٌ للخیر> کسانی اند که از دادن مال خود به دیگران خودداری می کنند؛ یعنی، بخیل و خسیس اند.

رد خواسته های دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۳

۳- خداوند ، پیامبر ( ص ) را در شیوه برخورد با دنیاگرایان و رد پیشنهاد های نادرست آنان تعلیم داد .

و لا تطع من .. و قل الحقّ من ربکم

رد خواسته های زنازاده ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۳ - ۴

۴ - پیامبر ( ص ) ، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های افراد بی ریشه و تبار

و لاتطع کلّ .. زنیم

<زنیم> به زنازاده

و کسی که خود را به قومی می چسباند ولی از آنان نیست گفته می شود (لسان العرب). بنابه نوشته مفسران، آیات این بخش درباره ولیدبن مغیره نازل شده است.

رد خواسته های سخن چینان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۱ - ۴

۴ - پیامبر (ص)، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های سخن چینان

و لاتطع کلّ .. مشاء بنمیم

رد خواسته های سوگند خورندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۰ - ۱

۱ - پیامبر (ص)، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های سوگند خورندگان بی مبالات

و لاتطع کلّ حلاف

<حلاف> صیغه مبالغه است. از این رو می رساند که حلاف کسی است که بسیار سوگند یاد می کند و بر این کار عادت کرده است؛ چه آن که راست و بجا باشد و چه دروغ و بی جا. بدین جهت در برداشت یاد شده، تعبیر بی مبالاتی آمده است.

رد خواسته های عیب جوینان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۱ - ۱

۱ - پیامبر (ص)، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های افراد عیب جو

و لاتطع کلّ .. همّاز

<همّاز>، مرادف <عیاب> و به معنای عیب جو است.

رد خواسته های فرومایگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۰ - ۴

۴ - پیامبر ( ص ) ، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های فرومایگان

و لاتطع کلّ .. مهین

<مهانت> (از ماده <مهین> ) به

معنای حقارت و قَلت تدبیر است.

رد خواسته های گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۴ - ۱

۱ - درخواست مجرمان در قیامت برای بازگشت به دنیا ، از سوی خداوند شدیداً رد می شود .

فارجعنا نعمل صلحًا .. فذوقوا بما نسیتم لقاء یومکم هذا

احتمال دارد امر <ذوقوا> جواب درخواست مشرکان باشد که در آیه پیش (۱۲) مطرح شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۲ - ۸

۸ - پیامبر ( ص ) ، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های گناه پیشگان

و لاتطع کلّ .. أثیم

رد خواسته های مانعان خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۲ - ۱

۱ - پیامبر ( ص ) ، مأمور پرهیز از اجابت خواسته کسانی که مانع خیر در جامعه اند .

و لاتطع کلّ .. مناع للخیر

رد خواسته های متجاوزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۲ - ۵

۵ - پیامبر ( ص ) ، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های تجاوزگران

و لاتطع كلّ . . . معتد

رد خواسته های مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۱ - ۵

۵- عدم اعطای معجزات اقتراحی مشرکان از سوی خداوند ، به دلیل علم خدا به حق ناپذیری آنان

و لقد ءاتینا موسی . . . فقال له فرعون إني لأظنك يموسی مسحورًا

یادآوری کفر فرعون، علی رغم ارائه معجزات فراوان از سوی موسی(ع) در پی رد درخواستهای

مشرکان، می رساند که دلیل عدم اجابت خواسته های مشرکان، تصمیم آنان بر عدم ایمان است.

ردّ خواسته های مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۴ - ۱،۲

۱ استغاثه و درخواست تکذیب کنندگان قیامت برای رهایی از آتش جهنم نتیجه بخش نبوده و عذابشان ادامه خواهد یافت .

لا تدعوا اليوم ثبورا وحداً و ادعوا ثبورا كثيراً

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که مقصود از درخواست هلاکت، در حقیقت کنایه از نجات از وضع بسیار سخت دوزخ است؛ نه مرگ و نابودی واقعی.

۲ درخواست تکذیب کنندگان قیامت برای مرگ و هلاکت خویش، بی نتیجه بوده و آنان برای همیشه در آتش خشمگین جهنم خواهند سوخت .

بل کذبوا بالساعة .. لا تدعوا اليوم ثبورا وحداً و ادعوا ثبورا كثيراً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مقصود از <و ادعوا ثبورا كثيراً> کنایه از این باشد که چون درخواست کافران برای مرگ و یا نجات، پذیرفته نمی شود و باید تا ابد در آتش بسوزند. از این رو از روی استهزا به آنان گفته می شود: بسیار درخواست هلاکت [و یا نجات] کنید.

روش تحصیل خواسته ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۵

۵ کافران مکه معتقد به تأثیر دعا به درگاه خدا برای تحقق بخشی به درخواست های آنان

اللهم إن كان هذا هو الحق من عندك فأمطر علينا حجارة

زمینه اجابت خواسته ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٢٠- لیل - ٩٢ - ٢١ - ٢

- ٢



انفاق همراه با تقوا و اخلاص ، مایه رسیدن به تمام خواسته ها و آرزو ها در قیامت است .

و لسوف یرضی

رسیدن به مرحله رضایت، به معنای دست یافتن به تمام اموری است که شخص به آن رغبت دارد.

زمینه تأمین خواسته ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۱۱

۱۱ - تقوا و احسان ، موجب دستیابی انسان به تمامی خواسته های خود در قیامت

أولئك هم المتقون . لهم ما يشاءون عند ربهم ذلك جزاء المحسنين

زمینه تأمین خواسته های انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۶ - ۴

۴ برآورده شدن تمامی خواسته ها و ارضای همه تمایلات انسان ، تنها در سایه تقوای پیشگی میسر است .

جنّ الخلد التي وعد المتقون .. لهم فيها ما يشاءون خلدین

زمینه تحصیل خواسته ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۸

۱۸ لزوم اتکا به خداوند و امید داشتن به او ، برای دستیابی به خواسته ها و رهایی از دشواریها

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۲۸

۲۸ - عنایت خداوند ، به مؤمنان ، در هموار کردن و رفع دشواری های فرهنگی ، برای رسیدن به خواسته هایشان

زَوْجِنَكُمَا لَكِي لَا يَكُونُ عَلَي الْمُؤْمِنِينَ حَرْجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ

صالح(ع) و خواسته های قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۹،۱۵

۹ صالح (ع)

به مردم خویش اعلام کرد: در صورت پذیرش خواسته آنان ( ترک دعوت به توحید ) گنه کار و مستحق عذاب الهی خواهد بود .

فمن ینصرنی من الله إن عصيته

۱۵ صالح ( ع ) ، توجه کردن به درخواست کافران قومش ( ترک ابلاغ توحید ) را ، مایه خسارت و تباهی خویش دانست .

فما تزیدوننی غیر تخسیر

<تخسیر> به معنای خسارت زدن می باشد و فاعل آن قوم ثمود است.

عوامل تحصیل خواسته ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۶ - ۴

۴ - دعا و درخواست از خداوند ، در برآورده شدن خواسته ها و رسیدن به آن ، مؤثر است .

قال ربّ اشرح .. قال قد أتیت سؤلک

برآورده شدن خواسته های موسی (ع) پس از دعا و تقاضای ملتسمانه او به درگاه خداوند بود و این نشان دهنده نقش دعا در اجابت خواسته ها است.

عوامل تحقق خواسته های اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۳ - ۶

۶ - بعثت پیامبر ( ص ) همراه با قرآن ، تحقّق بخش پیش شرط اهل کتاب و مشرکان برای ترک آیین خویش

لم یکن .. منفکین حتی تأتیهم البینه . رسول ... فیها کتب قیمه

برداشت یاد شده، براساس یکی از احتمالاتی است که درباره نخستین آیه بیان شد. در آن احتمال، آیه شریفه، بیانگر ادعای کافران دانسته شده بود.

عوامل تحقق خواسته های مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینہ - ۹۸ - ۳ - ۶

۶ - بعثت پیامبر ( ص

( همراه با قرآن ، تحقّق بخش پیش شرط اهل کتاب و مشرکان برای ترک آیین خویش

لم یکن .. منفکین حتّی تأتیهم البینه . رسول .. فیها کتب قیمه

برداشت یاد شده، براساس یکی از احتمالاتی است که درباره نخستین آیه بیان شد. در آن احتمال، آیه شریفه، بیانگر ادّعی کافران دانسته شده بود.

فرعون و خواسته فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۷ - ۱۱

۱۱ فرعون با پذیرش پیشنهاد اشرافیان ( سرکوبی موسی (ع) و قوم او ) بر کشتار وسیع پسران بنی اسرائیل و زنده نگاه داشتن زنانشان مصمم شد .

قال سنقتل أبناءهم و نستحی نساءهم

تقتیل (مصدر تقتل) به معنای کشتار وسیع است. <استحیاء> از ماده <حیات> به معنای زنده نگاه داشتن است.

فلسفه خواسته های قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۷ - ۴

۴ - معجزه خواهی ثمودیان ، پیشنهادی بهانه جویانه بود ؛ نه درخواستی صادقانه .

فأت بئایه إن كنت من الصدقین .. فعقروها

فلسفه خواسته های مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶ - ۸

۸- درخواست معجزه از سوی مشرکان ستم پیشه مکه ، در جهت بهانه جویی بود ؛ نه حقیقت طلبی .

فلیأتنا .. أفهم یؤمنون

خداوند، درخواست معجزه از طرف مشرکان را به این دلیل ردّ فرمود که آنان مانند مشرکان اقوام گذشته، قصد ایمان آوردن نداشتند. بنابراین چنین درخواستی بهانه و دست آویزی بیش نبود.

فلسفه خواسته های موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۴ - ۱

۱ - هدف موسی (ع) از تقاضای نبوت و رسالت برای هارون (ع)، به دست آوردن فرصت بسیار برای ذکر خداوند و حمد و ثنای مکرر او بود.

و أشرکه فی أمری . . . و نذکرک کثیرًا

فاعل <نذکرک> موسی و هارون(ع) است و مراد از کثرت ذکر خدا، افزایش تبلیغات توحیدی بر اثر همراهی آن دو است که متضمن مدح و ثنای خداوند می باشد.

فلسفه خواسته های یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۲

۲ پیشگیری از بروز فاجعه برای مردم مصر به سبب قحطی و خشکسالی، از هدف های یوسف (ع) در تقاضای منصب حکومتی

اجعلنی علی خزائن الأرض

فلسفه ردّ خواسته های کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۶

۶- فلسفه عدم تحقق درخواست کافران مکه، مبنی بر نزول ملائکه، مهلت دادن به آنان و جلو نینداختن اجلشان است.

ما تسبق من أمه أجلها . . . ما ننزل الملائكة إلا بالحقّ و ما كانوا إذا منظرین

فلسفه رد خواسته های مسلمانان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۹ - ۲۲

٢٢- > عن أبي جعفر (ع) في قوله : > و ما منعنا أن نرسل بالآيات < و ذلك أن محمداً (ص) سأله قومه أن يأتيهم بآية  
فتزل جبرئيل قال : إن الله يقول : > و ما منعنا



أن نرسل بالآيات إلى قومك إلا أن كذب بها الأولون > و كُنَّا إِذَا أُرْسِلْنَا إِلَى قَرْيَةٍ آيَةً فَلَمَّ يُؤْمِنُوا بِهَا أَهْلَكْنَاهُمْ فَلَنَلَكْ أَخْرَنَا  
عن قومك الآيات ;

از امام باقر(ع) در باره سخن خداوند <و ما نرسل بالآيات> روایت شده است که فرمود: داستان این بود که: قوم محمد از آن حضرت درخواست کردند که معجزه ای برای آنان بیاورد، پس جبرئیل نازل شد و گفت: خدا می فرماید: <و ما منعنا أن نرسل بالآيات . . .> و سنت ما چنین بوده است که هر گاه معجزه ای را به سوی قریه ای فرستادیم و آنان به آن ایمان نیاوردند، آنان را هلاک کردیم. پس به خاطر همین، فرستادن معجزات را برای قومت به تأخیر انداختیم.<

قبول خواسته های آسیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۹ - ۱۳

۱۳ - پذیرفته شدن خواسته آسیه (نگه داری موسی (ع)) از سوی فرعون

و قالت امرأت فرعون . . . لا تقتلوه

سکوت فرعون در برابر خواسته آسیه، نشان از پذیرفته شدن آن از سوی فرعون دارد.

قبول خواسته های جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۲ - ۱

۱ - پاسخ مثبت فرعون ، به امتیازطلبی ساحران برای غلبه بر موسی (ع)

قالوا لفرعون أئن لنا لأجراً . . . قال نعم

قبول خواسته های خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۱ - ۱

۱- موسی (ع) با پذیرش شروط خضر ، همراه او حرکت کرد .

فانطلقا حتّى إذا ركبا فى

<انطلاق> به معنای <روانه شدن و حرکت کردن> است. <فاء> در <فانطلقا> دلالت دارد که موسی(ع) شرایط خضر را پذیرفت و خضر(ع) به همراهی وی رخصت داد.

قبول خواسته های قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۵ - ۱

۱ - پاسخ مثبت صالح (ع) ، به معجزه خواهی ثمودیان

فأت بایه .. قال هذه ناقة ... شرب یوم معلوم

منشأ تأمین خواسته ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۲ - ۲

۲ - انسان هر چه بخواهد و طلب کند ، کلید دستیابی به آن تنها نزد خداوند است .

له مقالید السموت

تقدیم <له> بر <مقالید السموت> می تواند برای افاده حصر باشد.

منشأ تأمین خواسته های اخروی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۶ - ۵

۵ تأمین خواسته های متقین در بهشت ، برخاسته از ربوبیت خداوند

لهم فیها ما یشاءون خلدین کان علی ربک وعداً مسئولاً

منشأ خواسته های انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۹ - ۳،۴،۷

۳ - هر یک از خواسته های انسان ، مسبوق به خواست الهی است .

و ما تشاءون إلا أن یشاء الله

آیه شریفه با توجه به مضارع بودن فعل های <تشاءون> و <یشاء>، بر دو چیز دلالت دارد: ۱. <خواستن> و <مشیت> در انسان ها، عطای خداوند و براساس خواست او است؛ ۲. هر یک از خواسته های روز مره انسان، وابسته به خواست خداوند در همان مورد است. برداشت

یاد شده گویای نکته دوم است.

۴- انسان ، بدون خواست خداوند ، حتی از خواستن و تصمیم گرفتن نیز عاجز است .

و ما تشاءون إلا أن يشاء الله

۷- ربوبیت خداوند بر انسان ها و سلطه او بر تمام امور آنان ، علت مشروط بودن خواسته های آنان به خواست خداوند است .

و ما تشاءون إلا أن يشاء الله رب العالمين

توصیف <الله> به وصف <رب العالمين>، به منزله بیان علت برای نکته مطرح شده در آیه شریفه است.

منشأ خواسته های موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۸ - ۶

۶- درخواست رهایی بنی اسرائیل از سوی موسی (ع) ، نشأت یافته از رسالت آن حضرت و نه انگیزه های قومی و طبقاتی

أن أدوا .. إني لكم رسول أمين

از تأکید موسی(ع) بر <إني لكم رسول أمين> استفاده می شود که آنچه آن حضرت به فرعونیان پیشنهاد کرده، نه از آن جهت است که با بنی اسرائیل پیوند نژادی و طبقاتی دارد؛ بلکه صرفاً در این سخن، پیامداری امین از جانب خداوند است.

منشأ قبول خواسته های کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۸ - ۵

۵- اجابت درخواست های کافران از سوی پیامبران ، منوط به اذن الهی

فأسقط علينا كسفاً .. قال ربّي أعلم بما تعملون

برداشت یاد شده از آن جا است که شعیب(ع)، پاسخ گویی به درخواست مردم <ایکه> را، به خدا و علم او محول کرد.

نقش خواسته های انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف

۹ خواست خود آدمی ، در رقم خوردن سرنوشت او از ناحیه خداوند ، نقشی بسزا دارد .

قال رب السجن أحب .. فصرف عنه كيدهن

نوح(ع) و خواسته های اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۹

۹ مخالفت شدید و قاطعانه نوح (ع) با درخواست نابه جای سران و اشراف ( طرد مؤمنان تهی دست )

و ما أنا بطارد الذين ءامنوا

آوردن جمله اسمیه و <با> ی زایده ، حکایت از تأکید فراوان دارد.

نوح(ع) و خواسته های قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۳ - ۹

۹ پاسخ نوح (ع) به عذاب طلبی کفرپیشگان ، پاسخی آمیخته با درس توحید و خداشناسی بود .

فأتنا بما تعدنا .. قال إنما يأتیکم به الله إن شاء و ما أنتم بمعجزین

وابستگی خواسته های انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳۰ - ۱

۱ - مشیت و خواست انسان ، در طول مشیت و خواست خدا و وابسته به آن است .

و ما تشاءون إلا أن یشاء الله

مقصود آیه شریفه، این است که خواست بشر، وابسته به خواست خداوند است و تا او اذن ندهد، بشر نمی تواند چیزی را

مستقلاً بخواند و یا آن را تحقق بخشد.

یعقوب (ع) و خواسته های برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۱،۵

۱ یعقوب (ع) با فرستادن یوسف (ع)



( به همراه فرزنداناش ، موافق نبود و از آن اعتذار می جست .

قال إني ليحزنني أن تذهبوا به

۵ ترسیدن بر جان یوسف (ع) از حمله گرگها ، از دلایل مخالفت یعقوب (ع) با فرستادن یوسف به همراه فرزنداناش

قال إني .. أخاف أن يأكله الذئب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱

۱ یعقوب (ع) سرانجام با مسافرت بنیامین به مصر همراه دیگر فرزنداناش ، موافقت نمود .

قال لن أرسله معكم حتى تؤتون موثقا

یوسف(ع) و خواسته های زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲۸ ، ۱۰ ، ۹

۹ یوسف (ع) علی رغم فراهم بودن همه شرایط و سلطه ظاهری زلیخا بر او ، تمنای وی را نپذیرفت و به خواسته اش تن در نداد .

رودته .. و قالت هیت لك قال معاذ الله

<معاذ> مصدر و مفعول مطلق برای فعل مقدر <أعوذ> است ، یعنی ، <أعوذ بالله معاذاً> .

۱۰ یوسف (ع) در برابر صحنه های پر جاذبه شهوانی ( تمنای زلیخا ، ابراز اشتیاق او ، خلوت بودن قصر و بسته بودن درب ها ) به خدا پناه برد .

قال معاذ الله

۲۸ یوسف (ع) ، تسلیم شدن در برابر تمنای نامشروع زلیخا را ، مصداقی از ستم کاری می دانست .

إنه لا يفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ یوسف (ع) پذیرش تقاضای نامشروع زلیخا و همپالگی های او را، سقوط

به ورطه سفاهت و بی‌خردی می‌دانست .

و إِلَّا تصرف .. أصب إليهنّ و أكن من الجهلين

جهل به معنای سفاهت در مقابل عقل ، و نیز به معنای نادانی در مقابل علم می‌باشد. برداشت فوق ، ناظر به معنای نخست است.

۱۹ یوسف (ع) ، ارتکاب گناه و پذیرش تقاضای زلیخا و همپالگی‌های او را ، موجب از دست دادن علم و حکمت خدادادی خویش می‌دانست .

ءاتينه حكماً و علماً .. و إِلَّا تصرف عنى كیدهنّ أصب إليهنّ و أكن من الجهلين

برداشت فوق ، بر این مبناست که مراد از جهل نادانی باشد. بر این مبنا می‌توان گفت: مقصود یوسف(ع) از جاهل شدن ، سلب گشتن علم و حکمتی است که خداوند به او عطا کرده بود (ءاتیناه حکماً و علماً) <آیه ۲۲>.

خواسته‌ها

تأمین خواسته‌ها در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۲ - ۴

۴- بهشت ، سرایی جاودان و دل‌خواه و نعمت‌های آن ارضا‌کننده تمامی امیال و خواسته‌های آدمی است .

و هم فی ماشتهت أنفسهم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۶ - ۳،۶

۳ تأمین تمامی خواسته‌های متقین در بهشت جاویدان ، وعده تخلف‌ناپذیر و متعهدانه خداوند به آنان

لهم فیها ما یشاءون خلدین کان علی ربک وعداً مسؤولاً

۶ بهشت جاویدان ، تنها جایی است که تمامی خواسته‌ها و تمایلات بشر در آن تأمین و ارضا خواهد شد .

لهم فیها ما یشاءون خلدین

این که خداوند وعده داد که:

> تمامی خواسته های متقین در بهشت تأمین می شود (نه در دنیا) < می توان به برداشت یاد شده دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۱ - ۸

۸ - آدمی ، در بهشت به تمامی آنچه می خواهد و طلب می کند ، خواهد رسید .

و لکم فیها ما تشتهی أنفسکم و لکم فیها ما تدعون

تقدیم < فیها > بر < تشتهی > گویای حصر است ؛ یعنی ، آنچه می خواهید و آرزو می کنید تنها در بهشت بدان دست می یابید و در غیر بهشت این گونه نیست که آدمی هر آنچه بخواید ، بتواند آن را به دست آورد .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۱ - ۹

۹ - تنها بهشت ، محل تأمین تمامی خواسته ها و لذت های انسان

و فیها ما تشتهیه الأنفس

تقدیم < فیها > اشعار به این نکته دارد که تمایلات وجودی انسان ، به طور کامل تنها در بهشت تأمین می شود .

تأمین خواسته ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۱۲

۱۲ - قیامت ، تنها عرصه شایسته برای برآورده شدن تمامی خواسته های بشر

لهم ما یشاءون عند ربهم

< عند ربهم > به منزله قید برای < لهم ما یشاءون > است . این قید می رساند که برآورده شدن خواسته های بشر در قیامت و در پیشگاه خداوند میسر است نه در دنیا ؛ چنان که خداوند در جای دیگر از قرآن می فرماید : < ... و فیها ما تشتهیه الأنفس و تلذ الأعین ... > در آن جا (بهشت) هر چه دل ها خواهش و آرزو کند

و چشم‌ها از دیدن آن لذت برد، وجود دارد. زخرف (۴۳)، آیه (۷۱).

تذکر اجابت خواسته‌ها در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۸ - ۶

۶- یادآوری برآورده شدن خواسته‌های انسان در بهشت، از روش‌های هدایت و جذب انسان‌ها به دین \*

إِن الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ . ادخلوها بسلم ءامنين . و نزعنا ما في صدورهم من غلّ

روش تحصیل خواسته‌ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۵

۵ کافران مکه معتقد به تأثیر دعا به درگاه خدا برای تحقق بخشی به درخواست‌های آنان

اللّٰهُمَّ إِن كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً

زمینه اجابت خواسته‌ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۱ - ۲

۲ - انفاق همراه با تقوا و اخلاص، مایه رسیدن به تمام خواسته‌ها و آرزو‌ها در قیامت است .

و لسوف یرضی

رسیدن به مرحله رضایت، به معنای دست یافتن به تمام اموری است که شخص به آن رغبت دارد.

زمینه تأمین خواسته‌ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۱۱

۱۱ - تقوا و احسان ، موجب دستیابی انسان به تمامی خواسته های خود در قیامت

أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ . لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ جِزَاءَ الْمُحْسِنِينَ

زمینه تحصیل خواسته ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۸

۱۸ لزوم اتکا به

خداوند و امید داشتن به او ، برای دستیابی به خواسته ها و رهایی از دشواریها

عسى الله أن يأتيني بهم جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۲۸

۲۸ - عنایت خداوند ، به مؤمنان ، در هموار کردن و رفع دشواری های فرهنگی ، برای رسیدن به خواسته هایشان

زَوْجِنَكُنَّهَا لَكِي لَا يَكُونُ عَلَي الْمُؤْمِنِينَ حَرْجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ

عوامل تحصیل خواسته ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۶ - ۴

۴ - دعا و درخواست از خداوند ، در برآورده شدن خواسته ها و رسیدن به آن ، مؤثر است .

قال ربِّ اشرح .. قال قد أتيت سؤلک

بر آورده شدن خواسته های موسی(ع) پس از دعا و تقاضای ملتسمانه او به درگاه خداوند بود و این نشان دهنده نقش دعا در اجابت خواسته ها است.

منشأ تأمین خواسته ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۲ - ۲

۲ - انسان هر چه بخواهد و طلب کند ، کلید دستیابی به آن تنها نزد خداوند است .

له مقاليد السموت

تقديم <له> بر <مقاليد السموت> می تواند برای افاده حصر باشد.

**خواهر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما**



خواهر

آثار تلاش خواهر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۱

۱ - به ثمر رسیدن تلاش خواهر موسی ، در بازگرداندن برادر خویش به آغوش مادر

قالت هل أدلکم علی أهل بیت .. فرددنه إلی أمه

خواهر موسی با دنبال کردن برادر، ورود به کاخ فرعون و بالاخره استفاده از فرصت به

دست آمده، توانست موسی را به مادرش بازگرداند.

ارث خواهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۶ - ۴

۴ برادر و خواهر میت در صورتی از وی ارث خواهند برد که وی پدر و یا فرزند چه دختر و چه پسر نداشته باشد .

قل الله یفتیکم فی الکله ان امرؤا هلک لیس له ولد و له اخت . . و هو

جمله <لیس له ولد> بیان شرطی برای اصل ارث بری خواهر از برادر است نه شرط برای مقدار سهم او (نصف) زیرا در این صورت باید سهم خواهر را با وجود فرزند میت نیز ذکر می کرد و با توجه به موضوع آیه یعنی کلالة به دست می آید که نبود پدر نیز شرط است. چون کلالة در لغت به کسی گفته می شود که نه پدر دارد نه فرزند.

ازدواج با دو خواهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۳ - ۲۵، ۱۸، ۱۵، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹

۹ حرمت جمع بین دو خواهر در ازدواج

حرمت . . و ان تجمعوا بین الاختین

۱۰ جواز ازدواج با خواهر همسر ، در صورت جدایی از آن همسر ( به طلاق یا مرگ و یا . . . )

حرمت . . و ان تجمعوا بین الاختین

چون متعلق حرمت، جمع بین دو خواهر در ازدواج است، معلوم می شود در صورت جدا شدن از یک خواهر می توان با خواهر دیگر ازدواج نمود.

۱۱ حرمت جمع بین دو خواهر در ازدواج ، شامل ازدواجهایی که قبل از نزول آیه انجام گرفته است ،

نمی شود .

حرمت . . و ان تجمعوا بين الاختين الا ما قد سلف

۱۲ بطلان ازدواج های انجام شده با دو خواهر با نزول آیه < حرمت . . . الا ما قد سلف > و صحت آنها تا قبل از نزول آن

و ان تجمعوا بين الاختين الا ما قد سلف

چون حرمت ازدواج با دو خواهر و دیگر محارم ناظر به بطلان آنها نیز می باشد، می توان گفت مراد از استثناء < الا ما قد سلف > این معناست که آنچه در گذشته (قبل از نزول آیه) انجام شده، محکوم به صحت است، ولی از این به بعد حکم به بطلان آن می شود.

۱۳ جواز تداوم زندگی زناشویی با دو خواهر، در صورتی که ازدواج با آنان قبل از نزول آیه < ان تجمعوا . . . > صورت گرفته باشد . \*

الا ما قد سلف

تحریم در < حرمت . . ان تجمعوا > ناظر به حال و آینده است ؛ چون افعال گذشته را نمی توان تحریم کرد. بنابراین استثناء، یعنی < الا ما قد سلف >، بیان حلیت جمع بین دو خواهر در زمان حال و آینده می باشد به شرط اینکه ازدواج با آنها قبل از نزول آیه صورت گرفته باشد.

۱۵ ازدواج با محارم و جمع بین دو خواهر در ازدواج، از سنن جاهلی

حرمت . . و ان تجمعوا بين الاختين الا ما قد سلف

۱۸ حکم خداوند به صحت ازدواج با دو خواهر و نیز با محارم تا پیش از بیان حرمت آن، جلوه ای از رحمت او نسبت به بندگان

و ان تجمعوا بين الاختين الا ما قد سلف ان

اللّٰه کان غفوراً رحیماً

۲۵ مرد مسلمانی که پیش از اسلام آوردن ، همسر دو خواهر بوده ، موظف به طلاق یکی از آن دو ، بسته به انتخاب خویش ، می باشد .

و ان تجمعوا بین الاختین الا ما قد سلف

رسول خدا (ص) به کسی که قبل از مسلمان شدن جمع بین دو خواهر در ازدواج کرده بود فرمود: طلق ایتها شئت.

---

الدّر المثنور، ج ۲، ص ۴۷۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۴ - ۴

۴ حرمت ازدواج با محارم و زنان شوهردار و جمع بین دو خواهر ، از احکام ثابت و قطعی الهی است .

حرمت .. کتاب الله علیکم

اعتماد به خواهر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۱ - ۶

۶ - خواهر موسی ، مورد اعتماد مادر و شریک او در مسائل با اهمیت

و قالت لأخته قصیه

پیشنهاد خواهر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۲ - ۸

۸ - اعلام آمادگی خواهر موسی ، برای راهنمایی کسان فرعون به خانواده ای مناسب جهت سرپرستی وی

قالت هل أدلكم على أهل بيت يكفلونه لكم و هم له نصحون

تلاش خواهر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۱ - ۹

۹ - تلاش خواهر موسی برای اطلاع نیافتن دیگران ، از پی جویی سرنوشت آن کودک به وسیله او

فبصرت به عن جُنُب

خواهر رضاعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ -

۲ حرمت ازدواج با مادر و خواهر رضاعی و مادر همسران

حَرَمْتُ عَلَيْكُمْ .. و امّهاتکم التي ارضعنکم و اخواتکم من الرّضاعه و امّهات نسائکم

خواهر موسی (ع) در دربار فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۲ - ۶

۶ - حاضر شدن خواهر موسی در جمع خاندان فرعون و دایگان

و حَرَمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلِ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ

خواهر موسی (ع) و فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۷

۷ - خواهر موسی ، آمادگی خود را برای معرفی دایه به فرعونیان ، مکرر به آنان گوشزد می کرد .

فتقول هل أدلکم

فعل مضارع <تقول> بر استمرار کار در گذشته دلالت دارد.

خواهر میت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۶ - ۳،۴

۳ برادران و خواهران میت از جمله وارثان وی

قل الله یفتیکم فی الکله .. و إن كانوا اخوه و رجالا و نساء

مراد از برادران و خواهران در این آیه بنا به گفته تمامی مفسران خواهر و برادر پدر و مادری و خواهر و برادر پدری است، و

سهام خواهر و برادر مادری در آیه ۲۱ از همین سوره تبیین شده است.

۴ برادر و خواهر میت در صورتی از وی ارث خواهند برد که وی پدر و یا فرزند چه دختر و چه پسر نداشته باشد .

قل الله یفتیکم فی الکله ان امرؤا هلک لیس له ولد و له اخت . . و هو

جمله <لیس له ولد> بیان شرطی برای

اصل ارث بری خواهر از برادر است نه شرط برای مقدار سهم او (نصف) زیرا در این صورت باید سهم خواهر را با وجود فرزند میت نیز ذکر می کرد و با توجه به موضوع آیه یعنی کلاله به دست می آید که نبود پدر نیز شرط است. چون کلاله در لغت به کسی گفته می شود که نه پدر دارد نه فرزند.

خوردن از خانه خواهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳،۱۰

۳ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

۱۰ - استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم .

رازداری خواهر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۹

۹ - خواهر موسی ، دختری زیرک و راز نگه دار بود .

هل أدلکم علی من یکفله

سهم ارث خواهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۲ - ۲۲

۲۲ تنها برادر و خواهر مادری میت ، وارث یک ششم یا شریک در یک



سوم میراث می باشند .

و ان كان رجل يورث كلاله او امراه و له اخ او اخت فللك واحد منهما السدس . . فهم

امام صادق (ع) در مورد کلاله در آیه فوق فرمود: . . انما عنى بذلك الاخوه و الاخوات من الامم خاصه.

---

کافی، ج ۷، ص ۱۰۱، ح ۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۵۵، ح ۱۲۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۶ - ۲۴، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۶، ۵

۵ میت در صورتی که مرد باشد و وارث او تنها یک خواهر باشد ، سهم الارث آن خواهر نصف ماترک است .

ان امرؤا هلک لیس له ولد و له اخت فلها نصف ما ترک

۶ میت در صورتی که زن باشد و وارث او تنها یک خواهر باشد ، سهم الارث آن خواهر نصف ماترک است . \*

ان امرؤا هلک لیس له ولد و له اخت فلها نصف ما ترک

با توجه به اینکه آیه در صدد بیان ارث کلاله است و قطعا این عنوان شامل ارث بری خواهر از خواهر و برادر از برادر و مانند آن می شود، به نظر می رسد اگر سهم الارث خواهر از خواهر خویش تفاوتی با سهم الارث او از برادرش می داشت، خداوند آن را ذکر می کرد. مؤید این معنا این است که در مسایلی که تصریح به آن شده در هیچ موردی سهم الارث با مرد بودن و زن بودن میت تفاوتی نکرده است.

۱۱ در صورتی که میت چه مرد و چه زن ، وارثانش دو خواهر باشند ، سهم الارث آنان دو سوم ماترک است .

كانتا اثنتین فلهما الثلثان مما ترك

وقوع جمله <فان كانتا ..> پس از بیان ارث بری خواهر از برادر و برادر از خواهر، می رساند که موضوع مسأله ارث بری دو خواهر، مرگ برادر و یا خواهر ایشان است؛ بنابراین مرجع ضمیر در <مما ترك>، <احدهما> خواهد بود که از جمله <ان امرؤا هلکک> و <هو یرثها> استفاده می شود.

۱۲ وارثان میت در صورتی که دو خواهر باشند، سهم الارث آنان (دو سوم) را باید به طور مساوی تقسیم کنند.

فان كانتا اثنتین فلهما الثلثان مما ترك

چنانچه بین دو خواهر در سهم الارث، تفاوتی بود آن را بیان می کرد.

۱۳ در صورتی که میت چه زن و چه مرد وارثانش برادران و خواهران وی باشند، سهم ارث آنان تمام ماترک است.

و إن كانوا اخوه و رجالا و نساءً فللذکر مثل حظ الانثیین

تعیین نکردن سهم الارث برای مجموعه خواهران و برادران، رسای این است که آنان تمام ماترک را به ارث خواهند برد.

۱۴ وارثان میت در صورتی که برادران و خواهران وی باشند، سهم الارث هر برادر، دو چندان سهم الارث هر خواهر می باشد.

و إن كانوا اخوه و رجالا و نساءً فللذکر مثل حظ الانثیین

مراد از <اخوه>، می تواند یک خواهر و یک برادر، یک خواهر و چند برادر، چند برادر و چند خواهر و یک برادر و چند خواهر باشد.

۲۴ اگر میتی که پدر و مادر و فرزند ندارد تنها یک خواهر داشته باشد، در صورتی که خواهر پدر و مادری یا پدیری او باشد، نصف ارث را

ان امرؤا هلك ليس له ولد و له اخت فلها نصف ما ترك

امام صادق(ع) درباره <اخت> در آیه فوق فرمود: انما عنی اللہ الاخت من الاب و الام او اخت لاب فلها النصف مما ترک و هو يرثها ان لم یکن لها ولد و ... .

---

کافی، ج ۷، ص ۱۰۱، ح ۳؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۲۹، ح ۵.

شجاعت خواهر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - خواهر موسی ، شجاع ، زیرک و کاردان بود .

بصرت به عن جُبِّ . . . قالت هل أدلکم علی أهل بیت یکفلونه لکم و هم له نصحون

صفات خواهر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۹

۹ - خواهر موسی ، دختری زیرک و راز نگه دار بود .

هل أدلکم علی من یکفله

علم خواهر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۲

۲ - خواهر موسی ، از افکنده شدن برادر کوچکش به نیل مطلع و نگران بود و گام به گام به تعقیب جعبه حامل وی پرداخت .

إذ تمشی أختك فتقول

حرکت کردن خواهر موسی در پی او، نشانگر آن است که وی از جریان موسی(ع) و به آب افکنده شدن او و نیز اجمال حوادثی که در پیش است، مطلع بوده است.

فضایل خواهر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - خواهر موسی ، شجاع ، زیرک و

کاردان بود .

بصرت به عن جُبُّب .. قالت هل أدلکم علی أهل بیت یکفلونه لکم و هم له نصحون

قبول پیشنهاد خواهر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۸

۸ - دایه پیشنهادی خواهر موسی ، از سوی درباریان فرعون پذیرفته و از وی استقبال شد .

هل أدلکم علی من یکفله فرجعناک إلی أمک

<فاء> در <فرجعناک> فصیحه است؛ یعنی، از جملاتی محذوف خبر می دهد که از پذیرش پیشنهاد خواهر موسی حکایت دارد.

محدوده حجاب خواهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۹

۱۹ - زنان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش و مواضع آنها ( بدن ) بر پسران شوهر ، برادران ، پسران برادر و پسران خواهر خود هستند .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ .. وؤ أبناء بعولتهنّ أو أخونهنّ أو بنی إخوانهنّ أو بنی أخ

محرمیت خواهر زاده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۹،۲۵

۱۹ - زنان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش و مواضع آنها ( بدن ) بر پسران شوهر ، برادران ، پسران برادر و پسران خواهر خود هستند .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ .. وؤ أبناء بعولتهنّ أو أخونهنّ أو بنی إخوانهنّ أو بنی أخ

۲۵ - پدر شوهر ، پسرهمسر ، پسر برادر ، پسر خواهر ، زنان مؤمن ، بردگان ، خدمت کاران بی میل به زن و زناشویی و کودکان بی خیر از مسائل جنسی ، از محارم زنان اند .

ولایب‌دین

زینتهنَّ إِلَّا لِبَعُولْتِهِنَّ .. أو الطفل الذین لم یظهروا علی عورت النساء

مسؤولیت خواهر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۱ - ۴

۴ - مأموریت خواهر موسی از سوی مادر برای دنبال کردن موسی در پی افکنده شدنش در آب نیل

و قالت لأخته قصیه

نظارت خواهر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۱ - ۷،۸

۷ - خواهر موسی ، از دور نظاره گر سرنوشت برادر خود بر روی آب نیل

فبصرت به عن جُنُب

<جُنُب> معادل دور است ، یعنی ، او موسی را از دور زیر نظر گرفت.

۸ - خواهر موسی ، شاهد بر گرفته شدن برادرش از آب به وسیله کسان فرعون

فبصرت به عن جُنُب

برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است که <بصرت به..> به این معنا باشد که خواهر موسی، از دور دید که فرعونیان او را از آب گرفتند.

نقش خواهر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۱۲

۱۲ - خواهر موسی ، تلاش و نقشی مؤثر در بازگرداندن او به مادرش داشت .

إذ تمشى أختك .. فرجعنك إلى أمك

یاد کردن از خواهر موسی (ع) و تلاش او، نشان از نقش مؤثر و کارساز او در بازگرداندن وی به مادر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۱ - ۵،۶

۵ - حضور خواهر موسی در کنار مادر، هنگام افکندن موسی در رود نیل

و قالت لأخته قصیه

۶ - خواهر موسی، مورد اعتماد مادر و شریک او در مسائل



با اهمیت

و قالت لأخته قصیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۲ - ۵،۷

۵ - در ماندگی خاندان فرعون از یافتن دایه ای مناسب و مورد پذیرش موسی (ع) و اقدام خواهر وی برای بهره گیری از آن فرصت

حرّما علیه المراضع من قبل فقالت هل أدلکم

۷ - اقدام به موقع خواهر موسی ، برای بازگرداندن وی به آغوش مادر

و حرّما علیه المراضع .. قالت هل أدلکم علی أهل بیت یکفلونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۱

۱ - به ثمر رسیدن تلاش خواهر موسی ، در بازگرداندن برادر خویش به آغوش مادر

قالت هل أدلکم علی أهل بیت .. فرددنه إلی أمّه

خواهر موسی با دنبال کردن برادر، ورود به کاخ فرعون و بالاخره استفاده از فرصت به دست آمده، توانست موسی را به مادرش بازگرداند.

نگرانی خواهر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۲،۳

۲ - خواهر موسی ، از افکنده شدن برادر کوچکش به نیل مطلع و نگران بود و گام به گام به تعقیب جعبه حامل وی پرداخت .

إذ تمشی أختک فتقول

حرکت کردن خواهر موسی در پی او، نشانگر آن است که وی از جریان موسی(ع) و به آب افکنده شدن او و نیز اجمال

حوادثی که در پیش است، مطلع بوده است.

۳ - خواهر موسی ، تا زمان نجات او از آب و مشاهده تلاش درباریان فرعون برای یافتن دایه ، به تعقیب وی ادامه داد .

إذ تمشی أختك فتقول هل أدلكم

ظاهر

<هل أدلکم> آن است که خواهر موسی، تصاحب او را از سوی فرعونیان دیده و با رساندن خود به درباریان، پیشنهاد خود را بدون واسطه با مقامات دربار و کسانی که در طلب دایه بودند، مطرح کرده بود.

هوشیاری خواهر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۹

۹ - خواهر موسی ، دختری زیرک و راز نگه دار بود .

هل أدلکم علی من یکفله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - خواهر موسی ، شجاع ، زیرک و کاردان بود .

بصرت به عن جُبُّ . . . قالت هل أدلکم علی أهل بیت یکفلونه لکم و هم له نصحون

## خوبان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خوبان

اهمیت معرفی خوبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۹ - ۷

۷ بیان چهره های خوب هر قوم به همراه انتقاد از چهره های نامطلوب ، از شیوه های قرآن در ترسیم رفتار امت ها و جوامع بشری است .

و من قوم موسی امه یهدون

خوبان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - قیامت ، روز جدایی خوبان و بدان و حق مداران و باطل گرایان و داوری میان آنان است .

هذا يوم الفصل

<فصل> به معنای فاصله و جدایی میان دو شیء است و مقصود از آن در آیه شریفه، جدایی میان خوبان و بدان و حق پویان و باطل گرایان و داوری میان آنان است.

فضایل خوبان

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۱۲

۱۲ > عن أبي عبدالله (ع) [ في قوله : < أولم يروا أننا نأتى الأرض ننقصها > ] : ننقصها بذهاب علمائها و فقهاؤها و خيار أهلها ;

از امام صادق (ع) روایت شده است: [مراد از <نقصها> در سخن خدا: <أولم يروا أننا نأتى الأرض ننقصها ..> این است که]: با رفتن علما، فقها و خوبان اهل زمین، از زمین می کاهیم <.

خوبی

اهمیت درخواست خوبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۶ - ۴

۴ درخواست سعادت و نیکی و نه بدی و عذاب توصیه خداوند به بندگان

يستعجلونك بالسيئه قبل الحسنه

خوبی در مقابل بدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۲ - ۱۴

۱۴ خوبی کردن در پاسخ به بدی ها و ستم های دیگران ، خصلتی ارزشمند و از ویژگی های خردمندان است .

إنما يتذكر أولوا الألباب .. الذين ... يدرءون بالحسنه السيئه

برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است که در توضیح برداشت شماره ۱۲ آورده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۴ - ۱۳، ۷

۷ - دفع بدی دیگران با خوبی کردن به آنان ، رفتاری ارزشمند و توصیه خداوند به اهل ایمان

و یدروءن بالحسنه السیئہ

<درء> (مصدر <یدرءون>) به معنای دفع کردن است.

۱۳- در پاسخ بدی ، خوبی کردن و انفاق بخشی از دارایی ها ، باید برنامه همیشگی اهل ایمان باشد و نه مقطعی .

و یدروءن بالحسنه . . . و ممّا رزقنهم

برداشت یاد شده با توجه به فعل های <یدرءون> و <ینفقون> که حکایت از تجدد و استمرار دارد استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۰ - ۶

۶ - عفو و اغماض از خطای دیگران و اصلاح بدی آنان با نیکی و گذشت ، موجب اجر و پاداش ویژه خداوند است .

و جزؤا سیئه سیئه مثلها فمن عفا و أصلح فأجره علی الله

دعوت به خوبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۶ - ۳

۳ - انجام نیکی ها و پرهیز از بدی ها ، یکی دیگر از محور های تبلیغی صالح پیامبر (ع)

يقوم لم تستعجلون بالسيئه قبل الحسنه

قیاس خوبی با بدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۴ - ۱

۱ - مساوی نبودن خوبی و بدی ، امری روشن و آشکار

و لا تستوی الحسنه و لا السيئه

وضوح تفاوت خوبی و بدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۴ - ۱

۱ - مساوی نبودن خوبی و بدی ، امری روشن و آشکار

و لا تستوى الحسنه و لا السيئه

## خود از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خود

آثار اضرار به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۱۱، ۱۰، ۹

۹ زیانکاری و تباه کردن خویشتن، مانع ایمان است.

الذین خسروا أنفسهم فهم لا يؤمنون

۱۰ ایمان نیاوردن اهل کتاب به پیامبر(ص)، ناشی از تباه کردن جانهایشان است.

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه .. الذین خسروا أنفسهم



فهم لا يؤمنون

۱۱ آنان که سرمایه جان به خسارت از کف داده اند، رسالت پیامبر(ص) را انکار می کنند.

الذین خسروا أنفسهم فهم لا يؤمنون

آثار خود باوری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۴ - ۹

۹- خودیابی و مراجعه به وجدان ، زمینه ساز اعتراف به حقایق

فرجعوا إلى أنفسهم فقالوا إنكم أظلمون

از این که بت پرستان پس از به خود آمدن و رجوع به وجدان و ضمیر خویش، به بطلان شرک و راستی توحید پی بردند، مطلب یاد شده را می توان استفاده کرد.

آثار خود فراموشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۹ - ۷۸

۷- غافلان از خدا و خویش ، همان فاسقان واقعی و پرده دران حریم ارزش هاینند .

ولا تكونوا كالذين نسوا الله فأنسيهم أولئك هم الفسقون

۸- فسق و گناه پیشگی ، دارای پیوندی عمیق با غفلت از خدا و خویش

ولا تكونوا كالذين نسوا الله فأنسيهم أولئك هم الفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۰ - ۲

۲- دوزخ ، فرجام نهایی فاسقان و غافلان از یاد خدا و خویش

و لاتكونوا كالذين نسوا الله .. أولئك هم الفسقون. لا يستوى أصحاب النار

آثار ظلم به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۴ - ۳

۳ حق ستیزی و هدایت ناپذیری کافران ، پیامد ظلمی است که آنان بر خودشان کرده اند .

و منهم من يستمعون إليك .. و منهم من ينظر

إليك ... و لكن الناس أنفسهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۵ - ۷

۷- ظلم به نفس در پی دارنده هلاکت و کیفر الهی در دنیا

و سکنتم فی مسکن الذین ظلموا أنفسهم . . . و ضربنا لكم الأمثال

برداشت فوق، مبتنی بر این است که: مقصود از <ظلموا أنفسهم> ظلم به نفس باشد نه ظلم به دیگران چنان که از ظاهر آن به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۸ - ۵،۹

۵- ظلم به خویش ، دارای پی آمد های اندوه بار و رهایی از آن نیازمند امداد الهی است .

إِنِّي كُنتُ مِنَ الظَّالِمِينَ . فاستجبنا له و نجّينه من الغمّ

۹- ظلم به نفس ، موجب گرفتاری انسان به غم و اندوه است .

فظرّ أن لن نقدر عليه . . . إِنِّي كُنتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ... و نجّينه من الغمّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۹ - ۲۴

۲۴ - عذاب و کیفر جوامع تکذیب کننده ، نتیجه ظلم و ستم آنان به خودشان بود .

فما كان الله ليظلمهم و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۹ - ۹

۹ - سبایان با ظلم به خویش ، باعث از هم فروپاشی کامل خود شدند .

و ظلموا أنفسهم فجعلناهم أحاديث و مزقناهم كل ممزق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۱۳ - ۴

۴ - ظلم به خویشان ، نشانه کفر

و مصداق بارز بی دینی است .

و من ذریتهما محسن و ظالم لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۴

۴ - ظلم آدمی بر خویشان ، مایه ابتلای او به عذاب اخروی و نبود راه رهایی برای وی

و لن ینفعکم الیوم إذ ظلمتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۶ - ۱

۱ - جاودانگی مجرمان در دوزخ ، نتیجه ظلم آنان به خودشان

و ما ظلمنهم

آثار مکر با خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۳ - ۱۵، ۱۹

۱۵ خودفریبی مشرکان و آراسته دیدن پندار شرک ، آنان را از گرایش به توحید باز داشت .

و صدّوا عن السبیل

<صدّ> (مصدر صدّوا) به معنای بازگرداندن است. به نظر می رسد فاعل محذوف از <صدّوا> مکر و حيله که مایه شرک‌ورزی مشرکان شده است، باشد.

۱۹ مکرها و خودفریبی های مشرکان در اتخاذ خدایان دروغین ، زمینه ساز تعلق اراده الهی به گمراهی آنان

بل زین للذین کفروا مکرهم . . . و من یضلل الله فما له من هاد

قرآن از یک سو حيله و مکرها را مایه گمراهی مشرکان می داند و از سویی دیگر خداوند را گمراه کننده ایشان می شمرد. این دو حقیقت اشاره به نکاتی دارد، از جمله اینکه هر چند که خداوند گمراه کننده است ؛ ولی آدمی خود زمینه آن را فراهم

می سازد و در حقیقت گمراه سازی آنان، کیفر مرام خود آنهاست.

آگاهی از عقیده باطل خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ کافران ، به پوچی و بی اساس بودن بافته های دروغین و عقاید واهی خویش ، پی خواهند برد .

و ضلّ عنهم ما كانوا يفترون

احسان به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۳ - ۲

۲- از نسل ابراهیم و اسحاق ( علیهما السلام ) ، برخی نیکوکار و برخی ظالم به خویشان گشتند .

و من ذرّیتهما محسن و ظالم لنفسه

اظهار فضایل خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۳ - ۱۸

۱۸- بیان فضایل و کمالات خود ، به منظور راهنمایی و هدایت دیگران جایز و نیکو است .

إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا

اعتماد به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۹ - ۹

۹- توکل و اتکال پیامبر اسلام ( ص ) بر خداوند ، سبب اعتماد به نفس و پشت گرمی آن حضرت در مبارزه با دشمنان و نیل

به اهداف رسالت

قل حسبى الله عليه يتوكل المتوكلون . قل يقوم اعملوا على مكانتكم إِنِّي عمل فسو

یادآوری توکل و اتکال بر خداوند (در آیه قبل) پیش از اعلام موضع قاطع خود به دشمنان، می تواند گویای برداشت بالا

باشد.

اقرار عليه خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۵ - ۶

۶ اقرار منافقان صدر اسلام به ناخالصی و صالح نبودن خویش

و منهم من عهد الله .. لنكونن من الصالحين

جلد - نام سوره -



سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۹

۱۹ اعتراف زلیخا به دروغگویی خویش در متهم ساختن یوسف (ع) به درخواست کام جویی

أنا رودته عن نفسه و إنه لمن الصديق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۱ - ۸،۹

۸ تأکید و اقرار برادران یوسف به ارتکاب خطا در حق برادرشان یوسف (ع)

و إن كنا لخطئين

<إن> در جمله فوق به اصطلاح مخففه از مثقله (إن) است. دلیل آن حرف <لام> در <لخطئين> می باشد.

۹ برادران یوسف در حضور او به گناه و خطای خویش اعتراف نموده و از رفتار گذشته خود اظهار ندامت کردند .

و إن كنا لخطئين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۷ - ۱

۱ فرزندان یعقوب در حضور وی خویشان را گنهکار دانسته و به گناه خویش اقرار و اعتراف کردند .

قالوا یا ابانا استغفر لنا ذنوبنا إنا كنا خطئين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۹ - ۱۴

۱۴- مجرمان ، در قیامت ، خود به بدکاری و استحقاق عقوبت خویش ، معترف خواهند بود .

یویلتنا مال هذا الکتب . . . و وجدوا ما عملوا حاضرًا و لا یظلم ربک أحدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اقرار پیشوایان شرک در قیامت ، به نقش اغواگرانه خویش در گرویدن مردم به شرک

قال الذين حقّ عليهم القول ربّنا هؤلاء الذين أغوينا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - پیشوایان شرک در عرصه قیامت ، به دوزخی بودن خویش و این که مستحق کیفر الهی اند ، اعتراف خواهند کرد .

فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا إِنَّا لَذَانِقُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۲ - ۱،۴

۱ - اعتراف سران شرک به دست داشتن خود در گمراهی توده های مشرک

فَأَعْوَيْنَكُمْ

۴ - اعتراف سردمداران شرک در عرصه قیامت به گمراهی خود

إِنَّا كُنَّا غَوِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۹

۹ - اعتراف کافران و گنه کاران به نقش خود در تعیین سرنوشت خویش

أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَحْسُرْتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ .. و إِنْ كُنْتَ لِمَنْ السَّخْرَيْنِ ... لَوْ أَنَّ لِي كَرْهٌ ف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۱ - ۷

۷ - اعتراف کافران حق ناپذیر در قیامت ، به گناهان خود پس از مشاهده قدرت الهی در آخرت

فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۸ - ۱

۱ - اعتراف مستکبران به مشترک بودنشان با مستضعفان پیرو خود ، در کیفر و عذاب الهی

قال الذين استكبروا إنا كلّ فيها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۷ - ۱۳

۱۳ - اعتراف مشرکان در قیامت ، به بطلان باورهایشان نسبت به معبود های خویش

و یوم ینادیهم این شرکاءى قالوا ءاذنک ما منا من شهید

اقرار علیه خود در قیامت

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۹

۹ کافران جن و انس در قیامت با اعتراف به آمدن رسولان الهی، علیه خود شهادت خواهند داد.

ألم یأتکم رسل منکم .. قالوا شهدنا علی أنفسنا

انبیا در سرزمین خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۴ - ۱

۱- وعده خداوند به اسکان انبیا در سرزمین خویش، در پی تهدید به اخراج شدن آنان از سوی اقوام کافر

و قال الذین کفروا لرسلم لَنُخْرِجَنَّکُم مِّنْ أَرْضِنَا .. فَأُوْحِیْ إِلَیْهِمْ ... و لَنَسُکُنَّکُمُ الْأَرْضَ

انتقاد از خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۶ - ۶

۶- انتقاد از خود و انصاف در قضاوت نسبت به خویشتن و پذیرش مسؤولیت عملکرد خود، از صفات ارزشمند و شایسته است.

إِنْ سَأَلْتَهُ عَنِ شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصْحِبْنِي قَدْ بَلَغْتَ مِنْ لَدُنِّي عَذْرًا

موسی(ع) با وجود آن که در مرحله قبل، عذر نسیان را مطرح کرد، ولی در این مرحله، اولاً، مسؤولیت عمل خود را بر عهده گرفت و ثانیاً، در مورد خود، رأیی منصفانه صادر کرد و خضر(ع) را در جدا شدن از او، محق دانست.

اهمیت حسابرسی خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۶

۶- توجه همیشگی انسان به اعمال گذشته خویش و نقد و بررسی آنها، لازم است.

و من أظلم ممّن .. نسی ما قدّمت یداه

اهمیت خود دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۴ - ۴

حب نفس ، قوی ترین غریزه در انسان است .

و لو أن لكل نفس ظلمت ما فی الأرض لافتدت به

اینکه شخص معذب، حاضر است تمامی آنچه را که در زمین است اگر در اختیارش می بود جهت نجات خود، نثار کند، می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

اهمیت دفاع از خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۳،۵

۳ لزوم دفاع از خویش در برابر اتهام های ناروا

قالت ما جزاء .. قال هی رودتنی عن نفسی

۵ یوسف (ع) مرآوده زلیخا و وصال خواهی او را تا زمان دفاع از خویش ، پنهان کرده و فاش نساخته بود .

قالت .. قال هی رودتنی عن نفسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۵

۵ لزوم تلاش برای رفع اتهام ناروا از خویش

ذلك لیعلم أنى لم أخنه بالغیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۹ - ۹

۹- دفاع از آبرو و حرمت خود و حفظ عزت و شرافت خویشتن ، امری لازم و بایسته

قال .. فلاتفضحون ... و لاتخزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۱ - ۹

۹ - لزوم اعطای فرصت به متخلف برای دفاع از خود

لَأَعَذِّبَنَّهُ .. أَوْ لِيَأْتِيَنَّكَ بِسُلْطٰنٍ مّبِينٍ

اهمیت محافظت از خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۱ - ۳

۳ - هجرت به منظور حفظ جان ، کاری حکیمانه است .

ءَاتِيَنَّهُ



حکماً و علماً .. فخرج منها خائفاً يترقب

بازگشت آثار انفاق به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۶ - ۹

۹ - انفاق کردن مال ، به نفع خود انسان است .

و أنفقوا خيراً لأنفسكم

بازگشت آثار عمل به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۵ - ۸

۸ - سود و زیان عمل هر کس ، تنها به خود وی بازمی گردد .

لنا أعملنا و لكم أعملكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶ - ۱،۵

۱ - دستاورد تلاش و کوشش هر کسی در راه خدا ، از آن خود او است .

و من جهد فإنما يجهد لنفسه

<إن الله لغنيّ..> قرینه است بر این که مراد از تلاش، در آیه، مطلق تلاش نیست و بلکه تلاش در راه خدا است.

۵ - بی نیازی مطلق خداوند از همه ، دلیل بازگشت دستاورد تلاش هر کسی به خود او است .

و من جهد فإنما يجهد لنفسه إن الله لغنيّ عن العملين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۶ - ۵،۶،۷،۸

۵ - عبادت و تقوا ، دارای خیری است که سودش به عبادت کننده و متقی ، بازمی گردد .

اعبدوا الله و اتقوه ذلكم خير لكم

۶ - توجه دادن مردم به بازگشت خیر و منفعت اعمال دینی به خودشان ، از شیوه های تبلیغی ابراهیم (ع) بود .

اعبدوا الله و اتقوه ذلكم خير لكم

۷ - جهل و ناآگاهی ، ریشه بی اطلاعی

انسان از بازگشت خیر و منفعت اعمال دینی به خودش است .

اعبدوا الله و اتقوه ذلكم خیر لكم إن كنتم تعلمون

۸ - تحریص و تشویق خداوند مردم را به کسب معرفت درباره خیر بودن اعمال دینی و بازگشت منفعت آن به خود انسان

اعبدوا الله و اتقوه ذلكم خیر لكم إن كنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۸ - ۲

۲ - عذاب سخت و فوق تصور ستمگران در قیامت ، بازتاب کردار و رفتار خود آنان است .

و بدا لهم سیئات ما کسبوا

آمدن ماده <کسب> به جای ماده <فعل>، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۶ - ۱،۲

۱ - پیامد عمل نیک انسان ، به خود وی بازمی گردد .

من عمل صلحاً فلنفسه

۲ - بدکاران ، گرفتار پیامد اعمال ناشایست خویش اند .

من أساء فعلیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۵ - ۲۶،۲۷

۲۶ - پیامد های عملکرد نیک و بد انسان ، متوجه خود او است .

لنا أعمالنا و لكم أعمالکم

۲۷ - خصومت و ستیز پیروان ادیان توحیدی با توجه به وحدت پروردگار و بازگشت عمل هر انسان به خودش ، فاقد منطق و

اللّٰهُ رَبَّنَا وَرَبِّكُمْ لَنَا أَعْمَلْنَا وَلكُمْ أَعْمَلِكُمْ لَا حِجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ

بنابراین که مراد از <لا حِجَّةَ>، نفی خصومت و نزاع باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۱ - ۱۱

۱۱ - بازتاب

گناهان انسان به صورت مشکلات دنیایی، تدبیری الهی در جهت بازداشتن انسان از سرکشی و تجاوز است.

و ما أصبکم من مصیبه فما کسبت أیدیکم .. و ما أنتم بمعجزین فی الأرض و ما لکم م

سیاق آیات، نشانگر بیان گونه های مختلف از یک حقیقت است؛ چه این که باران، غفران، ولایت و نصرت گونه هایی از روزی خداوند برای انسان ها است که از پس خشکسالی، گناه و مصیبت به انسان ارزانی می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۵ - ۱

۱ - بازتاب نتایج اعمال نیک و بد آدمی، تنها متوجه خود او است.

من عمل صلحاً فلنفسه و من أساء فعلیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۲ - ۹

۹ - بازگشت نتیجه کردار و اندوخته های انسان، به خود وی در دنیا و آخرت

محتاجم و مماتهم .. و لتجزی کلّ نفس بما کسبت

آیه شریفه پاسخ و ردی است بر کسانی که صالح و ناصالح را در زندگی و مرگ مساوی می پنداشتند از این مطلب، استفاده می شود که دنیا و آخرت هر دو میدان جزا و پاداش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱۳

۱۳ - بازتاب نهایی اعمال آدمیان، تنها متوجه خود آنان است.

إنّ الذین کفروا و .. و سیحبط أعمالهم

از ارتباط <إنّ الذین کفروا..> با <سیحبط أعمالهم> و تأکید بر <لن یضروا الله شیئاً> با توجه به الغای خصوصیت استفاده می

شود که اعمال انسان ها، در نهایت به خودشان باز خواهد گشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۶ - ۵

۵ - کیفر دوزخ برای تکذیب کنندگان دین ، بازتاب قهری عملکرد مستمر خود آنان

إِنَّمَا تَجْزُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۴ - ۷

۷ - ثمره و منفعت انفاق به خود انفاقگران برمی گردد .

وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۲ - ۵

۵ - صدقه دادن ، بهترین عمل است و نفع آن به خود صدقه دهنده بازمی گردد .

ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ

کلمه <ذَلِكَ> اشاره به اعطای صدقه دارد. واژه <خیر> می تواند به معنای خوب (در مقابل) بد و یا اسم تفضیل و به معنای بهتر باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۹ - ۲

۲ - کردار هر کس ، تنها گریبان گیر شخص او بوده و نامه عمل او با دیگر نامه های اعمال ، مشتبّه نخواهد شد .

ما سَجِّينَ . کتب مرقوم

بغض علیه خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۲،۳،۵

۲ - بغض و دشمنی شدید کافران حق ناپذیر با خویشتن در قیامت

من مقتکم أنفسکم

۳ - بغض و دشمنی خداوند با کافران حق ناپذیر ، بیشتر و شدیدتر از بغض و دشمنی کافران نسبت به خویشتن است .

لمقت الله

أكبر من مقتكم أنفسكم

۵ - پشیمانی و بغض شدید کافران نسبت به خویشان ، بر اثر رد دعوت به ایمان و کفرورزی آنان است .

مقتكم أنفسكم إذ تدعون إلى الإيمن فتكفرون

تردید نیست که بغض شدید کافران نسبت به خویشان در قیامت، ناشی از رد ایمان و کفرشان است. این بغض نشانه پشیمانی شدید آنان از عمل خود می باشد.

تباهی سرمایه خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۱۱، ۱۰

۱۰ ایمان نیاوردن اهل کتاب به پیامبر(ص)، ناشی از تباه کردن جانهایشان است.

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه .. الذین خسرو أنفسهم فهم لا یؤمنون

۱۱ آنان که سرمایه جان به خسارت از کف داده اند، رسالت پیامبر(ص) را انکار می کنند.

الذین خسرو أنفسهم فهم لا یؤمنون

تبرئه خود از تهمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۷ - ۱۳

۱۳ - تلاش برای تبرئه کردن خویش از اتهامات ناروا ، امری نیکو و شایسته

قالوا أتتخذنا هزواً قال أعوذ بالله أن أكون من الجهلین

تحقیر خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۱ - ۱۲



۱۲ - لطمه زدن به شخصیت دیگر مؤمنان ، در حقیقت لطمه زدن به خویشتن است .

و لا تلمزوا أنفسکم

با توجه به این که در آیه قبل، خداوند همه مؤمنان را برادر یکدیگر و عضو یک خانواده معرفی کرده است؛ در این آیه از یک سو به مؤمنان تذکر داده است که برای دیگر مؤمنان عیب نجویید و از سوی دیگر به آنان یادآور شده که در نظام واحد این

خانواده، عیب گرفتن برای دیگری، در حقیقت معیوب ساختن خویشان است.

تحمیل دروغ بر خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۴ - ۲

۲ شرک، باطل و اعتقاد به آن تحمیل دروغ بر خویشان است.

انظر کیف کذبوا علی أنفسهم

جمله <کذبوا...> بیان حال مشرکان در دنیا می تواند باشد. یعنی مشرکان در دنیا با عقیده شرک بر خود نیز دروغ بستند. زیرا فطرت و جان آدمی گواه بر توحید است.

حسابرسی از خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۸ - ۵

۵ - در قیامت، انسان خود، محاسبه و ارزشیابی خواهد شد.

فسوف يحاسب

فعل <يحاسب> به شخص استناد یافته است؛ نه به عمل؛ بنابراین حسابرسی قیامت در مورد خود اشخاص خواهد بود. می توان گفت: اعمال و نیت های انسان برای او، رتبه وجودی خاصی می بخشد؛ زیرا ملکه او شده و ابعاد وجودی او را شکل می دهد و در نتیجه سنجش آن انسان، در حقیقت محاسبه اعمال او است.

حق دفاع از خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۴ - ۹

۹ - لزوم فرصت دادن به متهمان برای دفاع از خود

لا تأخذ بلحیتی ولا برأسی إني خشیت

خود برترینی مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ یهودیان و مسیحیان خود را انسانهایی ممتاز و برتر می پندارند .

و قالت اليهود و النصری نحن ابنؤا الله .. بل انتم بشر ممن خلق

از اینکه

خداوند در رد پندار یهود و نصارا فرموده است که شما مانند دیگر انسانها هستید، معلوم می شود آنها برای خود امتیازی ویژه می پندارند و خود را برتر از دیگران می شمارند.

خود برترینی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ یهودیان و مسیحیان خود را انسانهایی ممتاز و برتر می پندارند .

و قالت اليهود و النصری نحن ابنؤا اللّٰه .. بل انتم بشر ممن خلق

از اینکه خداوند در رد پندار یهود و نصارا فرموده است که شما مانند دیگر انسانها هستید، معلوم می شود آنها برای خود امتیازی ویژه می پندارند و خود را برتر از دیگران می شمارند.

خیانت به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۹

۹ - نافرمانی از دستورات خدا و نادیده گرفتن احکام دین ، خیانت به خویشتن است .

کنتم تختانون أنفسکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۷ - ۴

۴ خیانت آدمی به امانت های مسلمانان ، خیانت به خویشتن است .

و تخونوا أمتکم

معمولا انسان امانتدار دیگران است نه امانتدار خویش. بنابراین اسناد امانتهای دیگران به امانتدار، با اضافه کلمه <امانات> به <کم> بیانگر این است که امانت دیگران به منزله امانت خود اوست و خیانت در آن، خیانت به امانت خویش است.

دشمنی با خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۲،۳

۲ - بغض و دشمنی شدید کافران حق ناپذیر با خویشان در قیامت

من

مقتکم أنفسکم

۳- بغض و دشمنی خداوند با کافران حق ناپذیر، بیشتر و شدیدتر از بغض و دشمنی کافران نسبت به خویشان است.

لمقت الله أكبر من مقتکم أنفسکم

دفاع از خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۶۱ - ۷، ۳، ۱

۱ نوح با پاسخی رأفت آمیز به قوم خود، خویشان را از هر گونه گمراهی مبرا دانست.

قال يقوم لیس بی ضلله

مخاطب قرار دادن مردم با <یا قوم> (ای مردم من) دلالت بر اظهار مهربانی نوح نسبت به قوم خود دارد. نکره بودن کلمه <ضلله> پس از نفی دلالت بر عموم دارد. بنابراین <لیس بی ضلله> یعنی حتی اندکی گمراهی در من نیست.

۳ نوح (ع) با اعلان دریافت سخنان خویش از خداوند، خود را پیراسته از هر گونه گمراهی خواند.

لیس بی ضلله و لکنی رسول من رب العلمین

۷ مبلغان دین باید در برابر اتهام های ناروا از خویشان دفاع کنند.

إنا لنریک فی ضلل مبین. قال يقوم لیس بی ضلله و لکنی رسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۶۷ - ۶، ۳، ۱

۱ هود با پاسخی رأفت آمیز به قوم خود، خویشان را از هر گونه سفاهت و دروغگویی مبرا دانست.

قال يقوم لیس بی سفاهه و لکنی رسول من رب العلمین

۳ هود با استناد به رسالت الهی خود، خویشان را از هر گونه سفاهت و کم خردی مبرا دانست.

قال يقوم لیس بی سفاهه و لکنی رسول من رب العلمین



اتهام های ناروا از خویشان دفاع کنند .

قال يقوم ليس بي سفاهه و لكني رسول من رب العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۱،۴،۶

۱ دفاع یوسف (ع) از خویش ، در برابر اتهام زلیخا

قال هي رودتني عن نفسي

۴ افشای گناه دیگران در محدوده دفاع از خویش جایز است .

قال هي رودتني عن نفسي

۶ طمأنینه و آرامش یوسف (ع) به هنگام دفاع از خویش

قال هي رودتني عن نفسي

یوسف(ع) در بیان رفع اتهام از خویش ، در سخن خود (هی رودتني عن نفسي) نه از ادات تأکید استفاده کرد و نه جمله خویش را با قسم و مانند آن بیان داشت. این کار نشان دهنده آرامش و اطمینان یوسف(ع) در آن عرصه سخت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۹ - ۳

۳ - پیکار با دشمن مهاجم و ستم پیشه ، حق مشروع ستمدیدگان

أذن للذين يقتلون بأنهم ظلموا

دفاع از خود در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۱ - ۱،۳

۱- قیامت ، روز دفاع سرسختانه هر انسانی از خویش ( عقاید ، رفتار و انگیزه ها )



یوم تأتی کلّ نفس تجدل عن نفسها

۳- تلاش و توجه هر فردی در قیامت ، تنها معطوف به دفاع از شخص خویش است .

یوم تأتی کلّ نفس تجدل عن نفسها

رفع تهمت از خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۳

۳ لزوم دفاع از خویش در برابر

اتهام های ناروا

قالت ما جزاء .. قال هی رودتنی عن نفسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۵

۵ لزوم تلاش برای رفع اتهام ناروا از خویش

ذلك لیعلم أنى لم أخنه بالغیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۳ - ۱۰

۱۰- برشمردن امتیازات و ویژگی ها ، به منظور رفع اتهام از خود یا دیگران ناپسند نیست .

قال إني عبد الله .. و یوم أُبعث حیًا

زمینه ظلم به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۱۶

۱۶ - تجاوز از حدود الهی و مرز های دینی ، ظلم به نفس است .

و من یتعدّ حدود الله فقد ظلم نفسه

زمینه نگرانی از فرجام خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۷ - ۱

۱ - اعتقاد راستین به ربوبیت یگانه خداوند ، مستلزم بیم داشتن از عذاب او و نگران بودن از فرجام کار خویش

إنّ الذین هم من خشیه ربّهم مشفقون

<خشیه> به معنای ترس، بیم و هراس است. عبارت <من خشیه ربهم>، به تقدیر <من خشیه عذاب ربهم> می باشد. <إشفاق> (مصدر <مشفقون>) نیز به معنای نگرانی، پریشانی، تشویش خاطر، اضطراب و در بیم و امید بودن است.

زیان به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۱ - ۱،۲،۴

۱ دروغ بستن به خدا و بازداری مردم از راه او، موجب خسارت و تباه کردن سرمایه عمر است.

و من أظلم

ممن افتری علی الله کذبًا .. أولئک الذین خسروا أنفسهم

۲ تلاش برای منحرف نشان دادن راه خدا و انکار سرای آخرت ، موجب خسارت و تباهی سرمایه عمر است .

الذین .. یبغونها عوجًا و هم بالأخره هم کفرون ... أولئک الذین خسروا أنفسهم

۴ باور به معبودهایی غیر از خدای یکتا ، باوری واهی و مایه خسران و تباهی است .

أولئک الذین خسروا أنفسهم و ضلّ عنهم ما كانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۸ - ۵

۵- فایده شکر نعمت و ضرر و زیان کفران آن به خود انسان باز می گردد .

لئن شکرتم لأزیدنکم و .. إن تکفروا أنتم و من فی الأرض جمیعًا فإن الله لغنی حمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۴ - ۷

۷- ضرر و زیان نقض سوگند و فریب دادن مردمان ، دامنگیر خود نقض کنندگان سوگند و فریب دهندگان خواهد شد .

و لاتتخذوا أیمنکم دخلاً بینکم فتزلّ قدم بعد ثبوتها و تذوقوا السوء

از اینکه خداوند، ضرر و زیان حث سوگند و فریب را به خود کسانی که سوگند خود نقض می کنند داده و آنان را مخاطب قرار داده است (و تذوقوا السوء) مطلب فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۵ - ۱

۱- نفع هدایت و ضرر گمراهی هر کسی متوجه خود اوست .

من اهتدی فإنما یهتدی لنفسه و من ضلّ فإنما یضلّ علیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۵- آسیب و زیان ناسپاسی توانگران در برابر نعمت های الهی ، دامنگیر خود ایشان است .

فقال .. أنا أكثر منك مالاً و أعزّ نفراً ... و هو ظالم لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۵

۱۵ - پیامد گناه هر کسی ، گریبان گیر خود او است .

لكلّ امری منهم ما اكتسب من الإثم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۴ - ۴

۴ - ضرر و زیان گناه و نافرمانی مردم از اطاعت خدا و رسول او ، به خود آنان بازمی گردد نه به پیامبر ( ص )

قل أطيعوا الله و أطيعوا الرسول فإن تولّوا فإنّما علیه ما حمل و علیکم ما حملتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۴ - ۱،۴

۱ - کفر ، امری خسارت بار است و بازتاب خسارت آن ، برای خود کافر است .

من کفر فعليه کفره

<عليه> جار و مجرور و متعلق به <کفره> است. مقدم شدن آن، برای بیان این نکته است که پیامدهای ناگوار کفر، به خود کافران اختصاص دارد.

۴ - بازتاب خسارت کفر ، از آن کافر ، و پیامد فواید ایمان و عمل صالح ، فراگیر است . \*

من کفر فعليه کفره و من عمل صلحاً فلاّ نفسهم یمهدون

احتمال دارد این که در جواب شرط جمله نخست، ضمیر مفرد آورده شده و در جواب شرط جمله دوم، به رغم مفرد بودن اسم شرط، ضمیر جمع آورده شده است، اشاره به نکته یاد شده باشد.



- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ - خسارت کفران نعمت الهی ، به خود کفران کننده بازمی گردد .

و من كفر فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ

به قرینه مقابله، <و من یشکر..> جواب شرط <من کفر> حذف شده است و <إِنَّ اللَّهَ...> تعلیل برای جواب مقدر است؛ یعنی، هرکس کفران نعمت کند ضررش به خودش برمی گردد؛ چون خداوند نیازی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۰ - ۳

۳ - گمراهی ، دارای ضرر و خسارت برای خود گمراه است .

قل إن ضللت فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۹ - ۵

۵ - پی آمد زیان بار کفر ، متوجه خود انسان ها است .

فمن كفر فعليه كفره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۳ - ۴،۵،۶

۴ - خسارت و پی آمد سوء مکر ها و حيله ها ، تنها دامنگیر صاحبان آن خواهد شد .

و لا يحق المکر السّيِّ إلاّ بأهله

۵ - خسارت و پی آمد سوء مکر و حيله مخالفان دین اسلام ، دامنگیر خود آنان خواهد گشت .

فلَمَّا جاءهم نذیر ما زادهم إلاّ نفورًا.. و مکر السّيِّ و لا يحق المکر السّيِّ



۶- برگشت مکر مکاران مخالف با ادیان الهی به خود آنان ، سنت الهی است .

فهل ينظرون إلا سنّت الأولین

جمله <فهل ينظرون...> هم می تواند ناظر به بازگشت مکر مکاران علیه خود آنان باشد و هم می تواند اشاره به کیفر الهی

درباره مکاران گذشته داشته باشد. برداشت یاد شده براساس احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۱۱

۱۱ - ضرر و زیان گمراهی ، تنها متوجه خود گمراهان است .

و من ضلّ فإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۳ - ۶

۶ - ضرر و زیان گناه و اسراف ، متوجه خود انسان است .

الذین أسرفوا على أنفسهم

برداشت یاد شده از آمدن لفظ <علی> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۳ - ۵

۵ - کفر و انکار آیات الهی ، بی تردید به زیان انسان ها است .

و الذین کفروا بأیت الله أولئک هم الخسرون

<خسارت> ضد ربح (سود) به معنای ضرر و زیان است و آمدن ضمیر فصل (هم)، دلالت بر حصر و تأکید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۸ - ۱۶

۱۶ - زیان دروغ ، بیشتر از همه ، به خود دروغ گو باز می گردد .

وإن یک کذبًا فعلیه کذبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - توطئه ها و نیرنگ های فرعون علیه موسی (ع) ، سرانجام به زیان و نابودی او انجامید .

و ما کید فرعون إلا فی تباب

<تباب> به معنای خسارت و هلاکت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۶

- ستمکاران ، عامل خسران و بدبختی خود و محرومیت از خانواده خویش

إِنَّ الْخَسِرِينَ الَّذِينَ خَسَرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <خسروا.. أهلیهم> به معنای از دست دادن خانواده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۸ - ۷

۷- بخل از انفاق در راه خدا ، مایه خسارت خود انسان

و من يبخل فإنما يبخل عن نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۸

۸ - نتایج ناگوار پیمان شکنی با پیامبر ( ص ) و رهبری الهی ، تنها متوجه خود انسان است .

فمن نكث فإنما ينكث على نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۴ - ۸

۸ - کسانی که از انفاق کردن روی برمی گردانند ، به خود ضرر وارد می کنند ؛ نه به خداوند .

و من يتولّ فإنّ الله هو الغنيّ الحميد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۱۷

۱۷ - ضرر و زیان عمل نکردن به احکام الهی و شکستن مرز های دینی ، به خود متجاوزان بازمی گردد .

و من يتعدّ حدود الله فقد ظلم نفسه

سرزنش خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۴ - ۲

۲- قوم بت پرست ابراهیم پس از آگاه شدن از ناتوانی بت ها از سخن گفتن ، به یک دیگر مراجعه کرده و به سرزنش هم پرداختند .

فرجعوا إلى أنفسهم فقالوا إنكم أتم الظلمون

برداشت،

براساس این احتمال است که مقصود از <أنفسهم> رجوع هر یک از بت پرستان به یک دیگر باشد که با مخاطب قرار دادن هم دیگر (فقالوا إنکم أنتم.. ..) به ملامت هم پرداختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - اظهار پشیمانی کردن سلیمان (ع) و مورد سرزنش قرار دادن خود به خاطر غفلت کردن از یاد خدا، در اثر سان دیدن طولانی از اسب ها

فقال إننی أحببت حبّ الخیر عن ذکر ربی حتّی توارت بالحجاب

در صورتی که معنای آیه شریفه، این باشد که سلیمان(ع) به خاطر علاقه به اسب ها از یاد خدا غفلت ورزید و قهراً سخن آن حضرت (فقال إننی.. ..) نوعی سرزنش خود و اظهار پشیمانی محسوب می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۰ - ۱

۱ - باغداران یمنی پس از مشاهده محرومیت خود و مستمندان از محصولات باغ، به سرزنش همدیگر پرداختند .

فأقبل بعضهم علی بعض یتلومون

سرزنش علیه خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۳ - ۵

۵- اولیای خداوند و افراد کامل، خطای خود را در صورت فراموشی نیز مایه استحقاق مؤاخذه می دانند .

لا تؤاخذنی بما نسیت

در خواست موسی از خضر(ع) مبنی بر مؤاخذه نشدن، دال بر آن است که خطا، حتی در صورت نسیان نیز قابلیت مؤاخذه دارد.

سرزنش مکر با خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۱ - ۱۶

۱۶ - خودفریبی و تجاهل در

برخورد با حقایق ، امری نکوهیده و ناروا

نبد فريق من الذين أوتوا الكتب .. كأنهم لا يعلمون

سوگند برای تبرئه خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۱،۲

۱ فرزندان یعقوب در حضور یوسف (ع) و کارگزارانش ، بر منزله بودنشان از سرقت و نداشتن قصد فسادگری و خرابکاری در مصر ، سوگند یاد کردند .

تالله لقد علمتم ما جننا لنفسد فی الأرض و ما كنا سرقین

گرچه مقسم علیه (آنچه بر انجام آن سوگند یاد می شود) در آیه شریفه <لقد علمتم> است ؛ ولی در حقیقت <ما جننا . ..> مقسم علیه می باشد. بنابراین معنای جمله چنین می شود: به خدا سوگند که ما برای فساد به مصر نیامده ایم و هرگز سارق نبوده ایم و شما این حقیقت را به خوبی دانستید.

۲ جواز سوگند به نام خدا برای تبرئه خویش از فسادگری و ارتکاب گناه

تالله لقد علمتم ما جننا لنفسد فی الأرض

ظلم به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱،۳

۱ - قوم موسی با گوساله پرستی ، بر خویشتن ستم کرده و مستحق کیفر شدند .

يقوم إنکم ظلمتم أنفسکم باتخاذکم العجل

۳ - آدمی ، با شرک ورزی و پرستش غیر خدا به خود ستم می کند .

إنکم ظلمتم أنفسکم باتخاذکم العجل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۱۲ - قوم موسی با بهره گیری حرام از < مَنِّ > و < سلوی > مرتکب گناه شده ، بر خود

ستم کردند . \*

كلوا من طيبت ما رزقنكم و ما ظلمونا و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

جمله <و لكن كانوا ..> دلالت بر آن دارد که قوم موسی مرتکب حرام خواری شدند. به نظر می رسد از مصداقهای حرام خواری آنان - به قرینه وقوع جمله مذکور پس از بیان نزول منّ و سلوی - بهره گیری حرام از منّ و سلوی، همانند تجاوز به سهم دیگران باشد.

۱۷ - ناسپاسی قوم موسی و تمردشان از فرمان های خدا ، ستمی بود که آنان بر خودشان روا داشتند .

و ما ظلمونا و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

۱۹ - تخلف از فرمان های خدا و ناسپاسی در برابر نعمت های او ، ظلمی است از ناحیه انسان به خویشتن

و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۲ - ۱۰

۱۰ - ارتداد قوم موسی و گرایش آنان به گوساله پرستی ، از جمله ستم های آنان

ثم أتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۲،۳

۲ خطا و لغزش آدم و حوا ستمی بود که آنان بر خویشتن روا داشتند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا

۳ گناه و عصیان، ظلمی است از ناحیه انسان به خویشتن.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۳۰،۳۱

۳۰ ناسپاسی قوم موسی و تمرد ایشان از فرمان های خدا ، ستمی بود که آنان بر خود روا داشتند .

و قَطَّعْنَهُمْ . . . و ما ظلمونا و لكن

كانوا أنفسهم يظلمون

۳۱ تخلف از فرمان خدا و ناسپاسی در برابر نعمت های او ، ظلمی است از ناحیه انسان به خویشتن

و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۷ - ۲،۵

۲ کفرپیشگان با تکذیب آیات الهی همواره بر خویش ستم می کنند .

و أنفسهم كانوا يظلمون

۵ کسانی که با تکذیب آیات الهی بر خود ستم می کنند ، حالتی شوم و ناهنجار دارند .

ساء مثلا القوم الذين .. أنفسهم كانوا يظلمون

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <أنفسهم كانوا يظلمون> عطف بر <كذبوا بأيتنا> باشد / یعنی: <ساء مثلا القوم الذين أنفسهم كانوا يظلمون>. قابل ذکر است که در برداشتهای گذشته جمله <أنفسهم كانوا يظلمون> عطف بر جمله <ساء مثلا ...> گرفته شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۶ - ۹

۹ شکستن حرمت ماه های حرام ( پرداختن به جنگ در آن ) ، ظلم به خویش و جامعه بشری است .

فلا تظلموا فيهن أنفسكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۱۸

۱۸ کفرورزی و انکار دلایل روشن انبیا ، ظلم انسان به خویش و پیامد آن دامنگیر خود اوست .

أتتهم رسلهم بالبينت فما كان الله ليظلمهم و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ از زید بن اسلم نقل شده که رسول خدا (ص) فرمود: > لا

يُؤخر الله عقوبه البغى فان الله قال : < إنما بغىكم على أنفسكم > ;

خداوند، کیفر ستم را به تأخیر نمی اندازد ؛ زیرا خدا فرمود: همانا ستم شما بر خود شماست < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۱ - ۳،۴،۵

۳ شرک‌ورزی ، انکار پیامبران و ارتکاب گناه ، ستمهایی است که مشرکان ، کافران و گنه کاران در حق خود روا می دارند .

و لكن ظلموا أنفسهم

مقصود از ظلم به نفس که جمله <ظلموا أنفسهم> گویای آن است هم گناهان و هم آثار و تبعات آن می باشد. برداشت فوق ناظر به لحاظ نخست است.

۴ گرفتاری کافران ، مشرکان و گنه کاران به عذاب های الهی ، ستم و کیفری است که آنان خود برای خویشتن فراهم می کنند .

و لكن ظلموا أنفسهم

چنان چه گذشت، مقصود از <ظلم به نفس> گناهان و نیز آثار و تبعات گناهان می باشد؛ برداشت فوق ناظر به دومین لحاظ است. بنابراین <ظلموا أنفسهم...>؛ یعنی، نزول عذاب بر کافران که از آثار و تبعات گناهانشان است ستمی بود که آنان بر خود روا داشتند.

۵ اقوام هلاک شده گذشته : قوم نوح ، عادیان ، ثمودیان ، قوم شعیب و لوط و فرعونیان ، با شرک‌ورزی و انکار رسالت پیامبران ، بر خویش ستم کردند .

و ما ظلمنهم و لكن ظلموا أنفسهم

مراد از ضمیر <هم> و مانند آن در آیه مورد بحث ، اقوامی است که سرگذشت آنان در سوره هود بیان شده است؛ یعنی: قوم نوح ، عادو . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۴ - ۱۷، ۱۸، ۱۴

۱۴- انسان به خویشتن ستمکار و در برابر نعمت و احسان ، بسیار ناسپاس است .

و إن تعدّوا نعمت الله لا تحصوها إنّ الإنسان لظّولم كّفّار

مقصود از <ظلولم> بودن انسان، به قرینه بیان نعمتها و داده های الهی به وی، ظلم به خویشتن است.

۱۷- کفران و ناسپاسی نعمت های الهی ، ظلم به خویشتن است .

و إن تعدّوا نعمت الله لا تحصوها إنّ الإنسان لظّولم كّفّار

۱۸- سرشت انسان با نوعی از ظلم به خویشتن و ناسپاسی عجین است .

إنّ الإنسان لظّولم كّفّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۲، ۳، ۴، ۲، ۱

۱- کافران ، کسانی اند که با کفر خود ، به خویش ستم می کنند .

الكفرین . الذین تتوفّهم الملائکه ظالمی أنفسهم

<الذین> صفت <الكافرین> و <ظالمی> حال برای آن است. مراد از <ظالمی أنفسهم> به قرینه لفظ <الكافرین> ظلم کنندگان به خود با انتخاب کفر است.

۲- کافرانی که با حالت ظلم به نفس ( کفر ) از دنیا بروند ، در قیامت گرفتار خواری و ذلت خواهند شد .

إن الخزی الیوم و السوء علی الکفرین . الذین تتوفّهم الملائکه ظالمی أنفسهم

۳- کفر ، ظلم به نفس است .

الكفرین . الذین ... ظالمی أنفسهم

۴- شرک ، ظلم به نفس است .

و يقول أين شركاءى .. الكافرين . الذين تتوفّهم الملائكة ظالمى أنفسهم

۱۲- کسانی که با ارتکاب اعمال زشت در دنیا به خود ستم کرده اند ، در قیامت منکر آن اعمال می شوند .

الذين تتوفّهم الملائكة ظالمى أنفسهم .. ما كنّا نعمل من سوء

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که



مراد از <ظالمی أنفسهم> به قرینه <ما کنا نعمل من سوء> (ما مرتکب عمل زشت نمی شدیم) اعمال ناپسند و زشتی باشد که مرتکبان آنها، آن را از خود نفی می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۹ - ۱۲

۱۲- کافران ظالم به نفس خویش ، متکبرند .

الکفرین . الذین تتوفّهم الملائکه ظالمی أنفسهم ... فلبئس مثنوی المتکبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۲ - ۴

۴- تقواییشان ، به هنگام قبض روح از هرگونه ظلم به نفس به دورند .

المتّقین .. الذین تتوفّهم الملائکه طیبین

به قرینه مقابله با آیه <الکافرین . الذین تتوفّهم الملائکه ظالمی أنفسهم> احتمال دارد مراد از طیب (پاکی) به دور بودن از ظلم به نفس باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۸،۹،۱۰

۸- کافران ، با انکار حقانیت کتاب های آسمانی ، به خود ستم کردند .

و ما ظلمهم الله و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

۹- کفر به وحی و کتاب های آسمانی ، ظلم به خویش است .

هل ينظرون إلا أن تأتيهم الملائكة أو يأتي أمر ربك كذلك فعل الذين من قبلهم و ما

۱۰- ظلمی که به کافران از ناحیه ایستادگی در برابر کتاب های آسمانی شده است ، از ناحیه خداوند نبوده و از سوی خود آنان بوده است .

و ما ظلمهم الله و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۴ - ۱۲

۱۲ - ارتکاب اعمال زشت و

به استهزا گرفتن وعده عذاب الهی ، ظلم به نفس است .

و ما ظلمهم الله و لكن كانوا أنفسهم يظلمون . فأصابهم سيئات ما عملوا و حاق بهم ما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۹ - ۳

۳- هر نوع عمل زشت و ناشایست ، ظلم به خویشتن است .

و لكن كانوا أنفسهم يظلمون . .. للذين عملوا السوء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۵ - ۲،۳

۲- خودبرترینی و تحقیر دیگران ، ظلم بر خویشتن است .

أنا أكثر منك مالاً و أعزّ نفراً . .. و دخل جنته و هو ظالم لنفسه

۳- فریفتگی به جلوه های مادی دنیا ، ستم انسان بر خویش است .

أكثر منك مالاً و أعزّ نفراً . .. و هو ظالم لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۷ - ۵

۵- از یاد بردن اعمال و دستاورد های ناروا و به فراموشی سپردن گناهان گذشته خود ، بزرگ ترین ستم انسان بر خویش است

و يجدل . . . و من أظلم ... و نسی ما قدّمت یداه

<نسی ما قدّمت یداه> یعنی: <فراموش کرد کردار پیشین خود را.> . مقصود از <ما> به قرینه آیه قبل جدال به باطل در

برابر حق و استهزای آیات الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۱۸

۱۸- در دیدگاه یونس (ع)، خروج از میان قوم خود بدون اذن الهی، ظلمی به خویش بود.

إذ

ذهب مغضبًا .. إني كنت من الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۸ - ۳

۳- نقش تهلیل و تسبیح خدا و اقرار به ظلم به خویشتن ، در استجابت دعا و رهایی از غم ها

فنادی فی الظلمت أن لا إله إلا أنت سبحنک إني كنت من الظلمين . فاستجبنا له و ن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱۷

۱۷ - > عن ۷۵ أبي الصباح الكناني قال : سألت أبا عبد الله ( ع ) عن قول الله عزوجل : و من یرد فیہ بالحد بظلم نذقه من عذاب أليم < فقال : کل ظلم یظلمه الرجل نفسه بمکة من سرقة أو ظلم أحد أو شیء من الظلم فإني أراه ألدًا ;

ابی الصباح کنانی گفت: از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند عزوجل > و من یرد فیہ بالحد بظلم نذقه من عذاب أليم < سؤال کردم فرمود: هر ظلمی که شخص در مکة بر خویش کند; خواه دزدی باشد، یا ستم به دیگری و یا هرگونه ستمی، من آن را الحد و انحراف می بینم.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۱۱

۱۱ - شرک و پیمودن راه باطل ، ستم بر خویش است .

وجدتها و قومها یسجدون للشمس .. قالت ربّ إني ظلمت نفسي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۶ - ۱،۳

۱ - قتل مرد قبطی ، ظلم موسی ( ع ) به خود و باعث به خطر افتادن جان او از

فوکزه موسی ففضی علیه . . . قال ربّ اِنّی ظلمت نفسی

موسی(ع) در پیشگاه پروردگار اعتراف کرد که مرتکب خطای بزرگی شده و با کشتن مرد قبطی، در معرض خطری جدی قرار گرفته است.

۳- ارتکاب هر عمل خطا و ناپسند ، ظلم به خویشان است .

قال ربّ اِنّی ظلمت نفسی فاغفرلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۰ - ۱۹، ۱۶، ۱۴

۱۴ - هلاکت قوم عاد و ثمود و قارون و هامان و فرعون با عذاب های الهی ، نتیجه ظلمی بود که خود ، در حق خود ، روا داشتند .

فکلاً أخذنا بذنبه . . . و ما کان الله لیظلمهم ولکن کانوا أنفسهم یظلمون

۱۶ - آلوده شدن به گناه ، ستم به خویش است .

فکلاً أخذنا بذنبه . . . ولکن کانوا أنفسهم یظلمون

۱۹ - اقوام عاد و ثمود و نیز قارون و فرعون و هامان ، با آلودگی مداوم به گناه ، همواره به خود ، ستم روا داشتند .

فکلاً أخذنا بذنبه . . . ولکن کانوا أنفسهم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۹ - ۲۲، ۲۸

۲۲ - انجام دادن عملی که منجر به گرفتار شدن در عذاب الهی شود ، ستم بر خویش است .

و جاءتهم رسلهم بالبینت فما کان الله لیظلمهم و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

۲۸ - انکار و تکذیب پیامبران و دلایل شان ، ستم به خویشان است .

و جاءتهم رسلهم بالبینت . . . کانوا أنفسهم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۹ - ۳،۴

۳ - سبأ بیان ،

نعمت امنیت راه ها و نزدیکی منزل گاه های سفر را کفران نموده و به خویش ستم روا داشتند .

فقالوا ربّنا بعد بین أسفارنا و ظلّموا أنفسهم

۴ - برنتابیدن و فور نعمت و امنیت و آسایش ، ستم بر خویش است .

و جعلنا بینهم و بین القرى التى برکنا فیها قرى ظهرة .. سیروا فیها ... ءامنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - تمسّك به قرآن و پیروی از رهنمود های آن ، به خیر و صلاح جامعه و ترك آن ظلم به خویشتن است .

ثمّ أورتنا الکتب .. فمّنهم ظالم لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۱۶

۱۶ - بهره نبردن از عمر و فرصت های مناسب ، در جهت دین داری و در سایه تعالیم آسمانی ، ظلم به خویشتن است .

و الذین کفروا .. أولم نعمرکم ما یتذکر فیہ من تذکر و جاءکم النذیر فذوقوا فم

برداشت یاد شده به این خاطر است که خداوند کسانی را که به قرآن و کتاب های آسمانی ایمان نیاورده اند و از انذار پیامبران پند نگرفته و به دعوت آنان پاسخ مثبت نداده اند، با عنوان ظالم یاد کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۳ - ۲،۵

۲ - از نسل ابراهیم و اسحاق ( علیهما السلام ) ، برخی نیکوکار و برخی ظالم به خویشتن گشتند .

و من ذرّیتهما محسن و ظالم لنفسه

۵ - کفر و شرک ، ظلم به خویشتن است .

و من



ذَرِيَّتَهُمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِنَفْسِهِ

تعبیر <ظالم به نفس> درباره کافران و مشرکان، رساننده مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۹

۹ - ناتوانی انسان ها در دنیا ، از دفع عذاب الهی و پیامد های هلاکت بار ستم خویش

و الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ سَيَصِيبُهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَ مَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۳ - ۵

۵ - گناه ، جنایتی علیه خود و تعدی به جان خویشان است .

قُلْ يَعْبَادِي الَّذِينَ أُسْرِفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ

برداشت بالا- از تعبیر <أنفسهم> به همراه <علی> به دست می آید. از این رو بسیاری از مفسران عبارت <أسرفوا علی أنفسهم> را به <جنوا علیها> معنا کردند (روح المعانی آلوسی و الکشاف زمخشری).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۹ - ۳

۳ - اعتقاد انسان به ولایت غیر خدا ، ظلم و ستم بر خویشان

و الظالمون ما لهم من ولیّ و لانصیر . أم اتّخذوا من دونه أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۳

۳ - خدافراموشی و روی گرداندن از یاد او ، ظلم و ستم آدمی بر خویشان است .

و من یعش عن ذکر الرحمن . . . إذ ظلمتم

از ارتباط آیه شریفه با جمله <و من یعش عن ذکر الرحمان..> استفاده می شود که اعراض از یاد خدا، ظلم بر خویشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۵ -

۷- نافرمانی در برابر دعوت پیامبران و روی آوری به شرک ، ظلم آدمی به خویشتن

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا... فاعبدوه... فويل للذين ظلموا من عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۶ - ۷

۷- عذاب دوزخ ، ستمی از سوی کافران به خویش و نه از جانب خداوند

إِنَّمَا تَجْزُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۱۸

۱۸ - رعایت نکردن احکام و حدود الهی درباره طلاق از سوی همسران ، ظلم به نفس و زیان رساندن به خویشتن است .

فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ... و من يتعدّ حدود الله فقد ظلم نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۹ - ۴،۵

۴ - اعتراف باغداران یمنی ، به ستمکار بودن خویش بر اثر بخل ورزی و محروم ساختن بینوایان

إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ

۵ - پرداختن سهم بینوایان از امولال خود ، ظلم به خویشتن است .

إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ

عمل به سخن خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۷

۷- لزوم پایداری و تلاش افزون تر مبلغان ، در عمل به توصیه های خود

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا

وظیفه صبر شدید بر نماز، پس از توصیه خانواده به آن، گویای نکته یاد شده است.

عوامل از خود بیگانگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۴ - ۸

۸- شرک و بت پرستی ، مصداقی آشکار از خود بیگانگی انسان است

ءأنت فعلت هذا بالهتتا .. فرجعوا إلى أنفسهم فقالوا إنا أنتم الظالمون

از این که بت پرستان پس از به خود آمدن و متنبه شدن به بطلان شرک پی برده بودند، می توان استفاده کرد که بت پرستان انسان های از خود بیگانه هستند.

عوامل تباهی خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۱۲، ۱۰

۱۰ - کافران به قرآن و پیامبر ( ص ) خسارت دیدگان واقعی و تباه کنندگان خویش هستند .

و من یکفر به فأولئك هم الخسرون

۱۲ - ترك دستورات قرآن و پیامبر ( ص ) ، موجب تباهی و خسران است .

و من یکفر به فأولئك هم الخسرون

چنانچه مراد از تلاوت در جمله <یتلونه> پیروی کردن باشد، می توان گفت: مراد از کفر در <و من یکفر>، به قرینه مقابله، ترك دستورات قرآن - که از آن به <کفر عملی> تعبیر می کنیم - باشد.

عوامل خود فراموشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۹ - ۵، ۶

۵ - خود فراموشی ، کیفر الهی برای خدافراموشان

و لاتکونوا کالذین نسوا الله فأنسیهم أنفسهم

۶ - خدافراموشی انسان ، عامل غفلت او از سعادت و حقایق وجودی خویش

و لاتکونوا کالذین نسوا الله فأنسیهم أنفسهم

عوامل ظلم به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۰ - ۹

۹ - ابلیس ، عامل کفران مردم سبأ و برانگیزنده آنان به ظلم به نفس

و لقد صدق عليهم إبليس ظنه فاتبعوه إلا فريقاً من المؤمنين

در عبارت <صدق عليهم.. ظنه> ایجاز به حذف وجود دارد؛ برای

این که صدق ظن، فرع بر دعوت و جواب مثبت دادن مردم است. بنابراین، معلوم می شود که ابلیس از آنان خواسته و آنان نیز او را اجابت نموده و نعمت های خدا را کفران کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۶ - ۶

۶ - گام نهادن آدمی در وادی کفر، شرک و گناه، در حقیقت ظلم آدمی به خویشتن است.

إِنَّ الْمَجْرِمِينَ... و ما ظلمنهم و لكن كانوا هم الظالمين

به کار رفتن واژه <ظالم> به جای <مجرم>، حاکی از آن است که جرم و گناه بیان شده در آیات پیشین، همان ظلم و ستم آدمی به خویش است.

گواهی علیه خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۷ - ۹

۹ - اصحاب اخدود در قیامت، بر کردار خویش شهادت خواهند داد.

و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود

آیات <و الیوم الموعود> و <و شاهد و مشهود> در آغاز سوره، می تواند قرینه بر نکته یاد شده باشد.

محافظت از خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۹ - ۸،۱۴

۸ - فلسفه فرمان به زنان مؤمن برای حفظ حجاب خود، مصون ماندن شان از آزار و اذیت است.

قل... و نساء المؤمنین یدنین علیهنّ من جلیبهنّ ذلک أدنی أن یرفرن فلا یؤذین

۱۴ - همان گونه که کسی حق آزار مؤمنان را ندارد، بر مؤمنان نیز لازم است خود را از عوامل و مقتضیات اذیت، دور نگه دارند.





المؤمنين و المؤمنات . . . فقد احتملوا...إثمًا... قل ... و نساء ال

مکر با خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹ - ۵،۶

۵ - خدعه و نیرنگ با خدا و مؤمنان ، خودفربیی و نیرنگ زدن به خویشان است .

و ما یخدعون إلا أنفسهم

۶ - منافقان ، به خودفربیی خویش و نیرنگبازی با خود ، ناآگاه هستند .

و ما یخدعون إلا أنفسهم و ما یشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۳ - ۱۲

۱۲ مشرکان در پرستش خدایان دروغین ، خویشان را فریب داده بودند .

بل زین للذین کفروا مکرهم

در اینکه فاعل محذوف از <زین> چیست؟ چند احتمال وجود دارد ۱ شیطان ۲ سران کفر و شرک ۳ خود کافران. برداشت فوق بر اساس سومین احتمال است. بر این مبنا معنای جمله چنین می شود: <زین الکافرون لأنفسهم مکرهم> و مفاد آن این است که کفرپیشگان با دلیلهایی واهی شرک را توجیه کردند و کم کم آنها را زیبا دیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۳ - ۶

۶ - برگشت مکر مکاران مخالف با ادیان الهی به خود آنان ، سنت الهی است .

فهل یظنون إلا سنت الأولین

جمله <فهل یظنون..> هم می تواند ناظر به بازگشت مکر مکاران علیه خود آنان باشد و هم می تواند اشاره به کیفر الهی درباره مکاران گذشته داشته باشد. برداشت یاد شده براساس احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۲

۴ - مکر و توطئه کافران علیه دین و پیامبر ( ص ) ، شکست پذیر و گریبانگیر خود آنان

فالذین کفروا هم المکیدون

مکر به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۶ - ۴،۹

۴- خداوند ، تمامی مکر ها و توطئه های توطئه گران علیه دین را به خود آنان باز گرداند .

قد مکر الذین من قبلهم فأتی الله بنینهم من القواعد فخر علیهم السقف من فوقهم

احتمال دارد فراز <فأتی الله بنینهم من القواعد..> بیان تمثیلی باشد نه حقیقی. بنابراین مراد آیه چنین می شود: آنان تلاشهای زیاد و بنیان های فکری قوی علیه دین تدارک دیده بودند، ولی خداوند آن بنیان ها را علیه خود آنان به کار گرفت.

۹- توطئه گران علیه دین ، هیچ گاه گمان نمی کردند که مکرشان علیه دین ، دامنگیر خود آنان خواهد شد .

قد مکر الذین من قبلهم فأتی الله بنینهم من القواعد . . . و أتهم العذاب من حیث لا

منفعت به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۲ - ۶

۶ - بازتاب و منافع هدایت پذیری انسان ، تنها متوجه خود او است .

فمن اهتدی فإنما یهتدی لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۰ - ۹

۹ - فایده هدایت شدن ، به خود هدایت شده بازمی گردد .

إِن ضَلَلتْ فَإِنَّمَا أَضَلَّ عَلَى نَفْسِي وَ إِن اهْتَدَيْتْ فَبِمَا يُوحَىٰ إِلَيَّ رَبِّي

به قرینه مقابله، (إِن ضَلَلتْ فَإِنَّمَا أَضَلَّ ..) از ذکر <فلها> در <إِن اهتدیت> چشم پوشی شده و

به منشأ هدایت پرداخته شده است. این مسأله دلالت می کند که هدایت فایده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۹

۹ - منفعت و بهره هدایت ، تنها متوجه خود هدایت یافتگان است .

فمن اهتدی فلنفسه

موارد ظلم به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۵ - ۸

۸- کفر و تکذیب رسولان الهی ، ظلم به نفس می باشد و پیامد آن متوجه خود انسان است .

نحب دعوتك و نَتَّبِعُ الرِّسْلَ . . . و سَكُنْتُمْ فِي مَسْكَانِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ

نشانه های ظلم به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۴ - ۵

۵- گرفتار شدن به کیفر عمل خویش ، نمود و مظهر ظلم به نفس است .

و لکن كانوا أنفسهم يظلمون . فأصابهم سيئات ما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۸ - ۵

۵ - حق گریزی ، ظلم و ستم آدمی به خویش است .

و لکن كانوا هم الظلمين . . . و لکن أكثرکم للحقّ کرهون

از ارتباط آیات می توان استفاده کرد که ظلم و ستم مجرمان، چیزی جز حق گریزی آنان نیست.

نگرانی از فرجام خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۲ - ۴

۴ - لزوم نگرانی همواره انسان از کردار و فرجام کار خویش و مطمئن نبودن به آمرزش الهی

و الذی أطمع أن یغفرلی خطیئتی یوم الدین

وقتی حضرت ابراهیم(ع) خود را صرفاً امیدوار به

مغفرت الهی معرفی کند، جای اطمینانی برای دیگران نخواهد بود.

خود دوستی

اهمیت خود دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۴ - ۴

۴ حب نفس، قوی ترین گزینه در انسان است.

و لو أن لكل نفس ظلمت ما فی الأرض لافتدت به

اینکه شخص معذب، حاضر است تمامی آنچه را که در زمین است اگر در اختیارش می بود جهت نجات خود، نثار کند، می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

خودآرایی

اجتناب از خودآرایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۳ - ۳،۴

۳ - فرمان خداوند به همسران پیامبر، برای پرهیز از خودنمایی و خودآرایی های دوران جاهلیت

و لا تبرجن تبرج الجهلیه الأولى

<تبرج> از مصدر <برج> به معنای <فراخی و زیبایی چشم> و یا از <برج> به معنای <قصر> است. کاربرد آن درباره خودنمایی، از باب تشبیه بوده و به معنای نشان دادن زیبایی ها و محاسن است (مفردات راغب). گفتنی است که در کلام، دو مضاف، مقدر است و آن، <نساء آیام> است. در واقع عبارت چنین است: <لا تبرجن تبرج نساء آیام الجاهلیه...>.

۴ - شایسته است که زنان، خود را از معرض نگاه نامحرمان، دور نگاه داشته و از خودآرایی، به منظور در معرض نمایش گذاشتن زیبایی هایشان، خودداری کنند.

و قرن فی بیوتکن و لا تبرجن تبرج الجهلیه الأولى

خودآرایی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۳ - ۵

۵ - زنان ، در دوران هایی پیش از اسلام ، خودآرایی نموده و



در معرض نگاه نامحرمان قرار می گرفتند .

و لا تبرجن تبرج الجهنیه الأولى

خودسازی

{خودسازی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۷ - ۸

۸ توجه به خودسازی ( جهاد اکبر ) ، به همراه پیکار با دشمن ( جهاد اصغر ) ، ویژگی پرورش یافتگان مکتب انبیا

و ما کان قولهم الا ان قالوا ربنا اغفر لنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا و ثبت ..

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ - ۷،۱۱

۷ تلاوت آیات الهی ، تزکیه نفوس و تعلیم کتاب و حکمت ، سرلوحه برنامه ها و مسؤولیت های پیامبر ( ص )

اذا بعث فیهم رسولا .. یتلوا علیهم آیته و یرزقهم و یعلمهم الکتب و الحکمه

۱۱ پاکسازی جان ها و آموزش تعالیم دین ، دو مرحله از هدایت انسانها

یرزقهم و یعلمهم الکتب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین

هدایت انسانها، که مفهوم جمله <و ان کانوا .. > دلالت بر آن دارد، بیانگر هدف کلی بعثت است. بنابراین تلاوت و تزکیه و تعلیم می تواند مراحلی برای تحقق این هدف، یعنی هدایت انسانها باشد.

اهمیت خودسازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۷ - ۱۲

۱۲ خودسازی و پاک شدن از گناهان و پیروزی بر دشمنان دین ، از اهداف انبیا و همگامان با ایشان

رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا .. وَاَنْصِرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۳ - نساء - ۴ -

۱۱ لزوم خودسازی ، پیش از نبرد با کفار

و اقيموا الصلوه و اتوا الزكوه فلما كتب عليهم القتال

خودسازی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۱۱

۱۱ لزوم خودسازی ، پیش از نبرد با کفار

و اقيموا الصلوه و اتوا الزكوه فلما كتب عليهم القتال

خودسازی در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۷ - ۸

۸ توجه به خودسازی ( جهاد اکبر ) ، به همراه پیکار با دشمن ( جهاد اصغر ) ، ویژگی پرورش یافتگان مکتب انبیا

و ما كان قولهم الا ان قالوا ربنا اغفر لنا ذنوبنا و اسرافنا في امرنا و ثبت ..

زمینه خودسازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۲۱، ۱۶

۱۶ پایبندی به عهد الهی و پیمان های خود ، زمینه بهره مندی از تزکیه خداوند

ان الذين يشترون بعهد الله و ايمانهم ... و لا يزكّهم

از مفهوم آیه استفاده شده است.

۲۱ تجلّی محبّت الهی نسبت به بندگان ، با تکلم و نظر به آنها در قیامت و تزکیه آنها در دنیا

بلى من اوفى بعهدہ و اتقى فانّ اللّٰه يحبّ المتقين. انّ الذين يشترون ... و لا يزكى

از ارتباط آيه قبل با مفهوم اين آيه برداشت فوق استفاده شده است و چون جمله <لا- يزكيهم> را مقتيد به <يوم القيمة> نكرده بر خلاف فرازهاى قبلى، مى توان گفت تزكيه مربوط به دنياست.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل

عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۳۹

۳۹ پالایشِ درونی اهل ایمان و سازندگی آنان ، هدف خداوند از ابتلای آنان به مشکلات و سختیها

و لیمَحْص ما فی قلوبکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ - ۸

۸ تلاوت آیات قرآن (ارائه نشانه های خدا و حقایق اسلام) زمینه ساز تربیت و تزکیه انسانها

یتلوا علیهم ءایته و یزکیهم

تقدّم ذکر تلاوت قرآن بر تزکیه، دلالت بر تقدّم رتبه ای آن دارد.

عوامل خودسازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۳ - ۷

۷ رابطه اطاعت خاضعانه با پیراسته گشتن نفس از ناخالصی ها \*

اصطفیک .. یا مریم اقتی

خداوند سه نعمت را به مریم ارزانی داشت: گزینش (اصطفیک)، تطهیر (طهرک) و سرآمد بودن (اصطفیک علی نساء العالمین). و در برابر این سه نعمت، سه مسؤولیت از وی خواست: قنوت، سجود، رکوع. به نظر می رسد هر یک از آن سه نعمت به ترتیب، مقتضی هر یک از این سه مسؤولیت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۹ - ۱۳

۱۳ تعلیم و تعلم کتب آسمانی، زمینه ربّانی شدن انسان

کونوا ربّائین بما کنتم تعلّمون الکتاب و بما کنتم تدرسون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ نقش سازنده یادآوری حماسه شجاعت و پایداری مجاهدان راه خدا و یاوران پیامبران در پیکار و مبارزه

و کاتین من نبی قاتل . . . و الله یحبّ

آیه شریفه با یادآوری حماسه <رَبِّيون>، در صدد سازندگی مسلمانان است تا دیگر بار همانند نبرد احد، سستی و زبونی به خود راه ندهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۷ - ۶،۷،۹

۶ نقش سازنده دعا در میدان جنگ و تشویق الهی به آن

و ما كان قولهم ألا ان قالوا ربنا اغفر لنا ذنوبنا .. و انصرنا على القوم الكافر

۷ نقش بنیادین و سازنده دعا در صلابت، قوّت و تسلیم ناپذیری پیکارگران

فما وهنوا .. و ما ضعفوا و ما استكانوا ... و ما كان قولهم ألا ان قالوا ربنا ا

یادآوری دعای مجاهدان ربّانی پس از بیان استقامت آنان، می تواند اشاره ای باشد به اینکه دعا از موجبات استقامت و حماسه آفرینی است.

۹ هنگامه های دشوار، عرصه پالایش روحی دست پروردگان الهی

فما وهنوا .. و ما كان قولهم ألا ان قالوا ربنا اغفر لنا ذنوبنا

جمله <و ما كان قولهم .. >، می رساند که مجاهدان راه خدا به هنگام درگیری با دشمن، تنها به یاد خدا هستند و چیز دیگری فکر و قلب آنان را به خود مشغول نمی سازد و این حالت خلوص و روح پالایش یافته آنان، نتیجه گام نهادن در عرصه های دشوار نبرد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۹ - ۲

۲ تزکیه و پیراسته نمودن جان ها از آلودگی، از شئون خداوند است.

بل الله يزكّي من يشاء

بنابر اینکه <یزکّی> از <تزکیه> به معنای برطرف کردن و زایل نمودن ناپاکیها باشد، نه از

<تزکیه> به معنای توصیف به پاکی و طهارت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۸

۸ نقش اقامه نماز و پرداخت زکات ، در خودسازی و آمادگی برای جهاد و فداکاری

الم تر الى الذین قیل لهم کفوا ایدیکم و اقیموا الصلوه و اتوا الزکوه فلما کتب ع

فرمان خداوند به برپایی نماز و ادای زکات، پس از نهی از مبارزه مسلحانه، دلالت بر این دارد که تا اقامه نماز و ادای زکات جایگاه خویش را در جامعه نیابد، شرایط برای مبارزه و جهاد آماده نمی شود.

موانع خودسازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۱۴، ۱۵، ۲۲

۱۴ سوداگران عهد الهی و پیمان شکنان ، محروم از پاک شدن و رشد یافتن به دست خداوند .

انّ الذین یشترون بعهد الله .. و لا یرکبهم

تزکیه از ماده <زکوّ> و یا <زکّی>، به معنای پاک شدن و نیز به معنای رشد یافتن می باشد.

۱۵ علمای اهل کتاب به لحاظ سوداگری بر سر عهد الهی و پیمان شکنی ، مورد غضب خداوند ، و محروم از سخن و نظر او در قیامت و بی بهره از تزکیه او

و منهم من ان تأمنه بدینار .. انّ الذین یشترون ... و لا یکلمهم الله و لا ینظر

۲۲ دنیاپرستی ، موجب محرومیت از مواهب اخروی و سخن و نظر خدا در قیامت و مانع رشد یافتن و پاک گشتن

انّ الذین یشترون .. ثمناً قليلاً ... و لا یرکبهم

خودستایی

آثار خودستایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه -



۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۴ - ۷

۷ - اعتقاد به پاکی و بی گناهی خویش ، از زمینه های ترک انفاق

فلاترکوا أنفسکم .. أفرءیت الذی ... و أعطی قليلاً و أكدی

عبارت <أفرأیت.. > پس از <فلاترکوا...>، می تواند ناظر به آن باشد که ترک کنندگان انفاق، به واسطه عجب و غرور، گرفتار بخل و امساک شدند.

اجتناب از خودستایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۱۸

۱۸ - لزوم اجتناب از دعوی بی گناهی و پاکی ، در برابر خداوند آگاه به آشکار و نهان انسان ها

هو أعلم بکم .. فلاترکوا أنفسکم

احکام خودستایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۸ - ۱۲

۱۲ بیان صفات نیک خویش در راستای انجام وظایف الهی ، امری روا و پسندیده

أبلغکم رسل ربی و أنا لکم ناصح أمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱۷، ۹

۹ بیان ویژگی های مثبت خویش برای تصدی امری که وظیفه دینی و انسانی است ، جایز و شایسته است .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

۱۷ > قال سفیان : قلت لأبی عبد الله (ع) یجوز أن یرکی الرجل نفسه ؟ قال : نعم إذا اضطرَّ إلیه ، أما سمعت قول یوسف : > .  
..إنی حفیظ علیم < ... ;

سفیان گوید: به امام صادق(ع) گفتم: آیا جایز است انسان از خود ستایش کند؟ فرمود: آری اگر ناچار شود. آیا نشنیده ای سخن یوسف را که گفت: >...إنی

حفیظ علیم <...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۳ - ۱۸

۱۸- بیان فضایل و کمالات خود ، به منظور راهنمایی و هدایت دیگران جایز و نیکو است .

إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱۸

۱۸ - جواز ستایش از خود در موارد لزوم

ستجدني إن شاء الله من الصالحين

خودستایی جایز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۸ - ۱۲

۱۲ بیان صفات نیک خویش در راستای انجام وظایف الهی ، امری روا و پسندیده

أبلغكم رسلت ربي و أنا لكم ناصح أمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱۷، ۹

۹ بیان ویژگی های مثبت خویش برای تصدی امری که وظیفه دینی و انسانی است ، جایز و شایسته است .

اجعلني على خزائن الأرض إني حفيظ علیم

۱۷ > قال سفیان : قلت لأبي عبدالله (ع) يجوز أن يزكّي الرجل نفسه ؟ قال : نعم إذا اضطرّ إليه ، أما سمعت قول يوسف : > .

..إني حفيظ علیم <... ;

سفیان گوید: به امام صادق(ع) گفتم: آیا جایز است انسان از خود ستایش کند؟ فرمود: آری اگر ناچار شود. آیا نشنیده ای سخن یوسف را که گفت: <...إنی حفیظ علیم<...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۳ - ۱۰

۱۰- برشمردن امتیازات و ویژگی ها ، به منظور رفع

اتهام از خود یا دیگران ناپسند نیست .

قال إني عبد الله . . . و يوم أُبعث حيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۳ - ۱۸

۱۸- بیان فضایل و کمالات خود ، به منظور راهنمایی و هدایت دیگران جایز و نیکو است .

إني قد جاءني من العلم ما لم يأتك فاتبعني أهدك صراطاً سوياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱۸

۱۸ - جواز ستایش از خود در موارد لزوم

ستجدني إن شاء الله من الصالحين

خودستایی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱۷

۱۷ > قال سفیان : قلت لأبي عبد الله (ع) يجوز أن يزكي الرجل نفسه؟ قال : نعم إذا اضطر إليه ، أما سمعت قول يوسف : > .

..إني حفيظ عليم <...> ;

سفیان گوید: به امام صادق(ع) گفتم: آیا جایز است انسان از خود ستایش کند؟ فرمود: آری اگر ناچار شود. آیا نشنیده ای

سخن یوسف را که گفت: <...إني حفيظ عليم<...> .

سرزنش خودستایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۹ - ۸

۸ ناپسندی خودستایی و ادعای رشدیافتگی و کمال

الم تر الى الذين يزكون انفسهم بل الله يزكى من يشاء

منشأ خودستایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۱۹

۱۹ - خودستایی ، زاییده غفلت انسان از علم احاطه دار خداوند

هو أعلم بكم .. فلاتزکوا انفسکم

تفریح <فلاتزکوا انفسکم> بر

<هو أعلم..>، نشانگر آن است که تزکیه نفس و ستایش های دروغین انسان از خویش، نتیجه غفلت او از علم نامحدود خداوندی است.

ناپسندی خودستایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۲۰

۲۰ - ستایش از خویشتن و دعوی پاکی ، با وجود زمینه های طبیعی آلودگی به گناه ، امری ناروا و ناشایست \*

هو أعلم بکم ... و إذ أنتم أجنّه فی بطون أمهتکم فلا تزکوا أنفسکم

ذکر <أنشأکم من الأرض> و <أنتم أجنّه> احتمالاً برای آن است که انسان خاکی که دوران جنینی را گذرانده و از عوامل مختلف تأثیر پذیرفته است چگونه می تواند ادعای پاکی و خطاناپذیری، داشته باشد.

خودفرااموشی

زمینه خودفرااموشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۲۳

۲۳ عبدالعزیز بن مسلم گوید: از امام رضا (ع) درباره سخن خدا که می فرماید: <نسوا الله فَنسِيهِمْ> سؤال کردم فرمود: <ان الله تعالى لا ينسى ولا يسهو... و انما يجازی من نسیه و نسی لقاء یومه بان ينسیهم أنفسهم...>

خدای تعالی نه فراموشی دارد و نه اشتباه... همانا خداوند کسانی را که او و دیدار قیامت را فراموش کرده اند به این صورت مجازات می کند که خودشان را از یادشان ببرد...>

خودفریبی

آثار خودفریبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۰ - ۳

۳- انسان ، تنها با فریب دادن خرد خویش می تواند



از ادیان الهی گریزان شود .

و من یرغب عن مله إبرهیم إلا من سفه نفسه

<نفسه> مفعول برای <سفه> است. بنابراین <من سفه نفسه>؛ یعنی، کسی که خود را به سفاهت واداشته است. در برداشت فوق از آن فریب دادن خرد، تعبیر شده.

خودمحوری

سرزنش خودمحوری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۱۵

۱۵ گسستن سرنوشت خویش از سرنوشت اسلام و مسلمین ، علی رغم اظهار دیانت ، نشانه بیماری دل و سستی ایمان

فتری الذین فی قلوبهم مرض . . . یقولون نخشی ان تصینا دائره

خودنمایی

آثار خودنمایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۶

۶ - خودنمایی و تجمل گرایی عده ای ، عامل گرایش مردم به دنیاطلبی و زخارف آن

فخرج علی قومه فی زینته قال الذین یریدون الحیوه الدنیا یلیت لنا مثل ما أوتی قر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۱ - ۱۰

۱۰ - طغیان ، سرمستی ، فسادانگیزی ، فخرفروشی و خودنمایی ، از عوامل هلاکت و نابودی

إن قرون . . . فبغی . . . لاتفرح . . . و لاتبغ الفساد . . . فخرج علی قومه فی زینته . . .

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند پس از برشمردن تعدادی از اوصاف ناپسند قارون، مسأله نابودی وی را مطرح فرمود. این نکته می‌رساند که اوصاف یاد شده در نابودی وی مؤثر بوده است.

آثار خودنمایی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۷

۷ - خودنمایی و تجمل

گرایی قارون ، باعث برانگیخته شدن خوی دنیاخواهی عناصر غافل و دنیاطلب بود .

قال الذین یریدون الحیوه الدنیا .. إینه لذو حظّ عظیم

خودنمایی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۳ - ۵

۵- زنان ، در دوران هایی پیش از اسلام ، خودآرایی نموده و در معرض نگاه نامحرمان قرار می گرفتند .

و لا تبرجن تبرج الجهنیه الأولى

خودنمایی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۱

۱- اقدام قارون به خودنمایی و فخرفروشی بر قوم خویش

فخرج علی قومه فی زینته

تعبیر <علی قومه> به جای <الی قومه>، نشان می دهد که وی با انگیزه بزرگ نمایی و تحقیر مردم بر آنان ظاهر شده بود.

گناه خودنمایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۲

۲- فخرفروشی و خودنمایی ، گناهی بس بزرگ در پیشگاه خداوند

فخرج علی قومه فی زینته .. فحسفننا به و بداره الأرض

برداشت یاد شده با توجه به تفریح <حسفننا> بر <فخرج علی قومه فی زینته> به دست می آید زیرا قارون پس از فخرفروشی و خودنمایی در میان مردم، به هلاکت رسید.

ناپسندی خودنمایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۴

۴ - تجمل و آرایش برای خودنمایی ، فخر فروشی ، رفتاری است ناپسند و مردود .

فخر ج علی قومه فی زینته

خودنمایی

آثار خودنمایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۶

۶ - خودنمایی

و تجمل گرایی عده ای ، عامل گرایش مردم به دنیاطلبی و زخارف آن

فخرج علی قومه فی زینته قال الذین یریدون الحیوه الدنیا یلیت لنا مثل ما أوتی قر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۱ - ۱۰

۱۰ - طغیان ، سرمستی ، فسادانگیزی ، فخرفروشی و خودنمایی ، از عوامل هلاکت و نابودی

إن قرون .. فبغی ... لاتفرح ... و لاتبغ الفساد ... فخرج علی قومه فی زینته ...

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند پس از برشمردن تعدادی از اوصاف ناپسند قارون، مسأله نابودی وی را مطرح فرمود. این نکته می رساند که اوصاف یاد شده در نابودی وی مؤثر بوده است.

آثار خودنمایی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۷

۷ - خودنمایی و تجمل گرایی قارون ، باعث برانگیخته شدن خوی دنیاخواهی عناصر غافل و دنیاطلب بود .

قال الذین یریدون الحیوه الدنیا .. إنه لذو حظّ عظیم

خودنمایی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۳ - ۵

۵ - زنان ، در دوران هایی پیش از اسلام ، خودآرایی نموده و در معرض نگاه نامحرمان قرار می گرفتند .

و لاتبرجن تبرج الجهلیه الأولى

خودنمایی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - اقدام قارون به خودنمایی و فخر فروشی بر قوم خویش

فخر ج علی قومه فی زینته

تعبیر <علی قومه> به جای <إلی قومه>، نشان می دهد که وی با

انگیزه بزرگ نمایی و تحقیر مردم بر آنان ظاهر شده بود.

گناه خودنمایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۲

۲ - فخر فروشی و خودنمایی ، گناهی بس بزرگ در پیشگاه خداوند

فخر ج علی قومه فی زینته .. فحسفننا به و بداره الأرض

برداشت یاد شده با توجه به تفریح <خسفننا> بر <فخر ج علی قومه فی زینته> به دست می آید زیرا قارون پس از فخر فروشی و خودنمایی در میان مردم، به هلاکت رسید.

ناپسندی خودنمایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۴

۴ - تجمل و آرایش برای خودنمایی ، فخر فروشی ، رفتاری است ناپسند و مردود .

فخر ج علی قومه فی زینته

### خودکشی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خودکشی

توبه با خودکشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۶ - ۵

۵ رویگردانی مردم جز گروهی اندک از توبه در صورت مشروط بودن آن به خودکشی و یا ترک خانه و کاشانه

و لو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤك فاستغفروا الله .. و لو انا كتبنا ... ما فعلو

حرمت خودکشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۵ - ۴

۴ - حرمت خودکشی و انتخاب طریق و روشی که به هلاکت آدمی می انجامد .

و لاتلقوا بأیدیکم إلی التهلکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۹ - ۸

۸ حرمت انتحار و خودکشی \*

و لا تقتلوا انفسکم

خودکشی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه



۷ - کشتن یکدیگر ، توبه تعیین شده ای برای گوساله پرستان بنی اسرائیل

فتوبوا إلی بارئکم فاقتلوا أنفسکم

حرف <فاء> در <فاقتلوا> تفسیریه است؛ یعنی، بیانگر این است که جمله <أقتلوا أنفسکم> تفسیر و توضیح جمله قبل (توبوا ..) می باشد. در معنای جمله <فاقتلوا أنفسکم> دو نظر ایراد شده است. ۱ فاقتلوا بعضکم بعضاً (یکدیگر را بکشید)؛ ۲ هر کسی خود را بکشد.

۹ - حضرت موسی (ع) با زمینه سازی فکری و روانی برای مرتدان بنی اسرائیل ، آنان را برای پذیرش و اجرای امر خدا (کشتن یکدیگر) آماده کرد .

يقوم إنکم ظلمتم أنفسکم

موسی (ع) از انتساب بنی اسرائیل به خویش با گفتن <یا قوم> (ای مردم من) در صدد تفهیم این حقیقت است که: او از روی دلسوزی آنان را به توبه دعوت می کند و از آنان می خواهد که به حکم خدا گردن نهند. تصریح به اینکه بنی اسرائیل با گوساله پرستی به خود ستم کردند نیز در راستای این معناست.

۱۴ - موسی (ع) خیر و سعادت مرتدان قومش را در توبه و کشتن یکدیگر دانست .

فاقتلوا أنفسکم ذلکم خیر لکم عند بارئکم

۱۹ - مرتد شدگان بنی اسرائیل (گوساله پرستان) پس از فرمان موسی (ع) به کشتن یکدیگر پرداختند .

فاقتلوا أنفسکم .. فتاب علیکم

جمله <تاب علیکم> عطف بر جمله ای مقدر است؛ یعنی: <ففعلتم ما أمرتم به فتاب علیکم> پس آنچه را بدان موظف شدید انجام دادید و خداوند توبه شما را پذیرفت. قابل ذکر است که ضمیر در <تاب> به قرینه

جمله بعد به <بارئکم> (خالق شما) بر می گردد.

۲۱ - داستان توبه مرتدان بنی اسرائیل و اجرای فرمان خدا مبنی بر کشتن یکدیگر، داستانی آموزنده و درخور به خاطر داشتن

و اذ قال موسی .. فتاب علیکم

<اذ قال .. > عطف بر <نعمتی> در آیه ۴۷ است، یعنی: <اذکروا اذ قال ...>.

سرزنش خودکشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۵ - ۷

۷ - خودکشی، تلاش بی ثمر در جهت رهایی از سرخوردگی و بن بست در زندگی

من کان یظنّ أن لن ینصره الله .. فلیمدد بسبب الی السماء... هل یدهبّن کیده ما یغ

ظلم خودکشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۰ - ۶

۶ خودکشی، تجاوز و ستمگری است و موجب گرفتاری به عذاب دوزخ . \*

ولا تقتلوا انفسکم .. و من یفعل ذلک ... فسوف نُصلیه ناراً

کیفر خودکشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۰ - ۱۰

۱۰ حضور جاودانه در آتش دوزخ، پیامد و مجازات خودکشی

فسوف نُصلیه ناراً

امام صادق (ع): من قتل نفسه متعمداً فهو فی نار جهنّم خالداً فیها قال الله تعالی: <ولا تقتلوا انفسکم .. فسوف نُصلیه ناراً>.

---

من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۷۴، ح ۲۳، ب ۱۷۹؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۴، ح ۱۲.

گناه خودکشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۱ - ۹

۹ انتحار و خودکشی، از گناهان کبیره \*

لا

تقتلوا انفسكم .. ان تجتنبوا كبائر ما تنهون عنه

موارد خودکشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۹ - ۲۲، ۲۱، ۲۰

۲۰ وضو و غسل در هوای سرد با وجود خطر جانی، در حکم خودکشی است.

و لا تقتلوا انفسکم

رسول الله (ص) در پاسخ سؤال از وضو و غسل در هوای سرد با وجود خطر جانی فرمود: و لا تقتلوا انفسکم ان الله کان بکم رحیماً.

---

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۶، ح ۱۰۲ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۲، ح ۲۰۱ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۳، ح ۸.

۲۱ یورش مسلمان به تنهایی بر اجتماع دشمن مشرک و خود را در معرض کشته شدن قرار دادن، در حکم خودکشی است.

و لا تقتلوا انفسکم

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: .. عنی بذلك الرجل من المسلمین یشد علی المشرکین وحده یجیء فی منازلهم فیقتل فنهاهم الله عن ذلك.

---

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۵، ح ۹۸ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۳، ح ۲.

۲۲ جنگیدن بدون توان و آمادگی برای پایداری، در حکم خودکشی است.

و لا تقتلوا انفسکم

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: لا تخاطروا بنفوسکم فی القتال فتقاتلون من لا تطیقونه.

---

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۱۸۰ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۲، ح ۲۰۰ / مجمع البیان، ج ۳، ص ۶۰.

## خوردن از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خوردن

بت ها و خوردن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۱ - ۲

۲ - استهزای معبود های مشرکان در بتکده از سوی ابراهیم (ع) ،

با توجه به ناتوانی آنان از خوردن بود .

فراغ إلى الهتهم فقال ألا تأكلون

استفهام در <ألا تأكلون> برای استهزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۲ - ۳

۳ - مشرکان عصر ابراهیم ، پرستشگر معبودهایی ناتوان از خوردن و گفتوگو کردن

فقال ألا تأكلون . ما لكم لا تنطقون

تشبیه به خوردن گوشت مرده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۲ - ۱۹، ۱۶

۱۶ - ریختن آبروی برادر مؤمن با غیبت ، به منزله خوردن گوشت بدن بی جان او است .

أیحبّ أحدکم أن یأکل لحم أخیه میتاً

۱۹ - تجسس در عیب ها و کاستی های مؤمنان ، همانند غیبت به منزله خوردن گوشت آنان است . \*

ولا تجسسوا .. أیحبّ أحدکم أن یأکل لحم أخیه میتاً

برداشت بالا بدان احتمال است که <أیحبّ..> تنها در جهت ترسیم قبح غیبت نباشد؛ بلکه علاوه بر غیبت شامل تجسس نیز بشود.

تعبیر رؤیای خوردن پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۱ - ۳

۳ یوسف (ع) ، رؤیای حمل نان و خوردن پرندگان از آن را ، به دار کشیده شدن صاحب رؤیا و خوردن پرندگان از سر او تفسیر کرد .

و أما الآخر فيصلب فتأكل الطير من رأسه

<صلب> (مصدر يصلب) یعنی ، کشتن به طریق بستن به چوبه دار

حرمت خوردن خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۱

۱ - خوردن مردار ، خون ، گوشت خوگ و حیوانی که به

نام غیر خدا ذبح شده ، حرام است .

إنما حرم علیکم المیتة و الدم و لحم الخنزیر و ما أهل به لغير الله

<اهلال> (مصدر (أهلّ) به معنای بلند کردن صداست و مقصود از آن در آیه - چنانچه اهل تفسیر برآیند - نام بردن است و لام در <لغير الله> برای تعدیه می باشد. بنابراین <ما أهل به لغير الله>؛ یعنی، حیوانی که [به هنگام ذبح] نام غیر خدا بر او برده شود.

حرمت خوردن مردار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۱

۱ - خوردن مردار ، خون ، گوشت خوک و حیوانی که به نام غیر خدا ذبح شده ، حرام است .

إنما حرم علیکم المیتة و الدم و لحم الخنزیر و ما أهل به لغير الله

<اهلال> (مصدر (أهلّ) به معنای بلند کردن صداست و مقصود از آن در آیه - چنانچه اهل تفسیر برآیند - نام بردن است و لام در <لغير الله> برای تعدیه می باشد. بنابراین <ما أهل به لغير الله>؛ یعنی، حیوانی که [به هنگام ذبح] نام غیر خدا بر او برده شود.

خرما خوردن مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۶ - ۱

۱- حضرت عیسی (ع) در آغاز تولد خویش ، مادرش مریم (س) را به خوردن خرماى تازه و نوشیدن از آب نهر فرا خواند .

فنادیها من تحتها .. تحتك سرّیاً ... رطبًا جنيًا . فكلی واشربی

خوردن آتش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰



۲ خوردن ظالمانه مال یتیم در واقع ، خوردن آتش است .

انّ الذّین یاکلون اموال الیتامی ظلماً انّما یاکلون فی بطونهم ناراً

خوردن از خانه برادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳،۱۰

۳ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج .. ان تأکلوا من ... بیوت ءابائکم ... او بیوت أخوتکم

۱۰ - استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج ... ان تأکلوا من بیوتکم او بیوت ءابائکم ... او بیوت أخوتکم .

خوردن از خانه پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳،۱۰

۳ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج .. ان تأکلوا من ... بیوت ءابائکم ... او بیوت أخوتکم

۱۰ - استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج .. ان تأکلوا من

بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم .

خوردن از خانه خاله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳،۱۰

۳ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأکلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

۱۰ - استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم .

خوردن از خانه خواهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳،۱۰

۳ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأکلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

۱۰ - استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم .

خوردن از خانه خویشاوندان

جلد - نام

۱۴ - استفاده از خوراکی های موجود در منازل خویشاوندان ، بدون اذن خواستن از ایشان ، از حقوق خویشاوندی است .

ليس على الأعمى حرج .. ولا على أنفسمك أن تأكلوا من بيوتكم أو بيوت ءابائكم ...

مجاز بودن استفاده از خوراکی های منازل پدر، مادر، برادر، خواهر، عمو و .. که از خویشاوندان محسوب می شوند و بدون هیچ اذنی از آنان، حاکی از حقی است میان آنان که باید رعایت شود.

۲۲ - مسلمانان ، در عین مجاز بودن از تناول کردن خوراکی های منازل خویشاوندان و دوستان خویش ، می توانند با هم و یا جدا از آنان و بدون اذن ، غذا میل کنند .

ليس على الأعمى حرج .. ولا على أنفسمك أن تأكلوا من بيوتكم أو بيوت ءابائكم ... أ

خوردن از خانه دایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

ليس على الأعمى حرج .. أن تأكلوا من ... بيوت ءابائكم ... أو بيوت أخوتكم

۱۰ - استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

ليس على الأعمى حرج .. أن تأكلوا من بيوتكم أو

بیوت ءابائکم ... أو بیوت أختکم .

خوردن از خانه دوست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳۹، ۲۲، ۱۵، ۱۳، ۴

۴ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منزلی که کلید های آنها را در دست دارند و نیز از منازل دوستان خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأکلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم

۱۳ - استفاده از خوراکی های منازل دوستان ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأکلوا من بیوتکم ... أو صدیقکم

۱۵ - استفاده از خوراکی های موجود در منازل دوستان ، بدون اذن خواستن از ایشان از حقوق دوستی است .

لیس علی الأعمی حرج ... ولا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفات

۲۲ - مسلمانان ، در عین مجاز بودن از تناول کردن خوراکی های منازل خویشاوندان و دوستان خویش ، می توانند با هم و یا جدا از آنان و بدون اذن ، غذا میل کنند .

لیس علی الأعمی حرج .. ولا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أ

۳۹ - > عن أبي عبد الله (ع) في قول الله عز وجل : < أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم > قال : هولاء الذین سمی الله عز وجل فی هذه الآیه تأکل بغير إذنه من التمر و المأدوم ... فأما ما خلا ذالك من الطعام فلا ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدای عزوجل > أو ما

ملکتکم مفاتحه أو صدیقکم > فرمود: افرادی که خداوند عزوجل در این آیه ذکر کرده است، بدون اجازه شان از خرما و نان خورشتشان بخورید. .. و غیر از آن، از بقیه طعام ها نمی توانید بدون اجازه بخورید.<

خوردن از خانه عمو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳،۱۰

۳ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

۱۰ - استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم .

خوردن از خانه عمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳،۱۰

۳ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

۱۰ - استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود

، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم .

خوردن از خانه فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۲،۹

۲ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های اهل خانه خود ( فرزندان و همسر ) بدون هیچ اجازه ای ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج .. أن تأكلوا من بیو

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله <و لا- علی أنفسکم أن تأكلوا من بیوتکم > عطف بر جمله پیشین باشد. گفتنی است مقصود از <بیوتکم > (خانه های خود) خانه همسر و فرزندان است که از افراد خودی هر شخصی محسوب می شوند.

۹ - استفاده از خوراکی های اهل خانه خود ( فرزندان و همسر ) بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج ... و لا علی أنفسکم أن تأكلوا من بیوتکم

خوردن از خانه مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳،۱۰

۳ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

۱۰ - استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ،

عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم .

خوردن از خانه موکل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳۹، ۳۶، ۱۲، ۱۱، ۴

۴ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منزلی که کلید های آنها را در دست دارند و نیز از منازل دوستان خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم

۱۱ - استفاده از خوراکی های منزلی که کلید های آنها در دست انسان است ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفاتحه

۱۲ - انبارداران و کسانی که وکیل افراد در نگه داری خوردنی ها و مواد غذایی اند ، می توانند بدون اذن خواستن از صاحبان آنها ، از آن خوردنی ها تناول کنند .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفاتحه

برخی از مفسران بر آنند که مقصود از < ما ملکتم مفاتحه > کسانی اند که وکیل و قیم دیگران در آب ملک و حیواناتی مانند گاو ، گوسفند و شتر می باشند. این افراد حق دارند بدون اذن خواستن، از خوراکی های موجود در انبارها و نیز از شیر و دیگر فراورده های حیوانات تحت حفاظت خود، به مقدار مصرف شخصی خود بهره گیرند.

۳۶ - > عن أبي عبد الله (ع

( فی قول الله عزوجلّ : < أو ماملکتُم مفاتحه > قال : الرجل یكون له وکیل یقوم فی ماله فیأکل بغير إذنه ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است که در باره سخن خدای عزوجلّ <أو ما ملکتم مفاتحه> فرمود: این مانند آن است که شخص، وکیلی دارد که اداره مال او در دست وی است. او می تواند بدون اجازه صاحب مال از آن بخورد.<

۳۹ - < عن أبي عبدالله (ع) فی قول الله عزوجلّ : < أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم > قال : هولاء الذین سمی الله عزوجلّ فی هذه الآیه تأکل بغير إذنه من التمر و المأدوم . . . فأما ما خلا ذالک من الطعام فلا ؛

از امام صادق(ع) درباره سخن خدای عزوجلّ <أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم> فرمود: افرادی که خداوند عزوجل در این آیه ذکر کرده است، بدون اجازه شان از خرما و نان خورشتشان بخورید. .. و غیر از آن، از بقیه طعام ها نمی توانید بدون اجازه بخورید.<

خوردن از خانه همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۲،۹

۲ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های اهل خانه خود ( فرزندان و همسر ) بدون هیچ اجازه ای ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج . . . أن تأکلوا من بیو

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله <ولا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم> عطف بر جمله پیشین باشد.



گفتنی است مقصود از <بیوتکم> (خانه های خود) خانه همسر و فرزندان است که از افراد خودی هر شخصی محسوب می شوند.

۹- استفاده از خوراکی های اهل خانه خود (فرزندان و همسر) بدون اذن خواستن، جایز است.

لیس علی الأعمی حرج... و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم

خوردن جنین در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۱،۳،۴

۱- مشرکان عصر جاهلی خوردن جنین دامهای وقف شده برای خدا و یا بتها را در صورت زنده بر آمدن بر مردان مجاز و بر زنان حرام می شمردند.

و قالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصه لذکورنا و محرم علی أزوجنا

مراد از <ازواج> به قرینه تقابل آن با <ذکور> مطلق <زن> است نه خصوص همسران

۳- مشرکان عصر جاهلی استفاده از جنین مرده حیوانات وقف شده برای خدا و یا بتها را برای زنان و مردان مجاز می شمردند.

و محرم علی أزوجنا و إن یکن میتة فهم فیه شرکاء

۴- خوردن جنین مرده دام در برخی موارد از نظر مشرکان عصر جاهلی جایز بود.

و إن یکن میتة فهم فیه شرکاء

خوردن خوگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۲

۲- به هنگام اضطراب بهره برداری از مردار، خون، گوشت خوگ و ذبیحه ای که نام غیر خدا بر او برده شده، حلال است.

فمن اضطر... فلا إثم علیه

خوردن خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ -

۲- به هنگام اضطراب بهره برداری از مردار ، خون ، گوشت خوگ و ذبیحه ای که نام غیر خدا بر او برده شده ، حلال است .

فمن اضطر .. فلا إثم علیه

خوردن در شبهای ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۲۰

۲۰- خوردن و آشامیدن در شب های رمضان تا طلوع فجر جایز است .

كلوا و اشربوا حتی یتبین لكم الخیط الأبیض من الخیط الأسود من الفجر

خوردن ذبیحه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۱۱۹ - ۱،۲

۱ برخی از مردم عصر جاهلیت خوردن گوشت حیوانی را که با نام خدا ذبح شده باشد حرام می دانستند.

و ما لكم ألا تأكلوا مما ذكر اسم الله علیه

۲ برخی از مسلمانان صدر اسلام به جهت شبهه های ایجاد شده مشرکان از خوردن ذبیحه با نام خدا خودداری می کردند.

فكلوا مما ذكر اسم الله .. و ما لكم ألا تأكلوا

لحن عتاب گونه آیه چنین می نمایاند که بر اثر تبلیغات کافران و سخنان فریبنده آنان برخی از مسلمانان از خوردن ذبیحه حلال خودداری می کردند.

خوردن ذبیحه حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۱۱۹ - ۱۰

۱۰ در صورت اضطرار خوردن از حیوانی که هنگام ذبح نام خدا بر آن برده نشده باشد، جایز است.

و قد فصل لكم ما حرم عليكم إلا ما اضطررتم إليه

خوردن قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج -

۱۰ - خوردن گوشت قربانی برای حاجیان مجاز است .

فإذا وجبت جنوبها فكلوا منها

<وجوب> (مصدر <وجبت>) به معنای سقوط و افتادن است. <جنوب> نیز جمع <جنب> و به معنای پهلو است؛ یعنی، وقتی شتران افتادند و به پهلو غلتیدند (جان دادند)، از گوشت آنها بخورید و به نیازمندان بخورانید. گفتنی است که عرب جاهلی، می پنداشتند قربانی مال خدایان است و کسی حق ندارد از آن استفاده کند. خداوند در این جا تذکر می دهد که این پندار، گمانی است غلط و مسلمانان نباید قربانی را به حال خود رها کنند به گمان این که اینها شعائر الهی اند و خوردن آنها هتک حرمت شعائر است؛ بلکه همین که قربانی جان داد، باید بخشی از آن را برای خود بردارند و بقیه را به نیازمندان بدهند.

۱۳ - منع استفاده انحصاری حاجیان از گوشت قربانی و دریغ کردن از اطعام آن به نیازمندان

فكلوا منها

با توجه به کلمه <من> معنای جمله فوق چنین است: بخشی از آن را بخورید؛ (نه همه اش را).

خوردن گوشت اسب در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۱۰

۱۰- خوردن گوشت اسب ، استر و الاغ در میان مردم عصر بعثت متداول نبوده است .

و الأنعم خلقها لكم .. و منها تأكلون ... و الخيل و البغال و الحمير لتركبوها و

خوردن گوشت استر در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۱۰

۱۰- خوردن گوشت اسب ، استر و الاغ در میان مردم عصر بعثت متداول

نبوده است .

و الأنعم خلقها لكم .. و منها تأكلون ... و الخيل و البغال و الحمير لتركبوها و

خوردن گوشت الاغ در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۱۰

۱۰- خوردن گوشت اسب ، استر و الاغ در میان مردم عصر بعثت متداول نبوده است .

و الأنعم خلقها لكم .. و منها تأكلون ... و الخيل و البغال و الحمير لتركبوها و

خوردن گوشت چهارپایان در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۹

۹- خوردن گوشت دام ها ( گاو ، گوسفند و شتر ) در میان مردم عصر بعثت ، امری رایج و متداول بوده است .

و الأنعم خلقها لكم .. و منها تأكلون ... و الخيل و البغال و الحمير لتركبوها و

با توجه به اینکه در ردیف منافع انعام (گاو، شتر و گوسفند) استفاده از گوشت ه نها ذکر شده ، ولی برای اسب، استر و الاغ چنین استفاده ای بیان نگردیده و از طرفی این آیات در صدد برشمردن نعمتهاست و تا زمانی که استفاده از چیزی متداول نباشد نعمت بر آن صدق نمی کند، معلوم می شود که خوردن گوشت گاو، گوسفند و شتر متداول بوده و ولی خوردن گوشت اسب، استر و الاغ متداول نبوده است.

خوردن گوشت شتر در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۹

۹- خوردن گوشت دام ها ( گاو ، گوسفند و شتر ) در میان مردم عصر بعثت ، امری رایج

و متداول بوده است .

و الأنعم خلقها لكم . . . و منها تأكلون ... و الخيل و البغال و الحمير لتركبوها و

با توجه به اینکه در ردیف منافع انعام (گاو، شتر و گوسفند) استفاده از گوشت ه نها ذکر شده ، ولی برای اسب، استر و الاغ چنین استفاده ای بیان نگردیده و از طرفی این آیات در صدد برشمردن نعمتهاست و تا زمانی که استفاده از چیزی متداول نباشد نعمت بر آن صدق نمی کند، معلوم می شود که خوردن گوشت گاو، گوسفند و شتر متداول بوده ولی خوردن گوشت اسب، استر و الاغ متداول نبوده است.

خوردن گوشت گاو در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۹

۹- خوردن گوشت دام ها ( گاو ، گوسفند و شتر ) در میان مردم عصر بعثت ، امری رایج و متداول بوده است .

و الأنعم خلقها لكم . . . و منها تأكلون ... و الخيل و البغال و الحمير لتركبوها و

با توجه به اینکه در ردیف منافع انعام (گاو، شتر و گوسفند) استفاده از گوشت ه نها ذکر شده ، ولی برای اسب، استر و الاغ چنین استفاده ای بیان نگردیده و از طرفی این آیات در صدد برشمردن نعمتهاست و تا زمانی که استفاده از چیزی متداول نباشد نعمت بر آن صدق نمی کند، معلوم می شود که خوردن گوشت گاو، گوسفند و شتر متداول بوده ولی خوردن گوشت اسب، استر و الاغ متداول نبوده است.

خوردن گوشت گوسفند در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶

۹- خوردن گوشت دام ها ( گاو ، گوسفند و شتر ) در میان مردم عصر بعثت ، امری رایج و متداول بوده است .

و الأنعم خلقها لكم . . . و منها تأكلون ... و الخيل و البغال و الحمير لتركبوها و

با توجه به اینکه در ردیف منافع انعام (گاو، شتر و گوسفند) استفاده از گوشت ه نها ذکر شده ، ولی برای اسب، استر و الاغ چنین استفاده ای بیان نگردیده و از طرفی این آیات در صدد برشمردن نعمتهاست و تا زمانی که استفاده از چیزی متداول نباشد نعمت بر آن صدق نمی کند، معلوم می شود که خوردن گوشت گاو، گوسفند و شتر متداول بوده ولی خوردن گوشت اسب، استر و الاغ متداول نبوده است.

خوردن مردار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۲

۲ - به هنگام اضطراب بهره برداری از مردار ، خون ، گوشت خوگ و ذبیحه ای که نام غیر خدا بر او برده شده ، حلال است .

فمن اضطر . . . فلا إثم علیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۱ - ۴،۶

۴ خوردن میته حرام است.

و لا تأكلوا مما لم يذكر اسم الله علیه

از موارد و مصادیق مسلم برای <ما لم يذكر اسم الله>، حیوانی است که خود مرده باشد.

۶ خوردن از حیوانی که با نام خدا ذبح نشده باشد، عصیانی است که شناخت آن پنهان است.\*

و إن الشیطين لیوحون إلی أولیائهم

تأکید بر <فسق> بودن خوردن از حیوانی که نام خدا بر آن



برده نشده، پس از تقسیم گناهان به <ظاهر الإثم و باطنه> در آیه قبل، حکایت از آن دارد که این گناه از نوع <باطن الإثم> است.

رؤیای خوردن پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۵

۵ حمل نان بر بالای سر و خوردن پرندگان از آن، رؤیای یکی دیگر از هم بندگان یوسف (ع)

و قال الآخر إني أرىني أحمل فوق رأسي خبزًا تأكل الطير منه

<طير> جمع طائر و به معنای پرندگان است.

طعام خوردن انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۰ - ۱

۱ همه پیامبران الهی در طول تاریخ، همچون سایر مردمان، نیازمند به تناول غذا و داد و ستد با مردم

و ما أرسلنا قبلك من المرسلين إلا إنهم ليأكلون الطعام و يمشون في الأسواق

عجز از خوردن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۱ - ۲

۲ - استهزای معبود های مشرکان در بتکده از سوی ابراهیم (ع)، با توجه به ناتوانی آنان از خوردن بود.

فراغ إلىء الهتهم فقال ألا تأكلون

استفهام در <ألا تأكلون> برای استهزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - مشرکان عصر ابراهیم ، پرستشگر معبودهایی ناتوان از خوردن و گفتوگو کردن

فقال ألا تأكلون . ما لكم لاتنطقون

ناپسندی خوردن مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۸ - ۲

۲ - شرک به خدا ،

پرخاش به والدین ، تبذیر ، فرزندکشی ، زنا ، قتل ناحق ، خوردن مال یتیم ، پیروی از راهی که پشتوانه علمی ندارد و مغرورانه راه رفتن ، اعمال ناپسند و منفور خداوند

كُلْ ذَلِكْ كَان سَيِّئَةً عِنْد رَبِّكَ مَكْرُوهاً

خوردنیها

اجتناب از خوردنیهای حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۲۰

۲۰ - ضرورت پرهیز از خوراکی های ناپاک و غیر طیب

كلوا من طيبت .. و ما ظلمونا و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

احکام خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۲ - ۴،۵

۴ - اصل و قاعده اولیه در خوراکی های طیب ، حلیت است .

كلوا من طيبت ما رزقنكم

۵ - استفاده از خوراکی های خبیث ( ناپاک و ناملایم با طبع ) حرام است .

كلوا من طيبت ما رزقنكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۱،۲

۱ - خوردن مردار ، خون ، گوشت خوگ و حیوانی که به نام غیر خدا ذبح شده ، حرام است .

إنما حرم عليكم الميتة و الدم و لحم الخنزیر و ما أهل به لغير الله

<اهلال> (مصدر (أهّل)) به معنای بلند کردن صداست و مقصود از آن در آیه - چنانچه اهل تفسیر برآیند - نام بردن است و لام در <لغير الله> برای تعدیه می باشد. بنابراین <ما أهل به لغير الله>؛ یعنی، حیوانی که [به هنگام ذبح] نام غیر خدا بر او برده شود.

۲- به هنگام اضطرار بهره برداری از مردار، خون، گوشت خوگ و

ذبیحه ای که نام غیر خدا بر او برده شده ، حلال است .

فمن اضطر .. فلا إثم علیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱ - ۱۴، ۹، ۷، ۶، ۵

۵ حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان و سایر بهره برداری ها از آن

أحلت لكم بهیمه الانعم الا ما یتلی علیکم

<بهیمه> اسم است برای هر حیوان چهارپای صحرايي و یا دریایی (مجمع البیان). و <انعام> به گاو و شتر و گوسفند گفته می شود. (مفردات راغب). و اضافه <بهیمه> به <انعام>، اضافه بیانیه است. قابل ذکر است که چون حلیت به خود بهیمه تعلق گرفته نه به خصوص خوردن از گوشت آنها، معلوم می شود علاوه بر استفاده خوراکی، سایر بهره برداریها نیز مورد نظر می باشد.

۶ حرمت خوردن گوشت برخی از چهارپایان و سایر بهره برداری ها از آن

أحلت لكم بهیمه الانعم الا ما یتلی علیکم

۷ حرمت خوردن برخی از اجزای چهارپایان حلال گوشت

أحلت لكم بهیمه الانعم الا ما یتلی علیکم

بنابر اینکه استثنای در <الا ما یتلی> نسبت به اجزای مستثنی منه باشد نه از افراد آن.

۹ خوردن گوشت و سایر بهره برداری ها از حیوانی که در حال احرام شکار شود ، حرام است .

غیر محلی الصيد

بنابر اینکه <صيد> به معنای اسم مفعول باشد ؛ یعنی حیوان شکار شده.

۱۴ حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان ( شتر ، گاو و گوسفند ) و حرمت برخی دیگر و حرمت صید و شکار در حال

احرام ، از عهد ها و پیمان های الهی با مؤمنان

أوفوا بالعقود أحلت لكم بهیمه الانعم الا ما یتلی علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۳۵، ۱۲، ۹، ۸، ۷، ۵، ۴

۴ حرمت استفاده از حیوانی که طعمه و شکار درندگان شده و بمیرد .

حرمت .. و ما اکل السبع

۵ تذکیر حیوان ، موجب حلیت آن می گردد ، اگر چه به واسطه خفگی ، زدن ، پرت شدن ، شاخ خوردن و دریده شدن توسط درندگان در آستانه مردن باشد .

حرمت .. الا ما ذکیتم

۷ حرمت تعیین سهام گوشت حیوان ، به وسیله تیر های قمار

حرمت .. و إن تستقسموا بالازلیم

<ازلام> تیرهای مخصوصی بوده که برای قمار از آن استفاده می کردند. و استقسام چهارپایان به وسیله <ازلام>، به معنای سهم بندی آنها با تیرهای مخصوص است.

۸ حرمت استفاده از گوشتی که به وسیله تیر های قمار سهم بندی شود .

حرمت .. و إن تستقسموا بالازلیم

چون آیه شریفه درباره حیواناتی است که بهره گیری از آنها حرام است، به نظر می رسد علاوه بر حرمت سهم بندی به وسیله تیرهای قمار، دلالت بر تحریم استفاده از گوشتی که آن گونه تقسیم شده نیز داشته باشد.

۹ خوردن مردار ، خون و گوشت خوک ، بردن غیر نام خدا در ذبح ، قربانی برای بت ها و تقسیم گوشت حیوانات با قمار ، از اعمال مردم در جاهلیت

حرمت علیکم ... و ما ذبح علی النصب و إن تستقسموا بالازلیم

۱۲ قسمت بندی گوشت به حکم قمار و استفاده از آن و خوردن گوشت حیوانی که به نام غیر خدا و یا بر آستان بت ها ذبح شود ،

فسق است .

حرمت علیکم ... و ما ذبح علی النصب و إن تستقسموا بالازلیم ذلکم فسق

۳۵ استفاده از مردار ، خون ، گوشت خوگ و حیوانی که نام غیر خدا به هنگام ذبح بر آن برده شود ، در حال اضطرار جایز است .

حرمت علیکم ... فمن اضطر فی مخمسه غیر متجانف لاثم فإنّ الله غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۳۱، ۲۳، ۱۸، ۱۷، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۵، ۳

۳ خوردن طیبات ( چیز های پاکیزه و ملایم با طبع ) حلال است .

قل احل لکم الطیبت

۵ خوردن خبائث ، حرام است .

احل لکم الطیبت

۱۳ خوردن شکاری که به وسیله سگ تعلیم دیده صید و کشته شده باشد ، حلال است .

فکلوا مما امسکن علیکم

بیان اوصافی برای سگان شکاری و شرایطی برای حلیت شکار آنها نشانه آن است که شکار آنها نیازی به تذکیر ندارد. برداشت فوق را فرمایش امام صادق (ع) تأیید می کند که در پاسخ از سؤال از حلیت شکاری که توسط سگ تعلیم دیده، صید و کشته شده باشد فرمود: لا بأس قال الله عزوجل <فکلوا مما امسکن علیکم ... > .

---

کافی، ج ۶، ص ۲۰۲، ح ۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۲، ح ۴۳.

۱۴ وجود حیوانات حلال گوشت در میان حیوانات وحشی

و ما علمتم من الجوارح مکلبین تعلمونهن مما علمکم الله فکلوا مما امسکن

چون سگ و دیگر درندگان را برای شکار حیوانات وحشی به کار می گیرند، برداشت فوق به دست می آید.

۱۵ خوردن شکاری که به وسیله حیوانات درنده تعلیم دیده ( از قبیل سگ ، شیر ، باز شکاری



و... ) صید شود ، حلال است .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین .. فکلوا

کلمه <جوارح> جمع <جارحه> به هر حیوان درنده گفته می شود. گفتنی است که اگر <مکلبین> حالی باشد که تشبیه را افاده کند، نمی تواند <جوارح> را مقید به خصوص سگان شکاری کند. مضافاً اینکه تقیید کلی به یک مصداق خاص دور از فصاحت است.

۱۷ صید درندگان شکاری در صورتی حلال است که همانند سگان شکاری تعلیم دیده ، عمل کنند .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین .. فکلوا مما امسکن

<مکلبین> جمع <مکلب> (تعلیم دهنده سگان)، حال برای فاعل <علمتم> است و معنای تشبیه را افاده می کند، بنابراین معنای آیه چنین می شود: شکار درندگانی که آنها را همانند سگان شکاری تعلیم داده اید، حلال است.

۱۸ صید سگ شکاری تعلیم دیده از طیبات است .

احل لكم الطیبت و ما علمتم من الجوارح

عطف <ما علمتم>، عطف خاص بر عام است.

۲۳ صید سگ شکاری و دیگر درندگان تعلیم دیده در صورتی حلال است که از جانب صیاد روانه شکار شود ، نه سرخود و بدون فرمان .

فکلوا مما امسکن علیکم

کلمه <علیکم> جواز استفاده را مشروط به این می کند که درنده شکاری، شکار را برای صیاد گرفته باشد نه برای خود. و این در صورتی است که حیوان شکاری به اشاره و فرمان صیاد به سوی شکار رود، نه سرخود و بدون فرمان.

۳۱ رعایت مقررات الهی در خوردنی ها و شکار حیوانات ، نشانه تقوا و پرهیزگاری است .

احل لكم الطیبت .. و اذکروا اسم الله علیه و اتقوا الله

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۳۸، ۱۹، ۱۵، ۱۰، ۷، ۶، ۴، ۳

۳ جواز استفاده مسلمانان از غذا های اهل کتاب

و طعام الذین اوتوا الکتب حل لکم

۴ جواز استفاده مسلمانان از ذبایح اهل کتاب \*

و طعام الذین اوتوا الکتب حل لکم

از مصادیق مورد نظر برای <طعام الذین>، به قرینه آیات گذشته که درباره ذبح و تذکیه حیوانات بود، می تواند ذبیحه اهل کتاب باشد.

۶ حلیت غذای مسلمانان برای اهل کتاب

و طعامکم حل لهم

۷ حلیت غذای مسلمانان برای اهل کتاب در قوانین آنان \*

و طعامکم حل لهم

بنابر اینکه جمله <طعامکم حل لهم> اخبار از حکمی در شریعت آنان باشد. یعنی آنان در کتاب خود، دلیلی بر حرمت غذای شما مسلمانان ندارند.

۱۰ تغذیه و احکام آن ، مورد توجه و عنایت دین اسلام

الیوم احل لکم الطیبت . . . و طعامکم حل لهم

۱۵ حلیت طیبات و غذا های اهل کتاب و جواز ازدواج با زنان پاکدامن آنان ، امتنان خداوند بر مسلمانان

الیوم احل لکم

علاوه بر سیاق و لحن آیه، از <لام انتفاع> در <لکم>، امتنان استفاده می شود.

۱۹ اعتقاد به خدا و رسالت انبیا ، ملاک حلیت غذای اهل کتاب و حلیت ازدواج با زنان آنان

احل لکم الطیبت و طعام الذین اوتوا الکتب . . . و المحصنت من الذین اوتوا الکتب

مراد از <الذین اتوا الکتب>، یهود و نصارا هستند، ولی از آنان به <اوتوا الکتاب> تعبیر شده تا به علت حکم اشاره داشته باشد. و مشخصه اهل کتاب در بین سایر کافران، اعتقاد به خدا و رسالت پیامبران است.

۳۸ جواز استفاده از غذا های اهل کتاب مگر ذبایح

و طعام الذین اوتوا الکتب حل لکم

از امام صادق (ع) روایت شده که در رد کسی که برای حلیت ذبیحه اهل کتاب به آیه فوق تمسک کرد فرمود: کان ابی یقول: انما هو الحبوب و اشباهها.

---

کافی، ج ۶، ص ۲۴۰، ح ۱۰؛ نورالتقلین، ج ۱، ص ۵۹۳، ح ۴۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۶ - ۱۰، ۸، ۵، ۴، ۳، ۲

۲ جواز خوردن حیوان های صید شده دریایی، برای محرم و غیر محرم

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

در برداشت فوق ضمیمه در <طعامه> به <صید البحر> برگردانده شده است. بر این مبنا مراد از <طعام> معنای مصدری است.

۳ مسافران غیر محرم مجاز به صید حیوان های دریایی و خوردن آن

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

کلمه <السیاره> به معنای جماعتی است که در حال سیر هستند که از آنان به مسافر تعبیر می شود.

۴ جواز استفاده از خوراکی های دریا برای محرم و غیر محرم

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

در برداشت فوق ضمیمه در <طعامه> به <البحر> برگردانده شده است بر این مبنا طعام به معنای <مایؤکل> خوراکیها است اعم از صید و غیر صید.

۵ شکار حیوان های دریایی در صورتی جایز است که به منظور بهره گیری شکار شوند نه به خاطر تفریح و امثال آن

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

چنانچه متاعاً مفعول له باشد بیانگر علت تجویز صید و طعام بوده و در نتیجه حکم حلّیت دائر مدار آن می باشد بنابراین شکار دریائی تنها در صورت تمتع

و بهره‌وری مجاز شمرده شده است.

۸ حرمت خوردن شکار صحرائی در حال احرام هر چند شخص محرم آن را شکار نکند.

احل لکم صید البحر و طعامه .. و حرم علیکم صید البر

در برداشت فوق کلمه <صید> به معنای اسم مفعول حیوان شکار شده گرفته شده است. و این معنا اعم از این است که خود محرم و یا شخص دیگری آن حیوان را شکار کند.

۱۰ صید حیوانات صحرائی و خوردن گوشت آنها در حال احرام بی تقوایی است.

و حرم علیکم صید البر ما دتم حراماً و اتقوا الله

از مصادیق مورد نظر برای <تقوا> به قرینه <حرم علیکم ..> پرهیز از صید در حال احرام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۹ - ۱۰، ۶، ۵

۵ خداوند محدوده دقیق خوردنیهای حرام را قبل از نزول آیات سوره انعام برای مردم تبیین کرده بود.

و قد فصل لکم ما حرم علیکم

<قد فصل> فعل ماضی محقق و به معنی <قد بین> است و بر وقوع حتمی فعل در گذشته دلالت دارد. بنابراین باید قبل از نزول این آیات، آیاتی در تحریم برخی خوردنیها نازل شده باشد، که ظاهراً آیه ۱۱۵ سوره نحل است.

۶ اصل در خوردنیها حلیت است.

و ما لکم ألا تأکلوا مما ذکر اسم الله علیه و قد فصل لکم ما حرم علیکم

در آیه شریفه با استناد به بیان محرّمات، بقیه موارد مباح و مجاز شمرده شده است. لذا اصل در خوردنیها حلیت است، مگر آنچه حرمتش بیان شود.

۱۰ در صورت اضطرار خوردن از حیوانی که هنگام ذبح نام خدا

بر آن برده نشده باشد، جایز است.

و قد فصل لكم ما حرم عليكم إلا ما اضطررتم إليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۱ - ۱،۲،۴

۱ خوردن ذبیحه ای که نام خدا بر آن برده نشده، حرام است.

و لا تأكلوا مما لم يذكر اسم الله عليه

۲ خوردن از ذبیحه ای که نام خدا بر آن برده نشده، فسق (خروج از طاعت خداوند) است.

و لا تأكلوا مما لم يذكر اسم الله عليه و إنه لفسق

مرجع ضمیر <إنه>، <أكل> می تواند باشد که از جمله <لا تأكلوا> گرفته شده است.

۴ خوردن میته حرام است.

و لا تأكلوا مما لم يذكر اسم الله عليه

از موارد و مصادیق مسلم برای <ما لم يذكر اسم الله>، حیوانی است که خود مرده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۹

۹ جواز استفاده از انواع میوه ها و محصولات کشاورزی برای انسان

كلوا من ثمره إذا أثمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۲

۲ جواز خوردن گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند)

و من الأنعم .. كلوا مما رزقكم الله

<أنعام> جمع <نعمة> به شتر، گاو و گوسفند، اطلاق می شود. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۲،۵

۲ حلیت خوردن از بز و گوسفند نر و ماده و جنین آنها

من الضأن . . . قل الذکرین حرم أم الأنثیین أما اشتملت علیه أرحام الأنثیین

۵ اصل در مأكولات حلیت و اثبات



حرمت آن نیازمند ارائه دلیل علم آور است.

قل الذکرین حرم... نبئونی بعلم إن کنتم صدقین

چون خداوند در آیه شریفه دلیل تحریمهای بیجا را جویا شده است، آن هم دلیلی که <علمی> باشد، چنین بر می آید که حلیت نیازمند دلیل نیست، آنچه محتاج دلیل است تحریم می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۲

۲ استفاده از گوشت شتر و گاو نر و ماده و جنین آنها حلال است.

و من الإبل اثین... قل الذکرین حرم أم الأثینین أما اشتملت علیه أرحام الأثینین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۱۸، ۱۶، ۱۵، ۷، ۶، ۴

۴ همگان (زن و مرد و...) در حلیت بهرهوری از خوردنیهای حلال برابرند.

قل لا أجد... طاعم یطعمه

تعبیر <طاعم یطعمه> ظاهراً ردی است بر تبعیض مشرکان بین زن و مرد در بهره برداری از برخی چهارپایان که در آیات قبل به آن اشاره شد. (و محرم علی أزواجنا.)

۶ خوردن گوشت مردار، خوک، خون و حیوانی که هنگام ذبح نام خدا بر آن برده نشده، حرام است.

إلا أن یکون میتة أو دما مسفوحا أو لحم خنزیر فإنه رجس أو فسقا أهل لغير الله به

۷ ممنوعیت بهره گیری از مردار، خون و خوک، منحصر به خوردن آنهاست. \*

محرم علی طاعم یطعمه إلا أن یکون میتة

۱۵ اضطرار، مجوز خوردن غذاهای حرام به مقدار رفع ناچاری

فمن اضطر غیر باغ و لاعاد

<عاد> از <عدو> به معنی تجاوز است. بنابراین مراد از <لاعاد> در آیه شریفه می تواند <لاعاد من حد

الإضطرار > باشد.

۱۶ خوردن خون، گوشت مردار، خوک و حیوان تذکیه نشده بر مضطر جایز است.

إلا أن يكون ميتة أو دما .. فمن اضطر ... فإن ربك غفور رحيم

۱۸ کسی که با اراده و خواست خود، خویش را به اضطرار بیندازد، حکم مضطر را ندارد و خوردنیهای حرام بر او حلال نمی شود.

فمن اضطر غیر باغ و لاعاد

<باغ> از <بغی> به معنای طلب است <و غیر باغ>، به قرینه جملات قبل، یعنی <غیر طالب للإضطرار>. بنابراین کسی که خود را مضطر کند، مشمول حکم آیه نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۱،۳

۱ خداوند خوردن گوشت حیوانات دارای ناخن (چنگال) را بر یهود حرام کرده بود.

و علی الذین هادوا حرمانا کل ذی ظفر

۳ خوردن دنبه و پیه گاو و گوسفند بر یهود، جز آنچه بر پشت و چسبیده بر روده و استخوان بوده، حرام بوده است.

و من البقر و الغنم حرمانا علیهم شحومهما إلا ما حملت

<شحم> به معنی چربی و پیه است و <ظهر> یعنی پشت و <حوایا>، جمع <حویه>، به معنی روده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۱ - ۵

۵ اسراف و زیاده روی در بهره گیری از خوردنیها و آشامیدنیها، امری حرام برای تمامی انسانها

کلوا و اشربوا و لاتسرفوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۹

۹ جواز استفاده مؤمن و کافر از زیباییها و روزیهای پاکیزه خدا در دنیا

قل هی للذین ءامنوا فی الحیوه الدنیا خالصه یوم

کلمه <خالصه> حال است برای <هی> و <یوم القیامه> متعلق به آن می باشد. ذکر نشدن این کلمه در مورد <الحیاه الدنیا> حاکی از انحصاری نبودن مواهب دنیا برای مؤمنان است. یعنی: قل هی للذین آمنوا و لغيرهم فی الحیاه الدنیا و لهم خالصه یوم القیامه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ جواز بهرهوری مؤمنان از هر روزی طیب و پاکیزه

و رزقکم من الطیبیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۹ - ۱

۱ غنیمت های به دست آمده از دشمنان دین ، حلال و بهرهوری از آنها جایز است .

فلکوا مما غنمتم حلالا طیبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۴ - ۱۴

۱۴- ملاک و معیار خوردنی های مجاز ، مطابق با طبع و ذائقه طبیعی انسان و حلال شرعی بودن است .

فکلوا مما رزقکم الله حلالاً طیباً

برداشت فوق، بر این اساس است که آیه شریفه به قرینه آیه بعد (إنما حَرَّمَ علیکم المیتة ..) درصدد بیان قلمرو خوردنیهای مجاز و غیر مجاز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۵ - ۱،۲،۳

۱- خوردن مردار ، خون و گوشت خوک ، حرام است .

حَرَمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ

۲- خوردن گوشت حیوانی که به هنگام ذبح ، نام غیر خدا بر آن برده شود ، حرام است .

حَرَمَ عَلَيْكُمُ . . . مَا أَهْلٌ لِّغَيْرِ اللَّهِ بِهِ

برداشت فوق، بنابراین مناسبت که مراد از

<ما أهلّ .. > بر زبان آوردن نام غیر خدا مانند بت ، به هنگام ذبح حیوانات باشد.

۳- حرمت خوردن گوشت حیوان قربانی شده برای غیر خدا

حرّم علیکم .. ما أهلّ لغير الله به

برداشت فوق، بنابراین نکته است که مراد از <ما أهلّ .. > قربانیهایی باشد که مشرکان برای بتها انجام می دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۵

۱۵ - شتر ، گاو و گوسفند ، چهارپایانی حلال گوشت

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم فکلوا منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۸،۹،۱۱

۸ - شتر ، گاو و گوسفند ، چهار پایانی حلال گوشت

و أُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَمَ

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتر است. بنابراین <أنعام>؛ یعنی، شتران لکن گاهی <أنعام>؛ گفته می شود و از آن مجموع شتر، گاو و گوسفند اراده می شود. مقصود از <أنعام> در جمله فوق استعمال دوم است. گفتنی است که جمله <أحلت لكم الأنعام> به تقدیر <أحلت لكم أكل لحوم الأنعام> می باشد؛ یعنی، برای شما خوردن گوشت شتر، گاو و گوسفند حلال شده است.

۹ - استفاده از گوشت شتر ، گاو و گوسفند ، به جز در مواردی که از سوی خدا تحریم شده ، حلال و جایز است .

و أُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَمَ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ

۱۱ - استفاده از گوشت حیوانی که با نام غیر خدا ذبح شده باشد حرام است .

و أُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَمَ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ

کلمه <ما> در <إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ> هر چند که عام است و شامل

همه مواردی می شود که در آیات <محرمات أكل> بیان شده است؛ لکن به قرینه جمله <و یذکروا اسم الله.. علی ما رزقهم من بهیمه الأنعام> در دو آیه پیشین، و نیز تفریع جمله <فاجتنبوا الرجس من الأوثان...> (ذیل آیه) بر جمله <أحلت لكم الأنعام إلا ما يتلى عليكم>، می توان گفت که مراد از <ما> خصوص موردی است که حیوانی با نام غیر خدا (بت ها)، ذبح شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۲۲، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۴، ۳، ۲

۲ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های اهل خانه خود ( فرزندان و همسر ) بدون هیچ اجازه ای ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج ولا علی الأعرج حرج ولا علی المریض حرج .. أن تأکلوا من بیو

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله <ولا- علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم> عطف بر جمله پیشین باشد. گفتنی است مقصود از <بیوتکم> (خانه های خود) خانه همسر و فرزندان است که از افراد خودی هر شخصی محسوب می شوند.

۳ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأکلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

۴ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازلی که کلید های آنها را در دست دارند و نیز از منازل

دوستان خود، بدون هیچ اذنی، مجازاند.

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم

۹ - استفاده از خوراکی های اهل خانه خود (فرزندان و همسر) بدون اذن خواستن، جایز است.

لیس علی الأعمی حرج .. ولا علی أنفسکم أن تأكلوا من بیوتکم

۱۰ - استفاده از خوراکی های منازل پدر، مادر، برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی و خاله خود، بدون اذن خواستن، جایز است.

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم.

۱۱ - استفاده از خوراکی های منزلی که کلید های آنها در دست انسان است، بدون اذن خواستن، جایز است.

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفاتحه

۱۲ - انبارداران و کسانی که وکیل افراد در نگه داری خوردنی ها و مواد غذایی اند، می توانند بدون اذن خواستن از صاحبان آنها، از آن خوردنی ها تناول کنند.

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفاتحه

برخی از مفسران بر آنند که مقصود از <ما ملکتم مفاتحه> کسانی اند که وکیل و قیم دیگران در آب ملک و حیواناتی مانند گاو، گوسفند و شتر می باشند. این افراد حق دارند بدون اذن خواستن، از خوراکی های موجود در انبارها و نیز از شیر و دیگر فراورده های حیوانات تحت حفاظت خود، به مقدار مصرف شخصی خود بهره گیرند.

۱۳ - استفاده از خوراکی های منازل دوستان



، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من بیوتکم ... أو صدیقکم

۲۲ - مسلمانان ، در عین مجاز بودن از تناول کردن خوراکی های منازل خویشاوندان و دوستان خویش ، می توانند با هم و یا جدا از آنان و بدون اذن ، غذا میل کنند .

لیس علی الأعمی حرج .. ولا علی أنفسکم أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۲ - ۶

۶ - بخش زیادی از اجزای بدن شتر ، گاو و گوسفند قابل خوردن است ؛ نه همه آنها .

و منها یا کلون

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که <من> در <منها> برای تبعیض و ناظر به بعضیت در اجزاء باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۹ - ۵

۵ - جواز خوردن گوشت شتر ، گاو و گوسفند

الأنعم .. و منها تأکلون

استفاده از خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۳ - ۶

۶ توهم حرمت بهره گیری مؤمنان از انواع خوراکی ها و نوشیدنی ها و گمان ناسازگاری آن با مراحل تقوا و ایمان ، توهم و گمانی واهی و نادرست .

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا

برداشت فوق بر این اساس است که آیه مورد بحث تکمیل و توضیحی برای آیه ۸۷ از همین سوره باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۱ -

۴ جواز بهره گیری از خوردنیها و نوشیدنیها تا آنجا که به اسراف نینجامد.

کلوا و اشربوا و لاتسرفوا

اسراف در خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۱ - ۵۸

۵ اسراف و زیاده روی در بهره گیری از خوردنیها و آشامیدنیها، امری حرام برای تمامی انسانها

کلوا و اشربوا و لاتسرفوا

۸ زیاده روی در زینت دادن خویش، و اسراف در خوردن و آشامیدن، موجب محرومیت از محبت خداوند است.

خذوا زینتکم... و لاتسرفوا إنه لایحب المسرفین

امتحان با خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۱ - ۱۴

۱۴ - خوردن، آشامیدن، تجمل، زیبایی، داشتن همدم و همراهانی موافق، از مهم ترین جاذبه و دلبستگی های انسان و وسیله آزمون او

یطاف علیهم بصحاف... و فیها ما تشتهیه الأنفس

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: الف) موارد بالا در این آیات بیان شده و تخصیص به ذکر یافته است. ب) خداوند به اهل تقوا نوید داده است که اگر در این زمینه ها کنترل و تقوا داشته باشند و از حدود الهی نگذرند، در بهشت به همه آنها دست خواهند یافت.

بهترین خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- فرآورده های درختان خرما و انگور ، از بهترین و سالم ترین فرآورده های خوراکی و نوشیدنی برای انسان

نَسْقِیْکُمْ مِمَّا .. و من ثمرت النخیل و الأعنب تتخذون منه سکرًا و رزقًا حسنًا

اختصاص به ذکر یافتن فرآورده های

درختان خرما و انگور، از میان مجموعه خوراکیها و نوشیدنیها، می تواند حاکی از نکته یاد شده باشد.

### پاکیزگی خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۴

۴ پاکیزگی و سازگاری خوردنی ها با طبع ، ملاکی در حلیت آنها

### احل لکم الطیبت

تبیین احکام خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۱۶

۱۶ بیان احکام خوراکیها، نوشیدنیها، زینتها و تعیین حد و مرز حلیت آنها، نمونه ای از تبیین احکام و آیات الهی از سوی خداوند است.

خذوا زینتکم عند کل مسجد و کلوا و اشربوا و لاتسرفوا .. کذلک نفصل الأیت

### تحریم خوردنیهای مباح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۹ - ۱

۱ برخی از مردم عصر جاهلیت خوردن گوشت حیوانی را که با نام خدا ذبح شده باشد حرام می دانستند.

و ما لکم الا تأکلوا مما ذکر اسم الله علیه

### تشریح احکام خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۹ - ۵

۵ خداوند محدوده دقیق خوردنیهای حرام را قبل از نزول آیات سوره انعام برای مردم تبیین کرده بود.

و قد فصل لکم ما حرم علیکم

<قد فصل> فعل ماضی محقق و به معنی <قد بین> است و بر وقوع حتمی فعل در گذشته دلالت دارد. بنابراین باید قبل از نزول این آیات، آیاتی در تحریم برخی خوردنیها نازل شده باشد، که ظاهراً آیه ۱۱۵ سوره نحل است.

تکرار نزول آیات خوردنیهای حرام

جلد - نام سوره -

۱۰ - نزول آیات متعدد درباره خوردنی های حرام و بیان مکرر آنها برای مردم از سوی خداوند

و أُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يَتْلُو عَلَيْكُمْ

برخی از مفسران برآنند که <یتلی> برای زمان استقبال است؛ یعنی، <گوشت چهارپایانی مانند شتر، گاو و گوسفند برای شما حلال است مگر آنچه را که در آینده برای شما بیان خواهد شد>. بنابراین کلمه <یتلی> اشاره دارد به آیه ۳ سوره <مائده> است که: <حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ وَ...> که بعد از آیه مورد بحث، نازل شده است. برخی دیگر از مفسران نیز برآنند که کلمه <یتلی> مضارع استمراری است و اشاره به آیاتی دارد که پیش از آن در مکه (آیه ۱۴۵ سوره انعام و آیه ۱۱۵ سوره نحل) و در مدینه پس از گذشت شش ماه از هجرت (آیه ۱۷۳ سوره بقره) نازل شده است. برداشت یاد شده، بر پایه دیدگاه دوم است.

حلیت خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۶

۶ حلیت، قانون اولی و اصل کلی در بهره گیری از زینتها، خوراکیها و نوشیدنیهاست.

قل من حرم زینه الله التي أخرج لعباده

استفهام انکاری در <من حرم...> دلالت می کند بر این که اگر دلیلی برای حرمت اشیای ذکر شده یافت نشد، باید آنها را حلال دانست و منتظر دلیل خاص نبود، و این معنای اصل کلی و قانون اولی است.

خوردنی سلوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۶

خداوند، بر بنی اسرائیل زمان موسی (ع)، خوردنی های < مَن > ( ترنجبین ) و < سلوی > ( بلدرچین ) نازل کرد .

و نَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى

<مَن> قطراتی است که از آسمان بر درخت ها و سنگ ها می نشیند و به صورت عسل در می آید. طعم آن شیرین است و مانند شیره درخت خشک می شود (قاموس). برخی از مفسران آن را ترنجبین معنا کرده اند. <سلوی>، پرندۀ ای است شبیه کبوتر با پا و گردنی درازتر که حرکتی سریع دارد و رنگ آن شبیه رنگ بلدرچین است (مصباح). برخی آن را همان بلدرچین می دانند.

خوردنی من

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۶

۶ - خداوند، بر بنی اسرائیل زمان موسی (ع)، خوردنی های < مَن > ( ترنجبین ) و < سلوی > ( بلدرچین ) نازل کرد .

و نَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى

<مَن> قطراتی است که از آسمان بر درخت ها و سنگ ها می نشیند و به صورت عسل در می آید. طعم آن شیرین است و مانند شیره درخت خشک می شود (قاموس). برخی از مفسران آن را ترنجبین معنا کرده اند. <سلوی>، پرندۀ ای است شبیه کبوتر با پا و گردنی درازتر که حرکتی سریع دارد و رنگ آن شبیه رنگ بلدرچین است (مصباح). برخی آن را همان بلدرچین می دانند.

خوردنیهای حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱ - ۷، ۹، ۶

۶ حرمت خوردن گوشت برخی از چهارپایان و



سایر بهره برداری ها از آن

أحلت لكم بهيمة الانعم الا ما يتلى عليكم

۷ حرمت خوردن برخی از اجزای چهارپایان حلال گوشت

أحلت لكم بهيمة الانعم الا ما يتلى عليكم

بنابر اینکه استثنای در <الا ما يتلى> نسبت به اجزای مستثنی منه باشد نه از افراد آن.

۹ خوردن گوشت و سایر بهره برداری ها از حیوانی که در حال احرام شکار شود، حرام است.

غیر محلی الصيد

بنابر اینکه <صيد> به معنای اسم مفعول باشد؛ یعنی حیوان شکار شده.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۶ - ۸

۸ حرمت خوردن شکار صحرايي در حال احرام هر چند شخص محرم آن را شکار نکند.

احل لكم صيد البحر و طعامه... و حرم عليكم صيد البر

در برداشت فوق کلمه <صيد> به معنای اسم مفعول حیوان شکار شده گرفته شده است. و این معنا اعم از این است که خود محرم و یا شخص دیگری آن حیوان را شکار کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۹ - ۵

۵ خداوند محدوده دقیق خوردنیهای حرام را قبل از نزول آیات سوره انعام برای مردم تبیین کرده بود.

و قد فصل لكم ما حرم عليكم

<قد فصل> فعل ماضی محقق و به معنی <قد بین> است و بر وقوع حتمی فعل در گذشته دلالت دارد. بنابراین باید قبل از نزول این آیات، آیاتی در تحریم برخی خوردنیها نازل شده باشد، که ظاهراً آیه ۱۱۵ سوره نحل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۴ خوردن میتة حرام است.

و لا تأكلوا مما لم يذكر اسم الله عليه

از موارد و مصادیق مسلم برای <ما لم يذكر اسم الله>، حیوانی است که خود مرده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۶

۶ خوردن گوشت مردار، خوک، خون و حیوانی که هنگام ذبح نام خدا بر آن برده نشده، حرام است.

إلا أن يكون ميتة أو دما مسفوحا أو لحم خنزير فإنه رجس أو فسقا أهل لغير الله به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۵ - ۱،۲،۳

۱- خوردن مردار، خون و گوشت خوک، حرام است.

حرّم عليكم الميتة و الدم و لحم الخنزير

۲- خوردن گوشت حیوانی که به هنگام ذبح، نام غیر خدا بر آن برده شود، حرام است.

حرّم عليكم .. ما أهلّ لغير الله به

برداشت فوق، بنابراین مبناست که مراد از <ما أهلّ ..> بر زبان آوردن نام غیر خدا مانند بت، به هنگام ذبح حیوانات باشد.

۳- حرمت خوردن گوشت حیوان قربانی شده برای غیر خدا

حرّم عليكم .. ما أهلّ لغير الله به

برداشت فوق، بنابراین نکته است که مراد از <ما أهلّ ..> قربانیهایی باشد که مشرکان برای بتها انجام می دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۸ - ۶

۶- یکسانی محرمات اصلی خوردنی ها ، در همه شریعت های آسمانی

و علی الذین هادوا حرمنا .. و ما ظلمنهم و لکن کانوا أنفسم یظلمون

چنان که از ارتباط این

آیه با آیه قبل استفاده می شود، آیه شریفه در مقام پاسخ به سؤالی مقدر است که چرا یهودیان به تکالیف فزون تر مکلف شده اند؟ ولی در مقام بیان نگفته است که هر شریعتی تکلیف خاص به خود را دارد؛ بلکه یکسانی تکالیف را پذیرفته و بر اساس آن، عملکرد ظالمانه خود یهود را دلیل حرام شدن برخی از حلالها شمرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ - استفاده از گوشت حیوانی که با نام غیر خدا ذبح شده باشد حرام است .

وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يَتْلَىٰ عَلَيْكُمْ

کلمه <ما> در <إِلَّا- ما يتلى عليكم> هر چند که عام است و شامل همه مواردی می شود که در آیات <محرمات أكل> بیان شده است؛ لکن به قرینه جمله <و يذكروا اسم الله.. علی ما رزقهم من بهيمه الأنعام> در دو آیه پیشین، و نیز تفریع جمله <فاجتنبوا الرجس من الأوثان...> (ذیل آیه) بر جمله <أحلت لكم الأنعام إلا ما يتلى عليكم>، می توان گفت که مراد از <ما> خصوص موردی است که حیوانی با نام غیر خدا (بت ها)، ذبح شده باشد.

خوردنیهای حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۱

۱ پرسش مکرر مردم از پیامبر (ص)، درباره خوردنیهایی که بر آنان حلال است .

يسئلونك ماذا احل لهم قل احل لكم الطيبات

فرازهای بعدی آیه همانند <فكلوا>، نشان می دهد که سؤال درباره خوردنیهای حلال بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ شکار حیوان های دریایی در صورتی جایز است که به منظور بهره گیری شکار شوند نه به خاطر تفریح و امثال آن

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

چنانچه متعاً مفعول له باشد بیانگر علت تجویز صید و طعام بوده و در نتیجه حکم حلیت دایر مدار آن می باشد بنابراین شکار دریائی تنها در صورت تمتع و بهره‌وری مجاز شمرده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۸ - ۲

۲ خوردن ذبیحه ای که هنگام ذبح نام خدا بر آن برده شده، مجاز است.

فکلوا مما ذکر اسم الله علیه إن کنتم بأیته مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۲

۲ جواز خوردن گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند)

و من الأنعم . . . کلوا مما رزقکم الله

<أنعم> جمع <نعم> به شتر، گاو و گوسفند، اطلاق می شود. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۲

۲ حلیت خوردن از بز و گوسفند نر و ماده و جنین آنها

من الضأن . . . قل الذکرین حرم أم الأنثیین أما اشتملت علیه أرحام الأنثیین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۲

۲ استفاده از گوشت شتر و گاو نر و ماده و جنین آنها حلال است.

و من الإبل اثنين . . . قل الذکرین حرم أم الأثینین أما اشتملت علیه أرحام الأثینین

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۵ - ۵

۵- اصل و قاعده اولیه در تمام خوراکی ها ، حلال بودن آنهاست .  
فکلوا .. حلالاً طیباً ... إنما حرم علیکم المیتة ... و ما أهلّ لغير الله به  
اطلاق <کلوا> و حصر مستفاد از <إنما حرم> مفید مطلب فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۵

۱۵ - شتر ، گاو و گوسفند ، چهارپایانی حلال گوشت

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم فکلوا منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۸

۸ - شتر ، گاو و گوسفند ، چهار پایانی حلال گوشت

و أُحِلَّتْ لکم الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتر است. بنابراین <أنعام>؛ یعنی، شتران لکن گاهی <أنعام>؛ گفته می شود و از آن مجموع شتر، گاو و گوسفند اراده می شود. مقصود از <أنعام> در جمله فوق استعمال دوم است. گفتنی است که جمله <أحلت لکم الأنعام> به تقدیر <أحلت لکم أکل لحوم الأنعام> می باشد؛ یعنی، برای شما خوردن گوشت شتر، گاو و گوسفند حلال شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۲ - ۶

۶ - بخش زیادی از اجزای بدن شتر ، گاو و گوسفند قابل خوردن است ؛ نه همه آنها .

و منها یا کلون



برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که <من> در <منها> برای تبعیض و ناظر به بعضیت در اجزاء باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۳ -

۱ - شتر ، گاو و گوسفند علاوه بر خوردن و سوار شدن دارای منافع بسیار و انواع سود ها برای بشر است .

فمنها ركوبهم و منها يأكلون . و لهم فيها منفع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۹ - ۵

۵ - جواز خوردن گوشت شتر ، گاو و گوسفند

الأنعم . .. و منها تأكلون

خوردنیهای خبیث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۲ - ۵

۵ - استفاده از خوراکی های خبیث ( ناپاک و ناملایم با طبع ) حرام است .

كلوا من طيب ما رزقنكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۳

۳ - مردار ، خون ، گوشت خوک و حیوانی که برای بت ها ذبح شود ، یا به نام غیر خدا سر بریده شود ، از خوراکی های خبیث و پلید هستند .

كلوا من طيب . .. إنما حرم علیكم الميته ... و ما أهل به لغير الله

خوردنیهای سالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۷ - ۷

۷- فرآورده های درختان خرما و انگور ، از بهترین و سالم ترین فرآورده های خوراکی و نوشیدنی برای انسان

نَسْقِیْکُمْ مِمَّا .. و من ثمرت النخیل و الأعب تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَکْرًا و رِزْقًا حَسَنًا

اختصاص به ذکر یافتن فرآورده های درختان خرما و انگور، از میان مجموعه خوراکیها و نوشیدنیها، می تواند حاکی از نکته یاد شده باشد.

خوردنیهای طیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۸ - ۳

۳ - پاکیزه و موافق طبع بودن و حلیت ، دو شرط اساسی در توصیه خداوند به خوردن و بهره برداری از فراورده های زمین

كلوا مما فی الأرض حللاً طیباً

در برداشت فوق <حللاً> و <طیباً> حال برای <ما> گرفته شده است. کلمه <طیب> - چنانچه از موارد استعمال به دست می آید - معادل کلمه <خوب> در فارسی است و لذا در هر جمله ای، مناسب حکمی که در آن جمله مطرح است، تفسیر می شود.

خوردنیهای مباح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۴ - ۴

۴- استفاده از مظاهر طبیعت ، برای خوراک ، پوشاک و زیورآلات مباح است .

لتأكلوا منه لحمًا طریئاً و تستخرجوا منه حلیه تلبسونها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۲ - ۹

۹ - استفاده از مظاهر طبیعت ، برای خوراک ، پوشاک و زیور آلات ، مجاز و روا است .

و من كلُّ تأكلون لحمًا طریئاً و تستخرجون حلیه تلبسونها

درخواست خوردنی گیاهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۵،۶

۵ - بنی اسرائیل ، از موسی ( ع ) خواستند تا برای رسیدن به خوراکی های گیاهی به درگاه خدا دعا کند .

فادع لنا ربك ینخرج لنا مما تنبت الأرض

۶- قوم موسی ، خواهان خوراکی های گیاهی و روئیده شده از زمین بودند .

فادع لنا ربك يخرج لنا مما تنبت الأرض من بقلها و... بصلها

عبارت <مما تنبت الأرض> (آنچه از زمین

برویانندش) دلالت بر این دارد که: قوم موسی، خوراکیهایی را طلب می کردند که گیاهی بوده و محصول زمین باشد. اضافه شدن کلمات <بقل> و <بصل> به ضمیر <ها> - که به <الأرض> بر می گردد - (سبزیجات زمین و ... پیاز زمین)، بیانگر تأکید آنان بر زمینی بودن خوراکیهای درخواستی است.

شرایط استفاده از خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۸ - ۳

۳ - پاکیزه و موافق طبع بودن و حلیت، دو شرط اساسی در توصیه خداوند به خوردن و بهره برداری از فراورده های زمین

کلوا مما فی الأرض حلالاً طیباً

در برداشت فوق <حلالاً> و <طیباً> حال برای <ما> گرفته شده است. کلمه <طیب> - چنانچه از موارد استعمال به دست می آید - معادل کلمه <خوب> در فارسی است و لذا در هر جمله ای، مناسب حکمی که در آن جمله مطرح است، تفسیر می شود.

شرایط حلیت خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۴ - ۱۴

۱۴- ملاک و معیار خوردنی های مجاز، مطابق با طبع و ذائقه طبیعی انسان و حلال شرعی بودن است .

فکلوا ممّا رزقکم الله حلالاً طیباً

برداشت فوق، بر این اساس است که آیه شریفه به قرینه آیه بعد (إنما حرم علیکم المیتة ..) درصدد بیان قلمرو خوردنیهای مجاز و غیر مجاز است.

علاقه به خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۱ - ۱۴

۱۴ - خوردن، آشامیدن، تجمل، زیبایی، داشتن همدم و همراهانی

موافق ، از مهم ترین جاذبه و دل‌بستگی های انسان و وسیله آزمون او

یطاف علیهم بصحاف . . . و فیها ما تشتهیه الأنفس

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: الف) موارد بالا در این آیات بیان شده و تخصیص به ذکر یافته است. ب) خداوند به اهل تقوا نوید داده است که اگر در این زمینه ها کنترل و تقوا داشته باشند و از حدود الهی نگذرند، در بهشت به همه آنها دست خواهند یافت.

نعمت خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۱ - ۴

۴ - خوردنی ها ، رزق و عطیه الهی است .

كلوا من طيبات ما رزقنكم

نقش خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۱ - ۱۵

۱۵ - وجود زمینه های خطرناک برای طغیان گری ، در خوردنی ها

كلوا . . . و لاتطغوا فیه

ضمیر در <فیه> ممکن است به مصدر برگرفته شده از فعل <كلوا> (یعنی <أكل>) بازگردد و ممکن است <ما> در <ما رزقناکم> به اعتبار ارتباط با فعل <كلوا> مرجع ضمیر باشد. در هر صورت می توان به برداشت یاد شده دست یافت.

### خورشید از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خورشید

{خورشید}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ طلوع دائمی خورشید از مشرق ، جلوه ای از قدرت الهی و نشانه ربوبیت او

حاج ابرهیم فی ربّه .. فان الله يأتي بالشمس من المشرق

آثار مطالعه در خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۳ - ۳



- مطالعه در ویژگی های خورشید و فواید آن برای انسان ، زمینه ساز پی بردن به قدرت خداوند و پذیرش معاد است .

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ . . أَلَمْ نَجْعَلْ ... وَ جَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا

آثار نور خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۲ - ۳

۳ - نور ماه ، تابع نور خورشید است . \*

و القمر إذا تليها

جانشین بودن ماه برای خورشید و نه عکس آن، بیانگر فرع بودن نور ماه است.

استفاده از خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲ - ۲،۶

۲- رام و مسخر بودن خورشید ، ماه ، شب و روز از نعمت های الهی و در جهت بهره برداری انسان است .

و سَخَّرَ لَكُمْ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

۶- بهره بردن آدمی از شب ، روز ، ماه و خورشید متفاوت با بهره بردن او از ستارگان است .

سَخَّرَ لَكُمْ . . . الشَّمْسَ ... وَالنَّجُومَ مَسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِ

با توجه به اینکه خداوند در رابطه با تسخیر شب، روز، ماه و خورشید لفظ <سَخَّرَ لَكُمْ> را به کار برد، ولی برای تسخیر ستارگان لفظ <مَسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِ> را بدون لفظ <لَكُمْ> آورد، مطلب فوق به دست می آید.

انقیاد خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۵،۱۵

۵ خورشید و ماه مقهور خدا و رام فرمان اویند .

سخر الشمس و القمر

<تسخیر> (مصدر سخر) به معنای رام کردن و غلبه یافتن است.

۱۵ نظام هستی ( برافراشته بودن آسمانها ، رام بودن خورشید و ماه به

فرمان خدا و حرکت آنها ) دلیل و آیتی بر ربوبیت خداوند

الله الذی رفع السموت .. لعلمکم بقاء ربکم توقنون

چون خداوند در ابتدای آیه با جمله <الله الذی ..> توصیف و معرفی شد، ظاهر آن بود که در جمله <لعلمکم ...> نیز <لعلمکم بقاء الله> آورده شود. این تعویض / یعنی، آوردن <ربکم> به جای <الله> می رساند که مقصود اصلی از توصیف <الله> به ویژگیهای یاد شده، اثبات ربوبیت اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۱

۱ - سجده ( خضوع و انقیاد ) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنندگان برای خدا

ألم تر أنّ الله يسجد له من فى السموت و من فى الأرض ... و الشجر و الدواب

<سجود> (مصدر <يسجد>) به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۹ - ۶

۶ - خورشید و ماه ، مقهور و مسخر ( تحت فرمان ) خداوندند .

و سخر الشمس و القمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۳ - ۳

۳ - خورشید و ماه ، مسخر خدا و رام اراده او

و سخر الشمس و القمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۶

۶ - خورشید و ماه ، مسخر خدا و رام اراده او هستند .

و سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

اهمیت خلقت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۴

۴ - خلقت خورشید شگرف تر و شایان توجه تر از آفرینش ماه \*

و من آیته .. الشمس و القمر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم نام خورشید بر قمر، اشاره به اهمیت بیشتر آن در منظومه شمسی و شناخت اجرام آسمانی باشد.

اهمیت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۶ - ۳

۳ - ماه تابان و خورشید فروزنده ، جلوه قدرت و عظمت خداوند

مالکم لاترجون لله وقارًا .. و جعل القمر فیهن نورًا و جعل الشمس سراجًا

اهمیت ذکر طلوع خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۸ - ۴

۴ - خداوند ، خواهان توجه جن و انس به نقش مهم نقطه طلوع و غروب خورشید ، در زندگی آنان

ربّ المشرقین .. فبأیّ الآء ربکما تکذبان

خداوند متعال، با پرسش انکارآمیز خویش (فبأیّ الآء ..) جن و بشر را به تأمل درباره اهمیت دو مشرق دو مغرب (میل اعظم شمالی در آغاز تابستان و میل اعظم جنوبی در آغاز زمستان) فرا خوانده است.

اهمیت ذکر غروب خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۸ - ۴

۴ - خداوند ، خواهان توجه جن و انس به نقش مهم نقطه طلوع و غروب خورشید ، در زندگی آنان

رَبِّ الْمَشْرِقَيْنِ .. فَبَأَيِّ آءِآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانِ

خداوند متعال، با پرسش انکارآمیز خویش (فَبَأَيِّ آءِآءِ ..) جن و بشر را به تأمل درباره اهمیت دو مشرق دو مغرب (میل اعظم شمالی در

آغاز تابستان و میل اعظم جنوبی در آغاز زمستان) فرا خوانده است.

اهمیت طلوع خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵ - ۸

۸ - اهمیت و نقش حیاتی طلوع و غروب خورشید در زندگی بشر

رَبِّ الْمَشْرِقِ

از اختصاص به ذکر یافتن ربوبیت خدا نسبت به مشرق های خورشید با آن که خورشید جزئی از آسمان ها است برداشت یاد شده به دست می آید.

اهمیت غروب خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵ - ۸

۸ - اهمیت و نقش حیاتی طلوع و غروب خورشید در زندگی بشر

رَبِّ الْمَشْرِقِ

از اختصاص به ذکر یافتن ربوبیت خدا نسبت به مشرق های خورشید با آن که خورشید جزئی از آسمان ها است برداشت یاد شده به دست می آید.

بی منطقی خورشید پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۵

۵ - پرستش خورشید و ماه و دیگر آیات الهی ، امری ناروا و به دور از اندیشه و معرفت

و من ءایته ... لاتسجدوا للشمس ولا للقمر

با توجه به این که قرآن نخست انسان ها را به مطالعه آیات و معرفت هستی فراخوانده و پس از آن از پرستش خورشید نهی

کرده است، این نکته به دست می آید که قرآن، پرستش خورشید و ماه را نتیجه اندیشه نکردن در هستی یا عدم شناخت صحیح آن می داند.

پایان گردش خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۸ -



۲- حرکت خورشید، روزی به پایان رسیده و در موعد مقرر و زمان مشخص، عمرش به سر خواهد رسید.

و الشمس تجری لمستقر لها

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که <مستقر> اسم زمان و <لام> در آن، برای تعلیل و متضمن معنای <انتهاء> باشد<sup>۲</sup> یعنی، خورشید به علت رسیدن به انتهای حرکت خود، روان می شود.

تأثیرپذیری خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱ - ۳

۳ - امکان تأثیر عوامل دیگر بر خورشید

إذا الشمس كورت

فعل <كورت> مجهول است و بر تأثیرپذیری خورشید دلالت دارد.

تابش خورشید به غار اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۷ - ۱۶، ۱۳، ۱۴

۱- غار اصحاب کهف، به گونه ای بود که خورشید، صبح گاهان به سمت راست آن و عصر، به جانب چپ آن می تابد.

و ترى الشمس إذا طلعت تزور عن كهفهم ذات اليمين و إذا غربت تقرضهم ذات الشمال

<تراور> به معنای منحرف شدن و مایل گشتن است (لسان العرب). بنابراین، مفاد عبارت <إذا طلعت تزور عن كهفهم...> این است که خورشید، به هنگام طلوع، به جانب راست غار متمایل می گشت. <قرض> به معنای بریدن و قطع کردن است، از این رو، جمله <و إذا غربت تقرضهم ذات الشمال> یعنی، خورشید، به هنگام غروب، در جانب چپ از آنان درمی گذشت.

۳- اندکی از اشعه آفتاب در آستانه غروب، به داخل غار اصحاب کهف تابیده می شد. \*

إذا طلعت تزور عن كهفهم .. و إذا غربت تقرضهم ذات

در بیان نحوه تابش آفتاب بر اصحاب کهف به هنگام طلوع و غروب، دو تعبیر مختلف به کار گرفته شده است: در مورد طلوع، غار، محل تابش قرار گرفته، ولی در مورد غروب، خود اصحاب کهف. (تقرضهم).

۶- بدن اصحاب کهف، در غار، از تابش مستقیم نور آفتاب، در امان بود.

تزور عن كهفهم ذات اليمين... تقرضهم ذات الشمال و هم في فجوه منه

<فجوه> به مکان و فضای وسیعی که در بین دو چیز قرار گرفته باشد، گفته می شود. قرار داشتن محل استراحت اصحاب کهف در <فجوه> و فضای وسیع غار و ذکر آن پس از بیان نحوه تابش آفتاب، چنین می نماید که به مصون بودن بدن های آنان از تابش نور مستقیم، اشاره داشته باشد.

۸- موقعیت جغرافیایی ویژه غار و استراحت گاه اصحاب کهف و نحوه تابش خورشید به آن، از آیات الهی است.

ذلك من آیت الله

مشارالیه <ذلك> مطالب مطرح شده در آیه، درباره وضعیت جغرافیایی غار و نحوه قرار گرفتن اصحاب کهف در آن و دیگر خصوصیات است.

تاریخ خلقت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۳

۳ - تقدم خلقت خورشید بر ماه \*

و من آيته... الشمس و القمر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم ذکر <شمس> بر <قمر> ناظر به مطلب بالا باشد.

تاریخ خورشید پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۸ - ۱

۱ پرستش خورشید، آیینی رایج در میان مردم زمان ابراهیم بود.

فلما رء الشمس بازغه قال هذا ربى

تداوم

حرکت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۳ - ۲

۲- خورشید و ماه دارای حرکتی با روال مشخص و وضعیتی همیشگی

و سَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ

<دائِبِينَ> تثنيه <دَائِبٍ> و از ریشه <دأب> و به معنای عادت و روال همیشگی است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۷

۷- حرکت منظم و بی وقفه خورشید و ماه

و سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلَّ يَجْرِي

فعل مضارع <يجری>، دلالت بر استمرار جریان حرکت خورشید و ماه دارد.

تداوم گردش خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۳ - ۴

۴ - حرکت منظم و بیوقفه خورشید و ماه

و سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلَّ يَجْرِي

فعل مضارع <يجری>، دلالت بر استمرار جریان حرکت خورشید و ماه دارد.

تدبیر گردش خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۸ - ۱

۱ - تجلی ربوبیت الهی ، در تدبیر و طرح ریزی نظام گردش خورشید

رَبِّ الْمَشْرِقِينَ .. فَبَأَىءَ الْآءِ رَبُّكُمَا تَكْذِبَانَ

تسخیر خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۱۱

۱۱ آفرینش آسمان های متعدد و رفیع ، تسخیر خورشید و ماه ، از نشانه های توان و اقتدار خدا و یکتایی او در تدبیر هستی است .

يفصّل الأيت

جمله های <الله الذی رفع السموت ..> حاکی است که متعلق <آیات> اقتدار خداوند ، سلطه او بر هستی و تدبیر آفرینش است ؛ یعنی: <يفصّل الأيات الداله

علی قدرته و ... <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۳ - ۱،۴،۵

۱- خداوند ، رام سازنده خورشید و ماه برای بهره برداری انسان

و سَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ

۴- رام کردن خورشید ، ماه و شب و روز برای انسان ، دلیل توحید خداوند

الله الذی خلق .. و سَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ و سَخَّرَ لَكُمْ الْيَلَّ وَالنَّهَارَ

۵- رام بودن خورشید ، ماه و شب و روز برای انسان ، نمودی از نعمت و لطف خداوند بر بندگان و شایسته شکر و سپاس

الله الذی خلق .. و سَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ و سَخَّرَ لَكُمْ الْيَلَّ وَالنَّهَارَ

آیه در مقام امتنان و برشماری نعمتهای الهی است و آهنگ آن مشوق بندگان به شکر و سپاس در برابر نعمتهای پروردگار است. گفتنی است جمله <إِنَّ الْإِنْسَانَ لظَلُومٌ كَفَّارٌ> در آیه بعد مؤید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲ - ۱،۲،۷

۱- خداوند شب ، روز ، خورشید و ماه را برای آدمیان رام و مسخر ساخته است .

هو الذی .. و سَخَّرَ لَكُمْ الْيَلَّ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

۲- رام و مسخر بودن خورشید ، ماه ، شب و روز از نعمت های الهی و در جهت بهره برداری انسان است .

و سَخَّرَ لَكُمْ الْيَلَّ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

۷- رام و مسخر بودن شب ، روز ، خورشید ، ماه و ستارگان نشانه هایی از خدا و نمونه هایی از قدرت اوست .

و سَخَّرَ لَكُمْ الْيَلَّ و

النهار و الشمس و القمر . . . إن في ذلك لآيت لقوم يعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۱ - ۱،۴،۵

۱ - مشرکان ، به خالقیت خدا برای آسمان ها و زمین و مسخر کننده خورشید و ماه ، باور داشتند .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض و سخر الشمس و القمر ليقولن الله

۴ - خورشید و ماه ، از سوی خداوند ، رام و مسخر شده اند .

من . . . و سخر الشمس و القمر ليقولن الله

۵ - انکار آیات خدا و ایمان به باطل ، از سوی مشرکان ، به رغم باور آنان بر خالقیت خدا و تسخیر خورشید و ماه از سوی او ، امری شگفت آور است .

و ما يجحد بآيتنا إلا الكفرون . . . و قالوا لولا أنزل عليه آيت ... و الذين ءا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۹ - ۹،۲۰

۹ - مسخر و رام بودن ماه و خورشید ، از آیه های خداوند است .

ألم تر أن الله . . . و سخر الشمس و القمر

۲۰ - توجه ژرف به گردش شب و روز و رام بودن و در مدار مشخص بودن خورشید و ماه ، انسان را به قابل فهم بودن آگاهی خداوند از اعمال انسان ها ، رهنمون می کند .

ألم تر . . . و أن الله بما تعملون خبير

<أن الله بما.. > عطف بر <أن الله يولج...> است. بنابراین، ارتباط <أن الله...> با فراز قبلی هم روشن می شود و آن این است که هر کس



چنان ساخت و سازی را ببیند، خواهد فهمید که خداوند، به کردار انسان ها آگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۱۰

۱۰ - آفرینش و تدبیر آسمان ها و زمین و پیدایش شب و روز و تسخیر خورشید و ماه ، جلوه های عزت و قدرتمندی خداوند است .

خلق السموت والأرض ... کلّ یجری لأجل مسمیّ ألا هو العزیز

یادآوری عزت و قدرتمندی خداوند در پایان آیه شریفه و پس از یادآوری آفرینش آسمان، زمین و ..، گویای برداشت یاد شده است.

تشبیه خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۶ - ۱

۱ - خداوند ، ماه را نورانی و خورشید را همچون چراغ فروزنده آفرید .

و جعل القمر فیهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

تشبیه غروب خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۶ - ۳

۳- غروب خورشید در نقطه پایانی سفر ذوالقرنین به جانب مغرب ، چونان فرو رفتن آن در چشمه ای تیره فام بود .

وجدھا تغرب فی عین حمئھ

از جمله معانی <عین> چشمه است و به قرینه <وجدھا> (آن را چنان یافت که) مراد آیه آن نیست که خورشید، در چشمه ای دارای گل سیاه فرو می رفت، بلکه منظره غروب خورشید را ذوالقرنین آنگونه مشاهده کرد.

تعبیر رؤیای سجده خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۹

۹ خضوع و سجود ستارگان ، ماه و خورشید برای انسان در رؤیا ، نشان برگزیده

شدن و دستیابی او به علم و دانش است .

إني رأيت أحد عشر كوكبا .. كذلك يجتئك ربك و يعلمك

تعقل در خلقت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۶ - ۴،۵،۶

۴ - سرزنش شدن قوم نوح از سوی پیامبرشان ، به سبب نیندیشیدن درباره چگونگی آفرینش ماه تابان و خورشید فروزان

ألم تروا كيف خلق الله .. و جعل القمر فيهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

۵ - اندیشه در چگونگی آفرینش ماه و خورشید ، راهی برای شناخت خدا و اوصاف او

ألم تروا كيف .. و جعل القمر فيهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

۶ - نوح ( ع ) ، قومش را به اندیشه و مطالعه درباره چگونگی آفرینش ماه و خورشید ، به منظور پی بردن به عظمت خداوند تشویق و تحریض می کرد .

ألم تروا كيف .. و جعل القمر فيهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

تغییر عناصر خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱ - ۴

۴ - ساختمان داخلی خورشید ، تشکیل یافته از عناصری قابل تغییر

إذا الشمس كورت

تنوع نور خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵ - ۳

۳ خورشید ، دارای نور های گوناگون

هو الذی جعل الشمس ضیاء

<ضیاء> می تواند جمع <ضوء> باشد. برداشت فوق بر همین پایه است.

جذب ماه توسط خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۹ - ۱

۱ - در آستانه برپایی قیامت ، کره ماه

بهوسیله خورشید جذب و بلعیده خواهد شد .

و جمع الشمس و القمر

حاکم خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۱۰

۱۰ تدبیر امور عالم تنها درخور برافرازنده آسمانها ، سلطه دار عرش ، و اختیاردار خورشید و ماه است .

الله الذی رفع السموت . . . یدبر الأمر

در ترکیب <الله الذی . . .> دو وجه گفته شده است: ۱\$ <الله> مبتدا و <الذی> صفت آن است و جمله <یدبر الأمر> خبر برای <الله> . ۲ <الله> مبتدا و <الذی> خبر آن است. برداشت فوق از هر دو وجه استفاده می شود، اگرچه بنا بر وجه دوم دلالت آیه بر برداشت فوق صریح تر و روشن تر است.

حرکت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۱۵، ۶

۶ آسمانها ، عرش ، خورشید و ماه تا سرآمدی معین در حرکتند .

کل یجری لأجل مسمی

مضاف الیه محذوف از کلمه <کل> ضمیری است که به <السموت> ، <عرش> ، <شمس> و <قمر> باز می گردد. <مسّمی> یعنی مشخص و معین. <اجل> در لغت به معنای مدت و نیز به معنای پایان مدت آمده است. برداشت فوق بر اساس دومین معناست. گفتنی است که بر این مبنا <لام> در <لأجل> به معنای <إلی> خواهد بود.

۱۵ نظام هستی ( برافراشته بودن آسمانها ، رام بودن خورشید و ماه به فرمان خدا و حرکت آنها ) دلیل و آیتی بر ربوبیت خداوند

الله الذی رفع السموت . . . لعلکم بقاء ربکم توقنون

چون خداوند در ابتدای آیه با جمله <الله الذی . . .> توصیف و معرفی شد، ظاهر آن بود

که در جمله <لعلکم...> نیز <لعلکم بقاء الله> آورده شود. این تعویض / یعنی، آوردن <ربکم> به جای <الله> می رساند که مقصود اصلی از توصیف <الله> به ویژگیهای یاد شده، اثبات ربوبیت اوست.

خالق خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۳ - ۱

۱- تنها خداوند ، آفریننده شب و روز و خورشید و ماه است .

و هو الذی خلق الیل والنهار والشمس والقمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۹

۹ - خداوند ، آفریدگار شب و روز و خورشید و ماه

و من ءایته .. الذی خلقهنّ

خاموشی خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱ - ۱

۱ - خورشید در آستانه آخرت ، با چرخاندنی شدید در هم پیچانده شده و خاموش خواهد شد .

إذا الشمس کوّرت

<کَوِّرَ> و <تکْوِیرَ> به معنای پیچاندن است، جز این که <تکْوِیرَ> بر مبالغه نیز دلالت دارد. مراد آیه شریفه این است که خورشید، به شدت بهم پیچانده خواهد شد. برخی <تکْوِیرَ شمس> را به معنای نابود ساختن خورشید و گروهی دیگر به معنای از بین بردن نور آن دانسته اند. (لسان العرب)

خلقت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ خورشید و ماه و ستارگان ، آفریده های خداوند و مقهور امر و اراده او

خلق السموت . . . و الشمس و القمر و النجوم مسخرت بأمره

کلمه <الشمس> و ما بعد آن، عطف به <السموت> است.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵ - ۷

۷ آفرینش خورشید و ماه و متفاوت قرار داده شدن آن دو در درخشندگی ، جلوه های حکمت خدا و بر پایه حق و هدفی مشخص

هو الذی جعل الشمس ضیاء و القمر نوراً .. ما خلق الله ذلك إلا بالحق

<حق> در مقابل <باطل> (بیهوده) است ؛ یعنی، خداوند ماه و خورشید را بیهوده و بی هدف نیافریده، بلکه آفرینش آنها بر پایه حق و هدف خاصی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۳ - ۴

۴- آفرینش شب و روز و خورشید و ماه ، نشانی از توحید ربوبی است .

و هو الذی خلق الیل .. کلّ فی فلک یسبحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۱ - ۹، ۵

۵ خداوند در آسمان ها خورشید آفرید .

و جعل فیها سراجاً

<سراج> به معنای چراغ است ؛ ولی مقصود از آن در آیه شریفه به قرینه آمدن <القمر> (ماه) خورشید است ؛ چنان که در آیه ۱۶ سوره نوح به خورشید سراج گفته شده است (و جعل الشمس سراجاً).

۹ آفرینش ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، جلوه ای از برکات و خیرات خداوند .

تبارک الذی جعل فی السماء بروجاً .. و قمرًا منیرًا

۱۰ آفرینش ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، از نشانه های قدرت خدا و یکتایی او

تبارک الذی جعل فی السماء بروجاً .. و قمرًا منیرًا



برداشت فوق، از آن جا است که آیه شریفه در ردیف سلسله

آیاتی قرار دارد که در مقام محکومیت شرک و اثبات توحید و یگانگی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۳ - ۶۸،۱۰

۶ - آفرینش جهان هستی چون انسان ، دریا ، خورشید و ماه ، از نشانه های خدای حقیقی ( الله )

و الله خلقکم من تراب .. ثم جعلکم أزواجًا ... و ما یستوی البهران ... و سخر ال

<ذلکم> اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب خلق و جعل می باشد.

۸ - آفرینش جهان ( انسان ، دریا ، خورشید و ماه ) ، جلوه ای از ربوبیت خدا است .

الله خلقکم من تراب .. و ما یستوی البهران ... و سخر الشمس و القمر ... ذلکم ال

۱۰ - آفرینش انسان ، دریا ، خورشید و ماه ، جلوه ای از فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است .

و الله خلقکم من تراب .. و ما یستوی البهران ... و سخر الشمس و القمر ... له ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۱۸،۲۰

۱۸ - آفرینش جهان ( آسمان ، زمین ، خورشید ، ماه و انسان ) جلوه ربوبیت خدا است .

خلق السموت و الأرض .. خلقکم من نفس وحده ... ذلکم الله ربکم

۲۰ - آفرینش آسمان ها ، زمین ، خورشید ، ماه و انسان ، جلوه فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است .

خلق السموت و الأرض .. له الملك

خورشید از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۸ - ۴

۴ - خورشید ، به هنگام روان شدن به سوی قرارگاه ویژه اش ، از آیات و نشانه های بزرگ قدرت خداوند است .

و الشمس تجری لمستقر لها

برداشت یاد شده از آن جا است که <والشمس> عطف بر <اللیل> است و همان گونه که شب از آیات الهی شناسانده شده (و آیه لهم اللیل) خورشید نیز چنین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۱

۱ - < شب و روز > و < خورشید و ماه > ، از آیات و نشانه های خداوند است .

و من ءایته الیل و النهار والشمس والقمر

خورشید پرستی در دوران ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۸ - ۱

۱ پرستش خورشید، آیینی رایج در میان مردم زمان ابراهیم بود.

فلما رء الشمس بازغه قال هذا ربی

خورشید پرستی در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۶

۶ - وجود گرایش های خورشید پرستی و ماه پرستی ، در میان مردم عصر پیامبر ( ص )

لاتسجدوا للشمس و لا للقمر

مطلب بالا با توجه به این نکته است که نهی در موردی معنا دارد که زمینه ارتکاب منهی عنه وجود داشته باشد.

خورشید در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱ - ۶

۶ - > عن أبي مریم انّ النبی ( ص ) قال : فی قوله > إذا الشمس کوّرت < قال :

## کَوْرَت فِی جَهَنَّم ؛

از ابی مریم روایت شده که پیامبر(ص) درباره سخن خداوند <إِذَا الشَّمْسُ كَوَّرَتْ> فرمود: خورشید در جهنم در هم پیچیده خواهد شد.

### خورشید در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱ - ۵، ۱

۱ - خورشید در آستانه آخرت، با چرخاندنی شدید در هم پیچانده شده و خاموش خواهد شد.

### إِذَا الشَّمْسُ كَوَّرَتْ

<کَوْرَ و >تکویر> به معنای پیچاندن است، جز این که <تکویر> بر مبالغه نیز دلالت دارد. مراد آیه شریفه این است که خورشید، به شدت بهم پیچانده خواهد شد. برخی <تکویر شمس> را به معنای نابود ساختن خورشید و گروهی دیگر به معنای از بین بردن نور آن دانسته اند. (لسان العرب)

۵ - > عن النبي (ص) قال : الشمس و القمر مکوّران یوم القیامه ؛

از پیامبر(ص) روایت شده که فرمود: خورشید در روز قیامت به هم پیچانده شده و ماه نیز چنین خواهد شد.

### درهم پیچیدگی خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱ - ۵، ۶، ۱

۱ - خورشید در آستانه آخرت، با چرخاندنی شدید در هم پیچانده شده و خاموش خواهد شد.

### إِذَا الشَّمْسُ كَوَّرَتْ

<کَوْرَ و >تکویر> به معنای پیچاندن است، جز این که <تکویر> بر مبالغه نیز دلالت دارد. مراد آیه شریفه این است که خورشید، به شدت بهم پیچانده خواهد شد. برخی <تکویر شمس> را به معنای نابود ساختن خورشید و گروهی دیگر به معنای از بین بردن نور آن دانسته اند. (لسان العرب)

۵ - > عن النبي (ص) قال : الشمس و القمر مکوّران

یوم القیامه ;

از پیامبر(ص) روایت شده که فرمود: خورشید در روز قیامت به هم پیچانده شده و ماه نیز چنین خواهد شد.

۶ - > عن أبي مریم انّ النبی ( ص ) قال : فی قوله < إذا الشمس کوّرت > قال : کوّرت فی جهنّم ;

از ابی مریم روایت شده که پیامبر(ص) درباره سخن خداوند <إذا الشمس کوّرت> فرمود: خورشید در جهنم در هم پیچیده خواهد شد.

ذوالقرنین و خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۹ - ۴

۴- > عن أمير المؤمنين (ع) : . . . > ثم أتبع سبباً < ذوالقرنین من الشمس سبباً ;

از امیرالمؤمنین(ع) [در توضیح این سخن خدا]: <ثم أتبع سبباً> روایت شده: ذوالقرنین، از خورشید، به عنوان یک سبب بهره گرفت.

ردّ خورشید پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۸ - ۲

۲ ابراهیم(ع) در مقام مجادله و برای ابطال عقاید شرک آمیز قوم خویش تظاهر به خورشیدپرستی کرد.

فلما رء الشمس بازغه قال هذا ربی

ردّ ربوبیت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۸ - ۶

۶ افول پذیرى و پنهان گشتن خورشید، گواه بر دخیل بودن آن در <ربوبیت> هستی است.

قال هذا ربی هذا أكبر فلما أفلت

روشنایی خورشید از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۲ - ۳

۳- محو شدن نور ماه در شب و روشنگری خورشید ، دو نشانه از نشانه های خداست .

فمحو ناء ایه الیل

و جعلنا آية النهار مبصره

این برداشت بنابراین است که منظور از <آیه اللیل> ماه و <آیه النهار> خورشید باشد.

زوال پذیری خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱ - ۲

۲ - خورشید ، جاودان نیست .

إذا الشمس كورت

زوال خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱ - ۱

۱ - خورشید در آستانه آخرت ، با چرخاندنی شدید در هم پیچانده شده و خاموش خواهد شد .

إذا الشمس كورت

<کُور> و <تکویر> به معنای پیچاندن است، جز این که <تکویر> بر مبالغه نیز دلالت دارد. مراد آیه شریفه این است که خورشید، به شدت بهم پیچانده خواهد شد. برخی <تکویر شمس> را به معنای نابود ساختن خورشید و گروهی دیگر به معنای از بین بردن نور آن دانسته اند. (لسان العرب)

سجده بر خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۴ - ۲

۲ - سجده در برابر خورشید ، شیوه پرستش مردم سبا

یسجدون للشمس

سجده خورشید



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۱

۱ - سجده ( خضوع و انقیاد ) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنندگان برای خدا

ألم تر أنّ الله يسجد له من فى السموت و من فى الأرض . . . و الشجر و الدواب

<سجود> (مصدر <يسجد>) به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

سجده خورشید بر یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ یوسف (ع) در رؤیایی دید که یازده ستاره به همراه ماه و خورشید بر او سجده می کنند .

إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتَهُمْ لِي سَاجِدِينَ

۲ یوسف (ع) در رؤیای خویش دریافت که سجده ماه ، خورشید و ستارگان بر او ، سجده ای از سر شعور و آگاهی است .

رَأَيْتَهُمْ لِي سَاجِدِينَ

ضمیر <هم> و نیز جمعهای مذکر سالم نظیر ساجدین، مخصوص دارندگان عقل و شعور است. به کارگیری آن ضمیر و آن گونه جمع در بیان سجده ستارگان، ماه و خورشید می رساند که یوسف(ع) چنان می دید که آنها از سر عقل و شعور بر او سجده می کنند و در مقابل او خاضعند.

۴ ستارگان ، ماه و خورشید در رؤیای یوسف ، همگی یک جا و دسته جمعی بر او سجده کردند . \*

إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا .. رَأَيْتَهُمْ لِي سَاجِدِينَ

برداشت فوق ، احتمالی است که می توان آن را از تکرار فعل <رأیت> به دست آورد.

سجده خورشید در رؤیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۴

۴ ستارگان ، ماه و خورشید در رؤیای یوسف ، همگی یک جا و دسته جمعی بر او سجده کردند . \*

إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا .. رَأَيْتَهُمْ لِي سَاجِدِينَ

برداشت فوق ، احتمالی است که می توان آن را از تکرار فعل <رأیت> به دست آورد.

سوگند به خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱ - ۱

۱ - سوگند خداوند

به خورشید

و الشمس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۹ - ۳

۳ - خداوند ، در تأکید بر رستگاری اهل ترکیه ، به < خورشید و نور آن > ، < ماه > ، < روز و شب > ، < آسمان و زمین > ، < روح > و < ذات خویش > ، سوگند یاد کرده است .

و الشمس .. قد أفلح من زکیها

جمله < قد أفلح .. > جواب قسم هایی است که از آغاز سوره مطرح شده بود. برخی آن را جمله معترضه دانسته، جواب قسم را جمله < کذبت ثمود... > و یا محذوف دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۰ - ۴

۴ - خداوند ، در تأکید بر زیان کاری و تباهی گناه کاران ، به < خورشید و نور آن > ، < ماه > ، < روز و شب > ، < آسمان و زمین > ، < نفس انسان > و < ذات خویش > سوگند یاد کرده است .

و الشمس .. وقد خاب من دسیها

تکرار < قد > ، نشانگر آن است که جمله < قد خاب .. > ، جوابی مستقل برای قسم های پیشین است.

سوگند به غروب خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۴ - ۲

۲ - سوگند خداوند ، به هنگامی که شب ، خورشید را می پوشاند .

و الیل إذا یغشیها

در برداشت یاد شده، مرجع ضمیر مفعولی در < یغشایها > ، < الشمس > دانسته شده است.

سوگند به نور خورشید

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱ - ۲

۲ - سوگند خداوند ، به نور گسترده خورشید به هنگام چاشت

و ضحیها

<ضحی> در معانی گسترش نور خورشید و <پهناور شدن روز> (مفردات راغب) و اندکی پس از بالا آمدن روز (قاموس) به کار می رود. اضافه شدن <ضحی> به ضمیری که به خورشید برمی گردد، بیانگر آن است که مراد از آن، گسترش نور خورشید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۹ - ۳

۳ - خداوند ، در تأکید بر رستگاری اهل تزکیه ، به <خورشید و نور آن> ، <ماه> ، <روز و شب> ، <آسمان و زمین> ، <روح> و <ذات خویش> ، سوگند یاد کرده است .

و الشمس .. قد أفلح من زکیها

جمله <قد أفلح ..> جواب قسم هایی است که از آغاز سوره مطرح شده بود. برخی آن را جمله معترضه دانسته، جواب قسم را جمله <کذبت ثمود...> و یا محذوف دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۰ - ۴

۴ - خداوند ، در تأکید بر زیان کاری و تباهی گناه کاران ، به <خورشید و نور آن> ، <ماه> ، <روز و شب> ، <آسمان و زمین> ، <نفس انسان> و <ذات خویش> سوگند یاد کرده است .

و الشمس .. و قد خاب من دسیها

تکرار <قد>، نشانگر آن است که جمله

<قد خاب.. >، جوابی مستقل برای قسم های پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۱ - ۲، ۱

۱ - سوگند خداوند ، به چاشت گاه و به گسترش نور خورشید در آن زمان

و الضحی

<ضحی> در معانی گسترش نور خورشید و <پهناور شدن روز> (مفردات راغب) و <اندکی پس از بالا آمدن روز> (قاموس) به کار می رود.

۲ - وقت چاشت و زمان پرتو افشانی خورشید ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و الضحی

شعور خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۲

۲ یوسف (ع) در رؤیای خویش دریافت که سجده ماه ، خورشید و ستارگان بر او ، سجده ای از سر شعور و آگاهی است .

رأیتهم لی سجدین

ضمیر <هم> و نیز جمعهای مذکر سالم نظیر ساجدین، مخصوص دارندگان عقل و شعور است. به کارگیری آن ضمیر و آن گونه جمع در بیان سجده ستارگان، ماه و خورشید می رساند که یوسف(ع) چنان می دید که آنها از سر عقل و شعور بر او سجده می کنند و در مقابل او خاضعند.

شگفتی خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱ - ۳

۳ - خورشید و نور گسترده آن هنگام چاشت ، آفریده هایی با عظمت و شگفت

و ضحیها

شگفتی نور خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱ - ۳

۳ - خورشید و نور گسترده آن هنگام چاشت ، آفریده هایی با عظمت و شگفت

و ضحیها

طلوع خورشید

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۸ - ۶

۶ - نظامِ طلوع و غروب خورشید ، نیازمند تدبیر و نشانگر وجود پروردگار یگانه

قال ربّ المشرق و المغرب

<مشرق> و <مغرب> می تواند مصدر میمی و به معنای شروق (طلوع) و غروب باشد. بنابراین <ربّ المشرق و المغرب>; یعنی، پروردگار طلوع و غروب.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۰ - ۱

۱ - نزدیک شدن سپاه فرعون به بنی اسرائیل ، به هنگام طلوع آفتاب

فأتبعوهم مشرقین

واژه <مشرقین> از مصدر <اشراق> (داخل شدن در وقت طلوع خورشید) مشتق شده است و حال از ضمیر فاعل <أتبعوهم> می باشد؛ یعنی، <فلحقوا بهم حالکونهم داخلین فی وقت طلوع الشمس>. گفتمی است که <إتباع> (مصدر <أتبعوا>) در این جا به معنای ملحق شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۰ - ۵،۹

۵ - خورشید ، دارای مشرق ها و مغرب ها

ربّ المشرق و المغرب

بسیار از مفسران، برآنند که مقصود از <مشارق> و <مغارب>، مشرق ها و مغرب های متعدد خورشید است که در هر روز از سال، از نقطه ای غیر از نقطه روز قبل و بعد، طلوع و غروب می کند.

۹ - > عن الأصبغ بن نباته قال : خطبنا أمير المؤمنين (ع) . . . فقام إليه ابن الكوّاء فقال : يا أمير المؤمنين . . . يقول : > رب المشارق و المغرب > . . . قال (ع) . . . أمّا قوله > ربّ المشارق و المغرب > فإنّ



لها ثلاث مائه و ستين بُرجاً تطلع كل يوم من برج و تغيب في آخر فلا تعود إليه إلا من قابل في ذلك اليوم . . . .

اصبح بن نباته می گوید: علی(ع) برای ما خطبه می خواند . . . ابن کواء برخاست و گفت: ای امیرمؤمنان! ... [خداوند] می فرماید: (ربّ المشارق و المغرب) ... حضرت فرمود: ... اما سخن خداوند (ربّ المشارق و المغرب) [جمع بودن <مشارق> و <مغرب>] به این دلیل است که برای [خورشید] ۳۶۰ برج است، که هر روز از برجی طلوع نموده و در برجی دیگر غایب می شود و تا سال آینده مثل همین روز، دیگر به آن برج بر نمی گردد...<.

طلوع خورشید از مغرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۸ - ۱۲

۱۲ عن أبي جعفر و أبي عبد الله عليهما السلام في قوله: <يوم يأتي بعض آيات ربك لا ينفع نفسا إيمانها> قال: طلوع الشمس من المغرب و خروج الدابة و الدجال . . . .

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده است: مراد از <بعض آيات ربك> در آیه، طلوع خورشید از مغرب و خروج دابه و دجال است . . . .

عظمت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱ - ۳

۳ - خورشید و نور گسترده آن هنگام چاشت ، آفریده هایی با عظمت و شگفت

و ضحیها

عظمت نور خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱ - ۳

۳ - خورشید و نور گسترده آن هنگام

چاشت ، آفریده هایی با عظمت و شگفت

و ضحیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۱ - ۲

۲ - وقت چاشت و زمان پرتو افشانی خورشید ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و الضحی

عقیده به ربوبیت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۸ - ۴

۴ مردم سرزمین ابراهیم (بابل) خورشید را در تدبیر امور خویش مؤثر می دانستند.

فلما رء الشمس بازغه قال هذا ربی هذا أكبر

علم خدا به تابش خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۴ - ۹

۹ - آگاهی خداوند ، به هر آنچه از آسمان به زمین نازل می شود ( باران ، فرشتگان ، تابش خورشید ، ماه ، ستارگان و ... )

و هر آنچه از زمین به آسمان بالا می رود ( بخار آب ، فرشتگان ، اعمال مردمان و ... )

یعلم .. و ما ینزل من السماء و ما یرج فیها

عمر خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۸

۸ عمر آسمان ها و خورشید و ماه ( جهان آفرینش ) محدود و تمام شدنی است .

کل یجری لأجل مسئی

غروب خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۸ - ۶

۶ افول پذیری و پنهان گشتن خورشید، گواه بر دخیل نبودن آن در <ربوبیت> هستی است.

قال هذا ربی هذا أكبر فلما أفلت

جلد - نام سوره - سوره

۶ - نظامِ طلوع و غروب خورشید ، نیازمند تدبیر و نشانگر وجود پروردگار یگانه

قال ربّ المشرق و المغرب

<مشرق> و <مغرب> می تواند مصدر میمی و به معنای شروق (طلوع) و غروب باشد. بنابراین <ربّ المشرق و المغرب>; یعنی، پروردگار طلوع و غروب.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - خورشید ، دارای مشرق ها و مغرب ها

ربّ المشرق و المغرب

بسیار از مفسران، برآنند که مقصود از <مشارق> و <مغارب>، مشرق ها و مغرب های متعدد خورشید است که در هر روز از سال، از نقطه ای غیر از نقطه روز قبل و بعد، طلوع و غروب می کند.

۹ - > عن الأصمغ بن نباته قال : خطبنا أمير المؤمنين (ع) . . . فقام إليه ابن الكوّاء فقال : يا أمير المؤمنين . . . يقول : > رب المشارق و المغارب < . . . قال (ع) . . . أمّا قوله > ربّ المشارق و المغارب < فإنّ لها ثلاث مائه و ستين بُرجاً تطلع كلّ يوم من برج و تغيب في آخر فلاتعود إليه إلّا من قابل في ذلك اليوم . . . ;

اصمغ بن نباته می گوید: علی(ع) برای ما خطبه می خواند . . . ابن کوّاء برخاست و گفت: ای امیرمؤمنان! . . . [خداوند] می فرماید: (ربّ المشارق و المغارب) . . . حضرت فرمود: . . . اما سخن خداوند (ربّ المشارق و المغارب) [جمع بودن <مشارق> و <مغارب>] به این دلیل است که برای [خورشید] ۳۶۰ برج است، که هر

روز از برجی طلوع نموده و در برجی دیگر غایب می شود و تا سال آینده مثل همین روز، دیگر به آن برج بر نمی گردد...>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۲ - ۴

۴ - ماه و ظهور آن پس از غروب خورشید ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و القمر إذا تليها

فرجام خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۹ - ۱۶

۱۶ - مرحله به پایان رسیدن جریان خورشید و ماه ، قابل مشاهده و رؤیت برای پیامبر ( ص ) بود . \*

ألم تر أنّ الله... و سخر الشمس و القمر كلّ يجرى إلى أجل مسمّى

برداشت بالا، مبتنی بر این نکته است که خطاب <ألم تر> اختصاص به پیامبر(ص) داشته باشد و <كلّ يجرى..> حال برای <الشمس و القمر> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۸

۸ - حرکت خورشید و ماه ، تا وقت معینی بوده و زمانی به پایان می رسد .

و سخر الشمس و القمر كلّ يجرى لأجل مسمّى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱ - ۱

۱ - خورشید در آستانه آخرت ، با چرخاندنی شدید در هم پیچانده شده و خاموش خواهد شد .

إذا الشمس كوّرت

<کَور> و <تکوير> به معنای پیچاندن است، جز این که <تکوير> بر مبالغه نیز دلالت دارد. مراد آیه شریفه این است که خورشید، به شدت بهم پیچانده خواهد شد. برخی <تکوير شمس> را به معنای نابود

ساختن خورشید و گروهی دیگر به معنای از بین بردن نور آن دانسته اند. (لسان العرب)

فرجام گردش خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۹ - ۱۱

۱۱ - جریان خورشید و ماه ، دارای پایانی حتمی و مشخص و نه ابدی و نامعلوم است .

و سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلَّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۳ - ۵

۵ - حرکت خورشید و ماه ، تا وقت معینی بوده و زمانی به پایان می رسد .

و سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلَّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۸ - ۲

۲ - حرکت خورشید ، روزی به پایان رسیده و در موعد مقرر و زمان مشخص ، عمرش به سر خواهد رسید .

و الشمس تجري لمستقر لها

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که <مستقر> اسم زمان و <لام> در آن، برای تعلیل و متضمن معنای <انتهاء> باشد، یعنی، خورشید به علت رسیدن به انتهای حرکت خود، روان می شود.

فلسفه حرکت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۷

۷ حرکت آسمانها ، عرش ، خورشید و ماه برای سپری شدن مدت معین شده برای حیات دنیاست .

## کل یجری لأجل مسمی

برداشت فوق بر این اساس است که <لأجل> به معنای مدت باشد. بر این اساس <لام> در <لأجل> به معنای غایت و هدف است.

فلسفه سوگند به نور خورشید

جلد - نام



سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۳ - ۷

۷ - خداوند ، در تأکید بر قطع نشدن ارتباط او با پیامبر ( ص ) و ناخرسند نبودن از آن حضرت ، به نور خورشید و تاریکی شب سوگند یاد کرده است .

و الضحی . و الیل إذا سجدی . ما ودّعک ربّک و ما قلی

این آیه، جواب قسم هایی است که در آغاز سوره آمده بود.

فلک خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۸ - ۶

۶ - حرکت خورشید بر مدار مشخص و به سمت و سوی قرارگاه ویژه خود ، جلوه ای از عزت و علم خداوند است .

و الشمس تجری لمستقر لها ذلک تقدیر العزیز العلیم

یاد شدن دو صفت <عزت> و <علم> خداوند، پس از طرح مسأله حرکت خورشید، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۰ - ۱،۳

۱ - هر یک از خورشید و ماه در قرارگاه ویژه خود دور از هم در حرکتند و هرگز با هم تلاقی نخواهند کرد .

لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر و لا الیل سابق النهار

مقصود از نرسیدن خورشید به ماه (لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر)، به قرینه آیات پیشین که درباره حرکت خورشید و ماه به سوی قرارگاه ویژه خود بود این است که آن دو کره در دو مسیر مجزا در حرکت بوده و به دور از هم قرار دارند و هرگز باهم تلاقی نخواهند کرد.

۳ - خورشید

و ماه ، در مداری به سرعت و شتابان در حرکت اند .

لا الشمس ينبغي لها أن تدرک القمر . . . و کلّ فی فلک یسبحون

<سبح> (مصدر <یسبحون>) به معنای حرکت سریع در آب و هوا است (مفردات راغب) و مقصود از <فلک> مدار حرکت ماه و خورشید و ستارگان است.

فواید خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۱۲

۱۲- > عن أمير المؤمنين (ع) قال: . . . دلالة الصلاة . . . الشمس يقول الله جلّ وعزّ > أقم الصلاة لدلوك الشمس إلى غسق الليل و قرآن الفجر . . . < فلا تعرف مواقيت الصلاة إلاّ بالشمس . . . ;

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است که فرمود: راهنمای [وقت] نماز . . . خورشید است. خدای عزّوجلّ می فرماید: > أقم الصلاة لدلوك الشمس إلى غسق الليل و قرآن الفجر... < پس اوقات نماز شناخته نمی شود مگر به وسیله خورشید...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۱۱، ۱۰

۱۰ - درخت زیتون ، در صورت تابش مستقیم نور خورشید بر آن در طول روز ، پربارتر و مرغوب تر خواهد شد .

من شجره مبرکه زیتونه لاشرقیه و لاغربیه یکاد زیتها یضیء و لو لم تمسه نار

برداشت یاد شده بر این اساس است که عبارت <لا- شرقیه و لا غربیه> این گونه تفسیر شود که: درخت زیتون نه فقط در ناحیه شرق است که تنها به وقت عصر از شعاع خورشید بهره گیرد و نه فقط در ناحیه غرب است که تنها

در صبح از شعاع خورشید بهره مند باشد، بلکه از مزایای هر دو جهت و از تابش نور مستقیم خورشید از صبح تا به غروب استفاده می کند و روشن است که چنین درختی، از ثمره ای فراوان تر و مرغوب تر برخوردار خواهد بود.

۱۱ - تابش مستقیم نور خورشید به درختان از همه جوانب، موجب برکت و مرغوبیت میوه آنها خواهد شد.

شجره مبرکه زیتونه لاشرقیه و لاغربیه یکاد زیتها یضیء و لو لم تمسسه نار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۵ - ۶

۶ خورشید، دلیل و راهنمای انسان ها بر حرکت سایه ها و مقدار امتداد و گسترده شدن آنها

كيف مدّ الظلّ .. ثم جعلنا الشمس عليه دليلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵ - ۸

۸ - اهمیت و نقش حیاتی طلوع و غروب خورشید در زندگی بشر

ربّ المشرق

از اختصاص به ذکر یافتن ربوبیت خدا نسبت به مشرق های خورشید با آن که خورشید جزئی از آسمان ها است برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۳ - ۱

۱ - خداوند خورشید را چراغ فروزان و منبع نور و حرارت قرار داده است.

و جعلنا سراجاً وهاجاً

<وَهَاجَ> (ریشه <وَهَاجَ>)، به معنای آتش و روشنایی آن است. (مقایس اللغه)

قانونمندی خلقت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵ - ۱

۱ - حاکمیت نظم ، قانون مندی و

هدفداری بر زوایای وجودی خورشید و ماه

الشمس و القمر بحسبان

<حسبان> معادل <حساب> است. نکره آمدن آن، بیانگر انجام گرفتن محاسبه ای دقیق در آفرینش خورشید و ماه است.

قانونمندی خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۹ - ۲

۲ - بی توجهی به آیه خداوند بودن نوسان شب و روز و قانون مند بودن خورشید و ماه ، مورد سرزنش خداوند است .

ألم تر أنّ الله يولج الليل في النهار و يولج النهار في الليل

<ألم تر> در آیه، استفهام انکاری بوده و نکته یاد شده را می رساند.

قانونمندی گردش خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ - نظام روز و شب و جریان خورشید و ماه ، دارای طرحی مشخص و نه پدیده ای تصادفی است .

يولج الليل .. و سخر الشمس و القمر كلّ يجرى إلى أجل مسّئى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۳۸ - ۳

۳ - خورشید ، دارای حرکت منظم و هدفمند است .

و الشمس تجري لمستقر لها

برداشت یاد شده از آن جا است که لازمه وجود حرکت به سمت و سوی قرارگاه معین و یا در زمان محدود و مشخص، داشتن حرکت منظم و هدفمند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۰ - ۱

۱ - هر يك از خورشيد و ماه در قرارگاه ویژه خود دور از هم در حرکتند و هرگز با هم تلاقی نخواهند کرد .

لا

الشمس ينبغي لها أن تدرک القمر ولا الیل سابق النهار

مقصود از نرسیدن خورشید به ماه (لا الشمس ينبغي لها أن تدرک القمر)، به قرینه آیات پیشین که درباره حرکت خورشید و ماه به سوی قرارگاه ویژه خود بود این است که آن دو کره در دو مسیر مجزا در حرکت بوده و به دور از هم قرار دارند و هرگز باهم تلاقی نخواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵ - ۲،۳

۲ - حرکت قانون مند خورشید و ماه ، نمودی از رحمت و نعمت الهی

الرحمن .. الشمس و القمر بحسبان

۳ - توجه به قانون مندی خورشید و ماه ، پیامدار درس توحید برای انسان

الرحمن .. الشمس و القمر بحسبان

آغاز سوره با وصف <الرحمان>، در مقام نمایاندن جلوه های الهی به انسان است که از آن جمله، قانون مندی خورشید و ماه است.

قرارگاه خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۸ - ۱

۱ - خورشید به سمت و سوی قرارگاه ویژه خود در حرکت است .

و الشمس تجری لمستقر لها

برداشت یاد شده، بر این اساس است که <مستقر> اسم مکان و لام در آن به معنای <إلی> باشد.

گردش خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۳ - ۲

۲- هر یک از خورشید و ماه ، در مدار مخصوص به خود در حال حرکت است .

كَلِّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ

<فلك> به معنای مدار ستارگان و <سبح> و <سباحه> به معنای شنا کردن است (لسان العرب)



و (قاموس المحيط).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۹ - ۵،۱۷

۵ - جریان مستمر و دقیق و حساب شده خورشید و ماه ، به تدبیر الهی است .

و سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلَّ يَجْرَى إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى

۱۷ - خورشید و ماه ، در مدار سالانه معینی است که با آن ، سال شمسی و قمری به وجود می آید . \*

و سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلَّ يَجْرَى إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى

احتمال دارد مراد از <أجل مسمی> به قرینه <ألم تر> آخر سال شمسی و قمری باشد که خورشید، از نقطه فلکی برج فرضی، در آغاز سال شروع می کند و در پایان یک سال، به آن نقطه می رسد و ماه نیز از نقطه ای شروع می کند و به همان مدار در طول یک سال می رسد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۰ - ۱،۲

۱ - اداره نظام عالم با گردش همواره شب و روز و جریان دائمی خورشید و ماه ، برخاسته از حق محض بودن خداوند است .

ألم تر أن الله يولج الليل .. ذلك بأن الله هو الحق

۲ - نوسان های مداوم شب و روز ، حرکت منظم و قانون مند خورشید و ماه ، آگاهی خداوند به اعمال انسان ها ، بر حق محض بودن او دلالت دارد .

ألم تر أن الله يولج الليل .. و يولج النهار ... و سَخَّرَ الشَّمْسَ و ... و أن اللّ

<ذلك بأن الله..> می تواند در جایگاه نتیجه برای دلیل های یاد شده باشد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۸ - ۱،۴،۶

۱ - خورشید به سمت و سوی قرارگاه ویژه خود در حرکت است .

و الشمس تجری لمستقر لها

برداشت یاد شده، بر این اساس است که <مستقر> اسم مکان و لام در آن به معنای <إلی> باشد.

۴ - خورشید ، به هنگام روان شدن به سوی قرارگاه ویژه اش ، از آیات و نشانه های بزرگ قدرت خداوند است .

و الشمس تجری لمستقر لها

برداشت یاد شده از آن جا است که <والشمس> عطف بر <اللیل> است و همان گونه که شب از آیات الهی شناسانده شده (و آیه لهم اللیل) خورشید نیز چنین است.

۶ - حرکت خورشید بر مدار مشخص و به سمت و سوی قرارگاه ویژه خود ، جلوه ای از عزت و علم خداوند است .

و الشمس تجری لمستقر لها ذلک تقدیر العزیز العلیم

یاد شدن دو صفت <عزت> و <علم> خداوند، پس از طرح مسأله حرکت خورشید، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۰ - ۳

۳ - خورشید و ماه ، در مداری به سرعت و شتابان در حرکت اند .

لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر .. و کلّ فی فلک یسبحون

<سبح> (مصدر <یسبحون>) به معنای حرکت سریع در آب و هوا است (مفردات راغب) و مقصود از <فلک> مدار حرکت ماه و خورشید و ستارگان است.

مخلوقیت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۶ - ۳

۳ - خورشید و تمام مظاهر

آفرینش ، خود تحت تدبیر و ربوبیت خداوند قرار دارند و سزاوار الوهیت و پرستش نیستند .

یسجدون للشمس .. الله لا إله إلا هو ربّ العرش العظيم

بیان توحیدی و استدلالی آیه یاد شده، تعریضی نسبت به عمل ناروای قوم سبا در پرستش خورشید است.

مدت حرکت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۸

۸ - حرکت خورشید و ماه ، تا وقت معینی بوده و زمانی به پایان می رسد .

و سَخَّرَ الشمس و القمر کلّ یجری لأجل مسْمی

مدت نورانیت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۸ - ۲

۲ - تابندگی خورشید ، تا آستانه برپایی قیامت

و خسف القمر

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که نور ماه، بازتاب نور خورشید است و بی فروغ شدن ماه در آستانه برپایی

قیامت، به سبب بی فروغ شدن خورشید است.

مشرق خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۷ - ۴

۴ - خداوند ، تدبیرگر مشرق و مغربی خاص ، برای هر یک از ماه و خورشید

ربّ المشرقین و ربّ المغربین

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که تثنیه آمدن <المشرقین> و <المغربین>، از این جهت باشد که یک مشرق و مغرب برای خورشید و مشرق و مغربی دیگر برای ماه تدبیر شده است.

مغرب خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۷ - ۴

۴ - خداوند ، تدبیرگر مشرق و مغربی خاص ، برای هر یک از ماه

و خورشید

رَبِّ الْمَشْرِقِينَ وَ رَبِّ الْمَغْرِبِينَ

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که تثنیه آمدن <المشرقین> و <المغربین>، از این جهت باشد که یک مشرق و مغرب برای خورشید و مشرق و مغربی دیگر برای ماه تدبیر شده است.

مکان استقرار خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۱ - ۶

۶ خداوند در برج ها و منزلگاه های آسمانی ، خورشید را قرار داد .

و جعل فیها سراجاً

برداشت فوق، بر این اساس مبتنی است که ضمیر <فیها> به <بروج> بازگردد.

منشأ تسخیر خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۶

۶ - خورشید و ماه ، مسخر خدا و رام اراده او هستند .

و سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ

منشأ گردش خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۸ - ۵

۵ - حرکت خورشید بر مداری مشخص و سمت و سوی قرارگاه ویژه خود ، به تقدیر و تدبیر خداوند است .

و الشمس تجری لمستقر لها ذلک تقدیر العزیز

منشأ نور خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۱ - ۱۰

۱۰ - ایجاد روشنایی هم چون درخشش خورشید ، خارج از توان غیر خداوند است .

من إله غير الله يأتيكم بضياء

تنوین در <ضياء> اصطلاحاً تنوین تفخیم نامیده می شود؛ یعنی، <ضياء عظیم> و آن به درخشش بزرگ و خیره کننده خورشید اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۶ - ۲

۲ - مایه و

سرچشمه نور خورشید، از درون خود آن و نور ماه از بیرون آن است.

و جعل القمر فيهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

مطلب یاد شده از تعبیر <سراج> (چراغ) درباره خورشید و <نور> در مورد <ماه> استفاده می شود؛ زیرا نور <خورشید> مانند چراغ از درون خودش می چوشد. اما نور <ماه> از درون خودش نیست؛ بلکه مانند بازتابی که از آینه منعکس می شود، از نور خورشید است.

منشأ نورانیت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۳ - ۱

۱ - خداوند خورشید را چراغ فروزان و منبع نور و حرارت قرار داده است.

و جعلنا سراجًا وهاجًا

<وَهَاجَ> (ریشه <وهاج>)، به معنای آتش و روشنایی آن است. (مقایس اللغه)

ناپسندی خورشید پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۵

۵ - پرستش خورشید و ماه و دیگر آیات الهی، امری ناروا و به دور از اندیشه و معرفت

و من ءایته .. لا تسجدوا للشمس و لا للقمر

با توجه به این که قرآن نخست انسان ها را به مطالعه آیات و معرفت هستی فراخوانده و پس از آن از پرستش خورشید نهی کرده است، این نکته به دست می آید که قرآن، پرستش خورشید و ماه را نتیجه اندیشه نکردن در هستی یا عدم شناخت صحیح آن می داند.

نظم خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۴ خورشید و ماه تحت حاکمیت همه جانبه و دقیق نظم و حساب و برنامه قرار

دارند.

و الشمس و القمر حسبانا

برداشت فوق بر این مبناست که جمله <جعل .. الشمس و القمر حسبانا> از باب مبالغه باشد، مانند <زید عدل> یعنی خورشید و ماه عین حساب و برنامه هستند. این بیان گویای آن است که هیچ ذره ای از ذرات و حرکتی از حرکات و ... از حساب خارج نیست.

۵ شکافته شدن صبح، آرامش شب و نظم و حساب خورشید و ماه، بر اساس برنامه ریزی خداوند عزیز و داناست.

فالق الإصباح .. ذلك تقدير العزيز العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۳ - ۴

۴ - حرکت منظم و بیوقفه خورشید و ماه

و سخر الشمس و القمر کل یجری

فعل مضارع <یجری>، دلالت بر استمرار جریان حرکت خورشید و ماه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵ - ۱

۱ - حاکمیت نظم، قانون مندی و هدفداری بر زوایای وجودی خورشید و ماه

الشمس و القمر بحسبان

<حسبان> معادل <حساب> است. نکره آمدن آن، بیانگر انجام گرفتن محاسبه ای دقیق در آفرینش خورشید و ماه است.

نظم در طلوع خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۷ - ۳

۳ - وجود نظم و برنامه در طلوع و غروب خورشید، نشانی از پروردگار جهان

رَبِّ الْمَشْرِقِينَ وَرَبِّ الْمَغْرِبِينَ

نظم در غروب خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۷ - ۳

۳ - وجود نظم و برنامه در طلوع و غروب خورشید ، نشانی از پروردگار جهان

رَبِّ الْمَشْرِقِينَ وَ

رَبِّ الْمَغْرِبِينَ

نعمت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۱ - ۱۱

۱۱ ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، از نعمت های الهی برای انسان ها است .

تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا .. قَمَرًا مَنِيرًا

برداشت فوق، به خاطر این است که آیه شریفه، ضمن آن که بیانگر قدرت خدا است، می تواند در صدد امتنان و برشمردن نعمت های الهی برای انسان ها نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۳ - ۲

۲ - خورشید پر فروغ ، نعمتی الهی است .

و جعلنا سراجًا وهاجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱ - ۴

۴ - خورشید و نور آن ، نعمتی الهی است .

و الشمس و ضحیها

<سوگند>، زمانی می تواند مخاطب را به قبول سخن وادار سازد که آنچه به آن سوگند یاد شده است، مورد علاقه او بوده و به حال او سودمند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۲ - ۵

۵ - ماه و پیدایش آن پس از خورشید ، از نعمت های خداوند برای انسان ها است .

و القمر إذا تليها

سوگند، نشانه علاقه مخاطب به چیزی است که به آن سوگند یاد شده است.

نعمت طلوع خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۸ - ۳

۳ - تویخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی ، متجلی در

طلوع و غروب خورشید

فَبأَيِّ ءالآءِ رَبِّكَمَا تَكذَّبَانِ

تشبه آمدن <کما> و <تکذبان>، ظاهراً به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۱ - ۳

۳ - نور خورشید و برآمدن آن در صبحگاه، نعمتی الهی است.

و الضحی

نعمت غروب خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۸ - ۳

۳ - توییح کافران و تکذیب گران جن و انس، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی، متجلی در طلوع و غروب خورشید

فَبأَيِّ ءالآءِ رَبِّكَمَا تَكذَّبَانِ

تشبه آمدن <کما> و <تکذبان>، ظاهراً به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

نعمت گردش خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۸ - ۲،۵

۲ - نظام گردش خورشید، در جهت تأمین نیاز های بشر و نعمتی غیرقابل انکار و تکذیب ناپذیر

رَبِّ الْمَشْرِقِينَ وَ رَبِّ الْمَغْرِبِينَ . فَبأَيِّ ءالآءِ رَبِّكَمَا تَكذَّبَانِ

از ارتباط بین دو آیه و نعمت خواندن گردش خورشید، مطلب بالا برداشت می شود.

۵ - جن همانند انسان، برخوردار از نعمت چرخش منظم خورشید \*

فَبَأَيِّ آءِآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

بنابراین که مخاطب <ربِّکما> انسان و جن باشند، برداشت یاد شده به دست می آید.

نعمت نور خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱ - ۴

۴ - خورشید و نور آن ، نعمتی الهی است .

و الشمس و ضحیها

<سوگند>، زمانی می تواند مخاطب را به قبول سخن وادار سازد که آنچه به آن سوگند یاد شده است؛ مورد

علاقه او بوده و به حال او سودمند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۱ - ۳

۳ - نور خورشید و برآمدن آن در صبحگاه ، نعمتی الهی است .

و الضحی

نقش خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۶ - ۳

۳ خداوند خورشید و ماه را وسیله ای برای محاسبه زمان و اندازه گیری آن قرار داده است.

و الشمس و القمر حسبانا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۳ - ۱۰

۱۰- دریا ها ، رودخانه ها ، خورشید ، ماه و شب و روز ، هر کدام آیتی مستقل برای خداشناسی و برطرف کننده نیازی از نیاز

های انسان

و سَخَّرَ لَكُمُ الْفَلَکَ . . . و سَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ . و سَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۲ - ۳

۳ - نقش اساسی باران ، آفتاب و هوا ، در فراهم آمدن روزی آدمیان \*

و فی السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ

از آن جایی که باران ، آفتاب و هوا از طرف بالا مشرف بر زمین اند و نقش اساسی در پیدایش غذای آدمیان دارند ، تعبیر > و

فی السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ < آمده است .



نقش طلوع خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۳ - ۴

۴ - ظهور خورشید ، از آثار پیدایش روز است .

و النهار إذا جلیها

در صورتی که ضمیر مفعولی <جلاها> به <الشمس> برگردد چنان که برخی از مفسران

احتمال داده اند مفاد آیه این خواهد شد که: پدید آمدن روز کاری نیست که مستند به خورشید باشد؛ بلکه حالتی از حالت های زمین است که در آن حالت، <خورشید> پدیدار می گردد.

نقش مشرق خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۷ - ۲

۲ - نقش اساسی نقطه طلوع و غروب خورشید، در پیدایش فصول و تأمین نیازهای بشر \*

رَبِّ الْمَشْرِقِينَ وَ رَبِّ الْمَغْرِبِينَ

با توجه به این که پیدایش فصول هم زمان با تغییر میل خورشید در طلوع و غروب صورت می گیرد احتمال می رود یاد کرد <مشرقین و مغربین>، اشاره به پیامدهای مهم آن (پیدایش فصول) داشته باشد که بشر از این رهگذر، به امکانات زندگی دست می یابد.

نقش مغرب خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۷ - ۲

۲ - نقش اساسی نقطه طلوع و غروب خورشید، در پیدایش فصول و تأمین نیازهای بشر \*

رَبِّ الْمَشْرِقِينَ وَ رَبِّ الْمَغْرِبِينَ

با توجه به این که پیدایش فصول هم زمان با تغییر میل خورشید در طلوع و غروب صورت می گیرد احتمال می رود یاد کرد <مشرقین و مغربین>، اشاره به پیامدهای مهم آن (پیدایش فصول) داشته باشد که بشر از این رهگذر، به امکانات زندگی دست می یابد.

نورانی کننده خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵ - ۱

۱ تنها خداست که خورشید را فروزان و ماه را تابان قرار داده است .

هو الذي جعل الشمس ضياءً و القمر نوراً

نورانیت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵ - ۲

۲ فروزندگی خورشید و تابندگی ماه ، جلوه هایی از ربوبیت و تدبیر خدا نسبت به اهل زمین

إن ربکم الله .. هو الذی جعل الشمس ضیاء و القمر نوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۶ - ۱

۱ - خداوند ، ماه را نورانی و خورشید را همچون چراغ فروزنده آفرید .

و جعل القمر فیهنّ نوراً و جعل الشمس سراجاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۳ - ۲

۲ - خورشید پر فروغ ، نعمتی الهی است .

و جعلنا سراجاً وهاجاً

ویژگیهای خلقت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۶ - ۱

۱ - خداوند ، ماه را نورانی و خورشید را همچون چراغ فروزنده آفرید .

و جعل القمر فیهنّ نوراً و جعل الشمس سراجاً

خورشید پرستی

بی منطقی خورشید پرستی

۵ - پرستش خورشید و ماه و دیگر آیات الهی ، امری ناروا و به دور از اندیشه و معرفت

و من آیته . . . لاتسجدوا للشمس ولا للقمر

با توجه به این که قرآن نخست انسان ها را به مطالعه آیات و معرفت هستی فراخوانده و پس از آن از پرستش خورشید نهی کرده است، این نکته به دست می آید که قرآن، پرستش خورشید و ماه را نتیجه اندیشه نکردن در هستی یا عدم

شناخت صحیح آن می داند.

تاریخ خورشید پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۸ - ۱

۱ پرستش خورشید، آیینی رایج در میان مردم زمان ابراهیم بود.

فلما رء الشمس بازغه قال هذا ربی

خورشید پرستی در دوران ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۸ - ۱

۱ پرستش خورشید، آیینی رایج در میان مردم زمان ابراهیم بود.

فلما رء الشمس بازغه قال هذا ربی

خورشید پرستی در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۶

۶ - وجود گرایش های خورشید پرستی و ماه پرستی ، در میان مردم عصر پیامبر ( ص )

لاتسجدوا للشمس ولا للقمر

مطلب بالا با توجه به این نکته است که نهی در موردی معنا دارد که زمینه ارتکاب منهی عنه وجود داشته باشد.

ردّ خورشید پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۸ - ۲

۲ ابراهیم(ع) در مقام مجادله و برای ابطال عقاید شرک آمیز قوم خویش تظاهر به خورشیدپرستی کرد.

فلما رء الشمس بازغه قال هذا ربى

ناپسندی خورشید پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۵

۵ - پرستش خورشید و ماه و دیگر آیات الهی ، امری ناروا و به دور از اندیشه و معرفت

و من ءایته . . . لاتسجدوا للشمس ولا للقمر

با توجه به این که قرآن نخست انسان ها را به مطالعه آیات و معرفت هستی فراخوانده و پس از آن

از پرستش خورشید نهی کرده است، این نکته به دست می آید که قرآن، پرستش خورشید و ماه را نتیجه اندیشه نکردن در هستی یا عدم شناخت صحیح آن می داند.

## خورشید پرستی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خورشید پرستی

بی منطقی خورشید پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۵

۵ - پرستش خورشید و ماه و دیگر آیات الهی ، امری ناروا و به دور از اندیشه و معرفت

و من ءایته .. لاتسجدوا للشمس و لا للقمر

با توجه به این که قرآن نخست انسان ها را به مطالعه آیات و معرفت هستی فراخوانده و پس از آن از پرستش خورشید نهی کرده است، این نکته به دست می آید که قرآن، پرستش خورشید و ماه را نتیجه اندیشه نکردن در هستی یا عدم شناخت صحیح آن می داند.

تاریخ خورشید پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۸ - ۱

۱ پرستش خورشید، آیینی رایج در میان مردم زمان ابراهیم بود.

فلما رءا الشمس بازغه قال هذا ربی

خورشید پرستی در دوران ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۸ - ۱

۱ پرستش خورشید، آیینی رایج در میان مردم زمان ابراهیم بود.



فلما رء الشمس بازغه قال هذا ربى

خورشید پرستی در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۶

۶ - وجود گرایش های خورشید پرستی و ماه پرستی ، در میان مردم عصر پیامبر ( ص )

لاتسجدوا للشمس و لا للقمر

مطلب بالا با توجه به

این نکته است که نهی در موردی معنا دارد که زمینه ارتکاب منهی عنه وجود داشته باشد.

ردّ خورشید پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۸ - ۲

۲ ابراهیم(ع) در مقام مجادله و برای ابطال عقاید شرک آمیز قوم خویش تظاهر به خورشیدپرستی کرد.

فلما رء الشمس بازغه قال هذا ربی

ناپسندی خورشید پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۵

۵ - پرستش خورشید و ماه و دیگر آیات الهی ، امری ناروا و به دور از اندیشه و معرفت

و من ءایته ... لاتسجدوا للشمس و لا للقمر

با توجه به این که قرآن نخست انسان ها را به مطالعه آیات و معرفت هستی فراخوانده و پس از آن از پرستش خورشید نهی کرده است، این نکته به دست می آید که قرآن، پرستش خورشید و ماه را نتیجه اندیشه نکردن در هستی یا عدم شناخت صحیح آن می داند.

### خوشرفتاری از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خوشرفتاری

آثار خوشرفتاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۳ - ۱۱

۱۱ برخورد کریمانه و بزرگوارانانه بندگان خالص خدا در برابر گفتار جاهلانه افراد نادان ، برخاسته از روح فروتنی و نرم خوئی آنان است .

و إذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلماً

عطف جمله <و إذا خاطبهم الجاهلون..> بر جمله قبل بدون تکرار شدن اسم موصول (الذین)، نشانگر وجود وحدت و ارتباط نزدیک میان این دو صفت است. از سوی دیگر تقدم بیان صفت تواضع بر صفت برخورد کریمانه با افراد جاهل، حاکی از آن است که این

صفت، سبب چنین برخورد پسندیده ای است.

اهمیت خوشرفتاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۶ - ۱۶

۱۶- انتخاب خوش رفتاری در مواجهه با کافران ، بهتر از به کارگیری شدت و خشونت است .

و إِمَّا أَنْ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حَسَنًا

جمله <تَتَّخِذَ فِيهِمْ حَسَنًا> در بیان طریقه مقابل عذاب، تلقین کننده اختیار این شیوه از بین دو نوع برخوردی است که ذوالقرنین بین آن ها مخیر بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۳ - ۸

۸ جایگاه ویژه صفت تواضع و فروتنی و رفق و مدارا ، در مقایسه با دیگر اوصاف پسندیده و ارزشمند ، در نگاه وحی

و عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هوناً

آمدن صفت تواضع و فروتنی به عنوان نخستین صفت از سلسله اوصاف <عباد الرحمن> که در چند آیه از آنها یاد شده است می تواند گویای برداشت فوق باشد.

اهمیت خوشرفتاری با همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۴

۴- لزوم خوش رفتاری و رعایت موازین شرع و عقل ، در روابط میان خود از سوی همسران

فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ

آیه شریفه، هرچند در مورد ادامه زندگی یا جدایی کامل مرد با همسر خویش نازل شده است ولی شامل تمامی مواردی می شود که باهم ارتباط برقرار می کنند.

خوشرفتاری با جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۳ - ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۳

۹ بندگان خالص خدا، به هنگام روبه رو شدن با گفتار

جاهلانه و به دور از ادب و منطق افراد جاهل ، با گفتار شایسته و عالمانه و به دور از بیهودگی و بی ادبی به آنان پاسخ می گویند .

و إذا خاطبهم الجهلون قالوا سلماً

برداشت فوق، بر این مبنا است که <سلاماً> صفت برای مفعولٌ به مقدر باشد؛ یعنی، <قالوا قولاً سلاماً> در این صورت معنای <سلاماً> به قرینه جمله قبل که سخن از گفتار جاهلانه و ناشایست افراد جاهل است سخن عالمانه و شایسته و دور از بیهودگی و بی ادبی می باشد.

۱۱ برخورد کریمانه و بزرگوارانه بندگان خالص خدا در برابر گفتار جاهلانه افراد نادان ، برخاسته از روح فروتنی و نرم خویی آنان است .

و إذا خاطبهم الجهلون قالوا سلماً

عطف جمله <و إذا خاطبهم الجهلون..> بر جمله قبل بدون تکرار شدن اسم موصول (الذین)، نشانگر وجود وحدت و ارتباط نزدیک میان این دو صفت است. از سوی دیگر تقدم بیان صفت تواضع بر صفت برخورد کریمانه با افراد جاهل، حاکی از آن است که این صفت، سبب چنین برخورد پسندیده ای است.

۱۲ برخورد کریمانه و شایسته با گفتار جاهلانه و به دور از ادب و منطق ، از آثار بندگی خدای رحمان و ایمان به او است .

و عباد الرحمن الذین .. و إذا خاطبهم الجهلون قالوا سلماً

آغاز شدن آیه شریفه با عنوان <عباد> (بندگان) و سپس طرح شدن مسأله برخورد کریمانه و شایسته با گفتار جاهلانه و .. می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

۱۳ تشویق خداوند به فروتنی و مدارا با مردم و برخورد کریمانه و شایسته با افراد جاهل و ناسزاگو

و إذا

خاطبهم الجهلون قالوا سلماً

از سیاق و آهنگ آیه شریفه، چنین برمی آید که خداوند در صدد تشویق و تحریص انسان ها به آراسته شدن به چنین اوصاف و خصلت هایی است.

خوشرفتاری با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۱۶

۱۶ - معاشرت نیکو با همگان حتی با کافران ، از وظایف اهل ایمان است .

و قولوا للناس حسناً

مراد از <الناس> می تواند افراد همان ملتی باشد که مخاطب جمله <قولوا> است و می تواند مراد از آن افراد ملت های دیگر باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۶ - ۱۶

۱۶- انتخاب خوش رفتاری در مواجهه با کافران ، بهتر از به کارگیری شدت و خشونت است .

و إِمَّا أَنْ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حَسَنًا

جمله <تَتَّخِذَ فِيهِمْ حَسَنًا> در بیان طریقه مقابل عذاب، تلقین کننده اختیار این شیوه از بین دو نوع برخوردی است که ذوالقرنین بین آن ها مخیر بود.

خوشرفتاری با مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۱۸، ۱۶، ۴، ۶

۴ - با مردمان به نیکی سخن گفتن و معاشرت نیکو داشتن ، از عهد ها و پیمان های خداوند با بنی اسرائیل

و قولوا للناس حسناً

<حَسَنًا> مصدر است به معنای وصف (حَسَنًا = نیکو) این کلمه می تواند صفت برای مفعول مطلق و جانشین آن باشد، یعنی:  
<قولوا للناس قولاً حسناً> با مردم سخن نیکو بگویید. در المیزان آمده که جمله مذکور کنایه از معاشرت نیک است.

۶ - گفتار نیک و معاشرت



نیکو با سایر اقوام و ملت ها ، میثاق خدا با بنی اسرائیل

و قولوا للناس حسناً

مراد از <الناس> می تواند همان اسرائیلیان باشد و می تواند اقوام و ملت‌های دیگر هم باشد. برداشت فوق مبتنی بر دومین احتمال است.

۱۶ - معاشرت نیکو با همگان حتی با کافران ، از وظایف اهل ایمان است .

و قولوا للناس حسناً

مراد از <الناس> می تواند افراد همان ملتی باشد که مخاطب جمله <قولوا> است و می تواند مراد از آن افراد ملت‌های دیگر باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال دوم است.

۱۸ - معاشرت نیکو با مردم اقامه نماز و ادای زکات ، از مصداق های اعمال شایسته است .

و عملوا الصلحت . . . و قولوا للناس حسناً و أقيموا الصلوه و ءاتوا الزكوه

خوشرفتاری با مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۳،۸

۳ - از سرگیری زندگی با زن مطلقه و یا جدایی همیشگی از او ، پس از گذشت زمان عدّه ، باید به صورت پسندیده و براساس موازین عقل و شرع باشد .

فامسكوهنّ بمعروف أو فارقوهنّ بمعروف

<معروف> اسم برای هر کاری است که از نظر عقل و شرع، حسن و خوبی آن شناخته شده باشد (مفردات راغب).

۸ - برخورد شایسته با زنان مطلقه ، ادای حقّ آنان و انتخاب دو شاهد عادل بر امر طلاق یا رجوع ، از موعظه های الهی به مردان و زنان مؤمن

لا تخرجوهنّ من بیوتهنّ . . . و أقيموا الشهده لله ذلكم یوعظ به

<ذلك> اشاره به مجموعه رهنمودهای الهی در دو آیه این سوره است.



۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۵ - ۱

۱ - احکام طلاق و عده زنان مطلقه و ادای حقوق آنان ( همچون مسکن ، هزینه زندگی و برخورد شایسته ) فرمان های نازل شده از سوی خداوند

إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ . . . ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ

خوشرفتاری با والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۸

۲۸ - ابی ولاد حناط می گوید : < سألت ابا عبدالله (ع) عن قول الله عز وجل > و بالوالدين احساناً < ما هذا الاحسان ؟ فقال : الاحسان ان تحسن صحبتهم و ان لا تكلفهما ان يسألاك شيئاً مما يحتاجان اليه و ان كانا مستغنين . . . ;

از امام صادق (ع) از آیه < و بالوالدين احساناً > سؤال نمودم که این احسان چیست؟ امام فرمود: احسان [به پدر و مادر] آن است که با آنان خوشرفتار باشی و کاری نکنی که آنان مجبور شوند از تو چیزی که نیاز دارند درخواست کنند ولو اینکه مستغنی باشند . . . <.

خوشرفتاری بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۳ - ۳

۳ بندگان خالص خدا ، مظهر مدارا و نرمی و منزله از روح خشونت و درشتی

و عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هوناً

خوشرفتاری محمد (ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۴ - ۲

۲- برخورد نیک و شایسته در برابر رفتار های زشت و ناپسند دشمنان ، توصیه خداوند به پیامبر ( ص )

و لاتستوی الحسنه و لا

السَّيِّئَةُ ادْفَعِ بِالتِّي هِيَ أَحْسَنُ

## خوشگذرانی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خوشگذرانی

خوشگذرانی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۳ - ۴

۴- غوطهوری در زندگی مادی و خوش گذرانی ، شیوه زندگی در جوامع ستمگر

قریه کانت ظالمه .. وارجعوا إلی ما أتُرفتم فیهِ

خوشگذرانی فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۷ - ۲،۳

۲- جامعه فرعونی ، جامعه ای خوشگذران و عشرت طلب

و نعمه کانوا فیها فکھین

۳- حضور در محافل عشرت و خوش گذرانی ، از برنامه های فرعونیان

و نعمه کانوا فیها فکھین

<فاکھین> (از <فکاهه>) به معنای حدیث انس می باشد و تعبیر <کانوا> می رساند که برنامه آنان چنین بوده است.

خوشگذرانی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۹ - ۳،۴

۳- سرخوشی و سرمستی ثمودیان در خانه های کوهستانی خویش

و تنحتون من الجبال بیوتاً فرهین

<فارهین> می تواند از مصدر <فره> (نشاط و سرخوشی) مشتق شده باشد. گفتنی است که <فارهین> بنابراین احتمال، صفت برای <بیوتاً> و به تقدیر <فارهین فیها> است یعنی، خانه هایی که در آن مست و سرخوشید.

۴ - سرزنش ثمودیان از سوی صالح (ع)، به خاطر ساختن خانه ها در دل کوه ها و خوش گذرانی در آن

و تنحتون من الجبال بیوتاً فرهین

برداشت یادشده بدان احتمال است که این آیه به قرینه واقع شدن در حیز استفهام (استفهام در <أترکون فی ما ههنا>) جمله استفهامی بوده و به تقدیر <أو تنحتون..> باشد.

مسابقه برای خوشگذرانی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - به کار گرفتن تمام تلاش برای رقابت با دیگران ، تنها شایسته خوش گذرانی و شراب خواری در جهان آخرت است .

و فی ذلک فلیتنافس المتنافسون

<تَنَافُسٌ> یعنی، هر یک از رقابت کنندگان، نیروی نَفَس خویش را در برابر دیگری آشکار سازد (مقایس اللغه).  
<ذلک>، به محتوای آیات <علی الأرائک ينظرون> و <يسقون> اشاره دارد.

ناپایداری خوشگذرانی دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۵ - ۵

۵ - خداوند ، آگاه به وجود نشیب و فراز در مراحل حیات دنیوی و اخروی انسان و ناپایدار ماندن محفل های خانوادگی و خوش گذرانی های دنیامداران

بلی إنّ ربّه کان به بصیراً

هر چند ضمیر در <ربّه> و <به>، به منکر معاد برمی گردد؛ ولی محتوای آیه شریفه، به جنبه انسان بودن آنان مربوط است.

خوشگذرانان

زمینه عبرت خوشگذرانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۷ - ۵

۵- امکانات دنیوی به جای مانده از مستکبران فرعونى ، درس عبرت برای دنیاخواهان عشرت طلب

کم ترکوا من جنّت .. و نعمه کانوا فیها فکھین

تعبیر <کم ترکوا..> در مقام درس آموزی و تأمل برانگیزی آدمیان در سونوشت فرعونیان است.

خوشگذران

ظلم خوشگذران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۴ - ۴

۴- رفاه زدگان و خوشگذرانان جوامع ، ظالم و ستمگراند .

قریه کانت ظالمه . . . ما أترفتم فيه ... إنا كنا ظلمین

### **خوشنامی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما**

خوشنامی

آرزوی خوشنامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۴ -



۱ - ابراهیم (ع) آرزومند باقی ماندن نام نیک او در میان نسل های آینده و تقاضاکننده آن از خداوند

و اجعل لی لسان صدق فی الآخرین

مفسران، تعبیر <لسان صدق> را کنایه از آوازه و نام نیک گرفته اند.

۲ - پسندیده بودن آرزوی انسان مبنی بر بقای آوازه نیکو از او در میان نسل ها

و اجعل لی لسان صدق فی الآخرین

اظهار خوشنامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۴ - ۵

۵ - خوش نامی ، نعمتی الهی و سزاوار بازگو کردن و اظهار خرسندی است .

وَمَا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ .. و رفعنا لك ذکرک

اهمیت خوشنامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۷۸ - ۳

۳ - باقی ماندن نام و آوازه نیک از انسان در میان آیندگان ، امری شایسته و پسندیده

و ترکنا علیه فی الآخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۰۸ - ۳

۳ - برجای ماندن نام و آوازه نیک از انسان در میان آیندگان ، امری شایسته و پسندیده

و ترکنا علیه فی الآخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۱۹ - ۳

۳ - باقی ماندن نام و آوازه نیک از انسان در میان آیندگان ، امری شایسته و پسندیده

و ترکنا علیهما فی الآخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۲۹ - ۳

۳ - باقی ماندن نام و آوازه نیک از انسان در میان آیندگان ، امری شایسته و پسندیده

و ترکنا علیه

فی الآخرین

تذکر خوشنامی محمد (ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۴ - ۶

۶ - خداوند ، با توجه دادن پیامبر ( ص ) به نعمت خوش نامی ، آن را عطای ویژه خویش به آن حضرت خواند .

و رفعنا لك ذکرک

خوشنامی ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۴ - ۱

۱ - ابراهیم ( ع ) آرزومند باقی ماندن نام نیک او در میان نسل های آینده و تقاضاکننده آن از خداوند

و اجعل لی لسان صدق فی الآخرین

مفسران، تعبیر <لسان صدق> را کنایه از آوازه و نام نیک گرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۸ - ۲،۱

۱ - خداوند ، از ابراهیم ( ع ) نام و آوازه نیکی در میان آیندگان برجای گذاشت .

و ترکنا علیه فی الآخرین

برداشت یاد شده، بر این اساس مبتنی است که مفعول <ترکنا> محذوف بوده و تقدیر آن چنین باشد: <و ترکنا ثناء علیه> گفتنی است فعل <ترکنا> در آیه شریفه، به معنای <أبقینا> (باقی گذاشتیم) است.

۲ - برجا ماندن نام و آوازه ابراهیم ( ع ) در میان آیندگان ، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و ترکنا علیه فی الآخرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های خداوند بر حضرت ابراهیم(ع) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۱۰ - ۳

۳ - فرزندان شدن ابراهیم (ع)

و برجای ماندن نام و آوازه نیک آن حضرت ، از پاداش های خداوند به ایشان

فبشّرنه بغلم حلیم .. سلم علی إبرهیم . كذلك نجزی المحسنین

خوشنامی ابراهیم(ع) در جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۹ - ۲

۲ - حضرت ابراهیم و موسی (ع) ، پیامبرانی شناخته شده در جزیره العرب و دارای طرفدارانی بسیار

صّحف إبرهیم و موسی

از آن جا که کتاب های پیشینیان محدود به صحیفه های حضرت ابراهیم و موسی(ع) نبود؛ تصریح به این دو می تواند برخاسته از نفوذ چشمگیر این پیامبران در جزیره العرب عصر پیامبر(ص) باشد.

خوشنامی الیاس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۲۹ - ۱

۱ - خداوند ، از الیاس پیامبر نام و آوازه ای نیک در میان آیندگان برجای گذاشت .

و ترکنا علیه فی الآخرین

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که مفعول <ترکنا> محذوف بوده و تقدیر آن چنین باشد: <ترکنا ثناء علیه>. گفتنی است فعل <ترکنا> در این آیه، به معنای <أبقینا> (باقی گذاشتیم) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۳۱ - ۳

۳ - باقی ماندن نام و آوازه نیک الیاس پیامبر (ع) ، از پاداش های خداوند به ایشان

و ترکنا علیه فی الآخرین .. إنا كذلك نجزی المحسنین

خوشنامی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۴

۴ خداوند ، پیامبران را از میان انسانهایی که خوش نام و به نیکی

معروفند ، انتخاب می کند .

قد كنت فينا مرجوًا قبل هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۷ - ۱۶

۱۶ خداوند ، پیامبران را از میان انسانهایی که به نیکی معروفند ، انتخاب می کند .

إنك لأنت الحليم الرشيد

خوشنامی در رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۴ - ۴

۴ - آبرومندی نزد مردم ، از ویژگی های لازم و سودمند برای رهبران الهی

و رفعنا لك ذكرك

خوشنامی شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۸ - ۶

۶ - شعيب (ع) ، شخصیتی خوشنام و امانت دار ، نزد مردم ايکه

إنني لكم رسول أمين

تأکید شعيب(ع) بر امين بودن خود، در صورتی ثمربخش است که وی از پیشینه ای همراه با خوشنامی و امانت داری نزد مردم ايکه برخوردار باشد.

خوشنامی صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - صالح (ع) ، شخصیتی خوشنام و امانت دار در میان ثمودیان

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

تأکید صالح(ع) بر امین بودن خود، در صورتی ثمربخش است که وی از پیشینه ای همراه با خوشنامی و امانت داری برخوردار باشد.

خوشنامی عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۷ - ۷

۷ - عیسی بن مریم (ع) ، شخصیتی شناخته شده و نامی آشنا در مکه عصر بعثت

وَلَمَّا ضَرَبَ ابْنُ مَرْيَمَ

خوشنامی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه



- فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۲ - ۶

۶ - لوط (ع) ، شخصیتی خوشنام و امانت دار در میان قوم خود

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

تأکید لوط(ع) بر امان بودن خود، در صورتی ثمربخش است که وی از پیشینه ای همراه با خوشنامی و امانت داری برخوردار باشد.

خوشنامی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۶ - ۷

۷ - پیامبر (ص) ، سالیان درازی در میان مردم زندگی می کرد و آنان آن حضرت را به عقل و درایت می شناختند .

ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۴ - ۲۸،۹

۲ - پیامبر (ص) ، فردی آبرومند و دارای مقامی ارجمند ، در دیدگاه مردم عصر خویش

و رفعا لك ذكرك

یاد رفیع، کنایه از احترام گذاشتن یادکنندگان است.

۸ - شخصیت رسول اکرم (ص) ، زینده نیک نامی و آبرومندی بود .

و رفعا لك ذكرك

در برداشت یاد شده، <لام> در <لك> برای تعلیل فرض شده و بیانگر آن است که پیامبر(ص)، خود علتی کافی برای آوازه بلند و شایسته رفعت ذکر است.

۹ - > عن رسول الله (ص) قال : أتاني جبرئيل فقال : إن ربك يقول : تدرى كيف رفعت ذكرك ؟ قلت : الله أعلم ، قال :

إِذَا ذُكِرْتُ ذُكِرْتُ مَعِيَ ۚ

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: جبرئیل نزد من آمد و گفت: پروردگارت می فرماید: آیا می دانی چگونه آوازه تو را بلند ساختم؟ رسول خدا(ص) فرمود: خدا آگاه تر

است [جبرئیل عرض کرد:] خداوند می فرماید: آن هنگام که من یاد می شوم تو نیز همراه من یاد می شوی [مانند یاد خدا در اذان و اقامه و تشهد نماز].

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۵ - ۲

۲ - شرح صدر و سبک بار بودن پیامبر ( ص ) و بلندآوازی آن حضرت ، نمونه ای از انفکاک ناپذیری مشکلات از آسانی ها

الم نشرح... و وضعنا... و رفعنا... فَإِنَّ مع العسر يسراً

جمله <فإن..> بیانگر آن است که آنچه در آیات پیشین آمد، ریشه در یک قانون کلی دارد و آن همراه بودن <عسر> با <یسر> است. حرف <فاء>، بیان قانون را بر کاشف آن، تفریع کرده است؛ یعنی، آنچه برای تو انجام دادیم، باید انجام می گرفت؛ زیرا سختی بدون آسانی نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۳ - ۱،۵

۱ - یکی از دشمنان پیامبر ( ص ) ، آن حضرت را نسل بریده و آینده او را خالی از ذکر خیر خواند .

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ

<شانئک>؛ یعنی، کسی که با تو بغض و دشمنی دارد (تاج العروس). بیشتر مفسران، او را پدر عمروعاص دانسته اند که پس از فوت پسران پیامبر(ص)، آن حضرت را <ابتر> خواند. <أبتر> به معنای کسی است که از او به خیر و نیکی یاد نشود. <بتر> (ریشه <أبتر>) در بریدن دم به کار می رود و به همین جهت شخصی را که نسل او قطع شده است، <ابتر> گویند (مفردات)؛ زیرا نسلی که نام نیک او

را زنده نگه دارد، وجود ندارد.

۵ - گسترش آوازه پیامبر (ص) و بقای نام نیک برای او و مهجور ماندن نام دشمنان دین در تاریخ، بشارت خداوند به آن حضرت و از خبر های غیبی قرآن

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ

خوشنامی موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۱۹ - ۱،۲

۱ - خداوند از موسی و هارون (علیهما السلام) نام و آوازه نیکی در میان آیندگان برجای گذاشت .

و ترکنا علیهما فی الآخرین

برداشت یاد شده، بر این اساس مبتنی است که مفعول <ترکنا> محذوف بوده و تقدیر آن چنین باشد: <و ترکنا ثناء علیهما>. گفتنی است که فعل <ترکنا> در این آیه، به معنای <أبقینا> (باقی گذاشتیم) است.

۲ - باقی ماندن نام و آوازه موسی و هارون (علیهما السلام) در میان آیندگان، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و ترکنا علیهما فی الآخرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های خداوند بر موسی و هارون (علیهما السلام) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۲۱ - ۳

۳ - نجات موسی و هارون (علیهما السلام) و قوم شان از اندوهی بزرگ، اعطای کتاب آسمانی و باقی ماندن نام و آوازه نیک آنان، از پاداش های خداوند به ایشان

و نَجَّيْنَاهُمَا وَ قَوْمَهُمَا مِنَ الْكُرْبِ الْعَظِيمِ .. . إِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

خوشنامی موسی (ع) در جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ -

۲ - حضرت ابراهیم و موسی (ع) ، پیامبرانی شناخته شده در جزیره العرب و دارای طرفدارانی بسیار

صحف ابراهیم و موسی

از آن جا که کتاب های پیشینیان محدود به صحیفه های حضرت ابراهیم و موسی (ع) نبود؛ تصریح به این دو می تواند برخاسته از نفوذ چشمگیر این پیامبران در جزیره العرب عصر پیامبر (ص) باشد.

خوشنامی نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۷ - ۶

۶ - نوح (ع) ، شخصیتی خوشنام و امانتدار در میان قومش

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

تأکید نوح (ع) بر <أمین> بودن خود در ابلاغ پیام الهی، در صورتی ثمر بخش خواهد بود که وی در میان قومش، از سابقه امانت داری و خوش نامی برخوردار بوده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۸ - ۱

۱ - خداوند ، از نوح (ع) نام و آوازه نیک در میان آیندگان برجای گذاشت .

و تركنا عليه في الآخريں

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که مفعول <تركنا> محذوف بوده و تقدیر آن چنین باشد: <و تركنا ثناءً عليه>. گفتنی است فعل <تركنا> در آیه شریفه، به معنای <أبقینا> (باقی گذاشتیم) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۰ - ۳

۳ - اجابت دعا ، نجات از مشکلاتِ اندوه بار ، باقی ماندن نسل و نام نیک و تحیت الهی ، از پاداش های خداوند به حضرت

نوح (ع)

و لقد نادينا نوح فلنعم المجيبون . .. سلم على نوح فى العلمين

إِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي أ

خوشنامی هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۹ - ۱،۲

۱ - خداوند از موسی و هارون (علیهماالسلام) نام و آوازه نیکی در میان آیندگان برجای گذاشت .

و ترکنا علیهما فی الآخرین

برداشت یاد شده، بر این اساس مبتنی است که مفعول <ترکنا> محذوف بوده و تقدیر آن چنین باشد: <و ترکنا ثناء علیهما>. گفتمی است که فعل <ترکنا> در این آیه، به معنای <أبقینا> (باقی گذاشتیم) است.

۲ - باقی ماندن نام و آوازه موسی و هارون (علیهماالسلام) در میان آیندگان ، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و ترکنا علیهما فی الآخرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های خداوند بر موسی و هارون (علیهماالسلام) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۱ - ۳

۳ - نجات موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان از اندوهی بزرگ ، اعطای کتاب آسمانی و باقی ماندن نام و آوازه نیک آنان ، از پاداش های خداوند به ایشان

و نَجَّيْنَهُمَا وَ قَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ . . . إِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

خوشنامی هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۵ - ۶

۶ - هود (ع) ، شخصیتی خوشنام و امانت دار در میان قوم خویش



إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

تأکید هود(ع) بر <أمین> بودن خود، در صورتی ثمربخش است که وی از پیشینه امانت داری و خوشنامی برخوردار باشد.

ذکر نعمت خوشنامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۴ - ۷

۷- توجه پیامبر (ص)، به خدادادی بودن نعمت خوش نامی، مایه اطمینان آن حضرت به دوری اش از قهر و خشم خداوند

ما ودّعک ربّک و ما قلی... و رفعنا لک ذکرک

زمینه خوشنامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۸۰ - ۵

۵- تأثیر احسان و نیکوکاری در اجابت دعا، بقای نسل و نام نیک، تقرب به پیشگاه خداوند و محبوبیت در میان خلق

و لقد نادینا نوح فلنعم المجیبون... سلم علی نوح فی العلمین. إنا کذلک نجزی ا

سرور خوشنامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۴ - ۵

۵- خوش نامی، نعمتی الهی و سزاوار بازگو کردن و اظهار خرسندی است.

وامّا بنعمه ربّک فحدّث.. و رفعنا لک ذکرک

عوامل خوشنامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۰ - ۴

۴- خداوند، خوش نامی و بلندآوازی را، به پاس پایداری ابراهیم (ع) در توحید، به او و فرزنداناش عنایت کرد.

فلما أعتزلهم... و جعلنا لهم لسان صدق علیاً

عوامل خوشنامی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۰ - ۴

۴- خداوند ، خوش نامی و بلندآوازگی را ، به پاس پایداری ابراهیم (ع) در توحید ، به او و فرزندانش عنایت

کرد .

فلما أعتزلهم ... و جعلنا لهم لسان صدق علياً

عوامل خوشنامی فرزندان ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۰ - ۴

۴- خداوند ، خوش نامی و بلندآوازی را ، به پاس پایداری ابراهیم (ع) در توحید ، به او و فرزندانش عنایت کرد .

فلما أعتزلهم ... و جعلنا لهم لسان صدق علياً

منشأ خوشنامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۰ - ۶

۶- نام نیک و بلندآوازی ، مزیتی شایسته و پرتویی از رحمت الهی است .

و وهبنا لهم من رحمتنا و جعلنا لهم لسان صدق علياً

منشأ خوشنامی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۴ - ۱

۱ - خداوند ، پیامبر (ص) را در عصر بعثت ، نامدار و بلندآوازه ساخت و آن حضرت را در اوج شهرت قرار داد .

و رفعنا لك ذكرك

نعمت خوشنامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۸ - ۲

۲- باقی ماندن نام و آوازه نوح (ع) در میان آیندگان ، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و ترکنا علیه فی الآخرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در مقام برشمردن نعمت های خداوند بر حضرت نوح(ع) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۸ - ۲

۲ - برجا ماندن نام و آوازه ابراهیم (ع)

در میان آیندگان ، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و ترکنا علیه فی آخرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های خداوند بر حضرت ابراهیم(ع) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۹ - ۲

۲ - باقی ماندن نام و آوازه موسی و هارون (علیهماالسلام) در میان آیندگان ، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و ترکنا علیهما فی آخرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های خداوند بر موسی و هارون (علیهماالسلام) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۹ - ۲

۲ - باقی ماندن نام و آوازه الیاس پیامبر در میان آیندگان ، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و ترکنا علیه فی آخرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های خدا به حضرت الیاس و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۴ - ۱۰

۱۰ - نام و آوازه نیک ، نعمتی است خدادادی و دارای مسؤولیت . \*

و إنه لذكر .. و سوف تستلون

برداشت بالا بدان احتمال است که منظور از <ذكر> یاد و نام خوش باشد و نه تذکر، یادآوری و هشدار.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۴ - ۵

- ۵

خوش نامی ، نعمتی الهی و سزاوار بازگو کردن و اظهار خرسندی است .

وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ .. و رفعنا لك ذكرك

نقش خوشنامی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۴ - ۳

۳ - بلند آوازگی و شهرت پیامبر (ص) ، دارای نقشی بسزا در رفع مشکلات رسالت الهی و کاهش سنگینی آن

و وضعنا عنك وزرك .. و رفعنا لك ذكرك

حرف <لام> در <لك> یا برای تعلیل است و یا انتفاع. در صورت دوم دلالت دارد که <رفعت ذكرك>، برای پیامبر(ص) سودمند است. گفتنی است که خطاب به پیامبر(ص) در <لك> به قرینه <وزرك الذى أنقض ظهرك> به اعتبار مقام رسالت و رهبری آن حضرت است.

### خوک از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خوك

اجتناب از خوك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۹

۹ خوك، حیوانی آلوده و کثیف و نجس که باید از آن اجتناب کرد.

إلا أن يكون .. فإنه رجس

بنابراین که ضمیر <انه> به خنزیر برگردد، نه به لحم خنزیر. در لسان العرب آمده است: <الرجس، القدر و القذار ضد النظافه ... و رجس، نجس.>

احكام خوك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۶ خوردن گوشت مردار، خوک، خون و حیوانی که هنگام ذبح نام خدا بر آن برده نشده، حرام است.

إلا أن يكون ميتة أو دما مسفوحا أو لحم خنزير فإنه رجس أو فسقا أهل لغير الله به

۹ خوک، حیوانی آلوده و کثیف و نجس که باید از آن اجتناب کرد.

إلا

آن یکون .. فإنه رجس

بنابراین که ضمیر <انه> به خنزیر برگردد، نه به لحم خنزیر. در لسان العرب آمده است: <الرجس، القذر و القذار ضد النظافه ... و رجس، نجس.>

۱۶ خوردن خون، گوشت مردار، خوگ و حیوان تذکیه نشده بر مضطر جایز است.

إلا أن یکون میتة أو دما .. فمن اضطر ... فإن ربك غفور رحيم

استفاده از گوشت خوگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۵۶، ۳۹، ۳۵، ۱۱، ۱

۱ حرمت استفاده از مردار، خون و گوشت خوگ

حرمت علیکم المیتة و الدم و لحم الخنزیر

۱۱ استفاده از مردار، خون، گوشت خوگ، حیوان خفه شده، زده شده، پرت شده، شاخ خورده، دریده شده و بدون تذکیه، فسق و خروج از طاعت خداوند است.

حرمت علیکم .. ذلکم فسق

بنابر اینکه <ذلکم> اشاره باشد به جمیع عناوین یاد شده در آیه، نه خصوص آخرین عنوان.

۳۵ استفاده از مردار، خون، گوشت خوگ و حیوانی که نام غیر خدا به هنگام ذبح بر آن برده شود، در حال اضطراب جایز است.

حرمت علیکم .. فمن اضطر فی مخصه غیر متجانف لاثم فإنّ الله غفور رحيم

۳۹ استفاده از مردار، خون، گوشت خوگ، تنها به مقدار ضرورت جایز است.

حرمت .. فمن اضطر فی مخصه غیر متجانف لاثم فإنّ الله غفور رحيم

۵۶ بهره گیری مضطر از مردار، خون، گوشت خوگ و حیوان ذبح شده به نام غیر خدا و ...، مشروط به آن است

که از روی عمد و قصد گناه نباشد .

فمن اضطر فی مخصصه غیر متجانف لاثم

از امام باقر(ع) در توضیح <غیر متجانف> در آیه فوق روایت شده: غیر متعمد لاثم.

---

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۶۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۴۷، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۱۶

۱۶ خوردن خون، گوشت مردار، خوگ و حیوان تذکیه نشده بر مضطر جایز است.

إلا أن یکون میتة أو دما .. فمن اضطر ... فإن ربک غفور رحیم

پلیدی خوگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۱۰، ۹

۹ خوگ، حیوانی آلوده و کثیف و نجس که باید از آن اجتناب کرد.

إلا أن یکون ... فإنه رجس

بنابراین که ضمیر <انه> به خنزیر برگردد، نه به لحم خنزیر. در لسان العرب آمده است: <الرجس، القدر و القذار ضد النظافه ... و رجس، نجس>.

۱۰ آلودگی و پلیدی گوشت مردار و خوگ و خون، فلسفه تحریم آنها از سوی خداوند است.

إلا أن یکون ... فإنه رجس

مرجع ضمیر <انه> می تواند مجموعه آنچه در آیه ذکر شده، باشد. برداشت فوق بنابر این اساس است.

حرمت خوگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۵ - ۱

۱- خوردن مردار ، خون و گوشت خوک ، حرام است .

حَرَمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ

حرمت گوشت خوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۱

۱ - خوردن مردار ، خون ، گوشت

خوک و حیوانی که به نام غیر خدا ذبح شده ، حرام است .

إنما حرم علیکم المیتة و الدم و لحم الخنزیر و ما أهل به لغير الله

<اهلال> (مصدر (أهلّ) به معنای بلند کردن صداست و مقصود از آن در آیه - چنانچه اهل تفسیر برآیند - نام بردن است و لام در <لغير الله> برای تعدیه می باشد. بنابراین <ما أهل به لغير الله> یعنی، حیوانی که [به هنگام ذبح] نام غیر خدا بر او برده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۱

۱ حرمت استفاده از مردار ، خون و گوشت خوک

حرمت علیکم المیتة و الدم و لحم الخنزیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۶

۶ خوردن گوشت مردار، خوک، خون و حیوانی که هنگام ذبح نام خدا بر آن برده نشده، حرام است.

إلا أن یکون میتة أو دما مسفوحا أو لحم خنزیر فإنه رجس أو فسقا أهل لغير الله به

خباثت خوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۳

۳ - مردار ، خون ، گوشت خوک و حیوانی که برای بت ها ذبح شود ، یا به نام غیر خدا سر بریده شود ، از خوراکی های خبیث و پلید هستند .

کلوا من طیب . . . إنما حرم علیکم المیتة ... و ما أهل به لغير الله

خوردن خوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۲

۲ - به هنگام اضطرار

بهره برداری از مردار، خون، گوشت خوگ و ذبیحه ای که نام غیر خدا بر او برده شده، حلال است.

فمن اضطر... فلا إثم علیه

فلسفه تحریم خوگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۱۰

۱۰ آلودگی و پلیدی گوشت مردار و خوگ و خون، فلسفه تحریم آنها از سوی خداوند است.

إلا أن یکون... فإنه رجس

مرجع ضمیر <إنه> می تواند مجموعه آنچه در آیه ذکر شده، باشد. برداشت فوق بنابر این اساس است.

فلسفه حرمت گوشت خوگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۲۳

۲۳ - > محمد بن عذافر عن بعض رجاله عن ابی جعفر (ع) قال قلت له لم حرم الله عزو جل الخمر و الميته و الدم و لحم الخنزیر؟ فقال: ان الله تبارك و تعالی... خلق الخلق... و علم ما یضرم فنهاهم عنه و حرمه علیهم ثم احله للمضطر فی الوقت الذی لا یقوم بدنه إلا به فأمره أن ینال منه بقدر البلغه لا غیر ذلك... ;

امام باقر(ع) در پاسخ از علت حرمت خمر، مردار، خون و گوشت خوگ فرمودند: خداوند انسانها را آفرید... و می دانست چه چیزی موجب ضرر و زیان آنان است و آنان را از آن نهی نموده و برایشان حرام کرده است، سپس برای مضطر در وقتی که بدن او به آن نیاز پیدا کرده، حلال شمرده است که به اندازه کفاف بخورد نه بیشتر از آن

... <

محدوده حرمت خوڪ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۷

۷ ممنوعيت بهره گيرى از مردار، خون و خوڪ، منحصر به خوردن آنهاست. \*

محرمات على طاعم يطعمه إلا أن يكون ميتة

مسخ به خوڪ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۱۹، ۹، ۶

۶ خداوند گروهى از اهل كتاب را به ميمون و خوڪ مسخ كرد .

و جعل منهم القرده و الخنازير

بسيارى از مفسران بر آنند كه اصحاب سبت يهودياني كه با حيله هاى شرعى قداست روز شنبه را شكستند به ميمون تبديل شدند و آن گروه از مسيحيان كه مائده نازل شده بر عيسى (ع) را منكر شدند به خوڪ مبدل گشتند.

۹ گرفتارى اهل كتاب به لعنت و غضب خداوند ، پرستش طاغوت و مسخ شدنشان به ميمون و خوڪ ، سزاي رفتار هاى زشت آنان

هل انبئكم بشر من ذلك مثوبه عند الله من لعنه .. و عبد الطغوت

كلمه <مثوبه> (سزا و جزا) مى رساند كه غضب و .. به عنوان پيامدهاى شومى است كه اعمال نارواى اهل كتاب آنها را اقتضا مى كرده است.

۱۹ پيشينيان اهل كتاب بر اثر گرفتارى به لعنت و غضب خدا و در آمدن به شكل ميمون و خوڪ و پرستش طاغوت ، داراي بدترين جاىگاه و منزلت در پيشگاه خداوند

من لعنه الله .. أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبيل



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۱۵

۱۵ مسخ

گروهی از بنی اسرائیل بصورت خوک ، در اثر لعن حضرت داود (ع) و بصورت میمون ، در اثر لعن حضرت عیسی (ع)

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی

از امام صادق(ع) درباره آیه فوق روایت شده: الخنازیر علی لسان داود(ع) و القرده علی لسان عیسی ابن مریم(ع).

---

کافی، ج ۸، ص ۲۰۰، ح ۲۴۰؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۰، ح ۳۱۱.

نجاست خوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۹

۹ خوک، حیوانی آلوده و کثیف و نجس که باید از آن اجتناب کرد.

إلا أن یکون... فإنه رجس

بنابراین که ضمیر <انه> به خنزیر برگردد، نه به لحم خنزیر. در لسان العرب آمده است: <الرجس، القذر و القذار ضد النظافه ... و رجس، نجس.>

### خون از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خون

احکام خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۱۶، ۶۸

۶ خوردن گوشت مردار، خوک، خون و حیوانی که هنگام ذبح نام خدا بر آن برده نشده، حرام است.

إلا أن یکون میتة أو دما مسفوحا أو لحم خنزیر فإنه رجس أو فسقا أهل لغير الله به

۸ عدم حرمت خون باقیمانده در بدن حیوان پس از ذبح

إلا أن يكون ميتة أو دما مسفوحا

>مسفوح< به معنای ریخته شده است. ذکر این قید در مورد خون، بنا به گفته مفسران، بدان جهت است که خون باقی مانده در رگها و اعضای بدن حیوان ذبح شده را از شمول حکم حرمت خارج سازد.

۱۶ خوردن خون، گوشت مردار، خوگ و حیوان تذکیه نشده بر مضطر جایز

است.

إلا أن يكون ميتة أو دماً... فمن اضطر... فإن ربك غفور رحيم

استفاده از خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۵۶، ۳۹، ۳۵، ۱۱، ۱

۱ حرمت استفاده از مردار، خون و گوشت خوگ

حرمت علیکم الميته و الدم و لحم الخنزير

۱۱ استفاده از مردار، خون، گوشت خوگ، حیوان خفه شده، زده شده، پرت شده، شاخ خورده، دریده شده و بدون تذکيه، فسق و خروج از طاعت خداوند است.

حرمت علیکم... ذلکم فسق

بنابر اینکه <ذلکم> اشاره باشد به جمیع عناوین یاد شده در آیه، نه خصوص آخرین عنوان.

۳۵ استفاده از مردار، خون، گوشت خوگ و حیوانی که نام غیر خدا به هنگام ذبح بر آن برده شود، در حال اضطرار جایز است.

حرمت علیکم... فمن اضطر فی مخصه غیر متجانف لاثم فإنّ الله غفور رحيم

۳۹ استفاده از مردار، خون، گوشت خوگ، تنها به مقدار ضرورت جایز است.

حرمت... فمن اضطر فی مخصه غیر متجانف لاثم فإنّ الله غفور رحيم

۵۶ بهره گیری مضطر از مردار، خون، گوشت خوگ و حیوان ذبح شده به نام غیر خدا و...، مشروط به آن است که از روی عمد و قصد گناه نباشد.

فمن اضطر فی مخصه غیر متجانف لاثم

از امام باقر(ع) در توضیح <غیر متجانف> در آیه فوق روایت شده: غیر متعمد لاثم.

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۶۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۴۷، ح ۱.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۱۶

۱۶ خوردن خون، گوشت مردار، خوگ و حیوان تذکیه نشده بر مضطر جایز است.

إلا أن يكون ميتة أو دماً .. فمن اضطر ... فإن ربك غفور رحيم

پلیدی خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۱۰

۱۰ آلودگی و پلیدی گوشت مردار و خوگ و خون، فلسفه تحریم آنها از سوی خداوند است.

إلا أن يكون .. فإنه رجس

مرجع ضمیر <إنه> می تواند مجموعه آنچه در آیه ذکر شده، باشد. برداشت فوق بنابر این اساس است.

حرمت خوردن خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۱

۱ - خوردن مردار، خون، گوشت خوگ و حیوانی که به نام غیر خدا ذبح شده، حرام است.

إنما حرم عليكم الميتة و الدم و لحم الخنزير و ما أهل به لغير الله

<اهلال> (مصدر (أهل)) به معنای بلند کردن صداست و مقصود از آن در آیه - چنانچه اهل تفسیر برآیند - نام بردن است و لام در <لغير الله> برای تعدیه می باشد. بنابراین <ما أهل به لغير الله> یعنی، حیوانی که [به هنگام ذبح] نام غیر خدا بر او برده شود.

حرمت خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۱

۱ حرمت استفاده از مردار ، خون و گوشت خوک

حرمت علیکم الميته و الدم و لحم الخنزیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶

۶ خوردن گوشت مردار، خوگ، خون و حیوانی که هنگام ذبح نام خدا بر آن برده نشده، حرام است.

إلا أن يكون ميتة أو دما مسفوحا أو لحم خنزير فإنه رجس أو فسقا أهل لغير الله به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۵ - ۱

۱- خوردن مردار، خون و گوشت خوگ، حرام است.

حَرَمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ

خباثت خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۳

۳- مردار، خون، گوشت خوگ و حیوانی که برای بت ها ذبح شود، یا به نام غیر خدا سر بریده شود، از خوراکی های خبیث و پلید هستند.

كلوا من طيب . .. إنما حرم عليكم الميتة ... و ما أهل به لغير الله

خوردن خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۲

۲- به هنگام اضطراب بهره برداری از مردار، خون، گوشت خوگ و ذبیحه ای که نام غیر خدا بر او برده شده، حلال است.

فمن اضطر . . . فلا إثم عليه

خون بدن ذبیحه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۸ عدم حرمت خون باقیمانده در بدن حیوان پس از ذبح

إلا أن يكون ميتة أو دما مسفوحا

<مسفوح> به معنای ریخته شده است. ذکر این قید در مورد خون، بنا به گفته مفسران، بدان جهت است که خون باقی مانده

در

رگها و اعضای بدن حیوان ذبح شده را از شمول حکم حرمت خارج سازد.

خون پیراهن یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۲۰، ۱۹، ۵، ۴، ۲

۲ برادران یوسف، پیراهن وی را به خونی دروغین (خونی غیر از خون او) آغشته کردند.

و جاء و علی قمیصه بدم کذب

۴ خونین بودن روی پیراهن یوسف، نشانه ای آشکار بر طعمه گرگ نشدن او بود.

و جاء و علی قمیصه بدم کذب

<بدم> مفعول برای <جاء و> است و <علی قمیصه> حال برای <دم> می باشد. بنابراین <جاء و...>؛ یعنی، خون دروغینی را آوردند در حالی که آن خون بر روی پیراهن بود و از آن جا که معمولاً قسمت زیرین و آستر لباس مصدوم آغشته به خون می شود، ولی روی لباس یوسف خونین بود، یعقوب (ع) دریافت که فرزندش طعمه گرگ نشده است.

۵ خونی که برادران یوسف پیراهن او را با آن آغشته کردند، به خوبی نشان می داد که خون یوسف نیست.

جاء و علی قمیصه بدم کذب

<کذب> مصدر است و در آیه شریفه به معنای اسم فاعل <کاذب> می باشد به کارگیری مصدر به جای اسم فاعل حاکی از مبالغه است بنابراین <دم کذب> یعنی خون دروغین که دروغ بودنش خیلی روشن و واضح بود.

۱۹ > عن أبي عبدالله (ع) قال لما أوتى بقميص يوسف إلى يعقوب... كان به نضح من دم؛

از امام صادق (ع) روایت شده است: هنگامی که پیراهن یوسف برای یعقوب آورده شد... روی آن قطراتی از خون پاشیده شده بود.

۲۰ > عن أبي جعفر (ع)

ع) فی قوله < و جاؤوا علی قمیصه بدم کذب > قال : إنهم ذبحوا جدياً علی قمیصه ;

از امام باقر(ع) روایت شده درباره سخن خدا که فرموده: < و جاؤوا .. > فرمود: آنان بزغاله ای بر روی پیراهن او ذبح کرده بودند.

### خون مباح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۸

۸ عدم حرمت خون باقیمانده در بدن حیوان پس از ذبح

إلا أن يكون ميتة أو دما مسفوحا

<مسفوح> به معنای ریخته شده است. ذکر این قید در مورد خون، بنا به گفته مفسران، بدان جهت است که خون باقی مانده در رگها و اعضای بدن حیوان ذبح شده را از شمول حکم حرمت خارج سازد.

### عذاب با خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۳ - ۲

۲ جاری شدن سیلاب و هجوم ملخ ها ، شپش ها و قورباغه ها و آلوده شدن زندگانی به خون ، از عذاب های نازل شده بر فرعونیان منکر رسالت موسی

فأرسلنا عليهم الطوفان و الجراد و القمل و الضفادع و الدم

<طوفان> آب فراوانی است که بر منطقه و یا مناطقی مستولی می شود. هر یک از <جراد> (ملخ) و <قمل> (شپش) اسم جنس است. ضفادع جمع ضفدع یا ضفدع (قورباغه) است.

### فلسفه تحریم خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۱۰

۱۰ آلودگی و پلیدی گوشت مردار و خوک و خون، فلسفه تحریم آنها از سوی خداوند است.

إلا أن یکون .. فإنه رجس

مرجع ضمیر <إنه> می تواند

مجموعه آنچه در آیه ذکر شده، برداشت فوق بنابر این اساس است.

فلسفه حرمت خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۲۳

۲۳ - > محمد بن عذافر عن بعض رجاله عن ابی جعفر (ع) قال قلت له لم حرم الله عزو جل الخمر و الميته و الدم و لحم الخنزیر؟ فقال: ان الله تبارك و تعالی... خلق الخلق... و علم ما یضرمهم فنهاهم عنه و حرمة علیهم ثم احله للمضطر فی الوقت الذی لایقوم بدنه إلا به فأمره أن ینال منه بقدر البلغه لا غیر ذلك... ;

امام باقر(ع) در پاسخ از علت حرمت خمر، مردار، خون و گوشت خوک فرمودند: خداوند انسانها را آفرید... و می دانست چه چیزی موجب ضرر و زیان آنان است و آنان را از آن نهی نموده و برایشان حرام کرده است، سپس برای مضطر در وقتی که بدن او به آن نیاز پیدا کرده، حلال شمرده است که به اندازه کفاف بخورد نه بیشتر از آن... <

محدوده حرمت خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۷

۷ ممنوعیت بهره گیری از مردار، خون و خوک، منحصر به خوردن آنهاست. \*

محرما علی طاعم یطعمه إلا أن یكون میتة

**خویشاوندان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما**

خویشاوندان

اتکا به خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۴ - ۳

۳- تکیه ثروت مند مغرور، به زیادی مال و نیروی فرزندان، خویشان و

هواخواهان خود بود .

فقال لصحبه .. أنا أكثر منك مالاً و أعزّ نفراً

به قبیله و عشیره انسان و نیز به گروهی که در کاری به هم کمک کنند، <نفر> اطلاق می شود (لسان العرب) و به قرینه <أنا أقلّ منك مالاً و ولدأ> در آیه ۳۹ برجسته ترین مصداق آن برای گوینده این سخن، فرزندان وی بوده است.

احترام خویشاوندان شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۱ - ۱۰، ۹

۹ خاندان شعیب ، قبیله ای شایسته احترام در نزد مردم مدین

لولا رهطک لرجمنک

<رهط> به گروه و دسته ای گفته می شود که از ده نفر تجاوز نکند و آن گاه که به کلمه ای همانند رجل اضافه شود (رهط الرجل) به معنای قبیله ، قوم و خاندان است.

۱۰ عزت و احترام قبیله شعیب در نزد مردم مدین ، مانع آنان از کیفر دادن و سنگسار کردن آن حضرت

و لولا رهطک لرجمنک

از آن جا که مردم مدین تصریح می کنند که شعیب(ع) در میان آنان ضعیف است، معلوم می شود مقصود آنان از <لولا رهطک> این معنا نیست که آنان توان مقابله با خاندان او را ندارند بلکه به قرینه <ما أنت علینا بعزیز> و <أرھطی أعز> .. در آیه بعد مراد از <لولا رهطک> ، <لولا عزه قومک و کرامتهم عندنا...> است.

احسان به خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۱۷، ۳

۳ - احسان به پدر و مادر ، خویشان ، یتیمان و درماندگان ، از جمله پیمان های خداوند با بنی

و إذ أخذنا ميثق بني إسرائيل لا تعبدون إلا الله و بالوالدين إحساناً و ذى القربى و ا

<إحساناً> مفعول مطلق برای فعل محذوف <تحسنون> یا <احسنوا> می باشد. کلمات <ذی القربى و ...> عطف بر <الوالدين> است.

۱۷ - یکتا پرستی و احسان به والدین ، خویشان ، یتیمان و درماندگان ، از مصادیق اعمال شایسته است .

و عملوا الصلحت .. لا تعبدون إلا الله و بالوالدين إحساناً ... و المسکین

آیه مورد بحث در حقیقت تفسیری برای آیه پیشین و بیان مصادیقی از <الصلحات> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱ - ۱۹، ۱۶

۱۶ لزوم اهتمام و توجه به خویشاوندان ( صله رحم )

و اتَّقوا الله الذى تساءلون به و الارحام

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: هی ارحام الناس، ان الله عز و جل امر بصلتها و عظمتها الا ترى انه جعلها معه.

---

کافی، ج ۲، ص ۱۵۰، ح ۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۳۷، ح ۲۵.

۱۹ توجه به مراقبت دایمی خداوند ، زمینه ساز رعایت تقوای الهی و اهتمام به خویشاوندان

و اتَّقوا الله الذى تساءلون به و الارحام ان الله كان علیکم رقیباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۶ - ۱۹، ۱۰، ۹، ۸

۸ ضرورت احسان و نیکی به خویشاوندان ، یتیمان و درماندگان

و بالوالدين احساناً و بذی القربى و الیتامى و المساکین

۹ اولویت احسان به پدر و مادر ، بر احسان به خویشان

و بالوالدین احساناً و بذی القربی

۱۰ اولویت احسان به خویشان ، بر احسان به دیگران

و بذی القربی و الیتامی . . و



۱۹ احسان به پدر، مادر، خویشان، همسایگان و زیردستان، زمینه جلب محبت الهی

و بالوالدین احساناً .. انّ الله لا یحبّ من کان مختالاً فخوراً

از مصادیق مورد نظر برای <مختالاً- فخوراً>، ترک احسان به پدر، مادر و .. می باشد. در نتیجه ترک احسان مانع محبت الهی و احسان عامل جلب آن خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۰ - ۱۸، ۳، ۱

۱- خداوند به رعایت عدل، احسان و بخشش به خویشاوندان، فرمان می دهد .

إن الله یأمر بالعدل و الإحسن و إیتای ذی القربی

۳- بخشش به خویشاوندان، دارای اهمیتی ویژه در میان سایر نیکیها

إن الله یأمر بالعدل و الإحسن و إیتای ذی القربی

برداشت فوق، به خاطر این است که بخشش به خویشاوندان قطعاً از مصادیق <احسان> است و اینکه دوباره به صورت مجزا ذکر شده، مشعر به اهمیت آن است.

۱۸- عدل و احسان و بخشش به خویشاوندان، از تمایلات فطری انسان

یأمر بالعدل و الإحسن و إیتای ذی القربی .. لعلکم تذکرون

برداشت فوق بر این اساس است که خداوند امر به عدل و .. را مواعظی در جهت تذکر آدمیان می شمارد و در واژه <تذکر> این معنا نهفته است که: اصل گرایش به ارزشهای مذکور، در نهاد همگان موجود است و در صورت غفلت نیازمند یادآوری می باشد.

ادای حقوق خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۲، ۱

۱- ادای حق خویشاوندان ، امری واجب و لازم است .

و عات ذالقربی حقّه

۲- پیامبر

( ص ) موظف به ادای حقوق خویشاوندان ، مساکین و در راه ماندگان با رعایت اعتدال و اجتناب از تبذیر

و ءات ذالقربی حقّه و المسکین و ابن السبیل و لاتبذّر تبذیرًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مخاطب در آیه پیامبر(ص) باشد، هر چند دیگران را نیز شامل می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۹ - ۲

۲- مؤمنان ، وظیفه دار پرهیز از بخل و خودداری از ادای حق خویشان و مستمندان

و ءات ذالقربی حقّه .. و لاتجعل یدک مغلوله إلی عنقک

ارث خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۵ - ۸

۸ خویشاوندان در ارث بردن از یکدیگر بر غیر خویشان اولویت دارند .

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض

برداشت فوق با توجه به روایات متعددی که درباره <اولوا الارحام> آمده، استفاده شده است. علاوه بر آن مفسران بزرگ

شیعه و سنی جمله <اولوا الأرحام بعضهم ...> را بیان حکم ارث دانسته اند.

ارث خویشاوندان مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶ - ۱۶

۱۶ - خویشاوندان مؤمنان و مهاجران ، به ارث بردن از آنها نسبت به دیگران ، اولویت دارند .

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض .. من المؤمنین و المهاجرین

برداشت بالا، بنابراین است که <من المؤمنین> متعلق به عامل مقدر و وصف <أولوا الأرحام> باشد.

ارث خویشاوندان مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶ - ۱۶

۱۶ - خویشاوندان مؤمنان و مهاجران ،

به ارث بردن از آنها نسبت به دیگران ، اولویت دارند .

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض .. من المؤمنين و المهجرین

برداشت بالا، بنابراین است که <من المؤمنین> متعلق به عامل مقدر و وصف <أولوا الأرحام> باشد.

ارث خویشاوندان نسبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶ - ۹

۹ - خویشاوندان نسبی ، در ارث بردن از هم ، بر مؤمنان و مهاجران اولویت دارند .

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض فی كتب اللّٰه من المؤمنین و المهجرین

نوع مفسران بر آن اند که مراد از اولویت خویشاوندان بر دیگران، اولویت در ارث است.

استقبال از خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۳

۳ به استقبال پدر ، مادر و بستگان رفتن و در خارج شهر به انتظار قدم آنان ماندن ، رسمی نیکو و از آداب معاشرت است .

فلما دخلوا علی یوسف .. قال ادخلوا مصر

اصحاب یمین و خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۹ - ۲،۳

۲ - کسانی که نامه عمل آنان به دست راستشان عطا شود ، در قیامت با خویشاوندان خود مأنوس خواهند بود .

و ینقلب إلی أهله

فعل <ینقلب> دلالت می کند که مراد از <أهل>، همان خویشاوندان انسان در دنیا است که در قیامت نیز در کنار او

خواهند بود. برخی مراد از <أهل> را، حور و غلمان بهشتی دانسته اند؛ ولی واژه انقلاب (رجوع کردن) و نیز جمله <إنه  
كان في أهله مسروراً> در آیات بعد، دیدگاه نخست را تأیید می

کند.

۳- دریافت کنندگان نامه عمل با دست راست، با آسان گذراندن مرحله حسابرسی، شادمان به نزد خویشاوندان خود بر خواهند گشت.

فَأَمَّا مِنْ أَوْلِيَّائِهِ كَتَبَ بِيَمِينِهِ... وَ يَنْقَلِبُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا

اصلاح خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۵ - ۵

۵- آغاز کردن تبلیغ دین و حرکت اصلاحی از نزدیکان و اطرافیان، شیوه ابراهیم (ع)

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ

برداشت یاد شده از آن جا است که ابراهیم(ع) در آغاز تبلیغ خود، پدر و اطرافیان خود را مخاطب قرار داد.

اطعام به خویشاوندان یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۵ - ۲

۲- رساندن غذا به خویشاوندان یتیم خود، بر تغذیه دیگر نیازمندان مقدم است.

يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ

<مقربه> مصدر و با <قربانه> (خویشاوندی) به یک معنا است. (صحاح اللغه)

اعراض از تأمین خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۸ - ۷

۷- ناتوانی مالی و عدم امکانات مناسب، عذری پذیرفته شده و بجا در ترک انفاق و ادای حق خویشاوندان و مستمندان

و ءات ذاالقربى حقه .. و إما تعرضن عنهم ابتغاء رحمة من ربك ترجوها

اقلیت خویشاوندان شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۱ - ۷

۷ شعيب (ع) در شهر مدین ، دارای طایفه ای انگشت شمار بود .

لولا رهطک لرجمنک

امداد اخروی به خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۳ - شدايد قيامت ، از ميان برنده فرصت بهره رساندن خويشاوندان به يکديگر است .

يوم يفتر المرء من أخيه .. لكل امرئ منهم يومئذ شأن يغنيه

جمله <لكل امرئ ..> ، بيانگر علت فرار خويشاوندان از يکديگر است و نشان مي دهد که در آن سرا گرچه عواطف خويشاوندی هم وجود داشته باشد ولی سودی نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۲ - ۳

۳ - گرفتاری به آثار کفر و گناه در قيامت ، فرصت هرگونه یاری رسانی به ديگران حتی نزديک ترين خويشاوندان را از کافران و گنه کاران سلب خواهد کرد .

يوم يفتر المرء .. لكل امرئ منهم يومئذ شأن يغنيه ... أولئك هم الکفرة الفجرة

امداد به خويشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۱۱

۱۱ یاری به خويشان و وابستگان ، خصلتی نیکو و از ویژگی های نیکوکاران است .

وأتونی بأهلکم أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۸ - ۶

۶- مؤمن ، آرزومند داشتن امکانات ، برای رسیدگی به خويشاوندان و محرومان جامعه

وإما تعرضن عنهم ابتغاء رحمة من ربك ترجوها

امدادهای خويشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۷- برخورداری انسان در زندگی خانوادگی از یاری بی دریغ افرادی چون نوادگان و خویشاوندان ، از نعمت های خداوند و از نشانه های اوست .

و جعل لکم من أزواجکم بنین و حفده

ماده <حفده> در

مورد یارانی به کار می رود که از خدمت گزاری تعدی نمیورزند که مفسران مصداق این معنا را نوادگان یا همه خویشاوندان دانسته اند.

انذار خویشاوندان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۴ - ۱

۱ - مأموریت پیامبر ( ص ) برای انذار و اخطار بستگان نزدیک خویش از عواقب شرکوری و مخالفت با خدا

فلاتدع مع الله .. و أنذر عشیرتک الأقربین

انفاق به خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۵ - ۷

۷ والدین ، خویشاوندان ، یتیمان ، فقرا و در راه ماندگان ، به ترتیب از موارد مصرف انفاق هستند .

فللوالدین و الاقربین و الیتامی و المساکین و ابن السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۸ - ۱۴

۱۴- کسانی که به خاطر ناتوانی مالی ، از دستگیری خویشاوندان ، مساکین و در راه ماندگان خودداری می کنند ، نباید به گونه ای به آنان وعده و نوید بدهند که دچار مشکل شوند .

و إِمَّا تَعْرِضْنَ .. ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهُنَّ لِقَاءَ رَبِّكَ فَلَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <قل لهم قولاً ميسوراً> به این معنا باشد که اکنون که ناتوان از کمک به نیازمندان هستید، به آنان قول و وعده ای بدهید که برای شما عسر و حرج آفرین نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ - در انفاق ، خویشاوندان نیازمند بر دیگر نیازمندان ، اولویت و تقدم

دارند .

و لا يَأْتِلْ أَوْلُوا الْفَضْلَ مِنْكُمْ وَ السَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أَوْلَى الْقُرْبَى وَ الْمَسْكِينِ وَ الْمُهَاجِرِ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این اساس است که تقدم ذکرى <أولى القربى> بر <مساكين> و <مهاجرین> حاکی از تقدم رتبی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۸ - ۱،۲،۴

۱ - پیامبر ( ص ) مأمور انفاق به خویشان خود و مساکین و در راه ماندگان بود .

فَأْتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنَ السَّبِيلِ

۲ - انفاق بر خویشاوندان و مساکین و در راه ماندگان ، لازم است .

فَأْتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنَ السَّبِيلِ

مخاطب آیه، اگر چه پیامبر(ص) است، اما پیروان آن حضرت، به تبع او، مشمول حکم آیه هستند.

۴ - خویشاوندان نزدیک ، در اعطای حقوق مالی و انفاق ، در اولویت اند . \*

فَأْتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ

انفاق به خویشاوندان نیازمند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۲۱

۲۱ - تقدیم خویشاوندان نیازمند بر دیگر مستمندان ، از آداب انفاق است .

وَ ءَاتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّ ذَوَى الْقُرْبَى وَ الْيَتْمَى وَ الْمَسْكِينِ

تقدیم کلمه <ذوی القربى> بر دیگران، گویای این است که: اهل ایمان در مرحله نخست باید در رفع نیاز خویشاوندان خود بکوشند و سپس به دیگران پردازند.

انفاق خویشاوندان اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۵ - ۸

۸- وفادار بودن اسماعیل (ع) به وعده ها و اصرار او بر پای بندی بستگانش به نماز ، زکات و انفاق ، مایه جلب رضایت خداوند

إنه كان صادق

الوعد .. و كان يأمر أهله بالصلوة والزكوه و كان عند ربّه مرضياً

اولويت خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۴ - ۲

۲ - لزوم پرداختن به اصلاح نزدیکان خود ، قبل از اقدام به اصلاح جامعه و تود های مردم

فلاتدع مع الله .. و أنذر عشیرتک الأقربین

با توجه به این که رسالت پیامبر(ص) جهانی است ولی در این آیات خداوند نخست انذار بستگان را فرمان داده است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶ - ۱۰

۱۰ - اولویت خویشان در ارث بردن ، حکمی ثابت در کتاب خدا است .

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض فی کتب الله

<فی کتاب> می تواند خبر مبتدای محذوف مثل <هذا الحکم> باشد. در این صورت، استفاده می شود که حکم اولویت یاد شده جزء احکام کتاب خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۵ - ۵

۵ - آغاز کردن تبلیغ دین و حرکت اصلاحی از نزدیکان و اطرافیان ، شیوه ابراهیم (ع)

إذ قال لأبیه و قومه ماذا تعبدون

برداشت یاد شده از آن جا است که ابراهیم(ع) در آغاز تبلیغ خود، پدر و اطرافیان خود را مخاطب قرار داد.

اولویت خویشاوندان نسبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - خویشاوندان نسبی ، در حقوق مقرر شده ، بر دیگران ترجیح دارند .

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض فی كتب



۹ - خویشاوندان نسبی ، در ارث بردن از هم ، بر مؤمنان و مهاجران اولویت دارند .

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض في كتب الله من المؤمنين و المهجرین

نوع مفسران بر آن اند که مراد از اولویت خویشاوندان بر دیگران، اولویت در ارث است.

اهل مدین و خویشاوندان شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۱ - ۹

۹ خاندان شعیب ، قبیله ای شایسته احترام در نزد مردم مدین

لولا رهطک لرجمنک

<رهط> به گروه و دسته ای گفته می شود که از ده نفر تجاوز نکند و آن گاه که به کلمه ای همانند رجل اضافه شود (رهط الرجل) به معنای قبیله ، قوم و خاندان است.

اهمیت احترام به خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۹

۹ لزوم احترام به خویشاوندان خصوصاً به پدران و مادران

فلما دخلوا علی یوسف ءاوی الیه أبویه و قال ادخلوا مصر

اهمیت اصلاح خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۵ - ۵

۵- اصلاح خانواده و بستگان ، دارای اهمیت ویژه و مورد اهتمام پیامبران الهی

و كان يأمر أهله بالصلوه و الزكوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۴ - ۲

۲ - لزوم پرداختن به اصلاح نزدیکان خود ، قبل از اقدام به اصلاح جامعه و تود های مردم

فلاتدع مع الله . . . و أنذر عشیرتک الأقربین

با توجه به این که رسالت پیامبر(ص) جهانی است ولی در این آیات خداوند نخست انذار بستگان را فرمان داده

است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

اهمیت تأمین خویشاوندان یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۶ - ۴

۴ - فضیلت تغذیه خویشاوندان یتیم خود ، برتر از رساندن غذا به دیگر اقشار محروم جامعه است .

یتیمًا ذا مقربه . أو مسکینًا ذا متربه

اهمیت حقوق خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۹

۹ رعایت حقوق خویشاوندان اگر چه دشمن باشند لازم است .

و إن یظهروا علیکم لایرقبوا فیکم إلاً

خداوند مشرکان را به خاطر رعایت نکردن حق خویشاوندی خود با مسلمانان که در حال ستیز و دشمنی با آنان بودند محکوم کرد و آنها را متجاوز خواند (هم المعتدون)؛ این می رساند که حق خویشاوندی را در هر شرایط (جنگ و دشمنی و ..) باید رعایت کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰ - ۴

۴ رعایت حقوق خویشاوندان ، واجب است .

لایرقبون فی مؤمن إلاً

آیه فوق که در توصیف مشرکان است، رعایت نکردن حق خویشاوندان را از خصوصیات مشرکان شمرده و به همین خاطر آنان را انسانهای متجاوز معرفی کرد (هم المعتدون) این توصیف، حکایت دارد که رعایت حق خویشاوندان امری لازم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- رعایت حقوق خویشاوندان پس از ادای حق والدین ، بر سایر حقوق اجتماعی ، اولویت دارد .

و بالوالدین إحسنًا .. وءات ذالقربی حقه و المسکین

فاصله شدن < حقه > میان

<ذاللقربی> و دو مورد بعد و نیز تقدّمش بر آن دو، می تواند اِشعار به تمایز <ذی القربی> و اولویت مرتبه آن داشته باشد.

اهمیت خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۸

۸- نقش مهم تعاون خویشاوندی در زندگی انسان

و جعل لكم .. حفده

برداشت فوق از آن جاست که خداوند ضمن برشمردن چند نعمت مهم، پس از موضوع همسررداری و فرزند، به مسأله تعاون خویشاوندی اشاره فرموده است که از معنای لغوی <حفده> استفاده می شود.

اهمیت رعایت عواطف خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۸ - ۱۳

۱۳- توجه به عواطف خویشاوندان و مستمندان و پرهیز از رنجیده ساختن آنان ، امری لازم و شایسته است .

و اِما تعرضنّ .. فقل لهم قولاً میسوراً

اهمیت سعادت خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۶ - ۵

۵ - لزوم احساس مسؤولیت مؤمنان ، نسبت به سعادت و فرجام خویشاوندان خود

قالوا اِنَّا كُنَّا قَبْلَ فِي اَهْلِنَا مَشْفِقِينَ

از این که احساس مسؤولیت نسبت به خانواده، عامل رهیابی به بهشت معرفی شده است، اهمیت و ضرورت آن استفاده می شود.

اهمیت هدایت خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۲ - ۹

۹- اصلاح بستگان نزدیک و هدایت آنان نسبت به دیگر افراد جامعه ، در اولویت نخست قرار دارد .

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۶ - ۹

مسئولیت ویژه انسان در برابر هدایت و ارشاد بستگان نزدیک خود \*

و إذ قال إبراهيم لأبيه و قومه

تقدیم <لأبيه> می تواند توجه بیشتر ابراهیم(ع) به هدایت پدر را برساند؛ که از آن اولویت هدایت و ارشاد بستگان نزدیک استفاده می شود.

ایمان خویشاوندان لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۳

۳ از میان قوم لوط تنها خانواده و بستگانش به وی ایمان آوردند .

فانجینه و أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۲ - ۶

۶ - از خویشاوندان لوط افرادی به وی ، ایمان آورده بودند .

لننجینه و أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۱۵

۱۵ - جمعی از خویشان لوط (ع) به وی ، ایمان آورده بودند .

إنا منجوك و أهلك

برخورد با خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸ - ۲،۳

۲ لزوم برخورد نیک با خویشاوندان ، یتیمان و مساکین به هنگام بهره مند ساختن آنان از میراث

و اذا حضر القسمة .. فارزقوهم منه و قولوا لهم قولاً معروفاً

۳ لزوم توجه به نیازمندی های خویشاوندان ، یتیمان و مساکین و برخورد نیک با آنان

اولوا القربى و الیتامى و المساکین، فارزقوهم منه و قولوا لهم قولاً معروفاً

بی لیاقتی خویشاوندان زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵ - ۲

۲- بستگان زکریا ، در نظر وی برای تسلط بر امور مادی و اجتماعی



او صلاحیت نداشتند . \*

و إئى خفت المولى من وراى

از معانى <موالى> خویشاوندانى از قبیل پسر عمو، پسر خواهر و نظایر آنان است (تاج العروس).

تأمین خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۹،۲۰

۹ - لزوم دستگیری از خویشاوندان نیازمند و صرف مال برای برطرف کردن نیازهای آنان

و ءاتى المال على حبه ذوى القربى

<ذوى القربى> به معنای خویشاوندان است و از آن جا که در شمار یتیمان و مساکین و .. قرار گرفته اند، می توان دریافت که مراد، نیازمندان ایشان است.

۲۰ - پرداخت مال برای رفع نیازمندی خویشان ، یتیمان ، مساکین ، در راه ماندگان و فقیران مشخصه نیکوکاران است .

و لكن البر من .. و ءاتى المال على حبه ذوى القربى و السائلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸ - ۳

۳ لزوم توجه به نیازمندی های خویشاوندان ، یتیمان و مساکین و برخورد نیک با آنان

اولوا القربى و الیتامى و المساکین، فارزقوهم منه و قولوا لهم قولاً معروفاً

تأمین نیازهای خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۲ - ۵،۹

۵ - تأمین نیازمندی های خویشاوندان ، بینوایان و مهاجران ، بر اغنیا و ثروتمندان واجب است .

ولا يَأْتِلْ أَوْلُوا الْفَضْلَ مِنْكُمْ وَالسَّعَةَ أَنْ يُؤْتُوا أَوْلَى الْقَرَبِيِّ وَالْمَسْكِينِ وَالْمُهَاجِرِ

۹- دستگیری از بینوایان و خویشاوندان و مهاجران نیازمند ، نشانگر فضیلت و کرامت آدمی است .

و لا يَأْتِلْ أَوْلُوا الْفَضْلَ مِنْكُمْ وَالسَّعَةَ أَنْ يُؤْتُوا أَوْلَى الْقَرَبِيِّ وَالْمَسْكِينِ وَ

برداشت براساس این است که مقصود از فضل در <أُولُوا الْفَضْلَ> فضیلت معنوی و انسانی باشد.

تبلیغ خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۷ - ۶

۶ - مبلغان ، در تبلیغ دین ، باید اقوام و خویشان خود را در اولویت قرار دهند .

و لقد أرسلنا من قبلك رسلاً إلى قومهم

بی شک، هدف از ارسال انبیا، هدایت همه مردم بوده است و اختصاص به ذکر قوم آنان (قومهم) ممکن است به خاطر در اولویت بودن آنان باشد. در این صورت، نکته یاد شده، قابل استفاده است.

تبلیغ در خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۴ - ۹

۹ تبلیغ در بین خویشاوندان و بزرگان و سردمداران، دارای اولویت است. \*

و إذ قال إبراهيم لأبيه أزر

<آزر> علاوه بر این که از خویشان ابراهیم بود، به تصریح <قومک> از بزرگان و رؤسای قوم خویش نیز محسوب می شده است. و چون ظاهراً دعوت ابراهیم از این نقطه آغاز گشته، می تواند به عنوان الگو و معیاری در تبلیغ مطرح باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۵ - ۵

۵ - آغاز کردن تبلیغ دین و حرکت اصلاحی از نزدیکان و اطرافیان ، شیوه ابراهیم (ع)

إذ قال لأبيه و قومه ماذا تعبدون

برداشت یاد شده از آن جا است که ابراهیم(ع) در آغاز تبلیغ خود، پدر و اطرافیان خود را مخاطب قرار داد.

ترک انفاق به خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ -

۱ - خداوند ، توانگران صدراسلام را از سوگند بر ترک انفاق به خویشاوندان ، بینوایان و مهاجران به صرف گناه گذشته آنان ، بر حذر داشت .

ولا يَأْتِلُ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى الْقَرْبَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْمُهَاجِرِينَ

<إيتاء> (مصدر <يأتلى>) می تواند مشتق از <الو> به معنای <تقصیر و منع> باشد. هم چنین می تواند از <الیه> به معنای <حلف> و سوگند خوردن باشد. در صورتی که به معنای <حلف> باشد، <يؤتوا> منفی به <لا> ی محذوف است؛ یعنی، <لا يحلفوا أن لا يؤتوا...> درباره شأن نزول آیه شریفه دو نظر وجود دارد: ۱ آیه درباره کسانی نازل شد که پس از ماجرای <افک>، سوگند یاد کردند که از انفاق به گروهی که در این ماجرا دست داشتند خودداری کنند. ۲- در خصوص ابوبکر نازل شد که او پس از ماجرای <افک>، از انفاق به <مسطح بن اثابه> که پسرخاله یا پسر خواهر وی بود امتناع ورزید.

۲ - سوگند بر ترک نیکی و انفاق به خویشاوندان ، مستمندان و مهاجران ، به صرف لغزش گذشته آنان ، نشانه تأثیر پذیری از وسوسه شیطان و پیروی از او است .

لا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ... وَ لَا يَأْتِلُ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى

جمله <ولا يأتلى..> می تواند عطف بر <ولا تبتبعوا خطوات الشيطان...> از نوع عطف خاص بر عام باشد که حاکی از اهمیت موضوع مورد بحث خاص است. بر این اساس معنا و پیام آیه چنین خواهد شد: <ای مؤمنان! از گام های شیطان، بویژه اگر شما را به ترک انفاق خویشاوندان و ... فرا بخواند

پیروی نکنید < .

تفدیه خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۳ - ۱

۱ - مجرمان در قیامت ، برای نجات خود از عذاب الهی ، آماده فدا کردن بستگان نزدیک خویش اند .

و فصیله الّتی تویه

توقعات خویشاوندان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۴ - ۷

۷ خویشاوندان مشرک پیامبر توقع داشتند که پیامبر(ص) به جهت خویشی آنان را به توحید فرا نخواند. \*

و إذ قال إبرهیم لأبیه ءازر

موظف شدن پیامبر(ص) به یاد نمودن گفتگوی ابراهیم(ع) با آزر شاید بدان جهت باشد که در خویشاوندان پیامبر(ص) این انگیزه که آن حضرت از دعوت آنان به توحید باز ایستد وجود داشته است.

حفظ منافع خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۱۴

۱۴ حفظ منافع خویشان و یا دفع ضرر از آنان نباید آدمی را به ناحق گویی وادارد.

و إذا قلتُم فاعدلوا و لو کان ذاقربی

اسم <کان> ضمیری است که به <المقول له> و مانند آن، که از <إذا قلتُم> به دست می آید، برمی گردد؛ یعنی هر چند آن کسی که سخن درباره او گفته می شود، خویشاوند گوینده باشد.

حقوق خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۱۴

۱۴ - مسؤولیت انسان بالاخص دارندگان ثروت ، درباره پدر و مادر و سایر خویشاوندان \*

الوصیه للولدين و الأقربین بالمعروف حقاً علی المتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸ -

۱ لزوم بهره مند ساختن نزدیکان نیازمند ، یتیمان و مساکین از اموال میت ، در صورت حضور آنان هنگام تقسیم ارث

و اذا حضر القسمة اولوا القربى و الیتامى و المساکین، فارزقوهم منه

ذکر <اولوا القربى> در ردیف یتیم و مسکین، حاکی از آن است که مراد از <اولوا القربى> خویشان نیازمند هستند نه خویشان ثروتمندی که با یتیمان و مساکین تناسبی ندارند. ذیل آیه که ترغیب به عطف و برخورد نیک با آنان است، این معنا را تأیید می کند.

۲ لزوم برخورد نیک با خویشاوندان ، یتیمان و مساکین به هنگام بهره مند ساختن آنان از میراث

و اذا حضر القسمة .. فارزقوهم منه و قولوا لهم قولاً معروفاً

حقوق خویشاوندان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۲،۱۵

۲- پیامبر ( ص ) موظف به ادای حقوق خویشاوندان ، مساکین و در راه ماندگان با رعایت اعتدال و اجتناب از تبذیر

و ءات ذاالقربى حقه و المسکین و ابن السبیل و لا تبذر تبذیراً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مخاطب در آیه پیامبر(ص) باشد، هر چند دیگران را نیز شامل می شود.

۱۵- > عن أبی الحسن موسی ( ع ) : . . . ان الله تبارک و تعالی لَمَا فتح علی نبیه ( ص ) فدک . . . فأنزل الله علی نبیه ( ص )

> و ءات ذاالقربى حقه < فلم یدر رسول الله ( ص ) من هم . . . فأوحى الله إليه أن ادفع فدک إلى فاطمه ( ع ) . . . ;

از ابی الحسن موسی بن



جعفر(ع) روایت شده است:.. آنگاه که خداوند تبارک و تعالی فدک را برای پیامبرش فتح کرد ... پس بر او این آیه را نازل فرمود: <وَأَتْ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ>. پس رسول خدا(ص) ندانست نزدیکان چه کسانی اند ... پس خداوند به او وحی کرد که فدک را به حضرت فاطمه(س) بدهد ...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۸ - ۱۷

۱۷ - > فی مجمع البیان : روی أبوسعید الخدری و غیره أنه لما نزلت هذه الآية على النبي (ص) أعطى فاطمه (س) فدكاً و سلمه إليها . و هو المروى عن أبي جعفر و أبي عبدالله (ع) . . . . ;

در مجمع البیان آمده است که ابوسعید خدری و دیگران، روایت کرده اند که هنگامی که این آیه بر پیغمبر نازل گشت <فَات ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ> آن حضرت، فدک را به فاطمه (علیهاالسلام) داد و آن را به وی تسلیم کرد. همین مطلب، از امام باقر و امام صادق(ع) نیز روایت شده است.<.

حقوق خویشاوندان نسبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶ - ۸

۸ - خویشاوندان نسبی ، در حقوق مقرر شده ، بر دیگران ترجیح دارند .

وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ

حقوق مالی خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۸ - ۳،۴

۳ - بستگان نزدیک ، در اموال و دارایی انسان دارای حقوق شرعی اند .

فَات ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ

امر <ءَاتِ> و نیز اضافه شدن

<حق> به ضمیر <ه>، دلالت بر نکته بالا می کند.

۴ - خویشاوندان نزدیک ، در اعطای حقوق مالی و انفاق ، در اولویت اند . \*

فَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ

حمایت از خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۳ - ۴

۴ - توجه به گسسته شدن روابط خانوادگی در قیامت ، مانع از دست زدن انسان به کارهای خلاف ، به انگیزه حمایت از خانواده و خویشان

لَنْ تَنْفَعَكُم أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

خوردن از خانه خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۱۴،۲۲

۱۴ - استفاده از خوراکی های موجود در منازل خویشاوندان ، بدون اذن خواستن از ایشان ، از حقوق خویشاوندی است .

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرْجٌ... وَلَا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بَيْوتِكُمْ أَوْ بَيْوتِ آبَائِكُمْ...

مجاز بودن استفاده از خوراکی های منازل پدر، مادر، برادر، خواهر، عمو و.. که از خویشاوندان محسوب می شوند و بدون هیچ اذنی از آنان، حاکی از حقی است میان آنان که باید رعایت شود.

۲۲ - مسلمانان ، در عین مجاز بودن از تناول کردن خوراکی های منازل خویشاوندان و دوستان خویش ، می توانند با هم و یا جدا از آنان و بدون اذن ، غذا میل کنند .

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرْجٌ... وَلَا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بَيْوتِكُمْ أَوْ بَيْوتِ آبَائِكُمْ... أ

خویشاوندان ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۷ - ۱،۲

۱ خداوند برخی از پدران

و فرزندان و برادران انبیای گذشته را (ابراهیم، اسحاق، یعقوب(ع) و ... ) برگزید و به صراط مستقیم هدایت کرد.

و من ءابائهم و ذریتهم و إخوانهم و اجتینهم و هدینهم إلی صراط مستقیم

۲ خداوند برخی از پدران و فرزندان و برادران انبیای گذشته را (ابراهیم، اسحق(ع) و ... ) بر همه مردم عصرشان برتری بخشید.

کلاً فضلنا علی العلمین . . . و من ءابائهم و ذریتهم و إخوانهم

خویشاوندان اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۷ - ۱،۲

۱ خداوند برخی از پدران و فرزندان و برادران انبیای گذشته را (ابراهیم، اسحاق، یعقوب(ع) و ... ) برگزید و به صراط مستقیم هدایت کرد.

و من ءابائهم و ذریتهم و إخوانهم و اجتینهم و هدینهم إلی صراط مستقیم

۲ خداوند برخی از پدران و فرزندان و برادران انبیای گذشته را (ابراهیم، اسحق(ع) و ... ) بر همه مردم عصرشان برتری بخشید.

کلاً فضلنا علی العلمین . . . و من ءابائهم و ذریتهم و إخوانهم

خویشاوندان اصحاب یمین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۹ - ۶

۶ - > قاسم بن محمد عن علی قال : سمعت أبا عبد الله (ع) يقول : إنَّ الله تبارك و تعالی إذا أراد أن یحاسب المؤمن أعطاه كتابه بیمنه و حاسبه . . . و هو قول الله عزَّوجلَّ > . . . و ینقلب إلی أهله مسروراً < قلت : أئی أهل ؟ قال : أهله فی الدنيا هم أهله فی الجنَّه إن كانوا مؤمنین ;

قاسم بن محمد

از علی [بن ابی حمزه] روایت نموده که گفت: از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمود: خدای تبارک و تعالی، زمانی که بخواهد شخص مؤمن را محاسبه کند، نامه عملش را به دست راست او می دهد و او را محاسبه می کند . . . و این است سخن خدای عزوجل >... و ینقلب إلی أهله مسروراً<. گفتم: مراد کدام اهل است؟ فرمود: آنان که در دنیا اهل او بودند؛ اگر مؤمن باشند در آخرت نیز اهل او خواهند بود.<

خویشاوندان برتر انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۷ - ۲

۲ خداوند برخی از پدران و فرزندان و برادران انبیای گذشته را (ابراهیم، اسحاق(ع) و . . .) بر همه مردم عصرشان برتری بخشید.

كلاً فضلنا علی العلمین . . . و من ءابائهم و ذریتهم و إخوانهم

خویشاوندان برگزیده انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۷ - ۱

۱ خداوند برخی از پدران و فرزندان و برادران انبیای گذشته را (ابراهیم، اسحاق، یعقوب(ع) و . . .) برگزید و به صراط مستقیم هدایت کرد.

و من ءابائهم و ذریتهم و إخوانهم و اجتبینهم و هدینهم إلی صراط مستقیم

خویشاوندان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۴،۵

۴ - در قیامت ، حتی خویشاوندان هم از به دوش کشیدن بار گناه کسان خود ، سر باز می زنند .

و إن تدع مثقله إلی حملها لایحمل منه شیء و لو کان ذاقربی

۵ - بی یآوری انسان در قیامت ، حتی

از سوی خویشاوندان خود

و إن تدع مثقله إلى حملها لا يحمل منه شيء و لو كان ذاقربى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۰ - ۱،۲

۱ - در روز رستاخیز ، هیچ دوست صمیمی و خویشاوندی ، از حال دیگری جويا نمی شود .

و لایسئل حمیم حمیمًا

<حمیم> به فردی می گویند که به انسان نزدیک و دلسوز باشد. از مصادیق بارز آن، خویشاوندان و دوستان صمیمی و دلسوز است.

۲ - در روز محشر ، هیچ خویشاوندی و دوست صمیمی از یکدیگر استمداد نمی کند .

و لایسئل حمیم حمیمًا

یکی از کاربردهای واژه <سؤال>، طلب و درخواست (استمداد) است. برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۱ - ۲

۲ - اهل محشر ، در عین دیدن و شناختن کامل خویشان و دوستان صمیمی خود ، از حال آنان جويا نشده و از آنان استمداد نخواهند کرد .

و لایسئل حمیم حمیمًا . یبصرونهم

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که جمله <یبصرونهم>، حال برای جمله پیشین (لایسئل حمیم حمیمًا) باشد.

خویشاوندان زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵ - ۱۴

۱۴- > عن أبي جعفر (ع) [ فی قوله تعالى ] : > و إنى خفت الموالى < قال هم العمومه و بنو العم >

از امام باقر(ع) روایت شده که در باره سخن خدا: <وإني خفت الموالی> فرمود: (مراد از) موالی عموها و پسرعموها هستند.<

خویشاوندان شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۳

۳ وجود رابطه خویشاوندی و نسبی میان شعیب (ع) و مردم مدین

و إلی مدین أخاهم شعیبًا

مراد از <أخاهم> این است که شعیب(ع) با اهل مدین ، خویشاوند بود و یا اینکه او برای آنان ، دلسوزی می کرد. برداشت فوق ، بر اساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۱ - ۸

۸ خاندان شعیب ، او را از خود طرد نکرده و از او حمایت می کردند .

لولا رهطک لرجمنک

خویشاوندان صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۳

۳ خویشاوندی صالح (ع) با قوم ثمود

و إلی ثمود أخاهم صلحًا

تصریح به اینکه صالح(ع) ، برادر قوم ثمود بود (أخاهم صلحاً) می تواند اشاره ای باشد به خویشاوندی صالح(ع) با قوم ثمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۵ - ۳

۳ - رابطه خویشاوندی صالح پیامبر با قوم ثمود

و لقد أرسلنا إلی ثمود أخاهم صلحًا



قید <أخاهم> هر چند کنایه از رحمت و عطف است؛ لکن با توجه به این که این تعبیر در مورد برخی از پیامبران به کار نرفته است با این که همه پیامبران نسبت به قومشان رحمت و عطف داشته اند می توان گفت واژه یاد شده اشاره به پیوند خویشاوندی نیز دارد.

خویشاوندان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۳ - ۱۱

۱۱ اندوهناک شدن بر هلاکت کفرپیشگان لجوج ، حتی

در صورت خویش و هموطنی با آنان ، امری نکوهیده و ناروا

فکیف ءاسی علی قوم کفرین

خویشاوندان کافر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۷ - ۲

۲ - موضع گیری پیامبر (ص) در قبال کفرورزی و عصیان خویشاوندان ، دارای پی آمد های دشوار و نگران کننده

و أنذر عشیرتک .. فإن عصوک فقل إئی بریء .. و توکل علی العزیز الرحیم

دستور <توکل علی الله> پس از <فقل إئی بریء مما تعملون> بیانگر مطلب یاد شده است.

خویشاوندان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۴ - ۴

۴ - راه نداشتن کمترین سازش در دعوت تبلیغی پیامبر (ص) ؛ حتی نسبت به کسان و خویشاوندان آن حضرت

و أنذر عشیرتک الأقرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۸ - ۲

۲ - انفاق بر خویشاوندان و مساکین و در راه ماندگان ، لازم است .

فأت ذا القربی حقه و المسکین و ابن السبیل

مخاطب آیه، اگر چه پیامبر(ص) است، اما پیروان آن حضرت، به تبع او، مشمول حکم آیه هستند.

خویشاوندان مریم(س) کنار مسجدالاقصی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- خویشاوندان مریم ، در غیر جهت شرقی مسجد الاقصی سکونت داشتند .

انتبذت من أهلها مكاناً شرقياً

۵- مریم ( س ) در آستانه حامله شدن به عیسی ( ع ) ، در نزدیکی مسجد الاقصی ، بستگانی داشت که در میان آنان به سر می برد .

إذ انتبذت من أهلها مكاناً

به قرینه <مکاناً قصیاً> در آیه بیست و دوم که ناظر به مکان دومی است که مریم(س) برگزید، مکان شرقی مسجد الاقصی به منطقه مسکونی مردم نزدیک بوده است.

خویشاوندان منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۷

۷- اخبار خداوند از فسادگری و خویشاوندکشی عناصر سست ایمان منافق ، در صورت رسیدن به حکومت

فهل عسیتم إن تولیتم أن تفسدوا فی الأرض و تقطعوا أرحامکم

برداشت بالا- بنابر این نکته است که <تولیتم> از ماده <ولایت> و به معنای بر عهده گرفتن حاکمیت باشد و مخاطب آن بیماردلانی باشند که به دلیل سست ایمانی به هنگام فرمان جهاد، به وحشت افتاده و از آن طفره می روند.

خویشاوندان مؤمنان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۹ - ۶

۶- > قاسم بن محمد عن علی قال : سمعت أبا عبد الله (ع) يقول : إنَّ الله تبارک و تعالی إذا أراد أن يحاسب المؤمن أعطاه کتابه بيمينه و حاسبه . . . و هو قول الله عزَّوجلَّ > . . . و ينقلب إلى أهله مسروراً > قلت : أئی أهل ؟ قال : أهله فی الدنيا هم أهله فی الجنَّه إن كانوا مؤمنین ;

قاسم بن محمد از علی [بن ابی حمزه] روایت نموده که گفت: از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمود: خدای تبارک و تعالی، زمانی که بخواهد شخص مؤمن را محاسبه کند، نامه عملش را به دست راست او می دهد و او را محاسبه می کند . . و این است سخن خدای عزَّوجلَّ

>... و یقلب إلی أهله مسروراً<. گفتم: مراد کدام اهل است؟ فرمود: آنان که در دنیا اهل او بودند؛ اگر مؤمن باشند در آخرت نیز اهل او خواهند بود.<

خویشاوندان هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۰ - ۳

۳ وجود رابطه خویشاوندی و نسبی میان هود (ع) و قوم عاد

و إلی عاد أخاهم هوداً

تصریح به اینکه هود(ع) برادر قوم عاد بود ، می تواند به خویشاوندی آن حضرت با قوم عاد ، اشاره داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۴ - ۱

۱ - هود (ع) ، پیامبری از نژاد قوم عاد و دارای پیوند خویشاوندی با آنان

إذ قال لهم أخوهم هود

قید <أخوهم> می تواند برای بیان پیوند خویشاوندی هود(ع) با قومش و یا تعبیری کنایی از شفقت و دلسوزی آن حضرت نسبت به آن قوم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۳

۳- پیامبر قوم عاد ( هود ) ، از تبار ایشان و دارای رابطه خویشاوندی با آنان \*

و اذکر أخوا عاد .. إذ أنذر

واژه <أخ> ممکن است اشاره به رابطه خویشاوندی داشته باشد.

خویشاوندان یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ خداوند برخی از پدران و فرزندان و برادران انبیای گذشته را (ابراهیم، اسحاق، یعقوب(ع) و ...) برگزید و به صراط مستقیم هدایت کرد.

و من ءابائهم و ذریتهم و إخوانهم و اجتبینهم و هدینهم إلی

صراط مستقیم

دشمنی خویشاوندان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۱ - ۶

۶ - خویشاوندی مخالفان اسلام با پیامبر (ص) ، مانع نکوهش خداوند از آنان نیست .

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّتْ

دعوت از خویشاوندان اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۵ - ۱

۱- اسماعیل صادق الوعد ، همواره خویشاوندان و خانواده اش را به نماز و زکات فرمان می داد .

و كان يأمر أهله بالصلوة والزكوة

اهل هر مردی، قبیله و خویشاوندان او است (لسان العرب).

دوستی با خویشاوندان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۳ - ۳

۳ ایجاد پیوند موالات و دوستی با خویشاوندان کافر هر چند پدر یا برادر باشند حرام است .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا ءِءَابَاءَ كُفْرٍ وَ إِخْوَانَكُمْ ءَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ

رابطه با خویشاوندان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۷

۷ نگرانی برخی از مسلمانان صدر اسلام، از قطع روابط خویشاوندی، کسادى تجارت و از دست دادن خانه های دلپسندشان بر اثر ممنوع شدن از برقراری روابط با کافران

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا .. قُلْ إِنَّ كَانَ ءَابَاؤُكُمْ وِءَابْنَاؤُكُمْ

رفع مشکلات خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۹

۹- رسیدگی به مشکلات خویشاوندان حتی در صورت عدم مسکنت و در راه ماندگی آنان، امری لازم و واجب است



و ءات ذالقربى حقه و المسكين و ابن السبيل

ذکر <ذالقربى> به صورت جداگانه، می تواند إشعار به مطلب فوق داشته باشد.

روابط خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۵ - ۸

۸ اهمیت روابط خانوادگی

قل ما انفقتم من خیر فللوالدین

روش برخورد با خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۸ - ۴

۴- لزوم برخورد مناسب با خویشاوندان ، مسکینان و در راه ماندگان با بیانی نرم و دلپذیر و معذرتی شایسته ، در صورت عدم

امکان ادای حق ایشان

و ءات ذالقربى . . . و إما تعرضن عنهم ... فقل لهم قولاً میسوراً

رؤیت خویشاوندان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۱ - ۱

۱ - در عرصه قیامت ، خویشان و دوستان هر فردی ، به وی نشان داده خواهند شد .

حمیماً . یبصرونهم

زکات خویشاوندان اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۵ - ۸

۸- وفادار بودن اسماعیل (ع) به وعده ها و اصرار او بر پای بندی بستگانش به نماز، زکات و انفاق، مایه جلب رضایت خداوند

إِنَّهٗ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ .. وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلٰوةِ وَالزَّكٰوةِ وَ كَانَ عِنْدَ رَبِّهٖ مَرْضِيًّا

زمینه دشمنی خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۴ - ۳

۳- ایمان به دین اسلام، ممکن است دشمنی برخی از مردم، حتی خویشاوندانی همچون همسر و فرزندان را برانگیزاند.

يَأْتِيهَا

الذین ءامنوا إنّ من أزواجکم و أولدکم عدوًّا لکم

زمینه قتل خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۷

۷- اخبار خداوند از فسادگری و خویشاوندکشی عناصر سست ایمان منافق ، در صورت رسیدن به حکومت

فهل عسیتم إن تولیتم أن تفسدوا فی الأرض و تقطعوا أرحامکم

برداشت بالا- بنابر این نکته است که <تولیتم> از ماده <ولایت> و به معنای بر عهده گرفتن حاکمیت باشد و مخاطب آن بیماردلانی باشند که به دلیل سست ایمانی به هنگام فرمان جهاد، به وحشت افتاده و از آن طفره می روند.

زیان به خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۸

۸ لزوم ادای شهادت به حق ، گر چه به ضرر خود یا پدر و مادر و نزدیکان باشد .

کونوا قومین بالقسط شهداء لله و لو علی أنفسکم او الولدین و الاقربین

<شهداء>، خبر دوم برای <کونوا> است. بنابراین شهادت به حق تکلیفی لازم الاجرا است. گفتنی است که متعلق شهادت در برداشت فوق به قرینه <ولو علی أنفسکم> کلمه <بالحق> گرفته شده است.

سرزنش افساد در خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۲۴

۲۴ ایجاد فساد میان خویشاوندان و واداشتن آدمیان به قطع رحم ، کاری شیطانی است .

من بعد أن نزع الشیطن بینی و بین إخوتی

صدقه به خویشاوندان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۵

۱۵ اعطای صدقه به فرزندان و خاندان پیامبران ، جایز

و امری شایسته و نیکوست .

و تصدق علينا إن الله يجزي المتصدقين

<تصدق> به معنای اعطای صدقه است و <صدقه> آن گونه که در <کشاف> آمده است عطیه و بخششی است که به منظور رسیدن به ثواب پرداخت می شود.

عذرخواهی از خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۸ - ۴

۴- لزوم برخورد مناسب با خویشاوندان ، مسکینان و در راه ماندگان با بیانی نرم و دلپذیر و معذرتی شایسته ، در صورت عدم امکان ادای حق ایشان

و اء ذالقربی . . و إما تعرضن عنهم ... فقل لهم قولاً میسوراً

عفو خویشاوندان گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۲ - ۱۲

۱۲ - گذشت از لغزش های خویشاوندان ، بینوایان و مهاجران راه خدا و برخورد کریمانه با آنان ، وظیفه ای الهی بر عهده توانگران

و لایأتل أولوا الفضل منکم و السعه أن یؤتوا أولى القربی . . و لیعفوا و لیصفحوا

<عفو> در لغت به معنای گذشت است و <صفح> به معنای گذشت همراه با ترک ملامت نسبت به خطا کار است (فروق اللغه). چنین گذشتی، حاکی از کرامت و بزرگواری گذشت کننده است.

علاقه به خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۲،۳،۴

۲ محبت پدر، فرزند، برادر، همسر و خویشاوندان نباید محبت خدا و رسول و جهاد در راه خدا را تحت الشعاع قرار دهد.

قل إن كان ءاباؤکم و أبناءؤکم .. أحب إليکم من اللّٰه و رسوله و جهاد فی سبيله

مذمت خدا از دل‌بستگی به خویشاوندان و به مال و منال و دلوایسی برای تجارت و مسکن در صورتی که مایه غفلت از خدا و رسول و جهاد در راه خدا شود .

قل إن كان ءاباؤکم . . . و أموال اقترفتموها و تجره تخشون کسادها و مسکن ... أحب إلی

۴ روی گردانان از جهاد ، به خاطر علقه های عاطفی ( محبت پدر ، فرزند ، برادر ، همسر و خویشاوندان ) و دل‌بستگی مادی ( مال ، شغل و مسکن ) مورد تهدید خداوند

قل إن كان ءاباؤکم . . . و أموال اقترفتموها و ... أحب إلیکم ... و جهاد فی سبیلہ فتر

عمل ناپسند خویشاوندان صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۸ - ۸

۸- صدور کردار ناروا از فرزندان انسان های صالح و خویشاوندان شخصیت های برجسته ، نکوهیده تر و شرم آورتر از ارتکاب آن از سوی دیگران است .

یاخت هرون ما کان أبوک امرأ سوء و ما کانت أمک بغیاً

عوامل تجاوز به حقوق خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰ - ۷

۷ زیر پا نهادن حقوق خویشاوندی ، برخاسته از روح تجاوزپیشگی است .

لا یرقبون فی مؤمن إلاً و لآذمه و أولئک هم المعتدون

<أولئک> اشاره به مشرکان است با اوصافی که برای آنان ذکر شده است و از جمله آنهاست وصف <لا یرقبون . . . > یعنی، اینان که نه به رعایت حقوق خویشاوندی و نه به عهد و پیمان ملتزمند، مردمانی تجاوزپیشه اند.

عوامل محرومیت از امداد خویشاوندان

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۸ - ۱۲

۱۲ - ظلم ، موجب محرومیت از یاری دوست و نزدیکان دلسوز و شفاعت شفیعان در هنگام مرگ و روز قیامت

ما للظلمین من حمیم و لا شفیع یطاع

از یاد شدن کافران و مشرکان با عنوان ظالمان، برداشت بالا به دست می آید.

غفلت از خویشاوندان یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۵ - ۵

۵ - بی اعتنایی ثروتمندان به نیازهای خویشاوندان یتیم خود ، دور از انتظار و نکوهیده تر از بی توجهی آنان به دیگر نیازمندان است .

یقول أهلك مالا لبدا .. یتیمًا ذا مقربه

فضیلت تأمین خویشاوندان یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۶ - ۴

۴ - فضیلت تغذیه خویشاوندان یتیم خود ، برتر از رساندن غذا به دیگر اقشار محروم جامعه است .

یتیمًا ذا مقربه . أو مسکینًا ذا متربه

قضاوت خویشاوندان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۴

۴ برخی از پدران و فرزندان و برادران پیامبران پیشین (ابراهیم(ع)، اسحق و ..) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بوده اند.



و من ءابائهم و ذريتهم و إخوانهم .. أولئك الذين ءاتينهم الكتب و الحكم و النبوه

قضاوت خویشاوندان زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۸،۹

۸ مردی از خویشان زلیخا ، در ماجرای وی و یوسف (ع

( دخالت کرد و میان آنان به داوری پرداخت .

و شهد شاهد من أهلها

۹ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، علی رغم خویشی او با زلیخا ، بی طرفی کامل را رعایت کرد ، و قضاوتی بر حق ارائه نمود .

و شهد شاهد من أهلها إن كان قميصه قد من قبل

کیفر خویشاوندان رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۲ - ۴

۴ - رهبران دینی ، نباید به خاطر خویشاوندی و روابط نسبی از مؤاخذه مقصران چشم پوشی کنند .

قال يهرون ما منعك

گواهی علیه خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۱۰

۱۰ شهادت آدمی ، علیه پدر ، مادر و دیگر خویشاوندان ، دارای اعتبار قانونی و حقوقی است .

شهداء لله و لو على أنفسكم او الولدين و الاقربين

متجاوزان به حقوق خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ زیرا گذارندگان حقوق خویشاوندی ، مردمانی تجاوزپیشه اند .

لايرقبون في مؤمن إلاً و لآذمه و أولئك هم المعتدون

محدوده اختیارات خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۱۴

۱۴ - استفاده از خوراکی های موجود در منازل خویشاوندان ، بدون اذن خواستن از ایشان ، از حقوق خویشاوندی است .

ليس على الأعمى حرج ... ولا على أنفسكم أن تأكلوا من بيوتكم أو بيوت ءابائكم ...

مجاز بودن استفاده از خوراکی های منازل پدر، مادر، برادر، خواهر، عمو و ..

که از خویشاوندان محسوب می شوند و بدون هیچ اذنی از آنان، حاکی از حقی است میان آنان که باید رعایت شود.

محرومان از امداد خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۸ - ۱۳، ۱۱، ۹

۹ - محرومیت ستمکاران در قیامت ، از یاری دوست و نزدیکان دلسوز و شفاعت شفیعان

ما للظلمین من حمیم و لا شفیع یطاع

<حمیم> در لغت به معنای دوست (العین) و به <القرب المشفق> (نزدیک دلسوز) معنا شده است (مفردات راغب).

۱۱ - محرومیت ستمگران به هنگام دشواری مرگ از هرگونه یاری دوست و نزدیکان دلسوز خود و شفاعت شفیعان

ما للظلمین من حمیم و لا شفیع یطاع

۱۳ - کفر و شرک ، ظلم است و کافران و مشرکان ، از هرگونه یاری دوست و نزدیکان دلسوز خود و شفاعت شفیعان محروم اند .

ما للظلمین من حمیم و لا شفیع یطاع

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این آیات، در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره کافران و مشرکان سخن می گوید و مقصود از <ظالمین> آنان می باشند.

محرومیت از حمایت خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۵ - ۲، ۱

۱ - کافران صاحب زر و زور ( اصحاب الشمال ) ، محروم از حمایت نزدیکان و دوستانِ دلسوز در قیامت

فلیس له الیوم ههنا حمیم

<حمیم> به فردی می گویند که به انسان نزدیک و دلسوز باشد. از مصادیق بارز آن خویشاوندان و دوستان صمیمی و دلسوز است.

۲- ایمان نیاوردن و ترغیب نکردن دیگران به تغذیه گرسنگان و بینوایان ، سبب محرومیت از

حمایت نزدیکان و دوستان صمیمی در قیامت

إِنَّهٗ كَانَ لَا يُؤْمِنُ . . . فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَهْنَا حَمِيمٌ

محرومیت از همنشینی با خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۳ - ۲

۲ - دوزخیان در آخرت ، از حضور شادمانه نزد خویشاوندان خود محروم خواهند بود .

إِنَّهٗ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا

مقایسه دو تعبیر <يَتَقَلَّبُ إِلَى أَهْلِهِ> (در آیات پیشین) و <كَانَ فِي أَهْلِهِ>، گویای این است که گرفتاران دوزخ، از لذت همنشینی با خویشاوندان خود بهره ای نمی برند.

محمد(ص) و خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۸ - ۱

۱- پیامبر (ص) موظف به برخورد مناسب با خویشاوندان ، مسکینان و در راه ماندگان با بیانی نرم و دلپذیر در صورت خودداری از کمک به آنها به خاطر ناتوانی مالی

وَأَتِ ذَآلِقُرْبَىٰ حَقَّهُ . . . وَإِنَّمَا تَعْرِضُ عَنْهُمْ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِّن رَّبِّكَ تَرْجُوهَا

عبارت <ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِّن رَّبِّكَ> (جویای رحمت پروردگارت هستی) و شواهد تاریخی حکایت از آن دارد که: خودداری پیامبر(ص) از کمک به افراد یاد شده، به دلیل ضعف مالی بوده است.

مراد از خویشاوندان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۱۴، ۱۳

۱۳- <عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) . . . : > وَأَتِ ذَآلِقُرْبَىٰ حَقَّهُ < فكَانَ عَلَيَّ (ع) وَكَانَ حَقُّهُ الْوَصِيَّةَ الَّتِي جَعَلْتُ لَهُ وَالْإِسْمَ

الأكبر و ميراث العلم و آثار علم النبوه ;

از امام صادق(ع) در باره سخن خدا روايت شده است كه فرمود: پس مراد

از <ذالقربی> علی(ع) است و حق او، جانشینی پیامبر(ص) بود که برای او قرار داده شده بود و اسم اکبر و میراث علم و آثار علم نبوت است.<

۱۴- < عن علی بن الحسین (ع) فی قوله تعالی : < وءات ذالقربی حقه > . . . قال : نحن أولئک الذین أمر الله ( عزوجل ) نبیه ( ص ) أن یؤتیهم حقه . . . /

از امام سجاد(ع) درباره سخن خدا: < وءات ذالقربی حقه > روایت شده است که فرمود: ما [اهل بیت] همانانی هستیم که خداوند عزوجل به پیامبرش فرمان داد حقشان را به آنان بدهد.<

مسکن خویشاوندان مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۶ - ۴،۵

۴- خویشاوندان مریم ، در غیر جهت شرقی مسجد الاقصی سکونت داشتند .

انتبذت من أهلها مکاناً شرقیاً

۵- مریم ( س ) در آستانه حامله شدن به عیسی ( ع ) ، در نزدیکی مسجد الاقصی ، بستگانی داشت که در میان آنان به سر می برد .

إذ انتبذت من أهلها مکاناً شرقیاً

به قرینه <مکاناً قصبیاً> در آیه بیست و دوم که ناظر به مکان دومی است که مریم(س) برگزید، مکان شرقی مسجد الاقصی به منطقه مسکونی مردم نزدیک بوده است.

مسئولیت خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۵ - ۵

۵ مسئولیت بیشتر خویشاوندان زن و شوهر ، در نظارت بر سلامت خانواده و حل اختلاف های آنان

فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهله

مسئولیت خویشاوندان انبیا





- آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۴ - ۳

۳ - بستگان و نزدیکان پیامبران و رهبران دینی ، سزاوارترین افراد به رعایت اصول و ارزش ها

و أنذر عشیرتک الأقربین

مسئولیت خویشاوندان رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۴ - ۳

۳ - بستگان و نزدیکان پیامبران و رهبران دینی ، سزاوارترین افراد به رعایت اصول و ارزش ها

و أنذر عشیرتک الأقربین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۹ - ۶

۶ - وابستگان نزدیک رهبران دینی ، در عمل به تکالیف و وظایف شان ، باید بر دیگران سبقت داشته باشند .

قل لأزواجک و بناتک .. یدنین علیهنّ من جلیبهنّ

مشرکان و خویشاوندان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰ - ۱

۱ شرک پیشگان صدر اسلام ، درباره هیچ مؤمنی به رعایت حق خویشاوندی ، ملتزم نبودند .

لا یرقبون فی مؤمن إلاًّ

<رقبه> و <رُقبان> (مصدر یرقبون) به معنای حفظ و نگهداری و <إلّ> به معنای قرابت و خویشاوندی است. قابل ذکر است که لفظ <مؤمن> و <إلّ> هر دو نکره در سیاق نفی و مفید عمومند؛ یعنی، مشرکان درباره هیچ مؤمنی حرمت قرابت و خویشاوندی را نگه نمی دارند.

مصالح خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۱۳،۲۰

۱۳ منافع شخصی و رعایت مصالح والدین ، بستگان ، فقیران و ثروتمندان ، باید تحت الشعاع حق و رضایت خدا باشد .

کونوا .. شهداء لله و

لو علی أنفسکم او الولدین و الاقربین ان یکن

۲۰ مقدم داشتن مصالح خویش ، والدین و بستگان بر شهادت به حق ، هواپرستی و عدالت شکنی است .

کونوا قومین بالقسط شهداء لله و لو علی أنفسکم .. فلا تتبعوا الهوی

مقامات خویشاوندان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۴

۴ برخی از پدران و فرزندان و برادران پیامبران پیشین (ابراهیم(ع)، اسحق و ..) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بوده اند.

و من ءابائهم و ذریتهم و إخونهم .. أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

مکر به خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ حسد ، آدمی را به گناهای همانند دروغ گفتن و نیرنگ زدن حتی به محبوب ترین نزدیکانش ، وادار می سازد .

قالوا یاابانا ما لک لاتأمنّا علی یوسف و إنا له لنصحون

ممنوعیت ترک انفاق به خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۲ - ۴

۴ - کوتاهی در تأمین نیاز خویشاوندان ، بینوایان و مهاجران ، به خاطر لغزش های گذشته آنان ، ممنوع است .

و لایأتل أولوا الفضل منکم و السعه أن یؤتوا أولى القربی و المسکین و المهجری

مهربانی با خویشاوندان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۵ - ۷

۷ - توصیه الهی به پیامبر ( ص ) مبنی بر گسترانیدن بال های مهر و عطوفت برای کسان

و خویشاوندان مؤمن خویش

و أنذر عشیرتک الأقربین . و اخفض جناحک لمن اتبعک من المؤمنین

تقدیر <من المؤمنین> به قرینه آیه پیش، می تواند <من المؤمنین من عشیرتک> باشد.

نبوت خویشاوندان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۴

۴ برخی از پدران و فرزندان و برادران پیامبران پیشین (ابراهیم(ع)، اسحق و ..) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بوده اند.

و من ءابائهم و ذریتهم و إخونهم .. أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

نجات خویشاوندان لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۲

۲ خداوند با خارج ساختن لوط و بستگان قومش از دیارشان، وی را از عذاب مقدر شده برای قوم لوط نجات بخشید .

فانجینه و أهله

چون جمله <فانجینه> در مقابل جمله <کانت من الغیرین> (همسر لوط در زمره باقی ماندگان بود) قرار گرفته است، معلوم می شود نجات از عذاب قوم لوط در گرو خارج شدن از شهر و دیار آنان بوده است. بنابراین <فانجینه> یعنی: فانجینه باخراجنا ایاه من بینهم.

نعمت خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۷

۷- برخورداری انسان در زندگی خانوادگی از یاری بی دریغ افرادی چون نوادگان و خویشاوندان، از نعمت های خداوند و

از نشانه های اوست .

و جعل لکم من أزواجکم بنین و حفده

ماده <حفده> در مورد یارانی به کار می رود که از خدمت گزاری تعدی نمیورزند که مفسران مصداق این معنا

را نوادگان یا همه خویشاوندان دانسته اند.

نعمت زندگی با خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۲۰

۲۰ زندگی خویشاوندان و بستگان در کنار یکدیگر بدون کدورت و تباهی ، از نعمت های خداوند است .

قد أحسن بی إذ .. جاء بکم من البدو

چنان چه منظور یوسف (ع) در <جاء بکم من البدو> تنها رها شدن خاندانش از صحرائشینی بود و به حضور آنان در کنار خویش نظر نداشت، فعل <جاء بکم> را به کار نمی برد بلکه مثلاً می گفت: <إذ أنجاکم من البدو> قید <من بعد أن نزع ..> گویای این است که حسن زندگانی جمعی بستگان منوط به نبود فساد و تباهی در میان آنان است.

نماز خویشاوندان اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۵ - ۸

۸- وفادار بودن اسماعیل (ع) به وعده ها و اصرار او بر پای بندی بستگانش به نماز ، زکات و انفاق ، مایه جلب رضایت خداوند

إِنَّه کان صادق الوعد .. و کان یأمر أهله بالصلوه والزکوه و کان عند ربّه مرضیاً

وصیت برای خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۱۱، ۱۲، ۴

۴ - آدمی باید اموالی را برای پرداخت به پدر و مادر و خویشان نزدیک وصیت کند .

کتب علیکم .. الوصیه للولدین و الأقربین

۱۱ - اولویت پدر و مادر نسبت به دیگر خویشاوندان در امر وصیت



الوصيه للولدين و الأقربین

برداشت فوق از تقدیم کلمه <والدین> بر <الأقربین> استفاده شده است.

۱۲ - توصیه به پرداخت

اموالی به پدر ، مادر و خویشان ، مقتضای تقوا و پرهیزگاری است .

کتب علیکم .. الوصیه للولدين و الأقربین بالمعروف حقاً علی المتقین

ولایت در خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۵ - ۱۳، ۷

۷ خویشاوندان در برخوردار شدن از حقوق ولایت مقرر شده در میان مؤمنان ، بر غیر خویشان اولویت دارند .

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض فی کتب اللّٰه

۱۳ حکم ولایت مهاجر و انصار بر یکدیگر و اولویت خویشان در آن ولایت ، حکمی بر اساس علم مطلق الهی

إن اللّٰه بکل شیء علیم

جمله <إن اللّٰه .. > پس از بیان احکام ذکر شده، در این آیه و آیات پیشین، اشاره به این حقیقت دارد که احکام و قوانین یاد شده احکامی عالمانه و نشأت گرفته از علم مطلق خداوند است.

هبه به خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۰ - ۱۸، ۷، ۱۳

۱- خداوند به رعایت عدل ، احسان و بخشش به خویشاوندان ، فرمان می دهد .

إن اللّٰه یأمر بالعدل و الإحسن و إیتای ذی القربی

۳- بخشش به خویشاوندان ، دارای اهمیتی ویژه در میان سایر نیکیها

إن اللّٰه یأمر بالعدل و الإحسن و إیتای ذی القربی

برداشت فوق، به خاطر این است که بخشش به خویشاوندان قطعاً از مصادیق <احسان> است و اینکه دوباره به صورت مجزا ذکر شده، مشعر به اهمیت آن است.

۷- رعایت عدالت ، بایسته تر و اولی تر از احسان به مردم و بخشش به خویشاوندان است .

إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذى القربى

از تقدم

ذکری <عدل> بر <احسان> و <بخشش به خویشاوندان> می توان تقدم رتبی را استفاده کرد؛ زیرا رعایت عدالت تکلیفی همگانی و بدون اغماض است و بدون رعایت آن، احسان و بخشش بی ارزش خواهد بود.

۱۸- عدل و احسان و بخشش به خویشاوندان، از تمایلات فطری انسان

يَا مَرْءَ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ .. لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

برداشت فوق بر این اساس است که خداوند امر به عدل و .. را مواعظی در جهت تذکر آدمیان می شمارد و در واژه <تذکر> این معنا نهفته است که: اصل گرایش به ارزشهای مذکور، در نهاد همگان موجود است و در صورت غفلت نیازمند یادآوری می باشد.

هدایت خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۲ - ۱۳

۱۳- خویشاوندی و پیوند های اجتماعی، نباید مانعی برای تبلیغ و مخالفت با الحاد گردد.

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۶ - ۳

۳ - مردان الهی، دارای احساس مسئولیت بیشتر برای هدایت بستگان خویش

و اغفر لأبي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ

هدایت خویشاوندان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۷ - ۱

۱ خداوند برخی از پدران و فرزندان و برادران انبیای گذشته را (ابراهیم، اسحاق، یعقوب(ع) و ..) برگزید و به صراط مستقیم هدایت کرد.

و من ءابائهم و ذريتهم و إخوانهم و اجتبيهم و هدينهم إلى صراط مستقيم

همسفرگی با خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۱ - هریک از مسلمانان ، می توانند با اعضای خانواده خود و نیز خویشاوندان و دوستان خویش به صورت جمعی ( بر سر یک سفره ) و یا جداگانه ، غذا میل کنند .

ليس على الأعمى حرج.. و لا على أنفسمك أن تأكلوا من بيوتكم أو بيوت ءابائكم... أو

همنشینی با خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۹ - ۲،۴

۲ - کسانی که نامه عمل آنان به دست راستشان عطا شود ، در قیامت با خویشاوندان خود مأنوس خواهند بود .

و ينقلب إلى أهله

فعل <ينقلب> دلالت می کند که مراد از <أهل> ، همان خویشاوندان انسان در دنیا است که در قیامت نیز در کنار او خواهند بود. برخی مراد از <أهل> را، حور و غلمان بهشتی دانسته اند ولی واژه انقلاب (رجوع کردن) و نیز جمله <إنه كان في أهله مسروراً> در آیات بعد، دیدگاه نخست را تأیید می کند.

۴ - انس با خویشاوندان و سربلندی نزد آنان در قیامت ، از زمره پاداش های الهی است .

و ينقلب إلى أهله مسروراً

يأس خویشاوندان محتضر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۷ - ۲

۲ - لحظه ناامیدی حاضران بر بستر محتضر و بر زبان آوردن کلمات یأس ، شایان یادآوری برای دل‌بستگان دنیا

وقيل من راق

خویشاوندی

آثار تعصب خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۳،۴،۵

۳ - اساسِ جدالِ کافران درباره خدا، برخاسته از تقلید و تعصّب خویشاوندی آنان

بود .

يجدل فى الله .. قالوا بل نتبع ما وجدنا عليه ءاباءنا

۴ - متعصان تابع احساسات خویشاوندی ، هر دعوتی را ، از هر کسی ، برای پیروی از تعالیم آسمانی ، جواب منفی می دهند .

و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا عليه ءاباءنا

آورده شدن فعل مجهول <قيل> به جای این که دعوت کننده و گوینده خاصی را، مانند انبیا، مشخص کند، احتمال دارد به خاطر نکته یاد شده باشد.

۵ - تعصب خویشاوندی و سنت گرایی ، از موانع حق پذیری است .

و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا عليه ءاباءنا

آثار خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۱۳

۱۳ اعمال صالح خانواده نوح ( پرستش خدا و ... ) مایه نجات آنان از حادثه طوفان بود نه انتسابشان به حضرت نوح ( ع ) .

إنه ليس من أهلک إنه عمل غیر صلح

تصریح خداوند به این که <هلاکت فرزند نوح به خاطر اعمال ناصالحش بوده است> ، اشاره به این معنا دارد که: نجات دیگر اعضای خانواده نوح ، به خاطر انتسابشان به آن حضرت نبوده ؛ بلکه منزه بودنشان از اعمال ناشایست ، مایه نجاتشان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۰ - ۴

۴- پیوند خویشاوندی ، امری مسؤولیت آور و منشأ پیدایش حقوق ویژه است .

إن الله يأمر .. و إیتای ذی القربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش





۳- پیوند خویشاوندی، منشأ پیدایش حقوقی ویژه میان انسانهاست.

وَأَتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۱۷، ۲۶

۱۷ - رابطه خویشاوندی و دوستی، منشأ پیدایش حق است.

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرَجٌ... وَلَا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بَيْوتِكُمْ أَوْ بَيْوتِ آبَائِكُمْ...

۲۶ - پیوند خویشاوندی و دوستی و ارتباطات نزدیک، نباید موجب سهل انگاری در رعایت ادب اسلامی و آداب معاشرتی میان خویشاوندان و دوستان گردد.

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرَجٌ... وَلَا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بَيْوتِكُمْ... أَوْ صَدِيقِكُمْ... فَإِ

برداشت یاد شده به خاطر این است که غالباً پیوند دوستی و خویشاوندی، سبب سهل انگاری در رعایت ادب فیما بین می شود. از این رو می توان گفت: خداوند توصیه فرمود که مسلمانان به هنگام ملاقات با دوستان و خویشاوندان خود، سلام کنند و....

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۱ - ۳

۳ - نجات و رستگاری انسان، در پرتو ایمان او است؛ و نه در پیوند های خویشاوندی.

فَنَجِّينَهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ . إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَيْرِينَ

استثنا شدن همسر لوط، نشان می دهد که وی جزء مؤمنان نبوده است؛ گرچه عضو خانواده لوط (ع) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۴ - ۵

۵ - پیوند خویشاوندی، در پی دارنده مسئولیت های فزون تر

وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ

مأموریت خاص پیامبر(ص) به تبلیغ خویشاوندان خود با این که تبلیغ، عموماً وظیفه پیامبر است

می تواند مطلب یاد شده را افاده کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۱۳ - ۸

۸ - تأثیر نسب و پیوند خویشاوندی در سرنوشت فرزندان و در هدایت و گمراهی آنان ، امری مطلق ، قطعی و جبری نیست .

و من ذرّیتهما محسن و ظالم لنفسه مبین

دو گروه شدن نسل ابراهیم و اسحاق (علیهما السلام) گویای این حقیقت است که تأثیر نسب و خویشاوندی، در سرنوشت انسان و در هدایت و گمراهی فرزندان، مطلق و جبری نیست؛ بلکه فرزندان از هر خانواده ای ممکن است خوب و یا بد باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۳ - ۳

۳ - عواطف خانوادگی و خویشاوندی ، از زمینه های انحراف و تمایل به دشمنان خداوند

تسرّون إلیهم بالموّده .. لن تنفعکم أرحامکم ولا أولدکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۴ - ۸

۸ - دوستی و پیوند خویشاوندی ، نباید مانع دینداری و انجام تکالیف شرعی ( همچون جهاد ، هجرت و ... ) شود .

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ

آثار خویشاوندی با انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱۳

۱۳ - خویشاوندی با پیامبران ، نمی تواند مایه مصونیت از کیفر الهی گردد .

فأسلك فيهما .. إلا من سبق عليه القول منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۷ - ۵

۵ - نجات از

کیفر دامنگیر الهی، در گرو ایمان به پیامبران است، نه پیوند خانوادگی و خویشاوندی با آنان

فَأَنْجِنَهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ

همسر لوط با او پیوند نزدیک خانوادگی داشت ولی این پیوند، ثمری برای او نداشت؛ چه این که او با خط فکری و عقیدتی لوط (ع) هماهنگ نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۵ - ۵

۵ - انتساب به خوبان (چونان پیامبران)، هیچ تأثیری در سرنوشت اخروی و کیفر و پاداش الهی ندارد.

إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ . إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ

آثار خویشاوندی با پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۰ - ۹

۹- صرف داشتن رابطه خویشاوندی با پاکان، دلیل پاکی و خوبی نیست.

إِلَّا ءَالَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجِّوهُمْ . . . إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَا إِنَّهَا لَمِنَ الْغَابِرِينَ

آثار خویشاوندی با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۳ - ۱۲

۱۲ خویشاوندی با پیامبر (ص) مانع از عذاب و دوزخی شدن فرد مشرک نیست.

مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ . . . أَنْ يَسْتَغْفِرَ لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أَوْلَىٰ قَرَبَىٰ . . . أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ

آثار خویشاوندی نسبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - آنچه باعث ارث بردن می شود ، خویشاوندی نسبی است و نه شبه خویشاوندی ، مانند فرزند خواندگی ، مادری همسران پیامبر ( ص ) ، برادری دینی و ...

ادعوهم لأبائهم .. و أزوجه أمهاتهم و أولوا

الأرحام بعضهم أولى ببعض في كتب ال

آثار روابط خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۸ - ۶

۶ - پیوند خویشاوندی ، منشأ پیدایش حقوقی ویژه ، میان انسان ها است .

فَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ

آوردن <حقّه> پس از <ذا القربى> و نیاوردن آن پس از <ابن السبیل>، ممکن است به این جهت باشد که خویشاوندان، به خاطر قرابت، حقوق خاصی پیدا می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۱۶

۱۶ روابط عاطفی و خویشاوندی خطر آفرین برای رعایت عدل و انصاف

و إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا و لَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ

آثار عواطف خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۱،۴

۱ عواطف خویشاوندی (علاقه به پدر ، فرزند ، برادر ، همسر و خویشاوندان) و امکانات مادی (مال ، شغل و مسکن) زمینه های انحراف انسان و روی گردانی وی از فرمان خدا و رسول و رها کردن جهاد

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ... و أموال اقترفتموها... أحب إليكم من الله و رسوله و جهاد

۴ روی گردانان از جهاد ، به خاطر علقه های عاطفی ( محبت پدر ، فرزند ، برادر ، همسر و خویشاوندان) و دلبستگی مادی ( مال ، شغل و مسکن) مورد تهدید خداوند

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ... و أموال اقترفتموها... أحب إليكم... و جهاد فی سبيله فتر



ارزش خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ پیوند خویشاوندی ، پیوندی ارزشمند در بینش الهی

ما کان . . و لو کانوا أولى قریبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۵

۵ - ایمان به خداوند و پیامبر ( ص ) ، ارزشی والاتر و محبوب تر از پیوند های خویشاوندی و نسبی ( همچون پدری ، فرزندی ، برداری و . . . )

لا تجد قومًا . . یوادون . . و لو کانوا اباؤهم . . أو عشیرتهم

ارزش روابط خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۶ - ۱۱

۱۱- از دیدگاه حضرت ابراهیم ( ع ) پیوند دینی ، بس ارزشمندتر و نیرومندتر از قرابت خویشاوندی است .

فمن تبعنی فإِنَّهٗ مِنِّی و من عصانی

برداشت فوق به این سبب است که حضرت ابراهیم (ع) پس از دعا برای فرزندان خود، پیروی از دستورها و رهنمودهای خویش را ملاک ارزش و منزلت قرار داد.

اسلام و خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۵ - ۱۰

۱۰ توجه خاص اسلام به روابط خویشاوندی

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض فی کتب اللّٰه

اقسام خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۴ - ۴

۴ انسان ها ، دارای دو نوع قرابت و خویشاوندی اند : نسبی و سببی .

فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا

<نسب> که جمع آن <انساب> است به معنای قرابت و خویشاوندی از ناحیه پدر است و <صهر> به معنای قرابت و خویشاوندی از

ناحیه زن است که به سبب ازدواج به وجود می آید (خویشاوندی سببی مثل دامادی و ..) (برگرفته از لسان العرب). گفتنی است جمله <فجعلها نسباً و صهرأ> به تقدیر مضاف است؛ یعنی، <فجعلها ذانسب و صهر>.

اهمیت خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۵ - ۱۰

۱۰ توجه خاص اسلام به روابط خویشاوندی

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض في كتب الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶ - ۱۱

۱۱ - خویشاوندی و حفظ آن ، امری مورد توجه صاحب شریعت است .

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۵

۵ - ایمان به خداوند و پیامبر ( ص ) ، ارزشی والاتر و محبوب تر از پیوند های خویشاوندی و نسبی ( همچون پدری ، فرزندی ، برداری و ... )

لا تتجدد قومًا .. یوآدون ... و لو كانوا اباؤهم ... أو عشیرتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۳ - ۵

۵ - ارزش های دینی ، مقدم بر روابط خویشاوندی و عواطف خانوادگی

لا تتخذوا عدوی .. لن تنفعکم أرحامکم و لا أولدکم یوم القیمه

اهمیت رعایت حقوق خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۰ - ۱۶

۱۶- رعایت عدالت ، احسان ، ادای حق خویشاوندان و دوری از فحشا ، اعمال زشت و ستم ، از موعظه های خداوند به انسان است .

إن

الله يأمر بالعدل . . . و ينهى عن الفحشاء ... يعظكم

اهمیت روابط خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۰ - ۵

۵- سیاست اسلام بر تحکیم پیوند خویشاوندی و رفع مشکلات موجود میان خویشاوندان است .

إن الله يأمر . . . و إيتای ذی القربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۷ - ۹

۹- پیوند خویشاوندی و عاطفی ، باید تحت الشعاع روابط عقیدتی و دینی باشد .

إذ قال لأبيه و قومه ما هذه التماثيل التي أنتم لها عكفون . . . أف لكم و لمتعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۵ - ۸

۸ - حفظ روابط خانوادگی و خویشاوندی ، امری بس مهم و شایان توجه است .

و وصینا الإنسن بولدیه . . . أن اشکرلی و لولدیک... إن جهداک علی أن تشرک بی ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۴ - ۷

۷- اهتمام اسلام ، به موضوع مخلوط نشدن نطفه ها و روشن بودن نسب ها و پیوند های خویشاوندی میان انسان ها

و الئی یئسن من المحیض . . . فعددتھن ثلثه أشهر... وأولت الأحمال أجلھن أن ی

مطلب یاد شده، از مجموع دستورات و رهنمودهای خداوند درباره عدّه زنان و شمارش دقیق آن به ویژه درباره زنان یائسه ای که صرفاً احتمال داده شود با نطفه همسران قبلی خود باردار شده اند به دست می آید.

بی اعتباری خویشاوندی عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۶ - ۲

۲ - کفر و عصیان ، عامل بی اعتباری مسؤولیت خویشاوندی

و أنذر عشیرتک .. . فإن عصوک فقل إنی بریء مما تعملون

بی اعتباری خویشاوندی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۶

۶ دشمنان اسلام و کافران حق ستیز در صورت تسلط بر مسلمانان هرگز بر پیمان و پیوند دوستی و خویشاوندی پایبند نخواهند بود .

کیف و إن یظہروا علیکم لایرغبوا فیکم إلاً و لاذمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۶ - ۲

۲ - کفر و عصیان ، عامل بی اعتباری مسؤولیت خویشاوندی

و أنذر عشیرتک .. . فإن عصوک فقل إنی بریء مما تعملون

بی اعتباری خویشاوندی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۶،۷

۶ دشمنان اسلام و کافران حق ستیز در صورت تسلط بر مسلمانان هرگز بر پیمان و پیوند دوستی و خویشاوندی پایبند نخواهند بود .

کیف و إن یظہروا علیکم لایرغبوا فیکم إلاً و لاذمه

۷ شرک پیشگان صدر اسلام در صورت پیروزی بر مسلمانان ، از زیر پا گذاشتن حقوق خویشاوندی و شکستن پیمان ، باکی



نداشتند .

و إن يظهروا عليكم لا يرقبوا فيكم إلاّ و لازمه

بی اعتنایی به حقوق خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۱۹

۱۹ عدم رعایت حقوق خویشاوندی ، برخاسته از روحیه فسق و حق گریزی است .

لا یرقبوا فیکم إلاّ . . . و اکثرهم فسقون

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰ - ۱

۱ شرک پیشگان صدر اسلام ، درباره هیچ مؤمنی به رعایت حق خویشاوندی ، ملتزم نبودند .

لا یرقبون فی مؤمن إلاً

<رقبه> و <رُقبان> (مصدر یرقبون) به معنای حفظ و نگهداری و <إل> به معنای قرابت و خویشاوندی است. قابل ذکر است که لفظ <مؤمن> و <إل> هر دو نکره در سیاق نفی و مفید عمومند؛ یعنی، مشرکان درباره هیچ مؤمنی حرمت قرابت و خویشاوندی را نگه نمی دارند.

بی تأثیری خویشاوندی با انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۱

۱۱ - بی تأثیر بودن پیوند خویشاوندی با نیکان و صالحان ( همچون پیامبران الهی ) ، در سرنوشت اخروی انسان ها

قیل ادخلا النار مع الدخلین

بی تأثیری خویشاوندی با صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۱

۱۱ - بی تأثیر بودن پیوند خویشاوندی با نیکان و صالحان ( همچون پیامبران الهی ) ، در سرنوشت اخروی انسان ها

قیل ادخلا النار مع الدخلین

بی تأثیری خویشاوندی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۴ - ۲

۲ - رابطه خویشاوندی هر چند قوی باشد برای نجات از سختی های قیامت سودی ندارد .

يوم يفتر المرء من أخيه

فرار از برادر، به معنای تنها گذاشتن او در شداید قیامت است.

تضییع حقوق خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۷

۷ شرک پیشگان صدر اسلام

در صورت پیروزی بر مسلمانان ، از زیر پا گذاشتن حقوق خویشاوندی و شکستن پیمان ، باکی نداشتند .

و إن يظهروا عليكم لا يرقبوا فيكم إلّا و لازمه

تعصب خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۰ - ۶

۶ - تعصب های نژادی و فامیلی ، امری نکوهیده و زمینه ساز حق ناپذیری است .

و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما ألفينا عليه ءاباءنا

حقوق خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۳

۳ - پیوند خویشاوندی ، منشأ پیدایش حقوقی ویژه میان انسانهاست .

و ءات ذاالقربى حقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۱۴

۱۴ - استفاده از خوراکی های موجود در منازل خویشاوندان ، بدون اذن خواستن از ایشان ، از حقوق خویشاوندی است .

ليس على الأعمى حرج .. و لا على أنفسكم أن تأكلوا من بيوتكم أو بيوت ءابائكم ...

مجاز بودن استفاده از خوراکی های منازل پدر، مادر، برادر، خواهر، عمو و .. که از خویشاوندان محسوب می شوند و بدون هیچ اذنی از آنان، حاکی از حقی است میان آنان که باید رعایت شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۸ - ۶

۶- پیوند خویشاوندی، منشأ پیدایش حقوقی ویژه، میان انسان‌ها است.

فَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ

آوردن <حَقَّهُ> پس از <ذَا الْقُرْبَىٰ> و نیاوردن آن پس از <ابن السبیل>، ممکن است به این جهت باشد که خویشاوندان،

به

خاطر قرابت، حقوق خاصی پیدا می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶ - ۱۲

۱۲ - قرآن، به عنوان کتاب الهی، منبعی برای تشریح قوانین مربوط به حقوق خویشاوندی است.

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض في كتب الله

خویشاوندی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۷ - ۳

۳ پیامبران الهی دارای ارتباط نسبی با یکدیگر بودند. \*

و من ءابائهم و ذریتهم و إخوانهم

تصریح به اسامی تعدادی از پیامبران در آیات پیش و بیان اجمالی تعدادی دیگر با عنوان <آباء> و <ذریات> و <اخوان> گویا به منظور استقصای همه پیامبران انجام گرفته باشد. بر این اساس حصر پیامبران در افراد مذکور، که خویشاوند یکدیگر هستند، برداشت فوق را ثابت می کند.

خویشاوندی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱ - ۱۷

۱۷ خویشاوندی کلیه افراد بشر با یکدیگر \*

خلقکم من نفس واحدة .. و اتقوا الله ... و الارحام

<ارحام>، به معنای خویشان است، از آن رو که بازگشتشان به یک رحم است. بنابراین واقع شدن <الارحام> پس از <خلقکم من نفس واحدة>، می تواند اشاره به این باشد که تمامی انسانها با یکدیگر خویشاوند هستند.

خویشاوندی اهل مکه و ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۱۰

۱۰ - پیوند نسبی مردم مکه صدر اسلام با حضرت ابراهیم (ع)

ملّه أییکم إبرهیم

مخاطب ضمیر <کم> در <أییکم>، می تواند عموم مسلمانان و یا خصوص مردم

مکه باشد. برداشت فوق بر پایه احتمال دوم است.

خویشاوندی با انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۱۰

۱۰ - خویشاوندی با پیامبران و از نسل ایشان بودن، در قیامت کارساز نبوده و موجب رهایی از پیامدهای اعمال نخواهد شد.

تلک أمة قد خلت لهما ما كسبت و لكم ما كسبتم

بیان این معنا که پاداش عمل پیامبران برای دیگران سودمند نخواهد بود، در خطاب کسانی که از نسل پیامبرانی چون ابراهیم، اسحاق و یعقوب هستند، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۱۰

۱۰ - خویشاوندی با پیامبران و از نسل ایشان بودن، در قیامت کارساز نبوده و موجب رهایی از پیامدهای اعمال نخواهد شد.

تلک أمة قد خلت لهما ما كسبت و لكم ما كسبتم

بیان این معنا - که پاداش عمل پیامبران برای دیگران سودمند نخواهد بود - در خطاب به کسانی که از نسل پیامبرانی چون: ابراهیم، اسحاق و یعقوب هستند، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۲۸

۲۸ بی تأثیری نسب و پیوند خویشی با انبیا و اولیا در پذیرش و رد اعمال از سوی خدا

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق .. انما یتقبل الله من المتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۷

۷ داشتن روابط خویشاوندی با پیامبران در رهایی از مجازات های الهی بی تأثیر است.





کانت من الغبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۵

۱۵ روابط خانوادگی (نسبی یا سببی) با پیامبران، تأثیری در نجات آنان از عذاب های الهی ندارد.

و أهلك إلا من سبق عليه القول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۱۳

۱۳ اعمال صالح خانواده نوح (پرستش خدا و...) مایه نجات آنان از حادثه طوفان بود نه انتسابشان به حضرت نوح (ع).

إنه ليس من أهلك إنه عمل غير صالح

تصریح خداوند به این که <هلاکت فرزند نوح به خاطر اعمال ناصالحش بوده است>، اشاره به این معنا دارد که: نجات دیگر اعضای خانواده نوح، به خاطر انتسابشان به آن حضرت نبوده؛ بلکه منزه بودنشان از اعمال ناشایست، مایه نجاتشان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۰ - ۳

۳ وجود رابطه خویشاوندی و نسبی میان هود (ع) و قوم عاد

و إلی عاد أخاهم هودًا

تصریح به اینکه هود(ع) برادر قوم عاد بود، می تواند به خویشاوندی آن حضرت با قوم عاد، اشاره داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۳

۳ خویشاوندی صالح (ع) با قوم ثمود

و إلی ثمود أخاهم صلحًا

تصریح به اینکه صالح(ع) ، برادر قوم ثمود بود (أخاهم صالحاً) می تواند اشاره ای باشد به خویشاوندی صالح(ع) با قوم ثمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۲۰

۲۰ رابطه خویشاوندی با پیامبران ، بی تأثیر در نجات از عذاب های الهی است .

إِلَّا أَمْرُ أَتَكَ إِنَّهُ مَصِيْبُهُمَا أَصَابَهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۳

۳ وجود رابطه خویشاوندی و نسبی میان شعيب (ع) و مردم مدین

و إِلَى مَدِيْنٍ أَخَاهُمْ شَعِيْبًا

مراد از <أخاهم> این است که شعيب (ع) با اهل مدین ، خویشاوند بود و یا اینکه او برای آنان ، دلسوزی می کرد. برداشت فوق ، بر اساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۲ - ۸

۸ - داشتن رابطه خانوادگی با پیامبری از پیامبران الهی ، انسان را از عذاب نجات نمی دهد .

لِنُنَجِّيَنَّهٗ وَأَهْلَهُ إِلَّا أَمْرًا تَكَانَ مِنَ الْغَبْرِيْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۱۸

۱۸ - رابطه خویشاوندی با پیامبری از پیامبران الهی ، تأثیری در نجات از عذاب ندارد .

إِنَّا مَنْجُوْكَ .. إِلَّا أَمْرًا تَكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۳

۳ - صرف انتساب به خداوند و یا پیوند خویشاوندی با پیامبران ، موجب نجات و سعادت انسان نمی شود .

ءال لوط نجینهم .. کذلک نجزی من شکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۶ - ۶

۶ - تمامی پیامبرانی که پس از نوح و ابراهیم (ع) مبعوث شدند ، با مردم خود دارای خویشاوندی

نسبی بودند .

و لقد أرسلنا نوحًا و إبرهیم و جعلنا فی ذریتهما النبوه

خویشاوندی با مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۸

۸ وجود پیوند های قرابت و خویشاوندی میان مسلمانان صدر اسلام و مشرکان

و إن یظہروا علیکم لایرغبوا فیکم إلّا و لاذمه

خویشاوندی داماد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۱۵

۱۵- > الحفده ، هم أختان الرجل علی بناته و هو المروی عن أبی عبد الله (ع) ;

>الحفده< به شوهران دختران (داماد) انسان گفته می شود و این معنا از امام صادق(ع) روایت شده است.<

خویشاوندی در ارث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶ - ۲۷، ۲۵، ۲۱، ۲۰، ۱۷

۱۷ - خویشاوندان نسبی دارای ایمان ، از مؤمنان ارث می برند و نه خویشاوندان کافر آنان .

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض .. من المؤمنین

واژه <من> ممکن است بیانی باشد؛ یعنی، أولوا الأرحام مؤمن و مهاجر، در ارث، بر خویشان کافر اولویت دارند.

۲۰ - اولویت خویشاوندان نسبی برای ارث بردن ، امری است که در لوح محفوظ ثبت است .

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض فی کتب الله .. کان ذلک فی الکتب مسطورًا

احتمال دارد که مراد از <الکتاب> لوح محفوظ باشد و احتمال دارد که منظور، کتاب هایی باشد که به انبیا(ع) داده شده است. برداشت بالا، بنا بر احتمال نخست است.

۲۱- اولویت خویشاوندان نسبی برای ارث بردن ، از جمله تعالیم آسمانی نازل شده در قرآن است .

و أولوا الأرحام بعضهم

أولى ببعض .. كان ذلك في الكتب مسطوراً

<ال> در <الكتاب> می تواند عهد و اشاره به قرآن باشد.

۲۵ - < عن أبي جعفر (ع) في قول الله > و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض في كتاب الله < إن بعضهم أولى بالميراث من بعض لأن أقربهم إليه [رحماً] أولى به ... >

از امام باقر(ع) درباره این سخن خداوند < و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض في كتاب الله > روایت شده که فرمود: بعضی از خویشاوندان، در ارث بردن بر دیگران مقدم اند، چون هر کس از نظر نسبی نزدیک تر است، در ارث بردن مقدم است. <..>

۲۷ - < عن النبي (ص) قال : ما من مؤمن إلا و أنا أولى الناس به في الدنيا و الآخرة اقرأوا إن شئتم : > النبي أولى بالمؤمنين من أنفسهم < فأئما مؤمن ترك مالا فليرثه عصبته من كانوا . فإن ترك ديناً أو ضياعاً فليأتنى فأنا مولاه >

از نبی اکرم(ص) روایت شده است که فرمود: هیچ مؤمنی نیست مگر این که من به ولایت بر او از مردم دیگر در دنیا و آخرت سزاوارترم. اگر خواستید، بخوانید: <النبي أولى بالمؤمنين من أنفسهم> پس هر مؤمنی که مالی را بعد از خود بگذارد، خویشان اش هر که باشند، آن رابه ارث می برند. اگر بدهی برجا گذاشته باشد و یا نان خوران فقیری از او باقی مانده اند، باید به من رجوع کند؛ زیرا من ولی او هستم.>

خویشاوندی در دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۸۵ - ۶



لزوم نادیده گرفتن پیوند خویشاوندی، در دفاع از اصول دین و مبارزه با انحرافات عقیدتی

إذ قال لأبيه و قومه ماذا تعبدون

خویشاوندی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۱۰

۱۰ - خویشاوندی با پیامبران و از نسل ایشان بودن، در قیامت کارساز نبوده و موجب رهایی از پیامدهای اعمال نخواهد شد.

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

بیان این معنا که پاداش عمل پیامبران برای دیگران سودمند نخواهد بود، در خطاب کسانی که از نسل پیامبرانی چون ابراهیم، اسحاق و یعقوب هستند، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۱۰

۱۰ - خویشاوندی با پیامبران و از نسل ایشان بودن، در قیامت کارساز نبوده و موجب رهایی از پیامدهای اعمال نخواهد شد.

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

بیان این معنا - که پاداش عمل پیامبران برای دیگران سودمند نخواهد بود - در خطاب به کسانی که از نسل پیامبرانی چون: ابراهیم، اسحاق و یعقوب هستند، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۳ - ۱،۶

۱ - پیوندهای خویشاوندی و خانوادگی، بی ثمر در روز قیامت

لن تنفعکم أرحامکم

۶ - قیامت روز گسسته شدن پیوندها و جدایی خویشاوندان و فرزندان از والدین

لن تنفعکم . . . یوم القیمه یفصل بینکم

خویشاوندی سببی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۴

۴ انسان ها ، دارای دو نوع قرابت و خویشاوندی اند : نسبی و سببی .

فجعله نسباً و صهرًا

<نسب> که جمع آن <انساب> است به معنای قرابت و خویشاوندی از ناحیه پدر است و <صهر> به معنای قرابت و خویشاوندی از ناحیه زن است که به سبب ازدواج به وجود می آید (خویشاوندی سببی مثل دامادی و ..) (برگرفته از لسان العرب). گفتنی است جمله <فجعله نسباً و صهرًا> به تقدیر مضاف است؛ یعنی، <فجعله ذانساب و صهر>.

۶ آفرینش انسان ها از عنصری مایع (نطفه یا آب) و ایجاد دو نوع پیوند خویشاوندی نسبی و سببی میان آنان، از نشانه های ربوبیت و قدرت بی انت های خداوند است .

و هو الذی خلق من الماء بشراً .. فجعله نسباً و صهرًا و کان ربّک قدیرًا

یادآوری ربوبیت خداوند در پایان آیه شریفه و نیز در آغاز نخستین آیات مربوط به بحث از آفرینش پدیده های جهان (ألم تر إلی ربّک.. ) می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

خویشاوندی شعیب(ع) با اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۶ - ۲

۲ - شعیب (ع) ، با مردم مدین ، خویشاوندی داشت .

و إلی مدین أخواهم شعیبًا

خویشاوندی صالح(ع) با قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۳

۳ وجود رابطه خویشاوندی میان صالح و قوم ثمود

و إلی ثمود أخواهم صلحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۲

۱ - صالح (ع) ، پیامبری از نژاد ثمودیان و دارای پیوند خویشاوندی با آنان

إذ قال لهم أخوهم صلح

قید <أخوهم> می تواند برای بیان پیوند خویشاوندی صالح(ع) با قومش و نیز تعبیری کنایی از شفقت و دلسوزی آن حضرت نسبت به آن قوم باشد.

خویشاوندی قارون و موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۱۸

۱۸ - <إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى > **أَي كَان مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ ثُمَّ مِنْ سَبْطِ مُوسَى وَ هُوَ ابْنُ خَالَتِهِ . . . رَوَى ذَلِكَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) ;**

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند: <إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى > روایت شده که قارون از قوم بنی اسرائیل و از تیره موسی(ع) و پسرخاله آن حضرت بود.

خویشاوندی قوم ثمود با صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۵ - ۳

۳ - رابطه خویشاوندی صالح پیامبر با قوم ثمود

و لقد أرسلنا إلی ثمود أخاهم صلحًا

قید <أخاهم> هر چند کنایه از رحمت و عطوفت است، لکن با توجه به این که این تعبیر در مورد برخی از پیامبران به کار نرفته است با این که همه پیامبران نسبت به قومشان رحمت و عطوفت داشته اند می توان گفت واژه یاد شده اشاره به پیوند خویشاوندی نیز دارد.

خویشاوندی قوم عاد با هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - هود (ع) ، پیامبری از نژاد قوم عاد و دارای پیوند

خویشاوندی با آنان

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ هُودٌ

قید <أخوهم> می تواند برای بیان پیوند خویشاوندی هود(ع) با قومش و یا تعبیری کنایی از شفقت و دلسوزی آن حضرت نسبت به آن قوم باشد.

خویشاوندی لوط(ع) با قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۱ - ۱

۱ - لوط (ع) ، پیامبری از نژاد قوم خود و دارای پیوند خویشاوندی با آنان

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ لُوطٌ

قید <أخوهم> می تواند برای بیان پیوند خویشاوندی نسبی لوط(ع) با قومش باشد. و نیز می تواند تعبیری کنایی از شفقت و دلسوزی آن حضرت نسبت به آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۳ - ۳

۳ لوط پیامبر ، دارای خویشاوندی با قوم مورد دعوت خویش \*

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ .. و إِخْوَانٌ لُّوطٌ

واژه <إخوان> می رساند که میان لوط و قومش، روابط خویشاوندی بوده است.

خویشاوندی منازعان قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۳ - ۱

۱ - وجود نسبت برادری میان دو فرد نزاع کننده و متخاصم در نزد داوود (ع)

إِنَّ هَذَا أَخِي

خویشاوندی نسبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۴ - ۴،۶

۴ انسان ها ، دارای دو نوع قرابت و خویشاوندی اند : نسبی و سببی .

فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا

<نسب> که جمع آن <انساب> است به معنای قرابت و خویشاوندی از ناحیه پدر است و <صهر> به معنای قرابت و خویشاوندی از ناحیه زن است که



به سبب ازدواج به وجود می آید (خویشاوندی سببی مثل دامادی و ..) (برگرفته از لسان العرب). گفتنی است جمله <فجعله نسباً و صهراً> به تقدیر مضاف است، یعنی، <فجعله ذانسب و صهر>.

۶ آفرینش انسان ها از عنصری مایع (نطفه یا آب) و ایجاد دو نوع پیوند خویشاوندی نسبی و سببی میان آنان، از نشانه های ربوبیت و قدرت بی انت های خداوند است.

و هو الذی خلق من الماء بشراً .. فجعله نسباً و صهراً و کان ربک قدیراً

یادآوری ربوبیت خداوند در پایان آیه شریفه و نیز در آغاز نخستین آیات مربوط به بحث از آفرینش پدیده های جهان (ألم تر إلی ربک..) می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

خویشاوندی نوح(ع) با قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۶ - ۱

۱ - نوح (ع)، پیامبری از نژاد قوم خویش و دارای پیوند خویشاوندی با آنان

إذ قال لهم أخوهم نوح

قید <أخوهم> هم می تواند بیانگر پیوند خویشاوندی نوح(ع) با قومش باشد و هم تعبیر کنایی از اشفاق و دلسوزی آن حضرت نسبت به آنان.

خویشاوندی و عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۶ - ۸

۸ - روابط قومی و خویشاوندی، نباید بر گرایش های اعتقادی انسان اثر بگذارد.

و إذ قال إبرهیم لأبيه و قومه إئنی براء ممّا تعبدون

طرح داستان ابراهیم(ع) در راستای تأثیرناپذیری از عقاید و باورهای باطل قومی، صورت گرفته است.

خویشاوندی و کیفر



۱۶ لزوم پرهیز از ملاحظه نسب و حسب انسان ها در اجرای کیفر ها و مجازات های مطرح شده در دین

و أهلك إلا من سبق عليه القول

بیان این بخش از داستان نوح(ع) (احمل فیها.. أهلك إلا- من سبق علیه القول) رساننده این پیام است که: نباید به خاطر خویشی خطاکاران حتی با افراد برجسته ای چون پیامبران ، از کیفر آنان چشم پوشید.

خویشاوندی و مجازات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۶

۱۶ لزوم پرهیز از ملاحظه نسب و حسب انسان ها در اجرای کیفر ها و مجازات های مطرح شده در دین

و أهلك إلا من سبق عليه القول

بیان این بخش از داستان نوح(ع) (احمل فیها.. أهلك إلا- من سبق علیه القول) رساننده این پیام است که: نباید به خاطر خویشی خطاکاران حتی با افراد برجسته ای چون پیامبران ، از کیفر آنان چشم پوشید.

خویشاوندی هود(ع) با قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۵ - ۳

۳ وجود رابطه خویشاندی و نسبی میان هود (ع) و قوم عاد

و إلى عاد أخاهم هوداً

تصریح به اینکه هود برادر قوم عاد بود، می تواند اشاره به این باشد که آن حضرت از خویشان قوم عاد بوده و نیز می تواند اشاره به این باشد که وی برای آنان، حتی پیش از نبوتش، انسانی دلسوز بوده و به آنان محبت داشته است. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۳

۳- پیامبر قوم عاد ( هود ) ، از تبار ایشان و دارای رابطه خویشاوندی با آنان \*

و اذکر أخوا عاد .. إذ أنذر

واژه <أخ> ممکن است اشاره به رابطه خویشاوندی داشته باشد.

رد خویشاوندی جن با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۸ - ۶

۶- میان خدا و جن ، نسبت خویشاوندی و یا ارتباط ویژه ای ( چون شریک بودن ) وجود ندارد .

و جعلوا بینه و بین الجنّه نسبًا و لقد علمت الجنّه إنهم لمحضرون

یادآوری آگاهی جن از احضارشان در روز رستاخیز که در پاسخ به ادعای وجود پیوند خویشاوندی و یا شریک بودن جن با خدا مطرح گردیده بیانگر دو نکته است: ۱ منتفی بودن ارتباط خویشاوندی و شریک نبودن جن با خدا، زیرا اگر جن شریک خدا بود و ارتباط خویشاوندی با او می داشت، برای حسابرسی احضار نمی شد. ۲ تأثیر نداشتن این ارتباط در سرنوشت بندگان (بر فرض وجود چنین ارتباطی).

روابط خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۵ - ۱۰

۱۰ توجه خاص اسلام به روابط خویشاوندی

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض فی کتب اللّٰه

روابط خویشاوندی در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ سلب پیوند ها و روابط خویشاوندی ، بر اثر اعمال ناشایست ، در مکاتب الهی

إنه ليس من أهلک إنه عمل غير صلح

روابط خویشاوندی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۶

۶ - روابط فامیلی و عاطفی ، هیچ تأثیری در سرنوشت انسان در روز رستاخیز ندارد .

و إن تدع مثقله إلی حملها لا یحمل منه شیء و لو کان ذاقربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۳ - ۳

۳ - تأثیر نداشتن پیوند خویشاوندی و روابط فامیلی ، در نجات انسان مجرم از عذاب الهی در قیامت

یودّ المجرم لو یفتدی من عذاب یومئذ ببینه .. و فصیلتہ الّتی تویه

زمینه های حقوق خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۰ - ۴

۴ - پیوند خویشاوندی ، امری مسؤولیت آور و منشأ پیدایش حقوق ویژه است .

إن الله یأمر .. و إیتای ذی القربی

عقیده به خویشاوندی جن با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۵۸ - ۱

۱ - مشرکان ، معتقد به وجود نسبت خویشاوندی میان خدا و جن

و جعلوا بینہ و بین الجنّه نسبًا

<نسب>، به معنای قرابت و پیوند خویشاوندی است.

عقیده به خویشاوندی خدا با ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۸ - ۴

۴ - مشرکان ، معتقد به وجود پیوند خویشاوندی ( پدر و فرزندی ) میان خدا و فرشتگان

و جعلوا بینه و بین الجنّه نسباً

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که جمله <و جعلوا بینه و بین الجنّه نسباً> تأکید دختر نبودن ملائکه برای خدا و نفی فرزندان بودن او است که در آیات پیشین از

آن یاد شده است (أم خلقنا الملائكة إنثاءً .. ليقولون . ولد الله...).

علائق خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۵۸

۵ ترجیح محبت خویشاوندان و امکانات مادی بر محبت خدا و پیامبر (ص) و جهاد، فسق و انحراف است .

قل إن كان ءاباؤکم .. أحب إليکم ... و الله لایهدی القوم الفسقین

۸ ترجیح محبت خدا و رسول و جهاد بر علائق خویشاوندی و تعلقات مادی، نشانه مؤمنان راستین

یأیها الذین ءامنوا .. قل إن کان ءاباؤکم ... و جهاد فی سبیله

عواطف خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۲

۲ محبت پدر، فرزند، برادر، همسر و خویشاوندان نباید محبت خدا و رسول و جهاد در راه خدا را تحت الشعاع قرار دهد .

قل إن کان ءاباؤکم و ءاباؤکم .. أحب إليکم من الله و رسوله و جهاد فی سبیله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۳ - ۳

۳ عواطف و احساسات فامیلی، باید تحت الشعاع روابط دینی و مکتبی باشد .

ما کان للنبی .. أن یتغفروا للمشرکین و لو کانوا أولى قربی

عواطف خویشاوندی زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶ - ۷



۷- اهتمام زکریا به حفظ یادگار های به جامانده از اجداد خویش \*

فهب لی من لدنک ولیاً . یرثنی و یرث من ءال یعقوب

عواطف خویشاوندی مشرکان مکه

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۱۳

۱۳ - بهره گیری از عواطف خویشاوندی برای ترغیب مشرکان مکه به گرویدن به اسلام

و ما جعل علیکم فی الدین من حرج مله ابرهیم

قطع روابط خویشاوندی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۱ - ۳

۳ - گسستن روابط خویشاوندی میان انسان ها ، در روز رستاخیز

فإذا نفخ فی الصور فلا أنساب بینهم یومئذ

محدوده روابط خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۴ - ۸

۸ خویشاوندی و پیوندهای اجتماعی نباید مانعی برای تبلیغ و مخالفت با الحاد گردد.

و إذ قال ابرهیم لأبیه أزر . . . و قومک

یاد آور شدن گفتگوی ابراهیم(ع) با خویشاوندانش بدان جهت می تواند باشد که ضرورت ملاحظه نکردن روابط

خویشاوندی و قومی در مسائل اساسی عقیدتی را یادآور شود.

موانع خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۶ - ۲

۲ - کفر و عصیان ، عامل بی اعتباری مسئولیت خویشاوندی

و أنذر عشيرتک .. فإن عصوک فقل إنی بری ممّا تعملون

نقش خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۲۸

۲۸ بی تأثیری نسب و پیوند خویشی با انبیا و اولیا در پذیرش و رد اعمال از سوی خدا

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق .. انما یتقبل اللّٰه من المتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۵ - ۷۸،۹

خویشاوندان در برخوردار شدن از حقوق ولایت مقرر شده در میان مؤمنان ، بر غیر خویشان اولویت دارند .

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض في كتب الله

۸ خویشاوندان در ارث بردن از یکدیگر بر غیر خویشان اولویت دارند .

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض

برداشت فوق با توجه به روایات متعددی که درباره <اولوا الارحام> آمده، استفاده شده است. علاوه بر آن مفسران بزرگ شیعه و سنی جمله <اولوا الأرحام بعضهم ...> را بیان حکم ارث دانسته اند.

۹ اولویت خویشان در ارث بردن از یکدیگر ، حکمی است ثبت شده در کتاب الهی (قرآن)

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض في كتب الله

<فی كتب الله> می تواند متعلق به کلمه ثابت و مانند آن و خبر برای مبتدایی محذوف باشد ؛ یعنی: هذا الحكم ثابت فی كتب الله. همچنین می تواند متعلق به مضمون جمله <بعضهم أولى ببعض> باشد ؛ یعنی متعلق به نسبت خبریه در آن جمله باشد. قابل ذکر است که مال هر دو فرض به یک معناست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۲ - ۱۳

۱۳- خویشاوندی و پیوند های اجتماعی ، نباید مانعی برای تبلیغ و مخالفت با الحاد گردد .

إذ قال لأبيه يأت لم تعبد ما لا يسمع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۳ - ۷

۷- خویشاوندی ، نباستی موجب ترک تبلیغ دین و توحید و مبارزه با شرک گردد .

يأت لم تعبد .. يأت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ -

۵ - ملاک ارزش در بینش الهی ایمان است نه پیوند های قبیله ای و خویشاوندی .

و أنذر عشیرتک الأقرین . و اخفض جناحک لمن اتبعک من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۵۸ - ۷

۷ - نسبت ها ، نزدیکی ها و پیوند های خویشاوندی ، هیچ تأثیری در سرنوشت بندگان و مجازات آنان ندارد .

و جعلوا بینہ و بین الجنّہ نسبًا و لقد علمت الجنّہ إنهم لمحضرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۸

۸ - پیوند نسبی ( پدری ، فرزندی ، برادری و خویشاوندی ) ، قوی ترین و پایدارترین سبب مودت و دوستی ها است .

و لو كانوا اباؤهم أو أبناءهم أو إخوانهم أو عشیرتهم

با این که اسباب دوستی زیاد است، اختصاص به ذکر یافتن پیوند نسبی، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۵ - ۴

۴ - خویشاوندی ، رابطه ای مسئولیت آفرین و انگیزه ای مؤثر ، در کمک رسانی به یکدیگر است .

ذا مقربہ

نقش خویشاوندی با پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۰ - ۳

۳ - صرف رابطه خویشاوندی با پاکان ، سبب رهایی از عذاب الهی و پیامد کار زشت نخواهد شد .

إلا امرأته قدّرتنا إنها لمن الغبرين

نقش خویشاوندی با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۱ - ۶

۶ - خویشاوندی مخالفان اسلام با پیامبر

( ص ) ، مانع نکوهش خداوند از آنان نیست .

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّتْ

نقش عواطف خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳ - ۷

۷- استفاده از گرایش ها و عواطف خویشاوندی برای هدایت مردم ، از روش های هدایتی قرآن

أَلَا تَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَكَيْلًا. ذَرِيَّةَ مِن حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <ذَرِيَّةَ مِن حَمَلْنَا..> از سخنان قرآن باشد نه آموزه های تورات.

نقش عواطف خویشاوندی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳ - ۶

۶- استفاده < تورات > از گرایش ها و عواطف خویشاوندی بنی اسرائیل ، جهت هدایت و گرایش آنان به توحید

وَأَتَيْنَا مُوسَى... ذَرِيَّةَ مِن حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ

این برداشت با توجه به دو نکته است ذیل است: ۱ بنا براین که نصب <ذَرِيَّةَ> به حرف ندای محذوف و ادامه کلام تورات در آیه قبل باشد (و آتینا موسی الکتاب .. أَلَا تَتَّخِذُوا... یا ذَرِيَّةَ مِن حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ). ۲- آیه در پی دعوت از بنی اسرائیل به توحید، به آنان یادآوری می کند که آنها از فرزندان همراهان نجات یافته نوح هستند، تا به این وسیله ایشان را به قبول دعوت برانگیزاند.

خویش

اقرار علیه خویش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۹

۹ اقرار انسان علیه خویش ، نافذ و دارای اعتبار قانونی است .

شهداء لله و لو على أنفسكم

خیانت به خویش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء



۳ خیانت و نیرنگ به دیگران ، در حقیقت خدعه و خیانت به خویشتن است .

و لاتجدل عن الذین یختانون انفسهم

در آیه شریفه خیانت به دیگران، خیانت به نفس شمرده شده است.

زیان به خویش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ - ۱۴

۱۴ محروم نمودن خویش از مواهب پاکیزه و حلال الهی ، زیان رسانی به خود آدمی است .

و لاتحرموا طیبیت ما احل الله لکم و لاتعتدوا

چنانچه تحریم طیبیات به معنای محروم ساختن خویش از مواهب الهی گرفته شود جمله <لاتعتدوا> می تواند بیانگر فلسفه ای برای جمله <لا-تحرموا...> باشد یعنی مبدا طیبیات را از خود دریغ دارید چرا که این کار تعدی به خود و پایمال کردن حقوق خویش است.

ظلم به خویش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۰ - ۵

۵ گناه ، ستم بر خویشتن است .

و من یعمل سوءاً او یظلم نفسه ثم یتغفر الله

### خیال پردازی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خیال پردازی

آثار خیال پردازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ شرک‌ورزی و اعتقاد به معبودهایی غیر از خدای یکتا، زاییده پندار و توهم آدمیان است.

إِلَّا أَسْمَاءَ سَمِيتُمُوهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۸ - ۸

۸ - جامعه داستان پرداز و افسانه‌گرا، دارای ذهنیتی ناتوان و مغشوش در تشخیص حق و باطل

إِن هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ

کافران عقیده به معاد را <أسطوره> می‌پنداشتند و این

پندار نشانگر رواج افسانه‌ها در میان جوامع پیشین و ذهنیت مغشوش است که در نتیجه شیوع خرافات، پدید آمده بود و براساس آن هر سخن تازه‌ای را حکایتی ساخته و پرداخته افراد تلقی می‌کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۱ - ۳

۳ - غفلت از ارزش‌ها، معلول غرق شدن در گرداب پندارها و تمنیات نفسانی است. \*

الخَرَصُونَ . الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرِهِ سَاهُونَ

از ارتباط <فی غمره> با <ساهون> ممکن است چنین استفاده شود که انسان، زمانی گرفتار غفلت و حق ستیزی می‌شود که دل مشغولی‌های دنیا و حفره‌های جاه و مال و شهوت، او را در خود فرو برده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۳ - ۴

۴ - شرک و بت پرستی، برخاسته از خیال پردازی و موهوم گرایی بشر و فاقد هر گونه پشتوانه منطقی

سَمِّيتُمُوهَا أَنْتُمْ وَاَبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطٰنٍ

از تأکید خداوند بر این که بت‌ها، جز نام‌های ساخته و پرداخته بشر، چیزی نیستند، می‌توان به دست آورد که خیال پردازی و موهوم گرایی انسان، او را به وادی شرک کشانیده است.

تنزیه از خیال پردازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۳

۳ - ساحت شاعران مؤمن، مبرّا از خیال پردازی، گزافه‌گویی و گفتار بدون عمل

وَالشُّعْرَاءُ .. فِي كَلِّ وَادٍ يَهيمُونَ... يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ . إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا

تهمت خیال پردازی به محمد(ص)

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۴ - ۴

۴ - اتهام مشرکان به پیامبر (ص) مبنی بر ابداع قرآن با وهم و خیال خویش

و الشعراء يتبعهم الغاوان

خیال پردازى شاعران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۵ - ۲

۲ - توسن سرگشته کلام شاعران خیال پرداز، رها شده در هر وادی بی حاصل

ألم تر أنهم فى كل واد يهيمون

مقصود از برداشت یاد شده این است که شاعران گزافه گوی و بی ملاک، در هر زمینه ای بی تأمل شعر می ساریند؛ زیبا را زشت و زشت را زیبا می کنند؛ حق را باطل و باطل را حق جلوه می دهند و ...

خیال پردازى عوام يهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۸ - ۵،۷

۵ - حدس و گمان، پایه و اساس تفکرات دینی عوام یهود

إن هم لا یظنون

۷ - پذیرش خیالات واهی به جای محتوای کتاب آسمانی و پایه قرار دادن حدس و گمان در تفکرات و معتقدات دینی، از دلایل نابجا بودن انتظار ایمان از عوام یهود

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم... و منهم أميون... إن هم إلا یظنون

خیال پردازى کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- موضع گیری های کافران در قبال قرآن و پیامبر (ص)، متکی به پندار و نه دلیل یقینی

أم خلقوا السموت و الأرض بل لا یوقنون

خیال پردازی مشرکان

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۸ - ۳

۳ - پندارگری و گمان محوری ، شالوده هویت مشرکان بی باور به آخرت

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ .. . إِنَّ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ

با توجه به حصر در <إِنَّ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ>، مطلب بالا استفاده می شود.

خیال پردازی مکذبان آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۷ - ۵

۵ - پیروی از هوا و گمان و آرزوپردازی های بی حاصل ، از ویژگی های ناباوران به آخرت

إِنَّ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءَ سَمَّيْتُمُوهَا .. . إِنَّ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ مَا تَهْوَى الْأَنْفُسَ ... أَمْ لَل

ارتباط آیات، نشانگر این است که منکران آخرت، از ویژگی های یاد شده برخوردارند.

زمینه خیال پردازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۱ - ۲

۲ - انسان اسیر شده در گرداب کفر و لجاجت ، گرفتار پندارگرایی و غافل از وعده های حق الهی

الْخَرَّاصُونَ. الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرِهِ سَاهُونَ

از ارتباط <خَرَّاصُونَ> با <غمره> و <ساهون> مطلب بالا استفاده می شود.

شاعران مؤمن و خیال پردازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۳

۳ - ساحت شاعران مؤمن ، میرا از خیال پردازی ، گزافه گویی و گفتار بدون عمل

و الشعراء.. فی کلّ واد یهیمون... یقولون ما لایفعلون . إلا الذین ءامنوا

علاقه به خیال پردازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۵ - ۴

۴ - گمراهان ، دوستدارِ مطالبِ سست ، بی

و الشعراء يتبعهم الغاوان . ألم تر أنهم في كل واد يهيمون

از ارتباط دو آیه استفاده می شود که گمراهان، در پی شاعرانی بی اصالت و وهم گرا هستند.

خیال پردازان

استهزاهای خیال پردازان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۲ - ۲

۲ - پندار گرایان دنیا زده غافل ، درصدد انکار معاد با تمسخر و استهزا \*

الخرصون . الذین هم فی غمره ساهون . یستلون أیمان یوم الدین

از ارتباط <یستلون..> با آیات پیشین، استفاده می شود که این سؤال نمونه ای از غفلت و دنیا زدگی آنان است که گاه اصل را انکار می کنند و گاه با پرسش از زمان معاد، آن را بعید و غیر علمی می نمایانند.

تکذیبگری خیال پردازان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۲ - ۲

۲ - پندار گرایان دنیا زده غافل ، درصدد انکار معاد با تمسخر و استهزا \*

الخرصون . الذین هم فی غمره ساهون . یستلون أیمان یوم الدین

از ارتباط <یستلون..> با آیات پیشین، استفاده می شود که این سؤال نمونه ای از غفلت و دنیا زدگی آنان است که گاه اصل را انکار می کنند و گاه با پرسش از زمان معاد، آن را بعید و غیر علمی می نمایانند.

### خیانت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خیانت

{خیانت}



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۵ - ۱۷، ۹، ۵

۵ خیانتکاری برخی از اهل کتاب ، حتی در ناچیزترین امانتها

و منهم من ان تأمنه بدینار لا یؤده الیک

۹ دیدگاه های متفاوت اهل کتاب درباره غیر

همکیشان خود ، موجب حفظ امانت و یا خیانت در آن

و من اهل الكتاب . . . و منهم من ان تأمنه ... ذلك بأنهم قالوا ليس علينا في الامی

<ذلك>، اشاره به طایفه دوم است.

۱۷ نسبت تجویز خیانت در امانت ، به خداوند ، دروغ بستن به اوست .

و منهم من ان تأمنه بدینار لا يؤدّه الیک . . . قالوا ليس علينا في الامین سبیل و

رسول الله (ص) در پی نزول آیه فوق فرمود: کذب اعداء الله ما من شیء کان فی الجاهلیه الاّ - و هو تحت قدمی هاتین الاّ الامانه فانها مؤداه الی البرّ و الفاجر.

---

الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۴۴؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۷۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۶ - ۸

۸ خیانت در امانت و بدعتگذاری در دین از سوی اهل کتاب ، برخاسته از بی تقوایی آنان

و منهم من ان تأمنه بدینار . . . و يقولون علی الله الکذب ... بلی من اوفی بعهده و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۱۶ - ۵، ۲، ۱

۱ ساحت پیامبران ، پاک و منزّه از هر گونه خیانت است .

و ما کان لنبیّ ان یغلّ

<یغلّ> از ماده غلول و غلل، به معنای خیانت است.

۲ ناسازگاری خیانت با مقام نبوت و رسالت الهی

و ما کان لنبیّ ان یغلّ

۵ گمان باطل برخی از مسلمانان صدر اسلام مبنی بر خیانت پیامبر (ص) در غنایم جنگی

و ما کان لنبی ان یغلّ

در برخی از شأن نزولهای مربوط به آیه آمده که غنیمتی

از غنایم جنگی بدر مفقود شد و عدّه ای چنین پنداشتند که پیامبر (ص) آن را تصاحب کرده است. (مجمع البیان، ذیل آیه.) و از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: ... الم ینسبوا نبینا محمّداً (ص) ... الم ینسبوه یوم بدر الی أنّه اخذ لنفسه من المغنم قطیفه حمراء حتّی اظهره الله عزّ و جلّ علی القطیفه و برء نبیّه من الخیانه و انزل بذالک فی کتابه <و ما کان لنبیّ ان یغلّ ... >.

---

امالی صدوق، ص ۹۲، مجلس ۲۲، ح ۳؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۴، ح ۱.

۱۶ به مجازات رسیدن خیانتکاران در اموال امام در قیامت

و من یغلل یأت بما غلّ

امام صادق (ع): الغلول کلّ شیء غلّ عن الامام.

---

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۱۴۸؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۴، ح ۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۲ - ۶،۹

۶ جوایب رضای الهی از سوی پیامبر (ص)، دلیل و نشانگر پاکی ساحت وی از هر گونه خیانت

و ما کان لنبیّ ان یغلّ .. افمن اتّبع رضوان الله

جمله <افمن اتّبع رضوان الله> به منزله دلیل و تعلیل برای جمله <و ما کان لنبیّ ان یغلّ> است؛ یعنی آیا امکان دارد پیامبری که همواره در پی جلب رضای الهی است، خیانت کند و از همان کسانی باشد که خدا بر آنان خشم گرفته است.

۹ نسبت خیانت به پیامبر (ص)، زمینه ساز خشم و غضب الهی

ما کان لنبیّ ان یغلّ .. کمن بآء بسخط من الله

جمله

> کمن بآء بسخط < می تواند اشاره به کسانی باشد که به ساحت پاک پیامبر (ص) چنین اتهاماتی را وارد کردند ؛ چنانچه در آیه قبل بدان اشاره شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۱۹، ۱۴، ۱۳، ۱۰، ۳

۳ مؤمنان ، پاک هستند و غیر آنان ( منافقان ) ، پلید و خبیث .

ما كان الله ليذر المؤمنين على ما انتم عليه حتى يميز الخبيث من الطيب

۱۰ جریان مداوم آمیختگی پاکان و ناپاکان و جدا شدن آنان از یکدیگر

ما كان الله ليذر المؤمنين على ما انتم عليه حتى يميز الخبيث من الطيب

۱۳ ایمان و کفر ( پاکی و ناپاکی ) انسان ها از امور غیبی

و ما كان الله ليطلعكم على الغيب

چنانچه مراد از <الغيب>، جنس باشد، کفر و ایمان از مصادیق مورد نظر است. البته این احتمال نیز به نظر می رسد که الف و لام <الغيب>، عهد باشد ؛ یعنی خصوص کفر و ایمان.

۱۴ سنت الهی ، بر تفکیک صفوف پاکان از ناپاکان به وسیله آگاه ساختن مردم به غیب و اسرار دل ها ، نیست .

ما كان الله ليذر المؤمنين على ما انتم عليه حتى يميز الخبيث من الطيب و ما كان

> و ما كان الله ليطلعكم ... <، در صدد بیان این است که گر چه خداوند، ناپاکان را از پاکان مشخص خواهد کرد، ولی این تفکیک از طریق مشکلات و جنگها و مسائل دیگر از این قبیل است، نه از راه آشنا ساختن مردم به غیب و نهان.

۱۹ پیامبر ( ص ) ، آگاه به پاکان و ناپاکان ( مؤمن

و منافق ( ائمت خویش ، از طریق علم به غیب

و ما كان الله . .. و لكن الله يجتبي من رسله من يشاء

مراد از <من رسله > چه برخی از رسولان باشند و چه تمامی آنان قطعاً پیامبر اسلام (ص) از جمله آنان خواهد بود.

آثار ترك خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۲ - ۳

۳ امانتداری و ترك خیانت ، از موجبات جلب خشنودی و رضای خداوند

و ما كان لنبی ان یغلّ . .. افمن اتبع رضوان الله كمن باء بسخط من الله

آثار خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۲ - ۷

۷ خیانتکاری و اختلاس ، زمینه ساز خشم و غضب الهی

و من یغلل یأت بما غلّ . .. افمن اتبع رضوان الله كمن باء بسخط من الله

از مصادیق مورد نظر برای <من باء بسخط >، خیانتکارانی هستند که در آیه قبل به رسوایی آنان اشاره رفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۷ - ۳

۳ خیانت و نیرنگ به دیگران ، در حقیقت خدعه و خیانت به خویشان است .

و لاتجدل عن الذین یختانون انفسهم

در آیه شریفه خیانت به دیگران، خیانت به نفس شمرده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ آثار زیانبار خیانت به دیگران ، دامنگیر خود خیانتکار خواهد شد .

إِنَّ اللَّهَ لَا يَحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَانًا .. وَ مَنْ يَكْسِبُ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ عَلَى

به مقتضای آیات گذشته، مصداق مورد نظر از <اثماً>، همان خیانتکاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۸ - ۹

۹ خیانت ، حتی نسبت به کافران ، امری ناروا و در پی دارنده محرومیت از محبت خدا

فانبد إليهم على سواء إن الله لا يحب الخائنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۶

۶ کافران جنگ بدر به سبب خیانت‌هایشان به خدا و دین او ، مغلوب مجاهدان شده و گروهی از آنان به اسارت درآمدند .

فقد خانوا الله من قبل فأمكن منهم

امکان (مصدر امکان)، به معنای تسلط بخشیدن است. تفریح جمله <امکن منهم> بر <فقد خانوا> به وسیله حرف <فاء> دلالت می کند بر اینکه خیانت کافران به دین خدا موجب شد که خداوند آنان را در سیطره مسلمانان قرار دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸ - ۴

۴ - خیانت کاری و پیمان شکنی ، نشانه ضعف ایمان و مایه محرومیت از سعادت اخروی

قد أفلح المؤمنون .. و الذين هم لأمتهم و عهدهم رعون

آثار خیانت بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۳ - ۳

۳ - بنی نضیر ، به خاطر توطئه و خیانت ، مستحق کیفر و مجازاتی سخت بودند و اجرای حکم تبعید علیه آنان ، تقدیری همراه با تخفیف برای ایشان بود .



و لولا أن .. لعذبهم فى الدنيا

آثار خيانت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه -

۷ پیامدهای شوم خیانت به خدا و رسول و زشتی خیانت آدمی به امانت‌های جامعه، امری روشن و بی‌نیاز از برهان

لاتخونوا الله... و أنتم تعلمون

در اینکه مفعول <تعلمون> چیست، نظرهای مختلفی ایراد شده که از جمله آنهاست، زشتی خیانت، پیامدهای شوم آن و حرمت آن از دیدگاه عقل و شرع.

آثار خیانت به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ پیامدهای شوم خیانت به خدا و رسول و زشتی خیانت آدمی به امانت‌های جامعه، امری روشن و بی‌نیاز از برهان

لاتخونوا الله... و أنتم تعلمون

در اینکه مفعول <تعلمون> چیست، نظرهای مختلفی ایراد شده که از جمله آنهاست، زشتی خیانت، پیامدهای شوم آن و حرمت آن از دیدگاه عقل و شرع.

آثار خیانت تاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - تاجرانی که در سنجش کالا خیانت ورزیده و هنگام فروش آن از پیمان‌ها و وزن می‌کاهند، به عذاب الهی گرفتار خواهند شد.

و إذا كالوهم أو وزنوهم يخسرون

آثار خیانت در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ پذیرش دوستی و سرپرستی کفار، خیانت در جنگ، خدعه با خدا، سستی در عبادت، ریاکاری و کم به یاد خدا بودن، موجب گمراهی و محرومیت دائمی از هدایت الهی است.

و من یضلل الله فلن

از مصادیق مورد نظر برای (من یضلل)، کسانی هستند که در آیات قبل (از ۱۳۸ تا ۱۴۳) خصلتهای آنان بر شمرده شد.

### آثار خیانت در معامله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۰ - ۳

۳ - کم فروشی و خیانت در معامله ، تکذیب عملی روز قیامت است .

ویل للمطففین . . . ویل یومئذ للمکذبین

آیات مورد بحث درباره <مطففین> است و آنان را با عناوین <فجّار> و <مکذّبین> تهدید به عذاب الهی می کند. مراد از <یومئذ> همان <یوم یقوم الناس...> است که در آیات پیشین گذشت. تکذیب می تواند، شامل تکذیب عملی و قولی باشد؛ بنابراین آیه اختصاص به کافران ندارد.

### آثار خیانت مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۱ - ۹

۹ - پافشاری برخی از مشرکان بر شرک ، معلول تعصب یا اهداف خائنانه است ، نه ناشی از نادانی صرف .

بل أكثرهم لایعلمون

قید <أكثر> بیانگر این واقعیت است که در میان مشرکان، کسانی وجود دارند که علی رغم آگاهی به بطلان شرک، به خاطر اهداف نادرستی از آن حمایت می کنند.

### آثار ذکر خیانت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۵

۵ توجه به گوشه ای از خیانت ها و تزویر های منافقان ، مستلزم عدم اعتماد به آنان برای همیشه

لن تؤمن لكم قد نبأنا الله من أخباركم

برداشت فوق مبتنی بر این است که <من> در <أخباركم> برای تبعیض و <لن> در <لن تؤمن> برای نفی ابدی باشد.

اجتناب از خیانت

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۸ - ۳

۳ پرهیز شاهدان وصیت از خیانت در شهادت و تجاوز به حقوق دیگران ، تکلیفی الهی بر عهده ایشان و نشان تقوایبشگی آنان است .

ذلك ادنى ان يأتوا بالشهده على وجهها .. و اتقوا الله و اسمعوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۷ - ۳

۳ حفظ امانت های مسلمانان و پرهیز از خیانت در آن ، وظیفه ایمانی مؤمنان

يأيتها الذين ءامنوا لاتخونوا الله و الرسول و تخونوا أمتكم

در برداشت فوق <تخونوا أمتكم> عطف بر <تخونوا الله> گرفته شده است. بنابراین حرف نهی <لا> در معطوف نیز لحاظ شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۶

۶ رعایت عفت و پرهیز از خیانت به ویژه در نهان و به دور از چشم مردم ، خصلتی ارزشمند و نیکوست .

ذلك ليعلم أنى لم أخنه بالغيب

<بالغيب> (در نهان) می تواند حال برای ضمیر فاعلی و نیز برای ضمیر مفعولی در <لم أخنه> باشد. بنابراین <لم أخنه بالغيب> ؛ یعنی، به او خیانت نکردم آن گاه که وی [از چشم ما] نهان بود و یا من از او در نهان بودم.

اجتناب از خیانت در معامله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۵ - ۳

۳- خیر و مصلحت واقعی انسان و جامعه ، در اجتناب کردن از کم فروشی و خیانت اقتصادی است .

و أوفوا الكيل . . . وزنوا بالقسطاس المستقيم ذلك خير

احتمال خيانت

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۴

۴ احتمال ادامه خیانت از سوی اسیران نباید مانعی برای رهاسازی آنان محسوب شود .

و إن یریدوا خیانتک

این احتمال همواره وجود دارد که اسیران پس از آزاد شدن بار دیگر به حمایت از سایر مشرکان برآمده و علیه نظام اسلامی تلاش کنند. این احتمال ممکن است رهبران نظام اسلامی را از آزادسازی اسیران بازدارد. گویا آیه شریفه <و إن یریدوا ... > در صدد رفع این نگرانی است. یعنی اگر مصلحت بر آزادسازی باشد، این نگرانی شما را از آزاد کردن اسیران باز ندارد.

افشای خیانت مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۲ - ۳

۳ - افشاگری خداوند ، در مورد اهداف خائنه و توطئه گرانه مشرکان علیه جان پیامبر ( ص )

تربص به ریب المنون .. أم یریدون کیدًا

طبق گفته مفسران، ممکن است عبارت <یریدون .. > نظر به توطئه <دارالندوه > داشته باشد.

پاداش اجتناب از خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۸ - ۶

۶ پایبندی به ارزش های الهی و پرهیز از خیانت به دین ، دارای پاداشی عظیم نزد خداوند

لاتخونوا الله .. أنما أموالکم و أولدکم فتنه و أن الله عنده أجر عظیم

پیشگیری از خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۸ - ۵



۵ رهبران جامعه اسلامی باید به احتمال وقوع خیانت از سوی جوامع کفرپیشه ترتیب اثر داده و نباید برای تصمیمات لازم در

انتظار وقوع خیانت باشند .

و إما تخافن من قوم خیانه فانبذ إليهم علی سواء

تشخیص خیانت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۸ - ۴

۴ بررسی و تشخیص شواهد و نشانه های خیانتکاری کافران ، وظیفه ای بر عهده پیامبر ( ص ) و رهبران جامعه اسلامی

و إما تخافن من قوم خیانه

تکرار خیانت با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۴ - ۱۰

۱۰ - همسران خطاکار پیامبر ( ص ) ( حفصه و عایشه ) ، در معرض تکرار خطا و خیانت علیه آن حضرت بودند .

و إن تظھرا علیه

از تعبیر <إن تظاهرا علیه> (اگر علیه پیامبر هم پستی کنید)، استفاده می شود که حفصه و عایشه، در معرض تکرار چنین خطاهایی بودند.

حرمت خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۹

۹ حرمت خیانتکاری

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه ثمّ توفی کلّ نفس ما کسبت

خیانت اسیران غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۲

۲ اسیران جنگ بدر از خیانتکاران به دین خدا تا پیش از آن نبرد

و إن یریدوا خیانتک فقد خانوا اللّٰه من قبل

خیانت اکثریت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۲۲

۲۲ تلاش مستمر اکثریت یهود در عصر بعثت برای خیانت به پیامبر (ص) و اسلام

و لاتزال تطلع علی خائنه منهم

چون آیه

فوق در بیان خیانتکاری بنی اسرائیل، پیامبر(ص) را مخاطب قرار داده (و لا-تزال تطلع ..) معلوم می شود این خیانت درباره پیامبر(ص) و مسلمانان صورت می گرفته است.

خیانت الغای معاهدات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۸ - ۸

۸ بی اعتبار شمردن و الغای عهدنامه ها بدون آگاه ساختن طرف مقابل ، خیانت است .

فانبد إليهم على سواء إن الله لا يحب الخائنين

برداشت فوق بر این اساس است که <إن الله .. > تعلیل برای <على سواء > باشد. یعنی اگر این دستور (آگاه ساختن دشمن به لغو عهدنامه او) را اجرا نکنی، خیانتکاری و خداوند خیانتکاران را دوست ندارد.

خیانت اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۵ - ۵

۵ خیانتکاری برخی از اهل کتاب ، حتی در ناچیزترین امانتها

و منهم من ان تأمنه بدینار لا يؤده اليك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۵

۵- مخالفت اهل کتاب با اسلام و پیامبر (ص) ، مخالفتی خائنه و نه از روی جهل و بی خبری \*

إن الذين كفروا و .. من بعد ما تبين لهم الهدى

می توان گفت: مراد از <الذين كفروا.. > به قرینه <تبين لهم الهدى > اهل کتاب است.

خیانت بر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - افشاگری خداوند ، در مورد اهداف خائنه و توطئه گرانه مشرکان علیه جان پیامبر ( ص )

نتر بص به ریب

المنون .. أم يريدون كيدًا

طبق گفته مفسران، ممکن است عبارت <یریدون ..> نظر به توطئه <دارالندوه> داشته باشد.

خیانت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۲۰

۲۰ خیانت پیشگی اکثریت بنی اسرائیل

و لا تزال تطلع على خائنه منهم إلا قليلا منهم

خیانت بنی نصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۱ - ۳

۳ - روابط خائنه منافقان مدینه ، با کافران اهل کتاب ( یهود بنی نصیر )

الذين نافقوا يقولون لإخوانهم الذين كفروا من أهل الكتب لئن أخرجتم لنخرجن معكم

خیانت به اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۸

۸ منافقان ، خائن به جبهه اسلام و مؤمنان و خوش خدمت به کافراند .

قالوا ألم نستحوذ عليكم و نمنعكم من المؤمنين

<استحوذ> به معنای غلبه و استیلا است و مراد از جمله <و ان كان للكافرين .. الم نستحوذ> با توجه به سیاق آیه این است که منافقان پس از پیروزی کافران به آنان می گویند: در هنگامه جنگ ما بر شما استیلا داشتیم ولی شما را نکشتیم، بر این اساس جمله <نمنعکم من المؤمنین> به این معنا خواهد بود که بین شما و اهل ایمان حائل شدیم و نگذاشتیم آنان نیز به شما دسترسی پیدا کنند، تا پیروزی برای شما حاصل شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۸ - ۳

۳ دل‌بستگی به مال و فرزند ، زمینه ابتلای انسان به

انحراف از دین و خیانت به آن

لاتخونوا الله... و اعلموا انما اموالکم و اولدکم فتنه

خیانت به امانت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۷ - ۷

۷ پیامدهای شوم خیانت به خدا و رسول و زشتی خیانت آدمی به امانت های جامعه ، امری روشن و بی نیاز از برهان

لاتخونوا الله... و انتم تعلمون

در اینکه مفعول <تعلمون> چیست، نظرهای مختلفی ایراد شده که از جمله آنهاست، زشتی خیانت، پیامدهای شوم آن و حرمت آن از دیدگاه عقل و شرع.

خیانت به بیت المال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۱۶

۱۶ به مجازات رسیدن خیانتکاران در اموال امام در قیامت

و من یغلل یأت بما غلّ

امام صادق (ع): الغلول کلّ شیء غلّ عن الامام.

---

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۱۴۸؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۴، ح ۲.

خیانت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۶



۶ کافران جنگ بدر به سبب خیانت‌هایشان به خدا و دین او، مغلوب مجاهدان شده و گروهی از آنان به اسارت درآمدند.

فقد خانوا الله من قبل فأمكن منهم

امکان (مصدر امکان)، به معنای تسلط بخشیدن است. تفریع جمله <امکن منهم> بر <فقد خانوا> به وسیله حرف <فاء> دلالت می‌کند بر اینکه خیانت کافران به دین خدا موجب شد که خداوند آنان را در سیطره مسلمانان قرار دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال

۱ خیانت به خدا و پیامبر ( ص ) ، حرام و به دور از شأن اهل ایمان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ

۲ خیانت به پیامبر ( ص ) ، خیانت به خداست .

لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ

تکرار نکردن فعل <لاتخونوا> در مورد خدا و رسول و تکرار آن در مورد سایر مردمان، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که خیانت به هر یک از خدا و رسول در حکم خیانت به دیگری است و قابل تفکیک نیست.

۵ افشای اسرار جامعه اسلامی ، خیانت به خدا ، رسول اکرم ( ص ) و مؤمنان است .

لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ

شأن نزول آیه درباره فردی از مسلمانان صدر اسلام است که برخی از اسرار نظامی جامعه را فاش کرد. بنابراین افشای اسرار نظامی جامعه ایمانی، از مصادیق مورد نظر برای خیانت به خدا و رسول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۸ - ۴

۴ خیانت برخی از مسلمانان صدر اسلام به خدا و رسول به خاطر حفظ مال و فرزند خویش

لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ .. وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ

در ضمن شأن نزول یاد شده در آیه قبل آمده است که هدف آن مسلمانی که مرتکب خیانت شده و اسرار نظامی مسلمانان را فاش ساخت، حفظ مال و فرزندانش بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۰ - ۵

۵ شکست کافران مکه در توطئه علیه پیامبر ( ص ) ، عبرتی برای همه خائنان به خدا

لاتخونوا الله و الرسول . . . و يمكرون و يمكر الله

یادآوری شکست توطئه های کافران مکه پس از اشاره به خیانت برخی از مسلمانان برای تفهیم این حقیقت است که خائنان به خدا و رسول، هر چند اظهار اسلام کنند، همان گونه که کافران موفق نشدند، آنان نیز موفق نمی شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۱ - ۸

۸- شکستن عهد و سوگند خود با خدا ، به منزله خیانت به ضمانت الهی است .

و لاتنقضوا الأیمن بعد توکیدها و قد جعلتم الله علیکم کفیلاً

خیانت به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۹

۹ - نافرمانی از دستورات خدا و نادیده گرفتن احکام دین ، خیانت به خویشتن است .

کتتم تختانوں آنفسکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۷ - ۴

۴ خیانت آدمی به امانت های مسلمانان ، خیانت به خویشتن است .

و تخونوا أمتکم

معمولاً انسان امانتدار دیگران است نه امانتدار خویش. بنابراین اسناد امانتهای دیگران به امانتدار، با اضافه کلمه <امانات> به <کم> بیانگر این است که امانت دیگران به منزله امانت خود اوست و خیانت در آن، خیانت به امانت خویش است.

خیانت به خویش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ خیانت و نیرنگ به دیگران ، در حقیقت خدعه و خیانت به خویشتن است .

و لاتجدل عن الذین یختانون انفسهم

در آیه شریفه خیانت به دیگران، خیانت به نفس شمردن شده

است.

خیانت به دستاوردهای زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵ - ۳

۳- زکریا (ع) پیش بینی می کرد که پس از وی دست های فراوانی حاصل تلاش او را به یغما برده و زحمات او را بی نتیجه خواهند ساخت .

و إني خفت المولى من وراءى

آنچه زکریا برای از دست رفتن یا انحراف آن پس از مرگ خود نگران بود، نبوت نبود، زیرا خداوند تنها صالحان را به مقام نبوت می رساند، بلکه مناصب و موقعیت های دینی اجتماعی او در میان مردم و یا اموالی بود که دخل و تصرف در آن به عهده او بود. وصف <یرثنی و یرث...> در آیه بعد احتمال دوم را ترجیح می دهد.

خیانت به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۱۰، ۶، ۲

۲ اسیران جنگ بدر از خیانتکاران به دین خدا تا پیش از آن نبرد

و إن یریدوا خیانتک فقد خانوا الله من قبل

۶ کافران جنگ بدر به سبب خیانتهایشان به خدا و دین او ، مغلوب مجاهدان شده و گروهی از آنان به اسارت درآمدند .

فقد خانوا الله من قبل فأمكن منهم

امکان (مصدر امکان)، به معنای تسلط بخشیدن است. تفریع جمله <امکن منهم> بر <فقد خانوا> به وسیله حرف <فاء> دلالت می کند بر اینکه خیانت کافران به دین خدا موجب شد که خداوند آنان را در سیطره مسلمانان قرار دهد.

۱۰ علم و حکمت گسترده الهی ، پشتوانه وعده الهی به ناکامی خائنان به پیامبر (ص) و

دین الهی

فقد خانوا الله من قبل فأمكن منهم و الله عليم حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۸ - ۶

۶ پایبندی به ارزش های الهی و پرهیز از خیانت به دین ، دارای پاداشی عظیم نزد خداوند

لاتخونوا الله .. انما أموالکم و اولدکم فتنه و أن الله عنده أجر عظیم

خیانت به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۸ - ۹

۹ خیانت ، حتی نسبت به کافران ، امری ناروا و در پی دارنده محرومیت از محبت خدا

فانبد إليهم على سواء إن الله لا يحب الخائنين

خیانت به لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۷،۸

۷ - خیانت همسران نوح و لوط به شوهران خود

فخانتاهما

۸ - کفر و نفاق همسران نوح و لوط ، خیانت به آن دو پیامبر بود .

فخانتاهما

مفسران، مصداق بارز خیانت همسران نوح و لوط را، کفر و نفاق آنان دانسته اند و نیز روایت کرده اند که آنان با تطمیع دیگران علیه همسران خود اقدام کردند؛ مثلاً آنان اسرار خانه همسران خود را به دشمنان منتقل می کردند و ...

خیانت به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۱۰

۱۰ علم و حکمت گسترده الهی ، پشتوانه وعده الهی به ناکامی خائنان به پیامبر ( ص ) و دین الهی

فقد خانوا الله من قبل فأمكن منهم و الله عليم حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۲ تلاش مستمر اکثریت یهود در عصر بعثت برای خیانت به پیامبر (ص) و اسلام

و لاتزال تطلع علی خائنه منهم

چون آیه فوق در بیان خیانتکاری بنی اسرائیل، پیامبر(ص) را مخاطب قرار داده (و لاتزال تطلع ..) معلوم می شود این خیانت درباره پیامبر(ص) و مسلمانان صورت می گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۷ - ۵، ۲، ۱

۱ خیانت به خدا و پیامبر (ص) ، حرام و به دور از شأن اهل ایمان

يأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ

۲ خیانت به پیامبر (ص) ، خیانت به خداست .

لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ

تکرار نکردن فعل <لاتخونوا> در مورد خدا و رسول و تکرار آن در مورد سایر مردمان، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که خیانت به هر یک از خدا و رسول در حکم خیانت به دیگری است و قابل تفکیک نیست.

۵ افشای اسرار جامعه اسلامی ، خیانت به خدا ، رسول اکرم (ص) و مؤمنان است .

لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ

شأن نزول آیه درباره فردی از مسلمانان صدر اسلام است که برخی از اسرار نظامی جامعه را فاش کرد. بنابراین افشای اسرار نظامی جامعه ایمانی، از مصادیق مورد نظر برای خیانت به خدا و رسول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۸ - ۴

۴ خیانت برخی از مسلمانان صدر اسلام به خدا و رسول به خاطر حفظ مال و فرزند خویش

لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ .. و اعلموا



أنما أموالكم و أولدكم فتنه

در ضمن شأن نزول یاد شده در آیه قبل آمده است که هدف آن مسلمانی که مرتکب خیانت شده و اسرار نظامی مسلمانان را فاش ساخت، حفظ مال و فرزندانش بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۰ - ۵

۵ شکست کافران مکه در توطئه علیه پیامبر (ص)، عبرتی برای همه خائنان به خدا و رسول

لاتخونوا الله و الرسول... و یمکرون و یمکر الله

یادآوری شکست توطئه های کافران مکه پس از اشاره به خیانت برخی از مسلمانان برای تفهیم این حقیقت است که خائنان به خدا و رسول، هر چند اظهار اسلام کنند، همان گونه که کافران موفق نشدند، آنان نیز موفق نمی شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۹ - ۳

۳ کافران هرگز با نقض پیمان و خیانت به رسول اکرم (ص) نخواهند توانست بر پیامبر (ص) پیشی گیرند و وی را از ادامه رسالت ناتوان سازند.

و إما تخافن من قوم خیانه... و لایحسبن الذین کفروا سبقوا إنهم لایعجزون

برداشت فوق مبتنی بر این است که مفعول <سبقوا> و <لایعجزون> پیامبر(ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۴ - ۱۶

۱۶ - دلداری خداوند به پیامبر (ص)، در برابر خیانت ها و توطئه ها علیه ایشان

و إن تظھرا علیه فإنّ الله هو مولیه... و الملئکه بعد ذلک ظھیر

خیانت به مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۸

۸ منافقان ، خائن به جبهه اسلام و مؤمنان و خوش خدمت به کافراند .

قالوا ألم نستحوذ عليكم و نمنعكم من المؤمنين

<استحوذ> به معنای غلبه و استیلا است و مراد از جمله <و ان كان للكافرين .. الم نستحوذ> با توجه به سیاق آیه این است که منافقان پس از پیروزی کافران به آنان می گویند: در هنگامه جنگ ما بر شما استیلا داشتیم ولی شما را نکشتیم، بر این اساس جمله <نمنعکم من المؤمنین> به این معنا خواهد بود که بین شما و اهل ایمان حائل شدیم و نگذاشتیم آنان نیز به شما دسترسی پیدا کنند، تا پیروزی برای شما حاصل شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۷ - ۵

۵ افشای اسرار جامعه اسلامی ، خیانت به خدا ، رسول اکرم ( ص ) و مؤمنان است .

لاتخونوا الله و الرسول

شأن نزول آیه درباره فردی از مسلمانان صدر اسلام است که برخی از اسرار نظامی جامعه را فاش کرد. بنابراین افشای اسرار نظامی جامعه ایمانی، از مصادیق مورد نظر برای خیانت به خدا و رسول است.

خیانت به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۷،۸

۷ - خیانت همسران نوح و لوط به شوهران خود

فخانتاهما

۸ - کفر و نفاق همسران نوح و لوط ، خیانت به آن دو پیامبر بود .

فخانتاهما

مفسران، مصداق بارز خیانت همسران نوح و لوط را، کفر و نفاق آنان دانسته اند و نیز روایت کرده

اند که آنان با تطمیع دیگران علیه همسران خود اقدام کردند؛ مثلاً آنان اسرار خانه همسران خود را به دشمنان منتقل می کردند و... .

خیانت به یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲ - ۱۰

۱۰ خیانت در اموال یتیمان ، گناهی بزرگ

اِنَّهٗ كَانَ حَوْبًا كَبِيْرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳ - ۲،۳

۲ ممنوعیت ازدواج با دختران یتیم ، در صورت ترس از خیانت در اموال آنان

و اتوا الیتامی اموالهم ... و ان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی فانکحوا

از جمله <ان خفتم ... >، استفاده می شود که ازدواج با دختران یتیم در صورت ترس از بی عدالتی ممنوع است و به قرینه آیه قبل مراد از بی عدالتی (الا تقسطوا) رعایت نشدن قسط در اموال آنان است.

۳ ازدواج با یتیمان ، لغزشگاهی برای خیانت در اموال آنان و انحراف از عدالت

و ان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی

خیانت تجاوز جنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۷

۷ تجاوز به ناموس مردم خیانت به آنان است .

ذلک لیعلم أنى لم أخنه بالغیب

خیانت چشم

۸ - > قال سألت أبا عبد الله (ع) ، عن قوله عزّوجلّ > يعلم خائنه الأعين < فقال : ألم ترّ إلى الرجل ينظر إلى الشيء و كأنّه لا ينظر إليه فذلك خائنه الأعين ;

[راوی] می گوید: از امام صادق(ع)

از آیه < يعلم خائنه الأعین > سؤال نمودم، حضرت فرمود: آیا ندیده ای که شخصی به چیزی به گونه ای [زیر چشمی] نگاه می کند که گویا به آن نگاه نمی کند و این همان خیانت چشم ها است.

### خیانت حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۷ - ۱

۱ خیانت به خدا و پیامبر (ص)، حرام و به دور از شأن اهل ایمان

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ

### خیانت در امانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۳ - ۱۴، ۶

۶ حرمت خیانت در امانت

فَلْيُؤَدِّ الَّذِي ءَاثَمَنَ ءَامَانَتَهُ وَ لِيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ

۱۴ هشدار خداوند به خیانتکاران در امانت و کتمان کنندگان شهادت

فَلْيُؤَدِّ الَّذِي ءَاثَمَنَ ءَامَانَتَهُ ... وَ لَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ ... وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۸ - ۱۷، ۷

۷ یهود، خائن به امانت ها و داورانی ستمگر

يقولون ... هؤلاء اهدى من الذين امنوا ... اذا حكمتم بين الناس ان تحكموا بالعدل

جمله < ان تحكموا بالعدل > می تواند اشاره باشد به حکومت و قضاوت ناعادلانه یهود درباره مؤمنان؛ آنگاه که راه مشرکان را به صواب نزدیکتر معرفی کردند.

۱۷ هشدار خداوند به خیانتکاران در امانت و ستمگران در قضاوت

إِنَّ اللَّهَ .. إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۷ - ۳،۴

۳ حفظ امانت های مسلمانان و پرهیز از خیانت در آن ،

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ وَ تَخُونُوا أُمَّتَكُمْ

در برداشت فوق <تخونوا أمتكم> عطف بر <تخونوا الله> گرفته شده است. بنابراین حرف نهی <لا> در معطوف نیز لحاظ شده است.

۴ خیانت آدمی به امانت های مسلمانان ، خیانت به خویشان است .

و تخونوا أمتكم

معمولا انسان امانتدار دیگران است نه امانتدار خویش. بنابراین اسناد امانتهای دیگران به امانتدار، با اضافه کلمه <امانات> به <کم> بیانگر این است که امانت دیگران به منزله امانت خود اوست و خیانت در آن، خیانت به امانت خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۸ - ۵

۵ - دشمنی با دین خدا ، خیانت در امانت او و ناسپاسی در برابر نعمت هدایت او است .

إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ .. . إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ

خیانت در امانتداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۵ - ۱۷، ۹، ۵

۵ خیانتکاری برخی از اهل کتاب ، حتی در ناچیزترین امانتها

و منهم من ان تأمنه بدینار لا يؤده اليك

۹ دیدگاه های متفاوت اهل کتاب درباره غیر همکیشان خود ، موجب حفظ امانت و یا خیانت در آن

و من اهل الكتاب .. . و منهم من ان تأمنه ... ذلك بانهم قالوا ليس علينا في الامم

<ذلك>، اشاره به طایفه دوم است.

۱۷ نسبت تجویز خیانت در امانت ، به خداوند ، دروغ بستن به اوست .



و منهم من ان تأمنه بدینار لا یؤده الیک . . قالوا لیس علینا فی الامین سبیل و

رسول اللہ (ص) در پی نزول آیه فوق فرمود:

كذب اعداء الله ما من شيء كان في الجاهليه الا و هو تحت قدمي هاتين الا الامانه فانها مؤذاه الى البر و الفاجر.

---

الدر المنثور، ج ٢، ص ٢٤٤؛ مجمع البيان، ج ٢، ص ٧٧٨.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢ - آل عمران - ٣ - ٧٦ - ٨

٨ خیانت در امانت و بدعتگذاری در دین از سوی اهل کتاب، برخاسته از بی تقوایی آنان

و منهم من ان تأمنه بدینار... و یقولون علی الله الکذب... بلی من اوفی بعهده و

خیانت در سخن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٤ - نساء - ٤ - ١٠٨ - ٧

٧ ناخشنودی خداوند از خیانت و نیرنگ، حتی در مرحله پندار و گفتار

اذ یبیتون ما لایرضی من القول

<اذ یبیتون>، حاکی از اندیشه خیانت و گناه است. و جمله <ما لایرضی>، تصریح به ناخشنودی خداوند و نکوهش از چنین پندار و اندیشه ای دارد.

خیانت در گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٤ - مائده - ٥ - ١٠٦ - ١٢، ١٧، ١٨، ٢٣

١٢ نماز دارای نقشی بسزا در پاکسازی روحيات آدمی برای پرهیز از سوگند های دروغ و خیانت در شهادت

تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان بالله

١٦ شاهدان بر وصیت باید در خاتمه سوگند خویش تأکید کنند که اگر در ادای شهادت خیانت کرده باشند از گنهکاران محسوب می شوند.

فقسمان بالله .. إنا اذاً لمن الاثمين

۱۷ شاهدان نباید به بهانه منافع شخصی و یا خویشاوندی ، در شهادت های خویش خیانت کنند

لانشتري به ثمناً و لو كان ذا قربي ..

إِنَّا إِذَا لَمِنَ الْاِثْمِينَ

اگر چه آیه شریفه درباره شهادت بر وصیت است ولی از جهت ضرورت پرهیز از خیانت بین شهادت بر وصیت و شهادت بر اموری دیگر تفاوتی نیست و لذا می توان گنهکار بودن هر خیانتکار در شهادت را استفاده کرد.

۱۸ مال پرستی و وابستگی های خانوادگی از جمله عوامل لغزش و خیانت در شهادت

لانشری به ثمناً و لو کان ذا قربی

۲۳ دستیابی به منافع شخصی و یا نفع رسانی به خویشان با خیانت و شهادت گناه است .

لانشری به ثمناً و لو کان ذا قربی .. . إِنَّا إِذَا لَمِنَ الْاِثْمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۹

۹ شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در خاتمه سوگند خویش تأکید کنند که در صورت خیانت در شهادت از ستمکاران محسوب می شوند .

فیقسمان بالله إِنَّا إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۸ - ۳،۱۰

۳ پرهیز شاهدان وصیت از خیانت در شهادت و تجاوز به حقوق دیگران ، تکلیفی الهی بر عهده ایشان و نشان تقوای پیشگی آنان است .

ذَٰلِكَ اَدْنٰى اِنْ يٰۤاتُوا بِالشَّهَدَةِ عَلٰى وُجُوهِہَا .. و اتقوا اللہ و اسمعوا

۱۰ خیانت در شهادت و سوگند دروغ ، فسق و مایه محرومیت از هدایت خاص الهی است .

فان عثر علی انہما استحقا .. و اللہ لایہدی القوم الفسقین

خیانت در مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ برخی از مسلمانان ، در زمان پیامبر

( ص ) مرتکب سرقت و خیانت شدند و با نقشه و توطئه در صدد متهم کردن دیگران بودند .

و هو معهم اذ یبیتون ما لایرضی من القول

در شأن نزول آمده که طعمه بن ابیرق پس از سرقت با خود اندیشید که کالای مسروقه را به خانه یک یهودی بیندازد و در حضور پیامبر(ص) سوگند یاد کند که آن یهودی سرقت کرده و خود از هر خیانتی مبرا است.

خیانت دشمنان مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۸ - ۸

۸ - خصومت کنندگان با اهل ایمان ، مردمی خیانتکار و ناسپاس اند .

إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ .. إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ

خیانت زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ زنان اشراف مصر و متهم کنندگان یوسف ( ع ) به خیانت ، از زمره خائنان بودند .

أَنْ اللَّهُ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ

مصادق مورد نظر برای <الخائنین> زلیخا و زنان اشراف و نیز درباریانی می باشند که تصمیم به زندانی کردن یوسف(ع) گرفتند (ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيات ليسجننه) آیه ۳۵.

خیانت عهدشکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۸ - ۷

۷ پیمان شکنان و کسانی که در اندیشه شکستن پیمان های خویشند ، خائن و محروم از محبت خداوند هستند .

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <إِنَّ اللَّهَ...> تعلیل برای <فَانبِذ إِلَيْهِمْ> باشد، یعنی کسانی که در صدد پیمان شکنی هستند، خائنند

و چون خداوند خائن را دوست ندارد، تو ای پیامبر(ص) موظف هستی معاهده آنان را لغو کنی تا راه برای نبرد با آنان باز شود.

## خیانت کاتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۴۵،۴۹

۴۵ حرمت زیان رساندن و خیانت نویسنده و گواه مبادلات ، بر طرفین قرارداد

و لا یضارّ کاتب و لا شهید

در صورتی که <لا- یضارّ> معلوم باشد و نه مجهول، متعلق آن، متعاملین خواهند بود. یعنی: لا- یضارّ کاتب و لا- شهید المتبایعین.

۴۹ خیانت نویسنده و گواه مبادلات ، فسق و انحراف از حق است .

و لا یضارّ کاتب و لا شهید و ان تفعلوا فانه فسوق بکم

بر مبنای معلوم بودن <لا یضار>

## خیانت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۸ - ۵

۵ رهبران جامعه اسلامی باید به احتمال وقوع خیانت از سوی جوامع کفرپیشه ترتیب اثر داده و نباید برای تصمیمات لازم در انتظار وقوع خیانت باشند .

و إما تخافن من قوم خیانه فانبد إلیهم علی سواء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۹ - ۳،۵

۳ کافران هرگز با نقض پیمان و خیانت به رسول اکرم (ص) نخواهند توانست بر پیامبر (ص) پیشی گیرند و وی را از ادامه



رسالت ناتوان سازند .

و إما تخافن من قوم خيانه . . . و لا يحسبن الذين كفروا سبقوا إنهم لا يعجزون

برداشت فوق مبتنی بر این است که مفعول <سبقوا> و <لا يعجزون> پیامبر (ص) باشد.

۵ کافران با پیمان شکنی و خیانت های خود

، قادر به کسب پیروزی پایدار نخواهند بود .

و إما تخافن من قوم خیانه . . . و لایحسبن الذین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۶

۶ کافران جنگ بدر به سبب خیانت‌هایشان به خدا و دین او ، مغلوب مجاهدان شده و گروهی از آنان به اسارت درآمدند .

فقد خانوا الله من قبل فأمكن منهم

امکان (مصدر امکان)، به معنای تسلط بخشیدن است. تفریع جمله <امکن منهم> بر <فقد خانوا> به وسیله حرف <فاء> دلالت می کند بر اینکه خیانت کافران به دین خدا موجب شد که خداوند آنان را در سیطره مسلمانان قرار دهد.

خیانت گواه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۴۵،۴۹

۴۵ حرمت زیان رساندن و خیانت نویسنده و گواه مبادلات ، بر طرفین قرارداد

و لا یضارّ کاتب و لا شهید

در صورتی که <لا- یضارّ> معلوم باشد و نه مجهول، متعلق آن، متعاملین خواهند بود. یعنی: لا- یضارّ کاتب و لا- شهید المتبایعین.

۴۹ خیانت نویسنده و گواه مبادلات ، فسق و انحراف از حق است .

و لا یضارّ کاتب و لا شهید و ان تفعلوا فانه فسوق بکم

بر مبنای معلوم بودن <لا یضار>

خیانت مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۸ - ۹

۹ - شرک پیشگان حق ستیز عصر بعثت ، مردمانی خیانت کار و ناسپاس بودند .

إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ

خیانت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل

۳ مؤمنان ، پاک هستند و غیر آنان ( منافقان ) ، پلید و خبیث .

ما كان الله ليدر المؤمنين على ما انتم عليه حتى يميز الخبيث من الطيب

۱۹ پیامبر ( ص ) ، آگاه به پاکان و ناپاکان ( مؤمن و منافق ) امت خویش ، از طریق علم به غیب

و ما كان الله .. و لكن الله يجتبي من رسله من يشاء

مراد از <من رسله > چه برخی از رسولان باشند و چه تمامی آنان قطعاً پیامبر اسلام (ص) از جمله آنان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۸

۸ منافقان ، خائن به جبهه اسلام و مؤمنان و خوش خدمت به کافرانند .

قالوا ألم نستحوذ عليكم و نمنعكم من المؤمنين

<استحوذ > به معنای غلبه و استیلا است و مراد از جمله <وان كان للكافرين .. الم نستحوذ > با توجه به سیاق آیه این است که منافقان پس از پیروزی کافران به آنان می گویند: در هنگامه جنگ ما بر شما استیلا داشتیم ولی شما را نکشتیم، بر این اساس جمله <نمنعکم من المؤمنین > به این معنا خواهد بود که بین شما و اهل ایمان حائل شدیم و نگذاشتیم آنان نیز به شما دسترسی پیدا کنند، تا پیروزی برای شما حاصل شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۹،۱۲

۹ توییح منافقان ، به خاطر حرکت های خیانت آمیز علیه اسلام و پیامبر ( ص ) با وجود

برخورداری از تفضلات خدا و رسولش

و ما نَقِمُوا إِلَّا أَنْ أُغْنِيَهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ

۱۲- خیانت در برابر خدمت ، از خصلت های منافقان است .

و ما نَقِمُوا إِلَّا أَنْ أُغْنِيَهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۷ - ۳،۳

۳- کیفر سخت منافقان به هنگام مرگ ، براساس علم الهی به نمان کاری های خائانه آنان

و الله يعلم إسرارهم . فكيف إذا توفّتهم الملائكة

از ارتباط عبارت <فكيف إذا..> که بیانگر کیفر سخت منافقان است با ذیل آیه قبل (والله يعلم إسرارهم) استفاده می شود که علم و آگاهی خداوند، پشتوانه کیفر منافقان به هنگام مرگ شان، خواهد بود.

۳- کیفر سخت منافقان به هنگام مرگ ، براساس علم الهی به نمان کاری های خائانه آنان

و الله يعلم إسرارهم . فكيف إذا توفّتهم الملائكة

از ارتباط عبارت <فكيف إذا..> که بیانگر کیفر سخت منافقان است با ذیل آیه قبل (والله يعلم إسرارهم) استفاده می شود که علم و آگاهی خداوند، پشتوانه کیفر منافقان به هنگام مرگ شان، خواهد بود.

خیانت منافقان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۴ - ۱،۵

۱ - در صورت ورود احزاب متحد از نواحی و اطراف به خانه های منافقان در مدینه و درخواست اظهار شرک ، آنان ، با ایشان همسویی می کردند .

و لو دخلت عليهم من أقطارها ثم سئلوا الفتنة لآتوها و ما تلبثوا بها إلا يسيراً

نایب فاعل فعل <دخلت> می تواند <بیوت> و می تواند <یثرب> باشد. برداشت یاد شده، براساس احتمال

نخست است. لازم به ذکر است که <اقطار> جمع <قطر> است که به معنای جانب است (مفردات راغب). مراد از <الفتنه> به قرینه مقام، شرک است.

۵- در صورت نفوذ دشمن به مدینه، پس از محاصره از سوی احزاب متحد، منافقان به جای دفاع، به تلاش به نفع دشمن می پرداختند.

و لو دخلت علیهم من أقطارها ثم سئلوا الفتنة لآتوها

برداشت بالا، بنابراین است که ضمیر در <دخلت> به <یثرب> برگردد و مراد از <الفتنه>، تلاش تخریبی علیه مسلمانان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۱ - ۳

۳- روابط خائانه منافقان مدینه، با کافران اهل کتاب (یهود بنی نضیر)

الذین نافقوا یقولون لإخوانهم الذین کفروا من أهل الکتب لئن أخرجتم لنخرجن معکم

خیانت همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۷،۹

۷- خیانت همسران نوح و لوط به شوهران خود

فخائتاهما

۹- بی تأثیر بودن اقدام حضرت نوح و لوط (ع)، برای نجات همسران خیانت کار خود از عذاب الهی

فلم یغنیا عنهما من الله شیئاً

خیانت همسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۷،۹

۷- خیانت همسران نوح و لوط به شوهران خود

فخانتاهما

۹- بی تأثیر بودن اقدام حضرت نوح و لوط (ع)، برای نجات همسران خیانت کار خود از عذاب الهی

فلم یغنيا عنهما من الله شیئاً

خیانت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ -

۷ یهود ، خائن به امانت ها و داورانی ستمگر

يقولون .. هؤلاء اهدى من الذين امنوا ... اذا حكمتم بين الناس ان تحكموا بالعدل

جمله <ان تحكموا بالعدل> می تواند اشاره باشد به حکومت و قضاوت ناعادلانه یهود درباره مؤمنان ; آنگاه که راه مشرکان را به صواب نزدیکتر معرفی کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۲۱

۲۱ مراقبت مستمر پیامبر ( ص ) بر اعمال و رفتار یهودیان عصر خویش و آگاهی وی به خیانت های آنان

و لاتزال تطلع علی خائنه منهم

زشتی خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۷ - ۷

۷ پیامد های شوم خیانت به خدا و رسول و زشتی خیانت آدمی به امانت های جامعه ، امری روشن و بی نیاز از برهان

لاتخونوا الله .. و انتم تعلمون

در اینکه مفعول <تعلمون> چیست، نظرهای مختلفی ایراد شده که از جمله آنهاست، زشتی خیانت، پیامدهای شوم آن و حرمت آن از دیدگاه عقل و شرع.

زمینه خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳ - ۱۳

۱۳ جواز تعدد همسران ، مشروط به رعایت عدالت در نفقه آنها

فان خفتم الا تعدلوا فواحدة



امام صادق (ع) درباره <فان خفتم الا تعدلوا> در آیه فوق فرمود: یعنی فی النفقہ.

---

کافی، ج ۵، ص ۳۶۳، ح ۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۳۹، ح ۳۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۲۳

۲۳ نقض پیمان

های الهی، زمینه خیانت پیشگی

فبما نقضهم... علی خائنه منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۸ - ۳

۳ دلبستگی به مال و فرزند، زمینه ابتلای انسان به انحراف از دین و خیانت به آن

لاتخونوا الله... و اعلموا انما اموالکم و اولدکم فتنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۱۵

۱۵ فقدان رحم و ترحم، زمینه ساز خیانت به مردم است.

قال هل ءامنکم علیه... فالله خیر حفظاً و هو أرحم الرحمین

زیان خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۱ - ۳

۳ آثار زیانبار خیانت به دیگران، دامنگیر خود خیانتکار خواهد شد.

إِنَّ اللَّهَ لَا يَحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَانًا... و مَنْ يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبْهُ عَلَىٰ نَفْسِهِ

به مقتضای آیات گذشته، مصداق مورد نظر از <اثماً>، همان خیانتکاری است.

عوامل خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۴

۴ ایمان، موجب طهارت و پاکی و نفاق، موجب پلیدی است.

ما كان الله ليذر المؤمنين على ما انتم عليه حتى يميز الخبيث من الطيب

فرجام خيانت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٦ - انفال - ٨ - ٧١ - ٨

٨ ذلت و ناکامی ، فرجام خائنان به خدا

فقد خانوا الله من قبل فأمكن منهم

کیفر خيانت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٣ - آل عمران - ٣

۱۱ خیانتکاران، دریافت کنندگان کامل (بدون کم و زیاد) جزای رفتار ناپسند خویش، در روز رستاخیز

و من یغلل .. ثمّ توفّی کلّ نفس ما کسبت و هم لا یظلمون

۱۵ هر کس در چیزی خیانت کند، در قیامت آنرا در جهنّم دیده و باید در آتش جهنّم رفته و آن را بیرون آورد.

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه

امام باقر (ع) درباره آیه فوق فرمود: ... و من غلّ شیئا رآه یوم القیمه فی النار ثمّ یکلف ان یدخل الیه فیخرجه من النار.

---

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۲۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۰۶، ح ۴۱۷.

۱۶ به مجازات رسیدن خیانتکاران در اموال امام در قیامت

و من یغلل یأت بما غلّ

امام صادق (ع): الغلول کلّ شیء غلّ عن الامام.

---

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۱۴۸؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۴، ح ۲.

گناه خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲ - ۱۰

۱۰ خیانت در اموال یتیمان، گناهی بزرگ

انّه کان حوباً کبیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۷ - ۸

۸ خیانت و نیرنگ ، گناه است .

إِنَّ اللَّهَ لَا يَحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَانًا أَثِيمًا

در برداشت فوق، <اثیماً>، صفت توضیحی برای <خوأناً> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۸

۸ خیانت به مردم ، گناه و رفتاری نکوهیده است .

ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخْنُهِ بِالْغَيْبِ

گناه خیانت در گواهی

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۲۷

۲۷ خیانت در شهادت ، گناه است .

لانشتری به ثمناً .. إنا اذا لمن الاثمين

مبغوضیت خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۸ - ۷

۷ ناخشنودی خداوند از خیانت و نیرنگ ، حتی در مرحله پندار و گفتار

اذ یبیتون ما لایرضی من القول

<اذ یبیتون>، حاکی از اندیشه خیانت و گناه است. و جمله <ما لایرضی>، تصریح به ناخشنودی خداوند و نکوهش از چنین پندار و اندیشه ای دارد.

منشأ خیانت در امانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۲ - ۳

۳ - خیانت در امانت و پیمان شکنی ، نشانه ضعف ایمان

و الذین هم لأمتهم و عهدهم رعون

موارد خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۷ - ۱۳

۱۳ دفاع از خائنین ، خیانت و گناهی بزرگ است .

و لا تجدل عن الذين يختانون انفسهم إن الله لا يحب من كان خواناً اثيماً

مراد از <خواناً اثيماً> می تواند قاضیانی باشد که از خیانتکاران دفاع می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۸ - ۸

۸ بی اعتبار شمردن و الغای عهدنامه ها بدون آگاه ساختن طرف مقابل ، خیانت است .

فانبذ إليهم على سواء إن الله لا يحب الخائنين

برداشت فوق بر این اساس است که <إن الله .. > تعلیل برای <على سواء> باشد. یعنی اگر این دستور (آگاه ساختن دشمن به لغو عهدنامه

او) را اجرا نکنی، خیانتکاری و خداوند خیانتکاران را دوست ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۷

۷ تجاوز به ناموس مردم خیانت به آنان است .

ذلك ليعلم أنى لم أخنه بالغيب

موارد خیانت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۳

۳ مبارزه با رسولان الهی و نبرد با ایشان ، از مصادیق خیانت به خداوند است .

و إن یزیدوا خیانتک فقد خانوا الله من قبل

مراد از <فقد خانوا الله من قبل > (این اسیران پیش از اسارت نیز به خدا خیانت کردند) همان مبارزه و لشکرکشی مشرکان علیه پیامبر(ص) در جنگ بدر است و خداوند این مبارزه را خیانت به خود شمرده است. بنابراین مبارزه با پیامبر(ص) و مسلمانان خیانت به خداوند محسوب می شود.

موانع خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۴ - ۳

۳ - اعتقاد به معاد ، حتی در حد گمان ، بازدارنده انسان از خیانت در سنجش کالای دیگران

ألا یظنُّ أولئک أنَّهم مبعوثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۶ - ۶

۶ - توجه به لحظه حضور در پیشگاه خداوند و در انتظار صدور حکم او بودن ، بازدارنده انسان از کم فروشی و خیانت به



اموال مردم

ویل للمطّقفین . . . یوم یقوم الناس لربّ العلمین

موجبات خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۵ - ۹،۱۱

۹ دیدگاه های متفاوت اهل کتاب

درباره غیر همکیشان خود ، موجب حفظ امانت و یا خیانت در آن

و من اهل الكتاب . . . و منهم من ان تأمنه ... ذلك بأنهم قالوا ليس علينا في الامم

<ذلك>، اشاره به طایفه دوم است.

۱۱ پندار باطل برخی از اهل کتاب به جواز تصرف در اموال دیگران و تزییع آنها ، عامل خیانتشان به حقوق غیر همکیشان خود

ذلك بأنهم قالوا ليس علينا في الامم سبيل

ناپسندی خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۸ - ۹

۹ خیانت ، حتی نسبت به کافران ، امری ناروا و در پی دارنده محرومیت از محبت خدا

فانبد إليهم على سواء إن الله لايحب الخائنين

### خیر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خیر

{خیر}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۶ - ۱۶

۱۶ اعطای ملک و عزّت و نیز سلب آن از جانب خداوند ، تنها بر اساس خیر و مصلحت است .

مالك الملك تؤتي الملك . . . بيدك الخیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۴ - ۲،۱۴

۲ اتحاد ، اعتصام به ريسمان الهی و اُلفت بين دل ها و برادری میان اهل ایمان ، از مصادیق خیر و نیکی

و اعتصموا بحبل اللّٰه جميعاً .. و لتكن منكم امة يدعون الى الخير

لام در <الخیر> می تواند عهد ذکری و اشاره به مطالب آیه قبل باشد و یا به مقتضای ارتباط دو آیه، ویژگیهای ذکر شده در آیه قبل از مصادیق مورد نظر کلمه <خیر> باشد.

۱۴ خیر ، پیروی نمودن از قرآن و

سنت پیامبر (ص) است .

و لتكن منكم امة يدعون الى الخير

رسول خدا (ص) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: الخیر اتباع القرآن و سنتی.

---

الدر المثور، ج ۲، ص ۲۸۹.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۷ - ۱۰

۱۰ توجه به < ربوبیت > خداوند ، برانگیزنده انسان به دعا و درخواست از او

ربنا اغفر لنا ذنوبنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۱۵

۱۵ - < خیر > ، از اوصاف خداوند است .

والله خیر

آثار اخروی عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۳۲

۳۲ - هر کار خیری ، ذخیره ای است که انسان در این جهان ، برای حیات اخروی خویش می فرستد .

و ما تقدّموا لأنفسکم من خیر تجدوه عند الله هو خیرًا

آثار برخورداری از خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - انسان ، به هنگام دستیابی به خیر و خوبی ، از بهره مند شدن دیگران از آن به شدت منع می کند .

و إذا مسّه الخیر منوعاً

آثار پیشگامی در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۸،۱۹

۱۸ - پیشی گرفتن در کار های نیک ، دعای همراه با رغبت و بیم و نیز خشوع پیامبران (ع) ، عامل بهره مندی آنان از موهبت های الهی بود .

و لقد ءایتنا موسی و هرون .

.. إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرِ ... وَ كَانُوا لَنَا خَش

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: ۱ ضمیرهای جمع در جمله <إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ...> به پیامبران بازگردد، چه این که آیات پیشین در مورد آنان بود. ۲ جمله <إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ...> و جملات بعد، در مقام تعلیل باشد.

۱۹- نقش مؤثر پیشی گرفتن در کار های نیک و دعای همراه با رغبت و امید و خشوع به درگاه الهی ، در استجابت دعا

فاستجبنا له .. إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرِ ... وَ كَانُوا لَنَا خَشَعِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۱ - ۲

۲ - سبقت و پیشتازی در امور خیر ، مایه تقرب به درگاه خداوند در جهان آخرت

و السبقون السبقون . أولئك المقربون

آثار ترك عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۱ - ۲۲

۲۲ > عن علی بن الحسین (ع) يقول: الذنوب التي تغير النعم ، البغی علی الناس و الزوال عن العاده فی الخیر ، و اصطناع المعروف ، و كفران النعم ، و ترك الشکر . قال الله عزوجل : < إن الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم > . . . ;

از امام زین العابدین(ع) روایت شده است که می فرمود: گناهایی که موجب تغییر نعمتها می شوند عبارتند از: ستمگری بر مردم، دوری از عادت به کار خیر و از انتخاب کردار نیک، کفران نعمتها و ترك شکرگزاری. خداوند عزوجل فرموده: إن الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم.<

آثار دعوت

به خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۳

۳ اعتصام به ریسمان الهی ، دعوت به نیکی ها ، امر به معروف و نهی از منکر ، موجب روسفیدی در قیامت

و اعتصموا بحبل الله ... و لتكن منكم امة يدعون الى الخير و يأمرن بالمعروف و ی

به مقتضای ارتباط با آیات قبل ، سفیدرویی می تواند پاداش نیکیهای مذکور در آیات قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۷ - ۲،۴

۲ اعتصام به حبل الله ، دعوت به نیکی ها و امر به معروف و نهی از منکر ، موجب استغراق در رحمت جاودانه الهی

و اعتصموا بحبل الله ... و لتكن منكم امة يدعون الى الخير و يأمرن بالمعروف ...

به مقتضای ارتباط این آیه و آیات پیشین ، روسفیدی می تواند نتیجه اعمال نیک یاد شده در آیات قبل باشد.

۴ تمسک کنندگان به ریسمان الهی و دعوت گران به خیر ، امر کنندگان به معروف و نهی کنندگان از منکر ، روسفیدان در

قیامت و مستغرق در رحمت جاودانه الهی

و اعتصموا بحبل الله ... يدعون الى الخير و يأمرن بالمعروف ... اما الذين ابیضت

مستفاد از ارتباط میان این آیه و آیات قبل.

آثار رضایت به عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۱ - ۶

۶ خرسندی و رضا به اعمال و کردار نیک دیگران ، انسان را در منافع آن سهیم می کند .

لی عملی و لکم عملکم أنتم بریثون مما

أعمل و أنا برىء مما تعملون

جمله <أنتم بريئون مما أعمل .. > می تواند تعلیل برای حصر در جمله های <لی عملی > و <لکم عملکم > باشد ؛ یعنی، چون شما مشرکان از اعمال من بیزارید، منافع اعمال من ویژه خود من و چون من از کردار شما بیزارم، ضررهای اعمال شما ویژه خود شما خواهد بود.

آثار سبقت در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۴ - ۶

۶ - شتاب در کار خیر و تعجیل در وفای به وعده ، موجب جلب رضایت خدا است .

و ما أعجلک .. و عجلت إلیک ربّ لترضی

هر چند که موسی(ع) به جهت جدا شدن از مردم، مورد پرس و جوی خداوند قرار گرفت؛ ولی هدف او از این تعجیل، مورد نقد قرار نگرفته است؛ یعنی، تسریع در وفای به وعده و حضور در میقات، به خودی خود، کار مطلوبی بوده است.

آثار عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۷ - ۱۰

۱۰ - اقامه نماز ، طاعت و بندگی خدا و انجام کار نیک ، مایه فلاح و رستگاری انسان ها است .

ارکعوا .. لعلکم تفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۲ - ۸

۸ - عاید شدن نفع و خیر به مکلفان ، از حکمت ها و ملاک های لحاظ شده در تشریح احکام الهی

ذلک خیر لکم و أظهر

آثار ممانعت از خیر



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ -

۳ - تکذیب عمدی دین و رذایل اخلاقی ( همچون سوگند دروغ ، پستی ، عیب جویی ، سخن چینی ، مانع خیر شدن ، گناه پیشگی ، درشت خویی و بی تباری ) ، از زمینه های ابتلا به عذاب خفت بار الهی

فلاتطع المكذبین .. كل حلاف مهين ... عتلّ بعد ذلك زنيماً ... سنسمه على الخرطوم

ابزار شناخت خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۱ - ۳

۳ - انسان ، به دلیل برخورداری از ابزار های شناخت ( توانایی بر دیدن و گفتن و نیز تشخیص راه خیر و شر ) توانا بر پذیرش تکالیف دشوار و برداشتن گام های سنگین در راه خیر

ألم نجعل .. فلاقتمم العقبه

اجتناب از زیاد شمردن عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۶ - ۶

۶ - > عن أبي عبد الله (ع) قال : ... قال رسول الله (ص) ... في قوله تعالى : < و لا تمنن تستكثر > قال : لا تستكثر ما عملت من خير لله ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: رسول خدا(ص) در توضیح سخن خدای تعالی: <و لا تمنن تستكثر> فرمود: عمل خیری را که برای خداوند انجام می دهی، زیاد به حساب نیاور.

ارزش پیشگامی در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۲۰

۲۰ - شتاب و پیشگامی در کار های خیر ، دعای همراه با رغبت و امید و خشوع به درگاه

الهی ، از ارزش های والا و صفات برجسته مردان الهی

إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرِ وَيَدْعُونَنا رَغْبًا وَرَهْبًا وَكَانُوا لَنَا خَشَعِينَ

برداشت یاد شده به خاطر این است که آیه شریفه، در توصیف پیامبران الهی است و از میان ده ها صفات و ویژگی های ایشان، تنها به این سه صفت و ویژگی اشاره شده است.

ارزش تشخیص خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۴

۴ - شناختن هستی ، آن گونه که هست و تشخیص کار خیر و انجام دادن آن ( حکمت ) ، امری بس مهم و ارزش مند است .

و لقد ءاتینا لقمن الحکمه

حکمت در لغت، به معنای <معرفت پیدا کردن به موجودات> و نیز <انجام دادن کارهای خیر> است. (مفردات راغب)

ارزش تشویق به عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۸ - ۶

۶ - ترغیب به کار خیر و وعده پاداش به آن ، مقدم بر تهدید در امر تربیت

فمن يعمل مثقال ذرّة خیرًا یره . و من يعمل مثقال ذرّة شرًّا یره

امتحان با خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۵ - ۱۰، ۳

۳- آدمیان ، به وسیله شرّ و خیر موجود در جهان آزموده می شوند .

و نبلوکم بالشرّ و الخیر فتنه

١٠- > روى عن أبى عبد الله (ع) : إنَّ أمير المؤمنين (ع) مرض فعاداه إخوانه فقالوا : كيف تجدك يا أمير المؤمنين (ع) ؟  
قال : بشرُّ قالوا : ما هذا كلام مثلك

قال: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: < وَنَبَلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً > فَالْخَيْرِ الصَّحَّةُ وَالْغِنَى وَالشَّرُّ الْمَرَضُ وَالْفَقْرُ ۚ

از امام صادق(ع) روایت شده: امیرالمؤمنین(ع) بیمار شد، برادران [دینی] وی از آن حضرت عیادت کردند و گفتند: [حال] خود را چگونه می‌یابی ای امیر مؤمنان؟ فرمود: به شرّ [مبتلی شده ام]، گفتند: این کلام افرادی مانند شما نیست؟ فرمود: خداوند تعالی می‌فرماید < وَنَبَلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً > سلامتی و بی‌نیازی خیر و بیماری و تنگدستی شرّ است.

امتناع از سخن خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۹ - ۱۳

۱۳ عن أبي جعفر(ع) في قوله: < الَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِنَا صَمًّا وَبُكْمًا > يقول: < صَمٌّ > عَنِ الْهَدْيِ وَ < بُكْمٌ > لَا يَتَكَلَّمُونَ بِخَيْرٍ > فِي الظُّلْمَاتِ < يَعْنِي ظُلُمَاتِ الْكُفْرِ ... >

از امام باقر(ع) درباره آیه < الَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِنَا .. > روایت شده است: تکذیب کنندگان آیات الهی < کرانند > از (شنیدن آیات) هدایت، < لالند > از سخن خیر گفتن، < در تاریکیها قرار دارند > یعنی تاریکیهای کفر ...

انتخاب خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۰ - ۵

۵ - انسان ، موجودی مختار و توانا بر حرکت در راه خیر یا شر و دارای ابزار لازم آن

أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ ... وَ هَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ

بیان برخوردار بودن انسان از چشم و زبان پیش از اشاره به آشناسازی او با راه های خیر و شرّ به منظور اتمام حجت بر او است که برای شناخت راه صحیح و انتخاب آن، ابزار لازم در اختیار او نهاده شده است.

انجام عمل خیر

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۷ - ۸

۸ - اقامه نماز ، عبودیت و بندگی خدا و انجام کار های نیک ، مشخصه های جامعه اسلامی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا .. و اَفْعَلُوا الْخَيْر

انگیزه عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۳۹

۳۹ - حسن ایجاد انگیزه در انسان هابه کار های خیر ، برای زمینه سازی بهتر و بیشتر انجام دادن آنها

و مَا تَقَدَّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا

اهمیت عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۱

۱۱ - ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ، مأمور به انجام کار نیک ، برپاداشتن نماز و پرداخت زکات

و أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ

بخل در خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۱۹

۱۹ - منافقان مدینه در کار خیر ، بخیل بودند .

أَشْحَهُ عَلَى الْخَيْرِ

بقای عمل خیر

۲ - کارهای خیر، هر چند به وزن مورچه ای ریز و یا ذرات معلق در هوا باشد، باقی مانده، در قیامت بر انسان عرضه خواهد شد.

فمن يعمل مثقال ذره خیراً یره

<مثقال>؛ یعنی، وسیله ای که با آن، وزن چیزی سنجیده شود (مفردات). <ذره> (مفرد <ذرّ>) به معنای کوچک ترین نوع مورچه است (صحاح

اللغه). برخی آن را یک صدم وزن <جو> دانسته و برخی گفته اند: مراد ذراتی است که در شعاع خورشید، مشاهده می شود. (لسان العرب)

پاداش اخروی عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۷ - ۱

۱ - انجام دهندگان کار خیر ، در قیامت پاداش دیده ، با کردار خویش مواجه خواهند شد .

فمن يعمل مثقال ذره خيراً يره

پاداش پیشگامان عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۳ - ۳

۳ - پیشگامان در انجام کار های خیر و وارثان قرآن کریم ، بهره مند از بهشت پاینده

جنت عدن یدخلونها

پاداش دعوت به خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۴ - ۸،۹

۸ دعوت کنندگان مردم به دستگیری از مستمندان ، بهره مند از پاداش عظیم الهی

الا من امر بصدقه .. فسوف نؤتیه أجراً عظيماً

۹ فراخوانی مردم به همزیستی مسالمت آمیز ، دارای پاداشی عظیم الهی

الا من امر بصدقه او معروف او اصلح بين الناس .. نؤتیه أجراً عظيماً

پاداش سبقت در عمل خیر



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۴ - ۱۰

۱۰ - ربوبیت خداوند ، مقتضی پاداش به دارندگان نیت خیر و سبقت گیرندگان در کار نیک

و عجلت إلیک ربّ لترضی

پاداش عمل خیر وارث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۳۴

۳۴ - انجام هر کار خیری در حیات خویش ، دارای برتری و

پاداشی افزون تر از انجام آن پس از مرگ به وسیله وارثان و یا از طریق وصیت است .

و ما تقدّموا لأنفسکم من خیر تجدوه عند الله هو خیرًا و أعظم أجرًا

برخی از مفسران بر آنند که به قرینه <ما تقدّموا..>، جمله ای مانند <من الذی تأخرونه إلى الوصیه عند الموت> در تقدیر است.

پاداش مضاعف عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۳۶، ۳۴، ۳۳

۳۳ - انسان ها ، تمامی کار های خیر خود را در پیشگاه خداوند ، بهتر از آنچه انجام داده اند ، می بینند و بیشتر از پاداشی که انتظارش را داشته و شایسته آن بوده اند ، دریافت می کنند .

و ما تقدّموا لأنفسکم من خیر تجدوه عند الله هو خیرًا و أعظم أجرًا

۳۴ - انجام هر کار خیری در حیات خویش ، دارای برتری و پاداشی افزون تر از انجام آن پس از مرگ به وسیله وارثان و یا از طریق وصیت است .

و ما تقدّموا لأنفسکم من خیر تجدوه عند الله هو خیرًا و أعظم أجرًا

برخی از مفسران بر آنند که به قرینه <ما تقدّموا..>، جمله ای مانند <من الذی تأخرونه إلى الوصیه عند الموت> در تقدیر است.

۳۶ - پاداش کار های خیر از سوی خداوند ، افزون تر از استحقاق و بر پایه تفضل و لطف او است .

تجدوه عند الله هو خیرًا و أعظم أجرًا

مطلب یاد شده، از مقرر شدن پاداش بهتر و افزون تر، استفاده می شود.

پیشگامان در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون -

۴ - موحدانِ بیمناک از پروردگار و روز قیامت ، پیشتاز در انجام کار های نیک

و هم لها سبفون

<لها> متعلق به <سابقون> است که مفعول آن محذوف می باشد. پس تقدیر آن چنین می شود: <و هم سابقون غیرهم لها>. <سبق> به معنای پیشی گرفتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۰ - ۲

۲ - کسانی که در دنیا در انجام امور خیر از دیگران سبقت می گیرند ، در آخرت نیز پیش از دیگران مشمول رحمت ، پاداش و غفران الهی خواهند بود .

و السابقون السابقون

برخی از مفسران بر آنند که مراد از سبقت در <السابقون> اول، سبقت در انجام امور خیر در دنیا و مراد از سبقت در <السابقون> دوم، پیشی گرفتن از دیگران در آخرت در دریافت رحمت و پاداش الهی است.

پیشگامان عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۹

۹ - پیشتازان در انجام خیرات ، مهم ترین صفت مسلمانان پیرو قرآن و انسان های قرآنی

و منهم سابق بالخیرت

برداشت یاد شده به این خاطر است که پیشتازان در تمسک به قرآن و حافظان ارث الهی، در این آیه به عنوان پیشتازان در خیرات معرفی شده اند.

پیشگامی در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - شتاب ورزی در انجام کار های نیک نشانه مؤمنان راستین

أُولَئِكَ يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ

۵ - شتاب در انجام کار های نیک و پیشتازی در میدان ارزش ها ، خصلت هایی

ارجمند و مورد توصیه و ستایش خداوند

أولئك يسرعون في الخیرت و هم لها سبفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۱۴

۱۴ - توفیق پیشتازی در انجام کارهای خیر، فضل بزرگ الهی است.

و منهم مقتصد و منهم سابق بالخیرت یاذن الله ذلك هو الفضل الكبير

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که <ذلك> اشاره به <سبق> در <سابق بالخیرات> باشد.

تجسم عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۷ - ۴

۴ - تجسم و قابل رؤیت شدن تمام اعمال نیک انسان حتی سبکوزن ترین آنها در آخرت

خیراً یره

تحصیل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۱۱

۱۱ دستیابی به خیرات و نعمت های الهی، نیازمند ایمان و عمل

ءامنوا معه جهدوا .. و أولئك لهم الخیرت

ترک دعوت به خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۴

۴ دعوت نکردن به خیر و ترک امر به معروف و نهی از منکر، موجب روسیاهی در قیامت

یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر . . . و تسوّد وجوه

به مقتضای ارتباط با آیات قبل، روسیاهی می تواند کیفر گناهان مذکور در آن آیات باشد.

تشبیه عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۷ - ۲

۲ - کارهای خیر، هر چند به وزن مورچه ای ریز و یا

ذرات معلق در هوا باشد، باقی مانده، در قیامت بر انسان عرضه خواهد شد.

فمن يعمل مثقال ذره خيراً يره

<مثقال>؛ یعنی، وسیله ای که با آن، وزن چیزی سنجیده شود (مفردات). <ذره> (مفرد <ذر>) به معنای کوچک ترین نوع مورچه است (صحاح اللغة). برخی آن را یک صدم وزن <جو> دانسته و برخی گفته اند: مراد ذراتی است که در شعاع خورشید، مشاهده می شود. (لسان العرب)

تشخیص عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۷ - ۹

۹ - توانایی انسان بر شناخت نیک و بد

و افعلوا الخیر

در جمله یاد شده خداوند، مؤمنان را به انجام دادن کار نیک توصیه کرده؛ اما سخنی از این به میان نیاورده است که کدام عمل، نیک و کدام عمل، بد است و اصولاً معیار نیکی و بدی در اعمال چیست؟ این می تواند بدان جهت باشد که انسان خود مستقلاً می تواند حسن و قبح و نیکی و بدی را بشناسد.

تشویق به خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۱۰

۱۰ ترغیب به انجام اعمال نیک در حج

فمن فرض فیهن الحجّ .. و ما تفعّلوا من خیر یعلمه الله

تشویق به عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۸





مؤمنان را با نوید بهشت، به جهاد تشویق کرده است، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۸

۸ - بهره جستن از خصلت نفع طلبی انسان ها ، از روش های قرآن برای تشویق آنان به کار های خیر و انفاق در راه خداوند

و أقرضوا الله... يضعف لهم و لهم أجر كريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۳۵، ۳۸

۳۵ - توصیه و ترغیب خداوند به انجام دادن کار های خیر ، پیش از فرا رسیدن مرگ

و ما تقدموا لأنفسكم من خير تجدوه عند الله هو خيرا و أعظم أجرا

۳۸ - بهره جستن از خصلت نفع طلبی انسان ها ، از روش های قرآن برای تشویق آنان به انفاق در راه خدا و انجام دادن کار

های خیر

و اتوا الزكوه... و ما تقدموا لأنفسكم من خير تجدوه عند الله هو خيرا و أعظم

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که خداوند، با یادآوری پاداش بزرگ و فراوان، ایجاد انگیزه نموده و از خصلت

نفع طلبی انسان ها بهره جسته است.

تعجیل در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۰ - ۱۰

۱۰ - شتاب در کار خیر و در دفاع از دین و مبلغان دینی ، کاری است شایسته و بایسته .

و جاء من أقصا المدينة رجل يسعی قال يقوم أتبعوا المرسلین

تکبر بر عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۱۱ - مؤمنان ، همواره باید میان بیم و امید به سر برند و به اعمال نیک مغرور نشوند .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ارْكَعُوا .. لَعَلَّكُمْ تَفْلَحُونَ

توصیه به خیر در نجوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۵

۵ - نجوای مؤمنان ، باید آراسته به سفارش به نیکی و توصیه به تقوای الهی باشد .

و تَنجُوا بِالْبَرِّ وَ التَّقْوَى

توصیه به عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۵ - ۱

۱ توصیه شدن گنهکاران توبه کننده از جانب خدا به انجام اعمال خیر و استفاده هر چه بیشتر از فرصت ها برای جبران گذشته ها

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ .. وَ قَلْ اَعْمَلُوا فِيسِرَى اللّٰه عملمكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۷ - ۷

۷ - انجام دادن کار های نیک ، توصیه خداوند به مؤمنان

و اَفْعَلُوا الخیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۶ - ۱۱

۱۱ - توصیه خداوند، به انجام کارهایی که موجب خیر و سعادت بشر است.

خَيْرًا لَّأَنْفُسِكُمْ

طبق نظر برخی از مفسران و ادیبان (مانند زمخشری و سیویه)، نصب <خيراً> به خاطر <مفعولٌ به> بودن آن برای فعل محذوف (مانند <اتوا> و یا <افعلوا>) است؛ یعنی، <واتوا خيراً لأنفسكم و افعلوا ما هو خير لها و انفع>.

حاکمیت تکوینی خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ -

۴ حاکمیت نظام تکوینی خیر و شرّ بر تمامی انسان ها ، و حتی پیامبر ( ص )

ما اصابك من حسنه فمن الله و ما اصابك من سيئه فمن نفسك

حرمت اطاعت از مانعان خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۲ - ۳

۳ - اطاعت و اجابت خواسته های کسانی که بخیل و مانع خیراند ، ممنوع و حرام است .

و لا تطع كلّ .. مناع للخیر

خیر اخروی مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۹

۹ مؤمنان راستین و مجاهد ، برخوردار از همه خیرات دنیا و آخرت

و أولئك لهم الخیرت

کلمه <الخیرات> جمع محلی به <ال> و مفید استغراق است.

خیر اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۹

۹ مؤمنان راستین و مجاهد ، برخوردار از همه خیرات دنیا و آخرت

و أولئك لهم الخیرت

کلمه <الخیرات> جمع محلی به <ال> و مفید استغراق است.

## خير الحاكمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۱۰

۱۰ خداوند ، بهترين حاكم و داور است .

و هو خير الحكمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۱۲

۱۲ خداوند ، بهترين داور و حكم کننده است .

و هو خير الحكمين

خير الراحمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۹ - ۱۱

۱۱ - خدا ، بهترين و مهربان ترين

مهربانان

و أنت خير الرحمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۸ - ۸

۸ - خدا ، بهترين رحمت کنندگان و مهربانان است .

و أنت خير الرحمين

خير الرازقين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۸ - ۶

۶ - خدا ، بهترين روزی دهنده است .

و إنّ الله لهو خير الرزقين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۲ - ۱۱

۱۱ - خدا ، بهترين روزی دهندگان است .

و هو خير الرزقين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۹ - ۸

۸ - خداوند ، < خير الرازقين > ( بهترين روزی دهندگان ) است .

و هو خير الرزقين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۱۳

۱۳ - خداوند ، < خیرالرزقین > ( بهترین روزی دهنده ) است .

و الله خير الرزقين

خير المنزلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ - خدا ، بهترین میزبان و مهمان نواز است .

و أنت خير المنزلين

خير الوارثين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۸۹ - ۹

۹ - خداوند ، بهترین وارثان است .

أنت خير الورثين

خير بودن آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۰۹ - ۱۳

۱۳ سرای آخرت برای تقوایپیشگان و پرهیزکنندگان از شرک و مخالفت با پیامبران ، سرایی نیکوست .

و



لدار الأخره خير للذين اتقوا

متعلق <اتقوا> به قرينه آيات گذشته ، شرك و مخالفت با پیامبران است.

خير تعاليم انبيا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۲۹

۲۹ پیام های انبیا سراسر خیر و موجب سعادت انسانهاست .

ذلکم خير لکم

خير تقوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۶ - ۵

۵ - عبادت و تقوا ، دارای خیری است که سودش به عبادت کننده و متقی ، بازمی گردد .

اعبدوا الله و اتقوه ذلکم خير لکم

خير دنیوی مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۹

۹ مؤمنان راستین و مجاهد ، برخوردار از همه خیرات دنیا و آخرت

و أولئک لهم الخیرت

کلمه <الخیرات> جمع محلی به <ال> و مفید استغراق است.

خير دنیوی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۹ مؤمنان راستین و مجاهد ، برخوردار از همه خیرات دنیا و آخرت

و أولئک لهم الخیرت

کلمه <الخیرات> جمع محلی به <ال> و مفید استغراق است.

خیر عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۶ - ۵

۵ - عبادت و تقوا ، دارای خیری است که سودش به عبادت کننده و متقی ، بازمی گردد .

اعبدوا الله و اتقوه ذلکم خیر لکم

دعوت به خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۱ - ۲۱

۲۱ خداوند ، دعوت کننده انسان ها

به بهشت و آمرزش خویش است .

و الله يدعو الى الجنة و المغفره باذنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۵ - ۲

۲ دعوت خداوند از مردم ، برای پیروی از آیین ابراهیم (ع)

فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ اِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۴ - ۱۱، ۱۰، ۹، ۶، ۴، ۳، ۱

۱ ضرورت وجود جمعی از اهل ایمان ، برای دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر

و لتكن منكم ائمة .. عن المنكر

بنابراینکه <من> در <منکم>، تبعیضیه باشد.

۳ ضرورت وجود جمعی از اهل ایمان ، برای دعوت جامعه به اتحاد و اُلفت میان دل ها و برادری میان آنها

و اعتصموا بحبل الله .. و لتكن منكم امة يدعون الى الخير

۴ دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر ، از شیوه های ایجاد وحدت در میان مؤمنین

و اعتصموا بحبل الله جميعاً .. و لتكن منكم امة يدعون الى الخير

به نظر می رسد <ولتكن> به مقتضای ارتباط با آیه قبل، ارائه راهی برای تحقق اعتصام به ریسمان الهی باشد.

۶ امر به معروف و نهی از منکر ، دعوت به خیر است . \*

و لتكن منكم امة يدعون الى الخير و يأمرن بالمعروف و ينهون عن المنكر

بنابراینکه <واو> در <و يأمرن>، تفسیریه برای <يدعون الى الخير> باشد، و یا مصداقی از دعوت به خیر.

۹ دعوت به نیکی ها و امر به معروف و نهی از منکر ( نظارت همگانی ) ، وظیفه همه افراد جامعه اسلامی



منکم امه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

بنابراینکه من در <منکم> بیائیه باشد.

۱۰ تنها دعوتگران به خیر و امرکنندگان به معروف و نهی کنندگان از منکر، اهل رستگاری هستند.

و لتکن منکم .. اولئک هم المفلحون

بنابراینکه مشارالیه <اولئک>، دعوت کنندگان به خیر و امرکنندگان و نهی کنندگان باشند.

۱۱ نقش بنیادین دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر، در رستگاری جامعه

و لتکن منکم امه .. و اولئک هم المفلحون

بنابراینکه مشارالیه <اولئک> جامعه اسلامی باشد؛ یعنی تنها خود امرکنندگان به معروف و نهی کنندگان از منکر رستگار نیستند، بلکه افراد جامعه بخاطر وجود چنین افرادی بهره مند از رستگاری هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۵ - ۲،۳

۲ دعوت به نیکی ها، امر به معروف و نهی از منکر، مانع بروز تفرقه و اختلاف در جامعه

و لتکن منکم امه یدعون الی الخیر .. و لا تکونوا کالذین تفرّقوا

جمله <لا تکونوا ...>، احتمالاً بیان نتیجه آیه قبل است.

۳ سرانجام ترک دعوت به نیکی ها و ترک امر به معروف و نهی از منکر، تفرقه و اختلاف در جامعه

و لتکن منکم امه یدعون .. و لا تکونوا کالذین تفرّقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۸ - ۳

۳ فرمان به اعتصام به حبل الهی، پرهیز از تفرقه، دستور به دعوت خیر، امر به معروف و نهی از منکر، از آیات بحق الهی

اعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا... و لتكن منكم ائمه... تلك آيات اللّ

بنابراینکه مشارالیه <تلك>، تمامی مطالب گذشته در آیات قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۴ - ۱۲

۱۲ گفتگوی محرمانه در مورد توصیه به قرض الحسنه، کاری پسندیده و شایسته

لا خیر فی کثیر من نجویهم الا من امر بصدقه او معروف

امام صادق(ع) در مورد <معروف> در آیه فوق فرمود: یعنی بالمعروف القرض.

---

کافی، ج ۴، ص ۳۴، ح ۳، نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۴۹، ح ۵۵۸.

دوست بی خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۱۴

۱۴ روی عن ابي عبدالله(ع) إنه قال: معنى <عذابا من فوقکم> السلطان الجائر <و من تحت أرجلکم> السفله و من لاخیر فیه ... <و ینذیق بعضکم بأس بعض> قال: سوء الجوار.

امام صادق(ع) فرمود: معنای <عذابا من فوقکم>، سلطان ستمگر و معنای <و من تحت أرجلکم>، زیردستان و افراد بی خیر و معنای <و ینذیق بعضکم بأس بعض>، بدرفتاری همسایگان است.

ذکر خیر صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۲۱

۲۱ یادکرد از عناصر صالح یک امت به هنگام سرزنش از ناصالحان ایشان، امری لازم و پسندیده

و لو انهم اقاموا التوریه... منهم امه مقتصده و کثیر منهم ساء ما يعملون

راه خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۰ - ۳،۷

۳ - خداوند ، به راه خیر و شرّ و رهروان هر

یک ، آگاه است .

و هدینه النجدین

اسناد هدایت به خداوند در <هدینا> با توجه به <أیحسب أن لم یره أحد> در آیات پیشین بیانگر آن است که چون خداوند راه خیر و شر را به دیگران شناسانده است پس خود به آن آگاه است و رهروان آنان بر او مشتبه نمی شوند تا مدعیان حقیقی انفاق را، از غیر آنها تشخیص ندهد.

۷- < عن حمزه بن محمّد عن أبي عبد الله (ع) قال : سألته عن قول الله عزّوجلّ < و هدیناه النجدین > قال : نجد الخیر و الشرّ ;

حمزه بن محمد گوید: از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ <و هدیناه النجدین> سؤال کرد، فرمود: مراد راه خیر و شرّ است <.

رد خواسته های مانعان خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۲ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور پرهیز از اجابت خواست کسانی که مانع خیر در جامعه اند .

و لاتطع کلّ ... مناع للخیر

روش تشویق به عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۱ - ۶

۶ - بهره جستن از خصلت نفع طلبی انسان ها ، از روش های قرآن برای تشویق آنان به کار های خیر و انفاق در راه خداوند

من ذا الذی یقرض الله ... فیضعفه له

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۷ - ۶



۶- بهره جستن از خصلت نفع طلبی و خیرجویی انسان ها ، از روش های قرآن برای تشویق آنان

به انفاق و انجام کار های خیر

وَأَنْفَقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ . . . إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَعْفَهُ لَكُمْ

روش دعوت به خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۸ - ۱۴

۱۴ موعظه ، روشی مفید برای دعوت مردم به نیکیها

إِنَّ اللَّهَ نَعَمًا يُعْظَمُ بِهِ

چون خداوند بهترین پاداشها را برای تربیت برمی گزیند، معلوم می شود موعظه از روشهای بسیار مفید برای تربیت مردم است.

رؤیت اخروی عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۷ - ۴

۴ - تجسّم و قابل رؤیت شدن تمام اعمال نیک انسان حتی سبکوزن ترین آنها در آخرت

خَيْرًا يَرَهُ

زمینه ازدیاد عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۳۹

۳۹ - حسن ایجاد انگیزه در انسان هابه کار های خیر ، برای زمینه سازی بهتر و بیشتر انجام دادن آنها

وَمَا تَقَدَّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا

زمینه پاداش عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - ربوبیت خداوند ، مقتضی پاداش به دارندگان نیت خیر و سبقت گیرندگان در کار نیک

و عجلت إلیک ربّ لترضی

زمینه خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۶ - ۸

۸ - احکام الهی ، دارای مصلحت برای انسان و تضمین کننده خیر و سعادت او

نأت بخیر منها أو مثلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- بقره - ۲ - ۲۶۹ - ۴

۴ حکمت ، خیر آفرین است .

و من یؤت الحکمہ فقد اوتی خیراً کثیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۵

۵ بازگشت به خدا و توبه به درگاه او ، زمینه ساز نایل شدن به خیر و سعادت دنیا و برخوردار شدن از حیات نیکوی آخرت است .

و اکتب لنا فی هذه الدنيا حسنه و فی الاخره انا هدنا إلیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۱۰

۱۰ ایمان و جهاد ، تضمین کننده همه خیر ها و ارزش ها برای انسان

ءامنوا معه جهدوا .. و أولئک لهم الخیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۳

۳ - تعظیم و بزرگداشت حدود و مقررات الهی و رعایت حریم آنها ، مایه خیر و سعادت و خوشبختی برای اهل ایمان

و من یعظم حرمت اللّٰه فهو خیر له عند ربّه

ضمیر <هو> در <فهو خیر له> به <تعظیم> (مصدر <یعظم>) بازمی گردد؛ یعنی، <فالتعظیم خیر له عند ربّه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳۱

۳۱ - سلام کردن مؤمنان به یکدیگر ، مایه برکت و خیر فراوان و پاکیزگی است .

فَسَلِّمُوا عَلٰى اَنْفُسِكُمْ تَحِيَّهٖ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ مَبْرُكَةً طَيِّبَةً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۶ - ۴

۴ - دستیابی به خیر ، در گرو خداپرستی و تقوا است .

اعبدوا الله و اتقوه

ذلکم خیر لکم

زمینه عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۱۶

۱۶ توجه به نظارت و بینایی خداوند به کردار آدمیان، برانگیزنده آدمی به نبرد و پیکار در راه خدا (اعمال پسندیده)

انّ الذین تولّوا منکم . . . و الله بما تعملون بصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۰ - ۵

۵ توجه به از جانب خدا بودن دارایی ها، آسان کننده انفاق و بخشش و بیانگر زشتی و شناعت بخلورزی

و لا یحسبنّ الذین یبخلون بما آتیهم الله من فضله

تذکر خداوند به اینکه داراییهای شما، فضلی از جانب اوست (بما آتیهم الله من فضله)، برای این هدف است که انفاق را بر آدمی آسان کند و زشتی بخل را بر او آشکار سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۹ - ۱۴

۱۴ توجه حاکمان به نظارت خداوند بر اعمال ایشان، زمینه ساز گرایش آنان به کردار نیک و پرهیزشان از اعمال نارواست.

و یتخلفکم فی الأرض فینظر کیف تعملون

هدف از تذکار نظارت خداوند بر اعمال آدمی این است که وی با توجه به این حقیقت از اعمال ناروا بپرهیزد و به اعمال نیک رو آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۱ - ۱،۶

۱ - ترس از خدا و قیامت، بر انگیزاننده انسان ها به انجام کار های نیک

إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشِيهِ رَبُّهُمْ مَشْفُقُونَ .. أَوْلَئِكَ يَسْرِعُونَ فِي

<أَوْلَيْتَكَ> اشاره به موحدانی است که وصفشان در آیات پیش بیان شد. <مَسَارِعَهُ> (مصدر <يسارعون>) به معنای شتاب کردن است.

۶ - خدا ترسی و بیمناک بودن از روز رستاخیز ، برانگیزاننده انسان به پیشتازی در انجام کار های نیک

و هم لها سبفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۱۲

۱۲ - اذن خداوند ، شرط رسیدن به مقام پیشتازی در دین داری ، زندگی قرآنی و انجام کار های خیر

و منهم سابق بالخیرت یاذن الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۰ - ۱۰

۱۰ توجه به بازگشت همه چیز به سوی خداوند ، زمینه تسلیم شدن در برابر او و پرهیز از پیروی شیطان

و لا تتبعوا خطوات .. و الی الله ترجع الامور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۵ - ۱۳

۱۳ توجه انسان به علم خداوند نسبت به اعمال خیر ، مُشَوِّق او برای انجام آن

و ما تفعلوا من خیر فان الله به علیم

زمینه های عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۷ - ۱۰



۱۰ توجه به < ربوبیت > خداوند ، برانگیزنده انسان به دعا و درخواست از او

رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا

سبقت در خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۸ - ۵،۶

۵ - لزوم انجام کارهای خیر و پیشی گرفتن در آنها

فاستبقوا الخیرت

۶ - ملاک برتری امت ها ، پیشی گرفتن در انجام

کارهای نیک است نه داشتن قبله ای خاص

و لكل وجهه هو مؤلّها فاستبقوا الخیرت

جمله <فاستبقوا الخیرت> پس از <هو مؤلّها> حقیقتی دیگر را درباره نابعیایی بحث و مشاجره درباره تغییر و تعیین قبله گوشزد می کند و آن این است که: مجرد رو به سوی قبله داشتن کارساز نیست؛ آنچه تعیین کننده می باشد انجام کارهای نیک است. پس در آنها پیشی بگیریید.

سختی عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۴

۴ سختی و دشواری عمل نیک، معیاری در ارزش گذاری آن بوده و موجب افزونی ثواب و پاداش است.

لقد تاب الله علی النبی . . اتبعوه فی ساعه العسره

سرزنش ممانعت از خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۲ - ۴

۴ - مانع خیر شدن و بخل، صفتی مذموم و ناپسند

و لاتطع کلّ . . . مناع للخیر

شرایط عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۴ - ۸

۸ - خوبی هر کار، علاوه بر صدور آن به نیت خیر، در گرو هماهنگی آن با سایر خواسته ها و دستورات خداوند است.

و ما أعجلک . . . و عجلت إلیک ربّ لترضی

با وجود آن که موسی(ع) در تعجیل خود، نیت خیر داشته است؛ ولی بازخواست شدن او دال بر این مطلب است که صرف

داشتن نیت خیر، برای برتری یافتن عمل کافی نیست؛ بلکه باید با ادله دیگر آن عمل را سنجید. اگر در تعارض نبود، آن گاه بدان اقدام کرد.

شفاعت در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۵ - ۱۱

۱۱ توجه به حفظ اعمال از سوی خدا ، برانگیزنده انسان به وساطت در کار خیر و پرهیز از وساطت در کار شرّ

و من یشفع ... و كان الله على كل شيء مقیتا

جمله < كان الله ... > در حقیقت تشویق و تهدید است و به این منظور آورده شده که با توجه به آن، انگیزه برای انجام اعمال نیک فراهم شود و ترس از انجام اعمال بد به وجود آید.

عجز از درک خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۸

۸- بیماردلان منافق ، ناتوان از درک خیر واقعی خویش و پیمودن راه صدق و جهاد

فلو صدقوا الله لكان خيراً لهم .. أولئك ... فأصمهم و أعمى أبصرهم

با توجه به ارتباط آیات، ممکن است به میان آوردن <أصم> و <أعمى> در پی <فلو صدقوا الله لكان خيراً لهم> بیانگر این معنا باشد که صداقت با خدا و دستورات او، تضمین گر منافع آدمی است؛ اما افسوس که بیماردلان در نتیجه کوری باطنی عاجز از درک مصالح آن اند.

علم به عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۳ - ۳

۳ - کاتبان نامه عمل از انجام دادن کار های خیر ابرار آگاه شده ، آن را ثبت می کنند .

کتیبین . یعلمون ما تفعلون . إنّ الأبرار لفي نعیم

عمل خیر



- آل عمران - ۳ - ۹۲ - ۱۱

۱۱ توجه دادن به ثبت کار های نیک انسان ، از روش های قرآن برای تشویق به نیکیها

لن تنالوا .. فان الله به علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۸ - ۱۱

۱۱ - پرداختن به کار های خیر ، مانند انفاق به نیازمندان با توجه به دستاورد بد کار های نادرست لازم است .

تصبههم سیئه بما قدمت ایدیهم .. فات ذا القربی حقه

<فا> در <فات> می تواند فصیح و مربوط به فراز <ان تصبههم> در آیات قبل باشد؛ یعنی: <حال که سیئه، در پی دارنده ناگواری است، پس، از آن پرهیز و حقوق خویشاوندان و .. را ادا کنید.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۳ - ۵

۵ - برای تصمیم به انجام دادن عمل خوب و یا ترک امری ناپسند ، خوب است که آن تصمیم ، به صورت عهدی با خداوند در میان گذاشته شود .

من المؤمنین رجال صدقوا ما عهدوا الله علیه فمنهم من قضی نجه

تعبیر از تکلیفی که مؤمنان انجام دادند به <ما عهدوا الله علیه> و نیز آوردن واژه <نحب> که به معنای <نذر> است دلالت می کند که مؤمنان، برای انجام دادن تکلیف شان، آن را به صورت عهدی با خدا در میان گذاشتند و خداوند نیز از چنین کاری ستایش کرده است. این، نشان می دهد که انجام دادن تکلیف به صورت عهد بستن با خدا، امری سزاوار و شایسته است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - تمسک به قرآن و پیروی از رهنمود های آن ، به خیر و صلاح جامعه و ترک آن ظلم به خویشتن است .

ثم أورثنا الكتب .. فمنهم ظالم لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۵ - ۸

۸ - نیت عمل خیر و فراهم ساختن زمینه های انجام آن ، برابر است با انجام کامل آن در بینش الهی

قد صدقت الرؤيا إنا كذلك نجزي المحسنين

برداشت یاد شده از آن جا است که ابراهیم(ع) به قصد قربانی کردن فرزندش اسماعیل، تمامی مقدمات آن را تا خواباندن وی بر زمین و به دست گرفتن کارد انجام داد و خداوند همین مقدار از تلاش آن حضرت را، انجام کامل ذبح تلقی فرمود و از ایشان قبول کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۲ - ۶

۶ - صدقه دادن به نیازمندان ، عملی سراسر خیر و نیکی در بینش الهی

ذلك خیر

در صورتی که <خیر> در مقابل <شر> باشد؛ معنای <ذلك خیر> این خواهد بود که صدقه صرفاً خیر است و هیچ بدی در آن راه ندارد.

عمل خیر ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۱،۱۲

۱۱- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، مأمور به انجام کار نیک ، برپاداشتن نماز و پرداخت زکات

و أوحينا إليهم فعل الخيرت و إقام الصلوه و إيتاء الزكوه

١٢- خداوند ، به ابراهيم ، اسحاق و يعقوب ( ع ) كار



های نیک را شناساند و چگونگی انجام آنها را از طریق وحی به آنان آموخت .

و أوحينا إليهم فعل الخیرت

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که نصب <فعل الخیرات> به خاطر مفعول بودن آن برای <أوحینا> باشد. بر این اساس وحی و الهام فعل خیرات می تواند به این معنا باشد که خدا هر آن چه در میزان الهی و در واقع، کار خیر است به آنان شناساند و چگونگی انجام دادن آنها را از طریق وحی به آنان آموخت. و به سخن دیگر <أوحینا> متضمن معنای <علمنا> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۵

۱۵- انجام کار های خیر، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی، موسی، هارون، ابراهیم، لوط، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، اسماعیل، ادريس، ذوالکفل، یونس، زکریا، و یحیی (علیهم السلام) بود.

و لقد آتینا موسی و هرون .. یحیی ... إنهم کانوا یسرعون فی الخیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۷ - ۴

۴- ابراهیم، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام)، از افراد خیر و نیکوکار بودند .

و إنهم .. الأخیار

اخیار به دو معنا است: ۱ جمع <خیر> با تشدید یاء به معنای نیکوکار است. ۲ جمع <خیر> به سکون یاء در مقابل <شر> است. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

عمل خیر ادريس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۵

۱۵- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادريس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی ( علیهم السلام ) بود .

و لقد آتینا موسی و هرون ... یحیی ... إنهم كانوا یسرعون فی الخیرت

عمل خیر اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۲ ، ۱۱

۱۱- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ، مأمور به انجام کار نیک ، برپاداشتن نماز و پرداخت زکات

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت و إقام الصلوه و إیتاء الزکوه

۱۲- خداوند ، به ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) کار های نیک را شناساند و چگونگی انجام آنها را از طریق وحی به آنان آموخت .

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت

برداشت یاد شده مبتنی براین است که نصب <فعل الخیرات> به خاطر مفعول بودن آن برای <أوحینا> باشد. براین اساس وحی و الهام فعل خیرات می تواند به این معنا باشد که خدا هر آن چه در میزان الهی و در واقع، کار خیر است به آنان شناساند و چگونگی انجام دادن آنها را از طریق وحی به آنان آموخت. و به سخن دیگر <أوحینا> متضمن معنای <علمنا> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۵

۱۵- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ،

موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادريس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی ( علیهم السلام ) بود .

و لقد آتینا موسی و هرون ... یحیی ... إنهم کانوا یسرعون فی الخیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۷ - ۴

۴ - ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( علیهم السلام ) ، از افراد خیر و نیکوکار بودند .

و إنهم .. الأخیار

اخیار به دو معنا است: ۱ جمع <خَیْر> با تشدید یاء به معنای نیکوکار است. ۲ جمع <خَیْر> به سکون یاء در مقابل <شَرَّ> است. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

عمل خیر اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۵

۱۵- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادريس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی ( علیهم السلام ) بود .

و لقد آتینا موسی و هرون ... یحیی ... إنهم کانوا یسرعون فی الخیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۸ - ۳

۳ - اسماعیل ، الیسع و ذالکفل ( علیهم السلام ) ، از افراد خیر و نیکوکار بودند .

و کَلَّ مِنَ الأخیار

اخیار به دو معنا است: ۱

جمع <خَيْرَ> با تشدید یاء به معنای نیکوکار است. ۲ جمع <خَيْرَ> به سکون یاء در مقابل <شَرَّ> است. برداشت یاد شده مبتنی بر فرض نخست است.

عمل خیر الیسع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۸ - ۳

۳ - اسماعیل ، الیسع و ذوالکفل ( علیهم السلام ) ، از افراد خَیر و نیکوکار بودند .

و کَلَّ مِنَ الْأَخْيَارِ

اخیار به دو معنا است: ۱ جمع <خَيْرَ> با تشدید یاء به معنای نیکوکار است. ۲ جمع <خَيْرَ> به سکون یاء در مقابل <شَرَّ> است. برداشت یاد شده مبتنی بر فرض نخست است.

عمل خیر انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۸، ۱۵

۱۵- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادريس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی ( علیهم السلام ) بود .

و لقد آتینا موسی و هرون ... یحیی ... إنهم کانوا یسرعون فی الخیرت

۱۸- پیشی گرفتن در کار های نیک ، دعای همراه با رغبت و بیم و نیز خشوع پیامبران ( ع ) ، عامل بهره مندی آنان از موهبت های الهی بود .

و لقد آتینا موسی و هرون ... إنهم کانوا یسرعون فی الخیرت ... و کانوا لنا خش

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: ۱ ضمیرهای جمع در جمله <إنهم>

كانوا يسارعون.. > به پیامبران بازگردد، چه این که آیات پیشین در مورد آنان بود. ۲ جمله >إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ...< و جملات بعد، در مقام تعلیل باشد.

عمل خیر اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۲۰

۲۰- شتاب و پیشگامی در کار های خیر ، دعای همراه با رغبت و امید و خشوع به درگاه الهی ، از ارزش های والا و صفات برجسته مردان الهی

إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَشَعِينَ

برداشت یاد شده به خاطر این است که آیه شریفه، در توصیف پیامبران الهی است و از میان ده ها صفات و ویژگی های ایشان، تنها به این سه صفت و ویژگی اشاره شده است.

عمل خیر ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۵

۱۵- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادريس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی ( علیهم السلام ) بود .

و لقد آتینا موسی و هرون .. یحیی ... إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرِ

عمل خیر بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۴ - ۹

۹ - سپاس گزاری بهشتیان از خداوند ، به خاطر آموزش خطا های آنان و قدردانی از کار های نیکشان

و قالوا الحمد لله .. إِنَّ رَبَّنَا

جمله <إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ> بیان دیگری از فلسفه سپاس گزاری از خداوند است.

عمل خیر داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۵

۱۵- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادريس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی ( علیهم السلام ) بود .

و لقد آتینا موسی و هرون ... یحیی ... إناهم كانوا یسرعون فی الخیرت

عمل خیر ذوالکفل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۵

۱۵- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادريس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی ( علیهم السلام ) بود .

و لقد آتینا موسی و هرون ... یحیی ... إناهم كانوا یسرعون فی الخیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۸ - ۳

۳ - اسماعیل ، الیسع و ذوالکفل ( علیهم السلام ) ، از افراد خیر و نیکوکار بودند .

و کَلَّ مِنَ الْأَخْيَارِ

اخیار به دو معنا است: ۱ جمع <خَیْرٌ> با تشدید یاء به معنای نیکوکار است. ۲ جمع <خَیْرٌ> به سکون یاء در مقابل <شَرٌّ> است. برداشت یاد شده مبتنی

بر فرض نخست است.

عمل خیر زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۳، ۱۵، ۱۲

۱۲- زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی) شتابان به انجام کارهای خیر می پرداختند و در آن پیش قدم و پیشگام بودند.

إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرِ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ...> به زکریا(ع) و همسر و فرزند او (یحیی) بازگردد.

۱۳- انجام کارهای خیر، مورد علاقه و سیره مستمر زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی) بود.

و زکریا... و وهبنا له یحیی و أصلحنا له زوجه إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرِ

فعل مضارع <یسارعون> و فعل <کانوا> پیش از آن بیانگر استمرار و تداوم است و متعدی شدن فعل <یسارعون> به <فی> حکایت از جدیت و علاقه به کار دارد.

۱۵- انجام کارهای خیر، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی، موسی، هارون، ابراهیم، لوط، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، اسماعیل، ادريس، ذوالکفل، یونس، زکریا، و یحیی (علیهم السلام) بود.

و لقد آتینا موسی و هرون... یحیی... إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرِ

عمل خیر سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۵

۱۵- انجام کارهای خیر، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی، موسی، هارون، ابراهیم، لوط،

اسحاق ، يعقوب ، نوح ، داوود ، سليمان ، ايوب ، اسماعيل ، ادريس ، ذوالكفل ، يونس ، زكريا ، و يحيى ( عليهم السلام ) بود

و لقد ءاتينا موسى و هرون ... يحيى ... إثمهم كانوا يسرعون في الخيرت

عمل خير لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۵

۱۵- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، يعقوب ، نوح ، داوود ، سليمان ، ايوب ، اسماعيل ، ادريس ، ذوالكفل ، يونس ، زكريا ، و يحيى ( عليهم السلام ) بود .

و لقد ءاتينا موسى و هرون ... يحيى ... إثمهم كانوا يسرعون في الخيرت

عمل خير موسى(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۵

۱۵- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، يعقوب ، نوح ، داوود ، سليمان ، ايوب ، اسماعيل ، ادريس ، ذوالكفل ، يونس ، زكريا ، و يحيى ( عليهم السلام ) بود .

و لقد ءاتينا موسى و هرون ... يحيى ... إثمهم كانوا يسرعون في الخيرت

عمل خير مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۱ - ۳

۳ - انجام کار های خیر ، سیره همیشگی مؤمنان راستین است ، نه امری مقطعی و موقت .

أولئك يسرعون في الخيرت

از



به کارگیری فعل مضارع (یسارعون) که بیانگر استمرار است برداشت فوق استفاده می شود.

عمل خیر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۵

۱۵- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادريس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی (علیهم السلام) بود .

و لقد ءاتینا موسی و هرون .. یحیی ... إنهم كانوا یسرعون فی الخیرت

عمل خیر هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۵

۱۵- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادريس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی (علیهم السلام) بود .

و لقد ءاتینا موسی و هرون .. یحیی ... إنهم كانوا یسرعون فی الخیرت

عمل خیر همسر زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۲،۱۳

۱۲- زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی) شتابان به انجام کار های خیر می پرداختند و در آن پیش قدم و پیشگام بودند .

إنهم كانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إنهم كانوا یسارعون..>

به زکریا(ع) و همسر و فرزند او (یحیی) باز گردد.

۱۳- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی) بود .

و زکریا .. و وهبنا له یحیی و أصلحنا له زوجه إنهم کانوا یسرعون فی الخیرت

فعل مضارع <یسارعون> و فعل <کانوا> پیش از آن بیانگر استمرار و تداوم است و متعدی شدن فعل <یسارعون> به <فی> حکایت از جدیت و علاقه به کار دارد.

عمل خیر یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۵، ۱۳، ۱۲

۱۲- زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی) شتابان به انجام کار های خیر می پرداختند و در آن پیش قدم و پیشگام بودند .

إنهم کانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إنهم کانوا یسرعون..> به زکریا(ع) و همسر و فرزند او (یحیی) باز گردد.

۱۳- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی) بود .

و زکریا .. و وهبنا له یحیی و أصلحنا له زوجه إنهم کانوا یسرعون فی الخیرت

فعل مضارع <یسارعون> و فعل <کانوا> پیش از آن بیانگر استمرار و تداوم است و متعدی شدن فعل <یسارعون> به <فی> حکایت از جدیت و علاقه به کار دارد.

۱۵- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ،

اسماعیل ، ادریس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی ( علیهم السلام ) بود .

و لقد آتینا موسی و هرون ... یحیی ... إثمهم كانوا یسرعون فی الخیرت

عمل خیر یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۲ ، ۱۱

۱۱- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ، مأمور به انجام کار نیک ، برپاداشتن نماز و پرداخت زکات

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت و إقام الصلوه و إیتاء الزکوه

۱۲- خداوند ، به ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) کار های نیک را شناساند و چگونگی انجام آنها را از طریق وحی به آنان آموخت .

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت

برداشت یاد شده مبتنی براین است که نصب <فعل الخیرات> به خاطر مفعول بودن آن برای <أوحینا> باشد. براین اساس وحی و الهام فعل خیرات می تواند به این معنا باشد که خدا هر آن چه در میزان الهی و در واقع، کار خیر است به آنان شناساند و چگونگی انجام دادن آنها را از طریق وحی به آنان آموخت. و به سخن دیگر <أوحینا> متضمن معنای <علمنا> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۵

۱۵- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی ( علیهم السلام ) بود .

و لقد آتینا موسی و هرون

... یحیی ... إِنْهُمْ كَانُوا یسرعون فی الخیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۷ - ۴

۴ - ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( علیهم السلام ) ، از افراد خیر و نیکوکار بودند .

و إِنْهُمْ ... الأخیار

اخیار به دو معنا است: ۱ جمع <خیر> با تشدید یاء به معنای نیکوکار است. ۲ جمع <خیر> به سکون یاء در مقابل <شر> است. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

عمل خیر یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۵

۱۵- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادريس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی ( علیهم السلام ) بود .

و لقد ءاتینا موسی و هرون ... یحیی ... إِنْهُمْ كَانُوا یسرعون فی الخیرت

عوامل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۷ - ۲

۲ نوسان در مدت شب و روز ، دربردارنده خیر و مصالح انسان

بیدك الخیر .. تولج الیل فی النهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۵ - ۱۳

۱۳ توجه به علم همه جانبه خداوند به نهان و آشکار ، و غیب و شهود ، بازدارنده آدمی از گناه و توبه شکنی و برانگیزنده وی



و قل اعلموا فسیری الله عملکم .. . فینبئکم بما کتتم تعملون

بیان علم همه جانبه خداوند پس از تشویق و توصیه به توبه و عمل می تواند به منظور مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۶ - ۵

۵ خیر و سعادت امتهای، در ایمان و باور به معارف الهی و عمل به احکام دین است .

بقیت الله خیر لکم

برخی از مفسران مراد از <بقیت الله> را اطاعت از خدا و برخی مقصود از آن را احکام و معارف دانسته اند. برداشت فوق، براساس این نظریه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۴

۴ - احکام و مقررات الهی، در راستای خیر و سعادت انسان

و من یعظم حرمت الله فهو خیر له عند ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۶ - ۱۱، ۱۰

۱۰ - انفاق، موجب خیر و سعادت بشر

أنفقوا خیراً لأنفسکم

برداشت یاد شده بر این اساس است که <خیراً> خبر برای فعل محذوف <یکن> باشد. در این صورت تقدیر کلام چنین می شود: <فأنفقوا إن تنفقوا یکن خیراً لأنفسکم>.

۱۱ - توصیه خداوند، به انجام کارهایی که موجب خیر و سعادت بشر است .

خیراً لأنفسکم

طبق نظر برخی از مفسران و ادیبان (مانند زمخشری و سیبویه)، نصب <خیراً> به خاطر <مفعولٌ به> بودن آن برای فعل محذوف (مانند <اتوا> و یا <افعلوا>) است؛ یعنی، <واتوا خیراً لأنفسکم و افعلوا ما هو خیر لها و انفع>.

عوامل محرومیت از خیر

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۱۸، ۱۶، ۱۳

۱۳ آدمی با اعمال، خویش خود را محروم از خیر و ثواب می سازد و به ورطه هلاکت و تباهی می اندازد.

أن تبسل نفس بما کسبت

<بسل> به معنی منع و حبس است و نتیجه آن هلاکت و تباهی است. در لسان العرب آمده است: <أبسلت فلانا إذا أسلمته للهلكه>.

۱۶ بازیچه قرار دادن دین موجب تباهی و محرومیت از خیر و ثواب می شود.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا .. و ذکر به أن تبسل نفس

در آیه قبل سخن از بازیگری با دین بود و جمله <ذکر به ..> در مقام هشدار و بیان نتیجه کار آنان است.

۱۸ کسانی که با اعمال ناروای خود، خویشان را تباه و محروم از خیر نموده اند، هیچ دوست و یاور و شفیع در بین مخلوقات نخواهند داشت.

أن تبسل نفس بما کسبت لیس لها من دون الله ولی و لا شفیع

فاقدان خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۳ - ۵، ۶

۵ فاقدان خیر و استعداد کمال، ناشایست برای شمول هدایت های ویژه خداوند و توفیق یافتن به پذیرش معارف دین

و لو علم الله فیهم خیرا لأسمعهم

۶ فاقدان خیر و استعداد کمال، اگر چه مشمول هدایت های ویژه خداوند شوند، از آن رویگردان و گریزانند.

و لو أسمعهم لتولوا و هم معرضون

ضمیر مفعولی در <أسمعهم> همان کسانی هستند که با جمله <و لو علم ...> توصیف شدند. بنابراین جمله <و لو



أسمعهم ... < چنین معنا می شود: > و لو اسمع الذین لیس فیهم خیرا ... < یعنی اگر خداوند هدایت ویژه اش را شامل حال کسانی کند که در آنها خیری نیست ... >

فضایل پیشگامان در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۷

۷ - پیشتازان در انجام کار های خیر ، از بهترین مردم و والاترین آنان در پیشگاه خداوند

و منهم سابق بالخیرت

از تقسیم بندی سه گانه مردم در تمسک به قرآن و دین داری (ضعیف، قوی و ..) و آمدن گروه پیشتاز در انجام خیرات به عنوان آخرین و قوی ترین گروه، برداشت یاد شده به دست می آید.

فقرا و خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۱ - ۱۶، ۱۱، ۱۰

۱۰ سران و اشراف قوم نوح ، محرومان و مستضعفان را ، ناتوان از رسیدن به خیر و نیکی می پنداشتند .

لأقول للذین تزدری أعینکم لن یؤتیهم الله خیراً

جمله < لن یؤتیهم الله خیراً > بیان اندیشه سران و اشراف قوم نوح درباره محرومان و تهی دستان جامعه است. این جمله با توجه به کلمه < لن > حکایت از آن دارد که: اشراف دستیابی محرومان را به خیر و نیکی ، نامحتمل می دانستند.

۱۱ محروم بودن انسان از مال و منال ( مادیات ) ، نشانه ناشایستگی او برای دستیابی به خیر های معنوی و الهی نیست .

لأقول للذین تزدری أعینکم لن یؤتیهم الله خیراً

۱۶ ناشایست شمردن تهی دستان ، برای کسب خیر و مقام های معنوی ، گناه و پنداری است به دور از واقعیت

لا أقول للذين تزدرى أعينكم .. إني إذا لمن الظالمين

گرایش به خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۲۹

۲۹ وجود زمینه های گرایش به خیر و شر در انسان از آغاز آفرینش

قال لاقتلنک .. انما يتقبل الله من المتقين

با توجه به اینکه هابیل و قابیل هر دو فرزندان آدم بودند، لکن راههای متضادی را برگزیدند، معلوم می شود گرایشهای درونی انسانها متفاوت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۳ - ۹

۹ انسان دارای گرایش فطری به سوی نیکیها و زیباییهاست.

و زين لهم الشيطان ما كانوا يعملون

حرکت انسان به دنبال شیطان، پس از زینت و زیبا جلوه دادن اعمال، بیانگر این نکته است که آدمی زیباییها را می طلبد و خواهان حرکت به دنبال آن است. از این روست که شیطان همان زشتیها را زیبا جلوه می دهد و آدمی را می فریبد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱ - ۱،۲

۱- انسان ، شرّ و بدی را چونان خیر و خوبی ، طالب و خواستار است .

و يدع الإنسن بالشرّ دعاه بالخیر

مراد از <دعا> مطلق درخواست است اعم از اینکه به لفظ دعا باشد و یا به غیر آن.

۲- خیرطلبی در انسان ، اصیل و در پی شرّ بودنش ، تبعی و غیر اصیل است .

و يدع الإنسان بالشرّ دعاءه بالخير

برداشت فوق از تشبیه شرخواهی انسان به طالب خیر بودنش استفاده گردیده است؛ یعنی، همان طور که انسان همواره و به طور طبیعی

و اصیل طالب خیر است، به دنبال شر هم خواهد رفت.

مانعان خیر در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۱

۱ سدکنندگان راه ارزش ها و تجاوزگران و شکاکان در حق ، محکوم به آتش دوزخ

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلِّ . . . مَنَاعٍ لِلْخَيْرِ مَعْتَدٍ مَرِيْبٍ

محرومان از خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۲۴

۲۴ از حضرت علی (ع) روایت شده که درباره سخن خدا: < نسوا الله فنسيهم > فرمود: فانما يعني انهم نسوا الله في دار الدنيا فلم يعملوا له بالطاعة و لم يؤمنوا به و برسوله فنسيهم في الآخرة ای لم يجعل لهم في ثوابه نصيباً فصاروا منسيين من الخير ;

علی (ع) درباره سخن خدا که می فرماید: < آنان خدا را فراموش کردند، پس خدا آنان را فراموش کرد > فرمود: همانا مقصود خدا این است که آنان خدا را در دنیا فراموش نمودند و از او اطاعت نکردند و به او و رسولش ایمان نیاوردند، خدا نیز در قیامت آنان را فراموش کرد ؛ یعنی، برای آنان بهره ای از ثواب خود قرار نداد، پس آنان از خیر فراموش شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۱۳

۱۳ محرومیت منافقان ، از خیر و فلاح واقعی

رضوا بأن يَكُونُوا .. لكن الرسول ... جهدوا ... و أولئك لهم الخيرت و أولئك هم المف

مراد از خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۱۰- > روی عن أبي عبد الله (ع) : إن أمير المؤمنين (ع) مرض فعاداه إخوانه فقالوا : كيف تجدك يا أمير المؤمنين (ع) ؟ قال : بشرّ قالوا : ما هذا كلام مثلك قال : إن الله تعالى يقول : > ونبلوكم بالشرّ والخير فتنه < فالخير الصحة والغنى و الشرّ المرض و الفقر ;

از امام صادق(ع) روایت شده: امیرالمؤمنین(ع) بیمار شد، برادران [دینی] وی از آن حضرت عیادت کردند و گفتند: [حال] خود را چگونه می یابی ای امیر مؤمنان؟ فرمود: به شرّ [مبتلی شده ام]، گفتند: این کلام افرادی مانند شما نیست؟ فرمود: خداوند تعالی می فرماید > ونبلوکم بالشرّ والخیر فتنه < سلامتی و بی نیازی خیر و بیماری و تنگدستی شرّ است <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۳۶

۳۶ - > عن أبي عبد الله (ع) في قوله الله عزّوجلّ > فكاتبوهم إن علمتم فيهم خيراً < قال الخیر أن يشهد أن لا إله إلا الله و أنّ محمداً رسول الله ، و يكون بیده عمل یکتسب به أو یكون له حرفه ;

از امام صادق(ع) درباره قول خدای عزّوجل > ..إن علمتم فيهم خيراً< روایت شده است: خیر این است که به وحدانیت خدا و رسالت حضرت محمد(ص) شهادت دهد و در دست او کاری باشد که با آن کسب درآمد کند، یا حرفه ای داشته باشد <.

مسابقه در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۱ - ۵

۵ - رقابت در

کار های پسندیده ، امری است شایسته و مورد سفارش خداوند .

سابقوا إلی مغفره من ربکم

مسلمانان و عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۵

۵ - مسلمانان در انجام کار های خیر ، به سه دسته ستمکار ، میانه رو و پیشتاز تقسیم می شوند .

فمنهم ظالم لنفسه و منهم مقتصد و منهم سابق بالخيرت

این برداشت، براساس دیدگاه برخی از مفسران است که اظهار داشته اند: قید <بالخیرات> در <سابق بالخیرات> قرینه بر این که ظلم به نفس و یا میانه روی، در مقایسه با <خیرات> سنجیده شده است. و به قرینه آمدن این قید در <سابق بالخیرات>، از جمله های <ظالم لنفسه> و <منهم مقتصد> حذف شده است.

ملاک استحقاق خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۷ - ۶

۶ خیرات و نعمت های خداوند بر پایه تفضل اوست نه بر اساس لیاقت و استحقاق انسان .

و إن یردک بخیر فلا راد لفضله

ممانعت از خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۸ - ۳

۳ - گروهی از شیاطین جنی ، درصدد فسادانگیزی و اخلال گری در کار خیراند .

و ءاخیرین مقرّنین فی الأصفاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - انسان ، به هنگام دستیابی به خیر و خوبی ، از بهره مند شدن دیگران از آن به شدت منع می کند .

و إذا مسّه الخیر منوعاً

ممنوعیت اطاعت از مانعان خیر

جلد -



نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۲ - ۳

۳ - اطاعت و اجابت خواسته های کسانی که بخیل و مانع خیراند ، ممنوع و حرام است .

و لا تطع كلّ .. مناع للخیر

منابع خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۹ - ۳

۳ - قرآن ، منبع خیر و برکت و موجب رشد و تعالی بشر

کتب أنزلنه إليك مبرک

<برکه> به معنای رشد و فزونی است و <مبارک> به چیزی گفته می شود که در آن رشد و فزونی باشد (مفردات راغب). مقصود از مبارک بودن قرآن این است که این کتاب، منبع خیر و برکت و مایه رشد و تعالی برای کسانی است که در آن تدبر کنند و درس بیاموزند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۲ - ۳

۳ - آسمان و زمین ، گنجینه های خیرات و روزی موجودات

له مقالید السموت و الأرض یبسط الرزق

از کلمه <مقالید> (کلیدها) و نیز جمله <یبسط الرزق>، مطلب یاد شده استفاده می شود.

منشأ خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۵ - ۴،۳

۳ - خداوند ، سرچشمه خیر ها و برکت ها برای انسانهاست .

أَنْ يَنْزِلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ

۴- نزول خیرها و برکتها از ناحیه خدا، پرتوی از ربوبیت او بر انسانهاست.

أَنْ يَنْزِلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ

برداشت فوق، با توجه به اسم <رب> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ خداوند ، خواهان خیر و سعادت انسان است .

کتب علیکم .. و اللّٰه یعلم ... عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۶ - ۱۷، ۱۴، ۱۲، ۳

۳ لزوم اقرار به مالکیت و قدرت مطلقه خدا ، و اینکه همه نیکی ها به دست اوست .

قل اللهم مالک الملک تؤتی الملک من تشاء .. بیدک الخیر

۱۲ اصل ، در مشیت الهی ، اعطای خیر و رحمت به انسان است .

تؤتی الملک من تشاء .. و تعزّ من تشاء

از تقدیم اعطای ملک بر گرفتن آن <تؤتی الملک .. و تنزع ... > ، و از تقدیم اعطای عزّت بر ذلّت <تعزّ من تشاء و تذللّ ... > ، مطلب فوق استفاده شده است .

۱۴ منشأ هر گونه خیر در هستی ، تنها خداوند است .

بیدک الخیر

انحصار در برداشت فوق (تنها .. ) ، مستفاد از تقدیم خبر بر مبتدا است و عموم (هر گونه ... ) ، مستفاد از الف و لام استغراق در <الخیر> .

۱۵ اراده و مشیت الهی ، جز به خیر تعلق نمی گیرد . \*

بیدک الخیر

۱۷ قدرت مطلق خداوند ، مقتضی نشأت یافتن هر خیری از جانب اوست .

بیدک الخیر انک علی کلّ شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ خداوند در بعضی از امور ناخوشایند انسان ، خیر بسیار قرار داده است .

فَعَسَىٰ أَن تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يُجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۸ - ۱۰، ۶۸

۶ خیرها را از جانب خدا دانستن و شرها را از ناحیه پیامبر (ص) پنداشتن، اندیشه برخی از مسلمانان عصر پیامبر (ص)

و ان تصبهم حسنه يقولوا هذه من عند الله و ان تصبهم سيئه يقولوا هذه من عندك

ظاهراً مراد از ضمیر در <تصبهم> مسلمانان ضعیف الایمان هستند. آنها می پنداشتند مشکلاتی که پس از مسلمان شدنشان به آنها روی آورده، از ناحیه پیامبر (ص) بوده است.

۸ خداوند، سرچشمه و منشأ همه امور (خوبی ها و بدی ها)

قل كل من عند الله

۱۰ نسبت دادن خوبی ها به خدا و بدی ها به پیامبر (ص) (ثبوت)، نشانه دوری کامل از درک دقیق معارف الهی

فمال هؤلاء القوم لا يكادون يفقهون حديثا

مراد از <حدیثا> به مناسبت مورد، معارف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۹ - ۱، ۷

۱ هر نیکی به انسان رسد، از خدا است و هر بدی به او رسد، از خود او.

ما اصابك من حسنه فمن الله و ما اصابك من سيئه فمن نفسك

اگر چه مخاطب این آیه پیامبر (ص) است، ولی مقصود از آن همه افراد هستند. چون بین پیامبر (ص) و دیگران از نظر احکام واقعی و حقیقی هیچ تفاوتی نیست.

۷ پیامبر (ص) رسولی در جهت خیر و سعادت مردم، نه منشأ شرور

و ان تصبهم سيئه يقولوا هذه من عندك . . . و ارسلناك للناس

جمله <وارسلناك للناس> (تو پیامبری سودمند بری مردم هستی)، در رد پندار کسانی است که وی را منشأ شرور معرفی می کردند: <يقولوا هذه من عندك>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۷ - ۱۲، ۸، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲

۲ هیچ موجودی توان جلوگیری از خیری را که خداوند به پیامبر(ص) برساند، ندارد.

و إن یمسک الله بخیر

۳ هیچ موجودی توان دفع آسیب و یا خیری را که از ناحیه خدا باشد، ندارد.

و إن یمسک الله بضر فلا کاشف له إلا هو و إن یمسک بخیر

۴ خداوند، قادر بر رساندن هر گونه خیر و ضرر به آدمی

و إن یمسک الله بضر... و إن یمسک بخیر فهو علی کل شیء قدیر

۵ تنها خدای قادر بر رساندن هر گونه ضرر و یا منفعت به آدمی، شایسته پرستش و ولایت می باشد.

أغیر الله أتخذ ولیا... و إن یمسک الله بضر... فهو علی کل شیء قدیر

۶ اقتدار بر رساندن هر گونه خیر و شر، از شؤون ولایت الهی است.

أغیر الله أتخذ ولیا... و إن یمسک الله بضر... فهو علی کل شیء قدیر

۸ تعدد منشأ برای خیر و شر، پنداری باطل و موهوم است.

و إن یمسک الله بضر فلا کاشف له إلا هو و إن یمسک بخیر فهو علی کل شیء قدیر

۱۲ برای رفع کاستیها و جلب خیر، تنها باید به خدا متکی و امیدوار بود.

و إن یمسک الله بضر فلا کاشف له إلا هو و إن یمسک بخیر فهو علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۵ - انعام - ۶ - ۱۸ - ۲،۵

۲ قدرت بدون رقیب خداوند در رساندن خیر و شر به آدمی، نشانه اقتدار و غلبه او بر تمامی بندگان

و إن یمسک الله بضر .. و هو القاهر فوق عباده

۵ نفع و ضرر رساندن خداوند به آدمیان بر اساس حکمت و آگاهی

و إن یمسک الله بضر فلا کاشف له إلا هو .. هو الحکیم الخیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۴ - ۱۴، ۱۳

۱۳ خداوند، سرچشمه افاضه خیرها و برکتها به تمام جهانیان

تبارک الله رب العلمین

۱۴ افاضه خیرها و برکتها بر جهانیان، برخاسته از ربوبیت خداوند است.

تبارک الله رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۱ - ۱۳

۱۳ خداوند، اعطاکننده خیر و نیکی به انسانها و رساننده آنان به مقامهای معنوی است.

لا أقول .. لن یؤتیهم الله خیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۶ - ۶

۶- همه خیرات و ارزشهای موجودات عالم، از آن خداوند است.

اینما یوجّه لایات بخیر

بی تردید همه موجودات از نوعی خیر و ارزش رسانی برخوردارند. بنابراین نفی خیررسانی از موجودات، دلیل بر این است که منشأ همه خیرات خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۹

۹- خداوند ، تنها خیر و نعمت به انسان ها عطا می کند .

إذا أنعمنا علی الإنسن . . . و



از اینکه در آیه خداوند منشأ نعمتها معرفی شده اما شرور به او نسبت داده نشده است نکته فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۱ - ۴

۴- اعطای خیر و برکت به موجودات ، در اختیار خداوند و به خواست او است .

و جعلنی مبارکاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۱۰

۱۰ - خداوند خیر محض و پاینده ترین موجود است .

والله خیر و أبقى

<خیر> در دو معنا به کار می رود: ۱ معنای وصفی (خیر مقابل شر) ۲ معنای تفضیلی در این آیه گر چه هر دو معنا قابل توجیه است، ولی در برداشت یاد شده معنای وصفی مورد نظر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۰ - ۱،۶

۱- قرآن ، منشأ برکات و خیرات فراوان و منافع بسیار و دائمی برای بشر

و هذا ذکر مبارک أنزلنه

مشارالیه <هذا> قرآن است که در اذهان حضور دارد و <البرکه> به معنای خیر بسیار و ثابت و سود فراوان است. توصیف قرآن به <مبارک> گویای این معنا است که قرآن منشأ خیرات و منافع بسیار برای بشر است.

۶- قرآن ، به عنوان کتاب بیدارگر و منشأ خیر و برکت ، قابل انکار و تردید نیست .

هذا ذکر مبارک أنزلنه أفأنتم له منکرون

خداوند، قرآن را به عنوان کتاب بیدارگر (ذکر) و مایه خیر و برکت (مبارک) معرفی کرده و سپس انکار این حقیقت از سوی

مشركان را مورد سرزنش قرار داده است. اين سرزنش مي

تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۰ - ۱۲

۱۲- پیامبران ، واسطه خیر رساندن به مردم از ناحیه خدا

داود . . . و علمنه صنعه لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۱

۱ - خداوند ، منشأ خیرات و برکات است .

تبارک الذی

<تبارک> (مصدر <تبارک>) هم می تواند از <برک> (لزم و ثبت) باشد وهم از <برکه> (خیر بسیار) (برگرفته از لسان العرب). برداشت یاد شده براساس احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲ - ۲

۲ فرمان روایی خداوند بر جهان هستی ، نشانگر منشأ خیرات بودن او برای جهانیان است .

تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده . . . الذی له ملک السموت و الأرض

برداشت یاد شده بر این مبنا استوار است که جمله <الذی له..> بدل برای جمله <الذی نزل...> باشد. بر این اساس، ارتباط میان مبارک بودن خداوند و پادشاهی او، حقیقت یاد شده را، می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۰ - ۱

۱ خداوند ، منشأ خیرات و برکات است .

تبارک الذی

<تَبَارُكٌ> (مصدر <تَبَارَكَ>) می تواند از <بَرَكٌ> (لزوم و ثبت) باشد. و یا از <بِرْكَه> (خیر بسیار) باشد (برگرفته از لسان العرب). برداشت فوق، براساس احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۱ - ۱

۱ خداوند ، منشأ خیرات

و برکات

تبارک الذی

<تَبَارُکَ> (مصدر <تَبَارَكَ>) می تواند از <بَرَکَ> (لَزَمَ و تَبَّت) و یا از <برکه> (خیر بسیار) باشد. برداشت فوق، بر پایه احتمال دوم است (برگرفته از لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸ - ۵

۵ - خدای تعالی، منبع خیرات و برکات

أَنْ بَرُکَ مِنْ فِي النَّارِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۵ - ۵

۵ - خدا، سرچشمه همه خوبی ها و زیبایی ها است .

و قَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ

ستایش، همواره در برابر کمال ها و زیبایی ها واقع می شود و به مقتضای <الحمد لله> که هر ستایشی را مخصوص خدا قرار داده، استفاده می شود که هر خوبی و حسن از آن او و او سرچشمه همه آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۱۵، ۱۴

۱۴ - خداوند، منشأ خیرات و برکات برای جهانیان

فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

<تَبَارُکَ> (مصدر <تَبَارَكَ>) چنانچه از برکت گرفته شده باشد، به معنای افاضه برکت ها و خیرها و اگر از بَرَکَ (لَزَمَ و تَبَّت) گرفته شده باشد، به معنای جاودانگی و همیشگی خواهد بود (برگرفته از لسان العرب).

۱۵ - افاضه خیرها و برکت ها بر جهانیان، برخاسته از ربوبیت خداوند است .

فتبارك الله ربّ العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۵ - ۶

۶- رعایت حرمت پیامبر ( ص ) ، دارای خیر و منفعت برای خود مؤمنان

و لو أنّهم صبروا... لكان خيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۸ - ۳،۵

۳ - خداوند ، سرچشمه همه خیر ها و برکت ها

تبرک اسم ربّک

<تبارک>، چنانچه از <بَرَکَ > (لزم و ثبت) گرفته شده باشد دربردارنده معنای جاودانگی است و اگر از <برکه > گرفته شده باشد، متضمن افاضه خیرها و برکت ها است.

۵ - افاضه خیر ها و برکت ها ، برخاسته از ربوبیت خداوند

تبرک اسم ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱ - ۲،۴،۷

۲ - خداوند ، منشأ خیرات و برکات است .

تبرک

۴ - افاضه خیر ها و برکت ها از سوی خداوند ، برخاسته از فرمانروایی انحصاری او بر جهان است .

تبرک الذی بیده الملك

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <الذی بیده الملك > می تواند در مقام توضیح و تبیین <تبارک > باشد.

۷ - افاضه خیر ها و برکت ها از سوی خداوند ، برخاسته از قدرت مطلق و بی پایان او است .

تبرک الذی .. هو علی کلّ شیء قدیر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که جمله <هو علی کلّ شیء قدیر > می تواند در مقام توضیح و تبیین <تبارک > قرار داشته باشد.

منشأ خیر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۴ - ۴

۴ - خیر دنیا و آخرت ، به دست خداوند است .

رَبِّكَ . . . و لِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى

منشأ خیر بودن محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ -



۱ - خداوند ، پیامبر ( ص ) را از خوبی های فراوان برخوردار ساخت .

إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ

بر حروف اصلی <کوثر> (کاف، ثاء و راء)، حرف <واو> اضافه شد تا بر افزون بودن وصف کثرت دلالت کند؛ این کلمه نام نهری در بهشت نیز می باشد (مقایس اللغه). به مردی که سرور و دارای خیر فراوان باشد <کوثر> گفته می شود (صباح) و در معنای آن، عدد فراوان نیز گفته شده است. (مصباح)

منشأ خیر دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۴ - ۴

۴ - خیر دنیا و آخرت ، به دست خداوند است .

رَبِّكَ ... و لِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى

موارد خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۳

۳ - ثروت و دارایی خیر است .

إِنْ تَرَكَ خَيْرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۴ - ۱۹، ۲۱، ۱۷، ۱۵

۱۵ - تکالیف دینی اگر از سر میل و رغبت انجام گیرد ، در پی دارنده ثمراتی نیکوست .

فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ

<تطوع> از طاعت (پیروی کردن) گرفته شده است و چون متعدی استعمال شده، متضمن معنای <آتی> (انجام داد) نیز می

باشد. بنابراین <فمن تطوع خيراً...> یعنی، هر کس کار نیکی را از روی طاعت به جا آورد.

۱۷ - پرداخت فدیة به جای روزه - در صورت مشقت بار بودن روزه - از اعمال خیر است .

و علی الدین یطیقونه فدیة . . . فمن تطوع خيراً

۱۹ - روزه از اعمال خیر و در بردارنده

منافعی برای روزه داران است .

و أن تصوموا خیر لکم

۲۱ - تنها افراد دانا ، به نیکویی و منفعت بخشی روزه آگاهند .

و أن تصوموا خیر لکم إن کنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۵ - ۴،۱۴

۴ دارای های انسان ، خیر است .

قل ما انفقتم من خیر

<من خیر>، بیان <ما> در <ما انفقتم> است.

۱۴ انفاق ، عملی پسندیده و خیر است .

ما انفقتم من خیر .. و ما تفعلوا من خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۰ - ۶،۹

۶ اصلاح امور ایتام ، خیر است .

اصلاح لهم خیر

۹ معاشرت و اصلاح امور ایتام ، بهتر از پرهیز از معاشرت با آنان است .

و یستلونک عن الیتامی قل اصلاح لهم خیر و ان تخالطوهم فاحوانکم

بنابراینکه <خیر>، افعال التفضیل باشد. گویا مسلمانان به خاطر آیات شدیداللحنی که درباره چگونگی رفتار با ایتام و اموال آنان نازل شده بود از معاشرت با آنان پرهیز داشتند که آیه مزبور، پرهیز را رد کرده و معاشرت برادرانه و دخالت اصلاح طلبانه در امور آنان را تجویز کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۳ رعایت حقوق زنان ، یتیمان ، مستضعفان و اقامه قسط ، از مصادیق بارز خیرات و نیکیها

و ما تفعّلوا من خیر فإنّ الله کان به علیماً

<من خیر> می تواند اشاره به تکالیفی باشد که در آیه آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال

۴ خیر و صلاح انسان ها در پرهیز از ستیزه جویی با خدا و رسول او

و إن تنتهوا فهو خیر لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳ - ۹

۹ اسلام ، مایه خیر و سعادت انسانهاست .

فإن تبتم فهو خیر لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۹ - ۴

۴ خیر و رستگاری واقعی ، دستیابی به بهشت و زندگی جاودان بهشتی است .

أولئک لهم الخیرت و أولئک هم المفلحون. أعد الله لهم جنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۳۷

۳۷ - شب زنده داری ، تلاوت قرآن ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و انفاق ، از مظاهر نیکوکاری و مصداق های بارز کار های

خیر

تقوم أدنی من ثلثی الیل .. فاقراءوا ما تیسر من القرءان ... و ما تقدّموا لأنفسک

موانع خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۶

۶ شراب و قمار ، موجب گُندی و بازماندن انسان از ثواب و خیر

قل فیہما اثم کبیر

<الاثم>: اسم للافعال المبطئه عن الثواب (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۳ - ۴

۴ رفتار و کردار بازدارنده از خیر و ثواب، از محرمات الهی است.

إنما حرم ربی . . . الإثم

کلمه <الاثم> به معنای افعالی است که مایه تأخیر در رسیدن به ثواب می شود. (مفردات راغب).

موجبات خیر

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۵

۵ قرآن ، مایه خیر و برکت بسیار برای انسان های مؤمن

تبارک الذی نزل الفرقان

برداشت فوق به خاطر این نکته است که قرآن، برای انسان ها نازل شده است. پس برکات و خیرات این کتاب مبارک هم به انسان ها باز خواهد گشت.

موفقیت در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۲۶

۲۶ موفقیت آدمی در انجام کار های نیک ، در گرو امداد و یاری خداوند است .

و ما توفیقی إلا بالله

نزول خیر بر مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۵ - ۲۸

۲ - کفرپیشگان ( یهود ، نصارا و مشرکان ) ناخشنود از نزول کمترین خیر ، بر مسلمانان

ما یودّ الذین کفروا .. أن ینزل علیکم من خیر

نکره آوردن <خیر> به همراه <من> زایده در آیه، حکایت از آن دارد که: مشرکان کمترین خیری را برای مسلمانان نمی پسندیدند.

۸ - ناخشنودی کفرپیشگان از نایل شدن مؤمنان به خیر و برکت ، بازدارنده رحمت الهی بر اهل ایمان نخواهد شد .

ما یودّ الذین کفروا .. أن ینزل علیکم من خیر و اللّٰه یختص برحمته من یشاء

نشانه های خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۱ - ۹

۹ آفرینش ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، جلوه ای از برکات و خیرات خداوند .

تبارك الذی جعل فی السماء بروجًا . . . و قمرًا منیرًا

نیت



در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۴ - ۸

۸ - خوبی هر کار ، علاوه بر صدور آن به نیت خیر ، در گرو هماهنگی آن با سایر خواسته ها و دستورات خداوند است .

و ما أعجلک . . . و عجلت إلیک ربّ لترضی

با وجود آن که موسی(ع) در تعجیل خود، نیت خیر داشته است؛ ولی بازخواست شدن او دال بر این مطلب است که صرف داشتن نیت خیر، برای برتری یافتن عمل کافی نیست؛ بلکه باید با ادله دیگر آن عمل را سنجید. اگر در تعارض نبود، آن گاه بدان اقدام کرد.

نیت عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۵ - ۸

۸ - نیت عمل خیر و فراهم ساختن زمینه های انجام آن ، برابر است با انجام کامل آن در پیش الهی

قد صدّقت الرّءیا إنّنا کذلک نجزی المحسنین

برداشت یاد شده از آن جا است که ابراهیم(ع) به قصد قربانی کردن فرزندش اسماعیل، تمامی مقدمات آن را تا خواباندن وی بر زمین و به دست گرفتن کارد انجام داد و خداوند همین مقدار از تلاش آن حضرت را، انجام کامل ذبح تلقی فرمود و از ایشان قبول کرد.

واسطه خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۰ - ۱۲

۱۲ - پیامبران ، واسطه خیر رساندن به مردم از ناحیه خدا

داود . . . و علّمه صنعه لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم

وعدہ پاداش عمل خیر

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ -

۶- ترغیب به کار خیر و وعده پاداش به آن ، مقدم بر تهدید در امر تربیت

فمن يعمل مثقال ذره خیراً یره . و من يعمل مثقال ذره شراً یره

هماهنگی ممانعت از خیر با حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۲

۲ کفر ، حق ستیزی ، سد کردن راه خیر و خوبی ، تجاوز و شک آفرینی ، حلقه هایی به هم پیوسته

فی جهنم کل کفار عنید . مناع للخیر معتد مرید

هماهنگی ممانعت از خیر با شبهه افکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۲

۲ کفر ، حق ستیزی ، سد کردن راه خیر و خوبی ، تجاوز و شک آفرینی ، حلقه هایی به هم پیوسته

فی جهنم کل کفار عنید . مناع للخیر معتد مرید

هماهنگی ممانعت از خیر با کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۲

۲ کفر ، حق ستیزی ، سد کردن راه خیر و خوبی ، تجاوز و شک آفرینی ، حلقه هایی به هم پیوسته

فی جهنم کل کفار عنید . مناع للخیر معتد مرید

خیر و شر

{خیر و شر}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۶ - ۱۵، ۱۲، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲

۲ جنگ و خونریزی ، امری ناخوشایند برای انسان

کتب علیکم القتال و هو کُره لکم

۳ وجود اموری ناخوشایند که نهایتاً برای انسان خیر است .

عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم

۴ وجود

اموری خوشایند ، که نهایتاً برای انسان شرّ است .

و عسی ان تجبوا شیئاً و هو شر لکم

۵ جنگ و جهاد ، امری خیر برای مؤمنان ، علی رغم ظاهر ناخوشایند آن

کتب علیکم القتال و هو کره لکم و عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم

۶ خوشایندی و ناخوشایندی انسان ، ملاک خیر و شر نیست .

و عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم

۱۲ آگاهی خداوند به مصالح و مفاسد احکام و خیر و شر امور

و الله يعلم و انتم لا تعلمون

۱۵ محدودیت آگاهی انسان ، نسبت به کلیه مصالح و مفاسد احکام و خیر و شر امور

و انتم لا تعلمون

خیرخواهان

خیرخواهان برای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۱۱

۱۱ خیرخواهان برای خدا و رسول ، از محسنانند .

إذا نصحو لله و رسوله ما علی المحسنین من سییل

خیرخواهان قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۱۱

۱۱ - قوم خیرخواه قارون ، خواهان بسنده کردن وی به سهم خویش و صرف کردن مازاد آن در راه خدا

و لاتنس نصيبك من الدنيا

خير خواهان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۱۱

۱۱ خير خواهان برای خدا و رسول ، از محسنانند .

إذا نصحو لله و رسوله ما على المحسنين من سبيل

خير خواهان موسى(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۰ - ۷

۷ - مرد ناشناس ، از جمله خير خواهان موسى ( )

ع) بود .

إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ

قبول مواعظ خیرخواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۹

۹ ضرورت محبت به خیرخواهان جامعه و پذیرش پند ها و نصایح آنان

و لکن لاتحبون الناصحین

قوم ثمود و خیرخواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۷

۷ اشراف کفرپیشه قوم ثمود ، بیزار از خیرخواهان و نصیحت گران

نصحت لکم و لکن لاتحبون الناصحین

محبت به خیرخواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۹

۹ ضرورت محبت به خیرخواهان جامعه و پذیرش پند ها و نصایح آنان

و لکن لاتحبون الناصحین

خیرخواهی

{خیرخواهی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ تحریک احساسات خیرخواهانه ، از روش های قرآن ، جهت ایجاد انگیزه برای انجام وظایف

مَتَّوْهِنٌ .. حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ

معمولاً جمله هایی نظیر <نیکوکاران چنین و چنان می کنند> که حکم، مستند به نیکوکاران و امثال آنان شده، برای تحریک حس خیرخواهی و نیکوکاری است که خداوند، از این روش استفاده کرده است.

آثار اعراض از خیرخواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۸

۸ جوامع بی اعتنا به پیام های الهی و بیزار از خیرخواهی نصیحت گران ، در خطر هلاکت و نابودی

فَأَخَذْتَهُمُ الرِّجْفَ .. نَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّصِيحَةَ

آثار خیرخواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹



۱۲ اشخاص معذور و معاف شده از جهاد ، در صورت داشتن حسن نیت و خیرخواه بودن ، از محسنان به حساب می آیند .

ليس على الضعفاء .. إذا نصحوا لله ورسوله ما على المحسنين من سبيل

۱۳ اشخاص معذور از جهاد ، در صورت خیرخواهی برای دین و رهبر جامعه اسلامی ، مصون از عذاب و کیفر تخلف از جنگ

الذين كفروا منهم عذاب أليم .. ما على المحسنين من سبيل

۱۴ معاف شدگان از جهاد ، در صورت داشتن حسن نیت و خیرخواه بودن ، باید از هر گونه تعرض در جامعه مصون باشند .

ليس على الضعفاء .. إذا نصحوا لله ورسوله ما على المحسنين من سبيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - حاکمیت رحمت الهی بر جامعه ، منوط به خیرخواهی آحاد مردم نسبت به یکدیگر \*

إنما المؤمنون إخوة فأصلحوا بين أخويكم و اتقوا الله لعلكم ترحمون

خطاب <لعلكم ترحمون> عام است و به حاکمیت رحمت الهی بر عموم جامعه نظر دارد و صدر آیه، حرکت اصلاح آفرین افراد جامعه را شرط این رحمت فراگیر قلمداد کرده است.

آثار خیرخواهی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۸ - ۱۶

۱۶ - اقدامات خردمندان و حرکت های خیرخواهانه اجتماعی اهل ایمان ، مکمل عبادت های فردی آنان است .

و أقاموا الصلوة و أمرهم شوری بينهم و ممّا رزقنهم ینفقون

ارزش خیرخواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۹ خیرخواهی برای مردم ، از ارزش های متعالی در ادیان الهی

و أنصح لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۸ - ۱۱

۱۱ خیرخواهی و امین بودن ، از ارزش های متعالی در ادیان الهی

و أنا لكم ناصح أمين

اشتهار به خیرخواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۸ - ۸

۸ هود در میان قومش به درستکاری و خیرخواهی شهرت داشت .

أبلغکم . . . و أنا لكم ناصح أمين

آوردن <ناصح> و <امین> به صورت وصف، در مقابل بیان تبلیغ رسالت به صورت فعل <أبلغکم>، می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که خیرخواهی و درستکاری هود(ع) مخصوص زمان رسالت وی نبوده بلکه پیش از آن نیز بدان شهرت داشته است.

اشراف قوم ثمود و خیرخواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۴ - ۱

۱ - مبارزه اشراف جامعه پس از نوح با پیامبرشان ، در چهره خیر اندیشی و مصلحت طلبی برای مردم

و لئن أطعتم بشرًا . . . لخصرون

اشراف قوم عاد و خیرخواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۴ - ۱

۱ - مبارزه اشرف جامعه پس از نوح با پیامبرشان ، در چهره خیر اندیشی و مصلحت طلبی برای مردم

و لئن أطمعتم بشرًا .. لخسرون

اصالت خیرخواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱ - ۲

۲- خیرطلبی در انسان ، اصیل و در پی شرّ بودنش

، تبعی و غیر اصیل است .

و يدع الإنسن بالشرّ دعاءه بالخیر

برداشت فوق از تشبیه شرخواهی انسان به طالب خیر بودنش استفاده گردیده است؛ یعنی، همان طور که انسان همواره و به طور طبیعی و اصیل طالب خیر است، به دنبال شر هم خواهد رفت.

اظهار خیرخواهی برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۸

۸ فرزندان یعقوب در حضور او ، بر خیرخواهی خویش نسبت به یوسف (ع) تأکید کردند .

ما لك لا تأمنا علی یوسف و إنا له لنصحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۴

۴ برادران یوسف با اظهار علاقه به رفع نیازهای طبیعی یوسف (ع) (حضور در مرتع و گردش و بازی) درصدد اثبات خیرخواهی خویش نسبت به او بودند .

و إنا له لنصحون. أرسله معنا غداً یرتع و یلعب

<رتع> (مصدر یرتع) استفاده فراوان از خوراکیها و نوشیدنیهای باغستانها ، مزارع و مراتع است.

اظهار خیرخواهی شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۸ - ۵

۵ - تأکید شعیب (ع) بر خیرخواهی خود ، مبنی بر تضمین منافع مردم <ایکه> در پرتو رسالت وی

إنی لکم رسول أمين

برداشت یاد شده با توجه به قید <لکم> (با لام انتفاع) استفاده می شود.

اظہار خیرخواہی صالح (ع)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۳ - ۵

۵ - تصریح صالح (ع) بر خیرخواہی خود و تضمین منافع ثمودیان

در پرتو رسالت خویش

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

برداشت یاد شده، با توجه به قید <لکم> (همراه با لام انتفاع) استفاده می شود.

اظهار خیرخواهی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۲ - ۵

۵ - تصریح لوط (ع) بر خیرخواهی خود و تضمین منافع ثمودیان در پرتو رسالت وی

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

برداشت یاد شده با توجه به قید <لکم> (برای شما) به دست می آید.

اظهار خیرخواهی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۷ - ۵

۵ - تلاش نوح (ع) برای نمایاندن خیرخواهی خود و تضمین منافع قومش در پرتو رسالت خویش

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

برداشت یاد شده با توجه به قید <لکم> به دست می آید.

اظهار خیرخواهی هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۵ - ۵

۵ - تصریح هود (ع) بر خیرخواهی خود و تضمین منافع عادیان در پرتو رسالت خویش

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

برداشت یاد شده با توجه به قید <لکم> با لام انتقاع استفاده می شود.

اهمیت خیرخواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - حاکمیت رحمت الهی بر جامعه ، منوط به خیرخواهی آحاد مردم نسبت به یکدیگر \*

إنما المؤمنون إخوة فأصلحوا بين أخويكم و اتقوا الله لعلکم ترحمون

خطاب <لعلکم ترحمون> عام است و به حاکمیت رحمت الهی بر عموم جامعه نظر دارد و صدر آیه، حرکت اصلاح آفرین افراد جامعه را شرط این رحمت فراگیر قلمداد



کرده است.

تظاهر به خیرخواهی رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۸ - ۳،۵

۳ - پیشوایان شرک با تظاهر به خیرخواهی ، عامل اصلی فریب خوردن و دور شدن از مسیر خیر و حق در دیدگاه مشرکان گمراه شده

قالوا إنکم کنتم تأتوننا عن الیمین

<یمین> می تواند مشتق از <یمن> (خیر و برکت) باشد. بر این اساس، معنای آیه چنین می شود: شما از سر خیرخواهی به سراغ ما می آمدید. اما متعدی شدن فعل <تأتوننا> به <عن> که برای مجاوزت است موجب می شود که این کلمه متضمن معنای <تصددنا> که متناسب با معنای مجاوزت است باشد. بر این اساس، پیام اصلی آیه چنین خواهد بود: شما بودید که در ظاهر از سر خیرخواهی به سراغ ما آمده و ما را از مسیر حق و خیر گمراه می کردید.

۵ - استفاده از قدرت و تظاهر به خیرخواهی ، از روش های پیشوایان کفر و شرک برای فریب و گمراهی توده ها

قالوا إنکم کنتم تأتوننا عن الیمین

تظاهر به خیرخواهی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۰ - ۷

۷ - پوشش خیرخواهی ، روش شیطان برای وسوسه در دل آدمیان و فریب آنان

فوسوس إلیه الشیطن فقال هل أدلک

تظاهر به خیرخواهی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۶ - ۱۳

۱۳ - تظاهر به خیرخواهی و صلاح اندیشی ، برای دین و دنیای مردم از سوی فرعون

إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي

## الأرض الفساد

خیرخواهی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۶ - ۳

۳ - ابراهیم (ع) برای قوم خود ، خیرخواه بود .

و إبراهيم إذ قال لقومه اعبدوا الله .. ذلكم خير لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۴ - ۳

۳ - قوم ابراهیم ، برای رویارویی با خیرخواهی او برای آنان ، به خشونت متوسل شدند .

و إبراهيم إذ قال لقومه .. ذلكم خير لكم ... فما كان جواب قومه إلا أن قالوا اقتلوا

خیرخواهی ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۶ - ۷

۷ ادیان الهی خواستار بهبود وضع اقتصادی مردم و خواهان برخورداری آنان از انواع خیر ها و برکت های مادی

لفتحنا عليهم برکت من السماء و الأرض

خیرخواهی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۲ - ۸

۸ پیامبران الهی ، خیرخواه امت های خویش

و أنصح لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۸ - ۹

۹ پیامبران ، خیرخواه امت های خویش و انسانهایی امین و درستکار

و لکنی رسول . . . و أنا لکم ناصح أمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۲

۲ پیامبران الهی در اندیشه رساندن امت خویش به حیاتی زیننده و نیکو در دنیا و سعادت و نیکبختی در آخرت

و اکتب لنا فی هذه الدنيا حسنه و فی الاخره

## خیرخواهی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱ - ۱،۲

۱- انسان ، شرّ و بدی را چونان خیر و خوبی ، طالب و خواستار است .

و یدع الإنسن بالشرّ دعاءه بالخیر

مراد از <دعا> مطلق درخواست است اعم از اینکه به لفظ دعا باشد و یا به غیر آن.

۲- خیرطلبی در انسان ، اصیل و در پی شرّ بودنش ، تبعی و غیر اصیل است .

و یدع الإنسن بالشرّ دعاءه بالخیر

برداشت فوق از تشبیه شرخواهی انسان به طالب خیر بودنش استفاده گردیده است؛ یعنی، همان طور که انسان همواره و به طور طبیعی و اصیل طالب خیر است، به دنبال شر هم خواهد رفت.

خیرخواهی برای خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۳

۳ - خیرخواهی برای اعضای خانواده و تربیت دینی آنان ، تکلیفی بایسته برعهده سرپرست و مدیر خانواده

قوا .. أهلیکم نارًا

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که مصداق اصلی تلاش برای حفاظت اعضای خانواده از دوزخی شدن آنان، تربیت دینی آنان و گزینش راه و روش خیرخواهانه در این راستا است.

خیرخواهی برای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۷

۷ معاف شدگان از جنگ ، باید در پشت جبهه حمایتگر رزمندگان و خیرخواه خدا و رسولش باشند .

ليس على الضعفاء .. إذا نصحوا لله ورسوله

خير خواهی برای دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۱۳، ۱۰، ۹

۹ لزوم

خیرخواهی مؤمنان برای دین و پیامبر (ص) و رهبر الهی

إذا نصحوا لله ورسوله

۱۰ خیرخواهی برای دین و رهبر الهی، تکلیفی همگانی و ساقط نشدنی

لیس علی الضعفاء... إذا نصحوا لله ورسوله

برداشت فوق بدان دلیل است که جهاد در موارد ضعف، بیماری و تهیدستی ساقط می شود ولی <نصح> (خیرخواهی) ساقط نمی شود.

۱۳ اشخاص معذور از جهاد، در صورت خیرخواهی برای دین و رهبر جامعه اسلامی، مصون از عذاب و کیفر تخلف از جنگ

الذین كفروا منهم عذاب أليم... ما علی المحسنین من سبیل

خیرخواهی برای رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۱۳، ۱۰، ۹

۹ لزوم خیرخواهی مؤمنان برای دین و پیامبر (ص) و رهبر الهی

إذا نصحوا لله ورسوله

۱۰ خیرخواهی برای دین و رهبر الهی، تکلیفی همگانی و ساقط نشدنی

لیس علی الضعفاء... إذا نصحوا لله ورسوله

برداشت فوق بدان دلیل است که جهاد در موارد ضعف، بیماری و تهیدستی ساقط می شود ولی <نصح> (خیرخواهی) ساقط نمی شود.

۱۳ اشخاص معذور از جهاد، در صورت خیرخواهی برای دین و رهبر جامعه اسلامی، مصون از عذاب و کیفر تخلف از جنگ

الذین كفروا منهم عذاب أليم... ما علی المحسنین من سبیل

خیرخواهی برای محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۷،۹

۷ معاف شدگان از جنگ ، باید در پشت جبهه حمایتگر رزمندگان و خیرخواه خدا و رسولش باشند .

لیس علی الضعفاء .. إذا



نصحوا لله ورسوله

۹ لزوم خیرخواهی مؤمنان برای دین و پیامبر (ص) و رهبر الهی

إذا نصحوا لله ورسوله

خیرخواهی برای مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۶

۶ صالح ، پیامبری دلسوز و خیرخواه مردم

و نصحت لكم

خیرخواهی برای مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۱ - ۷

۷- خداوند ، حامی مؤمن و تقدیر کننده خیر و مصلحت برای او است .

فكان أبواه مؤمنين .. فأردنا أن يبدلهما ربّهما خيراً منه زكوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۱۷

۱۷ - مؤمنان نمی توانند در برابر جامعه خویش بی تفاوت باشند ؛ بلکه باید برای دوستان و همکیشان خود ، خیرخواه و نسبت به کافران و دشمنان اصلاح ناپذیر ، آرزوی نابودی کنند .

ربّ اغفر لی ... و للمؤمنين و المؤمنات و لا تزد الظالمين إلاّ تباراً

برداشت یاد شده، از دعای خیر نوح(ع) برای مؤمنان و نفرین علیه کافران و دشمنان دعوتش، استفاده می شود.

خیرخواهی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۲۱

۲۱ دعا برای صلاح و نیک شدن همسر و فرزندان و خیرخواهی برای ایشان ، از اوصاف بندگان خالص خدا و امری پسندیده و مورد تشویق خداوند

و الذین یقولون ربنا هب لنا من أزواجنا و ذریتنا قره أعین و اجعلنا للمتقین إِم

خیرخواهی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص

۱۳ - رواج اخلاق خیرخواهی و امر به معروف و نهی از منکر ، در میان مردم عصر موسی

و ابتغ فیما یتیک الله الدار الآخره و لاتنس نصیبک من الدنیا و أحسن

خیرخواهی پیروان موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۰ - ۶

۶ - موسی (ع) ، برخوردار از هواداران وفادار ، دلسوز و خیرخواه در کاخ فرعون

إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ

تعبیر <من الناصحين> نشانگر آن است که هواداران موسی در کاخ فرعون بسیار بودند و مرد ناشناس تنها یکی از آنان بود.

خیرخواهی حبیب نجار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۰ - ۵

۵ - حبیب نجار ، مردی خیرخواه و در امر دین کوشا بود .

و جاء من أقصا المدینه رجل یسعی

برداشت یاد شده از تعبیر <یسعی> استفاده شده است که صفت برای <رجل> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۷ - ۵

۵ - خیرخواهی مؤمن انطاکیه ، برای مردمش حتی پس از مرگ خود

قیل ادخل الجنه قال یلیت قومی یعلمون . بما غفر لی ربی و جعلنی من المکرمین

برداشت یاد شده از آن جا است که مؤمن انطاکیه بعد از شهادت خود، به فکر مردمش بوده و آرزو می کرد که آنان آگاه

شوند.

خیرخواهی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۸ - ۱۳

۱۳ لطف و عنایت و خیرخواهی خداوند نسبت به بندگان

إِنَّ اللَّهَ نَعَمًا يُعْظِمُكُمْ بِهِ

با توجه به

کلمه <موعظه> که در آن خیرخواهی و لطف و عنایت موعظه کننده نهفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ - ۲۸

۲۸ خیراندیشی و فرجام نگری ، مبنای توصیه های خداوند

ذلک خیر و احسن تاویلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۱ - ۷

۷- خداوند ، حامی مؤمن و تقدیر کننده خیر و مصلحت برای او است .

فکان أبواه مؤمنین .. فأردنا أن یبدلھما ربّھما خیرًا منہ زکوة

خیرخواهی دایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۲ - ۹

۹ - خیرخواهی و توانمندی بر دایگی و پرستاری ، از معیار های بایسته برای گزینش دایه و سرپرست برای فرزندان شیرخوار

قالت هل أدلکم علی أهل بیت یکفلونہ لکم و ہم له نصحون

خیرخواهی در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۲ - ۹

۹ خیرخواهی برای مردم ، از ارزش های متعالی در ادیان الهی

و أنصح لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ خیرخواهی و امین بودن ، از ارزش های متعالی در ادیان الهی

و أنا لکم ناصح أمین

خیرخواهی ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۴ - ۴

۴- قوم درگیر با یاجوج و ماجوج ، به ذوالقرنین و به توان مندی و خیرخواهی وی اذعان کردند .

قالوا یذا القرنین إنَّ یأجوج و ماجوج مفسدون فی الأرض

با این که

<ذوالقرنین> بومی منطقه مورد بحث نبود، ولی با قرائن و شواهد و دیدن قدرت علمی و اجرایی او، مردم، به این نکته واقف شدند که او، کسی است که می تواند سدّی غیر قابل نفوذ در برابر حملات دشمنان برای آنان برپا کند و نیز به خیر خواهی او و این که او غرضی مادی و قصدی سلطگراانه ندارد، پی بردند، لذا پیشنهاد خود را با او مطرح کردند.

خیرخواهی شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۳ - ۷۸

۷ شعیب (ع) ، پیامبری دلسوز و خیرخواه مردم

و نصحت لکم

۸ خیرخواهی شعیب تنها در جهت منافع مردم بود ، نه آمیخته به منفعت های شخصی خویش

و نصحت لکم

<لام> در <لکم> اشاره به خلوص شعیب در خیرخواهیش دارد.

خیرخواهی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۱ - ۱

۱ شیطان با سوگند دروغ و مؤکد خویشتن را از خیرخواهان آدم و حوا قلمداد کرد.

و قاسمهما إنی لکما لمن النصحین

به کارگیری فعل <قاسم> از باب مفاعله می تواند برای تأکید باشد. یعنی شیطان با سوگند مؤکد سخنش را به آنان القا کرد.

خیرخواهی صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۶

۶ صالح ، پیامبری دلسوز و خیرخواه مردم

و نصحت لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۵ - ۴

۴ - موضع صالح (ع) در میان جامعه خود ، موضعی برادرانه و خیرخواهانه

و لقد أرسلنا إلی



ثمود أأاهم صلأًا

واژه <أأاهم> چه دلالت بر خویشاوندی داشته باشد یا نداشته باشد، در هر صورت عطف و رحمت صالح پیامبر را نسبت به قومش می رساند.

خیرخواهی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۹ - ۱۵

۱۵ - فرعون ، خود را فردی خیرخواه و پایبند به اندیشه ها و عقاید خویش و نیز به دور از دورویی معرفی کرد .

قال فرعون ما أریکم إلا ما أری

برداشت یاد شده از آن جااست که فرعون با گفتن <ما أریکم إلا ما أری> (من جز آنچه را که تشخیص می دهم به شما ارائه نمی دهم)، می خواست خویشتن را فردی صادق، خیرخواه و پایبند به اندیشه ها و نظرات خود، جلوه دهد.

خیرخواهی لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۲

۲ - تصمیم قوم لوط مبنی بر اخراج و تبعید لوط (ع) و خانواده اش ، تنها پاسخ آنان به هشدار های خیرخواهانه او

فما كان جواب قومه إلا أن قالوا أخرجوا آل لوط من قريتك

خیرخواهی مبلغان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۲ - ۱۰

۱۰ مبلغان دین باید خیرخواه مردم بوده و نصایح خویش را آمیخته به منافع شخصی نسازند .

أبلغکم رسل ربی و أنصح لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ مبلغان دین باید خیرخواه مردم باشند و خیرخواهی خویش را به منافع شخصی آمیخته نسازند .

أبلغکم رسلت ربی و أنا لکم ناصح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۳ - ۹

۹ مبلغان دین باید خیرخواه مردم و نصایح خویش را به منافع شخصی آمیخته نسازند .

و نصحت لکم

خیرخواهی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۶ - ۴

۴ - اهتمام تقوایندگان به سعادت اخروی خانواده خویش و خیر خواهی شدید نسبت به آنان

قالوا إنا كنا قبل في أهلنا مشفقين

خیرخواهی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۱ - ۸،۱۱

۸ گوش فرادادن پیامبر (ص) به سخن همه مردم ، در جهت منافع آنان و به خطر و صلاح جامعه

و يقولون هو أذن قل أذن خیر لکم

برداشت فوق بدین احتمال است که اضافه <أذن> به <خیر>، از باب اضافه موصوف به صفت باشد ؛ یعنی، پیامبر(ص) شنوای خوبی است برای شما و این صفت در جهت صلاح جامعه ایمانی است.

۱۱ ترتیب اثر دادن پیامبر (ص) ، تنها به سخنانی بود که در جهت منافع مؤمنان باشد .

و يقولون هو أذن قل أذن خیر لکم ... و يؤمن للمؤمنين

برداشت فوق با توجه به <لام> در <للمؤمنين>، که برای افاده منفعت است، استفاده می شود.

خیرخواهی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۲ - ۱۳

۱۳ خیرخواهیهای مشرکان مبنی بر زیانبار بودن حضور مؤمنان ضعیف در کنار پیامبر(ص) نباید موجب طرد و محرومیت آنان از محضر پیامبر(ص) گردد.

ما علیک من حسابهم من شیء و ما من حسابک

عليهم من شيء فتطردهم

<حسابهم> می تواند اضافه مصدر به فاعل خود (هم) باشد / یعنی حسابگریهای مشرکان درباره مؤمنان و فقر و محرومیت آنها.

خیرخواهی معذوران از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۱۳، ۱۲

۱۲ اشخاص معذور و معاف شده از جهاد ، در صورت داشتن حسن نیت و خیرخواه بودن ، از محسنان به حساب می آیند .

ليس على الضعفاء .. إذا نصحوا لله ورسوله ما على المحسنين من سبيل

۱۳ اشخاص معذور از جهاد ، در صورت خیرخواهی برای دین و رهبر جامعه اسلامی ، مصون از عذاب و کیفر تخلف از جنگ

الذين كفروا منهم عذاب أليم .. ما على المحسنين من سبيل

خیرخواهی مکذبان آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱ - ۳

۳- منکران آخرت شرّ و بدی را بسان خیر و خوبی خواستارند .

و أن الذين لا يؤمنون بالآخرة .. و يدع الإنسان بالشرّ دعاءه بالخیر

برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که مقصود از <الإنسان> مطلق انسانها نباشد چنانکه برخی از مفسّران گفته اند / بلکه الف و لام <الإنسان> برای عهد ذکری است و اشاره به منکران معاد می باشد که در آیه قبل (الذين لا يؤمنون بالآخرة ..) آمده است.

خیرخواهی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ دروغگویی منافقان ، در ادعای خیرخواهی و صلحجویی

ان اردنا الا احساناً و توفيقاً. اولئك الذين يعلم الله ما في قلوبهم

خیرخواهی موسی (ع)

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱۴

۱۴ - موسی (ع) خیر و سعادت مرتدان قومش را در توبه و کشتن یکدیگر دانست .

فاقتلوا أنفسکم ذلکم خیر لکم عند بارئکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۱ - ۱

۱ - پرسش مؤمن آل فرعون از قوم خود ، درباره انگیزه مخالفت آنان با دعوت و خیرخواهی های او

و یقوم مالی ادعوکم إلى النجوه و تدعوننی إلى النار

گفتنی است که به قرینه خطاب در جمله حالیه <تدعوننی ..>، عبارت <مالی> در اصل <مالکم> می باشد. این جمله در زبان عرب به جای <أخبرونی عنکم> (از حالتان به من خبر دهید) به کار می رود و مقصود از آن پرسش از انگیزه و دلیل وضعیت به وجود آمده از مخاطب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۸ - ۵

۵- تذکر موسی (ع) به فرعونیان ، نسبت به خیراندیشی خود در پیشنهاد رهایی بنی اسرائیل

أن أدوا .. إتی لکم رسول أمين

لام در <لکم> برای منفعت و <رسول أمين> تأکیدی بر رعایت امانت در نصیحت است؛ یعنی، بنی اسرائیل را رها کنید و بدانید که در این پیشنهاد، منفعت واقعی شما نهفته است و من در این سخن صداقت دارم.

خیرخواهی مؤمن آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۰ - ۷

۷- مرد ناشناس ، از جمله خیرخواهان موسی (ع) بود .

إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ

جلد - نام سورہ



- سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۴ - ۱،۲،۳

۱ - هشدار تهدیدآمیز مؤمن آل فرعون به قوم خود، از دچار شدن آنان به سرنوشتی شوم بر اثر غفلت و بی توجهی شان به خیرخواهی های او

فستذکرون ما أقول لكم

۲ - فرعونیان، سخن حکیمانه و خیرخواهانه مؤمن آل فرعون را، به خوبی درک نکرده و در غفلت شدید به سر می بردند.

فستذکرون ما أقول لكم

۳ - هدایت ها و خیرخواهی های مؤمن آل فرعون، در قومش تأثیر نگذاشت.

فستذکرون ما أقول لكم

خیرخواهی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۶ - ۵

۵ - لزوم احساس مسئولیت مؤمنان، نسبت به سعادت و فرجام خویشاوندان خود

قالوا إنا كنا قبل في أهلنا مشفقين

از این که احساس مسئولیت نسبت به خانواده، عامل رهایی به بهشت معرفی شده است، اهمیت و ضرورت آن استفاده می شود.

خیرخواهی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۲ - ۱۳، ۶، ۷، ۵

۵ نوح (ع)، پیامبری دلسوز و خیرخواه مردم

و أنصح لكم

۶ خیرخواهی نوح (ع) تنها در جهت منافع مردمان، نه آمیخته به منفعت های شخص خود بود.

و أنصح لكم

آوردن <لام> پس از مشتقات <نصیحت>، همانند <أنصح لكم>، حکایت از خلوص کامل نصیحت کننده نسبت به نصیحت شونده دارد. یعنی در نصیحتش (خیرخواهیش) هیچ شائبه منفعت شخصی ندارد و تنها خیر او را در نظر گرفته است.

۷ ابلاغ پیام های خداوند به مردم، جلوه ای از خیرخواهی

نوح برای مردم خویش بود .

أبلغكم رسلت ربي و أنصح لكم

۱۳ آگاهی نوح (ع) به حقایق از جانب خدا ، از عوامل پایداری وی در تبلیغ رسالت های الهی و خیرخواهی خالصانه برای مردم

أبلغكم رسلت ربي و أنصح لكم و أعلم من الله ما لا تعلمون

به نظر می رسد جمله <أعلم من الله .. > به منزله تعلیلی باشد برای <أبلغكم > و <أنصح لكم >. یعنی آگاه بودن من بر حقایق پوشیده بر شما مرا در ابلاغ رسالت های الهی پایداری می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۸

۸ نوح (ع) پیامبری خیرخواه و دلسوز مردم

لا ينفعكم نصحي إن أردت أن أنصح لكم

خیرخواهی هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۸ - ۷۸، ۶، ۱

۱ هود (ع) در پاسخ قوم عاد ، خویشان را مبلّغ پیام های خداوند ، خیرخواه مردم و فردی امین و سزاوار اطمینان خواند .

أبلغكم رسلت ربي و أنا لكم ناصح أمين

۶ خیرخواهی هود ، تنها در جهت منافع مردم بود ، نه آمیخته به منفعت های شخصی خویش

و أنا لكم ناصح أمين

<لام > در <لکم > اشاره به خلوص هود در خیرخواهی دارد.

۷ ابلاغ پیام های خداوند به مردم ، جلوه ای از درستکاری و خیرخواهی هود برای مردم خویش

أبلغكم رسلت ربي و أنا لكم ناصح أمين

۸ هود در میان قومش به درستکاری و خیرخواهی شهرت داشت .

أبلغکم . . . و أنا لکم ناصح أمين

آوردن <ناصح> و <أمين> به صورت وصف، در مقابل بیان تبلیغ رسالت

به صورت فعل <أبلغكم>، می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که خیرخواهی و درستکاری هود(ع) مخصوص زمان رسالت وی نبوده بلکه پیش از آن نیز بدان شهرت داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۴

۴- هود (ع) ، برادری دلسوز و خیرخواه برای قوم عاد

و اذکر أخوا عاد

واژه <أخ> چه اشاره به روابط عاطفی خویشاوندی داشته باشد و چه اشاره به اخوت معنوی، به هر حال پیامدار دلسوزی و محبت عمیق است.

خیرخواهی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۸

۱۸ عزیز مصر ( یوسف ) در دیده فرزندان یعقوب حاکمی خداشناس ، خیرخواه و اهل جود و کرم بود .

فأوف لنا الكيل و تصدق علينا إن الله يجزي المتصدقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۶

۶ یوسف (ع) از خداوند خواستار آمرزش خطاها و گناهان برادرانش شد .

یغفر الله لکم

جمله <یغفر..> می تواند دعایی باشد و می تواند خبری باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال نخست است.

دلایل خیرخواهی مؤمن آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۰ - ۸

۸- توصیه به خروج از شهر ، نمود خیرخواهی مرد ناشناس نسبت به موسی (ع)

فاخرج إني لك من النصحين

زمینه خیرخواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۲ - ۱۳

۱۳ آگاهی نوح (ع)

به حقایق از جانب خدا، از عوامل پایداری وی در تبلیغ رسالت های الهی و خیرخواهی خالصانه برای مردم

أبلغکم رسلت ربی و أنصح لکم و أعلم من الله ما لاتعلمون

به نظر می رسد جمله <أعلم من الله .. > به منزله تعلیلی باشد برای <أبلغکم > و <أنصح لکم >. یعنی آگاه بودن من بر حقایق پوشیده بر شما مرا در ابلاغ رسالت های الهی پایدار می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۸ - ۱۱

۱۱ - خیرخواهی، تبلیغ دین و ارشاد مردم به راه درست زندگی، از مقتضیات ایمان و دینداری

و قال الذی ءامن یقوم اتبعون اهدکم سبیل الرشاد

توصیف مؤمن آل فرعون به مؤمن بودن و تکرار آن در سه نوبت (آیه های ۲۸، ۳۰ و ۳۸) می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

موانع تأثیر خیرخواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۲ - ۹

۹- سرمستی و غفلت، مانع پذیرفتن نصیحت و خیراندیشی ناصحان

لعمرك إنهم لفی سكرتهم یعمهون

موانع خیرخواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۵ - ۱۰

۱۰ - استکبار و انحراف، مانع از پذیرش نصیحت و خیرخواهی

و إذا قیل لهم ... و رأیتهم یصدّون و هم مستکبرون

خیرطلبی

ادعای خیرطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۴

۴- کافران ، مدعی ارزش گرایی و خیرطلبی

لو کان خیرًا ما سبقونا إليه

خیرطلبی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء -



۸ انسان ، موجودی خیر طلب و کمال جو

يَا أَيُّهَا النَّاسُ .. فَاذْكُرُوا خَيْرًا لَكُمْ

جمله <خيراً لكم> خیرجویی و سعادت طلبی را برای انسان مفروض و طبیعی دانسته و تنها وی را به مصداق واقعی خیر و سعادت که ایمان به قرآن و پیامبر(ص) باشد، رهنمون ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۹

۹ انسان ، موجودی نیکوگزين و در اندیشه به دست آوردن بهترین ها

قُلْ أَذْكَكَ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ

خداوند، مردم را به گزینش بهترین راه و روش زندگی، با مقایسه میان دو نوع طرز تفکر و روش زیستن، فراخوانده است. این فراخوانی، گویای این نکته است که گزینش بهترین و برترین، امری طبیعی و مشترک میان همه انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۲ - ۲

۲ - انسان ، طالب خیر و دنبال بهترین ها برای خویش است .

أَذْكَكَ خَيْرٌ نَزْلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقْوَمِ

از پرسش درباره خوب یا خوب تر بودن دو نوع زندگی، می توان استفاده کرد که انسان طبیعتاً طالب خیر و به دنبال بهترین ها است و ولی در تشخیص آن ممکن است دچار خطا شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۹ - ۱

۱ - انسان ، موجودی خستگی ناپذیر در طلب خیر و منافع خویش

لَا يَسْتَمُ الْإِنْسَانُ مِنْ دَعَاءِ الْخَيْرِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۶ - ۱۲

۱۲ - انسان ، موجودی

خیر طلب و کمال جو

أنفقوا خیراً لأنفسکم

جمله <خیراً لأنفسکم>، خیرجویی و کمال طلبی را برای انسان مفروض و طبیعی دانسته و تنها وی را به مصداق های واقعی خیر و سعادت (انفاق و ..) رهنمون ساخته است.

فطرت خیر طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۹

۹- گرایش به خیر و خوبی ، امری فطری برای انسان ها

لو کان خیراً ما سبقونا إلیه

از این که حتی کافران خود را خیر جو دانسته اند، مطلب یاد شده استفاده می شود.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

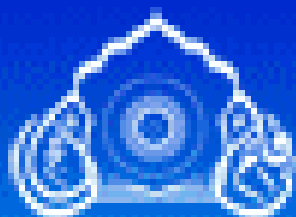
ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

